

صُورَتْ شُرُحْ مُذَكَّراتْ

مَجْلِسِ بَرْبَرِيِّ هَافَانِيِّ فَانْوَنِيِّ سَاسِيِّ
جمهُوريِّ سَلاَميِّ إِرَانِ

جَلْسَهُ اَوْلَى مَاسِيِّ وَكِيمِ



صُورَتْ مُشْرُوحَ مَذَكُورَاتْ
مَجْلِسْ بَرْسِيْ نَهَارِيْ قَانُونِ اسَاسِيْ
جَمْهُورِيْ إِسْلَامِيْ إِيرَان

جَلْسَهُ اول تَاسِيْ وَكِيم



نام کتاب : صورت مسروق مذاکرات مجلس بررسی نهائی
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

(جلد اول — جلسه اول تاسی ویکم)

ناشر : اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی
مجلس شورای اسلامی

نوبت و تعداد چاپ : ... چاپ اول — ده هزار جلد

تاریخ انتشار : آذرماه ۱۳۶۴ ، مصادف با شصتمین سالگرد همه پرسی
و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

چاپ و صحافی : چاپخانه مجلس شورای اسلامی

قیمت دوره سه جلدی : سیصد و پنجاه تومان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





فهرست مطالب

— مقدمه —

— انگیزه‌ها و اهداف عالی «قانون اساسی»
از دیدگاه فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی مستظری مدظله‌العالی
صورت مشروح مذاکرات

		جلسه افتتاحیه
۱	دوم
۱۷	سوم
۳۵	چهارم
۶۷	پنجم
۹۷	ششم
۱۲۱	هفتم
۱۴۱	هشتم
۱۶۷	نهم
۱۹۳	دهم
۲۲۰	یازدهم
۲۵۳	دوازدهم
۲۷۰	سیزدهم
۳۰۹	چهاردهم
۳۳۵	پانزدهم
۳۶۷	شانزدهم
۳۹۷	هفدهم
۴۱۷	هیجدهم
۴۴۷	نوزدهم
۴۷۷	بیستم
۵۰۳	»



۵۳۴	بیست و یکم	»
۵۵۳	بیست و دوم	»
۵۸۷	بیست و سوم	»
۶۰۷	بیست و چهارم	»
۶۲۰	بیست و پنجم	»
۶۰۰	بیست و ششم	»
۶۸۷	بیست و هفتم	»
۷۰۳	بیست و هشتم	»
۷۳۷	بیست و نهم	»
۷۶۰	سی ام	»
۷۹۰	سی و یکم	»



مردم مسلمان ایران در تداوم سالهای طولانی مبارزه در جهت محوتمامی مظاهر شرک و کفر، برقراری حکومت عدل اسلامی به رهبری وزعامت ولی فقیه را مد نظر قرار داد تا با پیروی از او زینه های مساعد برای ایجاد جامعه اسلامی و بالاخره تمهیدات لازم جهت حاکمیت جهانی اسلام را مهیا کنند. اقلاب اسلامی ایران در تحقق آرمان های اصیل امت خداجوی، از بد و پیروزی با گذار موقفیت آمیز از مراحلی چند، ثمراتی را بیار آورد که هریک نمونه و اسوهای حسنی برای مستضعفان جهان که چشم امیدشان به این انقلاب الهیست، می باشد و در این میان تدوین و تصویب قانون اساسی بی تردیدیکی از ثمرات گرانقدر آن می باشد. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی به منظور فراهم آمدن زینه های عملی مناسب جهت حاکمیت اسلام در تمامی شئونات مملکت، لازم بود قانون اساسی که میین بنیادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول اسلامی که رسالت آن عینیت بخشیدن به زینه های ذهنی نهضت در بوجود آوردن جامعه ای مبتنی بر قسط و عدل اسلامیست تدوین گردد. علیرغم مخالفتها، کارشنکنیها و زمزمه های شوم والقائات شیطانی سر سپردگان شرق و غرب در مورد نام مجلس، تعداد نمایندگان، زمان تشکیل، اصول لازم جهت تدوین و... است آگاه به پیروی از امام در مقابل تمامی این ترفیدها و دساویں ایستاد و سرانجام با گزینش خبرگانی آگاه و متعهد از میان است، مجلس خبرگان تحت عنوان « مجلس بررسی نهائی قانون اساسی » در تاریخ بیست و هشتمن مردادماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت با عضویت هفتاد و دونماینده افتتاح گردید. این مجلس با عضویت جمع کثیری از اسلام شناسان و فقهای بزرگ با کوشش های مستمر و شبانه روزی و به مدد روح اسلامی حاکم بر جوهر مجلس و حمایت قاطع امام و است در مدتی بیش از سه ماه به تنظیم و تدوین قانون اساسی توفیق یافت. این قانون که به واقع ماحصل مجاهدتها و مساعی شهیدان گرانقدیری چون شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی، شهدای محراب و دیگریا و ران امام می باشد و به حق خونبهای شهیدان نام گرفته است؛ سرانجام در روزهای یازدهم و دوازدهم آذرماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت به تصویب امام و است رسید و رسیت یافت و بدین ترتیب خطمنی نظام جمهوری اسلامی بر پایه قانون اساسی ملهم از کتاب و سنت مشخص گردید.



روابط عمومی مجلس شورای اسلامی با توجه به اهمیت و افرای که مسروچ مذاکرات مجلس خبرگان در ابعاد مختلف سیاسی ، فرهنگی ، تاریخی ، قانونگذاری و ... دارد ؛ تصمیم به انتشار آن در تیراژی وسیع و گستردگی گرفت که با استعانت از درگاه باری تعالی و زحمات فراوان اینک به تنظیم آن موفق شده ایم . در این باره توضیح چند نکته ضروری بنظر میرسد :

الف - اصول قانون اساسی که با بررسی بیش از چهار هزار پیشنهاد و ساعتها بحث و مذاکره و تدبیر و تعمق تنظیم گردیده است ، ابتدا در کمیسیونهای هفتگانه و سپس در کمیسیون مشترک و بعد از آن در شورای هماهنگی وبالاخره در جلسات علنی مجلس طرح و بررسی گردیده است و به عبارت دیگر متن کتاب حاضر تنها مشروح مذاکرات «نهائی» درباره قانون اساسی می باشد .

ب - مجلس بررسی نهائی قانون اساسی با تشکیل شصت و هفت جلسه علنی طی مدت سه ماه و بعثتها و بررسی های شبانه روزی در کمیسیونهای موقوف به انجام چنین امر بهمی گردید . کتاب حاضر جلد اول - جلسه اول تا سی و یکم - از مجموعه مشروح مذاکرات این مجلس می باشد و جلد دوم اختصاص به جلسات سی و دوم تاشصت و هفتم دارد . از آن جا که مباحث مطرحه در جلسات مجلس خبرگان سی تواند برای پژوهشگران و محققان بعنوان مأخذی معتبر مورد استفاده قرار گیرد ، تنظیم کنندگان ، جلد سوم این مجموعه را به فهرست های متنوعی از متن مشروح مذاکرات و شرح حال مختصرا از نمایندگان خبرگان اختصاص داده اند .

ج - برای رعایت امانت ، دخل و تصرفی در متن بیانات نمایندگان صورت نگرفته است و بعضی حفظ مقایمه اصلی و رعایت نکات دستوری مدنظر بوده است . مستند ما در چاپ کتاب حاضر ، متنی بوده است که از سوی اداره قوانین مجلس قبل در نسخی محدود به چاپ رسیده است .

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی به حکم حق شناسی ضمن قدردانی از کلیه برادرانی که در تهیه کتاب حاضر متتحمل زحمات فراوانی شده اند ، امیدوار است این مجموعه بتواند در انگکاس تلاشهای ارزنده و بیدریغ خبرگان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی و آگاهی هرچه بیشتر امت مسلمان و سلحشور مؤثرافتد .

با درود برآواح طیبه شهدای اقلاب اسلامی

و شهدای گرانقدر مجلس خبرگان

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی

آذرماه ۱۳۶۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَنِ الْحُكْمُ لِلَّهِ إِنَّا إِذْنَاهُ مَا أَرْسَلَ إِنَّهُ عَلَىٰ سَبِيلِ الْحَقِيقَةِ وَإِنَّهُ كَفِيرٌ

أَنْ يَقُولَ مَا لَمْ يَعْمَلْ فَالْأَرْسَلَ إِنَّهُ كَفِيرٌ

دیسرزین ایران که درست در اختیار جانخواران فست اگر کفر نه بود در پروایمان استعانت نفت میگشی دیگر نیست

و بهتری داشیم و قاطعاً زهربازانقلاب احمدیه مظلمه العالی درین ۳۵۶ انقلاب نفت پریزی رسمید.

و چون هر انقلابی معلول ارزش اراده ای خاصی است که اینکرده و حرک عالان آن می باشد، اینکرده و هدف اساسی در انقلاب

ایران تحقیق ارزش ای اینکیست قویین اسلامی بیان استغلال کمال و قطع دستگیری های سیاسی بظایی، اقتصادی فزی

از بیکاریان دستوریں بود.

آنچه در شماره ای نفت در اپیانی با وظایف هرات چندی سیلوی در طول سازرات سخت خویش خود از ۴۲ تا ۴۴ بهمن ۱۳۹۵

پنهان نج حاکم رب سازرات و فدا کار بیان چشمی خود، عایکت اسلام و حق عدالت و قطع هر کو دستگی بود. و با این اینکرده

مقدس بنظرستیم انقلاب بود که نفت پاس از پریزی، اقدام تکیل محبس خبرگان تصویب قانون اساسی نموده بیرون

بهزی و اتفق بود که آنچه حاصل ثبات کشود و گلمری نفت و حافظ حقوق بهما اشاراست قانون است و بس قانون اساسی

تکویر تمام اگر نیزه نداشته باشد عالی انقلاب و شعار ای اصولی خانجوان نهضت و تنهایی شان هنوز صالت ای نیزه نداشت

و شعار ای انقلاب برای اسلامی آینده است. از این بوداید به موقعیت قانونی و تاریخی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با خلاص بسیاری از تقدیرین داشتند محبوب شده باید مراجع عظام و پیغمبر انقلاب و تصویب اکثریت فریب.

مت رسیده، و با همیت و تمشیق آن در خط میغمارها و ارشادی اسلامی انسانی و زیرین خط مستقیم انقلاب در راه نوسانات
و جرمیات چه درست کمال توجیه شود.

امروز بعد از کدشت بیش از سه سال از پیروزی انقلاب و پیشیت نظام جمهوری اسلامی گذراز خواست نفع و فتنه دو توکنه که
گوناگون از خارج داخل اصالت و محتوی عیش قانون اساسی که ثروه خون سخشد اعیان اثاثان انقلاب است پی میریم.

البتہ این بیان معنی نیست که در قانون اساسی اکثر گران آن یعنی تحریر ای از قانون نیزی برای یکی از انقلاب نیز
نمایش نماید یعنی شخص ضعیف وجود ندارد. وجود نو اقصی را نمی بینیم میانه ای انسان بی غیر معمول است و ایمده و ایمک
شرائطی پیش آید که نو اقصی آن بعنوان تهم مطلبی کرد و لی در شرائط این اتفاق باید به بناهه نمای واهی نست، از همان

اسلامی و قانونی قانون اساسی که بر اساس کتاب خد و نبیت عقل تنظیم شده است گردد. داشتن یک قانون اساسی مصلی عیش و مدون و تقدیس از آن در شعارها کافی نیست و در دی را دوانی کند، آنچه مهم است

تو جعلی در تمام شئون داره کشور و قوای سکان آن به ارزش معتبر ای آن میباشد.

اگر نسل معاصر انقلاب متولد و عصر خود سند اصلی انقلابش ابر شئون مختلف کشور حاکم اگر اند پا انتظاری از اسلامی

آیینه که باید اتفاق بابعاد دشواره‌ای آن از لایحه صفحات یاریخ بسیار است، میتوان اثت اصل ابطوگلی آنچه را باید

مین هرگز تویی دارگاهنای مختلف کشور است و حقوق همه اقشار و بیانات کشور را تضمین می‌کند قانون است و بس.

اگر بنابراین هر فرضیه دی یا اگر کانی بخواهد اراده و منکر خود را در محیط کارش حاکم کرده باشد جزءی از خواسته از ظاهر خواهد

باید کشور نخواهد شد، وقتی که خداوند تعالی بر خاتمه سی امین بارن با همه مقام و خدمت دستور میدارد:

وَإِنْ حَكْمُهُمْ بِيَمْنَانِ إِنَّمَا أَنْزَلَ لَنَا لِتَتَبَعَّ أَهْوَاهُنَا وَمَا أَنْزَلْنَا

أَنْ لَعْنَتُنَا كَعَذْنَ عَذْنَ بَعْضٍ مَا أَنْزَلَ لَنَا لِنَكِيدَتْ (۱۴۹-۱۵۰)

یعنی: بر اساس قانون خداوند حکم کن و از خواسته‌ای آنان پریوی نکن موافق باش ترا از قانون خدا
منخرف نشند.

پر قدر امن و معاشر سه مقام و پی باشیم حق مداریم خود سلنه دیا بر اساس دابط و دوصیه ای بی تقصیم بگیریم
و اقدام نهائیم.

اینجانب ضم تقدیر از رحالت و ظایه ای پیگیر چهاره‌ای از زند و مستعدی که در تبلیغ و تصویب قانون اساسی نقش داشته است

و بخصوص این عنصری که بیفیض شهادت نائل شده از همه سیلین کشور قدیمه ای مختلف تعاضد ای نکم نمی‌پذیر

خطبیات کشور و آرائش خاطرها و مأیین حقوق همه طبقات، حرمت قانون اساسی سایر و این مصوبه کشور را در

همشون نسبت به هدایات ملت خط کشند. و مباراپسین باشد که ضحاہ مجریین ایه قانون محل نیم و نسبت طبقات

بالار وابط و ملاحظات دیگر را حاکم نیایم.

حضرت ایسرالموئسین علیہ السلام درج ابلافه نامه ۲۵ خطاب به مالک اشترمی فرماید:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ لَهُ يَقُولُ فِي عَيْرِ مَوْنِينَ :

لَكُنْ لَعْدَنَ أَمَةً لَا يُؤْخَذُ لِصَيْعَفٍ فِي حِيَاةِ تَحْمِلَهُ مِنْ أَعْوَى عَيْرِ مَسْتَعْنَعٍ

یعنی؛ باره از پیر خدا شنیدم متنی که حقن ضمیف آن را قدمدان با صراحت و تأثیرت گرفته شده منزه و پاک نخواهد

از خدای بزرگ پدرت علیت اسلام و بیاری توت هرسین و سخنیش عجبان اسفلت می نمایم.

والسلام علی جسم احوال ایشمن و حمد الله و برکاته

۱۴۰۸ هجری قمری صفحه ۲۰

حسینی سنتظری

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَأَنِ احْكُمْ بِهِنْ مَا أَرَزَلَ اللَّهُ وَلَا تَبْعِيْعَ إِهْوَانَمْ وَاصْدِرَاهُمْ إِذْ يَعْتَسُوْرُ عَنْ بَعْضِ مَا أَرَزَلَ اللَّهُ اللَّهُ»

در سرزمین ایران که درست در اختیار جنگخواه افراگرفته بود، در برداشتمان و تقدیر ملت دشمنی و همیستگی و همانها هم استار و رهبری داشتند و قاطعاً نه رهبر انقلاب امام حسین بن علیه السلام در پیش ۱۳۵۷ - انقلاب ملت به پژوهشی رسید.

و چون هر انقلاب بعلول ارزشها و اهداف خاصی از آن نیزه و محکم عاملان آن می باشد آن نیزه و هدف کراسی در انقلاب ایران تحقق ارزشها ای اسلام و حامیت قوانین اسلامی و سیر بالاستقلال کام و قطع و استقلالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از سیاستان و مستعمرین بود آنچه در اشاره کی ملت در راهیها بودند، آنچه میلتو ز طول مبارزات شد و فوئنی خود

از ۱۴ اخداد ۱۳۴۴ تا پیش ۱۴ به کل روی حکم بر بارز آنقدر کارهای بخشی می خورد حامیت اسلام و حق و عدالت و قطع هر کو و البته بود. و با این آن نیزه مقدس و مبنیظور تحکیم انقلاب بود که ملت مایس از پژوهشی، اقدام به تکمیل مجلس خبرگان و تصویب قانون اساسی خود - زیرا ملت بخوبی و اتفاق بود که آنچه عالم بسات کو و در لکم ملت و حافظ حقوق هم قرار ملت قانون امسوس. قانون که ای سیاستوری اسلام ای اندیشه که و اهداف عالی انقلاب برای اینها ای اصول صاحبان از خشت و تهیه اند ن دهنده اصلالت آن نیزه که و اشاره کی انقلاب برای اینها آینده است. از این رو باید بلوغیت قانون که ای سیاستوری اسلامی ایران که با این ای از اینقدر و داشتنند او مجاهدین تنظیم شد و تأسیس مراجع علمی و رهبر انقلاب و اصوات اکثریت قریب با تفاوت ملت کرد، و با همیست و نقش آن در حفظ معیار که و ارزشها ای اسلام

دان ن در سیم خط مسیعهم القلوب در برابر نوشتاد جوانانه همپرورد کمال توقيع شود .
احد ز بعد از لذت بس از سیم اول از سیزدهم القلوب و تدبیر نظامجمهوری اسلامی و
گذر از حوار مبلغ و فتنه کی و قوهنه کی گوناگون رزخانی و دافع باحال است و محسوس این معنی
قانون اسلامی که تهره قدر سهاد عظیم این القلوب است پیشتر . البته این بدنی نهیست
که در قانون اسلامی مانند خبرگان آن هیچ بجهه ای از قانون نویسی برای بد القلوب نویسند
هیچ شخص مخصوصی بعد ندارد . وجود فواعص لازمه طبیعی ساخته کی اما اینها غیر مقصود است
و ایند واریم که سر اعلی پس این در فاعص این بعنوان همچ بر طرف گردد .

ولی در سیم خط فعلا بناشد به بنازه کمی واهی وست ارزشها اسلامی و قانون اسلامی
بر اساس کتاب خدا و انس و معلم سلطنت شده است گردد . داشتن یک قانون اسلامی صبوری
و مبدون و تعده ای از آن در شعار که کاخ نهاد و در دیگر ادواتی نهاد . این فهم است توجیح در تمام

شئون اداره کشور و ایام سلطانه آن بر ارزشها و محسوس این می باشد .
اگر مثل معاصر القلوب نتوانند در عصر فردوسند اصلی القلوب پس را بر شئون مختلف کو رهایم که در این
چه انتظاری از شهادی آسیده (لم باید انقدر و ابعاد و شعار کی آن را از لابلای صفتی تاریخ نباشد)
می نویان داشت . اصلاً بطور کلی اینجا رابط بین همه قوای و اداره ای مختلف کو رسید و معموق
همه اق روابط کو را تضمین میکند قانون بست و بس . اگر بنا یاری شد هر فرد ویا اداره
بنواید اراده و فکر خود را در محیط کارش حاکم گردد اند جزءی و من و ختلان نظام چنین عائد کو رخواهد
و قیمه خداوند تعالی بخاتم پیغمبر ای با همی تمام عطشی دستور میدهد :

(رهایه)
« و ای احکام بینم با از زل الله ولا شیع ای هؤالم و احیزد هم ای قسوس عن بعض ما از زل الله الی »
معنی : « برا اس قانون خدا بین حرم حرم کن و از خواسته کی آمان پیروی نمکن و بوا
با اس سراز قانون خدا مخفف نشند . » پس قرار آمن و ساره تمام و پیش بگشم حق ندارم

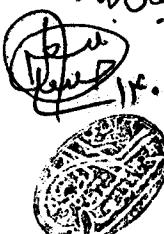
خود سرانه و یا بر اساس روابط و توصیه کسی پیمانه هم بگیرم و اقدام ننمایم.

ازین بند صحن تقدیر از زحمات و تلاش های پیغمبر حضرت آرزوی ارزشی و تتفکر که در تنظیم و تصویب تأثیرنگاری انسانی نقش داشته است و شخصیت برادران عزیزان نه بعیض افراد است ناملحدید از همه مسلمانین کوثر در تمدنهاي مختلف تقدیر میگیرم به نظرور حفظ شد است که در واردات خارجی و کارهای حقوقی همچو طبقات، حرمات تأثیرنگاری انسانی و اسرار قوانین تصویب کشور را در همین کشور و نسبت بهم اقتدار ملت حفظ نماید، و بسیار اینها باشد که ضعف و محرومیت را بقانون بخواهد و نسبت بطبقات بالا را وابط و ملاحظه است دیگر راه حکم ننمایم.

حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام در نوح الملاعنه زاده ۱۴۳ خطاب بالله شتر میفرماید:

«سمعت رسول الله صلی اللہ علیہ و آللہ یعول فی خیر موطن : لئن تقدیس ائمہ لا یؤخذ للضعیف
ذیها حق من القوى فیستَعِنْ » یعنی : «بارگزار پیغمبر خدا ایندم ملت که حقوق ضعیفین
آن را رفتو کنداں باصراء عده و قاطعیت گرفته تقدیر ملت و پاکخواهید شد»

از خدا ای بزرگ حضرت و عطیت اسلام و بیداری و قوت همه مسلمان و مستضعفین چهارما
والسلام علی جمیع اخوان امّتین و رحیم الود رکانه ۱۳۸۱ ر. ۲۴۶ بخطابی ۲۰ صفر ۱۴۰۶





جلسه افتتاحیه

صورت مشرح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه در ساعت ده روز بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و پنجم رمضان المبارک ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آیت الله حاج آقا حسین خادمی (رئیس سنی) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - انتخاب هیأت رئیسه سنی و استقرار در جایگاه.....
- ۲ - اعلام رسمیت جلسه و تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید.....
- ۳ - اجرای سرود «الله نشح لک صدر ک» توسط گروه سرود حسینیه ارشاد.
- ۴ - قرائت پیام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران در مورد قانون اساسی توسط حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی.....
- ۵ - بیانات آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران.....
- ۶ - بیانات آقای مهندس صباحیان (وزیر کشور).....
- ۷ - پایان جلسه به عنوان تنفس.....
- ۸ - تشکیل مجدد جلسه و انجام مراسم تحلیف.....
- ۹ - بیانات چند تن از نمایندگان پیرامون اعتبارنامه ها و آئین ناسمه داخلی مجلس.....
- ۱۰ - اعلام پایان جلسه.....

آقای مهندس بازرگان (نخست وزیر) به اتفاق آقایان وزراء، سفراء، خبرنگاران داخلی و خارجی و تماشچیان در جلسه حضور داشتند.
دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱- انتخاب هیأت رئیسه سنی به شرح زیر:

رئیس	آقای حاج آقا حسین خادمی
نایب رئیس	آقای میرزا محمد علی انتگیجی
دبیر	آقای موسی موسوی قهدریجانی
منشی	آقای حسن عبدی
منشی	آقای حمید الله میرمراد زهی

(هیأت رئیسه در جایگاه خود مستقر شدند.)

۲- اعلام رسمیت جلسه و تلاوت آیاتی چنداز قرآن مجید

رئیس - رسمیت جلسه اعلام نمیشود، ابتدا چند آیه از کلام الله مجید قرائت میشود.
(شرح زیر قرائت شد)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم - بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله يأمركم ان تؤدوا الامانات الى اهلها واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل
ان الله نعما يعظكم به ان الله كان سميعا بصيرا يا ايها الذين آمنوا اطعوا الله واطبعوا الرسول و
اولى الامرينكم فان تنازعتم في شيء فردوه الى الله ورسوله ان كتمتو موسون بالله واليوم الآخر
ذلك خير واحسن تأويلا.

بسم الله الرحمن الرحيم

والشمس وضعيفها والقمر اذا تليها والنها اذا جليها والليل اذا يغشيها والسماء وما بنوها
والارض وما طحيفها ونفس وما سوتها فالهمها فجورها وتفويتها قد افلح من زكيها وقد خاب من
ذسيها كذلك سموه بطغويها اذا نبغت اشقيها فقال لهم رسول الله ناقلة الله وسقيها فكذبوه فعقروها
فدم عليهم ربهم بذنبهم فسوتها ولا يخاف عقبيها.

۳- اجرای سرود «الم نشرح لك صدرك» توسط گروه سرود حسینیه ارشاد

رئیس - آکنون توسط عده‌ای از جوانان حسینیه ارشاد سرود «الم نشرح» خوانده میشود:

چراغ جاودان سوز حقیقت تابد و تابد

الم نشرح لك صدرك

الم نشرح لك صدرك

که تا از ریشه بنیاد سیاهی را براندازد



حقیقت مرد توحیدی به نامردان نمی‌سازد
به پای جان خود ارث شهیدان را نمی‌بازد

الم نشرح لک صدرک
الم نشرح لک صدرک

بیا با نغمہ روح خدائی
بزن چنگی به زنجیر الهی
میان شرق و غرب آتش و خون
اگر همراه خلق بی پناهی

الم نشرح لک صدرک
الم نشرح لک صدرک

بیا درسنگر ارشاد و توحید و عدالت
به زیر تابش خورشید خونین شهادت

الم نشرح لک صدرک
الم نشرح لک صدرک

بیا با هم درفش خون فشان زندگی را
ستانیم از کف خصم خدا و خلق و است

الم نشرح لک صدرک
الم نشرح لک صدرک

بیا با نغمہ روح خدائی
بزن چنگی به زنجیر الهی
بیا برکن زین در وادی عشق
تباهی را تباھی را تباھی

بسم الله الرحمن الرحيم

الم نشرح لک صدرک. و وضعنا عنک وزرك. الذى انقض ظهرک. و رفعنا لک ذکرک.
فان مع العسر يسرا. ان مع العسر يسرا. فاذا فرغت فانصب. والى ربک فارغب.

چراغ جاودان سوز حقیقت تابد و تابد
که تا از ریشه بنیاد سیاهی را براندازد

الم نشرح لک صدرک
الم نشرح لک صدرک

حقیقت مرد توحیدی به نامردان نمی‌سازد
به پای جان خود ارث شهیدان را نمی‌بازد

الم نشرح لک صدرک
الم نشرح لک صدرک

بیا با نغمہ روح خدائی
بزن چنگی به زنجیر الهی
میان شرق و غرب آتش و خون
اگر همراه خلق بی پناهی

الم نشرح لک صدرک
الم نشرح لک صدرک

بیا درسنگر ارشاد و توحید و عدالت
به زیر تابش خورشید خونین شهادت

الم نشرح لک صدرک
الم نشرح لک صدرک



بیا با هم درفش خون فشان زندگی را
ستانیم از کف خصم خدا و خلق و امت

الم نشرح لک صدرک
الم نشرح لک صدرک

بیا با نعمه روح خدائی
بزن چنگی به زنجیر الهی
بیا برکن زین در وادی عشق
تباهی را تباہی را تباہی

۴- قرائت پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران در مورد قانون اساسی توسط حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

رئیس-پیام حضرت آیت‌الله امام خمینی قرائت می‌شود. آفای هاشمی رفسنجانی بفرمائید.
هاشمی رفسنجانی - بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم . این پیام رهبر انقلاب است همانند همه راهنمایی‌های ایشان که در لحظات حساس تاریخ انقلاب‌مان بما می‌فرمودند ، در این لحظه حساس هم راهنمایی‌هایی برای نمایندگان محترم مجلس خبرگان فرموده‌اند که قرائت میکنم :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم

اکنون با عنایات خداوند متعال و تأیید حضرت ولی‌الله‌اعظم، عجل‌الله فرجه با یمن و برکت مجلس رسیدگی پیش نویس قانون اساسی کار خود را شروع می‌کند. بجا است تذکراتی به ملت شریف و حضرات علمای عظام و سایر وکلای محترم بدهم:

۱- برهیج یک از آنانکه از انقلاب اسلامی ایران اطلاع دارند پوشیده نیست که انگیزه این انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بوده و ملت ما در سراسر کشور از مرکز تا دور افتاده‌ترین شهرها و قراء و قصبات با اهداء خون و فرباد «الله‌اکبر» جمهوری اسلامی را خواستار شدند و در رفاندم بی‌سابقه و اعجاب آور با اکثریت قریب به اتفاق به «جمهوری اسلامی» رأی دادند و دولت‌های اسلامی و غیر اسلامی، رژیم و دولت ایران را به عنوان «جمهوری اسلامی» برسمیت شناختند.

۲- با توجه به مراتب فوق، قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صد درصد براساس اسلام باشد. و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت است. براین اساس هر رأی یا طرحی که از طرف یک یا چند نماینده به مجلس داده شود که مخالف اسلام باشد، مردود و مخالف مسیر ملت و جمهوری اسلامی است و اصولاً نمایندگانی که براین اساس انتخاب شده باشند و کالت آنان محدود به حدود جمهوری اسلامی است و اظهار نظر رسیدگی به پیشنهادهای مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری خروج از حدود و کالت آنها است.

۳- تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام منحصرآ در صلاحیت فقهای عظام است که الحمد لله گروهی از آنان در مجلس وجود دارند. و چون این یک امر تخصصی است، دخالت وکلای محترم دیگر در این اجتهاد و تشخیص احکام شرعی از کتاب و سنت دخالت در تخصص دیگران بدون داشتن صلاحیت و تخصص لازم است. البته در میان نمایندگان افراد فاضل ولایقی



هستند که در رشته های حقوقی و اداری و سیاسی تخصص دارند و صاحب نظرند که از تخصصشان در همین جهات قوانین استفاده می شود و در صورت اختلاف متخصصشان، نظر آنکه معتبر است.

۴- من با کمال تأکید توصیه میکنم که اگر بعضی ازوکلای مجلس تمایل به مکاتب غرب یا شرق داشته یا تحت تأثیر افکار انحرافی باشند، تمایل خودشان را در قانون اساسی جمهوری اسلامی دخالت ندهند و مسیر انحرافی خود را از این قانون جدا کنند، زیرا صلاح وسعت ملت ما در دوری از چنین مکتبهایی است که در محیط خودشان هم عقب زده شده و رویه شکست و زوال است.

از گفته ها و نوشته های بعضی از جناحها بدلست می آید: افرادی که صلاحیت تشخیص احکام و معارف اسلامی را ندارند، تحت تأثیر مکتبهای انحرافی، آیات قرآن کریم و متون احادیث را به میل خود تفسیر کرده و با آن مکتبها تطبیق مینمایند و توجه ندارند که مدارک فقه اسلامی بر اساسی مبتنی است که محتاج به درس و بحث و تحقیق طولانی است و با آن استدلال های مضحك و سطحی و بدون توجه به ادله معارض و تبررسی همه جانبه، معارف بلند پایه و عمیق اسلامی را نمیتوان بدلست آورد و بن انتظار دارم محیط مجلس خبرگان از چنین رویه ای بدوری باشد.

۵- علمای اسلام حاضر در مجلس اگر ماده ای از پیش نویس قانون اساسی ویاپیشهاد های وارد را مخالف با اسلام دیدند، لازم است با صراحة اعلام دارند و از جنجال روزنامه ها و نویسنده های غرب زده نهارند که اینان خود را شکست خورده می بینند و از مناقشات و خردگیریها دست بردار نیستند.

۶- نمایندگان محترم مجلس خبرگان باید همه مساعی خویش را بکار بزنند تا قانون اساسی، جامع مزايا و خصوصيات زیر باشد:

الف - حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت، دور از تبعیض های ناروا.

ب - پیش بینی نیازها و منافع نسلهای آینده آنکونه که مدنظر شارع مقدس در معارف ابدی اسلام است.

ج - صراحة و روشنی مفاهیم قانون، بخوبی که امکان تفسیر و تأویل غلط در مسیر هوشهای دیکتاتورها و خود پرستان تاریخ در آن نباشد.

د - صلاحیت نمونه و راهنمای قرار گرفتن، برای نهضت های اسلامی دیگر که بالهای از انقلاب اسلامی ایران در صدد ایجاد جامعه اسلامی برمی آیند.

در خاتمه از خداوند متعال توفیق و تأیید همگان را خواستار و امیدوارم به برکت تلاش آقایان قانون اساسی واقعاً اسلامی و مترقب بتصویب برسد.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته - روح الله الموسوي الخميني
رئیس - تکییر بگوئید (حضرار همه تکییر گفتند)

۷- بیانات آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

رئیس - آقای مهندس بازرگان بفرمایید.

مهندس بازرگان (نخست وزیر) - بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لننهندي لولا ان هدين الله.



بنام خداوند ذوالجلال و بنا بماموریتی که رهبر عالیقدر انقلاب حضرت امام خمینی در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ بدولت موقت تفویض کرده‌اند، مقتخرم مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را افتتاح نمایم و از این تصادف زمانی همگی خوشحال باشیم که نام و ننگ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با خاطره شیرین یکی از گامهای پیروزی مبارزات ضد استبدادی ملت ایران زدوده میگردد.

بحول و قوه الهی وبا فداکاری و همکاری مردم شرافتمند ایران پس از واژگونی نظام استبدادی ۲۰۰ ساله، دولت توفیق یافت چهار مرحله از پنج مرحله مأموریت خود را علی‌غم کارشکنیهای مستمر بداندیشان داخل و خارج و مشکلات استثنائی دوران حاضر طی نماید.

روز جمعه ۹ تیرماه ۱۳۵۸، انتخابات سراسری کشور برای تعیین ۷۳ نفر نمایندگان محترم—بنحوی که سالمتر، بی‌خشش‌تر و بی‌دخالت‌ترازت‌ تمام ادوار بعد از انقلاب مشروطیت بود—انجام یافت و اینک افتخار دارد که انعقاد مجلس بررسی قانون اساسی جدید را به ملت ایران و به شما نمایندگان و به رهبری انقلاب تبریک گفته، طرح قانون اساسی را که درشورای طرحهای انقلاب تدوین گردیده بصویب هیأت وزیران و تصحیح و تأیید شورای انقلاب رسیده است و متن‌بین ۱۲ فصل و ۵۰ اصل میباشد، حضورتان تقدیم نماید تا مورد بررسی و تصویب نهائی برای ارائه به آراء عمومی قراردادهید.

علاوه بر طرح قانون اساسی مجموعه نظرات ابراز شده از طرف مردم را که با مساعی آقایان کارمندان دفتر مجلس سنای سابق جمع آوری و تنظیم شده است و آقای دکتر بیدالله مجاحی وزیر مشاور در طرحهای انقلاب بعداً توضیحات لازم را بعرض خواهند ساند، ضمیمه مینمایم.

اینک وظیفه بس خطیر و مسؤولیت تاریخی بس عظیم در پیشگاه خاق و خالق بدش نمایندگان گرامی گذارده شده است. از خداوند کریم آزوی دقت و سرعت و موفقیتتان را در این امر مهم دارم.

بار امانتی که از طرف ملت و بدون تعاق به صنف خاص بعهده گرفته‌اید، نه تنها شمارا در برابر مبارزین و شهیدان گذشته و در برابر نسل حاضر ایران مسؤول کرده است، بلکه جوابگوی نسل‌های آینده نیز خواهید بود. ضمن آنکه فراموش نخواهید فرمود که با توجه به استقبال شایان و احساسات فراوان و مشارکت معنوی تمام مردم متهمیده و عدالت طلب جهان مخصوصاً مسلمانان نسبت به انقلاب پیروزمند ایران و علاقه و میل به تأسی که طبعاً به جمهوری اسلامی دارند، قانون اساسی ما به تعبیری قانون اساسی همه مسلمانان و معرف نظام حکومتی اسلام خواهد بود. هم حق تاریخ و ملت ایران باید بنحو احسن در آن اداشود و هم حق مسلمانان چهارگوشه دنیا در آئین الهی ابراهیم. بنابراین جا دارد بمصداق «ان‌الدین عن‌نالله‌الاسلام» و فرمان «تعالوا الی کلمة سوا» انکاس آینده جهان شمولی قرآن باشد.

در طرح تقدیمی آنچه از اصول آزادی، حق انتقاد، حاکمیت ملی و رأی اکثریت آمده است، نهار مغان مغرب زمین و تقلید و تحمیل بیگانگان است و نه میراث نظام شاہنشاهی مخلوع، بلکه در تغییرهای اختیار، امر معمور، نهی از نکر و دستور مشورت، محتوى اصولی است منطبق با قرآن و منبعث از مشیت الهی ازلی رحمان.

بنمایندگی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران توفیق همگان را در آنچه رضای خداو



خیر هموطنان است برای تسریع در تصویب لایحه تقدیمی و حسن انجام چنین رسالت تاریخی آرزو مینمایم.

رئیس — تکبیر بگویید (حضور همه تکبیر گفتند)

۶— بیانات آقای مهندس صباغیان (وزیر کشور)

رئیس — آقای وزیر کشور بفرمائید.

وزیر کشور (مهندس صباغیان) — بسم الله الرحمن الرحيم،

در سرآغاز کار این مجلس تاریخی که پس از بیست و پنج قرن سلطه طاغوت های نظام شاهنشاهی برسنوشت ملت ما و به برکت پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران بربری امام تشکیل میشود، جای آن دارد که سپاس و تشکر بیکران خود را به درگاه پروردگار توانا که ما را از نعمت و موهبت حاکمیت به سرنوشت خود بهره مند گردانیده است عرضه داریم. من بعنوان یک مسلمان و بنده کوچک خدا که در این روزهای تاریخی و دوران ساز توفیق انجام خدماتی کوچک در کاینه دولت موقت انقلابی را دارم با اغتنام از فرصت وی حکم وظیفه اسلامی و به اعتبار مسؤولیت فعلی خود لازم میدانم نکاتی چند را در محضر این مجلس محترم یادآوری نمایم. و از اینکه سخنانی گراف می گوییم پوشش می طلبم.

نخست آنکه این واقعیت را مد نظر داشته باشیم که دهها هزار شهید بخون خفته انقلاب مقدس ما و ملتی استمدیده در طول تاریخ شاهنشاهی چشم انتظار به حاصل کار این مجلس دوخته اند و شاهد و ناظر بجزیره ای از میباشند. خواهر و برادران مسلمان ارجمندی که بر کرسی نایندگی این مجلس قرار گرفته اند در مقابل خدا و نسل حاضر و نسلهای آینده این مملکت مسؤولیتی بس خطیر و بزرگ را پذیرا شده اند و مسلم است که با درک عمیق این مسؤولیت به کار برسی و تدوین نهائی قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران که در واقع باشیست منشور آزادی ملت و جوابگویی انتظارات بحق امت انقلابی ما باشد می پردازند. ملت مسلمان ما که در جریان انقلاب دوران ساز خود عالیترین و والاترین مقاومیت انقلابی نظیر شهادت، پارسائی و ایثار در راه خدا و مستضعفین خلق را به جامعه بشریت عرضه داشت، از قوانین اساسی حاکم برسنوشتیش انتظار دارد که مبشر پی ریزی آینه ای از انسانهای آزاد و پویا شود که در آن موانع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از سر راه رشد و تکامل انسانی او برداشته شده و استمرار انقلاب اسلامی و سیورت نفوس مستعد را به سوی قرب الهی تضمین نماید. و این روح حاکم برمجموعه اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی میباشد.

از طرف دیگر برای آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ما از اعتبار ذاتی و فی نفسه برخوردار باشد باشیست تمام اقتشار و آحاد ملت را در زیر چتر حمایت خود قرار دهد و در واقع منشور همبستگی ملی و وحدت کلمه ملت ایران گردد. لذا انحصار طلبی ها و تفرقه گراییهای تواند ونباید در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ما جائی داشته باشد، چرا که استمرا انقلاب اسلامی و بقای جامعه اسلامی ایران مقدم برهمه چیز است و بدون شک خواهر و برادرانی که از طرف ملت ایران مأمور برسی و تدوین این قانون گردیده اند، به پیروزی انقلاب مقدس ما که همانا وحدت کلمه ملت ایران بوده واقف هستند و بخوبی به ندای آسمانی قرآن کریم توجه دارند که:



«ولاتکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوه انکاٹا تتخذون ایمانکم دخلا بینکم ان
تکون امة هی اربی من امة»
بمانند آنکسی که رشته های خود را از تاییدن و استحکام، واتایید و پنبه کرد، نباشد.
و به زیان حال ما، قربانیها و شهادت ها و اسارت هائی را که در راه پیروزی انقلاب متحمل
شده اید، بهدر ندهید. بهچه طریق این مایه گزاری ها بهدر خواهد رفت؟

جواب — «تتخذون ایمانکم دخلا بینکم ان تکون هی اربی من امة» ازرا هی که
مسئولیتها و تعهدات و پیمانهای خود را وسیله استفاده شخصی یا گروهی و یا قدرت طلبی
قرار دهید تا آنکه دسته ای فرون پهراهتر از دسته های دیگر بشود.

قرآن میفرماید کاری نکنید که جامعه تان این چیزین بشود یعنی اصل را باید براين گذاشت
که دسته و گروهی بر دسته و گروه دیگر امتیاز و برتری سیاسی خاصی نداشته و از قدرت پیشتری
برخوردار نباشد و در تحلیل نهائی قدرت سیاسی بمعنی واقعی ملی شود.

و در همینجا چه نیکو و بجاست که به فرازی از سفارشات امام علی(ع) امیرالمؤمنین
به مالک اشتر عنایت کنیم آنجا که میفرماید: «ای مالک در صورت برخورد با منافع خاص خود
و عame مردم، همیشه خوشنودی و رضایت توده را برخوشنودی خواص مقدم بدار، درست است
که آنان با این عمل تو خواهند رنجید ولی با رنجش توده های مردم قابل مقایسه نیست و
نارضائی آنان با خوشنودی عمومی قابل گذشت است، پس با تمام وجود در جلب رضایت اکثریت
جامعه بکوش زیرا اکثریت است که نگهبان مملکت و حصار کشور است همیشه با توده مردم
باش و یا شادی آنان شادی کن و با غم و اندوه شان اندوه هنگ باش.

امید است نمایندگان محترم مردم مسلمان ایران با توجه به شرایطی که برسملکت
حکم فرماست و علیرغم تلاش های مذبوحانه عوامل ضد انقلاب و دشمن برای اختشاش و تفرقه
افکنی با تلاشی انقلابی کار برسی قانون اساسی را در جهت تأمین مصالح عمومی و انقلاب
مقدس مردم ایران پیگیری نموده و مجلس حاضر را به کانون همبستگی ملت ایران بدل نمایند.
و اما هموطنان مسلمان و شریف ایرانی توجه داشته باشند که با انتخاب و اعزام
نمایندگانی برای این مجلس، مسئولیت آنها بیان نرسیده و به حکم اصل مسئولیت عام در
اسلام بایستی در تمام احوال شاهد و ناظر بر کار این مجلس بوده و در جریان مباحث و مصوبات
آن قرار گیرند، و بخصوص از خواهان و برادران صاحب نظر و خیره انتظار دارد در طول مدت
برقراری این مجلس از طریق وزارت کشور و با اطلاع قبلی در جلسات عمومی مجلس بعنوان
ناظر شرکت نمایند تا بخواست خدای بزرگ و طبق فرمایش رهبر انقلاب و با همت شما
نمایندگان منتخب مردم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب قوانین اسلام
بررسی و تدوین گردد. توفیق همه خواهان و برادران را از خداوند متعال خواستارم.

رئیس — تکیه بگوئید (حضور همه تکیه گفتند)

۷— پایان جلسه بعنوان تنفس

رئیس — جلسه افتتاحیه بعنوان تنفس ختم میشود. مجددًا جلسه علنی تشکیل خواهد

شد.

(جلسه ساعت ۱۲ ختم شد)



(دراین هنگام جناب آفای نخست وزیر باتفاق آقایان وزراء بجز آفای وزیر کشور مجلس را ترک کردند)

۸- تشکیل مجدد جلسه و انجام مراسم تحلیف

ساعت دوازده ویک چهارم جلسه علنی مجدداً به ریاست آیت الله حاج آقا حسین خادمی (رئیس سنی) تشکیل شد.

رئیس - باوجودیکه همه آقایان البته از برگزیدگانند و این مراتب را همه اقدام خواهند کرد، ولی برای تأکید درطلب، قسم نامه‌ای خوانده میشود که چون قسم به قران و دیگر کتب آسمانی است همه بایستند، متن قسم نامه خوانده می‌شود و همه آنرا به دنبال من بخوانند و بعد امضاء کنند:

(متن قسم نامه به شرح زیرخوانده شد)

ما به پروردگار یکتا و دربار خلق قهرمان ایران به قران و دیگر کتب آسمانی سوگند می‌خوریم که دربررسی و تدوین قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران همواره اصول ذیل را رعایت نموده و به تحقق آن‌ها متعهد باشیم:

۱- به رژیم جمهوری اسلامی ایران که به تأیید ملت رسیده وفادار و مؤمن بوده و در راه استحکام و دوام آن کوشش نمائیم.

۲- تمامیت ارضی سلطنت و همبستگی همه اقوام ایرانی را در تحت لوای جمهوری اسلامی ایران در مدد نظرقراردهیم.

۳- به مسئولیت خطیر خود در مقابل خدا و ملت مسلمان ایران و ساموریت تاریخی که این ملت به ما واگذار کرده، توجه عمیق مبذول داشته و در جریان بررسی قانون اساسی احراق حقوق پایمال شده ملت مستبدیه ایران در طول ۲۵ قرن سلطه جباران براین سلطنت و اهداف انقلاب مقدس اسلامی را که متضمن مصالح ملی جامعه ایران است نصب العین قراردهیم.

رئیس - همه آقایان متن قسم نامه را خوانند؟ (نمایندگان - بله خوانندیم) حالا صورت اسامی خوانده میشود و یک یک تشریف می‌آورند اینجا و اضاء میفرمایند.

(اسامی نمایندگان به ترتیب زیراعلام گردید و نمایندگان به جایگاه هیأت رئیسه آمده متن قسم نامه را امضاء کردند).

آقایان؛ دکتر سید حسن آیت - جعفر اشرفی - سید کاظم اکرمی - میر محمد علی انگجی - میرزا محمد انواری - حاج شیخ هادی باریک بین - دکتر محمد جواد باهنر - حاج شیخ محمد تقی بشارت - دکتر ابوالحسن بنی صدر - دکتر سید محمد حسینی بهشتی - دکتر سرگن بیات اوشانا - سید اکبر پرورش - عبدالله جوادی آملی - محمد جواد حقیتی کرمانی - سید محمد جواد حاج طرخانی - سید منیر الدین حسینی هاشمی - شیخ عبدالرحمن حیدری - حاج آقا حسین خادمی - دکتر هرایر خالاتیان - سید محمد حسینی خامنه‌ای - سید حسین طاهری خرم آبادی - شیخ ابوالقاسم خرزعلی - مهندس عزیز دانش راد - سید عبدالحسین دستغیب - شیخ عبدالرحیم ربانی - سید محمد مهدی ربانی رانکوهی - شیخ حسین علی رحمانی - سید محمد رشیدیان - دکتر محمود روحانی - جعفر سبحانی - مهندس عزت الله سبحانی - سوید رستم شهرزادی - دکتر عباس شیبانی - لطف الله صافی - محمد صدوقی -



سید عبدالله ضیائی نیا — سید محمود طالقانی — سید جلال طاهری — حبیب الله طاهری — علی محمدعرب — حسن عضدی — مولوی عبدالعزیز سلازلزاده — جواد فاتحی — جلال الدین فارسی — میرزا علی فلسفی تنکابنی — محمد فوزی — دکتر علی قائمی امیری — سید علی اکبر قرشی — شیخ محمد کرمی — سید جعفر کریمی دیوکلاهی — سید محمد کیاووش — خانم سنیره گرجی دکتر علی گلزاره غفوری — علی سرادخانی ارنگه — میرزا علی مشکینی — شیخ ابوالحسن مقدسی شیرازی — مهندس رحمت الله مقدم سراغه‌ای — ناصر سکارم شیرازی — سید موسی موسوی قهردربیجانی — سید میر کریم موسوی کریمی اردبیلی — سید محمد علی موسوی جزایری — حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی — حسینعلی منتظری نجف‌آبادی — حمید الله میر مراد ذهی — سید محمد حسن نبوی — دکتر سید احمد نوری خشن — سید حبیب هاشمی نژاد — شیخ محمدیزدی.

و — بیانات چندتن از نمایندگان در اطراف اعتبارنامه‌ها و آئین نامه داخلی مجلس رئیس — به موجب ماده ۸۱ نظام نامه برای انتخاب هیأت رئیسه دائم اخذ رأی به عمل می‌آید.

مقدمه مراغه‌ای — بنده عرض دارم.

رئیس — آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید.

مقدمه مراغه‌ای — به نام خدا، خواستم حضور جناب رئیس عرض کنم که از نظر اصول پارلمانی دو مطلب در اینجا فراموش شده که تذکر می‌دهم. یکی اینکه طبق معمول پارلمانی، یعنی هر سچکمه و دادگاهی هم که تشکیل می‌شود اولین مطلب رسیدگی به صلاحیت‌ها و اعتبارنامه‌هاست. در اینجا هم اول باید اعتبارنامه‌ها مطرح و تصویب شود چون این اولین هیأت منتخب در جمهوری اسلامی است. مسؤولیت‌ها معلوم است، رفاندوم تکلیف را روشن کرده و امام نظرات‌شان را اعلام فرمودند و ما باید کاری بکنیم که حیثیت این مجلس رعایت شده باشد. رسیدگی به اعتبارنامه‌ها در صلاحیت این مجلس است و مطلب دیگر اینکه آقای رئیس اشاره فرمودند به آئین نامه. هیچ آئین نامه‌ای تا در اینجا تصویب نشود نمی‌تواند مورد قبول باشد. آئین نامه مجلس خبرگان باید در مجلس خبرگان تصویب شود. بنده این دو مطلب را پیشنهاد کردم و استدعا رسانیدگی به آن را دارم.

رئیس — آقای دکتر عیاس شبیانی بفرمائید.

دکتر شبیانی — به نام خداوند در هم کوبنده ستمگران ، به نام خداوندی که حکومت را مختص صالحان میداند . جناب آقای مراغه‌ای، اگر بنا است که به صلاحیت رسیدگی شود، نمایندگان این مجلس هیچ‌کدام خودشان صلاحیت ندارند، پس چگونه می‌توانند به صلاحیت دیگران رسیدگی کنند؟ صلاحیت نمایندگان را هیأت نظارت رسیدگی کرده و اعتبارنامه هارا تصویب و خدمتشان تقدیم داشته است. اگر جناب عالی خودتان به صلاحیت‌تان اعتراض دارید می‌توانید تشریف ببرید. درصورت آئین نامه که فرمودید همین مجلس آن را بایتدوین کنندی گویم مجلسی که وظیفه سنگین تدوین قانون اساسی را بر عهده دارد و وقتی مهتم از اینست که صرف آئین نامه داخلی مجلس شود. مرسوم است که آئین نامه داخلی را قبل می‌نویسند و بعد طبق آن عمل می‌کنند. در این مجلس ، جای بحث بیخودی نیست.

رئیس — آقای حسینعلی منتظری بفرمائید.



منتظری – اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ، بسم الله الرحمن الرحيم ، ویشر عباد الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه . آقایان محترم که انتخاب شده‌اند از طرف ملت برای رسیدگی به قانون اساسی ، من مطمئنم که هیچ هدفی جز اسلام و خیر ملت ایران را ندارند . قهراً یا یستی ما از همه تعصب‌ها منزه باشیم و همه آقایان هم هستند و می‌خواهند آنچه خیر است انجام گیرد . بنده دو مطلب را خواستم تذکر بدهم . یکی در سود آئین نامه است و همان‌طور که گفتند مربوط به مجلس خبرگان است که مجلس شورای اسلامی هم آئین نامه‌اش را باید خودش تنظیم و تصویب کند . این معنی ندارد که ما منتخب ملت باشیم و در جای دیگری برای کار ما آئین نامه تنظیم بکنند .

ملت صلاحیت آقایان را تشخیص داده است . آنها را برای اینکار مهم انتخاب کرده است و قهراً برنامه کارآقایان و روش کارشان را خودشان باید تصویب بکنند . بنابراین آگر آئین نامه‌ای در جائی دیگر تنظیم شده باشد ، از نظر ما اعتبار ندارد . به اصطلاح فقهی معامله فضولی است و معامله فضولی احتیاج دارد به اینکه اعضاء شود اگر مجلس اضاء کرد حجت است والا نه و در مقابل ما هم آئین نامه‌ای تنظیم کرده ایم که آنرا هم در اختیار می‌گذاریم و رأی گرفته‌می‌شود . خلاصه اینکه به آئین نامه باید رأی داده شود . مسئله دیگری که می‌خواستم عرض کنم مسئله اصل طرح پیشنهادی است . در واقع ما می‌خواهیم کاری بهترانجام داده باشیم اگر قرار باشد که یک طرح پیشنهادی دیگری داشته باشیم غیر از آین طرح که قبل منتشر شده ، آن طرح پیشنهادی باید تکثیر شده ، در اختیار آقایان گذاشته شود آنوقت آقایان نظر بدهند که کدامیک باید ملاک کار باشد ، عرض من تمام شد .

رئیس – آقای خامنه‌ای بفرمائید .

خامنه‌ای – بسم الله الرحمن الرحيم ، من به عنوان مقدمه استناد می‌کنم به فرمایشات امام یعنی استقلال این مجلس و احالت این مجلس و نظراین مجلس و استناد می‌کنم به نظر رئیس دولت و آقای وزیر کشور که صلاحیت مجلس را شناخته‌اند و معنای صلاحیت مجلس و تشکیل آن از دو باب است یکی استقلال نظر و دیگری صلاحیت تام برای قبول یارده هر چیزی که صورت قانونی داشته باشد . بد دو دلیل : یکی اینکه منتخب مردم هستند و همان مظلومی که جناب منتظری فرمودند و مردم از آنها توقع دارند و ممکن است مردم در خارج به‌ما اعتراض کنند که شما چرا این نظامنامه را قبول کردید ، دوم اینکه گمان می‌کنم که هیأت محترم دولت و آقای وزیر کشور و بقیه کسانی که این نظامنامه را تهیی کرده‌اند ، اصل بین‌المللی تفکیک دولت را قبول دارند . به‌حال این چیزی است که مدعی هستند و بارها دیده شده که اعضای دولت و آقای نخست وزیر گله کرده‌اند از مقامات غیر مسئولی که دخالت در قوه مجریه کرده‌اند و چنین ایرادی به‌جا و سزاوارهم بوده است زیرا قوه مجریه نباید مورد دخالت قوه دیگری قرار گیرد . معکوس این به‌خود آقایان وارد است ، من چون سوء نیتی در بین نمی‌بینم ، خوب نظامنامه‌ای بوده برای زینه تدوین نظامنامه داخلی مجلس ، ولی این دلیل برح‌آ کمیت آن نظامنامه برما یعنی نمایندگان ۳۶ سیلیون جمعیت ایران نخواهد بود ، اصولاً اگر قوای ثالثه یعنی قوه مقننه و مجریه و قضائیه را قبول کنیم که برعیارهای بین‌المللی اینها از هم منفک هستند و جز به‌مقدار محدود برابر با قانون اساسی که هنوز نوشته نشده است حق دخالت ندارند ، احترام این مجلس اقتضا می‌کند که در صلاحیتش دخالت نشود . و تدوین هر چیزی که صورت تقیینی



دارد در آن حدی که مقررات و مصوبات خود شورا اجازه داده است و به وسیله خود دولت به ما ابلاغ شده است و با چنین صلاحیتی مارا فرستاده اند، این صلاحیت را محترم بشمارند. نظامنامه داخلی اینجا اولین چیزی است که در تدوین قانون اساسی مؤثر است، و اشاره بفرمایش آقای منتظری می کنم چون هرچیزی که کانالی و معبری باشد و مسدود کننده و محبط و محدود کننده افکار و عقاید این جلسه باشد اعم از نظامنامه یا پیش نویس قانون اساسی هردو به طور برابر مردود است، برای اینکه اینجا هیچ نوع تلقین و تزییقی و هیچ نوع محدودیتی از لحاظ الفاظ، از لحاظ اصول و ماده و پیشنهاد نباید بشود که فکر صاف نماینده ملت به مسیری کشیده بشود. لذا اجازه بد هند نظامنامه را بپارند. نمایندگان و بنده تقاضا کردیم از مقام ریاست ولی نیاوردن اصل نظامنامه را هیچ یک از حاضرین اطلاع ندارند، اولاً اصل نظامنامه را از مقام ریاست تقاضا دارم به همه بد هند و بعد بر اساس آن یا عنوان یک پیشنهادی، میل مجلس است خواست تصویب میکنند لخواست نظریات دیگری را در آن ادغام می کند و یاری می کند و چیز جدیدی می گذارد و همچنین است بدنبال این پیش نویس قانون اساسی که به هر صورتی باشد، محدود می کند دامنه تفکر و تعمق و تصمیم نمایندگان را. تقدیم به هر یک از این اصول باعث میشود که از اصول دیگری خافل بمانند و من این را عنوان مبنای حقوقی مورد اعتقاد و قبول دولت عرض می کنم و گمان نمی کنم خود آنها هم قصد تحمیل داشته باشند. ما آماده ایم، نظامنامه را بما بسپارند. ما کمیسیون ه فری تشکیل میدهیم و در اسرع وقت دو روزه روز تمام می کنیم به برادر عزیزم آقای دکتر شیبانی عرض می کنم که ما برای این کار اینجا آمده ایم در اینجا هیچ کاری زائد نیست چون سا تشریفات را که شاید زائد بود پشت سرگذاشتیم. نظامنامه مستقیماً در سرنوشت قانون و ملت و مسلمین دنیا و اسلام مؤثر است. عرض دیگری ندارم.

رؤیس — آقای دکتر بهشتی بفرمایید.

دکتر بهشتی — بسم الله الرحمن الرحيم، در طبیعته انجام وظیفه سنگینی که برعهده گرفته ایم احساس می کنم یادآوری این اصل بخودم و دولت نام مفید باشد که سعی کنیم در هر مسئله ای و مطلبی به حداقل صحبت اکتفا کنیم و ضمناً وقتی یک مسئله ای مطرح است مسئله بعدی را مطرح نکنیم. مسئله متن را جناب آقای منتظری و جناب آقای خامنه ای مطرح کردد در حالیکه مطرح نبود و بعداً مطرح میشد، تا بتوانیم با این وقت کوتاهی که از نظر مقتضای انقلاب در پیش داریم در حداقل وقت کارهای ایمان را تمام کنیم. در مورد تصویب اعتبارنامه، همانطوری که فرمودند سنت پارلمانی صحیح است، منتهی باید دید ضرورت دارد یا نه؟ بخصوص که رسیدگی به اعتبارنامه ها باز تشکیل کمیسیون میخواهد و اگر اعتراضی باشد مورد رسیدگی قرار گیرد که این مدتی وقت میخواهد. دریک پارلمانی که عمرش ۲ یا ۴ سال است، خوب وقت این کارها هست ولی برای یک گرد همایی که باید در حداقل وقت ممکن، نمی گوییم با شتابزدگی، باید کاری را تمام بکنیم شاید وقت برای این سنت هائی که مستحب است نباشد. چون تأیید کننده اعتبارنامه ها دولت است. راجع به آئین نامه داخلی باید عرض کنم بهرحال این جلسه تا اینجا یک آئین نامه میخواست و آنچه تا اینجا انجام گرفت طبق آئین نامه بود که آنرا دیگر نمی توانست این مجلس تصویب کند آن را باید قبل از داد و شورای انقلاب تصویب می کرد و این کار را کرد ولی از این به بعد بستگی دارد به رأی



صورت شرح مذاکرات مجلس بروزی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

آقایان. از نظر بنده فکر می‌کنم رأی منصفانه این باشد که در این جلسه هیأت رئیسه دائمش را انتخاب کند و بعد هیأت رئیسه دائم در اولین جلسه کمیسیونی را برای رسیدگی به آئین نامه تعیین کند و این کمیسیون سعی کند تا امشب به این آئین نامه‌ها رسیدگی کند و فردا در جلسه مطرح شود. چون اگر آئین نامه نباشد ماباید سه روز جلسه نداشته باشیم و منتظر تصویب آئین نامه باشیم و یا اینکه انتخاب هیأت رئیسه دائم را هم ببعد از تصویب آئین نامه موکول بفرمایید، بنابراین پیشنهاد میکنم که همین الان اگر موافق هستید طبق سنت یک موافق و یک مخالف صحبت کند و بعد به رأی بگذارید و نفر را برای کمیسیون رسیدگی به آئین نامه داخلی تعیین کنید و این کمیسیون را موظف کنید که تا فردا صبح نتیجه کارش را به جلسه علنی بدهد.

رؤیس — آقای مکارم شیرازی بفرمایید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم، مجلسی است در تاریخ مملکت ما بی سابقه و در شرایطی تشکیل میشود که مملکت شدیداً نیاز دارد هرچه زودتر نتیجه کار مجلس در اختیار مردم قرار بگیرد. من یک تذکر کوتاه میخواستم عرض کنم شاید بعضی از دوستان فرمودند وقت مأکوتاه و مواد اساسنامه بسیار مفصل است هرچه صرفه جوئی در وقت بکنیم بسیار بمورد و بجاست حتی الامکان از تشریفات حذف می‌کنیم. موضوع دیگر این است که این مجلس با مجالس دیگر فرق بسیار دارد. انشاء الله در یک محیط مملو از تفاهم، بحث‌ها تعقیب نشود. من بعنوان انجام یک وظیفه عرض میکنم از مختصر خشونتی که در آغاز مجلس بچشم خورد متأثرشدم و یا نهایت معدتر از آقایانی که صحبت فرمودند عرض میکنم که ما بالاخره تابع منطقیم، استدلال میکنیم، بحث میکنیم، آخرهم به رأی شما می‌گذاریم. جای این ندارد که بحث‌ها خدای نکرده به خشونت کشیده شود، اساس اسلام است و اساس اخلاق است. اخلاق و تفاهم باید رعایت شود و رعایت خواهد شد. اما در موضوع آئین نامه، بدون شک آئین نامه الگوی کار ما است ما میخواهیم اینجا کارکنیم کارکنیم کار کار را در گران بنشینند و تصویب کنند و در اختیار ما بگذارند؟ فکر نمیکنم با هیچ منطقی جور دریاید اگر بنا است ما بنشینیم کارکنیم الگوی کار را باید خودمان تعیین کنیم، اگرقرار است دیگری بما دیکته کند این با بحث آزاد ما سازگار نیست. بنابراین آئین نامه باید اینجا تنظیم و تصویب شود. و اما اینکه آقای دکتر بهشتی فرمودند را اختیار کمیسیونی گذاشته بشود بقول آقای خامنه‌ای اصول مأئین نامه را ندیده ایم. بد همین بینیم، مطالعه کنیم نظراتی اگر رویش داشته باشیم در همین اوقات تنفس، تفاهمی، بعثی بشود بعد معلوم شود آن کمیسیونی که میخواهد انتخاب بشود و افراد را در نظر بگیرد باید چه خط سیری را تعقیب کند. عرضم را کوتاه میکنم به عنوان استفاده از وقت معدتر میخواهم.

رؤیس — آقای مهندس سحابی بفرمایید.

مهندس سحابی — بسم الله الرحمن الرحيم، من عرض مختصری دارم، فقط میخواستم یادآوری کنم این صحبت‌هایی که آقایان منتظری و خامنه‌ای فرمودند اینها در متن بحث‌های مجلس است و قبل از اینکه هیئت رئیسه مجلس انتخاب شود این بحث‌ها خارج است. قراربراین است که اولین کار این مجلس تعیین هیئت رئیسه قطعی باشد بعد وارد متن کار مجلس میشود.



این یک نکته بود بنابراین بنده پیشنهاد کفايت مذاكرات میکنم و به انتخاب هیئت رئیسه میپردازیم تا مجلس رسمی بشود. نکته دیگر اینکه این آئین نامه که فعل در اختیار ما است، برخلاف آن آئین نامه‌ای که آقای خاسنه‌ای فرمودند، آئین نامه تدوین شده دولت نیست. این آئین نامه از طریق مراجع و نهاد هائیکه در رژیم فعلی ساجنبه قانونی و مشروعیت دارد، ازان طریق گذشته است یعنی آئین نامه به وسیله دولت تهیه شده و در شورای انقلاب هم تصویب شده و نمایندگان شورای انقلاب هم پای این آئین نامه امضاء گذاشته‌اند. بنابراین مشروعیت دارد تا حالا، از این به بعد وقتی قانون اساسی تصویب شد و مراجع دیگری برای قانونگذاری تعیین شد آنوقت است که از طریق دیگری آئین نامه‌ها تنظیم خواهد شد. بنابراین تا اینجا این آئین نامه رسمیت دارد. دیگر عرضی ندارم.

رئیس — از طرف آقای مهندس سحابی پیشنهاد کفايت مذاکرات رسیده است به رأی میگذاریم. آقایانی که موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) چون اکثریت موافق هستند به این ترتیب تصویب میشود.

مقدم مراجعتی — بنده پیشنهاد تنفس میکنم.

۱۰- تعیین زمان تشکیل جلسه بعد و پایان جلسه

رئیس — جاسه تا ساعت ه بعضاً ظهر تعطیل میشود.

(جلسه در ساعت سیزده و پنج دقیقه تعطیل شد)

رئیس سنی مجلس بررسی نهای قانون اساسی — حسین خادمی





جلسه دوم

صورت مشرح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه در ساعت هفده روز بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۵۸، هجری شمسی
برابر ببا بیست و پنجم رمضان المبارک ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای سید محمد علی انگجی (نایب رئیس سنی) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱- اعلام رسمیت جلسه و بحث پیرامون کیفیت کار مجلس
- ۲- انتخاب رئیس، نایب رئیس و دبیر و دونفر منشی
- ۳- بحث درباره نحوه تدوین آئین نامه داخلی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
- ۴- انتخاب پنج نفرجهت عضویت در کمیسیون مربوط به تنظیم آئین نامه داخلی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
- ۵- تعیین زمان تشکیل جلسه بعد و پایان جلسه

دبیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱- اعلام رسمیت جلسه و بحث پیرامون کیفیت کار مجلس

نایب رئیس - جلسه رسمی است چون وظیفه هیأت رئیسه موقع، برگزاری انتخابات هیأت رئیسه دائمی است بدین ترتیب کار انتخاب هیأت رئیسه دائمی شروع میشود. آقای موسوی قهدریجانی بفرمائید.

موسوی قهدریجانی - بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض معدرت از طرف ریاست محترم از مشکلاتی که صبح پیش آمد و خود ایشان هم بدلواً بعلت کهولت سن و ناراحتی مزاج عذر خواسته بودند برنامه را ادامه میدهیم و از برادرانی که وقت گرفته بودند بعلت اینکه کفايت مذاكرات تصویب شده عذر میخواهیم و انتخابات را شروع میکنیم.

عده‌ای از نایندگان - کاندیداها را معرفی بفرمائید.

عضوی - کسی بعنوان کاندیدا معرفی نشده است بنابراین آقایان میتوانند هر کسی را مایل بودند شخصاً انتخاب بفرمائند و یا کسانیکه برای ریاست و نیابت ریاست و دیرو و دو منشی داوطلب هستند میتوانند شخصاً خود را کاندیدا کنند و یا اگر برادران، کسانی را میخواهند کاندیدا کنند، در اینجا مطرح بفرمائید. بنده آیت الله منتظری را برای ریاست و آقای دکتر بهشتی را برای نایب رئیس و آقایان دکتر روحانی و موسوی را بعنوان منشی و آقای دکتر آیت را برای دیرو پیشنهاد میکنم.

نایب رئیس - آقای حجت الاسلام ربانی بفرمائید.

ربانی رانکوهی - بسم الله الرحمن الرحيم. اگرچه قبل از ظهر پیشنهاد کفايت مذاكرات تصویب شد، اما تصور میکنم که کفايت مذاكرات در مورد چیزی که ما الان در آن بحث میکنیم نبود. بعضی نظر داشتند که درباره آئیننامه صحبت شود و بعضی صحبت از اصل قانون اساسی داشتند در این باره کفايت مذاكرات داده شد اما درباره این مطلب که الان مایتوانیم هیأت رئیسه را انتخاب کنیم یا نه، صحبتی نشد. تصور میکنم اولین کاری که باید انجام گیرد، انتخاب هیأت رئیسه است که باید بنحو صحیحی انجام گیرد. یعنی باید از آقایان نمایندگان رأی گیری شود که اگر موافقت دارند، قبل از هرچیز هیأت رئیسه مجلس طبق آئین نامه ای که قبل پیشنهاد شده بود، انتخاب شود. در صورتی که رأی موافق دادند، آنوقت است که انتخابات هیأت رئیسه را طبق همان آئین نامه انجام خواهیم داد و باین ترتیب بعد از این هم مورد اشکال قرار نمی گیرد. بنابراین ابتدا نسبت به این مطلب رأی گیری میشود که آیا قبل از هر کاری هیأت رئیسه طبق این آئین نامه انتخاب بشود یا خیر؟ این پیشنهاد من است که اگر آقایان موافقت کردند و رأی موافق به این نحوه انتخاب دادند، کاندیدا برای ریاست و نیابت و دیرو و دومنشی تعیین شود.

نایب رئیس - استدعا می کنم نمایندگان محترمی که با پیشنهاد آقای حجت الاسلام ربانی مبنی بر اینکه انتخابات هیأت رئیسه را الان شروع بکنیم، موافقت دارند قیام بفرمائید. (اکثر برخاستند) تصویب شد. خواهش میکنم اگر غیر از این کاندیداها نی که معرفی شد کاندیداها نی را در نظردارید معرفی بفرمائید در غیر این صورت مجاز استید به هر کسی که میخواهد رأی دهدید. آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد - بسم الله الرحمن الرحيم. با توجه به آنچه که دارد پیش میآید وقت ما



روی یک سری مسائل غیر ضروری بمصرف میرسد و من فکر میکنم در آینده از نظر وقت مشکلاتی خواهیم داشت، راجع به کفايت مذاکرات رأی گرفتید و این مسأله تمام شده بود و دیگر ضرورتی نداشت که دوباره طرح شود . راجع به مرحله بعدی یعنی انتخاب هیأت رئیسه که مرکب از یک رئیس و یک نایب رئیس و یک دبیر و دو منشی بود و پیشنهاد برادر میان جناب مهندسین سحابی مركب از دو بخش بود اول کفايت مذاکرات و دنباله اش رأی گرفتن برای انتخاب هیأت رئیسه که این مسأله صبح تعیین تکلیف شد و خاتمه یافت. بنابراین طرح این موضوع دیگر ضرورتی نیست و در اینجا بنظر من ضرورتی ندارد که افراد یا یاری و کاندیداهای شان را معرفی کنند و خود این عمل رأی را ازحالت مخفی بودن بیرون میآورد. بنابراین پیشنهاد می کنم اجازه بفرمایید به همان ترتیب که صبح تصویب شد عملی شود. آقایان نمایندگان به کسانیکه درنظر دارند رأی دهند و زودتر بتوانیم درمتن کار وارد شویم.

نایب رئیس — آقای مهندس سحابی بفرمایید.

مهندس سحابی — من آقای آیت الله طالقانی را به سمت رئیس و آقای آیت الله دکتر بهشتی را به سمت نایب رئیس و آقای استاد ابوالحسن بنی صدر را به سمت دبیر و آقایان اکرمی و دکتر نوربخش را به سمت منشی معرفی میکنم.

۴- انتخاب رئیس، نایب رئیس، دبیر و دونفر منشی

نایب رئیس — برای انتخاب هیأت رئیسه اخذ رأی میشود.

(در این هنگام آقایان نمایندگان و یک نفر ناظر در محل اخذ رأی حاضر شدند و نمایندگان به ترتیب زیر رأی دادند).

آقایان: دکترا آیت — جعفر اشرفی — سید کاظم اکرمی — میرزا محمد انواری — حاج شیخ هادی باریک بین — دکتر محمد جواد باهنر — حاج شیخ محمد تقی بشارت — دکترا ابوالحسن بنی صدر — دکتر سید محمد حسینی بهشتی — دکتر سرگن بیات اوشانا — سید اکبر پرورش — عبدالله جوادی آملی — محمد جواد حجتی کرمانی — سید منیر الدین حسینی هاشمی — شیخ عبدالرحمن حیدری — حاج آقا حسین خادمی — هرای خالاتیان — سید محمد حسینی خامنه‌ای — سید حسن طاهری خرم‌آبادی — شیخ ابوالقاسم خزعلی — مهندس عزیز دانش راد — سید عبدالحسین دستغیب — عبدالرحیم ربانی — محمد مهدی ربانی رانکوهی — شیخ حسینعلی رحمانی — محمد رشیدیان — دکتر محمود روحانی — جعفر سپهانی — مهندس عزت الله سحابی — موبادر شهزادی دکتر عباس شبیانی — لطف الله صافی — سید عبدالله ضیائی نیا — سید محمود طالقانی — سید جلال طاهری — حبیب الله طاهری — علی محمد عرب — حسن عضدی — مولوی عبدالعزیز ملازاده — جواد فاتحی — جلال الدین فارسی — میرزا علی فلسفی تنکابنی — محمد فوزی — دکترا علی قائمی امیری — سید علی اکبر قرشی — شیخ محمد کرمی — سید جعفر کرمی دیوکلاهی سید محمد کیاوش — خانم منیره گرجی — دکتر علی گلزاره غفوری — علی مراد خانی ارنگه — میرزا علی مشکینی — شیخ ابوالحسن مقدسی شیرازی — مهندس رحمت الله مقدم مراغه‌ای — ناصر مکارم شیرازی — سید موسی موسوی قهریجانی — سید میر کریم موسوی کرمی اردبیلی — سید محمد علی موسوی جزایری — حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی — حسینعلی منتظری نجف آبادی — حمید الله میر مراد زهی — سید محمد حسن نبوی — دکتر سید احمد نوربخش —



سید حبیب هاشمی نژاد — شیخ محمد یزدی.

(آراء مأخوذه قرائت و استخراج شد ونتیجه بهقرار زیر اعلام گردید.)

نایب رئیس — آقای آیت الله منتظری با ۰۴ رأی به ریاست مجلس خبرگان و آقای دکتر بهشتی با ۰۴ رأی به سمت نایب رئیس و آقای دکتر آیت با ۰۴ رأی به سمت دبیر و آقای دکتر روحانی با ۳۸ رأی و آقای عضدی با ۳۷ رأی به سمت منشی انتخاب شدند. از جانب آقای آیت الله منتظری خواهش میکنم به جایگاه ریاست تشریف بیاورند.

(دراین هنگام هیأت رئیسه در جایگاه مخصوص مستقر شدند.)

حسینعلی منتظری — اعوذ بالله من الشیطان الرجیم — بسم الله الرحمن الرحيم. بنده با اینکه خودم را لایق اینهمه لطف آقایان نمیدانستم ولی لطف آقایان بود که بنده را به عنوان ریاست مجلس خبرگان انتخاب کردند. این حسن نظر آقایان است و بنده لازم میدانم هم از طرف خودم و هم از طرف آقایان دکتر بهشتی و دکتر آیت و دکتر روحانی و عضدی تشکر کنم که حسن نظر داشتند و به بنده و آقایان رأی دادند و عجالتاً و سوچاً از آقای دکتر بهشتی تقاضا میکنم که امروز مجلس را اداره کنند چون ایشان الان در متن کار هستند و من امیدوارم که در آینده بتوانم آنچه را که وظیفه ام هست انجام دهم. آقایان توجه دارند که با رسنگینی بدوش آقایان گذاشته شده زیرا قانون اساسی زیربنای سیاست آینده کشور ماست امیدواریم که یک قانون اساسی که صدرصد اسلامی باشد و در آن حقوق همه طبقات حتی غیر مسلمانانی هم که در ایران هستند زیر چتر اسلام تأمین شود، و در عین حال قانونی باشد مترقی و خلاصه آنکه هم اسلامی باشد و هم مترقی. آقایان انشاء الله به این مجلس پیشتر اهمیت بد هند و سعی کنند در همه جلسات و کمیسیونها شرکت کنند و کارهای دیگر را فدای این مجلس کنند، نه کار این مجلس را فدای کار دیگر. زیرا برای دید و بازدید به تهران نیامده ایم بلکه برای تنظیم یک قانون صدرصد اسلامی و کامل مترقبی آمده ایم که بتوانیم در اختیار ملت ایران بگذاریم که با شوق و اشتیاق به اسلام رأی داده اند. ما امیدواریم که همه موقق باشیم و بتوانیم وظائمن را بخوبی انجام بدیم. آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

۳— بحث درباره نحوه تدوین آئین نامه داخلی مجلس بروسی نهائی قانون اساسی

دکتر بهشتی — بسم الله الرحمن الرحيم. رسمیت جلسه را همراه با تشکر و سپاس فراوان خود و دوستان اعلام میکنم. طبق مذاکرات قبلی قراربراین بود که اولین مطلب تصمیم گیری درباره آئین نامه داخلی مجلس باشد. چون به هر حال ادامه کار این مجلس موکول است به تصمیم گیری درباره آئین نامه داخلی و برای کارمان چون هیچ آئین نامه موردن قبول قاطعی که مشخص کنندچه باید بکنیم در دست نداریم بر طبق سنت عمل میکنیم هر چند به قول برادرمان آقای مهندس سحابی آئین نامه قبلی چون به تصویب شورای انقلاب رسیده، در حقیقت اعتبار قانونی دارد. مثل آئین نامه مجلس که در گذشته به تصویب مجلس قبلی میرسید و لی با اینحال برای پرهیز از هرگونه مباحثه فعلی بر طبق سنت عمل میکنیم تا هرچه زودتر با همت آقایان آئین نامه داخلی تهیه شود. در این زینه برای رعایت صرفه جویی در وقت که وظیفه قطعی ماست دو نفر بیتوانند صحبت کنند. آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — بسم الله الرحمن الرحيم. عذر میخواهم تذکر میدهم بحث درباره خود



آئین نامه نیست، بحث درباره کیفیت آنست. بهترین کیفیت برای تهیه آئین نامه با رعایت نهایت اختصار من تصور میکنم بحث درباره آئین نامه و کیفیت آن اصولاً در صلاحیت نمایست. ما در شرایط انقلاب به سر میبریم بعد از سرنگون شدن هر سیستم حکومتی و روی کار آمدن سیستم جدید، کانالی برای قانونگذاری دارند درهمه ابعاد که یا با تحمیل فکر و عقیده از طریق قدرت است، و یا کانالهای دیگری که وجود دارد. در مجموع هر انقلابی بعد از پیروزی یک شورای انقلاب دارد که شورای انقلاب مسؤولیت قانونگذاری را در مملکت بر عهده دارد منتهای این شورای انقلاب گاهی محصول اعمال زور و قدرت است که از طرف اقلیتی نسبت به اکثریتی انجام میگیرد، و گاهی مانند کشور ما است که شورای انقلاب به وسیله امام انتخاب میشود و اکثریت قاطع ملت با امام هستند. بنابراین انتصابات اسام به منزله انتخاب ملت است و هرجیزی را که امام انتخاب بکند، ملت روی آن رأی قاطع خواهد داد. با این ترتیب کانالی که برای قانون گذاری ما داریم شورای انقلاب است اصل این مجلس با این خصوصیات و مدت آن و تمام آنچه که در آن میگذرد و کاری که ما داریم میکنیم از یک کانال قانونی گذشته که در انقلاب کشور ما وجود دارد و آن کانال، کانال شورای انقلاب است.

آئین نامه مجلس هم درست از همین کانال گذشته است و ما صلاحیت رسیدگی به اصل آئین نامه و کیفیت آنرا نداریم زیرا که مبنای صلاحیت ما یا رأی مردم است به طور مستقیم و یا به طور غیر مستقیم نظر امام است که هیچکدام در این جهت وجود ندارد. مردم ما را برای بررسی پیش‌نویس قانون اساسی انتخاب کرده‌اند و چگونگی کار و مدت قانونی بودن دوران نمایندگی مان همه و همه در رابطه با همان کانالی است که امام میفرماید و من تصور میکنم که اگر ما در این تصویب‌نامه دستی ببریم و طبق تصویب‌نامه اصلاح شده بخواهیم این کار را بکنیم عملمان غیر قانونی است. هیچ کانال قانونی نداشته و ندارد برای اینکه تکرار می‌کنم کار ما از نظر روال کلی قانون انقلاب کشوریان. مبنای ندارد و حق دست بردن در این آئین نامه را نداریم اگر دست ببریم نیاز دارد که دوباره به شورای انقلاب برگردد و تصویب بشود و از آن معاولاً باید تا کاریمان در این مدت جنبه قانونی پیدا بکند. انتقادی که فقط در اینجا هست که وزارت کشور میباشد نظامنامه داخلی را تکثیر کند و در اختیار نمایندگان قرار بدهد که همه افراد بدانند نظامنامه داخلی چیست و به چه صورت مجلس در این مدت کار خودش را انجام میدهد. والسلام.

نایب رئیس — جناب آقای ربانی بفرمانی.

ربانی شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم . آنچه که بنظر بنده میاید حضار در مجلس، منتخبین ملت‌دیرای یک کار تخصصی، یعنی بررسی پیش‌نویس قانون اساسی که آیا این قانون، این پیش‌نویس ، اقطاب با قوانین اسلامی دارد یا ندارد؟ که اگر ندارد آنرا منطبق با اسلام بسازند. بنابراین کار آفایان یک کار تخصصی است و برنامه کار تخصصی را هم متخصصان میتوانند تعیین نمایند. کسانی که خارج از این عده هستند نمیتوانند برنامه کار آنها را تعیین کنند، مخصوصاً اینکه تعیین این برنامه در کیفیت قانونی که بعد آمورد رسیدگی واقع میشود، دخالت دارد. به این معنی که ما میتوانیم این برنامه را چندجور تدوین کنیم یکی اینکه جمیع مواد قانون از نظر آفایان بگذرد و روی آن تحقیق و تدقیق نمایند و یک قسمت اینکه نه، بیانید هر



قسمتی را بدست گروهی بسپارید که لازمه اش این است که دقت کافی و تحقیق در تمام مواد آن حاصل نشود . روی این اصل من خیال میکنم که تهیه برنامه وظیفه خود آقایان است و نه از طرف گروه دیگری که خارج از صلاحیت آنها میباشد . علاوه براین ما منتخب مردمیم نه منتخب شورای انقلاب یا دولت که بخواهند برای سایر نهادهای کمیسیونهای چند نفری مطلب دوم در رابطه با خود برنامه، آن چیزی که بنظر بندۀ میاید کمیسیونهای چند نفری تشکیل بشود ، کلیه اصول در حدود ۱۵۰ یا ۲۰۰ اصل است به اختلاف پیش‌نویسها . بعضی در حدود ۱۵۰ و بعضی در حدود ۲۰۰ اصل است . یک ماه هم ما وقت داریم اگر یک کمیسیون دوازده‌نفری را تعیین کنیم میتوانیم روزی ه یا ۷ اصل را در آن بینجاییم و آن اصولی را که برای کمیسیونها تعیین می‌کنیم، تمام افراد کمیسیونها میتوانند آن را با دقت و تحقیق بررسی کنند . بنابراین کمیت کار که به این نحو است کیفیتش هم به همین نحو باشد .

نایب رئیس – جناب آقای ربانی عذر میخواهیم اول درباره اصل تصویب آئین نامه می‌خواهیم صحبت بکنیم، نظرات آقایان درباره کیفیت در مرحله بعدی است .

ربانی شیرازی – پس اگر بحث درباره اصل برنامه است و فعلاً کیفیت مورد توجه نیست، بندۀ عقیده‌ام این است که برنامه را خود آقایان باید تعیین بنمایند . دیگر عرضی ندارم .

نایب رئیس – دونفر از آقایان وقت خواسته‌اند قبل از کفایت در مذاکرات میتوانیم بحث را ادامه دهیم . آقای منتظری بفرمائید .

منتظری – اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحيم . با تأیید فرمایشات آقای ربانی ، بعنوان تأکید عرض کنم که کاری است اساسی که سی و پنج ، شش میلیون جمعیت ایران بعهده آقایان گذاشتند و ملتی که اینهمه خون داده است، اینهمه خسارت دیده است، شما را انتخاب کرده است برای اینکه یک قانون صدرصد اسلامی در کشور ما به مورد عمل گذاشته شود . این ملت به آقایان اعتماد کرده‌اند و متد و روش کار بسیار مؤثر است که این کار خوب انجام شود، یا بدانجام شود . بنابراین وقتی که آقایان موظفند که کار را خوب انجام بدهند قهرآ بایستی آن متد و روش کار را خود آقایان با عقل خودشان ، با فکر خودشان ، انتخاب کنند ، که در یک چهارچوب معینی فکرشمارانه حضور نکرده باشند . که بگویند باید در این چهارچوب فکر کنید ، نه، آزاد باشید . اگر برای مذاکرات حد و مرزی معین میشود ، حد و مرزی است که با فکر خودشان تنظیم کرده‌اند و اصول قانون اساسی را بررسی میکنند . اینکه فرمودند شورای انقلاب ، ما همه مخلص شورای انقلاب هستیم ولی می‌دانید که شش، هفت ماه از مدت انقلاب میگذرد ، البته باز هم شورای انقلاب باید باشد ولی آنچه مردم باید صدرصد حرف شورای انقلاب را عمل کنند ، در صورتی است که یک چنین آزادی عملی نداشته باشند که در انتخابات آزادی بیانند و رأی بدهند و نمایندگان خود را انتخاب کنند و آنها را که اعتماد دارند به مجلس بفرستند . در یک چنین وقتی دیگر نمیشود گفت شورای انقلاب ، شورای انقلاب مال وقت اضطرار و وقت جنگ است ، در وقیکه تازه انقلاب شده است . اگر آرامش در کشور ما نبود ، پس انتخابات آزادی هم نبوده . ما مدعی هستیم که آرامش برقرار شده و ملت آزادانه تو انسنه است رأی بدهد و منتخبین خودشان را به مجلس بفرستند و منتخبین کار خود را انجام بدهند و کار خوب انجام دهند و کار خوب



انجام دادن توقف دارد باینکه آزاد باشند، دست و پایشان را در پوست گردو نگذارید و بگوئید شما موظفید که این جور کار کنید. بنابراین روش کار این است که خودآقایان باید انتخاب کنند. مشکرم.

نایب رئیس — آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. قسمتی از عرايضی را که بنده میخواستم بگنم، جناب منتظری و جناب آقای ربانی بيان کردن. چيزی را که بنده میخواهم اضافه کنم این است که آئین نامه داخلی این مجلس در واقع بيان طرز تفکر هیچگونه نمیتواند باشد که به من بگوید این چنین فکر کن. من باید خودم بینم چگونه بهتر میتوانم فکر کنم و اصولاً شورای انقلاب مربوط به مسائل کلی مملکت است و من فکر میکنم که اصلاً با همه احترامی که برای شورای انقلاب قائل هستیم، مسئله از حدود صلاحیت شورای انقلاب بیرون است، برای اینکه کار من و فکر من و روش فکر من از هم جدا نمیتواند باشد. این آئین نامه ای که تنظیم شده تا آنجائی که من اشاره ای در جراید دیده ام متأسفانه هنوز اصلش را به ما نداده اند و فقط اشاره ای در جراید بود. اگر آن باشد، من فکر میکنم خیلی از فکرهای ما به هدر رفته باشد. وقتی من این چنین تصور میکنم آنوقت چگونه میتوانم طبق این آئین نامه به نفع قانون اساسی ابراز نظر بگنم؟ روشی که نمیتوانم دفاع از قانون اساسی کنم آن روش را به من کسی تحمیل کند و بگوید مطابق این روش فکر کن، مطابق این روش اظهار نظر کن، مطابق این روش قانون اساسی تنظیم کن، اگر من میخواهم تنظیم و تصویب کنم، پس روش و طرز فکر را هم، من باید انتخاب بگنم و ما قبلاً با رفقاً، پر از صفا و صمیمت و تفاهم نشسته بودیم و برسی میکردیم. یک طرح هائی هست که خیلی بهتر از طرحی است که از طرف شورای انقلاب پیشنهاد شده اگر آن طرح ها عملی بشود فکر می کنم برداشت این جلسه، چند برابر بشود. آیا صحیح است آن طرحی را که ما فکر میکنیم اگر مطابق آن رفتار کنیم برداشت این جلسه چند برابر میشود، رها کنیم و چشم و گوش بسته دنبال طرحی برویم که به ما تحمیل شده است؟ شاید این تعبیر صحیح نباشد ولی بالاخره قریب به آن است و به ما تحمیل شده است. بنابراین من فکر میکنم تردیدی نباشد که هر چه زودتر طرحهای مختلفی که از طرف نمایندگان تهیه شده است در اینجا مورد بررسی قرار گیرد و انتخاب اصلاح کنیم و مطابق آن انشاء الله مشغول به کار شویم.

نایب رئیس — از آقایان منشی هاخواهش میکنم مراقبت بفرمائید دوستانی که نوبت میخواهند، نوبتشان رعایت بشود. همینطور که اول عرض کردم این جلسه را با سنت اداره میکنیم، آنهم نه سنت به معنای همه سنتهای پارلمانی معهود — چون یکی از دوستان می فرمودند با سنتی که واقعاً بتوانیم با وقت کمتر و با عدالت پیشتر این مبحث را تمام بگنیم — بعد بنده بر طبق آئین نامه عمل خواهیم کرد. به هر حال آقای دکتر شیبانی پیشنهاد کرده اند که جناب دکتر سحابی وزیر مشاور در امور طرح های انقلابی که تشریف دارند، بیایند و دلایل خودشان را در مورد اینکه چرا این آئین نامه را برای بررسی قانون اساسی پیشنهاد کرده اند، بفرمایند. البته قدر این بخش، بخش های دیگر را در جلسات دیگر توضیح خواهند فرمود. این آئین نامه قبلاً به وسیله آقایان تهیه شده، به شورای انقلاب آمده، شورای انقلاب فرست رسیدگی در جلسه عمومی را نداشت، کمیسیون مختلطی انتخاب کرده از دولت و شورا. چون طبق روال می بایست طرحی



که آقایان تهیه کرده اند، اول بروд هیأت دولت رسیدگی بشود بعد آنجا عیناً یا با اصلاحاتی تصویب بشود، آنوقت بیاید به شورای انقلاب رسیدگی بشود. چون وقت کم بود، تصمیم براین شد که یک کمیسیون مختلط از بعضی اعضای هیأت دولت و بعضی از اعضای شورای انقلاب مسؤولیت این کار را بعده بگیرند. این طرح که ملاحظه میفرمائید، مصوب آن کمیسیون است. معمول این است که به پیشنهاد رأی گرفته میشود، اجازه بفرمائید وقت را صرف رأی گیری نکیم. به هر حال توضیحات ایشان برای همه ما می تواند مفید باشد. همچنانکه توضیحاتی که آقایان داده اند، مفید بود (... خامنه‌ای — به نظر من توضیح آقای سحابی وجهی ندارد زیرا ایشان میخواهند درباره علت پیشنهاد کردن این آئین نامه توضیح بدهند، حال آنکه ماساساً موضوع آن را رد کرده ایم و گفتیم که مجلس رأساً صلاحیت دارد نظامنامه را خودش بنویسد، نه هر مقام دیگر و این امر را کم و وارد بطلب ایشان است و موضوع سخن ایشان را متنفس میکند ولزومی ندارد وقت صرف کنیم) ... از آقای خامنه‌ای و دیگران خواهش میکنم بدون نوبت صحبت فرمایند و هر کس هر صحبتی دارد لطفاً نوبت بگیرد. پیشنهادی رسیده است، طبق سنت پارلمانی یک موافق و یک مخالف روی پیشنهاد صحبت می کنند. اگر موافق باشید آقای سحابی راجع به این آئین نامه در مدت کوتاهی در همین جلسه توضیح بدهند، بنابراین کسانیکه با این پیشنهاد که آقای سحابی توضیح بدهند، موافقند، خواهش می کنم قیام فرمایند (ude کمی برخاستند) رأی کافی نیست این پیشنهاد رد شد. آقای کیاوش تشریف بیاورید.

کیاوش — بسم الله الرحمن الرحيم. الصلوة والسلام على الشهداء والصديقين والصالحين. چند نکته بود که من خواستم با اجازه حضار به سمعتان برسانم. با اینکه همچون من معلمی شاید فضولی حساب شود. باید از نظر دور نداریم که ذر ذره کار نا دراینجا و لحظه لحظه زمان ما الگوئی است و درست برای آنهاست که بعداز ما انشاء الله بزوی در مسیر اسلامی انقلاب قدم برخواهند داشت. یک اشتباه کوچک ما، حتی کوچکترینش جرم بزرگ سیاسی است و از طرف خدا و از طرف انقلابیون آینده غیرقابل بخشش است پس اگر ایمان داریم که انقلاب کرده ایم و یقیناً ایمان داریم، باید در همه شئون، انقلاب کرده باشیم. ما هیچ قانون بین المللی را - همچنانکه صحیح یکی از برادران به آن تکیه کردند نمی پذیریم و هیچ سنت دیرینه رانیز. ما انقلاب کرده ایم و جنگیده ایم با همان سنت هائی که در همین مجلس حاکم بوده، دلیلی ندارد که سیر قهرائی بکنیم. اگر انقلاب باید صورت بگیرد و گرفته، در همه شئون باید باشد، در همه ارزشها و آئین نامه ها. آنچنان که علی علیه السلام در خطبه ۱۵ به آن اشاره می فرمایند. پس هیچ سنتی و اصلی دراینجا حاکم نیست، مگراینکه اصل انقلابی باشد و خبرگان مردم جدیداً برای پیشبرد کارشان پیشنهاد و تصویب کرده باشند. امکان ندارد کسی بتواند راهی را برود بدون اینکه خودش مسیرش را انتخاب بکند. اگرچه این تهیه کننده مسیر، شورای انقلاب باشد که همه ما در مقابلشان خاشعیم. از صبح تا کنون دراینجا کارهای ضد اسلامی شده! اگرچه کوچک است ولی اگر ما این خطاهای کوچک را کوچک حساب کنیم از خطاهای بزرگ نمی توانیم جلوگیری کنیم. یکی طرز سوگند خوردن بود که با آن تفاصیلش من احساس گناه کردم که نشسته بودم و اینطور وقت ما به تبدیر گذشت. طبق سنت بود یا برای اینکه بینند چه کسی می آید یا چه کسی می رود و چگونه فیلمبرداری می کنند؟ این مراسم چه لزومی داشت؟ شاید



بیشتر از سه ربع وقت مابه آن گذشت که یک یک بیانیم اینجا وسوگندنامه را امضاء کنیم. شاید در یک دهم آن مدت امکان داشت که همه ما سوگند بخوریم و سوگند نامه را امضاء کنیم «ولکن الله یا بیان یعصی فی ارضه واولیا وهم مسکوت»، خداوند ابا دارد ازد و ستانش که بینند گناه می‌شود و آنان همچنان ساکت باشند. همه جوانب را در اینجا بر مبنای اسلامی حساب کنید. حتی من آمد و رفت خبرنگاران را حساب کردم آنها راهم برمبنای اصول اسلامی اجازه بددهید بیانندو بروند. اینجا ساخت مقدس اسلام است و تصمیم‌گیری برای اسلام. پس آمد و رفت هم در اینجا برای خواهران خبرنگار باید طبق سنت اسلامی باشد. آنچنان که خبرنگاران خارجی محجوب اینجا می‌آیند، خبرنگاران داخلی هم باید اینچنین باشند. گواینکه مسئله شاید کوچک باشد و قابل اهمیت نباشد اما از خطاهای بزرگتر باید پرهیز کنیم. دو بین مطلبی که

نایب رئیس — جناب آقای کیاوش مطالی که حضر تعالی میفرماید با نقط قبل از دستور متناسب است ولی با این بحث که الان مطرح است، نه. استدعا می‌کنم این مطالب را در اولین نقط قبل از دستور که نوبت می‌گیرید، بفرمائید.

کیاوش — بسیار خوب، پس از همین الان بعنوان قبل از دستور وقت می‌گیرم.
نایب رئیس — آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی اردبیلی — بسم الله الرحمن الرحيم، قبل تذکر داده شد که دونفر، یکی موافق و یکی هم مخالف صحبت کنندولی در جلسه قبل عملی نشد. یا چین تذکری داده نشود، یا وقتی داده می‌شود به آن عمل شود. با کمال معذرت از مقام ریاست، این تذکر را دادم، صحبت‌ها راجع به اینکه آئین نامه در صلاحیت شورا بوده یا نبوده، در صلاحیت دولت بوده یا نبوده، در موقعی که آقایان محترمی که اینجا تشریف‌دارند، اگر قرار ایشان این مطالب را دنبال کنیم و صحبت کنیم خیلی وقت می‌گیرد. تنها چیزی که می‌خواستم عرض کنم با شناختی که من از اکثر آقایان دارم هر کدام اشان در بیرون چندین کار دارند که اگر وقت شان در اینجا مصروف نشود در آن کارها مصرف می‌شود. من هیچ کاری را که در آن حتی پنج دقیقه وقت بیهوده بگذرد، نمی‌پذیرم. من کار ندارم که آئین نامه اینجا رسیدگی بشود یا نشود. اگر آقایان طرحی دارند که این آئین نامه در اینجا رسیدگی بشود، بدنه ولی طوری باشد که وقت تلف نشود. با این مشکلات که صبح با مسئله پاوه روپرو هستیم، ظهر با مسئله سندج روپرو هستیم، شب با مسئله دیگری روپرو هستیم، بحث راجع به اینکه یک جلسه غیبت کردن حق رأی را از بین می‌برد یا نمی‌برد صحیح نیست، اگر وقت و فرصت کافی بود، میرسیدیم، صحبت می‌کردیم علیی نداشت. من تقاضائی که دارم اینست که این گرفتاریها در نظر گرفته شود. مجموع وقت ما یک ماه است. در این یک ماه می‌خواهیم ۱۴۰ ماده را رسیدگی و بررسی کنیم. احیاناً طرحها و مواد دیگر هم باید بررسی شود.

بنابراین من مخالف هستم که نظامنامه اینجا طرح و بررسی شود و بهتر است در کمیسیونی بررسی شود. منتهایا با در نظر گرفتن وقت و گرفتاریها و مرحله‌ای که الان ما در آن هستیم. اگر قرار باشد اینطور ادامه پیدا کند کارهای لازمتر می‌ماند. عرض دیگری ندارم.

نایب رئیس — دو نفر از آقایان نوبت گرفته‌اند برای صحبت. دو پیشنهاد هم رسیده است. پیشنهادها را مطرح می‌کنیم و ضمناً آقایان هم می‌توانند در پیشنهاد صحبت کنند.



پیشنهاد اول، پیشنهادی است از آقای مکارم شیرازی در مورد کفایت مذاکرات و رأی گیری. ولی رأی گیری درباره چی؟ مرقوم نفرموده‌اند. میغرفستم تا تکمیل کنند. پیشنهاد دوم از آقای نوربخش است که نوشته‌اند کمیسیونی جهت بررسی آئین نامه مجلس تشکیل گردد و بعد از دو روز آئین نامه را تحویل جلسه عمومی جهت بررسی و تصویب بدهند. و در فاصله این دو روز که حدود ۲ ساعت وقت است هر یک از نمایندگان به مدت یک ربع نظر خود را راجع به پیش‌نویس قانون اساسی بیان کنند. بدین ترتیب نمایندگان محترم از نظریات یکدیگر آگاه میشوند. البته یک نماینده می‌تواند وقت خود را به نماینده دیگر بدهد. این پیشنهاد کامل است می‌توانیم به رأی بگذاریم ولی پیشنهاد آقای مکارم، مقدم است ایشان پیشنهادشان را اینطور تکمیل کرده‌اند: پیشنهاد کفایت مذاکرات و رأی گیری درباره صلاحیت این مجلس برای تنظیم آئین نامه جدید. ولی چون در این باره دو نفر پیشنهاد داده‌اند یکی اینکه اصولاً مجلس نباید دخالت کند و یکی اینکه باید دخالت کند. اما اشکالی نمی‌بینم چون آقای مقدم مراغه‌ای نوبت گرفته‌اند اول صحبت بفرمایند و نظرشان را هم راجع به این پیشنهاد بفرمایند.

مقدم مراغه‌ای — به نام خدا. بنده تصور میکنم توضیحاتی که (اجازه بفرمایید عنوان برادر خطاب کنم) برادر ربانی و منتظری فرمودند، جای هیچ توضیحی نیست و مخصوصاً اعلام رأی که شد مجلس رأی داد که آئین نامه باقیستی از طرف مجلس خبرگان تنظیم بشود. اینجا یک مسئله کلی مطرح است که آقای مکارم در پیشنهادشان روش میکنند. ما اولین هیأتی هستیم که از طرف مردم برای تنظیم قانون اساسی انتخاب شده‌ایم. هیچ وظیفه‌ای فعل غیر از این کار نداریم. البته برای خودم می‌گوییم و امیدوارم برای همه آقایان محترم هم باشد. اگر من چند کار داشته باشم باید کار اول من حضور در این مجلس و شرکت در این مذاکرات باشد. ما می‌خواهیم این قانون اساسی را آچنگان عرضه کنیم که مسئله شعونات اسلام در جهان مطرح بشود مسئله ثبات و مسئله آرامش مطرح است همین تشنجهاتی که امروز هست، ماباید کاری کنیم که آن وحدت مورد انتظار، محصول همین مجلس باشد. بنابراین عرايضم را کوتاه میکنم و در مورد هر دو پیشنهاد اغلب نظر کرده و می‌گوییم که هر دو با هم قابل تلفیق هستند. بنده با این پیشنهاد موافق هستم رأی هم احتیاج ندارد چون با رأی که چند دقیقه قبل داده شد، همه تأیید کردنده که تنظیم آئین نامه در صلاحیت مجلس خبرگان است البته همه برای این جمهوری کار میکنیم چه شورای انقلاب و چه دولت انقلاب ولی مجلس خبرگان این اولویت را دارد که منتخب مردم است و همانطور که آقای منتظری گفتند حدود ۵، ۶ میلیون مردم این مملکت به این مجلس رأی داده‌اند پس ترتیب و روشی را که چطور باید این مجلس اداره شود و عمل کند، در صلاحیت همین مجلس خواهد بود.

نایاب و پیشنهاد — آقای دکتر ضیائی بفرمایید.

دکتر ضیائی — بطور اختصار و کامل نظر خودم را خدمت سروران عزیز عرضه می‌دارم که اولاً تقصیر از هر کجا بوده نمی‌دانم، بالاخره تقصیر بوده است که تا الان ما هیچ کدام، از آئین نامه داخلی مجلس، که متده کارمان را تعیین می‌کند، خبر نداشتیم. بنابراین نظرخواهی در این مورد تصدیق بلا تصور معنی ندارد که آیا با این آئین نامه موافقیم یا مخالف فکر می‌کنیم در هر دو صورت تصدیق بلا تصور است و در شأن مجلس نیست و همانطوری که اساتید عظام فرمودند، متده کاراین مجلس نحوه بررسی و تجزیه و تحلیل در جمیع اصول است. بنابراین بعضی از موادی که شورای انقلاب یا هر



مقامی تصویب کرده، نمی‌تواند محور کار این نمایندگان باشد. شورای انقلاب که من به سهم خود در مقابله سرتنظیم فرود می‌آورم فقط باید کار را بانتظر امام تعیین کند اما نه کار به نظر خود مابسته است که چگونه پیش ببریم. نظرم این است که با فرصت کوتاهی که مادراریم و این طول و تفصیلی که این آئین نامه دارد و هنوز به دست ما نرسیده بلکه باحداقل وقت بتوانیم به بررسی و تجزیه و تحلیل و تدوین اصول قانون اساسی پردازیم و فکرمان را تا شعاع مترقبانه قانون اسلام، که جهان منتظر اوست، جولان بدھیم و دیدمان را تا آخرش بیندازیم. بنابراین در آن قسمت باید پیشتر حرکت کنیم و آقایانی که دیدشان وسیعتر است و بصیرترند، تعیین بشوند و همین امشب یک کمیسیونی بشود و فردا اصل مطلب را بعنوان یک نظامنامه تقدیم مجلس کنند و وایک قیام و قعود کار را تمام کنند و بررسی قانون اساسی را که وظیفه اصلی آقایان است شروع کنند. عرض دیگری ندارم،

نایب رئیس—آقای صافی به عنوان مخالف صحبت می‌فرمایند.

صافی—بسم الله الرحمن الرحيم، این مسئله الان مورد بحث است که آیا این آئین نامه داخلی مجلس مجدد آشناست شود، یا اینکه همانطور که شورای انقلاب نظر داده ما از همان روش پیروی کنیم؟ به نظر من با توجه به کیفیت برنامه انتخابات و اینکه امام اصرار داشته در این شرایط حساس و بحرانی هرچه کمتر وقت گرفته شود، باید قانون اساسی کشور هرچه زودتر مورد بحث و تصویب قرار گیرد. موضوع آئین نامه داخلی جنبه خصوصی دارد و از این نظر همانطور که برادر عزیزم فرمودند باید آن را با یک نشست و قیام و قعود حل کنیم، البته فکرمنی کنم به این سادگی نباشد، در شورای انقلاب مدت‌ها روی آن بحث شده و مدت رسیدگی به اصول در مجلس خبرگان تاحدی باشد و حدود باشد، چرا؟ برای اینکه بحث و گفتگو کمتر باشد چون وقت کم است و باید وقت کمتر گرفته شود و در جریان انقلاب ما وظیفه داریم یکی کار دیگری را تکمیل کند و حساب این نیست که بگوئیم چون رویش فکر شده ما با یک قیام و قعود تصویب کنیم. فکر می‌کنم که آئین-نامه تاحدی مطالعه شده و جنبه تنظیم داخلی دارد و آن هدف کلی که ما داریم بررسی قانون اساسی و انطباق آن با جمهوری اسلامی است. باید هرچه زودتر آن را به ملت ایران ارائه بدھیم تا مورد رفاندوم قرار گیرد و لزومی ندارد که وقتی مشتری گرفته شود و باید سعی مان پیشتر در تدوین قانون و تنظیم اصول اساسی باشد و مسئله انتظامات داخلی که مثلاً اگرما چند جلسه شرکت نکنیم یا بگوییم چه خواهد شد، اینها به نظرم همانطور که تا به حال روش کارما متابعت از برنامه‌ای بوده که شورای انقلاب برای ما تنظیم کرده بود و روی این اصول وارد همین محوطه شده‌ایم، بعد از این هم به همان طریق عمل کنیم و هرچه زودتر وارد در اصل مطلب بشویم، شایسته تر است.

نایب رئیس—برادرمان آقای اکرمی تذکر داده‌اند و گفته‌اند که ما با قیام و قعود درباره ضرورت اینکه با قیام و قعود رأی گرفته شود یانه، رأی گرفته‌ایم. البته در ذهنم نیست، به هر حال برادر دیگر آقای رشیدیان پیشنهاد کرده‌اند که به عنوان موافق صحبت کنند که چون قبل ایک نفر به عنوان موافق صحبت کرده است، نمی‌توانیم این را عمل کنیم و پیشنهادشان دویخش دارد که به رأی می‌گذاریم:

۱—پیشنهاد کفايت مذاکرات. ۲—دریاره صلاحیت این مجلس برای تنظیم آئین نامه جدید و عدم صلاحیت. کسانی که با کفايت مذاکرات در این زمینه موافق هستند لطفاً قیام



فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد، کسانی که باصلاحیت این مجلس برای تنظیم آئین نامه جدید موافق هستند خواهش می کنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. یک پیشنهاد رسیده است که کمیسیونی جهت رسیدگی به پیشنهادات مختلف درباره آئین نامه تشکیل شود. ضمناً با اطلاع می رسانم که تاکنون سه طرح از قانون اساسی نیز رسیده است، یکی طرح جدیدی است که با همکاری کارشناسانی که در این دفتر کار می کنند، تهیه شده و یکی هم طرحی است که برادرمان آقای منتظری داده اند. طرح دیگری هم هست که تکثیر می شود و خدمت آن را اینه می شود. اگر طرح چهارم یا پنجمی هم باشد به منشی هابدیده، آنها به دیرخانه می دهند و تکثیر می شود. پس قرار شد طرح های برای اطلاع همه تکثیر شود که همه از آن طرح مطلع شوند. اگر با مطالعه آن پیشنهادی به نظرتان رسید که منطقی بود به کمیسیون بفرستید، چون رسیدگی به یکی یک ماد و پیشنهادها واقعاً در جلسه علنی مشکل است، ناچاریم یک کمیسیونی تعیین کنیم و این کمیسیون حق تصمیم دارد، چون اگر کمیسیون حق تصمیم نداشته باشد چه فایده ای دارد؟ باید به کمیسیون حق تصمیم بدھیم تا کار خودش را درباره آئین نامه انجام دهد. بنابراین توضیحاتی که عرض کردم این است که توسط دیرخانه تکثیر شود و بخش اول پیشنهاد این است که کمیسیون را مجلس انتخاب کند و آن کمیسیون ظرف دو روز یعنی تا پایان سه شنبه نتیجه کارش را به جلسه علنی گزارش دهد. این پیشنهاد مطرح است و دو نفر از آقایان درباره این پیشنهاد وقت گرفته اند صحبت کنند. آقای ربانی بفرمائید.

روانی شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. با توجه به کمبود وقتی که بعضی از آقایان به آن اشاره می کنند، بنده با صرف دو روز وقت جلسه در این موضوع مخالفم، چون تصور می کنم این دو سه طرحی که در دسترس آقایان قرار گرفته، شب در منزل مطالعه کنند و فردا صبح در جلسه به عنوان موافق و مخالف هر طرح سخنرانی بشود و پس از سخنرانی اخذ رأی بشود و ما وقت را تلف نکنیم و به کارهای اساسی مان که رسیدگی به پیش نویس قانون اساسی است بپردازیم.

نایاب رئیس — تذکری خدمت دوستان عرض کنم ، خواهش می کنم مطالبی که شفاهای پیشنهاد می کنند پیشنهادتان را کتاباً مرتقاً بفرمایید تا نسبت به آن رأی بگیریم .

نایاب رئیس — آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. با اینکه میل ندارم مکرر مذاهم بشوم و طرفدار این هستم که حداکثر صرفه جوئی در وقت بشود، مطلبی به نظرم لازم رسید که به عرض آقایان برسانم، مثل اینکه درباره آئین نامه و تقاضی بعضی از آقایان از این آئین نامه اشتباہی شده، ما نمی خواهیم بنشنیم بحث کنیم که چند جلسه غیبت کردن چه حکمی دارد یا طرز پیشنهاد کردن و یا طریقه رأی گرفتن با قیام و قعود به چه شکل باید باشد، از آئین نامه آنچه که مربوط به این مسئله است همان را می شود پذیرفت. یک مسئله برای ما بسیار اهمیت دارد که آن را هم در یک جلسه شاید بتوانیم تمام کنیم و آن اینست که به چه نحو این ۱۵۱ اصل مورد بررسی قرار بگیرد و این پیشنهادی که در این آئین نامه هست و الان من یک مقدارش را مطالعه می کردم، فصول را جدا کرده، ۰.۱ اصل را در اختیار من و چهار نفر دیگر گذاشته و ۰.۱ اصل را در اختیار دیگری با چهار نفر دیگر گذاشته اند. ما معتقدیم این طرز تقسیم، لطمه



به اساس کار میزند. مساطر دیگری هم داریم که همه در همه مواد بررسی بکنند بدون اینکه وقت زیادی گرفته شود. با اینکه این مربوط به ماهیت مطلب است، چون شاهد اصل سخنمن هست، عرض میکنم مثلاً طرح اینست که ما ۷ گروه بشویم و این ۷ گروه هر کدامش در یک روز اعلام بشود. اصل از اصل یک تا اصل ۱۰ را بررسی کنیم.

نایب رئیس – عذر میخواهم جناب آفای مکارم طرح را ارائه بفرمائید.

مکارم شیرازی – من برای اینکه اهمیت این مسأله را در آئین نامه مشخص کنم، باید یک توضیحی عرض بکنم والا دلیل روش نمیشود. بعضی آفایان تصور فرموده‌اند که این مسائل جزئی است و وقت را می‌گیرد. باید عرض کنم این یک مسأله جزئی نیست و اساس کار ما را تشکیل می‌دهد. ما اگر بخواهیم آنچنان که در این آئین نامه تنظیم شده تقسیم بکنیم، عملاً هر قسمی از قانون اساسی در اختیار یک گروه قرار می‌گیرد، درحالی که همه گروهها در همه مسائل با صرفه جوئی در وقت می‌توانند دخالت کنند. تقسیم‌بندی می‌شود و ده‌اصل را در اختیار همه بگذارید، این ده گروه بررسی می‌کنند و عصر که شدت‌بیجه افکارشان را می‌نویسن و تکثیر می‌شود و در اختیار همه گذاشته می‌شود و همه گروهها آنها را شب مطالعه‌می‌کنند و فردای آن روز با پختگی می‌شود در اینجا مطرح کرد. من برای اینکه خارج از موضوع نشوم توضیح زیادی برای طریقی که عرض کردم نمی‌دهم ولی این نکته را باید به عرض برسانم که طرز تقسیم اصول و رسیدگی به آنها مهم است. طرز اداره جلسات و رأی‌گیری و پیشنهاد و قیام و قعود و غیبت، اینها مطلقاً برای ما مهم نیست و خیلی آسان می‌توانیم از آن بگذریم اما این مسأله با طرح‌هایی که رویش آمده باید بررسی شود که بینیم کدام طرح بهتر است. چون در نحوه کار ما فوق العاده دخالت دارد.

نایب رئیس – متشرکم چون اداره منظم جلسات عامل بسیار موثری در پیشرفت کاراست، از دولستان خواهش می‌کنم وقتی تشریف می‌آورند اینجا فقط درباره موضوعی که مطرح است صحبت کنند. به هر حال هرچه باشد حتی آنطور که آفای مکارم می‌گویند هریشنهادی هست باید یکجا رسیدگی شود خواه در جلسه عمومی یا در یک کمیسیون باشد، رامسوبی هم ندارد. پیشنهاد اول که رسیده مربوط است به اینکه کمیسیونی تشکیل شود و خصوصیاتی در این پیشنهاد است که ۲ روز یا چند روز باشد که بهتر است ما اینها را جدا کنیم و فعلاً راجع به اصل مطلب تصمیم بگیریم که آیا کمیسیون به این کار رسیدگی کند یا در جلسه عمومی به این کار رسیدگی کنیم. فکر می‌کنم اگر روی این تصمیم بگیریم به تدریج می‌رویم جلو و روی جزئیات هم می‌توانیم بحث بکنیم و به نتیجه نهائی نیز خواهیم رسید. دولستانی هم برای صحبت کردن نوبت گرفته‌اند که حتماً در این باره هست، ولی اگر بخواهیم اینجوری روی هر مطلبی ادامه بدھیم از بیعث ها فکر نمی‌کنم به جائی برسیم. حالا دویشنهاد رسیده است یکی اینکه کمیسیون با استفاده از طرح‌هایی که الان هست و با استفاده از همه نظراتی که به آن کمیسیون خواهد فرستاد با اختیار تمام آئین-نامه جدید را تهیه بکند و گزارش آنرا به مجلس بیاورد، یعنی آن آئین نامه‌ای که آنها می‌آورند تصویب شده است و آن را ماقبول داریم. پیشنهاد دوم اینکه آئین نامه در جلسه عمومی مطرح بشود برای صرفه جوئی در وقت آئین نامه‌های مختلف در دسترس آفایان قرار بگیرد و امشب مورد مطالعه قرار بگیرد و فردا مخالفین و طرفداران هر طرح نظر خود را بیان کنند و رأی‌گیری شود.



اين رأى گيري يك وقت راجع به مجموع است که يکي يکي آنها را به رأى گيري بگذاريم، يك وقت راجع به ماده ماده است ولی آقای ريانی پيشنهاد کرده‌اند که ما هرچند طرح را رسيدگی کنيم و فردا پيائيم يكى يكى مطرح کنيم و مخالف و موافق صحبت کنند و نسبت به آن رأى بگيريم و بعد دوسي و بعد سومي الى آخر. اين توضيح پيشنهاد آقای ريانی است حالا به پيشنهاد اول یعنی، کميسيوني جهت بررسی آئين نامه مجلس تشکيل بشود وبا اختياز تمام رسيدگي کند و نتيجه رابه مجلس گزارش بدهد. افراد اين کميسيون راشما انتخاب می‌کنند. راجع به اين پيشنهاد يك مخالف و يك موافق می‌توانند صحبت کنند. آقای نوربخش که پيشنهاد دهنده هستند نميتوانند به عنوان موافق صحبت‌بکنند، به علاوه پيشنهاد آقای نوربخش چون ناقص است قابل طرح نیست حالا پيشنهاد آفای ريانی قرائت می‌شود :

«براي صرفه جوئي در وقت آئين نامه هاي مختلف در دسترس آقایان قرار گيرد و امشب مورد مطالعه قرار گيرد و فردا طرفداران و مخالفین هر طرح نظر خود را بيان کنند و رأى گيري شود.» يك موافق و يك مخالف با اين پيشنهاد می‌توانند صحبت کنند. از کسانیکه نوبت گرفته‌اند آقای قرشی هستند که خواهش می‌کنم اگر بخواهند در اين مورد صحبت کنند تشریف يا اوارنده.

قرشي - بسم الله الرحمن الرحيم. بنده احساس می‌کنم ما آئين نامه تنظيم بکنيم يا تكينيم بالآخره اهم کار به اينجا خواهد رسيد که وقتیکه درباره يكى از اصول پيش‌نويس کفايت مذاكرات را اعلام کردنده، با اکثريت رأى گرفته خواهد شد و رأى اکثريت محترم و تصويب کننده قانون است، بنابراین بنده تشکيل کميسيون را اتفاف وقت می‌دانم و پيشنهاد می‌کنم با همین مسئله که مالان فرض بفرمائيد ده يا پنج اصل از پيش‌نويس را معين بکنيم و آقایان شب مطالعه بفرمایند، فردا راجع به اينها مذاکره بکنيم و رأى گرفته شود و آئين نامه فقط اين باشد که وقتی که درباره اصلی کفايت مذاکرات اعلام شد و اکثريت رأى دادند آن وقت نسبت به آن اصل رأى گرفته شود و من فکر مي‌کنم اگر مسئله را اينطور شروع کنيم هیچ اتفاف وقت نخواهيم داشت. نايب رئيس - آقای موسوي اردبيلي بفرمائيد.

موسوي اردبيلي - در مسئله‌اي که الان مورد بحث است کاري را که ما ميخواهيم از آن فرار کنيم يعني تلف نشدن وقت، عملا گرفتار آن هستيم. اين پيشنهادي که داده شده حتی با آن صورتیکه جناب آقای بهشتی فرمودند که يك کميسيوني را معين کنيم که به مجموع مواد اين نظامنامه برسد، دو سه روز خود آن کميسيون وقت خواهد گرفت و بعد از آن بياند اينجا آقایان نمایندگان درباره آن صحبت کنند. با اين احساسی که اکثر آقایان محترم مي‌کنند که اين وقت را ما برای اينكارها نداريم و پيشنهادی هم که آقای مکارم فرمودند پيشنهاد معقولی بود، پيشنهاد بنده هم اين است که قرائت مي‌کنم:

«پيشنهاد مي‌کنم اگر قرار است مواد نظامنامه مجددآ مورد بررسی قرار گيرد ، يكى دو ماده که اساسی است و دخالت در اصل تنظيم و تصويب پيش‌نويس دارد، مورد بررسی قرار گيرد، بقیه مواد طبق نظامنامه عمل ميشود.»

واما در مورد قسمتهاي ديگر، مثل اينکه خود آقایان هم قبول دارند که قسمتهاي ديگر بخشي ندارد، اما اگر اينجا مطرح بشود حتما بحث هم خواهد شد. چون اين موضوع سؤال انگيز است وقت را مي‌گيرد من اين را می‌نویسم و تقدیم مقام



ریاست میکنم که اگر قبول بفرمایند همینطور تصویب کنند.

نایب رئیس — مرقوم بفرماید، راجع به پیشنهادی که مطرح شده یکی دو نفر به عنوان مخالف اسم نوشته اند، که اگر بخواهند، میتوانند صحبت کنند (اظهاری نشد) پیشنهاد آقای ربانی قرائت میشود:

«برای صرفه جوئی در وقت آئین نامه های مختلف در دسترس آفایان قرار گیرد و امشب مورد مطالعه قرار گیرد و فردا طرفداران و مخالفین هر طرح نظر خود را بیان کنند و رأی گیری شود.»

نایب رئیس — بنده پیشنهاد آقای ربانی را به رأی میگذارم کسانیکه با این پیشنهاد موافقند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) پیشنهاد رد شد. پیشنهاد بعدی از طرف آفایان دکتر آیت — رحمانی — مقدم مراغه ای و ضیائی است و چند پیشنهاد هم بدون نام و یک که پیشنهاد هم از طرف آقای ربانی املشی رسیده که پیشنهاد کرده اند «کمیسیونی انتخاب شود که آئین نامه را تنظیم کنند و برای تصویب نهائی به جلسه علنی بیاورند». چون درباره این پیشنهاد به عنوان موافق صحبت شده اگر کسی با این پیشنهاد مخالف است میتواند صحبت کند (اظهاری نشد) من مجدداً پیشنهاد را قرائت میکنم: «کمیسیونی آئین نامه را تدوین کند و بعد نتیجه را برای تصویب نهائی به جلسه علنی بیاورد» رأی میگیریم به این پیشنهاد، کسانی که موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. با تصویب این پیشنهاد طرح پیشنهاد دیگری در این مورد میسور نیست بنابراین کمیسیون را انتخاب میکنیم. حالا رأی میگیریم به انتخاب تعداد اعضاء کمیسیون. اول — عدد پیشنهاد شده برای این کمیسیون پنج نفر میباشد رأی میگیریم به این پیشنهاد، موافقین قیام فرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد.

دوم — راجع به وقت این کمیسیون است که آقای نوربخش پیشنهاد کرده اند در عرض دو روز رسیدگی کرده و روز سوم یعنی عصر سه شنبه به جلسه بیاورند و در این دو روز هم بحث درباره کلیات و نطق قبل از دستور باشد. بنابر این کسانیکه با این پیشنهاد موافقند قیام فرمایند (از ۶ نفر عده حاضر در جلسه ۳۱ نفر برخاستند) رد شد. پیشنهاد دیگر اینستکه تا فردا شب کمیسیون کارش را تمام کند و صبح روز سه شنبه به جلسه علنی بیاورد، نسبت به این پیشنهاد رأی میگیریم، موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. بار دیگر تکرار میکنم که کمیسیون باید حد اکثر کارش را تا فردا شب تمام کرده و صبح سه شنبه آنرا به جلسه علنی بیاورد، حالا آقایانیکه داوطلب هستند در این کمیسیون عضویت داشته باشند اعلام فرمایند. آفایان منتظری، خامنه ای، طاهری اصفهانی، ربانی، موسوی، جزایری، غفوری، مکارم شیرازی، موسوی اردبیلی، طاهری و نوربخش آمادگی خود را برای عضویت در کمیسیون پنج نفری جهت بحث و تدوین آئین نامه اعلام داشته اند. حالا برای انتخاب پنج نفر از این آفایان رأی گرفته می شود.

ع — انتخاب پنج نفر جهت عضویت در کمیسیون مربوط

به تنظیم آئین نامه داخلی مجلس برسی نهائی قانون اساسی

(در این موقع برای انتخاب ه نفر اعضاء کمیسیون تنظیم آئین نامه اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد).



نایب رئیس—آقای منتظری با ۵۰ رأی، آقای مکارم شیرازی با ۹۴ رأی، آقای دکتر غفوری با ۵۴ رأی، آقای ربانی شیرازی با ۳۶ رأی، آقای موسوی اردبیلی با ۳۱ رأی برای عضویت در این کمیسیون انتخاب شدند.

۶- تعیین زمان تشکیل جلسه بعد و پایان جلسه

نایب رئیس—جلسات فردا صبح و عصر صرف بحث درباره کلیات قانون اساسی خواهد بود و چون در جلسه برای صحبت در کلیات نمی شود وقت گرفت، باید هم آکنون برای فردا وقت بگیرید، کسانی که موافقند فردا صبح و عصر جلسه داشته باشیم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. آقایان این مطلب را هم باید بدانند بعد از اعلام رأی هیچ توضیحی قابل قبول نیست وقت جلسه فردا ساعت و صبح تا وقت نماز ظهر است، کسانی که با این مورد موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. کسانی که موافقند جلسه بعد از ظهر ساعت چهار بعد از ظهر شروع شود قیام فرمایند (عله کمی برخاستند) رد شد. کسانی که با شروع جلسه در ساعت ۷ بعد از ظهر موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. بنابر این جلسه بعد از ظهر از ساعت ۷ تا وقت افطار خواهد بود جلسه را ختم می کنم. (جلسه مقارن ساعت ۸ شب ختم شد.)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه سوم

صورت مشرح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه در ساعت نه و ده دقیقه روز پیست و نهم مرداد ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با پیست و ششم رمضان المبارک ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمدحسین بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

- ۱ - اعلام رسیت و شرح دستور جلسه.....
- ۲ - اعلام اسامی گروه بررسی و تنظیم آئین نامه داخلی مجلس بررسی
نهائی قانون اساسی.....
- ۳ - ادامه بحث در کلیات پیش نویس قانون اساسی.....
- ۴ - اعلام ت نفس به مدت پانزده دقیقه.....
- ۵ - تشکیل مجدد جلسه و دنباله بحث درباره کلیات پیش نویس قانون
اساسی.....
- ۶ - پایان جلسه و تعیین زمان تشکیل جلسه بعد.....

دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱ - اعلام رسمیت و شرح دستور جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. با حضور چهل و پنج نفر از دوستان در جلسه و چهار نفر دوستانی که با اجازه مجلس در کمیسیون شرکت دارند که جمعاً چهل و نه نفر میشوند برینهای دوسم تمام نمایندگان، جلسه رسمیت دارد. دستور جلسه بحث هائی است که دوستان عزیز درباره قانون اساسی به طور کلی ایراد میفرمایند و نقطه نظرهای را که به نظرشان میرسد بیان میکنند. چون تا این لحظه پیست و دو نفر نوبت گرفته اند طبیعی است که باید گفته ها حتی المقدور در حد اختصار باشد و تا عصر امروز که فرصلت برای صحبت هست زینه برای شرکت دیگران که هنوز اسم نوشته اند، خالی میشود. همینطور که دیروز هم عرض شد هیچ سخنی جواب ندارد. گوینده بعدی میتواند ناظر به مطالب گوینده های قبلی، مطالب و نظراتش را بگوید و به طور کلی دوستان عنایت دارند که نوع برخورد آراء و افکار در چنین مجمعی همان نوع مباحثه است ولی نه به آن شکلی که ما عادت داریم یعنی وقتی کسی مطلبی گفت و ما درباره آن نظری داریم همان موقع نظرمان را میگوئیم. این «همان موقع» اش را برداشیم بقیه اش را قبول داریم کسی مطلبی دارد میگوید و ما نظری درباره آن داریم، نظرمان را یادداشت میکنیم و وقتی نویمان شد آن را اظهار میکنیم. البته از دوستان خواهش میشود که در هر مطلبی وقتی چند نفری صحبت میکنند اگر بشود یکی از دوستانی که نویشن میرسد یک جمع بندی هم از مطالب بیان شده بکند که برای حضور ذهن همه کار مفیدی کرده است.

۲ - اعلام اسامی گروه بررسی و تنظیم آئین نامه داخلی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

نایب رئیس - ضمناً با اطلاع دوستان میرسانم آرائی که در پایان جلسه روز گذشته برای انتخاب اعضاء گروه بررسی و تنظیم نظامنامه داخلی مجلس دادند، استخراج شده و نتایجش به این صورت اعلام میشود:

آقای متظری ۶۰ رأی - آقای مکارم شیرازی ۹۴ رأی - آقای غفوری ۴۷ رأی - آقای ربانی شیرازی ۳۶ رأی و آقای موسوی اردبیلی ۳۱ رأی. این پنج نفر حائزین اکثریت هستند که جلساتشان را تشکیل میدهند و انشاء الله تا امروز عصر و یا تا فردا صبح طبق قرار، نتیجه را برای استحضار آقایان به جلسه میدهند.

۳ - ادامه بحث در کلیات پیش نویس قانون اساسی

نایب رئیس - آقایانی که برای صحبت نوبت گرفته اند به ترتیب، نفر اول آقای کرمی، نفر دوم آقای غفوری، نفر سوم آقای متظری و نفرهای بعدی هم بر حسب نوبت. حالا نوبت آقای کرمی است ولی چون آقای متظری باید به کمیسیون بروند، اگر آقای کرمی موافق باشند آقای متظری اول صحبت بفرمایند، بعد جنابعالی تشریف بیاورید.



کرمی - اشکالی ندارد.

نایب رئیس - آقای متغیری بفرمایید.

منتظری - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحيم. بنده عرايضم تقریباً چند تذکر بدوستان است. تذکر اول اینکه، همانطور که میدانید الان تمام چشمهاي ملت ایران به این مجلس خبرگان دوخته شده است. بنابراین باستی که این مجلس از هرجهت الگو و نمونه باشد. خلاصه قدری بوده عرض کنم چون بیشتر نمایندگان مجلس از آقایان روحانیون هستند کسی نگوید که آقایان روحانیون در مجلس کمتر حاضر میشوند و به آن اهمیت نمیدادند، بنابراین باستی از این جهت هم الگو و نمونه باشیم که رعایت انصباط در وقت ها بشود و آقایان هم سعی کنند همان وقتی که تعیین شده تشریف بیاورند و کمتر غیبت بکنند چون کار، کار اساسی است. این کار را در حاشیه کارهای دیگر نباید قرار بدهیم، متن کارمان الان است. کارهای دیگر و دید و بازدید را فعلاً کنار بگذارید. برای اینکه شما میخواهید قانونی تنظیم کنید که سازنده کشور و تعیین کننده آینده کشور ما باشد بنابراین بهتر است که به این کار خیلی اهیت بدheim و کارهای دیگر را فعلاً کنار بگذاریم رعایت ساعت مجلس بشود اول وقت آقایان تشریف بیاورند کمتر غیبت بکنند و بیرون نزوند. خواهش میکنم این مسائل را رعایت بفرمایند. موضوع دیگر که باز میخواهیم تذکر بدهیم اینکه بعضی از رفتای ما حتی آن طرح پیشنهادی را که دوامه قبل در روزنامه ها منتشر شده نگاه نکرده اند. در صورتی که باستی ما علاوه بر آن، طرحهایی را نیز که دیگران پیشنهاد و ارسال داشته اند بررسی کنیم و از بین آنها یک طرح را که بنظرمان جامعتر است، مقیاس کارمان قرار بدهیم. یکی آن طرح پیشنهادی با ۱۵۱ اصل است که اشکالات زیادی به آن شده است که بعداً در کمیسیونها به آن رسیدگی میشود. بنده به هم خود یک روزهای را برداشت و اصلاحاتی در آن کردم و اصولی هم به آن اضافه کردم و دنبال هر اصلی یک شماره گذاشتم که شماره آخر آن یکصد و پنجاه و یک است، یعنی همان شماره اصول پیشنهادی سابق و این که الان در اختیار آقایان قرار گرفته است در حقیقت اصلاح شده آن اصول است. اصول دیگری را هم آقای صافی و آقای سید مرتضی الدین حسینی هاشمی و بعضی رفقاء نوشته اند که پنج، شش روزی روی آن کارشده است که بصورت ۱۸۸ اصل درآمده است و نسخه های آن الان بین آقایان توزیع شده است و خواهش می کنیم آقایان اوقات فراغتشان را صرف مطالعه اصول بکنند. من به هم خود مدافع این اصول هستم، چون طرح سابق بنظرمن طوری شده که اگر بخواهیم آنرا مقیاس کارمان قرار بدهیم، خیلی از اصولش را باید تغییر بدهیم و چیزی از آن باقی نمی ماند. بنظر من باید اصولی را که الان بین آقایان توزیع شد، اصل قرار بدهیم. البته نظر آزاد است، من با این که خودم یک چیزی نوشته بودم و آن را اصلاح کرده بودم، ازان صرف نظر کردم ما که تعصبی نداریم. هدف اینست که کار خوبی انجام بگیرد. اگر اصولی جامعتر و کم اشکالترا باشد بهتر است آن را مقیاس کار و مورد بحث وشور قرار بدهیم. کم کنیم، زیاد کنیم یا تصرف کنیم. بنابراین انتظاری که از نمایندگان دارم اینست که اصول را تأثیردا مطالعه و همه را رسیدگی کنند، مثلاً اصولی که توزیع شد، مطالعه کنند. اگر قرار اش تبدیل تصمیم بگیریم مقیاس کار باشد، خلاصه نظر آقایان البصیرتا باشد. اینهم تذکر دیگری بود که بنده خدمت آقایان عرض کردم. چون باید به کمیسیون بروم و راجع به آئین نامه صحبت بکنیم، از همه آقایان معدتر میخواهم و خداحافظی میکنم.

نایب رئیس - قبل از اینکه آقای کرمی تشریف بیاوزند این را عرض کنم که احساس میکنم در این جلسه برادرانه هر قدر بدون القاب - همانطوری که همیشه با یکدیگر حرف میزنیم - یکدیگر را بنامیم راحت تر و اسلامی تر است. من با اینکه عاطفه و ادب هردو ایجاب میکند با تجلیل از آقایان نام ببرم فکر میکنم اینطور مطلوب تر است. نظر دوستان چیست؟ (چند نفر از نمایندگان - همان ساده بهتر است) آقای کرمی بفرمائید.

محمد کرمی - بسم الله الرحمن الرحيم، من قبل از خواندن این لایحه از آقایان تقاضایم کنم انتقادات شریشان را بعداً من تذکربند.

در آستانه ورود در بررسی اصول مطروحه دریش نویسن قانون اساسی، اشاره به نکات زیرا لازم میدانم و آن اینست که با یاد بدانیم دین اسلام، بلکه عموم ادیان، پدیدهای است تعیین کننده نقش وحی خداوندی، نه آراء افراد و سرنوشت عموم مکفین به او ارتباط دارد، نه به خود آنها. پس جعل قانون در برابر وحی آسمانی خروج از دین است و مازاد بر اصل عقیده دینی و باز از بر اصل عبادات - که خوشبختانه این دو اصل ارتباط به اصول مطروحه ندارد - و همچنین میتواند در مازاد بر اصل معاملات و احکام و سیاست مصروفه منصوصه در قرآن یا سنت مکف با عقلاء مشورت نماید و بحصول شور عمل کند علیهذا قوانین قابل جعل و بررسی فقط همان مازادها است.

متأسفانه مطلب مزبور حتی بر تدوین کنندگان پیش نویسن قانون اساسی محل توجه نبوده و یا اصلاً درک نکرده اند و به علت عدم شناخت مبانی اسلام، پیش نویسن مزبور پرازان تعارف و اغلاط علمی بدست آمده و آنها یکیه در صدد اصلاحش برآمدند دوگروه از مردمند، یکی گروهی که پایبند هیچ عقیده ای نیستند و میخواهند زندگی مردم را با روش غربی یا شرقی تطبیق نمایند و گروهی که مقید بعقیده جامنده که تخطی از آن را جرمی بزرگ میدانند و چون افراد کشور ما نود و نه در صد مسلمانند نمیتوان آنها را به بی ذوقی و بی عقیدگی حواله کرد و دست از آنها کشید. اما آن گروه بی عقیده مادامیکه خود را انسان با مزايا و حیثیتهای انسانی میشناسند و طبق همین شناخت عمل میکنند می توانند با کمال آزادی در دامن اسلام و مسلمانها زندگی کنند. آیه ۸ و از سوره ممتحنه چنین میگوید: «لَا يَهِيْكُمُ الْأَنْتَهَا عَنِ الدِّينِ...». اما ینهیکم الله عن الدين قاتلوکم فی الدين...» انسان متعدد به حیثیتهای بشری نزد همه کسی خود و حقوقش محترم است بنابراین و بطريق اولی - آنهم در احوال عامه - برادران اقلیتهای مذهبی ما می توانند با کمال آزادیهای واقعی و با اطمینان قلب و خاطر در امر حیاتی و اجتماعی دو ش بدوش برادران مسلمانشان بزندگی شرافتمدانه خود ادامه دهند و به اخلاص مسلمانان متعدد متکی شوند. بدیهی است در شئون و احوال خاصه کمال استقلال را دارند علیهذا پیش نویسن مزبور باید صدر صد اسلامی درآید و مواد آن باقرآن و سنت تطبیق داده شود و مازاد آن را میتوان در معرض آراء عمومی گذارد. تطبیق مواد اسلامیش با متخصصین آن است و سایر اقشاریکه چنین تخصصی را ندارند نمیتوانند به امیال عادی خودشان اظهار نظر ننمایند. الان وی محمد اله فقهاء متبحر در مجلس خبرگان وجود دارند و از اشعار دیگر مردمان صالح بحد وفور هستند و امیدواریم با حسن تفاهم چکیده نظرات حضرات بصورت یک قانون اسلامی مطلوب و قابل بدلست آید و اجراء آن هرچه سریعتر و صحیح تر بوقوع بیرونند انشاء الله تعالى.

نایب رئیس - آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید.



مقدم مراجحه‌ای — بسم الله الرحمن الرحيم، حضرات آيات، حجج اسلام، آقایان، خواهر گرامی — آرزو داشتم که بهجای خواهرگرامی اینجا مینگفتم خواهران گرامی — در آغاز سخن از خداوند مسئلت می‌نمایم که در این فرصت تاریخی عنایات خود را مشمول ما ساخته و بهما یاری نماید تا در انجام وظیفه خطیری که برای اعتلای اسلام و وطن عزیزمان ایران بهعده داریم، توفيق پیدا کنیم.

مجلسی که باشکرت نمایندگان منتخب مردم برای تنظیم قانون اساسی تشکیل یافته است اولین هیأت منتخب جمهوری اسلامی است. درباره نحوه انتخابات جای سخن واپرداد بسیار است، امروز در این مجلس جای نمایندگان بسیاری از اقتشار مردم خالی است. اعتماد عمومی به رهبری امام خمینی، رهبر انقلاب است و مردم چشم به این مجلس دوخته‌اند تا بینند بالامتنی که به دست شما از طرف نیروی انقلاب «پرده شده است چه خواهد گرد.

ملت ایران با قیام دلاورانه و تاریخی خود استبداد دوهزار و پانصد ساله را سرنگون ساخت و با تصمیم محکم از طریق رفراندوم، تأسیس جمهوری اسلامی را اعلام نمود. اینکه ما نمایندگان منتخب مردم در این مجلس گرد آمدایم تا اساسی را بینان گذاری نماییم که ثمره مساجدات و کوشش‌های مجاهدینی است که در طی قرنها کوشش نموده و شربت شهادت نوشیده‌اند. در قیام ملت ایران افراد بسیاری در راه استقلال و آزادی ایران جان خود را باختند و در آغاز کار فریضه خود می‌دانم که از شهدای نام‌آوری که در طول چند ساله اخیر باقی‌بود شهادت، شعله مقاومت را فروزان نگاهداشتند، نام ببرم. آیت الله سعیدی‌ها، آیت الله سعیدی‌ها، حنیف نژاد‌ها، رضائی‌ها، پویان‌ها، گلسرخی‌ها، دانشیان‌ها و هزاران افراد گمنام، در چند کمال خونین مأموران ساوک به شهادت رسیدند. زندان و شکنجه را استقبال کردند، تا توanstند با انکاء به تعالیم اسلام و تحت رهبری امام خمینی اساس پوسیده سلطنت را سرنگون سازند. درود بر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران. ملت ایران هیچگاه نام بزرگ خمینی را فراموش نخواهد کرد، پیشنهاد می‌کنم لوحه یادبود و دفتر افتخاری برای زنده نگاهداشتند یاد این جوانان با ایمان در همین محل برقرار گردد.

از آقایان نمایندگان محترم استدعا می‌کنم به احترام کلام الله مجید پیاخیزند. (نمایندگان چند لحظه از جای خود برخاستند) اشهدان لا اله الا الله، اشهدان محمد رسول الله، اشهد ان علياً ولی الله.

بخدای بزرگ سوگند یاد می‌کنم آنچه امروز در اینجا بعرض می‌رسانم براساس سوگندی است که در افتتاح همین مجلس یاد کردیم واژ روی ایمان و اعتقاد به اصول اسلامی و در طریق مصلحت جامعه اسلامی ایران و احترام به مقام معظم روحانیت است. اکنون پیا خاسته‌ایم که تجلیل ویادی کنیم از شهدائی که جان خود را فدای آرمان‌های دینی و ملی و انسانی نموده‌اند و یا قرائت فاتحه‌ای، احترام خود را نسبت به آنان ابراز و روح آنانرا شاد نماییم. یک دقیقه سکوت (نمایندگان پس از قرائت فاتحه یک دقیقه سکوت کردند).

ما امروز باید براساس خواست مردم مسلمان ایران، قانون اساسی ایران را که در سرنوشت مردم ایران و نسل‌های آینده تأثیر خواهد گذارد، تنظیم و به ملت پیشنهاد نماییم. ما باید نه تنها خواست عموم طبقات امروزی بلکه خواست‌های نسل‌های آینده را با واقع نگری و وسعت دید اسلامی در نظر بگیریم و تنظیم و به ملت پیشنهاد نماییم. اسلام نجات دهنده بشر بوده و



خواهد بود . اسلام برای زمان و مکان محدود و معینی نیست ، اسلام از لی وابدی وجهانی است . اسلام مبشر آزادی ویراپی در جهان بوده است . اصولی که هنوز بعد از یکهزار و چهارصد سال نیرومند وجوان و تازه است ، باید براساس اصول اسلامی ، آزادی وعدالت ویراپی را برای مردم ایران تضمین کنیم . کیست که با این اصول مخالف باشد ؟ مردم مسلمان ایران شایستگی آزادی وعدالت را دارند . جامعه ایرانی احتیاج به عدالت دارد . آزادی باعث شکوفائی و پرورش واعتلای انسان است واسلام ، سازنده انسانهای تعالی است . برای از اصول مسلم اسلام و انسانیت است . جامعه‌ای که در آن معنویت نباشد ، همان نتایجی را بیار می‌آورد که مثارات آرا به چشم دیدیم . ملت ایران قیام کرد . قیام تنها جنبه مادی نداشت ، توهه مردم میدیدند که چطور سرمایه‌های سلطنت در دست یک اقلیت معدود و بی خبر قرار گرفته و اکثریت در فقر بسر می‌برند . روح سلت از بی ایمانی وابتدال حکومت آزده شد ، معذرت می‌خواهم اگر این رایان میکنم ، ذکرش لازم است اگر چه در شان این مجلس نیست . کار سقوط جامعه به جائی رسید که در جراید ایران خبر ازدواج دوپسر را درج کردند ویرای آنها مجلس عروسی ترتیب دادند . به نام هنر در شیراز چه‌ها که تکردن و مردم شاهد این ماجراها بودند واژقدان تقاوا وایمان رنج می‌برند و همه با هم قیام کردند . روحانی و روشنفکر و کارگر و کارمند و کشاورز در همه نقاط کشور ، آذربایجان ، کردستان ، فارس ، خوزستان ، در قیام علیه حکومت پیشین در کنار هم قرار داشتند و با اتحاد بود که پیروز شدند . بیان پیاویم عظمتی را که انقلاب ما داشت باهمدلی و وحدت روزهای را گذراندیم که در کشور نهارتمن وجود داشت و نه ژاندارم و وظیفه ما هست که با اتخاذ تدابیر لازم و تنظیم قانون اساسی عادلانه که حاوی منافع عموم طبقات و اقشار جامعه باشد ، این اتحاد را محفوظ نگاهداریم . آنچه آزادی خواهان می‌خواهند ، تأمین آزادی و مساوات وعدالت است ، در پناه اسلام و با اتكاء به اصول عالیه اسلام ، این هدف‌ها وصول می‌باید . پس چرا باید رهبران جامعه در آستانه انقلاب بهدو گروه روشنفکران و روحانیون تقسیم شوند ؟ چرا باید تخم نفاق و خونریزی و جنگ در جامعه ما فراهم شود ؟ ما همه با هم قیام کردیم ، دست در دست هم داشتیم ، وحدت کلمه داشتیم و امروز باید این وحدت را حفظ کنیم . جمهوری یعنی حکومت اکثریت مردم ایران مسلمانند و به جمهوری اسلامی رأی داده‌اند . باید براساس مبانی اسلام اساس چنین جمهوری را طرح ریزی کنیم . اسرور دشمنان ما در سراسر جهان در انتظار هستند تا شکست ما را جشن بگیرند . آنها که منافعشان از میان رفته است ، تنها امید خود را در اشتباه ما می‌دانند ، ما وظیفه بزرگی به عهده داریم . مسئله اسلام مطرح است . مردم جهان می‌خواهند بدانند این جمهوری اسلامی چیست و چگونه شکل می‌گیرد و به عمل می‌آید . دشمنان و بدخواهان در کمین هستند و مسلمانان و دوستان واقعی انقلاب ایران نفس درسینه حبس کرده و نگران . ما باید در قرن بیست ثابت کنیم که اصول و مبانی اسلام می‌تواند امید زندگانی انسانی و شرافتمدنه را در بشریت بیدار کند و به زندگی انسانها عمق و مفهوم انسانی بدهد . ما باید خلاقیت علمی و فنی دنیای جدید را در خدمت اصول و مبانی اسلام بگیریم . امروز بشر بینش و دانش بیشتری اندوخته است و این همان نویدی است که پیامبر اسلام مبشر آن بوده است . بشر حتی تا به کره ماه قدم گذاشته است ولی با وقتی به ماه به عظمت پروردگار و مفهوم لايتا هی بیشتر آگاه گردیده است و هر چه دانش بشر به پیش می‌رود ، به عجز و حقارت خود در مقابل پروردگار بیشتر آگاه می‌گردد .



چند روز پیش خبرنگاری از من سؤال کرد که وضع ایران را چگونه می‌بینی؟ گفتم بسیار با ثبات، گفت شما تکریم کنید این وضعیت ثبات است؟ گفتم سال گذشته را در نظر بگیرید، در این روزها همه قوای انتظامی توى خیابانها بودند و خیابانها پر از توپ، تانک و نظامی بود، امروز از آن وضع خبری نیست وقتل و جنایت و سرقت کمتر رخ میدهد. ولی کیست که این مردم را نگه داشته جزایمان و تقوای و مبانی اسلام که در توده مردم وجود دارد؟ اگر آقایان راحت می‌خواهند هیچ حافظی و نگهبانی جزایمان و تقوای مردم ندارند.

بنده این را تذکر میدهم، خودتان هم فرمودید و آقای منتظری هم فرمودند، در این مجلس اکثربت با آقایان روحانی است و من در اینجا حامل پیامهای اصولی از اشار مردم هستم که می‌خواهم به عرض برسانم حالا بسته بنظر ورأی مجلس است اگر اجازه دادید که عرض می‌کنم.

نایب رئیس — تذکرآ عرض کنم در مقایسه مطالی که آقای کرمی و آقای مقدم مراغه‌ای ایراد فرمودند ویفرمایند، یک نکته مطرح است و آن اینکه آنچه که آقای کرمی ایراد فرمودند بدستور جلسه مربوط است و آنچه که آقای مراغه‌ای می‌فرمایند یک خطابه حمامی است که برای جلسه سخنرانی در زمینه جریان انقلاب و آرمان‌ها، بسیار خوب است. اگر اجازه بفرمائید خارج از این جلسه اعلام یک جلسه دیگر بکنیم و نه تنها ما بلکه مردم هم از فرمایش ایشان بهره مند شوند ولی خود ایشان که آشنا هستند به مسائل جلسات قانونگذاری و میدانند که همیشه مربوط بودن سخنان یک سخنران بدستور جلسه، شرط اول تحقق همین آرمانهای است که در چارچوب آن جلسه بیان می‌فرمایید ویش از آنکه آقایان نمایندگان محترم بخواهند اعتراض بکنند، وظیفه منقول جلسه است که این نکته واصل را به ناطقین محترم گوشزد کنند، احساس کردم فرمایشاتشان بدستور جلسه مربوط نیست متنها چون امروز جلسه اول است و ما برای نطق قبل از دستور وقت نگذاشتیم، هر چند طبق آئین نامه هم نقط قبل از دستور باید مربوط به قانون اساسی باشد و برای اینکه حقوق همه نمایندگانی که تشریف دارند رعایت شده باشد، این سه دقیقه‌ای که در این فاصله وقت گرفته شد بحسب نمی‌آید. جنابعالی بطبق نظمی که برای جلسه داریم سه دقیقه دیگر می‌توانید صحبت کنید لطفاً ادامه بدید.

مقدم مراغه‌ای — بنده آن سه دقیقه‌ام را هم صرفنظر می‌کنم ولی این نکته را عرض می‌کنم که ما لحظات حساسی را می‌گذرانیم و دنیا امروز شروع نشده و امروز خاتمه نیافته بلکه اسلام ۱۴۰۰ سال سابقه دارد، اسلام چیزی نیست که تازه امروز بخواهیم عرضه کنیم و آن چه من عرض می‌کنم لازم است که در این جلسه تاریخی عنوان بشود، اگر اجازه دادید عرض می‌کنم و گرنه این مقدمه بودلی امروز واژ این بعد، صحبت در کلیات است و در کلیات محدودیتی نمی‌تواند باشد و من باید نظراتم را بگویم که آقایان مطلع بشوند، شاید در نظر آقایان مؤثر باشد ولی اگر فرصت ندهید بنده مرتضی می‌شوم.

نایب رئیس — آقای سحابی فرمایشی دارید؟

سحابی — در مورد مطالب ایشان پیشنهادی دارم و پیشنهاد بنده این است که با توجه به نکته‌ای که جناب مراغه‌ای فرمودند و با توجه به اینکه ایشان فرمودند که جای بعضی از قشراها اینجا خالی است درحالی که این ملت بود که رأی به گروههای مختلف میداد، من پیشنهاد می‌کنم برای اینکه سوژه از دست افراد خارج بشود اجازه بفرمائید ایشان حرفشان را بزنند



ولو خارج از موضوع باشد.

نایب رئیس — متشرکم، قبل‌آ لازم میدانم تذکریدم مطالبی که نمایندگان محترم بیان میفرمایند اگر بخواهند به احوالت این مجلس خدشهای وارد کنند، جای ایرادش در این جانیست و میشود در بیرون مجلس این مطالب آزادانه بحث بشود، این مجلس براساس داشتن اعتبار قانونی تشکیل شده است. کسانی که اینجا هستند اگر معمم باشند یا غیر معمم، همه نماینده افشار ملت هستند، کسانی که بهما رأی داده‌اند از شهرهای گوناگون هستند. وقتی این مسائل مطرح میشود طبعاً باید پاسخ داده شود، پاسخ ندهیم که درست نیست، پاسخ بدیم مجلس از محور خودش به محورهای دیگر میگردد، این بود که عرض کردم که ارتباط بدستور جلسه را باید رعایت کنیم و این در کمال آزاد بنشی و رعایت اصول انجام خواهد شد. با اینکه بنده خواهش کردم پیشنهادها را کتاباً مرقوم بفرمائید، ولی باز برادرم آقای محابی شفاها پیشنهادشان را مطرح فرمودند. اگر کتاباً میفرمودند، زودتر مطرح میشود. با این حال چون پیشنهاد آقای هاشمی نژاد هم شفاهاست و نمی‌خواهم سنت‌ها و اصول نادیده گرفته شود، این پیشنهادها بعد آ مطرح خواهد شد و شما هم آقای مراغه‌ای بفرمائید که چقدر وقت می‌خواهید و چقدر وقت نیاز دارید تا مطالباتان را تمام کنید تا به رأی بگذاریم؟

مقدم مراغه‌ای — نیمساعتم دیگر.

نایب رئیس — با توجه به اینکه آقای حجتی کرمانی که قبل‌آ وقت گرفته بودند، یک ربع از وقت شان را به آقای مراغه‌ای و آگذار کردند پس یک ربع ساعت آن تأمین شده است ویک ربع ساعت دیگر راهم آقای نوری خش و آگذار کردند. پس بنابراین وقت ایشان تأمین شد. آقای مراغه‌ای مطالباتن را ادامه بدهید.

مقدم مراغه‌ای — بنده چهره‌های آشنائی را در اینجا می‌بینم، همین آقای حجتی کرمانی روزیکه ایشان تشریف آوردن زندان...

یکی از نمایندگان — ایشان مرتب خارج از موضوع صحبت میکنند آقای بهشتی چرا تذکر نمیفرماید؟

نایب رئیس — پس اینکه شما هم میفرماید قطعاً خارج از نظام جلسه است. آقای مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — مابرای پیروزی اسلام باید تمام امکانات تمدن جدید را در اختیار بگیریم. ما در قرن بیستم زندگی می‌کنیم امروز تقریباً تمام مردم مسلمان از رادیو و تلویزیون، برق، اتوبیل و هوایپیمای جت استفاده می‌کنند. میلیون‌ها مردم مسلمان، با استفاده از هواپیما به حج می‌روند - آرزوئی که در دوران گذشته فقط برای گروههای خاصی امکان داشت - و جاسعه اسلامی ما باید از این مظاهر تمدن و وسائل رفاه و آسایش در بعد انسانی آن بهره‌مند گردد، بیماریهای بسیاری که تا چندی پیش لاعلاج بوده‌اند، امروز معالجه می‌شوند و علم جدید طب که هرچه به پیش می‌رود عظمت دستگاه‌خلاقت و پروردگار را پیشتر جلوه‌گرمی سازد، پیشرفت‌های پیشتری کرده است. با رعایت طب جدید عمر بشر پیشتر شده است پروردگار چنین خلاقیت‌هایی در نهاد بشر به ودیعه گذارده است و اگر ازان استفاده نکنیم، شکر نعمت بجا نمایورده‌ایم. ملت مسلمان ایران تحت رهبری امام خمینی این نقش تاریخی را به عهده گرفته است که براساس اصول اسلام جامعه اسلامی ایران را اساس دهد. در جامعه اسلامی تنها نظریه پیشرفت‌های



مادی نیست. در جامعه اسلامی ایران، زندگانی باید مفهوم انسانی داشته باشد. ما باید جهان اسلام را با شکوه و جلال و خلاقیتی که دارد ارائه کنیم. مردم مسلمان نباید همیشه مصرف-کننده باشند. اسلام دین کار و کوشش و مجهادت است ماباید با کار و کوشش خود وسائلی را که امروز به عاریت در اختیار داریم، خود بسازیم و تولید کنیم. مابای جبران عقب ماندگی هائی که در نتیجه استبداد گریبانگیر ماسه است، باید کوشش بیشتر کنیم و صنعت، کشاورزی، فرهنگ و اقتصاد فعال و با تحرک ایجاد کنیم. موارشدن هوا پیما یارانندگی اتومبیل از هر کس ساخته است، ولی ماباید تمام این ابزارهای جدید را خود بسازیم، ما نباید تحت هیجان های روز دچار اشتباہ شویم و از اصول منحرف گردیم. ماباید توجه داشته باشیم که آن نهادهای سیاسی که توائیسته است موجبات چنین تحولاتی گردد چیست و از تجربیات آنها استفاده کنیم. در جامعه اسلامی هر کس حق دارد خواسته های مشروع خود را عنوان کند. اسلام دشمن استبداد است. در هرجامعه ای اعتراض وجود دارد و عکس العمل هاست که سیمای حکومت را مشخص می کند. حکومت های استبدادی جواب هر اعتراضی را با اسلحه می دهند و کشورهای آزاد از راه مذاکره، اعتراضات و مشکلات را حل می کنند. آقایان نایندگان و خانم :

در نتیجه سالها استبداد در ایران، ثروت های بروی هم انبیشه شده و در اختیار یک خانواده ویک اقلیت محدود بوده است و توده مردم از زندگانی انسانی محروم مانده اند. به نیروی اسلام و معنویت آن مردم بر استبداد پیروز گردیده و اساس سلطنت را که موجود نابرابری ها و اختلافات طبقاتی بوده است بر چیده اند. جامعه ماباید بر اساس عدل اسلامی شکل بگیرد. در این جامعه باید حقوق مستضعفان در صدر قرار بگیرد. اسلام حامی مستضعفان و بانی مساوات و برابری است مردم مسلمان باید در خانه های آبرومند زندگانی کنند. مسئله بررساختن تعدادی قصر و ساختمان های چند طبقه مجلل نیست، باید در سراسر کشور برای همه خانواده ها مسکن مناسب تهیه کرد و امام هم در این باره دستور داده اند. مردم باید به اندازه احتیاج، دسترسی به غذا و پوشش داشته باشند. مردم باید از وسائل رفت و آمد آسان بهره مند گردند. مردم باید در صورت بیماری بتوانند از دارو و بیمارستان استفاده کنند. مردم نباید نگران روزهای پیروی و از کارافتادگی باشند و باید به آینده خود امیدوار شوند. که اگر روزی از کارافتادند، جامعه زندگی آنها و خانواده آنها را تأمین خواهد نمود. بالاتر از همه، مردم حق دارند که از جامعه اسلامی بخواهند تا به آنها کار رجوع کند و در مقابل کار، دستمزد مناسب دریافت کنند. برای تمام این مسائل سازمان و مدیریت لازم است. برای ساختن مسکن به مهندس خوب و کارگران فنی و ساده خوب نیاز داریم.

برای داشتن مواد غذائی ویرای آنکه به خارج احتیاج نداشته باشیم باید از اطلاعات کشاورزی جدید و راه حل های تازه استفاده کنیم، برای ایجاد وسائل رفت و آمد آسان احتیاج به شبکه راه های خوب و وسائل حمل و نقل داریم، برای داشتن بیمارستان احتیاج به کارشناسان و متخصصان داریم ویرای آنکه مردم را به آینده امیدوار سازیم باید سازمان یمه های اجتماعی با مدیریت قاطع و عاری از فساد بنان کنیم.

برای آنکه امنیت ما تأمین شود باید ارتشی داشته باشیم که مطابق منافع مردم و در اختیار مردم باشد، همه این احتیاجات به آموزش صحیح و مدیریت نوین نیاز دارد.

مشکلات جدید که نتیجه زندگانی و روش زندگی جدید است، راه حل های جدید می خواهد.



بطور کلی برای آنکه فعالیت های مردم در جهت پیشرفت و ترقی سوق داده شود، احتیاج به برنامه اقتصادی داریم . این برنامه اقتصادی نمی تواند و نباید براساس خواباط گذشته باشد. در برنامه اقتصادی باید منافع و زندگانی اکثریت مردم مورد نظر باشد. باید چرخه های مملکت در راه تأمین زندگی آبرومند برای عموم مردم به گردش درآید . اقتصاد جدید ظرفی و حساس است. با تصمیمات خلق الساعه و عجلونه نمی توان مشکلات را حل نمود . تنها نیت های خیرخواهانه کافی نیست برای آنکه ثروت ها عادلانه توزیع شود ، شرط اول آنست که ثروتی ایجاد شود تا بتوان عادلانه تقسیم نمود . اگر بادادن و عده، توقعات و اشتیاهی کاذب در جامعه ایجاد کنیم، خیلی زود همه مأیوس خواهند شد . درست است که درآمدهای نفت می تواند احتیاجات فوری ما را تأمین کند ولی جامعه اسلامی باید نیروی کار مردم را بسیج کند . باید غیرت و همیت اسلامی، در راه اعتلای جامعه اسلامی وفعال ساختن جامعه به کار گرفته شود .

برنامه صحیح اقتصادی بدون وجود یک سازمان صحیح عادلانه ونهادهای لازم، امکان پذیر نیست. باید نهادهای سیاسی از کوچکترین واحد های کشور طوری بنیاد پیدا کند که همه افراد در تعیین سرنوشت خودشان مشارکت داشته باشند و منافع خود را با جامعه یکی بدانند . تبعیض و اختلاف طبقاتی در جامعه سمهلهک است.

بعد از این مقدمات که با توجه به اوضاع کلی است ، بطور کلی ناقص موجود در قانون اساسی پیشنهادی را ، عرض میکنم .

صرفنظر از نارسانی عبارات ویچیدگی آن نخواسته اند اصول را صریح و روشن بیان کنند . اصول احتیاج به تفسیر و توجیه و ذکر ادلنه ندارد . مسلم است که اصول قانون اساسی مبتنی بر اصول اسلامی است وهمه اصول آن براساس مبانی اسلام تنظیم شده است پس این مطلب باید در مقدمه ذکر گردیده و اصول را مختصر و منجز و کوتاه کنیم که البته در هنگام طرح اصول در باره یکایک آن نظر خود را عرض خواهم کرد .

در مورد حقوق افراد و تکالیف دولت در قانون اساسی پیشنهادی نقایصی وجود دارد که یادآور می شون و توضیحات بیشتر را در هنگام طرح اصول عرض خواهیم کرد . از جمله ایرادات مربوط به اصل ۱۲ است که باید اصلاح شود . چند روز پیش که در تبریز بودم خانم کارگری با اعتراض و خشونت به من پرخاش کرد و گفت اگر نماینده شدید فکری برای ما کارگران زن بکنید. ما باید از یک طرف طفل خود را در بغل نگاهداریم و شیر بد هیم و با دست دیگر کار کنیم آیا غیرت شما این را قبول میکنید؟ ومن متوجه شدم که حرف او را منعکس کنم به این جهت است که من پیشنهاد می کنم اصل ۱۲ باید صریح تر باشد، به نحوی که مادران در دوران بارداری و نگاهداری کودک خوبیش از حمایت خاص جامعه برخوردار باشند و بوسیله قوانین حمایت شوند . یا مثلاً اصل ۲۲ در مورد حقوق ملت می گوید «همه افراد از زن و مرد در برابر قانون مساویند» که باید این منظور صریح تر عنوان شود که افراد ملت اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق مدنی و اجتماعی و سیاسی در برابر قانون برابرند. خانمی در تبریز همراه همسرش جلوی مرا گرفت و گفت آقای مراغه ای این عدالت اسلامی است که شما برای آن تبلیغ می کنید؟ گفتم چه شده است؟ گفت شوهرم بیکاراست و دو بچه مدرسه رو دارم تنهایا سر معاش ما حقوق من است و حالا می گویند می خواهند کارمندان زن را از ادارات اخراج کنند. تکلیف ما چه می شود؟ گفتم مطمئن باشید اسلام عدالت را برای همه می خواهد زن و



مرد فرقی نمی‌کند و حضور نماینده بانوان در این مجلس را سندی برای اطمینان آن خانم و بانوان ایرانی می‌دانم و امیدوارم در قانون اساسی این مطلب مورد تأکید قرار گیرد.
اصول ۴ ۶۹۲۵۰۲ ۷۹۲۸۹۲ ۹۹۲۳۳۹۲ ۵۰۳۶۰ از نظر تضمین حقوق انسانی برای افراد کشور نارسا است.

نارساترین قسمت، در مورد حقوق نواحی مختلف کشور است که به مسائل فرهنگی آنها هیچ توجهی نکرده‌اند. وقتی می‌گوئیم سلطنت به جمهوریت تبدیل شده و وقتی اصل حاکمیت مردم و مشورت را در امور مملکتی قبول می‌کنیم، ازان نتایجی حاصل می‌شود که باید مورد توجه قرار گیرد. در مورد حقوق نواحی مختلف اصول ۶۰۶ مطلب را بطور اجمال و با غفلت بسیار عنوان کرده‌است. وقتی ما قبول کردیم افراد آزاد و مختار هستند و با رضایت خود پاره‌ای حقوق را به دلخواه به جامعه واگذاری کنند، نتیجه حاصل ازان، آنست که دهستان و یا شهرستان و یا ایالت هم حاکمیت دارد و از نظر مصالح اجتماعی است که مقداری از حقوق و اختیارات خود را به حکومت واگذار می‌نمایند و در اینجا سئله حاکمیت مطرح می‌شود. حاکمیت دونوع است: یکی حاکمیت سیاسی و ملی است که یک اصل تعزیه ناپذیر است و همه افراد این مملکت حاکمیت ملی و وحدت ملی ایران را پذیرفته‌اند. ولی یک حاکمیت دیگر هم وجود دارد که حاکمیت اداری به آن نام می‌دهم. هر ناحیه باشد مسائل داخلی خودش را که فقط مربوط به او است و با حاکمیت ملی اصطکاک ندارد، رأساً حل کند و درباره آن تصمیم بگیرد. این یک حق مشروع است و باید در این مورد رضایت مردم را فراهم کرد. اگر عده‌ای آشوب می‌کنند، اگر عده‌ای استفاده‌جو هستند و در هر فرصتی می‌خواهند اغراض شخصی خود را بکار بزنند، این مسئله دیگری است، نباید حقوق مردم مناطق مختلف کشور نادیده گرفته شود. اگر صحبت مقایسه در میان بیاید، بندۀ باید عرض کنم قانون اساسی گذشته در این مورد رساتراست. اصول نود و نو دو یک و نود و دو و نو و سه متمم قانون اساسی گذشته که هیچ‌وقت اجرا نشد و همیشه عدم اجرای آن مورد اعتراض بود، باید حیات پیدا کند. در حکومت استبدادی پنجاه و هفت سال اخیر یک تمرکز اداری نامعقول در مملکت وجود داشت که همه معارض آن بودند. امروز که جمهوری شده است باید نواقص بطرف شود. چرا باید پیش از مذاکره جنگ کنیم؟ چرا باید آلت دست دلالان سیاسی قرار بگیریم و مردم را از خود برجانیم؟ من با سیاست‌هائی که در این ایام نسبت به برادران و مردم مستضعف کرد شده است، موافقت ندارم. بینیلد چه کسانی گذشته می‌شوند، بینیلد بیچاره مردم کردستان چطور آلت دست شده‌اند و میان دو سنگ آسیا قرار گرفته‌اند. باید درباره آنها دلسوزی پدرانه کرد و آنها را به رافت و عطوفت و عدالت پروری جمهوری اسلامی امیدوار کرد، عکس العمل هائی که حکومت نسبت به مناطق مختلف نشان میدهد باید صرفاً براساس زور و لشکر کشی باشد، باید مطالب حقه آنرا پذیرفت. ما باید کاری کنیم که با تصویب قانون اساسی جدید، وحدت ملی ما تضمین و تثیت شود. به کار گرفتن زور و اعمال قدرت آخرین علاج است و قانون اساسی ما باید تحت تأثیر این هیجانات و جریانات روز قرار گرفته و از راه عصبانیت تصمیم گرفته شود. ما باید اینگونه هیجانات را به مجلس راه ندهیم. با روح عدالت پروری و براساس تعليمات اسلامی حقوق طبیعی نواحی مختلف را از نظر مدیریت پذیریم و اگر مشکلاتی هست که اجرای این حقوق در حال حاضر اسکان پذیر نیست، برای آنها دلائل و جهات را روشن ساخته و از راه مذاکره، محیط تفاهم ایجاد نمائیم. در همین سفر



اخیر آذربایجان یکی از معاريف اکراد بهمن می‌گفت می‌دانید اشکال ما در چیست؟ گفتم نه، گفت حکومت تهران به ما اعتماد ندارد و همه گفته‌های ما را حمل بر عرض می‌کند و حال آنکه ما صادقانه خواستار خدمت به کشور خود هستیم.

در رابطه با این مسئله موضوع قوه مقتنه مطرح می‌شود. تشکیل قوه مقتنه از یک مجلس، تمرکز اداری را شدیدتر می‌کند و حقوق نواحی مختلف پایمال می‌گردد، در اصل پنجم قانون اساسی پیشنهادی ذکر شده است که همه اقوام از حقوق مساوی بrixوردارند و هیچکس را بر دیگری استیازی نیست مگر براساس تقوا. بنده از آفایان سؤال میکنم آیا اقوام با هم برابرند؟ در مجلس نمایندگان که هر صد هزار نفر یک نماینده دارد، تهران به تنها ئی پنجاه نماینده خواهد داشت ولی ترکمن‌ها با یک میلیون جمعیت خود فقط ده نماینده خواهند داشت. چطور ده با پنجاه برابر است؟ برای رفع این تغییه پیشنهاد می‌کنم مجلس دیگری در کنار مجلس مقتنه به عنوان مجلس خلق‌ها و یا مجلس اقوام تشکیل شود که نواحی مختلف براساس تقسیمات فرهنگی و سیاسی و چغرافیائی به تعداد مساوی نماینده داشته باشد که اگر روزی خدای نکرده خواستند تصمیمی بگیرند که فقط ناحیه‌ای از آن زیان بینند آن ناحیه امکان مقابله با دیگران را داشته باشد و نابرابری شدید نباشد. وقتی با دیدی که عرض کردم سایر اصول را در نظر بگیریم می‌بینیم که اصول احتیاج به تصحیح و تتفییع دارد. در خاتمه باید این نکته را عرض کنم که ایران در خلاصه زندگی نمی‌کند و نمی‌توان دیوارچین به دور ایران کشید. ما باید از نظر قضائی اصول و قوانین بین‌المللی را رعایت کنیم، توسعه امور بازرگانی دنیائی براساس معیارهای بین‌المللی است ما باید با قبول این اصول پایه‌های اقتصاد کشور را مستحکم نموده و ایران را نه با سخن بلکه در عمل مستقل سازیم.

ما ایرانی و مسلمان هستیم. به ملیت و مذهب خود افتخار می‌کنیم. اسلام در طول تاریخ هزار و چهارصد ساله خود فجایعی نظیر سوزاندن برونو و گالیله نداشته است و همین مسئله دلیل بر مترقبی بودن اصول اسلامی است. وقتی گالیله گفت زمین کروی است اظهار نظر او به قیمت جانش تمام شد. ولی امروز میدانیم که او راست میگفته است و کشیشان بیهوده به نام خدا جان او را گرفتند. برونو را مسیحیان به علت عقايدش سوزانند. ولی تاریخ امروز حق و باطل را به ما نشان میدهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند «فرزندان خود را بطبق سن و رویه زمان خودشان تربیت نماید» و همین کلام نشان دهنده قبول اصل تغییر و پیشرفت جامعه است که به آن اشاره فرموده‌اند. در خاتمه عرایض آرزوی خود را تمدید می‌کنم که به ما آن توفیق عنایت شود که بتوانیم استعمار و عوامل آنرا نابود کنیم. بتوانیم اختلاف طبقاتی ظالمانه را از میان برداریم. بتوانیم تمام مشکلات و اختلاف نظرهای خود را با مذاکره و تفاهم برطرف سازیم و از جنگ خانگی پرهیزیم. بتوانیم یک قشون ملى نیرومند بوجود آوریم. بتوانیم عدالت اجتماعی را در جامعه مستقر سازیم و بالاخره بتوانیم زندگانی آرام و مطمئن را برای عامه مردم فراهم ساخته و فقر و جهل را از جامعه طرد کنیم. بگذرید کلام خود را با آیه ۶۱ از سوره النساء که در جلسه اقتتاجیه قرائت گردید پایان دهم: «همانا خداوند بهشما امر می‌کند که امانت را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید، همانا خدا شما را پند نیکو می‌دهد که خدا به هر چیز آگاه و بصیر است». از جناب آقای حجتی کرمانی و آقای نوربخش که وقشان را بمن دادند تشکر می‌کنم.



از حضور آقایان سپاسگزارم.

نایب رئیس — جای خوشوقتی است که همه نمایندگان محترم با سعه صدر به مسائل می تکرند. یک تذکر و یک پیشنهاد رسیده است. تذکر این است که به صرف اینکه کسی به کسی وقت خودش را واگذار بکند مجوز آن نیست که هرگونه مطلبی اینجا گفته شود. این تذکر بجهائی است. پیشنهاد رسیده که نمایندگان محترمی که بحث هائی از اینگونه دارند می توانند قبل از تکثیر کنند و در اختیار دیگران قرار دهند تا بخوانند. این استدلال کامل نیست چون آنوقت باید هر نقطی را تکثیر کرد. مسئله اینست که مربوط است یا نه؟ آنچه می خواهم آقای مراغه‌ای و همه دولتان به آن عنایت بفرمایند، این است که در این جلسه آزادی بیان به طور کامل رعایت می شود، به شرط رعایت اصول خود این جلسه. ملاحظه کنید حضرت عالی مطالبی را در انتقاد از قانون اساسی گفتید این بحث در دستور بود هر قدر هم صریح و حاد و تند بیان می فرمودید، هیچ اشکالی نداشت، آن قسمت که خدماتتان تذکر داده شد مربوط نبودن بیانات به دستور جلسه بود. امیدوارم رعایت اصول اینگونه جلسات را حمل بر نبودن آزادی کامل در آن فرمایید، چون قطعاً این نوبت آخرتان نیست که صحبت می فرمائید، باز هم سخنانی ایراد خواهید کرد من برای نوبت های بعد عرض می کنم، مadam که من جلسات را اداره می کنم نمی توانم از رعایت اصول این جلسات اغماض کنم، والا و قتمان هدر خواهد رفت. این نکته که فرمودید شما نماینده نظرات گروهها هستید، عرض کنم بگذارید در این مجلس هیچ کدام از ما از این داعیه ها نداشته باشیم هر کس می تواند نظرات همه گروهها را بگیرد و بگوید دیگر هیچ احتیاجی به عنوانین اضافی نیست چون این کارها ممکن است این جو برادرانه و صمیمانه را خرد خداشدار کند. چرا نخواهیم صمیمانه و برادرانه اینجا تا پایان جلسات با هم بگوئیم و بشنویم و تصمیم بگیریم؟ آقای مراغه‌ای یکی از خلقان ها، خلقان شعرا است. این هم یک نوع خفتان است، اجازه ندهید هیچ نوع خفتان در این جلسه باشد حتی خلقان شعرا. اجازه بدهید با آرامش و با آزادی کامل و با منطق کار جلسه را ادامه دهیم و به یاری خداوند در کوتاه ترین مدت بهترین نتیجه را به ملت ایران عرضه کنیم. نکته دیگری که اینجا یادداشت کردم و ضرور میدانم عرض کنم این است که در سخنانمان هیچ گونه تعریض و گوشش زدن نباشد چون حاجتی به این نوع اعمال نیست، آقای کیاوش بفرمایید.

کیاوش — الحمد لله الذى من علينا بمحمد وآل نبيه و جعلنا شهداء على من جحد و كثروا بهمه على ماقل. ثم الصلاة والسلام على الشهداء والصديقين والصالحين وحسن أولئك رفيقاً.

والسلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار.
خداؤند را سپاس که ما را با رهبری محمد (ص) نعمت بخشید و ما را الگوی جهانیان قرارداد تا آنکه ما را انکار می کردند به حقیقت امر پی ببرند و ما را با وجود کمی عده مان بر آکثریت طاغوت، غلبه بخشید.

نظر به اینکه انقلاب شکوهمند بی نظیر ملت قهرمان ایران درسی است در تاریخ برای آیندگان ما و نسل های آینده جهان، لذا پیشنهاد می کنم که:

در تدوین قانون اساسی مقدمتاً خلاصه ای از تاریخ حیات بخش این قیام و علل روشن شدن این شعله مقدس و علل پیشرفت سریع و معجزه آسای آن در سی صد و هشتاد و هشت سال گذشته بیان شود. (منظورم دستهای استعماری است) همچنین موافع این انقلاب در طول . . . ۱۵ سال گذشته بیان شود.



به نقش امامت در انقلابات و نقش غیر قابل انکار مجاهد اعظم امام خمینی اعلی‌الله‌کلفه اشاره شود. در ضمن پیشنهاد می‌کنم به همان طریقی که امام با انقلاب بوده و انقلاب با امام «یدور حیشمادار» امام روح‌الله تا آخر عمر، که پر دوام باد عمرش، ولایت رسمی عالیه را پیندزیرند و این تکلیف پر مشقت‌تر عی را که خداوند سبحان و امت‌اسلام بر ذمه پرتوان امام معظم‌له گذارد است، پذیرا باشند تا ولایت فقیه طبق دستور خدا و سنت پیامبر آکرم عمل تحقق یابد وبا ایشان شروع شود که حجۃ‌الله علی خلقه هستند و باز نظر به اینکه دشمنان اسلام در طول تاریخ کوشیده‌اند و می‌کوشند که اسلام را وارونه به جهانیان عرضه کنند، لذا باید جهت‌گیری اسلام در نجات مستضعفین جهان (مظلومان و محروم‌ان و ستمدیدگان تاریخ) روشن شود تا ملل رنج‌دیده‌جهان بدانند که خورشیدشان کجاست و دوای دردهای بیدرمانشان در کدام مکتب است.

اگراین چهره اسلام با ارائه قوانین اسلامی در رابطه با نجات مظلومان کاملاً روشن نشود، بخون‌شهدای اسلام خیانت شده است. چه در اینصورت انقلاب اسلامی یک انقلاب «موضعی» تلقی شده و فقط «ایرانی» شده است. بطور کلی در تدوین قانون اساسی چهار جنبه باید مراعات شود و برجهار پایه نوشته شود:

- ۱- آنچنان باشد که روح اسلام و اسلام عربیان، درست عرضه شود.
- ۲- دگرگونی و اصلاحات چشمگیری در وضع زندگی مردم (غذا و مسکن و بهداشت وغیره) پیش‌آورد.

- ۳- روابط اجتماعی مستضعفین را بهبود بخشد، رفع ظلم کند و محروم‌ان را نجات دهد، برادری و برابری برقرار کند و روح توحید و وحدت را متجلی سازد.
- ۴- تحولی در نظامات مدنی بوجود آورد تا قوانین نجات بخش اسلام عملاً اجراشود و حدود خدا جاری شود.

ولكن لنر المعالم من دينك
ونظير الاصلاح في بلادك
فيامن المظلومون من عبادك
وتقام المعطلة من حدودك

اما راجع به اصول قانون اساسی:

هیچ اصلی در قانون اساسی پذیرفته نشود، مگراینکه مستند به قرآن کریم ویا سنت پیامبر اکرم ویا بقول مرحوم دکتر علی شریعتی مستند به طرز کار پیامبر و یا روش ائمه معصومین علیهم السلام باشد و در ذیل هر اصلی سندش ذکر شود.
بعلاوه در هر جای قانون اساسی که کلمه «قانون» بکار می‌رود منظور قانون خدا و احکام الهی باشد.

مثال اگر باید از محروم‌ان و مستضعفین جهان حمایت شود تا کافله‌للناس بودن این مکتب روشن شود بدآیه ۷۷ سوره نساء استناد شود «وَاللَّهُمَّ لَا تَقْاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» و اگر باید به کشورهای عقب اندخته شده کمک مالی شود، بدآیه ۶۷ سوره توبیه مؤلفة قلوبیهم اشاره شود و طبق آیه «لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى» اساس مالکیت‌ها فقط بر کار گذاشته شود.

اگراین چنین، اصول قانون اساسی مستند باشد، مردم جهان درخواهند یافت که حکومت جمهوری اسلامی فلاح و شکوفائی و رستگاری را طبق روییت پروردگار و در کل جامعه بشری



آرمان خود بیداندو رسیدن به استقلال و آزادی را حق خدائی همه ملت‌ها. موضع گیری قانون اساسی حکومت جمهوری اسلامی در روابط خارجی باید متنکی بر اصل تولی و تبری باشد. دوستی با دوستان خدا و مردم، و دشمنی و دوری از دشمنان خدا و مردم و خون آشامان استعمارگر، باید به سردم طبق آیه «وشاورهم فی الامر» حق مشارکت در سرنوشت محکم قانون اساسی است و محکمتر از این هم پیشوانه‌ای برای قانون اساسی نمی‌توان یافت و پیشوانه خون شهدا و تداوم انقلاب، همین افکار عمومی است. اصل انتقاد بربمنای امری معروف و نهی از منکر از اصول حقه آحاد ملت شمرده شود.

حق حاکمیت پس از خدا و رسولش با مؤمنین و صالحین است باشد و انتخاب «اصلح» مطرح باشد. «انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا» آیه ۶ سوره مائدۀ و هر نوع قانونی که سبب تفرقه و جدائی بین است و حکومت باشد و مسبب تفرقه شود منوع گردد.

درجیات مواد وارد نمی‌شوند ولی پیشنهاد می‌کنم که پرچم ایران سبز رنگ و یاسرخ رنگ باشد و کلمه لا اله الا الله ويا الله اکبر در آن مندرج باشد.

آنچنانکه پیش نویس‌ها نوشته‌اند شکنجه نه فقط در مورد اقرار منوع باشد، بلکه اصولاً شکنجه در تمام موارد، غیر انسانی و حرام است. قلم و مطبوعات آزاد باشند مثل تمام وسائل ارتباط جمعی و اگر اموری برای مطبوعات جرم محسوب می‌شود برای سینماها و رادیو و تلویزیون نیز جرم حساب شود، مثل نشر فحشاء و غیره.

انجمن‌ها و گروهها تا آنجائیکه خلاف اسلام و بر ضد اسلام کار نکنند، آزاد باشند. نظر باینکه ضد انقلاب از طریق آموزش و پرورش می‌خواهد عمل کند، لذا در قانون اساسی ضوابط دقیق اسلامی نسبت به استخدام معلمین در نظر گرفته شود تا به انقلاب خیانت نشده باشد.

رادیو تلویزیون در اختیار وزارت امنیت معروف و نهی از منکر درآید و در خدمت انقلاب و نشر قانون اساسی باشد.

قوانین در اصلاحات چشمگیر پیش از همه، به‌موقع فساد و فاسد و مفسد و ازین‌بردن تضادها و آثار شرک و طاغوت و رفع تبعیضات و اختلالات مادی مثل تمایز شهری به شهری و شمال شهر به جنوب شهر و غیره پیردازد. تحصیل رایگان باشد، بهداشت رایگان باشد، تهیه ابزار اولیه کار توسط دولت باشد و به رایگان در اختیار کارگر قرار گیرد. والسلام علیکم و رحمة الله ويركتنه.

نایب رئیس — آفای اکرمی بفرمائید.

اکرمی — بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الذي يرفع المستضعفين ويضع المستكبرين. اولاً با توجه به مطالبی که جناب آفای مهندس مراغه‌ای دربورد مذاکره با گروهها، در رابطه با مسئله کردستان فرمودند، عرض می‌کنم، مذاکره مطلبی اساسی است، اما متأسفانه می‌بینم بسیاری از افراد و گروهها حاضریه این نوع از مذاکرات نیستند.

و اما دربورد طرح پیش نویس قانون اساسی، انتقادات زیاد است و ما درنوشن قانون اساسی بعدی به چند تکته اصولی باید توجه کنیم:

- ۱- امروز مسئله کیان اسلام و مکتب مطرح است باید همانطور که امام در پاریس

فربودند کاری کنیم که مصدق آیه شریفه «و رأیت الناس يدخلون في دین الله افواجاً» را حس کنیم. درنوشتار و گفتار و رفتار، جاذب و غالب مردم بطرف اسلام عزیز باشیم، کاری کنیم که قیافه قرآنی انبیاء در ضدیت با ملاعه و متوفین آشکار و تهمت‌ها زدوده شود و بیاری حق استمار ازین برود.

۲—دراین پیش‌نویس مسئله سیاست خارجی مبتنی بر موازنۀ عدی است و اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است. باید قانون دراینموردنچنان باشد که امکانی برای قدرت‌نمایی جهان‌خواران بین‌المللی نباشد، بخصوص قدرتی که بیست و پنجم‌سال ما را در اسارت و ذلت قرارداده است.

۳—پیشنهاد می‌شود فقهای عظام حاضر در مجلس با استفاده از ولایتی که دارند درمورد زدودن آثار تکاثر و سرمایه‌داری فعلی، که از قبل ریشه‌گرفته، اقدام جدی بعمل آورند.

نایاب و نیس — آقای حیدری بفرمائید.

حیدری — بسم الله الرحمن الرحيم، أعود بالله من الشيطان الرجيم، قل اللهم مالك الملك توتي الملك من تشاء و تنزع الملك من تشاء و تعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قادر.

سلام بر نمایندگان محترم مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی. تشکر و سپاس خداوند قادر متعال را که ملت مستضعف و مستمدیه ایران درحالیکه درنهایت ذلت و اختناق زیر پوی رژیم ستمگران سلطنتی طاغوتی و عمل استعمارگران پسر میبرد و از دین میین اسلام هم غیر از اسمی و بعضی از رسوم سفارشی خبری نبود و دشمن خونخوار اسلام و مسلمین هم در اوج قدرت بود و قدرت مندان بزرگ جهانی پشتیبان و هوایخواه او بودند، به دست ملت قهرمان و به رهبری قاطعانه بزرگ رهبر عالیقدر مذهبی و ملی و سیاسی تاریخ به حضیض خواری و سقوط کشیده شد و ذلیل گردید، و عزت را به اسلام و مسلمانان و رهبران عالیقدیران به ویژه حضرت امام خمینی برگردانید.

این مکان که جایگاه نمایندگان دستگاه طاغوتی بود و اغلب آنان سفارشی و استبدادی بودند و غالباً قوانینی که خلاف احکام اسلام و به ضرر ملت بود تصویب می‌کردند، خداوند بر ملت ایران منت گذاشت و آن را به ملت شریف ایران برگردانید و ملت هم سرنوشت آینده ملک و ملت را در اختیار ما منتخبین خود گذاشت که اگر خدای نخواسته ما در این مجلس به اسلام و قرآن و ملت شریف ایران بلکه تمام مسلمین ملل کشورهای اسلامی خیانت کردیم، الی البد در پیشگاه پروردگار و اسلام و ملت و وجдан خود مسؤول خواهیم بود.

حضرت امام خمینی چه در شریفایی به حضورشان و چه در پیام افتتاحیه این مجلس اکیداً سفارش فرمودند که تمام اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی باید منطبق با احکام اسلام باشد و حق تصویب اصولی را که با قواعد اسلام تطبیق نکند، نداریم و گرنه ما نماینده ملت نیستیم. موارد کلی که به نظر رسید بحسب وظیفه شرعی وجودانی و ایرانیت تذکر بدhem گرچه آقایان محترم نمایندگان از بنده بهتر متوجه این مسائل باشند ولی من باب انجام وظیفه باید به عرض برسانم:

قبل از هرچیز باید توجه کامل به اصل ولايت فقهیه جامع الشرایط تقليد داشته باشید.

۱— اصل ولايت فقهیه جامع الشرایط تقليد و قابلیت رهبری جامعه مسلمین که ولايت و مسؤولیت قوای سه‌گانه مجریه و مقننه و قضائیه را دارد، یعنی ریاست جمهوری اسلامی،



فرماندهی کل قوا، نخست وزیری، ریاست مجلس شورای اسلامی و رد فروع به اصول احکام اسلامی که مقام فتو و قضاو است. تصدی این مناصب در اسلام و در مذهب حقه جعفری، حق مسلم فقیه جامع الشرایط تقليد است. که روشن به مسائل روز باشد یا خود ایشان متصدی این امور باید باشند، و یا نماینده‌ای که قابلیت تصدی هر امری را داشته باشد، انتصاب نماید. مخصوصاً درجه اجتهاد و سایر شرائط تقليد در اشخاصی که از طرف آن مرجع اعلام برای تصدی ریاست جمهوری و ریاست مجلس شورای اسلامی و ریاست وزراء تعیین می‌شود، باید معتبر باشد.

۲ - اصل حرمت و آزادی انسانها در چهارچوبه احکام اسلامی باید تأیید گردد و معتبر باشد.

۳ - اصل مالکیت در اسلام و عدم زوال آن بعد از تحقق، مگر به اسبابی که ممضاة از طرف شارع مقدس اسلامی یا اینکه مرجع اعلا من باب ولایت، اول امری در این موضوع صادر بفرماید.

۴ - قاعده «لاضرر در اسلام» مخصوصاً اگر موجب ضرر اجتماع مسلمین و مستضعفین باشد باید در نظر گرفته شود و در قانون اساسی معتبر باشد.

۵ - پیشه‌داد شورای نگهبان قانون اساسی به این ترتیبی که تدوین شده «ضرر اکثر من نفعه» ضررش بیشتر از نفعش است و به اصلی که در قانون اساسی سابق در موضوع بودن پنج نفر از علماء طراز اول در مجلس شورای اسلامی است، چنانچه اضافه شود که یکی از علماء طراز اول رئیس شورای اسلامی باشد، خیلی بهتر از تشکیل این شورای نگهبان است که در این پیش‌نویس آمده است و آفایان باید در این موضوع هم توجه کامل بفرمایند. یا اصلی را که در این پیش‌نویس نوشته شده است تجدید کنند یا همانطور که عرض کردم آن اصل دوم متمم قانون اساسی را با اضافه کردن این مورد اصلاح کنند.

۶ - در اصل ۱۳ اضافه شود این اصل تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) باقی است و این اصل در هیچ عصری و هیچ زمانی و بهیچ عنوانی و بدست هیچ دستگاهی نه فراندوم و نه مجلس خبرگان و نه مجلس مؤسسان و نه فرمان رئیس جمهور وغیره تغییر و تبدیل نخواهد یافت. درخاتمه نظریات دیگری در بعضی مواد و مطالب این پیش‌نویس دارم و مخصوصاً یادم آمد باعرض معذرت از آفایان و خانم محترمه دریکی از مواد پیش‌نویس قانون اساسی که می‌خواست ملیتهاي ایرانی را تذکر بدهد و تذکرداده بود. البته اقلیتهاي دینی مانند مسيحيان- زرتشتيان و يهوديانی که در ايران ساکنند کاملاً بجا و معتبر هستند و در تذکر اقوام، اقوام مختلفی که در ايران هستند و صحبت می‌کنند، اسم بعضی از آنها در آن اصل آورده نشده بود. من بباب مثل اقوام فارسي، کرد، ترك، پلوچ شمرده بود، اما قوم لر را در آنجا تذکر نداده بود. درحالیکه نمایندگان محترم اطلاع دارند لرستان گذشته از اینکه یک استان را تشکیل می‌دهد، دراستانهاي دیگرهم اشخاص لر زیاد هستند و این موضوع اگر تصحیح نشود، خدای نخواسته ایجاد ناراحتی خواهد کرد. لهذا تقاضا دارم یا اینکه ذکر این اقوام را بیندازند و بنویسند «ملت ايران» که شامل همه اقوام بشود، چون بسا اقوام کوچکی باشند که از قلم یافتنند و بعد آسباب ناراحتی می‌شود. ولی «ملت اiran» شامل همه اینها می‌شود و دیگر احتیاجی ندارد که اسم اقوام گفته شود. درخاتمه نظریات دیگری در بعضی مواد و مطالب این پیش-نویس دارم که بیاری خدا در مذاکرات آینده بعض خواهد رسید.



نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — بسم الله الرحمن الرحيم، من نکات متعددی را درنظردارم که بمقتضای وقت عرض خواهم کرد و شاید بعضی از آنها تکرار مطالب برادران عزیزم باشد ولی من بعنوان تکرار آنها را نمی‌گویم بلکه از بعد دیگری مطرح می‌کنم. در ضمن پیشنهادهای دیگری هم دارم که بعداً تقدیم خواهم کرد تا مطرح بشود و با دلایلی که به عرض می‌رسانم انشاء الله از طرف نمایندگان محترم رد نشود، زیرا ما در یک ترکیب اجتماعی نوی هستیم. اول — جامعه مسلمانان روشنفکر اسلامی از منابع اسلامی و دینی و حتی فرهنگ اسلامی اشاعای شده، یعنی آنچه که به توارث به آن‌ها رسیده است و اینها شاید بنظر مخالف فرهنگ غرب نگاه بکنند چون مایه درونی شان قرآن است و حدیث و اسلام و حتی فرهنگ موروثی که از خانواده به آنان رسیده است. دوم — روشنفکرانی که در عین ایمان و عقیله به اسلام از آنجا که بخشی از عمرشان را و زمان مطالعه‌شان را با غرب و با جواسح غیر متمدن اسلامی تماش داشته‌اند، مقداری از آن منبع تعذیه شده‌اند و این تلقیقی از نظرشان به وجود آورده که به نظرمن دریچه خوش بینی این برادران به فرهنگ غرب پیشتر از دسته اول است. من اساساً با کلمات پرطنطنه که بهارت به‌ما رسیده و در پیش نویس این قانون‌گاهی با لفظ و گاهی بدون لفظ اعمال شده، اعتقاد زدارم، چون به منابع اصلی آن اعتقاد ندارم زیرا برای جامعه اروپا تهیه شده است و در اینجا هم بعنوان افکار مترقبی و متعالی و روشنفکری مطرح شده مثل کلمه دموکراسی که یک ریشه یونانی دارد. زیرا در یونان دموکراسی بهترین نمونه‌اش جمهوری افلاطونی است. زیرا جمهوری در آنجا ضبغه اشرافیت و اریستوکرات دارد و تنها به اشراف، انسان تلقی می‌شود و بقیه مردم برای کارکردن خلق شده‌اند و به تعبیر خودشان بردۀ هستند و غیراز اشراف یونانی بقیه اصلاح انسان نیستند. حالا آن دموکراسی که مادرش آن است و اروپائی‌ها دانسته یا ندانسته چون چیز دیگری ندارند که با عنوان و لفظ بیان شود به آن آزادی‌هایی که بینبعش اروپا است متنکی می‌باشند، ولو آنکه با لفظ هم گفته نشود، برگشتن به آن دموکراسی است و همین معنی را درباره کلمه سوسياليزم معتقد هستیم و اگر لازم باشد بنده درباره آن یک نقط مفصلی خواهم کرد و ازان دفاع می‌کنم.

پس اولاً — جامعه ما یک جامعه ایرانی و اسلامی بوده و انقلاب مانیز یک انقلاب اسلامی بود. بنابراین تمام خواسته‌ها باید اسلامی باشند. علیهذا با داشتن چنین منابعی غنی از اسلام، خواسته‌های ما باید از اسلام اخذ شود و آزادیها و چیزهایی که مراد آنها هستند (که به عقیده بنده مراد فیلسوف نیستند و اینها یک مغلطه لفظی است) برای همین امور خوب است به اصول خودمان برگردیم. علیهذا به دنبال صحبتی که دیروز کردم، بنده با طرح پیش نویس سابق به عنوان زمینه بررسی مخالف هستم برای اینکه مشاهده کردم و شاید بقیه آقایان هم مشاهده کرده باشند که مبنای آن اسلام و افکار مترقبی اروپاست و بنده اسلام را کمتر از افکار آنها نمی‌دانم و در اسلام خلائی نمی‌بینم و هرجا کسی فکر کند که خلائی وجود دارد، بنده ثابت می‌کنم که این خلاء در اسلام وجود ندارد. بنابراین یا ما مسائل را استخراج می‌کنیم و بررسی می‌شود و یاد رکمی‌سیونها یکی از چیزهای دیگری که به عنوان پیش نویس داده شده و پخش شده مطرح می‌شود، اگر چه محدود کننده باشد. ولی اگر ما را به یک نوشه اسلامی محدود کند باز بهتر از اینست که یک نوشه نیمه اسلامی باشد. دو مین نکته که برادر عزیزم الان فرمودند



مسئله حاکمیت است، من از بعد حقوقیش بحث میکنم چون قدری مطالعه در این رشته دارم آنچه از لحاظ بحث حقوقی است، حاکمیت است یعنی آیا من مسلط به خودم هستم و یا نیستم؟ این مبنای حاکمیت است که بعضی میگویند هستم و بعضی می‌گویند نیستم. حاکمیت را گاهی به خداوند که خالق و صانع است میدهند و گاهی طبق قوانین کار، مالک مصنوع خودش است، یا اینکه بهمنابعی مثل زور یا چیزهای دیگر مربوط می‌کند، به هر حال حاکمیت اگر بخواهد تجربه شود دارای سه قوه است که به نظر من بیشتر از این نیاز ندارد، قوه مقتننه است و مجریه و قضائیه.

آنکه اصل حاکمیت را دارد بر این سه شعبه هم حاکمیت میکند و به طور کلی **اگر خواست، حاکمیت را تفویض میکند و اگر نخواست برای خودش نگه میدارد.**

اما حاکمیت را طبق اصول اسلامی و حکم را از خداوند میدانیم و این حاکمیت را خداوند به پسر داده است. به همین دلیل است که مردم ما را انتخاب میکنند و یا عده‌ای را با وکالت امام یا مستقیماً از طرف خداوند و فقیه به دنبال ولایت عامه و به عنوان قوه مجریه انتخاب میکنند. من مسئله تفکیک قوا را یادداشت کردم ام این مسئله را همه اروپائی‌ها هم قبول دارند. بنده در اسلام با اینکه صریحاً نیست، دیده‌ام پیش‌بینی هم درش نیست بالاخص که رویه و سیره ائمه نشان میدهد که علاقه داشتند قوا را از هم جدا کنند. نظر من در بخش مجریه است که این را امام جدا کرده مثل قضا در زمان پیامبر و مولا علی (ع). پس حاکمیت در قسمت مقتننه را میگذاریم قسمتی در دست مردم باشد و حاکمیت در قسمت مجریه را که امام برای خودش نگهداشته است و همان چیزی است که ما به دنبال رسول و اولی‌الامر که همان ولایت فقیه است و فقیه در این قانون از اصول مهم است و ما مسئله ولایت را به یکی از دو صورت که عملی باشد به دنبالش باشیم والا با مختصر انحرافی، انعراف بسیار بزرگی از اصول اسلامی خواهد شد و به دنبال آن مسائل است به خطر خواهد افتاد. اول آنکه در رأس قوه مجریه امام است و تعبیر دیکتاتور غلط است که مطابق مصالح مشخص خودش دیکته میکند و کسی که به نیابت از خدا این کار را میکند دیکتاتور نیست پس اشکالی وجود ندارد. و به علاوه اگر این مشکل را عملی ندانیم نوع دوم اینست که با نظارت صریح اینها و حق حاکمیتشان در اولیای امور اولاً انتخاب رئیس جمهور و رئیس دولت مستقیماً طبق قانون باشد و به نظر ولی باشد و ثانیاً مخصوصاً تصریح شود به لحاظ اوضاع و احوال زیرا که هر کشور و جامعه‌ای طبی دارد، بطبع کشور، تفویض آزادی و اختیارات زیاد به شخص واحد خطر دیکتاتوری را صریحاً دارد. برای ما تجربه چهارده قرن اسلام کافیست که هر کجا انحراف از این اصول پیدا شده چطور دیکتاتوری روی کار آمده است خاصه اینکه بعدها باید اصول محکم و مدونی باشد برای تقسیم متناسب انقلاب یعنی رئیس جمهور با قدرت کمتری و رئیس دولت با قدرت بیشتری و تعارض که حقوق مردم محفوظ باشد. مسئله تفکیک قوا را که عرض کردم ولی همان مقدار که اسلام و طبع حقوقی ملت‌ها و کشورها منجمله طبع ملت ما اقتضا میکند تفکیک قوا به معنای جدآکردن نیست به معنای جلوگیری از دخالت نامشروع است و یا بدجلوی زیاده روی گرفته بشود، یعنی هم رعایت بشود و هم درحدودی حق نظارت و سؤال باشد.

نایب رئیس—آقای خانه‌ای ۲ دقیقه بیشتر وقت ندارید.

خامنه‌ای — در رکن شوراهای ما یک شورائی از مدرسین و علمای اعلام داریم و من



معتقدم به صورت صحیحی رسمیت داده بشود و در قانون درنظر گرفته شود و حتی صلاحیت انتخاب مراجع آنی به این شورا واگذار شود. که اولی و حق مردم است و هم چنین من خیراز اینکه اولویت نظر مراجع را در نظر دارم که در قانون باشد معتقدم قبل از اینکه طرح به مجلس بروداش تصویب بشود. چرا تصویب بشود و بعد برگرد و دفن بشود، که بگوئید نه و چرا وقت مجلس را بگیرند؟ در مجلس کمیسیون اقتصادی هست، کمیسیون مالی هست، کمیسیون نظامی و کمیسیون شرع هم باشد. اگر این را قبول کرد برو تصویب بشود. من چند عرض دیگر داشتم که خیلی مختصر عرض می کنم و آن امر به معروف است که با تمام اهتمام امام، توجه نشده بود و دیگر اینکه اگر برای امنیت کشور یک سازمانی وجود دارد باید زیرنظر شورائی باشد از آفای نخست وزیر و یک مجتهد به نمایندگی مردم و یک نماینده از مجلس و یک نماینده از وزارت کشور و یک مجتهد به نمایندگی امام که بعد اها اسباب نامنی کشور نشود. بنده با تمام کلام پیشنهادی دارم که خدمت ریاست می دهم ولی یک اشاره ای هم می کنم چون مادر اینجا نماینده مردم هستیم و مردم ازما می خواهند که تمام جریانات اینجا را بدانند. البته خبرنگاران موظف نیستند همه چیز را بنویسند. پیشنهاد می کنم مذاکرات این مجلس مستقل از روی نوارها و تندنویسی پیاده شود و هر روز هم بین ما و هم مردم پخش شود و چون برای ۳۶ سیلیون جمعیت است و چون چاپ ین تعداد مقدور نیست، پیشنهاد دیگری هم هست که یک کانال از تلویزیون و یک موج از رادیو را اختصاص بد هند به این مجلس که پخش کنند. چون ظرفیت این رسانه های گروهی کافی نیست و این عمل را تا اتمام کار مجلس خبرگان حفظ کنند. دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس - مذاکرات مجلس چاپ می شود و آنچه مربوط به جلسه دیروز بود امروز تقدیم خواهد شد. آقای پرورش بفرمائید.

پرورش - بسم الله الرحمن الرحيم. مطالبي را در زمينه پيش‌نويس قانون اساسی باید مطرح کنم که در اين وقت مختصر نمی‌گنجد، لذا فقط عنوانی نظری ادبیات، مسائله‌ها کمیت، مسئله‌ها کیت و مسائله‌های ارش و مسائل دیگر را عرض می‌کنم و اگر در آینده فرصتی شد به استحضار خواهی رساند، اما با اعتبار اینکه امروز قرارش فقط بحث پیرامون مسائل کلی باشد و وارد جزئیات نشویم بنابراین بنده در مسئله حاکمیت مطالبی را به استحضار می‌رسانم. اصولاً برخورد اسلام با قدرت، نه با زور و خشونت از سه مرحله می‌گذرد. مرحله اول مرحله‌ای است که اسلام قدرت را در دست یک نظام جبار و خناس و طاغوتی می‌بیند و با تمام وجودش می‌کوشد که این قدرت را که همان قیافه زور است از دست او بگیرد که این مرحله اخذ قدرت است و آیات زیادی در قرآن کریم مشعر بدان معناست «...فَقَاتُوا أَئْمَةَ الْكُفَّارِ ... وَبِالْكُمْ لَا تَقْاتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَالْمُسْتَضْعِفينَ...» و از این قبیل آیات خیلی زیاد است که در مرحله پس گرفتن قدرت است. مرحله دوم، مرحله ای است که وقتی اسلام آن قدرت را از دست نظام جبار گرفت، در این مرحله قدرت را در رجودش کانون می‌دهد و جمع می‌کند و در حقیقت مرحله دوم تزکیه و تصفیه قدرت است که با آیات زیادی در قرآن کریم هست، مثلاً وقتی خداوند به پیامبر می‌فرماید «اذا جاء نصر الله والفتح و رأيت الناس يدخلون في دين الله افواجاً. فسيح بحمد ربک واستغفره انه كان توابا» که می‌بینیم اینجا مرحله تصفیه قدرت است و باز در سوره احزاب می‌فرماید «او رثکم ارضهم و دیارهم و اموالهم وارضا لم تطوه هاو کان الله على كل شيء قدیراً» و ا Rath گردانیدم شما را بزمین و سر زمینها و اموال و زمینی که در آن زمین گام نهاده اید و خداوند بره چیزی توانست. در این جا می‌بینیم که پیامبر در اوج قدرت است



یعنی قدرت اقتصادی به اعتبار اموال و قدرت انسانی و خلاصه در اوج قدرتهای مختلف هیاسی و نظامی و اقتصادی است، اینجا بالا فاصله مؤلفه‌های قدرت را که احتمال هرگونه سوءاستفاده از این قدرت امکان دارد یعنی نزدیکترین افراد مثل زنان پیامبر را مورد خطاب قرار می‌دهد و اول به خود پیامبر می‌گوید که به آنها بگو «یا ایها النبی قل لازوا جاک ان کتن تردن الحیوة الدنیا وزیتها فتعالیں امتعکن و اسرحکن سراجاً جمیلاً» ای پیامبر به زنانت بگو هم اکنون که تو وارث شدی بر سرزینهای، بر اموال و بر تمام سیستمهای نظامی و اقتصادی و اجتماعی این مؤلفه‌های قدرت ممکن است از تو سوءاستفاده بکنند اگر قصد دارند در کنار این قدرت زینت دنیا و حیات دنیا را طلب کنند، بگویاید و طلاقشان بده و بسلامت مرخصشان کن. اینجا مرحله تزکیه و تصفیه قدرت است. مرحله سوم، مرحله پخش قدرت است به تمام مردم که شاید در هیچ یک از کتاب‌بشاری این چنین پیشرفتنه، با قدرت برخورد نمی‌شود که سه مرحله داشته باشد. عالیترین مکتب ها و نظم ها این است که می‌گوید قدرت را از دست جابر و طاغوت می‌گیرم و خودم را هم احیاناً تزکیه می‌کنم ولی به ملت برنمی‌گردانم، خودم به عنوان قیم ملت قدرت را برای ملت در دست می‌گیرم و نگه می‌دارم. درحالی که در اسلام اینطور نیست، در اسلام قدرت را از دست نظام جابر می‌گیرد و در خودش کانون می‌دهد، تمرکز می‌دهد و تصفیه و تزکیه می‌کند و بعد قدرت را بین مردم پخش می‌کند. این مسئله سوم که شاید در اسلام ویژگی خاصی دارد و در هیچ مکتبی نیست باید در قانون اساسی مورد توجه عمیق قرار چرا؟ چون می‌بینیم این مرحله سوم است که از هر نوع انحراف و کمزی جلوگیری می‌کند، چون مرحله سوم، مرحله ایست که قدرت تصفیه و تزکیه شده به جمعیتی که بنام مؤمن و مسلمان در دایره اسلام هستند، واگذار شده است. باز آیات قرآن در این مورد زیاد است «کنتم خیرامة اخرجت للناس تأمورن بالمعروف و تنبون عن المنكر و....» اصل امری معروف و نهی ازنکر، اصل استئنصاریکی از اصول مسلم اسلام و قرآن است که اگر کسی بهش ظلم شد باید باید در معرض عمومی واژ مردم استئنصار بکند، این را اسلام به عنوان یک نیرو و قوه به رسمیت می‌شناسد در حالیکه در قانون اساسی از مسئله استئنصار که به عنوان یک اصل اسلامی است حرفي زده نشده، از مسئله امر به معروف و نهی ازنکر یادی نشده، از مسئله ارشاد چاهل و به تعبیر برادر عزیزم آقای حسینی تنبیه غافل یادی نشده است یعنی خلاصه از قوه ملت که اسلام، در مرحله سوم این قوه تصفیه شده را به آنان واگذار می‌کند و در حقیقت حاکمیتی را برای ملت این چنین حساب شده و دقیق به رسمیت می‌شناسد، متأسفانه یادی نشده است.

به هرجهت به اعتبار اینکه فرصت کم است در این زینه می‌خواستم عرض بکنم که این سه اصل یعنی این سه برخوردي را که اسلام با قدرت دارد و از سه مرحله می‌گذراند به تعبیر خود قرآن و روایات کاملاً باید در حاکمیت ملی و حاکمیت ملت مورد توجه قرار گیرد. چون نباید در جزئیات وارد شد متأسفانه در پخش حاکمیت ملی آنچا که سه قوه یاد شده است یعنی قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه، از این قوه عظیم ملت هیچگونه یادی نشده است و اگر ما می‌دیدیم و می‌بینیم که با وجود این سه قوه ای که در قانون اساسی پیش بود و این چنین به انحراف کشیده شد و این چنین به استبدادی و خود کامگی نظام کشیده شد، علتش این بود که قوهملت در جریان نبود و جریان نداشت تا در حقیقت این قوه جاری و عظیم بتواند آن قوائی را که واگذار شده است یعنی قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه راهیشه در حالت نظافت و پاکی نگهدارد. بنابراین ذکر این مسئله در پیش نویس قانون اساسی خیلی ضروریست والسلام.



۴ - اعلام تنفس به مدت پانزده دقیقه

نایب رئیس - کمیسیون تنظیم آئین نامه داخلی از دوستان خواهش کرده است که اگر در زمینه آئین نامه داخلی پیشنهادی دارند، کتاباً به این کمیسیون بفرستند تا در آن جاممور استفاده قرار بگیرد. اگر پیشنهاداتی هست مرقوم می فرمائید و می فرماید اینجا که برای برادرانمان در کمیسیون فرستاده بشود. برادری پیشنهاد کرده اند که برنامه نماز بصورت جماعت رسمآ اعلام بشود و در موقع نماز در همان جایی که قبلآ آماده شده است نماز جماعت راهمه باهم برگزار کنیم، نزدیک به دو ساعت وربع هست که جلسه بدون تنفس ادامه دارد برای یکربع ساعت اعلام تنفس می شود و در ساعت یازده وچهل و پنج دقیقه دوباره جلسه رسیت پیدا می کند (ساعت یازده و نیم جلسه به عنوان تنفس تعطیل شد) .

۵ - تشکیل مجدد جلسه و دنباله بحث

در باره کلیات پیش‌نویس قانون اساسی

نایب رئیس - جلسه رسمی اعلام می‌شود. آقای منیر الدین حسینی بفرمائید. (یک نفر از نمایندگان - نیستند) اگر نیستند آقای دکتر ضیائی بفرمائید.

دکتر ضیائی - بسم الله الرحمن الرحيم. درباره کلیات پیش‌نویس قانون اساسی مطالibi سودمند بیان شد و اینها همه تذکراتی است که آقایان موقع بررسی قانون اساسی متوجه آن می‌شوند و نکاتی که تذکر داده می‌شود در اینجا تجزیه و تحلیل کنید و یک قانون جمهوری اسلامی جهانی بنویسیم که لازمه شخصیت اسلام و از مزیتهای قانون اسلام است که فرآگیر و همه جانبه باشد و ملیت‌ها و اقوای را در بر بگیرد و همه با رضایت در سیطره این قانون بتوانند زندگی کنند، همان طوریکه نظام حاکم در زمان بنی امیه و بنی عباس که نظام ظالمی بود - انطور که در کتابهای شرق شناسان غیر مسلم هست - در زیر سیطره اسلام قرار گرفتند، اکنون نیز که در رأس نظام جمهوری اسلامی یک شخص با اراده و عادل و طرفدار همه انسانها به عنوان رهبر انقلاب قرار گرفته است، باید آن شکوفائی قوانین اسلام را هرچه بیشتر در این قانون جمهوری که صدرصد اسلامی است، بگنجانند و در این قسمت سعی پیشتری مبذول شود و فکر می‌کنم همه آقایانی که خودشان را در معرض بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی گذاشته‌اند روی وظیفه دینی و اجتماعی و سیاسی‌شان مطالعاتی در حقوق بین‌المللی کرده‌اند چون در معرض قرار گرفته‌اند و همچنین پیشنهادها و پیش‌نویس‌ها و انتقادات را در روزنامه‌ها و جزوایات مطالعه کرده‌اند چون مورد ابتلا پیش‌بوده‌اند - اگر فرصت مطالعه داشته‌اند - و فکر می‌کنم یک جزوای هم تنظیم کرده‌اند، در مقابل پیش‌نویس پیشنهادی، یعنی از مجموع نظرات یک استفاده‌هایی کرده باشند. همانطور که پیش‌نویس طبعاً با دست یک عده از خبرگان تدوین شد و مورد انتقاد عده‌ای قرار گرفت که یا ناقص بود و بعضی موادش وافی نبود، یا ابهام داشت. علی‌ای حال آنچه ما دیدیم مورد پسند همه واقع نشد. فکر می‌کنم هر کس جزوای همانند آن تنظیم کرده باشد که در بررسی قانون اساسی مطرح خواهد کرد، درباره آن بحثهایی پیش خواهد آمد پیشنهاداتی که در اینجا به طور کلی عنوان شده که من هم به سهم خودم نظرم را ابراز میدارم، در مورد حاکمیت همانطور که به طور اجمال آقایان بیان کردند، حاکمیت از ناحیه خدا طبق استدلالی که شیعه می‌کند و یا طبق استدلالی که برادران مسلمان



ما میکنند، باید حق اولی الامر باشد و اولی الامر بنا به عقیده شیعه در ایران و یا در هر جا مکتب شیعه دارای شرایطی است که باز در قرآن مشخص کرده و اولی الامر باید عادل و مستحب از ناحیه خدا و با واسطه باشد که در مقابل امر پروردگار و امر پیغمبر، واجب الاطاعة. «اطیعواهنه واطیعواالرسول» یعنی در قرآن اطاعت خدا و پیغمبر منتهی اولی الامر در مصادقش طبق آیات دیگر و امثال اینها یک شخص ستمگر از ناحیه خدا و فطرت بشري حق ندارد برمدم حکومت کنند، به همین جهت کسانی که ستمگر و ظالمند به هر نحوی اینها حق حاکمیت ندارند. بنابراین حق حاکمیت از آن خدا و کسانی است که تعین کرده است، به همین جهت این حق حاکمیت در سه، چهار مرحله یا چند مرحله پیشنهاد شده در بعضی پیش نویسها من عرض میکنم همه این مراحل در طول هم است نه در عرض هم. به همین جهت قوه مقتنه یا قوه مجریه و یا قوه قضائیه با قوای دیگری که سرور عزیzman جناب آفای پروش و آقای اکرمی و سایر آقایان فرمودند قوه مقتنه در اسلام همان قوانین اسلام است ولی مجلس شورا تطبیق صغیر و کبری و کبری و صغیری قوانین اسلام را بیان میکند و تطبیق میکند با سایر مسائل روز. بنابراین وقتی مرحله قوه مقتنه به عنوان تطبیق باشد قهرآ از همان ناجیه هم ارجاع میشود به قوه قضائیه، و قوه مجریه مأمور است در چارچوب قوه قضائیه مواردی را اجرا کند. حدش که نیست تا این توهم برای ما بیش بیاید که اگر قوه مجریه مستقل باشد خطرها دارد. قوه مجریه ای که از مورد وظیفه خود خارج شد باشد محاکمه بشود. بنابراین تفکیک قوا و استقلال قوا معنی ندارد، فقط در نحوه تشخیص روش قانون و اجرای آن و در مورد پیشنهادی بعضی از آقایان و انتقادات بعضی دیگر که به نظر آقایان رسیده که در این پیش نویس قدرت زیادی به رئیس جمهور داده شد شاید از نظر عموم همینطوری است منهای نظر قانون اسلام. قانون اسلام همانطوری که اشاره شد قدرت را دست اعلم و بصیر به اوضاع جهان میسپارد. بنابراین قدرت مافق رئیس جمهور، فقیه اعلم است و او باید ناظر بر امور دولتها باشد. مثل زبان ما اگر قانون اساسی هم داشتیم باز همین بود وقتی مملکت در معرض خطر قرار میگیرد، فقیه اعلم به عنوان وظیفه الهی حاکمیت الهی عنوان میکند و به عنوان فرمانده کل قوا در عرض ۱۲ ساعت بلکه کمتر غائله را از بین میرید. در زمان ریاست جمهوری هم قانون اساسی باید برای فقیه اعلم در هر دوره تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) ثابت باشد و به آن عمل بکند البته در پیش نویس قانون اساسی انشاء الله بعدها نظر داده خواهد شد و در مورد مالکیت که جناب آفای اکرمی دانشمند محترم بیان فرمودند قانون اسلام مالکیت شخصی و یا به اصطلاح مالکیت شخصی حقیقی یا حقوقی را محترم میشمارد متها به شرطها و شروطها، والان در نظام طاغوتی ۲۰۰ ساله حقوق یک عده ای پایمال شد و یا بعد از ظهور اسلام حقوق بعضی ها پایمال شد، چون حق مالکیت دارد و از آن زمان تا زمان ما آن فقیهی که عرض کردم حاکم است از ناجیه پروردگار، یعنی اولی الامر است. نمی توانست حقش را اعمال کند که تا حقوق مستضعفین و محرومین را از ثروتمندان ستمگر بگیرد و تحويل آنها بدهد و وقتی حاکمیت برای یک فقیه عادل و بصیر به اوضاع جهان در قانون اساسی ثابت شد، در هر مورد میتواند این کار را بکند و حقوق مظلومین را از حلقوم ظالمین و ستمگران بیرون بکشد. بنابر این با حفظ این قسمت که حاکم، فقیه اعلم و بصیر به اوضاع جهان است و مافق همه قوا است فکر میکنم بقیه پیشنهادات و یا انتقادات حل خواهد شد. قانون اسلام قانون گسترده ای است و در مورد حقوق زن و مرد،



قانون اسلام تمام مکلفین را در برابر قانون مساوی میداند و همچنین حقوق مساوی برای همه اقشار اعم از زن و مردقرار میدهد، مگر موارد خاص که شارع یعنی خدا مصلحت اجتماع را در آن دیده که آن قسمها را اختصاص بدهد برای زن یا مرد و یا به هر نحوی که باشد. نمیتوانیم از این حق بگذریم و یا از آن حق تنزل کنیم و این باید در قانون اساسی پیشنهاد بشود. مطالب دیگر را در جلسات آینده بطور پیشنهادی عرض میکنم. از اینکه مصدع شدم پوزش می طلبم. نایب ویسیں—آقای منیرالدین حسینی هاشمی بفرمائید.

منیرالدین حسینی هاشمی—اعوذ بالله السميع العليم. بسم الله الرحمن الرحيم.

حضور مبارک آفایان فقهاء و متخصصین موضوعی که در مجلس حضور دارند امیدوارم کاملاً به عرايضی را که لازم میدانم توجه کنند، آفایان توجه مبذول بدارند. همه شئوناتی را که الان آفایان در اینجا دارند، در روز قیامت هیچ کدامیش مطرح نیست الا تقو و اخلاص و عمل و اموری که خود آفایان نسبت به آن استحضار کامل دارند. لذا تقاضائی که میکنم به عنوان التماس نیست به عنوان اتمام حجت و استمساك است نسبت به توجیهی که میفرماید و خدا را شاهد میگیرم الان آنچه را به نظرم لازم می‌رسد، با کمال صراحت و بدون رعایت هیچگونه شئونات عرض کنم و مقصود آمدن پشت تربیتون و از نظر ظاهر با تصویب هیأت رئیسه و رعایت مقررات خاص نیست. ولی از نظر واقع مأموریتی است که در عالم امتحان به ما داده شده است و در قیامت رویش اتمام حجت خواهد شد. لذا کلیاتی را که من لازم میدانم در طول کار تدوین قانون اساسی به عرض آفایان میرسانم در حالیکه شاهد میگیرم برگتارم خداوند متعال را و روح انبیاء عظام نبی اکرم (ص) و روح مقدس حضرت سیدالشهداء را که با نام مقدسش این انقلاب به اوج رسید، بلکه پیدا شد در نزد فرزند مبارکش حضرت ولی عصر (عج). مسئله اول مسئله اصرار به سرعت است. چون امام پیام میرستند که این قانون قانونی باشد که برای همه ملل مستضعف بدرد بخورد. الان که بحد الله از نظر ظاهر هم، امام رهبری کل قوا را به عهده گرفته اند و رسماً انقلاب از هر جهت مجهز است، چنانچه لازم باشد يك قانون اساسی تدوین شود که برای همه ملل عالم بخصوص ملل مستضعف الکوئی باشد، باید کمال دقت را در بررسی آن کرد و به این جهت پیشنهاد میکنم دو فراسیون در مجلس برای بررسی آن تشکیل شود و کاملاً دقت شود، حالا وقت یکماده شد یا پیشتر. بنابر این تضییق شدید نباشد که موجب شود آفایان به سرعت حرکت کنند تا سر یکماده تمام شود، بلکه سرعت طوری باشد که حتی قبل از مدت تعیین شده تمام شود و آفایان بگویند دو روز هم زودتر تمام شد. چنین به نظر نمی‌رسد که اینجا سرعت لازم باشد بلکه به اندازه‌ای باشد که مطلب نه زیاد اطناب و تفسیر لی مورد داشته باشد و نه نسبت به آن بی توجهی شده باشد، حتی نسبت به یک ماده‌اش، چه رسد به پیشنهاد خود پیش‌نویس یا کلیاتش. مسئله دویی که به عرض آفایان میرسانم مسئله نظم است. اصولاً مسئله نظم و سازمان‌دهی مجالس و پارلمانها از ناحیه خود مؤسسانش در کشورهای دیگران بینظور بوده که وسیله بوده نه هدف، لذا وقتی یک نماینده احساس خطر میکند باید حرفش را مسحکم بزند ولی اگر کسی چیزی گفته و یا عبارت آخری باشد یا نک چیزی اضافه و کم باشد آن صحبت دیگری است. ولی اگر چیزی باشد که کاملاً ضروری باشد، نماینده باید کاملاً باشند و لو مجلس متشنج بشود. چه بسا مطلبی در حکم یا موضوع به نظر رسد که به نظر دیگران نرسیده باشد باید پافشاری



کند تا وقتی که مطمئن شود به نظر همه رسیده است، یعنی در نزد خداوند متعال تکلیفش ساقط شود که من مطالب را رساندم. بعد تصمیم گیری به عهده مجلس است. ما حتی در قوانین شرع هم همین مطلب را که حکومت یک حکم بر حکم دیگر و اهم و مهم در موارد و مصادیقی که دو بعد در یکجا جمع میشده ملاحظه می کنیم. لذا اینکه حالا یک امر تکوینی خاصی باشد که به صرف اخطار، نماینده مجبور باشد قطع کند، نه اینطور نیست. در عین حال برای حفظ انصباطی که پیشگیری از طولانی شدن باشد، من پیشنهاد میکنم که دو فراکسیون یعنی دو اتحادیه منتخب خود آقایان در مجلس باشد، یکی اتحادیه آقایان متخصصین حکم، و یکی متخصصین موضوع. وقتی که هیأت رئیسه اعلام میکنند که این مقدمه خارج از موضوع است متخصصین که در فراکسیون هستند، حق داشته باشند که وتو کنند، یا وقتی که اعلام کفایت مذاکرات میشود متخصصین حکم یا موضوع حق و تو داشته باشند. یعنی در اینجا طبیعی است که نه شما انتظار دارید و نه هیأت محترم و منتخب رئیسه که کسی باید اینجا و رعایت رئیس و مرئوی بکند، نه وسیله است و نه هدف و هرجا که نظم مانع ذات هدف بشود طبیعتاً آن نظم صالحی نخواهد بود و مسلماً این را همه آقایان هم ملاحظه نیفرمایند. قسمت دیگری را که میخواستم به عرض آقایان برسانم فرق بین جمهوری دموکرات و جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی مکتبی است که حکومت فرد نیست و موازنه قوا هم محور را شرع قرار میدهد نه فرد را، و فرد هم چون عادل و این و اعلم به امور شرع است، نظرش متبع شده و لذا جمهوری اسلامی، اسلام قید جمهوریت است مثل جمهوری سوسیالیست که سوسیالیست قید جمهوریت است. مثلاً در کشورهایی که صحبت از جمهوری سوسیالیست میشود هیچ رأی که مغایر با اصول سوسیالیست باشد اصلاً متبع نیست و به آن گوش نمیدهد. نهایت یک پویائی خاص در این جمهوری اسلامی براساس ذات اسلام است که به عرض آقایان میرسد که آن مسلماً حرکت و رشد را حفظ میکند، هم در بعد حکم شناسی و هم در بعد موضوع شناسی. بنابراین جمهور موظفند مجریان اسلام را انتخاب کنند. جمهور کمک میکنند همه با هم برای پیاده شدن اسلام و زیربنای یک چنین سازمان سیاسی و اجتماعی، طبعاً آراء به معنای رأی ناشی از میل نیست، رأی ناشی از اعتقاد است و یک جمهوری مکتبی است. پیشنهاد دیگر، قبل از اینکه اصولاً طرحی برای قانون اساسی مطرح شده اعم از اینکه آن طرح پیش نویس مسیوق الذکر باشد یا طرح دیگر، کلیاتی مشخص شود که براساس آن کلیات، از همه پیشنهادات بتوان استفاده کرد و منحصر در یک پیشنهاد شود و آقایان ان شاء الله تعالى کمال غور و بررسی را داشته باشند که هر پیشنهادی که از هرجا رسیده مورد بررسی قرار بدھند. برخلاف اینکه اگر در یک چهار چوب خاص، در یک طرح خاص، دریک کانال قرار داده شد، طبیعتاً مقداری از پیشنهادات جای ذکر پیدا نمی کند و جای بررسی پیدا میکند. کلیاتی را که بنده مصراحته به عرض آقایان میرسانم و توجه به آن لازست، اینکه به استثنای شخص امام، روحانیت تاکنون در تاریخ نشان نداده که بعد از ائمه اطهار سلام الله علیه در قدرت اراده موضوعی رهبری به این اندازه بقدرت باشد. بنابراین اختیاراتی که برای ولایت فقهی از بعضی از آقایان شنیده میشود، توجه داشته باشند به ناحیه حکم موضوع. سازماندهی یک کشور یک امر موضوعی است، حاکم، هم قدرت نظارت داشته باشد، هم قدرت کنترل، اعم از اینکه از بالا به پائین یا از پائین به بالا، یعنی در صورت طاغی شدن دولت بتواند مستقیماً اوامرش را در پیشگیری از طغیان به مبارزین،



یعنی آحاد سربازها برساند و برای سربازها همگی عین سایر ملت این فرمان از نظر قانون و سازمان دهی کشور متبع باشد که در صورت اخطار دفاع، از ناحیه مرجع، وظیفه داشته باشند چنانکه ماقوشاًن اطغیان کرده خودشان اجرا کنند تا توازن و تعادل قوا برقرار باشد یعنی بررسی روی موازنہ قدرت که مجری و سازمان ده نتواند تخلف کند، این یک سخن است، همانطوری که دولت هم پیشگیری از تخلف متخلقین را می کند که قوا کاملاً در موازنہ باشند ولی محور اصلی شرع مقدس باشد.

نایب رئیس — آقای حسینی دو دقیقه دیگر از وقت شما باقیست.

منیرالدین حسینی هاشمی — و یک مسأله دیگر هست و آن این که خوب، حالاً به حق، فقیه در تمام مواردی که کار موضوعی است دخالت کند. بنابراین پیشنهاد میکنم که مجلس شورای ملی مجلس ممیزه باشد و همه از متخصصین موضوعی تشکیل بشود و شورای عالی مراجع متخصصین حکم هستند چون باید یک کشوری را نظم بدهند و باید در بی نظمی جای پائی بماند خدای نخواسته برای سوءاستفاده کردن و به آیندگان ما در تاریخ لطمہ و خدشهای وارد شود. من در اینجا با اینکه قسمت‌های دیگری از مطالبم باقی مانده است بیاناتم را خاتمه میدهم، امیدوارم در فواصل دیگر مطالبی را به عرض آقایان برسانم.

نایب رئیس — از آقای حسینی خواهش می‌شود آن دو پیشنهادی را که نوشته‌اند به کمیسیون بررسی آئین نامه بفرستند. آقای ربانی املشی بفرمائید.

ربانی املشی — بسم الله الرحمن الرحيم. مقداری از مطالبی را که در نظر داشتم عرض کنم قبل از طرف برادران صحبت شد. از جمله مطالبی که تصور می‌کنم خیلی لازم است رویش اصرار بشود برای به کرسی نشانیدن آن، ولايت‌فقیه است که امری بسیار پراحتیت است و اگر در قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن توجه نشود، باید گفت این قانون، قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست. بعلاوه از مزایائی که ولايت‌فقیه دارد عمللا محروم خواهیم ماند. اکثریت ملت ایران مردمی هستند مسلمان و پیرو اسلام ، اگر به ولايت‌فقیه کاملاً توجه شود، این اصل مسلم قرآن «اطیعوا اللہ و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» عملی خواهد شد. مردم مسلمان اطاعت را در این صورت واجب و فریضه می‌دانند و همین امر است که می‌تواند قاطبه ملت ایران را در هر موردی که لازم باشد بسیج کند. باید گفت رمز پیروزی انقلاب ملت ایران — در این مدت کم — که برای مردم جهان معجزه‌آسا بود همین بود که رهبر انقلاب فقیه بود، مجتهد جامع الشرائط بود، مرجع تقليد بود، مردم اطاعت او را واجب میدانستند و حتی اگر میفرمود با مشتّهای گره کرده و دست خالی در برابر توپ و تانک ایستادگی کنید، میرفتد و ایستادگی میکردند و اطاعت میکردند. وقتی در پاوه و سنندج ضد انقلاب بر علیه ملت ایران قیام میکنند او فرمان میدهد در برابر آنها ایستادگی کنند، مردمی که اسلحه داشتند و مردمی که اسلحه نداشتند همه بر میخیزند، از کرمانشاه خبر میرسد که همگی دسته‌جمعی با پایی پیاده به سمت پاوه حرکت می‌کنند. از این امتیاز بزرگ که ما را اسلام برخوردار فرموده یقیناً باید برخوردار باشیم. در اینجا نکته‌ای را که قابل توجه است و به آن اشاره نشده و من این مطلب اول را که عرض کردم به مخاطر این ذیل بود، این است که در اسلام، در تشیع باب اجتہاد مفتوح است و در هر عصر و زمانی مردم مسلمان و شیعه از مجتهد زنده پیروی می‌کنند و همین تقليد و پیروی کردن، انسجام و تشكل عجیبی در جامعه تشیع



به وجود می‌آورد. تصور می‌کنم در طرح پیشنهادی باید به این مطلب توجه شود. البته طرحی پیش‌بینی شده که انشاء الله به موقع خدمت آفایان عرضه خواهد شد، پیش‌بینی این مطلب در قانون اساسی باشد که برگزینی احتمالاً همان مقام رهبری سیاسی و مذهبی از وضع نابسامان فعلی بیرون آید. تصور می‌کنم اگرما درگذشته طرحی برای این مطلب داشتیم شاید اقلایی را که امسال به پیروزی رسید در حدود ۱۶۱ سال پیش به پیروزی رسید، یا لاقل طرحی پیشنهاد شود. البته عرض کردم پیشنهادی هست که در این مدت کم نمی‌توانم عرض کنم، در قانون اساسی اصلی پیش‌بینی شود که لااقل مردم مسلمان، مردم شیعه از نظر تقليد عمل راه ورسم خود را بدانند و حدائق آنچنان نباشد که بعداز سالها باز هم مردم در تردید باشند که چه کنیم، یا از این اصل قانون لطمہ بزرگی بوما وارد شده است و اگر پس از این هم ما نسبت به این مطلب دقت کامل تکنیم شاید باز لطماتی خواهیم خورد. باز مطلبی را که لازم است تذکردهم راجح به ولايت فقیه می‌باشد که بموقع باید صحبت شود. الان فقط بعنوان پیشنهاد عرض می‌کنم که آقایان محترم و خواهر محترمه توجه کنند که ولايت فقیه چگونه باید باشد. آیا هر فقیهی ولايت دارد یا برابر امتیاز و تشخیص است؟ والی وفقیهی که حاکم بر مردم است، باید انتخابی باشد. عملاً در بورد امام خمینی مادیدیم مردم اورا انتخاب کردن و درنتیجه انتخاب کردن، نافذالکلمه بود. از نظر فقهی آیا انتخاب لازم است یانه؟ بعضی اعتقاد دارند شاید انتخاب لازم است. از نظر عملی برای آنکه ازان نتیجه کامل بگیریم، فرض آنکه از نظر فقهی انتخاب لازم نباشد، اینها مسائلی است که باید درباره آنها دقت شود. مطالب خیلی زیاد است و شاید وقت من هم دارد تمام می‌شود و باید مختصر کنم. مسئله تفکیک قوا اولاً مسئله‌ای است مورد بحث حتی در غرب، آیا تفکیک قوا مطلوب هست یانه؟ همه تفکیک قوا را چیز مطلوبی نمی‌دانند. مطلب دوم اینکه آیا در اسلام تفکیک قوا هست یانه؟ من تصور می‌کنم که مقام ولايت در اسلام قوه مجریه هست، قوه مقننه هم هست یعنی والی و حاکم اسلامی است که بر کرسی ولايت می‌نشینند و فرمان میدهد نسبت به مقررات موسمی و موقعی و بر همه مردم مسلمان اطاعت او واجب می‌گردد. «اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» اطاعت اولی الامر در قوانین مسلمین واجب است متنه در چه چیزی؟ آیا حاکم و والی خودش و به تنهائی فکری کند و قوانون وضع می‌کند، یا با مشورت؟ «وشاورهم فی الامر» و اینجا است که مسئله دیگری پیدا می‌شود که آیا در اسلام و جمهوری اسلامی مجلس مقننه یا مجلس شورا داریم؟ ظاهراً مجلس مقننه باید داشته باشیم، مجلس، مجلس شورا است، مجلس مشورت است، با تمام مردم باید مشورت شود اگر اهل مشورت باشند. «وشاورهم فی الامر» یعنی دموکراسی مستقیم. اما ازانجائي که نمی‌شود با تمام مردم مشورت کرد با منتخبین مردم مشورت می‌شود اما کدام منتخبین؟ منتخبینی که اهل مشورت باشند، اهل درک باشند، اهل تجزیه و تحلیل باشند، اهل استخراج قوانین موسمی از قوانین اسلامی باشند. بنابراین باید برای شرایط نمایندگان مردم و وظیفه نمایندگان مردم و نحوه و عمل حاکم و والی در اسلام با آنها مشورت بشود.

نایب رئیس — وقت شما تمام شد.

ربانی املشی — یک جمله عرض می‌کنم باما مشورت کنید، خوب مشورت که کردن، چه کنند؟ البته تبعیت ازا کثریت کنند و بقول محقق نائینی که می‌فرماید اگرچه دلیل دیگری بر تبعیت ازا کثریت نداریم اما تنها آیه شریفه «وشاورهم فی الامر» کافی است و گرنه مشورت



شاید درست نباشد والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته.

نایب رئیس — تذکری رسیده که نمایندگان محترم و ناطقین فتوکپی مطالب خودشان را در اختیار خبرنگارها بگذارند. البته خبرنگارها، همانظور که ملاحظه فرمودند اکثر دولتان بدون نوشته صحبت میکنند و آگر نوشتہ ای دارند یادداشت رئیس مطالب آنهاست و کمتر متنی دارند برای اینکه بخوانند. چون اکثریت مجلس را دولت‌انی تشکیل میدهند که سخنرانی-هایشان از روی نوشته ایراد نمیشود و کمتر از آن استفاده میشود، خوشبختانه می‌بینیم اینها با اینکه نوشته نشده همه مسائل درآن رعایت میشود. به هر حال هر کمکی دولت‌ان میتواند به این دولت خبرنگار بکنند، دریغ نکنند. ضمناً خبرنگارها هم میتوانند پس از چاپ صورت جلسات از آنها استفاده کنند. بعضی از دولت یادداشتی فرستاده اند چون می‌بینیم وقت زیادی گذشت از ایشان خواهش شد که برای صحبت بیانند اینجا یادداشت مجدد میفرستند که یادآوری کنند هر یادداشتی که می‌آید فوراً در صورت اسامی وارد میشود ولی الان نفرپا نزد هم از این صورت صحبت فرمودند و آخرین نفر قبل از اینکه یادداشت کنم نفر سی و هشتم است و با این یکی سی و نه نفر میشوند. آتای طاهی خرم‌آبادی بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی — بسم الله الرحمن الرحيم، با توجه باینکه حضار محترم نمایندگان ملتی هستیم که ۹۸ و دودهم درصدش به جمهوری اسلامی رأی داده است و قهرآ خواست اکثریت قریب به اتفاق ملت، حکومت اسلامی است. بنابراین همانظور که امام هم درگفتاری که امروز با آقایان و خانم محترمہ داشتند بیان فرمودند، نمایندگی همه ما محدود میشود به مسائلی که در چهارچوب اسلام است یعنی ماباید اصول قانون اساسی را براساس قوانین اسلامی بررسی و تدوین کنیم والا عملی است برخلاف خواست اکثریت. در این زمینه مسائلی از نظر اصول قانون اساسی، یعنی پیش نویس قانون اساسی هست که آنها را من قبل این خواهیم متعرض بشومن. ولی به یک مطلب مهم که شاید درگفتار آقایان قبلی هم بود اشاره بکنم و آن اینکه روح اسلام و زیربنای جامعه اسلامی تسلیم در مقابل فرمان خدا است و اساساً اسلام یعنی تسلیم، «ان الدین عند الله الاسلام» و درجای دیگر در قرآن آمده است:

«فلا و ریک لا یؤمّون حتى یعکموك فيما شجربینهم ثم لا یجدوا في انفسهم حرجاً مما قضیت و یسلموا تسلیماً». یعنی یک جامعه اسلامی، یک جامعه توحیدی و الهی، آنطور بینانگذاری میشود که همه در مقابل فرمان خدا تسلیم میشوند. این روح و اساس یک جامعه اسلامی است، و تسلیم در مقابل خدا در موضوع مهم متبادر است، یکی مسئله قانونگذاری و یکی هم فرمانهائی که حکومت در مسائل اجرائی میدهد. ماباید مسئله تسلیم در مقابل فرمان خدا را در این دو مسئله‌هم کاملاً دقت کنیم. اما در مسئله قانونگذاری باید در اصول قانون اساسی یک پیش بینی صحیحی برای قوانینی که بعداً در مجلس شورای ملی خواهد گذشت، بشود که آن قوانین بربازین و معیارهای اسلامی منطبق باشد. چون قانون اساسی بمنزله روح و اصل و ریشه آن قوانین است و باید در این قانون اساسی پیش بینی صحیحی بشود، و متأسفانه در این پیش نویس قانون اساسی، در این قسمت پیش بینی صحیح نشده است مجلسی بعنوان شورای نگهبان در این پیش نویس قانون اساسی پیشنهاد شده است، حالاً بجزئیاتش کارندارم در شورای نگهبان اینطور پیش بینی شده که به درخواست رئیس جمهور یا رئیس کل دیوانعالی کشور، یا یکی از مراجع تقليد، آگر قانونی برخلاف قوانین اسلام در مجلس گذشت، یکی از سه



فرد شورای نگهبان مأموریت برسی آن قانون را پیدا کند. اینجا باید حساب شرایط مساعد را همیشه بکنیم، حساب پنجاه سال، صد سال دیگر که ممکن است شرایط، یک شرایط مساعد باشد. فرض بفرمائید، رئیس جمهور و رئیس کل دیوانعالی کشور در شرایطی راجع به آن قانونی که از مجلس گذشته است که یا برخلاف اسلام یا بر ضد خلق یا یک قانون استشاری است، نخواستند شورای نگهبان را در جریان بگذارند یا مرعو تقليد وقت بر اثرعلی که پيش ميآيد و شرایط ناساعدی که حکمفرما خواهد بود اطلاع حاصل نکرد و قانون مخفیانه تصویب شد، — گرچه باید قوانینی که تصویب میشود در اختیار همگان گذاشته شود ولی همانطور که در گذشته دیده‌ایم، در مجلس قوانینی تصویب میشد که در اختیار کسی قرار نمیگرفت— از این لحاظ قانونی برخلاف اسلام یا قانون استعماری ضد حقوقی ضد مردمی تصویب شده و شورای نگهبان از آن قانون بی اطلاع یا اگر اطلاع هم دارد مأموریت رسیدگی پیدا نمیکند، بنابراین شورای نگهبان همان طور که از نامش پیدا است، باید نگهبان همه قوانین باشد یعنی در قانون اساسی باید پیش بینی شود، که هر قانونی از مجلس میگذرد— حالا قبل یا بعد— به نظر شورای نگهبان برسد هر قانونی که میگذرد شورای نگهبان باید آن را تصویب کند تا قانونیت پیدا کند. این یک مسئله‌ای است که در شورای نگهبان حتماً باید رعایت بشود. نکته دوم اینکه معیار تصویب شورای نگهبان دو سوم آراء مشت اعضا قرار گرفته است. شورای نگهبان مرکب ازه نفر مجتهد و نفر حقوقدان است و ممکن است دو سوم آنها که نفر میشود، دونفر مجتهد و نفر حقوقدان باشند درنتیجه دریک امر تخصصی یعنی تشخیص اینکه قانون با قانون اسلام تطبیق میکند یا نه، دونفر مجتهد و سه نفر حقوقدان موافق باشند و رأی اکثریت متخصصین در آن رعایت نشده و باید حتماً در مسئله اختصاصی که مسئله تشخیص تطبیق قانون در اسلام است، میزان و معیار متخصصین مجتهد باشد، البته در مسائلی که مربوط به جهات دیگر است معیار همان دوسوم خواهد بود. این راجع به مسئله حفظ و صیانت قوانینی است که بعداً میگذرد تا از دستبرد انگیزه‌های غیر اسلامی، محفوظ باشد و امام طلب دوم مسئله فرمان‌های اجرائی حکومت است که باید جامعه مادرانجام فرمان حکومت مؤمن باشد که این فرمان، فرمان خدا است یعنی آنگاه جامعه مایک جامعه اسلامی و تسلیم شده مقابل خدا است که فرمان حکومت را، فرمان خدا بداند و اصولاً از نظر اسلام هیچ فرمانی اعتبار ندارد مگر اینکه فرمان بستگی به خدا داشته باشد و اما اگر قرآن نمیفرمود «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» ملزم نبودیم که از یغیرمیر اطاعت کنیم. چرا از پیغمبر اطاعت کنیم؟ چرا از امام معصوم اطاعت کنیم؟ چون خدا فرموده است «اطیعوا الرسول» یا فقط در مقابل فرمان خدا خود را ملزم به اطاعت از خدا می‌دانیم عقل چنین میگوید. پس حکومتی که میخواهد فرمان بدهد و مسائل اجرائی را با فرمان اجرا کند باید مردم مؤمن باشند که این فرمان، فرمان خدا است، همچون فرمان رسول، فرمان خدا باشد. بنابراین اینجا مسئله ولايت فقهی که در اطرافش بحث شد، مسئله مقام رهبری و مسئله نظارت فقهی یا شورای فقهای در مسائل اجرائی و تمام اسکلت حکومت به میان می‌آید و طرحی هم در این زمینه هست همان طور که دوست محترم هم فرمودند بعداً پیشنهاد خواهد شد. البته مادامیکه امام حیات دارد، باید تمام مملکت همانطور که الان فرمانها و مشورتها با او است، در آینده که رئیس جمهور تعیین می‌شود باز باید با امام باشد و یکی از اشکالات به این قانون اساسی و تدوین کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی همین است که نه در مقدمه اش نامی از رهبر انقلاب به میان آمده و نه در این زمینه در



اصولش هیچ پیش‌بینی نشده است پس مقام رهبری و فرماندهی که متنکی به اصولی است که ما داریم و در جای خود باید بحث بشود و متنکی به فرمان خدا است و ریشه الهی دارد، باید حتماً در قانون اساسی پیش‌بینی بشود.

نایب رئیس — دو دقیقه دیگر وقت دارید.

طاهری — من مطلب دیگری داشتم در این زمینه که میگذارم برای وقت دیگر و این جمله را عرض کنم که مسأله ولایت فقیه و مقام رهبری خواست اکثریت مردم است. نمونه اش اینکه در این ۲۰ روزی که من در لرستان مشغول به انجام وظیفه بودم با اینکه مسأله یک مسأله دیگر بود و اصلاً مربوط به قانون اساسی نبود کراراً در حین صحبت نوشته به مداده میشد که راجع به ولایت فقیه صحبت کنید و یک طوبار ۵ متری با هزاران اضاء از یک شهر لرستان که خرم‌آباد است به وسیله دفتر حزب جمهوری اسلامی به اینجا انتقال پیدا کرده که خواست مردم اینست که این مسأله اساسی باید در قانون اساسی پیش‌بینی بشود. پس هم مسأله‌ای است اسلامی و بدون آن ما حکومت و جامعه‌ای اسلامی نخواهیم داشت و هم مسأله‌ای است مردمی که مردم روی این مسأله عنایت دارند. با عرض معدرت والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

نایب رئیس — برای بعد از ظهر طبق پیش‌بینی سه ساعت وقت داریم، البته با امید اینکه سر ساعت پنج آکثریت حاصل بشود و دقیقاً توانیم جلسه را شروع کنیم. جمعاً ما ۱۸۰ دقیقه وقت خواهیم داشت و معمولاً ده دقیقه آن به دادن بعضی تذکرات می‌گذرد، بنابراین ما ۱۷۰ دقیقه وقت داریم و ۲۲ نفر دیگر که نوبت سخن گفتن دارند اگر بخواهیم همه آنها که نوبت گرفته‌اند صحبت کنند به هر نفر باید ۷ دقیقه وقت بدیم اگر خواهیم و برادرانی که نوبت صحبت گرفته‌اند هفت دقیقه را کافی میدانند لیست را بیندیم و همین عده تا پایان عصر امروز مطالیشان را بفرمایند. البته همین صبح امروز هم بعضی از دوستان که آمدند چهار، پنج دقیقه بیشتر صحبت نکردند و اگر اصراری هست به این که یکربع ساعتی که، حداقل یک وقت مناسب هست برای اینگونه بحث‌ها حتی رعایت بشود، ما عصر برای یازده نفر از این ۲۲ نفر می‌توانیم وقت داشته باشیم و یازده نفر دیگر را به عنوان نوبت گرفته‌های نقط قبل از دستور برای روزهای بعد درنظر خواهیم گرفت. حالا دوستانی که وقت گرفته‌اند نظر بدهند که کدام را اولی میدانند چون حق آنها است که مطرح است. (عده‌ای از نمایندگان — همان یکربع ساعت باشد) یعنی همان یکربع را رعایت بکنیم و اگر کسی خواست تفضل بکند و زودتر و کوتاه‌تر مطلب را تمام کند، کسی مزاحم و مدعی او نخواهد شد. بنابراین کسانیکه نوبت گرفته‌اند به ترتیب بعد از ظهر صحبت خواهند کرد. به هر حال لیست بسته شد. چون آئین نامه برای نقط قبل از دستور روزهای دیگر ممکن است کیفیت جدیدی را پیش‌بینی کند و عده‌ای از دوستان حالا وقت گرفته‌اند، اسامی شان را میدهیم به کمیسیون تا به عنوان نقط قبل از دستور برای روزهای آینده منظور کنند.

۶ — پایان جلسه و تعیین زمان تشکیل جلسه بعد

نایب رئیس — جلسه را ختم می‌کنیم و جلسه بعد ساعت پنج بعد از ظهر خواهد بود.

(مقارن ساعت سیزده جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه چهارم

صورت شروح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه در ساعت هفده روز بیست و نهم مردادماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و ششم رمضان المبارک ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

- ۱ - اعلام رسیت جلسه.....
- ۲ - ادامه بحث در کلیات پیش نویس قانون اساسی.....
- ۳ - پایان جلسه.....

دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحُكْمُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالرَّحْمَةُ مَنْ يَشَاءُ فَلِلَّهِ الْفَضْلُ الْأَكْبَرُ

إِنَّمَا الْأَنْوَافُ لِلْمُسْكِنِ وَالْمُسْكِنُ لِلْمُؤْمِنِ

وَالْمُؤْمِنُ لِلْجَنَاحِ وَالْجَنَاحُ لِلْمُؤْمِنِ

۱ - اعلام رسیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم .

جلسه به حد نصاب رسیده است و چون هنر از حاضران در کمیسیون هستند و با احتساب آنها الان هنر از حاضر داریم کار را آغاز سیکتیم . این خبری را هم که خبرگزاری پارس صحیح امروز داده است که جلسه با هنر از حاضر کار خود را آغاز کرده لازم است با این توضیح همراه باشد که چون در همان موقع چهار نفر از اعضای کمیسیون هم مشغول کار بودند حد نصاب را برای تشکیل جلسه کافی دانستیم . یعنی باز با هنر از نظر که اکثریت دو سوم است ، جلسه را آغاز کردیم . دستور جلسه ما ادامه توضیحات و بحث های کلی است که دوستان در زمینه قانون اساسی داشته اند . تذکری که یکی از دوستان صحیح میداند ، این بود که برخی از بحث هائی که ایراد می شود می بینیم به مقدار زیادی تکراری است ، چه از نظر محتوا و چه از نظر اصل موضوع . بنابراین خوب است هر کدام از دوستان که مطلبش تکرار مطلب قبلی است ، لاقل نقش را فشرده کند و بگوید من هم در این زمینه ، هم رأی ناطق قبلی هستم و آن را تأیید می کنم و اگر مطلب تازه ای دارند بفرمایند که هم جلسه خسته کننده نباشد و هم با نتایج پیشتری همراه باشد .

۲ - ادامه بحث در کلیات پیش نویس قانون اساسی

نایب رئیس - آقای فاتحی بفرمایید .

فاتحی - بسم الله تعالى . موضوع بنظر آنقدر مهم است که بدون مقدمه وارد ذهن المقدمه می شوم . برنامه سخنرانی قبل از دستور مجلس خبرگان اینست که در کلیات قانون اساسی صحبت شود و آنچه من احسان می کنم و در پیش نویس قانون اساسی بطور صريح و قاطع بیان نشده ، موضوع تأمین رفاه برای عموم مردم مستضعف ، از کارگر بیکار و کشاورز و معلولین و زنان و کودکان وارائه طریق اداره زندگی به آنان می باشد و تأمین نیازمندی های مستضعفین که به عهده دولت اسلامی است . مردم چرا به جمهوری اسلامی رأی دادند ؟ برای اینکه تمام کمبود های مادی و معنوی خود را در اجرای قوانین سترقی اسلام میدانستند و با خود نماینده این جمعیت مستضعفین هستیم که با انتشار خون و بذل جان ، کفر و طاغوت را ریشه کن کرده و اجرای کامل برنامه اسلام را خواستار بودند . هنوز در روزهای شروع به بررسی نهائی قانون اساسی اسلامی می باشیم ، هنوز دیر نشده ، در چهار چوب قوانین اسلام به فکر دردها و کمبودها و نیازهای گروههای مختلف باشیم و از این معنی غفلت نکنیم که شیاطین در کمین نشسته اند ، تا بردم ما را اغفال نمایند . شما باید با فکری آزاد ، خود را در چهار چوب این پیش نویسها قرار ندهید و بایک دید روشنگر اسلامی نگاهی به جایه خود بنمایید و با تدوین یک قانون اساسی که متناسب حفظ حقوق تمام اقوام ملت مباشد ، از طبقه رنجبر و دهقان و کشاورز خالصانه برای خدا دفاع کنید و در این راه قدم مثبتی بردارید . ماباید عظمت این مجلس بعد از انقلاب



را درک بنماییم، ۳۵ میلیون جمعیت رنجیده و ستم کشیده ما منتظرند بینند شما از طریق اسلامی چه علاجی برای دردهای اجتماعی ارائه میدهید. فقر، بی‌عدالتی، گرفتاری، بی‌کاری و تجمع ثروت در دست عده‌ای از راه نامشروع وضع جامعه ما است و خلاصه حقوق از دست رفته ملت را به آنان بدهید.

شما نمایندگان طبقات گوناگون مردم هستید و سخنگوی خواستهای جمیع گروهها میباشید و نظر ملت هم اینست. شما تمام نیازمندیها و خواستهای آنان را که با اسلام منطبق و مسازگار است در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی در نظر بگیرید. همینطور که اسام بـ گروههای چپ‌گرا فرمودند رویه اسلام بیاورید، اگر انشاء‌الله وقتیکه محتوای جمهوری اسلامی درکشور پیاده شود، رفاه عمومی و تأمین نیازمندیهای جامعه توحیدی را عملی خواهد نمود و آنچه سازش ندارد، تذکردهید. تنها به‌این فکر نباشیم که به جدال الفاظ پیردازیم، بلکه باید دست به تغییر بنیادها بزنیم در غیر این صورت انقلاب شگفت‌انگیز و عظیم‌ما بتکامل نمیرسد. باید فکر دست زدن به‌یک انقلاب همه جانبه در همه شئون مملکت در چهارچوب قوانین مترقی اسلامی باشیم. این هم میسر نمی‌شود، سگر یک قانون اساسی جامع‌الاطرافی که سازگار با انقلاب همه‌جانبه مبابشد، تدوین کنیم. اسلام این اختیار را به حاکم عادل داده که طبق نیازمندیهای جامعه، دست به‌یک سلسله تغییرات بنیادی در همه نهادهای اجتماعی بزند. گاهگاهی ممکن است به‌اقضای زمان مصالح جامع انسانی اسلامی مقدم بر مصلحت شخصی قرار بگیرد. البته یک قسمت از قوانین و برنامه‌های اسلام ثابت بوده و قابل تغییر نمی‌باشد و تا روز قیامت باقی خواهد ماند. «حلال محمد حلال‌الی یوم القيمه و حرام‌الی یوم القيمه».

دریاره رئیس جمهور که برادران من تذکراتی دادند برای تعیین رئیس جمهور از در طریق یادو کانال میتوان وارد شد. یکی از نظر شورا که در اسلام میفرماید «وامرهم شوری بینهم»، «وشاورهم فی الامر». در تعیین رئیس جمهور مشورت نمایندگه از طریق برگزاری انتخابات عمومی تعیین میگردد و این اشکالی ظاهر آنداشته باشد، زیرا مردم مسلمان شخصی را انتخاب می‌کنند که مسلمان باشد و برنامه اسلام را پیاده کند. فقهاء و مجتهدین واهل خبره و واقعاً نمونه در این مجلس و گرد هم‌آئی هستند و راه‌دیگر از لحاظ ولايت فقهی است که از طرف حضرت بقیه‌الله الأعظم امام زمان (عج)، در زمان غیبت، افرادیکه واجد شرایط اجتهاد گردیدند یعنی مجتهدین جامع الشرایط اختیار دارند نظام اجتماعی و حکومت اسلامی را رهبری و ارشاد نمایند و قوای اجرائی را بدست گرفته برنامه مترقب اسلامی را در جامعه تحقیق بخشد و در این انقلاب رهبری پیامبرگونه امام خمینی را مردم بارا همیانی بـ نظری تاریخی هشت میلیونی خود تأیید، و تبعیت و اطاعت خویش را از معموله ابراز نمودند.

پس رهبر ما از دو طریق به ثبوت میرسد. یکی اینکه قاطبه ملت ایران باشر کت در رفراندوم دوازدهم و سیزدهم فروردین بفرمان رهبر خود پاسخ مشیت داده و با ۸۹ درصد رأی مشیت رهبری امام را تصدیق و تأیید نمودند و همبستگی خود را با ایشان اعلام داشتند و از جهتی از فناهت و مرتعیت بـ نظری و فتوا و ارشاد امام درکشورهای اسلامی فرمانبرداری مینمایند.

پس بعینده ما رهبر و رئیس جمهور تام‌الاختیار سـ امام است. و ایام امام، اساس وحدت ما را شکل می‌بخشد. اما در دوره‌های بعد از طریق شورا و انتخابات بـ تأیید فقهاء هر زمان میتوان حکومت رئیس جمهور را، تثبیت نمود ویرما است که این رسالت تاریخی خود را



فراموش ننموده و هر مقدار از این پیش‌نویس‌های قانون اساسی که مردمی وینع طبقه مستضعف است و در بهبود وضع آنان تأثیر بیناید دارد وبا فرمان رهبرمان و بنای اسلامی تعارض وتباین نداشته واز طرف گروها وجمعیتها پیشنهاد شده است ، با بررسی همه جانبه بصویب برسانیم. کاری کنیم که نسلهای آینده ، ما را نفرین نمایند و خامن ترقی و تعالی کشورمان بگردد و نمونه والگوی قانونی اساس جمهوری اسلامی در سایر کشورهای مسلمان بوده باشد. از جمله پیشنهادهاییکه من دارم اینست که ، فاصله بین دانشگاههای کشورمان برداشته شود وعلوم قدیمه وجديده در دانشگاه تهران و دانشگاه فيضييه تدریس گردد. خلاصه این دو دانشگاه با هم ادغام و تفاهم کامل بین دانشجویان حاصل ، و کلمه قدیمه و جدیده که ایجاد اختلاف میکند هم بکار برده نشود و این موضوع نتایج درخشنان بیشتری دارد و در شناخت و آگاهی دانشجویان اثر مثبت وقاطع خواهد داشت . بحمدالله این محققی که مشاهده میشود که در اینجا هم به عرض رساندم حقیقتاً مجلس خبرگان است و افرادی که برگزیده شده‌اند، مجتهدین و اساتید و افرادی هستند که به تمام معنا شایستگی دارند. در این شرایط حساس، همانطوری که بحمدالله ما از یک رهبری قاطع و با ایمان کامل برخورداریم و با اتحاد ، این انقلاب ما به ثمر رسیده و دولت ما هم اسلامی است و در این شرایط حساس به وظیفه اسلامی خود کاملاً واقف است و حتی خودش اهل نظر است ، و افراد مجلس هم بحمدالله به تمام معنا خبره و آگاه به مسائل روز هستند ولذا این هشداری است که من بخودم میدهم .

ان شاء الله همانطور که تذکر داده شد سعی و کوشش بیشتر بکار بریم و فکر میکنم واجب و لازم باشد و الان که این وظیفه سنگین و واقعاً پر مسؤولیت را که در مقابل نسل حاضر و در مقابل نسل آینده داریم، امیدوارم بتوانیم یک قانون اساسی که متضمن رفاه اجتماعی و اسلامی همه ملت‌های مسلمان باشد تنظیم کنیم و آنچنان این قانون اساسی واقعاً اساسی باشد که دیگر مورد خدشه و خردگی هیچیک از گروها واقع نشود و تمام ملل دنیا هم چشم براه هستند که بینند ما چکار میکنیم. البته ما سعی میکنیم در عین اینکه سرموئی از برنامه های اسلام تخطی و تخلف نکنیم، تمام کوشش و مساعی خود را بکار بریم تا با مطالعه دقیق تمام جواب، هرچه بهتر در راه تأمین و رفاه عمومی مردم، این اصول را بنویسیم که الان نیاز برمی به آن دارند و بسیار بسیار در این مورد سفارش شده. با کمال معدرت از اساتید محترم .

نایب رئیس - صورت جلسه دیروز صبح آماده و تکثیر و توزیع شده است، هر یک از دوستان سخن خودشان را ملاحظه کنند که اگر تصحیحی دارد تصحیح گردد. از قراری که اطلاع داده‌اند و من هنوز ندیده‌ام، روزنامه اطلاعات و کیهان در مورد انتخاب هیأت رئیسه نوشتند که من به عنوان ریاست مجلس انتخاب شده‌ام این خبر باید تصحیح بشود ، آیت‌الله منتظری به ریاست مجلس خبرگان انتخاب شده‌اند و بنده بعنوان نایب رئیس انتخاب شده‌ام وایشان کنار نرفته‌اند و کما کان در سمت خودشان هستند و عملًا تا زمانیکه خودشان نخواهند جلسه را اداره کنند، من جلسه را اداره میکنم. آقای قرشی بفرمائید .

قرشی - بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمدوالله الطاهرین. اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. ان الحكم الا لله. خدا را شکر که از درود یوار مجلس بجای کلمه خدایگان، نعمه دلشین کلمة الله میبارد. خدا را شکر با چهره‌هائی مواجه هستم که در راه برقراری حکومت اسلامی زجرها دیده و شکنجه ها کشیده و تبعیدها وزندانها دیده‌اند. دیروز برای برقراری حکومت اسلامی



متتحمل آن همه مشقات شده و امروز میخواهد قانونی برای ملت ایران تصویب بگذرد که از همین حالا تا ظهور حضرت ولی الله الاعظم صلوات الله وسلام عليه و علی آبائه، مدار عمل این ملت باشد. افراد ملت معاشرند از مسلمانها، یهودیها، زرداشتیها و گروههای غیر مذهبی که نمیشود به آنها اقلیت گفت بلکه گروهها و فرقه‌های هستند که از افراد این ملتند. دقت در آیات قرآن میرساند که این گروههای غیر مذهبی، با شرایط محترم هستند و در این مملکت حق حیات دارند. خداوند در سورة توبه در باره مشرکان به پیامبر اسلام میفرماید: «وان جنحو اللسلم فاجنح لها و توكل على الله». اگر این مشرکان و بت پرستان حاضریه زندگی مسالمت آمیز شدند توهم این پیشنهاد را از آنها بپذیر و برخدا توکل کن و اعتماد کن. در سورة نساء آیه ۹ ذیل همین آیه میفرماید: «فَإِنْ أَعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يَقْاتِلُوكُمْ وَالْقَوْالِيْكُمُ السَّلَمُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُبْلًا». اگر این مشرکان از شما کنار کشیدند و با شما نجنگند و پیشنهاد زندگی مسالمت آمیز دادند در این صورت خداوند راهی برای شما بر تعرض بآنها نگذاشته است. در سورة متحنه همانطور که جناب آقای کرمی قبل از ظهر اشاره فرمودند، خداوند میفرماید: «لَا يَنْهِيْكُمُ اللهُ عَنِ الذِّيْنَ لَمْ يَقْاتِلُوكُمْ فِي الدِّيْنِ وَلَمْ يُخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ إِنْ تَبِرُوهُمْ وَتَقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللهَ يَحْبُبُ الْمُقْسِطِينَ». در این آیه هم میفرماید: اشخاصی که مشرک هستند و در دین اسلام نیستند به شرطی که با شما نجنگند و شمارا از دیارتان بیرون نکنند، خداوند مانع آن نیست که شما با آنها نیکی کنید و با آنها به عدالت رفتار کنید، و از طرف دیگر بنابر اصل «لا اکراه فی الدین» نمیشود دین و عقیده را بر کسی تحمیل کرد لذا بنده اینطور احساس میکنم در قانون اساسی یک ماده‌ای باشد به این مضمون «گروههای غیر مذهبی بشرط عدم توطئه برعلیه اسلام و مسلمین و به شرط بیروی از حکومت اسلامی و به شرط دادن مالیات محترمند و حق حیات دارند». مسأله دیگر درباره وزارت امریبه معروف و نهی از منکر است. از آیات قرآن و اعمال مسلمانان گذشته اینطور به نظر می‌آید که در اسلام ما دو گونه امریبه معروف داریم، یک امریبه معروف عمومی و خواهش و تقاضائی و به طور ارشاد که در اینجا مسأله فقط اینست که از طرف خواهش بگیریم و ارشاد و نصیحت بگیریم و به حکم آیه «والْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أُولَيَاءُ بَعْضٍ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» و روایت نبوی که میفرماید: «كَلَمْ رَاعَ وَكَلَمْ مَسْئُولٌ عَنْ رِعْيَتِهِ» در همین مضمون است در اینجا آنطور که من احساس میکنم آنچه که در روایات فرموده: اول ارشاد و بعد سختگیری آنوقت زدن و سپس رخصی کردن را نمیتوانیم عملی کنیم زیرا اگر این مسأله مربوط به عموم امریبه معروف کنندگان باشد، معلوم است که وضع جامعه بهم میخورد که هر کس هر کسی را در هر محلی دید بزند و بگوید فکر میکنم ارشادشدنی نیست. و یکی امریبه معروف بموجب آیه «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أَمَةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». اینها هم گروهی باشند مسئول و متعهد و معین شده از طرف دولت که با یک مسئولیتی‌های بخصوص وظایف معین شده کارهای اجتماع را زیر نظر بگیرند و نظارت داشته باشند و بینند در ادارات وغیر آن مردم احکام اسلامی را چه مقدار بپیاده میکنند. بنده اینطور به نظرم می‌آید در قانون اساسی راجح به تشکیل وزارت امریبه معروف و نهی از منکر یک ماده‌ای حتماً گنجانده شود. مسأله دیگر مسأله ولایت فقهی است، همانطور که جناب آقای ریانی امشی مفصل مطرح فرمودند متنهای بنده یک حاشیه‌ای هم به این میز نم و آن این است که بعیدیه ما مسلمانان حکومت مال خداست «ان الحكم الله». دستور و حکومت و سرپرستی و ولایت همه از آن خدا است، این ولایت از خدا



به پیامبر و از پیامبر به امامان و از امامان به فقهاء تفویض میشود . در روایت وسائل در جواب اسحق بن یعقوب بحسب مرحوم محمدبن عثمان که ازناحیه مقدسه وارد شده امام زمان سلام الله علیه میفرماید «اما الحوادث الواقعه فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم عليكم و انا حجة الله» در اینجا مسئله غسل و تیم و تسییحات اربعه و امثال اینها را نمیفرماید ، میفرماید «اما الحوادث الواقعه» جریانهای که مرتب در روزگار پیش میاید و خواهد آمد ، روی این حساب ما هرقدر در قانون اساسی دقت کنیم نمیتوانیم تمام مراحل زندگی را نسبت به آینده در این قانون بگنجانیم لذا مسئله ولایت و سرپرستی فقیه ضروری است و از طرف دیگر ولايت فقیه دستورات حکومت را به صورت دستورات الله در میاورد . خیلی عذر میخواهم بنه یک پسری دارم ۱۷ ساله که خیلی خوب رانندگی بلد است ولی گواهینامه ندارد گفتم این ماشین را هدایت کن و مرا از این محل به آن محل ببر گفت آقا قوانین فعلی را به این صورت تغییر فرموده آیا الان خلاف شرع نیست ، من پشت فرمان بنشینم و شمارا به محلی ببرم ؟ واقعاً اگر ما مسئله ولایت فقیه را در قانون بگنجانیم و همیشه ولایت و سرپرستی فقیه مدنظرمان باشد آنوقت قوانین و دستورات حکومت اسلامی بصورت دستورات الله در خواهد آمد ، و دستورات واجب الاطاعة خواهد بود و ملت را بصورتی تربیت بگنجانیم که دستورات حکومت واجب الاطاعه باشد . در این صورت خدمتی به مردم و به اسلام کرده ایم که فکر میکنم بالاترین خدمتها باشد . در عرض این دو دقیقه ای که وقت دارم بنه هم مثل جناب آقای کیاوش بیشنده میکنم این پیش نویسی که مجاهدین انقلاب اسلامی چاپ کرده اند ، مدار و معیار گفتگوی ما در این مجلس باشد . مسئله دیگر بطور خلاصه اینست که در روزنامه دیدم که قرار است کمیسیونهای تشکیل شود و هر کمیسیون یک قسم از قانون اساسی را بادقت مطالعه کنند . بنه در این مسئله این اشکال را می بینم که همه آقایان به بررسی همه مواد قانون نخواهند رسید من احساس میکنم راه صحیح اینست که این کمیسیونها نباشد و هر روز تعدادی از مواد قانون مثل روزی ه تا ۱ اصل معین بشود و آقایان تشریف ببرند شب درباره آن مطالعه بکنند و فردای آن روز آن اصول به شور گذاشته شود . والسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته .

نایب رئیس — در سخنان دوستان بیشنده هائی مربوط به آئین نایه داخلی هست که بعد از طرح آئین نایه مطرح خواهد شد ولی خواهش میکنم بیشنده هائی را که مربوط به اصول قانون اساسی است ، کتاباً مرقوم بفرمائید و بدھید که آنها در اختیار گروه تنظیم کننده این بیشنده ها گذارده بشود و برای آینده در دسترس خودتان باشد چون الان هر چیزی که بفرمائید دقیقاً در حافظه ها نمی ماند و بیشتر دوستان بیشنده هائی داشتند که انتظار میبرود تا اینها را کتاباً لطف کنند تا به گروه تنظیم کننده فرستاده شود . آقای دکتر آیت بفرمائید .

دکتر آیت — بسم الله الرحمن الرحيم . در مورد قانون اساسی بحث زیاد است که البته فرقست هم هست که در آینده بحث شود و در اینجا من چند مورد را که به نظرم خیلی مهم میاید و در قانون اساسی نیست یا ناقص هست عنوان میکنم و از نمایندگان محترم تقاضاً دارم آینها را مدنظر قرار دهن . بخصوص آنکه نمیخواهم مسائل جنبه شعاري داشته باشد ، چون آنچه که مطرح میشود یک قسم اش جنبه ایدهآلی و شعاري دارد که میتواند در مقدمه قانون اساسی باشد ، اما آنچه که در قانون اساسی بصورت اصل میاید قطعاً باید راه عملی اجرایش هم در نظر گرفته شود . انقلاب ایران بدون تردید لاقل دو میان حداثه بزرگ جهان است بعد از



ظهور اسلام. در عرض این ۱۴۰۰ سال، تلاشی بمنظور پیاده کردن واقعی اسلام نشده البته تلاش شده ولی امکانش بیش نیامده. اولین مساله‌ای که به نظرم میرسد جنبه جهانی بودن قانون اساسی است که در قانون اساسی باید اصل یا اصولی به این مساله اختصاص داده شود—بخصوص درباره وحدت مسلمین—اصلی که دولتها مکلف باشند در زمینه مسلمین کار انجام بدند و حتی وزارت‌خانه‌ای برای وحدت مسلمین تاسیس بشود، مسلمانانی که از اقیانوس آطنس تا اقیانوس کبیر سرزمین وسیعی را با منابع و ذخائر فراوان در دست دارند و مجهز به ایدئولوژی اسلامی هستند که میتوانند جاذبه شدیدی برای تمام ملل جهان داشته باشد و حتی اگر لازم باشد سازمان جهانی مسلمین شبیه سازمان ملل متعدد درست کنیم که من اسم سازمان ملل را گذاشته‌ام دول نامتعدد. برای اینکه ملل نیستند دول هستند و متعدد هم نیستند ولی انشا الله ما بتوانیم یک سازمان مسلمین جهانی تشکیل بدیم. موضوع دیگری که به همین سواله سربوط میشود، مسأله حمایت دولت‌جمهوری اسلامی ایران از انقلابات بحق جهانی بخصوص انقلابات اسلامی است. مطابق روایات وسن特 پیاسبر کمک به مسلمین و حتی غیر مسلمین واجب است. وقتیکه گفته میشود اگر فردی طلب کمک کرد و کسی به او کمک نکرد مسلمان نیست، بدیهی است وقتی مللی کمک خواستند، این وظیفه دولت اسلامی و سایر مسلمین است که به آنها کمک کنند. الان وظیفه مردم مسلمان ایران و دولت اسلامی ایران است که به افغانستان و فلسطین و جاهانی شبیه اینها کمک کند و این صریحاً باید در قانون اساسی بیاید که ضمانت اجرا هم داشته باشد، که اگر دولتی تخلف کرد، بشود او را استیضاح کرد و از کار برکنار کرد و از او باز خواست نمود. یعنی کار جنبه شعاعی نداشته باشد بلکه جنبه قانونی آنرا هم در قانون اساسی در نظر داشته باشید. نکته دیگر در خصوص کسانی است که به ریاست جمهور یا نمایندگی مجلس یا مشاغل مهم دیگر انتخاب میشوند. البته این را تذکر بدهم که در یکی از سخنرانیهایم گفته بودم آنچه مهم است اینست که رئیس جمهور مسلمان الاصل باشد، ایرانی الاصل بودن در درجه دوم است. این مطلب را جایید معلوم الحال تحریف کرده بودند و گفته بودند که فلاانی گفته است رئیس جمهور نباید ایرانی الاصل باشد. در حالیکه بنده نگفته بودم نباید ایرانی الاصل باشد بلکه گفته بودم مهم مسلمان الاصل بودن است و راه بازگذاشتن برای اینکه سایر کشورها هم بتوانند به جمهوری اسلامی بپیوندند اگر قرار باشد در ایران بنویسیم ایرانی الاصل و در عراق هم بنویسیم عراقی الاصل، این اتحاد هیچوقت انجام نخواهد شد. مطابق بیش نویس قانون اساسی اگر علی این ایطالب (ع) زنده بود، نمیتوانست رئیس جمهور ایران بشود چون نه ایرانی الاصل است و نه تبعه ایران ولی شامسابق چرا، زیرا هم ایرانی است و هم ظاهراً مسلمان شناسنامه‌ای و سایر خصوصیات را دارد. مسأله دیگر در مورد رئیس جمهوری و نمایندگان مجلس و حتی صاحبان امتیاز جراید است که من پیشنهاد میکنم در قانون اساسی گنجانده بشود، هیچیک از کسانیکه لااقل در این دوران ۲۰ ساله از مرداد ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷ وزیر بودند یا نماینده بودند یا عضو حزب رستاخیز بودند و فعالیت داشتند و خودشان عضویت حزب رستاخیز را پذیرفته بودند، اینها حق نداشته باشند به مقامات حساسی از قبیل وزارت و نمایندگی مجلس و انتشار روزنامه پردازنند. اگر از اول انقلاب این مسأله عملی شده بود الان ماباشخاصی که این مجلات معلوم الحال را منتشر میکنند و یک موقعي ستایشگرد یکتاوری بوده اند، روبرو نبودیم. نظام اقتصادی اسلام مسأله مهم دیگری است.



نایب رئیس—آقای آیت دو دقیقه دیگر وقت دارد.

دکتر آیت— با توجه به وقت کمی که هست پیشنهاد میکنم این اصل که یک اصل اسلامی است در قانون اساسی گنجانده شود، دولت اسلامی موظف به تأمین مخارج کسانی است که از عهده مخارجشان بر نمیایند. این یک اصل اسلامی است که باعث میشود از نیاز مردم استفاده نشود که آنها را استمار کنند. والسلام علیکم و رحمة الله وبرکاته.

نایب رئیس—آقای فارسی بفرمائید.

جلال الدین فارسی— بسم الله الرحمن الرحيم. امیر المؤمنین عليه السلام میفرماید: ایها الناس انه من استنصر الله وفق ومن اتخذ قوله دلیله هدی للتي هی اقوم، فان جار الله امن وعدوه خائف. ۱— در پیش نویسنده در فصل اول، اصل ۱— نوع حکومت ایران مشخص شده است: «نوع حکومت ایران جمهوری اسلامی است»... حال آنکه باید در اولین اصل قانون اساسی نوع «دولت» تعریف و مشخص گردد، بداین دلیل که «حکومت» فرع بر «دولت» و یکی از عناصر تشکیل دهنده آن است.

۲— در هیچ ماده ای از پیش نویس نوع «دولت» ایران مشخص نگشته است، حال آنکه اولاً: در اصول حقوق عمومی، آن رشته از علم حقوق که موضوعش قانون اساسی و حقوق اساسی است دو مفهوم عمدۀ وجود دارد که محور همه مباحث به شمار میاید و مفهوم اول آن «دولت» و دومی «حکومت» است. پروفسور رایسمن میگوید: حقوق اساسی سه موضوع دارد:

۱— تعیین شکل دولت. ۲— شکل حکومت. ۳— حدود حقوق دولت.

ثانیاً: در برخی از قوانین اساسی نوع دولت تعریف شده است، چنانکه در دولت مکتبی شوروی به این ضرورت توجه شده و ماده اول قانون اساسی مورخ ۱۹۳۶ شوروی ماهیت آن دولت رامشخص نموده است و تصریح دارد که «اتحاد جماهیر شوروی دولت زحمتکشان است». ۳— در دو اصل ۵ و ۶ جمهوری اسلامی ایران به معنی دولت و نه حکومت به کاررفته است.

میگوید: «در جمهوری اسلامی ایران همه اقوام از قبیل... از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند» و «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال از یکدیگر تفکیک ناپذیرند» بنابراین قبل از این دو ماده باید خود جمهوری اسلامی ایران به عنوان «دولت» مشخص گردد. ۴— برای مشخص کردن دولت جمهوری اسلامی ایران ناگزیریم دو عنصر ملت ایران و وطن ایران را تعریف کنیم و این کاری است که نشده است. ضرورت تعریف این دو عنصر به این دلیل است که علمای حقوق اساسی و علمای حقوق بین الملل در تعریف دولت گفته اند که «یک سازمان سیاسی است که به وسیله جمعیتی به وجود آمده و قلمرو معینی داشته باشد»^۱ به عقیده لوفور دولت عبارت از «گروه انسان مستقر در سرزمین معینی است که از یک قدرت عمومی که مأمور حفظ منافع عمومی و تابع اصول حقوق است اطاعت کنند».^۲ ژرژ سل در تعریف دولت می نویسد: «نظریه کلاسیک حقوق بین الملل، دولت را به عنوان یک ماهیت حقوقی و سیاسی مشتمل از سه عامل: اجتماع ملی، قلمرو دولتی، و تشکیلات حکومتی تعریف میکند».^۳.

1- Marc Reglade : La Nation Juridique de L'Elat, 1950 . P. 507

2- Encyclopedie Larousse 1955. P. 719

3- Scelle : Cours de Droit International Public 1948. P. 81



بنابراین نخستین اصول قانون اساسی باید چنین باشد:

اصل ۱ — دولت جمهوری اسلامی ایران «دولت مؤمنان» است.

اصل ۲ — ملت مسلمان ایران واحدی تجزیه ناپذیر است به حکم آیه کریمہ:

«ان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم فاعبدون» جزئی از امت واحد اسلامی است.

اصل ۳ — مؤمنان در سراسر جهان اعضاً امت واحد و دارای دین، معبد، کتاب آسمانی، پیامبر و وطن واحد و حقوق متساوی و وظائف مشترکند.

اصل ۴ — سرزین ایران واحدی تجزیه ناپذیر است و جزئی لاینفک از وطن امت مایا «دارالاسلام» است.

اصل ۵ — (اصل ۱ پیش‌نویس) نوع حکومت ایران «جمهوری اسلامی» است که ملت ایران در پی انقلاب اسلامی پیروزمندش در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی با ۹۸/۲٪ به آن رأی مثبت داده است.

۶ — در اصل دوم پیش‌نویس برای نظام جمهوری اسلامی یک پایه تعیین شده است که «فرهنگ اصیل و پویا و اقلایی اسلام» است و یک اتكاء که «ارزش و کرامت انسان...» است. چون نمیتوان احتمال داد که این اتكاء چیزی جز همان پایه باشد بهتر است عبارت بدین شکل اصلاح شود و اصل ۶ باشد:

اصل ۶ — نظام جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی بر پایه فرهنگ اصیل و پویا و اقلایی اسلام که بر ارزش و کرامت انسان، مسؤولیت او درباره خویش و همنوعانش، نقش بنیادی تقاو درشد او، نفی هرگونه تبعیض و سلطه‌جوئی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و ضرورت استفاده از دستاوردهای سودمند علوم و فنون بشری در جهت التزام کامل به همه تعالیم الهی اسلام تکیه دارد.

در همین اصل یکبار از دین اسلام با واژه «فرهنگ» اسلام یاد می‌شود و در آخر سخن از «ضرورت استفاده از... فرهنگ بشری» می‌رود، و این خطای فاحش است زیرا آنچه به حکم عقل و اسلام باید مورد استفاده قرار گیرد علوم و فنون و تجارت بشر است، کافر باشند یا مسلمان، اما آنچه دین خوانده می‌شود و شامل معتقدات و جهان‌بینی و پیش‌تاریخی و روابط و نظمات و احکام و قوانین است و اسلام بهترینش را آورده است، در «فرهنگ‌های بشری» نوع بایسته و مطلوبش را نمیتوان یافت مگر آنچه از فرهنگ ادیان آسمانی به آنها راهیافته باشد که در اینصورت بهتر است از منبع اصلی و پاک اقتباس کرد، نه از مکاتب و مأخذ آلوهه.

۷ — اصل ۳ پیش‌نویس، مبنای حکومت اسلامی را معین نماید. آراء عمومی مبنای حکومت است و بربطی دستور قرآن که «شاورهم فی الامر» و «امرهم شوری بینهم» امور کشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم در حدود صلاحیت آنان و به ترتیبی که در این قانون و قوانین ناشی از آن مشخص می‌شود، حل و فصل گردد.

این اصل که کیفیت «حکومت» را مقرر میدارد، با اصول ۱۰ تا ۱۹ که مجموعاً فصل سوم پیش‌نویس را تشکیل میدهند در ارتباط مستقیم است. مجموعه این اصول اولاً با اصول مسلم و ثابت اسلامی ناسازگارند و ثانیاً با همدیگر نمی‌خواんند، به این دلائل: هرگاه حق حاکمیت ملی که در اصل ۵ از آن یاد و متعلق به همه مردم خوانده می‌شود با «حکومت» که در اصل ۳ آمده است، یکی باشد یا «حکومت» عبارت از کاری باشد که در نتیجه اعمال «حق



حاکمیت ملی» بظهور میرسد اصل ۳ با اصول ۱۵ تا ۱۹ پیش‌نویس ناسازگارخواهد بود، زیرا بر حسب اصل ۳ مبنای حکومت، آراء عمومی است که از طریق مشاوره عموم مردم انجام می‌گیرد، حال آنکه کارهای حکومتی یا اعمال قوای سه‌گانه مقننه و مجریه و قضائیه از طریق مشاوره عموم مردم و آراء عمومی انجام نمی‌گیرد و مخصوصاً کار حکومتی قضایا چنین نیست و چنانکه اصل ۱۸ می‌گوید «به وسیله دادگاههای دادگستری است» و اعمال قوه مجریه مطابق اصل ۱۹ «از طریق رئیس جمهور و هیأت وزیران است» نه از طریق مشاوره عموم مردم و آراء عموم و چنانکه اصل ۱۷ همان پیش‌نویس صراحت دارد فقط گاهی ممکن است اعمال قوه مقننه در امور مهم که به سرنوشت کشور و مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مربوط باشد از راه‌همه پرسی و مراجعته مستقیم به آراء مردم صورت گیرد.

از طرفی در اصل ۱۵ «حق حاکمیت ملی از آن‌همه مردم است و... هیچ فردی‌ای کروهی نمی‌تواند این حق الهی همگانی را به خود اختصاص دهد» و در اصل ۱۸ بخشی از همین حق حاکمیت ملی به دادگاههای دادگستری اختصاص می‌یابد و در اصل ۱۹ بخش دیگرش به رئیس جمهور و هیأت وزیران. بخش مقننه این حق حاکمیت ملی از طریق انتخابات توسط مردم مستقیماً به مجلس شورای ملی واگذار می‌شود و بطور غیر مستقیم دوبخش دیگر یکی به دادگاههای دادگستری و دیگری به رئیس جمهور و هیأت وزیران.

اما ناسازگاریش با اصول مسلم اسلام در این است که حاکمیت و سلطه یا قوه قانونگذاری متعلق به آفریدگار است و منحصر به وی، و هر که ادعای سلطه قانونگذاری را بنماید یا آن را اعمال کند، مشرک است. «ان الحكم الا لله امرا لا تعبدوا الا اياها». بنابراین سلطه یا قوه قانونگذاری یا حاکمیتی که شامل چنین سلطه و حقی باشد از آن مردم و مردم مسلمان نیست تا طی انتخابات یا مشاوره به کسی یا کسانی واگذار کنند یا شخصاً به اعمال آن همت‌گمارند.

در نظام اسلام انسان یا مؤسسه قانونگذار نداریم از آنکونه که در جامعه‌های غیر اسلامی هست، بلکه «فقیه» یا قانونشناس داریم. پس باید مجلس فقهیان داشته باشیم. این فقهیان بیشک تنها قانونشناس نیستند بلکه انسانهای متقدی و عادل و مجاهدند و در ایمان و دینشناسی و تقاو و عدالت و جهاد سرآمد مردمند. این مجلس مسلمان انتخابی خواهد بود چنانکه تاکنون نیز هر مسلمانی شخصاً و آزادانه فقیه و مرجع خویش را اختیار و انتخاب می‌کرد. در کنار مجلس فقهیان، مجلسی از متخصصان باید باشد که کاربرنامه ریزی تمام وزارت‌خانه‌ها و انتخاب مسئولان عده‌اجرائی و اداری را بعهده دارند. این مجلس توسط مردم انتخاب می‌شود.

آنچه متعلق به مردم است در حقیقت، حق نیست بلکه وظیفه است. این وظیفه یا مسئولیت عبارتست از شرکت در برنامه‌ریزی خدمات عمومی و سیاست داخلی و خارجی بوسیله از طریق انتخابات و انتخاب نمایندگانی که و کالتاً این کار وظیفه را در مجلس برنامه‌ریزی پانجم میرسانند و از طریق نظارت در کار آنان و کنترل و تصحیح کار آنان و ارشادشان و بازآوردن‌شان به راه راست اسلام که راه قسط و داد است. بدیهی است کار سیاسی و حکومتی مردم مشروط و مقید است به قرآن، سنت یا مکتب اسلام که عقیده و آئین و نظام اجتماعی و شریعت (یا مجموعه قوانین) مورد قبول و سورد ایمان مردم است ازین‌رو، برای مشخص کردن نظام حکومتی ایران باید چنین اصولی در قانون اساسی قرار گیرد:



اصل ۷— حاکمیت و سلطه قانونگذاری ویژه ذات پروردگار متعال است که شریعتش را در قرآن و سنت بودیعت نهاده و بیان داشته است.

اصل ۸— بنای حکومت، قرآن و سنت است.

اصل ۹— قانونشناسی وظیفه فقهیان است که قوانین را از دو منبع شریعت— قرآن و سنت— استنباط و در شورای فقهیان مدون و تصویب میکنند. این مصوبات از مجلس فقهیان به دادگاهها، مجلس برنامه ریزی (یا مجلس شورای ملی) و مردم ابلاغ و تسلیم میشود.

اصل ۱۰— بیش نویس، باید اصلاح گردد و بصورت اصل ۱ درآید بدینصورت:

اصل ۱۰— آراء عمومی و شورا مبنای برنامه ریزی و اجرا و اداره است.

نایب رئیس— آقای موسوی جزايری بفرمائید.

موسوی جزايری— بسم الله الرحمن الرحيم. اصل يك که مبين نظام حکومتی کشور است، اصل مادر است کلیه اصول از آنجا سرچشمہ میگیرد و لذا در عرض سایر اصول نباید قرار گیرد. اصل اول باید به خوبی روشن شود زیرا در کیفیت سایر اصول اثر خواهد گذاشت. لذا به عقیده بنده حتماً باید اصل اول به صورت اصل مادر در معرض تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

لذا بنده سخن را به این قسمت اختصاص میدهم و نتیجه گیری میکنم، گفتیم نظام ما جمهوری اسلامی است یعنی چه؟ این جمله مرکب است. از دو کلمه: ۱— جمهوری، ۲— اسلامی.

اسلامی— یعنی کلیه قوانین و مقررات آن نظام باید اسلامی و مأخذ از اسلام باشد، اعم از اینکه در زمینه اجتماعی باشد یا سیاسی یا اقتصادی یا غیر ذالک.

توضیحًا بادآور میشوم که در اسلام دو دسته قانون وجود دارد. قوانین خاص مانند حرمت بیگساری، سرقت، ظلم.

قوانین عامه که در عرف فقهاء به آنها قواعد فقهیه گفته میشود. مانند اصل لاضر و قاعده نفی سبیل و لزوم خود کفایشدن جابعه اسلامی به حکم آیه... و مثلهم فی الانجیل کنز اخراج شطئه فازره فاستغاظ فاستوی علی سوقه یعجم والزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحت منہم مغفرة واجرا عظیماً.

ضوابط و شرائط احکام، همه باید اسلامی باشد. درنامه به مالک اشتر بولی امیر المؤمنین بیان فرموده است خط مشی و نحوه اجراء قوانین نیز باید مأخذ از اسلام باشد که در نامه مالک اشتر و آیات قرآن و روایات اسلامی هم موجود است.

اهداف و آربانها و ایده‌آل‌ها، همه باید از اسلام باشد نه از جوایع غربی و یا شرقی زیرا هر مکتبی ایده‌آلی دارد که سعی می‌کند جامعه خود را به سوی آن سوق دهد مثلاً کمونیسم میخواهد به سوی جامعه بی‌طبقه برود و لو با سلب آزادی و دولت سالاری و برداگی انسانها. کاپیتالیسم میخواهد جامعه را به سوی رفاه و آزادی مطلق اقتصادی ببرد و هیچ خابطه و معیاری محدودش نمیکند. کاپیتالیسم منجر به رفاه اقلیتی و محرومیت اکثریت و نظام ماشین سalarی و پول سalarی و اریستوکراسی یعنی حکومت اشراف میشود.

اسلام ایده‌آلش به وجود آوردن جامعه خدائی است یعنی جامعه‌ای که در آن امت متکاملی تشکیل میشوند که به سوی خدا و ربماء الله و لقاء الله در حر کنند.

الگوها، از نظر فردی شخصیت برجسته رسول الله (ص) و علی علیه السلام و از نظر



اجتماعی دوران حکومتی رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علیه السلام است. منابع، قرآن کریم، نهج البلاغه، کتب روایت با اعمال اجتهاد مسلمانات تواریخ. عقل و اجماع به شرط آنکه اجماع واحد شرائط حیثیت باشد نه آنچنانکه در اصول چیزی بگوئیم و در فقه چیز دیگر. این معنی کلمه دوم اسلامی.

جمهوری یعنی چه؟

جمهوری یعنی متعلق به توده مردم. اگر همه اش پیش ساخته و معین است، پس چگونه مردمی است؟ مردم در این نظام چه نقشی می توانند داشته باشند؟ حاصل جمع دو کلمه چیست؟ بله این نظام در عین اینکه خدائی است و پیش ساخته اوست، مردمی هم هست، چگونه؟ با این توضیح که نظام اسلامی اختیارات ذیل را به مردم داده و بداین ملاک میتوانیم بگوئیم که نظام حکومت اسلامی جمهوری است.

۱ - در نظام مقدس اسلامی بعد از غیبت صغرای امام زمان علیه السلام مسؤولیت حکومت و تصدی امور مسلمین در انحصار فردی خاص یا خاندان مخصوصی نیست، بنابراین همه افراد ملت در صورتیکه شرائط را در خود جمع کرده باشند و به اولویت رسیده باشند، حق حاکمیت را دارند.

۲ - تشخیص اولویت از لحاظ واحدیت شرائط اسلامی برای حکومت با اکثریت مردم است، درست است که خبرگان مستقیماً مسؤول این کارهستند، ولی آیا خبرگان را چه کسی معین میکنید؟ بالاخره احتیاج به اعتماد عمومی و نظر ملت دارد، شیاع.

۳ - در نظام اسلامی تمام مردم ضامن اجراء نظام اسلامی هستند، به حکم کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته.

همه حق دارند بفهمند چه شده و چه میشود و برنامه های جاریه کشور چیست و چگونه پیاده میشود. البته انتقادات باید به صورت سازنده باشد، نه کوبنده.

۴ - نظام مقدس اسلامی حامی منافع طبقه خاصی نیست، بلکه حامی منافع عموم و توده است با این توضیحاتی که درباره نظام منتخب مردم دادیم، خیلی از اصول مذکور در پیش نویس قانون اساسی ناقص از آب درآمده و باید در آنها تجدید نظر کرد و چون مجالی نیست من به مهترین اصل می پردازم و آن مسأله ریاست قوه مجریه است. پیش نویس موجود میگوید هر کس که ایرانی و مسلمان باشد میتواند رئیس جمهور باشد. آیا این با اصول اسلام سازگار است؟ آیا خدا زمام حکومت را به دست چنین شخصی داده و این دوشرط را کافی دانسته؟ هرگز! پس چرا پیش نویس قانون اساسی اینرا میینی بر نظام جمهوری اسلامی کرده؟ عقیده ما در مورد رهبری با الهام از شکل نظام حاکم. امام خمینی مadam الحیة رهبر کشور است صلاحیت ایشان از نظر همه مورد تأیید می باشد، بنابراین بخشی در آن نیست بخشی که هست در اینست که بعد از امام تکلیف چیست؟

نایب رئیس - آقای موسوی جنابعالی دو دقیقه دیگر وقت دارد.

موسوی جزايري - من هم مانند آقای مراغه‌ای تقاضا میکنم اگر آقایان اجازه می فرمایند وقت بند کمی تمدید بشود.

نایب رئیس - اگر نفر بعدی یعنی آقای رشیدیان وقتیان را به شما بدهنده، شما میتوانید ادامه پدیدهید.



موسوی جزايری — آفای رشیديان اجازه فرمودند.

نایب رئیس — بسیار خوب جنابعالی میتوانید ادامه دهید.

موسوی جزايری — از جانب رشیديان تشکر میکنم. حدود قلمرو رهبری کدام است؟ شرائط رهبر چیست؟ آیا بهتر است رهبری قائم به فرد باشد یا شورائی؟

حدود قلمرو رهبری:

با توجه به اصل ولايت فقهیه که يك اصل اسلامی است، رهبری مملکت باید نظارت و مراقبت بر قوای سه گانه را به عهده گیرد زیرا تعین قضات و تصدى امور حسبیه و استنباط احکام از شئون مجتهد است . معنی رهبری و نظارت بر قوه مقننه این نیست که تک تک تصمیمات قانونگذارها، ولو قوانینی که شوراهای ده و شهر و استان تصویب می کنند از نظر امام باید بگذرد، معنی رهبری اینست که امام طرح کلی بددهد مثلا حدود روابط سیاسی را با ممالک دیگر تشریح کند، روابط ویژه های اقتصادی کشور را به طور کلی به مجلس عرضه کند و جزئیات رابعه عهده آنها بگذارد. بخش های امر به معروف و نظارت بر قوه مجریه و قوه قضائیه از میان روحانیت متعهد یا سیاسیون متدين تشکیل شود و ازانها گزارش بخواهد و همچنین نحوه نظارت، اسلام میگوید قاضی باید مجتهد عادل باشد.

شرط رهبری در نظام حکومت اسلامی:

۱ — اعلمیت در فقه سیاسی.

۲ — اجتهاد در تمام ابواب فقهی.

۳ — شناخت دقیق سیاستهای خارجی و جناحهای سیاسی داخلی و چگونگی حل مشکلات سیاسی و اجتماعی.

۴ — تقاو و عشق به مکتب اسلام.

۵ — عظمت روح و داشتن روح ایثار و فدا کاری.

رهبری قائم به فرد باشد یا شورا — در پیش گفته امام خمینی مadam الحیة رهبر این امت است پس از امام، مردم شورائی تشکیل میدهند و انتخاب میکنند به نام شورای خبرگان که مرکب باشند از فقهاء سیاسی و سیاسیون متدين و اسلام شناس. شورای مزبور قیام میکنند به تعیین رهبر. اگر يك فرد واجد تمام شرائط مانند امام خمینی بپیدا کنند به او رأی میدهند و اگر پیدا نکنند يك شورا انتخاب میکنند فقط از فقهاء مبارز و متقد و سیاسی که حاکم بر سرنوشت کشور باشد و سپس چند کمیته نیز برای مشاوره انتخاب میکنند در زینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و غیره.

رابطه رئیس جمهور با امام یا شورای رهبری: من معتقدم که ریاست جمهور لزوم ندارد و بر فرض لزوم رئیس جمهور دوین شخصیت رسمی کشور است. حدود اختیارات رئیس جمهور بستگی دارد به نظر شورای رهبری.

نایب رئیس — آفای رشیديان ه دقیقه از وقت جنابعالی باقی است شما فقط ه دقیقه میتوانید صحبت کنید بفرمائید.

رشیديان — بسم الله الرحمن الرحيم . من معتقدم که باید آن آیاتی که بصورت اصل یا امر یانهی یا تکلیف در قرآن آمده است به عنوان اصل کلی در قانون اساسی آورده شود و بعد در ذیل آن ، مصاديق هم تا حدودی که امکان دارد ، ذکر شود تا راه گم نشود . به هر حال



هر اصلی را که در قانون اساسی عنوان می‌کنیم باید بوسیله آیات قرآن و یا حدیث تضمین شود. یک مسأله دیگر که من عرض می‌کنم اینست که زبان بررسی قانون اساسی محدود نباشد و نامحدود هم نباشد تا مثل کشورهای دیگر نشود که رفتن از انقلاب کنند دچارتیجر و مصیبت شدن و سالهای سال طول کشید و اخلاص کردند بلکه با همین خلوص نیت والحمد لله که خلوص نیت با وجود این علماء و فضلاء و فقهاء حاصل است و ایسا دواریم کار کشورهای دیگر که وقتی خواستند قانون اساسی بنویسند بقدری طول کشید که موفق نشدند ، اصلاً بذهنها خطور نکند . مسأله اینست که چون ما داریم سرنوشت آینده را تعیین می‌کنیم و حتی ملتها و کشورهایی که در حال انقلاب هستند احتمالاً از این قانون استفاده خواهند کرد و یک الگو خواهد شد باید وقت و وقت پیشتری صرف کنیم و یک مسأله دیگر که شاید ارتباط با قانون مدنی داشته باشد ، ولی فکر می‌کنم باید یک سقدار از وظيفة دولت اسلامی آیندهای را که روی کار خواهد آمد ، این مجلس خبرگان تعیین کند ، بعنوان مثال ، مثلاً چهره طاغوتی شهرها و چهره شرک آسودگات را تا آنجا که امکان دارد از بین ببرد یکی مثلاً شمالی و جنوبی بودن شهرهاست دیگر اینکه باید برای مستضعفین مسکن فراهم شود همانطور که امام هم این ضرورت را احساس کرده‌اند فرمان میدهدند و بقول آن دولت من این دست گدائی نیست این دست برادری و برابر کردن جامعه است و فی اموالهم حق للسائل والمحموم ویرای محرومین حقی است ، نه اینکه گدائی کند بلکه حق اوست بنابراین من معتقدم که باید یک وظایفی برای دولت تعیین شود . مسأله دیگر رسیدگی به ثروتهاست که روشن نیست از کجا آورده‌اند این شرکتها و مؤسسات خصوصی تا وجود دارند سؤال واعتراف و خشم و عقددها و ریشه‌های فساد هست و باید تکلیف اینها بصورت انقلابی معلوم بشود و اگر مجلس خبرگان نتواند این کار را بکند ، مجلس شورای ملی احتمالاً سالها آنرا به تأخیر می‌اندازد ، باید به این مسأله رسیدگی شود . یک مسأله دیگر که باید در قانون اساسی گنجانده شود ، آموزش و پرورش است که گفته شد دوره ابتدائی باید مجانی باشد باید اینرا منوط کنیم به قدرت دولت که تا آنجا که در ید قدرت دولت جمهوری اسلامی هست آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت و حتی رشد استعدادها و یا مطالح نیروهای انسانی را درجهت شکوفائی این استعدادها رشد بدهد و در حدیث و اخبار هم در این زمینه هست «طلب العلم فریضه على كل مسلم» یا «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد» اینها مسائلی است که نشان میدهد تعلیم و تربیت در حد قدرت و همچنین در مسائل اقتصادی و حتی یک جامعه ...

نایب رئیس - وقت شما تمام است .

رشیدیان - یک جمله عرض می‌کنم . در مسائل اقتصادی من عقیده‌ام این است که اصول کلی اقتصادی و حتی بعضی از جزئیات بوسیله کارشناسان اقتصادی اسلامی و کمک فقهی در قانون اساسی اسلامی بزبان ساده آورده شوند تا همه بهم‌مند و آن عوام و آن رحمت کش و یا کارگر بتواند باین ابزار و قدرتی که قانون اساسی بدست او بیدهد آینده حق خودش را مطالبه کند ورشد فکری را بوسیله وسائل ارتباط جمعی که ضمانت اجرائی قانون اساسی است بیان وظاهر کند چون اگر رشد فکری نباشد هر قانون اساسی ولو هر قدر هم عالی و ایده‌آل باشد در بیوته فراموشی خواهد افتاد .

نایب رئیس - آقای رحمانی بفرمائید .

حسینعلی رحمانی - بسمه تعالی . با اجازه از ریاست محترم و نمایندگان ، در این



موقعیت خطیر لازم میداند عرایض ذیل باستحضار برسد:

حوادث مناطق کردنشین که در این روزها در شهرهای پاوه و سنندج بوقوع پیوست در خور کمال تأسف است. از دولت تقاضا دارد با قاطعیت رفتار وقوای انتظامی را موظف نماید که پوشش دفاعی خود را در منطقه افزایش دهد.

اطبینان داردم در غیر وسلمان کردستان برای حفظ امنیت منطقه همکاریهای لازم معمول خواهند داشت و در صورت لزوم در برابر توطه گران و عمال مرسپرده استعمار نهایت تلاش را بعمل میآورند.

از نقش مؤثر و انقلابی امام در مورد سرکوبی یاغیان ضد خلق و جنایتکاران مارکدار که سوجب اعاده امنیت منطقه گردیده تجلیل و استقبال میشود. ضمناً اطبینان دارد با انتباط اکامل قانون اساسی با دین مترقبی جاودانی اسلام حقوق تمام قشرهای محروم کشور در سطحی عالی رعایت خواهد شد تا عموم ملت ایران با هرزیان و موقعیتی که دارند از حقوق مساوی و آزادی مشروع بطور کامل برخوردار و اختلافات طبقاتی فاحش در تمام مسطوح مرتفع گردد. تأمین امنیت کامل مملکت در هر موقعیت لازم است و تمام مرزهای ایران باید از پوشش دفاعی مدرن برخوردار باشد. چون رهبری امام خمینی در جمیع مراحل انقلاب از لازم لاینک اقلاب و جمهوری اسلامی بوده، رهبری امام در متن قانون اساسی منظور و بدین ترتیب قضیه ریاست جمهوری در مجلس خبرگان حل و احتیاج به انتخابات دیگری نداشته و باساير اصول قانون اساسی در معرض رفاندوم گذاشته شود و فقط برای تشکیل مجلس شورای اسلامی اقدام دیگری لازم خواهد بود.

۱ - قشرهای بی درآمد و کم درآمد و بیوه زنها و بیمرد های از کاراقداده و بی بضاعت و کودکان خردسال و بی سرپرست باید هرچه زودتر تحت پوشش قرار گرفته در سراسر ایران حداقل معیشت آنان تأمین و با ایجاد کارمناب زندگی و معاش محترمانه آنان تأمین شود.

۲ - حمایت از بیچارگان و مستضعفین باید از مرز کشور فراتر رفته در سطح جهان بویژه کشورهای اسلامی بالاخص مالک جنگ زده گسترش یافته و برای نجات هرچه زودتر آنان، انواع حمایتها فراهم و ناله آنان وسیله دستگاههای داخلی و بین المللی بسم مسؤولین بررس و حقوق بشر و سازمانهای بین المللی را برای این سهم دعوت بنهایت همکاری نمایند.

۳ - برای تأمین معاش قشرهای محروم مملکت از هرگونه هزینه های تجملی و تشریفاتی در سطح کشور خودداری و سرمایه های مملکت را برای نجات مستضعفین و طبقات محروم بطور همه جانبی بکار بگیرند. مثلاً از ساختن استخرها و میادین و بلوارهای غیر ضروری که مستلزم خرجهای گزار است در سطح مملکت خودداری شود و با فروش وسائل تجملی در یک مقیاس وسیع موجبات رفاه طبقات محروم فراهم گردد.

۴ - حقوق کارمندان با اختلاف فاحشی که دارد عادلانه نبوده تساوی حقوق اجراشود و بین کارکنان زحمتکش محروم و طبقه ایکه در رأس ادارات و وزارت خانه ها هستند اختلاف فاحشی نباشد و حداقل معیشت برای عموم منظور شود.

۵ - کارخانه ها بمناسبت در شهرها و قصبات و مراکز بخش روستاها با توجه به استعداد محلها و اهالی محل از حق تقدیم برخوردار باشند.

۶ - راههای شهرها و روستاها هرچه زودتر بصورت ماشین رو وشن ریزی شده در آیدتا با



فراهم شدن امکانات نسبت به اسفلات آنها اقدام شود. وسائل آمد و شد و تلفن بین شهرها و مراکز بخش دایر و بحسب استعداد محلها وسائل آموزشی و پژوهشی و بهداشت و فروشگاهها احداث شود تا همه مردم ایران باسهولت بتوانند از امکانات سلطنت بطور مساوی برخوردار گردند.

۷ - استعدادهای اهالی روستاها که قابل شکوفا شدن برای تهیه نیروی انسانی ماهر میباشد مانند دکتر، مهندس و نقشهبردار در حدود لزوم و ضرورت میباشد، جهت بهتر ساختن سیطهای روستائی با یادوردهای واقع و برای اموریکه غلام ضرورت دارد و کمبود احساس میشود بخصوص دکترهای عمومی عدهای از محصلین با استعداد را زودتر بیدون رعایت تشریفات دست و پاگیر برای این مهم آماده تا وجودشان در مسطح روستاها منشاء اثراوراق شود و مردم محروم روستا از رنج و هلاکت ناشی از دردها رهائی یابند.

۸ - وجود اماکن متبرکه در صورت امکان و با توجه به اهداف عالیه اسلامی تا حداسکان برای تزئین اماکن و آنچه لزوم ندارد بکار نرود و در چیزهای بی اثر چون مهمنسراهای حضرتی بمصرف نرسد بلکه در سطحی وسیع بازچه برای کشور که همه جای آن متعلق بمقاصد ماسی باشد و برای تأمین استقلال همه جانبه کشور و رفاه حال بندگان که اهم اهداف ائمه اطهار و اولیاء بزرگوار است بمصرف بررس و وجود مزبوره بهترین هدفهای قرآن را تأمین نماید.

۹ - جمیع منابع ثروت ملت از سنگهای معدنی چون آهک و گچ و مرمر و پولاد و منابع زیرزمینی چون نفت بصورت وسیع و همه جانبه مورد بهره برداری قرار گیرد و چراگاهها احیاء و در اختیار ملت باشد و دامداری و آنچه دخیل در ترمیم وضع سلطنت است مورد رعایت کامل واقع شود.

۱۰ - جماعت زنان که عمر خود را در خانه داری صرف و مشکلات زندگی را از هر جهت برطرف و با سعی و کوششی شبانه روزی موجبات رفاه و سامان یافتن زندگی را فراهم میسازند از نتیجه تلاش خود استفاده ای ندارند و در هنگام طلاق و یافوت شوهر زحمات او رعایت نمی شود، درحالی که کار مختتم است و قطعاً کار زن برای شخص شوهر نبوده بلکه بعنوان آن که خانه، خانه خودش است مبادرت به کاری نماید پس عمل مختار او را باید در موقع خود منظور دارند.

۱۱ - برای کشاورزان روستائی که اکثریت مردم مستضعف ایران را تشکیل میدهد، موجبات توسعه کشاورزی تأمین شود و املاک مالکین بزرگ و قویان را طبق موازین صحیح در اختیار روستائیان قرار دهید چون فتووالها با مکانیزه نمودن زمینها، چراگاههای روستاها را که حق مسلم روستائیان است زیرور کرده اند و دامداری را به ورطه سقوط برده اند و عرصه کشاورزی و بهره برداری از زمین را بر روستائیان تنگ ساخته اند تاجرانی که آنها را آواره شهرا کرده و جزء مصرف کنندگان درآورده اند. در صورت لزوم قدرت مکانیزه زمینها را محدود نمایند و زمین از انحصار عده محدود درآید چون در رنج روستائیان محروم هیچ گونه شرکتی ندارند و فقط اهتمامشان بهره برداری از زمین است و جز سالی چندماه برای بهره برداری نقشی در منطقه ندارند و سپس آنجا را رها کرده راه خوش گذرانی را پیش میگیرند، در آورده و زمین را که با شخم سملوک نمی شود و احیاء بحساب نمی آید و فقط ایجاد حق موقع سی نماید، از انحصار



سودجویان بیرونی باورند و با رعایت عدل اسلامی نویت استفاده بدیگران برسد که حق اولی آنها است چون شخم موجب حق بذرا فشانی و برداشت مخصوص است و آن گاه زمین بلا مانع است. زمین باشخم علاوه بر آنکه احیاء نشده، اماته شده ویرای یکسال قابل کشت نیست پس چرا در انحصار همان عده که سالها از آن بهره برداری نموده اند بماند و دیگران برای همیشه حسرت زده از کنار آن بگذرند.

۱۲ - زمین های بایر شهری و دهات فوراً ملی اعلام شود و دولت آنرا تحت خواهاب متعین در اختیار مردم بگذارد. نباید زمین را که حق شخصی نباشد به مجرد داشتن سند مالکیت که شرعاً موجب مالکیت نیست، با مهلت در اختیار صاحب سند بگذارد تا صاحب سند هم چنان زمین را قطعه قطعه و بادریافت قیمت از اشخاص که در عرض او هستند، اکل بیاطل را ادامه دهد و ملت بی جهت از دخالت در آنها محروم باشند، بلکه اشخاص که زمینها را خریده اند بسبب احیاء مالک آنها شده اند و وجودی هم که از اشخاص گرفته اند شرعاً باید به صاحبان آنها استرداد شود.

۱۳ - چون اختلاف زمین های کشاورزی از اهمیت خاص برخوردار است و قانونهای فعلی نمی تواند نسبت بآنها رسیدگی نماید و تصمیمات فوری اتخاذ شود، محکمه های انقلابی برای رسیدگی بوضع آنها در سراسر ایران تشکیل شود و تکلیف موارد اختلاف را روشن کند و قشر عظیم کشاورزان را از نارضایتی بیرون آورد و یحق خودشان برساند.

۱۴ - ارش باشد بصورت معجزه و مدرن درآید تاقدرت برای دفاع از کشور داشته باشد و سملکت را زیر پوشش زرهی خود درآورد.

۱۵ - روحانیت باید نقش صالح خود را در مقامی وسیع در سراسر ایران برای تعلیم اصول و فروع دین گسترش دهند و از وجود افراد صالح که بطور ضربتی ویرای انجام وظیفه حاضر باشند با تأمین معاش آنان استفاده کنند و بدون توقع از مردم بکار خود مشغول شوند تا از این جهت نیز آسوزش و پرورش بطور مساوی و معقول انجام شود و افراد صالح را برای اشتغال به امور دیگری راهنمائی نمایند. در پایان برای شادی روح شهدای پاوه و تجلیل از فداکاریهای سپاه پاسداران و سایر خدمتکزاران قوای انتظامی تکبیر بگوئید (نمایندگان تکبیر گفتند).

نایب رئیس - آقای موسوی بفرمائید.

موسوی تبریزی - بسم الله المنتقم العبار. به علت کمی وقت با اجازه آقایان عظام چند پیشنهاد و دو انتقاد دارم. اینجا حالا مکان مقدسی است و به اعتبار این مکان و محتوای این مکان ها دلسوزی می کنیم والا طاغوتیان و افراد غیر صالح و شرور و افرادی که غیر از منشاء خرچیزی نداشتند در اینجا تسلط داشتند. پس الان محتوای این مکان یک قدر عجیبی براینجا داده است حالا بینیم این قداست که به محتوای این مکان داده شده، از کجا سرچشمه گرفته شده. این یک مطلبی از قضایا و قداست است که نهضت مقدس اسلامی ایران بدست مات شریف و بیارز و به رهبری قاطعانه امام خمینی به این مکان داده است و احتیاج به استدلال ندارد، لذا پیشنهاد اولی که میکنم این است که در تمام مصدو پیشگاه واندی اصول قانون اساسی که فعل این پرسی می کنیم روح دین اسلامی و روح تشویح و روح قرآن کما هوچقه مثل نخ در تسبیح دمیده شود برای اینکه این نهضت یک نهضت اسلامی است.



پیشنهاد دوم بنده که رفاقت محترم هم صحیح و هم الان فرمودند راجع به مسأله ولايت فقیه است و روی همین اساس است که چون نهضت ما يک نهضت اسلامی است پس قوانین ماباید مطابق با قوانین اسلامی باشد . و اساساً با ضوابطی که از قرآن و اخبار بدست آورده میشود ما احتیاج به قانون اساسی دیگری در مقابل قانون قرآن نداریم ، در بعضی مواد قانون اساسی این جمله « مطابق احکام شرع یا قانون اساسی باشد » هست که بنظر من این غلط است ، برای اینکه قانون اساسی ما یعنی ضوابطی مستفاد از قرآن و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام و دست آوردن این ضوابط کلی که بشر تحت آن زندگی کند ، عبارت از فقیه جامع الشرایط است طبق آن روایت که « مباراً و بربد العلماء بالله الامتناء على حلاله وحرامه... » این ضوابط را که مستفاد از قرآن است قهرآ کسی که العالم ، الناظر بالحدیث و مجتهد جامع الشرایط است ، باید ناظر و عامل آن باشد ، پس نتیجه ولايت فقیه کما هوجوشه در پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی آنطور که باید و شاید « امور بیدالعامه بالله الامتناء على حلاله وحرامه » گنجانده نشده برای اینکه تمام قانون اساسی یعنی کلیات مستفاد از قرآن و احادیث و این کلیات ، یعنی فقیه است ، پس فقیه در حق قانون اساسی و متن قانون اساسی و روح قانون اساسی که عبارت از همان ولايت فقیه است ، آنطور که اخبار و فقهای مامعنی کردند ، باید در این قانون اساسی گنجانده بشود . پیشنهاد سوم بنده این است که مدت بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که از طرف وزارت کشور ^۳ روز تعیین شده است ، خیلی کم است ، برای اینکه می خواهیم اساس مملکت و اساس سعادت ^۴ بیلیون باخافه میلیونها انسانی که بعداً خواهد آمد را بررسی و تدوین کنیم و بنظرما این یعنی و این آگاهی که در مردم مسلمان ایران پیردا شده است ، این قانون الى انقراض عالم انشاء الله پایرجا باشد ، پس برای یک چنین قانونی ^۵ روز بررسی خیلی کم است .

پیشنهاد بعدی بنده این است که این اختیاری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رئیس جمهور داده اند با موازین قرآن و موازین اسلامی و انسانی و علمی جور در نمی آید ، پچرا؟ چون ماباید دو مطلب را از هم جدا کنیم . اگر ارسو زمام بخواهد رئیس جمهور باشد - که حق مطلب هم همین است و واقعیت هم این است که ریاست جمهوری را ایشان باید بعهده بگیرند - در مورد ایشان اختیاجی نبود که ما اینجا جمع بشویم چون هرچه ایشان بعنوان قانون اساسی یا قانون بگویند ، در صد سلت ایران آنرا قبول دارند و تمام اختیارات مانند انحلال مجلس ، عزل نخست وزیر و قوای ثالثه مملکت در دست ایشان باشد چون هیچ ایرادی ندارد . حالا اگر بخواهیم رئیس جمهور را با آن ضوابط و خصوصیات واوصافی که شخص امام دارد در مقام لفظ بیاده کنیم و ضابطه برای رئیس جمهوری در مملکت قرار دهیم اشکالی ندارد که اختیارات مملکت در دست او باشد ولی هیهات این یک اشکال صغروی دارد چون الان از نظر روحانیت شیعه حساب میکنیم یک چنین فردی مثل امام که اگر نگوین عدیم النظیر است کم نظیر است اگر بخواهیم با آن ضوابط رئیس جمهور درست بکنیم که بعد از حیات امام متصدی ریاست جمهوری داشد ، این اشکال صغروی دارد که اگر همچو فردی خیلی کم بیندا میشود نمیتوانید با آن ضابطه یک فردی در ایران پیدا بکنید که خصوصیاتش با امام منطبق بشود و اگر بخواهید ، رئیس جمهور از همین افرادی عادی مملکت با آن شرایطی که هست باشد باید مسلمان باشد ، شیعه باشد ، مرد باشد یازن باشد علی ای حال مطالبی است که باید



بررسی بشود ، آنوقت این اختیارات را بدست رئیس جمهوری دادن با این کیفیت این سر از همان سلطنت ظاغتوی در میآورد بعد از مرور چند زمانی . چرا؟ برای اینکه قانون مشروطه ایران در مقابل استبداد بوده ، «ما فرمودیم !» بوده است . آن مشروطه‌ای که مرحوم آقای نائینی کتابی در حقانیت او نوشته بود و مطابق موازین شرع بوده است و چون بند و بساطش خیلی محکم نبود ، بعد از چند سال سراز استبداد درآورد ، آگر رئیس جمهور با این اختیاراتی که در این پیش‌نویس قانون اساسی تعیین شده است ، باشد (بعد از ۱ سال ، بعد از ۲ سال ، بعد از ۳ سال ، بهانه تراشی برای انحلال مجلس خیلی آسان هست) می‌تواند برای انحلال مجلس بهانه بتراشد و برای برکنار کردن نخست‌وزیر وقت کارهائی که باید بکند ، خیلی آسان است . در این زمینه یا باید با ضوابطی که شخص امام دارد آن را پیاده بکند — روی کاغذ که این نمی‌شود فردش را پیدا کرد — یا باید رئیس جمهوری شورائی باشد مركب از افراد صالح آنهم نه با این قدرت عریض و طویلی که در قانون اساسی قید شده است .

نایب رئیس — آقای موسوی وقت شما تمام است .

موسوی تبریزی — اما انتقاد ، البته صبح جناب آقای مقدم مراغه‌ای یک مطلبی را فرمودند که اکثر مجلس خبرگان — این را برای خودم وظیفه شرعی میدانستم تذکریدهم — از علما تشکیل شده است در صورتی که تمام اشاره مبارزه کردن ، تمام قشرها مبارزه کردند واقعاً مطلب حقی بود ایشان فرمودند از دانشگاهی ، فرهنگی ، بازاری ، کارگر ، دهقان و ... و ... تمام اشاره در این مبارزه سهیمند . درست است ولی چه باید کرد در مقابل آن اعتمادی که ملت به روحانیت دارد؟ خود جناب مقدم مراغه‌ای ملاحظه فرمودند در تبریز که من وایشان از تبریز انتخاب شدیم ، در تبریز ما ۲ کاندیدا از طرف حزب جمهوری اسلامی ، و احزاب و گروههای دیگر داشتیم ، هنر اهل علم بودند ، ۴ نفر دکتر ، دانشگاهی ، فرهنگی و بازاری که یکی هم جناب آقای مقدم مراغه‌ای بودند . چه کنیم که ملت از این ۴ نفریکه از اشاره مختلف کاندیدا شده بودند ، کسی را انتخاب نکرد؟ مارگزیده از طناب هم میترسد ، آن اعتمادی که ملت به روحانیت دارد و آن اعتمادی که ملت به رهبر و روحانیت مبارز دارد ، بهیچ کس دیگر ندارد . خود جناب مقدم مراغه‌ای بهتر میداند که چه جوری از تبریز انتخاب شده‌اند ، پس علیه‌ذا اکثریت این مجلس را حضرات آیات عظام ، بزرگان ، آنهاست که واقعاً نسواب امام زمان ، شاگردان امام زمان ، انتخاب شدند . برای اینکه این انتخاب بتوسط مردم شده است و مردم که مطبق قدرت و غریزه خودشان به روحانی مبارز و متعهد عقیده دارند ، این دیگر بعثی ندارد که چرا مثلاً اکثر نمایندگان مجلس خبرگان اهل علم شدند . با کمال معذرت یک مطلب دیگری هم دارم که انشاء‌الله در فرصت مناسب خدمتستان عرض می‌کنم . والسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين .

نایب رئیس — بلی همانطور که فرمودید چرا ندارد و حالا که ملت به آقایان فقهاء و علمای اسلامی و صاحب‌نظران در مسائل اسلامی به مقدار فراوان در این مهم اعتماد کرده است ، به حدی که در شماره نمایندگان هم متجلی است بیش این احساس را درما باید بوجود بیاورد که بارمسؤلیت مان سنگینتر شده و این احساس بوجود آمده است و از خدای متعال میخواهیم که دربرابر او وخلق او در ایفای این مسؤولیت انشاء‌الله سرافراز شویم . ضمناً برادران آقای موسوی تبریزی در یکی از جمله‌ها واشان گفتند آقای مراغه‌ای میدانند که چگونه انتخاب شده‌اند



باز تعریضی داشتند که بنده صبح هم خواهش کردم که هیچیک از مهاها از اینگونه تعریضها نداشته باشیم چون درشان این مجلس ویخصوص در شان روحانیت نیست. امیدوارم که دیگر این تعریضها تکرار نشود، من برداشت خودم را عرض کردم. آقای مؤبد رستم شهرزادی بفرمائید.

مؤبد رستم شهرزادی — بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر جهان. هیأت محترم رئیسه و نماینده‌گان ارجمند، بنده حقیر از روحانیون زرتشتی هستم. ما زرتشتیان از گروههایی هستیم که خودمان را فرزندان اصیل این آب و خاک میدانیم. از تاریخ گذشته ما اطلاع دارید آن کوششهایی که در اشاعه فرهنگ و هنر و آئین و سنت ایران، تا اقصی تقاطع‌جهان قدیم به عمل آورده‌ایم همه در تاریخ خوانده‌اید و میدانید بعد از اسلام هم زرتشتیان تا آنجا که توانستند علوم و فنون خودشان را در رشته سیاست و کشورداری و آسارتگیوری در طبق اخلاص گذاشته پیشکش فرمانروايان مسلمان و عالم اسلام کردند. از پیغمبر اکرم است که فرموده سلمان فارسی ازا هل بیت من است واز نزدیکان و دوستان من است. می‌دانیم که پیغمبر از نژاد عرب بوده و سلمان فارسی بود. وقتی پیغمبر فرمودند ازا هل بیت من است خیلی بالاتر ازا بیانت که بگویند از بستگان و خانواده من است. بعداً در دوره خلفاً اشخاصی چون برمکیان، فضل بن سهل ها، نوبختی‌ها خدمت بزرگی به عالم اسلام کردند. ما مانند شیعه‌های اولیه ظلمها و ستمهای زیادی از دست جباران روزگار دیدیم، در سیاه‌چاله‌ای انداخته شدیم و مردیم. با وجود این هرجا زرتشتیان در اثر فشار روزگار مهاجرت کرده یا به هندیابه پا کستان یا سایر نقاط رفته‌اند، این مهریه‌هن از دلشان بر کنده نشده و ایران را آرامگاه پدران و خاک پیامبران میدانند، اگر پولی برای وقف خواستند بدنه‌دیفترستند بایران، مدرسه درست می‌کنند، بیما رستان درست می‌کنند، آسایشگاه درست می‌کنند و غیرا زایران ما هیچ کشوری که وطن ثانی خود بدانیم نداریم. در اینجا ماتولد شده‌و در اینجا بزرگ می‌شویم و در اینجا خواهیم مرد، هنگامی که جمهوری اسلامی اعلام شد، امیدهایی که به وسیله حضرت آیت‌الله خمینی و سایر علمای عظام و نخست وزیر اقلایی داده شد، مامیدوارشیدیم که هرگونه تعیضی که در گذشته بود از میان برو بخصوص وقتیکه اعلام شد جمهوری اسلامی، جمهوری توحیدی بی طبقاتی خواهد بود، ولی حالا بدینخانه می‌بینیم در قانون اساسی جدید، ما زرتشتیان و دیگر اقلیتها از ایرانیان درجه دوم و یا حتی سوم قرار داریم. مثلاً ما را از چندین شغل محروم کرده‌اند، صدارت، وزارت، سفارت و قضایت. در صورتیکه همه میدانیم جمهوری به نام جمهوری اسلامی است و درصد جمعیت ایران مسلمان هستند و اگر خواسته باشند رئیس جمهور انتخاب کنند، نخست وزیر یا وزیر انتخاب کنند خواه مسلمان خواهد بود، پس آن قیود یا صفاتی که یک عده‌ای را در ظاهر محروم می‌کنند، بهتر است برداشته شود. مثلاً وقتیکه می‌گوییم رئیس جمهور باید ایرانی اصل باشد ولی شاید تا آن زمان تابع ایران نباشد، این تابعیت ایران خیلی مهم است، ما ایرانیان ملت خودمان را نباید فراموش کنیم خدای نخواسته اگر ملت و امثال نژادی خودمان را از دست بدھیم و در آینده دست توسل به دامان یکی از ملل عرب بزنیم که ما را بپذیرند، نخواهند پذیرفت و همیشه ایرانی در نظر آنها در درجه دوم ملت قرار خواهد گرفت. پس در این قانون اساسی که جمهوری اسلامی پایه و اساس آنست باید ملت ایرانی، ایرانیت و زبان فارسی، بیش از آنچه که ذکر شده است ذکر بشود. خواسته دیگر جماعت ما اینست که طبق قانون اساسی، فقط حق برگزیدن یک نماینده



در مجلس شورا یملی داریم حالا اگر یک نفر از اقلیتهای مذهبی بوسیله یکی از احزاب به نمایندگی مجلس برگزیده شود آیا به این بهانه که شما فقط می‌توانید یک نماینده داشته باشید، آن شخص از انتخاب به نمایندگی مجلس باید محروم باشد یا نه؟ دیگر اینکه هرجاییکی از اقلیتها هستند در شورای استان و شهرستان و دهستان آن‌جا هم باید آنها حق عضویت داشته باشند. عده زیادی از ما زرتشیان نیخواهیم که جزء اقلیت‌های مذهبی شمرده شویم زیرا یک وابستگی مخصوصی به برادران هم نژاد خود داریم. سنت ما، رسوم ما، آداب ما همه یکی است وقتی ایرانی اسلام آورد به آسانی نام خدا و پیامبر را عوض کرد. این آسان است ولی سنت خود و آداب و رسومی که از کوچکی به آن عادت کردایم به این آسانی نمیتوانیم از دست بدھیم، اینست که ایرانی دویاره نوروز را پذیرفت، مهرگان را پذیرفت، سده و بهمن گان را پذیرفت، احترام به نور و فروغ از سنت ما است وقتیکه چراغ روشن میکنیم صلوات میفرستیم، در منازل متبرکه و زیارتگاهها شمع روشن میکنیم، چراغ روشن میکنیم، اسفند و کندر دود میکنیم و به قدری این سن در رگ و پوست ما همه، چه زرتشی و چه مسلمان سرشته شده که مسلمان ایرانی را نمیشود با مسلمان عرب برابر دانست. پس تقاضای من اینست که اصالت خودمان را حفظ کنیم تا این اتحاد و یگانگی در بین ما حفظ شود و در پایان یک حمامه‌ای از روانشاد استادپور داود میخوانم و مرخص می‌شوم:

گسر مسلمان و نصارا و یا زرتشیم همه از یک پدر و یک نسب و یک پشتیم
در کف مام وطن گوئی پنج انگشتیم تا که جمیع به دندان اجانب مشتیم
ور پراکنده و خردیم، شکار آنان

نایب رئیس — آقای مهندس سحابی بفرمائید.

مهندس سحابی — بسم الله الرحمن الرحيم. ولا تكونوا كالتي نقضت غزلها من بعد قوة انكاثاً تتخذون ايمانكم دخلاً يبنكم ان تكون امة هي اربى من امة. از صبح امروز در اين مجلس محترم از طرف برادران عزيزمان مطالب زيادي ابراز شد که اکثر آنها — اگر نگويم همه‌اش — در جهت نفي اين پيش‌نويس قانون اساسی بود يا اگر مستقيماً در جهت نفي نبود در جهت پيشهاد طرحهای جديد بود. بنده به سهم خود، لازم میدانم مطالبی ولو به طور اجمال و کلى در اين وقت کم درباره اين پيش‌نويس و روحی که بر آن حاکم است به عرض برسانم. البته در اينجا منظور بمنه اين نیست که از تک‌تک اصول دفاع بکنم چون امکان دارد خيلي از اصول بالا و پائين بشود و اصلاحاتي در آن به عمل بيايد، ولی از روح کلي که در اين پيش‌نويس مطرح بوده و راهنمای تنظيم کنندگانش قرار گرفته بوده، بنده اينجور احساس ميکنم که باید به طور کلي مطالبی به عرض برسانم. قانون اساسی به طور کلي عبارتست از یک سلسه از کلی ترين خوابط و مقرراتي که بین عناصر دولت — دولت به همان معنائي که آقای فارسي گفته‌ند نه حکومت و نه هيأت دولت، دولت يعني هيأت حاکمه — يا عناصر قدرت سياسي و ملت تعين روابط و تعهداتي که بین اينها برقرار می‌شود و به صورت پيوندي يا عهدنامه يا ميثاقی در می‌آيد، اين را قانون اساسی می‌گويند و اين طرحی که الان در اختیار ما قرار گرفته یک چنین مجموعه‌ای است . خوب ، وقتی ميگوئيم بین عناصر قدرت سياسي ، بنابراین آنچه که در اينجا مطرح است و سواله اصلی است، نحوه و كيفيت قدرت سياسي در جامعه است. مبارزاتي که در صدر مشروطه‌يت بود و منجر به قانون اساسی و مخصوصاً متمم قانون اساسی شد در آن موقع هم



یک چنین بحثهایی که الان در بین جامعه ما هست مطرح بود. آن موقع تحت لوای دو شعار حکومت مشروعه و حکومت مشروطه مطرح شد و امروز تحت عنوان ولایت فقهی و بیشلا حکومت دموکراسی یا حکومت قانون اساسی و امثالهم. البته شاید بعضی حرفها اختلاف داشت، ولی جوهر مطلب این بود و آن کسانیکه در آنروز آن شمارها یا آن اختلافات برایشان مطرح بود از این دیدگاه به مسئله نگاه میکردند. این بحث مطرح بود که طبق آن پیشنهاد و قانون اساسی آنروز حکومتی بر مبنای قدرت مردم و حکومت و دولت زیر مراقبت و نظارت و انتخاب مردم تعیین بشود. آیا چنین حکومتی اطاعت و تبعیت از آن مشروعت شرعی دارد یا نه؟ آن زمان این بحث مطرح بود و میگفتند نه، این مشروعت ندارد، بعضی میگفتند مشروعت دارد، این دعوا مدت‌ها طول کشید و اختلافاتی ایجاد کرد و فقهای بزرگ شیعه و فقهای بزرگ مکتب امامیه که در آنوقت حیات داشتند مرحوم آخوند ملا کاظم خوانساری و مخصوصاً مرحوم نائینی اینها مسئله را از دریچه علمی و فقهی حل کردند. مسئله یک بار در آن موقع حل شده و اگر حالاً ما دوباره این بحثها را مطرح بکنیم یعنی برگشته‌ایم به سرخانه اول. از تجارب گذشته استفاده نمیکنیم و تجارب گذشته را دوباره میخواهیم تجربه کنیم، طبق همان بحث‌هایی که شصت سال، هفتاد سال بین ما بود یعنی تفرقه و اختلاف که سرانجام یک قانون اساسی نوشته شد که عده‌ای به آن اعتقاد داشتند و عده‌ای اعتقاد نداشتند. دوباره میخواهیم اینها را تکرار کنیم و این درست نیست چه فرد، چه جامعه، چه ملت در جریان زندگی خودش آنچه را که تجربه میکنند باید در زاویه محفوظات و مکنونات خودش نگهدارد و همیشه از آن تجربیات استفاده کنند. دوباره هر چیزی را تجربه نکند. به فرمایش پیامبر اکرم «لایلغا المؤمن من حجر امرتین» عرض کنم مسئله‌ای که در آن زمان مطرح بود و مرحوم نائینی مخصوصاً در کتابشان این مسئله را پاسخ می‌دهند که از دیدگاه اسلام و مخصوصاً مکتب شیعه حاکمیت مطلق از آن پروردگار است و خود انسان زیر بار حکومت و اطاعت از هیچ مقامی نمیتواند برود مگر پروردگار، اگر اطاعت از هر مقامی به جز پروردگار بکند میشود شرک و اما از آنجا که جامعه و کشور احتیاج به مدیریت و نظامت دارد و جامعه بدون حکومت و نظارت و مدیریت برقرار نمیماند و حضرت علی (ع) بارها تکرار میفرمایند که مردم ناچار هستند که امیر یا مدیر و یا رئیسی برای جامعه‌شان داشته باشند و لوفاجر باشد، برآکان او فاجرا، و این را تأکید میفرمایند که خوب بودن حکومت ولو فاجرش بهتر از نبودن است، بنابراین در اینجا تنافضی و بنیستی پیش می‌آید از یک طرف حکومت لازم واجتناب ناپذیر است و از یک طرف اطاعت از چنین حکومتی شرک است. بعد مطرح شد که آن حکومت چگونه باید باشد، اولین جوابی که دادند این بود که بعد از مقام ربویت مقامی که قابل اطاعت انسان از او در امور اجتماعی و در امور فردی هست مقام انبیاء و مقام عصمت است و مقام پیامبرانی است که به رسالت رسیدند یا نرسیدند یا به مقدمه عصمت، از نظر ما اینها هستند که قابل تبعیت هستند. بعد از آنها چی؟ بحث اصلی در صدر مشروطیت این بود که در زمان غیبت معصوم مردم باید چه بکنند آیا حکومتی نداشته باشند یا به حکومتها بدند، ظلم و جور و استبدادی که در آن زمان بود و همیشه در جوامع هست تن به آن حکومتها بدند، یا حال که حکومت معصوم نیست به حکومتی که در راه معصوم باشد یعنی شباهت نسبی با حکومت داشته باشد تن بدند. بعد بحث بر سر این موضوع پیش آمد که آن حکومتی که شباهت به حکومت معصوم داشته باشد، چگونه حکومتی است و راجع به این موضوع مرحوم



نائینی دلایلی آورده اند که البته نمایندگان محترم اهل علم هستند و صلاحیت شما از بنده بیشتر است و از آن دلایل شما بیشتر اطلاع دارید و میتوانید قضایت کنید که آن دلایل تا چه حدی درست است یا نیست. در هر صورت ایشان موضوع را اینطور حل میکنند و میفرمایند»^{۱۷} معصوم یک فرد است و به دلیل خصوصیات و خصلتهايی که به صورت طبیعی یا به صورت تربیتی که در وجودش هست، آن چنان بر وجودش سلط است که وقتی تمام قدرت سیاسی جامعه در دستش باشد از آن ولیکن آن چنان بر خودش سلط است که وقتی تمام قدرت سیاسی جامعه در فراموش نمیکند. معصوم قدرت سوء استفاده نمیکند یا حفظ قدرت برایش هدف نمیشود، هدف را فراموش نمیکند. معصوم یک چنین قدرتی است» بعد ایشان میگوید: در غیبت معصوم پیدا کردن چنین فردی حکم پیدا کردن کبریت احمر را دارد و چنین آدمی را ما نمیتوانیم در بین افراد عادی بشر پیدا کنیم. پس بینیم راهش چیست؟ ماباید آن کیفیتی که در نفس معصوم هست یعنی درونی است ما باید صورت خارجی به آن کیفیت بدهیم یعنی آن قوائی را که در درون نفس معصوم وجود دارد و میتواند از یک طرف قوه تدبیر و عقل و منطق دارد و از یک طرف قوه راقبت و نظرات بر اعمال دارد و قوه اراده و اجرائی دارد و این قوا در عین اینکه هر کدام به موقع کار خودشان را انجام میدهد در هم دیگر هم دخالت نمیکنند یعنی در موقعی که فکر منطقی دارد میکند و تدبیر عقلانی دارد میکند آن موقع خشم و غضبیش در این فکر مؤثر نیست یا عواطفش در آن فکر مؤثر نیست یا بعکس. پس مابایهیم به آین قوا که در درون نفس معصوم هست صورت خارجی و عینی بدهیم و در جامعه پیاده کنیم، بعد با استدلالهایی که ایشان میکند سه نوع قوه در نفس معصوم تشخیص میدهد، یکی قوه مسدده عاقله است که اینها تطبیق میکنندیر قوه مقتنه و قانونگذار و یکی قوه رادعه و مانعه است که حمل میکند بر قوه اجرائی و قوه قضائیه و میگوید ما این قوا را بیاییم در خارج تشکیل بدهیم و حکومت را که در فرد معصوم خلاصه میشود بیاییم در یک هیأت پیاده یکنیم که آن هیأت از این قوا تشکیل میشود و بعد این قوا همه تحت نظرات آن مقامی باشند که پیامبر میفرمایند:

«لایجتماع امتی علی الخطأ» چون احتمال خطایش از افراد و سازمانها و نهادهای منفرد خیلی کمتر است. احتمال خطای خیلی کم است چنانکه میفرمایند امت من بر چیزی اجتماع امت اسلامی احتمال خطایش خیلی کم است چنانکه میفرمایند امت من بر چیزی اجتماع نمیکنند که خطایش باشد. بنابراین آن مجموعه حکومت یا آن سه عنصر قدرت سیاسی را تحت نظرات این عاملی که کمتر خطایش میکند و احتمال خطایش کمتر است، درنتیجه در راه معصوم بیشتر هست قرار داده حالا این پیش‌نویس قانون اساسی براین اساس است. اگر صحبت از حاکمیت در آن شده است، منظور از حاکمیت ملی، قانونگذاری در احکام شرعی نیست چون قوانینی که در قوه مقتنه مطرح میشود به مسائل روزمره مانند مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی با آن مسائلی که در متون شرعی یا در فقه شرعی یک عنوان خاص یا عنوان عام دارد، فرق دارد. مطالب روزمره‌ای است که مردم باید در بین خودشان حل کنند. حضرت علی (ع) در موقع وفاتشان به مردم توصیه میکنند «اویکم به تقوی الله و نظم امرکم» یا باز به خود مردم میفرمایند که اسر یعنی مدیریت جامعه و نظم و نظام جامعه با خودتان هست. نظام و نظام یک مقدار مقررات و قانون نوشتن است، یک مقدار اجرا کردن و یک مقدار هم قضایت کردن است و اینها چیزهایی است که در این قانون اساسی مبنای کار بوده و به هیچوجه



متغیرتی با ولایت فقیه ندارد. ولایت فقیه در امر استخراج احکام است، رد فروع بر اصول است. استخراج احکام فرض شرعی است ولی فقیه در مقام اجرا نیست. ولایت فقیه مرادف با این نیست که فقیه حتماً در اجرای سیاست و در توزیع قدرت سیاسی در جامعه عمل بکند و نظارت بکند، این مطلب نوشته نشده مضارفاً به اینکه فقیه به سبب خصلت کارشن از یک سلسله خصایص باید برخوردار باشد که این خصایص لازم هست ولی برای یک فردی که حاکمیت سیاسی بر جامعه دارد کافی نیست، یعنی فردی که حاکم برسائل سیاسی جامعه هست و قدرت سیاسی را اداره و نظارت بسکنند از خصایص خیلی بالاتری باید برخوردار باشد، آن چنان کسی باید باشد که وقتی قدرت کامله انحصاری سیاسی و اقتصادی و نظامی در اختیارش قرار گرفت، منحرف نشود یعنی قدرت را به پیراهه نبرد یا برایش وسیله و هدف قرار نگیرد به اینجهت این قانون اساسی متغیرتی با ولایت فقیه ندارد و ما باید این دو را مقابل هم قرار دهیم و بی خود هم این را مطرح نکنیم که یا رئیس جمهوری برطبق این قانون اساسی یا ولایت فقیه، نه، رئیس جمهور میتواند کار خودش را بکند. فقیه هم وظایف خودش را دارد و تکالیف خودش را میتواند انجام بددهد. یک نکته دیگر بود که اگر اجازه بفرمایند ادامه بدهم.

نایب رئیس — وقت جنابعالی تمام شده است.

مهندس سحابی — بسیار خوب.

نایب رئیس — آقای دستغیب بفرمایند.

دستغیب — سلام علیکم ورحمة الله وبركاته. بسم الله الرحمن الرحيم. بعد ازسلام و درود به پیامبر بزرگ اسلام و ائمه هداة مهدیین، برای اینکه وقت آقایان را تضییع نکنم چند جمله کوتاه را یادداشت کرده ام و عین همان را عرض میکنم چون شرحش لزومی ندارد وقت هم کم است و بسیاری از آنها را از صبح تا به حال توضیح داده اند، بنده به طور خلاصه عرض می کنم. قبل ازبیان نظریات خود درباره پیش نویس قانون اساسی دو نکته را باید بهعرض نمایند گان واقعی ملت شریف ایران برسانم:

اول — بدانید آنچه باعث شد این پایگاه از دست دشمنان مردم نجات پیدا کند و به دست شما خادمین مردم یافتد، مبارزات مردم مسلمان در پناه الهام گیری از تعالیم عالیه اسلام بهره بری امام خمینی بوده است.

دوم — الان آبروی اسلام و قرآن و اصول مکتب در کار است، جهانیان نشسته و میخواهند بدانند اسلام چطور اجرا می شود و این عمل شما آقایان است که میتوانند جواب مثبت به آنها بدهد، لذا باید وقت و جدیت خستگی ناپذیری بفرمایند و این مکتب الهی را به ایرانیان و جهانیان به صورت واقعی ارائه دهید. بنده نظریات خود را به طور کلی نسبت به پیش نویس قانون اساسی در مسه قسمت عرض مینمایم:

— باید ابهام و گنگ بودن اصول را از بین برد. همانطور که ملاحظه میفرمائید در آتیه موارد گنگ و قابل تأویل برای مغرضین زیاد است مثلاً در اصل ۹ راجع به حق کاررساله نارسا است، اصل ۷ هم همینطور، در اصل مربوط به ریاست جمهوری و مالکیت، تمام مجملاتی است که باید مفصلان بیان شود، خلاصه باید از ابهام و قابلیت تأویل و تفسیرهای مغرضین در آینده خارج گردد و آنچنان قانونی باشد که برای همیشه ملت ایران از دیسیسه جنایت کاران در امان باشند و خیانت کاران نتوانند با آن تأویل کنند و ملت را به استثمار بکشند.



۲- نسبت به اسلامی بودن قوانین نظریات اینجانب در مسائل زیر خلاصه می شود :

الف- در مجلس شورای ملی حتی باشد عده ای از قوها و مجتهدین باشند .

چنانچه در متمم قانون اساسی قبل هم بود که باشد هف نفر مجتهد حتی در مجلس باشد تا اینکه این قوانینی که در مجلس تنظیم می شود زیر نظر این هف نفر باشد و به امضا آنها باشد، تا اسلامی باشد و واجب الاجرا گردد و قانونیت اسلامی پیدا کند در اسلام آگر مجتهدین و فقها در مجلس نباشند و قانونهایی که تصویب می شود آقایان امضا نکنند، این قانونیت ندارد، لزوم اجرا ندارد، یعنی بشرط حق قانونگذاری برای بشرط دیگر ندارد. اگر بشری ولو ضد باشد با هر مغز متغیر و قانوندانی جمع بشوند و بخواهند یک قانونی برای ملتی جعل کنند، عقل این حق را ندارند اصلاً بشرط جعل قانون برای بشرط دیگری را ندارد قانونگذاری کار خدا است عقل می گوید که تو او مساوی هستید هیچ بشری بر بشرط دیگر حق حاکمیتی ندارد، حق فرمان ندارد هر کس می خواهد باشد، فیلسوف باشد، حقوق دان باشد هر کس که باشد هر نوع قانونی را که جعل کند قوه اجرائیه ندارد، مگر با سرنیزه و اعمال دیکتاتوری والا اگر باموازین عقلی باشد، بشرط حکم و فرمان و قانونگذاری را برای بشرط دیگر ندارد. مجلس شورای ملی هر قانونی را که تصویب کند این قانون به حکم عقل اجراء شدنی نیست، لزوم اجرا ندارد مگر همان ظوری که عرض کردم با سرنیزه و زور دیکتاتوری باشد. وقتی قانونیت پیدا می کند، وقتی به حکم عقل واجب می شود که اسلامی شود و بلت اطاعت شنید و بگویند این قانون خدایی که مجلس تصویب کرده و مجتهدین و فقها آن را امضاء کرده اند، با چنین عقیده ای زیر بار این اعتقاد بروند. (اگرچه نمی خواستم خارج از موضوع صحبت کنم که وقت آقایان بگذرد) اخیراً در شیراز چند نفر از رفقا ذکر می کردند راجع به گرفتن مالیات و دارائی که به اختیار خود ملت گذاشته شده است .

آنها نقل می کردند که وقتی به اداره دارائی رفتیم و آنها تعیین مقدار مالیات را به اختیار خود مان گذاشتند به آنها گفتیم که شما چه مقدار معین می کنید؟ مبلغی رامعین کردند. گفتیم چون حکومت اسلامی است ما دو برابر می دهیم نه اینکه کمتر بدیم یعنی وقتی که قوانین اداره دارائی زیر نظر مجتهدین و فقها گذاشته بشود و موقعي که اسلامی شد، بر هر مسلمان واجب است که اطاعت شنید و مثل الان که می بینید، شکر خدا ملت ایران فرمان امام را اطاعت می کند و جانشان را در این راه حاضر ند بدهند اما زیر بار قوانین دیگر نمی روند . این ایمان و اعتقاد است که ملت را وامیدار زیر بار قانون برود .

قانونی که اناسیان می گویند- که همان فقیه عادل باشد - قانون الهی است و می گویند حکم، حکم خدا است. خیلی مذعرت می خواهم خارج از موضوع صحبت کردم. اینها و اضطرابات است. در مجلس شورای ملی از قوها و مجتهدین حداقل هف نفر باید باشند که ناظر باشند و قانون با نظر آنها تصویب شود و هیچ قانونی تا مجتهدین امضاء نکنند قانونیت ندارد، یعنی قوه مجریه همراهش نیست چون ملت مسلمان زیر بار حکم بشری مثل خودش نمی روید و دیکتاتوری را قبول ندارد و غیر از حکم خدا، حکم دیگری را نمی پذیرد .

ب- حق (وتو) ایراد گرفتن و انتقاد و احیاناً لغو تصویبات مجلس برای مرجع تقليید مسلمین منظور گردد . در قانون اساسی ذکر شود که مرجع تقليید حق اعتراض ، حق انتقاد، حق عزل کردن را دارد .

۳- از آنجائیکه ما نمی توانیم اعتماد کنیم که در آینده افرادی همانند رهبر انقلاب فعلی



نصیب ملت شود لذا پیشنهاد ریاست جمهور را به شورای جمهوری تصویب می‌کنیم . البته با عضویت فقیه عادل در آن، که شخصی نباشد و جمهوری باشد بشرط اینکه یکی یا بیشتر از افراد این شورای جمهوری فقیه عادل باشد تا اینکه خلاصه جمهوری اسلامی باشد و آنچه که از این جمهوری صادر می‌شود، حکم اسلامی باشد . با عضویت فقیه عادل و نیز انتخاب نخست وزیر و سایر وزیران و روسای قوای سه‌گانه و مسئولان مهم قوای سه‌گانه باید با توجه به اسلامیت وايمان و فتوای ناميرد گان باشد .

نخست وزیر و روسای قوای سه‌گانه و مسئولان و فرمانداران نظامی ارتش تقوا اگر نداشته باشند این پست را نمی‌توانند اشغال کنند زیرا پستهای مهم مملکتی تقوا ، اخلاق و دین می‌خواهد نه فقط فرض کنید مسلمان اسمی باشد . تقوا یش مورد تصدیق اجتماع باشد و مردم اورا مسلمان و با تقوا بدانندویه او اطمینان داشته باشند . حتی عقیده بنده این است که رئیس هردارهای باید اینطور باشد و بطور کلی روسای ادارات باید تقوا اخلاق‌شان ثابت باشد . خیلی معدتر می‌خواهم اگر طول کشید . والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .

نایب رئیس— برادرمان در مطالبه شان اشاره‌ای به ولایت فقیه کردند که من انتظار دارم ناطقین بعدی بیشتر توضیح بد هند . یکی از نماینده‌گان محترم یادداشتی فرستاده‌اند که خود من این توضیح را بد هم . به هر حال در همین جلسه باید توضیح داده بشود کوتاه‌ترش این است که در دو جمله خود بنده توضیح بد هم که آقای سعادی شما ولايت فقیه را با فتاوی اشتباه کردید بعداً در مذاکرات مفصل خدمتستان توضیحات کافی خواهی داد . آقای بنی صدر بفرمائید . بنی صدر— وقتی نماینده‌ای صحبت کرد یا نایب رئیس و سایر نماینده‌گان درباره آن توضیح بدهند و یا باید همه این حق را داشته باشند و از جمله تمام روز نماینده‌گان صحبت از ولایت فقیه کردند و کسی نگفت فقیهی که می‌تواند ولی باشد کیست ؟ کجاست آن فقیهی که بتواند جامعیت امام را داشته باشد ؟ و اگر چنین شخصی نیست باید مجموعه متصدیان قوای حاکم فقیه صاحب صلاحیت تلقی شود .

نایب رئیس— صحیح است اتفاقاً خیلی بجا بود، همین را هم می‌خواهیم اضافه کنم ولی بجاست که دوستان هم نوبت می‌گرفتند و ایکار را می‌کردند . این که من توضیح دادم اصلاً یک اشتباه اصطلاحی بود که با دو کلمه من می‌توانستم توضیح بدهم بی شک آقای بنی صدر ما فرصت داریم که این مباحثت را ادامه بدهیم و خود شما و دیگران هم صحبت بفرمائید تا اینکه آراء برخورده سالم و سازنده بپند و بیک جمع بندی نهائی برسیم، خود من هم در این زمینه خیلی مطلب دارم که موقع عرض خواهیم کرد، آقای عرب بفرمائید .

عرب— بسم الله الرحمن الرحيم . چنانکه بخواهیم کلیه افراد جهان را از نظر تعلیم و تربیت مطالعه کرده و بشناسیم ، نسل نوپایی هر زمان در هر مکان نمایانگر بدی و خوبی تعلیم و تربیت والدین آنها است . نماینده‌گان هر مجلس و یا شورای هر شرکت، سمت همان والدین را در برابر تعلیم و تربیت فرزند دارند ، اگر فرزند با ادبی را بینیم معیار سنیجهش و تعلیم و تربیت او، والدین او در کانون خانوادگی هستند و اگر یک فرد بی بند و باری را مشاهده کنیم ، او آینه تمام نمای یک والدین بی نظام در زندگی است ، با این تفاوت که بار سنگینی را آقایان نماینده‌گان این مجلس بعهده دارند . قانون اساسی که بیانگذار خط مشی . ۳ درصد نسل حاضر و . ۷ درصد نسلهای آینده است هر قدر نیکوتر و اساس آن محکمتر گردد نمایانگر اعمال



انسانی و نشان دهنده مغزهای تفکر آفرین شخصیتهای والای این مجلس است و هر فرد در بر این تخصصی که دارد مسؤول است. بزرگترین مسئولیت در این مجلس یاد رهی مجلسی دیگر، شامل حال آیات عظام و فقهاء عالی مقام است «اطیعو الله و اطیعو الرسول و اولی الامر منکم» پس در این صورت کارگردانی خود، مهندس در رشته خود، طبیب در رشته خود، ولی فقهائی مسئولیت پیشتری دارند فقهاء فرمان دهنده کل جامعه اند. در هر سؤالهایی هر کجا کاره فرد گیرافتاد، راهنمایان اصلی فقهاء و صلحاء هستند، فقهاء هستند که معلمین جامعه اند و این نهضت را باین جا و به پیروزی نهایی رسانده و می رسانند. چطور به وسیله آیات عظام و چطور به وسیله یک رهبری قاطع و نابغه، انقلابی تاریخی و یک نهضتی بوجود آوردیم که نشان دهنده یک رهبری اصیل و یک ملت فرمانبردار در برای رهبری قاطع است که تاریخ بشری جزئی اکرم و ائمه هدی یک چنین انقلاب و چنین رهبری سراغ ندارد. انقلاب کبیر فرانسه را که مطالعه می کنیم می بینیم پاسکال و ولتر و دیگران چنین انقلابی نکردند و یک چنین افرادی را هم نداشتند که ملتی سرتسلیم در برای رهبری قاطع او سایر آیات عظام فرود بیاورند و طاغوت و طاغوتیان را ازین بپرند، یک نمونه رفتاریک و الدین در برای رفرزند مطالعه کردن عناصر نوپا است. نمونه های دیگر آن در جو و در ارض و در عناصر دیگر نهفته است که زمانی که علم و دانش آنقدر پیش روی بکند که وسائل ضبط صدای ای پراکنده ای که در جو زمین هست پخش کند و دستگاهی بسازد که صدای اهانی که در دل زمین و دیوارها است ضبط و پخش کند، متوجه می شویم که در هر زمان و در هر مکان چه عکس العمل هایی انجام شده است. اگر الان همان دستگاهی که عرض کردم اینجا موجود بود و در دیوار و زمین وجو این مکان مقدس را زیر این دستگاه می گذاشتیم متوجه می شدیم که چه افراد خونخوار و چیاولکرو متباوزی براین کرسی ها نشسته بودند و حقوق افراد ملتی را دستخوش لذائذ خود قرار داده بودند، یکی از این افراد را که بنده کاملاً می شناسم وبا او روبرو شده ام بزرگترین ظالم زمان، سپهبد امیر احمدی بود. افرادی که در باره این فرد ظالم مطالعه کرده اند می دانند او چه شخص ظالمی بود. بطور خلاصه جوهر ای که درسال می خورد بطریق مجانية از رعایت ها می گرفت و در چهار راه حسن آباد یک زمین بسیار بزرگی است که حتماً همه آقایان دیده اند تمام سال او است غیر از ساختمان هایی که در جا های دیگر دارد و بنده نمی دانم و هفت ده دروار می باشد که کلیه مردم را استیمار کرده بود. مباشی بدتر از خودش بنام عباس خان اسدی داشت شاهد عینی دارم که مردم را کور و داغ و زندان می کرد و فحاشی می کرد و اگر بانوان کشاورزان برای نان پختن خمیر درست می کردند خمیر آنان را در انتظار مردم توی تنور می ریخت و رئیس یک خانواده را مورد فحاشی قرار می داد، چنین اشخاصی اینجا نشسته بودند و بنده یک نمونه اش را می شناسم، ولی از آنجائیکه عرض کردم یک بار سنگینی به دوش فرد فرد ما هاست برای سی درصد نسل حاضر و هفتاد درصد نسل آینده که نمایانگر افعال انسانی ما باشد، باید از حقوق هر فرد دفاع کنیم و بیانگر پایمال شدن حقوق هر فردی از افراد جامعه باشیم. آنچه که من در پیش نویس قانون اساسی مطالعه کردم اصلی در باره قانون کار و نظام کارخانجات در آن تدیدم، البته بطور اجمال گفته است باید تبعیض ازین برود و مساوات برقرار شود ولی آن یک چیز کلی است که اگر ما بخواهیم به کلیات پردازیم جزئیات همه می ماند. بنده پیشنهاد می کنم مقررات استخدامی کلیه کارخانجات در سراسر مملکت اعم از ساعت کار و حقوق و مزايا و استخدام و بازنیستگی ویمه با درنظرداشتن شرایط بدی آب و هوا باید زیرچتر و پوشش یک قانون قرار بگیرد. مگرچه فرق است بین شرکت



بافت کار و دخانیات که کارگر دخانیات از مزایای قانون استخدامی کشور برخوردار باشد اما کارکنان شرکت بافت کار روزمزد باشند؟ مگر فرقی بین این کارگر و آن کارگر هست؟ مگر فرقی بین کارگر کارخانجات نساجی و راه آهن هست؟ مگر فرقی بین کلیه کارگران سراسر مملکت با کارگران شرکتهای نفت و پالایشگاهها هست؟

انسانها از نظر صفات باهم تفاوت‌هایی دارند، ولی از نظر حقوق انسانی چه فرقی بین آنها است؟ یک‌فرد فقیه علمش بجای خود محفوظ، یک فرد عامی با یک‌فرد فقیه، یک‌فرد کارگر با یک‌فرد حاکم، یک چوپان با یک وزیر مگر از نظر حقوق انسانی باهم فرقی دارند؟

«وخلقتنا کم من ذکر وانشی» قرآن می‌فرماید چه فرقی بین اینها هست این عمال مزدوران و طفیلی‌ها و ستایشگران اربابان شرقی و غربی که آمدند و این مسائل تفرقه‌زا را بین اقشار کارگر و کشاورز و اصناف دیگر برای چیاولگری خودشان پیاده کردند، اگر این کارها را نمی‌کردند دستهای رزمنده کلیه اقشار از چنگال یکدیگر بیرون نمی‌آمد و آنها پنجاه و چند سال به این ملت اصیل حکومت نافرجام خود را تحمیل نمیکردند.

نایب رئیس — آقای عرب دو دقیقه بیشتر وقت زداید.

عرب — با اینکه خدمتستان عرض کردم کلیه تبعیضات بین قشر کارگر و کارمندان و بین شرکتها از همین رهگذر است که تفرقه میاندازند، آنها یکه از پشت خنجر می‌زنند همه جا و همه وقت در لباس اسلام می‌ایند و به پشت اسلام خنجر می‌زنند ولی بحمد الله با رهبری قاطع امام خمینی و با پیروی اصیل ملتی قدرت آفرین کاخ کیهان خراش طاغوت و طاغوتیان را فرو ریختیم و حکومت قرآنی و اسلامی و لاپیت فقیه را به خواست ذات اقدس پروردگار خصوصاً در جامعه ایران و در جوامع اسلامی عموماً پیاده خواهیم کرد. با عرض تشکر، بنده دیگر عرضی نداشتم.

نایب رئیس — وقت جلسه تمام است دوازده نفر اسمشان در صورت هست آقایان: صافی، هاشمی نژاد، بشارت، خانم گرجی، سبحانی، اشرافی، سید جلال موسوی، سید جلال طاهری، خادمی، نوریخش، نبوی، حائزی یزدی و دکتر روحانی. در صورتیکه فردا صبح آئین نامه داخلی مجلس مطرح شود نوبت این آقابان برای جلسات بعد از تصویب آئین نامه محفوظ خواهد بود.

۳ — پایان جلسه

نایب رئیس — دستور جلسه فردا، بحث درباره آئین نامه داخلی است که گروه منتخب آماده کرده‌اند و بجایست که تکثیر بشود و صبح زود آماده باشد که در اختیار آقایان گذاشته شود که مطالعه بفرمایند.

اسیدوارم خداوند ما را هدایت و ارشاد کند. جلسه را ختم می‌کنیم. جلسه آینده، فردا صبح ساعت ۹ خواهد بود.

(ساعت پیسیت جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه پنجم

صورت مشرح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه در ساعت نه و ده دقیقه روز سی ام مرداد ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و هفتم رمضان المبارک ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آیت الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

فهرست مطالب

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه و اظهار همدردی و تسلیت آقای رئیس از طرف کلیه نمایندگان مجلس خبرگان به مناسبت شهادت فرزند حجۃ الاسلام رحمانی.
- ۲ - بحث درباره آئین نامه داخلی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی...
- ۳ - اعلام تنفس به مدت چهل و پنج دقیقه و تشکیل مجدد جلسه....
- ۴ - پایان جلسه.....

دبيرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱ - اعلام رسمیت جلسه و اظهار همدردی و تسلیت آقای رئیس
از طرف کلیه نمایندگان مجلس خبرگان به مناسبت شهادت فرزند
حجه الاسلام رحمنی

رئیس - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ، بسم الله الرحمن الرحيم .

جلسه رسمی است. حوادث دلخراشی در پاوه و کردستان رخ داده، و بسیاری از برادران پاسدار و غیر پاسدار ما شهید شده‌اند و از جمله شهدا با کمال تأسف فرزند جناب مستطاب حجه الاسلام والمسلمین آقای رحمنی که یکی از منتخبین در همین مجلس‌ست، ایشان هم به درجه شهادت نائل شده‌اند. این ضایعه همه ملت ایران را درسوگ و عزا و فرو برد است و مجلس خبرگان هم از این حوادث متاثر و متتأسف است. انتظار داریم همه ملت ایران برادران و خواهان وظیفه خودشان را انجام بدند مخصوصاً در تهران فردا عصر در مسجد عالی استاد مرحوم مطهری، یعنی همان مسجد سپهسالار سابق، مجلس ختمی برای شهدا است، انتظار داریم همه برادران و خواهانی که قدرت دارند در این مجلس شرکت کنند. مجلس خبرگان هم مراتب تسلیت خودش را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و بمراجع عظام مخصوصاً رهبر عالیقدر انقلاب حضرت آیت الله خمینی و همه ملت ایران و به بازماندگان برادران و خواهان پاوه و سایر نقاط کردستان که عزادارند عرض می‌کند. ضمناً آقایان صدوقي، دستغیب، مشكيني و دكتري روحايی به نمایندگی مجلس خبرگان در این مجلس فاتحه شرکت خواهند کرد و مراتب تسلیت و همدردی نمایندگان مجلس توسط آنان اعلام خواهد شد. اینکه برای شادی روح شهدا تقاضا میکنیم که آقایان یک‌حمد و سه قل هوانه بخوانند.

(در این موقع حضور در مجلس به پا خاستند ویک حمد و سه قل هوانه خوانند)

۲ - بحث درباره آئین نامه داخلی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

رئیس - موضوعی که در دستور جلسه امروز است رسیدگی به آئین نامه مجلس است. آئین نامه‌ای که هیأت دولت و آقایان محترم در شورای انقلاب تنظیم کرده‌اند، و منتشر شده در حقیقت سه قسم است، یک قسمتش اموری است که انجام شده و خواهی نخواهی لازم بود که آنها انجام شود، مانند انتخاب هیأت رئیسه موقت و غیره، اینها کارهایی بود که باید انجام میگرفت که میدانیم انجام هم گرفته است. یک قسم است هم مربوط به انصباط داخلی مجلس و رعایت کردن وقت هنگام شروع و اختتام جلسه و اینطور مسائل است، که ظاهراً احتیاج به رأی گیری ندارد و خواهی نخواهی باید یک نظامنامه‌ای برای حفظ انصباط وجود داشته باشد که آنها هم قابل بحث نبوده است. لذا راجع به آنها هم صحبت نشده است. اما آنچه اهمیت دارد و سبب شد که راجع به آئین نامه‌در مجلس تذکرداده و صحبت شود، راجع به نحوه رسیدگی و بررسی قانون اساسی است که در آن آئین نامه‌ای که آقایان تنظیم کرده بودند،



کمیسیونهای مختلفی در نظر گرفته شده بود و هر کمیسیون به یک قسمت از اصول قانون اساسی رسیدگی میکرد . راجع به این مسأله آقایان اعتراض داشتند و اعتراض بجایی هم بود . بنابراین برحسب وظیفه ای که آقایان محترم بعهده بنده و چهار نفر دیگر از دوستان گذاشتند ، دیروز نشستیم و دست و پاکسته یک چیزی تنظیم کردیم که الان در اختیار آقایان گذاشته شده وحالا من تقاضا میکنم هر کدام از این دوستان جناب آقای مکارم شیرازی و جناب آقای موسوی اردبیلی یا جناب آقای غفوری که داوطلب هستند ، راجع به این اصلاحاتی که ما انجام داده ایم مستدر کاتش را بگوید . اول آقای مکارم داوطلب شده اند . بفرمایید .

مکارم شیرازی - بسم الله الرحمن الرحيم . آئین نامه ای که قبل تنظیم شده بود در اختیار آقایان قرار گرفت ، همانطوری که جناب آقای منتظری فرمودند ، یک قسمت هائی از آن مربوط به اداره جلسات و امور اضباطی و طرز رأی گرفتن وسائلی از این قبیل است . البته روی اینها باید رأی گرفته شود و رأی گرفتن عمومی آنها احتیاج به مقوله زیاد ندارد چون آقایان مطالعه میفرمایند و روی آن یکجا میتوان رأی گرفت . اما دوالي سه قسمت در این آئین نامه بود که عوض شده و تغییر اصولی بپیدا کرده ، بقیه هم اصلاحات عبارتی و یک تغییرات مختصراً است . حالا من تقاضا میکنم به این سه قسمت توجه بفرمایید چون اساس اختلاف در این سه قسمت بود . در آئین نامه قبلی که حالا مورد رسیدگی قرار می گیرد برای برسی مواد و طرز رسیدگی به ۱۵۱ ماده که در ۱۲ فصل تنظیم شده است ، طرز کار این بود که دوازده کمیسیون تشکیل میشد و هر فصلی از این فصول بیک کمیسیون داده میشد . بنابراین اگر بنده مثلا در یک کمیسیون بودم یک فصل معینی ازیش نویس قانون اساسی را مورد برسی قرار می دادم . فصل دوم مال کمیسیون دیگر بود و فصل سوم در کمیسیون دیگر برسی می شد و به این ترتیب همه نمایندگان روی همه فصول برسی نمی کردند ، بلکه هرگروهی روی فصل معینی برسی میکرد و این البته اشکالش روشن است ، برای اینکه ما چگونه می توانیم در حالیکه فقط روی یک یا چند اصل برسی کرده ایم ، روی تمام فصول رأی بدهیم ؟ بنابراین ما باید تمام فصول را برسی کنیم تا روی تمام فصول بتوانیم رأی پخته ای بدهیم . حالا ماهیت این مطلب عوض شد و به این صورت درآمد . البته این آئین نامه عبارتش بايد عوض شود چون هم غلط چاپی دارد و هم غلط از جهت تنظیم مواد دارد و علتی هم این بود که کار یک هفته را مجبور شدیم در یک روز انجام بدهیم . ولی البته محتوای مطلب روشن است ، بنده به اجمال محتوا را عرض میکنم . ما چهار مرحله برای برسی کردن این مواد پیش بینی کرده ایم که این چهار مرحله هر کدامش از دیگری جداست . یعنی اگر آقایان با یک مرحله اش مخالف باشند ، با مرحله دیگر می توانند موافق باشند . حالایکی ، یکی این مراحل مطرح میشود و رأی گرفته میشود . اما مرحله اول ، مرحله برسی نظرات است که هشت کمیسیون تشکیل میشود و آقایان در هشت گروه یا در هشت کمیسیون شرکت میکنند . در مرحله برسی نظرات ، هر کمیسیونی دنبال تخصیص میروند . مثلا بنده اگر تمايل دارم ، در قسمت قوه مقننه میروم ، ویا اگر تمايل ویا تحقیق ویا مطالعاتی در زمینه معینی داشته باشم در کمیسیون مربوط بخود شرکت میکنم و حتی در مورد نظراتی که دیگران داده اند ، اگر لازم شد از بعضی از متخصصین برای شرکت در کمیسیون ها دعوت میشود و بطور کلی هر کس در قسمت تخصصی اش برسی و رسیدگی میکند و نتیجه کار این کمیسیون ها چاپ میشود و در اختیار همه قرارداده میشود . در اینجا همه ، همه مواد را برسی نکرده اند ، بلکه



هریک از هشتگروه، یک فصل را مطابق تخصصشان بررسی کرده‌اند. البته پیشنهادات و نظرات زیادی هم در روزنامه‌ها و هم بوسیله اشخاص رسیده که در دفتر مجلس موجود است و همه آنها طبقه‌بندی شده و آنها هم مطالعه می‌شود. تایین‌جا در واقع افکار عمومی و نظرات صاحب‌نظران و تخصص متخصصین رعایت شده و تنها محدوده افکار ما نخواهد بود، بلکه مابه افکار تمام ملت ایران و صاحب‌نظران احترام گذاشته‌ایم و همه را بررسی کرده و می‌کنیم. این مرحله اول تشکیل کمیسیون‌های مقدماتی برای بررسی نظرات و افکار متخصصین است. خامنه‌ای – جناب مکارم تقاضاشان را بفرما بید.

مکارم شیرازی – این مرحله مقدماتی در ساقی نبوده است ولی الان ما دوسری کمیسیون داریم که عرض می‌کنیم. یکی کمیسیون مقدماتی است که کارش فقط جنبه بررسی نظرات است و کارش بررسی مواد نیست. در این مرحله هرگروهی روی محدوده تخصصش کار می‌کند و نتیجه تمام افکار مبادله می‌شود و در اختیار همه گروه‌ها گذاشته می‌شود. مدت آنهم یک هفته پیش یعنی شده است و تها فایده‌اش این است که تخصص‌ها و افکار عمومی و افکار صاحب‌نظران و نظرات همه گروه‌ها که تابحال به حدود چهارهزار پیشنهاد و نظریه رسیده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مرحله، مرحله مقدماتی است. بعد می‌رسیم به مرحله دوم که مرحله اصلی است. در این مرحله مجموع نمایندگان که ۷۳ نفر هستند به هفت گروه ۰۰ نفری تقسیم می‌شوند. بنابراین هفت کمیسیون خواهیم داشت که در هر کمیسیون دنفر عضویت دارند و سه نفر که از مجموع نمایندگان باقی می‌ماند، این سه نفر برقایمانده، شورای ارتقاطی تشکیل می‌دهند، یعنی در میان گروه‌ها رابط هستند و وظایفی در آئین نامه بعده اینها گذاشته شده است. در این مرحله مثلا هرگروه هر روز بین ۵ تا ۱۰ ماده اول را بررسی و رسیدگی می‌نماید. بدین ترتیب همه گروه‌ها در کمیسیون خودشان، امروز روی آن ۰ یا ۱۰ ماده مطالعه می‌کنند. و فردا همه گروه‌ها روی ۱۰ ماده دوم بررسی و مطالعه می‌کنند، و پس فردا همه گروه‌ها در ۱۰ ماده سوم. به این ترتیب همه نمایندگان همه مواد را بررسی می‌کنند و نتیجه بررسی‌شان بادلیل دریکی یا دو صفحه بطرور شرده و مستختصر وبا اصلی که به جای اصل سابق پیشنهاد یا اصلاح می‌کنند، نوشته می‌شود. به این ترتیب موقع ظهر که جلسه گروه‌ها تمام شد نظرات این هفت گروه تکثیر می‌شود و در اختیار همه قرار می‌گیرد. و ما شب نظرات همه گروه‌ها را در آن ۰ یا ۱۰ ماده مطالعه می‌کنیم و به این طریق طبعاً همه آقایان از نظرات همه آگاه می‌شوند و تفاوت‌هایش هم دیده می‌شود و تحت مطالعه قرار می‌گیرد و فردا بعداز ظهر یعنی یک روز بعد، این مواد در حالی در مجلس عمومی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و به رأی گذاشته می‌شود که ما روز قبلش روی هر کدام جدالگانه در کمیسیون بحث کرده‌ایم و شب نظرات دوستان را نیز مطالعه کرده‌ایم. بنا بر این یک آگاهی همه جانبه‌ای روی تمام مواد داریم و روز بعد که در اینجا مطرح شد از هرگروه یک نفر، یا اگر هم موافق و هم مخالف بود، دونفر، که چون هفت گروه است، هفت تا دو نفر می‌شود چهارده نفر و چهارده تا ۰ دقیقه یا ده دقیقه می‌باشد اینجا بحث می‌کنند و در پایان هم روی اینها رأی گرفته می‌شود. بنابراین با توجه به تذکری که جناب خامنه‌ای دادند، تقاضت این می‌شود که در مرحله دوم که مرحله اصلی است، همه ما همه موادر را یک روز قبل بررسی کرده‌ایم و همه ما شب روی همه نظرات مطالعه کرده‌ایم و فردا از هرگروه یک یا دو نماینده در اینجا بحث می‌کنند و بعد رأی گرفته می‌شود.



بنابراین مرحله اول ، مرحله کمیسیون مقدماتی است که جنبه تخصصی دارد و همه نمایندگان روی همه مواد مطالعه نمیکنند، بلکه هر کس روی مواد مربوط به تخصص خودش بمدت یک هفته کار می کند و بعد مطالعات به مدت یک هفته مبادله می شود و این کار که تمام شد ، مرحله دوم شروع میشود . در این مرحله همه گروهها در روز معینی تعدادی از مواد را مطالعه و بررسی میکنند و نتیجه مطالعاتشان چاپ میشود و عصر همان روز در اختیار همه نمایندگان قرار داده میشود و شب روی آن مطالعه میکنند. و اما مرحله سوم ، طرح در جلسه روز بعد است و اینکه از هر گروهی یک موافق و یک مخالف می توانند صحبت کنند و بعد رأی گرفته میشود .

پس مرحله اول کمیسیون های مقدماتی ، مرحله دوم کمیسیونهای بررسی ، مرحله سوم رأی گیری است . اما یک مرحله چهارم هم هست و آن اینست که سه روز آخر دوره مجلس تخصصی داده میشود به تجدید نظرها و بررسی های مجدد . یعنی ممکن است ما ماده پنجاهم را که بررسی و تصویب کردیم بعدآ متوجه شویم که در این ماده پنجاهم اشکالاتی بوده و آن را تصویب کردایم ، زیرا هرچه روی مواد بجلو میرویم ، یک روشی و آگاهی بیشتری پیدا میکنیم . بنابراین نمی توانیم بگوئیم آن چیزی که در روز اول و دوم و سوم تصویب کردیم این وحی منزل است . چه بسا در روز بیست و پنجم با بررسیهای مواد ، متوجه بشویم که یکی دوتا از آنها احتیاج به تجدید نظر دارد . پس آن سه روز آخر گذاشته شده است برای مواردی که شاید با بررسی های بعدی درپایان ، نظر مجددی برآن پیدا شود . البته اگر در آن سه روز نظر مجددی پیدا نشد ، دیگر بحث و بررسی نمی شود . ولی اگر روی ماده ای تجدید نظر بعمل آمد ، چون همه مواد قبل از بررسی شده اعلام میشود که فقط این ماده باید اصلاح و به رأی گذاشته شود و فقط روی آن رأی گرفته میشود . بنابراین با طی این چهار مرحله هرمساله ای بصورت پخته و مطلوب حل خواهد شد . ملاحظه می فرمائید که این مهتمترین تفاوتی است که بین پیش نویس آئین نامه قبلی و آئین نامه جدید هست . خدمت آفایان این مطلب را هم عرض میکنم که این چهار مرحله به تعییر طلبگی خود ما از قبیل واجبات استقلالی است نه ارتباطی . یعنی همه این مراحل پیوسته نیست زیرا ممکن است آفایان بگویند که کمیسیون مقدماتی را احتیاج نداریم و بهتر است اول سراغ کمیسیون های مرحله دوم که همه مواد را هم بررسی میکنند برویم و یا ممکن است آفایان بفرمایند که آن سه روز آخر لازم نیست .

البته ماد لا یلمان را برای لزوم چهار مرحله عرض کردیم . چون بالاخره ما باید از نظر متخصصین و اینهمه افکار و نظراتی که ملت ایران عرضه کرده اند ، استفاده بگنیم و برای اینکه خدای نکرده توهم انحصار طلبی نشود ، در صورت لزوم از آنان برای اظهار نظراتشان دعوت خواهیم کرد .

منیرالدین حسینی هاشمی—نسبت به پیام مقدس حضرت امام خمینی درباره اینکه اگر در مسائل اسلامی اختلاف نظرهایی پیدا بشود باید نظریه قتها بطور قاطع متع باشد، آیا در این آئین نامه یا آئین نامه ای که هنوز در سطح پیشنهاد است، پیش یینی شده است؟

مکارم شیرازی— راجع به این که فرمودید نظرات آفایان قتها در امور اسلامی باید بطور قاطع متع باشد و در توصیه امام هم آمده است، جز در مرحله اول، ما پیش یینی دیگری در آن نکرده ایم. من فکر میکنم که در همان مرحله استفاده از تخصص ها، بتوانیم مسئله را حل کنیم.



با وجود این آگرآفایان لازم بدانند که افزوده شود «چنانچه در مسائل اسلامی اختلاف نظرهایی پیدا شود، باید نظریه فقهای اسلام متبع باشد» البته اضافه کردن یک چنین ماده‌ای مانع ندارد ولی برای این قبیل کارها جز در کمیسیون‌های مقدماتی چیزی پیش‌بینی نکرده‌ایم. و اما جازه می‌خواهم که دوتفاوت دیگر را که باقیمانده عرض کنم. تفاوت اول درنحوه برسی بود و اما یک تفاوت دیگر هست و آن این است که چه تعداد رأی برای تصویب یک ماده بپایان رسیده جلسات کافی است. در پیش‌نویس نوشته شده بود و در اینجا هم نوشته شده که برای رسیده جلسات دوسرم از مجموع ۷۳ نفر، که می‌شود . ۵ نفر کافیست. ولی ظاهرا ۹ نفر هم برای رسیده جلسات کافی به نظر می‌رسد اما برای تصویب مواد در پیش‌نویس آئین نامه قبلی نوشته شده بود نصف باضافه یک از ۳۸ نفر که ۷ نفر می‌شود. بعضی از دوستان عقیده داشتند چون قانون اساسی است و باید محکم کاری بشود، نصف باضافه یک یعنی ۳۸ نفر برای تصویب کافی نمی‌باشد، بلکه مقیاس تصویب را باید همان دوسرم مجموع نفرات بگیریم یعنی برای تصویب هر ماده . ۰ رأی داشته باشیم. ولی خودم با این موافق نبودم، برای اینکه اگر با . ۰ نفر جلسه را رسمی اعلام بکنیم و بخواهیم یک ماده را تصویب بکنیم باید . ۰ رأی بیاوریم. ولی در غالب روزها نمی‌توانیم . ۰ رأی بیاوریم، آنوقت چه بکنیم؟ بلا تکلیف می‌مانیم. بنابراین اگر برای تصویب مواد به ۳۸ رأی اکتفا و قناعت بکنیم عدد کمی نیست چون مانصف باضافه یک عدد حاضر در جلسه را نمی‌گوئیم بلکه نصف باضافه یک مجموع نمایندگان را می‌گوئیم که ۳۸ نفر می‌شود، ولی خوب بعضی از برادران که در کمیسیون تشریف داشتند، آنها اصرار داشتند که محکم کاری کنند و هر ماده‌ای را که می‌خواهیم تصویب کنیم حداقل . ۰ رأی داشته باشد، ولی من فکر می‌کنم ممکن است عمل مشکلاتی داشته باشد (یکی از نمایندگان— مسلمان اگر . ۵ نفر بشود، خیلی خوب است). واما تفاوت سومی که هست این است که آیا همان ۳۱ روزی که پیش‌بینی کردۀ اند کافیست؟ و اگر ما نتوانستیم قانون اساسی را حتی در ۳۱ روز تصویب کنیم این مدت قابل تمدید است؟ در آئین نامه جدید دوستان مابه اتفاق آراء اینطور تصویب کردند که در صورت نیاز تا ده روز قابل تمدید است یعنی ۳۱ روز باضافه ده روز، البته تمدید مدت به اختیار آفایان است و می‌توانند در باره آن تصمیم بگیرند، مهم تفاوت این سه مطلب است که از اهم موادچهارگانه اول، در زمینه برسی مسائل می‌باشد. (یکنفر از نمایندگان— در آن مرحله اول تخصص احکام از تخصص موضوعات جدا شده است؟) ملاحظه می‌فرمائید که . ۲ فصل پیش‌نویس در ۸ فصل خلاصه شده که روی هر موضوعی میتوان از افراد و صاحب‌نظران استفاده کرد و مانع ندارد. مقیاس الگو است.

یکی از نمایندگان— بالاخره متنی که مورد برسی است، کدام است؟

مکارم شیرازی — حال آفایان بحث می‌کنند که متن پیش‌نویس باشد مطرح شود یا متن‌های دیگری که پیشنهاد شده است؟ در واقع اینجا ما یک متن فرضی ارائه کردیم، که این الگویی بود که عرض کردم.

وئیس— نکته اول که باید به‌آفای مکارم تذکر داده شود، اینست که ایشان رعایت اصطلاح اصل با ماده را بکنند زیرا در قانون اساسی اصطلاح اصل را بکار می‌برند و ماده‌نمی‌گویند. موضوع دیگر اینکه در مرحله اول قهراً هر قسمت به متخصصین رجوع می‌شود که فقها و علماء هم از متخصصین هستند و ما این موضوع را قبل مطرح کردیم. ضمناً بمنه موجه نشدم که آفای مکارم



این موضوع را تذکردادند یا نه که می‌توانیم متخصصین خارج از مجلس را در هر کمیسیون دعوت کنیم، وبا آنها شور بکنیم و استخوان بندی و زیرسازی آن متنی که بناست بعداً در کمیسیونها مورد بحث قرار بگیرد، در همان هفته اول استخوان بندیش تهیه بشود که ضمن این کار ممکن است حتی متن عوض بشود ، که همه اینها باید در همان هفته اول انجام بشود . اصولاً هفته اول ، هفته مقدماتی است برای اینکه تصمیم گرفته شود که استخوان بندی اصول چه جو را باشد . یعنی نوشته هائی که از افراد راجع به قانون اساسی آمده است، بررسی بشود و با متخصصینی که در خارج از مجلس هستند، تماس گرفته شود و از آنها دعوت بشود تا اول استخوان بندی آن متنی را که می‌خواهیم طرح کنیم تهیه بشود که در کمیسیونهای بعدی آنرا ملاک قرار بدهیم . بنابراین بعضی از اعتراضات آقایان وارد نیست . تذکر دیگر اینکه خواهش می‌کنم اگر آقایان نظری دارند ، وقت بگیرند و بیانند صحبت بکنند . برای اینکه اگر بنا بشد همه بخواهند از سرجایشان و بدون ترتیب صحبت بکنند اینجا بصورت مدرسه خواهند شد . بنابراین ضرورت ایجاب می‌کند که قدری هم رعایت مقررات بشود . آقای موسوی اردبیلی بفرمائید .

موسوی اردبیلی – بسم الله الرحمن الرحيم . دیروز در کمیسیون نظر برادران این بود که چون متن خیلی گویانیست ، دو نفر از اعضای کمیسیون توضیحاتی بدنهند . چون بندۀ هم عضو کمیسیون آئین نامه اول بودم و هم عضو کمیسیون این آئین نامه هستم ، در حالی که برادران جناب آقای مکارم توضیحات کافی فرمودند ، من هم عرايضي ميکنم شايد عرايض من کمک کند به اينکه مقداری از مطالبات روشن شود . همه آقایان استحضار دارند که منظور از تشکیل چنین مجلسی ، بررسی مواد قانون اساسی است . در مورد این مواد دیروز هم در کمیسیون صحبت بود و برادرانی که در اینجا متصدی امور مجلس هستند ، گفتند شصت جزو بعنوان پیش‌نویس قانون اساسی به مجلس رسیده است . بنابراین پیشنهادات یکی و دو تا و سه تا نیست . حالا کدامیک از آنها را مباید مطرح کنیم ، این مسئله‌ای است که مثل اینکه آقای مکارم نظرشان این بود که احواله به مرحله بعدی بشود . دراین بررسی‌ها ، یک پیش‌نویس داریم - حالا هرچی می‌خواهد باشد - دراین پیش‌نویس موادی داریم وعلاوه بر آن نظراتی هم داریم که از خارج آمده ، که باز آقایان گفته‌اند در حدود ۴ هزار نظریه هست . نظرات خود آقایان هم هست و ممکن است از متخصصینی هم که در خارج از این مجلس هستند استمداد بشود . برای مجموع این کارها در آئین نامه اول پنج شور تعیین شده بود . سه شور عمومی ، و دو شور در کمیسیون . لیکن در این آئین نامه که دیروز تنظیم شد ، جمعاً چهار شور در نظر گرفته شده که دو شور آن کمیسیونی و دو شور آن عمومی است . در آئین نامه اول هردو شور مربوط به کار کمیسیون تخصصی بود . حالا من اسمش را نمیدانم تخصصی بگذارم یا نه ، بر اساس تقسیم بود . یعنی آقایانی که در کمیسیون‌ها شور می‌کردند ، در هر دو مرحله هر کسی یک مقدار از این فصول هشتگانه را شور می‌کرد ، و در شور عمومی مجلس ، تمام مواد را بررسی می‌کردند .

در آئین نامه‌ای که دیروز برای کار کمیسیون تنظیم شده است ، برای شور کمیسیون اول یک هفته وقت تعیین شده که در عرض این یک هفته هر کمیسیون یکی از فصول را با توجه به نظرات رسیده بررسی می‌کند که از این لحاظ شبیه کمیسیونهای پیشنهادی در آئین نامه اولی



است و باز به همان نحو تخصصی است. در آئین نامه اول، کارکمیسیون در شور دوم اینجور بود که هر کمیسیون وقتی گزارش خودش را داد، در مجلس رسیدگی می‌شد و باز همان مواد برای شور دوم به همان کمیسیون بر می‌گیرد. امادر این آئین نامه اینطور است که وقتی آن کمیسیونها هفتة اول تمام شد، نتیجه مطالعات همه کمیسیونها، در اختیار کمیسیونهای دیگر قرار می‌گیرد، و اسکارکمیسیونهای دوم دیگر تخصصی نیست، بلکه هر کمیسیون مواد را از اول بررسی می‌کند. حالا هر روز بمناسبت آن مواد، ممکن است یک روز یک ماده بررسی شود، ممکن است یک روز پنج ماده بررسی شود. بنابراین در کمیسیونهای دوم همه مواد در همه کمیسیونها بررسی می‌شود. این روح تفاوت مابین آن قسمت آئین نامه اول با آئین نامه دوم بود که به عرض آقایان رسیده. و اما در مورد کمیسیون اول که اسمش کمیسیون مقدماتی است توضیحی عرض کنم. در این کمیسیون چون امکان نداشت که همه مواد را همه آقایان با همه نظرات وارد رسیدگی کنند، طبعاً آنرا همانند همان آئین نامه اول، تخصصی اش کرده‌ایم. و اما برای شور سوم که در این آئین نامه هم هست، سه روز آخر در نظر گرفته شده که احیاناً اگر نظرات جدیدی آورده شد، به آنها رسیدگی شود. پس در آئین نامه فعلی که حالا مطرح است، طبعاً نمایندگان که هفتاد و سه نفر هستند، تقسیم می‌شوند به هشت کمیسیون، و سه نفر هم به رأی مجلس برای رسیدگی به کارهائی که کمیسیونهای دارند، و برای هم‌اهنگی آنها و تقسیم کمیسیونها و تعیین افراد و کارهای دیگران‌انتخاب می‌شوند. اگر این آئین نامه تصویب شود، طبع کار این جو خواهد بود که مثلاً امروز یافردا بعد از تصویب آئین نامه آقایان به هشت کمیسیون تقسیم خواهد شد و از حالا که یک هفتة دیگر ما شور عمومی نداریم هر کس موضوع خود را انتخاب می‌کند، بعد می‌رود در اطاق کمیسیون، نظرات رسیده را می‌گیرد و اگر احیاناً لازم بود متخصصین را از خارج مجلس دعوت می‌کنند و نظر آنها را راجع به آن قسمتی که انتخاب کرده‌اند، می‌خواهند. پس هفتة اول برای تشکیل کمیسیون‌های مقدماتی است و آخر هفتة، همه کمیسیونها نتایج مطالعاتشان را تکثیر کرده و در اختیار همگان قرار میدهدند. هفتة دوم که شروع شد، آن ترکیب کمیسیون هشتگانه بهم می‌خورد و کمیسیون‌های هشتگانه تشکیل می‌گردد. یعنی برای هر کدام از کمیسیونهای هفتگانه ده نفر انتخاب می‌شوند و سه نفر هم بعنوان رابط مشغول تهیه مقدمات کار خواهند شد. هفتة دوم که شروع شد، مواد را از اول به تعیین آن سه نفر و تصدیق و تأیید هیأت رئیسه مجلس در اختیار این کمیسیون‌ها قرار میدهدند. از هفتة دوم هر روز دو جلسه داریم به این ترتیب که پیش از ظهرها جلسات کمیسیونها است و بعد از ظهرها جلسات عمومی مجلس خواهیم داشت. پیش از ظهر هر کمیسیون این مواد را با در نظر گرفتن نتایج کمیسیون مقدماتی مجدداً مورد بررسی قرار میدهدند و ظهر نتایج را تکثیر می‌کنند و در اختیار دیگران می‌گذارند و بعد از ظهر روز بعد، مورد شور عمومی قرار می‌گیرد و تصویب می‌شود و تمام می‌شود. فقط سه روز آخر برای تجدیدنظر خواهد بود. بنابراین روز اول هفتة دوم طبعاً پیش از ظهر کمیسیون‌ها که کارشان را تمام کردند، نتایج کارشان را در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند و چون بعد از ظهر آن روز جلسه عمومی نداریم، نمایندگان آن نتایج را که در جلسه فردا بعد از ظهر در جلسه عمومی مطرح می‌شود، مطالعه می‌کنند. اما از روز دوم هفتة دوم هر روز پیش از ظهر و بعد از ظهر جلسات عمومی داریم. یعنی پیش از ظهر جلسات کمیسیونها است و بعد از ظهر جلسات عمومی است.



البته باید وقت طوری تنظیم بشود که این کارها در مدت یک ماه تمام بشود ولی اگر تمام نشد با تصویب آفایان می توانیم مدت مجلس را تمدید کنیم . توضیح دیگری که می خواستم بد هم این است که البته مدت کمیسیون های مقدماتی یک هفته است . اما هفته دوم که شروع شد، دیگر یک هفته نیست و ممکن است سه الی چهار هفته ادامه پیدا کند، تابعهای لازم انجام شود . فقط هفته اول جلسه عمومی نداریم و از هفته دوم هر روز پیش از ظهرها کمیسیون و بعد از ظهرها جلسات عمومی داریم. اما راجع به اینکه رسیت جلسه با چه تعداد باشد و همچنین این که تصویب اصول با چند رأی باشد که آفای مکارم هم فرمودند، اینها هم یک مسائل مهمی است که دیروز هم در کمیسیون نتوانستیم در این موارد به توافق برسیم. در آئین نامه اول به این معیار حساب شده بود که رسیت جلسه با دو سوم ۷۳ نفر به اضافه یک نفر ، یعنی با ۷۴ نفر باشد و تصویب اصول با نصف مجموع نمایندگان به اضافه یک باشد ، که می شود ۳۸ نفر. البته نظر بعضی از دوستان ابتدا این بود که این تعداد زیاد است و نصف بعلاوه یک عده حاضر در جلسه کافیست . البته مدل اینکه این نظر درست نیست، برای اینکه ممکن است حاضرین در جلسه ۷۴ نفر باشند و نصف باضافه یک ۷۵ نفر می شود ۲۶ نفر ، که چون ۲۶ نفر تعداد کمی هست، کمی موجب ضعف قانون می شود . به این دلیل بنظر رسید که همان نصف بعلاوه یک مجموع نمایندگان باشد. البته در کمیسیون بعضی از رفقا که اکثربت هم با آنها بوده و سه نفر بودند، گفتند که دو سوم از مجموع نمایندگان باشد که تقریباً ۹۴ یا ۷۰ نفر می شود . البته از نظر مستحکم بودن بنظر میرسد هر چه رأی بیشتر باشد مستحکمتر است. اما اینکه عملی هست یا نیست؟ بنظر ما می رسد که عملی نیست. حالا اختیار با آفایان است که هر کدام را خواستید نسبت به آن تصمیم بگیرید و احیاناً ممکن است نظر ثالثی که هیچکدام از اینها هم نباشد، ولی بهتر از اینها باشدمورد نظر آفایان باشد و پیشنهاد بفرمایند.

رئیس — از آفایان خواهش می کنم اگر نظری داشتند وقت بگیرند و بعد بیانند صحبت بفرمایند. موضوع دیگر اینکه از فرمایش آفای موسوی اردبیلی استدراکاتی بنظر می رسد. از جمله اینکه در هفته اول که مربوط به تخصص است، مسئله قبل از ظهر و بعد از ظهر مطرح نیست، زیرا ممکن است آفایان ۷۰ ساعته کار بکنند یعنی هم قبل از ظهر و هم بعد از ظهر و هم شب، چون در حدود ۴ هزار پیشه هاد و در حدود شصت مورد هم طرح های پیشنهادی راجع به قانون اساسی از طرف ملت ایران تا حالا به مجلس رسیده که همه این ها باید مورد بررسی قرار بگیرد و چون دراموری که جنبه تخصصی دارد مثلاً در قضایت با قضات بیرون و در امور فقهی با فقهای بیرون می خواهیم تماش بگیریم، در این یک هفته باید خیلی زیاد کار بکنیم. و اینکه ایشان فرمودند پیش از ظهر کمیسیون دارند و بعد از ظهر راحتند، این جور نیست بلکه ۷۰ ساعته در هفته اول مشغول کار هستند. تذکر دوم اینکه هر وقت آفایان نظری داشتند وقت بگیرند و صحبت بکنند. در غیر این صورت نظم مجلس بهم می خورد.

طاهری — چندتا شور داریم؟

رئیس — چهارتاشور، آفای دکتر شیبانی بفرمایند.

دکتر شیبانی — بسم الله الرحمن الرحيم. در این محضر محترم باید کاری کنیم که مشمول آیه «لم تقولون مالا نتعلون» نشویم. سوران محترم مستحضر هستند که بنده در ولایت فقیه شکی ندارم، ولی خواهش می کنم به نکاتی که عرض می کنم بذل توجه بفرمایند. این بنده که



اینجا صحبت میکنم اگر در مبارزات اخیر سهمی دارم نمیخواهم از نظر اینکه این حکومت جبار و ظالم محمد رضا را تاحدی احساس کرده‌ام خودستائی کنم، بنابراین برای خودم وظیفه میدانم توضیحاتی بدهم تا مباداً دوباره مسائلی و اشکالاتی پیش‌بیاید که تجدید همان‌جور وظلم بشود. نکته‌ای که قابل تذکر است این است که با توجه به اینکه ولايت فقهه را قبول داریم، موقعیکه امام شورای را بنام شورای انقلاب معین میکنند که قوانینی را بررسی بکنند، رأی این شورا متبع است. البته این وظیفه شورا است که از خودش دفاع بکند، ولی توضیحی که من می‌دهم... رئیس — آقای دکتر شیبانی موضوع بحث در اطراف آئین نامه بود. چرا شما سراغ شورای انقلاب رقتید؟

دکتر شیبانی — اجازه بفرمائید. من میخواهم بگوییم آئین نامه‌ای که شورای انقلاب آوردۀ از این آئین نامه بهتر است.

یکی از نماینده‌گان — اگر مطرح می‌شد، مجلس به آن رأی می‌داد.

دکتر شیبانی — درست است که مجلس به آن رأی می‌داد، ولی من میخواهم راجع به آن آئین نامه توضیحی به عرض نماینده‌گان محترم برسانم.

رئیس — اجازه بفرمائید من یک مطلب را بگوییم شاید آقای دکتر شیبانی هم قانون بشنوند. آقایان مطمئن باشند ما آن قانون اساسی را که در آن مسأله ولايت فقهه و مسأله اینکه تمام قوانین براساس کتاب و سنت نباشد، اصلاً اینجا تصویب نخواهیم کرد، بلکه ما یک قانون اساسی تصویب خواهیم کرد که ملاک آن مسأله ولايت فقهه باشد و همچنین اساس حکومت و ولايت، بدست فقهه مجتهد عادل اعلم اتفاقی باشد و وزیریانی تمام قوانین هم کتاب و سنت پیغمبر صل الله علیه وآلہ و ائمہ اطهار خواهد بود. اصلاً اگر پایه یک طرح قانون اساسی براساس این مسائل نباشد، از نظر ما ساقط و بی اعتبار است. این را آقایان مطمئن باشند. (دکتر شیبانی — خیلی متشرکم) ملت ایران که آقایان و علماء را انتخاب کرده‌اند برای اینست که تشخیص داده‌اند علماء در مسائل اسلامی تخصص دارند، بنابراین معلوم می‌شود ملت ایران اسلام را می‌خواهند. اگر هم بفرض کسی بگوید چنین قانون اساسی آخوندی است، بله ما آخوندیم، آخوندی باشد، ولی ما می‌خواهیم صدرصد اسلامی و براساس ولايت فقهه باشد. آقای دکتر شیبانی مطمئن باشید. حالا اگر شما راجع به آئین نامه توضیحی دارید، بفرمائید.

دکتر شیبانی — در آئین نامه‌ای که کمیسیون تدوین کرد، مواجه شدند با این مسأله که می‌بايستی قبل ایک آئین نامه‌ای تدوین می‌شد که همان آئین نامه قبلی است و پذیرفتد که یک مقداری از آن هم اجرا شده است. پس این را می‌پذیریم که باید قبل ایک آئین نامه‌ای تدوین می‌شده. و امادر مورد کمیسیون‌ها همین‌طور که جناب رئیس فرمودند، با توجه به اینکه پیشنهادهای مفصلی رسیده که بررسی آن‌ها وقت زیادی می‌خواهد، خوب لازم بود یک کمیسیون‌ها می‌عنین بشود. و اما موضوع تعداد کمیسیون‌ها که چهارده کمیسیون باشد بهتر است یا هفت کمیسیون. بنظر من هرچه تعداد کمیسیون‌ها بیشتر باشد امکان اینکه سریعتر رسیدگی شود، بیشتر است و این را که می‌گوییم، بگوش خودم از امام شنیدم که فرمودند در تدوین قانون اساسی تسریع بشود. بنابراین بنظر من هرچه تعداد کمیسیون‌ها بیشتر شود بهتر و سریعتر می‌شود رسیدگی کرد. و اینکه بعضی از سوران فرمودند در این صورت ممکن است یک کمیسیون یک چیزی را رسیدگی کند که کمیسیون دیگر خبر نداشته باشد، خیر، این‌طور نیست، کمیسیونی که



يک موضوع را دارد رسيدگي ميكند طبق آئين نامه قبلی، شرکت ساير آفایان در آن کميسيون اشكال ندارد و آفایان هم آنچه را برسی ميكنند بعداً مياورند به مجلس و مجلس ب تمام مواد رسيدگي ميكند. بنده اين تذكريات را دادم برای اينکه ديدم حق آن کسانی که آن آئين نامه را تنظيم کردند، تضبيع شد. چون حداقل باید به آنها اجازه مياديم که بيايد و نظرشان را بگويند که فلسفه تشکيل اين کميسيونها برای چه بود، معهذا برای اينکه ييش ازايin وقت گرفته نشود، پيشنهاد ميكنم که تعداد کميسيونها دو برا بر شود و اعضای آنها بجای دهنر پنج نفر باشند.

رئيس - آفای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای - بسم الله الرحمن الرحيم. من لم يشكِّر المخلوق لم يشكِّر الخالق. عرض کنم که بنده هم در تهيه آئين نامه و نظامنامه قبلی رحمت کشیده بودم. همانطور که آفای دکترشيانى فرمودند و مسلمان حسن نيت داشتند، بلحاظ اينکه صلاحیت اين مجلس هم يك واعظتی است اين مجلس با آن آئين نامه مخالفت کرد و کميسيون دیگری را برای تهيه آئين نامه تعین کرد. اعضای آن کميسيون هم رفتند و باز زحمتی کشیدند و ما تشکير ميکنيم و اميدواريم که خداوند هم تشکر و پراس خودش را عملا به آفایان ابراز کند. ولی در عین حال مانع از اين نیست که چون اين کميسيون منتخبين خودمان هستند، نشود به بعضی از تصريحات آن اعتراض کرد. من چون فرصت مطالعه تمام اين آئين نامه را نداشتمن در آن بخشی که ازنظر کاربرد واژ نظر تأثیر ماهوي ييشتر اهميت ميدهم يعني در شكل آن قانوني که ميخواهد سرنوشت ميليارد ها مسلمان را تعين کند نه ۳ ميليون نفر را، من خيلي تکيه ميكنم روی کميسيون ها، و حجتهايي که اينجا رائنه شد. عرض کنم که اولين نكته اي که بنظر من رسيد اين بود که... آفای رئيس من چقدر وقت دارم؟

رئيس - حدود ده دقيقه.

خامنه‌ای - شايد تكافو نکند. اگر ممکن است وقت ييشترى لطف بفرمائيد.

رئيس - حالا بفرمائيد.

خامنه‌ای - موضوع تخصص را در اينجا بنظر من كامل نوشته اند، زيرا تخصص يعني چيزی که حالت خاص حرفه‌اي و صنفي داشته باشد و دست يك عده‌اي باشد که اينکار را کرده باشند، مقدمه و اصول کلي يك مسأله تخصصي نيست و همه می فهمند. حقوق مردم هم يك مسأله تخصصي نيست و در اسلام هم مشاهده نشده. آن چيزی را هم که اصطلاحاً تخصصي می گويند، مثل حاكمیت ملت و شوراها نیست. حاكمیت ملى که اصلاً تخصصي نیست، البته شوراها راسماً اگر بخواهید متخصصین را بياوريد، باید آنهاي را بياوريد که از دورانهای ممتدی در اين مجلس بوده‌اند والبته آنها هم تجربياتشان فقط در زمينه کارهای اداری مانند استفاده از نظامنامه‌ها و قیام وقوع بوده است و اگر در قوه مجریه متخصص می خواهید، باید از اعضای دولت‌های سابق بياوريد، يعني از آنهاي که قيلاً بوده‌اند. بنابراین اينها تخصص نیست بلکه قوه قضائيه تخصصي هست يا امور مالي که البته ماليه باید گفت، امور ماليه يك علم است زيرا يك رشتهداي از حقوق بنام حقوق ماليه داريم که بحث می کند از فن تدوين و وصول و نگهداري و خرج مالياتها. اما در مورد دين و شوراي نگهبان عرض کنم که دين هم يك مسأله تخصصي نیست، مگر منظور فقاوت باشد. و در اينجا ماننده ايم يين هفت رشته با دين جدائی اند اختيem. يك قسمت از دين مسائل اسلامي و فقاوتی است که تخصصي است



ومربوط می‌شود به ۸۰ درصد آقایان بقیه مسائل اسلامی نوعی تخصص است که بقیه آقایان سر در نمی‌آورند. البته این تخصص درست نیست. معنی تخصص این است که مثلاً وقتی در قانون مینویسید «بیمه رایگان»، چون بیمه اجتماعی یک فن است کسی اگر در رشته بیمه مطالعاتی نداشته باشد، نمی‌تواند درست اظهار نظر کند. یا وقتی می‌گویند «پزشکی رایگان»، در این موضوع باید از نظر آقایان دکترها استفاده کرد که آیا این طرح، درست است یا نه؟ چون میدانیم که پزشکی مجانی خوب است ولی عواقب و تبعاتش هم یک چیزی است که تجربه می‌خواهد. زیرا همه می‌دانیم که اگر مداوای مریض مجانی باشد چطور معالجه می‌کند و اگر پولی باشد چطور معالجه می‌کند. مسئله آموزش و پرورش هم یک امر تخصصی است. بعلاوه از چیزهایی که در پیش‌نویس اولی نبود و من در پیش‌نویس خودم رویش تأکید کردم، یکی این بود که اصلی بگذاریم که دولت موظف باشد چند فقره اقلاب یعنی انقلاب اقتصادی، انقلاب فرهنگی و آموزشی، انقلاب اداری و انقلاب حقوقی و امثال این‌ها را با هم انجام بدهد، زیرا اگر اینها را با هم انجام ندهید فاتحه انقلاب خوانده شده است. برای اینکه مدام که یک علف هرزه ریشه‌اش در باغچه باشد، بزرگ می‌شود و جای آنها دیگر را هم می‌گیرد، و نمی‌گذارد که آفات بآنها برسد. مسئله مالیه و ارتش هم هست. البته جناب آقای منتظری هم فرمودند که در این کمیسیونها از متخصصین خارج از مجلس هم بشرط اینکه در انتخاب آنان رعایت مصالح بشود، دعوت کنند. بنده همه تخصص‌ها را اسم نبردم ولی منظور امام از تخصص قهقهه یک نظر جمعی بود که پیشتر مربوط به احکام است. اما مشکل دیگر اینکه ما اینجا فریاد زدیم و برادران ما هم حدود چهار هزار پیشنهاد بر نقض پیش‌نویس قانون اساسی قبلی فرستاده‌اند که آنها را ندیده گرفته‌اند، یا اینکه فقط قول داده‌اند آن‌ها را مطالعه می‌کنیم و اعمال می‌کنیم و من گفتم مدام که یک قالب صرف جلویمان بگذاریم، این کمال مانع می‌شود که بتوانیم به راست و یا چپ برویم. البته فرض نگیرید که با رفتن آن متن، ما با این متن مخالفیم. راجع به متن قالب و آن پیش‌نویسهای رسیده هم مختارند که مطالعه کنند یا مطالعه نکنند. توضیحی که می‌خواستم عرض کنم این است که برای نوشتن یک قانون چون من خودم یک مقدار در قانون‌نویسی از جهات مختلفش کار کرده‌ام و حدود ۱ سال یعنی از سال ۳۴ نشستم و حقوق اساسی اسلام را استخراج کردم، حالا منظورم این است که فقط انس ذهنی من باعث شد به این سه قسمت اشاره کنم. یکی اینکه قانون یک ماهیت و خمیره و یک ماده اصلی دارد. البته جمهوری اسلامی یک چیز و جمهوری دموکراتیک چیز دیگری را می‌خواهد ولی ممکن است اینها با هم دیگر یک روابطی هم داشته باشند یعنی عام و خاص مطلق باشند و من وجه باشند. دوم مثل اینست که بعد از اینکه خمیر اصلی را به آشپزخانه دادند، بگویند آقا مامی خواهیم روغن اعلا بکار ببریم. یعنی مسئله دوم نحوه ترکیب اینهاست که بنظر من دیگر موضوع ماهیت مطرح نیست. علی ایحال روغن که همان شکل قانونی وجود دارد، ولی باید عرض کنم قانون نویسی باشعار دادن و با سخن گفتن و با کتاب‌نوشتن و محاوره فرق دارد. بهمین دلیل است که خیلی‌ها هستند که بعقیده‌من حسن ظن هم دارند فقط می‌گویند که باید یک نوع جمهوری باشد که آبروی ما حفظ شود. البته اینها آمدهای نیستند که بگویند جمهوری ما اسلامی نباشد بلکه فکر می‌کنم اینها منظورشان این است که شما مواد اسلامی را در قالبی بروزیزد که بدون



اینکه صدیمه‌ای به اصول اسلامی بخورد، به صورتی باشد که مثلاً افرادی به تغییر جناب آقای منتظری نگویند آخوندی است. چون آخوندی یک شکل دارد و یک معنی. معنای آخوندی همان اسلام است که ما فرض می‌کنیم که می‌خواهیم همان کار را بکنیم. و من معتقدم در این زمینه حتی آقایان اقلیت‌ها هم آخوندی فکر می‌کنند. چون این آقایان هم رأی به جمهوری اسلامی دادند و به اینجا آمدند. بنابراین ما وقتی می‌گوئیم آخوندی، اگر منظور تغییر شکل اش باشد، من این را قبول دارم. که البته باید درنوشتن قانون هم رعایت شکل آن بشود تا نگویند که آقایان وارد نبودند که این باز یک تخصص دیگری است. البته در قسمت اول تماماً در تخصص فقه‌ها هست، یعنی آنها هستند که تشخیص می‌دهند چه باید نوشته بشود. البته این نوع تقسیمی را که بنام موضوع و حکم کردند و باید در همه جا ساری باشد، بنده قبول ندارم چون این سریبوط به ماهیت امر است و ماهیت امر دو قسمت دارد که موضوع و حکم است و قبل از حکم باید ببینیم که ما چه می‌خواهیم. باید مطالعه کنیم و ببینیم آیا ما در کشور ایران آنچه را که کشور عراق و افغانستان می‌خواهند می‌خواهیم یا نه؟ البته اشکالی ندارد و منافاتی هم ندارد که در یک کشور اسلامی موضوعات یک چیزی که نیاز به آن نیست نباشد. بنابراین من این را تأکیدمی کنم که در قسمت ماهیت اگر بخواهید موضوعات آزاد باشد، متن پیش‌نویس سابق نمی‌تواند حاکم باشد، برای اینکه در آنجا موضوعات را قبل تعیین کرده است و شما هنگام بررسی در لایحه ۱۵۰ موضوع یا اصل نمی‌تواند یادتان بیايد که فلان موضوع دیگر هم هست، چون قالب بخصوص انسان را محدود می‌کند و من بخصوص تأکیدمی کنم که هیچ چیز نباید ذهن راحت و خالی کسی را که اینجانشته است و می‌خواهد یک موضوعاتی را مطرح کند، با پیشنهاد خاصی منعطفش کنیم. بلکه اول باید تمام موضوعات مورد ضرورت را تعیین کنیم و بعد احکام را معین کنیم و بعد از آن ببینیم که معیار اسلامی، این موضوع را به چه شکل در می‌آورد. تازه این ماهیت امر است. بعد از اینکه ماهیت را مشخص کردند، البته اشکالی ندارد که قسمت اول هم کمیسیونهای داشته باشد و بعد از این کمیسیونها، کمیسیون‌های دیگری تشکیل دهند و آنها را بصورت قانونی دریاورند که باز هم مورد بررسی و تصویب آقایان قرار خواهد گرفت. و بعد از این مرحله یک کمیسیون ادبی - تخصصی هم عبارات را تصحیح کند، چون ادبیات هم یک نوع تخصص است و عبارت نویسی قانون، بسیار مهم است. یکی از حقوقدانان انگلیس بنام «پتنان» می‌گوید کلمات قانون را بالماضی باید وزن کرد. عبارت نویسی قانون سا هم باید طوری باشد که در کاربرد قوانین و در جاییکه می‌خواهد به یک قانون استناد کنند، دونفر از یک لفظ حمال ذو وجوده دونوع برداشت نکنند. امیرالمؤمنین فرمود که استناد نکنید به قرآن که حمال ذو وجوده است. اگر یک لفظی حمال ذو وجوده بود و محمل‌های زیادی داشت، خطرناک است. و بالآخره در قسمت نهانی یک کمیسیون تخصصی - ادبی قانون نویسی، پنشینند و این الفاظ را سبک‌وسنگین کنند. مثلاً یک نفر مخالف بگوید آقا از این کلمه بمنهای استفاده را می‌کنم و دیگری جواب بدهد. در اینجا باید عرض کنم که بهترین مقننین کسانی هستند که هم کلماتشان مفید باشد و هم مقاهم در ذهنشان باشد که بعد از نشینند و بگویند منظور مقنن چه بود. مثلاً اگر ۲۱ سال دیگر برای تفسیر یک ماده مجلسی تشکیل دادند، آن ماده را نتوانند تفسیر کنند به چیزی که شما اراده نکرده‌اید. بنابراین من عقیده‌ام بر این است که باید در تقسیم بندی این سه موضوع را که در طول هم هستند در نظر بگیرند. ترتیب کمیسیون‌ها دیر



نشده، بنابراین، این کمیسیون‌ها باید به یک صورتی باشند که یک بخش مهمش مربوط به ما هیئت باشد، تا نظر آقایان قوهای متخصصین اسلام‌شناس اینجا و بقیه اسلام‌شناسهای غیر متبحر تأثیر شده باشد. مضاراً به اینکه موضوعات مورد نیاز جمهوری اسلامی ایران را قبل تعیین کند تا موضوع احکام قبل در چند کمیسیون مشخص شود و بعد کمیسیون طولی و کمیسیون تدوین تشکیل شود و موضوعات، مورد بررسی قرار بگیرد تا اصلی که یک کمیسیون میدهد با اصلی که کمیسیون دیگر میدهد تعارض نداشته باشد تا بعدها وقتی یک قاضی در دادگستری می‌نشیند و تحقیق می‌کند، نگوید این دو تا با هم معارضند. پس باید سعی کنیم که با هم معارض و یا مکرر نباشد و اگر عام و خاص هست، چرا صراحة را در اینجا بکار نبریم و این استثناهای متصل و منفصل را به هم ارتباط ندهیم؟ پس ما باید یک مقنن محکم کار باشیم و بعد از طی این دو مرحله مسئله لفظی اش هم درست بشود زیرا رأی نهائی آقایان حاکم بر همه این جهات هست. و در ارتباط با فرمایش آفای دکتر شیبانی برادرمان که فرمودند کمیسیونها کارشان با سرعت ارتباط دارد، البته همین طور هم هست. این مراحل را می‌شود به یک صورتی درآورد که تمام کمیسیونها دفعتاً مشغول بررسی قسمت اول بشوند و وقتی قسمت اول تمام شد، مرحله زمانی شروع می‌شود. یعنی دو سوم یا نیمی از وقت اختصاص پیدامی کند به قسمت‌ماهی و قسمت‌شکلی قضیه که به ماهیت اصلاح صدمه نمی‌زند و بنظر می‌رسد مدت کمتری وقت میربد. و در مورد قسمت اصلیش گمان کنم یکی دو روز هم کافی باشد. دیگر عرضی ندارم.

رئیس - خوشوقتم که آقای خامنه‌ای در ضمن صحبت‌شان جواب خودشان را دادند چون فرمودند که کلیات و حقوق ملت و قوه مقتنه و مجریه و اینها متخصص نمی‌خواهد برای اینکه در بعضی امور مثلاً در امور قضائی یک قسم تخصص می‌خواهد، اما در نفس قانون نوشتن، ملاحظه فرموده‌اید یک وقت اگریک «واو» کم وزیاد بشود، ازین‌بین تا آسمان معنی آن تفاوت پیدا می‌کند. ایشان فرمودند ما وقتی خواستیم کلیات را یا قوه مقتنه را یا حقوق ملت را بنویسیم احتیاج به متخصص هست و گفتند که متخصص این قسمت، پس بنابراین همه قسمتها متخصص می‌خواهد.

دکتر بهشتی - من یک تذکر به برادر خودم آقای منتظری دارم و آن اینست که رئیس هم مثل دیگران باید نوبت بگیرد نه اینکه هر موقعی خواست صحبت بکند. (منتظری - تشكر می‌کنم) و دو تذکر دیگر هم دارم، یکی قبل از اینکه پیرامون آئین نامه داخلی بحث‌دامه پیدا کند، یک ربع ساعت بدون هیچگونه صحبت همینجا بنشینیم و همه همکاران آئین نامه داخلی را همین جامطالعه بفرمایند، تا حضور ذهن پیدا کنند و آماده شویم برای اظهار نظر قطعی و رأی‌گیری. والا اگر بخواهد همینطور بحث‌دامه پیدا کند گمان می‌کنم تا پایان ۳ روز فقط آئین نامه را تصویب کنیم. نکته دوم که می‌خواستم بیان کنم ویکی از برادران طی یادداشتی بیان کرده بودند واژ این تداعی خوشحالم، اینست که ما در این انقلاب به برگت عوامل زیادی و در رأس آنها به برگت روشن بینی‌های جامع رهبر انقلاب موفق شدیم میان تحصیل کرده‌های دانشگاهی این جامعه و روحانیت مبارز و میان عموم مردم پیوندی سازنده بوجود بیاوریم. در جلساتی که تاکنون داشته‌ایم گاهی در بیان مطالب عبارت‌هایی بکار رفته که خدای نکرده ممکن است برای تحصیل کرده‌های این جامعه نامطلوب و ناخوش آیند و احیاناً مایوس کننده باشد. آقایان استحضار دارند که یک جامعه نمی‌تواند صرفاً با نیروی توده حرکت کند، بلکه باید میان



توده‌مردم و تحصیل کرده‌های جامعه پیوند استواری باشد. ما در میان خیل عظیم تحصیل کرده‌ها، مردان و زنان با ایمان و مسلمان و معهد و مستشول فراوان داریم، که از نیروی های مؤثر این انقلاب بوده‌اند و هستند و خواهد بود. بنابراین چه در تنظیم محتوای قانون اساسی و اصول آن و چه در روش و برخوردمان و همچنین در نطق‌ها و اظهار نظرهایی که اینجا می‌کنیم، فکر می‌کنیم مسئولیت بزرگی داریم که امید این گروه عظیم را به آینده این انقلاب روز افزون کنیم. به هر حال گردش چرخهای جامعه وقتی به تخصص و فنی بودن میرسد، بدست همین تحصیل کرده‌هاست. و نظرات آنها را هم حتماً می‌گیریم و رعایت می‌کنیم. این تعییری که شد و گفته‌نده بگذارید بگویند قانون اساسی آخوندی است، می‌خواهم این توضیح را بدهم و بگویم، بگذارید بگویند قانون اساسی ما عمومی و اسلامی است. یعنی هم روحانیت و هم تحصیل کرده‌های متدين و معهد و هم عموم مردم ما که نیروی اساسی انقلاب هستند، همه با همدیگر این قانون اساسی را پذیرا بشوند. چون رفراندوم هم در پیش است باید قبول کنیم که اعتبار واقعی یک قانون اساسی به این است که برای اکثریت جامعه، آن هم در قشرهای گوناگون واقعاً مورد قبول قلبی باشد. امیدوارم این نکته‌ای که اخیراً عرض شد در همه بحث‌های آینده مورد عنایت همه دولتان قرار گیرد. یک بحث محوری هم راجع به ولایت فقیه و حدود آن اینجا شد که گمان نمی‌کنم حالاً موقع طرح آن باشد، زیرا ما الان داریم آئین نامه را موردنرسی قرار می‌دهیم. اگر اجازه بفرمایند این بحث محوری را به موقع در یک جلسه مطرح خواهیم کرد و رویش تصمیم نهانی خواهیم گرفت. بنابراین تقاضای بنده اینست که اولاً وقت بدھیم برای مطالعه، ثانیاً بعد از مطالعه صرفاً درباره تنظیم و تصویب آئین نامه بحث کنیم تا زودتر کار را به پایان برسانیم.

۳ - اعلام تنفس به مدت چهل و پنج دقیقه و تشکیل مجدد جلسه

رئیس - الان ساعت ده و نیم است. سه‌ربع ساعت تنفس داده می‌شود و بعد از آن دوباره کارمان را شروع خواهیم کرد. البته در این مدت از دولتان خواهش می‌کنم که آئین نامه را هم مطالعه بفرمایند. (جلسه به عنوان تنفس در ساعت ده و نیم تعطیل گردید و مجددآ ساعت یازده و پیست دقیقه به ریاست آقای متظیری تشکیل شد).

رئیس - جلسه رسمی است. با اینکه جناب آقای بهشتی فرمودند که من باید برای صحبت وقت بگیرم ولی چند نکته را لازم است که بگویم. اگر خواهیم درباره آئین نامه بطور مفصل بحث کنیم بایستی در این باره ۱۰ - ۱۵ روز صحبت کنیم. آقایانی هم که وقت گرفته‌اند، وقت شان محدود است. آقای غفوری هم وقت گرفته‌اند متنها نویشان یک قدری مؤخر افتاده، ولی چون ایشان جزء گروه پنج نفری در کمیسیون بودند اگر آقای کرمی و آقای فاتحی اجازه می‌دهند اول ایشان توضیح بدهند بعد شما صحبت خود را بیان بفرمایند. بنابراین آقای گلزارده غفوری تشریف بیاورند.

دکتر گلزارده غفوری - بسم الله الرحمن الرحيم. «ان الله يامركم ان تؤدوا الامانات... - يا ايها الذين امنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا اماناتكم وانتم تعلمون». این برادر سیار کوچک، می‌اندیشید و فکر می‌کند که دولستان و عزیزان نیز همین‌نظروری اندیشند که وقتی که در این جاسی گذرد متعلق به انسانها است. چون من نمی‌خواهم به تکرار مکرات پردازم فقط به یک تذکرا شاهره می‌کنم که



«فان الذکری تنفع المؤمنین» بنابراین در این مدت چون عقیده‌ام اینست که به حضورت اینجا باید صحبت کرد ، یعنی از واجبات اولی است و تا واجبات توسط کسانی که حرف دارند گفته نشود حتی نوبت به مستحبات هم نماید برسد ، بنابراین کسانیکه مطالبی به تناسب موضوع و نیاز زمان و مسؤولیت شدیدی که دربرابر مردم دارند، حق هستند آن را بیان کنند. یک نامه‌ای هم امروز صبح آمده بود - درست است که اینها تکرار مکرات است، ولی امیدوارم که دیگر تکرار نشود. از این جهت اینها گفته می‌شود که ما مسؤولیت شدید خود را نسبت به مردم احساس بکنیم - یک نفرنوشت بود: من خودم ۳۸ بچه شیرخوار را که گلوله خورده بودند دیدم که زیر خاک گذاشته بودند. به شهیدان عالم اسلام، خدا را سوگندی دهم که به نسل آینده و نسل حاضر توفیق بدهد. بنده سعی می‌کنم یک کلمه بیخودی نگویم، زیرا سخنانی که اینجا گفته می‌شود، نه فقط در صورت جلسات و در تاریخ سیاسی این مملکت، بلکه در حافظه مجموعه عالم ثبت می‌شود . حال می‌خواهیم بدانیم که چه بگوئیم؟ امیدوارم که ماهیت کار یادمان نرود . برادرانه و بسیار بسیار دوستانه تقاضا و تذکرم اینست که یادمان نرود که برای چه کاری انتخاب شده و به این جا آمده‌ایم . من سنه‌نکته داشتم و یک تذکر، البته حاضرین همه احساس مسؤولیت کرده و می‌کنند ولاقل من فکر می‌کنم که هیچکس نه شهوت کلام دارد و نه شهوت صحبت . مسؤولیت شدید است و نکته‌ها را باید با وارتگی ، که از خدا این وارتگی را خواستاریم، بگوئیم واما آن سنه‌نکته : یکی در باره قانون اساسی است ویخصوص وقتی صفت اسلام را برای قانون اساسی می‌اوریم از دیدگاه اسلامی هم باید به آن نگاه کنیم . توجه داریم که قانون اساسی هر مملکت بیانگر سه‌چیز است - عرض کردم توجه داشته باشیم که حتی رفتار و جلوه‌ای که نشست ما بطور کلی دارد ، هم می‌تواند بیانگر اینها باشد. یکی، بیانگر رشد انسانی «ولقد آیننا ابراهیم رشد» که مجموعه پیشنهادات و حرفاهای ما و اصولی که تدوین و تصویب خواهیم کرد، بیانگر رشد ما است.

دوم ، مسأله انسان مطرح است که مصوبین قانون اساسی با کاری که می‌کنند نشان میدهند که انسان در نظر آنها چیست و چه ماهیتی دارد و ارزش انسان در این جامعه چیست. سوم، راملهای کارساز برای نیازهایی که جامعه با آن دست به گریبان است و چیزی که به یک قانون اساسی اعتبار میدهد توجه بهمین راملهای اساسی برای رفع نیازهای انسانی است. رئیس - آقای غفوری توجه داشته باشید صحبتان خارج از موضوع نباشد.

دکتر گلزاره غفوری - دیروز هم نوبت گرفته بودم که در باره قانون اساسی صحبت کنم و این مطالب در ارتباط با آن است. البته سعی می‌کنم که خیلی مختصر صحبت کنم. اما در باره اسلام، این فرصت است تا ما بتوانیم باحتویات غنی اسلامی در مصوباتمان آنرا معرفی کنیم چون ما مسلمانها که دور هم جمع شده‌ایم با آن چهره‌ای که احیاناً از اسلام در اذهان درست کرده‌اند ممکنست یک عکس العمل منفی پیدا شود . ما باید اسلام را برایشان روشن کنیم واز ابهام بیرون بیاوریم و بگوییم اسلام چیست و چه می‌گوید . بنابراین الان وقتی است که همه کسانی که در این خصوص مطالعه دارند و دلسوز اسلام هستند به تناسب تخصص خود اصول کارساز اسلام را اینجا مطرح و بحث کنند تا مردم بفهمند که اسلام مسأله «...کل حزب بمالدیهم فرخون» نیست که بعضی حرفاها می‌زنند. وقتی اسلام می‌گوید «والحق اوسع الاشياء في التواصف ، واصبها في التناصف ، لا يجرى لاحد الا جرى عليه» این دیگر در دنیا کارسازیش



مشخص است. بنابراین باید در باره اسلام و معرفی اسلام و مسؤولیت شدیدی که درباره اسلام داریم و سعه صدوری که باید در میان مسلمین و هبران اسلامی باشد، یک سلسله اصولی ارائه کنیم. البته اینجا برداشت نشود که مسئله گروه‌گرائی است. موضوع دیگر این است که الان یک طرحهای اینجا ارائه شده و همانطور که در قرآن هم این آیه هست «...فیتبعون احسنه...» می‌دانند اتباع احسن فرع برمعرفت و شناخت احسن است. بنابراین مردم این لیاقت و اهليت را بپرادران تشخيص داده‌اند، که اينها بایک بازو به اسلام و با بازوی دیگر به جامعه ونيازهای جامعه متصل هستند و می‌توانند با پرسی مسائلی که هست بخاطر اتباع احسن، تشخيص احسن بدهنند. بنابراین یکی از مسائل این است که زمینه‌سازی برای ارائه مسائل بشود تا ازیان آنها تشخيص احسن داده‌شود. و اما حالا وارد اصل موضوع می‌شویم. طرح این مسائل که بخطاب همان «...فاسلوا اهل الذکران کنتم لاتعلمون» و سایر اصول اسلام سعی شده است. چون ما نمی‌توانیم ادعای کنیم که از هرجهت در اینجا نخبه‌گیری شده و متخصصین درجه یک جمع شده‌اند، اگرچه جمع هستند «...و فوق كل ذی علم علیم» در این طرح که در طرح قبلی نبوده پیش بینی شده که مابتوانیم حتی در کمیسیون ها زانسانهای صالح و بالذیشه دعوت کنیم برای اینکه اصولی که اینجا مطرح می‌شود بتواند حداکثر کمال را داشته باشد. بنابراین از همینجا این دعوت می‌شود و هر مسلمان و هر فرد ایرانی و هر کس در هرجا که هست در حدود صلاحیت انسانی خودش می‌تواند این دعوت عام را اجابت کند و نه فقط حق دارد، بلکه تکلیف دارد عرضه کند و نه فقط دعوت خاصی است، بلکه در هر قسمی «...فاسلوا اهل الذکران کنتم لاتعلمون» در این کمیسیونها باید عمل بشود. این جلسه مال همه است و حق همه مردم است. اسلام هم برای همین ارزش دارد که رضایت عامه و مصالح عامه را بر رضایت خاصه و مسائل خاصه ترجیح می‌دهد. اسلام برای این اهمیت دارد که می‌گوید «جلس لهم مجلساً عاماً...» حتی یکلمک متکلمهم غیر ممتع...» نهج البلاغه—بنابراین برای بیان ارزش‌های اسلامی باید نظرات یک عده‌ای که در این مسائل صاحب نظر هستند ارائه بشود. و از جمله چیزهای دیگری که در این طرح جدید هست همان مسئله آراء معتبر است. بعضی‌ها فکر می‌کنند که ما الان در یک فرسنمازوری قرار گرفته‌ایم که باید قانون اساسی را زود بگذرانیم. من می‌خواستم پیشنهاد بکنم این مسئله «زود بگذرانیم» را چرا بگذرانیم؟ در قانون اساسی سابق این مملکت، که دو متن دارد اول نشستند یک نظامنامه‌ای نوشته‌اند، دیدند هیچ محظوا ندارد. بعد به فاصله یکسال متمم‌ش را نوشته و دوستان می‌دانند که قوانین اساسی سایر جاهای حتی پنج متن دارد. یعنی ما باید دنبال خوب کار کردن باشیم، نه فقط زود کار کردن. اگر اینا توانتیم، خوب کار کردن و زود کار کردن را جمع می‌کنیم. اجازه بفرمائید فعل مرحله اولش بگذرد بعد که این جامعه آرامش بیشتری پیدا کرد، مطالب مورد نیازه، بیشتر مورد بحث و مذاقه قرار خواهد گرفت. پس بجزی نباشد که از اعتبار لازم که حکومت بر دلها است، برخوردار نشود و خدای نخواسته در یک محیط کم و بیش احساساتی مطالبی گفته شود. زیرا اعتبار قانون وقتی است که جا بیقتد و در اجرا به اشکال برخورد. و اما مسئله دیگر، چون بعضی از دوستان آمدند و بیان کردند که تمام اصول قانون اساسی در هشت قسمت تنظیم شده است و در صحبت بعضی از دوستانمان هم قبل از چیزی بود که نشان می‌داد خلاصه گوئی مورد نظر بوده است خوب، در نتیجه بعضی مسائل روشن نیست. مثل اینکه فرمودند دین که در قسمت هشتم هست، متخصصین



خاصی دارد که مقصودشان اصول مربوط به دین رسمی و شورای نگهبان بود، نه اینکه بگوئیم دین یک متخصصی لازم دارد و بعد بعضی از دوستان آمدند و گفتند که جای فرهنگ در این پیش نویس کجاست؟ این است که من فکر کرم اگر محبت کنید و چند دقیقه به توضیح این هشت قسمت توجه بفرمایید که هر کسی خواست موضوع و فصلی را برای بررسی انتخاب کند، چون مثل اینکه گفته نشد که یک لیست داده می شود و هر کسی سه تا از این موضوعاتی را که مورد علاقه اش هست و خودش را در آن صاحب نظر و مسؤول می داند، انتخاب کند و زحمت کشیده، بررسی و تدقیق کند و یاورد. همان طور که در آن آیه از سوره شورا آمده است... و ابرهم شوری یعنیم و ما رزقا هم ینتفون» بعد از مشورت با آنها هرچه دارید به این جامعه ای که منتظر هستند، در طبق اخلاص تقدیم بکنید. این است که من مختصرآ به این هشت قسمت یک اشاره ای می کنم و باز آن تذکر آخرم را هم اینجا علی العساب بیهدم، که هیچ ایائی هم نداشته باشیم که به متهم و مذاکرات بعدی احتیاج داشته باشد. ولی باید کاری را که میکنیم خوب بکنیم. تقاضای من از قوها و زحمت کشیده های اسلامی اینست که پنج اصلی که مربوط به تشکیل دولت است مستند اسلامی باشد، که وقتی می گویند جمهوری اسلامی، معلوم بشود که اسلام چه می گوید. البته خود ما هم تعدادی تهیه کرده ایم اما مسائلی که بحث بیشتری لازم دارد هیچ اشکالی ندارد که فعلاً جایش خالی باشد. ما که نمی خواهیم ادعا بکنیم که همه چیز را ما می دانیم و می خواهیم یک چیزی برای همیشه مثل قرآن بنویسیم، چون خود قرآن که هست، بنابراین باید سعی کنیم خوب بودن را به زود بودن ترجیح بدیم. خلاصه در برابر نسل آینده مامسؤولیت داریم و بالاتر از همه در برابر خدا و رسول مسؤول هستیم. و اما قسمت اول از این هشت قسمت راجع به مقدمه، کسانی که در خودشان اهلیت می بینند که بتوانند یک تابلوی صحیحی از وضع قبل از این جریانات و علل و انگیزه های این جریان ترسیم بکنند، بررسی بفرمایند و بعد اصول کلی، که اصول مستند و پایه است یعنی هم اصول قانون مبتنی بر آن است و هم در تفسیرهایی که بعد از قانون می شود، اینها پایه اصلی خواهد بود. همانطور که گفتم وقتی می گوئیم «لایجری لاحدها» دیگر مثل سابق یک نفر نمی تواند بیاید و بگوید من رئیس کل قوا سه گانه و رئیس قوه مجریه و همه اینها هستم و از مسؤولیت هم مبرا هستم. ما باید بدنیا مفهوم «لایجری لاحدها» علیه و بیست تاذیر این را بفهمانیم. پس اصول کلی و همچنین اصول مورد نیاز باید کارساز باشد یعنی چیزی که ملت را رنج میدهد و میلیونها نفر منتظر هستند، بتواند که این رنج را از دوششان بردارد، نه یک مشت حرف و اصطلاحات و لفظ به آنها ارائه دهیم. اینجا هر دقیقه اش ۷۳ میلیون، بلکه میلیارد ها دقیقه است. بنابراین اگر این دقایق را بی خودی از دست بدیم، خیانت محاسب می شود و تقاضای عاجزانه من این است که سعی کنیم اصول برادری در اینجا کاملاً رعایت بشود که «کونوا دعا الناس بغیر السنتكم». پس اصول کلی، شامل اصول کلی اسلامی و نیازهای اساسی می شود، و خواهش من از قهای بزرگ این است که مسئولیتشان را اینجا اینطور انجام بدهنند. زیرا مسأله اجتهاد زنده همین است که اصول مستند اسلامی را که هم می تواند پایه قوانین باشد و هم راهنمای تفاسیر بعدی، همانطور که گفته شد از کتاب و سنت، نه از خود، و حتی بدون هیچ گونه تفسیر، برای اینکه آیندگان که خواهند آمد و اسلام را بهتر از ما خواهند شناخت یک جوری بیان بکنیم که اسلام در کنار حزبهای دیگر بتواند معرفی بشود و نگویند حالا باد به بیر قش می خورد، چون اسلام دین انسانها است، دین خداست.



این شرافتی است و سعادتی که بعد از چهارده قرن نصیب ماشده پس ما باید بیانگر اسلام باشیم. برای این منظور مقدمه و اصول کلی را اهل تخصص در اسلام و کسانی که یک مقدار تاریخچه تحولات آنرا می‌دانند، میتوانند انتخاب کنند. اما در مسأله حاکمیت ملی و شوراهای نظرهای متعددی رسیده که باید به اینها احترام گذاشت و همه آنها را دید و رسیدگی کرد. من روی آن... فیتبعون احسنه... تأکید می‌کنم و حتی شرط بندگی خدا این است «فسر عبادالذین یستعمون القول فیتبعون احسنه» باید اهليت تشخيص احسن را داشته باشيم. بنابراین خيال نشود که وقتی اين متون و اين عنوانين اينجا است ماملزم هستيم که در اين چهارچوب فكر كنيم. يكى از برادران مسأله ماهليت وشكلا را تذكيردادند همينطور است، در هر قسمت اول ما هليت مسائل مشخص ميشود، بعد شكل دادن به آنها و اين كار بوسيله افراد بسيار خبره اى که داراي اهليت هستند ويراي كميسيون انتخاب مى شوند، انجام مى گردد. پس در حاكميت ملی لازم نیست که ما ريزه خوار اسطو باشيم که می گويد قضائي، مجريء، مقتنه که فعل از ارزش افتاده است. منتها کسی نیست که اين سد را بشكند. من آرزومندم که اين سد در اينجا بنام اسلام شکسته بشود. من هم طرحی دارم درمورد هشت سورائی که باید تشکيل بشود، ودخلات نieroهای مردم که با سرنوشتستان سروکار دارد، و به عقيدة من قوه مجريء را اينقدر قوي کردن که بعد نتوانيم اختياراتش را كاهاش دهيم، صحيح نیست. به هر حال من می خواستم اين شبهه رفع بشود و فرض نشود که ما عاشق همین متن حاضر هستيم و فقط يك مقدار از کلمات را می خواهيم اضافه ياكم کنیم، خير، شما كه اينجا نشسته ايد اختيار تام داريد هر طور که صلاح خدا و صلاح انسان هاست ، متن را اصلاح و عرضه کنيد به جامعه ... و ما رزقاهم ینتفعون « اين است که حاكميت ملی و شوراهای کناوش گذاشته شده است. قوه مقتنه صرفاً يك اصطلاحی است که نه اصطلاحش صحيح است ونه در اين طرحی که مداريم می تواند کارساز باشد. يعني به آن صورت و قالبهایی که داشتند که يك نفر بيايد اينجا، چهار سال اختيار تام داشته باشد، خير اينها نیست. اين مثل امين و وکيل لحظه به لحظه است. اينها اصول اسلامي است که در اينجا باید تدوين بشود و هر کسی که در زينه مقتنه و قانونگذاري مطالعاتي دارد، می تواند در اين قسمت نظراتش را ابراز و اعمال کند. قوه مجريء هم شامل بسياري از مسائل است که تحت عنوان ارتش، رسانه هاي گروهي و ايها ذكر شده و با يابد باز اين سد را بشكيم. مسأله شوراهاؤ آنچه را که در سرنوشت مردم دخلات دارد، در قوه مجريء باید رعایت کنیم. مخصوصاً ميليون بجهه درامر آموزش و فرهنگ اسirيک برنامه ريز که يك چوري فته و در مقام برنامه ريز نشسته است ، نشوند. نسل جديد هميشه باید جلو تر از مردم باشد. برنامه ريز باید آفرینندگی داشته و حتماً مردمي باشد. پس قوه مجريء معنى اش اين نیست که رئيس جمهوري را بگيرد و يا الله اختيار تام دستش بدھيد. مسائل فرهنگي و تربیتی و مسائل نظامي و جان مردم نمی تواند که تحت نظر يك فريباشد. اما مسائل مالي و مخصوصاً منابع طبیعی و ثروتهايی که عمومی هست نمی تواند تحت لوای قوه مجريء باشد، اگر چه مردم دخلات مستقیم در انتخابش داشته باشند. عرض کردم نمی خواهيم وارد ماهيتش بشوم ، خواستم کسی که اين قسمت را انتخاب ميکند با توجه به اهميت موضوع بداند که چه مسئوليتي رامي پذيرد. مسأله ديگر موضوع قوه قضائيه و ديوان داوری است که در اسلام يكى از اصول مهم و اساسی است، که متأسفانه در اين پيش نويس ذبح شده و مسأله قضاء را که تکيه گاه اسلام است ، همه اش گفته اند به تظلمات رسیدگي کند . فکر می کنم همه دوستان از اسلام باخبر هستند و



می دانند اصلش مسئله مسئولیت قضایی، مسئله احیاء حقوق و آگاهی بخشیدن به حقوقهای ناشناخته جامعه است، و بعد هم اگر به حقوقهای شناخته شده تجاوزشد، جلوگیری می شود. این است که در این مورد اهلیت می خواهد و خواسته شده که از افراد صاحب اهلیت در این کمیسیونها دعوت بشود تا یک چیز کارسازی انجام بگیرد. مفهوم «نشستند و گفتند و برخاستند» پی مصلحت مجلس آراستند» این از منطق همه ما بدور است. بنابراین مسئله امور مالی و اقتصادی هم همانطور که می دانیم «منبقاء الاسلام وبقاء المسلمين ان تصیر الاموال عند من يعرف فيه الحق و يصنع فيه المعرفة» تابحال حتی نگذاشتند سربقاء و فنا را ما بفهمیم. اینها مسئله اساسی است و جامعه با حرف درست نمی شود، بلکه باید قانون کار ساز باشد تا میشکلی ازدواشان برداشته بشود و اصر و اغلال زمان شناخته بشود، و بوسیله قانون کار ساز باشد تا میشکلی ازدواشان برداشته بشود و دین را هم همانطور که گفته ایم در ماهیت آن بحث نمی کنیم بلکه مسئله همان اصل پنجم و سوم است که فصل دین و مذهب و بعد شورای نگهبان است. اینها بطرخالصه توضیحاتی بود که بنظرم رسید، اما بعضی از مواد در متن قبلی بود که عرض می کنم. پارلمان از پارله است، پارله یعنی حرف بزن. ما اینجا نشسته ایم که حرف بزنیم یکی حرف میزند، یکی هم تندمیشود، آن دیگری کند میشود، یک ماده ای در آئین نامه هست که اگر نمایندگان بهم ناسزاگفتند و یا بهم فحش دادند، فلان... من تصویرمی کنم که در شان این جلسه نیست زیرا اینجا مسئله برادری و همکاری است و بهتر است اینجور مواد حذف شود. ویا بعنوان مجازات غائبین عرض کنم ما برای چه اینجا آمدیم؟ مسئولیت انسانیت ما را به اینجا کشانید. ضمن تشکر بسیار زیاد از کسانی که رحمت تدوین این آئین نامه را کشیده اند، یکی از مواد آئین نامه قبلی این بود که اگر یک نفر یک جلسه نیامد، یک جلسه دیگر هم از حق رأی محروم است، مثل این میشود که آدم و قتل پول تلقن رانداد، تلقن را قطع می کنند. با پاداریده همه مردمی که حق دارند به این شماره تلقن کنندظم می کنند. او پول داده که بتواند با این شماره و تماس بگیرد حالا اینجا یک نفر غائب شده و یک جلسه رأی نداده، ما این را به انسانیت و وجود انسان و مسئولیت دوستان گذاشتم که شرعاً لازم باشیم. اما در مورد این که اگر کسی پنج جلسه، ده جلسه نیامد جایش را به دیگری بدهد که بتواند بیايدو کار بکند. باید توجه داشته باشیم که مسئله اسم مطرح نیست. من دیگر مطالبیم را تمام می کنم و خواهش میکنم که برادر گرامی مان اگر توضیحات بیشتری داردند، بفرمایند و با عرض معدتر با این که مسائل بسیار زیادی در ماهیت بحث هست عنداقتضاء در حدود ضرورت گفتم که نوبت دیگران را هم رعایت کنیم، تا اگر کسی حرفي دارد حتماً عرضه کند. امیدوارم همانطور که من آرزو کردم خدا به ما توفيق بدهد که نشست ما نشست انسانی و اسلامی و دارای آرمانهای خدا پسندانه و انسان دوستانه باشد.

وئیس — نماینده ارامنه فرموده اند که در خارج از مجلس منعکس کرده اند، نمایندگان اقلیت های مذهبی حق ندارند جز در آن مسائلی که مربوط به اقلیتها است اظهار نظر کنند. عرض می کنم که چنین نیست چون آرمان هم جزو مجلس خبرگان هستند. بنابراین در مسائلی که مطرح میشود، نمایندگان رترشی ها — کلیمی ها — ارامنه — آشوریها اگر نظری داشته باشند، مثل سایر اعضاء مجلس خبرگان حق دارند وقت بگیرند و صحبت کنند و هیچ تفاوتی نیست. زیرا این حق عمومی است و انتخابشان در مجلس خبرگان هم، به همین خاطر است. آقای فاتحی تشریف بیاورید راجع به آئین نامه صحبت بفرمایید.



فاتحی — بسم الله الرحمن الرحيم. راجع به آئین نامه عرض کنم که اول باید موضوع روش نظر موضوع تقسیم‌بندی بشود. چون نمیدانیم الان کدام یک از پیش‌نویس‌ها معتبر است و بعد از است، من نمیدانم روی کدام پیش‌نویس این هشت گروه تعیین شده است.

رئیس — آقای کرمی راجع به آئین نامه صحبت بفرمائید.

کرمی — بسم الله الرحمن الرحيم. بنده خاطر همکاران محترم را استحضار میدهم که این حرفها خارج از صلب موضوع است. دیگریس است. مامعتقد‌م که کلیه مواد باید از چهارچوب فقه اسلامی خارج بشود. حضرات فقهای متبحر با کمال سهولت مواد مذکور را معروف ابواب فقه‌ها می‌نمایند و آنچه قابل انطباق است، ثبیت و آنچه قابل انطباق نیست نفی می‌کنند، اگرچه مرغوب بیشتر دیگر افراد عالم هم باشد. متأسفانه کلمه فقه و فقهی و روحانی در اذهان مردم در یک مسیرهای خاصی رفته که بسیار اشتباه است. مردم خیال می‌کنند فقه فقط و فقط از تیم و وضو و غسل جنابت صحبت می‌کند، حال اینکه اگر اینها متون فقهی و حدائق رساله علامه حلی را نگاه بکنند، می‌بینند این فقه در چهار بیع تقسیم شده یک ربع در عبادات است و سه ربع دیگر را که عقود و ایقاعات و احکام و سیاست هست، اینها در ارتباط به کلیه حرکات و سکنات بشری است. فقهای ما از همان زبان محمد بن عبدالله (ص) تا حال این موضوعات را از حیث ملاکات فقه‌آكاملاً روشن ساخته‌اند و الان آن ملاک را روی عمامه و عبا می‌خواهیم تطبیقش بدهیم و یک مرتبه هم روی کت و دامن می‌خواهیم تطبیقشان بدهیم، پس در ملاک خدشہ‌ای نیست، ملاک کوتاهی ندارد. این آفایانی که خارج از مدرسه علوم قدیمه زیست و زندگی کرده‌اند، این اتهام را می‌بندند که این فقه مواردی است متحجر، کشش ندارد، انطباق ندارد. نخیر کشش دارد، اما کشش آن در چهارچوب حق است، نه کشش در پهناور می‌مول و عواطف و احساسات. این مردم می‌خواهند که شهواتشان و می‌ولشان تأمین بشود و عواطفشان هم تحکیم بشود. یعنی آن ماجراهایی که در دنیا هست باستی در اینجا هم تحکیم بشود، نه، اینطور نمی‌شود. من در مورد این قوانین اسلامی قول میدهم و خودم را هم مورد مناظره قرار میدهم که اگر انسان متعدد است و حیثیت بشر را در نظر می‌گیرد و می‌خواهد برخودش تطبیق بکند، این فقه اسلامی کفاف حیات و ممات او هست. هر کجا که کوتاهی دارد بگوئید ما یا حاکمیت می‌شویم یا محاکومش می‌شویم. پس ما اول باید برویم دنبال شالوده این مواد و اما زر و زیور به او دادن و اینکه کیفیت فهرستش و تبویضش چطور باید باشد، این موضوعات قشری است. البته این قشور هم ارزش خودش را دارد. نمی‌گوئیم ندارد، مثلاً همین جواهرالکلامی را که چاپهای سنگی در سه جلد چاپ کرده‌اند، با این جواهرالکلامی که در ۵ جلد می‌خواهند به پایان برسانند، فرق نمی‌کند البته در مقام جلوه دادن صحیح است. الان باید آفایان وارد موضوع خود مواد و خود خمیره‌ای که باید در قالب گذاشته بشود، بشوند. دیگر آنقدر کشش دادن و آنقدر موقعه کردن لزومی ندارد. آقای غفوری، مردم که از فقه ناله ندارند، در مقام تطبیق قوانین ناله دارند. موضوعی را که می‌خواهم عنوان یک مسلمان و طبله علوم دینی عرض کنم، این است که بعضی هامگویند، قوانین مترقی. مواطبه باشید، تحت عنوان مترقی چیزهایی نگذارید که فقه اسلامی ازین بود و مترقی از حیث صورتش باشد. مترقی باشد اما موادش باید مطابق فقه اسلامی باشد. بیشتر از این مزاحم



اوقات آقایان نمیشوم.

رئیس — آقای حسینی هاشمی بفرمائید.

حسینی هاشمی — بسم الله الرحمن الرحيم. عرضی که من داشتم و رویش تأکید داشتم این بود که دراجرای پیام امام درافتتاح مجلس نسبت به نظر فقهاء در تصویب مصوبات مجلس قانونگذاری بنظرمی‌آید، که در آئین نامه ابدأ ذکری از آن نشده است. بیانی که جناب آقای مکارم فرمودند، درباره اینکه کمیسیونها این مطلب را رعایت خواهند کرد. کمیسیونها عملشان درسطح پیشنهاد است و مرحله پیشنهاد طیعتاً تا مرحله قانونگذاری و مرحله و تو داشتن خیلی فاصله دارد. البته برای اینکه مشخص بشود که چه کسانی می‌توانند عهددار اجرای یکامری باشند، در آئین نامه‌ای که متد و روش قانونگذاری را در این مجلس تعیین می‌کند، یک پیشنهاد خودمن دارم و آن اینکه یک هیأتی منتخب بشود از خود آقایان در تعیین حکم و یک هیأتی در تعیین موضوع و این دو هیأت در خارج از مجلس پیشنهاداتی که هست با مقدمات مفصل بهشان گفته بشود و صحبت بشود تا کسی که می‌خواهد اینجا صحبت بکند، چنانچه وارد مقدمه‌ای لازم برای تبیین یک موضوع شد بعنوان خارج از موضوع بودن آن مقدمه قطع نشد و آن کمیسیون موضوع شناس تشخیص بدهد که این فرضًا برای موضوع حقوقی لازم است، یافرضاً برای موضوع اقتصادی یا نظایرش.

رئیس — آقایانی که تقاضای نویت کرده‌اند که راجع به آئین نامه صحبت کنند، بترتیب عبارتند از آقایان : دکتر ضیائی — دکتر قائمی — موسوی تبریزی — آیت — سبحانی — عضدی — سید محمدعلی جزایری — مولوی عبدالعزیز — یزدی ، البته آقای یزدی پیشنهاد کفایت مذاکرات داده‌اند که اول این پیشنهاد رایه رأی می‌گذاریم. کسانی که موافق با کفایت مذاکرات هستند، قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. حالا چهار، پنج ماده هست که نسبت به اینها باید رأی گرفته بشود. یکی اینکه آیا این کمیسیون مقدماتی هفتاد اول را که بمنظور رسیدگی به پیشنهادهای است که اشخاص داده‌اند و مشورت با متخصصین خارج از مجلس و تنظیم زیرینا و اسکات اصولی است که باید در مجلس مطرح بشود، آیا این کمیسیون مقدماتی را که در حقیقت مربوط به متخصصین است می‌خواهیم یانه؟ این یک موضوع است که باید نسبت به آن رأی بگیریم. موضوع دوم اینکه کار کمیسیونهای بعدی آیا اینجور باشد، که همه اصول در همه کمیسیونها مطرح بشود؟ یا بین همه کمیسیونها تقسیم بشود؟ موضوع آخرهم اینکه آیا آن سه روز آخر را برای رسیدگی و شور نهایی لازم داریم یانه؟ موضوع دیگری که نسبت به آن رأی می‌گیریم، این است که مجلس رسمیتش با دو سوم نمایندگان است و آیا به اصول قانون اساسی که می‌خواهیم رأی بگیریم، دو سوم حاضرین را می‌زان عمل قرار بدهیم، یا نصف بعلاوه یک را ملاک قرار بدهیم و یا دو سوم همه نمایندگان را؟ یعنی چون قانون اساسی مهم است، برای هر اصلی پنجاه نفر باید رأی بدهند یا دو سوم همه نمایندگان؟ اینهم یک موضوعی است که بایستی نسبت به آن رأی گرفته بشود. حالا به ترتیب شروع می‌کنیم به رأی گیری. کسانی که با کمیسیونهای مقدماتی متخصصی موافقند، بلندشوند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. حالا رأی می‌گیریم به اینکه آیا به مدت یک هفته باشد یا بیشتر. هر کس با یک هفته موافق است بلندشود. (اکثر برخاستند) تصویب شد. موضوع دیگری را که به رأی می‌گذاریم، این است که همه اصول در تمام کمیسیونها مطرح بشود، یا اینکه اصول تقسیم بشود بین کمیسیونها؟



کسانی که موافق هستند که همه اصول در همه کمیسیونها مطرح بشود ، بلند شوند . (اکثر برخاستند) تصویب شد . حالا کسانی که موافق هستند مهندس فر کارشناس بصیر بعنوان رابط کمیسیونها با رأی مجلس انتخاب شوند، بلند شوند (اکثر برخاستند) تصویب شد . حالا رأی می گیریم به آن سه روزی که در ماده پیشتر و دوم ذکر شده است که بلافاصله بعداز پایان کار جلسات عمومی برای جلسات دیگری که احیاناً در این جلسات بتوانند اصولی را که لازم الاصلاح نمیدانند، اصلاح کنند، نمایندگانی که موافقند آن سه روز لازم است بلند شوند . (اکثر برخاستند) تصویب شد .

۴ - پایان جلسه

رئيس - موضوع دیگر مربوط به ماده هفتم است که بینیم اخذ تصمیم در اصول قانون اساسی با چند رأی معتبر است . که این مطلب را چون وقت تمام است، به ساعت پنج بعد از ظهر موکول میکنیم . (جلسه ساعت سیزده ختم شد) .

رئيس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی - حسینعلی منتظری



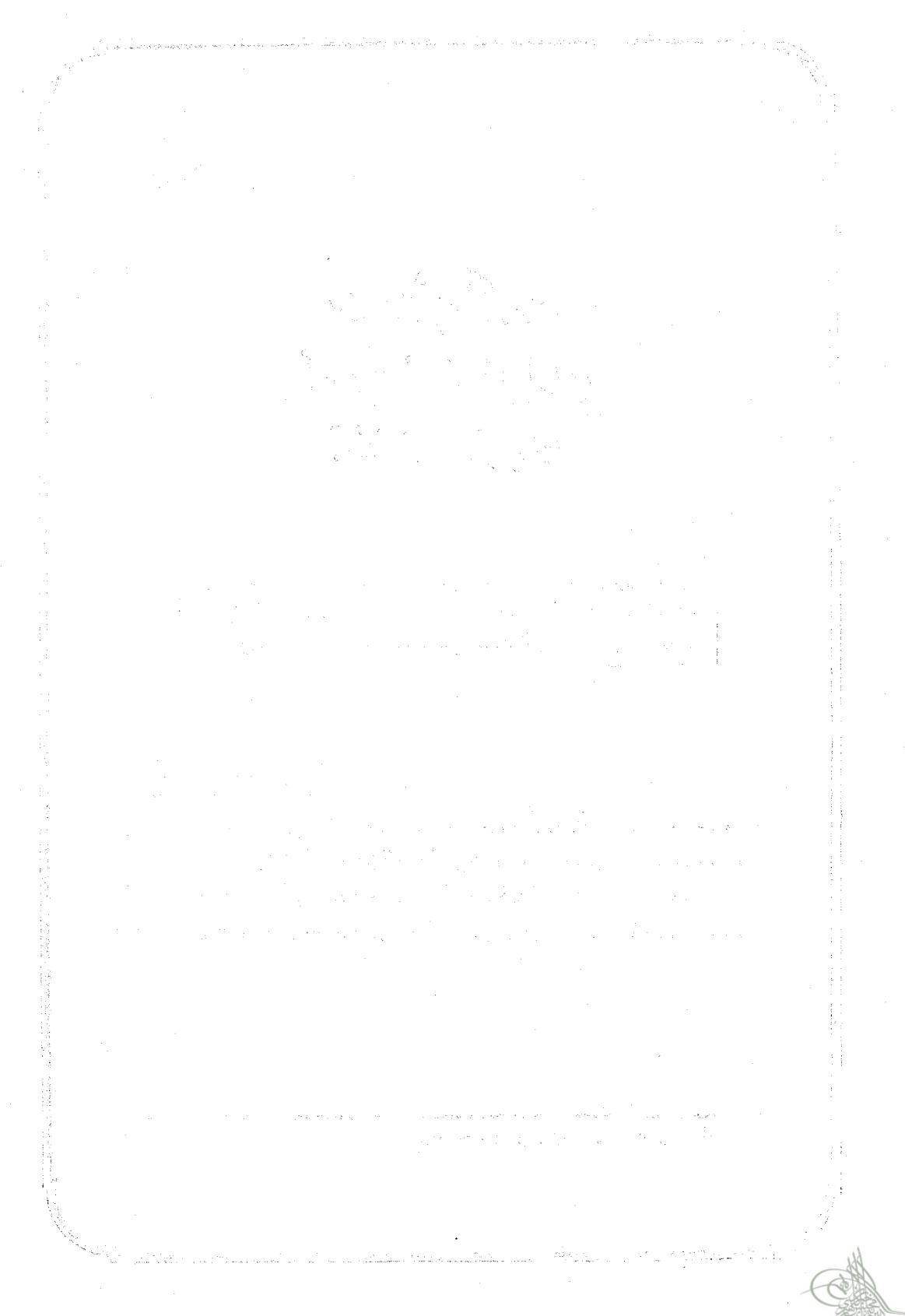
جلسه ششم

صورت مسروج مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت هفده روز سی ام مرداد ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و هفتم رمضان المبارک ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آیت الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه و قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.....
- ۲ - بحث پیرامون آئین نامه داخلی.....
- ۳ - اخذ رأی برای انتخاب سه نفر اعضای شورای هماهنگی.....
- ۴ - پایان جلسه و تعیین زمان تشکیل جلسه بعد.....



۱ - اعلام رسمیت جلسه و قرائت اسامی خانمین جلسه قبل

وئیس - جلسه رسمی است، خانمین جلسه امروز صبح عبارتند از: آقای رحمانی که فرزندشان شهید شده‌اند و غیبت‌شان بجا است - آقای طالقانی - آقای مدنی و آقای قاسملو و اما کسانی که تأخیر داشته‌اند، آقایان: بشارت - بنی صدر - بیت‌اوشا - حائزی - حجتی کرمانی - خادمی - ربانی شیرازی - دستغیب - سعابی - صدوqi - عرب - ملزاده - فلسفی - مقدم مراغه‌ای - میرمرادزه.

به مناسبت شهادت فرزند حضرت حجۃ‌الاسلام آقای رحمانی تلگرامی از طرف مجلس خبرگان تهیه شده است که به ایشان که در بیچار هستند، مخابره بشود.

(تلگرام به شرح زیر قرائت شد)

جناب حجۃ‌الاسلام آقای رحمانی، نماینده محترم مجلس

بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دامت افاضته

خبر شهادت فرزند گرامی شما موجب تالم خاطر نمایندگان ملت گردید. این شهادتها از یکسو چهره ضد خدائی و ضد مردمی افراد و گروههای را می‌شناساند که به مقابله خصمانه با انقلاب اسلامی ملت ایران برخاسته‌اند و از سوی دیگر سیمای درخشان شهیدانی را که بر پیشانی انقلاب اسلامی با می‌درخشدند و به آن جلوه‌ای بس شکوهمند می‌بخشد. یاد آن شهید و شهیدان بیشمار به خون خفتنه دیگر انقلاب گرامی باد.

۲ - بحث پیرامون آئین نامه داخلی

وئیس - آقای آیت آئین نامه را می‌خوانند و در هر قسمت که لازم بود از میان کسانی که صبح نام‌نویسی کرده‌اند، فقط یکنفر به عنوان موافق و یکنفر به عنوان مخالف می‌توانند صحبت بفرمایند.

لا یخه قانونی اداره امور جلسات و نظامنامه

داخلی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

فصل اول - کلبات

ماده ۱ - بمنظور افتتاح دوره اجلاسیه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و در اجرای مقررات فصل ششم قانون انتخابات، ستاد مرکزی انتخابات موظف است به محض حصول حد نصاب مقرر اعتبارنامه هائیکه توسط نمایندگان حوزه‌های انتخابیه استانها به دیرخانه ستاد مرکزی انتخابات تحویل شده است، تاریخ جلسه افتتاحیه مجلس را از طریق رادیو، تلویزیون و جراید به آگاهی مردم برساند.

ماده ۲ - دیرخانه ستاد مرکزی انتخابات مکلف است هنگام دریافت اعتبارنامه‌ها با



مراجعه تدریجی نمایندگان به دیرخانه و تحويل رسمی اعتبارنامه ها حضور نمایندگان حوزه های انتخابیه استانها را بترتیب و با ذکر مشخصات دردفتری به نام «دفتر حضور نمایندگان» ثبت نماید.

ماده ۳ – دیرخانه ستاد مرکزی انتخابات موظف است جایگاه استقرار نمایندگان را بترتیب ثبت نام از اولین ردیف کرسی های پیشین مجلس تعین نموده و کارت حاوی شماره کرسی نمایندگان را به آنان تحويل نماید.

ماده ۴ – نمایندگان مجلس برسی نهائی قانون اساسی در اجلاس رسمی مجلس فقط در کرسی خود جلوس خواهند کرد.

ماده ۵ – غیبت بدون اجازه نمایندگان در دوره اجلاسیه مجلس برسی نهائی قانون اساسی پیش از یک جلسه مجاز نخواهد بود و در صورت غیبت پیش از یک جلسه مراتب به اطلاع عموم در جلسه علنی خواهد رسید.
رؤیس – آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی – بسم الله الرحمن الرحيم. ماده ای را که صبح میخواستم درباره اش صحبت کنم ماده ای بود که میزان آراء لازم را برای تصویب یک ماده معین کرده است و بعد اشاره ای به همین ماده بکنم.

رؤیس – پس اجازه بفرمائید آرا در وقتی صحبت کنید و حالا فقط راجع بهمین ماده صحبت کنید.

ربانی شیرازی – راجع به این ماده که چه بکنیم که اکثریتی را که لازم داریم در مجلس بوجود بیاید، میخواستم عرض کنم بجای اینکه میزان آرائی را که در تصویب یک ماده مورد لزوم است پائین بیاوریم، سعی کنیم نمایندگان در مجلس حضور بپدا کنند. و اگرچنانچه بخواهیم بدون درنظر گرفتن مجازاتی بگوئیم آقایان حاضر بشوند، چه بسا آن تعدادی که لازم است، در مجلس حضور بپدا نکنند، لذا من خواستم یک تقاضا ویک پیشنهاد بکنم. از آقایانی که توانائی حضور در جلسه را بعلت پیری یا علل دیگر ندارند و نمیتوانند بطور مداوم در این مجلس شرکت کنند وغایبت هایشان زیاد است، می خواستم تقاضا و استدعا کنم که استفاده از هنر تا اینکه نفر بعد از آنها در مجلس حاضر شود واز خواسته های مردم دفاع کنند. زیرا مردم به ما رأی دادند که بیانیم اینجا و خواسته هایشان را تبیین کنیم و از آن دفاع نمائیم. ولی چنانچه حاضر نشویم و مسامحه کنیم صحیح نیست و این حق فرد بعدی، یعنی آن کسی است که مردم بعد از ما به او رأی داده اند و او را انتخاب کرده اند. اما پیشنهادمن این بود که اگر چنانچه کسی بدون عذر موجه سه نوبت در مجلس حاضر نشود، بمنزله استعفا محسوب شود و به او ابلاغ شود و فرد بعد از او دعوت شود تا در جلسه حاضر شود.

رؤیس – آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی – بسم الله الرحمن الرحيم. البته از نظر اهمیتی که این ماده در مساله رأی گیری دارد و میدانیم سرنوشت مجلس با همین ماده رأی گیری تعیین میشود، بنابراین هرچه در مساله غایبت بیشتر تأکید بشود و راه حل هایی بپدا کنیم که جدا کثیر کوشش برای حضور نمایندگان در مجلس بعمل بیاید، بجاست. برای این مطلب یک راه همان چیزی است که در آئین نامه نوشته شده، که فکر میکنم کافی نیست و همه آقایان هم شاید تصدیق بفرمائند که فقط اعلان کردن کافی نیست. واما این مطلب که اگر نماینده ای درسه جلسه شرکت نکند، در حکم



استعفا باشد ، آنطور که آقای ریانی گفتند ، فکر میکنم قابل عمل نباشد . بنابراین خوبست که راه دیگری انتخاب بشود ، مثلاً اسمی غائبنین در رسانه های گروهی اعلام شود تا مردم ایران بدانند که آنها بدون عذر موجه غایب می شوند و حوزه انتخاییه آنها بدانند و مسلماً این کار اثر عمیقی خواهد داشت که آنها در جلسات شرکت کنند . البته این مطالب را برای محکم کاری عرض میکنم والا همه برادرها احساس مسئولیت فوق العاده میکنند و این بخطاطر علاقه ایست که مامیخواهیم این مجلس بنحو احسن برگزارشود . البته هیچ مانعی ندارد که در آئین نامه محکم کاری کنیم ولو اینکه این کار بعنوان یک احساس مسئولیت وظیفه واجب شرعی که از اوجب واجبات است باشد ، امامانع از آن نیست که ما کوشش بعمل آوریم که افراد حاضر بشوند . این یکی از راههای است که در رسانه های گروهی اسمی غائبنین هر جلسه اعلام بشود . حالا اگر راه حل های دیگری برای محکم کاری پناظر آقایان میرسد ، هیچ مانعی ندارد ولی مسئله استعفا با وضعی که آقایان میدانند ، عملی نیست . مضافاً به اینکه ممکن است مشکلات دیگری هم ایجاد کند و تتوالیم آنرا عمل کنیم . اما درباره آن ماده رأی گیری بعداً صحبت خواهم کرد .

رئیس — پیشنهاد آقای مکارم ایست که علاوه براینکه در صورت جلسه علنی نوشه خواهد شد در رسانه های گروهی نیز اعلام شود .

کرمی — این عمل مخل شخصیت نمایندگان است .

رئیس — آقای دکتر آیت بفرمائید .

دکتر آیت — راجع به نفر بعدی که ایشان فرمودند ، نمیشود کاری کرد .

رئیس — آقای ریانی شیرازی پیشنهاد کرده اند « کسانیکه نمی توانند مرتب بیانند و مرتضی هستند استعفا بدتهند و نفر بعدی بجای آن شخص بیاید » که به عقیده من ظاهراً عملی بنظر نمیرسد . آقای ریانی رانکوهی فرمایشی دارید ، بفرمائید .

ریانی رانکوهی — بسم الله الرحمن الرحيم . تردیدی نیست که باید کاری کرد که آقایان نمایندگان در مجلس شرکت کنند . اما پیشنهادی که آقای ریانی شیرازی کردند ، نه قابل عمل است و نه به مصلحت زیرانمایندگانی که در مجلس هستند با آراء اکثریت مردم انتخاب شده اند و به مجلس آمده اند . و چه بسا فردی که پس از نماینده منتخب مردم و دارای رأی کمتری بوده تفاوت بسیار فاحشی با منتخب مردم داشته باشد . مثلاً من خبر دارم که بعضی از نمایندگان که در مجلس خبرگان انتخاب شده اند و نماینده مردم هستند در حدود دویست و پنجاه هزار رأی آورده اند و نفر بعد ازاوچهارهزار رأی آورده است . این معنايش ایست که آن فردی که انتخاب شده مربوط به مردم است و منتخب مردم است و نفر بعدی که چهار هزار رأی آورده چه بسا وابسته به گروهی باشد که مورد تغیر مردم بوده است . پس چطور میتوانیم بگوئیم آقائی که دویست و پنجاه هزار رأی آورده است ، مستعفی شناخته میشود و شخص بعدی که دارای چهار هزار یا سه هزار رأی است و تنها مربوط به گروه خاصی است نماینده مردم باشد ؟ پس این فکر عملی نیست زیرا این شخص نماینده مردم نیست . فرضًا یک کسی هجده رأی آورده باشد دربرابر افرادی که صد ها هزار رأی دارند . بنابراین یکنفر که خودش و خانواده اش و چند نفر از قوم و خویشان خودش یعنی مجموعاً هجده نفر باو رأی داده باشند ، حالا اگر نفر اولی که منتخب مردم است در مجلس حاضر نشد مابگوئیم نفر بعدی بیاید که به چوچه صحیح نیست و قابل عمل هم نیست زیرا هم به منتخب مردم توهین وجسارت است و هم به خود مردم .



رئیس — آقای کرمی بفرمائید.

کرمی — اینجا اشخاص محترمی مانند آقای حاج شیخ مرتضی جابری یا آقای خادمی یا آقای طالقانی تشریف دارند. این توهین است که اسامی این آقایان را در رادیو و تلویزیون بعنوان غائبین جلسه اعلام کنند.

رئیس — آقای ربانی رانکوهی بفرمائید.

ربانی رانکوهی — پیشنهاد میکنم همان مجازاتی که در آئین نامه قبلی بود که «اگر کسی یک جلسه غیبت بدون عذر موجه کرد در جلسه بعدی حق رأی نداشته باشد» اعمال شود.

رئیس — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — ما روی واقعیات باشد صحبت کنیم زیرا مسائل را اینطور روی ذهنیات مطرح کردن درست نیست. اگر مردم بما رأی داده‌اند، برای اینست که در مجلس حاضر شویم و از خواسته‌ها یشان دفاع کیم.

رئیس — یکی از پیشنهادات آقای ربانی اینست که «کسانیکه بناعلی نمی‌توانند به مجلس بیایند، استعفا بدهند و نفر بعدی بیاید» آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — شما که نمایندگان را انتخاب نفرموده‌اید، مردم انتخاب کرده‌اند و مردم باید بپرسند که چرا نمایندگان به مجلس نمی‌اید.

ربانی شیرازی — پیشنهادهای من دوتا بود. پیشنهاد اول این بود که کسانیکه نمی‌توانند در تمام جلسات حاضر شوند، از حضورشان خواهش کنیم استعفا بدهند تا نفر بعدی بتواند به مجلس بیاید. پیشنهاد دوم این است که کسانیکه بدون عذر موجه چند جلسه در مجلس حاضر نمی‌شوند، عدم حضورشان استعفا محسوب بشود.

رئیس — یکی از پیشنهادهای آقای ربانی شیرازی این بود که اگر یکی از نمایندگان بیش از سه مرتبه غیبت کرد و مجلس تشخیص داد که این شخص بدون عذر موجه مجلس را ترک میکند راینجا برای چنین شخصی حکم مستعفی قائل شویم. کسانی که با این پیشنهاد موافقند، قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) این پیشنهاد رد شد. حالا پیشنهاد آقای مکارم مطرح است که «اگر کسی بیش از یکدفعه غیبت کرد علاوه براینکه اسم او در مجلس خوانده میشود که غیرت کرده بوسیله رسانه‌های گروهی هم به اطلاع مردم برسد» کسانی که با این پیشنهاد موافقند قیام فرمایند (کسی برخاست) این پیشنهاد هم رد شد. بنابراین، این ماده به همان صورتی که در آئین نامه موجود است باقی می‌ماند. یعنی اگر نماینده‌ای یکمرتبه غیبت کرد اسم او در جلسه علنی روز بعد اعلام خواهد شد. آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — آقای رئیس شما مرتباً خودتان صحبت می‌فرمائید به دیگران هم اجازه بفرمائید نظراتشان را ابراز کنند.

رئیس — حالا به پیشنهاد آقای ربانی رانکوهی رأی می‌گیریم و آن این بود که در آئین نامه قبلی ذکر شده که «اگر نماینده‌ای بیش از یکمرتبه غیبت کرد در جلسه بعد حق رأی نداشته باشد» کسانیکه با این پیشنهاد موافقند قیام فرمایند (کسی برخاست) این پیشنهاد هم رد شد. آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — به عقیده بنده از طرف مجلس کسی مأموریت پیدا کند و با آن نماینده



صحبت کنده که چرا غایت کرده است و اهمیت قضیه را به ایشان تفهیم کند و صبح وعصرهم از رسانه های گروهی اعلام شود که چه کسانی آمده اند و چه کسانی نیامده اند.
رئیس - کسانی که با پیشنهاد ایشان موافقند ، قیام فرمایند (کسی برخاست) این پیشنهاد هم رد شد . آقای هاشمی نژاد بفرمائید .

هاشمی نژاد - بسم الله الرحمن الرحيم . معدرت میخواهم از اینکه وقت آقایان را میگیرم مسئله به این صورت نبود که صبح وعصر اعلام بشود که فلاں شخص نیامده ، بلکه باید ضمن اینکه جزو مقررات باشد که رسانه های گروهی اعلام بکنند که صبح وعصر مجلس خبرگان تشکیل شد ، علاوه بر آن بگویند مجلس خبرگان باحضور چه کسانی تشکیل شد و چه کسانی هم غایت داشتند . این باید روال کلی کار رسانه های گروهی باشد . بنابراین ضمن اینکه یک موضوع گیری خاص نیست ، در عین حال کسانی هم که غایت کرده اند مشخص خواهد شد . ولی چون افرادی که در اینجا هستند براساس احساس وظیفه کار میکنند ، خوب است از طرف مجلس به آنها تذکر داده شود و اهمیت مطلب بیش از پیش به آنها تفهیم بشود . من تصور میکنم این کار حداقل در مورد عده ای مؤثر واقع خواهد شد . پیشنهاد من این بود که عرض کردم مشترکم .

رئیس - کسانی که با پیشنهاد ایشان موافقند ، قیام فرمایند (کسی برخاست) رد شد . مواد بعدی قرائت میشود .

ماده ۶ - مرخصی نمایندگان در دوره اجلاسیه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی بیش از یک جلسه مجاز نخواهد بود ، مگر با تصویب کمیسیون یا اجازه هیئت رئیسه مجلس .
ماده ۷ - جلسات عمومی بررسی نهائی قانون اساسی واخذ تصمیمات در اصول قانون اساسی با حضور دوسرم کلیه نمایندگان یعنی (پنجاه نفر) رسمیت میباشد و تصمیمات متذکر با اکثریت نصف بعلاوه یک مجموع نمایندگان ، بعقیده بعضی بجای پنجاه نفر با (سی و هشت نفر) معتبر است . جلسات کمیسیونها وشورای دیبران با حضور اکثریت اعضاء رسمیت پیدا میکند و تصمیمات متذکر با اکثریت حاضرین در جلسه معتبر خواهد بود .

رئیس - آقای موسوی تبریزی از کسانی هستند که در ماده هفتم وقت گرفته اند که صحبت کنند . آقای موسوی بفرمائید .

موسوی تبریزی - بسم الله الرحمن الرحيم . راجع به این ماده هفت که مجلس باحضور دوسرم کلیه نمایندگان یعنی پنجاه نفر رسمیت پیدا کند ، اشکال ندارد ولی هنگام اخذ تصمیم ورأی گیری ملاک نصف به بعلاوه یک مجموع نمایندگان یعنی سی و هشت نفر است؟ یادو سوم مجموع که پنجاه نفر می شود ؟

رئیس - دوسرم حاضرین یا دوسرم همه نمایندگان ؟

موسوی تبریزی - نصف بعلاوه یک مجموع نمایندگان ، بعقیده من درست نیست . برای اینکه اگر سی و هفت نفر با یک تصمیمی مخالفت داشته باشند ویکی از مخالفین آقای منتظری و یکی هم آقای بهشتی ویکی هم آقای طالقانی باشند ، مخالفین اگر در این اعداد باشند یعنی هر یک از این آقایان که اسم بدم بیش از یک میلیون رأی آورده اند . در واقع اگر سی و هشت نفر در یک رأی گیری موافق وسی و هفت نفر هم مخالف بودند و بطور متوسط اگر به هر نماینده حد اکثر نیم میلیون نفر رأی داده باشند ، پس در واقع چندین میلیون نفر از افراد این مملکت با آن رأی



مخالف میباشدند. خداوند به بیامبز (ص) خطاب میکند «شاورهم فی الامر» یا «وابرهم شوری بینهم» پس مبنای اکثریت باید یک اکثریت معقول باشد. چون وقتی اکثر افراد ، عقول ، افکار و اندیشه هایشان رویهم ریخته شد ، به انسان یک اطمینانی میبخشد . مثلا در مقابل صد نفر موافق اگر ده نفر هم مخالف باشند، تصمیم آنها اطمینان بخش است. ولی اگر چهل و نه نفر مخالف پنجاه و یک نفر موافق باشند، اینکه دیگر موجب اطمینان برای انسان نمیشود. بنابراین آنچه که من از آیه استنباط میکنم اینست که اکثریتی که مبنای کارها در اسلام قرار میگیرد آن اکثریتی است که موجب اطمینان است . والا ما هفتاد و سه نفر نماینده داریم و اگر مبنای نصف بعلاوه یک عملی شود معناش اینست که رأی سی و هشت نفر را به تمام مردم ایران تحمیل کردۀ ایم . بنابراین باید بگوئیم، همان نصابی که برای رسیت جلسه معتبر است، همان نصاب هم باید در مقام اخذ رأی و تصمیم گیری معتبر باشد. یعنی اقلال دوسم نماینده‌گان باید با این رأی موافق باشند. اگر دوسم نماینده‌گان موافق بودند، نتیجتاً میتوانیم به سی و شش میلیون نفر جمعیت ایران بگوئیم که نماینده‌گان شما به این قانون رأی داده‌اند . اما اگر سی و هشت نفر رأی بدنه و سی و هفت نفر رأی ندادهند و مثلاً یکی از کسانی که رأی مخالف داده باشد ، آقای بنی صدر باشند ، ایشان نمی‌توانند آن قانون را به کسانی که به ایشان رأی داده‌اند ، تحمیل کنند و بگویند که این قانون شما است. بنابراین باید دوسم تمام نماینده‌گان در رأی گیری تصمیم بگیرند و این تنها راه قانونگذاری صحیح است . والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته .

رجیس—از آقایان دکتر ضیائی—**دکتر قائمی**—**دکتر آیت سیحانی**—**سید محمدعلی جزايری**—**مولوی عبدالعزیز ویزدی** که صحیح وقت گرفته‌اند، هر کس مخالف است میتواند صحبت کند . آقای دکتر قائمی بفرمائید .

دکتر قائمی—بسم الله الرحمن الرحيم. بنده میخواستم در مخالفت با بیانات آقای موسوی چند نکته را بعرض برسانم. ایشان فرمودند اگر نماینده‌ای در موقع رأی گیری رأی نداد، چون این شخص با یک میلیون یا دو میلیون رأی مردم انتخاب شده آن رأی مردم را بحساب نیاورده و رد کرده است. من این دلیل را کافی نمی‌بینم، به این علت که عده‌ای که تشریف‌نمی‌آورند به مجلس، حتماً یک مشکلی دارند و باین‌نامه‌ای برایشان هست که نمی‌توانند بیایند. هیچ دلیلی نیست که اگر ایشان در جلسه شرکت میکردند، با آن مسئله مورد بحث مخالف بودند. عده نماینده‌گان این مجلس هفتاد و سه نفر است. حالا اگر عده‌ای به دلایلی نمی‌آیند، دلیل براین نمی‌شود که این عده با جریانی که در مجلس میگذرد مخالف هستند. فرض کنید آیت‌الله طالقانی با دو میلیون رأی برای این مجلس انتخاب شده‌اند و تشریف نمی‌آورند، ولی این دلیل براین نیست که یک مسئله‌ای را که در اینجا مطرح میشود، ایشان تأیید نکنند و اگر بودند تصویب نمیکردند. وقتی گفتند مجلس با پنجاه نفر رسمی است، لازم نیست هر پنجاه نفر به موضوع مطروحه رأی بدene، بلکه نصف بعلاوه یک ویا دوسم نماینده‌گان حاضر رأی‌شان کافی است. بنابراین من معتقد هستم که همان دو سوم شرکت کنندگان در مجلس را بپذیریم. چون همینطور که در این دو سه روز دیده‌ایم، مجلس با پنجاه نفر تشکیل میشود و از این پنجاه نفر، دو سه نفری از میان نماینده‌گان با موضوعی حتماً مخالف هستند. در غیرهاینصورت اگر ما یک مسئله‌ای را بخواهیم تصویب کنیم باید روزهای بسیاری بنشینیم و منتظر این باشیم که یکی از آقایان تشریف بیاورند به جلسه که عده حاضر پنجاه و یک نفر بشود و پنجاه نفر بتوانند رأی موافق بدene. نظر



من این است که دوسم نمایندگان حاضر در جلسه برای تصویب هرقانونی رأیشان کافیست والسلام.

رئيس — آقای دکتر ضیائی بفرمائید.

دکتر ضیائی — بسم الله الرحمن الرحيم، به عقیده من ماده پنج و ماده شش بايد حذف بشود چون بود و نبودشان يکسان است. زیرا اين يك وظيفه ديني و اجتماعي عجبي است که به گردن آفيان محترمي که انتخاب شده اند، گذاشته شده است. حالا هر کس در هر مقامي که مى خواهد باشد، اگر بنحوی عذری داشت و نميتوانست در جلسه شرکت کند از اول نمي بايد نمایندگي را قبول مى کرد و خودش را نمي بايد کانديدا ميکرد. بنابراین بايد عذر موجهش را بيان کند و يا اينکه مجلس و يا هيأت رئيسه برای اين کار فكري بكند. زيرا هفتاد و سه نفر روی معيار معيني انتخاب شده اند که از طرف مردم به اين مكان يبايند. همانطور يکه آقای موسوي فرمودند با غبيت کردن از قوه وقدرت اين قانون کاسته خواهد شد و يا در آن تقض بوجود مى آيد. اگر قرار باشد هر کسی غبيت کند، خوب بشهدهم فردا نمى آيم و کارهای ضروري خيلي زيادي هم دارم، منتها اگر وظيفه ديني و مسؤوليت اجتماعي خطير، من را مجبور نميكرد، از همه کارم نمى بريدم و شبهها تا ساعت دو بعد از نصف شب نمى نشستم، پيشنهادات و پيشنامه هارا مطالعه بكنم. بنابراین يا بايد وظيفه ديني، آفيان را برای اين کار مجبور کند، همانطور يکه آفيان را مجبور کرده است که نماز بخوانند و روزه بگيرند و حج بروند و يا آگر چنین نباشد بايد فکر اساسی کرد. واما در مورد دوسم از مجموع يا دوسم از حاضرين، يا اين ييانی که عرض کردم و يا اين آئين نامه که هيچ الزامي برای آفيان منتخبين نمى آورد که در جلسه حاضر بشوند و وقتی که هيچ الزامي نباشد ممکن است فردا بنده و شما و دیگران روزهای بعد نیائیم و به اين ترتیب جلسه رسمیت پيدا نکند. واما اگر الزامي در کار باشد، قهرآ غبيت هاي اضطراري کم است. مثلًا اگر غائبين دو سه نفر يا هدا كثر ده نفر باشند، بالاخره بازيک حدی است که مامي توانيم به اکثريت آراء مجموع منتخبين برسیم. وقتی که دوسم از مجموع نمایندگان برای رسمیت بخشیدن به جلسه حاضر باشند، بهمان نحو که جناب آقای موسوي هم فرمودند و تنها فکر من نیست چه در آن صورت تردید داشتم ولی وقتی يکي دیگرهم فكرش همين فکرمن بود، انسان ظن کمی به صحبت پيدا مى کند. اما اگر نظرنده نفر از دهندر با نظر من موافق شد، بطور قطع و يقين به صحبت آن حکم خواهيم کرد، چون دیگر مطمئن هستم که به واقعيت و حقیقت نزد يك مى باشد. بنابراین هر قدر آراء را بتوانيم بيشتر بكتيم چه مواقف و چه مخالف، زيرا درجهت مخالف هم اگر ديديم اکثريت هست مى فهميم که ما در خطا بوده ايم. پس هر قدر آراء بيشتر باشد در آن صورت قوت و قدرت قانون بيشتر خواهد شد و يك مقدار احساس سبکي نسبت به وظيفه خطير خود خواهيم کرد. بنابراین من فکر ميکنم اخذ تصميمات با دوسم آراء حاضرين هيچ کافي بمقصود و منظور ملت و منظور کسانی که طرفدار اجراء قانون اسلامي هستند، تخواهد بود.

رئيس — آقای دکتر آيت بفرمائید.

دکتر آيت — بسم الله الرحمن الرحيم. بعض از آفيان حکم به نادر ميکنند يعني چيزی که معمولاً اتفاق نمی افتد. تا حالاً اکثريت نزد يك با تفايق آمده اند و از اين به بعد هم خواهند آمد، مانگوئيم (اگر نیامدند) صحيح نیست. گذشته از آن جلسه با دوسم نمایندگان رسمیت پيدا ميکند و اگر اين تعداد نیاند که جلسه اصلاح نمی تواند رسمي باشد. آن وقت اگر دوسم از افراد حاضر هم



رأی بدنهنگ کافی است. بنابراین نباید کاری کرد که مجلس فلاح پشود و نتواند تصمیمی بگیرد. و از همه اینها گذشته مصوبه ما بعداً برای اطمینان خاطر به رفراندوم گذاشته خواهد شد، مردم اگر خواستند، قانون را تصویب میکنند و اگر نخواستند، نمی‌کنند. و آن دوست ما هم که گفتند مثلاً اگر آیت‌الله منتظری و دکتر بهشتی رأی ندادند، چون در انتخابات اینقدر رأی آورده‌اند و یا فلانی این قدر رأی آورده است، صحیح نیست. اینجا همه مساوی هستند با هر تعداد رأی که انتخاب شده باشند. کسی از اشخاص دیگر نماینده‌تر نیست و این رسم تمام دنیا هست و ما نباید سنتی که در دنیا وجود دارد و عاقلانه هم هست، یعنی موافقت دو سوم از اعضای حاضر برای تصویب را زیر پا بگذاریم.

رئیس — آقای سبحانی فرمایشی دارد، بفرمایید.

سبحانی — بسم الله الرحمن الرحيم. مطالب لازم مطرح شد. یعنی مطالعی را که در نظر من بود، آقایان فرمودند. ولی یک حاشیه کوچک دارم که در اینجا عرض می‌کنم. اگر بنا باشد رسیمیت جلسه ما با پنجاه نفر شروع شود و پنجاه نفر موافق باشند، تا ما بتوانیم تصمیم بگیریم، معناش اینست که باید در اکثر مسائل و مجالس اتفاق آراء داشته باشیم زیرا جلسه با پنجاه نفر رسیمیت بیدا میکند. فرض کنید که ما در چند جلسه پنجاه نفر بودیم و قرار هم اینست که یک سوم از مجموع نماینده‌گان نظر بدنهنگ. بنابراین معناش اینست که در هر مسأله اتفاق آراء باشد و این در هیچ کجای دنیا عملی نیست و نمیشود گفت مجلس با پنجاه نفر رسیمیت بیدا میکند و رأی معتبرش نیز باید به میزان دو سوم حاضرین در جلسه باشد زیرا این معناش اینست که در تمام مسائل اتفاق آراء داشته باشیم.

رئیس — آقای مکارم شیرازی بفرمایید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. با نهایت معذرت که مصدر میشوم، بیخواستم نظریه‌ای در تکمیل این ماده عرض کنم. چون در عمل خواهیم دید که با چه مشکلی روی رو خواهیم شد و قبل از آن باید این تذکر را بدهم، چون مذاکرات مجلس از رسانه‌های گروهی پخش میشود، از صبح تا به حال یکی دو مرتبه تعبیری تکرار شد که اینجا مدرسه فیضیه نیست . من عقیده دارم که در تعبیرات باید خیلی رعایت شود زیرا مدرسه فیضیه کانون اقلاب و کانون بزرگان و علماء بوده و البته یک نظر دیگری از گفتن مدرسه فیضیه داریم، یعنی یک جلسه بحث دوستانه که همه حرف بزنند و درباره مسائلی از همان نظر کنند. اما تلقی ملت ایران وقتی این را بشنوید ، این نیست، بلکه خیال میکنند مدرسه فیضیه کانون بدی بوده در حالی که خاطره مدرسه فیضیه در افکار همه به عالیترین وجه هست. بنابراین ما باید تعبیراتی که پیش خودمان هست، تغییر بدهیم و بگوئیم که اینجا یک مجلس دوستانه نیست که همه با هم صحبت کنیم و نه تنها در این مورد بلکه در تمام موارد باید رعایت این تعبیرات را با توجه به اینکه در رسانه‌های گروهی پخش میشود بکنیم. و اما عرضی که من داشتم مطلبی هست که آن را باید حل کنیم و آن این است که اگر ما مقیاس را دو سوم از حاضرین یا دو سوم از مجموع که پنجاه نفر است، گرفتیم و نتوانستیم رأی بیاوریم چکار کنیم؟ بعضی از آقایان می‌فرمودند که هیچ، رهایش میکنیم . ولی ما نمیتوانیم اینکار را بکنیم برای اینکه بطور مثال در این پیش‌نویس یا پیش‌نویس‌های دیگر بحث شده است که نخست وزیر را چه کسی تعیین میکند. در پیش‌نویس فعلی میگوید ، رئیس جمهور باید نخست وزیر را تعیین کند ولی ممکن است عده‌ای



از آقایان عقیده‌شان این باشد که رئیس‌جمهور اختیاراتش زیاد است و باید آن را محدودتر کرد و نخست‌وزیر را باید مجلس با پیشنهاد رئیس‌جمهور تعیین کند زیرا میخواهد با رئیس‌جمهور همکاری بکند و او باید همکارش را بشناسد. ولی اگر احتمالاً آن حد نصاب را نیاورد و دوره مجلس نمایندگان هم تمام شد، فردا که ملت ایران میخواهد نخست‌وزیر تعیین کنند، باید چکار کنند؟ در این ماده اگر تعیین نخست‌وزیر نه به دست رئیس‌جمهور باشد ونه به دست مجلس باشد و مجلس نمایندگان هم اگر مدت‌ش تمام شد، تکلیف اینکه نخست‌وزیر بوسیله چه کسی انتخاب شود، معلوم نشده است. بنابراین مردم ایران چکار باید بکنند؟ بعلاوه الان در باره خود رئیس‌جمهور و صفات او بحث است و بعضی معتقدند که فلاں و فلاں صفت باید قید شود و بعضی معتقدند نه، حالا اگر در موقع رأی گیری درباره صفات رئیس‌جمهور پنجه رأی توانستیم بیاوریم یا دو سوم و یا حتی سی و هشت رأی نیاورد، از یک طرف سی و چهار رأی می‌یاورد، با آن طرف صحبت میکنیم بیست و چهار رأی می‌یاورد، البته اگر ما بتوانیم تمام مواد را به اتفاق آراء تصویب کنیم که خیلی خوب است و ما شک نداریم ولی باید مسائل را از نظر عملی هم بررسی کنیم. ما معتقدیم هرچه محکمتر و به قول آقایان اطمنان بخش ترباشد بهتر است. ما حرفی نداریم امیدواریم که بشود، ولی اگر نشد باید چکار کرد؟ اگر برای صفات رئیس‌جمهور اکثریت لازم رانیاوردیم یعنی سی و هشت رأی نشد و یاد سوم موجود نشود و یا پنجه رأی نشود و مجلس خبرگان تمام شد و حالا که ملت میخواهد باین قانون اساسی که شما تهیه کردید، رئیس‌جمهور تعیین کند، چکار باید بکند؟ بالاخره بعد از دو ماه ویا سه ماه ویا چهار ماه این مجلس تمام می‌شود. بنابراین بیانید یک تبصره برای این ماده بیاوریم که اگر حد نصاب لازم بدست نیامد، نمایندگان در جلسه فردا مجددآ به شور پنهانند و اگر نشد، جلسه پس فردا تا بالاخره در پایان مجبور شوند این مسئله را تصویب کنند. چون نمی‌شود که حکومت مملکت فردا بلا تکلیف باشد بالاخره بعد از سه یا چهار شش ماه باید تصویب کنید و وقتی میخواهید تصویب کنید باید یک طوری باشد که قاطع باشد. حالا بعد از تمام محکم کاریها بالاخره بفرمایید، آیا اکثریت موجود کافی هست یا نیست؟ و اگر اکثریت موجود هیچ کجا کافی نیست این بن‌بست چگونه شکسته می‌شود؟ آقای غفوری امروز فرمودند که بعضی از قسمتهای قانونهای اساسی را می‌شود که یک قسمتش امسال تعیین شود و یک قسمتش سال دیگر. این درست، اما یک مسئله مثل تعیین رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر یا مثال اینها را که نمی‌شود برای سال دیگر گذاشت. در این روزها ماباید هرچه زودتر تکلیف ملت و مملکت را از نظر استخوان بندی سیاسی و اجتماعی و قضائی روش کنیم. بنابراین بندی پیشنهاد میکنم تمام محکم کاریها را بفرمایید و تمام پیشنهادها را هم بسه رأی بگذاریم و از الان تا آخر کار با یک یا دویا سه‌شور این بن‌بست را بشکنیم ویا از این طریق که علی کل حال با وجود این همه ناراحتی که ما داریم و نمی‌خواهیم نصف بعلاوه یک عدد حاضر یا چهل ونه یا پنجه رأی حاکم باشد بلکه اتفاق آراء باشد، اما وقتی به بن‌بست رسیدیم چاره‌ای نداریم جز این که رأی اکثریت را بپذیریم چون کار مملکت را نمی‌شود رها کرد. این عرضی که من داشتم کاری به آن معیارهم ندارد، زیرا آن معیار هرچه باشد، پیش‌سرش باشد فکری برای این مطلب داشته باشیم. اما راجع به رفراندوم، این مسئله را که مکمل این بحث است، عرض کنم که رفراندوم به صورت ماده به ماده انجام نمی‌شود. زیرا مسلم است که وقتی آقایان قانون اساسی را با اکثریت تصویب بکنند، مردم به آن احترام می‌گذارند. بخصوص اینکه



بامام درمسائل مشورت میشود و با مراجع دیگرهم مشورت میشود و آقایان نظرات همه گروههای مردم را رعایت میکنند. بنابراین رفاقت دوم یکجا انجام میشود و باحتمال قریب به یقین آنچه آقایان تصویب بکنند دررفاقت دوم نیز تصویب خواهد شد. ولی ما باید محکم کاری بکنیم زیرا ملت ازما انتظار دارد. بنابراین برای رفع این بنیست از این طریق باید فکری کرد.

رئیس — از فرمایشات آقای مکارم برای نمایندگان این تصویر پیش آمده است که منظور ایشان از معیار رأی گیری برای تصویب مواد، نصف بعلاوه یک عده حاضرین است. در حالیکه معیار تصویب، آراء بیشتر نصف بعلاوه یک مجموع نمایندگان ویا دو سوم مجموع نمایندگان است. منتها دو سوم مجموع نمایندگان پنجاه نفر می شود که برای رسیدت یافتن جلسه معمول است. بنظر میرسد که مذاکرات کافی باشد، رأی میگیریم به کفايت مذاکرات، نمایندگانی که موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. حالا رأی میگیریم به اصل ماده، موافقین با دو سوم مجموع نمایندگان که در حقیقت می شود پنجاه یا چهل و نه نفر قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. بنابراین تصمیمات متخذه با رأی اکثریت حاضر در جلسه (چهل و نه نفر یعنی دو سوم مجموع نمایندگان) و جلسات گروهها هم با حضور اکثریت اعضاء رسیدا می کند. کسانیکه موافقند که گروهها هم با اکثریت حاضرین کار را انجام بدند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هشت قوانین می شود.

ماده ۸ — پس از رسیدت یافتن جلسه، خروج نمایندگان از جلسه تا میزان اکثریت مطلق (نصف بعلاوه یک) مانع ادامه بحث و رسیدگی نخواهد بود، ولی بهنگام اخذ تصمیم و رأی گیری، رأی نماینده یا نمایندگانی که به جلسه مراجعت نکرده اند، بعنوان رأی ممتنع در مجموع آراء احتساب میگردد.

رئیس — آقای دکتر بهشتی فرمایشی دارید بفرمائید.

دکتر بهشتی — بنظر من با آن چیزی که قبل تصویب کردیم این ماده زائد است، چون این در صورتی بود که باسی و هشت نفر بتوانیم چیزی را بتصویب برسانیم، ولی وقتی ماقبل این در مذاکرات مجلس پنجاه یا چهل و نه نفر لازم است ویرای اینکه اصل یاماده ای مذاکرات مجلس می تواند ادامه پیدا کند.

رئیس — آقای دکتر شیبانی بفرمائید.

دکتر شیبانی — بسم الله الرحمن الرحيم. در مورد رأی گیری برای اصول قانون اساسی با رأی دو سوم کل نمایندگان تصویب شد. در اینجا توضیحی که میدهد برای رسیدت مذاکرات مجلس است که اگر دو سوم نمایندگان حضور داشتند مجلس می تواند شروع بکار کند. حالا ممکن است وسط کار یک عده ای بلندشوند و از جلسه بیرون بروند. این ماده آن قسمت رامی خواهد توضیح بدهد، که اگر یک عده ای بیرون رفتند اشکالی در مذاکرات ایجاد نمی کند، مسئله این است. یک شق دیگر شم هم این است که اگر عده ای از نمایندگان در موقع رأی گیری بیرون از جلسه باشند، رأی آنها بعنوان ممتنع بحساب می آید یعنی می خواهد بگوید که اگر عده ای موقع رأی گیری بیرون رفتند به این مسئله توجه داشته باشند که رأی اشان ممتنع بحساب خواهد آمد.

رئیس — آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — آنچه که بنده عرض کردم زاید است، فقط ذیل ماده است و بخش اول آن



لازم است زیرا جلسه با چهل و نه نفر رسمیت پیدا می کند، وقتی رسمیت پیدا کرد و مذاکرات شروع شد با بیرون رفته نفراز رسمیت نمی افتد، تا اینجا لازم است آنچه که عرض کردم زائد است، ذیل این ماده است. چون این قسمت برای وقتی خوب بود که ما می خواستیم اصول را با سی و هشت رأی تصویب کنیم. ولی وقتی می گوئیم برای تصویب اصول قانون اساسی چهل و نه رأی لازم است، دیگر قسمت ذیل این ماده لازم نیست. زیرا ما بعد از تظییم این آئینه نامه، وظیفه دیگری جز تصویب قانون اساسی نداریم و اصلاً تصویب چیزی دیگری در صلاحیت ما نیست.

رئیس — برای این قسمت رأی می گیریم، که فقط قسمت اول به اینصورت باشد «پس از رسمیت یافتن جلسه، خروج نمایندگان از جلسه تامیازان اکثریت مطلق (نصف بعلاوه یک) مانع ادامه بحث و رسیدگی نخواهد بود» کسانیکه موافقند این قسمت باشد و بقیه حذف شود قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رد شد. و اما کسانیکه موافقت دارند که این ماده بهمین صورت که هست باقی بماند و چیزی از آن کم نشود قیام کنند (کسی برنخاست) تصویب نشد. بنابراین، این بند حذف می شود. آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — خواهش می کنم به نکته ای که می خواهم تذکر بدهم، عنایت بفرمائید. جلسه وقتی می تواند رسمی باشد که اکثریتش در حد اکثریت رأی گیری باشد. چون اگر جلسه بدون چنین اکثریتی شروع بکار کند، ممکن است اصلاح کسانی بعد آن نمایند و مذاکراتی که آغاز می شود بی نتیجه بماند و این وقت تلف کردن است. این است که برای شروع جلسه یعنی برای رسمیت جلسه درآغاز همان عددی را معتبر می دانیم که برای رأی گیری و تصویب معتبر دانسته ایم. این از لحاظ ضرورت تعداد نمایندگان برای شروع کار جلسه است. ولی بعد از شروع جلسه اگر یکی از آقایان پنج دقیقه بیرون رفت، آیا ماباید برای ادامه مذاکرات صبر کنیم تا او برگردد؟ و وقتی هم که برگشت، ممکن است کس دیگری بیرون برود و اگر دو مرتبه هم بخواهیم صبر کنیم تا او برگردد، مذاکرات همینطور تعطیل می شود و بسی اثر خواهد بود. پس بهتر این است که مذاکرات را ادامه بدھیم، آن نماینده ای هم که پنج دقیقه رفته است بیرون، وقتی برگشت از دوستش سوال می کنند که در این پنج دقیقه، صحبت درباره چه بوده است، که در جریان مذاکرات باشد. پس با توجه به اینکه اکثریتی که ما می خواهیم، یکی در موقع شروع است و یکی هم برای رأی گیری است، باید بگوئیم برای موقع رأی گیری تمام چهل و نه نفر باید باشد ولی برای ادامه مذاکرات، کم شدن دو سه نفر از نمایندگان اشکالی ندارد.

رئیس — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — چنانچه در جلسه ای چهل و هشت نفر رأی مخالف دادند و یکنفرهم رفت بیرون، آیا رأی آن شخص جزء مخالفین است یا مستمعین؟

رئیس — آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — آقای ربانی، اصولاً ما پنجاه رأی مخالف نمی خواهیم، ما برای تصویب اصول چهل و نه رأی موافق می خواهیم. آنچه که ما در رأی گیری می خواهیم، این است و مشخص بودن وضع پیغام آراء هیچ نقشی در کار ما ندارد. چون ما برای تصویب یک مطلب می گوئیم چهل و نه رأی موافق می خواهیم، دیگر لازم نیست رأی مخالف هم چهل و نه رأی باشد.



وئیس — آقای سید محمدعلی جزايري چون نوبت گرفته بودند می توانند چند دقیقه ای صحبت بفرمایند.

موسوی جزايري — بسم الله الرحمن الرحيم. این جمله که می گوید «ولی بهنگام اخذ تصمیم و رأی گیری نماینده یا نمایندگانی که به جلسه مراجعت نکرده اند بعنوان رأی ممتنع در مجموع آراء احتساب می گردد.» باید به این صورت تغییر کند «ولی بهنگام اخذ تصمیم و رأی گیری وجود پنجاه نفر لازم است» وجود پنجاه نفر در جلسه، عند الشروع و در موقع رأی گیری لازم است ولی در موقع مذاکرات وجود پنجاه نفر در جلسه ضروری نیست. ما این را می خواهیم بگوییم، پس از رسیت یافتن جلسه یعنی وجود پنجاه نفر اگر در موقع مذاکرات افرادی خارج بشوند، اشکالی ندارد، ولی بشرط آنکه عده حاضر در جلسه از سی و هشت نفر کمتر نشود. بنابراین ما سه مرحله داریم، رسیت جلسه برای شروع باحضور پنجاه نفر، رسیت جلسه برای مذاکرات باسی و هشت نفر و رسیت جلسه برای رأی گیری که باز همان پنجاه نفر است.

دکتر بهشتی — اگر ماده هفت را به این صورت اصلاح کنیم، همه این معانی که تأیید فرمودید در آن هست و به ماده هشت هم دیگر نیازی نیست. توجه بفرمایید فرائت می کنم:

ماده ۷ — جلسات عمومی مجلس برسی نهائی قانون اساسی، با حضور دو سوم کلیه نمایندگان (چهل و نه نفر) رسیت می یابد. پس از رسیت یافتن جلسه، برای ادامه مذاکرات

حضور نصف به علاوه یک کلیه نمایندگان (سی و هشت نفر) کافی است. ولی برای تصویب هریک از اصول قانون اساسی، رأی موافق دو سوم کلیه نمایندگان (چهل و نه نفر) لازم است.

وئیس — ماده هشت در ماده هفت ادغام شد، کسانیکه با ماده هفت به صورتی که قرائت شد موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. فصل دوم قرائت می شود:

فصل دوم — هیئت رئیسه موقت

ماده ۸ — در نخستین جلسه رسمی مجلس برسی نهائی قانون اساسی، مسن ترین نماینده حاضر در جلسه به ریاست سنتی تعیین می شود و با جلوس رئیس موقت در جایگاه هیأت رئیسه، یک نفر از اعضاء مسن حاضر در جلسه نیز بعنوان نایب رئیس، و سه نفر از جوانترین اعضای حاضر در جلسه به ترتیب دو نفر بعنوان منشی و یک نفر بعنوان دبیر تعیین و در اطراف رئیس موقت مجلس در جایگاه هیأت رئیسه جلوس می نمایند.

تبصره — تعیین و تشخیص مسن ترین و جوانترین نمایندگان مطابق با مشخصات ثبت دفتر حضور و یا دیرخانه ستاد مرکزی انتخابات خواهد بود.

ماده ۹ — هیأت رئیسه موقت تا انتخاب هیأت رئیسه دائم، کلیه وظایف هیأت رئیسه دائم را به عهده خواهد داشت.

ماده ۱۰ — با جلوس هیأت رئیسه موقت در جایگاه هیأت رئیسه مجلس، نمایندگان حاضر در مجلس برسی نهائی قانون اساسی به ترتیب ماده سیزده، مراضم سوگند را بجای آورده و ذیل صورت قسم نامه را امضاء مینمایند.

ماده ۱۱ — رئیس موقت مجلس متعاقب تکمیر، صورت قسم نامه را به حالت قیام و خضوع در مقابل قرآن کریم و کتب آسمانی اقلیت ها که در پیش روی نمایندگان در صدر اجلس قرار دارد، با بیان شمرده قرائت می کند. نمایندگان حاضر در جلسه نیز در حال قیام، قاطع و شمرده آنرا تکرار مینمایند و پس از قرائت قسم نامه، کلیه نمایندگان به ترتیب از اولین ردیف



پیشین مجلس به محل تربیون خطابه که ورقه قسم نامه روی آن گشوده است، میروند و ذیل صورت قسم نامه را امضاء نمینمایند.

ماده ۱۲ - صورت قسم نامه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی به شرح زیر میباشد:

بسم الله الرحمن الرحيم

ما به پروردگار یکتا و در برابر خلق قهرمان، به قرآن و دیگر کتب آسمانی سوگند میخوریم که در بررسی و تدوین قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، همواره اصول ذیل را رعایت نموده و به تحقق آنها متعهد باشیم:

۱ - به رژیم جمهوری اسلامی ایران که به تأیید ملت رسیده، وفادار و مؤمن بوده و در راه استحکام و دوام آن کوشش نمائیم.

۲ - تماییت ارضی مملکت و همیستگی همه اقوام ایرانی را در تحت لوای جمهوری اسلامی ایران، در مدنظر قرار دهیم.

۳ - به مسؤولیت خطیر خود در مقابل خدا و ملت مسلمان ایران و مأموریت تاریخی که این ملت به ما واگذار کرده توجه عمیق مبذول داشته و در جریان بررسی قانون اساسی احراق حقوق پایمال شده ملت ستمدیده ایران در طول بیست و پنج قرن سلطه جباران بر این مملکت و اهداف انقلاب مقدس اسلامی را که متضمن مصالح ملی جامعه ایران است، نصب العین قرار دهیم.

ماده ۴ - هیأت رئیسه موقع پس از انجام مراسم سوگند، بدون تأخیرنسبت به انتخاب هیأت رئیسه دائم «یک رئیس و یک نایب رئیس و یک دبیر و دو منشی با رأی مخفی و اکثریت نسبی» اقدام خواهد کرد.

فصل سوم - مراحل بررسی و تصویب اصول قانون اساسی

ماده ۵ - طرز کار مجلس در بررسی اصول پیش نویس و تصویب قانون اساسی به شرح زیر است:

۱ - تشکیل کمیسیونهای مقدماتی (کمیسیون مطالعه نظرات رسیده).

۲ - کمیسیون بررسی اصول پیشنهادی.

۳ - جلسات عمومی مجلس برای تصویب اصول.

۴ - جلسات شورنهائی.

وئیس - این چهار قسمت مربوط است به عاده‌چهارده فعلی و باده پانزده قبلی و بعداز کلمه (اصول) در قسم سوم یعنی (کمیسیونهای مقدماتی به منظور استفاده از نظرات مطالعه خبرگان یا آنان که از خارج از مجلس به کمیسیون دعوت میشوند و مطالعه پیشنهادات فراوانی که تا کنون به مجلس رسیده و در دفتر مجلس مستقلا یک ماده باشد. بنابراین قسم فوق میشود ماده پانزده واينها را تماماً صحیح تصویب کرده‌ایم، حالا ماده شانزده قرائت می‌شود:

طرز تشکیل و کار کمیسیونهای مقدماتی

ماده ۶ - نمایندگان محترم به هشت گروه تقسیم و به تناسب تخصص و تمايلشان در يكی از هشت موضوع زير بحث و بررسی مینمايند:

۱ - مقدمه و اصول کلی.



- ۲ - حقوق مردم (یاملت).
- ۳ - حاکمیت ملی و شوراهای.
- ۴ - قوه مقننه.
- ۵ - قوه مجریه.
- ۶ - قوه قضائیه و دیوان داوری اداری.
- ۷ - امور مالی.
- ۸ - دین و شورای نگهبان.

وئیس - این ماده هم صبح تصویب شده است، ماده هفده قرائت می شود:
ماده ۱۷ - برای تعیین اعضای کمیسیونهای هشتگانه، یک شورای سه نفره از طرف مجلس خبرگان انتخاب میشود و لیست موضوعات هشتگانه بوسیله اعضای این شورا در اختیار نمایندگان گذارده میشود، و هر نماینده سه موضوع از هشت موضوع را انتخاب میکند ویراساس آن، اعضای کمیسیونها تعیین میشوند.

وئیس - اگر هشت کمیسیون باشد و در هر کدام نه فر عضو باشند، هشت ضرب درنه میشود هفتاد و دونفر، آنوقت یکنفر برای شورای هماهنگی باقی میماند، در صورتیکه بايد اعضای شورای هماهنگی سه نفر باشند. به این جهت یک تبصره پیشنهاد شده و آن اینست: تبصره - شورای سه نفره، خودشان هم میتوانند عضو کمیسیونهای هشتگانه باشند. آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی - پیشنهاد من این است که برای اینکه دوبار نخواهیم انتخاب کنیم، اینجا هم به همان هفت گروه تقسیم شویم، زیرا ما نه تنها این فصول را بلکه فصول احتمالی دیگر را هم که در پیش نویسهای دیگر هست آنها را هم استخراج میکنیم. مثلًا ممکن است عنایین فصول پانزده تا بیشود، که آنها را گروه بندی میکنیم و به آقایان ارائه میکنیم. بنابراین بهتر است کیفیتش را به این نحو عوض کنیم، که کلیه عنوانی را که در متون پیشنهادی قابل توجه است، استخراج کنیم و آنها را با رعایت تناسب بین هفت گروه تقسیم کنیم. البته ممکن است به یک گروه دو بحث بررسد و به یک گروه یک بحث بررسد و به یکی هم ممکن است سه بحث بررسد، که این بسته به وسعت میدان بحث واصلی که هست، میباشد. به اینجهت من این ماده را به این صورت نوشتتم. عنایت بفرمائید، آن را میخوانم: «هفتاد نفر نمایندگان مجلس، به هفت گروه ده نفری تقسیم میشوند. سه نفر بقیه با رأی مجلس به عنوان اعضای شورای هماهنگی میان گروهها انتخاب میگردند. فصول پیش یینی شده در پیش نویس های قانون اساسی استخراج و برای رسیدگی های مقدماتی با رعایت تناسب میان گروهها تقسیم میشود».

یکی از نمایندگان - اضافه شود که اعضای شورای هماهنگی میتوانند عضو کمیسیونها هم بشوند.

دکتر بهشتی - در آخر ماده ای که قرائت میکنم اضافه می کنیم (یکی از نمایندگان - دونفره مجموعی البدل باشند) این را هم اضافه میکنیم. عنایت بفرمائید، ماده را قرائت میکنم.
ماده ۶ - برای رسیدگی مقدماتی به قانون اساسی هفت گروه از نمایندگان مجلس تشکیل میشود. برای این گروه بندی نخست مجلس با اکثریت آراء، سه نفر از نمایندگان را به عنوان عضو اصلی و دونفر را به عنوان عضو مجموعی البدل برای شورای هماهنگی انتخاب می کنند. این شورا



پیش نویسها ریشه برای قانون اساسی را بررسی، و عنایتی را که در این پیش نویسها برای فصول قانون اساسی آمده استخراج و آنها را بر حسب تناسب بر هفت قسمت تقسیم میکند. فهرست این هفت قسمت برای اطلاع نمایندگان تکثیر میشود، تا هر یک بر حسب علاقه یا تخصص، حداقل سه قسمت را انتخاب کند و به اطلاع شورای هماهنگی برساند. شورا پس از دریافت نظر نمایندگان، اعضای هرگروه را تعیین و به آنها ابلاغ میکند. عضویت اعضای شورای هماهنگی در گروهها بلامانع است. در آخرهم اضافه کرداده ایم (اعضای شورای هماهنگی میتوانند عضو گروهها نیز باشند) من از کلمه کمیسیون و هر کلمه خارجی در صورت امکان پرهیز میکنم و دوست دارم در تهیه این متن از آنها استفاده نشود. البته این سلیمان است، زیرا ما کلماتی مرادف آن کلمات در فارسی داریم و میتوانیم از آنها استفاده کنیم. البته تعصی برای نفع آنها ندارم، ولی دلم میخواهد کلمات بوسی را انتخاب کنم مثل کلمه «گروه» در مقابل کلمه «کمیسیون».

رئیس — این ماده را به این ترتیب که قرائت شد به رأی میگذاریم. موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند تصویب شد). در ضمن همه «کمیسیون» های میشود «گروه» و همه «ارتباط» ها هم میشود «هماهنگی». **ماده ۷** قرائت می شود:

ماده ۷ — در پایان هفته که کار بررسی کمیسیونها بانجام رسید، نتیجه کار آنها تکثیر و بین نمایندگان توزیع می گردد.

رئیس — **ماده ۸** قرائت می شود :

کمیسیون بررسی اصول

ماده ۸ — پس از خاتمه کار کمیسیونهای مقدماتی، در هفته دوم کمیسیون بررسی اصول قانون اساسی تشکیل و مشغول کار میگردد.

تبصره ۱ — همه نمایندگان محترم، در این مرحله به هفت گروه دمنفره و یک شورای ارتباط سه نفره، به ترتیب مرحله اول تقسیم میگردند.

تبصره ۲ — هر روز تعدادی از اصول پیش نویس (باتوجه به میزان اهمیت آنها) و سیله شورای ارتباط تعیین و در اختیار هیأت رئیسه گذارده میشود ویستور رئیس مجلس در دستور جلسه قرار میگیرد.

تبصره ۳ — پس از قرائت و اعلام اصول در همه کمیسیونهای هفت گانه، همه اصول مورد بحث و بررسی، بطور خلاصه در اختیار شورای ارتباط قرارداده میشود تا تکثیر و توزیع گردد.

تبصره ۴ — برای اینکه نمایندگان محترم مجال کافی برای مطالعه همه نظرات داشته باشند، جلسات کمیسیونها هر روز صبح تا ظهر تشکیل و نظرات در پایان هر جلسه برای تکثیر آماده میشود و عصر همان روز در میان نمایندگان توزیع میگردد یا در عصر روز بعد در جلسه عمومی مطرح و رأی گیری میشود.

رئیس — برای اصلاح ماده هجده این پیشنهادها شده است که کلمه (کمیسیونها) به (گروهها) و بعد از کلمه (مقدماتی از هفته دوم)، (همان) و بعد از (کمیسیون)، (هایه) اضافه شود و کلمات (تشکیل) و (کار) حذف شود. بنابراین ماده هجده بعد از اصلاح قرائت می شود:

ماده ۸ — پس از خاتمه کارگروههای مقدماتی، از هفته دوم همان گروهها به بررسی اصول قانون اساسی مشغول میگردد.



رئیس — در ضمن تبصره یک این ماده حذف و تبصره دو بجای تبصره یک می‌آید، در آن هم اصلاحاتی شده است که قرائت می‌شود:

تبصره ۱ — هر روز مقداری از اصول پیش‌نویس، با توجه به میزان اهمیت آنها بوسیله شورای هماهنگی تعیین و در اختیار هیأت رئیسه گذارده می‌شود و بدستور رئیس مجلس در دستور جلسه قرار می‌گیرد. این اصول همیشه یک روز قبل از تشکیل گروه مربوطه بوسیله منشی مجلس، در جلسه علنی خوانده می‌شود، یعنی باید در آخر جلسه منشی برنامه کار فردای گروهها را اعلام کند، تا اعضاء توجه داشته باشند و شب آن اصول را مطالعه کنند.

رئیس — تبصره‌های بعدی قرائت می‌شود:

تبصره ۲ (تبصره ۳ قبلی) — پس از قرائت و اعلام اصول در همه گروههای هفتگانه، اصول مذکور مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و نتیجه بحث و بررسی بطور خلاصه در اختیار شورای هماهنگی قرارداده می‌شود تا تکثیر و توزیع گردد.

تبصره ۳ — برای اینکه نمایندگان سخن‌نمایی در جلسه کافی برای مطالعه همه نظرات داشته باشند، جلسات گروهها هر روز صبح تا ظهر تشکیل و نظرات در پایان هر جلسه برای تکثیر آماده می‌شود و عصر همان روز در میان نمایندگان توزیع می‌گردد تا در عصر روز بعد در جلسه عمومی مطرح و رأی گیری شود.

رئیس — ماده نوزده قرائت می‌شود:

ماده ۹ — هر یک از گروههای مجلس، برای تنظیم صورت جلسه و انجام امور دفتری و تسریع در جریان امور بایگانی و چاپ و تکثیر اوراق و اسناد، یک‌سخنگوار اداری از اعضای دبیرخانه در اختیار خواهد داشت.

رئیس — ماده بیست قرائت می‌شود:

جلسات عمومی مجلس

ماده ۲۰ — اصول بررسی شده در گروهها، در جلسات عمومی مجلس مطرح و پس از شور و مذاکره به رأی گذارده می‌شود.

تبصره — جلسات عمومی مجلس هر روز بعد از ظهرها تشکیل می‌شود و پس از رسیدت جلسه از هر یک از گروهها یک عضو منتخب همان گروه، نظرات گروه خود را تشریح می‌کند و در صورت وجود نظر مخالف در گروه، یک عضو دیگر هم در تشریح نظر مخالف، سخن خواهد گفت.

رئیس — آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — من در اینجا نظری دارم، ملاحظه بفرمائید اگر قرار باشد چهارده نفریا حتی هفت نفر بخواهند روی هر اصلی صحبت بکنند و در آن صحبت‌ها سوال هم باشد، بخواهم عرض کنم که این عده خیلی زیاد است. بهتر است این را اینقدر طولانی نکنیم و حداقل یک موافق و یک مخالف صحبت کنند، آنوقت اگر ادامه مذاکرات لازم بود، برحسب تشخیص مجلس و یا برحسب تشخیص رئیس جلسه، کسان دیگری هم صحبت کنند، ولی اگر چهارده نفر بخواهند صحبت کنند و هر نفر هم بخواهد یکربع ساعت صحبت کند، فقط سه ساعت و نیم مدت صحبت‌ها می‌شود. با توجه به اینکه قرار هم این است که جلسات علنی بعد از ظهرها تشکیل شود، ملاحظه بفرمائید که در این صورت اصلاً به تصویب چیزی میرسید یا نه؟



رئیس — آقای دکتر ضیائی بفرمائید.

دکتر ضیائی — به نظر من بهتر است از هر گروه یک نفر به عنوان موافق و یک نفر به عنوان مخالف صحبت کنند.

رئیس — آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — به عقیده بنده اگر چند اصل در همه گروهها به طور یکسان رسیدگی شده باشد، و بعد هم نتیجه آنها تکثیر شده و به اطلاع همه هم رسیده باشد، چه لزومی دارد که ما بگوئیم از هر گروهی یکنفر موافق و احیاناً یک مخالف بیاید اینجا و درباره اش نظر بد هد. زیرا نتیجه اش این میشود که به طور عادی اگر هیچ مطلبی بیش نیاید، باید سه ساعت و نیم وقت برای این چهارده نفر احتمالی در نظر گرفت. بنابراین بهتر است از هر گروه یک نفر بیاید و نظر گروه خودش را بیان کند و بگوید من این را پیشنهاد میکنم. مخالفتش هم که گروه دیگر است، میگوید من چیز دیگری را پیشنهاد میکنم. اگر غیر از این باشد ما باید بیست نوع نظر را مطرح کنیم. بنابراین اجازه بفرمائید یک نفر مدافع نظر گروه باشد، زیرا ممکن است در یک گروه سه جور نظر باشد و آنوقت باید سه جور دفاع کنند. بنابراین اگر بخواهیم منطقی باشد، باید اینطور اصلاح کنیم که اگر پیشنهاد گروهها مختلف باشد، برای دفاع از هر نظر جدیدی یک نفر از آن گروه می آید و بعد مجلس رأی میگیرد تا بشود در وقت صرفه جوئی کرد و ده دقیقه هم بیشتر وقت برای صحبت کردن ندهیم. والا شما چگونه میخواهید صد و پنجاه و یک اصل را با این کیفیت به تصویب برسانید با توجه به اینکه جلسات علنی هم فقط عصرها است و نمونه کیفیت بحث ها را هم در مسائل مربوط به آئین نامه ملاحظه فرمودید و در مسائل مربوط به اصول قانون اساسی خود به خود بحث ها جدی تر و کاملتر خواهد بود. حالا هم البته جدی است ولی آن موقع با احتیاط بیشتر رویش کار میشود. فرض بفرمائید اصل چهلم از طرف گروهها به پنج صورت پیشنهاد شده، این پنج صورت یکی یکی در مجلس خوانده میشود و یک نفر هم از آن گروه برای توضیح و دفاع از آن می آید صحبت میکند. بعد دویی و بعد سومی تا نفر پنجم. وقتی همه خوانده شد، پیشنهاد اول را به رأی میگذارند، اگر چهل و نه رأی نیاورد که هیچ، مردود است، و اگر چهل و نه رأی آورد، این تصویب شده است ولی تصویب شن معلق است. بعد دویی را به رأی میگذارند و به همین ترتیب سویی و چهارمی و پنجمی را. اگر یک پیشنهادی پنجاه رأی آورد این پیشنهاد بر پیشنهادی که چهل و نه رأی آورده مقدم است، آنرا می گذاریم و اگر یک پیشنهادی پنجاه و دو رأی آورد بر پنجاه رأی مقدم است و آنرا می گذاریم. بنابراین ماده را با این اصلاحات باید از نو بنویسیم و اگر اصلاحات مورد تأیید آفایان است به همین ترتیب بعداً تغییر عبارت میدهیم.

رئیس — آقای دکتر آیت بفرمائید.

دکتر آیت — پیشنهادی که بیشتر رأی آورد یکبار دیگر به رأی گذاشته میشود.

۳ — اخذ رأی برای انتخاب سه نفر اعضای شورای هماهنگی

یکی از نماینده‌گان — پیشنهاد میکنم برای تسریع در کار، هم‌اکنون سه نفر اعضای شورای هماهنگی را انتخاب نماییم.

دکتر بهشتی — بسیار پیشنهاد خوبی است برای اینکه کار پیش برود. بنابراین در این جلسه



سه نفر اعضای شورای هماهنگی را انتخاب می کنیم که امشب به کار رسیدگی به استخراج موضوعات پردازند و موضوعات را گروه بندی کنند و تا فردا صبح تکثیر کرده و در اختیار آفایان بگذارند تا انشاء الله فرد اضمن ادامه بحث پیرامون بقیه مواد آئین نامه که خیلی طول نمی کشد، بتوانیم گروه بندی را هم انجام بدھیم. به عقیده بنده سه نفر اول که انتخاب می فرمائید اعضای اصلی و دونفر بعد اعضای علی البدل باشند.

رئیس — آفایانیکه داوطلب هستند اعلام فرمایند.

آفایان: دکتر باهنر — دکتر غفوری — مکارم شیرازی — موسوی تبریزی — دکتر آیت — فارسی وحسینی آمادگی خود را برای شرکت در شورای هماهنگی اعلام کردند. هر کدام از آفایان نمایندگان می توانند اسم پنج نفر را مرقوم فرمایند. سه نفری که رأی بیشتر آوردند، اعضای اصلی و دونفر بعدی اعضای علی البدل خواهند بود. (دراین موقع رأی گیری با نظرات آفایان مشخص ها و داوطلبان بعمل آمد).

۴ — پایان جلسه و تعیین زمان تشکیل جلسه بعد

رئیس — نتیجه اخذ رأی در جلسه فردا صبح اعلام خواهد شد. جلسه را ختم می کنیم، جلسه آتی فردا صبح ساعت نه خواهد بود.

(جلسه ساعت هجده وسی دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس برسی نهائی قانون اساسی — حسینعلی منتظری



جلسه هفتم

صورت مشرح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه در ساعت نه صبح روز سی و یکم مردادماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و هشتم رمضان المبارک ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه.....
- ۲ - اعلام نتیجه اخذ رأی برای انتخاب اعضای شورای هماهنگی.....
- ۳ - قرائت اسامی خانین و دیرآمدگان جلسه قبل.....
- ۴ - ادامه بحث پیرامون آئین نامه داخلی و تصویب آن.....
- ۵ - اعلام پانزده دقیقه تنفس و تشکیل مجدد جلسه.....
- ۶ - پایان جلسه.....





۱ - اعلام رسمیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. با رسیدن عده نمایندگان حاضر به حد نصاب جلسه رسمی است. از خدای متعال این توفيق را میخواهم، که در هر جلسه با استفاده از تجربه های جلسه قبل، در راه بردن پشتها به سوی تصمیم موردنظر ای او، سریعترگام برداریم.

۲ - اعلام نتیجه اخذ رأی برای انتخاب اعضای شورای هماهنگی

نایب رئیس - نتیجه اخذ رأی گیری برای انتخاب اعضای شورای هماهنگی را به اطلاع میرسانم. آقایان دکتر باهنر پنجاه و نه رأی، دکتر غفوری پنجاد و نه رأی، مکارم شیرازی پنجاد و سه رأی، دکتر آیت چهل و هفت رأی، فارسی سی و هشت رأی. این پنج نفر اکثریت آراء را داشتند. به این ترتیب آقایان، دکتر باهنر و دکتر غفوری و مکارم شیرازی اعضای اصلی شورای هماهنگی در کمیسیونها و آقایان، دکتر آیت و فارسی اعضای علی البدل این شورا خواهند بود.

۳ - قرائت اسامی غائبین و دیرآمدگان جلسه قبل

نایب رئیس - غائبین جلسه دیروز عصر عبارتند از: آقای حائری که با تلفن عذرشان را اطلاع دادند، آقای رحمانی که بمناسبت شهادت فرزندشان با اجازه رفته اند و آقایان: طالقانی، طباطبائی، قاسملو و مدنی.

آقایانیکه تأخیر داشتند: حیدری نوزده دقیقه - خادمی هشتاد و دو دقیقه - صدو قی نوزده دقیقه - طاهری گرانی دوازده دقیقه - مولوی ملا زاده بیست و دو دقیقه - فارسی بیست و دو دقیقه - کریمی بیست و یک دقیقه - موسوی جزایری سیزده دقیقه - نوریخش نوزده دقیقه.

۴ - ادامه بحث پیرامون آئین نامه داخلی و تصویب آن

نایب رئیس - دستور جلسه طبق تصمیم دیشب دو چیز است، یکی اینکه بقیه آئین نامه را مورد بحث قرار داده و تصویب کنیم، و دیگر اینکه شورای هماهنگی فهرست عنوانین فضول را میان دولستان تکثیر کرده، و گروهها تا ظهر امروز مشخص شوند، که هرچه زودتر کارخودشان را آغاز کنند، و اما هنوز شخص نیست که امروز نطق قبل از دستور داشته باشیم یا نه، فکر میکنم بهتر است نداشته باشیم، چون هنوز آئین نامه تصویب نشده و بعلاوه ما یک روز تمام نطق قبل از دستور داشتیم و امروز باید سریعترین کارمان برسیم. البته دولستانیکه نوبت خواسته اند مناسب با بحثهایی که در پیش می آید نویشان را استفاده خواهند کرد، و رعایت خواهد شد. اما درباره آئین نامه فکر میکنم تا ماده بیست و یک و تصویب شده و قرار بود که گروه مسئول تهیه آئین نامه جدید، طرحی را درباره ماده بیست و یک و تبصره آن، با توجه به سوالاتی که دیشب مطرح شد، تهیه کرده و بیاورند اینجا و بخوانند. آیا کاری انجام گرفته؟ (نمایندگان - چون



شب بود فرصت نشد) اگر دوستان اجازه بفرمایند، متنی را که من تهیه کرده‌ام می‌خوانم :
«ماده ۱-۲- اصول بررسی شده در کمیسیونها در جلسات عمومی مجلس که هر روز بعد از ظهر تشکیل می‌شود، مطرح و پس از شور و مذاکره به رأی گذارده می‌شود.

تبصره- اگر متن تهیه شده توسط کمیسیونها یکی باشد، حداقل یک موافق و یک مخالف صحبت می‌کنند، سپس رأی گیری به عمل می‌آید. و اگر در کمیسیونها بیش از یک متن پیشنهاد شده باشد، متن پیشنهادی هرگروه به ترتیب شماره گذاری گروهها (یک تا هفت) خوانده می‌شود و مخبرگروه از آن دفاع می‌کند. پس از قرائت همه متن پیشنهادی برای یک اصل و دفاع مخربین از آنها، نسبت به هر پیشنهاد به ترتیب رأی گیری می‌شود. هر یک که بیشتر رأی بیاورد در متن قانون اساسی قرار می‌گیرد. راجع به ذیل پیشنهاد بنده، اگر آفایان فکر می‌کنند این قابل تضمین است که موقع رأی گیری واقعاً حضور ذهن داشته باشیم، یعنی هر کس به آن متن که موافق است رای ندهد، بلکه به بهترین متن رأی بدهد. اگر بتوانیم این حضور ذهن را دائماً حفظ بکنیم و بعد رأی به بهترین متنی که انتخاب کرده‌ایم، بدھیم یک‌رأی گیری کافی است. یعنی ذیل پیشنهاد این‌طور اصلاح می‌شود. پیشنهاد به رأی گذاشته می‌شود، هر پیشنهادی رأی کافی آورد» چون بندۀ این را تجربه دارم که در جلسات افراد، قبل از اینکه همه پیشنهادات خوانده شود، پیشنهادی را گفته‌اند خوب است و قبولش داریم و به آن رأی داده‌اند و بعد متوجه شده‌اند که غلتی پیش آمده است. بنابراین اگر تضمین می‌کنیم که همواره حضور ذهن داشته باشیم با یک رأی کار را تمام کنیم، و گرنه ناچاریم رأی گیریهای متعدد بکنیم. این یک متن پیشنهادی است.

مراغه‌ای- بندۀ پیشنهادی دارم.

نایب رئیس- دوستان دیگر هم تقاضای صحبت کرده‌اند، خواهش می‌کنم برای صرفه‌جوئی در وقت و اینکه چیزی شخص در جلسه مطرح شود، هر کس پیشنهاد خودش را بتویسد و بدهد. بنابراین پیشنهادهای رسیده را به ترتیب می‌خوانم، و نوبت تقاضای صحبت را هم حفظ و رعایت می‌کنم، تا بینم چگونه می‌شود در خدمتتان بود. حال پیشنهاد آقای موسوی اردبیلی قرائت می‌شود:

بعجای تبصره ماده ییست و یک چنین نوشته شود:

تبصره- کمیسیونهای هفتگانه هر روزگارش و نظرات خود را درباره موارد مورد بحث به شورای هماهنگی، و توسط آنها به هیأت رئیسه بدهند. اگر مطلب قابل بحث در میان نظرات کمیسیونها به نظر رسید، هیأت رئیسه آنرا در مجلس عنوان کند، و در آن کمیسیون یک نفر را برای توضیح بخواهد و تشخیص این مسئله به نظر هیأت رئیسه باشد.

نایب رئیس- پیشنهاد آقای مراغه‌ای قرائت می‌شود:

پیشنهاد می‌نماید تبصره زیر به ماده ییست و یک اضافه بشود:

تبصره- در پایان هر روز، کمیسیون هماهنگی نظرات کمیسیونها را جمع آوری، در صورتیکه درباره اصول بیش از سه متن متفاوت وجود داشته باشد، نظرات کمیسیونها را مجدداً به کمیسیونها ارجاع می‌نماید، تا بر اساس جمیع نظریات نتیجه را اصلاح و تجدید نظر نموده و به مجلس پیشنهاد نمایند.

نایب رئیس- پیشنهاد آقای منتظری قرائت می‌شود:



اولاً— رأى مخفی گرفته می‌شود، اگر اکثریت مطلوب حاصل شد، هو المطلوب، و اگر حاصل نشد چون همه سبق ذهن دارند، نسبت به همه متون پیشنهاد می‌شود که متی که اکثریت دارد، به آن رأى علیٰ داده شود، و با قیام و قعود برای آن متن رأى گرفته می‌شود.

نایب رئیس— پیشنهاد آقای رشیدیان قرائت می‌شود:

کمیسیونها متن خود را به یک گروه نگارش بدنهند، تابه صورت بهترین متن درآید، به این وسیله هم بهترین متن تهیه، وهم اصول به صورت یکدست و منظم تدوین خواهد شد.

نایب رئیس— آقای رشیدیان اگر نظرشمار در مورد عبارت باشد، همینطور است که می‌فرماید ولی در مورد مطلب و محتوا کمیسیونها، اختلاف نظر دارند. عنایت می‌فرماید که بحث سر محتوا است و نه سر کلمات. پیشنهاد آقای نوریخشن قرائت می‌شود:

اگر در کمیسیونها بیش از یک متن پیشنهاد شد، مخبرین هرگروه باهم سعی کنند نظرات را یکسان کنند، و سپس به اطلاع گروهها برسانند. سپس در صورتیکه توافق لازم حاصل نشد و اختلاف در اصول بود، ونه در انشاء و کلمه، آنگاه در جلسه عمومی بحث شود.

نایب رئیس— آقای دکترونیانی پیشنهاد دارند که خودشان راجع به آن توضیح می‌فرمایند.

دکترونیانی— با توجه به اینکه کمیسیونها هفتگانه، از شما رهبریک تا هفت شما رهگذاری شده است، پیشنهاد می‌شود متون تهیه شده از طرف کمیسیونها برای هر اصل بر حسب شماره کمیسیون، شماره گذاری، و نمایندگان پس از مطالعه کامل آنها واستعمال نظرات موقوفین و مخالفین، در مقابل هر یک از ترتیبها که آن را بهترین متن، یعنی به عنوان انتخاب اول خود می‌دانند علامت بگذارند، و بین ترتیب متنی که بیشترین آراء را به عنوان اولین انتخاب به خود اختصاص دهد، به عنوان متنی که باید با تبادل نظر در جلسه عمومی توسط پیشنهاد دهنگان تکمیل و به رأى نهايی گذارده شود، انتخاب گردد.

نایب رئیس— پیشنهاد آقای طاهری قرائت می‌شود:

اگر متون پیشنهادی گروهها، همه در نظر آقایان باشد، یک رأى کافی است، چون به نظر نمی‌رسد اگر آقایان متن یکی از گروهها را بهتر بدانند، به متن دیگری رأى بدene.

نایب رئیس— پیشنهاد آقای موسوی جزايري قرائت می‌شود:

رأى گیری روی هر پیشنهاد معقول تر است، زیرا رأى گیری به صورت نقی و اثبات است و چون پیدا کردن بهترین که روی آن نقی و اثبات شود، خود اول کلام است. آیا چه معیاری می‌تواند وجود داشته باشد؟ لامحاله رئیس جلسه نظرخود را برای تشخیص بهترین و به رأى گذاردن آن تحمیل خواهد کرد.

نایب رئیس— پیشنهاد آقای صافی قرائت می‌شود.

به نظر می‌رسد این عبارت چنین اصلاح شود (اگر متون پیشنهادی هر یک از کمیسیونها متعدد شود) چون ممکن است در یک کمیسیون توافق حاصل نشود، ورد نظر مخالف با اکثریت آراء کمیسیون صحیح نیست، بلکه باید تمام پیشنهادهای مخالف در هر فصل و هر اصل در جلسه عمومی مطرح و به رأى گذارده شود.

نایب رئیس— پیشنهاد آقای دکترونیانی قرائت می‌شود:

در جلسات عمومی مجلس که هر روز بعد از ظهر تشکیل می‌شود، و پس از شورومدا کرده لازم به رأى گذارده می‌شود، پس از رسیمیت جلسه در صورت توافق همه اعضای گروه، در مورد متن



پیشنهادی، یک عضو منتخب از طرف کمیسیون مربوط نظر کمیسیون خود را تشریح میکند، و در صورت وجود نظر مخالف، یک عضو دیگر هم در تشریح نظر مخالف سخن خواهد گفت، و سپس به رأی گذارده میشود.

نایب رئیس - پیشنهاد آفای مکارم شیرازی قرائت میشود:

- «مختبر» حذف شود، و بجای آن «یک نفر از کمیسیون» قرار داده شود.

- تأکید شود که «بهترین را انتخاب کنند و اضافه کنند»

- اگر رأی کافی نیاورد، آنکه اکثریت دارد مورد سور قرار داده شود و روی آن اصلاحات لازم به عمل آید.

نایب رئیس - بطور کلی هر کمیسیونی باید یک نفر مخبر داشته باشد.

مکارم شیرازی - مخبر، نه کسی که دفاع کند.

نایب رئیس - این ذیل معلوم است، که اگر پیشنهاد رأی نیاورد در همه موارد باید توجه داشته باشیم و برای تکمیل باید فکری برای آن بکنیم، پیشنهاد آفای عرب قرائت میشود: هر پیشنهادی که محتوای آن مستدل تر و منطقی تر بوده باشد، نسبت به پیشنهادی که از جهت عبارت و الفاظ متین باشد، مرجح است و تشخیص این کار با هیأت بررسی میباشد.

نایب رئیس - پیشنهاد آفای کریمی قرائت میشود:

هرگاه گروهها بیش از یک متن پیشنهاد نمودند، دو گروه مخالف نشست مشترک تشکیل دهند و با مذاکره و اخذ رأی، برای یک متن مورد توافق اقدام نمایند تا اختلاف بدین وسیله در میان هر گروه مخالف پیش از عرضه متن به جلسه علنی، رفع شود.

نایب رئیس - پیشنهاد آفای حیدری قرائت میشود:

اگر بیش از یک متن، برای اصول بررسی شده از طرف گروهها باشد، به رأی گذاشته میشود. متوفی که به نظر هیأت فقها مخالف شرع اسلام نبود و به صلاح ملت و مملکت باشد، انتخاب و متوفی که مخالف با اسلام یا به صلاح مملکت و ملت نیست، به گروه مربوط رفته که اصلاح نمایند، و به رأی گذاشته شود. بعد از آنکه متون به شرح فوق به تصویب رسید، برای انتخاب بهترین متن از حیث محتوا و عبارت، به رأی عمومی گذاشته شود، و قبل از به رأی گذاشتن متون، از هر گروه یک نفریه مدت پنج دقیقه میتواند در موضوع متن گروه خود صحبت کند.

نایب رئیس - پیشنهاد آفای دکتر آیت قرائت میشود:

جلسات عمومی مجلس، هر روز بعد از ظهرها تشکیل میشود و پس از رسیدت جلسه پیشنهادات کمیسیونها در مورد هر اصل جدآگانه مطرح میگردد، و بدون مذاکره در مورد پیشنهادهای مطروحه رأی گیری میشود. پیشنهادی که بیشترین رأی را آورد، در مجلس مطرح میگردد، که مورد حک و اصلاح قرار گرفته و بطور نهائی تصویب گردد.

نایب رئیس - پیشنهاد بعدی از طرف آفای خزعلی و سید جلال الدین طاهری رسیده است که قرائت میشود:

بسمه تعالی

اگرستون پیشنهادی گروهها همه در نظر آفایان باشد، یک رأی کافی است، چون بنظر نمیرسد اگر آفایان متن یکی از گروهها را بهتر بدانند، به متن دیگری رأی بدهند. خزعلی، سید جلال الدین طاهری



نایب رئیس — من نظر آقای طاهری و خزعلی را می پذیرم و اصلاح میکنم ، و دوباره میخوانم. این پیشنهاد را که میخوانم به رأی میگذارم:

«تبصره — اگر متن تهیه شده توسط گروهها یکی باشد، حداقل یک موافق و یک مخالف صحبت میکند. سپس رأی گیری بعمل می آید و اگر در گروهها بیش از یک متن پیشنهاد شده باشد متن پیشنهادی هر گروه، به ترتیب شماره گذاری گروهها خوانده میشود و مخبر گروه از آن دفاع میکند.»

برای یک اصل و دفاع مخبرین از آن، هر پیشنهاد به ترتیب به رأی گذاشته میشود. وقتی یک پیشنهاد با حد نصاب لازم تصویب شد، از رأی گیری نسبت به پیشنهادهای باقیمانده خودداری میشود. توجه دارید که ما هفت گروه داریم . اگر گروه یک مطلب را پیشنهاد کرده، و گروه دو و سه مطلب دیگری را، البته هر یک از این مطالب قبل از گروه مربوط به خودش اکثریت آراء را بدست آورده است. بنابراین اختلاف در متون پیشنهادی گروهها است و سائله اینکه دفاع را مخبر بکند یا فرد منتخب، بهتر است که این را در اینجا نگوئیم، بلکه در جای خودش بگوئیم، زیرا بطور کلی گروهها با مجلس سروکار دارند و باید در جای خودش مطرح کنند که آیا گروهها مخبرخواهند داشت یا نه؟

یکی از نمایندگان — اگر کلمه «حداقل» را حذف کنید بهتر است.

مکارم شیرازی — آیا با شماره گذاری یکبار رأی گرفته میشود، یا هفت بار؟

نایب رئیس — یکبار رأی گرفته میشود، اجازه بفرمائید که این توضیح را بنده بدهم که ما اول یک متن را به رأی میگذاریم. مثلاً اگر در مورد اصل سی و چهار از هفت گروه، هفت پیشنهاد داشته باشیم، این پیشنهاد را به ترتیب شماره گذاری کرده، و بترتیب شماره گروهها آنها را میخوانیم . اول متن پیشنهادی گروه شماره یک خوانده میشود و حداقل یک موافق و یک مخالف صحبت میکنند، بعد متن پیشنهادی گروه دو خوانده میشود و یک موافق و یک مخالف صحبت میکنند تا شماره هفت، ولی رأی نمیگیریم، فقط میخوانند و دفاع میکنند. وقتی همه اینها خوانده شد و دفاع شد، بعد نوبت رأی گیری است که به ترتیب ابتدا پیشنهاد گروه یک را به رأی میگذاریم. اگر متن شماره یک چهل و نه رأی آورد، از رأی گیری بقیه خودداری میشود ولی اگر متن شماره یک چهل و نه رأی نباورد، متن گروه شماره دو را به رأی میگذاریم. اگر این متن چهل و نه رأی آورد، از رأی گیری بقیه خودداری میشود و همینطور ادامه میدهیم.

مکارم شیرازی — آیا هفت مرتبه رأی کتبی میگیرید؟ زیرا اگر آخرین مرحله مورد تصویب واقع شود هفت بار رأی گرفته میشود، یکبار رأی بهترین کار است.

نایب رئیس — آقای مکارم تشریف بیاورید این یکبار رأی بهترین را توضیح بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. عرضی که کردم منظورم اینست که مادر عمل با مشکلی مواجه نشویم. فرض اینست که طرحهای هفت گروه چاپ شده و در اختیار همه گذاشته شده، بنابراین طرح هر گروهی معلوم است که چیست و از گروه اول تا هفتم شماره گذاری شده است. بنابراین هفت طرح از هفت گروه چاپ شده و جلویمان هست. سپس اینجا روی هفت طرح، موافق و مخالف صحبت میکنند، ولی در موقع رأی گیری ما یک رأی بیشتر نمیدهیم. بنابراین از این هفت طرح که جلوی ما گذاشته شده و روی این هفت طرح هم بحث و صحبت کرده اند، بهترین آنها را پنج دقیقه رویش مطالعه میکنیم و انتخاب میکنیم. در یک رأی گیری ممکن است، این بهترین سی و چهار یا سی و پنج ویا بیست و پنج رأی بیاورد. آنکه بیشترین رأی را آورده،



در جلسه مورد بحث قرار گردید. یک چیزی کم و یا یک چیزی اضافه میکنیم و اصلاح می کنیم، تا توافق بشود و تعداد رأی لازم را بیاورد. والا وقت با رأی گرفتن کتبی و مخففی روی هر اصل از صد و پنجاه تا دویست اصل، با توجه به اینکه از هر گروهی یک موافق و یک مخالف صحبت میکند، هم گیج کننده است و هم با مشکلات زیادی روپردازی میشود. اما میزان تشخیص بهترین این است که چون هدف ما تنظیم قانون اساسی است، باید بینینم آیا آنکه میگوید دو صفت و یا سه صفت داشته باشد؟ بنابراین آن متنی که هدف قانون اساسی ما را یعنی هم تعلیمات اسلام و هم حقوق ملت و هم مترقی بودن آن را بهتر تأمین میکند، ما همان را انتخاب میکنیم و به رأی میگذاریم. اگر رأی آورده که هیچ، ولی اگر آراء موافق آن به حد نصاب نرسید، در آن اصلاحاتی میکنیم تا حد نصاب رأی را بیاورد.

نایب رئیس — آقای طاهری بفرمایید.

سید جلال طاهری — من جواب آقای مکارم را میگویم. هفت متن از هفت گروه جلوی ما است، ایشان بیفرمایند بهترینش را انتخاب میکنیم، دلیل بهترینش کدام است؟ از نظر من ممکن است بهترینش آن باشد. پس برای اینکه بهترین تشخیص دادمشود، راهی نداریم مگر اینکه متن شماره یک و دو، همینطور تا آخر را به آراء عمومی بگذاریم، هر کدام چهل و نه رأی آورد، آن بهترین بشمار میرود.

نایب رئیس — از توضیحی که درباره پیشنهاد آقای مکارم دادید متشکرم. عرض کنم یک وقتی ما رأی میگیریم بدون علامت، همانطور که بیفرمایند پیشنهاد ایشان اینست که روی رأی، شماره پیشنهاد را بنویسیم، به این ترتیب هر فردی متن منتخب خودش را با شماره مشخص کرده و دیگر رأی موافق و مخالف و متن گرفته نمیشود، بلکه رأی کتبی گرفته میشود و هر کس شماره متن منتخب خودش را مینویسد و اینها استخراج میخواهد که بیش از میزد رأی گیری طول میکشد. بنابراین به متن اولی رأی میگیریم اگر رأی نیاورد دو میزد را مطرح میکنیم. بنابراین باید توجه داشته باشیم که هر رأی گیری چهار پنج دقیقه طول میکشد و استخراج آراء هم همانقدر طول خواهد کشید. آقای دکتر غفوری فرمایشی دارید بفرمایید.

دکتر غفوری — بسم الله الرحمن الرحيم. همانطور که گفتم سخن تا به حد ضرورت نرسد انسان به خودش حق نمیدهد که وقت عزیز گرفته شود. چون بمنظور میسرد یک ابهامی با آنچه مورد نظر ما هست بیش آمده است، خواستم اینجا یک توضیحی بدهم. غرض اصلی اینست که کشف بهترین متن بشود و برای کشف بهترین متن، پیشنهاد شده بود که یک کمیسیونی که اگر اسامش را بگذاریم کمیسیون مخصوصین و دریک قسمت متمرکزند، یک متن را انتخاب کنند و برای اینکه تنها فکر نکرده باشند و از عقل و تجربه و تخصص دیگران استفاده کنند، لغتیم این متن تهیه شده توسط هر کمیسیون (که متمرکزند در یک قسمت خاص) در اختیار سایر گروهها قرار گیرد. چرا؟ چون ممکن است آنها که تخصصهای متعددی دارند و یکی از متنها را انتخاب کرده‌اند، حالا در گروه دیگری باشند و راجع به این موضوع نظر خاصی داشته باشند، بنابراین نظر خودشان را کتاباً به همین کمیسیون اطلاع بدهند و این کمیسیون که قبل ایک تصمیمی گرفته و متنی تهیه کرده، احتمالاً متوجه یک مسائل تازه‌تری بشود و رویش مطالعه کند و آنها را در متن جدید دخالت بدهد، این متن قابل عرضه میشود و لذا در پیشنهادی که داده شده وقتی که یک چیزی دو مرحله را



گذرانده این میشود آماده. (مرحله اول تصمیم اولیه کمیسیون متمرکز اصلی است و مرحله دوم العاق و انضمام نظرات رسیده و قابل طرح در آن ماده میباشد) پس آمادگی دو مرحله دارد، مرحله اول که کمیسیون اصلی متمرکز، متنی را تهیه میکند ولی به خاطر اینکه ممکن است چیزی از نظرشان دور مانده باشد، در اختیار شش گروه دیگر قرار داده میشود، و نظرات آنها کتابت به همین گروه بر میگردد و یک روز یا دو روز به تناسب موضوع و پیشنهادات رسیده آنها را مطالعه و دخالت میدهدن و متن نهائی را برای جلسه عمومی آماده میکنند...

نایب رئیس — خیلی مشکریم آقای دکتر غفوری.

دکتر غفوری — بنابراین آنوقت درباره آن رأی گرفته میشود.

نایب رئیس — چون توضیحاتی که از صرف وقت اضافی کم میکند برعهده مسؤول هر جلسه است، من توضیح میدهم آقای دکتر غفوری توجه بفرمایید که ما در طرح جدید گروه اصلی و غیر اصلی نداریم بلکه در طرح جدید هر هفت گروه، اصلی هستند، که متمرکز هستند و همه گروهها روی متون کار و رسیدگی میکنند، ولی البته متن پیشنهادی آنها متفاوت است، بنابراین پیشنهاد شما با طرح جدید نمیخواند. آقای موسوی جزايري بفرمایید.

موسوی جزايري — بسم الله الرحمن الرحيم. برای تشخیص بهترین نظر، بنده همان طرحی را که آقای دکتر روحانی پیشنهاد کردند خیلی خوب میدانم. یعنی روی پیشنهادها شماره یک تا هفت نوشته میشود و هر کسی جلوی آنچه که به نظرش بهتر است علامت میگذارد. بعد حساب میکنید هر کدام بیشتر رأی آورد آن را بهترین میشناسیم. البته ممکن است بهترین به میزان حد نصاب، یعنی چهل و نه رأی نیاورد، که دو مرتبه در معرض بحث قرار میگیرد و کم و زیاد شده و مجددآ نسبت به آن رأی گیری میشود تا به حد نصاب، یعنی چهل و نه رأی برسد.

نایب رئیس — بهتر می بود آقای موسوی جزايري مطبشان را به صورت پیشنهاد مرقوم میفرمودند. از سایر آقایان هم خواهش میکنم اگر مطلبی غیر از مطالب دیگران دارند، عنوان و به صورت کتبی مرقوم بفرمایند. آقای موسوی اردبیلی بفرمایید.

موسوی اردبیلی — بسم الله الرحمن الرحيم. بحث ما در باره یک ماده و یک تبصره است و پیشنهادهایی که داده شده یک مقدارش مربوط به ماده و مقداری از آن مربوط به تبصره است. یک مطالب اضافی دارد که صحبتهای دیروز مربوط به تبصره بود و امروز دو تا سواله توی هم رفته که من نمیتوانم تشخیص بدhem. اما راجع به تبصره، اصل مساله و بحث در کمیسیون این بود که نظرات کمیسیونها به صورت گزارش داده شود، یعنی هفت کمیسیون باید هفت گزارش کتبی بدند. آقای مکارم نظرش این بود که غیرازتوضیح کتبی، توضیح شفاهی هم داده شود. یکی روی این موضوع بحث شد و قرار شد در این مورد گزارش هم داده شود. ولی با ایشان یک بحث اینطوری هم داشتیم که اگر در کمیسیون دو نفر دو نظر موافق و مخالف داشتند از نظر خود دفاع کنند، چون «آه صاحب درد را باشد اثر» بنابراین در صورتیکه دو نظر باشد، هر کمیسیون باید دو گزارش بدهد که یکی مربوط به تبصره است و دیروز هم راجع به این بحث بود و پیشنهادی که کردم این بود که ممکن است پیشنهاد دوم بیشتر از پیشنهاد اول رأی بیاورد. پس باید پیشنهاد دوم مطرح بشود و به نظر من برای اینکه وقت مجلس گرفته نشود طبیعی ترین راه اینست که گزارش های کمیسیونها به شورای سه نفره داده شود و اینها گزارشها را رویهم بربیزند و این اختیار را به هیأت رئیسه بدهند، که اگر پیشنهادها اختلافی با هم دارند



که آن اختلاف اصولی نبود و بنظرشان مهم نرسید، دیگر لازم نیست یکنفر یا دو نفر بیایند و بحث کنند، بلکه خود هیأت رئیسه گزارش بهتر را تدوین کند و اگر در بیان اینها یک مطلبی اساسی و اصولی و اصلاحی بود، از آن کمیسیون که این مطلب اصولی را داده، یکنفر یا دو نفر نظرات خودشان را توضیح بدهند. این مطلبی بود راجع به تبصره، و اما راجع به ماده بیست و یکم، آقای دکتر غفوری مثل اینکه ماین کمیسیونهای اصلی و فرعی و کمیسیونهای دوم اشتباہ کرده‌اند. در کمیسیونهای دوم دیگر موضوع اصولی و فرعی مطرح نیست و اگر متن هم درست تنظیم نشده باشد، بنده پیشنهاد میکنم که کمیسیون دوم نظرات را به دست هیأت رئیسه بدهند و اگر پنج نفر هم برای اینکار کم است، سه نفر شورای دیپان هم با آنها همکاری کنند که می‌شوند هشت نفر و اگر لازم بود افراد دیگر را هم دعوت کنند و بنشینند و این نظرات و جهات اصولی را از هم جدا کنند. والا چون هفت گروه است ممکن است هفت نوع نظر باشد، که خیلی هم اصولی نباشد. ولی من که این نظر را دارم چون معمولاً آنرا خیلی اصولی میدانم، می‌آیم وقت جلسه را میگیرم که صحبت کنم و دفاع کنم. با درنظر گرفتن اینکه جلسه علیق فقط عصرها است و کمیسیون‌ها هفت تا است و هر کمیسیون ممکن است سه نظر داشته باشد، هیأت رئیسه کمکی که می‌تواند بکند اینست که نظرات کمیسیونها را بررسی و آنچه را که قابل طرح در جلسه هست به مجلس بیاورند. زیرا اگر همه نظریات بیاید اینجا و از همه آنها بخواهد دفاع شود، هم وقت نمیرسد، و هم گاهی جلسات بسیار بطول خواهد انجامید.

نایب رئیس - آقای ربانی شیرازی پیشنهادی دارند که قرائت می‌شود:

۱ - اگر متون و اصله متعدد بود، متنی که بیشترین گروهها با آن توافق دارند، حق تقدم برای طرح در مجلس دارد.

۲ - اگر متون متعدد بود پس از توضیح و دفاع مخبر، رأی گیری می‌شود و صاحب رأی با شماره‌گذاری رأی خود را تعیین می‌نماید.

۳ - برای صرفه‌جوئی در وقت، یکنفر یا دو نفر با توجه به نظرات و دلیل آن در مقام تبیین و توضیح نظرات برمی‌آیند.

نایب رئیس - پیشنهادی است از طرف آقای بنی صدر که قرائت می‌شود:

اگر هفت گروه هفت نظر داشته باشند، معلوم است که دوسوم آراء را بدست نمی‌آورند. چرا این هفت گروه یک گروه جدید تشکیل ندهند؟ به این ترتیب که از هر گروه یکنفر در صورتیکه همه با متن تقدیمی موافقتند و دونفر در صورتیکه دو گرایش دارند، یک گروه جدید تشکیل دهند و هفت نظر را بیک نظر، و اگر توانستند به دونظر تبدیل کنند، و گرنه با رأی گیری به ترتیب انجام پذیرد، مشکل حل نمی‌شود.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای رشیدیان قرائت می‌شود:

کمیسیونها متن خود را بیک گروه نگارش بدنه، تا بصورت بهترین متن درآید، به این وسیله هم بهترین متن تهیه و هم اصول بصورت یکدست و منظم تدوین خواهد شد.

نایب رئیس - پیشنهادی است که از طرف آقای فاتحی رسیده است قرائت می‌شود:

هر یک از متون تهیه شده کمیسیون، جهت دقت بیشتر مناسبتر است مورد بررسی مجدد کمیسیون‌های هفتگانه قرار گرفته، و نظریه اصلاحی خود را اعلام به کمیسیون اولیه بمنایند، تا کمیسیون با توجه به نظرات دیگران متن نهائی خود را تهیه نماید تا در جلسه عمومی به رأی گذاشته شود.



نایب رئیس — پیشنهادی است از طرف آقای دکتر شیبانی که قرائت میشود:

جلسات عمومی مجلس هر روز بعد از ظهر تشکیل میشود و پس از رسیدت جلسه، تمام پیشنهادهای گروههای هفتگانه با بیان موافق و مخالف قرائت، سپس با شماره‌گذاری اولین منتخب و بهترین منتخب و دویین و سومین، رأی گرفته میشود. در صورت حائز اکثریت، تصویب و در غیراین صورت به کمیسیون مشترک ارجاع و پس از تلفیق نظرات در مجلس قرائت و به رأی گذاشته میشود.

نایب رئیس — پیشنهادی است از طرف آقای باهنر که قرائت میشود:

نظرات کمیسیونها توسط شورای هماهنگی تنظیم میشود و موارد اختلاف از نظر محتوا دقیقاً مشخص شده و درباره هرمورد اختلاف، از نظر محتوا یک نفر دفاع نماید، سپس رأی گرفته شود و پیشنهادی که بیشترین آراء را آورد تصویب میشود.

نایب رئیس — بطورکلی نظرات در دونوع خلاصه میشود. ۱— وقتی نظرات متعدد است با درهمان جلسه بنظرات رأی میگیریم. ۲— اگر نظرات متعدد بود آنها را بر میگردانیم یک مرتعی بثلا شورای هماهنگی، البته درمورد پیشنهاد اول هم دو حالت وجوددارد، یکی اینکه پیشنهادها رایخوانیم و موافق و مخالف هر پیشنهاد بیانند صحبت کنند و بعد نسبت به هر یک از پیشنهادها رأی گرفته شود، وقتی به اکثریت رسید رأی گیری را متوقف میکنیم. حالت دوم اینست که رأی گیری بصورت موافق و ممتنع و مخالف نباشد، هر کسی پیشنهاد بورد انتخابش را جلویش علامت میگذارد و بعد آراء را استخراج میکنند. اگر اکثریت آورد که هیچ و گرنه باید راهی پیدا کرد. بنابراین دو رویه را به رأی میگذاریم، رویه اول اینست که ابتدا پیشنهاد خوانده میشود، موافق و مخالف صحبت میکنند و به ترتیب رأی گیری میشود، موافقین با این پیشنهاد قیام فرمایند (اکثریت خاستند) با سی و هفت رأی موافق از شصت و چهار رأی حاضرین تصویب شد. بنابراین پیشنهادهای دیگر در این زمینه مطرح نمیشود.

صفافی — مجلس نمیتواند رأی بدهد که نماینده در مجلس اظهار نظر نکند.

نایب رئیس — پیشنهاد با اظهار نظر فرق میکند. اگر کسی نظری دارد میتواند بگوید، آقای مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — بنام خدا، اولاً بمنه میخواستم جسارتًا عرض کنم اظهار نظرات و ترتیب جریان کار مجلس طوری است که اگر چه حالا مسئله مهمی مطرح نیست، و راجع به آئین نامه است. چون اگر اشخاص همینطور بدون نوبت و متفقاً صحبت کنند، ممکن است نظرات و تصمیمات نامعلوم بماند. اما درمورد مطلبی که الان مطرح شد و چیزی که تصویب میشود باید روشن و صریح باشد. الان مقداری مذاکره شد و رأی گرفته شد، و ما نفهمیدیم برای چه رأی گرفته شد. اگر یک متنی با عبارات مشخص و معینی تنظیم و توزیع شده بود و ما به آن رأی میدادیم بهتر بود، آن چیز مدون و مشخص نبود.

یکنفر از نمایندگان — چیزی نبود که نفهمیم، ما فهمیدیم و رأی دادیم.

ربانی املشی — ایشان دیر به جلسه تشریف آوردند.

مقدم مراغه‌ای — یک کمیسیون هماهنگی داریم که اسمش روی آن است و باید کار کمیسیونها را هماهنگ کند. آقای بهشتی از یکطرف بیفرمایند یک موافق و یک مخالف صحبت میکنند بعد رأی میگیریم ولی در عمل اینکار را نکردند و به پیشنهاد دهنگان بعدی



مجال اظهار نظر داده نشد، وحال اینکه درباره پیشنهاد منفرد مدتی صحبت کردند. اگر رعایت اصول را میخواهید بگنید، باید اجازه بدید همانطور که خودتان پیشنهاد فرمودید همه درباره پیشنهاد خودشان صحبت کنند تا مجلس روشن شود، و بعد رأی گیری کنند. به این ترتیب که عرض کردم اگر این کمیسیون هماهنگی نظرات کمیسیونها را هرشب جمع آوری کند، اگر همه یک جور بود که اشکالی نیست ولی آنچه مسلم است مخصوص هفت کمیسیون غیرمکن است که از نظر عبارتی یکی باشد. اما از نظر عبارات اگر اختلافی باشد این را کمیسیون هماهنگی درست میکند ولی اگر در محتوا اختلافی بود و بیشتر از دو سه تا بود، باید مجدد آبه کمیسیون ها ارجاع بشود، شاید آنها خودشان در نظرات خودشان تعدیل کنند و باالمال برسد به دویا سه نظر و حتماً هم با این وحدتی که الان هست همینطور میشود و آنوقت درباره دو سه نظر میشود در مجلس تصمیم گرفت و اخذ رأی برای چند موضوع دریک نوبت برخلاف سنت پارلمانی است، زیرا برای رأی دهنده باید روشن باشد که کدام رأی از کدام رأی بیشتر است و بنظر من این کار صحیح بنظر نمیرسد.

کرمی — آنها که رأی دهنده هستند، خودشان می فهمند.

نایب رئیس — آقای مراغه‌ای خواهش میکنم با توجه به آنچه که در مجلس میگذرد صحبت بفرمائید. برای رفع سوء تقاضا، عرض میکنم که متن پیشنهادی که به رأی گذاشته شد، نه تنها خوانده شد بلکه دوستان متن آنرا هم نوشتند و در مقابلشان دارند و میخوانند و بعد به آن رأی میدهند. چون این جوچیز ها بقول آقای کرمی بجز این مجلس توھین میکند. بن عنوان مسئول جلسه در مقابل اظهارات آقای مراغه‌ای اعلام میکنم که پیشنهاد نه تنها خوانده شد بلکه همه آنرا نوشه بودند. ضمناً ایشان گفته که همه درهم و باهم مطلبی را عنوان میکنند، ولی امروز مخصوصاً حتی برای یک بار هم دو نفر باهم صحبت نکردند، اسمها راهم من اعلام کردند و طبق روال مسئول جلسه میتواند اجازه دهد که نمایندگان از سر جایشان صحبت کنند. ماده بیست و دوم آئین نامه قرائت میشود:

ماده ۲۲ — پس از پایان کار جلسات عمومی، جلساتی به مدت سه روز برای شورو تصویب نهانی تشکیل میگردد، تا اگر در طول بروزی این اصول نظرهای تازه‌ای برای نمایندگان حاصل شده باشد و اصولی را لازم الاصلاح بدانند، اصلاح و بلافاصله به رأی گذاشته میشود.

نایب رئیس — در مورد این ماده نظری نیست؟ آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — اگر به این ترتیب پیش برویم سه روز دیگر هم کار تمام نمیشود.

بنی صدر — یک مرتبه به ماده بیست و دوم رأی داده ایم و تصویب شده است.

نایب رئیس — بنابراین ماده بیست و سه قرائت میشود:

ماده ۲۳ — مدت جلسات سی و یک روز است و در صورت ضرورت با تصویب مجلس حد اکثر به مدت ده روز قابل تمدید است.

نایب رئیس — در این ماده نظری نیست؟ آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — اگر مدت را اضافه تر و نامحدود بگذاریم کار جلسات عقب میافتد، و با نظراتی که در این زمینه هست، وفق نمیدهد پس باید محدودش کنیم.

نایب رئیس — موافقید حد اکثر پانزده روز بگذاریم؟ (نمایندگان — بلی).

نایب رئیس — پس ماده به این صورت اصلاح میشود. «مدت جلسات مجلس از شروع



سی و یک روز است و در صورت ضرورت با تصویب مجلس حداکثر به مدت پانزده روز قابل تمدید است».

حیدری— اگر در این مدت کار تمام نشد، مجلس منحل میشود؟

حائزی— برای سی روز، پانزده روز هم تمدید میگذارید؟

حیدری— بگذارید به حد ضرورت.

نایب رئیس— مشترکم، ماده بیست و سه را به صورت اصلاح شده به رأی میگذاریم، لطفاً موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. مواد بیست و چهار و بیست و شش که به هم مربوط است قرائت میشود:

ماده ۴— پس از تعیین هیأت رئیسه، مجلس و شورای دییران با اعلام رئیس مجلس تشکیل جلسه رسمی خواهد داد، و پس از معرفی اعضاء و هیأت رئیسه کمیسیونها، وظایف هر کمیسیون توسط رئیس مجلس به رئیس کمیسیون کمیسیون ابلاغ میگردد، و تاریخ تشکیل و ساعات شروع و ختم جلسات تعیین و به اطلاع نمایندگان حاضر در مجلس میرسد.

ماده ۵— هر یک از نمایندگان که مطلب مهمی داشته باشد در ارتباط با دستور روز مجلس میتواند با ثبت نام در فاصله قبل از شروع و ورود مجلس در دستور و یا با اجازه رئیس و رعایت نوبت به عنوان نقط قبل از دستور اظهار نماید.

تبصره— نقط نمایندگان قبل تنظیم و یک نسخه آن هنگام ثبت نام تقدیم هیأت رئیس مجلس میشود.

ماده ۶— نمایندگانی که برای نقط قبل از دستور اجازه گرفته اند با اعلام رئیس مجلس به نوبت پشت تریبون خطابه قرار خواهند گرفت، و حداکثر پانزده دقیقه مطالب خود را اظهار مینمایند.

نایب رئیس— در این سه ماده نقطی نیست؟ آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش— اگر امکان هست جلو صندلی نمایندگان میکروفن بگذارید.

نایب رئیس— مشترکم، در متن پیشنهادی قبلی پیش یینی شده بود که حداکثر وقت برای نقط قبل از دستور نیم ساعت است و در این نیم ساعت بین دو تا پنج نفر میتوانند صحبت کنند، و حتماً باید زمان نقط روشن باشد. به این مواد رأی میگیریم. موافقین اعلام موافقت فرمایند (اکثر دست بلند کردند) با حذف تبصره ماده بیست و پنج، هرسه ماده تصویب شد. ماده بیست و هفت مطرح است قرائت میشود:

ماده ۲۷— نمایندگان از جایگاه کرسی خود حق ایراد سخنرانی ندارند مگر با اجازه رئیس مجلس.

نایب رئیس— نسبت به ماده بیست و هفت نقطی نیست؟ (اظهاری نشد) به این ماده رأی میگیریم، موافقین اعلام موافقت بفرمایند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد.

ماده بیست و هشت قرائت میشود:

ماده ۲۸— در هر جلسه رسمی حداکثر پنج نماینده میتوانند نقط قبل از دستور را ایراد نمایند.

نایب رئیس— بنده فکر میکنم ماده بیست و هشت راجع به تجدید وقت است، بهتر است تجدید عددی را برداریم و در جلسه رسمی حداکثر نیم ساعت وقت برای نقط قبل از



دستور در نظرگرفته شود که این نیم ساعت طبق آئین نامه قبل بود. پس به این پیشنهاد که در هر جلسه رسمی حداقل شر نیم ساعت برای نطق قبل از دستور در نظرگرفته میشود، رأی میگیریم، آقایانی که موافقند خواهش میکنم اعلام موافقت بفرمایند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. ماده بیست و نه قرائت میشود:

ماده ۹— ثبت نام نمایندگان برای نطق قبل یا بعداز دستور باید در جدول مخصوص نطق که روی تابلو خارج از جلسه، مجاور کارت دستور روز جلسه رسمی نصب میشود، صورت میگیرد. نمایندگان شخصاً نام خود را در جدول ثبت می نمایند.

اجازه نطق توسط رئیس مجلس مطابق ردیف ثبت نام در جدول و از روی نوبت خواهد بود.

نایب رئیس— وقتی نوبت سخن داده میشود، برای مطلب جدید است، ضمناً اگر پیشنهادی دارید، کتبی بنویسید.

بنی صدر— ثبت نام را برای این گفته اند که خاصه خرجی نشود، چون تماس با رئیس همیشه برای همه میسر نیست.

نایب رئیس— قبل این رسم بود که نمایندگان مجلس برای گرفتن نوبت شب را در مجلس میخواهیدند اگر روی آن بحثی هست، بفرمایند.

نوریخش— بعضی ها ممکن است خیلی علاوه داشته باشند و بخواهند بیست روز صحبت نمایند.

کرمی— پیشنهاد میکنم نمایندگان شخصاً نام خود را ثبت کنند یا به ریاست مجلس تقدیم کنند.

نوریخش— عده ای در مجلس میخوابند و برای بقیه ساعت پنج صبح مشکل است.

موسوی جزايری— چون ممکن است تعداد ثبت نامها زیاد بشود، با قید قرعه تعیین شود.

نایب رئیس— صحیح نیست.

هاشمی نژاد— قبل از اینکه مجلس به چند گروه تقسیم شود از آقایان خواهش میکنم فقط یک نوبت اگر در قانون اساسی مطابقی دارند بیانند و صحبت بفرمایند.

قوشی— بهتر است مسأله ثبت نام در تابلو نباشد، به کسی که حرف زده یک در میان اقلال نوبت بدھید.

مکارم شیرازی— باید تاریخ تعیین شود که چه موقع و از کجا اسمشان را بنویسند.

طاهری اصفهانی— یک اولویتی برای کسانی که صحبت نکرده اند، در نظر گرفته شود.

نوریخش— اگر یک نفر از یک ربع ساعت کمتر صحبت کرد، باید حق داشته باشد که بقیه وقت را به نفر بعدی بدهد.

نایب رئیس— در جملات اول ماده بیست و نهم یک کلمه اضافه بفرمایید به اینصورت در جدول مخصوص نطق «که ساعت شش هر روز صبح» روی تابلو نصب میشود ... ضمناً

نشست به این پیشنهاد «با رعایت اینکه به کسانیکه قبل نطق قبلاً از دستور یا بعد از دستور نداشته اند، اولویت داده شود» رأی میگیریم، خواهش میکنم موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. پیشنهادی از خانم گرجی رسیده که در این پیشنهاد مرقوم

داشته اند:



«ثبت نام مجدد لازم نیست»، موافقین به این پیشنهاد که ثبت نام مجدد لازم نیست دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد.

پیشنهادی از آقای کرمی رسیده به این عنوان که «بجای ساعت شش صبح، ساعت هشت نوشته شود» موافقین با این پیشنهاد دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد.

پیشنهادی از آقای منتظری رسیده که مرقوم داشته اند: به تابلو احتیاج نیست. از طریق هیأت رئیسه وقت گرفته شود.

طاہری اصفهانی—منهم تقریباً پیشنهاد همین است که تابلو نباشد.

نایب رئیس—به این پیشنهاد رأی میگیریم، موافقین دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) تصویب نشد.

پیشنهاد آقای دکتر ضیائی این است که اگر مطلبی فوریت دارد اولویت داشته باشد. البته همه به تشخیص خودشان مطلبشان فوری است و اولویت دارد. آقای قرشی فرمایشی دارید بفرمائید.

قرشی—بنده عقیده دارم که اجازه نطق و ثبت در تابلو به دستور رئیس و آنهم به ترتیب پیشنهادهای که بدست رئیس میرسد، باشد.

نایب رئیس—موافقین با این پیشنهاد دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) پیشنهادشان رد شد. آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی—باید عرض کنم که اگر در این مدت یکماه بخواهیم در مورد این جزئیات و اینکه قانون را با چه مرکبی بنویسیم، و چطور بنویسیم و امثال اینها، وقت صرف بکنیم مخصوصاً با این حوصله ای که آقای رئیس دارند، من فکر میکنم کاری پیش نخواهد رفت.

نایب رئیس—یکی از حوصله های من اینست که حرفهای جنابعالی را مکرر گوش میکنم، ماده بیست و نه با اصلاحات قرائت میشود:

ماده ۲۹—ثبت نام نمایندگان برای نطق قبل یا بعد از دستور باید در جدول مخصوص نطق که ساعت هشت هر روز صبح روی تابلو خارج از جلسه مجاور کارت دستور روز جلسه رسمی نصب میشود صورت گیرد و نمایندگان شخصاً نام خود را در جدول ثبت نمایند. اجازه نطق توسط رئیس مجلس مطابق ردیف ثبت نام در جدول و از روی نوبت خواهد بود. با رعایت اینکه کسانی که قبل نطق قبل از دستور یا بعد از دستور ندانسته اند، اولویت داده میشود. نسبت به ماده بیست و نه کلا با اصلاحات رأی گرفته میشود موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. ضمناً اجازه نطق و ثبت در تابلو بدستور رئیس نیز اضافه میشود. ماده سی قرائت میشود:

ماده ۳۰—نمایندگان باید از موضوع مباحثه و نطق دستور روز مجلس خارج شوند، در غیر اینصورت رئیس مجلس به او تذکر میدهد، و اگر نماینده مذکور مجددآ از موضوع مباحثه خارج شود، توسط رئیس مجلس به او اخطار داده میشود، و چنانچه نماینده مذکور به اخطار رئیس توجه ننمود، رئیس مجلس ناطق را از ادامه نطق منع و در این صورت نماینده باید تربیتون خطابه را ترک نماید.

هاشی فزاد—معمولًا نفعهای قبل از دستور نباید از محور اصلی خود خارج شود و بروط به موضوع قانون اساسی باشد.



منتظری – تذکر من اینست که باید نوشته شود «ونطق قبل از دستور مجلس باید مربوط به قانون اساسی باشد».

نایب رئیس – از آقای متنظری هم خواهش میکنم که پیشنهادشان را کتاباً مرقوم بفرمایند تا مطرح شود.

هاشمی نژاد – با توجه به تجربه‌هایی که داریم، معمولاً نطقهای قبل از دستور ما با موضوع جلسه مربوط نمیشود. مقید بفرمایند نطق قبل از دستور راجع به قانون اساسی باشد. **دکتر شیبانی** – لازم نیست که نطق قبل از دستور مربوط به دستور جلسه باشد. شاید نماینده مطلبی بنظرش برسد که گرچه با دستور جلسه مرتبط نیست ولی لازم میداند که بگوید.

نایب رئیس – پیشنهاد کتبی آقای متنظری مطرح است که قرائت میشود: نطق قبل از دستور باید مربوط به قانون اساسی باشد ولی لازم نیست مربوط به موضوع روز باشد.

نایب رئیس – کسانیکه با پیشنهاد آقای متنظری موافقند دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. بدین ترتیب با تصویب این پیشنهاد، پیشنهادهای دیگر قابل طرح نیست، اکنون به ماده سی با توجه به اصلاح وارد رأی میگیریم، از نماینده‌گان خواهش میکنم آنها که موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سی ویک خوانده میشود:

ماده ۳۱ – در صورتیکه ضمن مذاکرات مجلس، نسبت سوئی به یکی از نماینده‌گان مجلس داده شود، یا عقیده و اظهارات او را خلاف واقع جلوه دهنده، چنانچه نماینده مذکور برای رد اتهام یا رفع اشتباه و سوء تفاهم از رئیس مجلس اجازه نطق بخواهد، بدون رعایت نوبت به نماینده مذکور برای پنج دقیقه اجازه نطق داده میشود.

نایب رئیس – نسبت این ماده نظری هست؟ (اظهاری نشد) نماینده‌گانی که با این ماده موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سی و دو خوانده میشود:

ماده ۳۲ – انتظامات جلسات کمیسیونها مانند جلسات رسمی و علنی مجلس و به دستور رئیس کمیسیون اعمال خواهد شد.

نایب رئیس – نسبت به این ماده نظری نیست؟ (اظهاری نشد) به ماده سی و دوم رأی میگیریم موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سی و سه خوانده میشود:

ماده ۳۳ – در اولین جلسه که پس از تعیین هیأت رئیسه مجلس تشکیل خواهد شد و با حضور هیأت وزیران خواهد بود، پیش‌نویس قانون اساسی برای طرح و بررسی توسط نخست‌وزیر و در غیاب او توسط وزیر مشاور در طرحهای انقلاب، با ذکر مقدمه‌ای در ارتباط با نحوه تنظیم اصول قانون اساسی، از پشت تریبون خطابه تقدیم رئیس مجلس میشود.

نایب رئیس – نسبت به این ماده نظری نیست؟ (اظهاری نشد) بنابراین نسبت به ماده سی و سه رأی میگیریم موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سی و چهار قرائت میشود:

ماده ۳۴ – در صورت لزوم، هیأت وزیران با اجازه قبلی از رئیس مجلس میتوانند در جلسات رسمی حضور به هم رسانند، و در صورتیکه مجلس لازم بداند، در ارتباط با اصول مطروحه حد اکثر ده دقیقه از پشت تریبون خطابه، توضیحات لازم را به استحضار نماینده‌گان میرسانند.



نایب رئیس - آقای دکتر آیت فرمایشی دارید بفرمایید.

دکتر آیت - این اصل تبعیضی نباید در مورد دیگران باشد. من با این ماده موافق نیستم بخصوص که در ماده سی و شش این اجازه داده شده که اگر خود مجلس خواست نخست وزیر یا هر فرد دیگری را برای توضیحات لازم به مجلس دعوت بیکند.

نایب رئیس - توضیح میدهم که در ماده سی و چهار، هیأت وزیران میتوانند با اجازه قبلی از رئیس مجلس در جلسات رسمی شرکت کنند. ولی در ماده سی و شش آنها را مجلس برای ارادی توضیحات به مجلس دعوت بیکند.

دکتر ضیائی - مواد سی و چهار و سی و پنج و سی و شش مربوط به هیأت وزراء است هیچ یک از وزراء حق ندارند در امور مجلس دخالت و اظهار نظر بکنند، و مسئولیتی در مورد کار ما ندارند، بنابراین آنها در مقابل ما رسمیت ندارند بلکه در برابر شورای انقلاب مسئول هستند. پس کاری ندارند که بیایند اینجا توضیح بدهنند.

ربانی شیرازی - با توجه به اینکه آنها قبل از نویسندگان تهیه کرده بودند، این ماده نوشته شده، چون در آن صورت ممکن بود ابهامی باشد و آنها بیایند توضیح بدهند، ولی حالاً که پیش نویس به وسیله خود نمایندگان تهیه شد، دیگر آمدن آنها به مجلس ضرورتی ندارد.

مکارم شیرازی - برای بعضی از آقایان سوء تفاهمی شده که شاید هیأت وزراء بخواهد در امور مجلس دخالت کنند. در صورتیکه اینطور نیست، ای بسا آنها تجربیاتی در اموری داشته باشند و لازم باشد که در ظرف ده دقیقه تجربیات خودشان را در اختیار ما بگذارند.

طاهری اصفهانی - در اینجا قید شده با اجازه قبلی رئیس مجلس، اگر رئیس مجلس در شرایطی بود که صلاح ندانست، اجازه نمیدهد. به عقیده من بودن این ماده عیوبی ندارد.

نایب رئیس - بنابراین کسانیکه با ماده سی و چهار موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سی و پنج خوانده میشود:

ماده ۳۴ - وزیر مشاور در طرحهای انقلاب اجازه خواهد داشت در جلسات کمیسیونهای مجلس شرکت کند و یا برای ارادی توضیحات لازم نماینده‌ای را که مناسب تشخیص میدهد اعزام دارد.

نایب رئیس - نسبت به این ماده نظری هست؟ آقای دکتر آیت صحبتی دارید بفرمائید.

دکتر آیت - من اصولاً با این ماده مخالفم، چون اگر مسأله تجربه را مطرح کنیم، هر کس به سهم خود ممکن است تجربیاتی داشته باشد.

پروژه - اصلاً به نظر من مواد سی و پنج و سی و شش یکی است.

طاهری اصفهانی - این یک امتیازی است بدون دلیل.

یکی از نماینده‌گان - با توجه به اینکه قبل از زمینه صحبت شده که اگر مجلس لازم بداند متخصصین را دعوت بکند و به نظر من وجود این ماده اشکالی ندارد.

نایب رئیس - بنابراین نسبت به ماده سی و پنج رأی میگیریم موافقین قیام فرمایند (عدة کمی برخاستند) رد شد. ماده سی و شش قرائت میشود:

ماده ۳۶ - رئیس مجلس و رؤسای کمیسیونها میتوانند برای توضیحات لازم، نخست وزیر و یا هر یک از وزراء و یا معاونین و یا اشخاص دیگری را که مقتضی بدانند به جلسات دعوت نمایند.



نایب رئیس — به ماده سی و شش رأی میگیریم موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

ه — اعلام پانزده دقیقه تنفس و تشکیل مجدد جلسه

نایب رئیس — الان ساعت یازده و نیم است و برای یک ربع اعلام تنفس میشود تا مجدد آن جلسه کارش را ادامه دهد.

(جلسه ساعت یازده و نیم به عنوان تنفس تعطیل گردید و مجدد آن ساعت یازده و چهل و پنج دقیقه به ریاست آقای دکتر بهشتی نایب رئیس تشکیل شد).

نایب رئیس — جلسه رسمی است، ماده سی و هفت قرائت میشود:
ماده ۳۷ — اصولی که از طرح پیش‌نویس قانون اساسی حذف و یا اضافه میگردد، با اکثربیت دو سوم آراء اعضای حاضر در جلسه رسمی، به شرط آنکه کمتر از سی و هشت رأی نباشد تصویب میگردد.

نایب رئیس — بنظر من این ماده زائد است و باید حذف شود. کسانیکه با حذف این ماده موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سی و هشت قرائت میشود:

ماده ۳۸ — هرگاه اصلی از اصول در مجلس تصویب شد مجدد آن قابل طرح در مجلس نمی‌باشد مگر بصورتی که در این آئین نامه پیش‌بینی شده باشد.

نایب رئیس — موافقین نسبت به این ماده با بلند کردن دست موافقت‌شان را اعلام فرمایند (اکثر دستشان را بلند کردند) تصویب شد. ماده سی و هشت قرائت میشود:

ماده ۹۳ — هریک از نمایندگان در صورتیکه تخلف در اجرای نظامنامه داخلی مجلس را مشاهده نماید، حق دارد مورد تخلف را با استناد به ماده مربوط در همان جلسه کتابی تسلیم رئیس مجلس نماید، و رئیس مجلس چنانچه لازم بداند به نماینده مزبور اجازه میدهد تا در پنج دقیقه نظرات خود را به استحضار مجلس برساند.

نایب رئیس — مقصود اینست که اختوار نظامنامه‌ای هم باید کتبی باشد، چون قبل معمول بود که شفاها میتوانستند اختوار نظامنامه‌ای بدنهند. آقای دکتر آیت‌فرمایشی دارید؟
دکتر آیت — من معتقدم شفاها هم باشد، برای آنکه تابیا بدم بتوسید ممکن است موضوع منتفی بشود.

نایب رئیس — آیا با این اصلاح که کلمه شناها هم اضافه شود موافقید؟ (همه موافق بودند) . بنابراین عبارت به این صورت «...در همان جلسه کتابی یافشانها اعلام نماید» اصلاح میگردد. موافقین نسبت به این ماده با اصلاح اخیر، قیام فرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده چهل قرائت میشود:

ماده ۴۴ — هیچیک از نمایندگان مجلس حق مسکوت گذاشتن موضوع مطروحه در جلسه رسمی و یا جلسات کمیسیونهای مجلس را نخواهد داشت.

نایب رئیس — آیا کسی داوطلب توضیح دادن در این ماده است؟ آقای موسوی اردبیلی بفرمایند.

موسوی اردبیلی — ممکن است مسأله‌ای مطرح شود، و یک نفر پیشنهاد مسکوت گذاشتن آنرا بنماید.



نایب رئیس — پس اگر اجازه بدهید کلمه «بیشنها» قبل از «مسکوت» اضافه شود . با این اصلاح به این ماده رأی میگیریم ، موافقین موافقتshan را اعلام بفرمایند . (اکثر برخاستند) تصویب شد . ماده چهل و یک قرائت میشود :

ماده ۱۴ — نتیجه رأی توسط رئیس مجلس به اطلاع نمایندگان حاضر در جلسه خواهد رسید .

نایب رئیس — موافقین نسبت به این ماده بابلند کردن دست موافقتshan را اعلام بفرمایند (اکثر دستشان را بلنده کردند) تصویب شد . ماده چهل و دو قرائت میشود :

ماده ۲۴ — اخذ رأی در مجلس بروزی نهائی قانون اساسی برچهار قسم است :

۱ — رأی بابلند کردن دست . ۲ — رأی باقیام و قعود . ۳ — رأی علني باورقه . ۴ — رأی مخفی باورقه .

نایب رئیس — کسانیکه با این ماده موافقتند بابلند کردن دست موافقتshan را اعلام بفرمایند (اکثر نمایندگان دستشان را بلنده کردند) تصویب شد . ماده چهل و سه قرائت میشود :

ماده ۳۴ — بطور کلی در تمام جلسات کمیسیونهای مجلس ، اخذ رأی بابلند کردن دست صورت میگیرد .

نایب رئیس — نسبت به این ماده نظری نیست؟ (اظهاری نشد) ، موافقین بابلند کردن دست اعلام بفرمایند (اکثر دستشان را بلنده کردند) تصویب شد . مواد چهل و چهار و چهل و پنج خوانده میشود :

ماده ۴۴ — در جلسات رسمی و عمومی ، اخذ رأی با قیام و قعود انجام میگیرد .

ماده ۵۴ — در صورتیکه رأی گیری با قیام و قعود و یا بلنده کردن دست مشکوك تلقی شود ، رأی گیری با ورقه و بطور مخفی صورت خواهد گرفت .

نایب رئیس — آقای طاهری اصفهانی فرمایشی دارد ؟

طاهری اصفهانی — سوال این است که آیا رأی ممتنع رأی است یا لا رأی؟ در تصویب قانون اساسی نیاز به رأی چهل و نه نفر داریم ، ولی موقعی که میگوئیم رأی ممتنع یعنی چه؟ ممکن است کسی که قیام نکرده موافق نباشد ، ولی نظری نداشته ولا رأی است . سنجرش اکثریت شما نسبت به مخالفین است نه کسی که لا رأی است .

نایب رئیس — ما سه نوع رأی داریم . یکی نصف بعلاوه یک کل نمایندگان ، یکی هم اینکه اکثریت حاضر موافق باشند ، و یکی هم رأی اکثریت که مشخص است . و نوع چهارمی هم هست ، و آن اینکه اگر مطلبی آراء بیشتری آورد ، از هر نوع که بخواهد باشد ، در میان مخالف و موافق یاممتنع این هم قبول میشود .

طاهری اصفهانی — اگر رأی کمتر آورد چه؟ بیست نفر موافق را ، با چهل نفر مخالف و ممتنع مقایسه میکنید؟

نایب رئیس — برای قانونی شدن یک مطلب نصف بعلاوه یک رأی موافق لازم است ، پس وقتی تعداد آراء موافق به حد نصاب نرسید ، تصویب نمیشود . بنابراین ممکن تعداد آراء موافق را برای تصویب مطالبهای در نظر میگیریم . اما موارد مشکوك ، عبارت از این است که مطلبی در مجلس عنوان میشود که رویش حساسیتی وجود دارد که اگر رأی مخفی نباشد شخص نمیتواند نظریه اش را بیان کند .



سبحانی — ماده چهل و پنج قاطعیت ندارد. دریک تبصره هم باید اضافه کنیم که ممتنع اثرباری در رأی گیری ندارد، یعنی اثر عملی ندارد.

نایب رئیس — با توجه به مجموع سخنان، ماده چهل و پنج را با اصلاحاتی که شده است تنظیم میکنیم. پس بماده چهل و چهار و چهل و پنج با توجه به اصلاحی اخیر و نیز تبصره آن رأی میگیریم. موافقین با بلند کردن دست موافقتشان را اعلام فرمایند (اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد. ماده چهل و شش قرائت میشود:

ماده ۷۴ — بمحض اعلام اخذ رأی، رئیس عده حضار را از روی تابلوی مخصوصی که در مجلس نصب است اعلام و بلا فاصله اخذ رأی بعمل می آید.

نایب رئیس — نسبت به این ماده نظری نیست؟ موافقین موافقتشان را اعلام بفرمایند. (اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد. ماده چهل و هفت قرائت میشود:

ماده ۷۴ — ترتیب اخذ رأی با ورقه بقرار ذیل است:

هر نماینده دارای سه نوع ورقه. اول — ورقه سبز، دوم — ورقه زرد، سوم — ورقه سفید است که سبز علامت مخالف — زرد علامت ممتنع — سفید علامت موافق می باشد. هنگام اخذ رأی هر یک از نماینگان، رأی خود را به منشی تحويل و منشی آراء جمع آوری شده را تسليم نایب رئیس میکند. آراء نماینگان با ناظارت رئیس و دییر هیأت رئیسه توسط نایب رئیس شمارش و پس از تعیین عده موافق و مخالف، توسط منشیان هیأت رئیسه صورت جلسه میشود.

نایب رئیس — اجازه بدید از ماده چهل و هشت تا پنجاه و پنج نیز قرائت شود:

ماده ۷۴ — انتخاب هیأت رئیسه مجلس و همچنین انتخاب هیأت رئیسه کمیسیونهای مجلس با ورقه و به طور مخفی انجام میگیرد.

ماده ۹۴ — رأی گیری مخفی با ورقه به شرح زیر است:

۱ — برای تعیین هیأت رئیسه دائم اجلاسیه دوره مجلس برسی نهائی قانون اساسی، رأی گیری در محل تربیون خطابه صورت میگیرد.

۲ — اسامی نماینگان یکایک بترتیب ردیف دفتر حضور دیرخانه مجلس، توسط یکی از نشیان هیأت رئیسه موقت، از روی برگ مخصوصی که برای همین کار اختصاص داده شده است خوانده میشود، و پس از آنکه حضور نماینده در مجلس معین شد، مقابله اسم او علامت گذارده میشود و توسط تندنویسان ثبت میگردد و نماینده ای که نام او قرائت شده در محل تربیون خطابه حاضر میشود و در حالیکه رأی نوشته خود را تاکرده است، درون جعبه ای که روی تربیون قرار دارد میاندازد. نماینگانی که به محل تربیون نزول و یا بروند ولی ورقه رأی ندهند و یا از جلسه مجلس خارج شوند، حضور آنان برای حصول اکثریت احتساب ولی رأی آنان ممتنع محسوب خواهد شد.

۳ — هنگام شمارش آراء در صورتیکه تعداد رأی داخل جعبه از تعداد اسمی ثبت شده در برگ مخصوص بیشتر باشد به تعداد، آرای آنان باطل میشود و در صورت جلسه قید میگردد.

۴ — سپس آرای مطابقت داده شده یک یک از داخل جعبه خارج و توسط نایب رئیس و با ناظارت رئیس و دییر هیأت رئیسه قرائت و توسط منشیان ثبت و در پایان اسمی و تعداد آراء صاجبان رأی در صورت جلسه قید میشود.

۵ — انتخابات تعیین هیأت رئیسه دائم مجلس، جمعی و با قید رئیس، نایب رئیس،



دیگر، منشی اول و منشی دوم در مقابل اسامی انجام خواهد گرفت.
تبصره — در صورتیکه هر یک از اعضای منتخب که برای هیأت رئیسه تعیین شده‌اند بلافضلله پس از رأی‌گیری استعفاء دهنده و یا به علل دیگر حضور نیابند، به ترتیب نفرات بعدی حائز رأی بیشتر به جای آنان تعیین و صورتجلسه می‌شود.

۷ — حائزین اکثریت توسط رئیس موقت مجلس از پشت تربیون اعلام می‌شود.
ماده ۸ — حفظ انتظام و امنیت بررسی نهائی قانون اساسی به عهده رئیس و در غیاب او به عهده نایب‌رئیس است.

ماده ۹ — مخبرین جرايد و فیلمبرداران و تماشچیان با داشتن کارت مخصوص که با اضباء و مهر دیپرخانه ستاد مرکزی انتخابات صادر می‌شود و همچنین کارمندان دیپرخانه و موأمورین انتظامی در محلهای مخصوص، حق حضور در مجلس را خواهند داشت و باید در تمام مدت حضور در مجلس ساکن بوده و از هرگونه تظاهر و هیاهو خودداری نمایند و گرنه به دستور رئیس از مجلس اخراج می‌شوند.

ماده ۱۰ — حمل هر گونه اسلحه برای کسانیکه وارد مجلس می‌شوند، به استثنای موأمورین انتظامی اکیداً ممنوع است.

ماده ۱۱ — متظاهرين و هیاهو کنندگانیکه باعث اغتشاش یا اختلال نظم مجلس شوند و یا نسبت به نمایندگان و هیأت رئیسه و کارمندان دیپرخانه مجلس توهین یا تهدید نمایند، به دستور رئیس مجلس توقيف و در صورتی که عمل آنها مستوجب تعقیب کیفری باشد، تسلیم مراجع صالحه دادگستری خواهند شد.

ماده ۱۲ — جلسه اختتامیه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی با حضور دو سوم نمایندگان حاضر در مجلس (چهل و نه نفر) با اعلام رئیس مجلس تشکیل خواهد شد و پس از توزیع متن قانون اساسی و توضیح مطالب لازم توسط رئیس، نمایندگان حاضر در مجلس ذیل ورقه مخصوص تصویب قانون اساسی و صفحه مخصوص یک جلد از قانون اساسی را اضباء مینمایند، و رئیس مجلس پس از تکمیل، ختم دوره اجلاسیه مجلس بررسی قانون اساسی را اعلام می‌کند.

نایب رئیس — نسبت به مسوده شد رأی می‌گیریم. موافقین با لند کردن دست موافقتیان را اعلام بفرمایند (اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد. من بدین مناسبت از فرصت استفاده می‌کنم و به مخبرین محترم تذکر میدهم، که در نشر اخبار مربوط به مجلس وظیفه و مسؤولیت خطیر مطبوعاتی شان را با دقت بیشتری رعایت بفرمایند، که در خانم و آقایان نمایندگان مجلس واکنش نامطابق نداشته باشد. امروز عنوان می‌شود که در رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و مجلات آن رویه مناسبی را که بتواند پاسخگوی خواست و نظرات عموم نمایندگان باشد، نمی‌پینند، که انتقادی است بر شماننایندگان رسانه‌های گروهی که باید خودتان عملی این انتقاد را برطرف کنید.

بنی صدر — مطالب بعضی‌ها را سانسور می‌کنند و اصلاح نمی‌نویسند، مثل سخنان آقای

مهندس سحابی را ولی مطلب دیگری را کامل و مفصل می‌نویسند.
یکی از نمایندگان — اصلاح بعضی اوقات مطالب عوض می‌شود. من در سخنانم گفته بودم که اقلیتهای مذهبی حق حیات دارند ولی در رادیو از قول من نقل کردن که اقلیتهای مذهبی حق جهاد دارند.



صورت مسروچ مذاکرات مجلس برسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نایب رئیس — همه این فرمایشات آقایان تأییدی است بر این نکته که مخبرین جراید و رسانه‌های گروهی به وظیفه خود بیشتر آشنا باشند. ضمناً ماده پنجاه و چهار را که خوانده نشد، خواهش میکنم قرائت بفرمایند.

ماده ۴۰ — برای حضوریات وزیران و مدعاونین دیگر در اجلاس مجلس برسی نهائی قانون اساسی، یک رده صندلی مقابله‌گاه هیأت رئیسه اختصاص داده میشود و هیچیک از نمایندگان حق جلوس در آن صندلیها را نخواهند داشت.

نایب رئیس — بنظر من این ماده اصلاح زائد است. آیا کسی با این ماده موافق است؟ (کسی موافق نبود) این ماده حذف گردید. ماده آخر بجای ماده حذف شده خوانده میشود:

ماده ۴۱ — دییرخانه مجلس موظف است نسبت به چاپ و انتشار جزو قانون اساسی به تعداد بورد لزوم اقدام و در سراسر کشور آن را توزیع نمایند.

نایب رئیس — آیا این مسئله که دییرخانه مجلس را موظف کنیم که قانون اساسی را به اندازه کافی تکثیر کند ضرورتی دارد؟ چون ممکن است یک بودجه زیادی برای اینکار لازم باشد، بعلاوه مؤسسات خصوصی هم میتوانند این کار را بکنند.

دکتر ضیائی — من موافق نیستم که از بودجه عمومی، قانون اساسی تکثیر شود. شرکت‌های انتفاعی خودشان میتوانند آن را تکثیر بکنند و در اختیار عموم بگذارند.

رشیدیان — من پیشنهاد میکنم که قانون اساسی در وسائل ارتباط جمعی به همه مردم تفهیم و تدریس شود. چون به هر حال باید مردم در جریان امور مملکتی باشند.

دکتر قائمی — این وظیفه‌ما نیست که دییرخانه مجلس را موظف کنیم قانون اساسی را تکثیر بکند. وزارت کشور خودش در این‌مورد میتواند تصمیم بگیرد.

هاشمی نژاد — من هم معتقدم که باید کاری کرد که جلوی سود جوئی‌ها گرفته شود. فاتحی — شایسته است که قانون اساسی در دسترس فرد فرد ملت قرار گیرد.

طاهری اصفهانی — مطلبی رامی خواستم عرض کنم و آن اینست که شنیدم ده میلیون تومان اعتبار برای هزینه این مجلس در نظر گرفته شده، اعلام بفرمایید که شاید یک هزار آن هم خرج نشود زیرا این در حقیقت اتهامی نسبت به همه ما میباشد.

نایب رئیس — لازم میدانم از طریق همه رسانه‌های گروهی و جراید به اطلاع عموم ملت ایران برسانم که ما ترجیح میدادیم محل گرد هماییان اینجا نباشد و در محلی ساده و دور از تشریفات عمومی تشکیل گردد و من خودم به دولت پیشنهاد کردم که این مجلس خبرگان در جایی برگزار شود که متناسب با خانه ملت باشد، ولی گفتند از نظر تجهیزات و تدارکات و بلندگو و انتشار اخبار و سایر وسایل، اگر در جای دیگر باشد، مستلزم هزینه‌های جدیدی خواهد بود.

به همین جهت این مکان انتخاب شده است، و شاید انتخاب آن خودش به مصلحت اقتصادی ملت باشد. به هر حال اگر ملت ما دلیل دولت را بیدیرد، ما هم می‌پذیریم و قبل از اینکه مجلس خبرگان در چنین جایی برگزار میشود، مخالفیم. و اما در مورد ده میلیون تومان بودجه‌ای که برای مخارج مجلس خبرگان عنوان شده است عرض کنم که این صرفاً اعتباری است که اگر هزینه‌هایی پیش آمد قبل انتخاب آن پیش بینی شده باشد، بخصوص که به هر حال برگزاری مجلس، خودش هزینه‌هایی را دارد، و گرنه من مطمئن هستم که این مجلس با هزینه بسیار ناچیزی پیايان خواهد رسید و نمونه‌ای از علاقه شدید همه ما به صرفه جوئی هرچه بیشتر از بودجه



بیت المال خواهد بود . این مورد تأیید همه نمایندگان است آیا اینطور نیست؟ (نمایندگان— تأیید میشود) این تأیید یکپارچه دوستان مؤید آنست که دوستان میخواهند ملت عزیز ایران بداند که در برابر فداکاریهای شما ملت عزیز خدمت بسیارناچیزی است که انجام میگیرد، گرچه مسئله قانون اساسی برای ملت سرنوشت‌ساز است ولی نمایندگان شما در برابر این خدمت هم مسلماً هیچگونه پاداش مالی دریافت نخواهند کرد (صحيح است) بنابراین هزینه‌ها صرفاً هزینه‌هائی است که در مورد خدمات باید صرف شود ، یا احياناً پذیرائی‌های بسیار ساده‌ای است که ظهر یا شب هنگام افطار انجام میگیرد ، و یا تهیه کاغذ و نوشت افزار و چیزهائی در همین ردیف که حتماً مبلغ آن خیلی کم است .

طاهری اصفهانی — در مورد پذیرائی هم فکر میکنم همه نمایندگان حاضرند پول‌چايشان راهم از جیب بدنهند که لطمۀ ای به بودجه بیت‌المال نخورد .

نایب رئیس — البته حاضر هستیم ولی نمکن است آنوقت به ملت بربخورد که از یک پذیرائی ساده هم امتناع کرده‌ایم .

کیاوش — دولت در هتلها برای آقایان جا در نظر گرفته ولی میدانیم که هیچکدام از نمایندگان استفاده نکرده‌اند ، و ما روی همین فرشها می‌خوابیم و کار میکنیم و البته افتخار هم میکنیم .

نایب رئیس — بلى درست است ، باز به اطلاع همه میرسانیم که ما نمایندگان برای اینکه ظهر و شب اینجا باشیم و خدمتی بکنیم همین جا ، در همین سرسرها و سالنها می‌نشینیم و کار میکنیم .

بکی از نمایندگان — من معتقدم دولت بودجه را پس بگیرد ، ما میتوانیم مثل همیشه بمسجد برویم .

طاهری — همه نمایندگان میخواهند این بودجه به بیت‌المال برگردد . ضمناً پیشنهاد میکنم در صورتیکه فردا رؤیت هلال شد ، همه بدیدن امام برویم .

حسینی هاشمی — عنوان اعتبار ولو خرج هم نشود ، مفتاح اعتبارات دیگری است برای مجالس دیگر قانون گذاری و سینهارها و کفرانسها ، واگر قرار است پیش‌گیری شود ، مجلس خبرگان باید جلوی اینگونه اعتبارات را بگیرد .

وشیدیان — بعقیده‌من این اعتبار را به برادران رستائی و کشاورزان و گرسنگانی که در میان جامعه هستند بدھید ، ماحاضریم توی پارکهای شهر هم مثل یک مسافر بخوابیم و بیک افطاری و سحری ساده هم آکتفا میکنیم .

دکتر شیبانی — من مخالفم ، مقررات اداری ایجاب میکند که بودجه‌ای در نظر گرفته شود ، واگر خرج نشد آنوقت مسترد شود . نمی‌شود بودجه‌ای درنظر نگیرید زیرا بعد اگر مخارجی پیش آمد ، آنوقت لنگ می‌مانند .

دکتر بنی‌صدر — ما آنچه از جیمان هم میدهیم ، متعلق به ملت است .

حجتی کرمانی — در جواب آقای دکتر شیبانی عرض میکنم که اعتبار باچه مقیاسی؟ با مقیاس طاغوتی یا مردمی؟ این در حقیقت توهینی بما میباشد .

دکتر آیت — این بودجه مختص نمایندگان نیست ، نمایندگان که همه صرف نظر کرده‌اند ، ولی آیا به هرحال برپائی چین مجلسی خرج ندارد؟



عرب - فرق ما بانمایندگان سابق اینست که آنها به روال طاغوتی رفتار میکردند و ما به روال اسلامی و حاضریم بدون ادعا با کوچکترین هزینه به مردم خدمت کنیم.

حجتی کرمانی - من پیشنهاد میکنم که این بودجه کلا برگردانه شود زیرا اینجا هیچ هزینه‌ای نداریم، ما حاضریم برای تکثیر جزوها و صورت جلسات هم از جیمان پول بدیم.

نایب رئیس - بودجه که برگشتی نیست. ان شاء الله تواضعمن به تظاهر تبدیل نشود. من بار دیگر به اطلاع همه مردم میرسانم که نمایندگان از این بودجه استفاده شخصی نمیکنند و هر مقدار هم که لازم باشد به مصارف دیگر که قبل اعرض شد، برسد بانهایت صرفه‌جوئی خواهد بود.

رشیدیان - آقای رئیس شما به آقای حجتی توهین فرمودید، از ایشان مذرت بخواهید. نایب رئیس - در مورد ماده پنجاه و شش ده نکته است، سند قانون اساسی را یک مقداری در همینجا تکثیر کنند. ۲- اگر رفراندوم مطرح نبود ما میتوانستیم تکثیر را به روال عادی بگذاریم ولی بافرض اینکه باید رفراندوم شود، شاید این تعهد که ما باید آن را به حد کافی چاپ کنیم، منطقی بنظر برسد. متنها قید کنیم که در حد اکثر صرفه‌جوئی باشد. این دو نظریه بود که از جمع بندی مطالب دوستان، من عرض کردم حالا نسبت به نظریه اول که دیپرخانه مجلس، قانون اساسی را به تعداد معین - مثلاً ده هزار سخه چاپ بکند، موافقین با بلند کردن دست رأی خود را اعلام بفرمایند. (اکثر دست بلند کردن) این پیشنهاد قبول شد. پس در متن ماده پنجاه و شش بجای عبارت «به تعداد مورد لزوم اقدام و در سراسر کشور توزیع نماید» عبارت «به تعداد ده هزار نسخه اقدام نماید» اصلاح میشود. نظریه دوم این بود که قانون اساسی در حد لزوم برای رفراندوم چاپ شود. موافقین با این پیشنهاد دستشان را بلند کنند (کسی دستش را بلند نکرد) رد شد. بدین ترتیب آئین نامه با توجه به اصلاحاتی که در آن بعمل آمد، تصویب شد.

ضمناً پیشنهادهای ازطرف آقایان: مقدم مراغه‌ای، میربرادر ذهی وربانی شیرازی درباره مصونیت نمایندگان این مجلس رسیده است که خوانده میشود:

پیشنهاد.

(در مورد مصونیت پارلمانی اعضاء مجلس ماده‌ای در آئین نامه منظور شود. بدین ترتیب که نمایندگان مجلس را نمیتوان به مناسبت عقایدی که در مجلس اظهار میکنند - در مقام ایفاء نمایندگی - تعقیب کرد. حتی تا پایان دوره این مصونیت را در خارج داشته باشند). حمید‌الله میربرادر ذهی

بنمنظور رعایت آزادی بیان ماده زیر را جهت تصویب پیشنهاد مینماید:

(بهیچ عنوان و بهیچ دست اویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس خبرگان در مدت نمایندگی حق تعرض به اعضای آنرا ندارد. نمایندگان مجلس ویا کارشناسانی را که طبق پیش‌بینی در آئین نامه از آنان برای تبادل نظر دعوت میشود به سبب اظهارات و نظرات نمیتوان تعقیب نمود. اگر احیاناً یکی از اعضای مجلس خبرگان علناً مرتکب جنحه و جنایاتی شود در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد، تعقیب او باید به اطلاع مجلس خبرگان برسد).

رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای



(نمايندگان مجلس خبرگان در بيان اظهارات خود آزادند و کسی از اين جهت نميتواند آنها را مورد مواخذه قرار دهد.)
رباني شيرازي

نایب رئيس - اين پيشنهاد چون خيلي روشن نیست من آنرا تكميل ميکنم، بدین ترتيب که نمايندگان مجلس بروسي قانون اساسی بعنوان اظهاراتی که در زمينه قانون اساسی اينجا ميکنند، بهمچ عنوان نباید تحت تعقيب قرار بگيرند، اما آگر خلافی خارج از اينجا مرتکب شدند ميتوان آنها را تعقيب کرد.

چون مصونيت دوپخش دارد: يكى مربوط به اتهامات سمت نمايندگى است، ويکى مربوط به سمت شخصى (رباني شيرازي) - پيشنهاد من اعم است) البته پيشنهاد ديگرى هم آقای مراد زهی دارند در همين زمينه و مشابه پيشنهاد قبلی که ماده‌ای بگذرد، که نمايندگان از هرگونه تعقيب حقوقی وجزائی که مانع انجام کارهای نمايندگى آنها باشد، مصون باشند، مگر با سلب مصونيت از طرف مجلس وبا رأى مجلس.

پوروش - آگر ميخواهيد که قوانيني تصويب کنيد که با روح اسلام مطابقت داشته باشد، ديگر اصلا مصونيت وسلب مصونيت معنى ندارد.

بنی صدر - کسی که ميخواهد بيايد اينجا باید کاملا در آنچه ميگويد آزاد باشد زира کافی است در بیرون اتهامی وارد کنند و نماينده‌ای را جلب کنند، آنوقت چه باید کرد؟ شما باید آزادی ما را تأمین کنيد تا بتوانيم آزادانه عقایدمان را بگوئيم. مردم رأى داده‌اند و ما آمده‌ایم اينجا تا درجهٔ آنها کار کنيم. خوب، اگر پاپوش درست کردن و نماينده‌ای دستگير شد، تا بيايند و به اتهامش رسيدگى کنند، دوره مجلس تمام شده، آنوقت حقوق مردمى که به او رأى داده‌اند چه ميشود؟ چنانچه قبل هم رضاخان و شاه سابق همين پاپوش ها را درست مى‌کردن و نماينده یا نمايندگان مورد نظر را دستگير مى‌کردن و وقتی کار از کارمى گذشت، آن وقت آزادشان ميکرند.

نایب رئيس - مثل اينکه براحت آقایان غير از آنچيزی است که در دنیا معمول است. مصونيت بدین معنی نیست که نماينده تافتۀ جدا بافته است، بلکه بدین معنی است که چون اين نماينده در معرض اعمال غرضها بيش از ديگران قرار ميگيرد، وچون با هر اعلام جرمى ممکن است دادستان او را توقيف کند، ميخواهند که اعلام توقيف آسان نباشد، وگرنه آگر دادگاهى حکم صادر کرد، که البته اجرا ميشود. اين مسئله ناظر بوضع فعلی است، چون در شرایط فعلی، از طریق همين مقررات جاري، بايك اعلام جرم از طرف دادستان ميشود نماينده‌ای را توقيف کرد.

مکارم شيرازي - چون شایعه سازان در داخل وخارج اخیرا ميگويند که آزادی نیست آگر اين ماده مطرح نميشد، مسئله‌اي ديگر بود ولی حالا که مطرح شده باید بروسي کنيم، وگرنه ميگويند مجلس به مصونيت رأى نداد. بنابراین بعقیده من زود از اين مسئله نگذریم.

نایب رئيس - چون ده دقیقه از وقت مجلس گذشته و پيشنهاد آفای مکارم هم بنظر من پيشنهاد بچائی است، خوب نیست اين ماده را شتابزده بروسي کنيم. بنابراین بقیه بحث در اين باره را به جلسه بعد از ظهر موکول ميکنيم. آقای منتظری فرمایشي داريد؟

منتظری - چون ماباید در اينجا حضور پيدا کنيم و کارمان را ادامه بدھيم، سه نفر از دوستان آقایان: دستغيب - صدوقي - وروحاني، بنمايندگى از طرف مجلس خبرگان در مجلسی



که بمناسبت شهادت برادران پاسدارمان در کردستان و پاوه ، امروز عصر در مسجد استاد مطهری منعقد است ، شرکت میفرمایند .

۶ - پایان جلسه

نایب رئیس - با اجازه دوستان این جلسه را ختم میکنم و جلسه بعدی ما ساعت پنج بعداز ظهر امروز خواهد بود .

(جلسه ساعت سیزده وده دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی - دکتر سید محمد حسینی بهشتی



جلسه هشتم

صورت مشروح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت هفده و ده دقیقه روز سی و یکم مرداد ماه ۱۳۹۹ هجری شمسی
برابر با بیست و هشتم رمضان المبارک به مری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه و قرائت اسامی غائیین جلسه قبل.....
- ۲ - بحث پیرامون مصونیت نمایندگان.....
- ۳ - پایان جلسه.....





لِلْمُؤْمِنِينَ الْجَنَاحَ الْأَمْنَى وَالْأَمْنَى الْجَنَاحُ الْأَمْنَى

۱ - اعلام رسمیت جلسه و قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

نایب رئیس - با حضور نمایندگان در حد نصاب، رسمیت جلسه را اعلام میکنم. غائبین صحیح: آقای مدنی که هنوز شرکت نکرده‌اند - آقای رحمانی که عذرشان صبح اعلام شد و آقای قاسملو. نمایندگانی که تأخیر داشتند: آقای حائری ۱۰ دقیقه - آقای بنی صدر ۳۷ دقیقه - آقای خادمی ۸۵ دقیقه - آقای مکارم شیرازی ۱۱ دقیقه - آقای باریکبین ۶۵ دقیقه - آقای دستغیب ۹ دقیقه - آقای طالقانی ۶۴ دقیقه - آقای طباطبائی ۳۴ دقیقه - آقای مشکینی ۱۲ دقیقه - آقای مقدسی ۳۷ دقیقه - آقای نوریخش ۱۲ دقیقه - آقای هاشمی نژاد ۴۴ دقیقه. پیشنهادی از طرف آقای سجاحانی رسیده است که ظاهراً برای درج در آئینه نامه نیست و آن اینست که یک نسخه از قانون اساسی با خط زیبا دست نویس شود و پس از امضاء به عنوان سند در وزارت کشور یا در مجلس بماند. این پیشنهاد تصویب در جلسه را نیخواهد و از اختیارات هیأت رئیسه است که عمل خواهد شد.

۲ - ادامه بحث پیرامون مصوبیت پارلمانی نمایندگان

نایب رئیس - پیرامون ماده پیشنهادی برادرمان آقای مرادزهی در مورد مصوبیت نمایندگان مجلس دریدت نمایندگی، بحث را ادامه میدهیم. و اگر دوستان نظری به عنوان آخرین نظر دارند، تشریف می‌آورند و اظهار نظر میکنند. آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی اردبیلی - بسم الله الرحمن الرحيم. من به عنوان مخالف با این پیشنهاد صحبت میکنم. اصولاً مصوبیت به این معنی که سابق هم مرسوم بود یعنی برای نمایندگان مجلس یک امتیازی قائل میشوند که اینها چون نماینده هستند، هر صحبتی بکنند و یا هر کاری می‌توانند بکنند و یک امتیازی نسبت به دیگران دارند که قابل تعقیب نیستند و کسی نباید با اینها کاری داشته باشد، مگر اول باید از نماینده سلب مصوبیت بشود. این تشریفات از مراسم دوره طاغوتی است. افرادی که در اینجا هستند باید حتی منزه‌تر از آنهاشی باشند که مسؤولیت را به عهده نگرفته‌اند و اگر یک وقتی حرفی یا مطلبی را لفتند که خلاف بود، نه تنها مصوبیت نداشته باشند، بلکه مسؤولیت پیشتری را باید احساس کنند، و معاذنده آنها پیشتر باشد. حالا اگر پیشتر نبود نمیتوانند خودشان را از دیگران جدا کنند و بگویند چون من نماینده هستم این حرف را میتوانم بزن اما اگر نبودم نمیتوانستم بگویم و یا میتوانستم بگویم ولی قابل تعقیب بودم. حالا اگر شدت مجازات را تصویب نمیکنید، حداقلش باید مساوات بین نماینده با دیگران باشد، زیرا به عقیده من اگر حرف یا عمل قابل تعقیب است، نمایندگی هیچگونه امتیازی نمی‌آورد.

نایب رئیس - آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی - بسم الله الرحمن الرحيم. بنده دو یا سه موضوع مختصر را میخواستم



عرض کنم. اولاً از فرمایش آقای موسوی اینطور استنبط میشود که در مورد مصونیت سوءتفسیر شده است، زیرا این مصونیت امتیازی برای نمایندگان نیست بلکه حفظ حقوق ملت است. معنی این است که بنده را کسی میخواهد از محیط این مجلس دور کند، بنابراین شکایتی از من میکند و من را توقیف میکنند و نتیجتاً نماینده مردم نمیتواند از حقوقشان دفاع کند. بنابراین مسأله حفظ حقوق مردم است و مربوط به نظام طاغوتی هم نیست، زیرا بسیار دیده شده است که در یک مجلسی که سرنوشت‌ساز بوده، یک یا چند نفر مخالف بوده‌اند و مخالفت آنها ممکن بوده است که در رأی‌گیری اثر بگذارد و اشخاصی برای اینکه اینها را از محیط مجلس دور کنند، توطئه‌هائی میچیزند و در حالیکه هیچ گناهی هم نکرده بودند، فقط به صرف اتهام اینها را توقیف میکردن و از محیط مجلس دور میکردن و سرنوشت مجلس عوض میشده است، و در بعضی از دورانهای تاریخی این مطلب را نقل میکنند که مرحوم مدرس که با بعضی از مسائل شدیداً مخالف بوده است، با برپا کردن بساط‌هائی کاری میکردن که او در مجلس سرنوشت‌ساز نیاید و مخالفت نکند. این مصونیت برای جلوگیری کردن از یک چنین جریانی است که نتیجه‌اش به زیان ملت تمام میشود. بنابراین ماهیت مصونیت، ماهیت حفظ حقوق مردم است، نه یک امتیاز برای شخص نماینده. و باز نکته‌ای را که امروز صحیح هم اشاره کردم، تأکید می‌کنم که ما باید کاری کنیم که تمام انحصار آزادی در مملکت فراهم شود و مصونیت هم یک آزادی معقول و مشروع است که میخواهیم نماینده را به صرف اتهام توقیف نکنند بلکه به مجلس فوراً اطلاع دهند و مجلس وقتی دید که قرائی وجود دارد که این نماینده باید توقیف شود، فوراً از او سلب مصونیت میکند، ولی وقتی فهمید که قرائی به‌اندازه کافی در دست نیست و میخواهند یک وکیل را از مجلس دور کنند، جلوی این کار را عمل میگیرد. اما مسأله سوم مهمتر از اینها است و آن این است که به فرض اگر ما هم مصونیت را تصویب کردیم این تصویب از نظر قانونی هیچ ارزشی ندارد، مگر اینکه به‌شورای انقلاب پیشنهاد کنیم که آنها تصویب کنند، چون ما اینجا نمیتوانیم در مقابل قانون مدنی که میگوید فلاں کس باشد تعقیب بشود یک ماده بگذرانیم که آن شخص تعقیب نشود. اگر نمایندگان، نمایندگان مجلس شورا بودند، حق داشتند چنین چیزی را تصویب کنند و یک استثنای برای فلاں ماده قانون مدنی قائل بشوند که فلاں کس تعقیب نشود، اما حدود اختیارات ما تصویب قانون اساسی است و در مسائل حقوقی هرگونه تصویبی بکنیم ارزش قانونی ندارد. بنابراین اگر لازم بدانیم که این مصونیت باشد، مایا باید تصویب بکنیم و خیلی هم خوب است که این مصونیت باشد اما باید یک مقام قانونگذاری آنرا تصویب کند، مثلاً به‌شورای انقلاب داده شود که آن شورا پای این تصویب‌نامه را صحیح بگذارد، والا اگر ما پنشینیم و مصونیت را هم تصویب بکنیم و فردا که دادستان خواست یکنفر نماینده را توقیف کند، بگوئیم چون مجلس خبرگان تصویب کرده‌اند و مصونیت دارد، دادستان خواهد گفت، مجلس خبرگان که نمی‌تواند در مسائل حقوقی مملکت دخالت بکند و تعقیب یا عدم تعقیب فلاں شخص به قانون اساسی مربوط نیست. شما فقط میتوانید قانون اساسی را تصویب کنید، نه آنچه در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. آقایان توجه بفرمایید که با اینکه قانون اساسی مافق همه قوانین است ولی آیا مامیتوانیم یکی از قوانینی را که در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است تصویب بکنیم؟ من فکر میکنم اگر ما این مصونیت را که خیلی خوب هم هست تصویب کنیم، باید توجه داشته باشیم که این



مصنوبیت ارزش حقوقی ندارد و از طریق شورای انقلاب باید مجوزی برای این مسأله بخواهیم. نایب رئیس — از نظر موازین حقوقی همینطور است که آفای مکارم یادآوری کردند، چون حدود نمایندگی ما مشخص است و حدود آن برسی قانون اساسی و آماده کردن متى است که به رفاندوم گذاشته شود. بنابراین قانون اساسی را هم بصورت نهائی تصویب نمیکنیم، بلکه رفاندوم میتواند تکلیف نهائی را تعیین کند. این است که تصویب این ماده در آینه نامه ارزش قانونی ندارد. بنابراین اگر دونفر از آقایانی که وقت گرفته‌اند، صرفنظر کنند بحث راتمام کنیم و ماده را به رأی بگذاریم. آقای موسوی بفرمائید.

سید ابوالفضل موسوی — نظر اینجانب نسبت به ماده مصنوبیت و کیل میباشد، چون این قانون مخالف روح دین اسلام است، زیرا در جائیکه پیغمبر مشرع ویا پیام آور، در مقابل حق و عمل به حکم آیه «ولو تقول علينا بعض الاقاویل» مصنوبیت ندارد، چطور میشود که نمایندگان مجلس که احکام کلی اسلامی را بقالب الفاظی ریزنده، مصنوبیت داشته باشند؟ وهمان طور که جناب مکارم فرمودند، اگر سیاست شیطانی در مملکت باشد، باسلب مصنوبیت عملی میشود، و مصنوبیت هم فایده ندارد.

نایب رئیس — متشکرم. انشاء الله این مجلس بنیادش را میگذارد، ولی بعد از این مجلس تحقق پیدا می‌کند و دوستان نگران این مدت هستند. آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — بسم الله الرحمن الرحيم. وظیفه ما در اینجا فکر نمیکنم تشریع قانون باشد و قراربر این باشد که تشریع در عهد شارع مقدس که خدا است، باشد. اصولاً ما شرعاً مصنوبت داریم یانداریم؟ اگر داریم که میتوانیم صحه بگذاریم و اگر نداریم که ما میتوانیم تشریع قانون کنیم وازحالا که اولین بار است میخواهیم یک قانونی تصویب کنیم، نباید اولین قانونش مخالف موازین روش اسلام باشد. فرض کنید یکنفر واقعاً در دادگاه مجرم شناخته شده و گناب قبلی دارد. ما به چه مجوزی جلوی حکم دادگاه را بگیریم و بگوییم دادگاه حق ندارد حکم را در حق این آدم اجرا کند، چرا؟ برای اینکه ما مانع هستیم. اگر آن مطلبی که آقای مکارم فرمودند که عنوان ثانوی باشد، آن عنوانی ثانوی یک موضوع کشداری است که در هر مسأله یک عنوان ثانوی می‌آید و خلاصه برمبنای «...ان الحكم الاته...» ما نمیتوانیم فرض کنیم یک کسی سارق است وبا یک کسی جرم دیگری دارد، اما بگوییم خیرتا یکماده دیگر یا بیست روز دیگر نباید حکم اجرا شود. این باز تشریعی برخلاف موازین اسلام است. عرض من همین بود.

نایب رئیس — آقای میرمراد زهی بفرمائید.

میرمراد زهی — بسم الله الرحمن الرحيم. هدف از پیشنهاد این مطلب که ماده‌ای به عنوان مصنوبیت نمایندگان تصویب شود این است، اینجا دو مسأله مطرح است در درجه اول صلاحیت مجلس و در درجه دوم ماهیت این مصنوبیت. مسلماً صلاحیت مجلس ازشورای انقلاب که هیچکس آنها را نمیشناسد، بیشتر است. ولی مهمتر از همه اینست که اگر بخواهیم این مورد را با موازین اسلامی تطبیق بدهیم، اگر چه بندۀ اطلاعات زیادی در مورد اسلام ندارم ولی این را میدانم که اذن درشیئی، اذن در لوازم هم هست. با توجه به اصول اسلامی و قیکه مجلس اجازه دارد که قانون اساسی را بررسی و تصویب بکند، بعداً رأی مردم برای تصویب نیست، بلکه یکنوع بیعت است، زیرا مردم با فرستادن نمایندگانشان این اختیار



را تفویض کرده‌اند . پس قاعده اسلام هم مشخص است ، یعنی وقتی که مجلس این صلاحیت را دارد که قانون اساسی را تصویب کند ، این اجازه راهم دارد که در اطراف جزیان‌کارش هم مطالبی را تصویب برساند . و اما قسمت دوم ، هدف از مصونیت فرار از مجازات نیست من عرض کردم این فقط برای مدت نمایندگی است . الان بهمنی ماه‌ها است که در زندان هستند و هنوز تکلیف‌شان معین نشده و یا کسانی تحت تعقیب بوده‌اند و مدت‌های زندانی شده‌اند و نوبت رسیدگی به پرونده آنها نرسیده است ولی بعداً تبرئه شده‌اند . فکر نمی‌کنم این مهلت یک‌ماه مصونیت هیچ اصلی از اصول اسلام را نقض کند . و اما مصونیت دو قسمت دارد ، یکی مصونیت در اینجا عقایدی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی در داخل مجلس می‌شود ، خیلی صریح بگوییم ممکن است من با نظر علمای اعلام در پاره‌ای مسائل موافق نباشم ، ولی کسی در اینجا نمی‌تواند چوب تکنیر بردار و بگوید شما بر خلاف اصول اسلام صحبت کردید و در این قسمت وکالت نداشته‌اید . قسمت دوم در مورد جرائمی است که ممکن است بوقوع بیرون‌دید . مثلاً الان مأمورین می‌روند هتل و در اطاق من یک اسلحه یا یک چیز غیرمجازی بپیدا می‌کنند و مرا به استناد آن چیز غیرمجاز توقیف می‌کنند و بصرف این اعلام که ممکن است از درجه جنائی باشد و دادستان هم با توجه به اهمیت جرم که جنائی است ، بنده را بازداشت کند و چند ماه بعد روشن شود که بنده خبری نداشتم . بنابراین فکرمنی کنم پیش‌بینی این مطلب هیچ قانونی را نقض کرده باشد اما اگر بنده متکب یک جرمی شده باشم یک‌ماه بعد می‌توانند بنده را بحاکمه و مجازات بکنند . بنابراین مصونیت منافاتی با این اصل در اینجا ندارد . عرض دیگری ندارم .

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید .

خامنه‌ای — بسم الله الرحمن الرحيم . من توضیحاتی را که آقای مکارم در اینجا دادند به دو قسم تقسیم می‌کنم که براساس آن صحبت کنم . قسمت اول فلسفه وضع چنین قانونی در تمام قوانین هست که ایشان خیلی خوب بیان کردن . برای پیشگیری در دادگاهها یک موادی می‌گذرانند که به آن می‌گویند موارد رد ، که اگر کسی با قضی اختلافی یا دعوای حقوقی یا کیفری داشته باشد ، آن قضی صلاحیت رسیدگی به آن پرونده را ندارد و برای اینکه قضی را که مسلط به کارش هست از کار بیاندازند ، قبل ادعائی حقوقی عليه ایشان طرح و بعد به همان پرونده استناد می‌کنند و اورا از آن مقام میاندازند . برای اینکه از موارد رد قضی است و بعد یک قضی دلخواه را آنجا می‌گذارند . در مجلس هم به همین لحاظ که نماینده ملت چه به لاحاظاً صحبت‌هایی که اینجا می‌کند ، که برادر ما فرمودند و چه به لحاظ اتهاماتی که در خارج به نماینده زده می‌شود . مسأله صرفاً اتهام است و سلب مصونیت ، اتهام را هیچ موقع نفی نمی‌کند ، بلکه فقط صلاحیت رسیدگی دارد بعنوان یک تجوه ولایتی ، در واقع به آقایانی که اینجا هستند در مقام اعلای تشخیص . من احساس کردم در خیلی از صحبت‌هایی که برادرانمان اینجا کردند ، هویت مجلس خبرگان یا مؤسسان که حق تدوین قانون اساسی را دارند ، شناخته نشده . عرض کنم قوانین دونوع است ، یک قانون اساسی یعنی قانون مادر—ام القوانین— یعنی همین قانونی که ما صلاحیت تدوین آزاداریم و بعد سایر قوانین اعم از قوانین مدنی و کیفری و بقیه آنها و گمان می‌کنم مطالبی را که آقای مکارم قانون مدنی می‌گفتند ، منظورشان قوانین جزاً یا کیفر عمومی بود ، که مربوط نمی‌شد به اتهامات و محاکماتی که به آن ، اصول محاکمات



میگویند. بنابراین کسیکه در مقام تدوین ام القوانین است، اصلاح اغراض است و موضوع آن هنوز قوانین فرعی برای آن پانگرفته‌اند و صلاحیت دارد در همین جا آینده تمام آن قوانین را عوض کند، کما اینکه شما میخواهید در اینجا! این کار را بکنید. البته قانون مدنی یعنی قانون حاکم بر روابط، معاملات و عقود و ایقاعات وسائلی از این قبیل، اسلامی است و اکثر آزوی شرایع نوشته شده است، ولی در اینجا شما میخواهید تمام قوانین را عوض کنید. وقتیکه شما قانون اساسی را عوض کردید، تمام قوانین عوض میشود زیرا صلاحیت آفایان در اینجا حاکم است. بسا آنکه آفایان در مجلس شورای ملی راه پیدا کنند ولی در آنجا نمیتوانند حق تأثیر در قانون اساسی داشته باشند، ولی شما اینجا دارید اینکار را میکنید و نهادهای حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و فردی و اجتماعی را دارید عوض می‌کنید. آن کسی که اینجا اینکار را میکند، میتواند مسائل حاکم برخودش را هم در اینجا عوض بکند. بنده در جواب آقای بهشتی باز توضیح عرض میکنم که رفاندوم اگر چه برای روش شدن تکلیف نهائی این قانون است، ولی مدام که رفاندوم انجام نشده، تدوین این قانون به عهده نمایندگان این مجلس است، که اگر رفاندوم تصویب شد، همین قانون، «قانون اساسی» میشود، لکن از الان تاموقع رفاندوم ماحاکمیت برای امر داریم یعنی میتوانیم تکلیف خودمان و بقیه افراد این مجلس را به اکثریت تعیین کنیم. و مسئله تشریع که آقای سبحانی اشاره کردند بهتر است ما اصطلاحات را روشن کنیم. تشریع که ایشان فرمودند بمعنای اخص است. البته حکم از خدا است چه بعنوان اجراء و چه بعنوان فصل خصوصی و چه بمعنای کلی و قانون‌گذاری. واما اگر بناباشد این مجلس حق داشته باشد یک چیزهایی را تدوین کند، این را میشود تشریع بمعنای اعم هم گفت. البته «لامشاهدہ‌فی الاصطلاح» ولی این اصطلاح به هر حال هست. وقتی میگویند بشنیتم قانونی بگذرانیم فقهای در محدوده احکام الله بنابراین تشریع بمعنای اعم وظیفه ماست و در مجالس متنه‌آینده هم، همه آفایان مشرع هستند. به یک معنا ما در آن محدوده «حدود الله» حق تعیین داریم. پس منافات ندارد و چوب تکفیر هم بلند نمیشود، زیرا اینکار را کردیم و یک نظامنامه گذراندیم. انشاء الله قوانینی که خواهد گذشت در محدوده حدود الله قانون و تشریع است و رفاندوم ناظر به بعد از تدوین قانون اساسی است یعنی الان ما نمیتوانیم بخشی رابع بدفانون رفاندوم بکنیم، یعنی مانع صلاحیت مجلس نمیتواند باشد، متنها آن چیزی است که نفوذ این قانون را در آینده ابقاء خواهد کرد یا عوض خواهد کرد. به هر حال آنها یکی که این ماده را گذرانده‌اند، میتوانی بر تجربیات عدیده‌ای بود که همیشه یک افرادی را که در مجلس گاهی صعبت‌شان، یا آن اقلیت بودنشان یا چیزهای دیگر را تنحر مسیر مؤثربوده، با یک اتهام واهمی، یک‌جهتی بازداشت میکردند و بعد هم اعتذار میکردند و کارهای از کار گذشته بود، و اگر این قانون را به طور غیرقانونی توقیف کنند و بزنتند و بکشند. به هر حال چون این خطر و فلسفه بوده اینکار را کرده‌اند و این مصونیت لزوم دارد.

نایب رئیس — آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — بسم الله الرحمن الرحيم. برای اولین بار بعد از انقلاب نبی اکرم اسلام، نتیجه‌این انقلاب عظیم ما این بود که بما این اجازه را بدده که قوانین موضوعه بشری را با قوانینی که از طرف عالم غیب الهام شده تطبیق کنیم و آنچه که انتباق پیدا میکند، تصویب کنیم. هدف از انتخاب مجلس خبرگان براین مبنای بوده است که یک سلسله مقرراتی که در این



کشور اجرا میشده، ما اینها را با سائل اصولی اسلام که از روی مدارک اصلیه پدست آمده انطباق بدھیم و هر کدام که امکان انطباقش هست وقابل اجرا است، تصویب کنیم و هر کدام که انطباق نداشت رد کنیم. و ما معتقدیم که قانون گذار خدا است برای اینکه اوست که به تمام خواسته های دزونی و بیرونی و نیازمندی های بشر واقف و آگاه است و ما هیچ گونه آگاهی به تمام معنا نداریم و هر قانونی که بشر خودش بخواهد ...

نایب رئیس — آقای فاتحی خارج از دستور صحبت نفرمایید.

فاتحی — بطور اجمال این بحث را که الان مطرح شده عنوان مصونیت دادن بیکفرد درهیچیک از برنامه های دینی تابحال ما ندیده ایم، و درهیچ کتاب دینی تابحال شنیده نشده و این مورد از مستحدثات غرب زدگی است و آنکه در اسلام است البته آزادی گفتار بهمه داده شده و هر کس میتواند هرچه بخواهد بگوید. البته در همین تشریفی که اخیراً بخدمت امام داشتیم، به این نکته خیلی اصرار داشتند که شما همان اندازه مأموریت دارید که در قانون اسلام است و شما مجاز نیستید مثلا همسر موکلتان را طلاق دهید. ماعنوانی بنام عنوان مصونیت در اسلام پیدا نکردیم و بهیچ وجه شایسته نیست این را در اینجا تصویب کنیم، چون برخلاف هدف این مجلس است.

نایب رئیس — پیشنهاداتی در مورد مصونیت رسیده است که قرائت میشود:

— به نمایندگان دربرابر ایراد سخنرانیها و نطقها، در رابطه با بررسی قانون اساسی مصونیت مطلق داده شود، ولی در برابر مسائل گذشته و حوادثی که ممکن است انجام دهنده در صورت تعقیب، مجلس آنرا مورد بررسی قرار دهد و در صورت لزوم از نمایندگان مصونیت نماید. (هاشمی نژاد)

— نمایندگان مجلس خبرگان در اظهارنظر و بیان عقبه آزادند و از این جهت کسی نمیتواند آنها را مورد مواخذه قرار دهد و آزادی آنها را سلب نماید و در مورد مسائل خارج از مجلس، (ربانی شیرازی) تصمیم با مجلس است.

— مصونیت باید باشد، ولی اضافه شود که مجلس نسبت به هر کس صلاح نداند سلب مصونیتی کند.

— در آئین نامه ماده ای در خصوص مصونیت پارلمانی اعضاء نجانده شود، تا نمایندگان آزادی عمل بیشتری داشته باشند. در پیش نویس قانون اساسی اصل هفتاد و یک برای نمایندگان مجلس شورای ملی چنین مصونیتی پیش بینی شده است، در حالیکه اهمیت مجلس حاضر کمتر از مجلس مقننه دیگر نیست.

ماده — هرگاه یکی از نمایندگان مجلس خبرگان از طرف مقامات صالحه قضائی جهت رسیدگی به اتهامی بازداشت گردد، مجلس خبرگان همان روز بازداشت، و قبل از اقضایه ۲ ساعت با آن مقام قضائی در این موضوع تماس گرفته و جریان امر را به مجلس گزارش نمیدهد، تا از صحت جریان رسیدگی و فوریت آن یقین حاصل کند، و گرنه آن نماینده باید آزاد گردد. (فارسی)

— برای تعقیب و محاکمه متهمین خبرگان، با اجازه شورای انقلاب یا خود امام، قاضیان شرعی که در خود مجلس هستند، مأموریت یابند و در طول مدت مزبور متهم در خود مجلس باشد و از مجلس خارج نشود. (سید محمد علی موسوی جزايری)



نایب رئیس — مطالب دیگری هست که دوستان بعنوان تذکر به سخنان دوستان دیگر نوشته اند که از آنها صرفظیر میکنیم و چون قبل ام موافق و هم مخالف هردو در این باره صحبت کرده اند، دیگر مجال صحبت نیست. بنابراین اجازه بدید اصل پیشنهاد اولی را که مشترکاً به آفای مقدم مراغه‌ای و آفای میرمادزه مربوط بوده است، به رأی بگذاریم. پیشنهاد قرائت میشود:

«بهیچ عنوان و بهیچ دستاویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس خبرگان در مدت نمایندگی حق تعرض به اعضای آنرا ندارد. نمایندگان مجلس یا کارشناسانی را که طبق پیش‌بینی در آئین نامه از آنان برای تبادل نظر دعوت میشود، به سبب اظهارات و نظرات نمیتوان تعقیب کرد. اگر احیاناً یکی از اعضای مجلس خبرگان علناً مرتکب جنجه و جنابه شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر شود، تعقیب او باید به اطلاع مجلس خبرگان برسد.»

نایب رئیس — آفای مراغه‌ای در اینجا سلب مصونیت را نشونده اید.

مقدم مراغه‌ای — آرا لطفاً اضافه کنید.

نایب رئیس — چون پیشنهاد آفای مراغه‌ای سه قسمت است، هر سه قسمت جداگانه خوانده میشود و نسبت به آن رأی میگیریم. حالا قسمت اول آن قرائت میشود:

«بهیچ عنوان و بهیچ دستاویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس خبرگان در مدت نمایندگی حق تعرض به اعضای آنرا ندارد، مگر با سلب مصونیت از طرف مجلس»

نایب رئیس — نمایندگانی که با این پیشنهاد موافق هستند، دست خودشان را بلند (اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد. حالا قسمت دوم قرائت میشود:

«نمایندگان مجلس یا کارشناسانی را که طبق پیش‌بینی در آئین نامه از آنان برای تبادل نظر دعوت میشود به سبب اظهارات و نظرات نمیتوان تعقیب نمود.»

نایب رئیس — موافقین دست بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردن) با اکثربت قاطع تصویب شد. قسمت سوم قرائت میشود:

«اگر احیاناً یکی از اعضای مجلس خبرگان علناً مرتکب جنجه و جنابه بشود و در حین ارتکاب دستگیر گردد، تعقیب او باید به اطلاع مجلس خبرگان برسد.»

نایب رئیس — موافقین دستشان را بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردن) پس هر سه قسمت این پیشنهاد تصویب شد و اینرا بعنوان یک ماده به آئین نامه اضافه میکنیم. آفای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — مجوز قانونی آن چطور میشود؟

نایب رئیس — صحیح است، این یک بحث حقوقی است، در مورد مجوز آن بعداً اقدام خواهیم کرد. در مورد ساعت کار مجلس بعد از ماه رمضان، یعنی از روز شنبه پنده پیشنهاد میکنیم از ساعت هفت و نیم صبح الی دوازده و نیم و بعد از ظهر از ساعت چهار و نیم الی نماز غروب باشد. بنابراین، این پیشنهاد را به رأی میگذاریم. نمایندگانی که موافقند ساعت شروع کار هفت و نیم صبح باشد دستشان را بلند کنند. (عده کمی دست بلند کردن) رد شد. حالا نمایندگانی که با شروع کار در ساعت هشت صبح موافق هستند، دستشان را بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد.

برای جبران نیمساعتی که صبحها از دست میروند ساعت اتمام کار را یک ساعت بعد از



دوازده پیشنهاد میکنم . نمایندگانی که موافقند دستشان را بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد . نمایندگانی که باشروع کار در بعد از ظهر، با ساعت چهار و نیم الى وقت نماز مغرب موافق هستند ، دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد . از طرف آقای دکتر قائمی پیشنهادی رسیده است که « فردا چون روز آخر ماه مبارک رمضان است پیشنهاد می کنم، بعد از ظهر فردا و روز جمعه تعطیل اعلام شود ». قبل از اینکه ما راجع به این پیشنهاد تصمیم بگیریم ، بنده پیشنهاد می کنم که روزهای جمعه در طول این مدت تعطیل باشدو هر مقدار وقت لازم داریم به پایان مدت اضافه کنیم . دلیل آن هم اینست که خسته میشویم و با خستگی نمیشود کاری انجام داد . بعلاوه نیازهای بیش میاید که باید به آن رسیدگی کرد . کسانی که موافقند روزهای جمعه در اثنای این مدت تعطیل باشد ، دستشان را بلند کنند(اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد . بنابراین روزهای جمعه تعطیل خواهد بود . آقای دکتر قائمی هم پیشنهاد کرده اند فردا که پنجشنبه است، بعد از ظهرش به عنوان مقدمه عید فطر، تعطیل باشد . اگر مخالفی هست اظهار نظر کند (اظهاری نشد) بنابراین موافقین با این پیشنهاد دستشان را بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد . چند نکته راجع به آئین نامه است که باید مطرح شود و تکلیفش روشن بشود . یکی اینکه آقای کریمی سؤال کرده اند که « حق واگذاری نوبت نفر بعدی به نفر قبلی برای نطق قبل از دستور در ذیل کدام یک از مواد گنجانده شده ؟ و بطور کلی آیا در نطقهای قبل از دستور، امکان این را بدھیم که نفر بعدی وقتی را به نفر قبلی واگذار کند یا خیر؟ اگر مخالفی با این پیشنهاد است میتواند صحبت کند (اظهاری نشد) پس موافقین با این پیشنهاد دستشان را بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد . بنابراین ذیل ماده مناسبی این مطلب را قرار میدهیم . پیشنهاد دیگر قرائت میشود :

« برای اینکه مبادا موردی پیش آید که یک نفر بخواهد تمام وقت نطق قبل از دستور را بخود اختصاص بدهد و برای نیل به این منظور با کسی توافق کند که بعد از او اسم نویسی کند و در موقع خود نوبت را به او واگذار نماید ، خویست واگذاری نوبت نفر بعدی به نفر قبلی منوط به موافقت هیأت رئیسه باشد ».

نایب رئیس — چون پیشنهاد اول بدون شرط تصویب شد، این پیشنهاد قابل طرح نیست.

پیشنهاد دیگری است که قرائت میشود :
« در جلسه علنی رسمی ، برای اخذ رأی نسبت به اصول قانون اساسی ، نظر به اهمیت موضوع خوب است رأی آقایان نمایندگان علنی باشدو با قیام و قعود انجام گیرد ».

نایب رئیس — این پیشنهاد با آن موادی که صبح تصویب شد ، متفق است. پیشنهاد آقای سیحانی اینست که « پنجشنبه ها فقط عصرها تعطیل گردد ». موافقین با این پیشنهاد دستشان را بلند کنند (عده کمی دستشان را بلند کردن) رد شد . پیشنهادی از آقای خزعلی به این شرح رسیده است « برای رسیدگی به عبارات ازحیث عددی و رعایت بیان قانونی، هیچگونه پیش بینی نشده است. لطفاً توجه شود ». بی شک با ایدمن نهائی قبل از شورنهائی سه روزه، از این نظر که عبارتهای حقوقی قالبی باشد ، بوسیله یک گروه متخصص تنظیم و نوتویسی شود و بعد برای شورنهائی عرضه بشود . بنده خیال میکنم این را جزو اختیارات هیأت رئیسه بگذاریم و حاجتی ندارد که اینجا رویش بحث بکنیم . هیأت رئیسه میتواند این کار را انجام بدهد .

در این فاصله آقای دکتر با هنر درباره اوراقی که آقایان باید ثبت نام کنند، توضیح میدهند.



دکتر باهنر - بسم الله الرحمن الرحيم. براساس موادی که دیروز عصر تصویب شد، قرار شد که هفت کمیسیون تشکیل بشود و مطالبی که باید بررسی شود به هفت گروه تقسیم شود و در اختیار آقایان نمایندگان گذارده شود و هر فرد حق دارد در برابر سه گروه از این هفت گروه علامت بگذارد و بعد آن گروه هماهنگ کننده، براساس پیشنهادی که هر یک از آقایان در مورد انتخاب این بخشها داده اند، افراد گروههای هفتگانه را تعیین واعلام کنند و انشاء الله از فدا کار کمیسیونها و گروهها شروع می شود. امروز با برادرانی که مسئول تقسیم و تعیین هفت بخش از مطالب هستند، بودیم تا تیترها و عنوانی که اصولاً ممکن بود، ازان طرح پیشنهادی قانون اساسی استخراج کنیم. البته تیترهای کلی را استخراج کردیم و آنها را در هفت گروه تقسیم کردیم. همه این تیترها مربوط به عنوانین طرح پیشنهادی قانون اساسی نبود، بلکه از برخی از طرحهای پیشنهادی دیگر هم عنوانی انتخاب شد و به تناسب گروهها اسم این عنوانین برده شد. بنابراین این تقسیم بندی هفتگانه فقط یک طرح است و مقید نیستیم که حتماً تنها روی مسائلی که در طرح اول پیشنهادی قانون اساسی بوده است، کار کنیم و همانها را تنظیم نمائیم، بلکه در هر بخشی و در هر کمیسیون اگر مسائلی بنظرتان رسید که باید اضافه یا کم یا تکمیل یا اصلاح بشود و یا توضیح داده شود، دست این گروهها باز است. منتظر این عنوانی که عرض کردم و این تقسیم بندی، از زمینه طرح اصلی پیشنهادی استخراج شده بود. علتش هم این بود که طرحی که قبل رویش دوماه کار شده بود و در روزنامه ها هم چاپ شده بود، در حدود چهار هزار اظهار نظر درباره اصل به اصل این طرح رسیده است، و این اظهار نظرهارا آقایان کارمندان دفتری و اداری مجلس سنای سابق، تقسیم بندی ورده بندی و کلاسه کرده اند. پیشنهادات و اظهار نظرهای مربوط به هر فصل و هر اصل را در یک پوشش خاصی گذاشتند، که در اختیار کمیسیونها گذاشتند. بنابراین چون زمینه اظهار نظرها و پیشنهادات و انتقادات روی این طرح پیشنهادی اولی بوده، ما همه تیترها را بر همان اساس انتخاب کردیم. البته محدود به اینها بوده و ما از عنوانین برخی از طرحهای پیشنهادی هم استفاده کردیم، و در عین حال هنوز هم محدود نیست و در هر فصلی شلا در فصل ارتضی یاقوه متنه و حقوق ملت یا اصول کلی یا هر اصلی که بنظر رسید، باید اضافه و یا کم و یا اصلاح شود، دست آقایان باز است. در هر صورت ورقه ای خدمت آقایان داده می شود که در آن مسائل در هفت گروه پیشنهاد شده است و در ذیل آن از آقایان در خواست شده که لااقل در برابر سه بخش از مسائل هفتگانه فوق علامت گذاری کنند. بعد انتخاب را به گروه شورای هماهنگی خواهید داد که یکی از سه موردی را که شما پیشنهاد گردید، انتخاب بکند. برای اینکه دستشان باز باشد و بتوانند مسائل گروه هفتگانه را به نحو صحیحی بین نمایندگان تقسیم کنند، البته اگر کسی در گروهی جاگرفت او نظری نسبت به مسائل گروه دیگری داشت، منافات ندارد که به آن گروه برود و نظرش را ارائه کند، و این مربوط به هفته اول است و هفته بعد از آن هر یک از گروهها راجع به کل مسائل اظهار نظر خواهد کرد و رویش کار خواهد کرد. بنابراین باز هم دستمان بسته نیست از اینکه هر گروهی بخواهد در گروه دیگری اظهار نظر و یا دخالت بکند. این خلاصه توضیحی بود که خواستم عرض کنم. حالا آن ورقه ای را که گفتم، توزیع میکنیم و آقایان آنرا پر خواهند کرد و بعد جمع میکنیم و تقسیم بندی میکنیم.

نایب رئیس - آقای مکارم شیرازی توضیحات آقای دکتر باهنر را کافی نمیدانید؟

مکارم شیرازی - میخواهم توضیحی عرض کنم.

نایب رئیس — بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. اولاً درباره این پیشنهاد جمله‌ای باید عرض کنم، چون در ماده ۷۳ آئین نامه قبلی درباره بودجه مجلس نوشته شده بود که امروز صبح در کمیسیون به اندازه کافی درباره آن صحبت کردیم، ولی بنده فکر میکنم برای اینکه مسأله جدی تر تلقی شود، نامه‌ای از طرف مجلس بدولت نوشته شود و مضمون نامه اجمالاً به این صورت باشد که «در ماده ۷۳ که نوشتۀ اند دمیلیون تومن بودجه برای مجلس در نظر گرفته شده است، سؤالاتی را برانگیخته است و ما توضیح میدهیم که برنامه کار نمایندگان به عنوان انجام یک وظیفه واجب دربرابر خدا و یک دین مسلم در برابر ملت است و هیچگونه پاداشی در مقابل این کار نمیخواهد» و بودجه‌ای هم که پیش‌بینی شده باید حدا کثر صرفه جوئی در آن بشود و بقیه‌اش به بیت‌المال برگردد. به عقیده من این دو موضوع تحت عنوان نامه‌ای نوشته شود، که مسأله رسمی تر و جدی‌تر باشد، گرچه در اینجا هم مطرح شده است، ولی اگر صلاح میدانید این موضوع به رأی گذاشته شود فکر میکنم که برآورده توضیحی که از نظر کار جلسات فردا آقای دکتر باهنر دادند، بنده خواستم یک مطلبی را اضافه کنم و امیدوارم به عرض دقت بفرمائید. اگر بخواهیم بحث‌های ما هماهنگ بشود، باید از این متنوی که بدست ما رسیده یک متن در تمام گروهها و کمیسیونها باشد و بقیه بصورت حاشیه باشد. اگر ما هیچ متنی انتخاب نکنیم، کار گروهها و محصولتش که به شورای هماهنگی مرسید یک چیز مشوشی خواهد بود. اما اگر یک متنی را مثلاً متنی را که قبل از منتشر شده است انتخاب کنیم، چون روی ماده اول آن مطالعاتی شده، و نظراتی داده شده همتغیرات، اصلاحات و اضافات در کمیسیون هفتة اول مورد بررسی قرار می‌گیرد و نتیجه محصول کار این کمیسیون و کمیسیون هفتة بعد از آن برای ما یک محصول منظمی خواهد بود. اما اگر هیچ متنی، مادر و پایه انتخاب نشود، تمام برنامه‌ها بصورت مشوشی پیش مبرود و مادر جلسه‌ای که با دوستان داشتیم این پیشنهاد را کردیم که این متنی که منتشر شده است و در اختیار همه مردم است بعنوان متن پایه قرار داده بشود. معنی متن پایه این نیست که تغییر ندهیم، تمام مواد آن بدون استثناء قابل اصلاح و تغییر و حذف و اضافه است، اما در کار این کمیسیون و کمیسیون آینده یک نظام ایجاد می‌کند. ولی چرا این متن را پایه قرار دهیم؟ برای اینکه چهارهزار پیشنهاد روی این رسیده است و خود آقایان دو ماه است روی این مطالعه کرده‌اید، مراجع روی این مطالعه کرده‌اند، نظریات اصلاحی داده‌اند. بنابراین همه نظریات را روی این پیاده میکنیم و بعد هم عقیده خودمان را ویا زهم تأکید میکنیم که همه مواد رامیتوانیم عرض کنیم، اصلاح کنیم، حذف کنیم، کم کنیم و یا زیاد کنیم. هیچ محدودیتی برای نمایندگان از این نظر نیست. اما یک متن پایه در دستور کار باید باشد. با جناب آقای مستظری هم صحبت کردم که هدف فقط هماهنگ کردن کار است والا دست آقایان در اصلاح و تغییر و یا حذف آن باز است. اگر یک چنین مسأله‌ای پذیرفته شود، در آن چیزی که خدمت آقایان داده شده، آن موضوعی که انتخاب میکنید بعداً می‌شود کنارش هر موضوعی را نوشت مثلاً در متن اصلی، فصل اول ده ماده و فصل دوم پانزده ماده و فصل سوم سی ماده است و هرگروهی به راحتی می‌تواند سراغ مواد مربوط به خودش برود و بررسی لازم را درباره مواد خودش بکند. نایب رئیس — من در این زمینه یک نظری دارم که عرض میکنم. برخی از متن‌های



که تهیه شده چهار چوب فکریش با چهار چوب فکری متن منتشر شده متفاوت است. چطور است که فقط یک روز صبح دوستان این متن را از نظر چهار چوب مطالعه کنند و چهار چوبها را استخراج کنند و اگر ممکن بود چند تا از متنون را که قابل ملاحظه تر است، تکثیر کنند که در اختیار همه گذاشته شود، ولی آنچه که مهم است این است که آن چهار چوب را همه دوستان در کمیسیونها رسیدگی و شماره‌گذاری کنند و مادر یک جلسه روی انتخاب یکی از چهار چوبها شورکنیم و رأی بگیریم که روند کارما براساس آن چهار چوب باشد. اینطور که ایشان می‌فرمایند که شماره‌ها و فضول همین باشد ولی میتوان مطلب را عوض کرد و چیزی دیگر و یا فصل دیگری بجایش آورد، این کار زینه اصلیش را از دست میدهد. ولی اگریک چهار چوب را مجلس انتخاب و تصویب کند که ادامه کار روی آن چهار چوب باشد، می‌شود اسمش را زینه بگذاریم. آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — در تأیید سخنان آقای مکارم، فلسفه پیش‌نویس قانون همین بوده که یک چیزی برای بررسی باشد، والا چیزی نمی‌نوشتند و بما می‌گفتند بیانیه دیگری یک‌چیزی تهیه کنید. فکریمی کنم این متن نسبت به متن دیگر بهتر باشد. بنابراین هیچ اشکالی ندارد که این یک مجموع باشد و در کنار هر طرحی یا هر اصولی از اصولی که در طرحهای دیگر تقدیم شده بررسی شود.

نایب رئیس — آقای دکترا آیت بفرمائید.

دکترا آیت — چون چندین متن تهیه شده است بنده پیشنهاد می‌کنم آن متنی که بتواند دارای ده‌امضاء از نمایندگان باشد، مطرح بشود و یکی از آن متنها انتخاب بشود. یک متن آقای منتظری دارند و چند متن دیگر هست که اگر توانستند ده‌امضاء را بگیرند، اینجا مطرح شوند و روی آنها رأی بگیریم و یکی را انتخاب کنیم.

نایب رئیس — آقای منتظری شما هم همین نظر را دارید؟

منتظری — بله.

نایب رئیس — آقای دکتر باهنر بفرمائید.

دکترا باهنر — برای تنظیم اینگونه مطالب امروز صبح چهارینج متن مهمتر را بررسی کردیم، از جمله آنها، متنی بود که روحانیون تهران تهیه کرده بودند و همچنین متن آقای منتظری و متن های دیگر که چون حقوق ملت را مقید تکرده بودند ما به این متن که بیست و چهار ماده بود، قوه مقننه وشورای نگهبان وشورای رهبری وشورای اسلامی و ولایت فقیه را اضافه کردیم. متن های معروف دیگری هم بود که مورد شور واقع شد.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — من نظرم این بود که ابتدا یکی از آن قالبهایی که داده شده است مطرح بشود، اگر کسی آنرا بخواند پاگیر می‌شود و اگر موضوعی را نتوانست یاد داشت کند از دست می‌دهد، یا اینکه می‌توانند بدواناً موضوعات موردنظرشان را بنویسند، زیرا این قالبه محدودیتی بوجود نمی‌آورد، بخصوص پیش‌نویس اول.

نایب رئیس — آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — بسم الله الرحمن الرحيم. این چهار چوبی که شما می‌فرمائید اولاً باید از اول تا آخر یک مقدار زیادی از عبارات واصطلاحات متن عرض شود و یک مقداری به فضول اضافه شود، زیرا تمام صاحبنظران انتقادات شدیدی نسبت به همین چهار چوب کرده‌اند و حتی بعضی از مراجع



خودشان طرح جداگانه‌ای ارائه کرده‌اند. ظاهراً از همه‌ینها گذشته ما دیروز تصویب کردیم که این طرح را کنار بگذاریم و یک طرح آزاد و یک روش آزادی را در نظر بگیریم. حالا چطور ظرف دوازده ساعت این رأی تغییر پیدا کرد؟ در صورتی که نباید اینطور باشد، من متوجه هستم که این را تذکر می‌دهم، البته شما حکم استاد را دارید، اما توجه داشته باشید که دیروز تصمیم گرفته شد که این طرح پیشنهادی کنار گذاشته بشود و یک طرح آزادی درنظر گرفته شود.

نایب رئیس - آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری اصفهانی - بنده معتقدم اگر این متن پیشنهادی را اساس کار قرار بدھیم، ولی ما هیش عوض بشود این بیشتر توهین به متن پیشنهادی است تا اینکه آنرا هم مثل یکی از متنون قرار بدھیم و کل اینها مورد مطالعه قرار دھیم و گروه‌ها متنی ازین آنها استخراج کنند و بعداً در معرض افکار عمومی قرار دھیم.

نایب رئیس - آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی اردبیلی - بنده تأکید می‌کنم همانظور که برادرم فرمودند ما نباید به آن پیش نویس منتشر شده تصب داشته باشیم که دست نمایندگان بسته باشد. البته به آن چیزی که احتیاج دارند دستشان باید باز باشد، اما بالاخره متنی بوده در اختیار همکاران قرارداده شده و در خارج منتشر شده و همه مراجع آنرا دیده‌اند و رویش نظرداهند. حالا اگر بیانیم بگوئیم آن‌ها درست نبوده و تمام آنرا نادیده بگیریم و مجدداً بنشینیم و یک متنی تهیه کنیم، این یک بخوردی با آن کارهای سابق و آن نظراتی که داده شده است پیدامی کند و اگر با همان تفصیل بخواهیم شروع کنیم که امکان ندارد، در عین حال اگر بخواهیم از نظرات استفاده کنیم، فرق نمی‌کند که از روی یک اصل استفاده کنیم یا اصول زیادی و یا اینکه اصولی را اضافه یا کسر کنیم، حتی در تبدیلیش ممکن است فصل اول را فصل دوم و فصل سوم را فصل دوم قرار دھیم، اما بالاخره کاری روی اصول شده و ما باید به آن اصول احترام بگذاریم و خط بطلان برآن نکشیم.

نایب رئیس - آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی - بنده منظورم این است که متن پیشنهادی دولت که روی آن زیاد هم کار شده اساس کار باشد و اگر آقایان اصلاحاتی می‌خواهند بگذنند، می‌توانند روی آن اینکار را بگذنند، ولی نظر به اینکه مردم به این متن آشنائی بیشتری دارند و رویش مطالعه بیشتری شده، اساس کار بر روی متن پیشنهادی باشد.

نایب رئیس - آقای قرشی بفرمائید.

قرشی - فعلاً کمیسیونها معین شود، بعدیک شورای هماهنگی ازین تمام پیشنهادها مواردی را انتخاب بگذارد و در اختیار این کمیسیونها بگذارد.

نایب رئیس - خیلی مشکرم. خواهش می‌کنم دولت این اگر پیشنهادی دارند آنرا کتاب مبرقون بفرمایند تا بتوانیم روی آن تصمیم بگیریم. آقای دکتر ضیائی بفرمائید.

دکتر ضیائی - پیشنهاد دولت به صورت یک پیش نویس داده شده است، نظری آن و بهتر آن پیشنهادهای زیادی شده است که با وقت و توجه زیادی تهیه شده و این هیچ برتری بر سایر پیش نویسها ندارد، بخصوص که باید بگوئیم چون با دقت پیشتری تهیه شده شاید مقدم بر آن قبلی باشد، به این جهت آن پیش نویس حق تقدیمی ندارد. البته همه کسانی که پیش نویس را تهیه کرده‌اند قابل تقدیرند، زیرا آن کسانی که پیش نویس قانون اساسی را ارائه داده‌اند



جولان فکری‌شان زیاد بوده، اما این گروه هفتگانه که تعیین شده است یک ملأکی بدست مامیده‌های و آنچه را که از آن پیش‌نویس در ذهن ما بیاید، در جلسه مطرح میکنیم و زوائدش حذف خواهد شد و آنچه مورد لزوم است از آن استفاده میکنیم و به متن قانون اساسی اضافه میکنیم، حالا از طریق شورای هماهنگی یا از طریق گروهها . همانطور که فرمودند پیشنهادات رسیده کلاسه شده است پس وظیفه ماست که از نکات خوب آن استفاده کنیم.

نایب رئیس—آقای دکتر قائمی.

دکتر قائمی—عرض کنم در فاصله سه ماه اخیر که این پیش‌نویس، خواه توسط روزنامه‌ها یا رادیو و تلویزیون منتشر شده ، فکر میکنم همه نمایندگان محترمی که اینجا تشریف دارند سعی کرده‌اند که بخش اعظم اظهار نظرها و پیشنهادها را بخوانند و راجع به آنها اظهار نظر کنند و حتی اظهار نظر گروههای مختلفی را که در رادیو و روزنامه‌ها منعکس شده، با آن تطبیق بدهند. بنده معتقدم که همین پیش‌نویس باید باشد ولی در عین حال مانع آن نیست که از پیش‌نویس‌های دیگر استفاده کنیم و براساس مطالعه آن پیش‌نویس‌ها، اصولی را بر این پیش‌نویس اضافه کنیم یا جرح و تعدیلش کنیم یا از آن حذف کنیم. فکر میکنم دوستان عزیز در فاصله این سه‌ماه هر کدام این پیش‌نویس را ده بار خوانده‌اید و کم و زیاد و اصلاح کرده‌اید.

نایب رئیس—عده‌ای از آقایان برای صحبت کردن در این زمینه‌ها نوبت گرفته‌اند، بنظر میرسد که صحبت ما مکرر است و وقت‌ما کوتاه . آقای سحابی مطلب تازه‌ای هست؟ مهندس سحابی—پیش‌نویس پیشنهادی از همه مجرایا، چه شورای انقلاب و چه هیأت دولت گذشته و حتی به عرض مراجع هم رسیده و نسبت به آن اظهار نظر کرده‌اند و بعد منتشر شده است. این طرحهای پیشنهادی که حالا مانع مطابق طرح پیشنهادی منتشر شده است. به این ترتیب که آن طرح پیشنهادی، زمینه تمام این طرحها قرارگرفته است و ما به مردم اعلام کردیم که مجلس برای بررسی این پیش‌نویس تشکیل میشود و عده‌ای را انتخاب کنند که این پیش‌نویس را بررسی و رسیدگی و اظهار نظر کنند. بنابراین انتظار مردم اینست که ما همان پیش‌نویس منتشر شده را بررسی و رسیدگی کنیم.

نایب رئیس—پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است، موافقین با این پیشنهاد و اینکه سه پیشنهاد دیگری را که رسیده است یکی یکی به رأی بگذاریم دست‌بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد . بنابراین با اعتناء از دوستانی که نوبت میخواستند، انشاء الله بعد نظراتشان را گوش خواهیم کرد . سه پیشنهاد است اینها را به رأی میگذاریم . پیشنهاد اول—آقای یزدی و آقای مکارم پیشنهاد کرده‌اند که «متن منتشر شده از طرف دولت به عنوان زمینه انتخاب بشود ، متنها گروهها می‌توانند همه نوع تغییر در اصول آن بدene. نقش این متن تنظیم است بطوریکه معلوم باشد که همه گروهها روی این مطلب کار میکنند و مطالب پیشنهادی‌شان را به شورای هماهنگی میدهند .» چون درباره این موضوع مخالف و موافق صحبت کرده‌اند، موافقین با اینکه متن پیشنهادی با چنین توسعه‌ای زمینه کار گروهها باشد، دست‌بلند کنند(اکثر دستشان را بلند کردن) با اکثریت قاطع تصویب شد. بنابراین نوبت به طرحها و پیش‌نویس‌های دیگر نمی‌رسد . باید به اطلاع دوستان برسانم که دریاسخ نامه‌ای که به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران فرستاده بودیم، پاسخ داده‌اند «نامه شماره ۱ مورخ



۵/۲۹ رسیده و مسائل فنی کاملاً آماده است و از فردا ساعتی را که تعیین میفرماید گروه ریورتاژ رادیویی ما در محل حاضر و مطالب مستقیماً از کanal ۲ رادیو پخش خواهد شد، بنابراین نظر دوستان تأمین است.

پیشنهادی است از آقای منیرالدین حسینی که برای احراز موافقت اصول تصویب شده با قوانین و اصول اسلامی، شورائی از فقهای مجلس انتخاب شوند و اصول مصوبه پس از تصویب آنان به تصویب نهائی برسد، یعنی قبل از اینکه به جلسه علنی بیاورند با اصل پیام امام تلفیق بشود. مشکرم، آقای بنی صدر بفرمایید.

بنی صدر— بیاناتی که بعضی آقایان در اینجا میفرمایند، اکثرآ متناقض است. از یک طرف میفرماید ولایت فقیه، جانی دیگر که به نفتان باشد، میفرماید اینجا را آقا فرمودند و چیزی را که میبینید با رأی تان جور در نمی آید، میگویند آقا فرمودند. اگر میگویند آقا فرمودند، پیش نویس قانون اساسی را بنده و آقای دکتر بهشتی بردیم خدمتشان و جزدومورد بقیه آن را تأیید فرمودند، پس شما همان دومورد را رسیدگی کنید و دیگر از این پیشنهادها ندهید.

نایب رئیس— آقای هاشمی نژاد بفرمایید.

هاشمی نژاد— بنده با پیشنهاد آقای حسینی هاشمی موافقم که کار از این کanal انجام بشود، زیرا انتخاب یک شورای پنج نفری از فقهاء بدلست آوردن نظرات آنها قبل از اینکه در جلسه علنی مطرح بشود، این فایده را دارد که میشود با آنها صحبت کرد و نظرات را با هم نزدیک کرد، که وقتی در جلسه علنی مطرح میشود نظرات با هم نزدیک باشد و موارد اختلاف کم شود.

نایب رئیس— عنایت بفرمایید که این مجلس از فقهاء و کارشناسان اسلامی تشکیل شده است. اگر منظور این است که میخواهید کسانی را که واجد بودن درجه اجتهادشان محرز باشد، آن مسئله دیگری است، والا در اینجا فقهاء عدهشان آنقدر هست که وقتی می خواهیم رأی بگیریم حتی رأی شان داخل رأی دیگران قرار میگیرد و بنده پیشنهاد مشخصی نمی بینم، مثل میگویند پنج نفر انتخاب بشوند، اگر بیست نفر فقیه باشند چرا پنج نفر انتخاب بشوند؟ به نظر من این کار ممکن است از اعتبار مجلس خبرگان بکاهد.

حسینی هاشمی— پیشنهاد می کنم عین پیام امام ملصق به مقدمه پیشنهادی آقایان بشود.

نایب رئیس— بلی این مسئله روشن است. آقای طاهری بفرمایید.

طاهری اصفهانی— این پیشنهاد موجب سلب آزادی است، زیرا اگر متن اصلی را مورد بررسی قرار دهیم ولی کسانی باشند که متن دیگری مورد نظرشان باشد، این کار آزادی را از آن سلب میکند.

نایب رئیس— مثل اینکه دیگر نظری نیست، پس رأی میگیریم. موافقین با این پیشنهاد که گروهی از فقهاء انتخاب بشوند دست بلند کنند (سه نفر دستشان را بلند کردن) رد شد.

آقای کرمی فرمایشی دارید بفرمایید.

کرمی— روزنامه بامداد درباره روزه خوردن آقایان علاما چیزی نوشته بود که این توهین به نمایندگان مجلس خبرگان است، باید خبرنگار روزنامه بامداد مورد بازخواست واقع شود که دیگر از این اخبار جعلی منتشر نکند.



نایب رئیس—آقای طاهری بفرمایید.

طاهری اصفهانی—بسمه تعالی، روزنامه بامداد دو مطلب نوشته بود که باید استیضاح

گردد:

۱—راجع به نماز جماعت پیشنهاد شده، نوشته بود آقای بهشتی پیشنهادرا قرائت کردند ولی در مقام عمل صورت نگرفت.

۲—راجع به روزه خوردن بعضی از نمایندگان نوشته بود سوال شد، گفته‌اند چون ده روز به آخر ماه نمانده بود، میسر تبود قصد کنیم، درصورتیکه مطلب این طور نیست و غلط است. آنچه بوده اینست، عده‌ای قصد داشته‌اند جهت نماز عید به شهرستان خود برگردند، لذا نمی‌توانستند قصد کنند.

نایب رئیس—خبرنگار بامداد باید توضیح بدهد، چون اگر قرار باشد از این مجلس خبرهای نامطلوب منتشر کنند، هیأت رئیسه تصمیم لازم را خواهد گرفت که آیا خبرنگار بامداد میتواند به مجلس بیاید یا خیر. آقای اکرمی بفرمایید.

اکرمی—خبرنگار مینویسد که از یکی از نمایندگان سوال کردم که چرا روزه می‌خورید. نماینده جواب داد چون ده روز به آخر ماه رمضان مانده است نمیتوانیم قصد کنیم. گمان میکنم آقایان گفته‌اند چون برای عید میخواهیم به شهرمان برگردیم نمی‌توانیم قصد کنیم و او چون آشنا به مسائل فقهی نبوده، اینطور تلقی کرده است.

نایب رئیس—بطور کلی باید دید که خبرنگارها برای خبرسازی برای روزنامه‌شان به اینجا می‌آیند و یا میخواهند ملت را درجریان وقایع جلسه منتخبینشان بگذارند؟ اگر واقعاً قصد، سوژه‌سازی باشد، به عقیده بنده هیأت رئیسه در این باره اختیارات کافی دارد و جلوی این کار را خواهد گرفت.

هاشمی نژاد—به نظر بنده برای روشن شدن ازهان باید توضیح داده شود که مسئله روزه مطرح نبوده، زیرا اکثریت علماء روزه دارند و فقط چند نفری به علی که آقای طاهری فرمودند و همچنین به علت یماری و کهولت سن نمیتوانند روزه بگیرند.

فاتحی—این خبرنگار دو موضوع را مطرح کرده است. اول گفته است رئیس مجلس پیشنهاد کرده که بعد از جلسه علنی نماز جماعت انجام شود و البته این پیشنهاد خوبی بود اگر چه من متوجه نشدم که این پیشنهاد عملی شده و با اینکه این پیشنهاد عملی شده ولی این خبرنگار مطلب را ناقص نوشته است.

نایب رئیس—خواهش می‌کنم روزنامه را به آقای ناظم‌زاده بدھید که بعداً تصمیم گرفته شود. به‌حال ما بار دیگر به سانه‌های گروهی بخصوص به روزنامه‌ها و مجلات اعلام می‌کنیم که در یک جامعه اسلامی باید استفاده از این رسانه‌ها به صورت اصیل و اسلامی و باحسن نیت همراه باشد و هرگونه تخلف، به معنای تخلف از روح انقلاب اسلامی ما است و این تخلف در همه‌موردی که باشد باید جلوی آن گرفته شود، بخصوص در مورد روزنامه‌ها و سانه‌های گروهی که می‌توانند در این ایام حساس، نقشی سازنده و یا خدای نکرده نقش تحریبی داشته باشند که امیدواریم خودشان مراقب باشند که نقش تحریبی نداشته باشند. دیگر در دستور مطلبی نداریم جزاً یعنیکه آقایان پیشنهادهای را همینجا پر کنند تا سریعاً گروه‌بندی بشود و به اطلاع آقایان برسد. فردا ساعت نه صبح جلسات کمیسیونها تشکیل و آغاز یکار خواهد کرد. یک پیشنهاد هم دیروز از طرف



یکی از دوستان رسیده که این پیشنهاد را هم مطرح می‌کنم و به نظر می‌رسد که دریکی دومورداز مسائل بینادی قانون اساسی احتیاج به یک جلسه بحث خودمانی داریم نه رسمی، بنابراین اگر دوستان موافق باشند این بحثها موكول شود به وقتیکه اصول قانون اساسی مطرح می‌شود و یا اگر موافقت می‌کنند دریک جلسه خصوصی مجلس مطرح کنیم و چه بهتر که فردا یا روز شنبه را به اینکار اختصاص دهیم و یک جلسه بحث سه یا چهار ساعته پیرامون یکی دو مطلب که اینجا زیاد بحث شده به صورت مباحثه داشته باشیم، بلکه بتوانیم در آن زمینه ها به یک نوع هماهنگی پیشتری بررسیم. این پیشنهاد دیروز از طرف آقای بنی صدر داده شده بود که وقت طرحش پایان جلسه بود که از کار آئین نامه فارغ شده باشیم «ما در اثنای چند روزگذشته یکی دو مسأله بینادی را مطرح کردیم که بیدا بود که درباره آنها اختلاف نظرها و اختلاف برداشتهایی وجود دارد. شاید هم اگر مباحثه کنیم، معلوم شود که یک مطلب است که با عبارات گوناگون گفته می‌شود، البته بانظم که فرصتی باشد تا مطالب بیان شود و ما بتوانیم روی یکی دو مبحث تبادل نظر کنیم و یا یک زمینه مشترک کارمان را ادامه بدهیم». آقای دکتر شیانی پیشنهادی کرده‌اند که مذاکرات را در این زمینه تمام کنیم تا کسانیکه قبل نام نویسی کرده‌اند به نوبت در کلیات صحبت کنند و از بقیه وقت برای این منظور استفاده بشود—البته بعداز تنظیم پرسشنامه ها— چون پنجاه و پنج دقیقه از وقت مقررجلسه باقی است، بنابراین دوستان می‌توانند بیانند صحبت کنند. آقای مولوی عبدالعزیز بفرمائید.

مولوی عبدالعزیز— برادران اسلام و حضار محترم، راجع به اصل سیزدهم خواستم در حضور آقایان چند کلمه عرض کنم. تقاضای بنده این است که همه برادران و دوستان موافقت بفرمایند که دین رسمی ایران فقط و فقط اسلام بشود و اسمی از هیچ یک از مذاهب برده نشود. همچنانکه در تمام کشورهای اسلامی اسمی از مذهب برده نشده و برده نمی‌شود و ماهم فقط به کلمه اسلام کفایت بکنیم. از طرف دیگر ما وقتی به کلمه اسلام اتكاء می‌کنیم تمام عالم اسلام باما هستند، ما می‌خواهیم که جمهوری اسلامی جهانگیر و عالمگیر باشد و تمام مسلمانهای عالم به طرف ما دست دراز کنند و ماهم به طرف آنها دست دراز کنیم. اگر بنا باشدم اسم مذهب را ببریم، برادران ما در عالم اسلام به ما بدین می‌شوند و آنها هم در مقابل ما یک جبهه‌ای می‌گیرند، زیرا که مذهب رسمی کشورشان شافعی یا مالکی یا حنفی یا غیر ذلك است. معهذا به عقیده بنده باید همه ما با هم متحده باشیم و دین رسمی کشور ما اسلام باشد و اگر اسمی از مذهب برده می‌شود، باید مذاهب اربعه رسمیت داشته باشند. مثلاً عرض می‌کنم وقتی کم در اصل ۴ نوشته شده زرشتبیان—بیهودیان— مسیحیان در ایران اقلیتهای رسمی دینی شناخته می‌شوند، پس چطور ما دین اسرائیل و دین آمریکائی ها را که دشمن رسمی ما هستند و ادیان آنها منسخه هست (وان‌الدین عنده‌الله‌الاسلام) دین آنها را رسمی بدانیم، اما مذهب اهل سنت والجماعت را که برادران شما هستند و خدای سنی ها و خدای شیعه ها و پیغمبر و قبله آنها و کتاب آسمانی آنها یکی است و هیچ تفرقه‌ای ندارند، چطور به خودمان اجازه بدهیم که مذاهب اربعه اهل سنت والجماعت را رسمی ندانیم، اما ادیان منسخه را رسمی بدانیم؟! لهذا در درجه اول باید فقط دین رسمی ایران اسلام باشد و اسم هیچ مذهبی برده نشود. همانطور که عرض کردم تمام مسلمانهای دنیا را به آغوش بگیریم و این جمهوری اسلامی را جهانگیر بکنیم اما اگر آقایان اصرار دارند که کلمه جعفری اثنی عشری گنجانده بشود، پس اضافه بفرمائید که مذاهب اربعه هم که حقه هستند و هیچ فرقی بین مذهب



جهفری و شافعی و مالکی و حنبلی و حنفی نیست و همچنان که شیخ شلتوت پیشوای اهل سنت والجماعت در مصر اعلام کرد که جافعی از قهای مذاهب اربعه است و هیچ فرقی نمی کند که کسی به فقه جافعی یا به فقه شافعی یا حنفی عمل کند آنها چقدر وسعت صدر داشتند ما هم باید وسعت صدر داشته باشیم و باید معلم دنیا باشیم و دیگران باید از ماس سرمشق بگیرند نه ما از دیگران . لهذا استدعای من از حضور آقايان این است که اگر کلمه اسلام اضافه نشود ، حداقل برادران شما که در ایران هستند و برادران اسلامی شما که در دنیا هستند ، از شما گله مند خواهند شد . لهذا چون میخواهیم که جمهوری اسلامی جهانگیر باشد و هیچ نوع اختلاف و شکافی نباشد و این شکاف و نفاق را که استعمارگران در عرض ۱۳۰۰ سال یا ۱۴۰۰ سال گذشته در بین ما انداخته اند ، از بین ببریم ، در این عصر تمدن و در این موقع حساس که عالم اسلام احتیاج به مودت و صلح و صفاو هماهنگی دارد ، باید یک چیزی را در نظر بگیریم که هیچ اثری ندارد و تمام برادران ما را بدین کند . لهذا مجدد آعرض میکنم که باید مودت و صلح و صفا را برقرار کنیم چون هیچ فرقی بین شیعه و سنی و فقهه جافعی و مالکی و حنفی و شافعی و حنبلی نیست . بخاطر می آید در زاهدان در یک مسجدی از مساجد برادران اهل تشیع ، در سخنرانی خودم بین ده هزار نفر از بلوچها اعلام کردم که ما سنی ها هیچ نوع اهانتی را بر اهل بیت روا نمیداریم و اعلام کردم هر کسی که کوچکترین اسائمه ادبی به حضرت علی (ع) و اولادش بکند از اسلام خارج است و اطمینان داشته باشید که تقدیه نمیکنم و این عقیده اهل سنت و الجماعت است . آنها نسبت به اهل بیت و اولاد علی بدین نیستند . ما اهانت نسبت به حضرت علی و اولادش را کفر میدانیم ، حتی در کتابهای ما نوشته است که هر کسی در نماز بگوید «اللهم صل علی محمد» و آل محمد را نگوید ، نمازش ناقص است و در کتابهای ما نوشته است که اگر کسی به پیغمبر صلوات و سلام نفرست نمازش ناقص میشود . لهذا شما میدانید که ما نسبت به هیچ احدی بدین نیستیم ، برادران تشیع را برادر خود میدانیم و هیچ فرقی نمی گذاریم و فقط التمام و استدعای ما از آقايان نمایندگان این است که ما و شما سعی کنیم که بین برادران نفاق نیفتند ، زیرا دشمنان اسلام و ایادی استعمار خیلی نفاق انداخته اند و ۱۴۰۰ سال این صبایحها و یهودیها و نصرانیها و دشمنان اسلام بین ما مسلمانان شکاف و نفاق انداخته و لطمه وارد کردن و حال نگذاریم یا شترازاین استعمارگران بین ما شکاف و نفاق بیندازند . یک زمان ما احتیاج داشتیم که شکاف بیندازیم و به عثمانیها بد بگوئیم ، برای اینکه ملیت خودمان را حفظ کنیم ، اما حالا آن احتیاج بر طرف شده و عالم اسلام حاضر است که برای کشور جمهوری اسلامی ایران هر نوع فدا کاری را بکند . پس چرا ما محاذ بگیریم و چرا به آنها اجازه بدهیم که محاذ بگیرند ؟ باید ما سعی کنیم که این شکاف و نفاق و دوگانگی از بین برود و در زیر پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله در زیر قانون قرآن مجید عمل کنیم و هیچ اختلافی نداشته باشیم . این استدعای بود که حضور آقايان عرض کردم و از طرف دیگر میخواستم بگویم که ما مردم بلوچستان و سیستان در دوره طاغوت خیلی معرومیت داشتیم و هنوز هم داریم . بنابراین بگذارید همان اختلافاتی را که دشمنان دین ، بین ما انداختند ، بر طرف کنیم و ما در این کار درگیر نشویم ، زیرا حالا وقت اختلاف گذشته و وقت صلح و صفا است . بیش از این عرضی ندارم .

نایب رئیس — بدنبال مطالب برادران آقای مولوی عبدالعزیز ، سه نفر از آقايان خواستند



در رابطه با صحبت ايشان صحبت بگنند، ولی رويه فعلی جلسه اين نيسست. منتها چون مطالب ايشان سه تذکر کوتاه را ايجاب ميکنند، من اين سه تذکر کوتاه را ميدهم که تا حدی خواست اين آفایان را تأمين کنم ، در عين حال من اسم آفایان را يادداشت كردم که در نوبت خودشان صحبت بفرمایند.

يکی از نمايندگان - مطابق آئین نامه پنج دقیقه ميتوانند صحبت کنند .

نایب رئيس - صحيح است بطبق آئین نامه تصويب شده پنج دقیقه حق دارند صحبت کنند. من اين سه تذکر را ميدهم بعد شما صحبت بفرمائيد. به آفای مولوی عبدالعزيز، برادران بلوج و برادران کردستان و برادران ترکمن صحراء و برادران قسمتهای ديگر ايران که مسلمانان پیرو مذاهب ديگر هستند ، در يك کلام فعلا اين پیام برادرانه را ميفرستيم که به رسمي شناختن فقه مذهب جعفری اثنی عشری در رابطه با قانون گذاريهاي کلی درکشور به هیچ عنوان نباید کمترین شائبه نقض پيوند برادری ميان ما و شما را داشته باشد. انشاء الله در وقتیکه اين اصل مطرح ميشود، فرصت ميدهيم که هم اين برادران و هم ديگران در اين مورد صحبت کنند و فقط حالا خواستم اجمالا يادآوري کرده باشم که بودن يا نبودن اين اصل در پيوند برادری اسلامی در اين سو يا آنسو هیچ تأثيری نداشته باشد . تذکر دوم تعبيري در سخن برادر عزيzman آفای مولوی عبدالعزيز بود که ممکن است اين تعبير خوشایند هوطنان مسيحي و یهودی مانباشد. روش است که بطبق قانون عزيز و عظيم اسلام و بطبق آنچه تاکنون نشان داده ايم، معتقديم که در جامعه اسلامي، آئين مسيحيت، آئين یهود و آئين زرتشتي آئين هائي هستند که پير و انش با امتيازات خاصی ميتوانند در اين جامعه زندگي کنند و از حقوق عالي انساني و احترام برخوردار باشند. بنابراین فكر ميکنم برادران آفای مولوی عبدالعزيز هم هرگز قصدي مخالف با اين احترام و اين حق را نداشتند. ولی مطلبی که گفتند مطلبی بود در رابطه با اصول فكري که انتظار دارم از اين تعبير هم هيچگونه برداشت منفي به عمل نیامده باشد. در عين حال طبق آئین نامه تصويب شده هر يك از نمايندگان مى توانند پنج دقیقه صحبت بفرمایند، آفای مهندس دانش را بفرمایند.

مهندسان دانش زاد - بنام خدا با اجازه حضار محترم من در عرض يك هفته اي که در خدمتستان هستم کوشش کردم که کمتر صحبت بگنم ولی موقعیت ايجاب کرد که سوه تنافهي رفع شود. اول خدمت حضار محترم نکته اي را عرض کنم که من از حدود سی سال پيش تاحالا، از آن وقتی که وارد مسائل سیاسی شدم و دنيا را شناختم يکی از افراد ضد صهيونیست کشوزم هستم و اين را از نوشته هاييم که در يكی از روزنامه هاي يهودی در سال ۱۳۲۸ که در تهران منتشر شده است شهادت ميگيرم. تيترش را برای شما مي�وانم «طبقه حاكمه اسرائيل ملت خود را به کجا می کشاند؟» که قسمتی از من به اين شرح است. «اکنون کسانی حکومت را بدست گرفته اند که توجهی به ملت رنجديده خود ندارند و برای ثبيت حکومت خود راهي جز آستان بوسی به درگاه دکانداران و مستعمره جويان امريکائی در پيش پای خود نمی بینند - اين حمله اي به دولت اسرائيل - ميگويند در حدود هشت ماه است آفای کاپلان وزير دارائي اسرائيل در آمريكا به اين در و آن در ميزند و دست و پاي دلالان وال استريت را ميپرسد تا شايد برای اداره امور مالي کشور خود از آنان صدقه و اعانه بگيرد. تصور نمیروند اين آفای به طرز کار کاسپیكاران آمريکائی آشنا نباشد و نداند که اگر اين آفایان به کسی يک شاهي بدنه، صد



شاھی پس خواهند گرفت. چه کسی هست که از ماهیت کمک امریکا به کشورهای یونان و اروپای غربی اطلاع نداشته باشد و الی آخر...» بازیک جای دیگر نوشته ام «کشور اسرائیل قدماهای جدی تری در راه امریکائی شدن برمیدارد. روش کنندگان آتش جنگ سوم و تقویت کنندگان مجدد آلمان نازی بنام صاحبان سرمایه و تاجر، رشته های اقتصادی و حیات این مملکت را دارند بدست می گیرند. تجار امریکائی همه گونه آزادی برای فعالیتهاي اقتصادي و بالنتیجه سیاسی در داخل بنگاههای اقتصادی کشور دارا خواهند شد».

این خلاصه ای از یکی از مقالات مفصلی است که اتفاقاً نمونه اش را داشتم. بنابراین می خواستم خدمت برادران و خواهر عزیزم عرض کنم که من شخصاً یک ایرانی وفادار به کشور هستم و ایرانی متولد شده ام و اجداد من در ایران بوده اند و از ۲۷۰۰ سال پیش در ایران بوده ایم و در ایران هم به گور خواهم رفت و فرزندانم هم در ایران در شغل مهندسی و کارمندی دولت مشغول سازندگی هستند و به این خاک و مملکتی که در آن متولد شده ایم مثل مسلمانان و مثل سرور عزیزم که به من تقریباً حمله کردند، عشق میورزم.

نکته دیگراینکه من مذهب اسلام را مثل مذهب پدرخود احترام می گذارم، یعنی به عقیده من آنچه که اصول توحید است، خواه در دین اسلام و خواه در دین یهود باشد اساسن یک شکل است. اساسن وحدت وعدالت و جلوگیری از ظلم و استثمار است. جملات و آیات فراوانی هست که عمل نمیکنند. نه آن کسی که شناسنامه اسلامی دارد درست عمل میکند و نه کسی که شناسنامه یهودی دارد و در صف اهل ظلم قرار دارند. در روزنامه اطلاعات قسمتی از فرمایشات حضرت علی علیه السلام را خواندم که به برادر عزیزم پادآوری می کنم. در روزنامه نوشته شده است که مردم از دو رقم بیشتر نیستند یا برادرینی تو هستند و یا اگر از نظر دینی با تو هم کیش نیستند و پیرو ادیان دیگری هستند، این امر ایجاب نمیکند که حقوق و حدود آنان را مدنظر قرار ندهی، بلکه آنان هم مانند تو آفریده خدا و بشری مثل تو هستند و خواسته ها و امیال و نیازمندیها و احساسات و عواطفی همانند تو دارند و تو موظف هستی که خواسته ها و آزادیهای آنان را همانند برادران دینی خویش رعایت کنی و گرنه مرتکب خلاف مأموریت خود گشته ای و در انجام رسالت خویش کوتاهی ورزیده ای. این به نظر من از اعلامیه حقوق پرشخیلی رساتر و خیلی مهمتر است. نکته دیگری که می خواستم عرض کنم اینست که نه دولت اسرائیل دین یهود دارد و نه دولت امریکا دین عیسویت. دولت اسرائیل یک دولتی است غیر مذهبی و اساسن بر مذهب نیست بلکه اساسن بر سیاست تجاوز کارانه ای است که مورد تنفس یهودیان مؤمن می باشد. بنابراین بگذریم از بازیهای سیاسی که برای پایگاه استعماری می کنند واینرا نباید در داخل کشورمان بین هموطنانمان مطرح بکنیم و اختلاف ایجاد کنیم که این اختلاف، اختلافی است به نفع صهیونیسم و علیه منافع خلق فلسطین، زیرا هر یک تن از ایران به فلسطین برود جای یک تن فلسطینی را گرفته است و این اشتباہی بود که بعضی از کشورهای عربی در آن روزگار که طبقه حاکمه شان منافع ملت شان را در نظر نمی گرفتند، کردند. عراق در دوره نوری سعید اینکار را کرد و لان نشیرات الفتح به این موضوع ایراد می گیرند که شما یهودیان کشور خودتان را زجر دادید و فراشان دادید و نتیجتاً آنها آمدند و به جبهه دشمن ما پیوستند. بنابراین، این اختلاف را نباید دامن زد که این رخته بوجود بیاید. متأسفانه بعضی نشیرات منتشر می شود که کار ما را فلچ می کند. من توقع دارم دریک مجلس رسمی و دریک مجلسی که به فرمان امام

تشکیل شده است و امام رسماً تأیید کردن که حقوق مذاهب رسمی محترم است، اینطور بیانات گفته نشود، زیرا مخالف اصول برادری و مودت است، متشرکم .
نایب رئیس - خانم گرجی بفرمائید.

خانم گرجی - بسم الله الرحمن الرحيم. پس از عرض سلام خدمت برادران عزيز، کلام را با آيه‌اي اقرآن شروع مي کنم «الذين يبلغون رسالات الله ويخشون لا يخشون احدا الا الله و كفى بالله حسيبا» کسانیکه رسالت پروردگار را تبلیغ می کنند و مسئولیت دارند، فقط از او می ترسند و از هیچکس نمی ترسند و کافیست که خدا حسابگر است.

باتاً کیدی که در این آیه کوتاه سه مرتبه روی کلمه الله است و در موقعیت خطیری که ما قرار گرفته ایم و این لحظه هائی که واقعاً نمی دانم چه جور بگوییم که نه تنها پشتونه این انقلاب خونی است، بلکه پشتونه هر لحظه اینجا نشستن ما با خون تصویب می شود و خیلی خطرناک است و لحظه هائی است که دارد سرنوشت ملت را می سازد و بخصوص با آن نظری که مردم دارند، من یک وقت فکر می کنم در این چهار دیواری نکند فراموش کنیم که بیرون از اینجا چه می گذرد و چه انسانهایی در انتظار هستند. متنی که با خون و شرف و آزادی خواهی و انسانیت شان از همه چیز گذشتند و یک اتفاقی اینگونه خوبین انجام دادند و برای بهتر ساختن سرنوشت شان ما را انتخاب کردند، وقت ما مهمتر از این بود که دو روز اول روی شعارها و مطالبی گذشت که شاید با مسئولیت خطیر ما منطبق نبود. آن روزی خواستم عرض کنم که تذکرداده شود، ولی الحمد لله مجلس نظام اصلیش را به خود گرفت و در مسیر تکاملش ان شاء الله حرکت می کند واما مطالبی رامی خواستم عرض کنم به مناسبی که من اینجا نماینده هستم و انتظاری که خواهان و نج کشیده ما دارند، دیگر نمی خواهم شعار بدhem زیرا از شعار دادن متوجه هستم، چون دیگر زمان این حرفا نیست ولی مطلبی که مهم و مشخص است، این است که زن در جامعه اسلام بخصوص در نظام فعلی و در نظامهای قبلی محرومترین فرد اجتماع بوده و شاید اصیل ترین زنهای جامعه بشریت، زن مسلمان است، با آن ایمان و تقوا و شان و با آن مسئولیتی که احساس می کنند. متأسفانه با بودن این کتاب نمی دانم سخن گفتن من برای شما، اقرآن، مثل معروف زیره به کرمان بردن است، ولی مطلب مهم و شاید فراموش شده، نقش زن و موقعیت و ارزش زن در این جامعه است. نمی خواهم بگویم جامعه قرآن، چون روح قرآن با روح طبیعت جهان منطبق است و به همین جهت قابل بقاء است و لا اگر اینطور نبود قابل بقاء برای هر زیانی نبود، بخصوص در سرمه رعد، منطبق بودن قرآن با روح کلی جهان در آیه «تلک آیات الكتاب والذی ازل اليک من ربک الحق....» آن جهان که می بینید آیاتی از کتاب است و این کلام hem که برتو نازل شده است، حق است. ملاحظه می فرمائید براین اساس گرچه من خودم جزو کسانی هستم که وقتی راجع به حقوق زن گوشزد می شد، می گفتم زن در جامعه اسلامی یک انسان است. به عقیده من وقتی صحبت از انسان است، اصلاح بازگوئی جدا کردن حساب زن از مرد خود یک شرک است ولی متأسفانه چون حقوق زن اجرا و رعایت نشده و اصلاً طرد شده، اینست که آدم گاهی لازم می بیند دفاعی بکند و من فقط با آیات قرآن تذکر میدهم. در این مورد با یکی از برادران عزيز hem در اصفهان راجع به حقوق زن صحبت شد، ایشان در این قسمت اشکال داشتند ولی وقتی پرسیدم زن یک انسان هست یا نیست؟ آفگفت چرا هست. متأسفم که مطالبی به عنوان حدیث که ضد قرآن است جمع آوری شده، با اینکه میدانیم چقدر احادیث جعلی داریم و پیغمبر hem فرموده اند «ان وافق القرآن فهو لنا» تکیه روی



احادیث کردن صحیح نیست . وقتی در قرآن میفرماید «اقرأ باسم ربک الذى خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ و ربک الا كرم، الذى علم بالقلم ، علم الانسان مالم يعلم» اینجا بحث قلم مطرح است، بهچه عنوان با کلماتی که برای خودشان جالب بوده است قلم را از دست زن گرفتند؟ مگر این قرآن نیست که در سوره الرحمن میفرماید «الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البيان» آیا زن انسان هست یا نیست؟ من نمیدانم اینجا باید ثابت کنیم که زن انسان هست یا نیست تا بعداً درباره اش سخن بگوئیم؟ من با استناد به همین قرآن که البته گفتن این سخن در یک چنین محض عظیمی که «الذین يبلغون رسالات الله و يخشونه...» فقط ترس از اوست نه اینکه مردم چه میگویند، چون از من سوال میکرددند که شما چگونه از ما زنان دفاع میکنید با توجه به اینکه شرق و غرب چه میگویند؟ گفتن من، بنده مردم که نیستم، بنده خدا هستم و پس از بنده گی خدا لباس خدمت خلق را برای ملت کوتاهی به تن کردم و اگر آنچه که خدا میگوید پیاده شود، هیچ کمبودی و هیچ نقصی برای هیچ یک ازگروه افراد نیست چه برسد که با یک زن آن هم به نام مسلمان و به عنوان اسلام اینکونه رفتار بکنند. در هر صورت تذکراتی که خواستم بدhem از روی قرآن است. در ضمن آقای پروشن آیاتی از روی سوره احزاب تذکر دادند که دلم میخواهد قبل از اینکه قانون اساسی مطرح شود، یک مطالعه کوتاه درهمان آیه بیست و یکم بکنیم.

«لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة...» در این سوره انقلاب عظیم احزاب یا جنگ خندق را مطرح میکند، که تقریباً نهضت ما هم بی شباہت بهنهضت های صدر اسلام نیست. بعد از اینکه بلافضله در جنگ احزاب، آن رشد اقتصادی برای مردم پیش می آید فرموده «وارثکم ارضهم و دیارهم و اموالهم و ارضًا لم تظُهرا...» که بلافضله در خانه بیغمبر را باز میکند و رشد سیاسی و اقتصادی واجتماعی وتقوائی به زن بینغمبر میدهد و از اینجا شروع میکند که «يا ايها النبي قل لا زواجك ان کنتن تردن الحياة الدنيا وزينتها فتعالين...» بگویه همسران اگر زندگی دنیا و تجمل آنرا میخواهید تشریف بیاورید طلاقتان را بگیرید ، خوش آمدید، بروید ولیکن اگر نخواستید بروید ، تربیت اسلامی را شروع کنید ازتقوا و نماز وطهارت «...وقلن قولًا معروفاً...» و همینطور آیاتی که میآید تا به آنجا میرسد که «واذ كرنا مأيتنا في بيوتكن من آيات الله والحكمة...» اینها که شعار نیست ، خانها باید در جلسات، آیات الهی را با تبادل افکار بهم تذکر دهند و بینند آیات خدا چیست. وقتی خدابصورت امر واجب میخواهد که آیات قرآن را بررسی کنند ، اینکار بدون مقدمه نمیشود . مثلاً من برای اینکه نماز بخوانم مقدماتش باید حاصل شود . باتوجه به این موضوع بینیم در قرآن درباره جنگ بدر با آنهمه عظمت چه میگوید «... قد كان لكم آية في فتین التقات فتنة تقاتل في سبیل الله ...» این یک آیه بود ...ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل و...» بنده خجالت میکشم که در چنین محضی بخواهم تذکری از آیات قرآن، خدمت سروزان عزیز و حامیان قرآن واستادان وبداعین قرآن و محرومین و ستمدیدگان که خودشان هم از همان محرومین هستند ، بدhem . واقعاً چقدر درد است و چقدر شکر، در هر صورت وقتی زنها بخواهند آیات را تذکر بدھند و حکمت بیاموزند باتوجه بدنباله آیه‌ای که قبل اخواندم «...ان الله كان لطيفاً خبيراً...» رشد فرهنگی زنهای ما متأسفانه در حداقل اقل است، حتی خانهای که تحصیلات عالی و مدارک عالی دارند و متأسفانه من از داشتن آن مدارک عالی که برای آنها دارای ارزشهایی است، محروم هستم و یکی از خواهانی



که در جلسه اول اینجا تشریف آورده بودند، پیشنهاد می‌کردند که در قانون اساسی آزادی زنان در امر ورزش را بگنجانید و کلام را خواهر عزیز به اینجا میرساند که زنها از اسب سواری محروم نباشند و لباس اسب سواری پوشند و می‌گفت لباس سواری پوشیدن با حجاب اسلامی منطبق نیست. گفتم متأسفم که بعنوان یک خبرنگار، بعنوان یک روشنفکر آمده‌اید می‌گویند که من در قانون اساسی این مطالب را بگنجانم، نمیدانم چرا اینطور فکر می‌کنند، می‌خواهیم بگوییم رشد فکری ما اصلاً کم است و فکر زنان ما در حداقل کوتاهی مانده است. البته منظور من گروهی از خانمهای تحصیل کرده نیست بلکه بطور کلی منظوم از کلمه زن در تمام اقصی نقاط ایران، چه در شهر و چه در روستا می‌باشد. پارسال قبل از اقلاب که دریزد بودم رشد فکری برادران عزیز را در آن‌جا دیدم و آن عظمت و آن شکوفائی و آن نهضت قابل تحسین بود اما وقتی با خواهران روپروردیدم متأسفانه در حد ابدائی بودند. من چندتا زن دانشگاهی را کنار می‌گذارم زیرا بقول معروف با چهارتا گل بهار نمی‌شود. آن چند دختر دانش آموز و چند خانم جوان روشنفکر یا خانمهای که تعدادشان در حداقل است را کنار می‌گذارم، ولی بطور کلی خانمهای یزد محروم ترین زنان هستند و با وجود قرآن دریزد، که مرکز شعور انسانها است از لحاظ رشد و تقوی و ایمان، مرد ها در فراز انسانی هستند و زنها همینطور در سطح پائین مانده‌اند. چه کسی مقصص این کاراست؟ وقتیکه خداوند در قرآن می‌فرماید «لقد کان لكم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان يرجوا الله والیوم الآخر وذ کرانه کثیراً» (آیه ۲۱ از سوره احزاب) و می‌گوید زندگی پیامبر اسوه است، بنابراین وقتیکه پیامبر بعنوان اسوه شروع می‌کند به تربیت زن‌هایش و این‌گونه رشد فکری میدهد به همسرانش تا جاییکه بشنیند آیات الهی را با حکمت بررسی کنند، دو صفت خدا را در کنارش تضمین می‌کند که «ان الله کان طیفان خیراً» در شان زنها و در استعداد زنها هست و متأسفانه جامعه ما برای خانمهای رشدی مشخص نکرده است و ما محروم مانده‌ایم. اینها شعار نیست، واقعیت است. اگر برای آن زنی که در آن دهکده‌گنبد آنکه در مقابله دورین و میکرفن سخن می‌گفت اسکانات رشد بود، به چه درجه از تعالی میرسید؟ من نمیدانم ولی از امام سوال کردم گفتن زنها رئیس جمهور نمیتوانند بشوند، ولی اگر بیشد، شان رئیس جمهور شدن در توان این زن بود. کسی مسئول اینها است؟ باز برمیگردم به آیات رشد زن «وما لكم لا تقاتلون في سبيل الله والمستضعفين من الرجال والنساء والولدان...» این شأن اسلام است. وقتی امام می‌گوید به والله قسم «نحن من المستضعفين» ما مستضعف هستیم، زنها هم در کنار امام هستند. مستضعف چه کسی است؟ و اما راجع به شعور سیاسی «ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها...» این رشد سیاسی و این رشد فکری مستضعف به این معنا که لمس می‌کنند زشیها و بیدیها و نایسامانیها را تا جاییکه فریاد می‌زنند و استعداد از خدا می‌طلبید «...واجعل لنا من لدنك ولیا واجعل لنا من لدنك نصیرا...» که حتی بچه‌ها راجزه مستضعفین قرار میدهد و بچه‌ها وضع جامعه را در رک می‌کنند و فریاد می‌زنند و استعداد می‌طلبند و حکومت عدل را طلب می‌کنند. اصلاً می‌خواهیم بگوییم مطرح کردن حقوق زن را بطور جداگانه من کسرشان زنان نمیدانم، ولی متأسفانه باید مطرح شود و با توجه به اینکه آیات قرآن تاحد روح عصمت زنها را بالا می‌برد، من تمام اینها را که می‌خواهیم بگوییم، به والله قسم شرم می‌آید، ولی تذکر است بحکم آیه «وَذِكْرُ فَانَ الذِّكْرِ تَنْفُعُ الْمُؤْمِنِينَ...» همه قرآن تذکر است، وقتیکه مطرح می‌شود «...من عمل صالحًا من ذکروا ان شی و هو مؤمن...» با قيد مؤمن «... فلنحیینه حیوة...» که تا درجه روح، عصمت زن نیز ترقی می‌کند، دیگر زن و



مرد ندارد. اختلاف را قبول دارم، اختلاف لازمه وجود انسان است. حتی دو انسان باهم یکسان نیستند. و اما اینکه گفته شود زن به رشد فکری نمیرسد و زن ناقص العقل و ناقص الایمان و ناقص الخطوط است، اگر که نقص هست در عقل او نیست و باید در فطرت ناقص باشد که البته نیست، زیرا خدا ناقص نمی‌باشد. واقعاً اینها با آن روح عظیم علی‌الله‌السلام که قرآن ممثل است و قرآن ناطق است، وقتیکه این کلام با قرآن تطبیق نمی‌کند من نمیدانم آیا موقعیت خاصی پیش آمده بود که این کلام مطرح شده و شاید حضرت هم توضیح داده باشد؟ در هر صورت میخواهیم بگوییم وقت پیشتری شود زیرا حقوق زن در اسلام ثابت است. در این زمان ما میخواهیم به قرآن عمل کنیم و هیچ بحث دیگری هم نیست، اما متأسفانه چون نظام فعلی ما هنوز ادامه نظام قبلی است و جامعه ما از آن حالت‌های قبلی پاک نشده حتی به حدی رسیده است که بقول صاحب المیزان زنها خودشان هم خودشان را قبول ندارند.

یعنی آنقدر تحقیر شده‌اند که خودشان هم قبول ندارند که زن یک انسان کامل و پا به پای برادران است، باز معدتر میخواهیم که حرفها را مخلوط میکنیم چون وقت کسм است و حرف زیاد. دنبال همین آیه سوره احزاب میبینیم بعد از اینکه زنان را در رشد فکری و تقوی و نیاز و زکوه ارشاد میکند بحکم آیه «ان‌الملین والمسلمات...» درده مرحله اسلام شروع میشود تا «...والذا کریم الله کثیراً والذا کرات...» اینها را باید مطرح بکنید که چگونه باید زن را رشد داد و سپس کدام زن باید در جامعه بیاید و چگونه در تمام نظام اجتماعی شرکت کنند.

نایب رئیس — یک دقیقه بیشتر وقت ندارند.

خانم گوجی — بسیار خوب. اول باید مکاتب و مدارس برای رشد فکری و فرهنگی خانمها باشد و سپس همدوش برادران تا مرحله‌ای که «ماکان لمؤمن ولا مؤمنة اذاقتني الله و رسوله امراً ان يكُون لهم الخيره...» من نمیخواهیم توضیح بدhem و تفسیر کنیم، این یک مسئله بسیار مهمی است که در پرورد زنها مطرح نشده آنوقت کاریه آنجا میرسد که قانون طلاق و امثال آن که این‌همه در قرآن میفرماید: «...فامسکوهن بمعرفه اوسروحهن بمعرفه...» با اینکه من به این کلمه (معروف) توجه دارم، جای این سخن در قانون اساسی نیست ولی متأسفم از اینکه جامعه ما هنوز آن رشد را پیدا نکرده است. بنابراین برای این که حقوق زنها زیین نزود، حق مسلم آنان تا زمانی که جامعه ماتقوا و تکامل خودش را پیش بگیرد باید در این قانون اساسی گنجانده شود و یک کانونی یا مرکزی و یا تشکیلاتی برای پاسداری از حقوق زن باشد تا این نظام شکل بگیرد. وقتی تمام شد، معدتر میخواهیم. به هر صورت بازهم برای آخرین بار، چون در پیشگاه قرآن مسئول هستیم، به حکم آیه «...ومن لم يحكم بما انزل الله...» که سه بار در سوره مائده تکرار میشود، باید این را توجه داشته باشیم که در این موقع و در این نشت مهم و عظیم، حقوق این گروهی که بنیاد اجتماع برآ و استوار است، ضایع نشود، وبخصوص به عقاید و اتفکارشان احترام گذاشته شود. گرچه اقتصاد در اسلام زیربنای رشد جامعه هست و به نظام اقتصادی خانمها اهمیت بسیار داده شده ولی ارزش‌های معنوی و فرهنگی و سیاسی زنها که در قرآن بسیار مطرح است، مهم تر است. این مطلب را در جلسات بعدی ادامه خواهیم داد. خیلی مشکرم.

نایب رئیس — برادران آقای مولوی عبدالعزیز دوست دارند که چند کلمه‌ای در بیاره سوء تفاهمی که پیش آمده توضیح بد هند. آقای مولوی عبدالعزیز بفرمایید.



مولوی عبدالعزیز – الحمد لله والكتفى وسلام على عباده الذين صفتى اما باذن. برادران اسلام و حضار محترم، مثل اینکه برادر هم وطن ما نسبت به عرايضاً كه کردم يك کمي بهرهبرداری منفي کردنده و تقصیری هم ندازند، چون ايشان من رانمی شناسند. برادر عزيزان را بدانيد که فکر ميکنم در منطقه سیستان وبلوچستان بنده اولین کسی هستم که حامي اقلیتهاي ديني بوده و بى باشم. برويد از فرد اهالی سیستان وبلوچستان پيرسيچون تمام اقلیتهاي مذهبی راجع به مشکلاتشان به من مراجعه ميکردنده و مشکلاتشان را با من در بيان ميگذاشتند و بن هم مشکلات آنها را حل ميکردم. منظوروم اين نيسست که اقلیتهاي ديني يا مذهبی آزادی نداشته باشند. من به دوستان و همقطارانم در سیستان وبلوچستان و حتى به کسانيم که به جوانان ما کمونيست و چپی می گويند، گفته ام که به اينها اين مارك را نزنيد. ييايد اينها را بخواهيد و حرف حسابشان را بشنويد و نصيحه شان کنيد و اينها را قانع کنيد. بیخودی مارك به کسی نبايد بزنیم. خيلي عذر میخواهم ولی باید بگویم که موقعی که من آدم، حتی بهائي هاي آنجا آمدند پيش من که مولوی جان، عقیده شما خيلي بالاتر از عقیده ديگران است و هميشه نسبت به همه با عدالت رقتار ميکنيد، برای ما بهائي هاهم دفاع بکنيد. تا اين حد در اسلام حقوق همه اقلیتهاي مذهبی و ديني محفوظ است. امام ابوحنيفه رحمة الله در کتابش مينويسد: «اگر امام وقت اجازه دهد يك يهود يا يك نصارا يا بلا تشبيه يك بي دين يا کافوري که خارج از اسلام است در کشور اسلامي سکونت کند، مال او و جان او وحيثيت او وآبروي او مثل حديث وناموس وآبروي مسلمانان است.» حتی امام ابوحنيفه مينويسد که «اگر يك مسلماني، سیکي را، بلا تشبيه يك هندوئي را بکشد، باید امام وقت به قصاص او در عرض خون او، آن شخص را بکشد.» اين را ما دارييم که اگر کسی خارج از اسلام باشد و در پناه اسلام باشد و ذمي باشد و در کشور اسلامي بسر ببرد، باید حافظ مال و جان او وآبرو و حديث او باشيم. ولی اين برادر عزيزما مثل اينکه از عرايضاً بنده برداشت بد کردنده. بنده قصدم اين نبود، بنده هميشه حامي حقوق اقلیتهاي مذهبی بوده و هستم. بنظر بنده باید حقوق ملي و مذهبی همه اقلیتهاي مذهبی محفوظ باشد. همه ما درسایه عدل الهی و در کشور اسلامي و درسایه جمهوری اسلامي محفوظ و در امان و امان هستیم. بنده بار ديگر تأکید می کنم که قصدم، هموطنان خودمان نبود، قصدم کسانی بود که با ما محارب هستند و میخواهند ریشه اسلام را بکنند، ریشه کشور ما را بکنند، که خدا آنها را نابود بکند. منظورum آنها بود ولی برادران غیرمسلمانی که در ایران هستند و دریناه عدل اسلامی هستند، حقوقشان محترم و محفوظ و مسلم است. مقصود من از اين يك خطی که خواندم، استنادي بود بر اين که وقتی دين اين برادران ما رسوبت دارد، ما که مسلمان و برادر هستیم و شیعه وسنی هم فرقی ندارد پس مذاهب ما هم رسمیت داشته باشند. هدف من فقط گفتن همین نکته بود والا هدف توهین نبود، ديگر عرضی ندارم.

۳ – پایان جلسه

نایب رئیس – جلسه پایان پیدا میکند. فردا برای تشکیل گروهها همه دوستان تشریف بیاورند، خدا نگهدار تا فردا.

(جلسه ساعت بیست پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی – دکتر سید محمد حسینی بهشتی



جلسه نهم

صورت مسروح مذکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۶/۳ دقیقه روز بیاند هم شهر یوری ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی

برابر با دهم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری

به ریاست آقای حسینعلی منتظری تشکیل شد.

فهرست مطالب

- | | |
|--|------------------|
| ۱ - اعلام رسیدت جلسه و بیانات آقای رئیس در مورد طرح اصول | قانون اساسی..... |
| ۲ - طرح و تصویب اصل اول و بحث پیرامون اصل دوم..... | |
| ۳ - پایان جلسه..... | |



وَالْمُؤْمِنُونَ
أَلَّا يَرْجِعُوا
كَمَا أَنْتُمْ
أَنْتُمْ مُهْكَمُونَ



۱ - اعلام رسمیت جلسه

بیانات آقای رئیس دو مورد طرح اصول قانون اساسی

رئیس - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحيم و بهنستین. جلسه رسمی است و همانطور که اطلاع دارید برای بررسی اصول قانون اساسی است. آقای هاشمی نژاد پیشنهاد کرده اند که قبل از دستور دو نفر از نمایندگان که سابقاً اسم نوشته اند، صحبت کنند. اگر اجازه بدند این مسئله را انشاء الله از جلسه فردا رعایت میکنیم، چون امروز هنوز کارها جریان عادی خود را پیدا نکرده است. من قبل از اینکه وارد اصل کارشویم دو سه تا تذکر دارم که باید به استحضار تران برسانم. با عرض معدتر از همه آقایان، اگر ما یک وقت زیادی داشتیم، مثل مجلس شورای اسلامی که مدت آن چهار سال بود، قطعاً میشد همه افراد سخنرانی بفرمایند و مطالبی را عنوان کنند. و این را هم اطلاع داریم که هر یک از آقایان اطلاعات کافی و واقعی در یک قسمتهایی دارند و میتوانند صحبت کنند. ولی متأسفانه وقت کم است و کار فشرده و زیاد. بنابراین دو سه تا تقاضا دارم. یکی اینکه هر کدام از آقایان اگر خواستند مطلبی را بفرمایند دیگر مقدمه و تشریفات نداشته باشد، بلکه لب و خلاصه مطلبشان را در چند جمله بیان کنند. برای اینکه تعداد نمایندگان هفتاد و سه نفر است و اگر هر کدام هم بخواهد پنج دقیقه صحبت کنند، می دانیم که چقدر وقت میگیرد. بنابراین اصل مطلب را بدون مقدمات و تشریفات بیان فرمائید. این یک نکته بود، نکته و موضوع دوم اینکه اگر چنانچه یکی از آقایان راجع به موضوعی صحبت کرد و نظر شما با آن شخص موافق است، دیگر احتیاجی نیست که تشریف بیاورید و صحبت کنید. برای اینکه صحبت آن شخص نظر شما را تأمین کرده است و در وقت هم صرفه جوئی شده است. اینهم یک موضوعی بود که خواستم تذکر بدhem و خواهش میکنم که آقایان رعایت بفرمایند تا انشاء الله کارمان به خوبی و با سرعت پیش بروند. موضوع سوم اینکه اگر یک متنی خوانده شد و شما نظر مخالفی دارید اگر چنانچه به نظرتان، به اصطلاح خودتان، واجب است که کلمه یا جمله ای عوض شود و عوض شدن آن تغییر اساسی در محتوا و مطلب پدید می آورد البته مطلبتان را بیان میفرمائید و حتی اصرار hem می کنید و این در حقیقت یک وظیفه است، ولی اگر دیدید تغییرش مستحب است، ممکن است عقیده خودتان را اظهار کنید ولی دیگر یافشاری و اصرار نفرمائید. برای اینکه باز هم در وقت صرفه جوئی شده باشد و هم بتوانیم کارمان را به پیش ببریم. والا ممکن است هر کس برای یک محتوا، لفظی در نظرش بیاید و اگر بخواهد به مخاطر یک لفظ یا یک مسئله جزئی که در معنی تفاوت اساسی ندارد، ایستادگی کند سبب میشود که کارمان به کندي پیش بروند. امیدوارم انشاء الله بتوانیم یک قانون اساسی که خوبی‌های متجاوز از سی هزار شهید ایرانی و هزاران مجروح و میلیارد‌ها خسارتی است که ملت عزیز ما در اثر استبداد رژیم سابق متتحمل شده است، تنظیم و تدوین کنیم تا هم برای آینده مملکت مفید باشد و هم مطابق خواست



مردم که همیشه خواسته‌اند، و می‌خواهند قانون اساسی بر طبق موازین اسلام تدوین گردد. خداوند انشاء‌الله به همه ما توفيق بدهد که بتوانيم وظایفمان را انجام بدھیم. و اما در مورد دستور جلسه امروز که چاپ و توزیع شده است، آن شش اصلی که در اختیار آفایان گذاشته شده یک اصل هم به عنوان هدف قانون اساسی به آن اضافه شده است که در دستور جلسه امروز به عنوان اصل سوم از آن نام برده شده و به هر حال قبلاً به نظرتان رسیده است و ملاحظه فرموده‌اید (یکی از نمایندگان – الان به نظرمان میرسد) حالاً آفای دکتر بهشتی از گروه خودشان در مورد اصل اول مطالبی دارند که بیان می‌فرمایند.

۲- طرح و تصویب اصل اول و بحث پیرامون اصل دوم

دکتر بهشتی – بسم الله الرحمن الرحيم. اصل اول از قانون اساسی در زمینه اصول کلی است. اصل کلی را قبل از صورت می‌کنیم. اصل کلی در قانون اساسی عبارتست از اصلی که به عنوان مبنا برای یک یا چند اصل دیگر در فصول آینده قانون اساسی شناخته می‌شود. بنابراین هر اصلی که می‌تواند به صورت یک اصل مستقل فقط در فصول آینده مطرح بشود جایش در این فصل نیست. اصلی اینجا مطرح می‌شود که معمولاً دو یا سه اصل آینده بمنای این اصل است یا اصولاً خودش یکی از پایه‌های است که اگر از پایه‌ها بود خود به خود حالت اول را بوجود می‌آورد. امروز بحسب دستور جلسه که پیش‌بینی شده شش اصل از فصل اول در این جلسه بترتیب می‌تواند مطرح بشود. یک اصل پیشنهادی هم از گروه ششم به عنوان هدف‌ها هست که آنهم ضمیمه پیشنهادگروه اول خدمت آفایان و خواهیمان تقدیم شده است تا مورد بررسی و رأی قرار بگیرد. فعلاً اصل اول را می‌خوانم و بعدهم مختصری به عنوان دفاع توضیح می‌دهم.

(اصل ۱)* – حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در بی‌اقلاق اسلامی پیروزمند خود به رهبری امام خمینی، در همه‌پرسی دهم ویا زدهم فروردین ماه سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی، بر این پایه اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نوادونه هجری قمری با اکثریت نود و هشت دو دهم در صد کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت داد. از دیدما قانون اساسی باید با این اصل شروع می‌شد که معین کند این قانون اساسی برای چه طرز حکومتی است و یه چه دلیل طرز حکومت و نوع حکومت، جمهوری اسلامی است، و دلیل التزام این مجلس و کارهای آینده آن این است که این نظام ثمره انقلاب خونین مردم ما می‌باشد و در آرانها و عقاید ملت ما ریشه دارد. این دلیل اول آن است. هم‌چنین خوبهای شهیدان فراوان و عزیزو آسیب دیدگان فراوان و ثمره رنجها و تلاش‌های مداوم یک ملت ستمندیده محروم زیر فشار است که مبارزه و فدا کاریها یش ساقه‌ای بس درینه دارد. و مرحله نهائیش در سالهای اخیر از پانزده خداداد ماه یکهزار و سیصد و چهل و دو تا کنون شکل و اسلوب ویژه بر جسته خودش را داشته و تجلی

* در جلسه شصت و هفتم مجلس بررسی نهائی قانون اساسی که در روز ییست و چهارم آبان ماه ۱۳۵۸ تشکیل گردید با توجه به فصل بندی که انجام شد شماره اصول تغیریافت و برای انتساب مطالب صورت مشروح مذاکرات با شماره جدید اصول، جلوه‌های داخل پرانتز شماره تصویب نهائی آن گذارده شد فی المثل اصل ۱/۱ مندرج در صورت جلسات در تصویب نهائی با عنوان اصل چهاردهم منعکس است که در مقابل آن داخل پرانتز ذکر شده (اصل چهاردهم).



نهائیش درحالت انقلابی گسترده دو سال اخیر بوده است. این سند اول اصالت نظام جمهوری اسلامی است. سند دوم که درحقیقت همان تجلی آماری سند اول است، آراعملت ایران درهمه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه امسال است. این توضیحی است که در باره اصل اول می‌توانم خدمتمن عرض کنم. اگر سئوالی دراین زمینه بود که لازم شد از طرف گروهها، جواب داده شود، بنده جواب خواهم داد. والسلام.

رئیس—بنده اول برای خودم نوبت گرفته ام و بعدهم آقای هاشمی نژاد نوبت سخن گفتن خواسته ام.

صافی—پیشنهادهای گروههای دیگر را هم توزیع کنید یا بفرمائید توضیح بدنهند.
دکتر بهشتی—همه متن هائی که از طرف مردم، واژطرف دوستان و گروههای دیگر برای قانون اساسی تهیه شده بود، در مرحله نهائی هم مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام دراین گروه به عنوان تصمیم نهائی به صورت پیشنهاد درآمد که ملاحظه می‌فرمائید.

رئیس—در گروه ما یک مسأله‌ای عنوان شد که اگرچه نظرناکثربت هم نبود ولی آنرا عرض می‌کنم. درهمه پرسی که دردهم و یازدهم فروردین ماه انجام شد مجموع کسانی که حق رأی داشتند و به جمهوری اسلامی رأی دادند ندوهشت و دوده هم درصد بود، ولی یک نکته دیگر هست و آن این که ما در وضع ایران خودمان می‌دانیم که تا کنون سابقه نداشت تمام مراجع تقليد و بزرگان دینی در انتخابات شرکت کرده باشند. یعنی این اولین مرتبه‌ای بود که تمام مراجع بزرگ تقليد و علمای اعلام در انتخابات شرکت کردند، مراجع بزرگ تقليد قم و حضرت امام خمینی و حتی مراجع نجف و مراجع مشهد و علمای شهرستانها همه، درهمه پرسی شرکت کردند، و رأی مشبت دادند. بنابراین برای تثبیت این رفاندوم و برای اینکه پنجاه سال، صد سال دیگر مردم متوجه بشوند که یک همه‌پرسی همگانی در ایران انجام گرفته که حتی مراجع تقليد و بزرگان دینی و مذهبی در آن شرکت کرده‌اند و به آن رأی مشبت داده‌اند و درحقیقت این هم صحه‌گذاشتن روی انتخابات و آراء عمومی و تثبیت آراء عمومی است و هم آن رامحکم می‌کند، لذا ما نظریان این بود که وقتی می‌گوییم با نظر آکثریت ندوهشت و دوده هم درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند بنویسیم: «و نیز آراء مشبت همه مراجع تقليد، تصویب گشت». یعنی درحقیقت عبارتی گنجانده شود تا معلوم گردد مراجع هم دراین رفاندوم شرکت داشته‌اند. حالا هر طور صلاح می‌دانید عبارتش نوشته شود. همانطوری که عرض کردم حالا این مسأله برای ساروشن است و لی در آینده یعنی بیست سال، سی سال دیگر برای نسلهای آینده معلوم نیست. اما اگر در قانون اساسی این موضوع ثبت شود، سند زنده‌ای است برای مشروعیت و تثبیت رفاندوم، این نظری است که بسیاری از رفقاء ما داشتند و من هم همین نظر را دارم. حالا بسته به نظر و رأی آقایان است. آقای هاشمی نژاد فرمایشی دارید بفرمائید.

هاشمی نژاد—عرض من هم همین بود که شما فرمودید. به همان علت که ندوهشت و دو دهم در صد ذکر کرده‌اید و به همان علت که پشت سرش اضافه کردید ندوه نه در صد کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مشبت دادند، پس باید این موضوع هم روشن شود و بنحوی در متن اصل اول تصریح گردد.

رئیس—آقای سکارم فرمایشی دارید؟

سکارم شیرازی—بسم الله الرحمن الرحيم. یک برنامه‌ای تنظیم شده بود برای کار جلسات



عموی، و مطابق آئین نامه این برنامه مثل اینکه به هم خورده است. بنا بود نظرات همه گروه‌ها درباره هر اصلی به شورای هماهنگی داده شود و همه آنها چاپ شود، و در اختیار همه قرار بگیرد. مثلاً درباره همین اصل اول گرچه بعثت زیادی نداریم ولی هرگروهی نظری داده است. الان حتی خودگروه‌ها متن نظر خودشان را دردست ندارند، چون یک نسخه بوده و این یک نسخه را هم به شورای هماهنگی داده‌اند. برنامه این بود که شورای هماهنگی همه‌اینها را ببررسی کنند. اگر تفاوتها جزئی است ادغام کنند و اگر تفاوت کلی است جدا جدا آنها را چاپ کنند. یعنی الان درباره اصل اول، هفت نظر جلوی روی آفایان باشد. گرچه متنی که پیشنهاد می‌شود، به تناسب گروه، از گروه اول است ولی بقیه هم جلوی رویمان باشد، تا با هم مقایسه کنیم و بتوانیم پیشنهاد بدھیم. ولی مثل اینکه هیأت رئیسه در کار دوستان ما یعنی گروه هماهنگی دخالت کرده‌اند، فقط یک متن را چاپ کرده‌اند و بدست ما داده‌اند. من خواهش می‌کنم این برنامه را به عهده شورای هماهنگی بگذارند و ما که هر روز با رفقاء این جلسه داریم، اینها را آماده می‌کنیم و قبل از وقت در اختیار آفایان قرار می‌دهیم که همه آفایان نظرهمه گروه‌ها را در مقابل چشم داشته باشند و لومتنی که پیشنهاد می‌شود یکی باشد. آئین نامه هم همین را تصویب کرده و برنامه هم همین است. حالا امروز چون هنوز چاپ نشده ناچاریم براساس مصوباتی که خودمان در گروه‌ها داشتیم و در ذهنمان باقی مانده، بحث کنیم. دوستان ما در گروه دوم درباره این اصل دو سه جمله یادو سه کلمه اضافه کرده‌اند. یکی در اول اصل، به عبارت «حکومت ایران» یک کلمه «نوع» اضافه شده است، یعنی نوع حکومت ایران جمهوری اسلامی است، چون بعثت درباره نوع حکومت است. همانطور اگرگفته شود حکومت ایران جمهوری اسلامی است، مختصراً نگ است اگر بگوئیم نوع حکومت ایران، جمهوری اسلامی است روشتر می‌شود. و پیشنهادی هم که جناب آقای متظری داده‌ند ما به این صورت تصویب کردیم که در آخر این اصل اضافه شود: «ومورد تصویب همه مراجع دینی وقت نیز قرار گرفت» بنابراین همانطور که اشاره کردند سابقه نداشته است که همه مراجع و حتی یکی از مراجع درگذشته، در انتخابات شرکت کنند ولی در این رفراندوم شرکت کرده‌اند و این کار پایه این قانون اساسی را محکم می‌کند و بسیار بجا است. چون آن عبارت خدمت آفایان نیست، من بار دیگر تکرار می‌کنم: «ومورد تصویب همه مراجع دینی وقت نیز قرار گرفت» و یک پیشنهاد هم در مورد کلمه «روزها» است که اضافه شده است: «روزهای یازدهم و دوازدهم فروردین ماه الخ...».

چون جمله برای بعضی‌ها گنگ بود، گفتند اگر کلمه «روزها» را اضافه کنیم دیگر هیچ اشکالی نخواهد داشت. این پیشنهادی بود که دوستان ما داشتند. عرض دیگری ندارم. رئیس—آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر—عرض کنم من موافقم که پیشنهادهای آقای متظری در قانون اساسی بیاید، ولی اینکه رای مخفی بوده است. چگونه احراز کردیم که همه مراجع موافق بوده‌اند؟ مگراینکه اعلام کرده باشند. اگر اعلام کرده‌اند، خیلی خوبست که در این اصل گنجانده شود که مورد تصویب همه مراجع دینی قرار گرفت. این راجع به آن پیشنهاد اما راجع به کارکمیسیونها یا این گروه‌ها بنظر میرسد که ازابتدا یک آشتگی کلی وجود داشته است. برای اینکه حدود کار را شورای هماهنگی مشخص نکرده است، اقتصاد و مالیه و سیاست خارجی و اینها را ما خودمان



از قانون اساسی استخراج کردیم که بیست و شش اصل شد و به اینها رسیدگی کردیم. بعد معلوم شد کمیسیونهای دیگری هم به علت کارشناس هر کدام آن اصول را جزء کار خودشان قرار داده اند و ما هنوز نمیدانیم آن تعداد اصولی را که ما تصویب کردیم، دیگران راجع به آن چه اظهار نظری کرده اند، چون در مرتبه به کمیسیون ما برنگشت که بدایم چه تغییراتی در کمیسیونهای دیگر داده است. اگر هم برگشته به صورتی است که تطبیقش کار ساده ای نیست. بنابراین بهتر است که هیأت رئیسه در اموری که اختیار ندارند دخالت نکنند و لطف کنند و بگذارند در اختیار همان شورای هماهنگی و شورای هماهنگی صحیحها کارشناس را به این موضوع اختصاص بدهند و در کمیسیونهای دیگر شرکت بفرمایند و ما دقیقاً بدایم که این اصولی که توزیع شده است، راجع به همان موضوعی است که ما تصویب گرفته ایم، یا چیز دیگری است و به صورت دیگری نوشته شده است. ممکن است نظرات متفاوت باشد و شاید هفت نظر باشد. ما قبل از این هفت مورد را دیده باشیم و از آنها مطلع باشیم و بعد بیاییم به این مجلس. این بود عرض من.

رئیس—آقایان بنی صدر و مکارم راجع به هیأت رئیسه صحبت کردند. ناچارم بگویم من که عضو هیأت رئیسه هستم، یاد ندارم که در کار شورای هماهنگی دخالت کرده باشم یا گفته باشم که نظرات گروهها را چاپ نکنند و در اختیار افراد نگذارند. شاید وقت کم بوده است و شاید شورای هماهنگی فرصت نکرده اند که این کار را بکنند. آقای بهشتی توضیحی دارید بفرمائید.

دکتر بهشتی—خدمت برادرمان آقای مکارم و همه نمایندگان محترم عرض میکنم کاری را که هیأت رئیسه انجام داده است، همان کاری است که آقایان در اختیارش قرار داده اید. یعنی تهیه دستور جلسه مجلس، در آئین نامه مجلس هم ذکر شده است که این کار به عهده هیأت رئیسه است و در کار آقایان هم هیچ دخالتی نشده است.

رئیس—آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی—ما نظر بسیاری از گروهها را دادیم به دیرخانه و از طرف دیرخانه به ما گفته شد که هیأت رئیسه این نظرات را از مأگفته و گفته اند که چاپ نکنید. گویا یک سوء تقاضه ای شده است.

رئیس—در مورد کلمه «نوع» که آقایان اشاره فرمودند در جلسه کمیسیون در این مورد صحبت شد گفته ام اگر بگوئیم «نوع حکومت جمهوری اسلامی است» این بیشتر جنبه اخباری دارد. روی این اصل لزومی ندارد و شاید مضر هم باشد، برای اینکه به عبارت، جنبه اخباری میدهد در صورتی که اصل و قانون باید جنبه انشائی داشته باشد. وقتی می گوئیم حکومت ایران جمهوری اسلامی است، یعنی باید جمهوری اسلامی باشد و بر اساس جمهوری اسلامی عمل شود. روی این اصل «نوع» را حذف کردیم. در مورد روزهای دهم و یازدهم بعضی آقایان اصرار دارند که «روزهای گذاشته شود ضرری ندارد اگرچه معلوم است که شب هیچ وقت همه پرسی نمیشود. همچنین در مورد گذاشتن آراء مشتبه همه مراجع تقیید آقای رحمانی پیشنهاد کرده اند که بنویسید که همه مراجع تقیید هم در انتخابات شرکت کردن. آقای دکتر بهشتی توضیح بفرمائید.

دکتر بهشتی—راجع به حذف کلمه «نوع» عرض کنم پیشنهادهای متعددی هم از



خارج رسیده بود و برداشتگروه هم این بود که لزومی ندارد و خیلی قاطع تر، این است که بنویسیم حکومت ایران جمهوری اسلامی است و هیچ نوع کمبودی هم به نظر ما نرسید. در مورد اضافه کردن کلمه «روزها» ما فکر کردیم که تا آنجا که امکان دارد، از بکار بردن کلمات غیر لازم خودداری کنیم، تا متن تا آنجا که می شود کوتاه و ساده باشد. در مورد رأی مراجع تقليد نظرگروه این بود که این موضوع اگر در مقدمه بیاید بهتر است چون میشود آنرا هم با یک جملاتی پرورش داد البته هر رأیی که جلسه عمومی بدهد همان رأی نهانی خواهد بود.

رئیس—آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش—برای اتصال و پیوند ناگستنی این جمهوری اسلامی با جماهیری که در تاریخ با خط سیر ما حرکت خواهند کرد، پیشنهاد میکنم بعد از جمله «حکومت جمهوری اسلامی» اضافه شود «تا واحدی از جماهیر متحدة اسلامی باشد».

رئیس—آقای نوربخش بفرمائید.

دکتر نوربخش—عرض کنم که قبل اقرار بود که ما پیش نویس قانون اساسی را ملاک کارمان قرار بدهیم یا پیش نویسهای دیگر را یعنی هر کدام از کمیسیونها در انتخاب آن آزاد باشند. حالا متن گزارش گروه اول مورد بررسی قرار می گیرد خواستم ببینم قبل از ورود درشور گزارش گروه اول، آیا نمایندگان ترجیح میدهند روی متن پیشنهادی این گروه کار کنند، یاروی متن پیشنهادی پیش نویس قانون اساسی اول؟ یعنی قبل از بینیم وارد کدام متن بشویم.

رئیس—آقای غفوری بفرمائید.

دکتر غفوری—بسم الله الرحمن الرحيم، من خواستم دوشه نکته را بطور خلاصه اشاره کنم که برادران آفایان بنی صدر و مکارم صحبت کردند. راجع به مسئولیتی که شورای هماهنگی دارد که باید رعایت امانت بشود دراظهارنظری که گروهها می کنند، عرض کنم که اعتقاد دیرینه ملت ایران حکومت حق وعدل است، باید این موضوع حق وعدل را از خودمان شروع کنیم و تمام لحظاتمان اسلامی باشد و امیدوارم که اینظور باشد. راجع به این متن بعضی از نظرها این بود که طبیعت قانون اساسی این است که به خصوصیات پردازد ولی بخاطر اهمیتی که مسأله دارد این جریان آماری که داده شده وسائلی که هست، حکایت می کند از علاقه قلبی ملت ایران و ما می توانیم اظهار نظر کنیم که این آمار باشد ولی من نظر همه را با نهایت دقیق به مسائل جلد می کنم. این جمله آخری که اصل اول دارد که «با اکثریت نودوهشت ودو دهم درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند» ممکن است که عده ای بگویند مگر شاعالم غیب داشتید که چه اشخاصی حق رأی داشتند؟ یا باید بگوئیم طبق آمار رسمی حق رأی داشتند یا باید بنویسیم رأی داده اند یعنی در رأی شرکت کرده اند. ما باید نشان بدهیم که حرف بیخود نمی زیم و هر چه می گوئیم صحیح است و جوابش راهم داشته باشیم.

رئیس—آقای بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی—در مورد تذکر برادرمان آقای کیاوش عرض کنم و قبل هم گفته شد که این موضوع درفصل دیگر هم آمده است که «جمهوری اسلامی ایران جزوی از کل بزرگ است».

کیاوش—منظورم اینست که در اولین جمله آورده شود.

دکتر بهشتی—در مورد فرمایش برادرمان آقای نوربخش توضیح بدهم در آئین نامه هم



پیش بینی کرده ایم که بجای هر متن خاصی، متنی را که هرگز روی تنظیم می کند مورد بررسی قرار می دهیم. مثلاً اصولی را که گروه اول موظف است بررسی کند، متن گروه اول در جلسه عمومی مورد بررسی قرار می گیرد، اصولی را که گروه دوم موظف است بررسی کند، متن گروه دوم در جلسه عمومی مورد بررسی قرار می گیرد والی آخر. البته متن گروهها در اختیار هیأت رئیسه قرار می گیرد و هیأت رئیسه در دستور کار مجلس قرار می دهد. بنابراین کاری که انجام گرفته بطبق آئین نامه بوده وقابل برگشت نیست. در مورد تذکر برادران آقای غفوری یادداشت هم خدمتشان داده بودم که این ندوهشت و دودهم در صد کسانی هستند که بطبق پیش بینی آماری حق رأی داشتند، نه کسانی که دررأی دادن شرکت کردند. چون حدود یک درصد، کسانی هستند که دررأی گیری شرکت نکردند، نمی توانیم بگوئیم ندوهشت و دودهم درصد آنها که رأی دادند. چون درست نیست می توانیم بگوئیم ندوهشت و دودهم در صد کسانی که بطبق آمار حق رأی داشتند.

دکتر غفوری - بطبق آمار اضافه شود.

دکتر بهشتی - پس پیشنهاد شما این است که «بطبق آمار» اضافه شود.

دکتر غفوری - اگر آماری وجود داشته باشد.

رؤیس - چون رأی مخفی گرفته می شود توضیح دیگر لازم نیست. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی - بسم الله الرحمن الرحيم. موضوعی که بنظر من توجه به آن لازم است و جواب برادر بنی صدرهم واقع می شود اینست که ایشان اعتراض کردند که ما علم غیب ندادشیم که مراجع رأی اشان مثبت بوده، باید عرض کنم که همه مراجع در اعلامیه های جداگانه ای اعلام کردند که ما به جمهوری اسلامی رأی مثبت می دهیم و اما موضوع دیگر راجح به اینست که دو اینجا به نظر من از کلیه کسانی که حق رأی داشتند و رأی مثبت دادند، یعنی این بیست و دو میلیون نفر ذکر شود. چون الان ما که در متن انقلاب هستیم عظمت ویزگی آنرا در کم می کنیم و باید این عظمت را به نسلهای بعد منتقل کنیم، باید این توجه را به نسلهای آینده بدھیم که از سی و پنج میلیون جمعیت ایران بیست و دو میلیونش با اشتیاق در بای صندوق های رأی حاضر شدند و به ندای رهبرشان لبیک گفتند و این سندی است که تثیت می کند جمهوری اسلامی ما را، پس تذکر این مسئله برای نسلهای بعد لازم است.

رؤیس - آقای طاهری خرم آبادی پیشنهاد داده اند، آنچا که نوشته شده «به رهبری امام خمینی» نوشته شود «مرجع عالیقدر شیعه آیت الله العظمی امام خمینی» پیشنهاد دیگری است از آقای ربانی املشی که نوشته اند: «۱- به جای حکومت حق و عدل قرآن بهتر است گفته شود حکومت حق و عدل اسلامی تا مشخص باشد که سنت و سیره پیشوایان دخیل در شناخت عدل اسلامی است. ۲- بهتر است به جای «رهبری امام خمینی» جمله «به رهبری مرجع عالیقدر تقليد آیت الله العظمی امام خمینی» اضافه شود. ۳- کلمه «روز» را اضافه نمائید». آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی - با توجهی که آقای حائری دادند که چون اساس این مجلس بر صدق است و جزئیات گفتاری که در اینجا بیان می شود باید کاملاً بر صدق استوار باشد، خواستم توضیح بدهم که مقصود من از تمام مراجع، آن مراجع معروفی بودند که در قم بودند. یعنی آن سه مرجع بزرگ که نظراتشان را کتبًا اعلام داشته اند، البته بعضی از مراجع هم هستند که نظراتشان به دست ما نرسیده است.



وئیس — یک تذکر لازم است، البته آفایان توجه دارند و امیدوارم در رسانه‌های عمومی منعکس بشود و آن اینست که مجموع نمایندگان مجلس خبرگان هفتادو سه نفر است. یک نفر که اصلاً غائب است که اسمش را هم نیاوریم بهتر است. بنابراین ایشان مستثنای منقطع هستند. پس مجموع نمایندگان می‌شود هفتاد و دو نفر و از هفتاد و دو نفر نمایندگان محترم، الان هفتاد نفرشان در جلسه حاضرند ولی متأسفانه در خارج منعکس شده است که از هفتاد و دو نفر نمایندگان معمولاً چهل نفر بیشتر در جلسه حاضر نمی‌شوند که این دروغ و تهمتی است، زیرا آفایان بحمد الله همه سروقت معین حاضر می‌شوند و همه در کمیسیونها شرکت می‌کنند، الان هم که جلسه عمومی علی است از هفتاد و دو نفر، هفتاد نفر حاضر هستند. آفای بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — راجع به مسئله آمار بیست و دو میلیون توجه دارند که آنچه عظمت رأی‌گیری را در دنیا نشان میدهد درصد است چون باید بگوئیم از سی و پنج میلیون و هفتصد و پنجاه و دو هزار و سیصد و چهل و دو نفر، بیست و دو میلیون و اندي رأی دادند و این معنی را می‌رسانند که یک چیزی را باید اضافه کنیم و حال آنکه در دنیا عظمت انتخابات را به این میدانند که درصد کسانی که حق رأی دارند یعنی آنهایی که حق رأی دارند و شرکت می‌کنند، چند درصدشان رأی مثبت میدهند؟ پس بنابراین از همه کسانی که طبق آمار رسمی حق رأی داشتند نود و هشت و دو دهم درصد رأی مثبت دادند و این بالاترین رقم برای نشان دادن عظمت فراندوم است.

وئیس — الان از هفتاد و دونفر، هفتاد و یک نفر در جلسه حاضر هستند و یکنفر غایب داریم اگر اجازه می‌فرمائید به یک یک مواد رأی بگیریم و خیلی معطل نشویم، آفای مکارم فرمایشی دارید بفرمائید.

مکارم شیرازی — یک تذکر برای نحوه رأی گرفتن است، اگر بخواهیم به این جزئیات یکی یکی رأی کتبی بگیریم، نمی‌شود. مثلًا کلمه روز و امثال اینها را با قیام و قعود رأی بگیرید و بعد برای اینکه اهمیت و اصالحت کار از بین نزود طبق آئین نامه بر این آرایی که با قیام و قعود مشخص شد یک جا رأی مخفی و کتبی گرفته شود، چون رأی کتبی سند قانون اساسی مملکت است و آئین نامه هم همینطور پیش‌بینی کرده است البته جزئیاتش را می‌شود با قیام و قعود رأی بگیرید.

وئیس — در آئین نامه هم نوشته شده «در صورتیکه لازم بدانند» مطلق نیست.

مکارم شیرازی — به هر حال اهمیت کار ایجاد می‌کند که رأی کتبی گرفته شود.

وئیس — پس موارد اختلاف روشن شد، حالا لفظ «نوع» حکومت حق و عدل اسلامی لازم است یا نه؟ و روزهای دهم و یازدهم می‌خواهد یا نه؟ و یا رهبری مرجع عالیقدر تقليد آیت‌الله العظمی امام خمینی لازم است یا نه؟ چهارم اینکه آیا آراء مثبت همه مراجع تقليد، یا شرکت مراجع یا اصولاً همه مراجع تقليد؟ آفای بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — من تذکری که به دوستان میدهم این است که کیفیت رأی‌گیری در آئین نامه هست ملاحظه بفرمائید بنده قرائت می‌کنم:

ماده ۴۲ — در جلسات رسمی و عمومی اخذ رأی با قیام و قعود انجام می‌گیرد.

ماده ۴۳ — در صورتیکه رئیس جلسه احتمال دهد در رأی‌گیری با قیام و قعود یابند



کردن دست آزادی کامل رأی دهنده تأمین نمیشود رأی گیری با ورقه و بطور مخفی صورت خواهد گرفت.

يعنى منظور از رأى مخفى رأى بى نام است، يعني طبق اين آئين نامه اى كه تصويب شده است در مورد اصول قانون اساسى اصولى كه با قيام و قعود تصويب ميشود باید خيلي کوشما باشيم و اگر در اصلی اختلاف نظر و اظهار نظر زياد شد و تشخيص بدھيم كه رأى گيرى با ورقه مخفى باشد همینطور عمل خواهد شد.

وئيس -- آقاي بنى صدر بفرمائيد.

بنى صدر -- راجع به تصويب مراجع، وقت داريم ميشود از نجف هم پرسيد كه آيا موافق بوديد يا نه؟ اگر همه موافق بودند فايده دارد و گرنه برای ثبت در تاريخ باید تحقيق شود كى بود كى نبود سند يشتر است، آنها هم مثل بقىه ملت رأى دادند، اگر صبر كيم آراء معلوم شود مطلب بعدى را مطرح مى كنيم و به بحثمان ادامه ميدھيم و از هيقچكس هم رود رياستى نداريم هر کسی هر رأى دارد ميگويد.

دكتر بهشتى -- لطفاً آقایان بپند که در کشوهائى كه در جلویشان هست کارت های سه رنگ هست يا نه؟

طاهرى اصفهانى -- چگونه ممکن است با رأى مخفى متن را اصلاح كرد؟ با قيام و قعود باید اصلاح شود و بعد اصلاح شده اش را به رأى بگذاريد.

دكتر بهشتى -- با قيام و قعود اصلاح مى كنيم بعد كل رأى مخفى ميگيريم.

هاشمی نژاد -- لازم نیست از مراجع تقليد نجف سؤال كنيم مراجع مشروع مشخص است.

وئيس -- کسانیكه موافقند لفظ «نوع» اضافه شود، قيام فرمایند (unde کمي برخاستند) رد شد، مسئله دیگر «حكومة حق و عدل اسلامی» است، کسانی كه موافقند به جای «قرآن»، «اسلامی» بنویسيم قيام کنند (unde کمي برخاستند) رد شد. حالا به رهبری مرجع عاليقدر تقليد آيت الله العظمى امام خمينى، پيشنهاد اين است كه بنویسيم «به رهبری مرجع عاليقدر تقليد امام خمينى» يا «حضرت آيت الله العظمى امام خمينى» کسانى كه نظرشان اين است كه بنویسيم «مرجع عاليقدر تقليد امام خمينى» قيام فرمایند (unde کمي برخاستند) رد شد. حالا به «آيت الله العظمى» رأى ميگيريم موافقین قيام فرمایند (unde کمي برخاستند) رد شد.

حجتى -- اسم كامل ايشان حاج آقا روح الله الموسوى الخمينى را بنویسيم.

طاهرى اصفهانى -- چرا رد شد؟

وئيس -- دو سوم كامل رأى ندادند.

رياني رانکوهى -- در مورد جزئيات كه نگفته اند دو سوم.

دكتر بهشتى -- در مورد کلیه اصول قانون اساسی باید دو سوم باشد يعني حداقل چهل و نه رأى است.

وئيس -- لفظ «امام» همه آنهاى را كه شما مى خواهيد درش هست، حالا کسانى كه با لفظ «روز» يعني «همه پرسى روزهای دهم و يازدهم» موافقند قيام فرمایند (unde کمي برخاستند) رد شد.

مکارم شیرازى -- در اینجا منظور از «روزها» در مقابل «شیهها» نیست بلکه دهم و يازدهم همه پرسى دهمین يا يازدهمین مرتبه نیست.



رئیس — حالا قسمت آخر آیا اصلاً اسم مراجع تقليد نوشته شود یا نه؟ و از نجف هم آیت الله نوری رأی مثبت دادند. آنوقت بنویسیم «آراء مثبت مراجع تقليد» یا بگوئیم «شرکت مراجع تقليد» یا اصلاً اسم نیاوریم و بگوئیم «اکثریت قاطع مراجع تقليد».

حائزی — اکثریت قاطع مراجع تقليد خوب است.

بنی صدر — اگر هم باشند تأثیدی است اگر بنویسید اکثریت بعد میگویند اقلیتی هم مخالف بوده‌اند و این صحیح نیست.

رئیس — اگر بنویسیم اکثریت قاطع مراجع تقليد دیگر ابهامی ندارد یعنی اقلیت نتوانسته‌اند شرکت کنند.

موسوی — مفهومش این است که اقلیتی با جمهوری اسلامی مخالف بوده‌اند.

خانم گرجی — فقط شرکت کافیست، برای اینکه شرعاً بودن را تأثید می‌کند.

موسوی جزايري — اصلاً ذکری از مراجع تقليد نشود و در مقدمه اشاره بکنید. کلمه اکثریت خیلی مضار است چون ممکن است فکر بشود که اقلیتی بوده که شرکت نکرده‌اند و مخالف بوده‌اند در حالیکه اینطور نیست و عده‌ای مريض بوده‌اند و شرکت نکرده‌اند.

میرمراد زهی — اگر هر فردی از مملکت یک رأی دارد و مساوی هم هست، پس ذکر نود و هشت و دو دهم درصد کافی است ولی اگر برای مراجع تقليد ارزش بیشتری از نظر رأی دادن قائل هستید با توجه به اینکه اگر چند نفر از مراجع تقليد شرکت نمی‌کردن و نود و هشت و دو دهم درصد مردم رأی میدادند شما به این رأی اعتقاد نداشید؟

هاشمی نژاد — آنجاکه انقلاب مطرح است و نقش روحانیت مطرح است و کوشش آنها و تهییج مردم مطرح است وقتی یک رهبر مطرح است، آنوقت مسأله مرجع هم مطرح است. مسأله این است که ملت از اول انقلاب تا آخر، دوش بدوش مراجع آمده و با هم کار کرده‌اند و هر یکی از مراجع تقليد با یک اعلامیه تمام نیرو را میتواند بسیج کند، بنابراین نباید نوشت اکثریت، مرقوم بفرمائید «مراجع تقليد» و رأی بگیرید تا نتیجه مشخص بشود.

رئیس — ما نمی‌خواهیم بگوئیم که یک نفر مرجع رأیش چند تا حساب می‌شود، این یک واقعیت است در کشور ما و ما میدانیم که در مملکت ما ساله‌اندیشی بین روحانیت و مراجع تقليد و مردمی که مقید بودند به اسلام و متدين بودند، آنها در یک صفت بودند و دولت و حکومت و آنها که وابسته به حکومت بودند هم در صفت دیگر، و یک تضادی دیده می‌شود که بحمد الله این تضاد بطرف شد و امیدواریم در آینده به طور کلی این تضاد وجود نداشته باشد و دولت، دولت اسلام باشد و همه مردم و همه مراجع تقليد حامی دولت باشند و متحد باشند با دولت. ما می‌خواهیم بفهمانیم که مراجع تقليدی که مرجع بودند، همه مردم به آنها توجه داشتند و روی همین اصل مردم قیلاً راسخ انتخابات نمی‌رفتند چون انتخابات را وابسته به دستگاه حکومت فاسد میدانستند و حالا همه آنها که علاقمند به مراجع بودند و در انتخابات و رفاندوم شرکت نمی‌کردند، خوشبختانه در این رفاندوم شرکت کردند و خود مراجع هم شرکت کردند و تثبیت شد. بنابراین وحدت روحانیت و حکومت و ملت و اینکه همه در یک صفت حرکت می‌کنند، این یک واقعیت است و می‌خواهیم این واقعیت را منعکس کنیم.

موسوی اردیلی — بحث اساسی نیست که این‌همه صحبت می‌کنند.

طاهری اصفهانی — جناب آقای رئیس، تقاضا می‌کنم شما خودتان هم برای صحبت کردن



وقت بگیرید.

رئیس—وقت گرفته بودم.

طاهری اصفهانی—اینکه میفرمایند یک مرجع تقلید رأیش با دیگران فرق می‌کند باید عرض کنم که رأی، رأی است و فرق ندارد ولی شما و من فقط به ندای زعیم عالیقدر رأی دادیم والا جرأت نمی‌کردیم سرمان را از رختخواب بیرون یاوریم. ولی در مورد پیشنهاد باید نوشته شود همه مراجع، و مراجع جمع است بنابراین به دونفر و پنج نفر و شش نفر صدق می‌کند و حتماً این مقدار در ایران و خارج از ایران رأی داده‌اند به جمهوری اسلامی.

روانی شیرازی—اگر بخواهیم بنویسیم رأی دادند، این اشکالات پیش می‌آید در صورتی که ما میدانیم که حکومت اسلامی مورد تأیید تمام مردم بوده است، پس آنچه این که «به رهبری امام خمینی و تأیید مراجع» نوشته شده آنچه به نظر من یک تأییدی می‌باشد.

رئیس—پیشنهاد داده‌اند که مذاکرات کافیست.

رحمانی—امام خمینی و مراجع را مقابل هم نمی‌شود قرار داد.

حجتی کرمانی—عرض می‌کنم مراجعی که رأی داده‌اند، زنده هستند یا مرده‌اند؟ این چه بخشی است که میکنیم! آقایانی که حیات دارند ما از ایشان می‌پرسیم که آیا رأی داده‌اند یا نه و همچنین می‌پرسیم نسبت به این نوع حکومت نظرتان چیست، همه اعضاء میکنند که ما تأیید می‌کنیم. یقین داریم که هیچ مرجعی نیست که حکومت جمهوری اسلامی را تأیید نکند و حکومت شاه را بخواهد. بنابراین ما معتقدیم که مرجع تقلید چنانچه شرکت و یا تأیید او در رأی و در تحکیم جمهوری اسلامی اثر دارد، این حق‌شناسی هم بشد و اشکالی ندارد که اسمشان نیز نوشته شود و اعضاء آنها هم باشد و این سندی است برای قانون اساسی.

مشکینی—این مطلبی نیست که این همه کشدار باشد اینقدر روی آن ایستادگی نکنید.

رئیس—نظر من با آقای طاهری موافق است که بنویسیم «شرکت مراجع تقلید» پس رأی میگیریم.

بنی صدر—به «شرکت» رأی میگیرید یا به کلمه «مراجعة تقلید»؟ آیا لازم است اسم مراجع تقلید را بیاوریم یا نه؟ اگر رأی میگیرید بندۀ موافق نیستم.

رئیس—رأی می‌گیریم به‌این که آیا اسم مراجع تقلید را بیاوریم یا نه. موافقین قیام فرمایند (عدد کمی برخاستند) رد شد.

عده‌ای از نمایندگان—چرا رد شد؟

دکتر بهشتی—لاقل آقایان دقت فرمایند کیفیت به رأی گذاشتمنان باید بر مبنای آن چیزی باشد که قبل تصویب کرده‌ایم. گفتیم دو سوم آراء کل نمایندگان یعنی چهل و نه رأی لازم است، آراء را شمردیم و به حد دو سوم نرسید. توجه داشته باشید که برای اصول قانون اساسی رأی دو سوم کل نمایندگان که چهل و نه نفر است باید باشد، بنابراین مورد تصویب قرار نگرفت.

مکارم شیرازی—آئین نامه فصلش باز است و گفتیم در مورد جزئیات، چهل و نه رأی لازم نیست زیرا مشکلاتی را به وجود می‌آورد، و چون این مشکلی است که تا آخر ادامه دارد، بنا شد که آئین نامه بعداً قابل اصلاح باشد.

بنی صدر—اگر اینها را هم با چهل و نه رأی تصویب بکنیم آنوقت خودمان هم می‌افتیم



توى دست انداز

رئيس— پس اصل اول به همین ترتیب میماند که هست منتها پیشنهاد آقای غفوری را اضافه می‌کنیم که شامل هردوشود یعنی قبل از «با اکثریت»، «طبق آمار رسمی» را اضافه می‌کنیم و رأی میگیریم البته من خودم با این پیشنهاد یعنی «طبق آمار رسمی با اکثریت ندوهشت و دو دهم در صد» موافق نیستم، این دیگر لغتن ندارد. کسانی که عقیده‌شان اینست که «طبق آمار رسمی» اضافه شود، قیام فرمایند (عدد کمی برخاستند) رد شد. پس اصل اول به همین صورت باقی میماند. آقایان نظرشان را با رأی مخفی راجع به اصل اول بنویسند.

دکتر بهشتی— کسانیکه با این متن بدون وارد شدن پیشنهادها و اصلاحات موافقند ورقه سفید که رأی مثبت است و کسانیکه مخالف هستند رأی سیز و کسانیکه ممتنع هستند کارت زرد زنگ که هر سه را در اختیار دارید، توى گلدان بیندازید.

خامنه‌ای— در یکی از پیش‌نویس‌ها اصولی متناسب با این فصل هست که متأسفانه به وسیله گروه پیش‌بینی نشده است. همچنین مقداری اصلاحات خدمت آقایان هست که در اصل‌های دیگر خواهش می‌کنم رعایت بفرمایید.

رئيس— پیشنهاد ایشان این است که پیش‌نویس‌های مختلف را مورد توجه قرار دهند و در رأی‌گیری دخالت دهند.

(در این هنگام اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد).

رئيس— عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی هفتاد نفر تعداد کل آراء هفتاد رأی، موافق شصت و چهار رأی، ممتنع سه رأی، مخالف سه رأی. بنابر این اصل اول با شصت و چهار رأی تصویب شد.

مکارم شیرازی— آقای ناظم زاده از دیرخانه توضیح دادند که هیأت رئیسه پیشنهادها را از ما نخواستند بلکه گروه اول خواستند.

طاهری اصفهانی— بشکرانه تصویب هر اصل پنج دقیقه تنفس نداریم؟

رئيس— لطفاً آقای ربانی برای قرائت اصل دوم و دفاع از آن تشریف بیاورند. **بنی صدر**— اصل اول که همه با آن موافق بودیم، تصویب شیوه کساعت و نیم طول کشید، به این ترتیب تصویب همه اصول لاقل چندیاه طول میکشد. من پیشنهاد میکنم شورای هماهنگی دو سه نفر را دعوت کند تا روی این موضوع یک‌همانگی بوجود بیاید.

رئيس— پیشنهاد سیار خوبی است امیدواریم عملی شود.

ربانی شیرازی— اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحيم. در اصل اول که بموقعاً به تصویب رسید، حکومت ایران جمهوری اسلامی معرفی گردید. در قانون اساسی لازم می‌بود که این جمهوری اسلامی مورد تعریف واقع بشود و ویژگیها و خصوصیت آن معلوم شود. برای اینکه چه بسا که بواسطه عدم سابقه، چنین جمهوری اسلامی برای دیگران نامائوس است جمهوری مطلق برای مردم معروف است که حکومتی است برایه جمهور، و جمهور یعنی عموم مردم در آن نقش دارند، در مقام قانونگذاری، در مقام رهبری و در حاکمیتش و امثال آن، ولی این ترکیب برای مردم معروف نیست. مخصوصاً اینکه یک برداشتی هم در اطراف وجود این سلطنت از جمهوری اسلامی بوده است، لازم بود اینجا تشریح بشود که جمهوری اسلامی ما چیست. لذا در اینجا پایه‌هایی برای تدوین جمهوری اسلامی تبیین و تعیین شد. البته مسائل



مهمی که در جمهوری نقش برجسته‌ای دارد ، روی آنها تکیه گردیده است. در ابتدای اصل دوم گفته شده : جمهوری اسلامی ، نظامی است توحیدی ، از ویژه گیها یعنی اینست که توحیدی است منسوب به توحید و برایه توحید ، یعنی بینشی که در این مكتب است، وحدت جهان ، وحدت صانع جهان ، وحدت مدیر و مدبر و رب جهان ، وحدت رهبری مكتب ، مراد از توحیدی این است وبا این توضیحی که دادم اشکالاتی که شده بود و تدکراتی که داده شده بود که توحیدی چون یک لفظ مشترکی است و برداشت‌های مختلفی از آن می‌شود ، مثل لفظ « خلق » پس « توحیدی » نگوئید واسلامی بگوئید. با این پیانی که گفتم از آن اشتراک بیرون می‌آید مخصوصاً بعد تکیه شده است روی این پایه‌ها ، و این توحیدی غیر از آن توحیدی است که منظور ، فلان جامعه بی‌طبقه است ، در اینجا با توضیحاتی که بعد می‌آید مراد روش می‌شود . حالا چرا بگذاریم الفاظمان را دیگران برایند؟ چرا بگذاریم دیگران فرهنگ ما را بدزند و برای معانی دیگر استعمال کنند؟ بهتر است ما جویی توحیدی را تعریف کنیم که دیگران نتوانند آنرا مورد استعمال و برداشت خود قرار بدهند . پس جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی ، برایه مطالب زیر :

در بعضی از کمیسیون‌ها گفته شده بود « برایه » درست نیست ولی این پایه یک معنای اعم دارد یعنی شما در اصول اجتماعی پایه‌دارید ، در مسئله شناخت هم پایه‌دارید و صحیح این بود که اگر می‌خواستیم بگوئیم مثلاً برایه وهدف و روش زیر ، این پایه‌ای که می‌گوئیم مردمان اصول دینی نیست ، این پایه اعم است برایه یک ، ایمان بخدای یکتا ، ما در دوران اسلامی روی اصول همیشه تکیه کردۀ‌ایم و آن اصول نقشش شاید در جامعه درست روش نمی‌بود. یکی ازویژگیها و خصوصیاتی که انقلاب ما داشت این بود که به اصول اسلامی و فرهنگ اسلامی و حتی به الفاظی که ما در طول تاریخ استعمال می‌کردیم محتوا پخشید . مدت‌ها ما « لا اله الا الله » می‌گفتیم ، « الله اکبر » می‌گفتیم و محتوا آن درست مانوبود ، لذا سازندگی هم نداشت ولی در انقلاب ما ، فرهنگ ما و الفاظ و اصولی که در آن بود ، محتوا پیدا کرد. برای اینکه نقش سازندگیش را به عیان و ملموس دریافت کردیم . مثلاً برایه ایمان به خدای یکتا که در این مكتب روی آن تکیه شده است یعنی که ما باید معتقد بشیم و ایمان داشته باشیم به خدای یکتا ، یکتای در ذات و یکتای در مقام پرستش و یکتای در فرماندهی . توحید ذات ، توحید عبادت ، توحید افعال و توحید حاکمیت و فرماندهی که میدانیم ایمان به خدا با این معانی که گفتم چه نقشی در سازمان جامعه دارد . زیرا در آن جامعه‌ای که تکیه می‌شود روی فرماندهی واحد حق و خداوند جهان و حاضر نیست زیربار فرماندهی سلطه جویان و ستمگران و خود کامگان برود ، نقش سازنده او بدرستی معلوم می‌شود . « ولقد بعثنا فی کل امة رسولاً ان عبدوا الله واجتبوا الطاغوت » این چیزی است که پیامبران الهی همه برای این آمده‌اند . در هرامتی ، در هر قومی رسولی آمد ، مبعوث شده برای اینکه مردم را وادار کند و برای آنها تبیین کند نقش الله و نقش طاغوت را « ان عبدوا الله واجتبوا الطاغوت » پس ایمان به خدای یکتا و عدل او ، عدل خداوند تبارک و تعالی در تکوین و در تشریع است. در تکوین یعنی در نظام آفرینش خلی نیست ، حکمی ناروا داده نشده است و تفاوتی گذاشته نشده است و آنچه استعداد موجودات جهان اقتضایی کرده است به آنها داده شده است. حتی یک نظام همیسته‌ای که یک واحد با همه کسوراتش تشکیل می‌دهد ، برایه نظم واحد یعنی عدل در جهان آفرینش و عدل در تشریع می‌باشد. در مورد قانونگذاری هم ما ایمان داریم که این قوانینی که اسلام برای جهان تشریع کرده است ، برطبق

عدالت است و آنچه مصلحت جهان و مردم اقتضا میکرده است، در این قانون نهفته است و بر هیچکس ظلم روا نشده است.

رئیس — آقای ریانی مختصرتر بفرمائید.

ریانی شیرازی — چاره‌ای نیست...» و عدل او در تکوین و تشریع و اختصاص حاکمیت و تشریع به او» حاکمیت و قانونگذاری به حق تعالی اختصاص دارد.

پایه دوم اعتقاد به وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین. پایه دوم اعتقاد به وحی الهی است، یعنی مبتنی بر پایه‌ای است که نظام ما را از نظمات دیگر جدا و ممتاز میکند، زیرا نظماهای دیگر بر پایه افکار مردم است و نظرات آنها در تشریع قوانین دخالت دارد، قانونگذار آن است ولی در اصل دوم بیان شده است اعتقاد به وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

پایه سوم، اعتقاد به معاد و نقش سازنده آن در تکامل انسان که معاد چه کاربردی در جامعه الهی و توحیدی دارد. سازنده است، انسان را تکامل می‌بخشد و به او مسئولیت میدهد یعنی چنانچه نقش معاد را برداریم مسئولیت قابل تبیین نیست، فقط معاد است که میتواند مسئولیت تبیین کند. لذا در نظماهایی که اعتقاد به معاد ندارند، در آنجا تبیین قوانین میسور نمی باشد. بنابراین پایه سوم، اعتقاد به معاد و نقش سازنده آن در تکامل انسان و در التزام قلی و عملی او به احکام و قوانین می‌باشد. پایه دیگر این اصل «امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم اسلام اقلابی» است. پایه دیگر «کرامت و ارزش والای انسان و پرورش گوهر الهی نهفته در او» یعنی دیدی که در جمهوری اسلامی نسبت به انسان وجود دارد، انسان بمنزله یک حیوان ابزارساز تلقی نشده است، بلکه انسان خلاصه موجودات و اشرف موجودات و موجود متكامل عالم طبیعت است و پرورش گوهر الهی نهفته در او، آن چیزی که انسان را به سوی تکامل می‌کشاند، آن خصلت و ویژگی که در انسان است و در سایر حیوانات و موجودات دیگر نمی‌باشد، آنی که او را مدبر و مدیر جهان طبیعت قرار داده است و ارزش والای انسان و پرورش گوهر الهی نهفته در او، این هم نظر جمهوری اسلامی راجع به انسان است. اصول اجتماعی دیگری که در نظام اسلامی اهمیت دارد و قابل ذکر است «آزادی و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش» است. یک پایه دیگر که پایه‌ای اقتصادی و اجتماعی است «قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی و نقی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی» می‌باشد یعنی در نظام اسلامی قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی در تمام شئون برقرار است و نا میخواهیم این نظام را بیاوریم برای اینکه قسط و عدل در سراسر جامعه حکم فرمای شود و انسانها زیربار استمگری و ستمکشی نروند «لاتظلمون ولا تظلمون». پایه دیگر، مسئولیت انسان در این مکتب است که انسان بدون مسئولیت نیست. مکتبی که انسان مسئول و متعهد می‌سازد، مسئولیت انسان و جهاد او مسئولیت پویا و دائمی است، یعنی باید جهاد و کوشش کند که خود را متكامل سازد و دیگران را هم به تکامل برساند. پایه دیگر شناخت است که همانطور که فرمودند پایه نیست بلکه شناخت است «اجتهد اقلابی و پویای متخصصان در فهم کتاب و سنت» برای تکامل جامعه‌مان، برای اینکه جامعه‌ای متتحول و پویا باشد و ایستا نباشد، احتیاج داریم به تداوم اجتهاد، آنهم اجتهاد اقلابی و متحرک و پویا، نه ایستا. ولی اجتهاد اقلابی و پویای متخصصان، کسانی که متخصص هستند در فهم کتاب و سنت، نه این جور که



قرآن را بغل دستمان و کتاب لغت را طرف دیگرمان بگذاریم و هی از این به آن مراجعه کنیم و به نظر خودمان اجتهادی که با شرایط خودش است و برپایه تخصص است مقدماتش را النجام داده، ضروریاتش را دریافت کرده و بعد مثل سایر شئون مثل دکتر در طب، مهندس که تخصصی دارد، در این مسأله نمی‌شود یکنفر کتاب طب را بگذارد بغل دستش و مرضی را مداوا کنند، حقوق چطور متخصص دارد؟ حالا اسلام‌شناسی هم تخصص می‌خواهد، از چه راه؟ از راه کتاب و سنت، قرآن و سیره پیغمبر. پایه دیگر «استفاده کامل از علوم و فنون پیشرفته و تجارب بشری» است وقتی ما می‌گوئیم مکتب برتری داریم معنا یش این نیست که در اجرای امور، دیگر علوم بشری را نادیده می‌گیریم، اسلام به مادستورداده است برای تکامل جامعه‌تان و پیشرفت امور جامعه‌تان از علوم و لواینکه در راه‌های دیگر باشد و بسته دیگران باشد استفاده کنید پس ما در راه جمهوریمان از علوم بشری و تجارب سایر اسم هم استفاده می‌کنیم. این پایه‌هایی است که در اصل دوم بیان شده است و بعض رساندم.

صافی — آزادی و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش، آزادی تشریعی است یا تکوینی؟

ربانی شیوازی — آزادی تشریعی بواسطه همان آزادی تکوینی است.

صافی — حالا کدام است؟

ربانی شیوازی — این اجتماعی است ولی برپایه همان خصلت طبیعی است.

رئیس — پیشنهادهای مربوط به این اصل رسیده است که می‌خوانم:

۱— پیشنهاد می‌شود به جای «عدل او در تکوین و تشریع» نوشته شود «عدل خداوند در عالم هستی».

۲— بجای «اسلام انقلابی»، «انقلابی اسلامی» نوشته شود.

۳— بعد از «وتجارب بشری» اضافه شود «بدون وابستگی به عالم شرق و غرب».

۴— تبدیل «سنت» به «خبر»

رئیس — آقای بنی صدر اول نوبت گرفته‌اند، بفرمائید.

بنی صدر — اگرینده بخواهم به همان ترتیب که مخبر محترم گروه یک راجح به توحید و اصول صحبت کردند، صحبت کنم خیال می‌کنم شما دیگر فرصت بیدا نمی‌کنید که امروز به این اصل رسید. بنابراین ازان صرفنظر می‌کنم و مبپردازم به اشکالاتی که در این اصل است. دیروز که ما این اشکالات را در حضور خود آقای ربانی بررسی کردیم این مشکلات یادآور شد. البته بعضی از آنها را مورد بررسی و نظر قرارداده‌اند. اما این توضیح که ایشان دادند که روش هم پایه می‌خواهد، خیلی خوب، پایه روش، پایه روش است و پایه دین، پایه دین است. این دو تا یک نوع پایه نیستند و دلیلی ندارد که شما یک متن بنویسید که در این متن این مسائل درهم و قاطی شود. می‌توانید آنها را از هم جدا کنید، دلیل ندارد که چون همه پایه است پس زیرهم قطار شود. آن پنج پایه اول برای توضیح توحید، بسیار خوست و لی ازان بعد بنظر من میرسد که باید هدف و روش را از هم جدا کرد و گفت براساس آن پنج اصل و پایه، با این روش می‌خواهیم به این هدف معین برسیم والا فایده این اصل چیست؟ وبا این اصل بکجا می‌خواهید برسید؟ اگر هدف و روش آن معلوم نیست و اینها در عرض همدیگرند، شما چه می‌خواهید بکنید و بکجا می‌خواهید برسید؟ این راجع به آن مسأله که نظر ایشان وارد نیست. درجهان ما، بخصوص که



دیگران هم این مسائل را از ما یادگرفتند. شما هم منطق وهم اصول دارید که هردو اینها روشنند، برای اینکه بتوانید تفکه کنید آن پنج پایه اول جزء اصول دین ما است پس نظام توحیدی برآن پایه ها قرار میگیرد و بعد هدفش استقرار عدل است و جلوگیری از ستم و ظلم و روشنش هم همین است.

بدین ترتیب همه متوجه میشوند که ما چه میگوئیم. ولی این متنی که نوشته اید در چند جایش ابهامات اساسی وجود دارد. یکی اینکه عبارت «اعقاد به وحی الهی و نقش بنیادی آن در میان قوانین» غلط است (عده‌ای از نمایندگان – نقش بنیادی آن در میان قوانین). در میان قوانین هم معنی نمی‌دهد. بلکه مراد شما لا بد وضع قوانین بوده است. پس باید نوشت «... و نقش بنیادی آن در وضع قوانین». و اما اینکه می‌گوئید کرامت و ارزش والای انسانی، این کرامت و آن ارزش چیست؟ درنظرشما ارزش، یک چیزی است و درنظر دیگری، یک چیز دیگر. اگر منظورتان ارزشی است که فکر می‌کنید همه میدانند، خوب، آن چیزی را که همه میدانند بنویسید، اگر چیزی است که همه نمیدانند و شما میدانید آنچه را که میدانید بنویسید. ارزش خودش یک کلمه‌ای است و در جامعه شناسی بحث مهمی دارد، مثلاً «کراوات زدن کارخوبی است یا نه؟ در بعضی جوامع ارزش است و در بعضی جوامع ارزش نیست.

ارزش خود بخود معرف چیزهای دیگری است که مصاداقش را باید بپیدا کنید و بگوئید مصاداق این ارزشی که میان میشود کدام است، والا ارزش والای انسانی چیست؟ هیچکس از آن چیزی سرد نمی‌آورد. یا «پرورش گوهر الهی» این دیگر از عبارت قبلی مبهم تر است. چون درنظر فلسفه اسکولاستیک «اسپری» همان خرد یا هوش خلاق است که در وجود انسانی نهفته است و اروپائیها معتقدند که آنها دارند و قیه انسانها ندارند.

ما هم گوهر داریم. به نظر من این اصول دین ما در هر جزوی از اجزاء عالم وجود دارد، یعنی یک الکترون را هم که شما درنظر بگیرید، هم در آن توحید هست، هم نبوت هست، یعنی در آن نظام و قاعده و قانون و هم امامت یعنی رهبری به سوی هدف هست، هم عدالت است، هم معاد، پس انسان قدر مسلم یک موجود پنج بعدی است، اگر نگوئیم آن چهار بعد دیگر انعکاس بعد اولی است: بنابراین این را هم باید روشن کرد که آیا مرادتان همین اصول است که در انسان گوهر الهی است؟ اگر اینطور است همین را ذکر کنید تا معلوم شود که این انسان درنظر شما کدام انسان است و انسان را شما چگونه تقی میکنید. آن خلیفة الله که ما میگوئیم و حیوان ابزارساز نمی‌گوئیم، به چه معنی میگوئیم، تا مردم دنیا بفهمند منظورمان چه است والا این متن به تنهائی هیچ معنایی در بر ندارد. بعد آمدید گفته اید «اجتهد اقلابی و پویا»، از مارکسیسم تا سرمایه‌داری در آنطرف دنیا، از انواع اسلام‌هایی که ما در قلمرو خودمان داریم، هرجا «اقلابی» یک معنا دارد. چه را شما اقلابی میدانید؟ چون فردا اینها قانون میشود. الان شما دارید قانون می‌نویسید ولی فردا برای یک به یک اینها یقه ما را می‌چسبند و هر حرفی بزنیم، میگویند این خلاف قانون اساسی است، و این اجتهد شما اقلابی نیست، اقلابی را هم که شما تعریف نکرده‌اید که چیست، مثلاً بنویسید طبق رویه مرسوم. خوب، در نزد حوزه‌های علمیه، ما میفهمیم یا نه، طبق رویه مرسوم در دانشگاه‌ها، بسیار خوب میفهمیم. یا اینکه توضیح بدهید که مقصودتان چیست؟ و همینطور کلمه «پویا». پویا ترجمه دینامیک است. چون شما خیلی با غرب‌زدگی موافق نیستید من خودم این کلمه را زیاد به کار برده‌ام بعد هم بتدریج



به این نتیجه رسیده‌ام که نه، این متضمن واقعیت توحید نیست و آنرا رها کردم. یعنی در این چند ماhe اخیر کار علمی، مرا به این جا رسانید که نه، دینامیک بالاخره برمیگردد به تقابل قوا، یعنی برمیگردد به همان تضاد، تضاد در دیالکتیک. حالا آیا شما به آن معنی میگوئید اجتهاد پویا، یا معنی دیگری برای این کلمه‌دارید؟ (ربانی‌شیرازی—پویا به معنی متجرک در مقابل ایستا است) خوب پس متجرک بنویسید. و یک چیزی بگذارید که ما بفهمیم و روشنتر باشد و دقیقاً بدانیم مراد شما از پویا چیست والا، همین را فردا می‌چسبند و می‌گویند که اجتهاد شما پویا نبوده است. اینهم اشکال این عبارت است و اما کمپود آن، ما یک شعایری در انقلاب داشتیم: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، در آن متن پیش‌نویس اصلی این موضوع و معنی رعایت شده بود. شما در اینجا نوشته‌اید «ستمگری و ستم کشی». به اصطلاح اگر آن را به‌این‌تلوزی‌های جدید ببریم می‌بینیم با عبارات مارکسیستی خواناتر است. برای اینکه آنها اصل را بر تضاد داخلی می‌گذارند. آنچه در آن پیش‌نویس قبلی آمده بود رسانتر است. یعنی «ستمگری و ستمکشی» را هم در درون مرزها نفی می‌کرد و هم در بیرون مرزها. در این پیشنهاد، استقلال را نمی‌دانیم در کجاست؟ یک جائی لازم است که باشد، چون در داخل ممکن است شما بتوانید بین زیر سلطه‌ها یک قسطی برقرار کنید. این عبارت را چرا برداشته‌اید؟ چه حاجت بوده که آن را حذف کردید؟ با اینکه ما دیروز هم برسی کردیم این موضوع را و قید کردیم که سواله سلطه در جهان، یک مسئله اساسی است. گیرم به اینکه در قرآن ما هم یک فصل وسیعی اختصاص داده به روابط اقوام با هم و سلطه‌گر و زیر سلطه‌ای که در بین اقوام بوده است. داستان فرعون با قوم موسی، یکی از آن داستانها و بسیاری دیگر مانند همین داستان خود پیغمبر اسلام و مبارزه‌اش با اقوام دیگر و یا این وضعیتی که خود ما از آن خارج شده‌ایم، علیه یک رژیم دست نشانده‌ای مبارزه کردیم، اگر ما در این اصل کمترین اشاره‌ای به این مسئله نکنیم که مملکتی بودیم که از طریق رژیم پهلوی زیر سلطه امریکا و غرب بوده‌ایم و حال از زیر این سلطه با این انقلاب بیرون آمده‌ایم، درست نیست و ظلم بزرگی است به انقلاب ما و خوب نیست به عنوان یادگار ما برای نسلهای فردا. بنابراین این مسئله باید جزء عبارات این اصل گنجانده شود، و یکی از هدفهای ما دسترسی به استقلال کشور باشد، البته استقلال همه جانبه، این هم باید اضافه بشود. حالا این را هرجا دلتان می‌خواهد بگذارید، اختیار درسنوشت هم که می‌فرمایید، ربطی به استقلال همه‌جانبه در زمینه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ندارد. درحقوق بشر هم این اختیار سرنوشت را گذاشته‌اند اما هیچ کسی هم بر سرنوشت خود حکم ندارد، چون عمل از جهات دیگر وابسته است. آن استقلال یک مفهوم گسترده‌ای است که ما باید بفهمیم چیست و در همین جا تصریح کنیم تاشیرفهم بشویم. حالا این ایراداتش بود و آن هم نقائش بود که به نظر من رسید اگر اینها قبل از آن کمیسیونی که عرض کردم رسیدگی نمی‌شد ای بسا وقتها اینجا صرف این امور نمی‌شد.

وئیس — مشترکم اینجا دوشه بیشنهاد رسیده یکی اینکه نوشته‌اند در چواب آقای بنی صدر به جای «ارزش و کرامت» بنویسید «ارزش به خلیفة الهی انسان».

بیشنهاد دیگر مربوط به آقای رحمانی است راجع به «آزادی و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش» در این مورد اگر تکوینی باشد که مانعی ندارد ولی اگر تشریعی باشد باید معلوم باشد که مراد از آن جواز اتخاذ هرسیبلی نیست بلکه در حدود «فمن شاء فلیؤمن و من شاء



فليکفر انا اعتدنا للظالمين ناراً احاط بهم سرادقها وان يستغيثوا يغاثوا ، «انا هديناد السبيل اما شاكرآ واما كفورآ» ياتكه اگر سبيل غير صحيح را اختيارنمايد وسنوشت خود را بد سازد بورد عقاب واقع ميشود . آقاي کرمي نوشته اند پس از کلمه «حاکمیت» کلمه سطلق نوشته شود يعني «حاکمیت مطلق» بعد از «وحي الهی» نوشته اند «وحي الهی خود قانون است نه میین قوانین» آنجا که دارد «التزام قلبي و عملی او بر احکام وقوانين» ايشان نوشته اند بنویسید «احکام وقوانين الهی» يک الهی اضافه کرده اند . آنجا که نوشته شده است «امامت» نوشته شود «امامت ورهبری مرجع دینی» آزادی واختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش با اينکه تکاليف خدا او را محدود ساخته است . اجتهاد اتفاقابی يعني چه؟ و ثانياً تمام افراد ، افراد مکلف به اجتهاد نیستند يک چنین چيزی . حالا آقای بهشتی برای دفاع از اصل دوم اگر مطلبی دارید بفرمائید .

دکتر بهشتی – با تشکر از تذکرات عرض کنم مطالبی را که آقای بنی صدر گفتند توضیح میدهم ، آنچه در این اصل دوم راجع به پایه ذکر شده است همه اینها پایه است نه هدف ، یکی یکی آنها را که ايشان قبول کردن عبور میکنم و آنها را که قبول نکردن توضیح میدهم ، ايمان به خدا پایه است ، اعتقاد به تمدن پایه است ، ردمیشویم ، اعتقاد به وحی پایه است رد میشویم ، اعتقاد به معاد و اعتقاد به امامت را پذیرفتند رد میشویم ، اعتقاد به «کرامت و ارزش والای انسان و پژوهش گوهر الهی نهفته در او» عنایت بفرمائید وقتی میگوئیم پایه ، يعني جهان یعنی ، مسأله کرامت و ارزش انسان جزو جهان یعنی است يعني ما به انسان با چه دیدی نگاه میکنیم؟ و در مکتبی که در پیکرمادی انسان نفخه روح الهی دمیده انسان را با چه ابعادی میشناسیم؟ و دید ما نسبت به انسان چگونه مطرح است؟ طبعاً این همیشه پایه است اگر عبارتی که اینجا هست وافي نیست ، مستشکر میشویم که هم جنابعالی وهم هم دوستان همکاری بفرمایند تا عبارتی رسانتر بنویسیم . ولی اینجا منظور گروه این است که دید نسبت به انسان و اینکه در وجود او گوهر الهی نهفته است و باید همه نظامها طوری باشد که به پژوهش این گوهر الهی کمک کند ، منظور این بوده است . راجع به فراز بعدی «آزادی واختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش» مکتبها به انسان هادو گونه مینگرند ، انسان مجبور در يك جبر و سرنوشت مادي اجتماعی ، اقتصادي ياهر نوع جبر دیگر و انسان آزاد و حدود اين آزادی ها هم در مکتبها متفاوت است . ما البته اينجا نخواستیم حدودش را روشن کنیم این در شرع مقدس ما مشخص است که آزادی مطلق نیست بلکه از نظر تکونی آزادی است که در طول اراده خداوند قرار گرفته نه در عرض اراده خداوند ولی به هر حال منظور همان آزادی تکوین است ، این پاسخی است به بادرمان آقای رحمانی ويرخي از دوستان دیگر که گفته اند اين آزادی باید محدود به قوانین و پريهيز از معمرات و پيروی از واجبات باشد نه ، منظور همان آزادی در سرنوشت انسان و نقش او در خود سازی انسان است . مسأله بعدی يعني فراز بعدی «قطط وعدل اجتماعی و اقتصادي و فني کامل هر گونه ستمگري و ستمکشي است» در اينجا نزديک بود که اين شبهه پيش بيايد که جزو هدفها است نه جزو مبانی ولی توضیحی که میدهم اين است که مكتب به قسط وعدل اجتماعی بعنوان يك پایه مهم نگاه میکند يعني بعنوان مبنائي در کنار مبانی دیگر نگاه میکند و يك وقت است اين مقدار را اهميت وبها نميدهد . در اينجا خواسته ايم در نظام جمهوري اسلامي اين بعد بعنوان يك مينا برای نظم نظامهای گوناگون داده شود . مسأله بعد مسئولیت انسان وجهاد اود راه



تکامل خود دیگران است البته این مسئولیت از نظر تنظیم عبارت بهتر است بعد از مسئله آزادی انسانها باید چون بدنبال آن است که مسئولیت میخواهد . مقصود از این فرازاین است که اول—انسان خودسازاست و مسئول ساختن خویش است و این در همه نظامهای قانونی که برپایه قانون اساسی در آینده بیخواهیم وضع کنیم، اثربخشی کننده دارد. دوم—نه تنها مسئول خودسازی است، بلکه مسئول دگرسازی و محیط سازی است، یعنی انسان مسئولیت دارد دیگران را هم بسازد، از راه نقش و تأثیری که در ساختن محیط دارد در رابطه امر معروف و نهی از منکر که بعداً در اصول میآید. پس این هم باز عنوان یک مبنای دید است یعنی انسان را مسئول میدانیم و نه اینکه بعداً بیخواهیم مسئول بدانیم بلکه همین امروز از دید نظام جمهوری اسلامی مسئول است. اما فراز بعدی «اجتهد اقلایی و پویای متخصصان در فهم کتاب و سنت» است که این روش به رویت به روش است، ما برای اینکه جمهوری اسلامی مان جمهوری اسلامی بماند باید اجتهد اقلایی داشته باشیم یعنی اجتهدی که محافظه کارانه نباشد، اجتهدی که با همه مسائل و با همه نهادها با روحیه اقلایی برخورد کند.

کرمی — مجتهد محافظه کار نمیشود، رأی خود را ابراز میکند.

دکتر بهشتی — ویا ز میگوید اجتهد پویا باشد درحقیقت بیان این است که در برخورد با مسائل یک وقت است کسی مجتهدی است که ملتزم میکند خودش را به آراء گذشته و یک وقت مجتهدی است که با برخورد به شهرت قبلی با کمال شهامت و پویای برخورد میکند، که ما در این صورت دونوع مجتهد داریم و نمونه های فراوانی در تاریخ فتنه خودمان داریم مثلاً مرحوم علامه حلی در مسئله پاکی یا نجسی آب چاه در اثر ملاقات با نجاست، یک نوع برخورد قاطع کرد و نخست گفت آب پاک است ولو کشیدن آبهای لازم باشد که مقدمه سرحله بعدی قرار گرفت...

کرمی — این مسائل بمقام مجتهد موهن است. (یکنفر از نمایندگان — مجتهد در عالم اسلام یکی است).

دکتر بهشتی — اما ما گفتم که این اجتهد باید اجتهد متخصصان باشد که واجد شرایط تخصص باشد آنهم تخصص در فهم کتاب و سنت، در حقیقت آن اصولی که آقایان میرفمامند ما در اینجا ملتزم شدیم و خواستیم دونکته اقلایی و پویا را که میتوانند روی آن اظهار نظر بکنند به آن اضافه بکنیم. مسئله بعدی «استفاده کامل از علوم و فنون پیشرفتی و تجارتی بشری» است که فعلاین جمله به آن اضافه شده است «بدون هیچگونه وابستگی به شرق و غرب» که بسیار هم خوب است، میتوانیم اضافه کنیم در جوامع در برخورد با علوم و فنون، زیرا درینش اسلامی چنین تردیدی وجود ندارد، آنچه پرهیز است این است که از فرهنگ و ایدئولوژی، انتقادی نشود. البته نخست آن را پرهیز و مقید داشتیم اما بعد از اینکه به خالص ماندن فرهنگ اسلامی و ایدئولوژی مان حکم ملتزم بودیم به هم جا میرویم و از همه هرچه سودمند باشد تحت عنوان علوم و تجارت بشری استفاده میکنیم و اینکه ملاحظه میرفمامد حالت پایه ای و مبنای دارد، نسبت به جمهوری اسلامی دارد. اما راجع به استقلال که آقای بنی صدر گفتند، نظرما این است که استقلال نتیجه چند اصل غیر از اصول پائین است آنجا هم گفتم که نفی هرگونه ستمکشی و ستمگری داخلی و خارجی است (یکنفر از نمایندگان — بنویسید) عیبی ندارد ، تصریح آن اشکالی ندارد . در مورد توضیح آقای کرمی راجع



صورت مشروح مذاکرات مجلس برسی نهانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بهاینکه حاکمیت مطلق خوب است، راجع بهاینکه وحی عین تشرع است یا بیان شرع است، ما نگر کردیم که بیان شرع است.

کرمی — مددوش خود وحی است.

د کتبهشتی — به هر حال از آنجا که گفتم تشرع و وضع قانونگذاری با خداوند متعال است و آنچه نبی اکرم بعنوان مسئولیت نبوت و رسالت دارد، بیان وحی و اطلاق شریعت الهی است. پس فکر کردیم اگر بیان کنیم دقیق تر باشد.

صافی — اعتقاد به نبوت که باشد کافی است.

کرمی — بیان قوانین ابهام دارد.

د کتبهشتی — راجع بهاینکه فرمودید در آن فراز نوشه شود «التزام به احکام و قوانین» که توجه میفرمایید یک انسان متشريع، فرمان و دستور امام و حاکم شرع را با همان انگیزه صواب و التزام خطاب میکند، روی این اصل قوانین و احکام را نوشتیم.

کرمی — الهی باشد، چون سوق دهنده معاد است.

د کتبهشتی — اینها توضیحاتی بود که درباره بیان دوستان لازم بود عرض کنم.

رئیس — اینجا آفای حائری پیشنهاداتی دارند که خود منهم با اکثر آنها موافقم، ایشان نوشه اند که «نظام توحیدی» تبدیل به «نظام الهی» شود چون نظام توحیدی شعارهای کمونیستی است که طبقاتی نباشد. جمله «کرامت و ارزش والای انسانی» غیرمعلوم است. همچنین در عبارت «آزادی انسان درسنوشت خویش» دنباله اش اضافه شود «برطبق حدود مذهبی».

«اجتهاد انقلابی و پویا» مجھول است فقط باید اجتها، فهم صحیح کتاب و سایر ادله شرعیه باشد. حالاً از نوبتی که برای خود گرفته بود استفاده می‌کنم. اینجا کلمه توحیدی ب nefren زائد است برای اینکه لفظی که دو معنی میدهد، یعنی لفظ مشابه در قانون نباید باشد زیرا اولاً

باایستی کاری بکنیم که قانون اساسی کم لفظ و پر محبت باشد و لفظ مشابهی که احتمال دو معنی و سه معنی بدده، در آن ذکر نکنیم، و صریح باشد. ثانیاً بعد از آنکه می‌نویسیم «ایمان

بخدای یکتا» این لفظ «توحیدی» معلوم نیست که یعنی خدای یگانه یا مثلاً جامعه توحیدی، یعنی بدون طبقه، بالآخره احتمال می‌آید و وقتی که احتمال آمد، لفظ مشابهی میشود و اگر لفظ مشابهه ذکر نشود، بهتر است. ما چه داعی داریم بنویسیم جمهوری اسلامی نظامی است بر

پایه این اصولی که بعد می‌آید؟ این لفظی که موهم است و لو خلاف باشد ما از این لفظ خوشنام نمی‌آید. مسأله دیگر اینکه مایک جمله‌ای داشتیم براساس یکی از آیات قرآن و گفتم

ما در اینجا که اصل حقیقت اسلام و تسلیم را نوشتمیم، ذکر نکردیم که اسلام معنا یافش تسلیم است «فلا وربک لایؤمنون حتی یحکموك فيما شجربینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجاً ماقضیت ویسلموا تسلیماً» اصلاً اسلام حقیقتش تسلیم است ما اینهمه که ذکر کردیم، خوب بود که

اینجا می‌نوشتم «وتسلیم دربرابر الله» و دنبال آن می‌نوشتم «اختصاص حاکمیت و تشرع به او و تسلیم در برابر الله یا تسلیم در برابر وی» که خلاصه معنی اسلام و حقیقت اسلام ذکر شده باشد.

مسأله دیگر اینکه آفایان فرمودند که «آزادی واختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش» این معنائی است که ولو اینکه آفایان معنی دیگری برای آن می‌کنند، اماموهم خلاف است. ممکن است معنا یافش این باشد که عقیده، عمل وایمان و کفرهم مربوط به سرنوشت انسان است و معنا یافش این است که اگر می‌خواهد ایمان اختیار کند و کفر اختیار کند یا اگر می‌خواهد



مثل «فساد» در عمل داشته باشد، آزاد است. این در واقع یک چیز مجملی است که بایستی در محدوده قوانین یک همچون چیزی به آن اختafe شود والا از آن سوءاستفاده می‌شود و فردا ممکن است کسی بگوید که مطابق این اصل دوم قانون اساسی، آزادی مطلق است و من هر کار می‌خواهم می‌کنم، بنابراین این عبارت محتاج به قید است. اشکال دیگر آفای بني صدر را در مرور قسط و عدل قبول دارم بخصوص که ما بعداً ممکن است اصل سومی بعنوان هدفهای دینی قانون اساسی ذکر نمی‌کنیم آنوقت قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی مربوط به هدف می‌شود و در اصل بعدی باید ذکر شود. ما اینجا در حقیقت جهان بینی اسلام را داریم ذکر نمی‌کنیم در آن اصل بعدی هدفها را ذکر نمی‌کنیم، بنابراین قسط و عدل هم باید به اصل بعدی برود. مطلب دیگری که دنبالش داریم «نقی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی» است مادر جلسه و کمیسیون خودمان اصرار داشتیم که از آن عبارتی که در آن پیش‌نویس سابق بود «نقی هرگونه سلطه جوئی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی» و خیلی عبارت روشنی بود و می‌فهماند که در هر قسمی ستم کردن و ستم کشی جایز نیست و سلطه جوئی جایز نیست، و خلاصه از آن عبارت که هم اصرح بود و هم اعم بود و بتام خصوصیات وافی بود، استفاده کنیم، زیرا ما چه داعی داریم بیائیم آنرا برداریم؟ برفرض هم اگر بخواهید ستمگری و ستمکشی را ذکر نمایید اما آنهم باید دنبالش ذکر شود «نقی هرگونه سلطه جوئی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی» که اینها خودش هر کدام یک مبحث است و چون استعمار در دنیای امروز اقسام مختلف دارد، ما این اقسام را باید تصریح کنیم، اینهم یک اشکال. اشکال دیگری که بنظرم آمده این است که خلاصه با اینکه مابا آفای بهشتی در کمیسیون بودیم ولی مع ذلک از این کلمه انقلابی من وحشت دارم برای اینکه از این لفظ سوءاستفاده نمی‌شود. بنظر من چون مابرخوردیم به افراد و دیدیم که یک قرآن و یک مفردات راغب می‌گذارد جلویش و درحالی که اصلاً بطالب ادبیات عرب هم هیچ وارد نیست، تامورده بیش می‌آید می‌گوید شما دگم هستید و شما متوجه هستید و ما انقلابی فکر می‌کنیم و هرجوری دلشان می‌خواهد آیه‌های قرآن را سنجش می‌کنند.

پس چه اشکالی دارد اینجوری بنویسیم «اجتهد زنده و مستمر متخصصان» یا بنویسیم «اجتهد زنده و مستمر در فهم کتاب و سنت بر مبنای تخصص یا متخصصان» که آن نهان نیست مسئله بر مبنای تخصص یا متخصصان باید باشد که بفهمانیم که اجتهد هم مثل سایر امور یک معنای تخصصی است همینطور که طبابت و دکتر در طب یا مشلاً مهندسی و سایر کارهای جزو امور تخصصی است و من که در امور طبابت وارد نیستم اگر بخواهم بیایم اظهار نظر کنم در مسائل پژوهشی شما همه بمن اعتراض می‌کنید که تحقق نداری در آن چیزی که متخصص نیستی اظهار نظر بکنی. همینطور در مسائل اجتهدی اسلامی که پایه‌های زیادی دارد و بسادی زیادی دارد، علم رجال می‌خواهد، علم در آیه می‌خواهد و به تفسیر بایستی خوب وارد باشد، تاریخ فقه، اقوال فقهاء، هم اقوال فقهای شیعه و هم اقوال فقهای اهل سنت، چون آنها هم دخالت دارد در نحوه استنباط و رأی دادن، باید چهل سال، پنجاه سال یک کسی در این رشته زحمت کشیده باشد تا بتواند در مسائل فقهی اظهار نظر بکند. خلاصه به یک مفردات راغب قرآن نمی‌شود فتوا داد. بنابراین نظر این متخصصان قطعاً باید بر مبنای تخصص باشد، من از این لفظ انقلابی اصلاح خوش نمایم، از انقلاب خوشم نمایم و از مجتهد انقلابی هم خوشم می‌آید اما فرق است بین مجتهد انقلابی و اجتهد انقلابی. آقایان می‌گویند



ما اجتهاد اقلابی داریم . مجتهد هر چقدر میخواهد اقلابی باشد علی عین ، ما مخلصش هستیم اما ، ما خیلی معنای اجتهاد اقلابی را نمی فهمیم ولی اگر بگوئیم «اجتهاد زنده» این به نظر من مطلب را بهتر می فهماند . اجتهاد زنده و مستمر در فهم کتاب و سنت بر مبنای تخصص ، استفاده کامل از علوم و فنون پیشرفتی و تجارب بشری . این قیدی که آقای موسوی تبریزی و آقای بهشتی گفته بـ نظر من هم اگر بگوئیم «بدون وابستگی به شرق و غرب» این یک قید لازمی است که باید باشد . عرض دیگری ندارم .

مقدم مواغه‌ای — من یک تذکر آئین نامه‌ای دارم . اولاً من نوبت گرفته بودم که صحبت کنم ولی متأسفانه هنوز این اجازه داده نشده ، بعلاوه قرار بود هر اصلی که مطرح میشود یک موافق و یک مخالف صحبت کنند در حالیکه این موضوع هم رعایت نشده است .

دکتر بهشتی — آقای مقدم فقط غفلت شده است در ثبت نام استان ، یعنی آقایان منشی ها ندیده اند و گرنه عمل همان آئین نامه اجرا شده است و موافق و مخالف صحبت کرده اند .

رئیس — آقای ربانی بفرمائید .

ربانی شیرازی — عرض میکنم در موقعیکه این مواد برسی میشند خود بنده هم نظام الهی را ترجیح میدام ولی دوستان با آن سابقه ذهنی که نظام الهی دارد و استعمالاتی که داشته آن استعمالات در گذشته مردم پسند نبوده است ، مخصوصاً در عالم مسیحیت . لذا ترجیح داده شد که نظام توحیدی باشد و این اشکال که لفظ مشترک است ، لفظ مشترک که وقتی که قرائی در کلام باشد دیگر آن قرائی لفظ مشترک را از فهم اشتراک بیرون میآورد . خوانده و قتنی ببیند می فهمد این توحیدی چه توحیدی است ، توحیدی است که دیگران میگویند یا توحیدی است که برپایه حاکمیت حق ، اعتقاد و ایمان به خدا ، انبیاء ، امامت ، معاد است این یک مسئله . مسئله دوم راجع به «آزادی مطلق» اگر با آن توضیحی که آقای بهشتی دادند که در برابر «جبر» است که آن اشکال پیش نمی آید و اگر آن چیزی باشد که من توضیح دادم که این آزادی برپایه یک امر طبیعی است یعنی اختیار و آزادی یک انسان است ، با قید و با جمله بعدی و با پایه بعدی آن چیزی که منظور آفایان است تأمین میشود . چون که بعد از آن نوشته شده «مسئلیت انسان» و اگر قید مسئلیت در مقام آمد ، دیگر آن آزادی بی بند و بار وجود پیدا نمیکند ، آزادی بی بند و بار یعنی آزادی غیر مسئول ، ما در پایه بعدی قید کردیم «مسئلیت انسان» . راجع به سلطه های متعددی که بیان کردند وقتی ما می گوئیم «نقی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی» دیگر سلطه ها کجا جا دارد ؟ نقی کامل ، جمله این است «نقی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی» . (یکی از نمایندگان — البته نقی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی داخلی و خارجی) بـی داخلی و خارجی ، این دیگر با قبول سلطه جور در نمی آید که یک کسی بخواهد نقی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی بکند و زیر بار سلطه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هم برود . این بود توضیح بنده که عرض کردم .

رئیس — اینجا آقای صافی در تأیید نظر حضرت آیت الله حائری نوشته اند که عبارت «اجتهاد اقلابی» به این گونه اصلاح شود که ضمناً نقش اقلابی مذهب شیعه و تداوم آن در مرور اعصار معلوم شود «استمرار اجتهاد و استباط احکام شرع از کتاب و سنت و احادیث ائمه طاهرين علیهم السلام» . آقای اشراقی مرقوم فرموده اند که ممکن است که به هر مجتهد کامل ایراد کنند



که مختصص نیستی و لجاجت نمایند، بنابراین اینطور نوشته شود: «مجتهد آگاه به امور زمان و جهانی». آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — از آقایان منشی‌ها خواهش می‌کنم اسمی کسانیکه نوبت می‌گیرند، درست بنویسند و نوبت‌ها دقیقاً رعایت شود تا کسی به عنوان مخالف نگوید که از بیان من جلوگیری می‌شود. از جناب مراغه‌ای هم تقاضا می‌کنم اول سؤال بفرمایند که امسان در نوبت مُنظور شده است یا خیر. اگر مُنظور نشده آنوقت تذکر بدهند.

رئیس — امسان اینجا هست لکن هنوز نوبت ایشان نرسیده بود. الان نوبت ایشان است. آقای مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — بسم الله الرحمن الرحيم. البته اینطور هم که آقایان فکر می‌کنند بنده مخالف هم نیستم، فقط خواستم تذکری عرض کنم و اگر نظر مخالفی هم داشته باشم از نظر روش تنظیم اصول زیر است زیرا اصول قانون اساسی برای امروز نیست، برای خواص نیست، برای توده‌های مردم است برای اینکه همه مردم آگاه باشند، برایشان روش باشد و صراحت داشته باشد و الان می‌بینید آقایان اهل اصطلاح هستند و بنده هم نه به‌اندازه آقایان ولی تاحدودی وارد هستم، اما می‌بینم که واقعاً این مطالب را درک نمی‌کنم و در خود آقایان هم می‌بینید که اختلاف نظر هست و به‌این جهت که این اصول صدتاً مشابه هم دارد. طبق دستور مقام ریاست چون نمی‌خواهم وقت را بگیرم خواستم پیشنهاد کنم این اصول در مقدمه جمع‌آوری بشود یعنی بیان مطالب بیاید در مقدمه، البته اصل اول را هم شامل همین میدانستم ولی به‌احترام نام امام بنده آنرا آنچا ذکر نکرم ولی این را می‌خواستم ذکر کنم که این اصول به‌این ترتیب باعث ایجاد ابهام خواهد شد. شما الان را در نظر نگیرید بلکه بیست سال دیگر سی سال دیگر یک یک این لغات و کلمات مورد تعبیر و تفسیر واقع می‌شود به‌این جهت است که خواستم برای جلوگیری از این مطالب واينگونه بپیش آمد ها این را ذکر کرده باشم. مطلب دیگری که خواستم عرض کنم راجح به‌گزارش همکاریست، که البته جلسه اول است و ناقص زیاد است بنده ذکر نمی‌کنم مثل این اینجا خود آفای مکارم ملاحظه فرمودند متونی که اینجا توزیع شده با این متنی که در اختیار من است کاملاً مغایر است و پاره‌ای ناقص دارد، مثل مطلب «آزادی و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش» در این متنی که در پیش بنده هست وجود ندارد و یا مثل مطلب «اجتهاد انقلابی و پویای مختصصان» یا «مستمر مختصصان» وجود ندارد، به‌این جهت خواستم خواهش کنم یک ترتیبی داده شود که این اشکال پیش نیاید.

دکتر بهشتی — آقای مراغه‌ای، اجازه بفرمائید من توضیح بدهم، چون این حرفهای شما منتشر می‌شود و این مطالب شما برای شنوندگان رسا نیست. ما یک طرح قبلاً داشتیم بعنوان طرح گروه اول که تکثیر کردیم، که قبل از برنامه دیروز بود و اینهم که حضرت‌عالی ملاحظه می‌فرمائید آن طرح قبلی است. یک طرحی هم امروز داریم که بالایش نوشته شده دستور جلسه یکشنبه، حال آیا این دستور جلسه به‌جناح‌الی داده نشده است؟

مقدم مراغه‌ای — چرا داده‌اند.

دکتر بهشتی — پس داده‌اند، جناح‌الی در انتخابش اشتباہ کرده‌اید.

مراغه‌ای — بلی کاملاً صحیح است، به‌هرحال بنده بیشتر از این وقت مجلس را نمی‌گیرم



فقط می خواستم نکته ای را عرض کنم مثلا در همین گزارش گروه چهار که توزیع شده در آن متوجه که الان بدست خود ما رسیده بند دیدم قسمت هائی هست که خودم اطلاع نداشت و این را خواستم عرض کنم که ترتیبی باشد که در گزارش گروهها، نظرات مختلف منعکس باشد که واقعاً فرصت و امکان اینکه در آن بررسی بشود موجود باشد البته جلسه اول بود استدعا می کنم هیأت هماهنگی یک ترتیبی بدهند که ما را از این سرگردانی که فقط یک متن جلوی ما باشد رها سازند.

رئیس - آقای بهشتی اگر توضیحی دارید بفرمائید.

دکتر بهشتی - چند توضیح دارم اول شروع کنم از مطلبی که آقای مراغه‌ای بیان کردن و توجه ایشان و دوستان را جلب می کنم به این نکته، همانظور که مسبوق هستید دیروز پس از اینکه گزارش گروه اول برای اطلاع نمایندگان تکثیر شده اعضای گروه اول در همه گروههای دیگر شرکت کردند، یعنی یک یا دونفر از گروه اول به هر گروه رفته و در آنجا نظرهای گوناگون مورد بحث قرار گرفت، آنچه انجام نگرفته و بیشنده بیشود که انجام بگیرد این است که نظرهای گروههای گوناگون را که بدست شورای هماهنگی میرسد به گروههای دیگرهم بدهند و تکثیر کنند که در اختیار آنها باشد. این یک توضیحی بود که چه کاری انجام گرفته و چه کاری باید انجام بگیرد. برگردام بتوضیح مطلبی درباره اصل بیشنهدادی گروه اول، و اما توضیحات درباره توحید، علاوه بر آنچه آقای ربانی توضیح دادند این نظر را توضیح میدهم که درگروه هم بطرح شد.

توحید پایه نظام اسلام است، صفت بارز نظام اسلام است، اساس دعوت انبیاء است. از نظر قرآن ما نمی توانیم به آسانی و به صرف بودن برخی از شائبه های ضعیف و زود گذر از یک وصف تاریخی چهارده قرنی آئین و نظم امان صرف نظر بکنیم حالا راجع به قرآن عرض می کنم والا نظام توحیدی از ابراهیم بلکه بگوئید از انبیاء پیش از او سلام الله علیهم اجمعین وقتی لا اله الا الله شعار اصلی اسلام است وقتی توحید پایه اصلی همه مسائل بعدی است یعنی وقتی اصول دین را هم می گوئیم، باز می گوئیم توحید پایه اصول دیگر است. ماروا نمیدانستیم و حالا هم نمیدانیم که از یک چنین ویژگی به این آسانی صرف نظر کنیم، هر تعبیر دیگری انتخاب کنیم این ویژگی را با صراحة بیانگر نیست.

رئیس - ایمان بخدای یکتا بعدش هست.

دکتر بهشتی - دوم درباره تسلیم و اسلام که آقای منتظری بیان فرمودند بنظرما وقتی نوشتم منحصر کردن حاکمیت در خداوند متعال، این هم معناش همان تسلیم در برابر اوست وقتی بیک حاکمیت است پس جز او حاکمیتی نمی شناسیم این بیان رسائی است برای تسلیم، در عین حال آگرا حساس می شود که تصریحی می خواهد بشکلی تصریح و تکمیل بشود. درباره آزادی بار دیگر این اصل را تأکید می کنیم، آقا مگرنه این است که مابر حسب تعلیم قرآن و اسلام می گوییم آن کسی هم که معصیت می کند فرمان خدا را یعنی حدود خدا را از ازادانه رعایت نمی کند، این آزادی که معصیت می کند فرمان خدا را یعنی حدود خدا را از ازادانه رعایت بمعنای بی بندوباری نیست، مفید این معنی هم نیست و همانظور که آقای ربانی یادآوری کردن تصویری به مسئولیت و آنچه بدبالش آمده، نفی هرگونه ابهام را در این زمینه می کند. آنچه مهم است این است که آنچه انسان اطاعت می کند، آزاد است، معصیت می کند آزاد است، و برطبق قانون



عمل میکند، آزاد است و برخلاف قانون عمل میکند آزادانه خلاف قانون میکند. به همین دلیل در این دنیا و آن دنیاستولیت و کیفر دارد. و اما مساله اقلایی بودن اجتهاد، دوستان، ما برداشتمن این است که کسانی که بطبق آن چیزهایی که معمولاً در کتب اصول بعنوان شرایط اجتهاد ذکرمیکنیم، می‌گوئیم مجتهد و صاحبنتظر و دارای حق رأی و فتوا هستند و می‌پینیم که رأی وقتوا هم دارند، ما می‌پینیم برخورد اینها با مسائل اسلام و متابع فهم اسلام، دونوع برخورد است. ما اینطور فکری کنیم و معتقدیم که اسلام از روز اول یک انقلاب بود و باید همچنان بعنوان یک آئین اقلایی تا ابد بماند. برای درک یک آئین اقلایی، روحیه اقلایی لازم است عرض ما این است و روی این تکیه داریم، می‌گوئیم فردی که روحیه اقلایی تدارد وضع نفس دارد، محافظه کار بار آمده است اگر تمام ویژگیهای دیگری راهم که در کتاب‌ها برای مجتهد می‌شماریم دارا باشد، در فهم بعد اقلایی اسلام توانائی کافی نخواهد داشت و در حقیقت با صراحت اینطور بگوییم برای اینکه یک مجتهد، مجتهدی باشد واجد شرایط، می‌خواهیم یک شرط اضافه کنم و بگوییم که مجتهد باید دارای روحیه اقلایی باشد تا درست مجتهد باشد این قیدی است که ما بعنوان یک بینا برای اصول الفقه پیشنهاد میکنیم.

رئیس — اینجا آقای دکتر روحانی پیشنهاد کردند بنویسیم «اجتهاد مستمر متخصصان زبان و آگاه در فهم کتاب و سنت». آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — ما از حدود و روش آئین نامه خارج شده‌ایم . قرار یوده که از هرگروه دونفر صحبت کنند ولی الان عملاً اینطور نیست. اگر بنا بشد هرگروهی وقتی اشکالی می‌پیند بگوید و گروه اول هم دفاع کند، این ایجاد اشکال خواهد کرد و جلسات ما هم طولانی و زیاد می‌شود. اگرما روزی یک ماده تصویب بکیم با توجه به اینکه یکصد وینجا ماده پیش یافته، بنابراین جلسات محدود پنج ماه طول خواهد کشید و این علاوه بر اینکه برخلاف روش آئین نامه است، صحیح هم نیست.

رئیس — آقای سبحانی فرمایش دارید بفرمائید.

سبحانی — بسم الله الرحمن الرحيم. من یک پیشنهاد دارم و چند تذکر عبارتی، پیشنهاد من این است که ما اصول کلی برای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بنویسیم یعنی در واقع میخواهیم قانون اساسی برای حکومت جمهوری اسلامی بنویسیم در اینجا آوردن عقاید اسلامی، اعتقاد بوجود خدا، وحدانیت خدا، صفات خدا و مسائل نبوت لزومی ندارد. یک موقع ما میخواهیم برای جوانان کتاب عقیدتی بنویسیم که از اول تا آخر عقایدمان این است یک موقع نه، میخواهیم برای حکومت اسلامی اصولی تدوین کنیم. در اینجا اگر بینا باشد اینهارا متنذکر بشویم با یک کلمه خیلی کوتاه، این درواقع شبیه همان کتابهای عقیدتی است که اول یک مشت عقاید می‌نویسد و بعد هم اصول فرضیه و عملیه می‌نویسد. بنظر من این اصول اولیه در عین حالیکه تمامش محترم است و همه‌اش را اعتقاد داریم حالا وجودش لازم است یا لازم نیست ظاهراً لازم نیست، فقط اکتفا کنیم به آن اصول زنده چشمگیر اسلام در مسائل اقتصادی و اجتماعی و عدالتی و تربیتی. اینها را یک مقدار بیاوریم اول و اگر بنا بشد اشاره به آنها بکنیم، بگوئیم پس از اعتقاد به خدا با یک کلمه رهگذر، آن موقع بقیه دیگر اشکالی ندارد. این پیشنهاد من است و اما برفرض اینکه اصلاحاتی لازم است، در آنجاداریم اعتقاد به معادد را اینجا باید یک کلمه اعتقاد به امامت و رهبری اضافه شود که جمله متسجم گردد. یکی دیگر هم



همانطور که آقایان فرموده‌اند از بکار بردن الفاظی که ممکن است در آینده جور دیگر تفسیر و تعبیر کنند خودداری کنیم. این امامت و رهبری مستمر، خوب یک تفسیر دیگر هم در نظر بعضی از فرقه‌ها دارد که در دوران غیبت، امامت در افراد دیگر هم به صورت رکنی موجود است، باید طوری باشد که اینها توانند این جمله را بر آن مسائل رکنی تطبیق کنند، اگر هم باشد به قیدش منطبق بشود یعنی به همان عقیده مشهوری که ما داریم یعنی عقیده صحیحی که ما داریم، و همچنین در مسأله کرامت و ارزش الای انسان باید احیای کرامت و ارزش یا مثلاً تعییری که خلاصه جمله‌ها را منسجم کند بیاوریم، مثلاً پژوهش کرامت و ارزش احیاء را هم بیاوریم والا جمله‌ها انسجامی نخواهد داشت. در مسأله قسط و عدل اجتماعی هم اقامه لازم است یعنی اقامه قسط و عدل اجتماعی، والا قسط و عدل اجتماعی منسجم نخواهد بود. در این جمله «مسئلیت انسان و جهاد او در راه تکامل خود و دیگران» این مثل اینکه منظور اصل اسریه معروف و نهی ازنکر است، اگر منظور آن باشد در اینجا مبارزه با فساد و طاغوت و منکرهای منعکس نیست فقط جنبه‌های معروفی آن منعکس است و اگر همان تعییر اسلامی را بیاوریم روشنتر و واضح‌تر خواهد بود. مطلب دیگری که هست مسأله اجتهاد اقلابی است، خوب ما از زمان شیخ طوسی تا به حال یک اجتهاد مستمر داریم، قبلش هم بود از زمان امام صادق(ع) اجتهاد بود بلکه از زمان پیغمبر(ص) هم بود خوب، اگر بهما بگویند نمونه‌هایی در این چهارده قرن و در هر قرنی ده تا نمونه باید نشان بدھید، چه رقم می‌توانیم نشان دهیم؟ اجتهاد بر دو قسم است یا صحیح است یا باطل، اما اجتهاد اقلابی و غیر اقلابی چه معنی دارد؟ اگر اجتهاد مطابق موازين قرآن و کتاب و سنت باشد این اجتهاد است، اگر نیست باطل است. بنابراین تقسیم اجتهاد به اقلاب و غیر اقلاب صحیح نیست. تقسیم اجتهاد به صحیح و باطل هست ولی اقلابی و غیر اقلابی خیر. یک مسأله‌ای آقای بهشتی در مورد علامه حلی فرمودند درباره مسأله آب چاه «ماء‌البئر»، آن درست است ولی آن تفسیری که در مورد اجتهاد اقلابی میفرمائید درست نیست، آن معنايش این است که با دید وسیع، و با بیشن وسیع تحت تأثیر محیط واقع نشود البته اینها صحیح است ولی اقلابی که شما به دنبالش هستید در اجتهاد علامه وجود ندارد. در فهم کتاب و سنت از نظر ما یکی از پایه‌ها عدل است، زیرا عدل یکی از پایه‌های اجتهاد است. اجماع را ممکن است به سنت برگردانیم. اما عدل را نمی‌شود به سنت و به کتاب برگرداند آن که رزرو نشده است. در پیش‌نویس سابق استفاده کامل از علوم و فنون وجود نداشت، بلکه در آن پیش‌نویسی که در اختیار ما بود، یک کلمه سودمند داشت. این در حقیقت اصلاحات من بود ولی پیشنهاد من از این اصلاحات بنظر مهمتر است و آن اینست که اصول اولیه که مربوط به مجموع جهان اسلام است در اینجا گفته نشود. آقای بنی صدر یادداشتی برای پنده فرستاده‌اند و نوشته‌اند که درباره قرض‌های بانکی، رأی به جواز ربا، چه نوع اجتهادی است؟ نظر ایشان این است که بعضی‌ها که این قرض‌ها را از بانک میگیرند این مسأله را تجویز میکنند آیا این اجتهاد است؟ ریا که میدانیم حرام است چه از دولت قرض کنیم و چه از فرد، ریا در حقیقت یک عنصر فاسدی است برای اقتصاد، این چه نوع اجتهادی است؟ مثلاً می‌توانیم بگوئیم اجتهاد اقلابی است؟ البته این مسأله مربوط به رشته تخصصی آقای بنی صدر است ولی آنچه مربوط به من است باید به عرض برسانم در طول تاریخ اسلام اجتهاد اقلابی به آن صورت که فرمودند، از زمان شیخ، از زمان این‌بابویه، از زمان کلینی به‌این‌طرف حرف



بوده و عمل نبوده است متشکرم.

وئیس — اینجا دو سه تا پیشنهاد هست یکی «اجتهاد اقلابی و پویای متخصصان»، آقای حسینی پیشنهاد کرده‌اند که بنویسیم «متخصصان با تقوا»، یکی هم آقای قائمی پیشنهاد کرده‌اند که برای رفع هرگونه ابهام کمیسیونی سرکب از نمایندگان انتخاب و مأمور شوند برای لغات و اصطلاحات پکار برده شده در قانون اساسی، توضیح و معنی آنها را بنویسنده و به عبارت دیگر قاموس قانون اساسی تدوین و تهیه و ضمیمه شود. اینجا به آقای سبحانی عرض کنم که ایشان فرمودند که ما اینجا مگر اصول دین مبنی‌بیسیم، این معمول است که چون قانون اساسی ما بر حسب مکتب اسلام است ما بایستی ایدئولوژی اسلامی خودمان را که زیربنای همه قوانینمان هست اینجا اجمالاً ذکر کنیم و این در دنیا معمول است. مثلاً وقتی که کمونیست‌ها بیخواهند قانون بنویسند در مکتب خودشان براساس مارکسیسم و لنینیسم و یا براساس ماتریالیسم دیالکتیک می‌نویسند خلاصه جهان‌بینی و ایدئولوژی خودشان را ذکر می‌کنند. پس بنابراین ما جهان‌بینی اسلامی خودمان را باید ذکر بکنیم که اصول دین باشد و بگوئیم که احکام اسلامی ما براین پایه است خلاصه از اساس محکم و متقن باشد. ما هم جهان‌بینی و هم هدف را باید ذکر کنیم، آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی‌نژاد — بسم الله الرحمن الرحيم. مسائلی که دولت‌نامان در صحبت‌های چند دقیقه قبل فرمودند من اینها را حذف می‌کنم یعنی این مطلب را که اکثر آقایان اظهار داشتندو گروه اول مرتب توضیح دادند که برداشتمان این است و جناب آقای بهشتی فرمودند، در زمینه گوهر اسلامی منظور ما این است زیرا باید توجه به مردمائید که ما داریم اینجا قانون اساسی می‌نویسیم و فرد ای خواهیم بفرستیم به روستاها و روستائی این را ببیند و بخواند و براساس این رأی بدهد، بنابراین باید از پکار بردن الفاظی که نیاز دارد یکنفر توضیح دهنده کنارش باشد و برای افراد توضیح بدهد، بر کنار بمانیم. این یک تذکر ولذا همان جائی که می‌گویند «گوهرهای انسانی»، من در کمیسیون هم پیشنهاد کرده‌بودم که به جای آن بنویسیم «پرورش استعدادهای انسانها» و این چیزی است که برای روستائی هم قابل توجیه است، چرا کلمه گوهر بکار بریم که ممکن است از دید جمعی خوب باشد ولی نیاز دارد که مفسری در کنارش بساشد؟ واپسکه مسئله توحید را برادرانمان رویش تکیه کردن و جناب آقای دکتر بهشتی هم توضیح دادند که کلمه توحید یک مبنای اسلامی دارد و آن درجایی است که نظام در قبلش نباشد، در اینجا که نظام توحیدی آمده، ومن رویش نمی‌خواهم حساسیت نشان بدhem ولی اجازه بدھید این اطلاعی را که دارم بدhem که مطمئناً جمعی از آقایان هم مطلع هستند که از حدودشاید یکی دولت‌سال قبل کسانی بخطار اینکه آنچه که بیخواستند در جوامعه‌ها مورد قبول قرار بگیرد، نشستند و تصمیم گرفتند تعبیرشان را عوض کنند و اسمش را بگذارند نظام توحیدی . بنابراین اگر می‌فرمائید که این اصل مال ماست، بسیار خوب ولی این را قرآن دارد «لتقولوا رارعن و قولوا انفرنا» من نمی‌خواهیم دستان را تعریف کنم خودتان بهتر از من میدانید وقتی بحضرت پیغمبر (ص) گفتند که از راعتنا قومی سوء استفاده کردند ، دستور آمد راعنا نگوئید یک جمله‌ای بگوئید که دو پهلو نباشد . بنابراین تقاضا می‌کنم چون قانون اساسی است فردا می‌خواهد دست روستائی بزود ، نه تنها در سطح داخل بلکه به خارج از کشور هم بیزود ، همانطور که جناب سبحانی هم فرمودند این چیزها مورد نیاز قانون اساسی ما نیست، شرق و غرب الان چشم دوخته‌اند



بینند محصول این مجلس خبرگان چه خواهد بود و آن چیزی که نظام جمهوری اسلامی بعداز اینهمه تحمل وقداً کاری ارائه می‌کند چه خواهد بود. بنابراین حساب‌بکنید که اینجا ایران است و برای ایران قانون مینویسید اصول و مبانی وجهان یعنی مان بناگفته جناب دکتر بهشتی باید در اینجا منعکس شود، تا در آمریکا هم وقتی این بازرسی‌شود و خوانده می‌شود کاملاً دیگران بداند که انقلاب ما برچه پایه‌ای است وجهان یعنی ما چه نوع جهان یعنی است. در مساله «اجتهاد انقلابی پوپیا» من حق را بهم برادرانم میدهم که رویش تکیه کردند مطلبی که اینجا در طرحش مامرت نیازداریم رویش صحبت کنیم ولی نمیتوانیم معیار نشان دهیم معیارهایی است که چه بسا خودمان می‌فهمیم خیلی خوب هم این را درک می‌کنیم مشلاً اجتهاد، انقلابی دارد وغیر انقلابی، تمام مجتهدهین از دیدگاه ما محترم هستند این یک مسئله است و اگر مجتهدهی مطلبی را بهم بخواهد خلاف عدالت اوست. باید آنچه را که می‌فهمد بگوید ولی فرق است بین دوگروه، آن گروهی که شرایط زمان را بخوبی درک می‌کند و آن گروهی که درک نمی‌کند ولی مقصرا نیست، اینها عظمت‌شان فوق آیات متشابه قرآن که نیست، آیات متشابه قرآن بخودی خود بدرد عمل نمی‌خورد ولی بالای سرماجای دارد زیرا وحی الهی است و متشابه را باید برگرداند به محکمات تابشود در عمل پیاده بشود، یعنی از آن حالت متشابه پرون یاید. مادر ابتدای این انقلاب دیدیم که فقهائی بودند عالیقدر که فتواشان مورد احترام است ولی نظرشان این بود که بانوان گرامی و خانمها در ظاهرات شرکت نکنند و نباید بکنند و مقابلاً رهبر انقلاب رویش تکیه‌داشت (کرمی) – آقا این حرفاها جایش اینجا نیست) اجازه بفرمایید عرضم را تمام کنم. در این مرحله من پیشنهاد می‌کنم این دوتا کلمه هم «انقلابی» و «پوپیا» حذف شود و این سروصدا بنظر من یک مقدار تأثیر ناشی از کسانی است که توضیح در این زمینه در کمیسیون برای ما دادند ولی اینجا توضیح ندادند. هدف ازیان این ماده در اینجا این بود که فقط بگویند در مکتب تشیع، اجتهاد زنده است و مجتهده متناسب با شرایط زمان، حوادث واقعه و نیازهای روز را با توجه به کلیات اسلام استنباط می‌کند. در کمیسیون برای ما توضیح دادند که هدف از آوردن این ماده این بوده است، خوب اگر این است بنابراین نیازی نداریم که لنظی بیاوریم که نسی توافقیم معیار برایش تعین کنیم، کافی است که بتویسیم ما اجتهاد را زنده میدانیم و رهبران زنده جامعه با توجه به کلیات و اصول و مبانی اسلامی حوادث روز که محور اصلی اجتهاد اینهاست و نیازهای جامعه را استنباط می‌کنند و در اختیار افراد جامعه قرار میدهند، عمدۀ ناراحتی‌ها از اینجا ناشی شده عرض من همین بود والسلام.

رئیس – اینجا دو سه ناتذکر کوچک رسیده، آقای طاهری اصفهانی پیشنهاد کرده‌اند که هر روزی دو ساعت صبح کمیسیونی مرکب از نمایندگان گروه‌ها تشکیل شود و یک هماهنگی در نظرات بوجود آورند و سپس آخرین نظرات را نوشته و توزیع نموده و در جلسه عمومی روی نظرات رأی‌گیری شود. این تذکر خوبی است و باید عملی شود تا جلو پیشرفت کارمن را نگیرد چون میدانیم که روز اول کارمن و شروع کار است امیدواریم انشاء الله بتدریج کارها منظم تر و مرتب ترشود. پیشنهادی از آقای رشیدیان رسیده است که قرائت می‌شود:

دخلات زنان در ظاهرات و انتخابات چه نوع اجتهادی است؟

این انقلاب از نماز واجب تر است (امام خمینی) چه نوع اجتهادیست؟

نماز در خیابانها و نماز انقلابی چه نوع اجتهادی است؟



رئیس — درحقیقت میخواهند بفرمایند اجتهاد دونوع دارد، انتلایی وغیر اقلایی
خانم گرجی هم پیشنهادی داده‌اند که قرائت میشود:

بعداز ذکرپایه‌های پنج گانه عبارت اینگونه باشد:

باتکیه برکرامت و ارزش...

و آزادی و اختیار...

و برقاری قسط...

و مسئولیت...

و اجتهاد زنده و مستمر در فهم کتاب و سنت.

رئیس — آقایانی که وقت گرفته‌اند برای صحبت خیلی زیاد هستند فعل نفر اول آقای موسوی اردبیلی تشریف بیاورند.

موسوی اردبیلی — بسم الله الرحمن الرحيم. من درآن اوایل نوبت گرفتم و فکر میکردم مثلاً نوبت من اول یا دوم است ولی مثل اینکه آقایان از ما خیلی زرنگتر بودند و خیلی جلوتر. بعنهایی که من درنظر داشتم بگوییم آن بعثها را نوعاً آقایان فرمودند و استفاده کردیم جوابها یش هم گفته شد من دیگرا زان بعثها صرف نظر میکنم و راجع به ما هیئت اصل دوم نمیخواهم مزاحمتان بشوم. مطلبی که میخواستم من عرض کنم مثل اینکه قبل هم یک تذکری داده شد. اگر قرار یابش دوچیزه این مجلس به این منوال بگذرد فکر میکنم آقایانی که اینجا تشریف دارند هیچکدام اشان از وضع مجلس راضی نباشد، اولاً کار ما برخلاف آئین نامه است، آئین نامه‌ای که خودمان نوشتم و تصویب کردیم. باید یک نظمی به مجلس داده شود. من بهم خود امروز از همه صحبت‌ها استفاده کردم، هم حرف‌هایی که گفته شد و اعتراض‌هایی که شد و هم جوابهایی که داده شد اما این سبک بعث که در هر کلمه آن‌هم مکرر بحث بشود بعد هم ملزم بشوند ازان دفاع کنند، صحیح نیست. اگر آقایان صلاح میدانند از فدا پیشنهاد اتی هم که داده می‌شود دریرون جلسه بررسی شود. جناب آقای متظیری هم در وسط این سخنرانی‌ها میفرمایند و سه تا پیشنهاد کوچک آمده و از همانجا از رو میخوانند و هوا میشود میزود.

کرمی — هوا نمیشود آقا، این صحبت‌ها چیست؟

موسوی اردبیلی — اجازه بفرمایید اگر مطلبی دارید نوبت بگیرید و تشریف بیاورید اینجا بیان کنید. بعد هم اگر هوا نشد دتا بیست تا، سی تا پیشنهاد است برای هر کدام بخواهند یک رأی بگیرند اینکه نمیشود. در اینجا آقایان اصولی را که میخواهد مطرح بشود این اصول رانصف روز قبل بما میدهنند ما مطالعه میکنیم آنچنان هم اینها مشکل نیست که ما مطالعه کنیم و فهمیم تازه اگریک جایش، دوجایش مبهم بود، مراجعته میکنیم به آن کمیسیونی که این اصل را تنظیم کرده، یا می‌پسندیم یا نمی‌پسندیم. اگر می‌پسندیم بسیار خوب، اگر نمی‌پسندیم یک اصل دیگری با شکلی که خودمان قبول داریم تنظیم میکنیم، این، این جوری نوشته شده و فردا که آقایان می‌آینند اینجا، یک صورت یا دو صورت یا سه صورت از اصول مطالعه شده را در اینجا میخوانند و اگر احتیاج به توضیحی باشد یکنفر می‌آید توضیح میدهد و یکنفر هم جواب میدهد بعد هم رأی میگیرند. من نمی‌خواهم بگوییم آن صورتی که تنظیم شده و در اینجا نوشته شده، دیگر هیچ اشکالی ندارد اما خیلی بهتر از این وضعی است که ما امروز داشتیم. کلمه «نظام توحیدی» چند بار گفته شد؟ و چند بار جواب داده شد؟ در هر کمیسیون روی این کلمات بحث شده بود، اجتهاد



انقلابی اجتهاد پویا، گوهر انسان، ارزش انسان، همه اینها دیروز وقت جلسه ما را گرفت امروز هم همین جور بود، بعدهم آگر وقت بود یک ساعت دو ساعت روی این کلمات بحث میشد ولی بهین ترتیب بجائی نمیرسد. اگر آفایان هیأت‌رئیسه می‌پسندند این آئین نامه را انجام بدنهن و برطبق همین آئین نامه ما میخوانیم اگرآشتباهی داریم یا ابهامی هست مراجعته میکنیم یا می‌پسندیم و همان را میگذاریم یا نمی‌پسندیم و کمیسیون با نظر آکثریت یک صورتی را تهیه می‌کند فردا هم یکنفر یا دونفر از هر کمیسیون بیایند و دفاع کنند، زیرا آنوقتی که این اصول تنظیم میشد قرار براین بود که یکنفر یا دونفر دفاع کنند، آنهم یکبار یا دو بار ولی امروز راجع به هر کلمه چند بار دفاع شد و چند بار گفته شد و وقت هم گذشت والآن هم وقت نماز است. امروز که این چنین بود من تذکر میدهم که طبق آئین نامه عمل کنید والا اینجاور وقت گرفته میشود و نتیجه هم ندارد.

رئیس — آفایان اجازه بفرمایید یادداشتی هم آفای باهنر بصورت استیضاح فرستاده‌اند که عیناً قرائت میکننم.

معلوم شد:

اولاً — نمایندگان گروه اول نتوانستند دیگر گروهها را درست توجیه کنند و از کجا که دیگر گروهها همچنین نباشند.

ثانیاً — کارشورای هماهنگی و هیأت رئیسه در جمع آوری و ادغام نظرات و نزدیک کردن آنها ضعیف بوده است.

پس، دقیقاً باید نشست و طرحی برای رفع مشکلات بالا ریخت.

والله‌اعلم — که در کارگروههایی که از ریشه درهم ریخته است چه خواهد شد.

— پایان جلسه ۳ —

رئیس — حالا جلسه ختم میشود و امیدواریم که فردا کارها بهتر پیش بروند.

(جلسه ساعت نوزده و پنجماه دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — حسینعلی منتظری

جلسه دهم

صورت مشرح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت شانزده وسی دقیقه روز دوازدهم شهریورماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با یازدهم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمدحسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

- ۱- اعلام رسمیت جلسه.....
- ۲- ادامه بحث پیرامون اصل دوم پیش نویس قانون اساسی.....
- ۳- پایان جلسه.....





۱- اعلام رسیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. در این لحظه که نمایندگان در حال تشریف آوردن هستند جلسه باحضور پنجاه و دو نفر رسمی است. آقای منتظری بفرمائید.

منتظری - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحيم. قبل از اینکه جناب آقای بهشتی جلسه را اداره کنند، من یک تذکری به رسانه های گروهی دارم و آن این است که تقاضا میکنم که گفته های من در رسانه های گروهی منعکس شود. این آقایان توجه داشته باشند که سبک بحثهایی که در حوزه های علمیه معمول است، با سبک بحثهایی که در دانشگاه وجود دارد تفاوت دارد و ما خوشبختانه امروزه در روزنامه ها می بینیم که خیلی ها پیشنهاد میکنند که همان سبکی که در حوزه های علمیه متداول است، در دانشگاهها نیز پیاده شود. در حوزه های علمیه معمول است که یک مسأله مطرح میشود و افراد مختلف در آن مسأله اظهارنظر میکنند و همه کسانیکه اظهارنظر میکنند نه اینکه مراد این است که صدرصد صحیح است بلکه برای اینکه مسأله پخته شود و تمام حدود و جوانب آن رسیدگی شود و جنبه تقليدی نداشته باشد، بلکه تقارب افکار بشود و با برخورد افکار مختلف یک مسأله پخته و کاملی از آب درآید. بهمین جهت استاد مسأله ای را مطرح میکند و شاگرد ها اشکال میکنند و بعد استاد جواب میدهد و بعد شاگردان دیگر اشکال میکنند و بسیاری از نظرات جنبه پراتیک ندارد بلکه جنبه تئوری دارد و بعد نتیجه قطعی بصورت یک مسأله نوشته میشود. این سبکی است که در حوزه های علمیه متداول است و چون آقایان علمائی که در این مجلس خبرگان تشریف دارند، به سبک حوزه های علمیه آشنا هستند، بنابراین ممکن است مسأله ای را یک نفر عنوان کند بخارطا اینکه در اطرافش گفتگوشود و بعد دیگری عنوان اعتراض نکته ای را ذکرمی کند و باز دنبالش شخص دیگری نکته دیگری را ذکرمیکند که این تقریباً همان سبکی است که در حوزه های علمیه معمول است. آزآقایانیکه متصدی رسانه های گروهی هستند تقاضا میکنم اگر میخواهند صحبت های این جلسه را در خارج منعکس بکنند، بطور کامل منعکس کنند زیرا بعضی از نمایندگان گله کرده اند که کسی عنوان اشکال مطلبی را گفته است و این مطلب را در رسانه های گروهی منعکس کرده اند و جوابهاییکه دیگران به این اشکال داده اند منعکس نکرده اند و چه بسا مردم در خارج به اشتیاه بیفتند. بنابراین اگر بناست که صحبت های این جلسات منعکس شود، تمام صحبت های علمی اعم از سوال و جواب در خارج منعکس شود تا کسی به اشتیاه نیفتند. چون بعضی از نمایندگان اعتراض کرده بودند، من عنوان ریاست جلسه وظیفه داشتم این اعتراض نمایندگان را منعکس کنم و امیدوارم که از این به بعد وضع مجلس خبرگان مطابق نظر آقایان نمایندگان در رسانه های گروهی منعکس شود.



۴- ادامه بحث پیرامون اصل دوم پیش نویس قانون اساسی

نایب رئیس - آنون عده نمایندگان حاضر درجلسه به شصت و پنج نفر رسیده است و با میتوانیم با حضور عده بیشتری از نمایندگان کارمان را انجام دهیم.

دستورجلسه ادامه بحث وبرسی پیرامون اصل ۲ پیشنهادی گروه اول است که خدمت آقایان هست و اصل پیشنهادی به آن صورتی که از طرف گروه اول مطرح شده قرائت میشود:

اصل ۲- جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی برپایه:

- ایمان به خدای یکتا و عدل او در تکوین و تشریع و اختصاص حاکمیت و تشریع به او.

- اعتقاد به وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

- اعتقاد به معاد و نقش سازنده آن در تکامل انسان و التزام قلبی و عملی او به احکام و قوانین.

- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن بر تداوم اسلام انقلابی.

- کرامت و ارزش والای انسان و پرورش گوهر الهی نهفته در او.

- آزادی و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش.

- قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی و فنی کامل هر گونه ستمگری و ستمکشی.

- مسئولیت انسان و جهاد او در راه تکامل خود و دیگران.

- اجتهاد اقلابی و پویایی متخصصان در فهم کتاب و سنت.

- استفاده کامل از علوم و فنون پیشرفته و تجارت بشری.

دیروز پیرامون فرازهای مختلف این اصل پیشنهادی بحثهائی شد که نظرات گروهها تنظیم و تکثیر شد و خدمت دوستان داده شده است.

نظرات گروه شماره دو را که ملاحظه میفرمائید اصل پیشنهادی را به یک اصل فشرده تر و دارای چهار بند تبدیل کرده اند. گروه سه پیشنهاد کرده اند بعضی تعییرها اضافه شود و بعضی ها تعییر پیدا کند. گروه چهار بجای این اصل پیشنهادی، پیشنهاد جدیدی داده اند با برخی تغییرات. گروه پنج بجای اصل پیشنهادی، پیشنهادی داده اند که در صفحه دو ملاحظه میفرمائید. گروه شش هم پیشنهاد جدیدی داده اند و از گروه شش آقای غفوری، پیشنهادی داده اند که در صفحه دو ملاحظه میکنند.

گروه هفت پیشنهاد تازه ای داده بودند ولی باز پیشنهادشان را که در صفحه سه است تعییر داده اند و در صفحه الحاقی جداگانه خدمت همه نمایندگان هست.

یکی از نمایندگان - به همه نداده اند.

نایب رئیس - خیلی خوب می توانیم بخوانیم.

فاتحی - من با همان پیشنهاد اولی موافق هستم.

نایب رئیس - بله به استثنای آقای فاتحی که میفرمایند من با همان پیشنهاد قبلی موافق هستم در ادامه کارمان در مورد کسانی که نظر جزئی داده اند در هر فرازی که مطرح میکنم نظر اصلاحیشان را طرح خواهیم کرد. اگر نظر اصلاحی احتیاج به استدلال و توضیح خاصی داشته باشد، از نمایندگان گروه ها دعوت می کنیم که توضیح بدهند. ولی گروههایی که پیشنهاد جدید دارند خواهش میکنم با ترتیبی که صدا میکنم هر گروه یکنفر را که قبلاً انتخاب کرده است اینجا بفرستد و دلایل تعییر متن پیشنهادی گروه یک را به این متن، به صورت خیلی فشرده بیان



کند. لازم به تکرار نیست که بحثها باید بدون مقدمه و مؤخره و صرفاً در حدود متن دستورجلسه و در حد اعلای اختصار باشد. از نماینده گروه دو خواهش میکنم چون متن جدیدی پیشنهاد کردۀ اند برای توضیح تبدیل متن قبلی به متن پیشنهادی تشریف بیاورند. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. دوستان ما در گروه شماره‌دو عقیده‌شان بر این بود که اولاً ذکر تمام مواد اصول دین به صورت جداگانه لزومی ندارد و بیشود تمام اینها را جمع و جوهر کرد و به این صورت نوشت که «جمهوری اسلامی نظامی است الهی بر پایه عقاید اسلامی و کرامت و ارزش انسان به منظور رسیدن به اهداف زیر» بنابراین اصل دوم واصل سوم در هم ادغام میشود و آن اصول که پایه‌ذکر شده است، در یک جمله، همان جمله‌ای که جلوی چشم آقایان است، برپایه عقاید اسلامی «خلاصه شده است و آن چیزی که بعنوان اصل سه داده شده است آنهم بعنوان هدف در ذیل همین اصل نوشته میشود. این نظری است که دوستان ما در این گروه داشته‌اند و البته تغییراتی در همین جمله‌ها داده شده که اینها پیچیده و نامفهوم برای عموم بوده و به این جهت سبب شده است که در یک جمله همه را خلاصه کنند و اصل دو را به همین صورت خلاصه و تلقیق شده با اصل سه خدمت آقایان ارائه کنند. بنده چون خودم عضو گروه دو هستم یک نظری هم ضمیمه گروه داشتم آنرا هم اضافه می‌کنم و خلاصه اش این است که دیروز اشکالی به اصل دو شد که آن اشکال جواب داده نشد. اصل دو مرکب است از سه قسمت پایه‌ها و هدفها و روشها. همه اینها در اصل دو مخلوط شده است و آن قسمتی که مربوط به پایه است همان اصول اعتقادات اسلامی و آزادی بشر و کرامت انسان است و آن قسمتی که مربوط به روش است از استفاده از اجتهاد و استفاده کردن از علوم انسانی است و آن دو ترکیبی است از پایه‌ها و روشها و هدفها که باید کاملاً از هم تفکیک شود. و توضیحاتی که دیروز گروه یک برای دوستان ما دادند قانع کننده نبود. برای تفکیک اینها بهتر است که ما پایه و هدفها را از هم جدا کنیم و روش را هم جدا کنیم و ضمناً ما نمی‌خواهیم کتاب فاسقه بنویسیم.

نایب رئیس — آقای مکارم فقط درباره تبدیل توضیح بفرمائید. یعنی توضیح بفرمائید که علت تبدیل‌لها چیست؟

مکارم شیرازی — در تبدیل‌ها کلمه تشریع و کلمه تکوین و کلمه پویا و گوهر انسانی که جنبه فلسفی داشته است برداشته شد و همانطور که بعضی از آقایان گفتند، اینها الفاظ بیهمی است و بدرد کتاب فلسفه میخورد و بدرد قانونی که همه باید بفهمند، نمی‌خورد. و بعلاوه فردا در دبستان یا حافظ دبیرستان باید تدریس شود.

بنابراین همه الفاظ دویهلو و مبهم و نامفهوم در سطح عموم باید برداشته شود و بین آن سه جنبه هم تفکیک بشود، تا اینکه بصورت کاملی در بیاید. چون وقت کم است بیش از این دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس — ملاحظه میفرمائید که گروه دو براساس آنچه آقای مکارم توضیح دادند، خواسته‌اند بجای اصل دوم پیشنهادی گروه اول و اصل سوم پیشنهادی آقای دکتر غفوری اینطور نوشته شود «جمهوری اسلامی نظامی است الهی بر پایه عقاید اسلامی و کرامت و ارزش انسان به منظور رسیدن به اهداف زیر»



- ۱ - پرورش و تکامل انسانها در همه زمینه‌های مادی و معنوی و جهاد هر انسان در راه پیشرفت خود و دیگران.
 - ۲ - برقراری قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی و نفی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی.
 - ۳ - آزادی و استقلال انسانها.
 - ۴ - استناده کامل از تمام علوم و فنون گذشته و تجارب سودمند بشری در پرتو اجرای تعالیم اسلام.
- اینها بعنوان هدفها اعلام شده است و پایه بصورت فشرده عقاید اسلامی و کرامت و ارزش انسان.

گرومه هم توضیحاتی داده‌اند که در بررسی یکایک فرازها مطرح می‌کنیم. گروه‌چهار بجای اصل پیشنهادی، اصلی را پیشنهاد کردند که از نماینده‌آنان خواهش می‌کنم برای توضیح فشرده‌ای تشریف بیاورند. آقای یزدی بفرمائید.

بزدی - بسم الله الرحمن الرحيم. تصمیمی که در خدمت رفقا گرفته شده است این است که اصل پیشنهادی گروه اول عیناً مورد قبول است ولی فقط اصلاحاتی در آن انجام شده است. یکی کلمه توحید است که با توجه به مطلبی که دیروز بحث شد و نباید تکرار شود فقط به اینصورت دربیاید که جمهوری اسلامی نظامی است که باید بر پایه و مطالب زیر ذکر شود. مسأله دوم این بود که اگر قرار است به عدل اشاره شود باید شعاع عدل بطور وسیع بحث شود و اگر قرار است بطور کلی اشاره شود کافی است که گفته شود ایمان به خدای یکتای عادل یا خدای یکتا و عدل و مسأله تسلیم در برابر او باید اضافه شود برای اینکه روح اسلام را طبق آیه شریفه مسأله تسلیم نشان می‌دهد. موضوع دیگری که در خدمت رفقا تصمیم گرفته شد، مسأله قسط و عدل بود که در اینجا ذکر شده که در ردیف اهداف باید و چون اینجا بعنوان زیرینا و جهان‌بینی ذکر شده آن شیوه‌ای هم که آقای مکارم فرمودند، جواب داده شده است. از نظر ما و رفقاء ما جوابش همان بود که بحث شد که منظور از این اصل جهان‌بینی اسلام است و اگر جهان‌بینی باشد همه اینها تحت این عنوان می‌اید، متنها قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی به ردیف اهداف برود و در اصل سوم ذکر شود. مسأله دیگر این بود که درباره اجتهاد انقلابی که دیروز بطور مفصل بحث شد، گفته شود اجتهاد زنده و مستمر متخصصان در فهم کتاب و سنت پیغمبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و در پرانتز بعنوان توضیح اضافه شود «کتاب و سنت». در قسمت «استناده کامل از علوم و فنون» یک کلمه «سودمند» اضافه شود.

منتظری - بدون هیچ وابستگی هم دنبالش اضافه شود.

نایب رئیس - بلی آنهم اضافه می‌شود. در حقیقت کار گروه چهارم این بود که اصل پیشنهاد را با یک مقدار تغییرات پذیرفته‌اند ولی آقای منتظری بعنوان یک فرد از این گروه تذکرایی داشتند که جزوی است و در موقع تصویب هریند خدمتستان توضیح داده خواهد شد. گروه پنج طرح جدیدی پیشنهاد کرده که از نماینده گروه پنج خواهش می‌کنم برای توضیح دلیل تغییر این طرح به طرح جدید تشریف بیاورند. آقای مهندس سعایی بفرمائید.

مهندس سعایی - بسم الله الرحمن الرحيم. در پیشنهادی که در گروه پنج مطرح شد و تقریباً به تصویب همه رسید یعنی طبق نظر همه اعضای گروه پنج تهیه شد دونکته مورد نظر قرار گرفت یکی اینکه در قانون اساسی بطور کلی جای تفصیل و توضیح نیست زیرا قانون اساسی



بیشتر اصول کلی را بیان میکند و دوم اینکه در فصل کلیات و اهداف که فصل اول قانون اساسی است، مطالب باز هم باید کلی تر بیان شود و زیاد وارد جزئیات و تفصیلات نشود و بسیاری از تفصیلات و جزئیات که در فصل اهداف و کلیات گفته میشود، تفصیل آنها در اصول دیگر قانون اساسی میآید و در فصل مقدمه و اهداف بیشتر کلیات و اصولی ترین مطالب که جهان بینی و ایدئولوژی است که حاکم بر تدوین کنندگان این قانون اساسی بوده و یا آن دیشه حاکم بر ملت است، باید بطور مختصر و فشرده جمع آوری شود و در فصل مقدمه و کلیات میآید. به این جهت در فصل کلیات، اساسی ترین نکات ایدئولوژیکی و جهان بینی بطور فشرده ای باید بیان شود. نکته دوم اینکه ما در پیش نویس قانون اساسی که از قبل منتشر شده بود و در دست داشتیم همین اصل دو در آنجا بنحو فشرده تر و موجز تر مطالبی را که در اصل دویشنهادی گروه اول آورده شده، بیان کرده است که خیلی کلی تر و متابرات است و بهمین جهت ما اصل دو را که در پیش نویس قانون اساسی بود مبنای قرارداده و اصلاحاتی در آن انجام دادیم و چند لغتش را جایجا و یا عوض کردیم و به صورت آن اصلی درآمد که خدمتستان هست و میخوانید و اگر اجازه بد همین من هم یکدفعه بخوانم.

نایب رئیس — بلی بخوانید.

مهندس سعابی — پیشنهاد گروه پنج این است: «جمهوری اسلامی نظامی است مبتنی بر توحید و دیگر عقاید و اصول اسلامی با تکیه بر ارزش و کرامت انسان و مسئولیت او درباره خویش و جامعه و نقش بنیادی تقوی در رشد او و نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی داخلی و خارجی و ضرورت استفاده از دستاوردهای سودمند علوم و فرهنگ بشری با التزام به تعالیم حیات بخش اسلام». به نظر می رسد این چند جمله مجموعه تفکر تدوین کنندگان قانون اساسی را بیان می کند و در عین حال کلیت هم دارد و از اختصار و ایجاد هم برخوردار است بهمین جهت به نظر ما بجای اصل پیشنهادی گروه یک ماهمین چند سطر را بگذاریم.

نایب رئیس — آقای کرمی از گروه پنج در پیشنهاد اشان نوشته اند یا اصل سوم با اصلاحات موضوعی و خاصی که اینجا نوشته اند مطرح شود یا بر طبق آنچه گروه پنج پیشنهاد کرده ولی با بعضی تغییرات که آن تغییرات را بعد امّاً موقعي که خواستیم آنرا مطرح کنیم خودشان توضیح خواهند داد.

کرمی — آن چیزی که جناب آقای سعابی گفته اند هدف بنده است ولی آنچه که گروه اول تصویب کردند با آن یادداشتھائی که بنده داده ام اگر اصلاح بشود من رأی میدهم در غیر این صورت رأی نمیدهم.

نایب رئیس — و آن یادداشتھا را اینجا می خوانم که معلوم باشد چیست «جمهوری اسلامی نظامی توحیدی» «به معنای «بجای «بربمانی» و اضافه کردن «مطلق» به «حاکمیت» و بعد اضافه کردن «الله» به دنبال «احکام و قوانین» در فراز خودش» و امامت و رهبری مرجع دینی در آن بند «آزادی انسان با مکلف بودنش» و بجای «انقلابی» کلمه «اجتهاد صحیح». این اضافاتی است که ایشان نوشته اند و اگر اصلاح شود رأی مثبت می دهند. آقای طاهری نوشته اند «متأسفانه نظریه گروه سه آن طور که منظور بوده نوشته و ارائه نشده است» آقای طاهری منظور تران این است که متن تکثیر شده آنطور که منظور بوده ارائه نشده؟ یعنی چیز علاوه ای بوده است؟



طاهری—بلی.

نایب رئیس — این موضوع را بعداً به شورای هماهنگی بفرمایید و ضمناً موقعی که مطرح میشود تشریف بیاورید که نظرتان را بهتر بیان کنید. گروه شش بازیچای اصل پیشنهادی توسط گروه اول، اصل جدیدی پیشنهاد کرده‌اند که خواهش میکننم نماینده گروه شش برای توضیح تشریف بیاورند آقای دکتر ضیائی بفرمایید. ضمناً توضیح میدهم که تعداد نمایندگان در حال حاضر هفتاد و یک نفر می‌باشد.

دکتر ضیائی — بسم الله الرحمن الرحيم. دیروز مطالبی در دفاع و انتقاد از اصل دو پیشنهادی قانون اساسی بیان شد. اصولاً من با این نظر که تمام اینها باید در مقدمه ذکر شود باسروان عزیز موافق بودم. چون قانون آن است که یقه بگیر و تکلیف آور باشد، به هر نحوی به یکی از احکام خمسه اصل اول و دوم و سوم پیش‌نوبان عنوان بیان تکلیف برای دولت نیست ولی اگر قرارشده که عنوان اصل در قانون اساسی ذکر شود باید به این نکته‌ها توجه داشت که گنج و بیهم و قابل تغییر نباشد. راجع به جمهوری اسلامی که برایه عقاید اسلامی بنوشید است، اعلان بعضی از کشورها که با حقیقت اسلام جنگ دارند و خودشان را به عنوان کشور اسلامی معرفی کرده‌اند مثل کشور لیبی و یا کشور اسلامی زبان سابق (طاغوت) که مثل یک کشور اسلامی میان مردم جلوه‌گری می‌کرد درحالیکه ضد اسلام بود. بنابراین باید ذکر شود که نظام جمهوری اسلامی روی قرآن و سنت پیغمبر اکرم و ائمه اطهار بنوشید است که پایه است. واما در مورد اهداف باید عرض کنم که چون تیتر همیشه حاوی مطالبی است که به عنوان دلالت التزامی باید گویای آن باشد، گرچه به فرمایش جناب آقای مهندس سحابی مطالبی در عنوان اصول ذکر شده است اما وقتی که این اصل را به عنوان مقدمه قانون اساسی در اصول دوم و سوم قانون اساسی ذکر کردیم به عنوان جهان‌بینی نظام جمهوری اسلامی باید به عنوان تیتر همه مطالب را در برداشته باشد. به این جهت گروه ششم این مطالب را بترتیبی که خدمت آقایان هست پیشنهاد کرده است که با توجه به تقاضه‌هایی که به نظر ما رسید، آنرا تکمیل کرده‌ایم به این ترتیب که «جمهوری اسلامی نظامی» است که برایه قرآن و سنت پیغمبر اسلام و ائمه اطهار بنوشید است، و اصولاً جمهوری اسلامی یعنی همان ویرای تحقیق بخشی اهداف شامل روش‌های زیر است :

۱— تحکیم مبانی اعتقادی، اسلامی .

۲— اعتقاد به رهبری مستمر در سیر تداوم انقلاب اسلامی یعنی در هر زمان باید یک رهبر برای تداوم انقلاب داشته باشیم یا شخص یا شورا .

۳— تحقیق بخشی و پرورش استعدادهای ارزنده در هر زمینه .

۴— حمایت از آزادی و اختیارات افراد ملت در ساختن سرنوشت خویش نه آزاد ولی بر مبنای قوانین اسلامی که راهنمای ویرانه ریز است .

۵— اقامه و گسترش قسط و عدل در سراسر کشور و نفی هرگونه تبعیض و سلطه جوئی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ضرورت استفاده از دستاوردهای سودمند و علوم و فرهنگ بشری غیروابسته و تحریص و تشویق افراد به جهاد در راه تکامل انسانی خود دویگران و شناسائی حقوق برابر برای همه افراد ایرانی بطبق موازین اسلامی .

یعنی در حقیقت جمیع قوانین اصول اسلامی را در این پیشنهاد هفتگانه به قول خودش جمع کرده و به همه اشاره کرده و در عین حال روشن است یعنی احتیاج به تفسیر ندارد و ابهام و



اجمالی هم ندارد.

نایب رئیس — متشکرم، از گروه شش آقای دکتر غفوری پیشنهادشان را به این صورت درآورده اند که ملاحظه می کنید :

اصل ۲ — نظام جمهوری اسلامی نظامی است مبتنی بر ۱ — توحید و مقررات اصیل اسلامی — کرامت و ارزش انسانی ۳ — تحقق بخشی آثار توحید در همه زینه های زندگی ۴ — سعی در تحقق اهداف زیر که در آن ضمیمه دیگر در دوازده هدف بیان کردند که در حقیقت خواسته اند خود اصل دو را ملخص تر کنند. بعد نوبت اصل سه که می رسد خودشان برای توضیح اصل سه تشریف می آورند. آقای غفوری اگر توضیح اضافی دارید بفرمائید. ضمناً تا آقای غفوری اینجا تشریف می آورند تذکری هم آقای مکارم نوشتند که در حقیقت پاسخی به مطلب دکتر ضیائی است که من این پاسخ راچون به کارگروه اول مربوط می شود عیناً به نماینده گروه می دهم که بعداً با استفاده از نوشته ایشان عیناً بخواند. آقای غفوری بفرمائید.

دکتر غفوری — بسم الله الرحمن الرحيم. ارزش هرچیزی به ارزش آثارش است. وقتی می گوئیم دین یا اسلام یا هر کس هرچه می گوید باید ببینیم که در عمل چه می کند. در برنامه ای که از اسلام و یغمبر گرامی هست خاطر همه مستحضر است که یک جمله ای دارد «یضع عنهم اصر هم والاغلال التي كانت عليهم اصر و اغلال» حالاً نمی خواهیم وارد این بحث شویم ولی اجمالاً باید بدانیم که هر جامعه ای اصر و اغلال دارد و حتی مذاهب و ادیان قبل از اسلام که اول رهائی بخش بودند و بعد خود اینها اصر و اغلال شدند. همانطور که در برنامه پیغمبر اسلام و برنامه اسلامی که در ابتدای ورود اسلام به ایران تشریح شد «لتخرج الناس من عبادة العباد الى عبادة الله ومن جور الاديان الى عدل الاسلام ومن ضيق الارض الى سعتها» بنابراین بطور اجمال و قتی قانون اساسی ما اساسی و کارساز خواهد بود که ببینیم دردهای اجتماعی ما چیست. بنابراین بطور خلاصه فکر کردم که با توجه به کلمات قانون که به قول معروف باید قیراط، قیراط حساب شود و حرف زیادی در شنباد دویشنهداد دارم، یکی اینکه اصل دو و سه تلفیق شود زیرا وقتی گفتیم توحید و آثار توحید، اشکال بزرگ ادیان اینست که اسم توحید را می برد و لی توحید را به آسمانها می برد در صورتی که باید توحید را به روی زمین آورد و از زمین به آسمان برد. یعنی آثار توحید را اجرا کرد همانطور که همه در موقع به دنیا آمدند دوچشم دارند ولی مقررات غلط اجتماعی چشمهای بعضی هارا کورمی کند و به بعضی ها صد ها چشم مسلح می دهد. ما باید ببینیم آثار توحید در اجتماع چیست و آن آثار را ببیناد کنیم. بنابراین قانون اساسی موقتی کارساز است که مردم نفس راحت بکشند. و افرادی که مارا به اینجا فرستاده اند وقتی می فهمند که کاری برایشان صورت داده ایم که ببینیم در دشان چیست و چیزی که گلویشان را فشار می دهد چیست. بنظر می رسد که برای رعایت اختصار در قانون ما اصل دو و سه رایکی کنیم و تمام مطالبی که احیاناً بحث انگیز است در سه جمله خلاصه کنیم. یکی «توحید و مقررات اصیل اسلامی»، البته اسلام شناسانی وجود دارند که مقررات اصیل آن راییان می کنند. مسأله بعدی «کرامت انسانی» هست و بعد هم «تحقیق بخشی آثار توحید» است که مربوط به اصل دو است و بعد بدنبالش سعی در تحقق اهداف زیر که پیشنهاد اول است که اگر اصل دو و سه تلفیق شود هم عبارتها کوتاه شده و هم مسائل بحث انگیز گفته نشده است و هم تحقق بخشی آثار توحید که کار اجتهاد است که در هر زمانی باید ببیند گرفتاری مردم چیست و به داد مردم برسد و ضمانت اجرائی خاتمیت اسلام و



اجتهد زنده هم در همین است. پس پیشنهاد اول اینست که اصل دو و سه تلفیق شود بعد از همه آن بعثها که دیروز شد امروز شورای هماهنگی نهایت تلاشش را در این مورد بکار بر دولی باز هم چهار یا پنج متن رامی بینید بنظر من اگر به این صورت در اجتماع بروز آنوقت صدها برابر درباره اش صحبت می شود پس بهتر است ما بیانیم بگوییم اول توحید و مقررات اصیل اسلامی و بعد کرامت و ارزش انسانی که بعضی ها فکر نکنند که حالا توحید و اسلام که هست باید یک سلطه گر جدید بباید و یک استبداد دینی پیدا شود، نه کرامت و ارزش انسانی و سوم هم تحقق بخشی به آثار توحید. خدا می خواهد که مردم چطور زندگی کنند؟ همانطور که هوا و این نعمتها عام است بالآخره محدودیت های اجتماعی را باید بر طرف کرد ویرای اینکه بدانیم چه چیز هائی باعث محدودیتهای اجتماعی است دوازده مطلب ذکر شده که اینها گلوی جامعه را فشار می دهد. اگر ما توانستیم این اغلال، این زنگرهای را از گردن مردم باز کنیم کاری کرده ایم، والا چنان تلقی می شود که ما آمده ایم که چند زنجیر دیگر هم به دست ویای این جامعه بینندیم که همینطور سرگردان بشود. پیشنهاد اول تلفیق اصل دو و سه است و چنانچه این پیشنهاد قبول نشد و اصل دو به صورت یکی از این پیشنهاد هائی که گفته شده تصویب شد، نوبت به اصل سه می رسد که من برای بیان اصرار اغلال و بخاطر اینکه دین خودمان را به جامعه ادا کرده باشیم و آن چیز هائی که جامعه ایرانی را فشار می دهد که در آن دوازده هدف با توجه به اصلاحاتی که شده ملاحظه می فرمائید آنها را بیان می کنم تا جامعه بفهمد وقتی جمهوری اسلامی آمد یک چیزی جامعه از آن می خواهد وطبق برنامه های زمان بندی شده مثل آموزش و پرورش رایگان را از آن می خواهد والی آخر. مشکرم.

نایب رئیس—ضمناً علاوه بر مطالبی که عرض شد آقای صافی هم از گروه دو پیشنهادی نوشته اند که قرائت می شود :

بسمه تعالیٰ

اینجانب نظرم اینست که در همان متن گروه اول چند اصلاح بشود که با علامت درذیل مشخص شده است .

اصل دوم—جمهوری اسلامی نظامی است برای ایمان به خدای یکتا و عدل اور تکوین و تشریع و اختصاص و حاکمیت و تشریع به او و اعتقاد به نبوت و وساطت آن در تبلیغ کلیه قوانین و احکام و نظمات الهی و اعتقاد به معاد و نقش سازنده آن در تکامل انسان و التزام قلی و عملی او به احکام و قوانین الهی .

ایمان به امامت و رهبری مستمر آن در عصر غیبت حضرت مهدی حجه بن الحسن علیه السلام، و نقش کارساز و اساسی آن بر تداوم جنبش های انقلابی اسلامی .

کرامت و ارزش والای انسان و پرورش گوهر الهی نهفته دراو .

آزادی و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش (نقی جبر) قسط و عدل اجتماعی و واقعی و اقتصادی و نقی کامل هرگونه ستمگری و مستکشی .

مسئولیت انسان و جهاد اورای تکامل خود و دیگران، تداوم اجتهد و استنباط احکام از کتاب و سنت و احادیث ائمه طاهرين علیهم السلام در تمام اعصار، استفاده کامل از علوم و فنون پیشرفته و تجارب بشری .

نایب رئیس—گروه هفت اصل پیشنهادی را تبدیل به اصل جدیدی کرده اند که نظر



نهائی گروه هفت میباشد و خدمت آقایان داده شده است آقای تهرانی نماینده گروه هفت در این مورد توضیحاتی می فرمایند.

نظرنها می گروه هفت درباره اصل ۳

جمهوری اسلامی نظامی است مبتنی بر پایه یکتاپرستی و سایر معارف و احکام اسلامی که بر طبق آیه پیست و چهار از سوره حديد «ولقد ارسلنا رسالنا بالبيانات و انزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقطط» عدالت و قسط اجتماعی و اقتصادی، و نفی کامل سلطه طلبی و سلطه پذیری را در بی می آورد.

تهرانی - بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا بطور خیلی مختصر نظر کلی گروه خودمان را ذکر میکنم و بعد تبدیل اصل دو به اصلی که آقایان نوشته اند انشاء الله قرائت میشود و اگر معلوم شد که از اشکالها دورتر است آقایان رأی می دهند. اما نظر آقایان اینست که قانون اساسی احکامی را که الزام آور است در برداشته باشد، یعنی درست است که ما اهداف زیادداریم و اهداف را می شود در مقدمه نوشته، اما آنچه مردم متوجه هستند، احکام الزامی «نظم امور کم» نظم امور و نظم دولت و نظم اقتصادی و سایر روابط اجتماعی است تصویب و صادر شود و الزام به اجرا داشته باشد تا آن اهداف را مردم با تمام وجود حس کنند نه اینکه یک اهدافی تششع آمیز مثل در قانون اساسی آورده بشود و اما وقتی بجاویش برسیم «به نظام اقتصادی یا فرهنگی یا ارشی یا به نظام جمهوری» چیزهایی و اصل هایی تصویب شود که این اهداف را در بی نداشته باشد. خلاصه توقع مردم اینست که الزاماتی تصویب بشود و اهداف و هر چیزی که می خواهید هدف قرار دهید در مقدمه بتویسید. اما اصل پیشنهادی ما به خاطر اینکه هم مطابق قرآن کریم باشد و هم از تمام اشکالهایی که شده دور باشد، پیشنهاد شده است «جمهوری اسلامی»، البته بنابراینکه بخواهیم یک اصلی قرار بدهیم والا نظر آقایان اینست که این حرفا مربوط به مقدمه است و قانون اساسی تماماً باید به احکام و الزاماتی که مربوط به «نظم امور کم» است، تصویب شود. اما اگر بخواهیم اصل دوم را بگذاریم و حذف نکنیم اینظور اصلاح شود که «جمهوری اسلامی نظامی است مبتنی بر پایه یکتاپرستی و سایر معارف و احکام اسلامی که بر طبق آیه پیست و چهار از سوره حديد» ولقد ارسلنا رسالنا بالبيانات و انزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقطط» که عدالت و قسط اجتماعی و اقتصادی و نفی کامل سلطه گری و سلطه پذیری را در بی میاورد» که از اشکالهای دو رسی باشد و به همین مقدار تذکری در اصل دوم باشد البته بنده و همکار محترم ما آقای بنی صدر آن پیشنهاد گروه پنجم را که جناب آقای مهندس سحابی خواندند می پذیریم و آن هم بسیار درست است و به نظر ما بی اشکال است. پس هم آن متن پیشنهادی گروه پنجم را که آقای مهندس سحابی قرائت فرمودند قبول داریم و هم این متن پیشنهادی خودمان را که طبق آیه کریمه است و یکتاپرستی در آن ذکر شده و توحید ذکر نشده که معانی گوناگون داشته باشد و سایر معارف احکام اسلامی و عدالت و قسط هم بر طبق آیه شریفه سوره حديد است و نفی سلطه طلبی و سلطه پذیری هم از آیه (تلک الدار الآخره نجعله للذين لا يريدون علوآ في الأرض ولا فسادا) گرفته شده است. والسلام عليکم و رحمة الله.

نایب رئیس - متشکرم، جلسه در حال حاضر با حضور هفتادو دو نفر کارش را ادامه میدهد. تذکرات دیگری اینجا رسیده است، یکی از آقای جلال الدین طاهری است به این شرح «جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی بر پایه ایمان به لا اله الا الله و عدل خدادوند در



تکوین و تشریع و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و به وحی الهی به انبیاء و نقش بنیادی آن در بیان قوانین و به معاد و نقش سازنده آن در تکامل انسان و التزام قلبی او به احکام و قوانین و به امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن بر تداوم اسلام که تنها مکتب اقلایی است» و بعد از این اصول که می‌گذریم همان متن پیشنهادی گروه یک به استثنای آنچه در مورد اجتهاد هست که یکی دو تذکر دارند و آقای موسوی جزایری نوشته‌اند که نظرشان با نظری که گروه هفتم فرستاده موافق نبوده و نظرشان با نظر گروه چهار موافق است با این تفاوت که اجتهاد به عنوان پایه شناخته نشود بلکه به عنوان روش باشد. و باز تذکرات دیگری هست که من بتویت می‌خوانم و از دوستانی که تذکراتی می‌فرستند خواهش می‌کنم از جلسه آینده سعی بفرمایند که تذکرات را قبل بدند و حالا هم که می‌فرستند گروهشان را یادداشت کنند که وقتی ما نظر گروهها را مطرح می‌کنیم نظر آنها را نیز مطرح کنیم. پیشنهاد گروهها خوانده شد و درباره آنها توضیح هم داده شد. حالا موقعی است که باید رأی گیری نهائی بکنیم، آقای خامنه‌ای بفرمایند.

خامنه‌ای— بنده پیشنهادی داده‌ام خواهش می‌کنم قرائت بفرمایند.

نایب رئیس— البته نمایندگانی به عنوان نکات تکمیلی مطالبی فرستاده‌اند که به موقع خواهیم خواند، یعنی اگر پیشنهادات کاملاً جدید باشد مطرح می‌شود ولی اگر پیشنهادهای تکمیلی و تذکرات است بتویت که به گروه مربوطه میرسیم از اعضای آن گروه خواهیم خواست که اگر کسی هست باید تکمیل کند. فعلاً اگر پیشنهاد کاملی هست که تغییرات کلی داده شده باید اینجا باشد که من بینم و اگر اینجا چیزی نباشد نمی‌شود مطرح کرد. ولی این بار هم اگر در اثنای جلسه پیشنهاد جدیدی بفرستند می‌پذیریم ولی در جلسات آینده اجازه بفرمایند این رویه را ادامه ندهیم. آقای خامنه‌ای اصل دو را به این صورت نوشه‌اند:

«جمهوری اسلامی نظامی است برپایه عقیده و ایدئولوژی اسلامی، توحید و نبوت و معاد و رعایت واقعی حیثیت و حرمت والای انسان، احترام به آزادیهای انسانی، مساوات زن و مرد و توانا و ناتوان و مسلمان و غیر مسلمان، اقامه قسط و عدل، تعدیل مشروع ثروت و جلوگیری از تمرکز ثروتها، توزیع مناسب ثروتهای ملی، مقابله با ظلم و استثمار و استبداد و استقلال، مسئولیت هماهنگی و جهاد انسانها در راه خودسازی و اصلاح جامعه، همزیستی مسالمات‌آمیز با بیگانگان، رعایت ضعفا و نجات مستضعفین و اقامه «خلافت الله» بر اساس وراثت تاریخی انسان، رعایت اجتهاد پویا در امر تقین و رهبری عالی و این اصول غیر قابل تفکیک و واحد هستند». آنچه مرقوم فرموده‌اید برای من روشن است اگر برای کسی ابهامی دارد که ایشان باید توضیحی بدند، می‌توانند چند دقیقه‌ای صحبت بفرمایند و اگر هم برای همه روشن است که دیگر توضیحی نمی‌دهند. آقای مکارم بفرمایند.

مکارم‌شیرازی— پیشنهاد بنده غیر از پیشنهاد دوستان است. این پیشنهاد بنده در اصل سه چاپ شده است چون تلفیق هر دو بوده است و با استفاده از همه نظریاتی که داده‌اند اصل دو و سه تلفیق شده است و به صورت اصل سه در صفحه دوم چاپ شده است.

نایب رئیس— این را هم ملاحظه می‌فرمایید:

جمهوری اسلامی نظامی است الهی برپایه:

۱— ایمان بخدای یکتا و عدالت و حاکمیت او.



- ۲ - ایمان به وحی و نقش آن در تأسیس قوانین.
- ۳ - ایمان به معاد و نقش سازنده آن در تکامل انسان.
- ۴ - ایمان به امامت و رهبری مستمر در جامعه بشری.
- ۵ - ایمان به ارزش والای انسان و آزادی اراده او و مسئولیتش در برابر خود و دیگران برای تحقق بخشیدن به هدفهای زیر:
- ۱ - محورگونه استبداد و خود کامگی، و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش.
 - ۲ - طرد کامل استعمار و هرگونه گرایش به شرق و غرب.
 - ۳ - رفع هرگونه تبعیض ناروا و تأمین حقوق همه افراد.
 - ۴ - ایجاد خود کفایی در تمام زمینه های علمی و اقتصادی و نظامی و عمرانی.
 - ۵ - پی ریزی اقتصاد صحیح برطبق ضوابط اسلامی به منظور طرد فقر و محرومیت و بیکاری با استفاده از اجتهاد متخصصان در فهم کتاب و سنت و بهره گیری از علوم و فنون پیشرفته و تجارت بشری در تمام زمینه ها.

حال آقای آیت اگر نظراتی از گروه یکداید به صورت فشرده بیان کنید.

دکتر آیت - بسم الله الرحمن الرحيم . در مورد اصل دو ، دیروز مطالی گفته شد و آقایان دکتر بهشتی و ربانی شیرازی جوابهای کافی دادند و من فکرمنی کنم که لازم باشد آن جوابها را تکرار کنم ولی با وجود این به بعضی از مسائل اشاره می کنم . بعضی ها گفتهند که اصل دوم هم پایه ها است و هم هدفها که باید از هم جدا بشوند. باید عرض کنم که اصل فقط پایه ها و روشها است و هدفها نیست و اگر قسط و عدل را می فرمایند اینها هم می شود پایه قرارداد و هم هدف ، و در نظام هم اشکال ندارد و باید هدفها آورده بشود. نظام یک کل و استه به هم است که پایه و روش و هدف این کل را مشخص می کند ، بخصوص این مسئله که بعضی ها گفته اند جای اینها در مقیده بود ، باید توجه کنیم وقتی که نظام مشخصی شد ، برای قانونگذار تعهدآور است و در قانونگذاری مؤثر است و تعهد و الزام ایجاد می کند. وقتی که گفتم «نظام جمهوری اسلامی کرامت و ارزش انسان را در نظر دارد » بنابراین قانونگذار نمی تواند قانونی وضع کند که کرامت را نادیده بگیرد ، قانونگذار متعهد به رعایت کرامت انسان است. و همینطور وقتی ما معاد و توحید و نظایر اینها را در نظام اسلامی ذکر می کنیم ، مشخص است که توحید و معاد و نبوت و زن شعر نیست ، اینها در همه مراحل زندگی منعکس می شود و من جمله در قانونگذاری . آقای مکارم فرمودند که بعضی کلمات مبهم بکار رفته است و از مهمات ، تشریع را بکار بردن در حالیکه هیچ ابهامی در کلمه تشریع نیست و کلمات مبهم دیگری هم در اینجا نیست و اگر مشکل بودن آن را در نظر بگیریم که هر طفل دبستانی باید بفهمد ، هر کسی باندازه معلوماتش از قانون اساسی و هر چیز دیگری بدانست می کند و ضرورتی ندارد که همه کس آنرا بفهمد. حتی حقوق دانها هم ممکن است در فهم بعضی از مسائل قانون اساسی محتاج به مطالعه و تفکر باشند . در هیچ جای دنیانمی توان قانون اساسی را طوری نوشت که برای همه دقیقاً قابل فهم باشد .

پیشنهادی هم شده در مورد اینکه تسلیم در مقابل خداوند را در این اصل بیاوریم، البته مخالفتی با این پیشنهاد نیست ولی وقتی که گفتم «اختصاص حاکمیت بخداوند» تسلیم هم در آن هست و احتیاج به تکرار نیست ، در مورد سنت ، بعضی ها خواسته اند



اضافه بشود «سنت ائمه اطهار» خود سنت رسا است و دیگر اضافه کردن آن لزومی ندارد. آقای مهندس سعابی آن اصل قبلی را با تغییراتی پیشنهاد کرده‌اند و استدلالشان این بود که در قانون اساسی نباید طول و تفصیل باشد. باید عرض کنم در این اصل، طول و تفصیل نیست ولی از ایجاد باصطلاح محل هم جلوگیری شده است، زیرا ایجاز نباید بنحوی باشد که در معنی اخلال ایجاد بکند. در اصل پیشنهادی آقای مهندس سعابی و گروه ایشان نوشته شده «و دیگر معارف اسلامی» این کلمه «دیگر» خودش ایجاد ابهام می‌کند، با آن کلیاتی که باید رویش تکیه بشود و ذکر کرده‌ایم مثل این است که ما بخواهیم درباره فلسفه «کانت» صحبت کنیم ولی بگوئیم مراجعت کنید به فلسفه «کانت». اما بنظر ما آن اصول و نکاتی که فلسفه «کانت» و یا «دکارت» را نشان میدهد باید ذکر گردد. همین ایراد به گروه هفت هم وارد است، زیرا آنها هم نوشته‌اند «وسایر معارف و احکام اسلامی» و بازهم ایجاز محل هست و نظام را نمی‌رسانند. مثل این است که ما سوار تاکسی بشویم و بگوئیم ما را ببر تهران، حالاً کجای تهران مشخص نیست. اما کلمه «سودمند» که در مورد علوم و معارف پیش‌بینی شده است، این کلمه «سودمند» برای چه کسی است؟ چون قمار باز هم فن قمار برایش سودمند است، بدیهی است که ما علوم و معارف را در قانون اساسی درجه‌تی که اسلام تعیین کرده است بکار ببریم و چه کلمه «سودمند» باشد یا نباشد، این تکلیف در قانون اساسی ایجاد می‌شود و احتیاجی به کلمه «سودمند» نیست. مسئله دیگر اینکه پیشنهادشده «بدون هیچ وابستگی» بندۀ اشکالی نمی‌بینم که این هم اضافه بشود ولی معهداً استفاده از علوم و فنون بشری وابستگی ایجاد نمی‌کند و در آن مفهوم وابستگی در اصول دیگر آمده است و رعایت هم خواهد شد.

بعضی از دوستان همین اصل را بعبارت دیگری پیشنهاد کرده‌اند ولی دلیل نیاورده‌اند که چرا آن عبارت را عوض کرده‌اند. مثلاً آقای دکتر ضیائی تقریباً همان عبارات پیشنهادی را مرقوم فرموده‌اند و فقط قرآن و سنت را پایه ذکر کرده‌اند، درحالیکه پایه‌ها از سنت و قرآن استخراج می‌شود و آنها منبع قانونگذاری است، پایه‌هارا مازقرار و سنت استخراج می‌کنیم و اینکه منبع قانونگذاری باشد در اصل دیگر آمده است. در پیشنهادیکی از گروه‌ها «مسئولیت» را آورده‌اند ولی «کرامت و آزادی» را که مقدمه و لازمه مستلزم است ذکر نکرده‌اند.

در مورد تلفیق اصل دو و سه که پیشنهاد آقایان دکتر غفوری و مکارم است باید عرض کنم که تقریباً اینکار در خود این اصل شده است. گروه یک اصولاً با آوردن اصل سه بطور مستقل در کلیات مخالف است بدلیل اینکه اصل سه در سایر فصول آمده است و اگر بخواهیم در کلیات بهمه اهداف اشاره کنیم باید همه قانون اساسی را در یک اصل ذکر کنیم که این هم امکان پذیر نیست. همه این اهداف در سایر اصول آمده است و همه اینها برمی‌گردد به قسط و عدل که در اصل دوم هست و احتیاجی به اصل سه نیست باز آقای مکارم توضیحی داده‌اند که همان بود که عرض کردم که اشاره به این پایه‌ها برای قانونگذار الزام آور است. مسئله دیگری که احتیاج به جواب دادن باشد، نیست چون دیروز بهمه آن مسائل اشاره شد و فقط اشاره‌می‌کنم که در این اصل منظور بیان نظام اسلامی بوده است و بعد از اینکه با تمام کمیسیونها مشورت شد و نظراتشان خواسته شد، آنچه که باید در مورد نظام اضافه بشود، اینکار شده است و بنظر گروه در این مورد کم و کسری نیست. بعضی از آقایان مطالبی نوشته‌اند که من مجبور باخس بدم.

مثال نوشته‌اند: «دموارد زیادی تشريع در معنی قریب به بدعت بکار میرود» توجه



بفرمائید وقتی که ما نظام اسلامی را شرح بیدهیم و در اصول بعدی هم می‌گوئیم منابع قانونگذاری باید سنت و قرآن باشد، بنابراین دیگران مفهوم، متفق است که بدعت از آن استنباط نشود، همچین نوشته‌اند: لفظ «نقش» از اصطلاحات سینمائي است باید پرهیز شود، این هم بینظر من استدلال درستی نیست . من خواستم راجع به توحید و انقلاب این توضیح را بدهم، اگریک لفظی را دیگران بکارمی بردند ما نباید برای خودمان این مشکل را ایجاد کنیم که چون دیگران بکاربرده‌اند ما دیگربکار نبایم . ویاینکه چون دیگران مثلاً با قاشق و چنگال غذا میخورند ممکن است با ما مخالف باشند، ما نخوریم . ویاینکه سواراتوبیل می‌شوند و ما سوار اتوسیل نشویم . (یکی از نمایندگان – اصطلاحات اسلامی را بکاربرید).

نایب رئیس – از آقایان خواهش می‌کنم بدون نوبت و از جای خودشان صحبت نفرمایند.

دکتر آیت – یکی از آقایان نوشته‌اند: «مقصود از امامت و رهبری چیست؟ آیا ولایت فقیه است؟» عرض شود ولایت فقیه جداگانه چه در کلیات و چه در سایر موارد آمده است که بموقع مورد بحث قرار خواهد گرفت . مفهوم امامت و رهبری هم در اسلام بخوبی روشن است.

نایب رئیس – آقای دکتر نوری بخش بفرمائید.

دکتر نوری بخش – آقای دکتر آیت دو مثال زدن که هردو مؤید نظرما است:

تذکر ۱ : اتفاقاً در اصول باید گفت مراجعه شود به فلسفه مثلاً کانت.

تذکر ۲ : وقتی شما از مشهد به تهران حرکت می‌کنید نمی‌گوئید میخواهم بروم به خیابان و کوچه‌فلان، بلکه ابتدا فقط بليط برای تهران ميگيريد . در فصل اول هم کلیات باید ذکر گردد.

نایب رئیس – یادداشتی را آقای حائری مرقوم فرموده‌اند مبنی بر اینکه طرفداری‌شناخت گروه پنجم می‌باشند و همین طور بنظر ایشان «ودیگر معارف اسلامی» ایجاز مخل نیست برای اینکه قانون اساسی کتاب عقاید نیست و معارف اسلامی خمسه برای همه روشن است . آقای مولوی عبدالعزیز یادداشتی نوشته‌اند که «پایه‌ها و هدفها» باید طبق اصول مسلمه تشیع و تسنن باشد نه مخصوص یک گروه واژ اول چیزهای مهم و مخصوص یک مذهب را نیاورید.

یادداشت‌های دیگری هم هست که هر وقت لازم باشد و موقعش بود مطرح خواهد شد.

بحث ماراجع به مطالب تمام است . آقای منتظری برای توضیح یک نکته کوتاه وقت

گرفته‌اند بفرمائید .

منتظری – اعوذ بالله من الشیطان الرجیم . بمنه هم بعنوان دفاع از اصل دوم وهم نظریاتی را که خودمان داریم بطور مختصر بیان می‌کنم . اینکه آقایان اصرار دارند اصول دین ذکر نشود باید عرض کنم که ما این اصول دین را برای تشریفات در اینجا ذکر نکرده‌ایم . قانون اساسی مسیر زندگی آینده ما را باید در همه شئون تعیین کند، در قانونگذاری ، در کار، در بازرگانی و خلاصه در همه شئون و آنچه که بیش از همه مسیر زندگی ما را تعیین می‌کند اصول اعتقادی و ایمان ما است . ایمان به خدا، ایمان به نبوت، ایمان به امامت و ایمان به معاد، اینها علاوه بر اینکه وظایف است، نقش کاملی در تعیین مسیر زندگی ما دارد . آن قانونگذاری که در آینده می‌خواهد در مجلس شورای ملی قانونی بگذارند، اگر شخصی باشد معتقد به خدا و به معاد و معتقد به وحی، مسلماً روش قانونگذاری او فرق می‌کند با کسی که اعتقادش اسلامی نباشد . بنابراین چون قانون اساسی پایه سایر قوانین و همین طور



پایه سایر شئون زندگی است چون ایمان و اعتقاد به اصول دین دخالت دارد و پایه است باید که بشود و آقایان بخل نکنند که سه یا پنج تا از اصول دین بطور مختصر در قانون اساسی ذکر بشود اینکار ضرری بجائی نمی‌زند چون ضرورت دارد. واما اینکه آقای آیت فرمودند ابهام در آن نیست، بنده باید بگویم که در دو سه جا ابهام هست یکی همان کلمه «توحیدی» است که دیروز می‌گفتیم و این یک لفظی است مشابه و قاعده‌ای باید حذف بشود و من که به پیشنهادات گروهها نگاه می‌کنم، می‌بینم گروه یک و یکی دیگر از گروهها لفظ «توحیدی» را ذکر کرده‌اند بنابراین به اجماع مرکب این رد می‌شود برای اینکه اکثریت لفظ «توحیدی» را برداشته‌اندو لفظ مبهمی هم هست زیرا معلوم نیست مرادش خدای یگانه است و یا طبقه واحدی است که بعضی‌ها می‌گویند «توحید طبقاتی» بنابراین، این لفظ مبهم است و اگر حذف بشود بهتر خواهد بود. بنظرما «یکتا و عادل» کافی خواهد بود و «تکوین و تشریع» یک لفظی است مجمل و گفتش لزومی ندارد.

بنده چون امروز بعلتی نتوانستم در گروه باشم و قبل اصرار داشتم بدنبال «ستمگری و ستمکشی» باید آن چیزی که در اصل پیشنهادی سابق بود، ذکر بشود. حالا اگر می‌خواهند دنبال همین هم بیاورند اشکال ندارد. به این شکل:

«هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌جوئی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی» بنظرمن ذکراین مطلب ضرورت دارد ولواینکه اکثر گروهها نگفته باشند.

نایب رئیس — آقای ربانی بفرمائید.

ربانی شیرازی — مطلبی را که آقای آیت فرمودند در نظر گروه دوم اشکالی که داشت اینست که آزادی آمده ولی در کتابش مسئولیت نیامده است. آزادی بدون مسئولیت به هرج وسیج کشیده می‌شود. اشکال دیگری که داشت این بود که بین روشها و اهداف فرقی قائل نشده بودند و روش را جزو اهداف آورده بودند. در گروه پنج، نظامی را که بیان کرده‌اند برخلاف نظریه گروه اول قابل انطباق با نظام توحیدی است.

نایب رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — اینجا آزادی و اختیار انسان همچیز مبهمی است آیام راد آزادی تکوینی است و یا آزادی تشریعی؟ باید بگوئیم «آزادی و اختیار خدادادی انسان» که معلوم بشود آزادی تکوینی است یعنی انسان دارای اراده است و یا اینکه اگر می‌خواهید این را ذکر نکنید باید بگوئید «در محدوده قوانین».

نایب رئیس — حالا ادامه کاریه این کیفیت است چند طرح پیشنهادی هست و خدمتستان آورده‌اند مطالعه هم فرموده‌اید و درباره آنها توضیح هم داده شد. حالا باندازه سه دقیقه وقت در نظر بگیریم که همه نماینده‌گان بتوانند نگاهی به آن نوشته‌ها بکنند و بعد رأی می‌گیریم به پیشنهاد گروه اول صرف نظر از اصلاحات جزئی که در آن بعمل آمده است. اگر رأی آورد اصلاحات را بعداً در آن وارد می‌کنیم و اگر هم رأی نیاورد می‌رویم سرانجام پیشنهاد گروه دوم و همچنین گروههای بعدی. بنابراین این سه دقیقه را برای یکبار مراجعته مکرر، وقت در نظر می‌گیریم و آقایانیکه اصلاحاتی در هر فرازی دارند، معناش این است که اصل پیشنهاد گروه اول را قبول دارند و با بعداً اصلاحات‌شان را به رأی خواهیم گذاشت. کسانیکه پیشنهاد گروه اول را با فرض اصلاحات قبول دارند آنها رأی موافق خواهند داد و اصلاحیه‌شان را هم به رأی



میگذاریم چون یکی از آقایان یادداشتی نوشته‌اند که سه دقیقه کم است پنج دقیقه وقت میدهیم. (دراین موقع برای مطالعه بیشتر و مجدد پیشنهادها پنج دقیقه وقت درنظر گرفته شد).

نایب رئیس — پنج دقیقه تمام شد. توجه دارید که درباره این اصل دیروز مستوفی همه بحث کرده‌ایم و بحث‌ها هم شنیده شده است و نمایندگان گروهها هم رفته‌اند و بحث کرده‌اند و نظرات رسیده امروز مجددآ جمع‌بندی و تلخیص و چاپ و تکثیر شده و در اختیار همه هست و نزدیک یک ساعت و بیست دقیقه پیرامون این نظرات امروز از هرگروه صحبت کرده‌اند. بنابراین حالا اعلام رأی می‌کنیم. آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی — این جور رأی‌گیری خیلی زودرس است زیرا تلفیق نظرات هم احتیاج به این دارد که انسان دریک آرامش فکری اینکار را انجام بدهد. در یک وقت پنج دقیقه‌ای انسان نمیتواند یک معادله چند معجهولی را حل کند. درنتیجه این رأی‌گیری به عقیده بندۀ زودرس است زیرا هرگروهی درمواد مربوط به خودش مثلاً درباره حقوق ملت که ما بحث میکردیم بندۀ حضور ذهن دارم ولی درمورد اینها ندارم و درمورد اصل یک یا دو تلاش ذهنی و کنکاش ذهنی برای ما امکان نداشته است. (علی تهرانی — خیرابنطهر نیست) درمورد گروه خاص که اینکار را کرده‌اند درست است ولی گروههای دیگر باید به همان اندازه که مطالب گروه خودشان را بررسی کرده‌اند اطهار نظر بکنند.

نایب رئیس — شما چه پیشنهادی میکنید که این اصل یا هر اصل دیگری را درآینده بتوانیم در جلسه عمومی به رأی بگذاریم؟ یعنی ما در جلسه عمومی چه جوری رأی‌گیری کنیم که هر کسی رأی‌یابی را که میدهد رأی باشد با تمام حضور ذهن؟ آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — جناب آقای رئیس، حق این بود که به پیشنهاد این‌جانب عمل میشود، همه هم تصدیق کردن. حالا اگر هیچ‌کدام چهل و هشت رأی نیاوردند دو روز وقت ما تلف شده است. حال اینکه اگر از هر کمیسیون دونفر صبح به این اصل رسیدگی میکردند حالا یک‌شنبه داشتیم و ای سا تابحال تصویب شده بود. حالا این پیشنهاد را عمل بفرمائید.

نایب رئیس — سؤال این است که اگر ما از هرگروهی یکنفر یا دونفر نماینده گردآوری کردیم و اینها خودشان یک‌گروه هفت نفری ویا چهارده نفری تشکیل دادند و اگر آنها یک متنه را با تصویب اکثریت به جلسه عمومی آوردن، ما بیانیم فقط آن متن را به رأی بگذاریم؟ چه فرقی میکنند که آقایان نماینده گروهها باشند ویا دریک گروه باشند؟ اگر به رأی گذاشتن یک متنه برخلاف آزادی در اینجا نباشد و کاملاً حق پیشنهادهای دیگر رعایت بشود، بگذارید هر گروهی که پیشنهاد بخصوص دارد آنرا به رأی بگذاریم. برای اینکه آنها احق هستند تا آن گروه تلفیقی، چون آنها بیشتر در باره آن مطلب مطالعه کرده‌اند و اگر پیشنهاد یک گروه چند نفری حق پیشنهاد جدید ازفرد یا گروهی را سلب نمیکنند، باز هم اگر ما یک گروه هفت نفری یا چهارده نفری داشته باشیم به همین محظوظ برخورد میکنیم. پیشنهاد حضرت عالی صبح در جلسه مشترک هیأت رئیسه و شورای هماهنگی مطرح شد ولی به این دلیل دیدیم حلال مشکل نخواهد بود. ما برای هر پیشنهادی احترام قائلیم و پیشنهاد دهنده میتواند توضیح بدهد و بعد آنرا به رأی میگذاریم. اگر آن پیشنهاد بعنوان راه حل مورد قبول مجلس قرار گرفت آنوقت ماده جدیدی برای آئین نامه میشود. و اما اینکاری که من میخواستم حالا عمل کنم بطبق آئین نامه مصوب خود آقایان بود. بطبق این ماده از آئین نامه قرار بود که نظرات هرگروهی که اصلی



را پیشنهاد میکند بهاینجا بباید و در اینجا درباره اش توضیح بد هند مخالف و موافق هم صحبت بکنند و اگر سؤالاتی بود توضیح داده بشود و پیشنهاد همان گروه به رأی گذاشته بشود و اگر گروههای دیگر متن جدید دارند بترتیب ، هر متى به رأی گذاشته بشود . هریک از متون پیشنهادی که اکثریت را آورد دیگر از ادامه رأی گیری خودداری کنیم . بنده عین ماده مصوب خود آقایان را می خوانم :

مرحله سوم - طرح اصول پیشنهادی در جلسات عمومی مجلس

ماده بیست و شش - اصول بررسی شده درگروهها بوسیله هیأت رئیسه بتدریج در جلسات عمومی مجلس که از روز دوم هفته سوم همه روز عصر تشکیل میشود مطرح و پس از شور و مذاکره به رأی گذارده میشود .

تبصره - پس از رسیدت جلسه متن پیشنهادی برای یک اصل در جلسه خوانده میشود. اگر متن تهیه شده توسط گروهها یکی باشد حداقل یک مخالف و یک مخالف صحبت میکنند و سپس رأی گیری عمل می آید و اگر درگروهها یعنی از یک متن پیشنهاد شده باشد متن پیشنهادی هر گروه بترتیب شماره گذاری گروهها خوانده میشود و یکنفر از همان گروه ازان دفاع میکنند - کاری که امروزکردیم - پس از قرائت همه متون پیشنهادی برای یک اصل و دفاع از آنها نسبت به متون پیشنهادی بترتیب رأی گیری میشود . همین کاری که میخواستیم حالا بکنیم، یعنی هرپیشنهادی که با حدصاب لازم تصویب شد، از رأی گیری درباره پیشنهادهای بعدی خودداری نمیگردد . آنچه که امروزما از اول جلسه تا حالا عمل کردہ ایم بطبق این ماده از آئین نامه بوده که مصوب اکثریت خود آقایان است . آقای حجتی کرمانی بفرمائید :

حجتی کرمانی - الان هفت پیشنهاد است و میشود پیش یعنی کرد که هیچ یک از اینها رأی نمیآورند چون هریک از گروهها طرفدار متن خودشان هستند . در ضمن نمیدانم آیا پیشنهاد آقای بنی صدر برخلاف آئین نامه است یا خیر؟

نایب رئیس - اگر اجازه میدادید ما بجای پیش یعنی عمل میکردیم بهتر بود . آقای طاهری گرگانی بفرمائید .

طاهری گرگانی - بنده پیشنهادم این است که هر گروهی که روی یک قسمت مطالعه کرده اند و کار کرده اند چنانچه توافق کنند آنرا در اختیار شورای هماهنگی و نمایندگان گروهها قرار دهند و پس از تلخیص در اختیار ما بگذارند تا رویش مطالعه بکنیم و اگر نکاتی بنتظام رسید در مجلس مطرح کنیم . ضمناً ما الزامی نداریم که حتیاً به آئین نامه عمل کنیم راجع به دوسرم، بنده از آقایان خواهش میکنم یک طرح جدیدی تهیه بکنند .

نایب رئیس - آقای مهندس سحابی بفرمائید .

مهندس سحابی - بسم الله الرحمن الرحيم . مشکل اصلی این است که ما امروز هفت متن در پیش رویمان داریم و میخواهیم راجع به آنها رأی بگیریم، درحالیکه ممکن است روی جزئیات و کلمات هر متن هم نظریاتی داشته باشیم و بازاحتیاج به رأی گیری باشد . به این ترتیب بنظر من امروز که نمیشود کار این اصل را تمام کرد . هیچ، تا یک هفته و شاید بیشتر هم طول بکشد که این اصل دو از تصویب مجلس بگذرد . پیشنهادی که ما کردیم و آقای بنی صدر آن را در پروژه کردند و امروز هم با خیلی از آقایان صحبت می کردیم همه آن را می پستدیدند ، این پیشنهاد برای این است که این مشکل را حل کند . در یک مجلس عمومی هفتاد



و چند نفری وقتی مسائل مختلف مطرح بشود وهمه هم صاحب‌نظر باشند، توافق و تقارب و به وحدت رسیدن خیلی مشکل است، در حالی که در یک مجلس مختصر تر و محدودتری از نمایندگان آنها آزادتر می‌شود بحث کرد و به توافق رسید و آن وقت یک پیشنهاد ویا یک اصل را پیاووند به جلسه عمومی و در اینجا روی بنده‌ای آن آقایان صحبت بفرمایند و بعد رأی بگیرند. به این ترتیب ما فکر می‌کنیم که با تصویب این پیشنهاد یک کمک می‌شود که آن آئین‌نامه بهتر اجرا بشود و اگر بخواهیم به آئین‌نامه و یا به کلمات و ظاهر آن نگاه کنیم آن وقت عملاً مشکلاتی پیش خواهد رفت. دیروز یکی از آقایان فرمودند ما صدو پنجاه اصل داریم و اگر اضافاتی هم پیدا بشود محدود صدو شصت یا صدو هفتاد اصل داریم و ما برای یک اصل آن دیروز و امروز معطیمیم، آن وقت حساب کنید برای تصویب تمام اصل‌ها ما هفت، هشت ماه وقت لازم داریم در حالی که اصل‌های پر بحث تری در پیش داریم. بنظر من پیشنهاد آقای بنی صدر خیلی خوبست اجازه بفرمایید که از ساعت هشت صبح تا ده و نیم خودگروهها تشکیل جلسه بدنه و از ساعت یازده تا یک بعد از ظهر یک کمیسیون عمومی از نمایندگان هفت‌گروه باضافه شورای هماهنگی برای تقارب نظریات تشکیل بشود و البته سعی خواهد کرد که به یک نظر واحدی برسند و آن نظر را تکثیر می‌کنند و به اطلاع همه نمایندگان میرسانند، این بود نظر بنده.

نایب رئیس — جادشت پیشنهاد شما نوشته می‌شد و به رأی گذاشته می‌شد. حال خواهش می‌کنم آقای بنی صدر پیشنهادشان را بنویسند. آقای هاشمی نژاد فرمایشی دارید بفرمایید.

هاشمی نژاد — در مورد پیشنهاد آقای بنی صدر اشکالی هست که باید گفته شود اگر اجازه بفرمایید بعنوان مخالف صحبت کنم (طاهری اصفهانی — من هم مخالف هستم).

بنی صدر — اجازه بدهید در مورد پیشنهاد تموضیح بدهم.

نایب رئیس — اول بنویسید و بدهید، هر وقت پیشنهاد نوشته و خوانده شد، آن وقت یکنفر میتواند بعنوان مخالف صحبت کند. آقای مقدم مراغه‌ای بفرمایید.

مقدم مراغه‌ای — پیشنهاد آقای بنی صدر صحیح بنظر نمی‌رسد پیشنهاد آقای سحابی صحیح است. اگرما دقت بکنیم الان در مورد اصل دوم دو سه نظریه‌شتر نیست برای اینکه بیشتر آنها باهم مشابه هستند و یک اختلاف جزئی با هم دارند. چون متن گروه پنجم همان متنی است که ارائه شده و افکار عمومی هم با آن آشنا است، همان متن گروه پنجم را به رأی بگذاریم. مطلب دیگری که باید تذکر بدهم این است که همان آئین‌نامه‌ای را که خودمان تصویب کردیم، یکی یکی باید رعایت بکنیم تا کار درست شود و به نتیجه برسیم.

نایب رئیس — آقای بنی صدر پیشنهادشان را قرائت می‌کنند و بعد از آن دفاع می‌کنند بفرمایید.

بنی صدر — بسم الله الرحمن الرحيم. اینکه آقای دکتر بهشتی فرمودند که از هر گروه دونفر انتخاب شوند، معلوم نیست که این انتخاب منعکس کننده نظر همه افراد باشد، ثانیاً آنها که روی اصل بخصوصی کار کرده‌اند صلاحیت پیشتری دارند. این واقعیت را باید پذیریم که وقتی یک عده روی یک اصل بخصوص کار کرده‌اند روی آن حساسیت پیدا می‌کنند. بنابراین آن گروه دوم با آزادی پیشتری میتواند کار کند و نظرات را با هم تلفیق کند. ثالثاً اینکه می‌شود ترتیب دیگری داد یعنی بهمین ترتیبی که نوشته‌ایم میتوانیم نظر را برگردانیم به آن گروه



چهاردهنفری و آنان نظرات آقایان را ببرند در آنجا و نظرخودشان را بدهنند و برای ساعت دوازده تا یک ساعت بعد از ظهر در باره آن، گروه چهاردهنفری باضافه گروه هماهنگ کننده متن را آماده کنند. بهر حال ما صبح را برای این قراردادیم که کار عصر را سبکتر کنیم نه آنکه کار عصر را سنگین تر کنیم. کاری باید کرد که وقت صبح ما هدرنزود. این پیشنهاد من برای همین است که وقت صبح ما بیهوده تلف نشود و آن را میخوانم. دیروزهم بنده پیشنهادی دادم و مجلس هم پذیرفت، پیشنهاد بنده این است «چون صبح ها برای تدارک جلسات علنی است پیشنهاد میکنم یک گروه با شرکت دونفر از گروههای هفت گانه تشکیل بشود، این گروه چهاردهنفری ساعت نه تا دو نیم صبح تشکیل شود و سعی کند یک یا حد اکثر دو نظر را از راه تلقیق بدلست بیاورد. ساعت ده و نیم آن دو نماینده نظر گروه چهاردهنفری را به گروه خود ببرند و به بحث بگذارند و ساعت دوازده دوباره با شورای هماهنگی جلسه گروه چهاردهنفری تشکیل شود و متن را برای جلسه عصر آماده کند».

نایب رئیس — این پیشنهادی بود که خود آقای بنی صدر قرائت کردند آقای هاشمی نژاد با این پیشنهاد مخالف هستند که الان صحبت میکنند، بفرمائید.

هاشمی نژاد — بسم الله الرحمن الرحيم. پیشنهادی که آقای بنی صدر برادر عزیز من فرمودند مشکلی ایجاد میکند و آن این است که آن دونفری که میخواهند بیایند و در آن کمیسیون مشترک شرکت کنند، آنان میخواهند نظرات خودشان را منعکس کنند یا نظرات همه افراد گروه را؟ اگر نظرات همه افراد گروهها را میخواهند منعکس بکنند که این تحصیل حاصل است و چاپ شده در اختیار همه است، اگر میخواهند توافق کنند فقط در یک صورت ممکن است و آن این است که اختیارات تامه به آنها بدهیم و آنها هر نوع اصلاحی که میخواهند بعمل بیاورند و در آن کمیسیون مشترک بمنظور نزدیک کردن نظرات یکدیگر اختیاراتی داشته باشند و مطمئن‌آجین اختیاری راحاضر نیستند پنج نفر دیگر به آن دونفر و گذار کنند بخطاب راینکه مشاهده میکنیم در یک کمیسیون و قتی یک نظریه طرح میشود اظهارات و نظرات مختلف در باره آن وجود دارد. بنابراین اگر این دونفر با اختیار تام بروند که خلاف و کالت‌شان است، این کار و این پیشنهاد عملی نیست، و اگر بدون اختیارات تامه بروند که فقط نظرات دیگران را منعکس بکنند، باز عملی نیست. البته اگر این کار امکان‌پذیر باشد که وکالت‌نامه بگیرند مشکل حل خواهد شد و باید تذکر بدهم که الان وقت جلسه را گرفتن بعد از تصویب آئین نامه صحیح نیست زیرا ما چند جلسه وقت صرف کردم و آئین نامه را تصویب کردم و در دسترس ما است. و این را تصویب نکردم که در اولین بار به این مشکلات برخورد کنیم، حالا اگر صلاح باشد همین الان آئین نامه را عرض کنیم. همانطور که آقای حتی کرمانی فرمودند صبحها برای انعقاد نظرات گروهها وقت زیادی صرف میشود معلمک می‌فرمایند که ما حضور ذهن نداریم و در این سه دقیقه نمی‌شود اینها را بررسی کرد. این سه دقیقه منضم به ساعت زیادی است که در گروهها صرف شده است.

نایب رئیس — آقای مکارم هم عین این پیشنهاد را کرده‌اند که دیگر نمی‌خوانم. پیشنهاد دیگری هم رسیده است که برای تصویب آن، رأی نصف بعلاوه یک نماینده‌گان کافی است، چون آئین نامه را هم با همین روش تصویب کرده‌ایم. یک پیشنهاد دیگری هم بعداً رسیده است و آن را بدون اینکه رویش بحث کنیم فقط می‌خوانم. پیشنهاد از آقای آیت است: «پیشنهاد میکنم برای اینکه باین بست مواجه نشویم در مورد اینکه چه اصلی در مجلس



طرح گردد اکثریت نسبی کافی باشد. ولی البته درمورد تصویب خود اصل دوسوم کل مجموع آراء لازم است» درباره این پیشنهاد بحث نمی شود چون می توانست درنظر دوستان دخالت داشته باشد این بود که خواندم. اگراین پیشنهاد تصویب نشد یکنفر مخالف و یکنفر موافق می توانند درباره آن صحبت کنند و به رأی بگذاریم. حالا پیشنهاد آقای بنی صدر را می خوانم و بعد موافقین با آن قیام میکنند:

«چون صبح ها برای تدارک جلسات علنی است پیشنهاد میکنم یک گروه باشکردن فر از گروههای هفتگانه تشکیل شود. این گروه چهارده نفری ساعت نه تا ده و نیم صبح تشکیل شده وسعی کند یک یا حداقل دو نظر را از راه تلفیق بdest بیاورد و ساعت دو نیم دو نیمینه نظر گروه چهارده نفری را به گروه خود ببرند و به بحث بگذارند و ساعت دوازده دوباره باشورای هماهنگی جلسه گروه چهارده نفری تشکیل شود و متن رای اولی جلسه عصر آماده کنند»، بنی صدر موافقین با این پیشنهاد قیام کنند. (بیست و هشت نفر برخاستند) چون عده حاضر در جلسه شصت و نه نفر است پیشنهاد رد شد. پیشنهاد بعدی از آقای دکتر آیت است که قرائت میشود: «پیشنهاد میکنم برای اینکه باین بست مواجه نشویم درمورد اینکه چه متمنی در مجلس مطرح گردد، اکثریت نسبی کافی باشد ولی البته درمورد تصویب خود اصل دوسوم کل مجموع آرا لازم است». پیشنهاد روشن است و دفاع و توضیح نمی خواهد و یک نفر مخالف میتواند صحبت کند. آقای مکارم بفرمانید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم، این پیشنهادی که فرمودند فکر میکنند در صدر و ذیلش یک تضادی وجود دارد. یعنی اکثریت نسبی این است که پیشنهاد اول بیست رأی بیاورد و پیشنهاد دوم فرضًا پانزده رأی و پیشنهاد سوم ده رأی و لوهیچکدام از اینها رأی کافی نباورد، ما ملزم خواهیم شد پیشنهاد اول را که بیست رأی آورده و بیش از پیشنهادهای دیگر رأی داشته است بپذیریم و آن را متن بحث قرار بدهیم. پس نتیجه این شد که ما این پیشنهاد را بایست رأی، متن قرار بدهیم و چون اکثریت نسبی را داشته است آن وقت در رأی گرفتن به مجموع ، ما چطور میتوانیم به پیشنهادی که اصلش بیست نفر موافق بیشتر نداشته است دوسوم رأی بیاوریم؟ آن وقت دو مرتبه اصلاحش کنیم و به رأی بگذاریم و قاعده ای رأی نخواهد آورد و بن بست را نخواهد شکست و به این دلیل بنده فکر میکنم اگر اجازه بفرمانید...
نایب رئیس — اگر پیشنهادی دارید باید بنویسید و اگر عنوان مخالف با پیشنهاد آقای آیت صحبتان تمام شد بفرمانید.

مکارم شیرازی — برای شکستن بن بست...

نایب رئیس — پیشنهاد تازه ای دارید؟

مکارم شیرازی — بلی.

نایب رئیس — پس لطفاً بنویسید. آقای آیت اگر توضیحی دارید بفرمانید.
آیت — بسم الله الرحمن الرحيم. درمورد این پیشنهادی که من دادم چون مطابق آئین نامه اگر حد نصاب دوسوم را درمورد تصویب درنظر نگیریم که باید درنظر بگیریم اگراین اصول مطرح شود بدیهی است هر کمیسیونی خواه ناخواه روی نظر خودش ممکن است توجه بیشتری داشته باشد و رأی نمیدهد و بنابراین هیچ اصلی برای مطرح شدن رأی نمیاورد و درنتیجه دچار بن بست میشویم . اما اینکه آقای مکارم اشاره کردند که چگونه پیشنهادی که بیست رأی میآورد



اگر مطرح شود، میتواند دوسم آرا را بیاورد، درست نیست. برای اینکه افراد رأی نمیدهند و تنها به پیشنهاد کمیسیون خودشان رأی میدهند ولی بعد وقتی که این متن مطرح شد، خواه ناخواه ممکن است رأی بیاورد. بنابراین یک عده‌ای رأی نمیدهند برای اینکه متن خودشان را بتر از متن دیگران میدانند و هیچ راهی برای خروج ازین بست جز تصویب این پیشنهادی که من دادم نیست. چون خواه ناخواه یک متن باید مطرح شود و جز اکثریت نسبی برای طرح یک متن، راه دیگری مانداریم.

نایب رئیس — موافقین با پیشنهاد آفای آیت قیام فرمایند.

(بیست و سه نفر از شصت و هشت نفر عده حاضر در جلسه برخاستند) بنابراین ، این پیشنهاد رد میشود . و مأکار مان را با همان آئین نامه ادامه میدهیم و برطبق آئین نامه متن پیشنهادی گروه اول را به رأی میگذاریم . (یکی از نمایندگان — من در این باره پیشنهادی دارم) . به هر حال اگر صلاح بدانند جلسه را بعنوان تنفس تعطیل کنیم و یک جلسه مجدد آ برای اصلاح آئین نامه تشکیل بدهیم . چون پیشنهادها خیلی زیاد است و ما اگر امروز مرتب بخواهیم تا آخر وقت به این پیشنهادات پردازیم و یکی موافق و یکی مخالف بحث بکند شاید دو جلسه دیگر هم صرف اینکار بشود . بنابراین امروز برطبق آئین نامه ادامه میدهیم و برای اینکه شورای هماهنگی مسئول بشود و در یک کمیسیون مشترک با هیأت رئیسه به کلیه پیشنهادات رسیدگی کند و کمیسیون خاصی هم لازم نباشد و اگر دیدیم که واقعیات بست وجود دارد، برای راه حل فکری بکنیم. بنابراین برطبق آئین نامه عمل میکنیم و متن پیشنهادی گروه اول را صرفنظر از اصلاحات جزئی که هر کدام از گروهها یا آقایان پیشنهاد کردند، البته آنها مجددآ فراز به فراز خوانده میشود و اصلاحات لازم به رأی گذاشته میشود و اینکه پایه و بنی را برای اصل دوم، متن پیشنهادی گروه اول قرار بدهیم، یعنی همان متنی که مکرر خوانده شده و عبارتست از «جمهوري اسلامي نظامي است توحيدی برپا يه.... الى آخر» صرفنظر از هدفها که آن هم اصل سه است.

موسوي اردبيلي — چون اين متن با متن گروه چهار تقریباً یکی است اين دوراباهم رأی بگيريد.

نایب رئیس — مشکر این کار را خواهیم کرد.

مهندس سعادی — اینکه فرمودید اول به متن رأی میگیریم بعد آگر اصلاحاتی لازم داشت با قیام و قعود انجام میدهید ، شاید اصلاحات بروفق مراد نباشد . اگر اول اصلاحات مشخص شود بعد رأی گرفته شود ، بهتر است.

نایب رئیس — هیچکس نمی تواند فکر کند که کلیه آنچه که گفته است همه قبول می کنند. اول به چهارچوب متن پیشنهادی رأی میگیریم بعد آگر اصلاحی لازم داشت بترتیب مطرح میکنیم و رأی میگیریم . این راه بهتر است وزودتر مارا بمقصود میرساند پس ناچار باید رأی بگیریم . نمایندگانی که با متن پیشنهادی گروه اول برای اصل دوم موافقت تا اصلاحات بعد آ مطرح بشد قیام فرمایند (عده‌ای برخاستند). آقایان با استند تاشماره شود . (شمارش بعمل آمد و چهل و سه نفرایستاده بودند) درحالی که برای تصویب قطعی باید چهل و هشت رأی موافق باشد ، بنابراین رأی کافی نیاورد. اکنون متن پیشنهادی گروه دوم قرائت میشود :

« جمهوري اسلامي نظامي است الهي بر پایه عقاید اسلامي و کرامت و ارزش انسان بمنظور رسیدن به اهداف زیر :



- ۱ - پرورش و تکامل انسانها در همه زمینه‌های مادی و معنوی و جهاد هر انسان در راه پیشرفت خود و دیگران .
- ۲ - برقراری قسط وعدل اجتماعی و اقتصادی و نفی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی .
- ۳ - آزادی واستقلال انسانها .
- ۴ - استفاده کامل از تمام علوم و فنون پیشرفته و تجارت سودمند بشری در پرتواجرای تعالیم اسلامی » .

نایب رئیس - مطلبی را که میبايستی اول جلسه تذکرمه دادم و فراموش شد، حالا تذکر میدهم که مبنای عده نمایندگان مجلس خبرگان هفتاد و دونفر است و چون یکی از نمایندگان حاضر نشده است، حدنهای برای تصویب، چهل و هشت نفرخواهد بود. اکنون رأی میگیریم به متن پیشنهادی گروه دوم برای اصل دوم آقایانی که موافقند، قیام فرمایند. (عده کمی برخاستند) رشد. اینک متن پیشنهادی گروه پنج قرائت میشود :

«جمهوری اسلامی نظامی است مبتنی بر :

توحید و دیگر عقاید و اصول اسلامی با تکیه بر ارزش و کرامت انسان، مسئولیت او درباره خویش و جامعه و نقش بنیادی تقویت رشد او، نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی داخلی و خارجی و ضرورت استفاده از دستاوردهای سودمند علوم و فرهنگ بشری بالتزام به تعالیم حیات بخش اسلام ». ضمناً یک بند به اصل دو پسخ زیر اضافه شود :

«آزادی و اختیار انسان در انتخاب مسیر زندگی و سرنوشت خویش ».

نایب رئیس - رأی میگیریم به متن پیشنهادی گروه پنجم، موافقین قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد. آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر - بنده قبل اگفته بودم که دونظر بیشتر نیست و بندشماره هفت این سه گروه قابل تلفیق است و اگر این کار را میکردیم دیگر این دردرسها را نداشتم .

نایب رئیس - خیال میکردم که نظر جدیدی دارید. اکنون متن پیشنهادی گروه شش خوانده میشود :

«جمهوری اسلامی، نظامی است که برپایه قرآن و سنت پیغمبر اسلام (ص) و ائمه اطهار «ع» بناسده و برای تحقق بخشی اهدافش، شامل روشهای زیر است :

۱ - تحکیم مبانی اعتقاد اسلامی .

۲ - اعتقاد بربری مستمر در مسیر تداوم انقلاب اسلامی .

۳ - تحقق بخشی و پرورش استعدادهای ارزنده انسانی .

۴ - حمایت از آزادی و اختیارات افراد ملت در ساختن سرنوشت خویش بر مبنای قوانین اسلامی .

۵ - اقامه و گسترش قسط و عدل، در سراسر کشور و نفی هرگونه تبعیض، سلطه جوئی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و ضرورت استفاده از دستاوردهای سودمند و علوم و فرهنگ بشری غیر وابسته .

۶ - تحریص و تشویق افراد به جهاد در راه تکامل انسانی خود و دیگران .

۷ - شناسائی حقوق برابر، برای همه افراد ایرانی بر طبق موازین اسلامی .»

نایب رئیس - آقایانی که با متن پیشنهادی گروه ششم برای اصل دوم موافقند قیام فرمایند.



(عده کمی برخاستند) ردشد . متن پیشنهادی گروه هفت خوانده میشود : «جمهوری اسلامی نظامی است مبتنی برپایه یکتاپرستی و سایر معارف و احکام اسلامی که بطبق آیه بیست و چهار از سوره حديد «ولقد ارسلنا رسالنا بالبيانات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط» ، عدالت و قسط اجتماعی و اقتصادی و نفی کامل سلطه طلبی و سلطه پذیری را در پی می آورد .

نایب رئیس — موافقین با متن پیشنهادی گروه هفتمن برای اصل دوم قیام فرمایند . (عده کمی برخاستند) تصویب نشد . (عدهای از نمایندگان — متن پیشنهادی گروه چهارم را هم رأی بگیرید — موسوی تبریزی— اگر این پیشنهادها را بعد از اصلاح رأی بگیرید بهتر است) آقای طاهری اصفهانی بفرمائید .

طاهری اصفهانی — اینکه اول گفتم اگر اصلاحات را اول اعمال کنند بعد آ رأی بگیرید بهتر است، برای اینست که مثلا در متن پیشنهادی گروه دوم جمله ایست که میگوید: «آزادی و اختیار در انتخاب». خوب اگر این جمله در این پیشنهاد نبود چه بسا همه موافق بودند و رأی کافی می آورد . البته همه متون پیشنهادی بهمین شکل است اگر اول اصلاح شود بهتر است . (نایب رئیس — من که توضیح دادم) توضیح شما دردی را دوا نمی کند وقتی جمله ای نامناسب در متن پیشنهادی باشد من بخودم اجازه نمیدهم که موافق باشم .

نایب رئیس — این مساله خیلی روشن بود و من هم چندین بار تکرار کردم . ما میخواهیم بینیم اول کدام متن را انتخاب کنیم تا بعد آ اصلاحات جزئی را در آن بعمل بیاوریم و چون متون باهم تفاوت دارد آن متن که نزدیکتر است به آن رأی موافق بدهند . الان رأی میگیریم که کدام یک از این پیشنهادها را بعنوان متن قبول کنیم . اینکه اگر آقایان نظر جدیدی در رفع این مشکل دارند کتاباً پیشنهاد بفرمایند تا بررسی شود . گروه چهار آنچه را که داده بصورت یک متن داده است هرچند اختلافات جزئی با متن اول دارد و علی القاعده باید آنها که موافق بودند در همان رأی شرکت میکردند، موافقین با اینکه متن پیشنهادی(یکی از نمایندگان — آن را قرائت کنید) الان جلوی چشم شما است ما متن اول را هم نخواهندیم (منتظری) — اختلافاتش را بخواهید اجازه بفرمائید آقای سید اسدالله مدنی فرمایشی دارید بفرمائید .

سید اسدالله مدنی — بنظر من اگر پیشنهاد آقای آیت را دو قسمت بگذیم بهتر است متنها باید این حد را قائل باشیم که اکثریت نسبی کافی باشد و برای اصل، دو سوم لازم است، این دو تا را از هم جدا کنیم و بینیم آیا برای تصویب متن پیشنهادها رأی اکثریت نسبی کافی است یانه ... اگر بگوئیم که برای متن پیشنهادی رأی دو سوم نمایندگان لازم است این مشکل همیشه باقی خواهد بود و آئین نامه هم بهمین شکل تصویب شد که برای تصویب هر اصل، دو سوم آراء لازم است و بنابراین مابین نفی و اثبات چهل و پنج نفر رأی میدهند ویرفرض که همه حاضر باشند معنایش اینست که بیست و هفت نفر رأی نداده اند و این مخالف سیزمان عدالت است . و حالا که دو سوم رأی مجموع نمایندگان لازم است، این تصمیم باوضع مجلس هیچ وقت جور در نمی آید پس باید نسبت به آئین نامه تجدید نظر شود که من با یک قسمت پیشنهاد ایشان موافق هستم و گمان نمی کنم کسی هم با نظر من مخالف باشد . پیشنهادمن اینست که رأی اکثریت نسبی مناط باشد .



نایب رئیس — برای اینکه درباره این متن پیشنهادی چگونه رأی رفته شود و عمل کنم پیشنهادهای زیادی رسیده که همه آنها را میفرستم به هیأت رئیسه و شورای هماهنگی که رسیدگی کنند و در اول جلسه فردا بعنوان راه حلهای پیشنهادی، یکی یکی روی آن بحث می‌کنیم و فقط برای اینکه کاراًین جلسه ناقص نباشد، متن پیشنهادی گروه چهار را درباره‌اصل دو که در صفحه یک چاپ شده ملاحظه بفرمائید تا نسبت به آن رأی بگیریم و جلسه را اختتم کنیم. آقای علی تهرانی بفرمائید.

علی تهرانی — پیشنهادی داده‌ام خدمت شما که باید آن را به رأی بگذارید.

نایب رئیس — آقا اجازه بفرمائید، قرارشده پیشنهادها به کمیسیون بروند اگر حضرت‌عالی پیشنهادی دارید بدھید برود به کمیسیون (علی تهرانی — پیشنهاد من باید به رأی گذاردهشود) پس پیشنهاد راجع به خود اصل بود آقای تهرانی — بلی آن را نوشته‌ام (متن گروه چهار رالطفاً مطالعه بفرمائید که بعداز دو دقیقه آن را به رأی خواهی گذاشت). (منتظری — این متن ناقص است کامل نشده) من همین را دارم اعلام میکنم (طاھری — آقای منتظری اجازه بفرمائید به این پیشنهاد گروه چهار یک جمله اختلاف کنند) اگر پیشنهاد گروه چهار ناقص است پیشنهاد راتکمیل بفرمائید که در جلسه فردا مطرح شود (طاھری — یک جمله باید به آن اختلافه شود) یعنی این پیشنهاد کمیسیون است، یا پیشنهاد شخصی ایشان است، آقای طاھری توجه بفرمائید من می‌خواهم بعنوان مسئول جلسه کاری بکنم که برای همه گروهها میکنم، درمورد همه گروهها عین پیشنهاد نوشته شده را رأی گرفتم.

منتظری — من این اصل پیشنهادی را میخوانم «جمهوری اسلامی نظامی است برپایه ایمان به خدای یکتا و عادل و تسلیم دربرابر او و اختصاص حاکمیت و تشریع به او، اعتقاد به وحی الهی و نقش بنیادی او در بیان قوانین، اعتقاد به معاد و نقش سازنده آن در تکامل انسان و التزام قلبی و عملی او به احکام و قوانین. در اینجا فقط یک کلمه (الهی) اختلاف کرده‌ایم آن بخشی است جدا، «امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن بر تداوم اسلام انقلابی، کرامت و ارزش والای انسان و پرورش استعدادهای الهی نهفته دراو، آزادی و اختیار انسان...»

اما با اینطور مخالفیم «آزادی و اختیار خدا دادی انسان یا اینکه آزادی و اختیار انسان در سرنوشت خویش در محدوده قوانین، قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی و فنی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی...». اینجا عنوان کردیم که این قسمت اگر به اصل سوم عقیده داشته باشیم، این هدفها، یعنی این کلمه «قسط و عدل» در اصل سوم ذکر شود و قیه اش هم اینظور نوشته شود «استفاده کامل از علوم و فنون پیشرفته و تجارب سودمند بشری بدون هیچگونه وابستگی». این متن پیشنهادی گروه چهارم برای این اصل است.

نایب رئیس — اگر هیچکس در جلسه مخالف نباشد با اینکه من، این پیشنهاد خلاف اصول را به رأی بگذارم، اعلام رأی میکنم اگرحتی یکنفر مخالف باشد، به رأی نمی‌گذارم. آقای قائمی شما مخالفید؟

قائمی امیری — من اخطاری دارم.

نایب رئیس — آقای قائمی امیری بفرمائید. در ضمن متن پیشنهادی گروه چهار را دو دقیقه مطالعه کنید تا رأی بگیریم.

قائمی امیری — در صفحه چهارم آئین نامه درباره مراحل برسی، سه مرحله نوشته شده است



مرحله‌اول، تشکیل کمیسیونهای مقدماتی، مرحله‌دوم، بررسی اصول و مرحله سوم، تشکیل جلسات عمومی مجلس برای تصویب اصول کمیسیونهای مقدماتی است. اصولاً تشکیل کمیسیونهای مقدماتی برای این بوده است که آقایان بتوانند این نظرات را ابراز بکنند و روی آن اصول فکر کنند و شب مطالعه کنند و حاصل بررسی آنها یک متن شود که در جلسه علنی به آن رأی گرفته شود و تصویب شود. در جلسه علنی باید یک متن مطرح شود نه آنکه تمام متن مختلفی را در اینجا بخوانند و مورد بررسی قرار بدهند. با این وضعی که الان مجلس دارد، کارهای ما اکثرآ برخلاف آئین نامه است. متن آئین نامه میگوید که جلسات عمومی باید مطالب کمیسیونهای مقدماتی را تصویب کند.

نایب رئیس — در جواب آقای قائمی باید توجه ایشان را به ماده بیست و شش که چند دقیقه قبل آن را خواندم جلب کنم. این ماده بیست و شش تکمیل آن ماده قبلی است. آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — تبعیض صحیح نیست، مگر آقای منتظری وضع خاصی دارند که هر وقت خواستند صحبت می‌کنند و پیشنهاد خاصی میدهند؟ حالاً شما میخواهید کدام متن را به رأی بگذارید؟ همان را که در این جلسه آقای منتظری اصلاح کرده‌اند؟

نایب رئیس — خیر از نظر بنده متن پیشنهادی گروه چهارم چون در مجلس عمومی اصلاح شده، قابل طرح و رأی مجلس نیست. چون در این مورد دوستان، کم‌عنایی کردند و این کار خلاف رویه است و وقت را تلف می‌کنند از این بعد هم اجازه ندهید من کاری خلاف رویه بکنم. بنابراین از نظر من این متن قابل طرح در جلسه و رأی نیست. آقای علی تهرانی پیشنهادی کرده‌اند که آن را به رأی می‌گذاریم. آقای تهرانی یک پیشنهاد جدید دارند و آن این است که اصولاً اصل دو حذف شود و کل آن به مقدمه برد شود. توضیح به اندازه کافی درباره آن داده شده است. اگر کسی با این پیشنهاد مخالف است می‌تواند صحبت کند، زیرا باید الگو باشد چون بعنوان برائت الاستهلال است که شما خودتان در اول کتابها می‌گذارید. پس این را باید هم الگوی اصول بعدی که بعد آن تصویب خواهد شد، قرار بدهید و هم زیربنای انقلاب ما است ولذا باید در اول بلکه بعنوان اصل اول در متن قانون اساسی نوشته شود. این علت مخالفت من بود. آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — بسم الله الرحمن الرحيم. بنده با پیشنهاد آقای آشیخ علی آفات‌تهرانی مخالفم برای اینکه ریشه انقلاب اسلامی مردم ایران محركش همان عقاید مردم بوده است و یعنی عقیده به معاد و توحید و این امور بوده است یعنی این مطلب که بکشد، در بهشت است و کشته هم بشود در بهشت است. بنابراین چیزی که زیربنای انقلاب ماست، چیزی که واقعاً اسلام را زنده کرده است، چرا بعنوان زیربنای باید آن را ببریم در مقدمات؟ به عقیده من این باید در اول قانون اساسی به عنوان اصل زیربنای انقلاب و زیربنای اصولی که بعد آن تصویب خواهد شد، قرار بگیرد.

(ساعت نوزده وده دقیقه نایب رئیس جلسه را ترک کرد و رئیس به جای ایشان قرار گرفت)

رئیس — آقای تهرانی فرمایشی داشتید؟

علی تهرانی — میخواستم از پیشنهاد خودم دفاع کنم.

رئیس — آقای تهرانی پیشنهادشان این بود که این اصل را متقل کنیم به مقدمه و



آقای موسوی تبریزی مخالف بودند و صحبت هم کردند . حالا پیشنهاد ایشان را به رأی میگذاریم کسانی که با این پیشنهاد که از این اصل صرف نظر شود و منتقل شود به مقدمه، موافقند، قیام فرمایند . (عده کمی برخاستند) تصویب نشد .

چند تن از نمایندگان — آقا جلسه را ختم کنید .

رئیس — چند دقیقه آقای دکتر روحانی صحبت می کنند ، بعد از آن جلسه را ختم می کنیم . آقای روحانی بفرمائید .

دکتر روحانی : بسم الله الرحمن الرحيم.

سعید دوچیز می شکند پشت مرد را تصدیق بی وقوف و سکوت و قوف دار من بنابه مسؤولیت خطیری که بعنوان عضو کوچکی از این مجلس و یکی از اعضاء هیأت رئیسه دارم برای اینکه جلسه به مسیر بهتری هدایت شود اجازه می خواهم چند کلمه ای خدمت نمایندگان محترم عرض کنم . همانطور که اطلاع دارید سه روز نشستیم وقت صرف کردیم تا بجای آئین نامه قبلی ، آئین نامه داخلی مجلس را تنظیم کردیم واکنون می بینیم که در بعضی از موارد ، این آئین نامه بنحو مطلوب پاسخگو نیست . دیروز عده ای از نمایندگان محترم گلایه کردند که چرا نظرات همه گروهها پلی کپی نشده است . برای انجام این امر شورای هماهنگی دیشب و امروز صبح ، با همکاری گروه یک کلیه نظرات واصله مربوط به اصل دو وسه را تکثیر نمود و در اختیار نمایندگان محترم گذاشت که متأسفانه امروز عده ای از همار میدارند که متون متعدد علاوه بر آنکه باعث بحث های طولانی می شود رأی گیری های متعددی را ایجاد می کند ، لذا پیشنهاد می کنم با توجه به اینکه گاهی اوقات هیچ یک از متون رأی کافی (چهل و هشت رأی) نمی آورد و در اینگونه موقع آئین نامه پیش بینی لازم را نکرده است ، امروز جلسه تعطیل شود و در اولین فرصت جلسه ای از شورای هماهنگی و هیأت رئیسه تشکیل و با استفاده از کلیه پیشنهادات واصله درباره رفع اشکال موجود ، تصمیم لازم را اتخاذ نمایند تا بدین ترتیب آئین نامه در این قسمت گویا و کامل گردد . متشکرم .

— پایان جلسه ۳

رئیس — جلسه عجالتاً امروز تعطیل می شود . آقایان هر پیشنهادی دارند به هیأت رئیسه و شورای هماهنگی بد هند که انشاء الله جلسه تشکیل مید هند و همه پیشنهادها را رسیدگی می کنند . امروز عجالتاً جلسه تعطیل نمی شود و فردا ساعت چهار و نیم بعد از ظهر تشکیل خواهد شد .

(جلسه در ساعت نوزده و سی دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — حسینعلی منتظری



جلسه یازدهم

صورت مژوی مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۳:۰۰ دقیقه روز سیزده هم‌شهریور ماه ۱۳۹۹ هجری شمسی
برابر با دوازدهم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- | | |
|--|--|
| ۱- اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی (نایب رئیس) | پیامون تشکیل شورای چهارده نفری هماهنگی |
| ۲- طرح و تصویب اصل دوم قانون اساسی | |
| ۳- اعلام تنفس و تشکیل مجلد جلسه | |
| ۴- پایان جلسه | |

دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱- اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی (نایب رئیس) پیرامون تشکیل شورای چهارده نفری هماهنگی

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. چون اکثریت برای شروع جلسه رسمی کافی است کارهایمان را آغاز میکنیم. برطبق آخرین مذاکرات جلسه دیروز، امروز صبح جلسه مشترک هیأت رئیسه و شورای هماهنگی تشکیل شد، پیشنهادهایی درباره بهترشدن کیفیت کار پیش از آوردن طرح به جلسه عمومی رسیده بود، این راهم اضافه کنم که در اوآخر جلسه سه نفر از اعضاء گروه چهار در جلسه شرکت کردند که حامل پیشنهادهایی بودند. سرانجام پس از بررسی پیشنهادها با اکثریت آراء اعضاء جلسه مشترک هیأت رئیسه و گروه هماهنگی اینطور تصمیم گرفتند که برای اینکه متنی که به جلسه علنی آورده میشود مرحله تکاملی بیشتری را طی کرده باشد و اینجا وقت کمتری را بگیرد، یک جلسه هماهنگ کننده بر کم از چهارده نفر، از هر گروه دو نفر تشکیل شود و اینها طرحهای پیشنهادی را رسیدگی بیشتری بکنند و با اکثریت آراء خود متنی را برای آوردن به جلسه علنی آماده کنند، آن متن اینجا مطرح میشود و مورد بحث و رسیدگی قرار میگیرد و به رأی گذاشته میشود. البته بالاصله جلسات گروهها تشکیل شد، نمایندگان انتخاب شدند و این جلسه چهارده نفری اسرع قبل از ظهر تشکیل شد و پیشنهادهای مربوط به اصل دو مورد بررسی قرار گرفت و اصل دو به این صورتی که ملاحظه فرموده اید در اختیار همه نمایندگان قرار گرفت. اول سؤال کنم، آیا این متن خدمت همه نمایندگان رسیده است؟ (نمایندگان بله) این راهم اضافه کنم که برای روزهای آینده کوشش میشود تبعیجه کار این جلسه مشترک چهارده نفره گروهها، همان قبل از ظهر به جلسات گروههای هفتگانه برگردد تا نمایندگان باحضور ذهن و آساندگی بیشتری در جلسه علنی حضور پیدا کنند و آنرا مورد بررسی و تصویب قرار دهد.

۲- طرح و تصویب اصل دوم قانون اساسی

- نایب رئیس - حالا اصل دو را یکبار می خوانم و بعد فراز به فراز آنرا به رأی میگذاریم.
- اصل ۲- جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی که برپایه ایمان به:
- ۱- خدای یکتا (الله‌الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و تسليم در بر ابرام را.
 - ۲- وحی الهمی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
 - ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان بسوی خدا.
 - ۴- عدل خدا در خلقت و تشریع.
- ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.
- ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، استوار است.
- و از راه:
- نفی هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری.



- اجتهاد مستمر فقیه جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت.
- استفاده از علوم و فنون و تجربه پیشترته وتلاش در پیشبرد آنها.
- قسط وعدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین میکند.

این طرح جدید اصل دو است، با توجه به اینکه دیروز درباره بسیاری از مطالب مربوط به این اصل بصورت موافق و مخالف صحبت شد، حالا هر فرازی رابطه جدگانه میخوانم و اگر در مردم هر فرازی مخالفی باشد یک مخالف صحبت میکند وطبعاً یک نفرم دفاع میکند و بعدیه رأی گذاشته میشود. (ربانی) — من راجع به اینکه این اصل پایه و هدف و روش داشته باشد، اشکال دارم. (توجه پرماید مادر جلسه) در مردم اینکه پایه باشد یا نباشد، بحث کرده‌ایم، حالا موقع رأی‌گیری است با این وصف برای اینکه حداکثر آزادی رعایت شده باشد، مامی تو اینم اگر مطلبی علاوه بر مطالب دیروز داشته باشید یا تذکر خاصی داشته باشید به شما وقت بد هیم که با نهایت اختصار بیان بفرمائید.

ربانی شیرازی — تذکر خاصی است.
نایب رئیس — بفرمائید.

ربانی شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. این ترکیبی که در این اصل درست شده بدنبال اشکالی است که به اصل دوم قلی وارد بود که در آنجا روش و پایه و هدف مخلوط شده بود و ظاهراً در اینجا خواسته‌اند که پایه از روش و هدف جدا باشد «نفي هرگونه ستمگری و ستمکشی» روش نیست، «اجتهاد» روش است، «استفاده از علوم» روش است ولی «نفي هرگونه ستمگری و ستمکشی» روش نیست، یا اینکه مبارزه با طاغوت در تبیيت حاکمیت الله است، «ولقد بعثنا في كل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت» یعنی ایمان به خدای یکتا «الله» است و مبارزه با طاغوت «الله» است این دو تا رویهم تشکیل میدهد «لله الا الله» را. پس این راجزو روش آوردن درست نیست، باید بدنبال اصل اول یعنی ایمان به خدای یکتا باشد. مسئله دیگر (لله الا الله) است که تفسیر خدای یکتا است و جمله، جمله درستی نیست. دیگر اینکه اگر کلمه «استوار» را برداریم جمله بعدی درست در نماید چون بدنبالش می‌اید «از راه نفي هرگونه ستمگری».

نایب رئیس — بسیار متشکریم، آقای بنی صدر بفرمائید.
بنی صدر — بسم الله الرحمن الرحيم. عرض کنم که نفي کردن و مبارزه «روش» است. در هیچ جای دنیا کسی به این دلیل مبارزه نمی‌کند که چون خود مبارزه هدف است، بنابراین اجتهاد هم یک نوع مبارزه است منتهای در تبلور ذهن و علم از راه جهاد با جهل مبارزه میکند. بنابراین مادرست آورده‌ایم روش است و نفي میکند سلطه‌گری و سلطه پذیری را برای اینکه برسد به قسط و عدل و این هدف که تأمین شد، این اصول انشاء الله در جامعه ما تبلور پیدا می‌کند، چون ما خودمان امروز صبح توحید را اجرا کردیم و هفت نظر را به یک نظر درآورده‌یم.

ربانی شیرازی — کلمه «توحیدی» در اینجا چه معنی دارد؟ مراد «الله» است؟
نایب رئیس — درباره این مسئله دیروز به حد کافی صحبت شد. یعنی در باره کلمه «توحیدی» و بودنش و همچنین دلایلش، مخالف و موافق صحبت کرده‌اند. اگر امروز دوباره بخواهیم مطرح کنیم و هر یک از آقایان صحبت بفرمائند، قبول کنید که کار ما پیشرفتی



نخواهد داشت.

منتظری — من با کلمه «توحیدی» مخالفم و می خواهم دلایل مخالفتم را بگوییم.

نایب رئیس — ما جمله اول اصل دوم را به رأی میگذاریم والبته هر کس با آن مخالف است رأی کبود میدهد. اگر پس از رأی گیری، این جمله به حد کافی رأی آورد که مسأله تمام است و گرنه پیشنهادات جدید را مطرح می کنیم. خواهش می کنم جز نمايندگان، کسی در جلسه نباشد تا در شمارش آراء اشکالی پیش نیاید. برای حضور ذهن دوستان جمله اول را یکبار می خوانم: «جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی که برپایه ایمان به: «کسانیکه با این جمله به همین صورت که قرائت کردم، موافقند خواهش می کنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) با چهل و هشت رأی به تصویب رسید. البته آقای صدوqi رأی موافق دادند و از جلسه خارج شدند.

عدهای از نمايندگان — باید ایشان در جلسه حضور داشته باشند.

منتظری — ما این طرز رأی گیری را قبول نداریم، هر کس رأی میدهد باید در جلسه هم حضور داشته باشد. ما از اول مخالف بودیم و حالا هم باید اجازه داده شود نظریمان را بگوئیم بعد رأی گیری شود.

نایب رئیس — اگر آقای منتظری که در حقیقت مسئول اداره جلسه هستند ...

منتظری — من از چیز خلاف دفاع نمی کنم.

نایب رئیس — جناب منتظری، عرض کردم که دیروز راجع به این مسأله خیلی صحبت شد.

منتظری — دیروز، دیروزبود و امروز هم امروز است. مسأله ای که امروز مطرح میشود باید درباره اش صحبت کرد.

نایب رئیس — به هر حال راجع به این موضوع بعد کافی صحبت شده است و ادامه این صحبت ها درباره مسأله ای که قبل از تفصیل صحبت شده جز تضییغ وقت، نتیجه دیگری ندارد و تکرار مسائل است. اگر من مسئول اداره جلسه باشم ناچار همین روش را ادامه بدهم.

منتظری — کار شما فرصل طلبی است.

عدهای از نمايندگان — اجازه بدھید آقای منتظری نظرشان را بفرمایند. بعلاوه آقای صدوqi هم در جلسه حاضر شوند امکن شود که رأی ایشان چه بوده است.

طاھری گرانی — برای اکثریت آراء باید چهل و نه رأی باشند چهل و هشت رأی.

نایب رئیس — دیروز اعلام کردم که چون تعداد کل نمايندگان در حقیقت هفتاد و دو نفر است، پس اکثریت چهل و هشت نفر میشود. یعنی برای تصویب هر اصلی چهل و هشت رأی کافیست. معذالک اگر میفرماید که باید آقای صدوqi هم در جلسه حضور داشته باشند، تأمین می کنیم تا ایشان تشریف بیاورند. بنابراین اجازه بدھید موکول کنیم به بارگشت ایشان و اگر رأی کافی نبود دوباره به رأی میگذاریم.

منتظری — اجازه بدھید حرفمن را بزنیم.

نایب رئیس — اگر می خواهید بی اجازه صحبت بفرمایید، حرفي نیست.

حجتی کرمانی — گواینکه کلمه «توحید» را که از بچگی مادر دهات و مدارس ...

نایب رئیس — خواهش می کنم بدون اجازه صحبت نفرمایید. چون اگر شما مثلًا بعنوان موافق صحبت کنید باید یک نفر هم دوباره بعنوان مخالف صحبت کند و اینکار تا آخر همینطور



ادامه پیدا خواهد کرد.

حائزی — توحید، مال عقاید و عمل است، آقا چه اصراری دارید که معنی این کلمه برای همه روش نشود؟ من هم با اینظر رأی گرفتن مخالفم.

نایب رئیس — وقتی مسئله‌ای در جلسه مطرح میشود نظرات مختلفی هم درباره آن وجود دارد و همیشه هم به همین صورت بوده که هر کس پیشنهادی داشته، داده است و رویش صحبت کرده و مخالف و موافق نظرات و دلایلشان را گفته‌اند. بنابراین وقتی بحث به حد کافی شده ما ناچار هستیم که در پایان آن را به رأی بگذاریم و راهی هم غیر از این نیست. البته ما نباید انتظار داشته باشیم که درباره هر موضوعی اتفاق آراء باشد، ممکنست یکی دو نفر هم با آن مخالف باشند و در نتیجه رأی مخالف بدهنند. آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری اصفهانی — اجازه بدهید آقایان منتظری و حائزی نظرشان را بفرمایند شاید عده‌ای رأی‌شان برگردد. الان کلمه «توحیدی» برای همه اشکال پیدا کرده است. در اصفهان زیر پوشش ارتش توحیدی، می‌گویند ارتش بی‌طبقه و درجه‌ها را کنده‌اند و این برای ما دردرس ایجاد کرده است.

منتظری — باید اجازه داده شود که هر کس هر نظری دارد بگوید، بعد رأی گرفته شود.

نایب رئیس — آئین نامه داخلی مجلس راه ما را روش نکرده، روش‌های تجربه شده در سالهای استمادی هم طرز کار مجلس را روش نکرده است، خوب، اگر بخواهیم بعد از اینکه دیروز اینهمه صحبت شد، باز بحث را ادامه بدهیم و یک مخالف و یک موافق صحبت بکنند و مجددآ نفر سومی و چهارمی به دلیل مخالف و موافق بودن، نظراتشان را بگویند، من سؤال می‌کنم آیا می‌توانیم بحث‌ها را به همین ترتیب جلو ببریم؟

منتظری — پس لاقل به جای کلمه «توحیدی» بنویسید «الهی».

نایب رئیس — آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — ما دیروز بحث‌ها را کرده‌ایم و الان در مرحله رأی‌گیری هستیم. امروز برای حل مشکل دیروز اینجا آمدہ‌ایم. دیروز قرار شد که برای حل مشکل راه حلی پیدا کنیم، به همین جهت در گروه چهارده نفری شرکت کردیم و این راه حل را ارائه دادیم و اتفاقاً خود آقای منتظری هم در آن گروه تشریف داشتند.

منتظری — من در گروه هم با آن مخالفت کردم.

بنی صدر — بله، ولی شما در اقلیت بودید و اکثریت یعنی ده رأی موافق داشت. آقای منتظری مطمئن باشید که ما هیچ‌کدام کمونیست نیستیم و نظر بخصوصی نداریم.

منتظری — آقای بهشتی خلاف آئین نامه عمل کردند. «توحیدی» یک لفظ است «الهی» هم یک لفظ دیگر.

بنی صدر — اگر بخواهیم راجع به همه اصل‌ها بدى‌نصرت عمل بکنیم، پس تصویب بفرمائید که دو سه سال اینجا بمانیم تا بتوانیم همه اصول را برسی و تصویب کنیم.

نایب رئیس — من یعنوان رعایت آئین نامه داخلی شخصاً نمی‌توانم در باره ادامه بحث تصمیم بگیرم، ولی باز ناچارم برای صرفه جوئی در وقت در چین حالت‌هایی اتخاذ تصمیم را بعده مجلس بگذارم. اگر بیش از نصف نمایندگان حاضر در جلسه — که الان شصت و هفت نفر حاضر هستند — موافق باشند که باز یک مخالف و یک موافق در این مورد صحبت کنند،



بحث را ادامه می‌دهیم. بنابراین کسانیکه با این پیشنهاد موافقند قیام بفرمایند (عده کمی برخاستند) رد شد. و اما برای اینکه هیچگونه ابهامی نباشد، الان که آقای صدقی هم در جلسه حضور به هم رسانده‌اند بار دیگر جمله اول اصل دوم را که قبل خوانده شد، قرائت می‌کنم و بعد به رأی میگذارم:

«جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی که برپایه ایمان به:» موافقین قیام بفرمایند (عده کمی برخاستند) این بار رأی کافی نیست و رد شد. پس اگر پیشنهاد جدیدی دارید کتاب مرقوم بفرمائید تا مطرح کنیم. الان پیشنهادی رسیده است که: «جمهوری اسلامی نظامی است الهی برپایه ایمان به:» موافقین با این پیشنهاد قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تعداد رأی کافی نیست و رد شد.

پیشنهاد دیگری است که بدون هیچگونه وصفی باشد یعنی کلمه «توحیدی» اصلاً حذف گردد. موافقین با این پیشنهاد قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. با تصویب جمله اول اصل دوم بدینصورت: «جمهوری اسلامی نظامی است برپایه ایمان به:» فراز اول اصل دوم خوانده میشود.

۱ — خدای یکتا (الله‌الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و تسليم در برابر امر او».

نایب رئیس — موافقین با فراز اول به همین صورت که خوانده شد، قیام فرمایند (اکثر برخاستند) با پنجاه و چهار رأی تصویب شد. فراز دوم خوانده میشود.

۲ — وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین».

نایب رئیس — موافقین با این جمله، خواهش می‌کنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) با شصت و دو رأی موافق به تصویب رسید. فراز سوم خوانده میشود.

۳ — معاد و نقش سازنده آن درسیر تکاملی انسان بسوی خدا».

نایب رئیس — این در حقیقت همان جمله دیروز است با مختصر تغییر و با این تقاویت که به جای «تکامل انسان» نوشته شده: «سیر تکاملی انسان». خواهش می‌کنم موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) با شصت و دو رأی موافق به تصویب رسید. فراز چهارم خوانده میشود.

۴ — عدل خدا در خلقت و تشریع».

نایب رئیس — جمله و دلایلش کاملاً روشن است، موافقین خواهش می‌کنم قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) با شصت و پنج رأی تصویب شد. فراز پنجم خوانده میشود.

۵ — امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام».

نایب رئیس — تغییراتی که در این فراز داده شد، بدبانی تذکرات و سوالات و پیشنهاداتی بوده که در جلسه دیروز مطرح گردید و مجدداً نیز در جلسه مشترک امروز به حد کافی درباره‌اش بحث و تبادل نظر شده است.

ربانی شیرازی — معنی انقلاب اسلام چیست؟

نایب رئیس — چون خود اسلام در حقیقت انقلاب بوده است، می‌خواهیم بگوئیم که انقلاب ما هم تداوم انقلاب اسلام است. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — اساس تشیع ما بر بنای توجه به ائمه اثنی عشر است و ما در اینجا دو بار از امامت اسم برده‌ایم ولی از ائمه اطهار نامی به میان نیامده است. به هر حال چون قوام کشور ما



بر تشیع است اگر اسمی از ائمه برد نشود، جفایی است که به انقلاب اسلامی ما شده است.

ربانی شیرازی — باید نوشتند شود «اسلام انقلابی» یا «انقلاب اسلامی».

نایب رئیس — قبل آقای فاتحی پیشنهاد خودشان را کتاب مرقوم فرموده بودند وحال هم درباره اش توضیح دادند. به هر حال ما فراز پنجم را به رأی میگذاریم موافقین با آن به همین صورت که خوانده شد قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) با پنجه و سه رأی از کل هفتاد رأی تصویب شد. فراز ششم خوانده میشود.

۶—**کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا**.

نایب رئیس — این فراز در حقیقت با توجه به پیشنهادات و تذکراتی که فرمودید اگام دو فراز در یک فراز است. بنابراین موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) با شخص و نه رأی از هفتاد رأی به تصویب رسید. فراز بعدی بدینصورت است: «واز راه نفی هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری» توجه دارید که در این باره آقای ربانی شیرازی عقیده داشتند که اینهم پایه است و راه و روش نیست و آقای بنی صدر هم دفاع کردند که راه است و پایه نیست پس با توجه به انتقاد آقای ربانی و پاسخ آقای بنی صدر این فراز را به همین صورت که خوانده شد به رأی میگذاریم موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) با پنجه و هشت رأی از هفتاد رأی به تصویب رسید. فراز بعدی خوانده میشود.

«اجتهد مستمر فقهی جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت».

نایب رئیس — آقای صدقوقی فرمایشی دارید، بفرمایند.

محمد صدقوقی — بسم الله الرحمن الرحيم . این جمله «اجتهد مستمر فقهی جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت» همیشه بوده در دوران گذشته هم بوده است و یکچیزی نیست که تازه آورده باشد. شما باید در اینجا تثبیت کنید که مردم باید در هر دوره و هر زمان تابع مرجع عالیقدر عالم تشیع باشند و جمهوری هم باید تابع و تحت نظر مرجع باشد و اساس اسلام روی مرجعیت گذشته شود . من خیال می کنم آقایان روی مرجعیت یک خرد حساسیت دارند، از جهه حساسیت دارند؟ آیا از جهت حکم خدا، یا از جهت آنچه در خارج دیده اند؟ در خارج هر چه هست و نیست روی این پایه بود که مرجعیت ، این انقلاب را ایجاد کرد و یا هر رسانید. پس با پیشتری مرجعیت تا دامنه قیامت و بادام که زمان ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه فرا نرسیده است، دوام و تداوم داشته باشد و هیچ کاری و هیچ حکمی بدون نظر مرجع انجام نشود . از آن طرفش هم خدا حق حاکمیت و حق همه گونه تصرف را به پیغمبر (ص) داده و پیغمبرهم به ائمه طاهرين (ع) و امام زمان وایشان هم به مرجع جامع الشرایط داده اند . حالا بعضی ها شبهه کرده اند و گفته اند اگر قرار باشد همه اختیارات در دست مرجع باشد، فردا که رئیس جمهور معین شد با یک اشاره یک نفر مرجع، باید کنار بورد و این چنین رئیس جمهوری هیچ گونه اختیاري ندارد تا بتواند کاری انجام دهد. این اشکال در دوره پیغمبر (ص) و علی (ع) و در دوره دیگر ائمه هم بوده است، یعنی همانطور که اگر ولی موعود حاضر بودند و یک نفر را که بعنوان رئیس جمهور انتخاب شده بود ، در صورتیکه خلافی میکرد، حق داشتند او را بر کنار می کنند ، و گرنه مدام که خلافی نکرده و مطابق موازن اسلام رفتار کرده است، ایشان هم تثبیتش می کنند و من معتقدم که باید در این مورد حق تام به مرجعیت داده شود و گرن



جمله‌شما یعنی «اجتهاد مستمر فقهی جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت» در هر دوره‌بوده و چیزی نیست که شماره رجمه‌وری اسلامی می‌خواهدید به فقهیه اعطای کنید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. نایب رئیس — مشکرم. در اواسط بیانات جناب صدوقی متوجه شدیم آنچه ایشان می‌خواهند، در اصل پنج در متن پیشنهادی پیش‌بینی شده است و آنچه اینجا می‌گوئیم عبارت است از مبنای قرار دادن حق اجتهاد، و گرنه نفس فقهی بعنوان رهبر در اصل پنج بعداً مطرح خواهد شد. بنابراین اگر سؤالی نیست این فراز را به همان صورتی که خوانده شد به رأی می‌گذارم. موافقین قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رد شد. آفای آیت فرمایشی دارید؟

دکتر آیت — من خواستم در این مورد تذکر بد هم که این جمله‌ای را که الان به رأی گذاشتیم و رد شد، فکر نمی‌کنم کنم کسی با اصل مطلب آن مخالف باشد، شاید علت عدم تصویب آن، این باشد که عده‌ای نظرات دیگری علاوه بر این دارند. بنابراین اگر خود مطلب به رأی گذاشته شود، خود من هم به آن رأی مثبت میدهم که بعد بشود چیزی بر آن اضافه کرد.

وبانی — خواهش می‌کنم «فهم کتاب و سنت» را معنی کنید بفهمیم یعنی چه.

نایب رئیس — اجتهاد مستمر فقهی جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت بعنوان یکی از راه‌هائی که باید در برقراری جمهوری اسلام و نظام این جمهوری حتماً مورد اهتمام قرار گیرد، این بدین اعتبار است که کلیه مسائل مربوط به قانونگذاری‌ها، تهیه و تصویب آئین‌نامه‌ها، روش‌ها در یک نظام ایدئولوژیک یعنی در یک نظام مکتبی و در یک جامعه مکتبی نمیتواند دور از نظر مكتب و جهت گیری از آن صورت بگیرد، این‌ها همه باید در رابطه با تصمیم و نظر و جهت گیری خاص آن باشد تا آن قانون و آن آئین‌نامه و آن تصویب‌نامه بتواند متناسب با یک جامعه مکتبی باشد. در یک جامعه اسلامی کلیه قوانین و مقررات و تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها باید ناظر باشد به آنچه که اسلام بعنوان آئین‌نامه وجهت دهنده در همه زمینه‌ها عرضه کرده است. یعنی حوادث واقعه را با مراجعه به مأخذ اسلامی مشخص کرد و بعد از نظر روش‌های قانون اساسی آزادنبال کرد و تکمیل کرد البته منبع برای شناخت نظر اسلام کتاب و سنت است ولی برای اینکه حوادث واقعه در کتاب و سنت حکم‌ش و نظرش استنباط بشود، همواره ما اجتهاد مستمر برای استنباط آراء و احکام اسلام را احتیاج داریم، این اجتهاد همواره باید ادامه داشته باشد و از کتاب و سنت فهمیده شود و چون مسأله اجماع جز در مستقلات عقل، به سنت بررسی گردد، بنابراین بدیهی است بر می‌گردد به فهم کتاب و سنت، جز در مورد اصول دین و مستقلات عقليه که بپروردی از آنها تقريباً ضروري و بدیهی است. بنابراین بمنظور مرسد که این جمله کامل است و همینطور که دوستان توضیح دادند «سنت» جامع است و به این دلیل دوستان به این اکتفا کردند، البته تصریح به سنت پیغمبر(ص) و احادیث ائمه طاهرین(ع) پیشنهاد آفای سبجانی است که مخصوصاً آنرا احادیث ائمه طاهرین(ع).

حائزی — اگر کلمه ائمی عشر نباشد من استعقا میدهم (جلسه راترک کردند).

نایب رئیس — پیشنهادهای متعددی رسیده که من فعلاً همه پیشنهادها را قرائت بیکنم.

مکارم شیرازی — تذکر بدهید که در بحث مذهب همه این مسائل می‌آید و چنان نیست که در قانون اساسی نیاید.

نایب رئیس — بهله در اصول دیگر حتماً می‌اید و تمام این مسائل در نظر گرفته خواهد شد.

فاتحی — این موضوع یکی از مسائل دیرینه کشور ماست که بروی این اصل بهم



- استوار است و بسیار موجب تأسف است که اسمی از ائمه اطهار(ع) برده نشود.
- نایب رئیس — بنابراین پیشنهادهای رسیده را قرائت می کنم:
- سنت پیامبر اسلام(ص) و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام.
- (سبحانی)
- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس عقل و کتاب و سنت.
- (منتظری)
- اجتهاد مستمر فقهای متخصص در فهم کتاب و سنت.
- (باهنر)
- اجتهاد مستمر فقیه جامع الشرایط در فهم احکام از مدارک معلومه.
- (مید جلال الدین طاهی)
- در فهم کتاب و سنت و اخبار ائمه اطهار علیهم السلام.
- (سید ابوالفضل موسوی)
- و اخبار اهلیت ذکر شود، مراجع جامع الشرایط.
- (مکارم)
- کتاب و سنت رسول خدا(ص) و ائمه اثنی عشر علیهم السلام.
- (دستغیب)
- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط و نافذالکلمه در فهم کتاب و سنت.
- (غفوری)
- رهبری و اجتهاد مستمر فقیه جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت و اخبار ائمه اطهار.
- (حسینعلی رحمانی)
- اجتهاد مستمر فقیه جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت پیامبر و امامان راستین.
- (ربانی شیرازی)
- اعتماد بر اجتهاد فقیه جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت پیامبر و ائمه اطهار که قبل از جمله «از راه نفی هرگونه الخ» ذکر شود.
- (ضیائی)
- و خلفاء راشدین را هم اضافه فرمائید.
- (مولوی عبدالعزیز)
- در فهم کتاب و سنت معصومین(ع).
- (جوادی)
- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت.
- (علی تهرانی)
- پس از کتاب و سنت یا: احادیث ائمه اطهار و یا به صورت ادله شرعیه تبدیل گردد.
- (سبحانی)
- «از راه نفی هرگونه الخ» بعد از اجتهاد مستمر ذکر شود.
- (منتظری)
- اجتهاد مستمر فقیه جامع الشرایط در استخراج احکام الهی از ادله شرعیه.
- (سبحانی)



— اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت و عقل و اجماع.

(مقدم مراجعه‌ای)

— این جمله حذف شود چون استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته شامل اجتهاد هم میشود.

(شیبانی)

— اجتهاد مستمر فقیه جامع الشرایط در استنباط احکام و قواعد از قرآن و سنت معصومین سلام الله عليهم.

(جعفر کریمی)

— رفتار امامان شیعه خارج از کتاب و سنت نبی اکرم نبوده ولذا ذکر نام ائمه لزومی ندارد.

(عرب)

— مسأله ذکر ائمه طاهرين را کوچک نشماريد.

(محمد صدقی)

— بدنبال عبارت فوق این عبارت افزوده میشود:

«برای حل کلیه مسائل نوظهور و هموار ساختن راه تکاملی امت اسلامی».

(رشیدیان)

نایب رئیس — چون در این زمینه پیشنهادها از جهات عبارتی بسیار متعدد است و ممکن است بعضی از آراء مربوط به عبارت باشد بنابراین، ما این یک فراز را مسکوت می‌گذاریم تا بقیه فرازها را دنبال کنیم و یک تنفس کوتاه میدهیم و پیشنهادها را جمع بندی میکنیم و نتیجه را در ادامه جلسه برای رأی آماده می‌کنیم، اکنون فراز بعدی را می‌خوانم:
«استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته و تلاش در پیشبرد آنها».

ربانی املشی — به جای «پیشبرد»، «توسعه آن» نوشته شود.

دکتر غفوری — این چیزی نیست که توصیه کنیم، شرط عقل است دنباله روی کنید.
نایب رئیس — توصیه شد تلاش در پیشرفت و پیشبرد معارف بشری همانطور که مسلمین از اول پیشرو بوده‌اند نه دنباله رو پس گفته شود «معارف بشری».
مکارم — یک کلمه «بشری» در این فراز بوده که افتاده است آنرا اضافه کنیم و به رأی بگذاریم.

نایب رئیس — توضیح آفای غفوری را شنیدید که گفتند «فنون و معارف بشری»، فعلاً بعد از شنیدن پیشنهادها، متن را یکبار دیگر می‌خوانم تا به رأی گذاشته شود: «و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها»، موافقین قیام فرمایند (پیجاه و هفت نفر از شخصت و نه نفر عده حاضر برخاستند) تصویب شد. فراز بعدی را قرائت می‌کنم: «قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین میکند». اگر پیشنهادی هست کتاباً ارائه فرمائید تا قرائت شود.

مکارم — متن را قدری توضیح بفرمایید تا روش شود.

نایب رئیس — فکر می‌کنم روش است این چهار مورد (فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی) هم مربوط به استقلال است و هم مربوط به قسط و عدل و هم اینکه همبستگی ملی



را تأمین می‌کند. آقای ضیائی خواسته‌اند که کلمه «کشاورزی» در اینجا اضافه شود، باید عرض کنم که روشن است که شامل بازرگانی و کشاورزی هم می‌شود. اگر بخواهیم بازرگانی را هم اضافه کنیم خیلی طولانی می‌شود، بنابراین پیشنهادات رسیده قرائت می‌شود.

— کلمه «کشاورز» اضافه شود.

(ضیائی)

— جناب آقای دکتر بهشتی
پیشنهاد می‌شود در اصل دو که اهداف در آخر اصل ذکر شده و اصل سه کلا از اهداف جمهوری اسلامی است بهتر است مواد آن در آخر اصل دو در ردیف اهداف تلفیق و جمعاً یک اصل بشود.

(محمد فوزی)

— پیشنهاد می‌کنم: «و عمرانی» بعد از «اقتصادی» اضافه بشود.
(حیدری)

— و همیستگی دینی و ملی را تأمین می‌کند.

(دستغیب)

— همبستگی ملی صحیح نیست، همبستگی همگانی انسانی واسلامی را پیشنهاد می‌کنم.

سید موسی موسوی قهریجانی

— بعداز «همبستگی ملی» اضافه شود: «و ایجاد ارتباط سالم و سازنده بین المللی».
(غفوری)

— همبستگی ملی و ملل را تأمین می‌کند.

(کیاوش)

— بعداز قسط و عدل در حقیقت جملات «واو» حذف شود و «همبستگی ملی» پیش از کلمه «استقلال» ذکر شود.

(جعفر کریمی)

— «قسط و عدل و استقلال همه‌جانبه و همبستگی ملی را تأمین می‌کند» صحیح است پیشنهاد قبلی اشتباه شده است.

(حسینعلی رحمانی)

— اصل سه که تصویب می‌شود و فراز آخر به اصل سه منتقل می‌شود.

(حجتی کرمانی)

— و تجارب پیشرفتی که برخلاف موازین شرع نباشد.

(طاهری گرگانی)

— این جمله در بیان هدف بسیار مختصر و نارسا است. همانطور که آقای غفوری فرمودند مشکلات زیادگلوی ما را می‌پیشاند، من پیشنهاد می‌کنم دوخط از اصل پیشنهادی آقای غفوری برای هدف اضافه شود.

(سیدعلی اکبر قرشی)

— پیشنهاد می‌کنم که از آقایان تقاضا شود که در تغییر ویا اضافه کلماتی که تغییرها هی و اساسی نمیدهد و تنها بسط یا معنی را بهتر می‌کند صرف نظر فرمایند و به آنچه که شورای



نمايندگان تصويب نموده اند، اکتفا شود.

(سید حسن طاهري)

— فرازه جدا ذكرنشود و از شماره يك تا آخرجزء هدفهای جمهوری اسلامی آورده شود.

(فاتحی)

— پيشنهاد ميشود لفظ «وسایر ادلّه» اضافه گردد.

(سبحانی)

— اين جمله اضافه شود «... و احترام به آراء عمومی»

(احمد نوربخش)

— پيشنهاد: حال که برای جلو و عقب کردن جملات و کلمات پيشنهاد ميپذيرند در فراز شماره يك، اول کلمه (لا اله الا الله) و بعد داخل پرانتز (خدای يکتا) باشد.

(کیاوش)

— اضافه شود: «وهماهنگی مادی و معنوی».

(سبحانی)

— جناب آقای بهشتی، برای قراردادن اصل سه در متن قانون اساسی رأی بگیرید تا فردا آماده شود.

(موسوی تبریزی)

نایب رئیس — آقای قرشی اگر مخالف با این اصل هستید بفرمائید صحبت کنید.
قرشی — بسم الله الرحمن الرحيم. این اصل ازل حافظ بیان پایه و بیان روش نارسا است و همانطوری که اکثربت آفایان به آن رأی مثبت دادند، من هم که حق رأی داشتم به آن رأی مثبت دادم ولی در بیان هدف خیلی مختصر و کاملاً نارسا است. همانطور که جناب آقای غفوری فرمودند مشکلات زیادی در مملکت گلوب ما را میپشارد، ما بعد از گفتن اینهمه روش و اصول، مسئله هدف را فقط در یک سطر خلاصه کرده ایم و نوشته ایم «قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند». بنظر من باید دو سه خط از اصل پيشنهادي جناب آقای غفوری براین اصل اضافه شود تا اين هدف کاملاتکمیل شود. والسلام عليکم.

نایب رئیس — یك پيشنهادي هم بنده دارم که اگر آقای بنی صدر می خواهد صحبت بفرمائید و ممکن است ناظر پريشنهاد خودم باشد، وقتی قرارشده اصل به اين صورت تنظيم شود، پيشنهادم اين است که در اين سطر آخری که بعنوان هدف است، اين قسمت در اول سطر اضافه شود: «رشد هماهنگ سعنوي و مادی قسط و عدل اسلامی تا آخر» و هدف «رشد هماهنگ مادی و معنوی» باشد که بدنبالش «قسط و عدل» بیاید، آقای بنی صدر فرمایشي داريد بفرمائید.

بنی صدر — عرض کنم که خود آقای غفوری هم با همین متن موافق شدند به لحاظ اينکه ما كل هدف را در اينجا می گوئيم و به همین ترتيب که قانون اساسی پيش ميرود هدفها را توضيح ميدهيم و هر کدام را در جای خودش قرار ميدهيم، چنانچه بعد از اين هم ذويت به اصل سه ميرسد که هدفها را در اصول بعدی در جای خودش قرار خواهيم داد، پيشنهادات بعدی هم از همین نوع است و به اين جهت است که ما به اين مورد اکتفا كردیم و در مورد رشد مادی



و معنوی عین همین عبارت را درباره اصل اقتصاد پیشنهاد کردیم. پس این «قسط و عدل» چون از آیه قرآن متخذ میشد به همین اصل اکتفا کردیم و در اصل نهم که مربوط به اصل اقتصاد است، این مطالب تشریح شده است.

نایب رئیس – خوب پیشنهادها داده شد، نظرم این بود که وقتی در یک سطر چیزی را به هر حال بعنوان هدف از آن یاد می کنیم باشد فرآگیر باشد اینکه اینجا هست چون صریح نیست و در جنبه های مادی و معنوی صراحتی ندارد روی این اصل و به این دلیل بود که پیشنهاد کردم این سطر جامع تر باشد. خوب، این سطر را به همین صورتی که آمده بعد از خواندن همه پیشنهادات و توضیح به رأی میگذاریم، موافقین با این فرازیم فرمایند (پنجاه نفر از شصت و نه نفر عده حاضر در جلسه برخاستند) بنابراین به همین صورت این فراز تصویب شد. حالا در تصویب این اصل ما دو تا کار داریم، یکی با توجه به پیشنهادهای رسیده در مورد فراز مربوط به اجتهاد مستمر فقهیه جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت، پیشنهادها راهنمکام تنفس تنظیم می کنیم و یکی اینکه بعضی ها پیشنهاد کرده اند که فرازهای نیز به آن اضافه بشود. ما در مورد این که آیا طرح هر دوی آنها لازم است یا نه، در زمان تنفس تصمیم میگیریم.
ریانی شیرازی – صحبت شد که بعد از رأی گیری، به این فراز ما بتوانیم کلمه ای اضافه کنیم.

۳- اعلام تنفس و تشکیل مجدد جلسه

نایب رئیس – فعل برای چند دقیقه اعلام تنفس میکنیم. (جلسه ساعت هجده و پنج دقیقه بعنوان تنفس تعطیل و مجدد آ در ساعت هجده و چهل دقیقه تشکیل گردید.)

نایب رئیس – بسم الله الرحمن الرحيم. عده نمایندگان برای رسیدت جلسه کافی است و کاریان را ادامه میدهیم. میزان تنفس بیشتر طول کشیدتا موفق به جمع آوری کاملتر پیشنهادات بشویم. فرازی که تصویب نشده بود و درباره آن نظرهای مختلفی رسیده بود، باستفاده از پیشنهادهای رسیده و نظراتی که درگروه ارائه شده، بدین صورت درآمد که بیخوانم و شما میتوانید حتی یادداشت بفرمایید که برای رأی دادن فرست توجه کافی روی پیشنهاد جدید را داشته باشید «اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله عليهم اجمعین» همه این فراز نوشته و روشن است و چون پیشنهاد جدید است اگر کسی نظر مخالف داشته باشد میتواند اینجا صحبت کند، آنوقت بعد هم یک موافق صحبت خواهد کرد. آقای طاهری گرانی میگویند این پیشنهاد کافی نیست بفرمایید اینجا صحبت کنید.

طاهری گرانی – بسم الله الرحمن الرحيم. با اینکه بنا ندارم پشت تریبون بیایم و بهتر میدانم از همانجا صحبت کنم ولی چون مسأله به نظر من مهم است آمدهم. حساسیت قانون اساسی ما را همه آقایان میدانند، مسأله «مدرکات عقلیه» که از آن تعبیره «احکام عقلیه» هم میشود بر دو دسته هست و اشاره به اصطلاح اصولی اش هم می کنم که البته بزرگان ما مستحضرند. یک دسته اش آن مدرکات عقلیه ای است که در سلسله معالیل احکام قرار میگیرد که باب وجوب اطاعت و سایر است و دسته دیگر آن مدرکاتی است که در سلسله علل احکام قرار میگیرد و اینکه میدانیم احکام شرعیه متابع مصالح و مفاسدند، حالادر تعلقات، در موارد قلیله ای هم مصلحت در جعل است. آن اختلافی که در اصول است که منافات با این ندارد که در عین حال اگر در موردی در متعلق، مطرح دیدیم بتوانیم کشف حکم شرعی هم بکنیم، بله حکم عقلی مانگاهی



در مرحله بعد از جعل احکام قرار میگیرد. حکمی جعل شده، بعد ما بر خودمان لازم میدانیم اطاعت کنیم. در مواردی که احکام، احکام الزامی است آن یک سخن حکم، و از این نمیتوانیم استکشاف حکم شرعی کنیم. دوم لازم میاید آن قضایا که دیگر توضیح نباید داد ولی آنچه که مدرکات عقلیه ما بفرموده مرحوم نائینی، در مسلسله علی احکام قرار میگیرد، آن بیانی را که آقای دکتر بهشتی فرمودند که مستقلات عقلیه امور واضحه‌ای است که احتیاج به ذکر ندارد، نه، اینطور نیست ما اصولاً عقلی را که اسلام ما بر پایه عقل و آن همه احترامی را که برای عقل قائل هست و آن را حجت ثانیه میداند، از کار بیندازیم و اسمی ازو نبریم و همین باعث شده است که معذرت میخواهم فقهای ما در خیلی از موارد دست از حکم دادن بکشند، بخطاطر اینکه در نبال مدرکات عقلیه ترفته باشند. من حالا از باب مثال یک توضیح مختصراً می‌دهم و یک مثال میزنم خواهش میکنم مناقشه در مثال نفرمایید. مثلاً اگر بنا بود واقعاً اهل فن تشخیص میداند، همین دخانیات که به مال شخص و به اقتصاد مملکتش و به جانش و به سلامتی اش و نشاطش ضرور میزند، اگر بنا باشد که واقعاً در نبال این مطلب را بگیریم، جای استکشاف حکم شرعیه من نمی‌گوییم، حالاً حکم بحرمت یا بر کراحت آن را باید قیمه مخصوص بدله، بلکه باید در جایش رویش حساب کند. بنابر این با قبول کردن قاعده ملازمه «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» آن همه احترامی که شرع برای عقل قائل است من معتقدم که عقل راجز وادله بگذاریم و این افتخاری است برای قانون اساسی ما که به مطلب کاملاً توجه داشته باشد والسلام.

نایاب و رئیس — یک نفر میتواند بعنوان موافق صحبت بکند، آقای موسوی تبریزی و آقای مکارم توافق بفرمایید یک نفر از آقایان صحبت بفرمایید. (موسوی تبریزی — آقای مکارم شما بفرمایید) به آقای مکارم تشریف بیاورید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. پیشنهادی که ایشان فرمودند اتفاقاً در گروه هم مطرح بود که سنت و کتاب و عقل و اجماع، چهار دلیل است و مسلمان اجماع بازگشت می‌کند به سنت، همانطور که همه آقایان توجه دارند. و اما راجع به عقل هم، از آنجائی که کتاب الله و سنت، عقل را تأیید کرده‌اند بدون اینکه ماذکر بکنیم، هم در کتاب الله، «قرآن»، تأیید عقل است و هم در سنت. اما یک نکته مهم اینجا است که بعضی اوقات که این کلمه عقل جدا ذکر میشود، عده‌ای از آن سوء استفاده میکنند. در زمان طاغوتی سابق ما فراموش نکردیم که خیلی از خلاف کاریها ایشان را متنکی به همین عقل میکردند و میگفتند چون عقل یکی از ادله چهارگانه است، بنابراین ما فعلاً این چنین تصویب میکنیم و عقل ما چنین حکم میکند. بنابراین چون از این کلمه مسلمان در آینده سوء استفاده میشود و بعلوه در کتاب و سنت هم آمده است و این چون تأییدش در هر دو قسمت هست، به این دلیل آقایان در گروه موافقت کردند که به «کتاب و سنت» قناعت بشود و همان مثالی که ایشان زدند، خود دلیلی است بر آیجه عرض کردم.

نایاب و رئیس — اجازه بفرمایید که در توضیح مطلب به این مقدار اکتفا کنیم.
موسوی تبریزی — جناب طاهری که میفرمایید «مستقلات عقلیه»، درست، ولی به اعتبار مستقلات عقلیه که قبل از جعل احکام باشد و به سرعت احکام باشد نداریم یعنی، «مستقلات عقلیه» که خودش مستقل باشد و جعل نباشد، چنین چیزی نداریم.



نایب رئیس — اجازه بدهید چون مسأله، مسأله‌ای است که در حد رسیدگی به همه ابعادش در خور یک جلسه و بلکه جلسات بحث و بررسی تحقیقی و استدلالی است، به این مقدار اکتفا می‌کنیم. آنچه ذوستان توجه دارند این است که به مطلبی که برادرمان آفای طاهری گرگانی در باره‌اش صحبت کردند، عموم‌نما یندگانی که اینجا هستند در طول ساله‌ها تحقیق و مطالعه با آن برخورد کرده‌اند و بحث کرده‌اند و توجه داشته‌اند و هیچکس از حاضرین نقش عقل را در اساس قبول دین و بعد در استبطاط مسائل دینی نمی‌کند، آنچه هست این است که آیا ذکر آن در اینجا در کتاب و سنت ممکن است چه برداشتی بوجود بیاورد. بنابراین شنوندگان و ییندگان و تمام ملت عزیز ایران عنایت کنند که این بحث هیچگاه از طرف هیچکس کمترین معنی حتی سست کردن نقش عقل در آئین مقدس اسلام را ندارد، بلکه آنچه مهم است اینست که آیا در این فراز آوردنش چه معنی میتواند داشته باشد. بحث بر سر این قسمت است، به اندازه‌ای هم که لازم بود در باره‌اش صحبت بشود، صحبت شد و کافی است که ما این را به رأی بگذاریم. بنابراین اجازه می‌خواهیم که متن را باز دیگر بخوانم و اعلام رأی کنم. البته برادرمان آفای مولوی عبدالعزیز باز پیشنهادی نوشته‌اند که: (و سنت خلافی را شدین را اضافه فرمایند، اسناد مملکت بر اساس مذهب تشیع تنها نباید باشد، باید تمام فرق اسلامی را در برداشته باشد) من داشتم یادداشتی می‌نوشتم که خدمت ایشان بفرستم، همانطور که در پیش‌نویس ملاحظه فرمودید در اصول آینده احترام کامل به مذاهب فقهی اسلامی و آزادی کامل برادران و خواهان اهل تسنن در عمل به احکام بر طبق مذهب فقهی خودشان پیش‌بینی شده است و آنچه اینجا نوشته شده هیچگونه منافاتی با آن نخواهد داشت و ان شاء الله در آن موقع برادران اهل تسنن که اینجا تشریف دارند بعنوان نماینده این مجلس و موکلین آنها و همه برادران و خواهان اهل سنت در جهان توجه خواهند کرد که این حق بصورت کامل رعایت و تضمین شده است، در عین حال من بر حسب وظیفه و مسئولیتم لازم بود که پیشنهادتان را بخوانم که خواهند. خوب این فراز را می‌خوانم و به رأی می‌گذارم. «اجتهد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت مصصومین سلام الله عليهم اجمعین» موافقین قیام کنند (شصتو سه نفر برخاستند) برای اطلاع همه مردم اعلام می‌کنم که برادرمان آفای مولوی عبدالعزیز هم بعنوان موافق با این فراز قیام کرددند و این همان تجلی برادری اسلامی است که ما همیشه دوستداریم در تمام شئون کشورمان ادامه داشته باشد، ان شاء الله. خوب این فراز باشست و سه رأی موافق از شخصت و هفت نفر عده حاضر در جلسه تصویب شد. در باره این اصل که باید امور ز تماش کنیم چند پیشنهاد رسیده است، یکی از پیشنهادها که مربوط به کیفیت تنظیم آن از آفای منتظری است و آن اینست که آن قسمت «اجتهد» که اینجا ذکر شده با تغییرش قبل از «نفی هرگونه ستمگری و ستمگشی» بیاید یعنی فراز دوم از قست آخر قبل از فراز اول بعد از آن (و) باشد یعنی اول نوشته شود (وازراه اجتهد مستمر فقهاء جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت مصصومین سلام الله عليهم اجمعین) و بعدش باید «نفی هرگونه ستمگری و ستمگشی» و «بعدش بیاید استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری». این پیشنهاد در بورد ترتیب رسیده است. پیشنهاد دیگری در اختیار من نیست، آفای ربانی می‌گوید که «استفاده از علوم...» هم باید قبل از «نفی هرگونه» یعنی بنویسیم (وازراه اجتهد مستمر فقهاء تا آخر) (و) (استفاده از علوم و فنون...) بعدش بیاید (نفی هرگونه ستمگری و...) و آخرش آن عبارت (قسط و عدل اقتصادی و...) بیاید.

در مورد ترتیب فرازها دیگر پیشنهادی نرسیده. آقای ربانی عقیده دارند بعد از دو روش قسط و عدل باشد، کلیه پیشنهادها خوب است ولی بهتر این است که قبل از مرمت بفرمایند به گروه چهارده نفری که بررسی و ادغام کنند تا جلساتمان بازده و تیجه بهتر ویژتی داشته باشد. اما رأی گیری به این صورت است که وقتی به من پیشنهادی رأی گرفتیم و تصویب شد دیگر به آن رأی نمی‌گیریم. بنابراین پیشنهاد راجع به تعییر و جابجائی این سه جمله را مطرح کردم حالا اعلام رأی می‌کنم.

نمایندگانی که موافقند متن به همین ترتیب باشد قیام فرمایند (از شخصت و هفت نفر عده حاضر در جلسه سی و سه نفر برخاستند) عده موافقین کافی نیست، تصویب نشد.
مکارم شیرازی – توضیح کافی ندادید.

نایب رئیس – آقای منتظری پیشنهاد کردهند فراز (واز راهنمی هرگونه ستمگری و ستمکشی و...) برود بعد از فراز (استفاده از علوم و فنون و...) به هر حال متن با ترتیب جدید بازنخوانده می‌شود.

«که از راه اجتهد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین واستفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفتی بشری وتلاش در پیشبرد آنها و فنی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه پذیری – قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

نایب رئیس – موافقین با این ترتیب قیام کنند (از شخصت و هفت نفر عده حاضر در جلسه پنجاه و هفت نفر بعنوان موافق برخاستند) تصویب شد، خوب بحث ما پیرامون این اصل تمام شد.

ربانی املشی – به گفته آقای حجتی توجه کنید که (لا اله الا الله) معنی خدای یکتا، نیست.
نایب رئیس – پیشنهادی است از آقای نوری خش که قرائت می‌شود.

«که از راه اجتهد مستمر فقهی جامع الشرایط در فهم کتاب و سنت معصومین (ع) و احترام و مراجعت به آراء عمومی و فنی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه گری و سلطه پذیری و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفتی وتلاش در پیشبرد آنها و قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

نایب رئیس – قرار شد بعد از تصویب فرازها دیگر چیزی به آن اضافه نکنیم و اگر هر کدام از نمایندگان پیشنهاد افزایش کلمه‌ای یا حذف چیزی را دارند به کمیسیون مرمت بفرمایند نه اینکه در هرجایی چیزی بنظرشان رسید بخواهند فوراً مطرح شود زیرا در هیچ مجلس قانونگذاری به این طریق عمل نمی‌شود. من فکر می‌کنم هر نمایندگاهی می‌خواهد پیشنهاد جدیدی بدهد که در کمیسیون چهارده نفری مطرح نشده باشد باید لاقل پانزده اعضاء داشته باشد، (چند نفر از نمایندگان اعتراض کردند) بدون در نظر گرفتن این روش طرح پیشنهاد با یک اعضاء میسر نیست. استنباط من این است که برایر مذاکرات مصوب در هیأت رئیسه و شورای هماهنگی، هر پیشنهادی اگر کمتر از پانزده اعضاء داشته باشد قابل طرح مجدد در جلسه علی نیست، با این حال برای اینکه وضع کارروشن باشد مجدداً در جلسه فردا صبح درباره این مورد هم نظر خواهیم داد. آقای دکتر آیت فرمایشی دارید بفرمایید.

دکتر آیت – این خلاف آئین نامه است برای اینکه وقتی اصلی تصویب شد، نمی‌شود



محدودش کرد این حتی تصویب مجلس عمومی هم رسیده حالا اگر میخواهد اینطور باشد، باید در آئین نامه اضافه کنید که پیشنهادهای جدید باید به اعضاء حداقل پانزده نفر برسد. ولی حالا هر نماینده حق دارد با یک امضاء، پیشنهاد اضافه کردن جمله یا کلمه‌ای را بدهد و در تمام دنیا هم رویه همین است. پس لزوم امضای پانزده نفر را باید مجلس رأی بدهد یا پیشنهاد کند حداقل چند نفر باید امضاء کنند.

ریاضی اسلشی — پس باید دائمًا جملات را کم و زیاد کنیم.

نایب رئیس — با توجه به مذاکرات قبلی برای اینکه رعایت عدل شده باشد، این رابصورت پیشنهاد برای تکمیل آئین نامه میدهم بعد دوستان نظر بدهند. در آئین نامه راجع به پیشنهاد گروه پیش‌بینی شده نه پیشنهاد فرد. بنده ماده بیست و شش آئین نامه را میخوانم: «اصول بررسی شده گروه‌ها بوسیله هیأت رئیسه بتدریج در جلسات عمومی مجلس که از روز دوم هفته سوم همه روزه عصر تشکیل میشود مطرح و پس از شور و مذاکره به رأی گذاشته میشود».

تبصره — پس از رسیمیت جلسه متن پیشنهادی برای یک اصل در جلسه خوانده میشود اگر متن تهیه شده توسط گروه‌ها یکی باشد، حداقل یک موافق و یک مخالف صحبت میکند. سپس رأی گیری بعمل می‌آید و اگر در گروه‌ها بیش از یک متن پیشنهاد شده باشد، متن پیشنهادی هر گروه بترتیب شماره‌گذاری گروه‌ها خوانده میشود و یکنفر از همان گروه از آن دفاع میکند. پس از قرائت همه متنون پیشنهادی برای یک اصل و دفاع از آنها، نسبت به متنون پیشنهادی بترتیب رأی گیری میشود، هر پیشنهادی که با حد نصاب لازم تصویب شد از رأی گیری درباره پیشنهادهای بعدی خودداری میگردد. همان موقع که این آئین نامه تدوین میشود برای اینکه کار مجلس به درازا نکشد، ما برای پیشنهادهای افراد جدا از گروه طریقی را پیش‌بینی نکردیم. به همین دلیل در جلسات پریروز و دیروز و امروز در صورتیکه پیشنهادی هم جانب بمنظور می‌رسید، چون که از طرف گروه‌ها نبود، راه باز نبود که مطرح کنیم، برای باز کردن چنین راهی باید طرح تهیه شود که اگر طرح جالبی بمنظور نماینده‌ای رسد، با امضاء حداقل پانزده نفر، در جلسه علنی بتواند مطرح شود تا اگر تصویب نشود، مجدداً در جلسه عمومی عنوان اصل الحاقی مطرح و بررسی گردد.

مکارم شیرازی — برای اینکه سانسور عقاید و افکار پیش نیاید پانزده امضاء را تقلیل دهیم مثلاً به ده امضاء، چون در گروه‌ها با هفت نفر میتوان پیشنهادی را تصویب کرد. به عقیده من لزوم پانزده امضاء شکل سانسور پیدا میکند.

نایب رئیس — در آئین نامه فعلاً مجوزی ندارد، اجازه بفرمانتی فردا در کمیسیون بحث میکنیم و راهی برای آن پیدا خواهیم کرد. من هم از پیشنهاد خودم الان صرف نظر میکنم.

محمد فوزی — باید قبل از ظهر این مسائل در گروه‌ها مطرح گردد.

دکتر نوریخش — این سوء تفاهم پیش نیاید که نظام استبدادی است، چون کلمه توحیدی را هم برد اشتبید.

نایب رئیس — نسبت به کل این اصل با توجه به تغییراتی که تصویب شد و اینجا ثبت گردید، با ورقه رأی میگیریم و قبل از اخذ رأی تمام اصل دو را می‌خوانم:

اصل ۲ (اصل دوم) — جمهوری اسلامی نظامی است برپایه ایمان به:

۱— خدای یکتا (الا الله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و تسليم دربرابر امروز.



- ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین .
- ۳- معاد و نقش سازنده آن در مسیر تکاملی انسان بسوی خدا .
- ۴- عدل خدا در خلقت و تشریع .
- ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام .
- ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا ،
که از راه :
- الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معمصوبین سلام الله علیهم
اجمعین .

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفتہ بشری و تلاش در پیشبرد آنها .

ج- نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه پذیری .

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند .

نایب رئیس - موافقین با این اصل ورقه سفید و ممتنعین ورقه زرد و مخالفین ورقه سبز مرحمت بفرمایند. (اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه به قرار زیر اعلام گردید).

نایب رئیس - عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و پنج نفر، موافقین شصت و یک نفر، مخالفین چهار نفر، ممتنعین سه نفر. چون تعداد کل آراء نسبت به عده حاضر در جلسه یکی اضافه است، یعنی یک نفر گویا پس ازدادن رأی از جلسه خارج شده است بنابراین یک رأی از آراء موافقین کسری نمی‌شود. بنابراین اصل دوم قانون اساسی با شخصیت رأی موافق تصویب شد، تکییر (حضار سه مرتبه تکییر لگتند) .

نایب رئیس - مطلبی را برای ملت عزیزمان شرح می‌دهم و آن اینکه هم‌چنانکه در این دو روز مشاهده کردید برای بررسی یک اصل بنیادی و بهم در قانون اساسی ما این مقدار نیرو و وقت صرف کردیم، این مقدار در جمله هادقت کردیم، مطالبی که بنیاد و پایه زندگی خواهد شد و بنای احسان و فتوح و اعتقاد ماست و این بخاطرا همیتی است که شامل نمایندگان شامل ملت عزیز ایران برای قانون اساسی قائل هستید. قانون اساسی چیزی نیست که هر روز بتوان آن را تصویب کرد، درست است که قرار گذاشته ایم بر صحیح ترین وجه و کوتاه‌ترین وقت کار بررسی آن را تمام کنیم و به وظایف دیگر پردازیم ولی هیچگاه نمی‌خواهیم استحکام و جامعیت قانون اساسی ملت ایران و جامعه ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران، فدای سرعت شود. البته سرعت و صرفه جوئی در وقت لازم است بشرط اینکه نسبت به استحکام واستواری و جامعیت قانون خدشه‌ای وارد نشود. بنابراین من امیدوارم ملت عزیز و موقکلین ما این دقت و این کوشش نمایندگان خودشان را اقدامی درست درجهٔ اقلاب و ضرورت انقلابی و خواست خودشان دریابند و بدانند که ما در بررسی اصول آینده نیز موظف هستیم حداکثر کوشش را برای متانت و استحکام آن بعمل بیاوریم . (صحیح است) .

حجتی کرمانی - برادران آفای هاشمی نژاد لگتند در روزنامه‌ای با تیتر درشت از قول من نوشته شده برای تصویب هر اصل سه دقیقه کافی نیست من توضیح می‌دهم که گفته‌ام ...

نایب رئیس - تشریف بیاورید در محل نقطه .

حجتی کرمانی - بسم الله الرحمن الرحيم. من سعی می‌کنم هر چه کمتر وقت مجلس را بگیرم :



ولی در عین حال بعضی وقتها ایجاب می‌کند که تصدیع بدhem. دیروز در زینه کیفیت رأی گیری مطلوبی گفتم که همان باعث شد یک مقدار وقت، مجلس به این مسأله پردازد که چه بکنیم که آراء میان بهم نزدیکتر شود. امروز رأی میان بهم نزدیک بود چون چهاردهنفر از گروههای مختلف نشسته بودند و اصول را به هم نزدیک کردند. من نخواستم بگویم این اصولی که به ماده‌هی شود قبل امطالعه نکرده‌ایم و فی المجلس به امامی دهنده‌ی گویند طی سه دقیقه به آن رأی بدھید، اینطور نیست ما قبل اصول را می‌بینیم ولی گفتم برای تتفیق نظرات و اینکه ازین هفت نظر و یا هفت پیشنهاد یکی را فی المجلس انتخاب کنیم، سه دقیقه وینچ دقیقه کافی نیست، نه اینکه گفته باشم ما اصلاً اینها را ندیده‌ایم و همان جازمی خواهند فوری بینیم و رأی بدھیم، این سوء تقاضاهم باید برطرف شود. همانطور که قبل از گفته شده روی این پیشنهادهای هم که رسیده بررسیهای لازم انجام می‌گیرد متنهای بعضی هاشل من و سوابی زیادی دارند که در کلماتش دقت و کنکاش زیاد ویرسی زیاد بشود. ازین موقعیت استفاده می‌کنم و پیشنهاد می‌کنم که اصول در قالب الفاظی که خودمان تصویب می‌کنیم، نمانیم. آنچه برای مامهم است تصویب این اصلی هست که مشتمل بر معانی هست، متنهای الفاظش را ماحق داشته باشیم که تغییر و تبدیل بکنیم و بعضی کلمات را اضافه و کم بکنیم. چون ما که نمی‌خواهیم پیغمبر وار عمل کنیم یعنی آنچه تصویب شد قیراط، قیراط حساب شده باشد که یک کلمه حتی توانیم به آن اضافه کنیم بلکه پیشنهاد می‌کنم که همین مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی، کاری کنند که در این مرود دستش باز باشد برای اینکه فکران تحول است و اینطور نیست که به آخرین نتیجه قاطع رسیده باشیم، این امکان برای میان باشد که در کلمات و در شکل پندی عبارات بتوانیم تغییر دهیم. در هر صورت تقاضایی کنم که روزنامه‌ها این مطلب را بنویسن و هیچ وقت این گفتگوهای آزاد ما در این مجلس، بهانه‌ای برای سوء استفاده دیگران نشود. اضافه می‌کنم که ممکن است بعضی از خبرنگاران و تماشاچیان وضع جلسه و شکل بحث و گفتگوها را طوری بینند که نمی‌بینند، من دیروز بعد از جلسه به بعضی از دوستان گفتم که شکل جلسه ما و نحوه بررسیها و اظهار نظرها یکی دو مطلب خیلی اساسی را به مردم نشان میدهد که سند افتخار ما است. یکی آزادی مطلق رأی دهنگان بدون هیچ گونه بند و بست و جبهه‌گیری گروهی، که این مسأله جالی است برای همه آنها که این مجلس را تماشا می‌کنند. شما می‌بینید که هر فرد با اندیشه شخص خودش با کمال آزادی اظهار نظر می‌کند و رأی میدهد. بدون اینکه پشت پرده مسأله‌ای باشد، یا اینکه تصمیمات مشترکی بصورت گروهی گرفته شده باشد و این مسأله جالی است. و یکی هم آزادی دادن به افراد است، مثلاً حتی گاهی حضرت آیت‌الله منتظری مجلس را از حدودیکه بایداده بشود، خارج می‌کنند، یا برادریان آقای تهرانی وقتیکه به ایشان اجازه ندادند صحبت کنند، در حال راه رفتن و خروج از جلسه صحبت‌شان را کردند. این حالات برای کسانیکه به دیسپلین غربی عادت کرده‌اند چیز غریب و نا مأносی بنظر می‌رسد ولی به نظر من نمودار احوال است. ما نمایندگان این مجلس که از میان همین ملت برخاسته‌ایم با اخلاق همین ملت رفتار می‌کنیم.

نایب رئیس - خیلی مشکرم، در حقیقت عمل خود آقای جعیتی تجلی همان مطلبی بود که بیان فرمودند ولی برادر عزیز، مایخواهیم به ملت‌مان بگوئیم که نظم معقول، منافاتی با آزادی معقول و مشروع ندارد. شنوندگان و بینندگان مبادا از سخن ایشان چنین استنباط کنند که خدای نکرده ما طرفدار نظم نیستیم. ما امروز فرصتی برای ادامه کار درباره یک اصل دیگر را



نداریم، بخصوص در اصل سه، گروه‌ها باید تجدید نظر لازم را بکنند. سعی کنیم گروه چهارده نفری کارشان را از ساعت هشت شروع کنند و پیشنهادهای اصل سوم را بررسی کنند. نماینده گروه‌های دیگر هم نظرشان را به این گروه بدهند تا همواره بتوانیم موقع ازکلیه نظرها استفاده کنیم.

طاهری اصفهانی — بعد از آنکه به یک اصل رأی نهائی گرفته شد، هیچ نوع تغییری صحیح نیست، ولی قبل از هر جلسه علنی تغییرات مجاز است.

نایب رئیس — خیلی مشکرم، بنده هم همین مطلب را می‌خواستم عرض کنم. آقای حجتی، اگر برای تغییرات حد و مرزی قائل نشویم، نگران هستم تا موقع چاپ کلی قانون اساسی، پیشنهاد تغییر برسد. خواهش ما این است که هر کسی هر پیشنهادی برای تغییر هر لفظ و عبارتی دارد، قبل برای گروه چهارده نفری بفرستد تا آن گروه‌ها با استفاده از همه پیشنهادها و قریحه سرشار همبستگی رسیدگی کنند تا کارمان در اینجا با سرعت معقولی پیش برود.

سبحانی — در آئین نامه پیش‌بینی شده که در آخر میتوان سه روز صرف تغییرات نهائی کرد.

نایب رئیس — بله، سه روز آخر برای این کار تعیین شده است.

عرب — لطفاً بفرمائید اصولی را که در جلسه علنی تصویب می‌رسد، تکثیر کنند و به نمایندگان بدهند.

خوزعلی — در موقع تنظیم آئین نامه عرض کردم، برای تهذیب عبارات از نظر ادبی، فکری بشود. اگر هیأت رئیسه در این مورد اقدام می‌کرد به این اشکال بر نمی‌خوردم.

۴— پایان جلسه

نایب رئیس — جلسه را به پایان می‌رسانیم و آخر دعوینا ان الحمد لله رب العالمين.

(جلسه ساعت نوزده و چهل دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه دوازدهم

صورت مسروج مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت . ۳ / ۶ ، دقیقه روز چهاردهم شهریور ماه ۱۳۹۹ هجری شمسی
برابر با سیزدهم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

- ۱ - اعلام رسیت جلسه
- ۲ - بحث پیرامون اصل سوم قانون اساسی
- ۳ - پایان جلسه

دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱ - اعلام رسمیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. با حضور پنجماءو هفت نفر از هفتاد و دو نفر مجموع نمایندگان، جلسه رسمی است. دستور جلسه چند اصل از قانون اساسی است که یک یک مطرح خواهد شد و پس از بررسی رأی گرفته خواهد شد، امیدوارم با همکاری بیشتر برای استفاده کاملتر از وقت موفق بشویم اصولی که برای جلسه امروز در نظر گرفته ایم به تصویب برسد. اصل سوم مطرح است آقای مقدم مراغه‌ای فرمایشی داشتید؟ (مقدم مراغه‌ای - من مخالف هستم) مخالف با چه چیز؟ (مقدم مراغه‌ای - با اصل سوم) اینجا در این لیست قبل آقای آیت و آقای فارسی و آقای مقدم مراغه‌ای و بعد آقای خامنه‌ای نوبتشان یادداشت شده است. اصل سوم، اول خوانده میشود و بر طبق آئین نامه یک مخالف و یک موافق و اگر ایجاب کرد بیشتر صحبت خواهند کرد.

سبحانی - چون این متن الان بدست ما رسیده وقت مطالعه آنرا نداشته‌ایم، نمی‌توانیم راجع به آن تصمیم نهائی بگیریم.

نایب رئیس - این اصل قبل به آقایان داده شده است و در اینجا فقط تغییرات است و تفاوت اصلی و اساسی در آن نیست. بعلاوه این اصل چند روز است در اختیار نمایندگان است و این تغییرات جزئی مربوط به امروز صبح است، علتش هم این است که امروز صبح از اول وقت تا آخر وقت دوستانتان رحمت کشیدند تا توانستند این را تهیه کنند و زودتر از این میسر نبوده زیرا بدون اینکه هیچ فرصتی را از دست داده باشند آنرا تهیه کردند (یکی از نمایندگان - حتی قبل از ظهر یک نسخه برای هرگروه هم فرستاده شده مگرگروههایی که کارشان را زودتر تمام کرده باشند) ایشان میگویند که قبل از ظهر یک نسخه برای هرگروه فرستاده شده مگرگروههایی که کارشان را زودتر تمام کرده‌اند، به هرحال در این فرصت اینجا عرض کنم که یک وقت کل اصل عوض شده و یک اصل جدید است، آن وقت این نقد آقایان بجا بود. کل اصل، جدید نیست این همان اصلی است که چند روز است در اختیار آقایان است. اصل سوم قرائت میشود. (یکی از نمایندگان - مثل اینکه تابلو عده حاضر را بطور صحیح نشان نمیدهد) این تذکرایی است لطفاً این تابلو عوض بشود چون طرز کارش غلط است، امیدوارم که تذکرات آقایان دستور جلسه را قطع نکند.

۲ - بحث پیرامون اصل سوم قانون اساسی

نایب رئیس - اصل سوم: «جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را در راه رسیدن به آرمانهای زیر بکار برد.

- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباہی.



- ۱- بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر.
- ۲- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعیین آموزش عالی.
- ۳- تقویت روح بررسی و تتعیین و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی و فنی فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
- ۴- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.
- ۵- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و هر نوع سلطه‌جوئی و انحصار طلبی.
- ۶- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
- ۷- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۸- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات مساوی و عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.
- ۹- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور بمنظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی.
- ۱۰- تقویت کامل بنیه دفاعی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.
- ۱۱- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعیین بیمه.
- ۱۲- تأمین خودکافی در علوم و فنون و صنعت کشاورزی و امور نظامی و غیره.
- ۱۳- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه وتساوی عموم دربرابر قانون.
- ۱۴- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
- ۱۵- برقراری روابط عادلانه با همه ملل و تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت همه جانبه از همه مستضعفان جهان.
- ۱۶- همانطور که ملاحظه می‌فرمایید این اصل بیان کننده قسمت آخر اصل دوم با تفصیل و فصل بندی مطالب است که در حقیقت می‌تواند فهرست گونه مختصه‌ی هم از مباحث اصول آینده قانون اساسی باشد و دیروز و پریروز هم در این باره توضیح داده شد که در این اصل در اینجا بدین نظرور است که یکی بصورت فشرده وظیفه قانونگذاری و اجرای قانون را در آینده مشخص کند و جهت کلی قانون اساسی ما را در شاخه‌های مختلف نشان بدهد و هم برای خودملت ما که امنیت در انتظار آن هستند که قانون اساسی می‌خواهد چه مسائلی از مسائل آنان را اولویت بدهد و هم برای سایر مردم روش‌گر کلی راه باشد. بنابراین هدفی بوده است که آقایان از درج این اصل اعلام کرده‌اند و خواهش می‌کنم بحثهایی که می‌شود ناظریه این هدف دلیل باشد و اگر واقعاً دلائلی علیه آن است و باید اقامه بشود، فشرده بیان بشود بطوری که بتوانیم امروزبا وقت محدود، کار لازم را نجام بدهیم، آقای آیت بفرمائید.
- ۱۷- دکتر آیت - در ماده بیست و شش آئین نامه داریم که باید اصول مطرح بشود، یعنی اصولی که کمیسیونها بیدهند. ما البته یک توافق ضمی نه بطوری که جنبه قانونی داشته



باشد، کرده‌ایم که کمیسیون چهاردهنفری یک متنی را تهیه بکند و آن مطرح بشود. معهداً در این مورد گزارشی داریم که نظرات گروهها در مورد اصل سه‌الحاقی است و من معتقد‌ام اول آن مطرح بشود. بعضی از گروهها هم معتقد به حذف این اصل هستند بعد اگر تصویب شد که این مطرح بشود، آنوقت مطرح بشود.

نایب‌رئيس — در مورد تذکر آقای آیت توضیح می‌دهم که البته بحث اول در مورد هر اصلی اینست که این اصل ضرورت دارد باشد یا نباشد. بنابراین مخالف و موافق درست می‌توانند پیرامون این بعد از گزارش صحبت کنند. همانطوری‌که ملاحظه می‌فرمایید بقیه گزارش‌ها هم اصلاح لفظی است و متن جدیدی پیشنهاد نشده (منتظری) — بعضی‌ها هم متن جدیدی پیشنهاد کرده‌اند) اگر شده باشد آنها را هم به نوبت مطرح می‌کنیم خوب، آقای فارسی بفرمائید.

جلال فارسی — بسم الله الرحمن الرحيم. ایرادهایی که براین اصل مشروح وارد هست خیلی زیاد است. عرض کنم که یک مقدار از این ایرادات در ارتباط این اصل با اصل قبلی است چون که در این اصل گفته می‌شود که: «جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به هدف مذکور در اصل دوم این کارها را انجام بدهد» اولاً وظیفه متعلق به شخص یامجموعه‌ای از اشخاص می‌شود. اینجا معلوم نیست که جمهوری اسلامی نظام است، چنانکه در اصول قبل آمده یا درست است بمعنای اخص آن اینجا باید مشخص بشود وظیفه بر عهده انسانها یا هیأتی از انسانها گذاشته بشود نه بر عهده نظام. ثانیاً می‌گوید برای نیل به هدف مذکور، وقتی به اصل دوم مراجعه می‌کنیم می‌بینیم سه هدف است یکی «قسط وعدل»، یکی «استقلال فرهنگی»، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یکی «همبستگی ملی» اینها سه چیز جدا از هم است حالا فرض کردیم که اینهم درست شد و هدفهای مذکور در اصل دوم شد که دولت جمهوری اسلامی موظف است تمام امکانات را برای نیل به این هدفها بکار بیندد، بعد می‌گوید برای نیل به این سه هدف «باید به آرمان‌های زیر برسد یعنی این جا آرمانها فرع بر هدفها قرار گرفته اند، در حالی که ما از آرمان، هدف بعيد و دیررس را می‌فهمیم، مثلاً وحدت مسلمین یک آرمان برای مسلمین است نه اینکه این هدف کوچکی باشد که وقتی این آرمانها به تحقق برسد تازه به قسط وعدل و به همبستگی ملی برسیم، علاوه بر این آنچه در ذیل اصل ذکر شده وسیله و راه است، نه آرمان ونه هدف. ملاحظه می‌فرمایند «محو هرگونه استبداد» این وسیله است «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجنبی» وسیله است برای تأمین استقلال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، یک آشتگی در روابط اینها وجود دارد که کاملاً محرز است. بنابراین راه اصلاح‌شان است که کلمه «آرمانها» را تبدیل کنیم به «وسایل». تازه یک سری اشکال به شانزده بند این اصل وارد می‌شود یا بریش از یک اصل که حالاً توضیح میدهیم. البته نمی‌توانم تمام ایرادات را ذکر کنم همین مقدار که وقت اجازه میدهد عرض می‌کنم. دیگر تکرار هدفها است، اگر «آرمانها» را بنویسیم «راهها و وسایل» دواشکال پیدا می‌شود، یکی در رابطه با بندۀ‌های همین اصل و یکی در رابطه با آنچه در اصل دوم خودمان بعنوان راه و وسیله اتخاذ کردیم. ایراد آقای بنی صدر در مورد اصل دوم پیاده شد و پایه‌ها را از هدفها و روشهای جدا کردیم، آنچه ملاحظه می‌فرمایید که یکباره سه راه داریم برای رسیدن به سه هدفی که عبارت است از قسط وعدل، استقلال سیاسی و همبستگی ملی، که این سه راه و وسیله است برای رسیدن به این سه هدف، در اینجا شانزده راه و وسیله دیگر ردیف شده که رابطه‌اش نه با آن راهها معلوم است و نه با این



هدفها . علاوه بر اینکه یک راه و وسیله است بنام استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری در پیش برد اینها ، این یک وسیله و راه است برای اینکه ما مثلا به این سه هدف بررسیم . این باز در اصل پیشنهادی سوم یک وسیله هست که عبارت است از «تأمین خود کفایی در علوم و فنون». یک بار یعنی اینکه ما خود کفا باشیم از نظر علمی و فنی و از خارج وارد نکنیم و این شده وسیله برای رسیدن به قسط و عدل و همبستگی ملی و یک بار استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری شده یک وسیله . علاوه بر اینکه آگر این آرمانها تبدیل به وسیله بشود و اینها وسائل باشند برای آن هدفها، خود کفایی باید هدف باشد نه استفاده از علوم و فنون و تجارب پیش رفته ، چون آن راهی است که مارا به خود کفایی میرساند ، بعد یک دسته هدفهای دیگر در شرح این وسائل شانزده گانه ذکر میشود . یکبار در مقدمه این اصل میگوید که ما داریم راهها و روشها وسائل را شرح میدهیم یک بار در اصل دهمیگوید «ایجاد نظام اداری صحیح» و این را گذاشته روش وسیله، بعد یک هدف هم آنجا تعیین میکند . شما در مقدمه همین اصل میخواهید وسایلی را برای رسیدن به هدفهای پائین اصل دوم شرح بدھید ولی یکبار در بند دهمیگوید «ایجاد نظام اداری صحیح به منظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی»، یا در بند یازده میگوید «تقویت کامل بنیه دفاع ملی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور» این هدفی است که قبل از صورت استقلال سیاسی در آنجا ذکر کردیم آنوقت چیزهای نامرتبتری هم هست مثل بند شانزده که میگوید «برقراری روابط عادلانه با همه ملل و تعهد برادرانه در مقابل ملل مسلمان» اینها در سطح جهانی است، اینها وسیله نیست برای اینکه قسط و عدل را در داخل تأمین کند بلکه هدفی است بزرگتر در صحنه جهانی که آن هدف قسط و عدل در جامعه اسلامی را انجام میدهد . ما یک بار همبستگی ملی را در داخل انجام میدهیم ولی یک جزء از هدف بزرگتر، همبستگی به ملل مستضعف و مسلمان است نه اینکه همبستگی با ملل اسلامی یا ملل مستضعف وسیله بشود برای همبستگی ملی . علاوه بر اینکه مطالب دیگرهم هست مثل در بند دوازده میفرمایند «پی ریزی اقتصاد صحیح جهت ایجاد رفاه و رفع فقر...» که این بار یک هدف برای این کار شده در حالی که مانع فتیم تمام این وسائل ما را میرساند به آنجا، علاوه بر اینکه در همین اصل آورده شده «تعیین یمیه» که با پی ریزی اقتصاد صحیح نامتناسب است ، ییمه در بخش خدمات هم باید انجام بشود ، در بخش غیر دولتی هم باید انجام بشود ، این یک چیز مستقلی میخواهد . عرايض بنده به اختصار همین است .

نایب رئیس — آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید .

مقدم مراغه‌ای — بنام خدا، اول میخواستم یک استدعاًی از حضور حضرات آیات بکنم و این برای همیشه تا آخر مجلس باشد ، چون در وضع مشکلی ما از کوچکی عادت کرده‌ایم که به لباس روحانیت احترام بگذاریم و این احترام همیشه درخون ما هست و برای من مشکل است وقتی مطلبی از طرف آیات عظام عنوان میشود، در مقابل آن یک اظهار نظری بکنم. اکنون اجازه بفرمایند ایرادات خود را عرض کنم .

نایب رئیس — با تشکر یادآوری می‌کنم که در عین سپاسگزاری از محبت و عاطفه و فرهنگ پر ادب جنابعالی ، همه ما به صراحةً کامل و آزادی کافی در برخورد عقاید عادت کرده‌ایم و همان احترام قلبی که جنابعالی نسبت بهمه آقایان احساس میکنید، ایجاد می‌کند



که ما هم یکجا و برای همیشه بگوئیم که در این جلسه بیان آراء و عقاید نه تنها خلاف ادب و احترام نیست، بلکه لازمه محبت و ادب و احترام است.

مقاله مراغه‌ای – متشکرم تعارف نبود، قلبی بود. به هر حال مطالبی را که آقای فارسی فرمودند در اشاره بمداد و بندها بود، بنده از آن دیدگاه نگاه نمی‌کنم بلکه از دیدگاه کلیات اصول است. مطالبی که اینجا بطور منفرد در همه بندهای این اصل آمده‌خوب است ولی جایش اینجا نیست اینها قسمت‌هایی هستند که باید در مقدمه جاداده بشود. یک مسئله هست که باید صریح تر روشن تر در جای خودش گفته بشود و گفته شده که اگر توجه کنید مثلاً در حقوق ملت ماتمام این مطالب را خیلی صریح می‌خواهیم تصویب کنیم زیرا مردم می‌خواهند مفهوم آنها را خوب بدانند و این جملات کلی آنها را اقنان نمی‌کند و شاید در تعییر و تفصیل بعداً یک اشکالاتی وجود بیاید. بنابراین در حقوق ملت آن چیزی که حقوق ملت است باید صریح و روشن گفته شود، این است که بنده معتقدم که بیشتر اینها زیادی بوده و توضیحاتی است که بعداً ممکن است ایجاد اشکال کند و از آن فایده‌ای متصور نیست. قانون اساسی باید مختصر، صریح، روشن، موجزو و برای همه قابل درک باشد. این برای خواص نباید باشد. همانطور که آقایان میدانند اسلام یک دنیای وسیعی است که همه افراد عادی نمی‌توانند به آن آگاهی پیدا کنند. در اینجا آن عصاوهای که از مجلس خارج می‌شود باید صریح و روشن و قابل درک برای تمام مردم و توده عوام باشد. البته در اینجا استفاده می‌کنم که چرا این اشکال برای ما پیدا می‌شود چون اگر ما روز بروز کار انجام بدیم یک روز در آخر کار می‌بینیم فرصتها از کف رفته و یک اشتباهاتی یا نواقصی در کار ما بوده است. الان سه ماه است که قانون اساسی برای مردم مطرح است. بنده خودم بعنوان اهل نظر سه بار در رادیو و دویار در تلویزیون اظهار نظر کردم و مبنای مذاکرات ما آن اصولی بوده که در پیش نویس تنظیم شده و حاصل بررسی و مطالعه عده‌ای از کارشناسان بود که چهارچوب قانون را تعیین کرده بود، یعنی صغری و کبری مطالب پیوسته و روشن آمده بود و موزون هم بود. البته ایراداتی داشت ولی قابل اصلاح بود و باستی اصلاح می‌شد، زیرا از روشن تر کیب، یک روش منطقی را دنبال کرده بودند. مثلاً فرض پرمنائید ما از اول گفته‌یم که جمهوری اسلامی، خیلی روشن هم اسلامی اش را معنی کرده بود، هم جمهوری را که مراد ازاین جمهوری اسلامی که اینهمه خون در راه آن ریخته شده چیست و چه باستی باشد؟ ما الان فکر می‌کنیم یک اصلی را که بررسی می‌کنیم تمام مطالب را در همان اصل باید بگنجانیم و حال آنکه یکصد و پنجاه و یک اصل است و اگر ملاحظه بکنید می‌بینید که این اصول یک پیوستگی منطقی با هم داشته و من نمیدانم چطور شد، زیرا روز اول قرار بود از طرف کارشناسانی که این گزارش را تهیه کرده بودند، گزارشی عرض مجلس خبرگان برسد چون حیف است که ما نتیجه مطالعاتی را که بوسیله صاحب‌نظران انجام شده نادیده بگیریم و دویاره خودمان از نو یک اصول دیگری را تنظیم کنیم زیرا در بعضی مواد مطالبی متضاد آنچه با مردم صحبت کرده‌ایم دیده می‌شود. خود بنده در تمام رostaهای آذربایجان رفته‌ام و واقعاً فعالیت کردم و مطالب را تشریح کردم، به مردم گفتم که هدف چیست و وظیفه دولت چه خواهد بود. بنابراین وظیفه مردم هم باید در اینجا روشن شود و من در مقابل مردم متعهد هستم. اگر این اصول، همان اصول باشد البته می‌توان آن را در یک ماه تمام کرد ولی اگر قید یک ماه و شش هفته را بردارید تا وسعت وقت داشته باشیم و بتوانیم بحث کنیم، البته یک قانون اساسی



جدیدی بدون توجه به آن مطالعاتی که انجام شده می‌توانیم تنظیم کنیم. ولی من می‌بینم هر روز صبح ما را در فشار میگذارند که آقا ساعت ده و نیم نزدیک شد زودتر نظرخان را بدھید این عجله و شتاب چرا؟ اگر ما اشتباهی سرتکب بشویم عواقب و نتایج آن در درازمدت خیلی گران تمام میشود. به این جهت بود که با ایمان و عقیده‌ای که به جمهوری اسلامی دارم و با آنکه امیدوارم و آرزوئی جزاً ندارم که این جمهوری به ثمر برسد، نظر خودم را عرض کردم واستدعا دارم در آن چیزی که بنده به اجمال گفتم توجه بیشتری بفرمایید. یک گله هم دارم و آن را عرض میکنم و مرخص میشوم. در کمیسیونها گفته شد به آن کمیسیون چهارده نفری فقط یک نظر را ارائه میشود کرد، آن هم نظر اکثریت را، چرا؟ اگر من در یک کمیسیون یک نظر صحیح داشتم چرا نباید ارائه بشود و مطرح بشود؟ الان تهیه پانزده نفر برای ارائه یک طرح در این مجلس برای کسی مثل بنده کار آسانی نیست چون آشنائی‌های ما کم است و بایستی این تضییق برای آن کسانی که نظریات نامتجانس دارند، از بین برود. البته در اصول اسلامی بنده هیچگونه نه اجازه دارم اظهار نظر کنم و نه خواهم کرد ولی در آن چیزی که مربوط به حقوق ملت و مسائل کلی مملکت است که حضرت امام خمینی آن را مسائل اداری نام گذاشته‌اند، در آن مسائل من هم باید بعنوان یک فرد اجازه داشته باشم که نظراتم را به مجلس تقدیم بکنم معدتر میخواهم از تصدیع خاطر آفایان.

نایب رئیس — تنها یک تذکر را لازم میدانم که در رابطه با وظیفه هیأت رئیسه برای روشن شدن آقای مقدم براغه‌ای و همه بدhem و آن این است که اظهارنظر در داخل کمیسیون آزاد است ولی اگر نظری در داخل یک کمیسیون نتوانسته باشد اکثریت آراء را بدلست بیاورد و بعد بخواهد در مجلس مطرح بشود بدین منظور که آرائی جذب بکند، این خیلی بعید است و وقت را بمقدار زیادی میگیرد، به این جهت بود که فکر کردیم لاقل صاحب این نظر با مذاکرات خصوصی قانع کننده‌تر بتواند یک عده‌ای را با خودش موافق کند. گمان نمیکنم نظم دادن به اظهارنظر، معنایش تضییق باشد. بجاست که یک نفر موافق صحبت کند ولی برای صرفه‌جویی در وقت بهتر است که اول یک مخالف صحبت کند و بعد یک موافق آقای خامنه‌ای بعنوان مخالف نام نوشته‌اید؟ (خامنه‌ای — بلی) بفرمایید و ضمناً توجه بفرمایید که حاضران جلسه مدتی است هفتاد و یک نفر هستند چون در آغاز جلسه پنجاه و یک نفر بودند.

خامنه‌ای — بسیاری از مطالبی را که در نظرم بود نمایندگان محترم قبل از من گفتند و بنابراین از آن مطالب می‌گذرم اما حرف من در دو قسمت خلاصه میشود که بیشتر آن را آقای فارسی گفتند و خلاصه روی کل قضیه است. من شاید آنچه که وظیفه اعم خود میدانستم بگویم، آن قسمتی بود که مربوط به تدوین قانون بود. چون من جسارت میدانم که در حضور بزرگانی که اینجا هستند و هر کدام در قسمتی متخصص، بخصوص آقایان علماء که متخصصین واقعی اسلام و فقهه هستند بگویم که آقایان بنشینید و قانون را برابر احکام اسلام بنویسید، اصلاح مقام نصیحت و ارشاد آقایان را به تقوای یک نوع تظاهر میدانم. بنابراین، این قسمت مفروغ عنه است اما این قسمت دوم را تأکید داشتم و مسئول میدانستم که ما اینجا برای بیان حقایق اسلام نیامده‌ایم ما اینجا باید حقایق اسلام را در یک قالب ایران‌پسند و دنیاپسند که مخالفین ساکت بشوند و موافقین خوشحال بشوند، در یک صد و پنجاه یا تعداد اصول بیشتری بروزیم و اینها اصول قانون باشد، بعنوان اینکه نقش تعیین کننده داشته باشد و شعار نباشد زیرا معنای



قانون این است و الا ما در تعریف اخلاق می‌شنویم که میگویند آنست که ضمانت اجرا ندارد و در آن در قانون بسیار مشعشعتر است اما اثر عملی ندارد. ما در اینجا برای بیان اخلاق اسلامی نیامده‌ایم، گواینکه باید آنرا هم بگنجانیم ولی ما اینجا کلماتی می‌خواهیم و جملاتی و اصولی می‌خواهیم که در درجه اول بودن و بودنش درست‌نوشت‌اما و دیگران مؤثّر باشد، نقش داشته باشد و تعیین کننده باشد. تعریف جامع ومانع که می‌کنیم همین است. بنابراین چیزی ننویسیم که از آن استفاده وسیع تر شود یا چیزی ننویسیم که بیان کننده مکونات ذهن مانباشد. علیهذا چون این اصلاح قدری نامناسب است، بیش از این خجالت بیکشیم چیزی بگوییم و برمی‌گردم به آن الفاظی که اشاره شد آرمان و هدف. آرمان راهنمایی که تعریف کردن به معنای هدف دور است . (نایب رئیس - میتوانم خواهش کنم آن مطالبی که گفته شده تکرار نفرمایید؟) خیر این مطالب مال خودم است، این چیز دیگری است آرمان چیزی نیست که دولت بتواند در روز اول تأمین کند. ما اینجا جزو آرمانها داریم «بالا بدن سطح آگاهی»، یعنی یک عمل و یک فعل مکانیکی است که دولت از آغاز کار خود باید آن را انجام بدهد، آموزش و پرورش رایگان آیا یک آرمان است؟ آیا ارزان کردن اجناس یک آرمان است؟ ملی کردن انبار فلان، آرمان است؟ تهیه شیر و آذوقه و ارزاق مردم یک آرمان است؟ «تقویت روح تحقیق» از وظایف است این را بنویسید. من خودم هم دریش نویسی که تهیه کردم که خودم هم قبول ندارم و برآن خیلی افزوده‌ام ما یک اصل گذاشتیم و بطور خلاصه نوشتیم «دولت موظف است انقلاب اسلامی رادر جلوه‌های مختلف بیاده کند». یک انقلاب را در جلوه‌های مختلف که می‌خواهند بیاده کنند، اول انقلاب فرهنگی یعنی آموزش رایگان را باید بگذارند دیگر این را می‌شود از روز اول مهر عملی کنند. صحبت بهداشت را سه‌ماه پیش کردند، آیا بهداشت و طب ملی آرمان است؟ این را باید از فردا شروع کنند. یا بیمه‌های متعدد قبل از این مملکت بوده ولی شمول آن کم بوده‌خوب، حالا بیشتر کنند. وض این کلمات و جمله‌ها طوری نباشد که در خانه بنشینیم و حرأت نکنیم از خانه بیرون بیائیم و مرتبًا به ما نشان بدhenد که آقا این کلمات، این ایرادات را دارد. اگر ما با هم دوستانه انتقاد بکنیم بهتر است که دشمنان بکنند. مشارکت مردم در تعیین سرنوشت در اصل سه آرمان است و در اصل شش این تأمین شده (نایب رئیس - آقای خامنه‌ای، روی کلمه آرمان بیش از این صحبت نفرمایید، آقای فارسی این را گفتند) فقط آرمان نیست من راجع به قسمت دیگر صحبت می‌کنم. ما بحث‌نظری نداریم، ما در اصل ششم داریم که در جمهوری اسلامی شورا یکی از بنی اسرائیل امور جامعه است، اینها مراتفات دارد. بعلاوه مگر آنچه را که نیازمندیم (من دفع دخل مقدر را می‌کنم) که چیزهایی بوده که می‌بایستی باشد آنها را مانگانجانده‌ایم و آقای مقدم مراجعته‌ای هم فرمودند که اینها همه‌اش خوب است ولی تمام چیزها که اینها نیست. بنده یک لیستی به‌اندازه تمام اینها دارم اجازه بدید بیاورند اینجا پخش کنند، چیزهایی است که ضرورتش به‌اندازه اینها هست و کمتر نیست. من گمان می‌کنم در ارتباط با همین اشکالاتی که دارم، من البته زیادتر نوشته بودم ولی به اختصار بگوییم که فرضی برای بقیه آقایان موافقین هم باشد، اشکال کار ما از کار غلط همان شورای هماهنگی بود که بجای هماهنگی، نظم را بفهم زندن. مابرای این مجلس انتخاب شدیم و قبول دولت و اعتبارنامه، حق رأی به نمایندگان داده است. این حق بکتسیب راهیچ عاملی نمی‌تواند بگیرد جزو کل، آن هم باعزل. مابطع این حق رأی، درگروهها حق بیان داریم و حق رأی ندارد و بصورت اقلیت



مندرج نمی شود و بعد راینچا حق طرح نداریم و اینجا قطعی توانیم با جازه مخالفت کنیم. آنهم بصورتی است که متأسفانه به مدیریت این مجلس اعتراض دارم، برای اینکه با راه و قوت سخنرانی خواسته ایم ولی توجهی نشده، دیروز یا پریروز بود که من گفتم آقای بهشتی نوبت من دراینجا است و نوبت من رعایت نشد، البته مصالح کلی را ایشان درنظر گرفته بودند ولی به هر حال این احتمال هست که آن رأی داده نشود و این فرصت صحبت ملحوظ نگردد. پس بنده برای چه انتخاب شدم؟ من به شورای هماهنگی و همچنین انتخاب گروهها، یعنی فشرده کردن هفتاد و سه نفر در دو دسته هفت نفری که حداکثر می شود چهارده نفر، مخالف هستم و کنندی کار را هم از آن میدانم و بازنگر میدهم که از موضع یک‌نفر که باقی می‌کند، به چیز دیگر کاری ندارم، این طرز قانون نویسی نیست که اصل دوم را ما شانزده بند بکنیم و مثل آن اصل قبلی دوروز معطل بشویم و روش صحیح در کار نداشته باشیم و دراینجا بنشینیم بجای تصویب بگوئیم چه کنیم و هر روز آنچه جدیدی باشد برای اینکه چه باید کرد. شما اگر این قانون را می‌آوریدید همین جا و کلمه کلمه مطرح می‌کردید، وقت کمتری صرف می‌شد، با آنکه آن هم روش صحیحی نیست. بنده اعتراضی دارم و خواهش دارم برای اینکه حقوق کلیه نمایندگان از بین نزود و حقوق موکلین از بین نزود، در ابراز رأی تجدید نظر بشود، شورای هماهنگی بخودش تکانی بدهد، به نظرات توجه بیشتری بشود و اینهمه پاکنویس و غلط‌نویس نکنند. وقتی من می‌خواهم متى را مطالعه کنم می‌بینم این متن هائی که پدستم داده‌اند، هر کدام نسبت به دیگری مختص‌تغییر دارد. نحوه مدیریت هم در طریق اداره عمومی جلسه باشد نه شخصی، خیلی مشکرم.

نایب رئیس — در آئین نامه تذکر داده شده است که اگر در اثناء سخن نماینده‌ای مطلبی باشد که مربوط به نماینده دیگری باشد، آن نماینده می‌تواند جواب بددهد. برادرمان آقای خامنه‌ای در دوچای سخشنان به نحوه مدیریت جلسه اعتراض داشتند، یکی این بود که نوبتشان را دیروز رعایت نکرده‌ام و یکی هم در آخر حرف‌هایشان گفتند نحوه مدیریت باید مطابق مصالح عمومی جلسه باشد و نه شخصی، از ایشان خواهش می‌کنم که بعداً مورد منظورشان را یادداشت کنند و بخودمن بدهنند تا اگر آنطور که ایشان برداشت کرده‌اند بوده است، خود من اینجا اعلام کنم که این خلاف از من سرزده و اگر ایشان از مطلب برداشت اشتباهی کرده‌اند، بعداً خودشان ببایند و اشتباهشان را تصحیح کنند. ما الان می‌خواهیم یک موافق بباید و صحبت کند. آقای فاتحی بفرمانید.

فاتحی — بسم الله الرحمن الرحيم. پس از سلام برحضور محترم قبل از اینکه وارد بحث درباره اصل سوم، که هدف اصل دوم — که عدل بود — بشویم و عدل هم تقسیم می‌شود به عدل در تشریع و عدل در تقسیم و عدل در تکوین و این مسائل که دراینجا برسی شده‌برای این است که عدل در جامعه تحقق و عینیت پیدا بکند، یک مطلب را لازم بود عرض کنم و بعد آنرا مطالبی که اینجا گفته شده، عرايضاً را بسمع می‌رسانم. با اینکه سعی می‌کنم کمتر وقت نمایندگان محترم مجلس برسی نهائی قانون اساسی را بگیرم، اکنون احساس می‌کنم توجه و دقت نسبت به یک موضوع نهایت ضرورت و لزوم را دارد و آن این است که بطوریکه نمایندگان محترم توجه دارند، کلیه بیشنهادهای رسیده مربوط به قانون اساسی از چهار هزار متوازن است و بین نمایندگان هفت کمیسیون که هر کدام برکب از ده نفر می‌باشد،



تقسیم شده است . هریک از کمیسیونها پیشنهادهای مربوط به آن مواد و اصولی را که بین کمیسیونها تقسیم شده ، مورد بررسی و تحقیق قرار داده اند و البته توجه داریم که دفتر مجلس ...

نایب رئیس — آقای فاتحی فقط بعنوان موافق اصل صحبت بفرمائید ، نه بعنوان پاسخ به همه مطالبی که گفته شده است . از دوستانی که دعوت می کنم اینجا بعنوان موافق تشریف بیاورند ، انتظار همه این است که فقط بعنوان موافق صحبت کنند . بیابراین لازم بود که شمامی فرمودید من تذکری دارم تا بینم آیا باید تشریف بیاورید یا خیر .

فاتحی — دو سه دقیقه بیشتر طول نمی کشد . خلاصه اش این است که این آقایان آن پیشنهادهای را که مربوط به اصول خودشان در کمیسیونها بوده ، مطالعه کرده اند و پیشنهادهای را که مربوط به کمیسیونهای دیگر بوده است ، بطور دقیق مطالعه نکرده اند . فی المثل بنده جزو کمیسیون هفتم که درامور قضائی و مالی و روابط اجتماعی بررسی می کند ، هستم ، به این دلیل پیشنهادهای رسیده در کمیسیونهای دیگر را دقیقاً مطالعه نکرده ام .

نایب رئیس — این بحث از موضوع خارج است .

فاتحی — نظرم این است که طوری ترتیب داده بشود که همه آقایان تمام پیشنهادهای مطالعه کنند ، عرضم در این قسمت تمام شد . و اما راجع به این اصول عرض شود دیروز قسط و عدل و استقلال سیاسی یا اقتصادی و فرهنگی و همبستگی ملی را گفتیم باید تأمین کنیم ، حالا بررسی می کنیم بینیم این اصولی که پیشنهاد شده است ، ما را به این هدف میرساند یا نه . بنداول این بود که «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی» ، پیادست کسی که متصرف به فضائل اخلاقی وایمان و تقوا باشد ، این خود یک نحوه از عدلی است که آرمان ما هم هست و می خواهیم به آن بررسیم و عرض شود «بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی» ، این هم باز راهی است برای رسیدن به سعادت و عدل و استقلال سیاسی و اجتماعی که تفکرات ما در اجتماع صحیح باشد و از تمام جریانات واقع در دنیا با اطلاع باشیم . واز نظر آموزش و پژوهش و تربیت بدنشی رایگان در تمام سطوح «که در اصل پیش بینی شده است ، مسلماً عدل هنگامی تحقق پیدا می کند که علم و دانش برای همه افراد باشد ، همانطور که اسلام هم علم و دانش را برای تمام افراد فریضه دانسته است . درین بعدی می گویید «طرد استبداد و خود کامگی و هر نوع سلطه جوئی و انحصار طلبی» ، یعنی باید سرمایه های ملت بطور عادلانه تقسیم شود . افرادی که خود کامه و سلطه جو هستند مانع تقسیم عادلانه می شوند ، کما اینکه در زمان سابق هم تقسیم بطور عادلانه نبود و این خود برخلاف عدل بود . در بند دیگر «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود » این هم حدی است که هر کسی به حقوق خودش برسد و اگر کسی به حق خودش نرسد برخلاف عدل است .

نایب رئیس — آقای فاتحی شما باید می فرمودید که این بند ها بودنش ضرورت دارد یا خیر . نه اینکه درباره اش توضیح بدهید .

فاتحی — پس برای رسیدن به عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ، حتماً باید این مطالب در جامعه ما تحقق پیدا کند . دیگر عرضی ندارم .

نایب رئیس — برای روشن شدن یک نکته که در سخن آقای فاتحی بود ، یادآوری



می کنم که هریک از نمایندگان در هر گروه که باشند این اسکان را دارند که به اوراق موجود در گروههای دیگر مراجعه کنند، متنوعیت و یا محدودیتی برای اینکار وجود ندارد. آقای ربانی بفرمائید.

یکی از نمایندگان — مگر قرار نبود یک موافق و یک مخالف صحبت کنند؟

نایب رئیس — سه مخالف آمدند و صحبت کردند، سه موافق هم میتوانند صحبت کنند، مگر شما در جلسه تشریف نداشتید؟ چون آقای ربانی قبل نوبت گرفته بودند حالا صحبت میکنند و بعد هم آقای غفوری میتوانند بعنوان دفاع از این اصل توضیحاتی بدهنند. آقای ربانی بفرمائید.

ربانی شیرازی — اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحيم. آنچه موجب شد که این اصل در اینجا گنجانده بشود، نظریه‌ای بود که آقای غفوری داشتند و آن این بود که یک قانونی بنویسیم که علاوه بر اینکه بیانگر اصول و قوانین اسلامی باشد، جهان‌پست و هم چنین نمایشگر این باشد که حقوق مردم به آنها برسد ورفع اغلال بنماید. بنظر من منظور ایشان در اینجا تأمین نشده است، ما گفتیم این اصولی را که شما نوشته‌اید، تمام اینها در ضمن فصول دیگر خواهد آمد (یکی از نمایندگان — مثل اینکه شما بعنوان مخالف صحبت میکنید)... اجازه بفرمائید مخالف نیستم بلکه موافق مشروط هستم، بنظر من گروه چهارده نفری هدف ایشان را درست تنظیم نکرده‌اند. قرار بود که اول بیان حکومت بشود، بعد تفسیر حکومت و سوم اهداف حکومت بیان شود. اصلاً نظر ایشان این بود که ما بیانیم در اول فصل کلیات اهداف حکومت جمهوری اسلامی را بیان بکنیم، نه اینکه به نحوه قانون پردازیم، چون در ضمن سایر فصول تمام آنها می‌آید. لذا اینکه نوشته شده «جمهوری اسلامی ایران موظف است» این جمله بیانگر خواسته ایشان نیست، برای اینکه این در فصول دیگر هست. بنابراین باید همانطور که ایشان گفته‌اند اهداف جمهوری اسلامی یکی یکی گفته بشود. مسئله دوم تقدم و تأخیر این اصول است، بنظر من بعضی از این اصول مقدم بر اصول دیگر است، مثلاً استقلال مقدم بر سایر امور است. بعلاوه خیلی از این اصول هست که وقتی کشور دارای استقلال باشد، قابل اجراست و بنظر من بعضی از این مقدمه‌ها باید جلوتر ذکر بشود. مسئله سوم تکرار است، ستمگری یکبار در اصل دوم آمده است و یک دفعه هم با لفظ «سلطه جوئی» در اصل سوم آمده است که این تکرار هم باید حذف بشود. بنابراین بنده با این شرایط با اصل موافقم.

نایب رئیس — نوبت آقای دکتر غفوری است که بعنوان موافق صحبت بفرمایند.

سبحانی — مگر قرار نبود یک موافق صحبت کند؟

نایب رئیس — چون سه مخالف صحبت کرده‌اند، سه نفر هم بعنوان موافق میتوانند صحبت کنند. جنابعالی اول حساب را رعایت بفرمایید بعداً انتقاد کنید، آقای غفوری بفرمائید.

دکتر غفوری — بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم اكفنا ما يشغلنا الاهتمام به واستعملنا بما تسئلنا غداً عنه.

آرزوی حقیقی ما این است که «من» را رها کنیم و به «ما» برسیم، این سرلوحة کارمان است. من خیلی شرمنده هستم که به کسی نسبت داده بشود که این اصل را او درست کرده است. ممکن است که شخصی وسیله شده باشد، اما خدا خودش میداند که دلم نمیخواهد به من نسبت داده بشود، صحبت در این است که ما چه باید بکنیم. روی این اصل همانطور که اشاره شد من خودم را مسئول دانستم موقعیکه این نوشته‌ها و پیشنهادها رسید، احساس مسئولیتی



شد و در لابلای مطالبی که رسید خواسته هائی وجود داشت. در سابق قانون را قانون نویسان در اطاقهای درسته مینوشتند، یعنی یک عدد قانون بینوشتند و یک عدد هم قانون دربارشان اجرا میشد. حالا بنظر میرسد که درنوشتن قانون باید به نیازهای موجود توجه داشت وهمچنین آنکسی که نیازها را میداند، دراینکار دخالت داشته باشد، و این مسئولیتی است که ادراینجا داریم، یعنی نیازهای انسانهارا دریابیم و به آن توجه داشته باشیم، از جهت اینکه خدای انسانها خواسته که امانتها را به کسانی بسپارند که اهلیت و صلاحیت دارند. من عرایض را خیلی خلاصه میکنم چون فکر میکنم آنها که اهل مطالعه بوده اند دراین چند روز (دراین چند روز عرض میکنم چون میدانم که همه اهل مطالعه هستید) توانسته اند مسائل را بررسی کنند. بدون اینکه هیچگونه دفاعی باشد ضمن اظهار تشکر از همه چون واقعاً دفاعی وجود ندارد که بگوئیم «تو» نه، و «من» آری، اگرچنین باشد اول سقوط و انحطاط خواهد بود. پس با اقرار براینکه همه در تلاش هستیم تا راه بهتر را پیدا کنیم، یک سوال وجود دارد و آن این است که این مردمی که درانتظار هستند و این مطالب را بینشوند، بینیم چگونه میشود این بار را از دوشنan برداشت، بینیم چه چیزی وجود دارد که میتواند بار دوشنan را سیک کند. بخشی که الان مورد توجه ما است، اصول کلی است. البته هر قانونی یک مقدمه دارد، مقدمه تاریخی، که چگونه ما به این مرزتاریخی رسیدیم و انگیزه های اصلی چه بوده، در اصول کلی یعنی الاهامهای اصیل، پایه های اصیل، برنامه های کسانی که بعداً میخواهند عهده دار مسئولیت این جامعه بشوند، آنها بکه این قانون اساسی را تصویب میکنند، میگویند ما اینها را میخواهیم. دراصولیکه بعداً می آید همانطور که شأن یک قانون است، دریک ماده و یک اصل یک چیز باید الزام آور باشد، مثلاً وقتی مایگوئیم که «بالا بردن سطح آگاهی های عمومی» این را مردم میخواهند، «آموزش و پرورش رایگان» را مردم میخواهند اما میگوئیم تا کلاس هشت، که البته خیلی هم کم است، چون کشورهایی هستند که در آن جات تفصیل تا کلاس دوازده الزامی و اجباریست. ما دراین جانگفته ایم اجباری، این قانون یک حرکتی را ایجاد میکند که این حرکت از مقدمه شروع شده، یعنی از انگیزه های اولیه که چرا ماقانون اساسی را تدوین میکنیم، شروع میشود که اصول کلی و انگیزه های اولیه را بیان میکند، اصول مستند اسلامی را بیان می کند که اگر این قوانین هم عوض شد، معلوم باشد که در اسلام (الحق لا يجرى لاحد حتى جرى علىه) یک اصل است، پس این مقدمه انگیزه ها را بیان می کند، اصول کلی پایه ها را بیان می کند، اصول تفصیلی بعدی الزامی و آنچه که در شأن قانون است، من نمی خواهیم از دوستان گله کنم ولی این یک امر طبیعی است. در قرآن هم، همه شما می دانید در فاتحه الكتاب تمام قرآن هست، بعد هم تفصیل آن است. شما از تکرار نهای سید خصوصاً چون دست روی دل مردم و در مردم می گذارد. عزیزان من، ما می خواهیم دراین مملکت کار انجام بگیرد. قانون اساسی قبل هم نوشته شد، همین اعلامیه حقوق بشر که درسال یکهزار و هفتصد و نود و دو درجای دیگر نوشته شده بود، عین ماده هشت تا ماده بیست و پنج آنرا آورده دراین اعلامیه حقوق بشر فعلی. دراین مملکت سی و پنج میلیون هکتار زمین قابل کشت وجود دارد اما مشش میلیون هکتار کشت می شود و بیست و نه میلیون هکتار بدون استفاده افتاده است. خیلی عذر می خواهیم از اینکه وارد جزئیات می شویم، من نمی خواستم این مطالب را بگویم ولی دردهائی را که ملت ایران دارند باید روشن بشود. ما که مجبوریم از سیر تا پیازمان را وارد کنیم آنوقت بیست و نه میلیون هکتار زمین قابل



کشت بدون استفاده مانده است و دیگر اینکه هفده درصد آب زیرزمینی ایران بوسایل مختلف بیرون می‌آید و بقیه اش زیرزمین است و یا اینکه از رودخانه‌ها هدر می‌برد. یک میلیون و شصتصد هزار اداری داریم که یک دهم آن کافی است، بقیه اش شغل‌های تشریفاتی بوده است که فقط برای حقوق و مستمری گرفتن است. الان که چهار میلیون بشکه نفت در روز استخراج می‌شود و در سابقه این مقدار به هشت میلیون هم رسیده بود، روزانه شصت و پنج میلیون دلار این سملکت عایدی دارد.

نایب رئیس — آقای غفوری در مورد خود این اصل صحبت بفرمائید.

دکتر غفوری — من در یکی از کشورهای خارج مطلبی راخواندم نوشته بود سیستان و بلوچستان و آذربایجان قدرت دارند تمام آذوقه این سملکت را بدنهند، اینها دردهائی است که در این سملکت وجود دارد، قانون نویس خود مردم هستند ما و شما نیستیم، مردمی هستند که خدائی دارند و آن خدا می‌خواهد مردم به حقوقشان برسند و اختیار اینکار در دست یک عدد خاصی است. آقایان بگذارید این اصل را مردم بنویسند و این اصلی که مردم مینویسند سه قسمت است، یکی اصول کلی است که یک نظام منطقی دارد و در آن اصول کلی گفتیم حکومت ایران جمهوری اسلامی است، زیرا منطق اقتضا سیکرد که بگوئیم جمهوری اسلامی بر چه پایه هایی است، ما گفتیم بر پایه های اعتقاد اسلامی، براساس توحید و بعد آمدیم هدفها را گفتیم که، یک هدف اجمالي گفتیم و بعد آن هدفهای کلی را اینجا یکی اجمال و تفصیل است که باید پایه باشد و چون تپیر مطلب اصول کلی است، بنابراین بنظر میرسد که با توجه و با تشکر از اصلاحات و تذکراتی که داده شد، عبارات باید اصلاح بشود و من تشکر میکنم. اولین تلخیص عبارات را خود برادر ربانی انجام داد و امروزهم، همه واقعاً فداکاری کردن که بتواند تلخیص بکنند. اخیراً یکی از دوستان عزیزم شانزده بند را در ده بند تلخیص کردند. من کار به تعدادش ندارم من میگویم که باید دردی از مردم دوا بشود. این شما و این اتمام حجت، میخواهید حذف شن کنید یا میخواهید قرآن را بگذارید جایش و فقط به یک سلسله کلیات اکتفا کنید، هر کاری میخواهید بکنید، بکنید، انسان باید وظیفه اش را ناجام بدهد. یک دسته کارهائی است که اگر مردم آنها را بشنوند، مسائلی است که قسمت اولش مربوط به آگاهی است این نظام و ترتیب منطقی هم رعایت شده میتوانیم تغییرش بدھیم، روزهای آخر این مجلس برای اصلاح جملات است. اولش از آگاهی شروع شده ما فکر کردیم که اگر مردم آگاه نباشند، کلاه سرشان میروند، گول میخورند و هر کس می‌آید سر کار، اول باید مردم را آگاه کند، سانسور در اظهار افکار مخالف نباشد، افکار مخالف هم باید بگوش مردم بخورد، مردم آگاه بشوند به زندگی. این مال بند اول است. بعد از آن آزادی است، آقا نفوذ اجانب هنوز هم وجود دارد بنابراین سر ما را گرم میکنند همان اجانب، همان شیطانی که به فرعون میگفت آمدم ترا صداقت که نماز بخوانی، بنابراین ما حرفمن این است که در چندتای اول اتمام حجتی است و خیلی عاجزانه، برادرانه به ملت عرضه شده است. چند اصل اول درباره آگاهی است، هر کس مستول حکومت شد، حکومت بر مردم آگاه اقتخار دارد، نه بر مردم جا هل. و بعد آزادی هست و طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب. در این سملکت بیست و هفت هزار فروند هلی کوپتر هست اگر یکدانه سوزن‌ش بشکنند باید بیندازیم دور. در مورد اطمینان کامل نظامی، همه ما سریاز دین هستیم ارتش ملی اصولش در اینجا گفته شده، اصلهای الزام آور گفته شده من بعنوان اتمام حجت گفتم و



دفاعی ندارم، فقط برای اینکه بین خود و خدا آنچه را که خدا به فکر انسان رسانده انسان باید آنها را عرضه نکند. من یقین دارم که بین شما اشخاصی هستند که خیلی عمیق تر می‌اندیشند. خداوند ما را به سبیل ارشاد هدایت کند.

اللهم اکفنا ما یشغلنا الا هتمام به واستعملنا بما تستعلنا غدا عنہ .

وارد جزئیات نمی‌شوم. این شما و این مسئولیتی که دارید.

نایب رئیس— پیشنهادی از طرف آقای آیت درباره کفایت مذاکرات رسیده است و اما این تذکر را در جواب فرمایش یکی از آفایان بدhem که این روشی که حد اکثر سه نفر بعنوان مخالف بیایند صحبت کنند و بعد هم یک موافق، امید من این بود که یک موافق بتواند توضیحات لازم در جواب ناظقین مخالف را بدهد تا در وقت صرفه‌جوئی کرده باشیم، چون تا حالا هم که عمل کرده‌ایم از نظر زمان، نه از نظر کیفیت مثل این است که یک موافق و یک مخالف صحبت کرده باشند، متنها من امید داشتم که از نظر زمان صرفه‌جوئی بشود. البته امیاز یک موافق و یک مخالف این بود که فاصله بین سخنان مخالف و موافق کمتر می‌شود و حضور ذهن‌ها بیشتر و حالا هم امید است که حضور ذهن به اندازه کافی باشد. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی— من فکر می‌کنم به اندازه کافی برای موافقت صحبت نشد با اینکه بیانات آقای گلزارده غفوری کاملاً رسا بود، بیشتر شیوه وعظ و خطابه بود و پاسخ اشخاص داده نشد. به عقیده من اگر اعلام رأی بشود ممکن است به اندازه کافی رأی نیاوریم، اگر موافق باشید یک موافق دیگر صحبت کند.

نایب رئیس— یک تذکر رسیده است آن را می‌خوانم: « صحبت آقای دکتر غفوری این سوء تفاهم را بوجود می‌آورد که اگر با این ماده مخالفت شده علت اینست که نمایندگان اینها را دردهای مردم نمی‌دانند، لطفاً اگر صلاح میدانید تذکر دهید علت این نیست، مقصود ما این است که همه این‌ها در آینده مطرح خواهد شد ».

پیشنهاد کفایت مذاکرات آقای آیت را به رأی می‌گذاریم. کسانی که با این پیشنهاد موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستنده) تصویب شد. درباره اصل سوم دو مطلب داریم مطلب اول که الان روی آن بحث شد این است که آیا این مطالب بعنوان اصل سوم باید اینجا باشد یا نباشد؟ آنچه تا حالا بحث شد روی این مطلب بود ولی بعداً مثل دیروز فراز، فرازی خوانیم و روی هر کدام رأی گیری می‌کنیم و اگر اصلاحاتی بنظر رسید و بر طبق آئین‌نامه بود، انجام می‌دهیم. بنابراین کسانی که موافقند این اصل سوم بعنوان یک اصل در متن قانون اساسی باید قیام فرمایند. (از هفتاد و یک نفر عدد حاضر پنجه‌او دو نفر برخاستند) تصویب شد. آقای صدقی فرمایشی دارید؟

صدقی— بنظر من تمام این بندها خوب است و یکی یکی مطرح کردن آنها صحیح نیست، زیرا دو سه ساعت وقت می‌گیرد. بنابراین برای اینکه وقت مجلس گرفته نشود همه اش را یکجا به رأی بگذارید.

نایب رئیس— اگر مختصری وقت صرف کنیم اما متن منجع تری باشد، بهتر است.

مکارم شیرازی— تذکر بnde این است که بعضی اشکالات وارد است، از جمله آقای فارسی یک اشکال داشتند، در آنجا که نوشته شده «جمهوری اسلامی موظف است» صحیح



صورت مشروح مذاکرات مجلس بروسی نهانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نیست، بلکه باید نوشته شود «حکومت جمهوری اسلامی موظف است» خمیناً اگر یکجا بخواهید رأی بگیرید صحیح نیست. ثانیاً این شانزده بند را میشود در ده بند خلاصه کرد.

نایب رئیس — قابل مطرح کردن نیست. از شما انتظار نداشتم که چیزی را که خودتان تصویب کردید مبنی بر اینکه «پیشنهاد یک نفره را در اینجا مطرح نکنیم»، حلامطرح بفرمائید.

مکارم شیرازی — من روش نشدم، عرضم این است که اگر طرح تازه‌ای باشد که بدون کم و زیاد خلاصه‌تر شده باشد و بجای شانزده بند، در ده بند تنظیم شده باشد، آن را مطرح کنیم.

نایب رئیس — در دو بند هم میشود خلاصه کرد ولی میشود یک طرح تازه‌ای که قابل طرح کردن نیست.

منتظری — ما تطبیق کردیم دیدیم، مختصر شده و جامع هم هست ما خیلی هم نباید «دیسیبلین است» باشیم، این شانزده بند در ده بند تلخیص شده بدون اینکه چیزی کم بشود.

نایب رئیس — آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی — بدنبال نطق آقای خامنه‌ای خواستم عرض کنم که یک نفر حق داشته باشد حرفش را بزند. اگر آنطور که آقای مکارم پیشنهاد میکنند این اصل به جای شانزده بند در ده بند تلخیص شده باشد و این طرح جدید بهتر باشد، چه اشکالی دارد که این را به رأی بگذاریم؟

نایب رئیس — آقای حجتی چیزی را که هنوز تکثیر نشده من به رأی بگذارم؟ حالا اگر یک نفر آمد و یک طرح پنج ماده‌ای تنظیم کرد آن را به رأی بگذاریم؟ آیا ما با این روش میتوانیم کاری از پیش ببریم؟ پس تشکیل کارهای مقدماتی برای چیست؟ برادر عزیز، مجلس باید یک رویه‌ای داشته باشد، چرا می‌خواهید مجلس ما بی رویه باشد؟ بنده عرض میکنم ما جلوتر می‌نشینیم و برای تنظیم کارمندان رویه‌ای را اتخاذ می‌کنیم و فردا می‌آئیم می‌گوئیم رویه بی رویه، ما بشرطی میتوانیم پیشنهادی را مطرح کنیم که از گروه رسیده باشد، نه از یک فرد.

حجتی کرمانی — مگر از اول گفته نشد که هر طرحی که بیاید قابل مطرح کردن است؟

نایب رئیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بعد از تصویب، حرف شما صحیح است. اما قبل از تصویب نباید ما مصالح قانون اساسی را فدای تشریفات کنیم.

نایب رئیس — آقای مکارم نظم از نظر شما تشریفات است؟ ایشان صحیح در جلسه حضور داشتند تا ظهر هم آنچا کار کردند و بعد از ظهر چیزی را به اینجا می‌آورند. کدام نظم اجازه میدهد که محصول کار چهارده نفر را تغییر بدهیم؟

مکارم شیرازی — اشتباه صحبت میشود، آقا من حق دارم از خودم دفاع کنم. این آقایان هم که مطلبی می‌گویند بر اساس حرف شما است. عرض بنده را درست بیان کنید.

نایب رئیس — من دوباره همان مطلب شما را بیان می‌کنم. مطلبی را صحیح در شانزده بند در یک جلسه چهارده نفری با حضور خود شما تنظیم کرده‌اند و تنظیم شامل محتوا و شکل هردو هست، حالا بعد از ظهر جنابعالی می‌گوئید این مطالب را درده بند ادغام کنیم بدون اینکه مطلب کم و زیاد بشود، آقای مکارم درست بود؟ (مکارم — بله) بنده عرضم این است که اگر یک آقائی آمد و گفت همین مطالب را در سه بند ادغام کرده‌ام آیا باید آن را هم مطرح کنم؟



آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — قضیه بنده و شما و آقا و آقا نیست، درگروه چهاردهنفری در همان جلسه ای که خود جنابالی تشریف داشتید با آن شلوغی وضيق وقت این اصل در شانزده بنده تنظیم شد، حالی بینم عبارات زاید و تکراری است. بنده عین همان عبارات را با حذف زواید در ده بنده خلاصه کرده‌ام چه اشکالی دارد که این طرح جدید را به رأی مجلس بگذارید؟ در اینجا بنده و شما نداریم.

پژوهش — آقای مکارم پنج ساعت ضيق وقت بود؟

نایب رئیس — من نخواستم بگویم که شخص مطرح است، می‌گوییم کار رویه می‌خواهد و معناش این است که نظمی را در همه کارها داشته باشیم تا پتوانیم از قوانمان استفاده صحیح بکنیم. یک آئین نامه‌ای را همه آقایان تصویب کردید هیچیک از ما نباید خارج از روشنی که این آئین نامه برای ما معین کرده رفتار کنیم، اگر چنین باشد تصمیم گیریهای شخصی می‌شود. آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی — معنای بی رویه، این است که اینجا درست ادازه نمی‌شود. علتیش هم این است که من خودم در کمیسیون بودم، چون آنجا شلوغ بود و بی رویه بود و اشخاص نتوانستند نظرشان را بگویند، این اصل درست تنظیم نشده است. شما خودتان نمی‌توانستید آنجا را اداره کنید. ما در برابر ملت مستولیم، من نمیدانم این حرف را که اینجا می‌گوییم درست است یا از اسراز است و نباید بگوییم ولی فکر می‌کنم بیان این مطلب باعث شود که کمیسیونهای ما منظم تر اداره شوند، الان این نوشته را بدست هر کس بدھید می‌فهمد که شتاب زده تهیه شده است. من خودم آنجا بودم وقتی که این را مینوشتند محیط متشنج بود. بنابراین، این حقیقت را ملت ایران بداند که چنانچه بخواهیم وضعمان در اینجا منظم تر باشد، باید کمیسیونها برتب اداره شوند. بطول کشیدن این مجلس اشکالی ندارد. بگذارید سه ماه، چهار ماه طول بکشد ولی یک قانون اساسی بدست مردم بدھیم که حقوق تمام طبقات و مصالح کشور در آن رعایت شده باشد.

نایب رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — در جواب جناب آقای حجتی باید عرض کنم بنده صحیح آنجا بودم محیط آرام و سالم بود و متشنج هم نبود و چهارده نفر آقایان مستشكل از هفت گروه، به اضافه اعضای شورای هماهنگی از ساعت هشت صبح تا ساعت یک بعد از ظهر روزی این متن کار کردن و آن را به این ترتیبی که خدمت نمایندگان محترم است، تنظیم کردن.

نایب رئیس — و اضافه بفرمائید که اداره جلسه یک ساعت و نیم به عهده بنده بود و دیگر نتوانستم آنجا بمانم، آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — آقای حجتی پریروز هم مطلع را که بیست و چهار ساعت قبل بدست همه رسیده بود و گویا ایشان فرصت بیدا نکرده بودند مطالعه کنند، فرمودند سه دقیقه وقت برای مطالعه آن کافی نیست.

پژوهش — آقای مکارم و آقای حجتی می‌فرمایند جلسه متشنج بود و آقای موسوی تبریزی می‌گویند جلسه متشنج نبود. جائی که آقایان درباره تشنج و عدم تشنج توافق ندارند، چطور می‌خواهید اصولی را به اینجا بیاورید و رویش رأی بگیرید و همه به آن رأی بدھند؟



بنی صدر — جلسه را یکساعت و نیم آقای بهشتی اداره کردند و بقیه مدت را هم بنده اداره کردم. هیچ تشنج و دعوائی نبود یعنی هر اصلی که مطرح میشد علاوه بر پیشنهاد کمیسیونها هر کس یک جور نظر می داد. خوب طبیعی است که چهارده نظر بدون قیل و قال انجام نمیشد چون یک نفر میگوید من اینطور نوشتم دیگری میگوید من اینطور نوشتم. در اینجا موضوع این نیست که هر کس حرف خودش را پیش ببرد، بلکه نظر اینست که اگر ما هنری یا نظری داریم باید هم با انقلاب ما سازگار باشد و هم نظرات ما را تأمین کند، زیرا اگر به فرد ما بگویند این را تهیه بکنید یک جور دیگری مینویسیم. بعد از کار کمیسیونها آقای مسکارم فرمودند چون این اصل طولانی شده و در شانزده بند تنظیم شده اگر در ده بند تلخیص بشود بهتر است. بنابراین در اینکه این اصل ، خوب طرحی است خودشان هم حرفی ندارند. پس نباید بگوئید جلسه با عجله بوده است، شما نظرتان اینست که این طرح را تلخیص کنیم و برای اینکار میتوانید هر کجا رسیدیم و خواستید آن را تلخیص کنید، در همان جا پیشنهاد بدھید، اینکه دعوا ندارد. به این ترتیب ایشان میتوانند نظرشان را ارائه کنند و طرح یک نفری را هم وارد نکنند.

نایب رئیس — لطفاً توجه بفرمائید اصل سوم را قرائت می کنم:

اصل سوم: جمهوری اسلامی ایران — اگر احساس میشود که کلمه «جمهوری اسلامی» با تعریفی که قبلاً کرده ایم و بعد گفته شده است «همه امکانات خود را» با هم، هماهنگی ندارد، تعبیر دقیق حقوقی آن این است که بنویسم: «دولت جمهوری اسلامی» که دولت شامل خود ملت هم میشود. البته معنی متعارف دولت در زبان فارسی در مقابل ملت فهمیده میشود، بنابراین اگر آقایان موافق باشند اینجا ماسکله دولت را می گذاریم به همان معنای دقیقش تا این اشکال بر طرف بشود و در آنجا هم که نوشته شده است «در راه رسیدن به آرمانهای زیر» بنویسم: «در راههای زیر بکار می برد» و نتیجه گرفته میشود. آن کلمه «هدف» را هم «اهداف» بگذاریم به این ترتیب «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را در راه تحقق امور زیر بکار برد» برای اینکه به عبارت ها با قیام و قعود رأی گیری نکنیم ، عبارتها را با بلند کردن دست رأی میگیریم و بعد به کل اصل سه با قیام و قعود رأی می گیریم، موافقین با این عبارت لطفاً دست بلند کنند(اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. بند یک را میخوانم:

«دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را در راه تحقق امور زیر بکار برد» برای اینکه به عبارت ها با قیام و قعود رأی گیری نکنیم ، عبارتها را با بلند کردن دست رأی میگیریم و بعد به کل اصل سه با قیام و قعود رأی می گیریم، موافقین با این عبارت لطفاً دست بلند کنند(اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. بند یک را میخوانم:

— ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباہی.

آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — این قسمیم در آن مقسم باقی ماند.

نایب رئیس — ما نگفته‌یم قسمیم و مقسم است، گفته‌ایم برای آن هدف در این راههای مساعد خود را بکار اندازد. آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.



طاهری اصفهانی— «بارزه با مظاہر فساد و تباہی مقدم بر رشد فضائل اخلاقی است، اول باید مبارزه با گناه شود، بعد فضائل اخلاقی رشد پیدا کند.

فارسی— بند پیشنهاد میکنم «در راه رسیدن به آرمانهای زیر» را حذف کنیم.

مکارم شیرازی— «بارزه» غلط است باید نوشته شود «ایجاد محیط مناسب».

نایب رئیس— «بارزه» عطف به ایجاد محیط مساعد است.

موسوی جزایری— اشکالی که آقای فارسی فرمودند، صحیح است.

نایب رئیس— موافقین با بند اول دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد. بند دوم قرائت میشود.

۲— بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسائل دیگر.

موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد.

۳— آموزش و پرورش و تربیت بدنه رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

هاشمی نژاد— تربیت بدنه را حذف کنید.

کیاوش— تربیت بدنه رایگان یعنی چه؟

نایب رئیس— یعنی وسائل ورزش رایگان برای همه مردم فراهم شود.

کیاوش— برای آموزش و پرورش هم هست.

نایب رئیس— بله.

هاشمی نژاد— من منظورم این بود که اینجا نباشد.

پکی از نمایندگان— «تربیت بدنه» را چرا اینجا گذاشته اید؟

نایب رئیس— میدانید که پرورش همیشه همراه آموزش است و الان هم میدانید که یک بخش عده از تربیت بدنه در مدارس و دانشگاهها همراه با آموزش است، به این دلیل با هم گذاشته اند و باید تا سطح آموزش عالی هم رایگان باشد. موافقین با بند سه دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد. بند چهار را قرائت میکنم.

۴— تقویت روح بررسی و تتعیی و ابتکار در تمام زینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان. آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی— مسئله اسلامی را در اینجا نوشته شده است دولت جمهوری اسلامی موظف است مراکز استقلالشان را نگیرید، زیرا در اینجا نوشته شده است دولت جمهوری اسلامی موظف است مراکز تحقیق و تشویق محققان اسلامی را فراهم کند و سطح مسائل اسلامی را بالا ببرد.

نایب رئیس— توجه بفرمائید که اصطلاح کلمه (دولت) را باید بعد آ طبق موازین حقوقی در قانون اساسی تعریف کنیم.

موسوی تبریزی— امروز را ملاحظه نکنید، تصور بفرمائید که چطور درگذشته از الفاظ قانون اساسی سوء استفاده کردند.

نایب رئیس— «لاشاء الله ذلك» نسبت به بند چهار دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد)

موافقین با بند چهار دست بلند کنند. (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد. بند پنج را قرائت می کنم:



۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

مکارم شیوازی- چرا کلمه استثمار را نیاورده‌اند؟

نایب رئیس- استثمار در مسائل اقتصادی است و بعداً در مسائل اقتصادی خواهد آمد. موافقین با این بند دست خود را بلند کنند. (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. بند شش قرائت می‌شود.

۶- محظوظ هرگونه استبداد و خودکامگی و هر نوع سلطه‌جوئی و انحصار طلبی. آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی- آقای ربانی فرمودند که ما دیروز نفی سلطه‌گری را تصویب کردیم. اگر سلطه‌گری و سلطه‌جوئی یکی است دیگر در اینجا لزومی ندارد که بگنجانیم، زیرا ممکن است این لغت در آینده یک اشکالاتی ایجاد کند.

نایب رئیس- نگفتد نفی هرگونه سلطه‌جوئی. **طاهری اصفهانی**- تکرار است.

نایب رئیس- بند هم فکر میکنم که اگر «هر نوع سلطه‌جوئی» را برداریم، از مطلب هیچ کاسته نمیشود و شایعه هر نوع توهیمی هم ازین میروند و وقتی که گفتیم «... استبداد، خودکامگی و انحصار طلبی» خود اینها تجلیات گوناگون سلطه‌جوئی است.

سید منیرالدین حسینی هاشمی- اجتهاد در اصول مفاهیم را روی اصول خودتان دقت کنید، ولی روابط بین مفاهیم و فلسفه و احکام، بررسی اش جای دیگر است تا دیگران نگویند حالا از انحصار طلبی برخی استفاده میکنند، مثلاً علوم انسانی و جامعه شناسی و روانشناسی دخیل در احکام نیست، کما اینکه پارسال دیدم که در حقوق جزائی مقدار زیادی از حقوق اسلام را به خاطر نداشتند یک سری تجارب به اصطلاح جامعه شناسی طرد کرده بودند، حالا اگر بناباشد از اجتهاد استفاده بشود، آیا انحصار طلبی است یا خیر؟

بنی صدر- اینجا که میرسد بذل و بخشش میکشد. این مفهوم گسترده‌ای دارد.

نایب رئیس- ما چون در اصل دو راجع به سلطه‌گری و سلطه‌پذیری توضیح داده‌ایم، بنابراین برداشتن این سلطه‌جوئی و یا بودنش هیچ تفاوتی ندارد. آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر- اینجا که میرسد بذل و بخشش میکشد، توجه بفرمائید که این مفهوم گسترده‌ای دارد.

نایب رئیس- در اصل دو قبل از بند آخر که راجع به هدف است، این مطلب را کامل داریم و در اینجا مفاهیم دیگرش هست وقتی این جمله را برداریم، گزندگی تکرار را ازین میبرد، سوء تفاهمی هم نیست و مسئله هم تمام است. بنابراین دوباره بندشش را به‌این ترتیب میخوانم:

۷- محظوظ هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصار طلبی» موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. بند هفت را می‌خوانم:

۸- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون « نسبت به این بند نظری نیست؟ (اظهاری نشد) موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. بند هشت را می‌خوانم:

۹- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.



دکتر بیت اوشانا — این بند باید به این صورت باشد «تضمین مشارکت عامه مردم... الى آخر».

نایب رئیس — آقای دکتر اوشانا، عمل که فوق تضمین است. وقتی میگوئیم تأمین بهداشت، یعنی بهداشت را بوجود بیاورد. از کلمه تأمین، ضمانت مفهوم نمیشود بلکه معناش بوجود آوردن است. آقای غفوری بفرمائید.

دکتر غفوری — در ذیل این جمله یک کلمه «هنری» بود، بعضی از دوستان کلمه هنر را به علت شهرتی که هنر دارد، حذف کردند. من فکر میکنم چون هنر در متن زندگی افراد است اگر این کلمه باشد بهتر است.

نایب رئیس — فقط به نظر میرسد که یک کلمه «خود» در آخر لازم است که معنی را کامل تر میکنند «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — اینکه شما فرمودید تضمین عمل است، چنین چیزی نیست. آقای بیت اوشانا درست میگویند، دولت باید مشارکت عامه مردم را تضمین کند.

نایب رئیس — بنده میخواهم بگوییم مشارکت را تحقق ببخشد، لکن آقای منتظری بجای «مشارکت عامه مردم»، «شرکت دادن عامه مردم» را پیشنهاد میکنند.

دکتر ضیائی — در مقدمه این اصل که نوشته شده «جمهوری اسلامی در راه تحقق امور زیر» بنابراین هر یک از این امور، مضایق الیه آن تحقق است.

نایب رئیس — آقای بنی صدر، اینطور نیست. ما نوشتم دولت جمهوری موظف است همه امکانات را در راه تحقق امور زیر بکار برد. بنابراین یکی از اموری که دولت موظف است امکاناتش را برای تحقق آن بکار برد، مشارکت مردم است و این مورد خویست. بنابراین، این بند را قرائت میکنم و بعد به رأی میگذارم:

— مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی .

نمایندگانی که موافقند دستشان را بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد.

قرشی — کلمه هنری حذف شده است.

نایب رئیس — آقای قرشی اصولاً فرهنگ شامل هنرهم می‌شود، فقط تصریح است و ذکر خاص بعد از عام است. بند نه قرائت می‌شود.

— رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات مساوی و عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی .

نایب رئیس — اگر سوالی هست بفرمائید. آقای کیاوش بفرمائید. (فاتحی) — کلمه «مساوی» باید حذف شود).

کیاوش — تبعیضات در همه موارد ناروا است، تبعیض روا وجود ندارد، پیشنهاد می‌کنم کلمه «narوا» حذف شود.

طاهری — هدف در اصل دو قسط و عدل بود. مگر این عدل، عدل اجتماعی نیست؟ منظور از عدل اجتماعی ایست که تبعیض ناروا نباشد.

نایب رئیس — معلوم است، ما که گفتیم اینها شرح همان است. آقای سبحانی بفرمائید.



سبحانی – وقتی آزادیهای سیاسی و اجتماعی تأمین شد و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شد، دیگرما احتیاج به رفع تعیضات ناروا نداریم، زیرا این همان است.

نایب رئیس – بخصوص که بعداً درین دوازده می‌گذارید «بی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه برای رفاه همه ویمه برای همه» و بعداً درین چهارده می‌گذارید «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد» بنابراین بنظر می‌رسد که این بند مفاد تازه‌ای را عرضه نمی‌کند. آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی – اگرقرار است به رأی گذاشته شود، عرض کنم که رفع تعیض دراینجا یک مفهومی بیش از آن مفاهیم گذشته را می‌رساند. اگر نخواهیم ادغام کنیم به همین ترتیب باشد، بهتر است.

نایب رئیس – نظرات درباره بند نه گفته شد، بنابراین دویاره بند نه را قرائت می‌کنم و آن را به رأی می‌گذارم. موافقین دست بلند کنند (چهل و سه نفر دست بلند کردند) ردشد. چون نظر عده‌ای از نمایندگان براین است که پنجای «امکانات مساوی و عادلانه»، «امکانات عادلانه» گذاشته شود، بنابراین بند نه را به این صورت به رأی می‌گذاریم: «رفع تعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد. بند ده قرائت می‌شود.

۱. – ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری بمنظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی.

نایب رئیس – من فکر می‌کنم اگر «و حذف تشکیلات غیر ضرور» را در آخر بیاوریم «به منظور» بهتر به زمینه متصل می‌شود، یعنی اینطور بتوسیم «ایجاد نظام اداری صحیح بمنظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی و حذف تشکیلات غیر ضرور». آیا به این صورت موافقید؟ آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی – عبارت «بمنظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی» در اینجا بنظر من زائد است.

نایب رئیس – نظرتان اینست که این عبارت حذف شود؟

مکارم شیرازی – بلی.

ربانی شیرازی – «ایجاد نظام اداری صحیح» مفهوم ندارد، این معنی کشداری دارد.

نایب رئیس – آنچه جنابعالی پیشنهاد فرموده‌هم، همین معنی را می‌دهد، زیرا دیوان‌سالاری یعنی دیوان تشکیلات دولتی. بنابراین همین متن قرائت می‌شود و آن را به رأی می‌گذاریم. اگر رأی کافی نیاورد، تغییرات لازمه را می‌دهیم.

۱. – ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور بمنظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی.

نایب رئیس – موافقین دست بلند کنند (عدد کمی دست بلند کردند) رد شد. بنابراین چون عده‌ای پیشنهاد کرده‌اند که «بمنظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی» که در همه جا هست، حذف شود. بنابراین بند ده را به این صورت که قرائت می‌شود به رأی می‌گذاریم.

۱. – ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.



نایب رئیس — موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد. بند یازده قرائت می شود.

۱۱ — تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

نایب رئیس — آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — هدفهای دفاع ملی در اینجا کامل نیست زیرا قبل گفتیم تمام این کارها برای اهداف مذکور در اصل دوم است.

نایب رئیس — چه چیز ناقص است؟

فارسی — منظور دفاع از سرزینهای اسلامی هم هست، یعنی همانطور که ملت و ارتش ایران برای استقلال و تمامیت ارضی ایران دفاع میکنند، از فلسطین و سایر سرزینهای اسلامی هم باید دفاع کنند.

نایب رئیس — اصولاً امروزه در دنیا چنین چیزی را میتوان در قانون اساسی کشوری گفت؟ ما الان این را در داخل نظام اسلامی کشور بصورت مستر آورده‌ایم ولی آیا با صراحت در هیچ قانون اساسی کشوری میتواند باشد که ارتش ملی مسئول دفاع از سرزینهای دیگر است؟

فارسی — آیا ملت ایران موظف نیست؟

نایب رئیس — ایشان تذکری دارند ما که مخالف تذکرشن نیستیم، من فقط توضیح دادم.

ربانی — ماده هشت که قبل پیشنهاد شده بود، برای این مطلب بهتر و رسانتر است.

نایب رئیس — بلى در ماده شانزده هم بشکل دیگری حمایت همه جانبی از مستضعفان جهان بدون اینکه رابطه خصوصی با ارتش داشته باشد، آمده است.

حجتی کرمانی — آقای فارسی گفتند که کلمه «کشور» را در آخر جمله حذف کنیم.

نایب رئیس — یکبار دیگر این بند قرائت میشود.

۱۱ — تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

نایب رئیس — موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد. بند دوازده قرائت میشود.

۱۲ — بی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بطبق ضوابط اسلامی جهات ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم یمه.

نایب رئیس — آقای دکتر بیت اوشانا بفرمائید.

دکتر بیت اوشانا — به «تمعیم یمه» کلمه «اجتماعی» را اضافه کنید.

موسوی جزایری — به جای «اقتصاد صحیح» «اقتصاد سالم» بیشتر مصطلح است.

دکتر ضیائی — راجح به منع تحصیل و کسب ثروتهای نامشروع و استرداد ثروتهای نامشروع در هیچ کجا ذکری نشده است.

کیاوش — بایستی نوشته شود «تعديل ثروت و بی‌ریزی اقتصاد صحیح و سالم و خودکفا» چون خودکفا از نظر علمی کار صحیحی نیست، در اینجا نوشته‌اند «اقتصاد صحیح



بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعییم یمیه».

حجتی کومانی — با الهام از کلمات حضرت علی بجای «فقر»، «نابودی» یا «ریشه کن کردن فقر» باشد، بهتر است.

ربانی شیرازی — جمله «و برداشتن موانع و مشکلات موجود در راه پیشرفت طبقه محروم و مستضعف» اضافه شود.

دکتر غفوری — بنده در آخر این بند با مشورت دوستان اضافه کرده بودم «عا یدات حاصله از منابع ملی و طبیعی، بخصوص نفت و گاز فقط در راه تولید و با رعایت حقوق نسل آینده» حالا می بینیم که در این بند چاپ نشده است.

نایب رئیس — من یک تذکر بدهم، چون قرار بر این است که وقتی قانون اساسی تصویب شد، بعد به رفراندوم گذاشته شود، پیشنهاد جنابعالی معنایش اینست که دو ماه دیگر هیچ دولتی نمیتواند حقوق کارمندان را بدهد. بنابراین به این شکل اگر بخواهد بگذارد، فاجعه‌ای پیش می‌آید. بنابراین اول فکری برای حل این مسئله بکنید، بعد این پیشنهاد را مطرح کنید.

حالا جاز بفرمائید این متن را به همین صورت به رأی بگذاریم، یعنی «بی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعییم یمیه» موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد. بند سیزده قرائت می‌شود.

۱۳ — تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

نایب رئیس — آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — وقتی بیغمیر میفرمایند «اطلبوا العلم ولو بالصین» چطور میتوانیم خود کفا باشیم؟

نایب رئیس — آقای کیاوش خود کفایی غیر از استفاده نکردن از دیگران است، یعنی وابسته نمانیم، یعنی برویم و معلومات آنها را در داخل خودمان بیاوریم و بعد اینجا مستقل باشیم.

کیاوش — خود کفایی را تعریف بفرمائید.

نایب رئیس — یعنی «استقلال فرهنگی» آقای سیحانی بفرمائید.

سبحانی — حال که مقصود اینست که عبارت کافی نیست، اگر بنویسیم استقلال یا عدم وابستگی بهتر است.

دکتر آیت — تأمین خود کفایی معنیش اینست که مانمیتوانیم دانشجویه ممالک دیگر بفرستیم، تأمین خود کفایی باید دید چه مدت طول میکشد.

نایب رئیس — یعنی در راه خود کفایی کوشش کنیم که اگر دانشجویه خارج میفرستیم وقتی که برگشت ما را بی نیاز کنند، نه دانشجویی که الان میفرستیم وقتیکه برمیگردد نماینده مصرف آنها در اینجا شود، این کار صحیح نیست.

علی تهرانی — معنای خود کفایی این نیست، منظور از خود کفایی، استقلال است.



هاشمی نژاد — بهتر است نوشته شود «همه علوم و فنون مورد نیاز کشور» و بقیه عبارت حذف شود.

بنی صدر — همانطور که آقای تهرانی فرمودند خود کفایی ترجمه استقلال است. اگر با آن مرحله برسیم که خیلی عالی است، چون علم خواهیم داد و علم خواهیم گرفت. الان آمریکا با اینکه خود کفای است، در عین حال با تمام دنیا مبادله هم دارد.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید چون توضیحات کافی داده شد طبق معمول عین متن را قرائت میکنیم و به رأی نیاورد تغییرات لازم را میدهیم.

۳ — تأمین خود کفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و غیره.

نایب رئیس — البته به جای «غیره» کلمه «مانند اینها» بهتر است زیرا کلمه غیره خیلی کشیدار است.

طاهری — «غیره» کشیدار است.

بنی صدر — کشیدار باشد که چیزی را از دست نمیدهیم.

نایب رئیس — منظور ایست که گنگ نباشد. بنابراین بند سیزده به این صورت تصویح میشود: «تأمین خود کفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها». موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد. بند چهارده قرائت میشود.

۴ — تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

نایب رئیس — سؤالی نیست؟ آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — بعد از «حقوق»، «مشروع» را اضافه کنید.

حائری — در برابر قانون یعنی چه؟

دکتر بیت اوشانا — باید نوشته شود «تساوی و همه جانبه».

صدوقی — این بند گنگ است.

نایب رئیس — یعنی هم زن و هم مرد باید حقوقش رعایت شود.

موسوی قهد ریجانی — اگر عادلانه نباشد امنیت قضائی نیست.

نایب رئیس — امنیت قضائی تأکید خوبی است، چون سوالات مطرح شد و نقصها و ابهاماتی که بنظر آقایان آمده بود، فرمودند، بنابراین متن را قرائت می‌کنم و بعد به رأی می‌گذاریم، اگر تصویب نشد، تغییرات لازمه را میدهیم. «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون». موافقین دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد. بند پانزده قرائت می‌شود.

۵ — توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون بین همه مردم.

نایب رئیس — سؤالی هست؟ آقای طاهری بفرمائید.

طاهری — پس همبستگی ملی در اصل دوچه بود؟

نایب رئیس — آن مورد یعنی «اقوام و گروههای تشکیل یک مسلیت بد هند» بیشتر ناظر به آن بوده است و در اینجا منظور ایست که روابط افراد یک رابطه برادرانه باشد.

منتظری — این واپسی به دولت است؟

نایب رئیس — خیر، دولت باید زمینه های تحقق عملی اینرا فراهم کند. دیگر سؤالی



نیست؟ آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — منظور از «مردم ایران» هستند و باید ذکر شود «مردم ایران».

نایب رئیس — از این بند بیشتر فهمیده میشود که داخلی است، چون بند شانزده مربوط به امور خارجی است. یعنی بند شانزده امور جهانی را دارد و این بندها امور داخلی را... بعلاوه اصولاً این بند در سطح افراد است و بند شانزده در سطح کارهای دولت و اگر همینظر بصورت کلی باشد بهتر است که چیزی را نفی نکند. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — البته این تغییر ضرری ندارد. ابتدا باید وضع موجود را تحکیم کنیم و بعد آن توسعه بدھیم، بنابراین «تحکیم و توسعه» بهتر است از «توسعه و تحکیم».

نایب رئیس — این متن را قرائت می‌کنم و به رأی می‌گذارم «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» موافقین دستشان را بلند کنند (اکثربودت بلند کردند) تصویب شد. بند شانزده قرائت می‌شود.

۱۶ — برقراری روابط عادلانه با همه ملل و تعهد برادرانه در مقابل ملل مسلمان و حمایت همه جانبی از همه مستضعفان جهان.

سبحانی — در پیش نویس سابق یک اشکال وجود داشت، زیرا که نوشته شده بود «آزاد کردن همه مستضعفان جهان». باید تأمین سعادت آنها هم نوشته شود، والا آزاد کنیم و دعوت به اسلام نکنیم درست نیست.

هاشمی نژاد — ما احساس مسؤولیت میکنیم و این مسؤولیت از ایدئولوژی ما برخاسته است. به این ترتیب تعهداتی همه جانبی را ما باید پذیریم، در حالیکه ابرقدرتها این کار را نکرده‌اند.

مکارم شیرازی — بنظر میرسد عبارت اولی و آخری جهانی است و وسطی اسلامی، در صورتیکه دوچهانی باید پهلوی هم قرار گیرد و اسلامی هم جدآشد.

طاهری خرم آبادی — برقراری روابط عادلانه با همه ملل درست نیست، زیرا ما میدانیم بعضی از ملل مانند اسرائیل یا ممل دیگر ستمگر هستند.

نایب رئیس — عرض میکنم که وظیفه مسلمان عادل اینست که ظالم را، ولو ظالم به دیگری باشد، سرکوب کنند که عین عدل است.

طاهری خرم آبادی — روابط ما عادلانه است، ولی آنها ستمگر هستند.

نایب رئیس — عدل برای اوسر کوبی اوست. آقای دکتر ضیائی بفرمائید.

دکتر ضیائی — ذکر «حمایت همه جانبی» این وضع را پیش می‌آورد که ما در امور داخلی بعضی از مردم دخالت کنیم.

نایب رئیس — آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — من یک اصلاح عبارتی دارم، «برقراری روابط عادلانه با همه ملل و تعهد برادرانه و حمایت همه جانبی از همه مستضعفان جهان مخصوصاً در مقابل ملل مسلمان».

نایب رئیس — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — چون سیاست خارجی است، سیاست عدم تعهد لازم است.

نایب رئیس — بعد از همه تذکرات عین متن را قرائت میکنم و به رأی میگذارم.

«برقراری روابط عادلانه با همه ملل و تعهد برادرانه در مقابل ملل مسلمان و حمایت



همه جانبی از همه مستضعفان جهان» موافقین دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) ردشد. بنابراین بحسب تذکراتی که دوستان دادند چنین حدس میزنم که فکر بعضی از افراد را کلمه «همه جانبی» مغلوط کرده و البته هر مسلمانی اینرا میداند که حمایت همه جانبی وظیفه اش است ولی فکر بعضی از دوستان را مغلوط کرده، اجازه بفرمائید بحسب استنباطی که از پیشنهادها داشتم بدون کلمه «همه جانبی» این بند را به رأی بگذارم.

هاشمی نژاد — این قید را اضافه بفرمائید که با رعایت عدم مداخله درامور کشورهای دیگر.

تهرانی — شما الان با اسرائیل قطع رابطه کرده اید.

قرشی — پیشنهاد میکنم «با موازین اسلام» را اضافه کنید.

بنی صدر — بعضی ها فکر کرده اند منظور از روابط «عادلانه با همه ملل» روابط با دولتها است مثل رابطه با اسرائیل یا هر ستمگر دیگری، درصورتیکه دراینجا منظور ملت ها است.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید بنویسیم: «برقراری روابط عادلانه با ملت های غیرمتجاوز».

طاهری گرانی — ملتها متجاوز نمیشوند.

نایب رئیس — پس بنویسیم «دولتها» که بهتر بشود. بنابراین میشود «برقراری روابط عادلانه با دولتها غیرمتجاوز» (همه نمایندگان) چون بعضی از دوستان فقط کلمه «همه جانبی» را پیشنهاد کرده اند، این راهم به رأی میگذاریم. آقای پرورش بفرمائید.

پرورش — درقرآن سه نوع مستضعف وجود دارد:

یکدسته آنهایی که مورد عنایت خدا هستند، با توجه به آیه: «ومالکم لاتقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنساء»، گروه دوم آنهایی هستند که مورد عفو خدا هستند با توجه به آیه «الا المستضعفین من الرجال والنساء والولدان لا يستطيعون حيلة ولا يهتدون سبیل فاویلک عسى الله ان يعفو عنهم و كان الله عفوا غفورا»، گروه سوم آنهایی هستند که مورد عذاب خدا پند، یعنی آنها که ظلم را پذیرفته اند «وقال الذين استضعفوا للذين استكروا بل مكرالليل والنهار اذتأمرنوا ان نكفر بالله ونجعل له اندادا...».

نایب رئیس — آقای پرورش توضیحی که میدهم اینست که حمایت از مستضعف بیکی از دوصورت برای همه ما متصور است، یا به هدایت اوست که همان است که میفرماید: «وقال الذين استضعفوا للذين استكروا».

کرمی — مستضعف مربوط به عقیده است، ربطی به این موضوع ندارد.

نایب رئیس — بنده هم همین را عرض میکنم و میگوییم اگر عام هم بگیریم، یا هدایت اوست، یا کسی است که اصولا تحت ظلم است، یعنی غیر مسلمان مظلوم است و نایکی از این دو معنی را می فهمیم و ما میدانیم که بحسب موازین اسلام باید از غیر مسلمان مظلوم در حد رفع ظلم حمایت کنیم.

کرمی — ولو کافر باشد، اگر دشمن نباشد باید حمایت کنیم.

نایب رئیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — الان حزبی تأسیس شده به نام مستضعفین که فرآگیر است از مسلمانان و غیر مسلمانان که با توجه به آن، مستضعف معنای مظلوم را پیدا کرده است.

پرورش — یعنی کسیکه سلطه را پذیرفته است.



نایب رئیس — همان را هم باید حمایت کرد، فرق نمیکند.
هاشمی نژاد — مستضعفی که فرمودند از نظر فکری است و جنگهای انبیاء هم به این خاطر بوده است.

نایب رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — این حمایت همه جانبه از مستضعفان، یعنی ما مستضعفان را یک درجه بالاتر از برادران مسلمان ذکر کردیم و چون «همه جانبه» معنی ندارد، اگر بنویسیم «حمایت از مستضعفین» صحیح است.

نایب رئیس — آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — آقای منتظری در جلسه صبح همین متن را تصویب فرمودند حالا چیز دیگر میفرمایند، در صورتیکه «تعهد برادرانه» بهتر است زیرا تعهد برادرانه اسلامی است.
نایب رئیس — فعلاً متن را با تغییر اول به رأی میگذاریم که در آن «با همه ملل» تبدیل شد به عبارت «بادولتهای غیر مت加وز» که متن اینطور میشود «برقراری روابط عادلانه بادولتهای غیر مت加وز و تعهد برادرانه در قبال...»

مکارم شیرازی — یکی یکی تغییر بدھید.

نایب رئیس — من هم یکی را تغییر دادم و هنوز به آن نرسیده‌ام.

یکی از نمایندگان — دولتها چیست؟

نایب رئیس — عرض کردم که هنوز به آن نرسیده‌ام بلکه از طرف نمایندگان پیشنهاد شده که «ملل» را به «دولتهای غیر مت加وز» تبدیل کنیم و کلمه «همه جانبه» محفوظ می‌ماند. اگر این بند به این صورت رأی نیاورد، مجدداً آنرا تغییر میدهیم.

مکارم شیرازی — نصف دولتهای دنیا مت加وز هستند. آمریکا، انگلستان، شوروی، چین مت加وز هستند و با این کار شما دولت را درین بست میگذارید.

بنی صدر — عنایت بفرمائید که نوشته «برقراری روابط عادلانه با دولتهای غیر مت加وز» اگر دولتی مت加وز شد با آن دولت که قطع رابطه نمیکنیم.

هاشمی نژاد — آقای بنی صدر همیشه معتقد بودند چیزی که در فارسی معیارش مشخص نیست در قانون اساسی بکار برد نشود ولی میدانیم که امریکا در رأس مت加وزها و ابرقدرتها است.

دکتر آیت — «برقراری روابط عادلانه با همه ملل» حذف شود و «تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت همه جانبه از همه مستضعفان جهان» جدآگانه باشد.

نایب رئیس — آقای موسوی بفرمائید.

موسوی جزایری — بنویسیم «حسن تقاضم با ملت‌های دنیا».

منتظری — خود آقای بنی صدر در کیسیون رأی دادند که «ملل» باشد حالا میگویند

«دول».

مدنی — بنویسیم «برقراری روابط عادلانه با همه ملل و دولتهای غیر مت加وز».

نایب رئیس — فعل این متن را که قرائت میکنم به رأی میگذارم اگر رأی نیاورد، اصلاحش خواهیم کرد تا به نتیجه برسیم.

«برقراری روابط عادلانه با دولتهای غیر مت加وز و تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان



و حمایت همه جانبیه از همه مستضعفان جهان» موافقین دستشان را بلندر کنند (عده کمی دستشان را بلندر کردن) رد شد.

ریانی املشی — بنده پیشنهاد میکنم با این اصلاح «با همه ملل دوست» رأی بگیرید.
نایب رئیس — «ملل دوست» توضیح میخواهد. یک متنی رسیده که یک نکته قابل توجه دارد که قرائت می کنم:

«رعایت سیاست عدم تعهد در برابر دول و برقراری روابط عادلانه با ملل و تعهد برادرانه در قبال مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان» آقای مکارم بفرمائید.
مکارم شیرازی — شاید ما فردا با دولتها اسلامی خواستیم تعهد داشته باشیم، بنابراین سیاستی که الان هست نمیتوانیم در قانون اساسی بنویسیم.
هاشمی نژاد — تعهد را در قانون اساسی نمیتوانیم بنویسیم زیرا در حالیکه هنوز خودمان را نمیتوانیم جمع و جور کنیم چرا آسیب پذیر کنیم.

صفافی — پیشنهاد میکنم بنویسید «روابط عادلانه با ملل».
رشیدیان — معنیش اینست که دسته بندیهای استعماری نباشد، نه اینکه تعهد برادرانه نداشته باشیم.

نایب رئیس — منظور آقای مکارم هم اینست که ما ممکن است ناچار شویم یک بلوک اسلامی در دنیا بوجود آوریم و ضرورت هم ایجاد کند چون دیگران یک بلوک دارند، ما هم یک بلوک میخواهیم داشته باشیم.

مکارم شیرازی — پیشنهاد اول خودتان را فراموش کردید قرار بود «همه جانبیه» باشد.
نایب رئیس — عنایت بفرمائید من دو متن را به ترتیب زمانی که اینجا قرائت شد به رأی می گذارم، متن اول را قرائت می کنم:

«برقراری روابط عادلانه با همه ملل و تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت از همه مستضعفان جهان» باحذف «همه جانبیه»، موافقین دست بلندر کنند (عده کمی دست بلندر کردن) رد شد. متن بعدی این است که ما «برقراری روابط عادلانه با ملل» را حذف کنیم و کلمه «همه جانبیه» را حفظ نکنیم به این صورت که قرائت میکنیم:
«تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت همه جانبیه از همه مستضعفان جهان» آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — توضیح من این است که اگر واقعاً ما میخواهیم فرمایش امام را عمل کنیم اگر کلمه «همه جانبیه» را برداریم این کار صورت نمیگیرد.
هاشمی نژاد — الان وزیر امور خارجه ما در کنفرانس عدم تعهد ها شرکت کرده است و یعنوان یک نیروئی که در برابر ابرقدرتها بازدارنده هستند دارند شکن میگیرند، بنابراین آن متنی که الان قرائت گردید و عدم تعهد هم در آن مطرح بود که تعدادی از آقایان هم آنرا می پسندند، به رأی بگذارید.

نایب رئیس — عیینی ندارد آنرا هم به رأی می گذاریم، دقت بفرمائید قرائت میکنیم «رعایت سیاست عدم تعهد در برابر دول» البته اگر بخواهید مطابق با کنفرانس عدم تعهد ها باشد، باید «در برابر ابرقدرتها» بنویسیم. آقای ریانی موافقید که کلمه «دول» را به «ابرقدرتها» تبدیل کنیم؟ (ریانی — بلی)، پس اینطور می شود «رعایت سیاست عدم تعهد در برابر ابرقدرتها».



صدقی — قسمت اول آنرا حذف کنید و بنویسید «تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت همه جانبی از همه مستضعفان جهان».

نایب رئیس — لطفاً سرقوم بفرمائید که بیاورند تا من بخوانم ، چون چند متن قبل و رسیده است. آقایان اجازه بفرمائید همان متنی که رسیده بدون تغییر بخوانم :

«رعاایت سیاست عدم تعهد در برابر دول و برقراری روابط عادلانه با ملل و تعهد برادرانه در قبال مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان» موافقین دست بلند کنند . (عده کمی دست بلند کردند) رد شد . متن بعدی را با حذف قسمت اول و از اینجایی که میخوانم به رأی میگذاریم «تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت همه جانبی از همه مستضعفان جهان»، موافقین دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) رد شد . حالا همین متن را با حذف کلمه «همه جانبی» به رأی میگذارم .

حجتی کرمانی — باید آقایان توجه کنند که ما قرآن داریم ، قرآن را که نمیتوانیم بگذاریم کنار ، به حکم قرآن باید با تمام نیرو از همه مستضعفان جهان حمایت کنیم و این حکم قرآن است .

نایب رئیس — برای رفع هرگونه شباهه از آقای حجتی و دوستان دیگر با اینکه اینرا به رأی گذاشتیم و رأی هم نیاورد ، دوباره متن را قرائت میکنم و به رأی میگذارم : «تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت همه جانبی از همه مستضعفان جهان»، موافقین دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) ملاحظه میفرمائید که رأی نیاورد . موسوی اردبیلی — معلوم میشود این بند در نظر اکثریت مبهم است و رأی نیاورد . پیشنهاد میکنم این اصل را با حذف این بند مسکوت بگذارید .

طاھری اصفهانی — «همه جانبی» را حذف کنیم ، بعلاوه جواب آقای حجتی این است «ومالکم لاتقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان الدين يقولون ربنا اخرجننا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا من لدنك ولیاً واجعل لنامن لدنك نصيراً» مؤمنین مستضعف هستند .

نایب رئیس — اجازه بفرمائید بحث را بیش از این ادامه ندهیم . آقای مکارم بفرمائید . مکارم شیرازی — همانطور که گفتند مثل دیروز به مجموع رأی بگیرید ، لیکن پیشنهادهای مربوط به بند شانزدهم را اجازه بفرمائید در کمیسیون چهاردهنفری مطرح بشود و یک طرح جامعی به مجلس بیاید ، چون سیاست بین المللی را نمیتوانیم حذف کنیم .

نایب رئیس — آقای غفوری بفرمائید .

غفوری — من پیشنهادی داده ام که نخواهند اید .

نایب رئیس — پیشنهادها الى مشاء الله مسی آید و میدانید اگر بخواهیم بخوانیم چقدر میشود . معهداً من پیشنهادات را یکی یکی میخوانم و به رأی میگذارم : «برقراری روابط عادلانه با همه کشورها براساس احترام متقابل و تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت از مستضعفان جهان با رعایت عدم دخالت در امور دیگران طبق عرف بین المللی» موافقین با این پیشنهاد دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) اینهم رأی نیاورد . پیشنهاد دوم را قرائت میکنم : «برقراری روابط عادلانه با همه ملل و تعهد برادرانه و حمایت همه جانبی مستضعفان



مخصوصاً در قبال ملل مسلمان جهان» که پیشنهاد آقای فاتحی است و چیز تازه‌ای ندارد و رأی نمی‌آورد.

طاهری اصفهانی — مگر قرارنباود جمله اول «همه جانبه» حذف شود؟

نایب رئیس — اجازه بفرمائید، این پیشنهاد را که من فکر کردم قبل از آن رأی گرفتیم و دونفر از آقایان می‌فرمایند که من روی آن رأی نگرفته‌ام، به رأی بگذاریم. این پیشنهاد این است که «همه جانبه» را برداریم به‌این صورت که قرائت می‌شود:

«تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت از همه مستضعفان جهان». موافقین دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند). اینهم رد شد. فکر می‌کنم برای تهیه یک پیشنهاد متین حتماً باید فرصت داشت یعنی همه پیشنهادهای نوشته شده را می‌بریم و روی آنها تصمیم می‌گیریم.

طاهری گرگانی — چرا شتابزدگی به خرج میدهید؟ ده دقیقه فرصت بدھید و جلسه را عنوان تنفس تعطیل کنید تا با مطالعه همه پیشنهادهای طرح جامعی تهیه کنیم و بعد در جلسه علنی مطرح کنیم.

دکتر شیبانی — هیچ‌کدام رأی نیاورد پس حذف می‌شود.

نایب رئیس — جناب آقای دکتر شیبانی، مقدار زیادی پیشنهاد رسیده است که نخوانده‌ایم بنابراین نفرمایید که حذف شد.

موسوی تبریزی — برای حذف‌شدن رأی بگیرید.

نایب رئیس — نمی‌شود و قوی که امور مهم را در اینجا می‌نویسیم، امرسیاست خارجی را اصلاً حذف کنیم.

موسوی تبریزی — در اصول بعدی می‌آید.

نایب رئیس — همه‌اش در اصول بعدی می‌آید ولی فرض براین است که اینجا باید در کنار چیزهای دیگر چیزی گفته شود.

صدقی — بنده هم پیشنهادی تقدیم کردم، خواهش می‌کنم قرائت بفرمائید.

نایب رئیس — آقای صدقی قبل از جنابعالی هم چهار یا پنج پیشنهاد رسیده است که اگر آقایان موافقید فعل این پیشنهادها را می‌خوانم:

— تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت از همه مستضعفان جهان و برقراری روابط عادلانه با همه ملل غیر محارب با اسلام.

(کریمی)

— برقراری روابط عادلانه با همه ملل به شرط صلاح‌دید حکومت اسلامی.

(قرشی)

— بکارگیری قواعد حقوق بین‌المللی اسلامی در سیاست خارجی و تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت همه جانبه از همه مستضعفان جهان.

(فارسی)

— تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان و حمایت از مستضعفان جهان بویژه مسلمانان و رعایت احترامات متقابل نسبت به دول.

(رحمانی)



صورت مشروح مذاکرات مجلس بروسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

— برقراری روابط متقابل با همه ملل و تعهد برادرانه در مقابل ملل مسلمان و حمایت از همه مستضعفان جهان.

(ربانی امشی)

— برقراری روابط عادلانه با دولتهای موافق و تعهد برادرانه درقبال ملل مسلمان و حمایت مستضعفان جهان.

(صدقوی)

— تلاش دربرقراری صلح جهانی و تعهد برادرانه در مقابل ملل مسلمان و حمایت از مستضعفان جهان.

(موسوی جزایری)

— برقراری روابط عادلانه و برادرانه در مقابل ملل مسلمان و حمایت از همه مستضعفان جهان.

(منتظری)

نایب رئیس — اینها پیشنهادهای متعددی است که رسیده است که یکی از دو کار را می‌شود کرد.

اولاً — پیشنهادهای رسیده را که ملاحظه فرمودید به رأی بگذاریم تا شاید تکلیف این بند تا پایان جلسه مشخص شود و البته اگر بعداز خواندن همه پیشنهادها هیچ پیشنهادی تصویب نشود، بند فکر می‌کنم آنوقت باید راجع به اصلش رأی بگیریم.

دکتر شیبانی — بند پانزده را که تصویب کردید، شامل موارد سیاسی هم می‌شود و دیگر احتیاجی به بند شانزده نیست.

نایب رئیس — برای غیر مسلمانها چطور؟

دکتر شیبانی — آنرا هم شامل می‌شود.

موسوی اردبیلی — بفرمائید دیگر پیشنهاد ندهند.

نایب رئیس — بند همان می‌کنم اگرآفایان حوصله بخراج بدند و این پیشنهادها را که زیاد هم نیست یکی یکی به رأی بگذاریم، بهتر می‌توانیم از وقتمن استفاده کنیم و پیشنهاد هم دیگر قبول نمی‌کنیم. اگر اجازه بفرمائید من این پیشنهادها را به رأی می‌گذارم. آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — نظرآفای طلاقانی این است که باید اول بینیم سیاست کلی جمهوری اسلامی برای آینده در چه خط مشی است، بعد عبارت برایش درست کنیم.

طلاقانی — الان در دنیا سیاست عدم تعهد مورد بحث است. اول ما باید بینیم پیرو این سیاست هستیم یا نیستیم و بعد تعهداتی که نسبت به عموم مستضعفان جهان داریم آیا در آئین قرآن یا احکام، این تعهدات برای ما هست یا نیست و چون جمهوری ما اسلامی است، پس سواله اول این است که حالا که دنیا تقسیم شده بینیم جزوگروه غیر معهده هستیم یا نیستیم و اگر نیستیم پس چرالان یک عده ای از کشورها، به هاوانا رفته اند. این سواله را بنده بارها گفته ام که اول بینیم چکاره هستیم و چه میخواهیم بکنیم بعد بشنینیم و برای نظری که داریم عبارت درست کنیم ولی ما اول عبارت درست می‌کنیم و با این وقت کمی که داریم یک ساعت یا دو ساعت وقت تلف می‌کنیم و بحث می‌کنیم.

حجتی — دربار بر قدرتها.



طالقانی — هرچه هستیم جایش همینجا است.

نایب رئیس — من قبل از اینکه آقای طالقانی اظهار اتشان را بفرمایند، اینطور استنباط کردم که با توجه به سخنان آقای حجتی و بعضی دوستان و باکمی وقتمن صحیح این است که پیشنهادهای رسیده و پیشنهادهایی که دوستان احیاناً بدهند اول وقت فردا رسیدگی کنیم و یک متنی را با توجه به معیارها تهیه کنیم و البته معیارها را هم طور مشخص کنیم که کمتر ابهام داشته باشد. دوم اینکه ما فردا احتمالاً به یکنوع جلسه مشترک کمیسیونها برای بررسی یک مطلب احتیاج داریم، بنابراین نمایندگان محترم برنامه‌ای اتخاذ بفرمایند که اگرما در ساعت نه خواستیم در محل فعلی گروه شماره سه جلسه مشترک کمیسیونها داشته باشیم، امکان آن باشد و دوستان نگویند که ما خبر ندادیم، چون یک مقدار مطالبی را باید در جلسه مشترک کمیسیونها حل کنیم که شاید لازم بوده پریروز تشکیل میداریم ولی ابتلا به اصل قبلی مانع شد و من خواستم حالا بعض اطلاع عرض کنم و البته تا قبل از ساعت نه صبح فردا آنکه با اطلاع گروهها خواهیم رساند.

طاهری اصفهانی — وقت فردا بعد از ظهر هم برای یک بندگرفته میشود.

۳ — پایان جلسه

نایب رئیس — به هر حال چاره‌ای غیراز این نیست. البته در جلسه امروز پانزده بند از یک اصل را توانستیم رسیدگی و تصویب کنیم که موقوفیت آمیز بوده است زیرا گاهی به یک مسئله دشواری میرسیم که آنرا باید از راه خودش حل کنیم، که ادخلواالبیوت من باها. بنابراین با اجازه همگی جلسه را امروز ختم میکنیم. خواهش میکنم فردا طوری دوستان اینجا باشند که اگر خواستیم در ساعت نه صبح جلسه مشترک داشته باشیم موقوفیت داشته باشیم. خدا نگهدار و ما توفیقنا الابالله.

(جلسه ساعت بیست پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه سیزدهم

صورت مسروج مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱ و ۴ دقیقه روز پانزدهم شهریور ماه ۱۳۹۵ هجری شمسی
 برابر با چهاردهم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
 به ریاست آقای دکتر سید محمدحسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسیت جلسه و بیانات آقایان دکتر بهشتی و مقدم مراغه‌ای پیرامون روز جمعه سیاه (۷ شهریور ماه سال گذشته)
- ۲ - قرائت اسامی نمایندگانیکه در جلسه قبل تأثیر داشته‌اند.
- ۳ - طرح و تصویب بند ۶ از اصل سوم و بحث پیرامون اصل چهارم.
- ۴ - پایان جلسه.....





وَالْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنَاتُ وَالْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنَاتُ

وَالْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنَاتُ وَالْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنَاتُ

۱- اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقایان دکتر بهشتی و مقدم مراغه‌ای پیرامون روز جمعه سیاه (۱۷ شهریورماه سال گذشته)

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. با حضور دو سوم نمایندگان حاضر در مجلس، جلسه رسمیت دارد. (از هفتاد و دو نفر عده حاضر در مجلس پنجاه نفر در جلسه حضور داشتند) در آغاز به مناسبت سالروز هفدهم شهریور، که امسال روز شنبه مصادف با هفدهم شهریور ماه می‌شود، لازم میدانم مراتب تکریم ویژرگداشت این شهیدان راه حق را از جانب همه نمایندگان اعلام کنم و ضمناً به اطلاع دوستان برسانم که بر طبق تصمیمی که گرفته شده، مجلس خبرگان همچون دیگر مؤسسات کشور روز شنبه به این مناسبت تعطیل است. سال پیش به دنبال راهپیمایی عمومی شکوهمند روز عید فطر که روز دوشنبه بود، روز پنجشنبه چهارم شوال یا شانزدهم شهریور در تهران راهپیمایی سیار پرشکوهی با شرکت برادران و خواهران می‌گزارشد. روز قبل از آن، یعنی شب چهارشنبه از اطراف تلفن میکردند و میگفتند از برگزاری این راهپیمایی خودداری شود و چون جامعه روحانیت مبارز تهران دعوت کننده روز پنجشنبه بود و گروههای سیاسی اسلامی و گروههای دیگر هم به این دعوت پیوسته بودند، از جوانب مختلف اعلام می‌شد که روز پنجشنبه ممکنست با کشتنار ددمنشانه رژیم دژخیم روپوشوند. از آنجا که تدارکات کافی برای روپاروئی با چین حمله احتمالی پیش‌بینی نشده بود و از آنجا که تلفتها و اطلاعات حتی در برخی موارد از گروههای دوست میرسید، در برگزاری این مراسم حتی رخنه‌ای هم بوجود نیامد و روز پنجشنبه این سردم با ایمان که از همان لحظات اول نشان داده بودند با دست خالی ولی دلی سشار از ایمان آماده‌اند که در برابر مأموران رژیم وظیفه خودشان را انجام دهند، از گوشه و کنار شهر از همان نقطه‌های اعلام شده گرد هم آمدند و روز پنجشنبه، راهپیمایی هرچه با شکوه‌تر برگزار شد و در میدان آزادی که پایان راهپیمایی اعلام شده بود با حضور صد ها مأمور مسلح دشمن، زن و مرد مسلمان آنچه میخواستند کردند و آنچه میخواستند گفتند. در اثناء همان راهپیمایی بود که با اعلام شد صبح جمعه در میدان ژاله آن روز میدان شهدای امروز تجمع خواهیم داشت. حقیقت این است که خود ما مطلع نبودیم که دعوت کنندگان به اجتماع صبح جمعه، چه کسانی هستند و از آنجا که وظیفه داشتیم با اطلاع و آگاهی بدانیم که چه میگذرد، نمیتوانستیم تصمیم مثبت برای این راهپیمایی و تجمع صبح جمعه داشته باشیم. صبح روز جمعه مردم از گوشه و کنار سوی خیابان ژاله و میدان ژاله آن روز رهسپار شدند و معلوم شد تهدیدی که از جانب دشمن بعمل می‌آید، هرچند روز پنجشنبه عملی نشده بود، باید صحیحگاه جمعه عملی می‌شد، روز «جمعه سیاه» برای دشمن دژخیم و «جمعه سرخ حمامه‌آفرین» برای ملت مسلمان انقلابی ما. در آن روز زنان فرزند در آغوش، دختران جوان، دانشجویان، مردان سالخورده، جوانان، دانش‌آموزان و کارگران همه و همه برای بار دیگر



صحنه‌ای را بوجود آوردند که دل دوست رادچارغم و اندوه کرد و روح دوست را ازشادابی و نشاط و سرافرازی جدیدی برخوردار و دشمن را در دنیا رسیاه کرد . به جمیع سیاه خونین روز پنجم شوال سال پیش که مصادف با هفده شهریور بود، آغاز فصل جدیدی است در برخورد اقلایی ملت ما با رژیم دژخیم و از همان روز بود که محروم آمد و تکییرها آمد و برخورد های پس از دیگری استوارتر شد . بدنبال آن روزها بود که محروم آمد و تکییرها آمد و برخورد های استوار مردم پیش آمد و راه پیمایی های تاسوعا و عاشورا آمد و همچنین و همچنان و سرانجام به پیروزی ملت انجامید . ما یاد این شهیدان راگرامی میداریم و تدارکی که ملت عزیز ما برای بزرگداشت این روزدر روز شنبه فراهم آورده ، نشانه سپاس و قدرانی این ملت از «شهید» است ، شهید که بحق «شاهد حق» و «آیت خدا» و حقانیت راه خدا و راه قرآن و راه اسلام است . امیدوارم این آمادگی شهادت در یکیک ما دریک یکسرم ما برای همیشه روز افزون بماند ، چون تنها با یک چنین آمادگی است که میتوانیم نسبت به تداوم انقلاب اسلامی تا پیروزی نهانی امیدواریاشیم ، ان شاء الله . خارج از این سخن این مطلب هم یادم آمد که بدینیست برای دوستان افلاحت کنم ، همین الان قبل از آمدن به جلسه یکی از جوانهاییکه در هدفهم شهریور پارسال در پشت بام منتظر حمله مهاجمان به مردم نشسته و به او تیرهای اصابت کرده بود و از جمله بدستش تیری خورده بود و با وجود معالجات فوری که اینجا کرده بودند ، باز آنطور که باید و شاید بهبود کافی برایش حاصل نشده بود و به همت کمیته امداد امام به خارج فرستاده شده بود ، حالا اینجا دیدم برگشته است و بحمد الله معالجاتی که در مورد دستش انجام گردیده ، مؤثر واقع شده است . واقعاً همین حالا دیدار این جوان با این مناسبتی که داشتم برایم خاطره انگیز بود ، این جوانها در پشت بام سنتگرگرفته بودند که با او لین و سیله به دشمن احتمالی آن روز حمله کنند ولی دشمن حتی از خیابان و حتی گفته میشد با هلیکوپتر به مردم حمله ور شده بود . به این جوان گفتتم این کمترین خدمت و وظیفه ای است که همه ما برای شما جوانان جان برکف میتوانسته ایم انجام بدیم . این را از این جهت عرض کردم که همه مان این آمادگی را داشته ایم و خواهیم داشت که نسبت به آسیب دیدگان این برخورد های خونین و خانواده های این شهیدان برحق همچنان احساس تعهد مستمر کنیم ، ان شاء الله . پس اجازه بدھید به احترام آنها پایخیزیم و فاتحه ای بخوانیم .

غفرانه لنا و لهم يا ليتنا کنا معهم فتفوز فوزاً عظيماً (نمايندگان پياخاستند و سورة فاتحه الكتاب را قرائت کردن) آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید .

مقدم مراغه‌ای - بسم الله الرحمن الرحيم . اجازه بفرمائید بعنوان یکی از کسانی که روز هفده شهریور گذشته منزلش مورد یورش مأموران ساواک قرار گرفت و به زندان فرستاده شد ، به این واقعه که حقیقتاً حاکی از عظمت پروردگار و مشیت الهی است ، اشاره ای بکنم . چون آن روز کسانی دیگر را همچون آیت الله دستغیب و آیت الله رباني و آقای جحتی در زندان دیدم و آشنا شدم . آن روز این خبر برای ما غیرمنتظره بود . این از عظمت خداوند و مشیت پروردگار بود که ملتی را از دست آن دستگاه و حشتناک نجات داد . اجازه میخواهم این پیروزی بزرگ را به ملت ایران تبریک عرض کنم و یک پیام بفرستم که اگر ما بخواهیم پاس شهادی هفده شهریور و سایر شهدا را بداریم ، این است که اهداف و آرمانهای ملی آنها را از یاد نبریم ، ان شاء الله .



۲ - قرائت اسمی نمایندگانی که در جلسه قبل تأخیر داشته‌اند

نمایندگانی که در جلسه عصر چهارشنبه چهاردهم شهریور تأخیر داشته اند بارتداز آفایان: بشارت، بیست و شش دقیقه - حائری، هیجده دقیقه - خادمی، چهل و چهار دقیقه - طالقانی، بیست و چهار دقیقه - نوربخش، بیست دقیقه.

۳ - طرح و تصویب بند شانزده از اصل سوم و بحث پیرامون اصل چهارم

نایب رئیس - با اجازه دولتستان وارد دستور می‌شویم. از هفته آینده برای نطق‌های قبل از دستور بربط صورتی که تنظیم خواهد شد، فرصت خواهیم داشت. خواستیم این چند روز را بیشتر به دستور جلسه پردازیم. راجع به بند شانزده از اصل سوم با توجه به پیشنهادهای رسیده و تذاکراتی که در این پیشنهادها بود، بند شانزده به اینصورت درگروه چهارده نفری با اکثریت آراء مورد تأیید قرار گرفت که میخوانم وقت بفرمائید «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان و حمایت بیدریغ از استضعفان جهان» این بند با توجه به همه تذکرات داده شده به اینصورت تنظیم شد و فکر نمی‌کنم که امروز جای ابهام و سوالی باقی مانده باشد، خواهش می‌کنیم کسانی که با این بند موافق هستند، دستشان را بلند کنند (از پنجاه و شش نفر عده حاضر چهل و نه نفر اعلام موافقت کردند) این بند هم تصویب شد. **هاشمی نژاد** - دیروز بندهای این اصل که تصویب نمی‌شد، چون حاضرین در جلسه بیشتر بودند، رأی بیشتری می‌آورد ولی امروز تعداد آراء کمتر است.

نایب رئیس - برای اطلاع ملت ایران در توضیح مطلبی که دیشب از رادیوتلویزیون پخش شد عرض کنم که ما برای اصلاحاتی در جمله‌های ابرای تصویب بند‌ها ابتدا بقیام و قعود یا بوسیله بلند کردن دست رأی گیری می‌کنیم بعد برای تصویب یک اصل مجددًا بوسیله ورقه و بطور مخفی اخذ رأی می‌شود، چون آنچه دیشب از رادیو تلویزیون گفته شد، موهم این معنا است که رأی گیری احیاناً با دست و شمارش آراء با چشم صورت می‌گیرد، در صورتی که این نیست و رأی گیری مقدماتی به اینصورت است که متن نزدیک به توافق را پیدا می‌کنیم و پس از آن با ورقه و بطور مخفی رأی گیری می‌کنیم.

مکارم شیرازی - اگر این اصل را امروز به رأی نهائی بگذارید، چون حاضرین در جلسه کم هستند ممکنست رأی کافی نیاورد وطبق آئین نامه نمیتوانید بدون اصلاح یا تغییری مجدد آن را به رأی بگذارید.

نایب رئیس - بسیار خوب، در جلسه بعدی که عصر یکشنبه تشکیل می‌شود این اصل را مطرح می‌کنیم تا باحضور عده‌ای که امروز غایب هستند، مطرح و به رأی گذاشته شود. اصل بعدی را میخوانم:

اصل چهارم - کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی و اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی وغیره باید با رعایت کامل موازین اسلامی باشد.

هاشمی نژاد - منظور از این قوانین اداری چیست که بربط موازین اسلامی باشد؟ آیا آئین نامه‌های داخلی هم شامل آن می‌شود؟

مشکینی - «قوانين مدنی و جزائی» همه جای دنیا یا فقط کشور خودمان؟

نایب رئیس - من گمان می‌کنم هرخواننده‌ای میداند که این قانون اساسی برای چه



کشوری تدوین و تصویب میشود. در قوانین اساسی سایر کشورها هم نام کشورشان رادره را اصل ذکر نمیکنند.

هاشمی نژاد — پیشنهاد میکنم که همه قوانین جزئی و کلی سلطنت بارعايت کامل موازین اسلامی باشد.

نایب رئیس — آقای مستظری بفرمائید.

مستظری — اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحيم. اینکه در عبارت آمده است «برعايت کامل موازین اسلامی» ممکن است که یک کسی فرض کنید بگوید معیارهای قانونگذاری، هم قوانین و ضوابط اسلام است و هم حقوق بین الملل، این حقوق بین المللی که مردم پذیرفته اند یا مثلا حقوق بشر که در سازمان ملل تصویب شده اینها همه پایه های قانون باشد، آنوقت ما که اینجا گفته ایم که قوانین و مقررات کشورها بر معیارها و پایه های زیادی متکی باشد و یکی از آن معیارها هم رعايت کامل موازین اسلامی است، آنوقت اگر قوانین اسلام با قوانین عرفی یا حقوقی بین الملل یا مصوبات سازمان ملل تراحم پیدا کرد، آن وقت در مقام قانونگذاری باید بیانیم و مقایسه کنیم که حالا قانون اسلام را معیار بگیریم یا حقوق بشر را، برای اینکه این لفظ «با رعايت کامل موازین اسلامی» ما را مجبور می سازد که هم موازین اسلامی را و هم قوانین دیگر را رعايت کنیم و همه آنها معیار و پایه باشد، آنوقت با هم مقایسه کنیم و بر اساس تماسن یک قانونی بنویسیم و تصویب بشود. بنابراین بنده تلویحًا با این مطلب مخالفم چون صریح نیست و لو اینکه در مجلس شورای ملی قوانینی بگذراند که صریحًا در متون اسلامی نباشد ولی بالاخره بر طبق موازین اسلامی است، پس به جای «با رعايت کامل موازین»، «بر طبق موازین اسلامی» باید باشد یعنی تطبیق کلمات اسلامی بر آن قوانین که در مجلس تصویب میشود. اما عبارت «با معیار کامل قوانین اسلامی» صریح نیست در اینکه «معیار و پایه قانگذاری ما فقط موازین اسلام است»، حتی در مواردی که موازین اسلام با موازین دیگر معارض است.

نایب رئیس — آقای بقدم مراغه ای بفرمائید.

مقدم مراغه ای — به نام خدا ، البته همانطور که عرض کردم چون ما یک متن کلی را در نظر نگرفتیم و مبنای قرار ندادیم، بنده نگران هستم که مبادا عجله در اینکه اصولی زودتر مطرح شود ، این اصول در جای خودش قرار نگیرد و بدون هماهنگی مثل سرگندهای باشد که روی جهه کوچکی قرار می گیرد. اگر متن پیشنهادی قانون اساسی اصل شصت و شش را ملاحظه بفرمائید چون منشأ قانونگذاری مجلس خواهد بود ، در حدود اختیارات مجلس می نویسد: «مجلس شورای ملی نمیتواند قوانینی وضع کند که با اصول مسلم اسلام و قانون اساسی مغایرت داشته باشد...». پس به این ترتیب و با توجه به اینکه این اصل در جای خودش ذکر شده و جامعیت دارد، فکر میکنم این اصلی که در اینجا ذکر شده زائد است مگر اینکه پیشنهاد کنیم که آن اصلی که به نظر من بهتر است، در اینجا آورده شود و اصل فعلی حذف بشود.

نایب رئیس — آقای موسوی جزایری بفرمائید.

موسوی جزایری — بسم الله الرحمن الرحيم. این عبارت «با رعايت کامل موازین اسلامی» شامل ملاک های اسلامی جعفری بر طبق مذهب شیعه اثنی عشری میشود و چون شامل مذاهب دیگر هم میشود، من عقیده ام این است که اگر این اصل را موکول کنیم به فصل



مذهب رسمی کشور، جاییکه مذهب رسمی کشور شیعه اثنی عشری است و آنجا توضیح دهیم که کلیه قوانین باید براساس موازنین این مذهب تدوین شود، بهتر است. خامنه‌ای – پیشنهادی تقدیم کردم که در آن نوشتۀ ام به جای آئین نامه‌ها بنویسید کلیه مصوبات.

نایب رئیس – آقای پرورش بفرمائید.

پرورش – بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليکم (نمایندگان – عليکم السلام) اولاً اصل چهارم و ششم همان دو اصلی است که صبح دیروز از طرف گروه یک پیشنهاد شد و پس از بررسیهای که در گروه هاشد، با توجه به اینکه کوچکترین تغییری داده نشد مجدد آبرای بررسی به جلسه علنی فرستاده شد، معلوم میشود که به نظرهای گروهها به هیچ عنوان عنایتی نشده است. البته اگر این دو اصلی که گروه یک پیشنهاد کرده بهتر است، حرفی نیست، ولی ظاهراً نظرهای بود که شاید از اینها کلی تر بود و می‌باشیست رعایت میشود. اما در این اصل چهارم «قوانين و مقررات» در کنار هم قرار گرفته در حالیکه قوانین بیغمبر اکرم (ص) ارزش‌هایی است که ثابت است و قابل تغییر نیست، ولی مقررات، قراردادهایی است که قابل تغییر است، لذا قوانینی که در اینجا ذکر میکنیم باید حتماً مأخذ از قرآن و سنت باشد ولیکن در مورد «مقررات» اگر گفته شود «با رعایت کامل موازنین اسلام» اشکالی ندارد. برای اینکه اگر قوانین این خصوصیت را داشته باشد که «رعایت موازنین اسلامی» در نظر گرفته شود، آن اشکالی که آقای منتظری فرمودند باقی میماند. بنابراین «قوانين» باید مأخذ از قرآن و سنت معصومین باشد و «مقررات» با رعایت کامل موازنین اسلام باشد.

نایب رئیس – آقای دکتر روحانی بفرمائید.

دکتر روحانی – بنظر من کلمه «وضع» را باید در ابتدای جمله بگذاریم.

صادقی – بسم الله الرحمن الرحيم. اگر اینطور بنویسیم شاید بهتر باشد « مصدر کلیه قوانین الى آخر» منحصرآ «باید احکام و قواعد اسلامی باشد و مشخص آن فقهای عادل باشند».

رشیدیان – همانطور که آقای پرورش فرمودند اگر کلیه مقررات نباشد ما در جاهای دیگر بکرات گفته ایم کلیه قوانین باید برطبق موازنین اسلام باشد. مقررات داخلی هر وزارت‌خانه را ممکن است خود آن وزارت‌خانه تصویب کند بنابراین، این «کلیه مقررات» اگر اینجا آورده شود لازم است «بارعایت موازنین اسلامی» هم آورده شود. بنابراین در جواب آقای مراغه‌ای که مطلبی را فرمودند میگوییم این مسئله بلحاظ اینکه مربوط به مقررات داخلی است هیچ اشکالی ندارد.

حقیقتی کرمانی – بجای «بارعایت کامل»، «براساس» اگر بگذاریم نظرآقای منتظری رعایت میشود واشکال آقای رشیدیان هم حل میشود.

دکتر نوری‌خش – اگر بجای اینکه در آخر هر جمله ویا هر اصل تکرار کنیم «براساس موازنین اسلامی» برای یکمرتبه یک اصل بگذاریم که گویای این مطلب باشد، بهتر است.

نایب رئیس – عنايت بفرمایید که اینجا الان اصول کلی مطرح است. در اصول کلی اگر روی موضوعی تأکید شود، تکرارش بعداً غیر ضروری است. وقتی میرسیم به حقوق و حدود حقوق و وظایف قوه مقننه، میگوییم طبق اصل چهارم قوه مقننه حدود اختیاراتش تا آن اندازه است که با موازنین اسلامی اصطکاک پیدا نکند و وقتی میرسیم به حقوق قوه مجریه و احیاناً کسانیکه در حد مقررات وظایفی بعده دارند، باز به این اصل ارجاع میشوند. حالا پیشنهادهای



رسیده قرائت میشود.

اصل چهار پیشنهادی:

کلیه قوانین و مصوبات (آئین نامه ها و نظامنامه ها و بخشنامه ها) باید مطابق کتاب و سنت باشد. (ضیائی)

.... با توجه به اینکه در اصل سیزده نقطه شده مذهب رسمی، مذهب شیعه است و بعد هم نقطه شده که دیگر مذاهب اسلامی در احوال و دعاوی شخصیه به مذهب خود عمل میکنند، طبیعتاً اینکه قوانین رسمی مملکت طبق چه میزانی نوشته میشود، جایش در آن بند است.

— کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی و اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و غیره باید طبق موازین اسلامی مستخد از کتاب و سنت باشد.

(سیدحسین طاهری)

نایب رئیس — من اینجا یک توضیحی میدهم که دوستان توجه داشته باشند. ما نمیتوانیم بگوئیم همه مقررات باید مستخد از قرآن و سنت باشد، ما باید بگوئیم با رعایت خطوط کلی کتاب و سنت و در محدوده آنها بوده و مخالف آنها باشد، برای اینکه ما مشادر امور اهنا می و رانندگی باید از تجارب استادان و کارشناسان این فن با رعایت حدود کلی کتاب و سنت استفاده کنیم. آفای طاهری بفرماید.

طاهری خرمآبادی — بسم الله الرحمن الرحيم . منظور این نبود که تمام قوانین و مقررات آئین نامه ها مستخد از کتاب و سنت باشد، اینظور نیست، منظور کلیه موازین اسلامی است که همانطور که آفای منتظری هم فرمودند موازین اسلامی را ما از کجا استفاده کنیم؟ اینجا است که میگوییم این قانون ناظر بر همه قوانین است همانطور که آفای بهشتی توضیح فرمودند، در تمام فصول ما باید به این اصل اشاره کنیم و این اصلی است که همه آنچه را که در سایر فصول و قوانین خواهد آمد، باید به آن استناد کرد. اینجا است که ممکن است یک وقت موازین اسلام یک چیز کشدار بشود که باید آن را تشریح کرد. فرض کنید مطلبی را میگویند بر طبق موازین اسلام است، مسلم است که همه قوانین باید پرimitای کتاب و سنت باشد که اعم است از اخبار پیغمبر و معصومین، ماموازین اسلام را از کتاب و سنت اخذ می کنیم درگروه اول هم در آن متن پیشنهاد یشان این جمله بود «قوانين اسلام که مستخد از کتاب و سنت است» البته تمام مقررات و قوانین باید بر طبق این موازین باشند ولی در مسائل دیگر همینقدر که مخالف با موازین اسلام نباشد کافی است.

نایب رئیس — ما در اصل دو این قسمت را با صراحة آورده ایم. آفای منتظری پیشنهاد کرده اند که عبارت به همین صورت باشد که «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی و اقتصادی، اداری فرهنگی، نظامی وغیره باید بر طبق موازین اسلامی یا مطابق قوانین اسلامی باشد» پیشنهاد های دیگری هم رسیده است که قرائت میشود.

— بعداز «باشد» اضافه شود «و هر اطلاق و فراگیری لفظی که در قوانین اساسی وشورای ملی و سایر مقررات میباشد، مقید محدود شرعی است». (مرتضی حائری)

— آخر اصل چهار اضافه شود : «باید فراگرفته و مستخد از موازین کلی اسلامی باشد» (مشکینی)

— کلیه قوانین و مصوبات و نظامنامه ها، «سیاسی، مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری،



فرهنگی، نظامی وغیره» باید برطبق دین و مذهب رسمی جمهوری اسلامی ایران و نشان دهنده احکام و اصول اسلامی باشد. (حیدری)

— بسم الله الرحمن الرحيم، مصدر كلية قوانين ومصوبات... احکام وقواعد اسلامی باشد و مشخص آن فقهاء عصر میباشند.

(صافی)

— کلیه قوانین مصوبه و مقررات مدنی، جزائی، مالی و اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی وغیره برطبق موازین اسلامی باشد. موسوی زنجانی

— کلمه «وضع» به ابتدای متن تهیه شده برای اصل چهارم اضافه شود.

(روحانی)

— کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و مانند آن باید اساس موازین اسلامی باشد و تشخیص آن با فقیه اعلم زمان است.

(سید جلال الدین طاهري)

نایب رئیس — عنایت بفرمایید، دراین پیشنهادها راجع به «تشخیص» صحبت شده، تشخیص را ما در اصول آینده حدی برایش معین خواهیم کرد. حالا اینجا اصول کلی است و تفصیل مطلب راجع به این اصول در فصول آینده خواهد آمد که چه مرجعی تشخیص خواهد داد، یا شورای نگهبان یا هر ارگان ومسئول دیگری که معین بشود، این کار را خواهد کرد. بنابراین اگر هرچیزی را بخواهیم اینجایاوریم، دچار اشکال خواهیم شد.

طاهری خرم‌آبادی — در عبارت «مالی و اقتصادی» این «و» زیاد است.

نایب رئیس — «مالی و اقتصادی» مربوط به هم است، بدینجهت بوسیله یک «و» ربط داده شده‌اند.

فاتحی — کلمه اقتصادی که در اینجا ذکر شده درین دوازده همین اصل آمده است، در آنجا می‌گوید «بی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی...» مجدد آینجا هم تکرار می‌شود.

نایب رئیس — این یک اصل کلی است، تکرار آن نیست، آفای آکرمی بفرمایید.

آکرمی — راجع به قوانین و مقررات که فرمودید، اگرما بگوئیم «کلیه قوانین و مقررات برطبق موازین اسلامی باشد»، مقررات می‌تواند مخالف با موازین اسلامی نباشد؟

نایب رئیس — این مسائل قبل درگروه هم مطرح شده عنایت بفرمایید. ما باید بینیم که در نظام اجتماعی آینده تحت عنوان جمهوری اسلامی، دیدگاه‌همان چیست؟ اگر این نظر را داشته باشیم که برای هرگونه قانون و مقررات در اسلام لاقل معنی و مبدأ و خاستگاهی هست که جهت را معین می‌کند، دراین صورت به این قناعت نمی‌کنیم که یک قانون و مقررات مخالف شرایط اسلام نباشد، در اینجا بیشتر بیخواهیم قانون و مقررات همواره روح اسلامی و جنبه مشتب داشته باشد، ولی اگر ما نظرمان اینست که اسلام یک مقدار قانون و مقررات در یک زمینه‌هائی دارد، حالا که ما احتیاج پیدا می‌کنیم که در زمینه‌های مختلف، قوانین مختلف داشته باشیم، باید مخالف با موازین اسلامی نباشد، آنوقت تعبیر شما کافی است، ولی با آن دیدگاه اول کافی نیست. آفای آیت بفرمایید.

دکتر آیت — در مورد این اصل باید عرض کنم که گروه متн دیگری تنظیم کرده بود



که هدفش چیز دیگری بود و اینجا چیز دیگری مطرح شده، من بخصوص وقتی که آقای پرورش گفتند متوجه شدم این غیراز آن چیزی است که درگروه تنظیم شده بود. این اصل را ما براین مبنای تنظیم کردیم که نه تنها قوانین و مقررات نباید مخالف اسلام باشد، بلکه باید از منابع اسلامی گرفته شده باشد، چون بنیع مقررات باید کتاب و سنت باشد و این متن جدید این معنا را نمی‌رساند. مطلب دیگر اینست که برای اینکه فردا نگویند این مقررات را از کجای موازین اسلامی استخراج می‌کنید، من معتقدام به این صورت نوشته شود «بنیع کلیه قوانین و مقررات باید کتاب و سنت باشد» و باز تا کید می‌کنم که در قانون اساسی قبلی هم اینها بود ولی یک قانون جزائی گذراندند و گفتند که مخالفتی با موازین ندارد، ولی به هر حال منطبق با کتاب و سنت نبود.

نایب رئیس — شما پیشنهاد قبلی گروه را بخواهید.

دکتر آیت — «کلیه قوانین و مصوبات مدنی، جزائی، مالی و اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی وغیره، باید با رعایت کامل موازین اسلامی که از قرآن و سنت گرفته شده، تنظیم گردد» گفته‌یم «قوانين» از کتاب و سنت، ولی «مقررات و مصوبات» در حدود موازین اسلامی باشد.

نایب رئیس — ملاحظه بفرمایید، این متنی را که قرائت فرمودند متن پیشنهادی گروه یک است که به گروه چهارده نفری داده شده و در این گروه با توجه به نظرات گروههای دیگر در آن تغییراتی داده شده است، مثلاً قید «از قرآن و سنت گرفته شده» حذف شده و به جای «تنظیم گردد» نوشته‌اند «باشد»، والا فرق دیگری ندارد. آقای مکارم بفرمایید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. بنده یک تذکرکلی در باره این اصل میخواستم خدمت برادران عرض کنم و یک تذکرکلی اینست که همه ما بدون تردید میخواهیم این قانون اساسی بر طبق موازین اسلامی تنظیم بشود و یک جو و یک ذره از آن کمتر نباشد ولی نحوه بیان ما از اول تا به اینجا که رسیدیم، این چنین نشان میدهد که ما گرفتار یک وسوس محسوسی شده‌ایم. مثلاً ما تا حالا دو سه ماده بیشتر تصویب نکرده‌ایم، ملاحظه بفرمایید، در یک جا نوشته‌ایم «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی» در آن جا نوشته‌ایم «کلیه قوانین و مقررات مدنی و جزائی و فلان با رعایت کامل موازین اسلامی» سا باید یا این «با رعایت موازین اسلامی» را در آخر فصلها بگذاریم، یا اینکه یک جا دو جا، پابرجا کنیم تا دیگر نخواهیم در همه جا این قید را تکرار کنیم. اگر این قید را در یک اصل بنویسیم و در اصل دیگر نویسیم، مفهومش اینست که اصل دیگر بر طبق موازین اسلامی نباید باشد. الان ما سه بار این را تکرار کرده‌ایم، بنظر من این قید را یک بار باید بطور کلی در مقدمه، یک بار هم در فصل مذهب و یک بار هم در فصل قوانینی که از مجلس شورایی گذرد، دو سه جا محکم بیان کنیم. اگر غیر از این باشد، من فکر می‌کنم وقتی این قانون اساسی تمام بشود، از نحوه تنظیمش تعجب کنیم که چرا در یک فصل این قید را نوشته‌ایم، در جای دیگر نوشته‌ایم. ما الان مثل آدمهایی که گرفتار وسوس شده باشند هستیم و فکر می‌کنیم که میخواهند مذهب را از دست ما بگیرند، بنده می‌خواستم تقاضا کنم آقایان اول یک تصمیم کلی بگیرند که ضوابط اسلامی را کجا باید بنویسیم و کجا باید نویسیم. باز تکرار می‌کنم سوءتفاهم نشود، در اصل مسئله هیچگونه تردیدی نیست واصولاً جمهوری اسلامی که گفته‌یم اینها در آن هست و باید بصورت صریح و قاطع و محکم بیان بشود، اما نه بصورتیکه وقتی قانون



تنظيم میشود و بدست کسی داده میشود ، از نظر تنظیم یک نوع تکرار و سوشه در آن دیده شود. این تذکر کلی بود و اما این را هم عرض کنم، واقعشن این است که ما بین خودمان و خدا مستولیم و باید آنچه را که تشخیص میدهیم بگوئیم و برای خاطر حفظ مصالح تغییر، هم تکنیم. مسکن است تکرار یک جمله باعث خوشحالی هم بشود، ولی ما باید تمام سوالات را در نظر بگیریم تا کسانی که حتی صدھا سال دیگر این قانون را می بینند توانند بگویند روی حساب تنظیم نشده است. و اما آن تذکر جزوی را که خواستم عرض کنم اینست که ما باید وضع خودمان را برای حالا و آینده روشن کنیم. مرتب گفته میشود با رعایت موازین اسلامی که از کتاب و سنت گرفته شده باشد، مگر ما موازین اسلامی داریم که از کتاب و سنت گرفته نشده باشد؟ این جز وسوسات چیز دیگری نیست. همین اندازه که در متن اصلی نوشته ایم «با رعایت کامل موازین اسلامی» هم بدرد اینجا میخورد، هم تمام فصول آینده وهم فرازهای گذشته. حالا اگر یک جا برای رفع سوء تقاضا تکرار کردیم، مانعی ندارد ولی همه جا نمیتوانیم جمله را تکرار کنیم، چون ممکن است ایجاد سوء تقاضا کند.

نایب رئیس - آقای حسینی هاشمی بفرمائید.

حسینی هاشمی - بسم الله الرحمن الرحيم. دو مطلب را می خواستم عرض کنم یکی اینکه قرار بود گروه چهارده نفری یک متن تهیه کنند ، ولی آیا به رأی گذاشته شد یا خیر؟ اگر به رأی گذاشته شده باشد، یقیناً من در مجلس نبودم. دوم اینکه گروه وظیفه‌شان این بود که اگر اختلاف مبنائی بین متن‌ها هست، دو متن تنظیم کنند. فقط اختلافهای مبنائی و ظاهري و به اصطلاح تعییرهای ادبی را یک متن کنند. سوم اینکه گروه چهارده نفری بنا بود از ساعت هشت صبح تا ساعت ده صبح در گروه‌ها تشریف داشته باشند تا در اصطکاک افکار و تبادل نظرات، مطلع و سهیم باشند و تبادل فکر بفرمایند، نه اینکه ابدآ خودشان در گروه‌ها نباشند و مصلحت اینکه فرضآ یک نظری را یک اکثریتی از یک گروه تصویب می کند، چه است و یا چه نیست فقط موکول کنند به آنچه خودشان در ک میفرمایند (از ظاهر عباراتی که به دستشان رسیده، آنهم خصوصاً عباراتی که ملاحظات در زیرش نوشته نشده است). مطلب چهارم اینکه افراد یک گروه، یعنی گروه هفت نفری، میل دارند از انکار گروه‌های دیگر در تنظیم متن خودشان کاملاً اطلاع داشته باشند و مثلاً اگر اینکار یک روز قبل انجام گرفته باشد که امروز که نظریات به اکثریت در گروه‌ها تصویب شد، فردا صبح تکثیر شده باشد و آقایان مجددآ مورد بررسی قرار بدهند و از آنطرف هم شورای هماهنگی یا گروه چهارده نفری آن را تبدیل به یک یا دو متن بگذند تا وقتی در اینجا یک متن خوانده میشود، بدانند که نظریات دیگری هم در اینمور وجود دارد یا خیر. من باب مثل یک بند در اینجا خوانده میشدم ولی من نمی‌دانستم آیا نظری بهتر از این وجود دارد یا وجود ندارد، تا اگر وجود دارد رأی ندهم و اگر وجود ندارد آنوقت رأی بدهم. این عدم آگاهی گروه‌ها هم از نظرات مختلف دیگر، برای تصویب اصول قانون اساسی، مشکلاتی را ایجاد می کند. در مرحله اخیر نسبت به همین متن، تفکیک بین قوانین و مقررات، اولاً نسبت به این اصلی که ناظر به قوانینی است که قوه مقننه بعد آ درباره اش صحبت میکند، چرا در اینجا قید نشود؟ خوب، این اصلی است که برای کلیه قوانین و مقررات مرجع است. قبل ذکر شد که راهش اجتهاد باشد، بسیار خوب، ما نمی‌گوئیم که در اینجا هم قید شود که از چه راهی، آن وقت قهها هم در فصل های آینده، به یاری خداوند انشاء الله تعالی موضعشان باید درست تبیین



شود که در تشخیص قوانین این مسأله موضوع سرجای خودش ذکر شود، ولی خود این اصل، مرجع قوانین و مقرراتی است که در قوه مقننه باید از آن صحبت شود. آن وقت یک طرف داریم که باید قوانین متخذ از شرعاً باشد و یکی دیگر اینکه مقرراتی است برای نظم عمومی، که اینها باید مخالفت با شرعاً نداشته باشد، و قسمت اخیر هم کلیه اطلاقاتی که اصولاً در خود این قانون است. به هر حال آقایان روابط مفاهیم راسملماً مسلط هستند، ولی اگر بگوئیم که ابدها غلت هم نمی‌کنند، این تقریباً محال است. اضافه کردن یک جمله یا یک اصل تمام درباره اینکه هر نحو اطلاقی یا تغییری، اجمالی در قانون باشد و نتواند در آینده مستند باشد، اشکال ایجاد خواهد کرد، زیرا قانون اساسی زیربنای روابط سیاسی یک ملت را مشخص می‌کند. شما خودتان اگر بخواهید خانه‌ای را مثلاً به مبلغ صدهزار تومان بایک معماري قولنامه کنید و از طرف خود اطمینان کامل نداشته باشید، مسلماً در همه موارد وجوانب خیلی دقت می‌کنید. این قانونی هم که مالان تصویب می‌کنیم، در حقیقت برای نسلهای آینده رابطی است بین افراد صالح و فاسد جامعه، ولو اینکه افراد فاسد تعدادشان نسبت به افراد صالح بسیار کم باشد ولی باید دستاویزو بهانه‌ای برای آنها باقی نماند. بنابراین یک اصل اضافه شدن، یا دنباله همین اصل اضافه کردن که: «کلیه اطلاقات و اجمالها و قیدهای محدود به حدود الهی است» بسیار لازم است. امیدواریم که انشاء الله تعالی خداوند به همه ما توفیق عنایت بفرمایید که با حول و قوه او، به بهترین وجه انجام وظیفه بکنیم. والسلام عليکم و رحمة الله ویرکاته.

نایب رئیس — الان نوبت آقای هاشمی نژاد است و در این فاصله که اینجا تشریف می‌آورند دو پیشنهاد رسیده است که قرائت می‌شود.

اصل ۸ — کلیه قوانین و مصوبات مدنی، جزائی، اداری، فرهنگی، مالی، نظامی و حتی اصول این قانون اساسی باید با موازین اسلامی هیچگونه مخالفتی نداشته باشد و این اصل بر تمام اصول این قانون حکومت دارد.

بسمه تعالیٰ

کلیه قوانین اعم از قانون اساسی و مدنی و مقررات کشوری، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظافتی وغیره بایستی برابر موازین اسلامی باشد و ضمناً پیشنهاد جناب آقای حائری تأیید و به شکل زیر پیشنهاد می‌شود که بصورت تبصره در آخر اصل دو و یا اصل سه ذکر شود:

تبصره — کلیه اطلاقات و عموماتی که در بعضی از اصول بدون تقييد و تخصيص ذکر شده‌اند اطلاقات و عمومات آنها در موادی معتبر و متبع هستند که با موازین فقهی منطبق باشند. (فوزی)

نایب رئیس — آقای هاشمی نژاد بفرمایید.

هاشمی نژاد — بسم الله الرحمن الرحيم. اینکه من مزاحم شدم تا چند کلمه عرض کنم، به خاطر این بود که امروز دیدم این مسأله دو سه بار تکرار شد و آخرین بار برادر بیان جناب آقای مکارم مطالبی فرمودند و من تصویر می‌کنم که این اشتباه از آنجا ناشی شده که خود آقایان مجموع پیش نویس قانون اساسی رامطالعه کرده‌اند و دیده‌اند که از ابتداتا به انتها این عبارت «طبق موازین اسلامی» چندبار بکار رفته است، و در ترتیجه اینجا انتقاد می‌فرمایند که چرا یک جمله باید چندین بار تکرار شود. درحالی که اگر درست دقت بفرمایید الان که داریم اصل چهار را بررسی



می کنیم، برای اولین بار است که در اصول کلی این مطلب را داریم. شما تأمل بفرمائید وقتی به اصول بعدی رسیدیم، آگراین جمله را دوباره داشتیم، آن وقت انتقاد بفرمائید که ما جمله را قبل آورده ایم و در اصول کلی، روی آن تکیه شده است. بنابراین در اینجا، برای اولین بار است که این موضوع ذکرمیشود. آن دو موردی هم که شماروی آن تکیه فرمودید، یکی مسأله سیاست خارجی کشور است که یک مورد خاصی است، و یکی هم مسائل مالی و اقتصادی است که باز یک مورد خاصی است و اینجا چون یک اصل کلی است، ناچار باید این مسأله را محکم بکنیم. البته بعد آنکه موارد دیگر رسیدیم آقایان تذکر بفرمایند که قبل این موضوع ذکر شده و دیگر نیازی به تکرار نیست. بنابراین ضرورت دارد حالا که برای اولین بار در اصل چهار به این مسأله برسی خوریم، خیلی قرص و محکم باهمه قیود، این موضوع ذکر شود. و امام مسأله دیگری که برای بعضی از دولت‌نامان مکرر در مکرر گفته می‌شود گاهی بصورت انتقاد و گاهی بصورت حسن کارمان، مسأله دقت برادرانمان است.

نکته دیگر اینکه بعضی از مسائل راما باید از دیدگاه غیرخودمان مورد بررسی و مطالعه قرار بدهیم. با کارکنان و برادران عزیزی که در اینجا کار می‌کنند دریک رابطه‌ای که امروز صحبت بود، همین دقت‌هایی که آقایان روی کلمات دارند، باحسن برخورد تلقی می‌کردند و یادآوری می‌فرمودند که این مجلس، مجلسی بوده است که ما دیده‌ایم حدود ششصد لایحه را ضمن ماده واحد‌های تقدیم می‌کردند و با یک قیام و قعود تصویب می‌کردند و دنبال کارشان می‌رفتند. بنابراین دقتی که در اینجا می‌شود نشانه سختگیری ناشی از احساس مسئولیت است. من فمی خواهم بگویم که در حداچاپ باید باشد، خیر، همه آقایان از نظر اسلامی در برابر خدا و اسلام و ملت مسلمان ایران، احساس مسئولیت می‌کنند، بنابراین حق دارند که نظراتشان را بفرمایند البته نه بصورتی که از حد معقول خارج شود. بطوری که آقایان فرمودند با وجودی که ما قبل پیشنهادها را بررسی و مطالعه کرده‌ایم، معدلاً کمی پیشنهادهای دیگری که می‌رسد باید با دقت مطالعه کنیم. غالباً آقایان به فن نویسنده‌گی آشنائی دارند. یکه مقاله یا کتابی را که انسان می‌نویسد قبل از ظهر که آن را می‌خواند، بعضی عباراتش را تغییر می‌دهد، بعد از ظهر که نگاه می‌کند باز عوض می‌کند. هر بار یک جمله را برمی‌دارد و باز بعضی مطالibus را عوض می‌کند، شب که نگاه می‌کند باز عوض می‌کند. هر بار که نگاه می‌کند و جمله‌ای دیگر را بجای آن قرار می‌دهد. این نباید موجب شود که ما بگوئیم لحظه به لحظه ما باید در جریان تغییر مسائل باشیم زیرا همه گروه‌ها قبل نظراتشان را به کمیسیون مشترک می‌دهند. حالا من نمی‌دانم این نقص شورای هماهنگی و کار آنهاست که گاهی آقایان می‌آیند اینجا و گله می‌کنند و منعکس می‌شود، یا شاید بعضی ها فکر کنند در مرافق قبلی، کارهای دقیقاً انجام نمی‌شود. در صورتی که خود ما بعنوان یک گروه همه پیشنهادهایی که تابه‌حال داده شد، حداقل بیست و چهار ساعت قبل در اختیارمان بوده و مانظراتمان را به کمیسیون مشترک دادیم، روی آنها بحث کردیم، روی کلیات و جزئیات بحث شد. بنابراین نقصی در تحقیق و بررسی دولت‌نامه باقی نمانده است و تقاضا می‌کنم که شورای هماهنگی در این زمینه دقت پیشتری بفرمایند که نقص در کجاست، این نقص را شناسائی بفرمایند و برطرف کنند تا مکرر در مکرر گفته نشود و اعلام نگردد، والسلام.

نایب رئیس — چهار نفر از آقایان: طاهری، کیاوش، رشیدیان و موسوی تبریزی نویت اظهار نظر خواسته‌اند، ولی از طرف آقای موسوی اردیلی پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است.



این پیشنهاد را به رأی می‌گذاریم موافقین با کفایت مذاکرات دست بلند کنند (از پنجاه و دو نفر چهل و هشت نفر موافق بودند) بنابراین پیشنهاد کفایت مذاکرات تصویب می‌شود. حالا اجازه بدھید در میان تذکرات یک تعداد تذکری است که بنظر میرسد مورد توجه عده بیشتری است و از اهمیت خاصی هم برخوردار است و آن تذکری است که آقای حائری داده‌اندو عده‌ای از دوستان آن را تایید کرده‌اند و آن اینست که در ذیل این اصل نوشته شود « و این اصل بر همه اطلاعات و عمومات این قانون و قوانین و مقررات دیگر حاکم است ». مکارم شیرازی—« و غیره » را اصلاح بفرمائید.

نایب رئیس—در اینجا اشکالی ندارد که باشد. پس یک مرتبه دیگر اصل چهارم را می‌خوانم: « کلیه قوانین و مقررات مدنی ، جزائی ، مالی و اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، نظامی ، سیاسی و غیره باید بر اساس موازن اسلامی باشد و این اصل بر همه اطلاعات و عمومات این قانون و قوانین و مقررات دیگر حاکم است ». آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش—شمردن این اسمی شاید ضرورت نداشته باشد « به جمیع شئون مملکتی » بنویسیم درست‌تر است، البته پیشنهادی در این مورد داده‌ام.

نایب رئیس—این پیشنهاد قبل ام در کمیسیون مطرح شده بود و جواب داده شد که درگذشته در این موارد سهل انگاری‌هایی شده است، مثلاً درگذشته ربا آمد و اقتصاد ما را برد به آن اقتصاد کافری که می‌دیدیم. بنابراین یک مقدار تصريح و تأکید برای این است و ما از تأکید ضرر نمی‌بینیم. حالا آن متى را که خواندم به رأی می‌گذاریم. لطفاً گلدانها را حاضر کنید.

طاھری—عبارت خوب است ولی عده حاضر پنجاه و سه نفر است. رأی‌گیری را بگذارید برای روز یکشنبه.

کرمی—این اصل چهل و نه رأی برای تصویب می‌خواهد و عده حاضر پنجاه و سه نفر هستند، مسلم است که تصویب نمی‌شود.

هاشمی نژاد—اگر این رد بشود انعکاسی زشت است و از آن سوء استفاده می‌کنند. رأی‌گیری‌ش را برای روز یکشنبه بگذارید.

دکتر آیت—تذکر آئین نامه‌ای دارم.

نایب رئیس—بفرمائید.

دکتر آیت—اینجا قرار شد متى خوانده شود و آن متن را به رأی بگذاریم. مانع توائیم پیشنهادها را به آخر متن اضافه کنیم، این کار خطرناک است. اگر بنا است این قسم آخر اضافه شود باید رویش بحث بشود و الا طبق آئین نامه قابل طرح نیست، زیرا این نه آن متى است که از کمیسیون آمده و نه آن متى است که از گروه یک داده شده است و نه متى است که گروه چهارده نفره داده است، بلکه یک متن جدیدی است که آقای دکتر بهشتی یک پیشنهاد را به آخرش اضافه کرده‌اند، پس من هم یک پیشنهاد به آن اضافه می‌کنم. این درست نیست و قابل رأی‌گیری نیست.

نایب رئیس—دوستان توجه بفرمائید اگر ما بخواهیم تذکر آقای آیت را در همه موارد رعایت کنیم، باید از هرگونه تغییر جزئی در اینجا صرف نظر کنیم و حتی اگر تشخیص داده شود که کلمه‌ای ضروری و منطقی است که اضافه شود، باید به کمیسیون برگردانیم. اگر آقای آیت



و همه دولستان این رویه را برای همه موارد در آینده می‌پذیرند، بسیار خوب آنوقت چنین چیزی ایجاد می‌کند، رعایت نص دقیق آئین نامه بشود، ولی بر طبق معمول که دیروز هم عمل کردیم که اگر کلمه‌ای یا جمله‌ای مورد نظر اکثریت بود برای کوتاه کردن زمان همینجا به رأی می‌گذاشتیم، اجازه بدھید این کار را بکنیم. اگر بعضی از دولستان هم نگران هستند که چون عده حاضر کم است و ممکن است رأی کافی نیاورد، عرض کنم که آن را مجدد آ روز یکشنبه با یک تغییراتی به رأی می‌گذاریم. آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی اردبیلی – اصلاح اشکال آئین نامه‌ای ندارد، اگر در متن آئین نامه چنین محدودیتی درباره تغییرات جزئی وجود دارد، آنرا بخواهیم. در آئین نامه چنین چیزی نداریم، کمیسیون چهارده نفره را هم در آئین نامه نداریم، این یک تصمیمی بود که در اینجا گرفته شد.

دکتر آیت – این اصلاح‌الخلاف آئین نامه هست و موضوع تغییر‌جزئی نیست. این تبصره اصلاح قانون اساسی را از اثر می‌اندازد و این کلمه «اطلاق» بصورت کلی آمده است و هر کسی می‌تواند این موضوع را بجسبند و بگوید که این موضوع مخالف فقه است و باطل است.
نایب رئیس – آقای ضیائی بفرمائید.

دکتر ضیائی – بسم الله الرحمن الرحيم. تذکر جناب دکتر آیت در مورد اصول پیشنهادی البته اگر بخواهد یک اصل عوض شود و بجای آن یک اصل و متن دیگری بیاید، شامل آئین نامه می‌شود و همانطور که تذکر دادند، باید برگردد به کمیسیون و از کمیسیون باید برود به گروه چهارده نفری تا دویاره بتواند بیاید به مجلس و رویش تصمیم بگیرند، اما در تغییرات جزئی یا اطلاق و قید یا کلیت و حذف و امثال اینها اگر بخواهیم بگوئیم با آئین نامه منطبق نیست، قاعده‌تا برای تغییر یک «واو» و «میم» و امثال اینها هر روز باید قوانین را بیاوریم اینجا ویرگردانیم به کمیسیون و ممکن است یک‌سال اینجا معطل بشویم. به عقیده‌من این عبارت کوچکی که اضافه شده است مخالف با آئین نامه نیست که بخواهد به کمیسیون برگردد. آقایان اهل نظر هستند و توجه دارند که قید این جمله چه مطلبی را ادا می‌کند. و اما مطلب دیگری که ایشان فرمودند که اگر ما بخواهیم این تبصره را توضیح بدهیم تمام قوانینی را که تا آخر وضع می‌کنیم از اثر می‌اندازد، از ایشان تقاضا کردم استدلال بگذشتا بهمیم، به نظر من استدلالشان ناقص بود یا درست نبود و این قاعده کلی است اگر بخواهند تمام قوانین کلی یا مطلقانی عنوان بگذشتند، چه قبل و چه بعد و در یک موردی بگویند تمام اینها روی این پایه است، دیگر کافی است که در جای دیگر ذکر نکنند و آن عمومات و مطلقان را مقيد کنند به قیدی که در یک تبصره یک ماده ذکر شده است و با رعایت اینکه جمیع قوانین باید با موازنین شرعی منطبق باشد، زیرا ممکن است در لایای این همه مقررات، مطلبی از دست قلم یا فکر بعضی آقایان در بود، مثلاً درباره حقوق همه‌جانبه همه ملت‌ها یا فرض بفرمائید حقوق زن، چون ما بعداً خواهیم گفت که حقوق همه افراد در مقابل قانون مساوی است، خوب سا پای هر ماده نمی‌توانیم بنویسیم «مگر مواردی که شرع اختصاص داده و استثنای کرده» بلکه، یک جا می‌نویسیم «طبق موازن اسلامی، متخذ از قرآن و سنت یا بر اساس موازن اسلامی» و درینه اصول دیگر هیچ الزامی ندارد. البته این قیودی که آقایان اظهار فرمودند بجا است، متنها نحوه عبارت بردازی به عهده کسانی است که بیشتر در این قسمت دارند که هم عبارات زیبا بشود و هم در محظاها مطالبی را که عنوان فرمودند، در برداشته باشد.



نایب رئیس — برای اینکه آقای آیت توجه کنند که اصلاً این جمله جز یک توضیحی بیش نیست، این سؤال را مطرح می‌کنم. ایشان می‌گویند که این جمله اثر هر چیز را از بین میبرد، عرض می‌کنم که خوب، فرض کنید که این جمله هم نبود، وقتی شما اینجا اصلی می‌گذارید که: «کلیه قوانین و مقررات جزائی و مدنی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و...» باید با رعایت کامل قوانین اسلام باشد» و بعد در اصل شصت و شش می‌نویسند که «مجلس شورای ملی حق ندارد هر قانونی که بر خلاف مقررات شرع باشد، وضع کند» آن موقع با اضافه کردن این جمله چه اشکالی بیش می‌آید که بدون اضافه کردنش پیش نمی‌آید؟ همینطور که دوستان فرمودند چون تا همینجا به این هدف ها که رسیدیم، دوجا اضافه کردنا یعنی «اقتصاد با ضوابط اسلامی» همانجا که شما فرمودید اقتصاد با ضوابط اسلامی چه اشکالی برای این بند بیش می‌آید که شما می‌گویند در سایر بندها اشکال بیش می‌آید؟ این جز برای اینکه دیگر ما در هر حالی دچار وسوسه نباشیم و نخواهیم این قید را اضافه کنیم و جز برای اینکه ما از تکرار خود داری کنیم، هیچ بار جدیدی و هیچ نکته جدیدی را اضافه نمی‌کند و اگر آقای آیت بنظرشان میرسد که دلیل قانع کننده‌ای دارند و نشان میدهد که ما نمی‌فهمیم، برای آخرین بار بیان کنند تا بکار مان بپردازیم.

دکتر آیت — در مورد اینکه این اصل را خود من پیشنهاد کردم ولی حالا با تبصره آن دارم مخالفت می‌کنم، در اصولی که بعداً وضع می‌شود یک ارگانهای مثل شورای نگهبان و شورای رهبری بیش بینی کرده‌ایم که آن‌ها قوانین را با قوانین اسلامی مطابقت می‌کنند و اگر مخالف با اسلام باشد، نقی می‌کنند و تصویب نمی‌شود و از بین میروند، اما در مورد قانون اساسی که ما الان شورای نگهبان نداریم، بنابراین، این قانون حاکم است بر تمام قوانین.

در اینجا گفته شده است که در قانون اساسی این قانون اطلاق است، این اطلاق مقید به قبیه است پس اگر آنچه محدود است، اینجا هم باید محدود باشد زیرا وقتی ما گفتیم حکومت جمهوری اسلامی، یک حکم کلی است، ولی ممکن است فردا یک کسی پیدا شود و بگوید نه، این چیز در جمهوری اسلامی نیست و پنجاه درصد بالا جمهوری مطابق نیست یا حاکمیت اختصاصی بخدا دارد. حالا البته این را همه معتقدند ولی ممکن است کسی در آینده بگوید آن گوشش اش سائیده شده است، پس اگر یک چیز کلی در اسلام نیست همینجا ما مقیدش کنیم، نه اینکه بگذاریم بعداً این را هر کس هر طوری خواست بنویسد زیرا قانون اساسی غیر از قانون جزائی است و ما برای آن شورائی هم نداریم. این قانون تصویب می‌شود و حاکم به تمام قوانین خواهد بود و فردا یک نفر پیدا می‌شود و می‌گوید تمام اصولی که تصویب کردید، کلی است و حاکم بر تمام قوانین است. به هر حال قانون باید طوری باشد که فردا کسی نتواند راجع به آن چیزی بگوید.

نایب رئیس — اگر این استدلال ایشان به پاسخ احتیاجی دارد و برای دوستان مطلب جدیدی را ایجاد کرده، یک نفر باید پاسخ بگوید.

حائزی — احتیاجی به پاسخ ندارد.

نایب رئیس — آیا برای دوستان سخنان ایشان مشکلی بوجود آورد؟ اگر کسی از حاضران احساس می‌کند که با توضیحی که ایشان دادند، مشکلی در قبول این مطلب برایش بیش آمده بگوئیم که یک نفر توضیح بدهد والا برای خود بنده چیز تازه‌ای نبود، وقتی در بند



سه، دو جا نوشته شده «بر طبق ضوابط اسلامی» مثل این است که شما در همه جا نوشته باشید بر طبق ضوابط اسلامی. اگر اینجا که شما نوشته اید «بر طبق ضوابط اسلامی» گرھی بوجود می‌آید که گشودنی نیست درست، و گرنه جانشینی این قید، در همه اصول دیگر هست و این برای کسی ابهام ندارد. آقای انواری فرمایشی دارد؟

انواری — این قید بجاست، منتها عبارت قانون اساسی باید خیلی واضح و روشن باشد. این «عمومیات و اطلاقات» اصطلاحات اصولی است و کسی نمی‌فهمد. اگر عبارت صریح باشد، خیلی بهتر است زیرا این از مبانی اصول است و فردا نمی‌فهمند.

نایب رئیس — بسیار خوب این اصلاح عبارتی است اگر لازم شد اینکار را می‌کنم، آقای انواری ما قارمان بر این است که اگر بتوانیم در قانون اساسی ساده بودن و قالبی بودن را رعایت کنیم که البته قانون اساسی در درجه اول باید قالبی باشد، آنوقت وقتی قالبی بود سعی کنیم هرچه می‌توانیم ساده باشد. حالا ما اینطور عمل می‌کنیم و در پایان در آن سه روز فرصت داریم که اگر در طول برسی هایمان تغییرهای رسانتری دیدیم، آن را جانشین این می‌کنیم. بنابراین دولستان توضیح دیگری نفرمایند، لطفاً گلدان رأی گیری را بیاورید. (محتجی) — تذکر آقای آیت بنظرمن تاحدوی درست است. همه آقایان باید رأی بدند، هیچ کسی در مجلس حق رأی ندادن ندارد. عده حاضر در جلسه پنجاه و چهار نفر است و عده براز رأی گیری کافی است. (اخذ رأی بعمل آمد و آقایان عضدی و روحانی، منشی‌ها در محل نطق حاضر شدند و پس از شمارش آراء نتیجه بشرح زیر اعلام شد.)

نایب رئیس آقای آیت یک نگرانی داشتند که با توضیحی که بندۀ دادم نگرانیشان برطرف شد و رأی مشتب دادند. به هر حال این رأی گیری ما نشان داد که از پنجاه و چهار نفر ایضاً حاضرین چهل و هفت رأی موافق، دو رأی مخالف و پنج رأی ممتنع است و ما یک رأی برای تصویب کم داریم. بنابراین اصل تصویب نشد. این اصل روز یکشنبه با تغییراتی که لازم باشد اصلاح و باز به رأی گذاشته خواهد شد.

موسوی تبریزی — پیشنهاد می‌کنم جلسه را تعطیل کنید و ادامه کارمان را بگذارید برای جلسه یکشنبه، چون این بهترین اصل قانون اساسی بود که به این صورت درآمد زیرا الان هجدده نفر کم هستند.

نایب رئیس — آیا دولستان تشخیص می‌دهند که ما برای ادامه کار جلسه برای اصول فصل اول که اصول اساسی است، ضرورت دارد منتظر باشیم که روز یکشنبه عده‌ای از نمایندگان که به مناسبت این دوروز رفته‌اند به شهرهایشان، بازگردند یا ضرورت ندارد؟ دولستان هر پیشنهادی دارند مرقوم بفرمایند تا به رأی بگذاریم.

موسوی اردبیلی — فعل اذکرات را می‌کنیم و رأی گیری را برای روز یکشنبه می‌گذاریم.

مسکارم شیرازی — آقای رئیس توضیح بفرمائید که رأی ندادن به این ماده مخالفت با اصل ماده نیست، بلکه عبارتش بورد قبول نیست و این مسئله نباید برای کسی وحشتی داشته باشد زیرا رأی ندادن به یک ماده بخاطر این است که کسی عبارتش را کافی نمی‌داند و رأی نمی‌دهد.

نایب رئیس — این مطلب برای همه کسانی که به کار مشورت و تبادل نظر و دقت برخاسته از آن و ضرورت این تبادل نظر و دقت در کار تدوین هر قانون و تضمیم گیری به سرنوشت ملت و انقلاب بخصوص نسبت به قانون اساسی آشناei دارند، روشن است که وقتی ما اصلی را در اینجا با



كيفيتي وتعبيرى وتنظيمي خاص مطرح كنيم ورأى كافى برای تصويب آن نداشته باشيم، هرگز معنايش کنار گذاشتن آن اصل نىست. آنهائى كه رأى موافق ندادند معنايش اين نىست كه به محتواى اصل نظر موافق ندارند، بلکه کسانى هستند كه با افروزن يك کلمه اى مى خواهند همچو اكمالتر باشد ويا تعبير رساتر باشد وهمينظور كه ايشان اشاره فرمودند، نه ما ونه ملت ما هیچ نگرانى ندارند، بلکه با اين تبادل نظرها مى خواهيم کار بهترى انجام بدھيم و انشاء الله مشمول هدایت وعنايت توفيق خداوند خواهيم بود.

طاهرى اصفهانى - از عده حاضر درجلسه فقط هفت نفر رأى ممتنع ومخالف دادند و هفت نفر مسئله اى نىست. اگر ما هفتاد و دونفر بودیم، موافقین شصت و پنج نفرى شدند. بنابراین، اين کار، کار اشتباھي بود.

نایب رئيس - بالاين توضيحي كه دادم چرا مى فرمائيد، کار، کار اشتباھي بود؟
هاشمى نژاد - اين کاملا قابل پيش ييني بود، برای برادر زرتشتى من ضرورتى ندارد همه قوانينى كه وضع مى شود مطابق قانون اسلامي باشد، اين کاملا قابل پيش ييني بود و هیچ ضرورتى نداشت.

نایب رئيس - توضيح آقاي هاشمى نژاد مستلزم پاسخى از طرف خود دوستان اقليل است، چون آن دوستان همانظور كه به جمهوري اسلامي رأى دادند، به اين مسائل هم رأى مى دهند و توضيح ايشان برای من هم قابل فهم نبود. حالا پيشنهادى از طرف آقایان موسوى تبريزى و رشیديان رسيده است كه قرائت مى شود.

بسمه تعالي

- پيشنهاد مى کنم: امروز چند اصل سورد بروسي قرار بگيرد و روز يكشنبه مجدد آ بصورت مجلمل درباره آن بحث شود و تصويب شود، بخصوص كه اصول کلى هر آندازه رأى پيشتري باورده، محکمتر خواهد بود. متشکرم.

- پيشنهاد مى کنم جلسه تعطيل بشود تا روز يكشنبه. (موسوى تبريزى)
نایب رئيس - بعد عوت گروه اول برای تبادل نظر پيرامون يك اصل كه متن آن هنوز آماده نشده، نياز بود كه با شركت گروههای ديگر تبادل نظر درباره آن را ادامه بدھيم، امروز صبح جلسه اى داشتيم كه مفید و مؤثر بود. صبح يكشنبه ساعت هشت و نيم در همان اطاق گروه مسچون بزرگتر است جلسه تشکيل مى شود، بنابراین نمايندگان تشریف به همان اطاق بياورند. حالا پيشنهاد آقایان موسوى تبريزى و رشیديان را به رأى مى گذاريم موافقين دست بلند كنند (پيشت و چهار نفر از پنجاه و پنج نفر اعلام موافقت كردن) رد شد، آقاي هاشمى نژاد بفرمائيد.

هاشمى نژاد - جمله من مثل اينكه سوء تفاهم ايجاد كرد، من نخواستم بگويم كه آقایان اقليلهای مذهبی در مقابل ما موضع گيری دارند، اين طبیعی است اگر طبق اعتقاد و رویه اعتقاد انشان خواسته باشند رأى ممتنع یا منفى بدهند.

نایب رئيس - ماده آئين نامه را يادآورى مى کنم كه برای ادامه کارما، حدود نصف بعلاوه يك عده نمايندگان کافيست. بنابراین باحضورى و هفت نفر عده حاضر در جلسه کارمان را ادامه مى دهيم. و اما راجع به اصل ششم، يك تذکرى قبل از خواندن اين اصل از طرف گروه مى دهم و آن اين است كه اگر آقایان درباره اين اصل مطلق دارند كه مربوط مى شود به اصول قبلى، ديگر وارد اين مطلب نکنند. ما مطالبى درباره اصل چهار و پنج داريم كه بعداً بيان مى کنیم، فعل اگر



درباره خود این اصل صحبتی دارید بفرمائید، اصل شش را قرائت می کنم : «درجمهوری اسلامی شورا یکی از مبانی اساسی امور جامعه هست وامرهمشوري ینهم» البته لازم بود که یکنفر از طرف گروه پیرامون این اصل توضیح دهد. اگر از دوستان گروه کسی اینجا آمادگی ندارد خودم عرض می کنم (کسی اعلام آمادگی نکرد) پس خودم عرض می کنم . توجه بفرمائید که مشورت و نقش مشورت از نظر قرآن و اسلام بیش از هرچیز درجهت کاملت بودن تصمیم گیریها است برای اینکه هریک نفر یک عقل و خرد دارد و یک مجموعه، چند عقل و خرد و اندیشه دارد، به این جهت این اصل را گروه ما براین پایه به این صورت تنظیم کرده است و این مسئله غیر از مسئله نقش آراء عمومی و آراء است که در اصل بعدی می آید. در این اصل برطبق تعیین قرآن کریم تکیه شده است روی اینکه در نظام جمهوری اسلامی همواره باید در تمام امور مشورت مورد توجه قرار بگیرد و مصادرا مورث مثلاً رئیس یک اداره یا یک مؤسسه سعی کند و موظف باشد شوراها ئی داشته باشد و این شوراها به بررسی کامالتر و تصمیم گیریهای همه جانبه در محدوده قوانین و اختیارات به آنها کمک کنند. بنابراین نقش شورا و مشورت در بهتر اداره شدن جامعه است و نقش آراء عمومی، پشتونه قدرت و قانونیت و نفوذ تأثیر حکومت است که در اصل بعدی خواهد آمد. حالا دوستانی که می خواهند صحبت کنند، نوبت بگیرند. آقای مکارم فرمایشی دارید بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. ما همان اندازه که باید به مسئله اسلامی بودن این قانون اهمیت بدھیم، باید به مردمی بودن قانون اساسی هم اهمیت بدھیم، آنهم به خاطر اینکه اسلام به ما دستور داده «وامرهمشوري ینهم». این یک دستور مسلم اسلامی است. پس اسلامی بودن جمهوری، مسلم است و مردمی بودن آنهم با الهام از دستور اسلام، مسلم است. به همین دلیل بندۀ فکر می کنم این اصل خیلی کوتاه و کم نوشته شده و به اصطلاح بواشکی از آن رد شده اند، در حالیکه در آن بیش نویسن سابق یک عبارتی داشت با یک تأکید بیشتر که تمام امور کشور براساس شوراها ئی که بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود، اداره خواهد شد. عین عبارتش الان بیش من نیست ولی به هرحال آن عبارت، کامالتر بود. بندۀ پیشنهاد می کنم این اصل را یک مقدار کامالتر کنیم، چون این اصل در حقیقت یکی از پایه های قانون اساسی است و جنبه مردمی بودن آن باید قوی باشد. ما در همین انقلاب هم دیدیم که اسلام پایه بود و مردم بازوی انقلاب بودند. به همین دلیل باید خیلی روی مسئله شوراتکیه کنیم و بدون مشارکت مردم بدیهی است که نمی شود کارها را انجام داد. در اینجا اولاً کلمه ای آمده که مبهم است. منظور از کلمه «جامعه» چیست؟ نوشته شده که: «یکی از مبانی اساسی امور جامعه است» آیا مراد از «جامعه» حکومت است؟ پس چرا صریحاً نمی نویسیم «حکومت»؟ اگر منظور تمام مسائل اجتماعی اعم از حکومت و غیر حکومت است، پس اگر مبنای جامعه را منهای حکومت بخواهیم تعیین بکنیم، کافی نیست، بلکه باید صریحاً معلوم شود که آیا حکومت ما بر اساس مشورت هست یا خیر. به نظر من کلمه «جامعه» در اینجا گنگ است و مقصود را نمی رساند زیرا خیلی کلی است، و اما عبارت «وامرهمشوري ینهم» هم بريده نوشته شده است. باید بنویسیم «با الهام از آیه کریمه وامرهمشوري ینهم» در جامعه اسلامی چنین خواهد بود. مطلب دیگر اینکه این آیه هم در آخر عبارت و هم بدون استناد به قرآنی بدونش و بدون حفظ ارتباطی که دریک جمله فارسی لازم است، ذکرشده است. بنابراین من سه پیشنهاد اصلاحی در اینجا دارم،



اول اینکه این اصل جامعتر و کاملتر شود، یعنی جنبه های مردمی آن هم کاملاً منعکس شود. دوم اینکه مسئله از این صورت ابهام درآید و مسئله حکومت به هر طریق که آقایان صلاح میدانند، منعکس شود. و سوم اینکه آیه بصورت استناد و پیوند صحیح فارسی ذکر شود. عرض دیگری ندارم.

نایب رئیس — یادآوری می کنم که جای کلمه «اداره» در موقع تنظیم عبارت افتاده است. عبارت بدینصورت بوده: «در جمهوری اسلامی شورا یکی از مبانی اساسی اداره امور جامعه است (و امرهم شوری یعنیهم) ». و چون آقای مکارم فرمودند که عین عبارت را ندارند، من عین عبارت اصل سه را در پیش نویس قبلي میخوانم:

«آراء عمومی مبنای حکومت است و برطبق دستور قرآن که (وشاورهم فی الامر)، (و امرهم شوری یعنیهم) امورکشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم در حدود صلاحیت آنان و بتربیتی که در این قانون و قوانین ناشی از آن مشخص میشود، حل و فصل گردد. » و توضیح میدهم که بخش «آراء عمومی مبنای حکومت است» در این پیش نویس یک اصل مستقل شد با یک توضیح بیشتر و بقیه که مربوط به اصل شوراهای بوده است، بدینصورت درآمد و نوشته شد: «در جمهوری اسلامی شورا یکی از مبانی اساسی اداره امور جامعه است (و امرهم شوری یعنیهم) آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی اردبیلی — بسم الله الرحمن الرحيم . این پیشنهاد اصلاحی که برادرم دادند و مقایسه کردند با پیش نویسی که سابق بود یعنی «اصل ۳ — آراء عمومی مبنای حکومت است و برطبق دستور قرآن که (وشاورهم فی الامر)، (و امرهم شوری یعنیهم) امورکشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم در حدود صلاحیت آنان و بتربیتی که در این قانون و قوانین ناشی از آن مشخص میشود، حل و فصل گردد. » این یک اصلی بود که قبل تنظیم شده بود آقایان در اینجا، همانطور که در خدمت شما هست، این اوراق را جدا کردند. من فکر میکنم مبنای این کار یک فکری بوده است و البته منتظر بودم که آقای بهشتی در اینمورد تذکر بدهن، و چون ایشان این مسئله را تذکر ندادند، من خودم به تردید افتادم که اصلاح مبنای بوده یا مبنای دیگری بوده است. این مسئله در ذهن من هم بوده که در سازمانهای کشور، وقتی اصطلاحاً شوراهای میگویند منظورشان یک چیز دیگری است در برابر نحوه تشکیلاتی، که پارلمان است و ما داریم.

شوراهای اول از طبع روستاها شروع می شود بعد از بخشها ، بعد پدشهرها و شهرستانها و استانها می رسد و بعد از همین شوراهان مایندگانی در شورای مرکزی جمع می شوند. بعد رئیس شورا با وضع خاصی کشور را اداره می کند، این خودش یک نعوه تشکیلاتی است که در این اساسنامه پیش بینی شده است و اگر آقایان به این نحو رأی بدهنند، معلوم میشود که آن را نیسنده اند. قبل از هم صحبت بود حتی در جراید و روزنامه ها و از طرف پارهای از گروههای سیاسی پیشنهاد شده بود که سازمان کشور به سبک شوراهای اداره شود، اگر منظور این بوده، یعنی جدا کردن اینها، باید عرض کنم که یک آراء عمومی داریم که با این آراء ، نمایندگان را برای پارلمان انتخاب میکنیم و با این نحوه مملکت را از طریق پارلمان و دولت و نخست وزیر و امثال اینها اداره می کنیم که جدا کردن لازم بود و باید هم جدا بشود. البته راجع به شوراهای یک مقدار باید تفصیل بیشتری داده شود ، آنوقت ما بنا بر این بحث و نظر



اگر صحیح باشد، دو چیز را جمع کرده‌ایم، هم تشکیلات کشوری ما تشکیلات پارلمانی است و از راه انتخاب، مردم نمایندگان خود را به پارلمان می‌فرستند و نخست وزیر و هیأت دولت، کشور را اداره می‌کنند و از آن طرف هم شوراها را به تمام معنی رد نمی‌کنیم و در کنار این، این یک سبک خاصی خواهد بود. طبعاً دو سه تا اصل اینجا هست، متوجهه دو اصل در اوآخر قوّه مقتنه است. ولی من معتقدم که با همه اینها مسأله درست تشریح نشده، یعنی «شوراها» در کجای این تشکیلات اداری ما سازمان ما قرار خواهند گرفت و چگونه رابطه در میان اینها برقرار خواهد شد. برای اینکه هم شوراها را قبول داریم و آن را مبنای اداره کشور میدانیم، همانطور که اینجا نوشته شده، مبنای اداره جامعه میدانیم، و هم نمی‌خواهیم از راه شوراها برکزی کشور را اداره کنند، این جور نمی‌خواهیم قرار بدیم. البته نمی‌خواهم بگوییم که این نشدنی است یا غلط و محکوم است، می‌خواهم بگوییم که قدری روشن تر و صریحتر، رابطه این شوراها را با سازمانهای دیگر باید در قانون اساسی روشن کنیم. گذشته از این اگرما این دو اصل را که شوراها در آنها گفته شده، یکی همان مقداری که با یک خط گفته شده «و امرهم شوری بینهم» بعد هم در اصل بعدی گفته می‌شود که «در همه سطوح کشور حاکمیت ملی با آراء مردم است» بعد آن آخرش، باز می‌آید مسائل شوراها را مطرح می‌کنند، شورای روستا و شهرستان و بخش و استان و امثال اینها، حداقل اگر آن قسمت شوراها را در این اصل اضافه کنیم و به آیه هم تمسک کنیم، این یک اصل جاندار می‌شود. چیز دیگری هم اگر لازم نبود اضافه نشود، اما این دو بخش که هر دو مربوط به شوراها است ما داعی نداریم در اینجا شورا را مختصر بگوئیم بعد بیانیم در آنجائی که از آراء مردم و انتخاب رئیس جمهور صحبت می‌شود در ذیلش مجدداً بحث شورا را مطرح کنیم. این دو تا اگر تلفیق بشود، شاید نظر آقای مکارم و نظر دیگران هم تأیین بشود.

نایب رئیس—آقای نوربخش بفرمائید.

دکتر نوربخش — بسم الله الرحمن الرحيم. عرض کنم من گلهای از گروه یک میکنم برای اینکه نظریاتی که از سایر گروهها می‌آید بطور کلی مثل اینکه نادیده گرفته می‌شود. چون آقای مهندس سعابی تشریف ندارند که نظرگروه ما را بگویند و این نظر هم قبل مورد تأیید تمام افراد گروه پنج قرار گرفته، من خدمتتان عرض می‌کنم. متن به این ترتیب است: «در جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی مبنی بر نظام شورائی است» یعنی نظام شورائی بعد آن طور که آقای موسوی بیان فرمودند، توصیف خواهد شد که اداره جامعه با اتکاء به آن صورت می‌گیرد، به موجب آیه «واسرهم شوری بینهم»، بعد آخرش می‌گوید، شوراها نمیتوانند قوانینی که در تناقض با احکام اسلام باشد یا میتوانیم بگوییم با اصل قبل باشد، وضع کنند. در این اصل ششم که آمد: «در جمهوری اسلامی شورا یکی از مبانی اساسی امور جامعه است» هیچ قیدی نشده که آیا این شورا حتماً باید تشکیل بشود یا نباید تشکیل بشود، یا فقط جنبه نصیحت دارد؟ یعنی باید این موضوع حتماً وضعش روشن باشد که اصولاً نظام حکومتی ما می‌خواهد بر نظام شوراها استوار باشد یا نه؟ این است که باید روشن بشود و بنظر من اگر در همین اصول کلی فقط یک کلمه نظام اضافه بشود یعنی «نظام شورائی» و همچنین ذکر شود که شوراها هم منتخب مردم هستند، آنوقت بعد آ در جای خودش میتوانیم توضیحات لازم را بدیم، متشکرم.



نایب رئیس — اینکه عرض شد درنوشته جدید کلمه «اداره» افتاده است، اینجانترستان را جلب میکنم که در نوشته قبلی هم کلمه «اداره» هست، یعنی نوشته شده «در جمهوری اسلامی شورا یکی از بانی اساسی اداره امور جامعه است» و اما گله ای که آقای نوربخش کردند اگر همینطور میگفتد گله میکنم من چیزی نمیگفتم، ولی چون گفتد از گروه یک گله میکنم باید عرض کنم که عرضه کردن متن های گروههای دیگر از وظایف گروه یک نیست، گروه یک باید همه نظرات رسیده را مطالعه کند و خودش یک متن پیشنهاد کند. عرضه کردن متون پیشنهادی گروههای دیگر از وظایف شورای هماهنگی است، آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — بسم الله الرحمن الرحيم. قبل با نهايٰت معذرت من جمله برادرمان جناب آقای مکارم را تكميل میکنم که قوانين همانطور که باید جنبه اسلامي داشته باشد، باید جنبه مردمي هم داشته باشد. طبعي است که مسئله شورا در مسائل غير حكمي است وقانوني است زيرا در قرآن هم مى فرماید : «ومَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قضى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لِهِمُ الْخَيْرُ» مطلبی که در اینجا بنده بیخواهم عرض کنم این است که این اصول ششم و هفتم که بعنوان دواصل طرح شده، اصل ششم را که قرائت فرمودند، اصل هفتم را هم بیخوانم، چون چیزی غیر از یکدیگر نیست باید هر دوره هم ادغام بشوند. اصل هفتم اینست که «در جمهوری اسلامی آراء مردم در همه سطوح: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان واجد شرایط برای مجلس شورا وشوراهای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظائر اینها نقش بنیادی دارد» ملاحظه میفرمایید که چیزی جز همان مسئله آراء مردم ومسئله شوراها نیست فقط اینها را در دوجا به صورت ذکر کرده اند و بعد عجیب این است که در ذیل اصل هفتم اضافه کرده اند: «طرز تشکیل شوراها وحدود کار آنها بوسیله مجلس شورای ملی تعیین میشود» که اگر بفرض بنashod اینها بصورت دواصل هم باقی بمانند، این قسمت یعنی «طرز تشکیل شوراها وحدود کار آنها بوسیله مجلس شورای ملی تعیین میشود» که در پایان اصل هفتم است، باید به پایان اصل ششم اضافه شود، ولی صحیح مطلب این است که این دوتا در هم ادغام بشود و به صورت اصل واحدی تقدیم بشود ولی چون این اصل، اصلی است که بسیار پر اهمیت است و نقش اساسی در آینده کشورمان و روال اداره مملکت دارد قطعاً بفرموده بردارانم باید بطور کامل توضیح داده شود وحدودش هم مشخص بشود.

نایب رئیس — قبل از اینکه آقای رشیدیان برای صحبتیان بیایند باز از طرف گروه یک توضیحی میدهم که مورد توجه برادرمان آقای هاشمی نژاد وسایر دوستان قرار بگیرد، مانکر میکنیم ضرورت دخالت دادن آراء عمومی در اداره کشور یک فسخه دارد و ضرورت استفاده از مشورت و شورا فلسه‌ای دیگر. آراء عمومی باید در حدود حساب شده‌ای که تعیین خواهد شد در کاراداره کشور نقش داشته باشد و حکومت باید مستکی بر مردم باشد. تمام درجات وسطوح مختلف مدیریت باید مورد قبول و پذیرش و مستکی به مردم و رأی مردم باشد. این یک مسئله است و مسئله دیگر اینکه در کارها، در یک جامعه اسلامی، افراد باید خود رأی نباشند و از آراء صاحب نظران در آن رشته‌ای که بیخواهند در باره‌اش تصمیم بگیرند، استفاده کنند، این هم یک مسئله دیگر است. بنابراین ما اینطور حساب کرده‌ایم که این، دو مطلب است به همین دلیل هم‌گاهی در محافل پیرامون نقش رأی مردم بحث کرده‌ایم. می‌بینم کسانیکه می‌آیند ویراین مطلب قد میکنند و حال آنکه نقدشان مربوط به صلاحیت همه افراد برای دادن نظر فنی است، نقدشان غیر

وارد است ، اما چون مطلب یکجا مطرح میشود آدم نمیتواند بگوید که وارد هست یا وارد نیست . چون یک جنبه اش وارد است و یک جنبه اش وارد نیست ، ما این دو جنبه را از هم جدا کردیم . همین شوراهائی که الان گفته میشود که لازم است در مؤسسات باشد با دو استدلال گفته میشود که باشد ویرهمن اساس نیز گفته میشود که نباشد . دلیلشان هم اینست که شورا انصبیاط و قاطعیت مدیریت را متزلزل میکند زیرا این براساس نوعی دخالت در نقش آراء عمومی است ، ولی اگر بگوئیم آقا شورا باشد ، برای اینکه هیچ مسئولی بدون اینکه نظرش از مسیر یک گروه صاحب نظر دیگر عدول کند ، مبنای اتخاذ تصمیم قرار نگیرد ، دیگر این اشکال برآن وارد نیست . بنابراین ما که بصورت دو اصل پیشنهاد کرده ایم بجای آنچه در پیش نویس قبلی بصورت یک اصل بود ، برای این بود که این دو قسمت را از هم جدا کرده باشیم و درباره هریک با دلیل و فلسفه ای متناسب با آن بحث کنیم و رأی بگیریم و تصمیم بگیریم . بنابراین آراء عمومی از نظر اینکه پشتونه اعتبار و استحکام و قدرت یک فرد یا گروه اداره کننده است روشن است که باید کاملا به آن توجه شود . یعنی هیچ حکومتی در هیچ درجه ای نباید خود را بر مردم تحمیل کند و بعلاوه حکومتی که از حمایت مردم برخوردار نباشد ، از همکاری آنها هم برخوردار نیست و اصولاً کاری نمیتواند انجام بدهد و ناچار میشود که به زور سرنیزه خودش را سرپا نگهدارد ، درنتیجه هم کارآئیش کم میشود و هم ظالم میشود .

بنابراین مسأله شورا اینست که حالا اگر حکومت مورد قبول مردم هم بود و از این نظر اشکالی نبود ، یعنی مردم به او رأی دادند و سرکار آمد ، در اینجا میگوئیم نقش شوراهای از نظر بالا بردن میزان آگاهیهای لازم برای تصمیم گیری واجب و لازم است ، و اگر در عبارت ضرورت آن ذکر شده با یک کلمه «باید» آن را باید قطعی و قانونی کنیم که صرفاً توصیه نباشد این توضیح و دفاعی بود که نسبت به پیشنهاد و نظر گروه اوی میتوانستم عرض کنم . آقای دانش راد بفرمائید .

دانش راد — بنام خدا ، خیلی متشکرم از اینکه اجازه فرمودید چند دقیقه از وقت حضار محترم را بگیرم . یکی از دوستان اشاره ای فرمودند راجع به طرز رأی دادن نمایندگان اقلیت ها . خواستم در اینمورد توضیحی به سمع حضار برسانم . بعضی مسائل هست که ممکن است من تقهم و توضیحی لازم باشد ، در آن مورد ممکن است که رأی ممتنع داده شود ولی خواستم توجه دوستان را به این مسأله جلب کنم که اصل قبلی از نظر ما هم چیز مبهمی نداشت ، برای ما ، یعنی اقلیت کلیمی و خیال میکنم برای بقیه نمایندگان هم مسأله ای نبود که ایجاب بکند تا رأی ممتنع بدند و رأی ممتنع هم داده نشند . رأی مخالف هم داده نشد . چرا؟ برای اینکه ، ما چه میخواهیم؟ میخواهیم که مملکت با یک فضای سالمی اداره شود که همه ما در آن درست تنفس کنیم . چه اصولی باید حاکم باشد؟ قوانینی که اکثریت مردم برای تحقیق اقلاب کرده اند و آن را پذیرفته اند باید حاکم باشد . چطور ممکنست من بعنوان نماینده مردم مستضعف یهود ، به خودم حق بدهم و بگویم نه ، چیز دیگری را ما میخواهیم . اگر که اینجا قوانین متفکی بر اسلام نباشد ، پس بر چه چیز متفکی باشد؟ یک ملت مسلمان برای آزادی خود براساس اسلام قیام کرده و موفق شده و میخواهد قانونی وضع کند ، من متوجه باشم که این قانون براساس چه چیز وضع شود؟ بنابراین من اینجا رأی مشتبه نمیدهم ، همانطوری که رأی مشتبه به جمهوری اسلامی دادیم . و این را هم میخواهم باور بکنید که نظر من براساس فرصت طلبی



نیست. عرض کردم بعضی موارد هست که من نمی فهمم، مثلا در اصل دو، یکی دو مورد بود که نمی توانستم بفهمم و بایستی تعلیم بگیرم، یاد بگیرم. البته در آنجا رأی ممتنع دادم، ولی این مسأله روش واضح است و هیچ دلیلی وجود ندارد که رأی ممتنع یا مخالف بدهم. اگر در آن مورد هم مسأله پتریبی بود که بحاس میشدۀ حالتی که لازم بود من رأی مثبت بدهم با کمال میل رأی مثبت میدادم ، ولی اگر که رأی ممتنع دادم فقط بخاطر این بود که جنبه فرصت طلبی مطرح نیست، جنبه فهمیدن است و براساس فهم و شعور رأی دادم. این یک نکته بود، و اما مطلب دیگر اینکه در دوره های گذشته نمایندگان اقلیت ها که به مجلس راهی یافتد در آنجا گفته بیشد که رأی اکثریت است و ما هم تابع اکثریت هستیم. در اینجا من میخواهم عرض کنم که این مسأله مطرح نیست که رأی، رأی اکثریت است و من هم تابع اکثریت هستم. من با آنچه که می فهمم و میدانم که به نفع ملت ایران است که خوشبختانه در این مجلس هم که اکثریت نمایندگانش مدافعان منافع ملت ایران هستند، برای اینکه محصول انقلاب این ملت هستند، هماهنگ هستیم ولی خوب، بعضی موارد هم هست که هر فردی یک نظری دارد و باید نظر خودش را از طریق رأی خود ابراز بکند . میخواستم عرض کنم که این شک و بدینی را نسبت به ما اقلیت ، مخصوصاً بهمن که در بعضی موارد آن را بوضوح می بینم، نداشته باشید و فاصله و فرقی نگذارید و همانطور که امام فرمودند، هم میهنان کلیمی شما برادران شما هستند و آنها نی که در ایران مانده اند و زندگی میکنند علاقمند هستند به این فضای سیاسی هستند، علاقمند هستند به این فضایی که در آن تنفس میکنند، علاقمند هستند به این فضای سیاسی که میخواهند آرامش داشته باشند و بتوانند کار مثبت و سازنده بکنند و میخواهند در جهت منافع کشور قدم بردارند. البته یک کشور اسرائیل هست که حسابش با ما جدا است. او به حال مردم مستضعف خودش هم نمی تواند کاری بکند، چه برسد به یهودیانی که در فلان کشور هستند. این مطلب را من میخواستم بعنوان آخرین توضیح عرض بکنم که حساب مردمی که در یک کشور دیگر هستند و مذهبشان ظاهراً یهودی است، شاید هم باطنًا یهودی باشند، منافع آنها با منافع مردمی که قرناها در ایران زندگی کرده اند، هماهنگ نیست. این حرفی که می زنم تصور نفرمایید از روی فرصت طلبی است، این حرفی است که از سالها پیش، اقل از سی سال قبل، من و برادرانم که مبارزه می کنند، گفتار ایم. ما اعتقاد داریم به اینکه ایرانی هستیم و واقعاً هم هستیم و در کنار برادرانمان زندگی می کنیم و منافعمن، همان منافع ملت مسلمان ایران است. در هر شرایطی که ملت ایران زندگی بکند، ما هم همان شرایط را داریم. اگر خفغان باشد، ما هم همان خفغان را داریم. اگر زندگی سعادتمدانه باشد، ما هم همان زندگی سعادتمدان را داریم. صرف نظر بفرمایید از عدم محدودی که در ردیف مستکرین هستند. آن در همه مذاهب است. این را به حساب اکثریت مردم نگذارید . باز میخواهم عرض بکنم در تمام مواردی که من به نمایندگی جامعه خودم می فهمم و تشخیص میدهم که این بنفع سی و پنج میلیون جمعیت ایرانی است ، رأی میدهم نه بخاطر اینکه منافع خصوصی گروهی را در نظر بگیرم. منافع خصوصی اکثریت یهودیان ایرانی هم، همان منافع اکثریت مسلمان ایرانی است. این عرضی بود که خواستم خدمتمن گفته باشم . نایب رئیس — متشرک آقای دانش راد . همانطور که مکرر در طول مراحل مختلف انقلاب و در اعلامیه ها و بیانیه های امام و رهبری عالیقدر و برایع دیگر تقلید و جوامع روحانیت و شخصیت های روحانی و جوامع اسلامی و گروه های دیگر تأکید شده ، همه ما خواستار آن هستیم

که به باری خداوندوباهمکاری و همفکری همه گروهها و قشرهای اجتماعی مسلمان، تحصیلکردگان و افراد بر جسته و صاحب فهم، بازاریان، کشاورزان، کارگران، دانشجویان و دانشآموزان و همچنین باهمفکری و باری همه مردمی که در ایران زندگی می‌کنند، هر چند مسلمان نباشند و معتقد به اسلام نباشند، اما تشخیص داده باشند که سعادت آنها در یک نظام اسلامی تأمین می‌شود، بیاری خداوندobaهمکاری آنهاچنین آینده‌ای را در پیش داشته باشیم، آرزویمان اینست که حتی در این مراحل که بصورت سعیر و گذر بسوی آن آینده، در پیش داریم عمل بتوانیم تحقق این آرمان و آرزو را مشاهده کنیم. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای – پیشنهاد را خدمتمندان داده‌ام، دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس – پیشنهاد آقای خامنه‌ای قرائت می‌شود.

پیشنهاد: چون طبق تفسیری که از اصل پنج توسط آقای نایب رئیس شد، اصل پنج برای تعیین وظایف قوه مجریه و ادارات اجرائی است پس بسیار مؤثر تر است که در فصل (وظایف قوه مجریه) آورده شود.

و اگر منظور شورا در تمام شئون کشوری است، باید تصریح شود که در اداره امور جامعه و قانونگذاری هر دو اصل شورا حاکم است. (خامنه‌ای)

نایب رئیس – آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان – بسم الله الرحمن الرحيم. همانطور که جناب آقای موسوی اردبیلی فرمودند نظام شورائی نظامی است که باید همه اندامهای مملکت را از پائین به بالا بگیرد و با نظام پارلمانی کاملاً یک‌سبیح جدأ است و من فکر می‌کنم نظام شورائی با نظام اسلام بیشتر تطبیق دارد و پیامبر اسلام (ص) با مسلمانان مشورت که می‌کردند، صرفنظر از جوانی که جناب دکتر بهشتی فرمودند که هر انسانی دارای یک فکر و برداشتی است و دارای یک فهم تازه‌ای است، پیامبر اسلام (ص) می‌خواست به‌این وسیله جامعه اسلامی را درسنوشت خودش سهیم و شریک بکند و برآمور نظارت بدهد تا رشد پیدا کند، چون همیشه که پیغمبر نیست و حتی در بعضی جاها بعضی‌ها می‌گویند علی (ع) شکست خورد، فکر نمی‌کنم علی شکست خورده باشد، این مردمند که بعلت عدم رشد فکری شکست خوردند. ماهقد در رای‌گیری سعی کنیم و فکر کنیم و بهترین قانون را به مسلمانان و به دنیا عرضه کنیم و بهترین واصیل ترین قانون باشد، اما مردم را در اجرای آن و در مسائلی که مربوط بخودشان هست بطور همه جانبه سهیم و شریک نکنیم، فکر می‌کنم آن قوانین در لای اوراق کتابهای معطل بماند، زیرا بهترین قانون اساسی از نظر ما قرآن است و دیدیم که در ظرف هزار و چهارصد سال بعلت عدم رشد اجتماعی در طول تاریخ متأسفانه به چه سنوشتی دچار شد. نتیجه بخشی که می‌خواهیم بگیرم این است که ما نمی‌توانیم از شوراهای بگذریم، یعنی البته نفی پارلمان را هم نکنیم چون آن خودش یک‌سیستم شورائی خواهد بود. من این‌طور فکر می‌کنم در آینده که بحث خواهیم کرد ویرای اینکه مخلوط نشود بصورت فهرست می‌گوییم، ما مجلس خبرگان و مجلس شورای ملی داریم و همچنین شورای رهبری داریم و انواع شوراهای دیگر (و فرمایش حضرت آیت الله متظری و به پیشنهاد ایشان که حتی شاید بنظر من خیلی درست تر است که شورای رئیس جمهوری مملکت را اداره کند تایک‌نفر در رأس قرار بگیرد) و شورای رئیس جمهوری داریم، پیشنهاد می‌کنم این شوراهادریک‌فصل، دریک‌جا باید و مقدم بر همه، شورای رهبری باشد که قانون انتخابات را و مجلس شورای ملی را و شورای ده و روستا



و شهر و شهرستان همه آنها زیر نظر به اصطلاح شورای رهبری که تمام ارگان مملکت به اوستکی خواهد بود، درباید و به این صورت ما دیگر بحث‌های پراکنده نخواهیم داشت و همه بحثها یکجا می‌آید و سواله روشن خواهد شد ویک انتیاز حقوق بیشتری هم بیش از قانون اساسی کشورهای غربی که دم از دموکراسی میزند و دموکراسی به آن معناش فراموش میشود، در عمل اینجا به مردم داده‌ایم، هم در شوراهای محلی و شهر و روستا شرکت می‌کنند و نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند وهم برای اولین بار در تاریخ مملکتشان خودشان رأی میدهند و صلاحیت رأی دادن راهم دارند، یکبار نمایندگان مجلس خبرگان را انتخاب می‌کنند و یکبار نمایندگان مجلس شورای ملی را واین چقدر عالی است، برای اینکه درطرف مدت کوتاه‌که دو بار رأی دادیم، یکبار برای جمهوری اسلامی و یکبار برای مجلس خبرگان، این خودش یک تکانی و حرکتی به ملت داده است و من عقیده‌ام این است که در هر مسئله‌ای اگر مردم را دخالت دهیم، نتیجه‌اش عالیتر است. البته معتقدم نظام شورائی برای این مرحله از تاریخ فعلی ایران ما هنوز شاید بجهاتی قابل پیاده شدن نباشد، ولی تلفیق هر دو هم محال نیست و هر دو را می‌شود با هم تلقیق کرد، مشکرم.

منتظری — همینطور که تذکردادندچون روز شنبه مصادف با روز شهادت برادران و خواهران و سالگرد هفده شهریور است، مجلس خبرگان نیز تعطیل خواهد بود. از نمایندگان خواهش می‌کنم بنایه دعوت گروهیک، ساعت هشت و نیم صبح یکشنبه برای بررسی بعضی از اصول به کمیسیون شماره یک تشریف بیاورند و ضمناً آقایانی که بنا بود امروز صحبت بکنند، نویشان برای روز یکشنبه محفوظ خواهد بود.

۴— پایان جلسه

نایب رئیس—جلسه علنی آینده عصر روز یکشنبه ساعت چهارونیم بعد از ظهر خواهد بود. اینک جلسه را ختم میکنم.

(جلسه ساعت نوزده و چهل دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس برسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی



جلسه چهاردهم

صورت مسروج مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۱ و ۳ دقیقه روز هجدهم شهریور سال ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با هفدهم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد

فهرست مطالب

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه.....
- ۲ - نطق قبل از دستور آقایان نبوی و دکتر روحانی.....
- ۳ - تصویب اصل سوم و چهارم و بحث پرامون اصل ششم.....
- ۴ - ختم جلسه.....





۱ - اعلام رسمیت جلسه

نایب رئیس — بسم الله الرحمن الرحيم. با حضور پیش از دو سوم نمایندگان، جلسه رسمی است. بعضی از دوستان گله کرده بودند که در چند جلسه گذشته نقطه قبل از دستور نداشته ایم، همانطور که ملاحظه فرمودید چون اصولی مطرح بود که وقت زیادی برای بحث و گفتگو لازم داشت، به همین جهت در جلسات گذشته اولویت داده شد به اینکه تمام وقت برای بحث پیرامون دستور جلسه باشد و در آخرین جلسه هفته قبل هم عرض کردم که ان شاء الله از این هفته سعی میکنیم که جلسه طبق آئین نامه پیش برود و حتی امکان هر روز نقطه قبل از دستور هم داشته باشیم. بر طبق نوبت آقای صافی است که تشریف ندارند، نفر بعدی آقای هاشمی نژاد هستند، بفرمائید.

هاشمی نژاد — بنده آمادگی ندارم اگر اجازه میدهید و وقت برایم محفوظ است، بماند برای جلسه بعد.

نایب رئیس — اشکالی ندارد، نفر بعدی آقای بشارت هستند که ایشان هم تشریف ندارند نفر بعدی آقای خادمی که ایشان هم تشریف ندارند. نفر بعدی آقای نوربخش و بعد از ایشان هم آقای نبوی هستند، بفرمائید آقای نبوی.

۲ - نطق قبل از دستور آقایان نبوی و دکتر روحانی

نبوی — بسم الله الرحمن الرحيم. نوبت دیر به بنده رسیده و همین دیر رسیدن بازموقتی بوده که استفاده و استفاده کامل از فرمایشات دولتی و اسناد محترم بirm و مطالبی را که بنده باستی عرض میکردم، از زبان دولت بصورت بهتر و کاملتر استفاده کردم و از این جهت خیلی از مطالبی را که باستی عرض میکردم، رویش قلم کشیدم. خلاصه ای است که میخواهم عرض کنم یکی سواله انقلاب و مولود انقلاب. حالا بدون اینکه خیلی حاشیه بروم این انقلاب در جهان اسلام شاید بعد از قرن اول و مسئله بعثت و مسائل بعد از بعثت، در دنیا بی نظری است و اهمیتش از دیدگاه دنیا و توجهی که دنیا به این انقلاب کرده است، شایان اهمیت و درخور توجه بوده است و ما که در متن انقلاب هستیم شاید آن توجه و اهمیت را که دنیا نسبت به آن داده نتوانیم درک بکنیم. دنیا توجه عمیق و همه جانبه ای به انقلاب ما دارد. این انقلاب پر اهمیت، مولودش همین قانون اساسی است که بیانیست این مولود با والد مشابهت داشته باشد، یعنی انقلاب مولودش هم باید انقلابی باشد.

پسر کوندار نشان از پدر توییگانه خوانش مخوانش پسر
اگر این قانون اساسی که به تصویب علماء، فضلا و بزرگانی که در این مجمع گردآمده اند

میرسد ، آنطور که باید و شاید با انقلاب هماهنگی و شباهت نداشته باشد ، شاید این مولود ناخلف باشد و از اینجهت امید میرود که مولود این انقلاب فرزند خلفی باشد . الان چشمها ، دیده ها و توجهات از همه طرف به این مولود و به این مجلس ما هست . هر روز از گوش و کنار دنیا مطالبی ، مسائلی راجع به این انقلاب گفته می شود . دیروز یکی از مجاهدین فلسطین که مقیم کویت است با بنده تماسی داشت و بقاله مفصلی هم راجع به انقلاب ایران و اهمیت و ارزش آن نوشته بود که به بنده بدهد و من نمیدانستم که امروز نوبت بنده خواهد بود که حرف بزنم ، از این جهت آنرا با خودم نیاوردم ولی مطالب ایشان این بود که روی دو سه موضوع تکیه کرده بود . یکی اینکه قبل از این انقلاب و در زمان طاغوت کشورهای عربی بخصوص بخاطر مناسباتی که ایران با دولتها ابرقدرت و بخصوص با اسرائیل داشت ، نسبت به اقتصاد و معاملات و داد و ستد با ایران حساسیت داشتند و سعی داشتند که بطور کلی مناسبات اقتصادی خودشان را با ایران قطع کنند ، ولی بعد از انقلاب این انتظار میرفت که از طرف دولت ایران فوری عده ای ، گروهی بیانند و با کشورهای عربی و شیخ نشینها ، از جهت اینکه بعد مسافت ندارند و ایران به آسانی میتوانند برای آنها کالاهای صادراتی حمل کنند و برای آنها هم خیلی ارزانه است ، یعنی ارزان تمام می شود ، استفاده کنند و یک هیأت اقتصادی باید برود به این جایز و با تجار آنجا و جهات اقتصادی آنجا ارتباط پیدا بکند زیرا آنها دلشان میخواهد که مناسبات تجاري صحیحی با ایران داشته باشند و آنجاها برای ایران هم از جهت اقتصادی یک بازار ارزانه ای خواهد بود .

از جهت سیاسی هم میگفت که قبل از انقلاب و در زمان طاغوت دستگاه تبلیغات و اعلام در ایران بقدرتی قوی بود که جایز و کشورهای مهم شبانه روز کاملا زیر پوشش تبلیغات اذاعه و اعلام بودند . رادیوهای اهواز و آبادان برنامه های عربی شان بسیار قوی بود و مفصل . شب فروز کشورهای هم جوار از برنامه های آنها استفاده میکردند ولی بعد از انقلاب این مسئله اذاعه و اعلام خیلی ضعیف شده است بطوریکه خیلی آنجاها از جهت انقلاب آنطور که بروند داشت شده است و ایران از آن بهره برداری میکند و میباشد در تمام سطح دنیا از این انقلاب بهره برداری و نتیجه گیری می شود ، آنجاها آنطوریکه باید و شاید مطالب و حقایق بگوشنان نرسیده است ، بلکه از برنامه های دیگری که دشمن انقلاب و اسلام هستند از کشورهای عربی علیه ما تبلیغات میشود و انقلاب ما را ، حتی بصورت رشتی در کشورهای اسلامی جلوه داده اند . و حتی میگفت در کشورهای اسلامی افريقا ، ایران خیلی خیلی کم شناخته شده است و حتی انقلاب ایران را که شاید خیلی از مردم نیاز دارند و تنشه انقلاب هستند ، اصلا بگوشنان نرسیده است و در این مرحله بر ایران و دولت موقت اسلامی ایران لازم است که تبلیغات دامنه داری را نسبت به انقلاب و نتایج انقلاب که جنبه جهانی و جنبه اسلامی دارد ، توسعه بدهند . این یک مطلب بود که عرض کردم . مطلب دیگری را که بازمیخواستم به عرض برسانم این است که با اینکه ما هنوز اوائل کار هستیم و این مجلس مؤسسان ما هنوز در مراحل اولیه است ، در گوش و کنار و حتی در داخل مجلس گاهی اوقات که بحث می شود ، بعضیها اینطور میخواهند بگویند که نمایندگان مجلس مؤسسان مبعوث از طبقه خاصی هستند . البته حالا مردم میدانند ولی بعد ها ممکن است وجود فیلمها و عکس های این مجلس ، این نظر را بیشتر تقویت بکند و مثلاً لباسها مشعر بر این باشد و پنجاه سال بعد یا صد سال بعد مردم



بگویند اينها نمایندگان طبقه خاصی بوده‌اند و نماینده اقشار نبوده‌اند و البته حالا هم بعضیها اين زمزمه را می‌کنند که اين آقایان نماینده يك قشر خاصی هستند . من می‌خواستم بگويم که اين مسأله اقلاء در مجلس مطرح بشود که در تاريخ بماند که مالبسان لباس روحانيت است ولی نماینده و مبعوث و متبوع تمام اقشار ملت هستيم . يعني بnde و سفروزان عزيز نه تنها از طريق روحانيت نماینده هستيم بلکه تمام اقشار از کارگر و کارمند و کشاورز و تمام طبقات به ما رأي داده‌اند و رأي‌ها بيشترش مال طبقه کارگر و کشاورز بوده است . اين را هم می‌خواستم بگويم که در تاريخ بماند که پنجامسال ياصد سال ديگر اگر فیلمان را با اين لباس نشان دادند که نمایندگان مجلس اين هابوده‌اند ، آنوقت نگويند اينها نماینده قشر خاصی از جاسعه بوده‌اند ، از حالاما می‌گوئیم که نماینده تمام اقشار ملت هستيم و بيشتر موکلين ما از طبقه کارگر و کشاورز بوده‌اند تا اين بدیني از بين بروند .

مطلوب ديگري که می‌خواهم عرض کنم گرچه این نظر شخصی خود بnde هست و شاید کسی ديگر با این نظر موافق نباشد ولی چون نظر خود من است اظهار می‌کنم و آن اينست که يكی از اصولی که در اين قانون اساسی بحث می‌شود ، اصل پنجاه و نه است که مطابق همان پيش‌نويس قبلی است و راجع به مرزاهاي کشور می‌باشد . بن درباره اين مسأله می‌خواهم بگويم که بعضی از کشورها قسمت‌هائی از خاک کشور ما که تا ديروز می‌گفتيم جزء لا ينفك کشور ما است و مال ما است و حتی مجسمه شاه ساقی را که در بندر بوشهر گذاشته بودند ، رو به آن قسمت جزء لا ينفك گذاشته بودند و سندی را هم لوله کرده بودند و پشت سرش گذاشته بودند که سند آن قسمت از کشور بود ، بعد اين را مصالحه کردند . البته مال ما بود ، ولی دادند به جای ديگري . اين را هم من می‌خواهم بگويم گرچه ممکن است حرف ما به جائي نرسد و کسی حق ما را ندهد ولی اين مسأله را هم لا اقل ناگفته نگذاشته باشيم که ما در مجلس خبرگان اين را گفتيم که اين قسمت مال اين ملت بوده و مال اين کشور است و اين ملت و اين مردم هیچ رضايتي نسبت به اين معامله نداشته‌اند .

نایب رئیس — آقای نبوی وقت شما رو به اتمام است .

نبوی — چشم . بحرین جزء لا ينفك ايران بود . تا همين چند سال قبل ما در شعارهايمان حتى در مجلس شورايملى يك كرسى داشتيم برای بحرین و عنوان استان چهاردهم را به آن داده بودند . آنوقتی که کشور ما سیزده استان داشت ، استان چهاردهمش بحرین بود و بحرین را جزء لا ينفك خود میدانستيم و نهايیت كرسى اى بدون نماینده داشت و ما مدعی مالکيت اين قسمت از کشور بودیم ولی بعد در دولت آريامهر روی چه حسابهای مصالحه شد و اين بحرین از ملک طلق ما خارج شد ، اين را می‌خواهم اينجا گفته باشم که از اين مسأله ملت ايران غفلت ندارد و اينطور نیست که بگوئیم معامله‌اي شده و ملت ايران به اين مسأله راضی باشد .

عرض ديگر بnde مسأله کار است ، که انشاء‌الله در اصول قانون اساسی راجع به آن بحث خواهیم کرد ، ولی دولت باید سعی بکند و در قانون اساسی هم ذکر بشود که برای مسأله يکاري که امروز از بلاهای گریانگير کشور ما هست ، فکر اساسی بشود . مسأله يکاري باید يك جبهه‌اي به خود بگيرد که حتى الامكان ييكار نباشد و اگر واقعاً برای عده‌ای کار نبود ، دولت بتواند اين‌ها را اداره بکند ، يعني حقوقی ، مزايانی و یا کمکی به حال اين‌ها بشود که اين



مسئله که ممکن است به شکل حادی روز به روز ایجاد مشکلی بکند، سر و صورتی پیدا بکند. موضوع دیگر مسئله کشاورزی است. البته بنده در منطقه‌ای هستم که آنجا کشاورزی کار عمده آن مردم بوده است و با اینکه کشاورزی بصورت دیم بوده ولی شغل منحصر به فرد مردم آن منطقه کشاورزی بوده است. در این دوره اخیر یعنی قبل از انقلاب بطور کلی کشاورزها دست از کار و کشاورزی به علی که همه میدانیم، کشیدند و جذب شهر هاشدند، بطور کلی کشاورزی آن منطقه متوجه مانده و کارها هم که تعطیل شده است، و به کارهای صنعتی پرداخته‌اند و آن کشاورزی‌شان هم از دستشان رفته است و مالکین عده کشاورزی را سهار کرده‌اند، فقط و فقط به این علت که زمان خان یا پدر و اجدادشان مالک بوده‌اند ولی روی این زمینها هیچ فعالیت ملکی نداشته‌اند و در اختیار کشاورزان بینوا گذاشته بودند و حق مالکیت می‌گرفتند. حالا هم به همان شکل باقی است و کشاورز در آن منطقه با کمال محرومیت و ظلم و جور می‌گذراند و مالکین عده بعنوان خان و زین داران همان وضع را دارند و به این مسئله هم باید توجه کاملی بشود.

بنده خودم معلم هستم و در آموزش و پرورش کار می‌کنم، یکی هم مسئله آموزش و پرورش بطور کلی است. قانون اساسی هرچه می‌خواهد زیبا و خوب و ارزشمند و کامل و صحیح و متقن باشد، ولی اگر جامعه استعداد پذیرش آنرا نداشته باشد یعنی آمادگی در جامعه نباشد، قانون خوب کافی نیست. قانون خوب مثل باران است، باران می‌بارد ولی باید استعداد زین هم باشد. اگر باران ببارد و زین شوره‌زار باشد، زین شوره سنبل برپیارد.

باران که در لطف طبعش خلاف نیست، در باغ لاله روید و در شوره‌زار خس پس بايد جامعه استعداد پذیرش قانون صحیح و متقن را داشته باشد و این راه میسر نیست مگر از طریق آموزش و پرورش. الان این آموزش و پرورش ما ارتجاعی ترین، پست ترین، منحطترین آموزش و پرورش دنیا است، بخاطر اینکه من خودم در طول این مدت خدمت میدانستم که ... نایب رئیس — آقای نبوی دو دقیقه بیشتر از وقت شما باقی نماند است.

نبوی — چشم، این هم مسئله آموزش و پرورش بود که بوشهر ما استانی است قدیمی و بعد از دارالفنون دومین مؤسسه آموزشی در آنجا تأسیس شده است، ولی فعلاً از لحاظ آموزش در وضع بسیار پائینی است. استان به آن وسعت و با آن سابقه آموزش و پرورش — تقصیر آقای بهشتی است که مجبور شتاب بکنم و حق مطلب را نتوانم درست ادا کنم — با آن سبقت تاریخی که درآموزش و پرورش دارد، این آموزش و پرورش هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت در مراحل خیلی پائینی قرار دارد. این استان فقط دیرستان و دانشسرای مقدماتی دارد، حتی دانشکده و هنرستان هم ندارد و از مزایایی که مثل استان سیستان و بلوچستان بهره‌مند است در آنجا هیچ خبری نیست، باید به این مسئله هم توجه بشود. بهداشت، از مسائل مهم است. بهداشت جنبه رایگان و عمومیش انشاء الله در مجلس مطرح بشود ولی من باید از لحاظ بهداشت از منطقه خودم بوشهر دفاع بکنم چون می‌توانم بگویم محرومترین منطقه کشور ما، منطقه بوشهر است که هم محرومیت طبیعی و هم محرومیت مصنوعی دارد. محرومیت طبیعی آنجا آب آشامیدنی است. توقد آب چه دانی که در کنار فراتی «سل المصانع رکبا تهیم فی الفلواتی» مادر آب را می‌دانیم. من وقتی میدیدم رفقا و قتنی و ضو میگیرند شیر را باز می‌گذراند و آب همین‌طور می‌برد، چقدر تأسف می‌خوردم زیرا در آنجا ما به قطره‌ای آب اهمیت میدهیم. مسئله آب آنجا طوری است که اگر وقت



میداشتم و عرض می‌کردم شاید برای خیلی از شما قابل قبول و باور کردنی نبود. آب آنجا، بهداشت آنجا، آموزش و پرورش آنجا، فقر و نیستی وبا همه اینها مناعت طبع و بزرگ منشی مردم آن منطقه طوری است که با اینکه در مرز هستند و امکانات همه گونه فعالیتهای ضد انقلابی وجود دارد، تا کنون هیچ گونه دست از پاختا نکرده‌اند و وفادارترین و صمیمی ترین مردم نسبت به انقلاب بوده‌اند و نسبت به این مردم وفادار و صمیمی باشد توجه بیشتری بشود و دولت امعان نظر بیشتری بکند و به این محرومیتهای مصنوعی که از دولت‌های گذشته است و هم چنین محرومیتهای طبیعی که در نهایت شدت وجود دارد که شاید میتوانم بگویم در استان سیستان و بلوچستان هم به آن شدت نیستند، باید توجه بیشتری بشود.

راجح به مسائل دیگری هم یادداشت‌هائی داشتم که میخواستم عرض کنم ولی چون دوستان بطور مستوفی و کامل با بیانات شیوا ایراد فرمودند، دیگر بنهاد وقت مجلس را نمیگیرم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

نایب رئیس — آقای سبحانی یادداشتی فرستاده‌اند که نظریه آقای نبوی راجع به امور مرزی که منظورشان بحیرن است، یک نظریه شخصی است و بطبعی به مجلس ندارد. (نبوی— من عرض کردم که این نظر شخصی من بود) آقای دکتر روحانی بفرمائید.

دکتر روحانی — بسم الله الرحمن الرحيم. موضوعی را که اینجا خدمت سوران عزیز عرض میکنم، مسأله‌ایست که ما در کمیسیون مشترک چند روز است درباره آن مشغولیم، منتها از دیدگاه دیگری موضوع ولايت فقهی را مطرح میکنم.

از لحاظ مطالعات تحلیلی، دو گونه مطالعه‌داریم: یکی مطالعاتی که به اصطلاح مطالعات عطف به مسابق است و دیگر مطالعاتی که بعنوان مطالعات ناظر به آینده از آن ذکر میشود. ما هنگامی که از اسلام صحبت میکنیم، آنچه که در این مقطع زمانی پس از انقلاب پیروزمندان میتوانیم به دنیا ارائه بدهیم، با استفاده از روش مطالعه عطف به مسابق است، یعنی صدر اسلام را نشان میدهیم ولی این امید را داریم و اکنون به دنیا اعلام میکنیم که ما میخواهیم بخواست خداوند در آینده اسلام اولیه را پیاده بکنیم. بنابراین آنچه که بعنوان مرحله عملی اسلام میگوئیم و بعنوان سمبول می‌شناسیم، آن چیزی است که از دیدگاه مطالعات عطف به مسابق به آن تکیه داریم.

حال با استفاده از دو نوع مدل سازمانی (مدل ایده‌آل و مدل تجربی) مسأله را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهیم. اگر ما فرض کنیم تمام افرادی که تا بحال به دنیا آمده‌اند مخصوصاً ستفرکرانی که صاحب مکتب بوده‌اند، در حال حاضر حضور یابند و فکر خود را بر این مسأله متمرکز سازند که مدلی را بعنوان یک مدل ایده‌آل برای زندگی انسان ارائه بدهند، یقیناً مدلی که آنان با تمام کوشش عرضه بکنند، هرچقدر هم که طراحان آن از کبریایی عقلانی برخوردار باشند، در برابر مدلی که منشأ آن وحی است، حقیر مینمایند. بنابراین قبل از اینکه ما وارد مدل‌های تجربی بشویم، باید اذعان کنیم که درین تمام مکتبها و مدل‌هایی که بطور ایده‌آل برای بشر تنظیم و ترسیم شده که بشر بتواند در این دنیا آگاهانه زندگی بکند، واقعاً فطرت خودش را نشان بدهد، آن ارتقاء انسانیش را بدست آورد، مکتب و مدلی که از وحی سرچشمه میگیرد، والاترین است و به همین جهت ما ایقان کامل داریم که بهترین مدل زندگی در اسلام وجود دارد و توسط بین‌النهر (ص) برای سعادت بشر ابلاغ شده است. حالا



میرسیم به مرحله عمل، یعنی مدل تجربی . اینجا بیشتر روی سخنمن با دوست و برادر گرامی جناب آقای بنی صدر است و مسئله را از جنبه تخصص مطرح میکنیم . بطور مثال ، اگر بخواهیم داروئی وارد این مملکت بشود چنانچه اجازه داشته باشیم از کلمه ولايت استفاده کنیم . ولايت را به چه کسانی میدهیم؟ یقیناً ولايت را به دارو شناسان ، یعنی متخصصین امر میدهیم که بنشینند و درباره موضوع اظهار نظر نمایند . آیا این ادعا پذیرفته میشود در مجتمعی که صلاحیت رسیدگی به مسائل پژوهشی را دارد ، یک فرد غیر آشنا به این موضوعات وارد شود ؟ مسلم خیر . بنابراین همینطور که ما در اینجا ولايت را برای متخصصین قبول کردیم که اظهار نظر وارائه طریق نمایند ، شکی نیست در مورد مسائل اسلامی هم این ولايت ، علاوه بر جنبه الهی آن ، از دیدگاه علمی بطور مسلم به کسانی داده شده که تخصص مربوط را دارا باشند.

و امادرباره حکومت، همانطور که استحضار دارند لايت امر و امامت امت از جمله مسائلی است که بطور صریح در اسلام مطرح شده است و در اصل آن هیچگونه شک و تردیدی نیست، فقط بحث در اینست که آن مدل ایده‌آلی که در اسلام برای حکومت بیان شده است، در عمل توسط چه افرادی بهتر بیانده میشود . مسلم است برای پیاده کردن آن کسانی واجد شرایط هستند که در مسائل اسلامی متخصص بوده و نسبت به مكتب آشنايی کامل داشته باشند. البته باید به این نکته توجه نمود موقعی که میگوئیم متخصص ، الزاماً این کلمه مترادف با داشتن لباس خاصی نیست، بلکه هر کسی که توانسته باشد راه رسیدن به تخصص در مسائل اسلامی را بطور صحیح طی کرده باشد، این صلاحیت را پیدا خواهد نمود ولی به این مسئله بسیار مهم نیز باید اشاره شود که حوزه‌های علمی، رستنگاه و جایگاه اصیل این تخصص می‌باشند.

از نمایندگان محترم تقاضا دارم به این توضیح عنایت بفرمایند. فرض کنید یک بیماری همه گیر در منطقه‌ای شیوع پیدا کند، برای بارزه با آن بیماری، فقط اطلاع علمی آن کسی که متخصص در بیماری‌های همه گیر و به اصطلاح اپیدمیولوژیست مربوط به آن بیماری است، کافی نخواهد بود، بلکه علاوه بر اطلاع می‌باشد از یک شم اپیدمیولوژیکی نیز برخوردار باشد. در مسائل اسلامی هم شم اجتهداد یا ملکه اجتهداد یک مسئله‌ای نیست که صرفاً کسی بتواند فقط با خواندن در مدت چند سال آن را بدست آورد، بلکه می‌باشد سالهای طولانی مسیر خاصی طی گردد تا شرایط علمی و روحی لازم برای کسب آن درجه از جهات مختلف حاصل شود. بدین جهت است که عرض میکنم فقهای متخصص حوزه‌های علمی با شرایطی که دارند و راهی را که طی کرده‌اند، بهترین کسانی هستند که میتوانند برای پیاده کردن مسائل اسلامی ارائه طریق نمایند.

مطلوب دیگر آنکه از طرف عده‌ای این اشکال مطرح میشود که برای هدایت و رهبری جامعه، نیاز به متخصصهای مختلف است و یک متخصص علوم انسانی از سایر متخصصهایی بهره است و آیا صلاح است که رهبری جامعه را فقط براساس داشتن تخصص در علوم الهی، به فقیه واگذار کنیم؟ این موضوع، یعنی اینکه رهبر و مدیر برای اداره کردن تا چه اندازه‌ای باید از متخصصهای مختلف مربوط بهره‌مند باشد، یکی از مباحث مدیریت امروز است که در اینجا با فرucht کمی که وجود دارد، نمیتوان درباره آن توضیح کافی داد، فقط توجه نمایندگان محترم را به این مثال جلب مینمایم. همانطور که در یک بیمارستان بزرگ که دارای بخش‌های مختلفی



است، سرپرست بیمارستان نمیتواند دارای همه تخصصهای مربوط باشد و صرفاً استفاده از قدرت مدیریت خود مسائل را همانگ میکند، در امر حکومت هم ضرورتاً لازم نیست کسی که بعنوان فقیه، بعنوان اسلام‌شناس و بعنوان متخصص میخواهد هدایت جامعه را به عهده بگیرد، مثلاً از صد تخصص بهره‌مند باشد، بلکه کافی است که ضمن داشتن تبحر در علوم اسلامی، عادل، با تقوی، مدیر و مدیر و آگاه به مسائل روز بوده و در اموری که می‌باشد همانگ گردند، همانگ کننده خوبی باشد، یعنی همواره بتواند از متخصصان موضوع یعنی متخصصان رشته‌های مختلف علمی استفاده کامل پکند.

شاید برای عده‌ای این سوال مطرح شود که چرا فقیه بعنوان متخصص در علوم اسلامی رهبری را به عهده بگیرد و افراد دیگری که در سایر رشته‌ها متخصص دارند، عهده‌دار این مسئولیت نگرددند و در هنگام نیاز از فقیه بعنوان یک متخصص استمداد ننمایند؟

نتیجه مقایسه تخصصهای مختلف در رابطه با هدف خلق انسان، به این سوال بطور روشن پاسخ میدهد. میدانیم که برای نیازهای انسان، دانشمندان متعددی اظهار نظر نموده‌اند. یکی از آنها آبراهام مازلو است که نیازهای بشر را بطور کلی به پنج دسته تقسیم میکند. اول: نیازهای فیزیولوژیکی شامل غذا، آب و این قبیل چیزها تا بالاخره به نیاز «خودیابی» میرسد و ما می‌بینیم در دین مبین اسلام این مسائل در چهارده قرن قبل کاملاً مورد توجه قرار گرفته است. اسلام میخواهد بشر با خودیابی و خودآگاهی به آن خداشناسی عمیقی برسد که سعادت دنیا و آخرت او را تضمین کند.

اکنون سوال میکنیم، آیا در امر هدایت انسان و جامعه، تخصصی میتواند ارزشمندتر از تخصصی باشد که ریشه در روحی دارد و براساس فطرت انسان است؟ یقیناً خیر، لذا میگوئیم این متخصصین علوم اسلامی هستند که برای هدایت و رهبری جامعه، بر متخصصین سایر رشته‌ها اولویت دارند، زیرا کامیلت مکتب را می‌شناسند و قرآن کریم بطور صریح این موضوع را بیان نموده است «اطیعواالله و اطیعواالرسول واولی الامر منکم». نکته بحث‌انگیز در این آیه، مصدق «اولی الامر» است که به نکته مورد سوال درباره آن اشاره‌ای می‌نماییم.

ما هیچگونه ادعائی نداریم که در زمان غیبت کبری، نواب عام امام مهدی (عج) که عهده‌دار امر ولایت و امامت است هستند، معصوم می‌باشند و علی‌الاصول موضوع دفاع از مخصوصیت آنان نیست، بلکه میگوئیم علاوه بر جنبه الهی مسئولیت آنان در امر ولایت و امامت امت براساس ملاکهای بشری نیز کاملاً عاقلانه است که هدایت و رهبری جامعه به متخصصین و آگذار گردد که متخصص آنها از مکتب روحی بوده و در راه رسیدن به اجتهداد، شرایط روحی لازم برای هدایت جامعه را کسب نموده باشند.

بدیهی است فقیه یا فقهائی که رهبری جامعه را به عهده میگیرند، با شناخت و آگاهی به زمان از متخصصین سایر رشته‌ها استفاده کامل خواهند نمود، یعنی اینچنین نیست که تصور بشود سایر متخصصها نادیده گرفته میشود و رهبری در واقع غیر از این نیست که نیروی مؤمن، متفسکر، فعال و متخصص جامعه را آنچنان همانگ بکند که جامعه در مسیر واقعی خود، که مسیر «الله» است هدایت شود. خیلی متشکرم.

نایب رئیس — آقای بنی صدر یادداشتی فرستاده‌اند که چون گفتند روی سخن ایشان با اینجانب است و جلسه هم علنی است، معنایش این است که اینجانب با ولایت متخصص



متاخرهم، لاجرم حق اینجانب محفوظ باشد. من این مقدار حرشان را محفوظ نگه داشته‌ام که اگر کسی بخواهد از سخن آقای دکتر روحانی چنین برداشتی بکند، معلوم باشد که آقای بنی صدر با این برداشت نظر مساعد ندارند ولی در هر سخنی که یکی از ناطقین می‌فرمایند لاجرم متعرض سخن دیگری می‌شوند، اگر بخواهیم فوراً حق بدھیم که آن شخص باید توضیح بدهد، این در آئین نامه پیش‌بینی نشده است مگر اینکه گفتم نسبت خطأی بدهد یا توھینی بکند که اگر چنین برداشتی می‌فرمایید، من به اندازه برداشت توضیح دادم. خوب، ما طبق معمول و طبق آئین نامه نیم ساعت برای این قسمت وقت داریم که حداقل چهار یا پنج نفر و حداقل دو نفر می‌توانند استفاده بکنند که امروز حداقل انجام شد و دو نفر استفاده کردند. البته طبق صورتی که پیش من است بیست و سه نفر تاکنون اسم نوشته‌اند که دو نفرشان صحبت کردند، به هر حال بترتیب روزی دو نفر صحبت خواهند فرمود. حالا وارد دستور جلسه می‌شویم.

۳- تصویب اصل سوم و چهارم و بحث پیرامون اصل ششم

نایب رئیس - در روز چهارشنبه پانزده بند از اصل سوم با استفاده از نظرات اصلاحی جزئی مورد تأیید اکثریت قرار گرفت و چون در مورد بند شانزده نظرات گوناگون و متنوع بود و روی بند شانزده به توافق نرسیدیم، روز پنجشنبه بند شانزده را که اصلاح شده بود مطرح کردیم و چون اکثریت آراء حاضرین یعنی چهل و نه نفر با این بند توافق تأییدی داشتند، بنابراین هر شانزده بند از اصل سوم به تأیید اکثریت رسیده و حالا نسبت به اصل سه باید رأی گیری نهائی بکنیم.

طاهری - بند شانزده هم را به ما نداده‌اند.

نایب رئیس - اصل سوم را قرائت می‌کنم تا دوستانی که روز پنجشنبه نبودند، گوش کنند و نسبت به کل اصل سه با ورقه رأی گیری می‌کنیم. بنابراین دقت بفرمایید من اصل سه را آرام می‌خوانم و چون مفصل است توجه کافی به آن بشود:

اصل ۳ (اصل سوم) - دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به هدف

مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را در راه تحقق امور زیر بکار برد:
۱ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با

کلیه مظاهر فساد و تباہی.

۲ - بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌های استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر.

۳ - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴ - تقویت روح برسی و تتعیی و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵ - طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶ - محو هرگونه استبداد و خود کامگی و انحصار طلبی.

۷ - تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸ - شمارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.



۹ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات مساوی و عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۱۰ - ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.

۱۱ - تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۲ - بی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۳ - تأمین خودکفائی در علوم و فنون و صنعت کشاورزی و امور نظامی و مانند آنها.

۱۴ - تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱۵ - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۱۶ - تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلامی و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بیدریغ از مستضعفان جهان.

نایب رئیس - گلدان رأی را خدمت آقایان میاورند. موافقین کارت سفید و ممتنعین کارت زرد و مخالفین کارت سبز در گلدان میاندازند.

(اخذ رأی و شمارش آراء بعمل آمد و نتیجه بشرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس - اصل سوم با شخصت و دو رأی موافق و دو رأی مخالف و چهار رأی ممتنع به تصویب رسید. تکبیر (دراین موقع حضار سه مرتبه تکبیر گفتند).

نایب رئیس - در جلسه عصر روز پنجم شنبه اصل چهارم مطرح شد و پیرامون آن بطور مفصل مذاکره شد و برای اصلاح آن نظراتی اظهار شد که این نظرات مطلقاً جنبه تغییر اصل را نداشت و صرفاً جنبه توضیح و تأکید برای نکاتی که احیاناً ممکن بود بهم تلقی شود، داشت، در پایان جلسه با اصلاحاتی که آنروز پیشنهاد شد، رأی گیری کردیم و عده نمایندگان حاضر در موقع رأی گیری پنجه و سه نفر بود که از این عده چهل و هفت نفر رأی موافق دادند.

بنابراین یک رأی از حد نصاب کمتر بود و از آنجاکه یکی از آراء مخالف داده شده به این اصل، به نکته‌ای مربوط میشد که امروز خدمتستان میخوانم و برطبق رویه چون افزودن یک نکته توضیحی است و البته اگر نکته تغییری بود، ما آنرا به کمیسیون میبردیم، این اصل میتواند به رأی گذاشته شود. بنابراین اصلاحات مربوط به این اصل که خدمتستان هست و در صفحه دوازین اصلاحات بایستی انجام شود، میخوانم و وارد میفرماید تا اگر نظر جدیدی نیست، آنرا به رأی بگذاریم، متن اولیه اصل چهار به این صورت بود: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باید با رعایت کامل موازین اسلامی باشد». این متن قبلی بود که برای طرح در جلسه تقدیم شده بود. مفاد این اصل بر جای خودش مانده و همه پیشنهادهای اصلاحی، مربوط به کاملتريان کردن مفاد این اصل بوده است، مثلاً کلمه «سیاسی» قبل از نسبت به کاملتريان کردن مفاد بصورت «غیر اینها» اصلاح شد و «بارعاویت کامل» به «براساس» تبدیل شد. مفاد این اصل این بود که هیچ اصلی از اصول قانونی جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند مخالف اسلام باشد



و ارزش قانونی ندارد و حتی شامل خود قانون اساسی هم میشد ولی در عین حال گفتن تصریح لازم است و پیشنهاد شد اضافه کنیم . بنابراین این دوستانی که نبودند این اضافات را اضافه کنند . «این اصل بر همه اطلاعات و عمومات این قانون وقوایین و مقررات دیگر حاکم است» . با این اصلاحات بود که ما اصل چهار را به رأی گذاشتیم و رأی کافی نیاورد و یک رأی کم داشت و این یک رأی مربوط به نکته‌ای بود که مطرح شد و معلوم شد که آنهم برای رفع هرگونه دغدغه توضیح لازم دارد و آن اینست که مقام تشخیص دهنده چه کسی باشد . بطور خصوصی تذکر داده شد که به هرحال در خود قانون اساسی برای تشخیص این قسمت باید فکری بشود ، منتها لازم است که تصریح بشود . امروز چیزی که اضافه میکنیم و مجدد آن رجی نباشد ، به رأی میگذاریم و آن اضافه اینست : « و تشخیص این جهت بر عهده مسئولانی است که در اصول آینده این قانون برای این منظور تعیین خواهد شد ». توجه بیفرمائید که ما در همین پیش‌نویس فعلی در اصل شصت و شش این مطلب را درباره قوانین مجلس شورای اسلامی داریم که مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند هیچ فانونی را برخلاف مبانی و احکام شرع اسلام تصویب کند ، و اگر هم تصویب کند ارزش قانونی ندارد و در فصل مربوط به شورای نگهبان (که دقیقاً بخارطه نیست فصل چند است) گفته شده است که برای تشخیص عدم مخالفت قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و احکام شرع ، شورائی بنام شورای نگهبان مرکب از عناصر معین تشکیل میشود . حالا بحث دراین نیست که آن شورا درست است یانه ، چون بالآخر به آن شورائی میرسیم که آن شورا باید طوری باشد که برای اینکار کافی باشد . این مطلب را ینجا تصریح می‌کنم که وقتی بعنوان اصول کلی این مطلب را اینجا می‌آوریم ، تشخیص این بر عهده آن مسئولانی است که در آینده در جای خودش باید مشخص و معین شود .

صفایی — ذکرش به این نحو فایده‌ای ندارد . تشخیص آن با فقهای عادل است . نایب رئیس — ملاحظه بفرمائید که این فرقی نمیکند و بعلاوه آقایان میتوانند نوبت بگیرند و دراین زمینه صحبت کنند .

فارسی — « تعیین خواهد شد » درست نیست ، اگر نوشته شود « تعیین شده است » بهتر است . « تعیین میشود » باشد بهتر است .

حائری — فقهایها باشد بهتر است .

نایب رئیس — اجازه بفرمائید در همانجا مشخص کنیم که اگر یک روزی خواستید و نفر غیر فقیه هم در آن شورا باشند ، امکان پذیر باشد .

ربانی — وضع آنچه را که نمیتوانیم پیش بینی کنیم که چطور میشود . بنابراین نمی‌توانیم اینرا به درست شدن آن متعلق کنیم .

موسوی تبریزی — اینجا گفته اند تشخیص این امر به عهده مسئولانی است که در اصول آینده این قانون برای این منظور تعیین خواهد شد . اینکار را نباید به بعد محول کنید زیرا قبل از این اصل ما اصل چهارم را بنام ولایت فقیه داریم و بنظر من جای این اصل قبل از این است .

نایب رئیس — ولایت فقیه بعد از اینست .

موسوی تبریزی — همین را در اصل پنج دخالت بدھیم و آن کسی که ولی امر است و



آن کسی که بحسب اسلام مشخص خواهد شد، تشخیص بر عهده آن شخص خواهد بود.
صفی - در احکام شرع بین فقها مسأله اختلافی کم پیدا میشود و این مسأله مثل مسأله ولایت نیست. اگر در همینجا بنویسیم که مشخص فقهای عصر میباشند، هیچ مشکلی هم پیش نمیآید و مانعی هم ندارد و این به مسأله ولایت مربوط نیست و از لحاظ فقاوتی که دارند، هیچ اشکالی ندارد و مخالفتی هم وجود ندارد.

نایب رئیس - چون دوستان متعددی نوبت گرفته‌اند و خوشبختانه کوتاه هم صحبت میکنند، خواهش میکنم دوستان بعدی فقط به سوالی که مطرح میکنم جواب دهند، چون تشخیص باید بر عهده یک مقام و یا فرد یا گروهی باشد که خیلی صریح بشود آنها را مشخص کنیم، و مطلق فقها تشخیص نیست شاید مطلق مراجع هم قابل تشخیص نیست. بنابراین یک کاری بکنید که مصدق مسأله پیدا کنند و آفایان در پیشنهاد های بعدی این نکته را رعایت کنند.
صفی - بنده عرض کردم که مصدق مسأله پیدا نمیکند و در تشخیص فقها اختلافی پیدا نمیشود.

مکارم شیرازی - اصول قانون اساسی باید کاملاً صریح باشد و در اینجا به این سبکی که نوشته شده است، باید سه جمله را اصلاح کنیم تا صراحت داشته باشد. اول اینکه نوشته شده «و این اصل بر همه اطلاقات و عمومات این قانون» بجای «این قانون»، بر اصول قانون اساسی نوشته شود بهتر است چون همانطور که عده‌ای از نمایندگان هم فرمودند «این قانون» یک ابهامی دارد. دوم اینکه «اطلاقات و عمومات این قانون بر قوانین و مقررات دیگر حاکم است» اگر کلمات «اطلاقات و عمومات» را نویسیم، همان مفهوم را با صراحت و روشنی دارد. و اما سومین قسمت راجع به اینست که تشخیص این اصل بر عهده کیست، اگر با این عبارت بنویسیم، صراحتی را که لازمه قانون اساسی است دارد «و تشخیص این اصل طبق ضوابطی که در اصول آینده آمده است بعده قها و مجتبه‌هاین است» یعنی هم ضوابط را درست کرده‌ایم و هم فقها و مجتبه‌هاین را نوشته‌ایم که خارج از ضوابط هم نباشد و با این سه تعویض، شاید صراحت بیشتری داشته باشد.

نایب رئیس - آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری اصفهانی - میفرمائید آن شورای نگهبان که گذاشته‌اید برای قوانین مجلس شورای ملی است، مگر اینطور نیست؟ برای اینکه قوانین مجلس شورای ملی را میخواهند بگویند برمیگردد به آن شورا و تشخیص دهنده آن است (نایب رئیس - در دو جهت) اینجا میگویند «اطلاقات و عمومات این قانون اساسی و قوانینی که مجلس شورای ملی تنظیم میکند» در صورتیکه شورای نگهبان فقط برای قوانین مصوب مجلس شورای ملی است. و انگهی آن را که همه معتقد‌یم نمیگویند بنویسید یعنی فقیه اعلم جامع الشرایط و آن کسی که به او فقیه اعلم زیان میگویند. (نایب رئیس - پیشنهاد میکنید؟) بلی فقیه اعلم مشخص است.

نایب رئیس - آقایان اگر مطلبی دارند پیشنهاد کنند.

طاهری اصفهانی - بنویسید «فقیه اعلم»، در ولایت فقیه هم داشتید، در اینجا هم بنویسید «فقیه اعلم» تا از ابهام بیرون بیاید. یعنی آن اعلیٰ که بنظر اکثریت مردم باشد «اطلاقات و عمومات» هم اشکالی ندارد.

نایب رئیس - توجه بفرمائید که در فصل دهم شورای نگهبان در اصل صد و چهل و پنج



نوشته شده «در صورتی که شورا قانون عادی را به دلیل مخالفت صریح با اصول مسلم شرعی یاسایر اصول این قانون، متعارض با قانون اساسی بداند، آنرا برای تجدید نظر باذکر دلایل تعاضی به مجلس برمیگردانند و مجلس با توجه به دلایل ذکر شده تجدید نظر بعمل می‌آورد» چون اصل بعدی مسبوق به این اصل فعلی نبوده، اینست که در اینجا نوشته‌اند «قانون عادی» ولی بعداً گفته شده است بدلیل مخالفت صریح با اصول صریح شرعی و این همانطور که ممکن است آنجا گفته شده است بدلیل مخالفت صریح با اصول صریح شرعی در قوانین عادی باشد و اهل تشخیص بتوانند تعارض یا عدم تعارض قانون عادی را با اصول و قوانین شرعی تشخیص بدهند، همین هاهم میتوانند تعارض یا عدم تعارض یک اطلاق یا عموم قانون اساسی را با اصول مسلم شرعی تشخیش بدهند.

طاهری اصفهانی — در خود این قانون ذکر کرده‌اند که یا مخالف قانون اساس، پس قانون اساسی در اینجا مفروغ عنه است.

نایب رئیس — دقت نکنید گفتم «یا» یک زمینه مستقل گذاشته و تکیه ما روی تشخیص مخالفت و عدم مخالفت با اصول مسلم شرعی است، بنابراین با اصلاحی که در این فصل در جهات مختلف لازم خواهد بود، میتواند این کار به آنجا ارجاع بشود. حالا اگر بحث بر این است که عین این عبارت در اصل صد و چهل و پنج برای این منظور کافی نیست، این روشن است ولی اگر منظور اینست که آنان این صلاحیت را ندارند، توضیح این است که در همین اصل صد و چهل و پنج سواله‌ای آمده که باید اینها، این صلاحیت را داشته باشند

فارسی — این مسأله که میفرمایید با آن مطلبی که در مورد شورای نگهبان نوشته شده بکلی فرق دارد، اینجا تفصیل قانون اساسی است. در این ماده شما دارید صحبت میکنید که اگر در این باره با قانون اساسی اختلافی پیدا کنید، مرجع تشخیص آن کیست.

نایب رئیس — خیر چنین چیزی نیست. ما میگوئیم مخالفتش با اطلاق شرع نه فهم اطلاق و عموم آن و احکام شرع برمیگردد که این اطلاق و عموم منطبق با قانون شرع هست یا نه؟ (دکتر شیبانی — تفسیر قانون اساسی به عهده مجلس شورای اسلامی است) البته تفسیر بلی (فارسی — این تفسیر قانون اساسی است، خیر آقا اینطور نیست). متشکر آقای فوزی بفرمایید.

فوزی — «تشخیص این جهت بر عهده مسئولانی است که در اصول آینده این قانون...»

الی آخر لازم است در همینجا مسئولان مشخص و روشن شوند. بنابراین بهتر است که گفته شود «بر عهده فقهای جامع الشرایط است» و بعلاوه عبارت «همه اطلاعات و عمومیات» که بعضی‌ها بیخواهند حذف شود، صحیح نیست چون با حذف آنها رفع اشکال نمیشود. اشکال این بود که در بعضی موارد اصول الفاظی بصورت اطلاق و عموم آمده در صورتیکه از نقطه نظر شرعی نمیشود به اطلاق و عموم آنها عمل کرد، بلکه با یستی تخصیص داده شوند، مثل «نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه پذیری» که در کلیه موارد صحیح نیست که نفی شود.

مثال مرد نسبت به زن خود سلطه دارد و یا پدر نسبت به پسر سلطه دارد و امثال اینها.

نایب رئیس — اصلاح برقوانین اسلامی است حالا ممکن است اطلاق هم باشد.

دکتر ضیائی — در این اصل چهارم قانون اساسی که قانون مادر است مساوی و قابل گفتم «کلیه قوانین و مقررات...» با این قید کلمه «کلیه» شامل تمام مقررات و قوانین میشود، دیگر



احتیاج ندارد که اطلاعات و عمومات را به آخر آن اضافه کنیم زیرا این اصطلاحات را غیر از علماء و اصولیین کسی دیگر نمی‌فهمد و در هر مردمی احتیاج ندارد زیرا ما داریم با این اصل وظیفه دولت جمهوری اسلامی را بیان می‌کنیم و لازم نیست که کلمه نظام اسلامی را پشت هر اصلی پچسبانیم، همانطور که در یکی از بندهای اصل قبلی چسبانیدیم. همه میدانند که موازین اسلامی حاکم است. آقای مکارم فرمودند که اگر به همین اندازه اکتفا کنیم و بنویسیم «کلیه قوانین و مقررات مدنی... الخ» و تشخیص این با فقهای جامع الشرایط شیعه است، همین کافی است و دیگر احتیاج به طول و تفصیل ندارد.

نایب رئیس — آقای حائری، آقایان دیگر هم باید توضیح بدهند. آقای سبعهانی بفرمائید.
سبحانی — آقا قوانین با مقررات از نظر وزن فرق دارد. مقررات غیر از قوانین است. قوانین از قرآن و سنت اخذ می‌شود ولی مقررات چیزی است که از کتاب و سنت اخذ نمی‌شود مثلاً قوانین راهنمائی جزو مقررات است ولی جزو قوانین نیست. اینها ضعف تألیف دارد. نوشته شده «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی...» باید با رعایت کامل موازین اسلامی باشد» قوانین یک چیز است و موازین اسلامی یک چیز دیگر. بنابراین قوانین باید متناسب از کتاب و سنت باشدو مقررات باید با رعایت کامل موازین اسلامی باشد. نکته دیگر اینکه چرا ماعجله کنیم؟ در تکمیل این قید بهتر است صبر کنیم هر وقت به اصل شورای نگهبان رسیدیم و به اصطلاح به آن اصل ملجاً مصوبات قوانین رسیدیم، به هر نحوی که آنرا حل کردیم و تصمیم گرفتیم، آنوقت این قید را تکمیل می‌کنیم. بهتر است که حالا عجله نکنیم.
نایب رئیس — آقای آیت بفرمائید.

دکتر آیت — در جلسه قبل هم من مخالفت خود را با ذیل این اصل اظهار کردم و فکر کردم با آن مختصراً که **گفتم** اهمیت مسأله روشن شده باشد. باید توجه داشته باشیم که اصولاً قانون باشد محکم، روشن و بدون ابهام باشد. منظور از وضع قانون و حکومت قانون اینست که مردم گرفتار هوا و هوس افراد نباشند. اگر ما قانون را بیکنحوی وضع کنیم که همیشه امکان استثناء در آن باشد، آن را دیگر قانون نمیگویند. از این جهت قوانین را به دو دسته می‌کنیم، یکی قوانین عادی مثل مدنی جزائی وغیره که مجلس شورای اسلامی تعلیم و بعد تصویب می‌کند. خوب این را چون همیشه خود مجلس میتواند تجدید نظر کند، بنابراین یک مرجعی را هم قرار داده اند مثل شورای نگهبان که برو آنجا و اگر خلاف اسلام بود، دوباره برمیگردد به مجلس و مطابق اسلام می‌شود ولی اگر بخواهیم قانون اساسی که پایه تمام قوانین است، پایه اش را شل کنیم و بگوئیم که در قانون اساسی هم باید شک کرد که آیا مخالف اسلام باشد یا موافق اسلام باشد، آن شما که در این مجلس حضور دارید همه عالم وقیه و خبره هستید و دارید بحث می‌کنید، هرجا که لازم است حاشیه داشته باشد، تبصره داشته باشد، حالاجای آنرا مشخص کنید ولی اگر بگوئیم در آینده بطور اطلاق آمده یا بطور عموم آمده، این باید عوض شود مثل عبارت «فقهای زمان» که مبهم است و معلوم نیست که به چه شکل است و مثل اینست که قانون وضع نکردیم. بنظر من همان قسمت اول کافی است چون کلیه قوانین باید متناسب از سنت و قرآن باشد و اگر بنای باشد این ذیل هم به آن اضافه شود، قطعاً باید مرجع رسیدگی که آیا فلان اصل مطابق اسلام هست یا نیست، دقیقاً مشخص بشود و آن همان مرجعی باشد که قوانین عادی را رسیدگی و تنظیم می‌کند، بعد هم اگر کسی در یک اصل شک کرد و گفت این عمومیت دارد، نباید داشته باشد، کلیت دارد و نباید



داشته باشد، بقول آقای فارسی این تفسیر قانون اساسی میشود، این را باید مرجعش را مشخص کنیم . اگر مرجعش دقیقاً مشخص نشود ، تمام زحمات سه چهارماهه و تمام زحماتی که ملت برای انقلاب کشیده از بین میروند. من از تمام نمایندگان محترم تقاضا دارم که روی این اصل فکر کنند و بر احساسات خود غلبه کنند و تأکید هم میکنم که این اصل را خود من درگروه پیشنهاد کردم ولی این جمله ای که به ذیل این اصل اضافه شده متسفانه ممکن است اثر آن را خنثی کند. تقاضادارم که مجدداً روی آن بیشتر فکر کنند.

حائزی — من در پیشنهاد خود ایستادگی دارم این «اطلاقات و عمومات» تقييد اجتماعی نیست و ممکن است اثر آن را خنثی کند. تقاضا دارم که مجدداً روی آن بیشتر فکر کنند.

نایب رئیس — آقای حائزی اگر همه بخواهند مثل جنابعالی صحبت کنند ، من برای اداره جلسه چکار کنم ؟

حائزی — من در پیشنهاد خودم ایستادگی دارم. این «اطلاقات و عمومات» تقييد اجتماعی نیست ، تقييد به اصول شرعیه است نه یک چیز مجهول. شورای نگهبان تمام شد ورفت. مشخص باید همان «شورای فقهاء» باشد، تمام شد ورفت. سر هرچیز متصل صحبت میشود، اصل مطلب را بگوئید مگر میخواهید کتاب بنویسید چرا شعار میدهید و مثل اینکه میخواهید منبر بروید .

نایب رئیس — جنابعالی فکرتان راحت باشد که این قید مورد تأیید دوستان واقع خواهد شد . آقای ربانی شیرازی بفرمائید. از دوستانی که نام میبرم، اگر مطلب تازهای دارند بفرمایند .

ربانی شیرازی — این ذیل آخر که ما آن را حواله میدهیم به چیز مجهول، چیزی که هنوز آن را تصویب نکرده ایم یعنی وضع شورای نگهبان که هنوز تصویب نشده و مورد برسی قرار داده نشده اگر آن را تصویب کرده بودیم، سیار خوب، درست بودولی چیزی را که تصویب نکرده ایم این را حواله بدهیم به آن ، درست نیست (حائزی) — تصوییش مسلم است.

نایب رئیس — آقای حائزی حضرت عالی حالاً که مطلبتان را صریح تر فرمودید ، اجازه بفرمائید دوستان شما که اجازه گرفته اند صحبت کنند، شما هم اگر میخواهید صحبت بفرمائید قبل اجازه بگیرید. آقای منتظری بفرمائید. آقای فاتحی هنوز نویت شما نرسیده و بنده از نویت خودم هم صرف نظر میکنم .

منتظری — نظر من این است که اولاً نوشتمن «اطلاقات و عمومات» و این اصطلاحات اصولی در قانون صحیح نیست ، همانطور که آقای صافی فرمودند ، اگر بخواهیم که این کار را متحول کنیم به فقهاء جامع الشرایط زمان، این یک معیاری وضابطه بخصوصی ندارد، برای اینکه ممکن است من بگویم فقهیه جامع الشرایط و این قانون اساسی را قبول ندارم و همه را به هم بزنم. بنابراین بایستی تحت یک معیار وضابطه دریابید که یک وقت کسی تواند از آن سوءاستفاده کند، به اینجهت من پیشنهاد کردم اینطور بنویسیم « این اصل برهمه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است » ما قطعاً شورای نگهبان خواهیم داشت و آن جایگوییم شورای نگهبان ، هر چند از فقهاء و غیر فقها تشکیل میشود ، ولیکن در جهت اسلامی بودن قوانین نظر غیر فقها مورد توجه نیست برای اینکه برای هر کاری به متخصص آن باید رجوع بشود و تشخیص اینکه یک قانون مطابق با قانون اسلام است



یا نه ، با فقه است و آنوقت فقهای شورای نگهبان لابد آنجا معین خواهد شد . بنابراین فقهائی که در شورای نگهبان هستند هم می توانند تشخیص بدند که مصوبات مجلس شورای ملی موافق یا مخالف اسلام است و هم تفسیر قانون اساسی را انجام می دهند و این مسأله عموم و اطلاق بر میگردد به تفسیر قانون اساسی بوسیله مجلس شورای ملی که تفسیر قوانین را می تواند بکند وقتی که تفسیر کرد ، مصوباتش باید زیر نظر فقهای شورای نگهبان باشد و بنویسیم تشخیص این امر بر عهده فقهای ... یکبار دیگر این پیشنهاد خود را میخوانم (پرش بالا یکبار دیگر قرائت شد) .

نایب رئیس — چند پیشنهاد جزئی هم از آقایان حجتی ، رشیدیان ، فارسی ، مکارم و باهنر رسیده که خوانده میشود .

آقای رحمنی پیشنهاد کرده اند بجای «این قانون» بنویسیم «قانون اساسی جمهوری اسلامی» آقای دستغیب پیشنهاد کرده اند بجای «عمومات این قانون» ، «عمومات قانون اساسی» نوشته شود . آقای حجتی پیشنهاد کرده اند «این اصل بر تماسی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است . تشخیص مورد مطابق اصل یا اصلها که هنوز شماره اش مشخص نیست» . آقای رشیدیان نوشته اند «بنظر من باید به شورای رهبری احواله شود» . آقای فارسی پیشنهاد تازه ای دارند . آقای مکارم پیشنهاد خودشان را فرستاده اند . آقای دکتر باهنر نوشته اند «مسئول تشخیص این جهت را قانون اساسی تعین می کند یا تشخیص این جهت بعده...» توجه بفرماید که اگر جای این را خالی بگذاریم ، نمی توانیم روی آن رأی بگیریم . آقای غفوری نوشته اند «موازین مسلم اسلامی و مخالف آن نباشد» و قید «اطلاقات و عمومات» حذف شود . آقای فاتحی بفرماید .

فاتحی — بنظر من این اصل مهمترین اصلی است که نوشته و تصویب میشود و هدف آقایان مجتهدين و علماء که اینجا جمع شده اند ، بیشتر همین اصل است که بر تمام اصول حکومت دارد . بنابراین باید روی آن دقت شود برای اینکه تمام اصولی که ما میخواهیم تصویب بکنیم ، این اصل باید بر تمام آنها حکومت داشته باشد و اگر به این ترتیب تنظیم شود؛ «کلیه قوانین و مقررات مدنی ، جزائی ، مالی و اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، نظامی و غیره باید با رعایت کامل موازین اسلامی که از قرآن و سنت گرفته شده ، تنظیم شود» حالا صحبت این است که چه کسی میتواند قانون مخالف با مقررات اسلامی را تشخیص بدهد ؟ نظرتان این است که با شورای نگهبان یا با شورای رهبری باشد که در نظرگیریم و همانطور که آقای منتظری فرمودند ، مقید کنیم قوانینی که منظم میشود ، بطور کلی باید مورد تصویب شورای نگهبان یا شورای رهبری قرار بگیرد و عبارتش اینطور باشد «این اصل بر کلیه اطلاقات و عمومات این قانون و قوانین دیگر حاکم و مقید است و تشخیص این قسمت بر عهده شورای نگهبانی است که در قانون اساسی پیش بینی شده است» .

نایب رئیس — از آقایان خواهش میکنم کوتاه و بدون مقدمه و مؤخره صحبت کنند چون اهمیت این را میدانیم . اگر نمیدانستیم اینقدر روی آن وقت صرف نمیکردیم . فقط پیشنهادشان اگر دلیلی میخواهد آنرا بفرمایند . پیشنهادی از آقای مشکینی رسیده است که قرائت میشود .

« فعل شورای نگهبان را قبول نداریم ، مسأله را مبتنی بر آن نکنید » آقای سوسوی اردبیلی بفرماید .



موسوی اردبیلی — جملاتی که فرمودند، جمله اولش که کافی نبود و بخاطر جناب آقای حائری یک جمله اضافه شده و اضافه کردن این جمله این گرفتاریها را پیش آورده والاصل جمله از اول درست بود، حالا اگر بخواهیم برداریم بخاطرا ینکه «حکم» اصطلاح است و این اصطلاحی است که ما میگوئیم اگر بخواهید آنرا بردارید، یک اشکالات دیگری وجود دیگری دارد. حالا اگر بخواهیم کوتاهتر بگوییم و به جای «اصول و مقررات و قوانین» بنویسیم «اصول قوانین اساسی» و به جای «تشخیص» بنویسیم «تشخیص آن باقہائی است که اصول بعدی قانون اساسی آن را معین میکند». اگر بنویسیم «شورای نگهبان» اشکال پیدا میکند.

نایب رئیس — آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — اطلاعات و عمومات را بنده اصرار دارم که باشد و سران اینست که در قانون اساسی پیش یینی میشود که مجلس شورای ملی حق وضع قانونی که مخالف اسلام باشد، ندارد. اما «اطلاق عمومات» همانطور که آقای فارسی گفتند، تفسیری است از قانون اساسی و آن اصل که مجلس شورای ملی حق تصویب قوانین خلاف اسلام را ندارد، اصل تازهای است در این قانون اساسی وجهت تازهای است در قانون اساسی که مصوبات مجلس شورای ملی رامقید میکند که در محدوده اسلام باشد و اینکه فرمودند این اصطلاحات را کسی نمیفهمد، لزومی ندارد که عame مردم بفهمند، کسانیکه بخواهند اطلاعات و عمومات را تفسیر بکنند، میفهمند، و در مورد مسئله احواله به مجهول، ما چون خیلی احواله به مجهول داریم، مانند مسائل اقتصادی و فرهنگی و نظامی که ما اینجا در سطح کلی طرح کردیم و جزئیات آنرا بعد معلوم کنیم. بنابراین احواله به مجهول نیست و ما جز این نمیتوانیم عمل کنیم. به هر حال قانون اساسی یک مرجعی را برای این مسائل مشخص میکنند، که آن مرجع را میپنداشیم زیرا جمع بین نظرات است. به هر حال من «اطلاقات عمومات» را چون یک امتیازی برای این قانون اساسی میدانم که حتی تفسیرهای مجلس شورای ملی را مقید میکند، اصرار میکنم که باشد.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — آن چیزی که میخواستم بنده بگوییم آقای هاشمی نژاد گفتند.

نایب رئیس — آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — بحث ما در دوچهت است: یکی اینکه باید براساس موازین کامل اسلام باشد و گفته نشده «احکام اسلامی» گفته شده «موازین اسلامی» و چون روی این موازین کار میکنیم، احتیاج به قید بعدی نیست. مطلب دوم اینکه اگر خواستیم خوب تصویب شود که از اجمال درآمده باشد، عبارت بعدی درست نیست زیرا این اصل بر اطلاعات و عمومات این قانون و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و بنابراین ارجاعش به فقهای شورای نگهبان این ضرورت را از بین میبرد.

نایب رئیس — آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — همانطور که در جلسه قبل گفتم، تکرار میکنم، اگر بحث شورای رهبری را به آن ترتیبی که گروه چهار معین کرده مثل انتخابات مجلس خبرگان و مثل شورای رهبری، در همینجا مطرح کنیم و یک فصلی برایش باز کنیم و پیرامونش گفتگو کنیم، فکر میکنم این مجهولات و بهمراه این خواهد رفت و من معتقدم شورای رهبری است که میتواند قانون اساسی را بهتر از هر کس تفسیر بکند، بخصوص که شورای رهبری عمرش بیشتر از شورای نگهبان است.



نایب رئیس — چند یادداشت رسیده است که قرائت میکنم : آقای قرشی نوشتند که « پیشنهاد آقای منتظری و آقای دکتر آیت را به رأی بگذارید ». آقای ربانی شیرازی نوشتند که « تشخیص این اصل بعده مجتهدان طراز اول است ». آقای سبعانی نوشتند به جای « اطلاعات و عمومات » نوشتند شود « اجمال و تفصیل قانون اساسی » آقای قائمی نوشتند « این اصل برهمه اطلاعات و عمومات همه قوانین حاکم است و تشخیص آن با فقهائی است که در شورای نگهبان انجام وظیفه میکنند ». آقای رحمانی نوشتند « و توجیهی که مطابقت باشرع نداشته باشد ، غیرقابل قبول است و مرجع تشخیص در اصول آینده تعیین خواهد شد » آقای موسوی اردبیلی مطلب خودشان را روی کاغذ آورده اند که قرائت میکنم : « کلیه قوانین و مقررات جزائی ، مدنی ، مالی ، اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، نظامی و سیاسی و غیره اعم از استفاده از اصول قانون اساسی و مصوبات مجلس شورای ملی باید براساس کامل موازین اسلامی باشد و تشخیص این جهت بافقهائی است که در اصول بعدمعین خواهد شد ». آقای مراد زهی بفرمائید .

مرادزهی — از نظر فن قانون نویسی ، نحوه نگارش این اصل درست نیست ، بخصوص که نوشتند « کلیه قوانین و مقررات مدنی ، جزائی ، مالی ، اقتصادی ، اداری ، فرهنگی نظامی وغیره » خوب کلیه مقررات شامل همه این موارد میشود ، دیگر تکرارش ضروری نیست و اما در قسم آخر که نوشتند شده « با رعایت کامل موازین اسلامی باشد » یک بار کافی است و ادامه اضافات دردی را دوا نمیکند ، زیرا قانون هرچه ساده‌تر و جامع تر باشد بهتر است و این اصل در بیشتر قوانین کشورهای اسلامی رعایت شده و خیلی ساده فقط نوشتند « دین رسمی کشور اسلام و شرایط قانون‌گذاری شریعت اسلام است » و تشخیص آن و ضمانت اجرای آن که شما احالة فرمودید ، ذکر خواهد شد که چه نوع قوانین و به چه کیفیتی باید باشد .

نایب رئیس — آقای مشکینی فرمایشی داشتید ؟

مشکینی — مطلب بنده همان است که نوشتند ام .

نایب رئیس — آقای حیدری بفرمائید .

حیدری — عرض بنده در دو مورد است . اولاً قانون اساسی باید ابهام نداشته باشد و باید صریح و روشن باشد ، حتی از حیث اطلاق و عموم و اگر چنانچه در این اصل اضافه کنیم « اطلاعات و عمومات » در قانون اساسی مراد قانون‌گذار را بیان و روشن نکرده که آیا مراد از اطلاق است یا عام است یا خاص . پس هر فردی نگاه به قانون اساسی بکند ، در شک باقی میماند که آیا قانون‌گذار مرادش عموم بوده است یا مرادش خصوصی است . آنوقت آن مرجع باید با نظریات و عقاید خودش تفسیر اطلاق را بکند و اگر این باشد ، معنایش این است که اساس قانون اساسی را برهم بزنیم . پس باید در اطلاعات ، اگر منظور اطلاق است باید به همان نحو اطلاق تصویب بشود ، نه اینکه یک اصل دیگری بیاوریم و اگر منظور عموم است ، باید به نحو عموم و اگر منظور خاص است ، باید به نحو خاص باشد . عرض دوم من این است که نوشتند شده « براساس موازین اسلامی تنظیم شود ». روز چهارشنبه و پنجشنبه صحبت بود که نوشتند شود « براساس موازین اسلامی که از قرآن و سنت گرفته شود ». حال فرمودند که باید قید کتاب و سنت باشد ، برای اینکه در باب قضایت مراجعی را تعیین کردند که اگر قاضی نتوانست حکم را از آئین نامه قضایت بدست آورد ، به موازین دیگری که در اصل صدوسی و شش



ذکر شده است «در مواردی که قاضی نتواند حکم دعاوی حقوق را در قوانین موضوعه بیابد، باید با الهام از قواعد شرع و عرف و عادت مسلم، آنچه عدالت و مصالح عمومی اقتضا دارد، حکم را صادر کند». پس اینجا عرف و عادت و مصالح عمومی را منشأ و موازین برای صدور حکم برای قاضی تجویز دانسته است، در حالیکه اینها از موازین شرعیه نیستند، پس باید مقید شود به قرآن و سنت.

نایب رئیس – بسیار مشکرم آفای مقدم مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای – بنده در مخالفت با این اصل عرض میکنم که اصول باید مشخص و منجز و روشن باشد و عرض کردم که ما یک اصل شصت و شش داریم که هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف اسلام باشد. فرمودند که ما در اینجا یک نظر کلی داریم، اگر منظور کلی است آنچه که ما اینجا میگوئیم کلی نیست زیرا وقتی میگوئیم مقررات، مقررات خیلی وسیع است، مقررات نظامی و مالی و غیره. فرض بفرمائید مقررات نظامی، وقتی بخواهند یک دستور نظامی صادر کنند باید روشن شود که آیا این دستور واقعاً مطابق قرآن و سنت است یا خیر. توجه بفرمائید که چه اشکالی بیش خواهد آمد. متنهای وقتی یک اصل پیشنهاد میشود تقریباً نظر اکثریت در یک زاویه است و همه میخواهند نظر خودشان را با تغییر جملات اعمال کنند، در صورتیکه بنده روز اول یک پیشنهاد تنظیم کردم که اصلاً قرائت فرمودید.

نایب رئیس – حتماً بdest من نرسیده است چون همه پیشنهادها در اینجا مراقبت و نگهداری میشود. آقای کرمی نوشتند «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، فرهنگی، اداری، نظامی، سیاسی و غیره... باید براساس موازین صریح اسلامی باشد» خواسته‌اند با افزودن یک کلمه «صریح» بر آن متن پیشنهادی، نظرهای مختلف را تأمین کرده باشند. آقای بشارت نوشتند «کلیه مقررات و قوانین مدنی، مالی، اقتصادی، فرهنگی، اداری، نظامی و سیاسی و غیره باید براساس کامل موازین اسلامی باشد. براساس این اصل کلیه قوانین و مقرراتی که طبق موازین اسلامی نباشد، با تشخیص فقهای شورای نگهبان باطل است و قابل اجرا نخواهد بود.» آقای جوادی نوشتند «کلیه قوانین الی آخر... باید مفاد و اطلاق و عموم آنها براساس کامل موازین اسلامی باشد.» پیشنهاد آقای فارسی این است «تفسیر اصول قانون اساسی بر عهده شورای فقهیان و اسلام‌شناسان است که در اصول آینده کیفیت و اختیارات و وظایف آن مشخص میشود» البته این یک پیشنهاد کاملاً جدیدی است.

آقای مراغه‌ای نوشتند «جمهوری اسلامی براساس موازین اسلامی است و خلاف آن جایز نمیباشد» آقای صافی نوشتند «حضر بر شورای نگهبان یک خلاف واقعیت است، مشخص فقهای جامع الشرایط میباشند و راینجا هیچگونه ابهام و اشکالی در آینده پیدا نخواهد شد و اعتبر قانون هم کاسته نشده بلکه افزوده میگردد.» آقای مکارم مطلب خودشان را کتاب نوشتند که دیگر تکرار نمیکنم. آقای دکتر ضیائی هم مطلبشان را کتاب نوشتند که تکرار نمیکنم. در پایان دو پیشنهاد رسیده است، یکی کفايت مذاکرات و رای گیری به متنه که بتواند همین جا تنظیم شود و این نکات را شامل شود که گمان میکنم اگربرمتن پیشنهادی آقای منتظری کلمه «اطلاق یا عموم» را اضافه کنیم، چون حاکمیت بر کل قوانین خیلی عبارت را مبهم میکند، متنهای به جای «اطلاقات و عمومات»، «اطلاق و عموم» کافی هست، مینویسیم» این اصل



بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است ». اگر در اصول آینده طبق پیش‌بینی اصلی راجع به شورای نگهبان داشتیم که این تغییر نمیکند و اگر نداشتیم ، در مرحله نهائی که داریم برای همین است که یک سلسله اصلاحاتی از این قبیل لازم میشود و این کار را آنچا انجام میلدم . فعلاً این مقدارش برای بین‌الرشد است که اگر شورای نگهبانی باشد و فقهائی در آنجا معین بشوند و تشخیص این امر را بر عهده فقهای شورای نگهبان بگذاریم ، این بین‌الرشد است .

ربانی شیرازی — بعده فقها بگذارید .

نایب رئیس — فقهای شورای نگهبان .

طاهری — فقیه اعلم چه اشکالی دارد ؟

نایب رئیس — اگر در یک زمانی یک فقیه اعلم مشخص نداشته باشیم و دو یا سه نفر مساوی داشتیم که مکروه هم پیش می‌آید ، خصوصاً در اوایل مرجعیت و اینها نظرات مختلف داشتند ، تکلیف ملت چیست ؟ بعد از یک مرجعی همانطور که می‌بینید در سالهای اول معمولاً مرجع در یک نفر معین نمی‌شود .

طاهری — اصل پنجم را هم که نمیخواستیم اینجا مطرح کنیم ، این را هم عین همان بگذارید که با اکثریت آراء باشد .

نایب رئیس — این یک امر تشخیص است . اجازه بدھید این بحث را در آنچا بگذاریم اما تا به حال در دوچار بر طبق پیشنهاد خود آفایان یک قید اضافه کردیم ، یکی در بند دوازده اصل سه است یعنی در عبارت «بی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه جهت ایجاد رفاه و رفع فقر... الى آخر» حالاً اگر آفایان لازم دانستید که اضافه بشود «برطبق ضوابط اسلامی» یا احلاً لازم نیست یا احاله به مجھول است یا هر اشکالی که فکر می‌کنید اینجا هست ، آنچا هم هست ، و یا واقعاً اگر تشخیص دادید که این قبود لازم است ، بینیم چرا لازم است ؟ چون جاھائی هست که مظان لغش از معیارهای اسلامی ممکن است باشد ، وقتی این را لازم میدانید اگر بخواهیم این رویه را تا آخر ادامه بدھیم شاید بیست یا سی جای دیگر این قید را باید اضافه کنیم . پیشنهاد این بود که این اصل را اینجا بگذاریم و حتی آن قید را در اصلاح نهائی برداریم . البته حالاً که بر نمی‌گردیم ولی لاقل از این به بعد دیگر بخارط مظان لغش ، این قید را اضافه نکنیم و از تکرار این قید جلوگیری کنیم . این مطلب مطرح شد و توضیح هم داده شد که چیزی جز این ممنظر نیست و بعلاوه آفایان مرتب تأکید میفرماید روی صراحة و قاطعیت ، ایشان هم میفرمودند قانون باشد صریح و قاطع باشد ، معنی قانون صریح و قاطع اینست که اگر خواننده باخوانندگانی پیداشدند که اهل دقت نظر پیش از سطح متوسط باشند ، دقت نظر آنها هم تأمین شده باشد . این معنی قالبی بودن و قطعی بودن بیان در قانون اساسی است . ملاحظه فرمودید که در همین مجلس چنین چیزی روی داد ، یعنی عبارت قبلی را خواندیم و برای بعضی از نمایندگان محترم ابهام و شائبه و احتمال عدم صراحة و عدم قاطعیت کافی و قالبی نبودن کافی پیش آمد . بنابراین ، این کاری که کردیم برای اینست که از همین جا در همین اصل هم این قسمت را رعایت کرده باشیم که آن مطلبی را که میخواهیم بگوئیم صریح و قاطع باشد . پنده در آغاز جلسه عرض کردم



که اگر همه آن اضافاتی را که نمایندگان محترم گفتید ، اضافه کنیم چیزی بر مطلب اصل اضافه نخواهد شد و همان اصل است ، فقط آنرا صریحتر و قاطعتر و مشخص تر کرده ایم و این هم که نباید ما را نگران کنند . خوب اگر اجازه میفرمایید برای اینکه اگر ما بخواهیم برای اینگونه تغییرات تنفس بدھیم و چیز جدیدی آماده کنیم ، گمان نمیکنم دیگر بهتر از این باشد ، اصل را با اضافه ای که در ذیلش آمد با این اصلاح میخوانم ، مرقوم بفرمایند که بتوانیم به رأی بگذاریم آقای حجتی کرمانی بفرمایند .

حجتی کرمانی — جمله اول که نوشتہ شده «بر اساس موازین اسلامی باشد» معنی آن این است که آن اطلاقات بربنای موازین اسلامی است و اگر تخصصی باشد، همانجا باید باشند و اگر به پیشنهاد آقای حائری توجه کنیم، می بینیم که آن ایراد آقای حائری حل نشده است و با کلمه اطلاقات این اصل از قانون اساسی دچارتی می شود.

نایب رئیس — توجه بفرمایند من بند دوازده از اصل سوم را می خوانم. شما بفرمایند سست است یا خیر. (صافی) — اگر اینطور است همه جا بتوسید بطبق موازین اسلامی بند دوازده — «پیروزی اقتصاد صحیح و عادلانه بطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم ییمه» در این بندگته اید که قید «برطبق ضوابط اسلامی» را اضافه کنیم، آیا اضافه کردن قید «برطبق ضوابط اسلامی» آنرا متزلزل کرده؟ چند پیشنهاد رسیده که میخوانم. اول پیشنهاد آقای طاهری خرمآبادی را قرائت می کنم:

اطلاقات و عمومات قانون اساسی و قوانین دیگر محدود و مقید به موازین اسلامی است و تشخیص آن با فقهائی استکه در قانون اساسی برای نظارت بر قوانین مجلس شورا معین شده است. (طاهری خرمآبادی)

طاهری — صدر پیشنهاد را قرائت نفرمودید.

نایب رئیس — «تمام اطلاقات و عمومات در قانون اساسی» روشن تر است که لفظ حاکم هم بکار نزود. پیشنهاد دیگری است از آقای منیرالدین حسینی که قرائت می کنم :

ریاست محترم

— کلیه قوانین و مقررات مدنی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

این اصل بر فراغیریها و محدودیتهای کلیات و اصول قانون اساسی حاکم، تفسیر و تبیین فراغیریها و محدودیتها، بعده شورای رهبری است.

(سیدمنیرالدین حسینی)

نایب رئیس — بند این اصل را که نتیجه تنظیم کل نظرات بوده به رأی می گذارم و امیدوارم که رأی کافی بیاورد، چون همه نظرات را تأمین کرده است. (جوادی) — «کلیه موازین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد» اگر اصطلاح اطلاق و عموم لازم باشد باید به این صورت اصلاح شود، باید مفاد و اطلاق و عموم آنها بر اساس کامل موازین اسلامی باشد) آقای جوادی توضیح دادند که کسانی که احیاناً به اظهار نظر ایشان و یا به پیشنهاد آقای طاهری و یا پیشنهادات دیگری که قرائت شد، معتقدند، این مطلب را در رأی شان دخالت بدھند، لطفاً این رابه



این صورت که پیش بینی و اقتباس از مجموع مطالب شد، مرقوم بفرمانید تا در موقع رأی‌گیری کاملاً مشخص باشد که به چه چیزی رأی میدهید. اصل چهارم طبق آنچیزی که آقای طاهری پیشنهاد کرده‌اند، به این صورت درمی‌آید:

اصل ۴ (اصل چهارم)—کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی و اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و غیر اینها باید براساس موازنین اسلامی باشد و اطلاق و عموم قانون اساسی و قوانین دیگر محدود و مقید برموازنین اسلامی است و تشخیص آن با فقهائی است که در قانون اساسی برای نظارت بر قوانین مجلس شورا معین می‌شود.

مکارم شیرازی — اولی خیلی محکمتر بود.

نایب رئیس — بسیار خوب بنده خواستم این را خوانده باشم که رویش نظر داده بشود.

پیشنهاد دیگری از آقای رباني امشی است که می‌خوانم:

— کلیه قوانین اساسی و مصوبات مجلس از هرگونه باشد، بلا استثنایابد براساس موازنین اسلامی باشد، کلیه اطلاقات و عمومات باید با توجه به این اصل تفسیر شود. (ربانی امشی) خوب چنین احساس می‌کنیم که در جمیع اگر طبق روند زمانی جلو برویم، راحت‌تر به نتیجه می‌رسیم. خواهش می‌کنم توجه بفرمانید، چیزی را که جلوتر مطرح بود می‌خوانم:

اصل ۴ (اصل چهارم)— کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی وغیر اینها باید براساس موازنین اسلامی باشد. این اصل براطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگرها کم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

لطفاً گلدانها را برای رأی‌گیری ببرید.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه‌آن پس از زیراعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسهٔ صحت و نفر است و اصل چهارم با پنجاه و شش رأی موافق دربرابر هفت رأی مخالف و شش رأی ممتنع تصویب شد. تکبیر (حضراسه، رتبه تکبیرگفتند) گروه اول دربارهٔ اصل پنجم بدليل محتواهی اصلی و اساسی آن چنین تشخیص داد که دریک جلسه مشترک باگروههای دیگریه همان صورت که در جلسهٔ گروه، مسائل مورد بحث قرار می‌گیرد به همان شکل بتواند روى اصل پنجم با نمایندگان دیگر بحث کند. این بحث صبح روز پنجشنبه و صبح امروز به تفصیل ادامه داشته است و امیدواریم فردا صبح در جلسه سومی که برای این منظور به دعوت گروه اول تشکیل می‌شود و ساعت هشت و نیم کارش را آغاز خواهد کرد، بتوانیم اصل پنجم را هم بصورت نهائی تنظیم کنیم. بنابراین اصل پنجم فردا برای عرضه به مجلس آماده خواهد شد. اصل ششم قبل آماده شده بود و روز پنجشنبه مقداری دربارهٔ آن صحبت شد. اصل این بود «در جمهوری اسلامی شورا یکی از بیانی اساسی اداره امور جامعه است» در این باره مطالبی گفته شد و پیشنهادهای هم شد. من از طرف گروه یک از نمایندگان محترم خواهش می‌کنم توجه بفرمایند که ما غیر از اصل ششم، یک اصل دیگری داریم بنام اصل هفتم که در آن طرح قبلی که همه پانزده اصل فصل اول را داده بودیم و خدمتستان داده‌اند، در آن طرح اصل شش به این صورت است «در جمهوری اسلامی شورا یکی از بیانی اساسی اداره امور جامعه است (و امرهم شوری بینهم)» و همچنین اصل هفتم چنین است «در جمهوری اسلامی آراء مردم در همه سطوح، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان واجد شرایط



برای مجلس شورای اسلامی، شوراهای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظائر اینها نقش بنیادی دارد، طرز تشکیل شوراهای حدود کارآنها بوسیله مجلس شورای ملی تعیین می‌شود» ملاحظه می‌فرماید که در پیش نویس قبلی مسئله نقش نظرات مشورتی و نقش آراء عمومی هردو دریک اصل گنجانده شده بود، وقتی که این درگروه مطرح شد با توجه به نظرات رسیده از طرف صاحب‌نظران مختلف و پیشنهادهندگان دیگر که از همان چهار هزار پیشنهاد و نظریه استخراج شده بود، گروه اول به‌این نتیجه رسید که نقش سازنده مشورت، یک مطلب است و نقش ضرورت اتکاء به آراء عمومی هم یک مطلب و اگر این دو مطلب را از هم جدا کنیم، هریک از آنها حقش بهتر ادا شده و در قانون اساسی برجسته خواهد بود، براین اساس بوده که مطلب قبلی در دو اصل به‌این صورت به مجلس عرضه شده است، اولاً امیدوارم که همه مردم ما با این توضیحی که دادم توجه بفرمایند که در مجلس خبرگان و در گروههای مستعول تهیه اصول، با عنایت و اهتمام به آراء مردم و با عنایت و اهتمام به استفاده از آراء مشورتی صاحب‌نظران در این دو اصل اهتمام، دقت و کوشش کامل شده است و هیچ منظور این نبوده است که نقش شوراهای و نقش نظر مشورتی و نقش آراء مردم ذره‌ای کمتر از آنچه شایسته یک حکومت و جمهوری اسلامی است، باشد. ثانیاً، همین‌طور که برنامه این چند روز نشان داد همه تلاش و کوشش شما نمایندگان ملت ایران در این مجلس براین است که در امانتی که بشما سپرده‌اند، رعایت کامل مستولیت را در حد تشخیص خودتان کرده باشید، به‌همین جهت روی جمله‌ها دقت می‌شود، روی تعبیرها دقت می‌شود، روی افزایش یا کاهش یک «واو» یا یک کلمه دقت می‌شود و این دقت‌ها بمنظور رعایت امانت است و هیچ‌گاه بمنظور متزلزل کردن هیچیکی از ارزش‌های اصیلی که در طول انقلاب اسلامی در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها بر مردم ما عرضه شده است، نیست و چنین احتمالی هم معنی ندارد، چون بعضی‌ها هستند که در این زمینه ممکن است دچار کمترین دغدغه یا وسوسه‌ای بشوند، این توضیح را لازم دانستم امروز عرض کنم و امیدوارم که همین امشب این توضیح را رادیوتلویزیون به اطلاع ملت ما برسانند. استدعای من این است که به پیشنهادی که گروه اول از همکاران شما دریابان مفاد این دو قسم تهیه کرده‌اند، توجه بفرمایید و اگر نظرات جدیدی بنظرتان می‌رسد، موقوم بفرمایید و در اختیار گروه و یا در اختیار آن‌گروه چهاردهنفری بطبق سنت قرار بدهید تا ما بتوانیم این دو اصل را هم بزودی مورد شور و بررسی نهائی قرار بدهیم. در این مورد دونظر وجود دارد یکی اینکه، بعضی از دوستان نظرشان این بود که رأی گیسری درباره اصول ششم و هفتم پس از مشخص شدن اصل پنجم و رأی گیری در باره آن میسر است و نظر دیگر این بود که ما می‌توانیم روی اصلهای شش و هفت قبل از بحث کنیم و رأی بگیریم و آن نکاتی را که درباره این دو اصل لازم می‌دانیم، در اصل پنجم بگنجانیم. من تابع نظر مجلس هستم اگر نظر اکثریت نسبی مجلس یعنی نصف بعلو و یک این باشد که ما می‌توانیم قبل از تصویب متن اصل پنجم، اصل‌های شش و هفت را برای بررسی و تصویب مطرح کنیم، می‌توانیم امروز به کارمان ادامه بدهیم، و گرنه ناچاریم که جلسه را تعطیل کنیم و زودتر به تهیه دستور جلسه فردا عصر پردازیم. نمایندگانی که با ادامه کارمان و بحث درباره اصل شش موافقند، قیام فرمایند. (اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد. پس وارد بحث در اصل شش می‌شویم. آقای منتظری بفرمایید.

منتظری— بسم الله الرحمن الرحيم . اولاً اینکه در اصل شش آمده است «شورای‌کی از بانی



اساسی اداره امور جامعه است» یعنی شورا غیر از آراء مردمی است که در اصل بعدی آمده است «که بوسیله آراء مجلس شورا ویشورای شهرستان ویا شورای روستا تشکیل می‌شود» یعنی مشلان ظور براینست که نخست وزیر مشاور داشته باشد ویا وزیر باید مشاور داشته باشد آیا مراد این است؟ یانه مراد از شورا یعنی همان آراء مردم است که مجلس شورا ویا شورای شهرستان را تشکیل می‌دهند؟ اگر مراد دولتی است، دیگر این را دردو اصل قراردادن معنی ندارد، زیرا معنی آن این می‌شود که وقتی نخست وزیر می‌خواهد دریک مسأله‌ای نظری بدهد، باید با مشاورش مشورت کند. آیا مراد این است؟ و یا اینکه مراد آن شورائی است که بوسیله آراء مردم درست می‌شود؟ این یک اشکال که چرا این را در دو اصل قراردادهاید. اشکال دیگر راجع به انتخاب رئیس جمهور است. اگر چنانچه رهبری ویا شورای رهبری را پیذیریم بالاخره آن هم متکی به رأی مردم است یعنی مردم اهل خبره را انتخاب می‌کنند و اهل خبره هم رهبر ویا اعضاء شورای رهبری را انتخاب می‌کنند. اما دربورد انتخاب رئیس جمهور هم ما اشکال داریم، برای اینکه باید شورای ریاست جمهوری باشد و اگر چنانچه شورای رهبری هم باشد، ممکن است بگوئیم اصلاح یک وجود زائدی است زیرا آن رهبر ویا شورای رهبری، نخست وزیر را مأمور تشکیل کاینده می‌کند و دیگر یک موضوع تشریفاتی در این میان نیست. بنابراین تا اینها روش نشود مانند توانیم در این دو اصل نظر بدھیم.

نایب رئیس— برای اینکه جلسه بانظم کامل ادامه پیدا کند، از دوستان دیگر خواهش می‌کنم درباره اصل هفت دیگر صحبت نفرمایند، اعلام شد که اصل شش مطرح است.

منتظری— هردو یکی است.

نایب رئیس— شمامی فرمودید که هر دو تا یکی است و تمام می‌شد، اصل شش را قرأت می‌کنم:

اصل ۶— در جمهوری اسلامی شورا یکی از بانی اساسی اداره امور جامعه است. به سؤالی که جنابعالی فرمودید، از طرف گروه، یا خود من و یا یکی از دوستان جواب داده می‌شود تا مطلب روشن بشود، آن وقت بحث را ادامه می‌دهیم. ممکن است نظر نهائی جنابعالی و بعضی از دوستان این باشد که این اصل زائد است و باید داخل در اصل هفت باشد. نظر خودتان را بیان کنید، روی آن هم رأی می‌گیریم. عرض می‌شود که امروز در اداره امور جامعه تحت عنوان شورا نقش آن، شوراهای مختلفی با دلائل مختلف مطرح است و می‌شود سرانجام این دلایل را به یک دلیل منتهی کرد ولی در بحث‌های اجتماعی ما می‌بینیم که دلایل از نظر زمینه قبول و یا عدم قبول یکسان نیست، یکی اینکه شورا یعنی مجلس شورای ملی، ملاحظه می‌کنید که این یک نظر عمومی است و امروز اکثر قریب به اتفاق نقش شورا را به شکل مجلس شورای ملی پذیرفته‌اند، دیگر شوراهای استان و شهرستان و بخش و روستا است، شوراهای استان و شهرستان را هم که چیزی شبیه انجمن شهر یا انجمن ایالتی و ولایتی است که قبل هم بوده و کم و بیش زمینه روشنی دارد، ولی غیراز این یک سلسله شوراهای دیگر امروز مطرح است، مثل شورای کار در کارخانه، شورا در ادارات مختلف اعم از ادارات لشکری و کشوری، شورا در مدارس و شورا در دانشگاه و اینگونه شوراهای شوراها، شوراهایی است مربوط به کیفیت اداره یک مؤسسه



معین، مثلاً شورای کار برای اداره کارخانه و کارگاه است، شورای اداری برای اداره یک واحد دولتی است و شورای مدارس برای اداره یک مدرسه است و ترکیب اعضای این شورا و حدود و اختیارات و وظایف از آن مسائلی است و مسبوقید که در این ایام روی آن بحث و تکیه می‌شود و در این مورد است که می‌بینید آراء بسی مختلف است. عده‌ای نقش دادن به این شوراهای را خد مدیریت و مرکزیت لازم برای اداره کردن می‌دانند و عده‌ای نقش دادن به این شوراهارا کمک به مدیریت سالم و هماهنگ و تشویق کننده کارکنان یک واحد می‌دانند. البته چه از نظر تشخیص و چه از نظر ترغیب و تشویق و احساس مسئولیت کردن، درست است که بالمال همه اینها یکی است و آن عبارت از این است که هرقدrama به افراد دراداره امور عمومی بهای بیشتر و نقش بیشتر بدھیم، آنها احساس حضور بیشتر و مسئولیت بیشتری کنند و ما می‌توانیم همه را به یک مبنای فکری برگردانیم، ولی همانطور که عرض شد زمینه فکری عمومی وزینه قول عمومی آن یکسان نیست. حالا برمی‌گردیم به مسأله «امرهم شوری بینهم» و یا «شاورهم فی الامر» از نظر استدلال اسلام‌شناسی، گروه‌ما اینظور فکر می‌کنند و یا الاقل تعدادی از افراد گروه که پیداست اکثریت بوده‌اند که اصل را به این شکل عرضه کرده‌اند که استفاده از شورا و دخالت دادن نظرات‌شورتی بعنوان اینکه چند فکری‌شیوه از یک فکر بردو توان دارد و بعنوان اینکه وقتی افراد بیشتری از صاحب‌نظران در یک تصمیم دخالت دارند، تأثیر بیشتری برای حسن اجرای آن دارند زیرا هم در اتخاذ تصمیم تأثیر بهتری دارند و هم در قدرت اجرای آن که کاملاً می‌تواند مستبد باشد این دو آیه باشد. مسأله انتکاء برآراء عمومی لزومی ندارد که متکی براین آیات باشد تا احیاناً بحث بشود که آیات کتک‌تک افراد مردم صلاحیت اثلاهار نظر در باره‌فلان امرفی را دارند یا ندارند، چون این سؤال پیش‌می‌آید، ما اینظور فکر می‌کنیم که ضرورت انتکاء برآراء عمومی در مراحل مختلف ناشی از یک مطلب دیگر است و آن این است که، بهترین نوع حکومت و بهترین نوع اداره کشور آن نوع حکومت و مدیریتی است که قدرتش را از حمایت عموم بگیرد نه از سرنیزه و نه از هیچ عامل دیگر، تکیه‌ما بر روی این زیربنای فکری است و در اینجا دیگر بحث نمی‌شود که آیا میزان نقش آراء عمومی در اینکه فکری پخته‌تر باشد چقدر است، ولذا می‌بینید در آنجا دیگر اصلاً آراء عمومی در اتخاذ یک تصمیم دخالت مستقیم ندارد، دخالت‌ها عموماً غیر مستقیم است یعنی آراء عمومی می‌آید کسانی را معین می‌کند که از طرف آنها در اتخاذ یک تصمیم دخالت کنند و این مشاورین، مشاورین بدون انتکاء بر مردم نباشند، این مشاورین نظر شورتی‌شان در اصل شش نقش روشنگری و استحکام در تصمیم را دارد. در اصل هفت این مشاورین قدرت اجتماعی‌شان را از آراء عمومی و انتخاب مردم می‌گیرند، ملاحظه می‌فرمایند انتخاب مردم در نقش روشنگرانه شورتی یک کارشناس هیچ تأثیری ندارد و تأثیرش صرفاً در حمایت اجتماعی است، این است که ما آمده‌ایم مطلب رادر دوجا و به دو صورت مطرح کرده‌ایم تا در هر مورد بتوانیم استدلال خاص خودمان را درباره آن بیان کرده باشیم. بنظر ما آنچه مستقیماً به اصل «وامرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر» مربوط می‌شود اصل شش است و نقش مشورت در اینکه فکرها و تصمیم‌های پخته‌تر باشد البته آیه «شاورهم فی الامر» کم و بیش ناظر به روح اصل هفت هم هست زیرا بطبق صدر آیه که می‌فرماید «لوکنت فظاً غلیظ القلب لانفضوان حولک» ولی در عین حال ماخواسته ایم آن چیزی را که از این بخش از آیه استفاده می‌شود، جدا کرده باشیم و آنرا در اصل هفت می‌آورده باشیم. این توضیحی بود که می‌توانستم بدھم.



سبحانی — آیا شورا فقط در تصمیم‌گیری است و یا خود شورا مجری هم هست؟
نایب رئیس — خیرآقا. درآیه اول تصمیم‌گیری را به پیغمبر موکول می‌فرماید. در اینجا
نمی‌گوید چگونه، اعم از اینکه پیغمبر تصمیم‌گیرید که موافق رأی اکثریت آن شورا عمل کند
و یا نه، بگوید حرفهایتان را با من بگوئید و به من فرصت تصمیم‌گیری نهائی را بدھید. یعنی
کیفیت را معین نمی‌کند.

سبحانی — می‌فرماید با اینها مذاکره کن و بعد تصمیم بگیر.

نایب رئیس — آقای موسوی اصفهانی بفرمائید.

موسوی اصفهانی — بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض معدرت از همه سروران و خواهر
محترم من همیشه تلاشم این بوده که چون شاگرد همه این بزرگان هستم، از آنها استفاده کنم
و وقت را نگیرم. در زینه مساله شورا و نظام شورائی بر اساس اهتمام خاصی که بشخصه در
این زمینه دارم، آنرا مساله فوق العاده حساسی میدانم و مطالعه پیش‌نویسها و پیشنهادها
هم حاکمی از این است که اکثر گروههای زنده سیاسی و مذهبی و دسته‌های مختلف مردم،
توجه به این حقیقت داشته‌اند که با توجه به این که یک حکومت تازه دارد درجهان شکل می‌گیرد
و تصمیم دارد به خودش مตکی باشد، مستقل باشد و از یک سیاست مستقلی پیگیری کند،
تنها چیزی که علاوه بر کمک خداوند متعال میتواند حامی این حکومت در راهش باشد،
حمایت قاطعانه توده مردم است. من فکر می‌کنم که اگر این حکومت بخواهد حمایت عامه
مردم را بطرف خودش جلب کند، ناگزیر است که در اداره امور، از نظام شورائی پیروی
کند، مساله مشورت به دوشکل میتواند مطرح باشد، یکی به این شکل که کلا آنها که
در پستهای مختلف سلطنت قرار می‌گیرند و جامعه را میخواهند اداره کنند، بفکر مردم اهیت
بدهند و در مسائل با مردم شور داشته باشند اگر به همین صورت سطحی و ساده باشد، میتواند
از مساله حاکمیت ملی و از مساله آراء عمومی جدا باشد ولی اگر مشورت به این صورت مطرح
پشود که اساساً زیربنا و پایه اداره امور در جامعه بر بنیان و بر اساس مشورت و دخالت دادن
مردم باشد، بنظر من اگر بر این اساس روی مشورت صحبت بشود، دیگر از اصل بعدی که
اصل آراء مردم باشد و از اصل پائزدهم در پیش‌نویس قبلی قانون اساسی که مساله حاکمیت
ملی و عامه مردم باشد، جدا نیست و به همین شکل هم قاعدتاً باید مساله مطرح بشود و با
حکومت و ولایت فقیه هم مناسبت صد در صد دارد و آنطور نیست که این متفرق و متفرقی بر
آن باشد که اگر ما ولایت فقیه را پذیرفیم، مساله مردم مطرح بشود و پذیرفتن آن منافات با
پذیرفتن رأی و دخالت دادن مردم داشته باشد. همین‌طور که صبح هم یک مقداری در این زمینه
صحبت شد، برای اینکه وقت کمتری را بگیرم، خیلی کوتاه عرض می‌کنم. به عقیده بنده از چند
جهت احساس ضرورت این مساله می‌شود که در حکومت اسلامی، شوراها در همه سطح ها هم
در کارهای اداری و هم در کارهای غیر اداری که در سلطنت جریان دارد و دولت اجبار
دارد بر آنها نظارت کامل داشته باشد، در تمام این مراحل با حفظ مقررات و ضوابط
کلی و دخالت قاطعانه دولت و اجرای نظام شورائی در تمام مسائل عمومی و اجتماعی
سلطنت ضروری است، زیرا یک عاملی که این ضرورت را پیش‌می‌آورد و اشاره هم کردم، این است
که حکومتی که در شرایط حساس امروز دنیا میخواهد شکل بگیرد، با این همه بلوک‌بندیها،
حکومتی که وزیر خارجه اش هم رفته و بنام اینکه میخواهد از یک سیاست مستقل ملی و با



حفظ رعایت عدم تعهد در برابر ابرقدرتها راه خودش را ادامه بدهد و واقعاً این را میخواهد پیاده کنند که متکی به ابرقدرتی نباشد، تنها راهی که چنین قدرتی میتواند شکل بگیرد این است که به حمایت عامه مردم متکی باشد و تنها راهی که اگر بخواهد از حمایت عامه مردم برخوردار باشد، این است که در حرکتش و در راهش از همه مردم نیرو و کمک بگیرد ما می‌دانیم حتی پیامبر بزرگ اسلام هم در بیعت عقبه که دوازده نفر را بعنوان نقیب انتخاب کرده و با آنها بیعت میکند، از دوازده قبیله هستند که هر کدامشان نقیب قبیله‌ای انتخاب میشوند و از این سیاست همیشه پیامبر اسلام در همه زمینه‌ها کمک میگیرد و حتی زمانیکه قانون اساسی را در دنیای اسلام برای اولین بار مینویسد، سعی میکند تا حد امکان اداره امور را به عهده خود قبائل و اگذار بکندواز نیرو و از فکرشان کمک بگیرد، نه اینکه یک جمعی را بگمارد تا آنها را اداره بکنند. مسأله دوم که در اینجا مطرح است، این است که تجربه نشان میدهد که معمولاً پس از انقلابها آنچه که باعث انحراف حکومتها شده، کناره‌گیری مردم از جریان امور بوده است زیرا مردمی که تلاش کرده‌اند، رنج دیده‌اند و رژیم مستمرگری را کنار زده‌اند و بعد هم با خیال راحت رفاه زندگی خودشان رفته‌اند، با کنار رفتن مردم حکومتها هم آلوهه شده‌اند زیرا قدرت متمرکز شده و هزاران گونه فساد پیش آمده است. در اسلام می‌بینیم که همه تلاشش این است که همه مردم در جریان امر باشند «كلم راع و كلکم مستول عن رعيته» اسلام همه را مستول امور حکومی و امور اجتماعی دانسته است، مثلاً اگر گرسنه‌ای در گوشه‌ای از کشورهای اسلامی بباشد ولو به لحاظ نقص کارآن حکومت باشد، همه مسلمانهای مستول هستند. اسلام سعی کرده که جامعه اسلامی از مسائل کنار نزوند و می‌بینیم که رهبر بزرگ انقلاب و دیگر رهبران همیشه سفارششان این بوده که این عame مردم کنار نزوند. بارها امام خطاب به مردم فرموده‌اند که شما بودید که خون دادید، تلاش کردید و نهضت را به این مرحله رسانیدید، حالا کنار نزولید که جمعی بعنوان روشنفکر و یا بعنایین دیگر سرنوشت شما را بدست بگیرند، همان گونه که در نظام مشروطه اولین اصلی که زیر پا گذاشته شد و به عقیده من این پایه‌ای بوده برازیر پا گذاشتن سایر اصول، اصل تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی بوده که زیر پا گذاشتند و اصلاح بیاند نکرند که مردم در امور مربوط به خودشان دخالتی نداشته باشند و کنار بروند. امروز هم اگر تلاش ماین است که اسلام محفوظ بماند، ولا پت فقیه و حکومت اسلامی محفوظ بماند، به عقیده من اگر مردم را داشته باشیم همه چیز را داریم زیرا این مردم بودند که این زینه را براز ما فراهم کردن و اگر حمایت همین مردم را ما داشته باشیم دیگر طاغوت خواهد توانست بر مسلط بشود. پس مسأله دوم اینست که با ایجاد نظام شورائی حتی در تمام قشرها، در تمام مجتمع‌ها اگر حرکت و فکر مردم در تمام جریان امور باشد که بانظام امت و امامت هم کابلان سازش دارد و خیلی مفیدخواهد بود. امت همین حقیقت را نشان بیند، یک جامعه‌ای است که خودش یک راهی را انتخاب کرده، حرکت کرده و در آن راه تلاش هم دارد و امام در این حرکتها رهنمایش میشود و راهنمائی اش میکند و همه در این حرکت و مسیر همگامی دارند. مسأله سوم که امروز همه از آن می‌نالیم و صدرصد باید تلاشمان در آن راه باشد، این بوروکراسی واقعاً عجیبی است که سالیان سال طاغوت بر این جامعه حاکم کرده و همه خواستشان این است که این بوروکراسی که این همه بدختی و بیچارگی بسیار آورده است از بین برود. تنها



راهی که ما بتوانیم این بوروکراسی را ازین ببریم، این است که مردم را هم در امور شرکت بدھیم یعنی در تمام استانها، در تمام بخشها و در تمام ادارات، از فکر مردم استفاده ببریم، مخصوصاً با توجه به این حقیقت که می‌بینیم یک انسانی که در سرپرستی یک اداره یا یک شهر و یا یک مملکت قرار میگیرد همه گفتند که نود درصد مدیریت لازم دارد و ده درصد تخصص و به مراحل پائین‌تر که میرسد، گاهی نود درصد تخصص لازم است و ده درصد مدیریت، پس چه بهتر است که از این مدیریتهای اضافه مدیرانی که در رأس قرار گرفته‌اند، استفاده بکنیم زیرا آگر شور در کار و حرکت این افراد باشد، از همه مدیریتها بنفع کار و خودش میتواند استفاده بکند، منتها آگر چنانچه ما وحشت داشته باشیم که اینها به مشکلات و یا تجزیه بیانجامد، البته اینها همه راه حل دارد، آگر چنانچه مقررات و ضوابط کاملاً محفوظ بماند، این کار کاملاً نافع خواهد بود.

در خاتمه باید به یک مطلبی اشاره کنم در زمینه جریان سنتدج هرچند یک مشکلاتی در پیش بود و حضرت آیت‌الله طالقانی تشریف برداشت و شورائی را تشکیل دادند و جناب بنی صدر هم تشریف داشتند، با تمام مشکلاتی که برای این شورا پیش آمد و با وجود تقلب هائی که شد، لیکن عامل بزرگی بود که سنتدج از این آشوبها تا حد زیادی کنار بماند و چه بسا که آگر در جاهای دیگر شوراهای واقعاً حساب شده و براساس ضوابط صحیح تشکیل میشد، خیلی از این بحرانها پیش نمی‌آمد. دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس — برنامه ما این بوده که پایان جلسه ما وقت نماز مغرب باشد و تا نماز مغرب چند دقیقه‌ای فرصت داریم و کسانی هستند که برای صحبت اسم نوشته‌اند. آقای دکتر نوری بخشن بفرمائید.

دکتر نوری بخشن — بسم الله الرحمن الرحيم. با اجازه سروران گرامی عرض کنم که یک قانون اساسی هر قدر هم که مترقبی نوشته بشود، اگر به شرایط معیطی که این قانون اساسی می‌خواهد بپیاده بشود، توجه نشده باشد، در عمل با اشکال رویرو خواهد شد. قانون اساسی مشروطه را دیدیم که اشکال زیادی نداشت، ولی در عمل با اشکال مواجه شد. قبل از ناپلئون قانون اساسی یکی از جمهوریهای فرانسه بود که فقط سه سال طول کشید، این است که متأسفانه چیزی که شاید اینجا یک کمی به آن توجه نمی‌شود، شرایط خارج است که ما داریم و البته من نمی‌گویم که از محظوظ کم بکنیم ولی باید توجه بکنیم که این قانون اساسی کجا می‌خواهد بپیاده بشود. الان همین بند شانزده اصل سه که تصویب شد، متأسفانه زیاد بموازنین بین الملل تطابق ندارد و در عمل چیزی جز یک شعار از آن باقی نخواهد ماند و ملاحظه بکنید من وزنامه‌های خارجی را آورده‌ام بینند چه شروط صدائی برای اندخته اند و واقعاً به چه صورت از این مسائل سوءاستفاده می‌شود. اما راجع به شورا، این مسئله‌ای نیست که ما بخواهیم بگوئیم خوبست مشورت بکنیم، مهمتر نظام شورائی است که می‌خواهیم مطرح بکنیم چون مملکت ما از مردمی با فرهنگ‌های مختلف، زبان‌های مختلف، مذاهب مختلف و آداب و رسوم مختلف تشکیل شده است.

هاشمی نژاد — راجع به بند شانزده اصل سه که فرمودند با موازنین بین الملل زیاد تطابق ندارد و در عمل چیزی جز یک شعار از آن باقی نخواهد ماند، یک توضیحی بدھند.

نایب رئیس — آگر بخواهیم رعایت اصول را بکنیم، من باید به آقای نوری بخشن انتقاد



کنم که درباره بند شانزده جاندشت، صحبت کنند. لطفاً راجع به اصل شش صحبت بفرمایید.

دکتر نوربخش – بله من دارم راجع به اصل شش صحبت می‌کنم. عرض کنم برای اینکه این مردم را دور یک محور بیاوریم واداره بکنیم، امکان چندین سیستم هست، یکی دیکتاتوری یعنی چیزی که در گذشته به آن عمل شد و خواستند با زور تمام این مردم را روی یک محور نگهدارند و استقلال مملکت را حفظ کنند و از جداشدن و قطعه قطعه شدن مملکت جلوگیری بکنند و من فکر نمی‌کنم این راهی باشد که مورد نظر ماست. یک راه دیگر اداره کردن مملکت به صورت «فدراتیو» است که آنرا هم باجوی که می‌بینیم وبا نظراتی که می‌بینیم اظهار می‌شود فعلاً زود است که مملکت به‌این ترتیب اداره بشود. سیستم آخری که می‌میاند نظام شورائی است، نظام شورائی به‌این ترتیب است که البته باید فرصتی باشد و صحبت زیادی راجع به‌این مسئله بشود، ولی بطوطر کلی دونوع شورا هست، یکی شوراهای پایه یا شوراهای محلی که تصمیماتی که می‌گیرند، راجع به محل و راجع به مسائل خودشان است، یکی هم شورای صدر که حاکمیت ملی را اعمال می‌کنند که شامل مجلس شورای ملی و رئیس جمهور وبا شورای ریاست جمهوری است که بعداً صحبت‌ش خواهد شد و آنها حاکمیت ملی را اعمال می‌کنند ولی شوراهای پایه‌ای فقط مسائل مربوط به منطقه خودشان را رسیدگی می‌کنند. فرض بفرمایید مسئله‌ای که در سنتدج مطرح است با مسئله‌ای که در مشهد وبا در تهران مطرح است براي مردم فرق می‌کند، خود آن مردم احتیاجات خودشان را بررسی می‌کنند واین احتیاجات خودشان را می‌دهند به دولت، آن وقت دولت بطبق این احتیاجات برنامه‌ریزی می‌کند یعنی تصمیم راجع به مسائل خودشان را خودشان می‌گیرند. حال باز این مسئله پیش می‌آید که شوراهای را نمی‌شود تشکیل بدھیم بدليل اینکه فرهنگ مردم پائین است، خوب استخانش که اشکالی ندارد با توجه به اینکه این نظام شورائی خیلی نزدیک به اصول اسلامی است، براي اینکه در سیستم غربی چهار سال یکبار هر کس رأی میدهد و بعد می‌رود دنبال کارش ولی در سیستم شورائی مرتب شعضا در مسائل روز مربوط به خودش هست و راجع به مسائل تصمیم‌گیری می‌کند. ما در زمان شاه سابق دیدیم و نمونه‌های زنده‌اش هم هست. مثلاً در یکدهی آمدند و حمام ساختند و وقتی مقاطعه کار حمام را تحویل مردم داده و رفتۀ آنجا را خراب کردند و لی اگر خود مردم به‌این احتیاجات شان رسیدگی کنند ویگویند حمام لازم داریم، حتماً و مطمئناً دردادن زین و سرما یه گذاری و نگهداری آن دخالت می‌کنند، مثل مسجد محل خودشان از آن نگهداری خواهند کرد. چون در اینجا اصول کلی مطرح است فعلاً وارد جزئیات نظام شورائی نمی‌شویم ولی با این مطالبی که در اینجا گفته است «در جمهوری اسلامی شورا یکی از مبانی اساسی اداره امور جامعه است.» ضمن اجرای این چیزست؟ آیا فقط بصورت یکنیتی است یا ضامن اجرائی دارد؟ آن پیشنهادی که ما از طریق گروه به‌شورای هماهنگی دادیم به‌این ترتیب بود که مخصوصاً نظام شورائی ذکر بشود که البته خدمت آقای رئیس تقدیم خواهم کرد که اگر صلاح دانستند به رأی خواهند گذاشت.

دیگر مطلبی ندارم.

نایب رئیس – کنفرانسی در شهر دوشنبه که یکی از جمهوریهای اسلامی شوروی می‌باشد، برگزار می‌شود که از ایران طبق اطلاعی که داده‌اند، از دو نفر دعوت کرده‌اند که به این کنفرانس بروند، یکی از آنها برادران آقای دکتر غفوری هستند، ایشان باداشتی فرستاده‌اند که «چنانچه صلاح میدانید پیامی از طرف مجلس برسی قانون اساسی برای کنفرانس جهانی



اسلام که از پنجاه کشور اسلامی هستند فرستاده شود، بنابراین در این فرصت یکی دو روزه چیزی تهیه بشود.» البته تصمیم در این باره را هیأت رئیسه هم می‌توانسته است بگیردولی من مقید هستم یادداشتها را تا آنجا که آئین نامه اجازه میدهد بخوانم و در این مورد هم هیأت رئیسه تصمیمش رامیگیرد واعلام میکند. **کیاوش** — آقای دکتر نوربخش فرمودند اداره کشور به صورت فدراتیوزود است. لطفاً در این مورد توضیح بدhenد.

نایب رئیس — آقای دکتر نوربخش بفرمائید.

دکتر نوربخش — بنده عرض کردم استدلال میکنند و می‌گویند اداره کشور بصورت فدراتیوزود است. من این رامیگوییم بلکه می‌گوییم در سویس هم همین شیوه اجرا میشود و هیچ اشکالی هم موجود نیست.

نایب رئیس — در این باره بعداً باید مفصل صحبت بشود. نامه‌ای از یکی از گروهها رسیده است و پیشنهاد کرده‌اند که در آینده متن قانون اساسی در یکی از فصول کتاب علوم اجتماعی از دوره ابتدائی تا پایان دوره متوسطه و دانشگاه بطور کلی تدریس بشود تا همه مردم از آن با خبر باشند و عده زیادی هم زیر آن را امضا کرده‌اند. البته این نظری است که همه دوستان دارند و لازمه قانون اساسی است و امیدواریم که انشاء الله عملی بشود. آقای دکتر غفوری تذکری دارید بفرمائید.

دکتر غفوری — میخواستم عرض کنم که این مسأله شورا از افتخارات اسلام است. یک حدیثی هست که میخواهم آن را نقل کنم، البته احتیاج به حدیث ندارد چون مسائل، مسائل عقلی است، مسائل زندگی سازی است ضمن اینکه میخواستم خداحافظی کنم، براساس یک وظیفه شرعی که در این شرایط خاص بعده اینجانب میباشد، عرض میکنم که نزدیک به پنجاه تا شصت کشور مسلمان کنفرانسی تشکیل میدهند و حتماً راجع به ایران حساسیتی خواهند داشت و آشنازی بیشتری با تشیع پیدا خواهند کرد، مخصوصاً که در این زمان این مسأله شورا در اینجا مطرح است.

این عرایض رابعنوان خداحافظی عرض کردم و آن حدیثی هم که عرض کردم این است «اذا كان امركم شوري يبنكم فظهر الأرض خير لكم من بطنها واذا لم يكن امركم شوري يبنكم فبطن الأرض خير لكم من ظهرها» منتهای باید مادرم را آگاه کنیم، بیدار کنیم، به زندگی آشنا کنیم و البته در اول کار مقداری مشکل وجود خواهد داشت، همانگونه که طبق اصل سه باید آگاهی انسانها را در همه زمینه‌ها براساس اسلام و مقررات اسلامی بالا برد، بیش از این وقت نمایندگان محترم را نمی‌گیرم.

۴ — ختم جلسه

نایب رئیس — جلسه راتمام می‌کنیم و فردا صبح ساعت هشت و نیم جلسه مشترک گروهها است که درباره اصل پنجم بحث و تصمیم‌گیری خواهد شد.

(جلسه ساعت نوزده وسی و پنج دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه پانزدهم

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۰/۳۰، دقیقه روز ۲۱ شهریورماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیستم شوال المskرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمدحسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد

فهرست مطالب:

- ۱- اعلام رسیت جلسه - بیانات نایب رئیس درباره رحلت حضرت آیت الله حاج سید محمود طالقانی
- ۲- توضیحات نایب رئیس پیرامون «قانون شوراهای محلی» مصوب شورای انقلاب در تاریخ ۰/۴/۱۳۵۸
- ۳- طرح و تصویب اصل پنجم و بحث پیرامون اصل ششم قانون اساسی ..
- ۴- پایان جلسه



۱- اعلام و سمیت جلسه - بیانات نایب رئیس درباره

رحلت حضرت آیت الله حاج سید محمود طالقانی

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. باحضور حد نصاب لازم از نایندگان محترم جلسه رسی است و کاریان را آغاز می کنیم. برای همه ما جای تأسف بسیار است که جای عالم جنیل و مجاهد بزرگ و معلم و مریب و پیشگام اسلام اقلایی را در جلسه امروز، در جمع عمان خالی بیاییم.

شک نیست که آیت الله طالقانی در جامعه اقلایی مسلمان ایران، زنده وزنده باد و زنده نام است و هر انسان مؤمن به خدا و معاد، چه برای خودش و چه برای دوستانش، مرگ، جز نوعی جدا بی از محیطی و بیوستن به محیطی دیگر، جز انتقال، معنایی ندارد و این از اساسی ترین ویژگیهای مکتبهای الهی است که به جاودانه بودن انسان معتقد است. به همین دلیل بود که لازم دانستیم در اصل دوم قانون اساسی روی اصولی، از جمله این اصل تکیه کنیم، ولی تردیدی نیست که از دست دادن چنین چهره درخششنهای، ضایعهای بزرگ برای امت باست و با فقدان او خلائی بوجود آمده که پرشدنش میسر نیست مگر به پاگرفتن چهره و چهره هائی که همچنان بتوانند اینگونه نقش های پیشناز، مترقی، الهی و سازنده را بر عهده بگیرند و تاریخ بما نشان داده است که این چهره ها، خلق الساعه بوجود نمی آیند. ما بعنوان دوستان قدیم و همگامان و همراهان او در این راه و بعنوان نمایندگان مجلس خبرگان و بعنوان روحانیت متعهد و مبارز، یاد این عالم بزرگ راگرامی میداریم. بحسب وظیفه پریروز برای توفیق در شرکت در مراسم تشییع و امروز بمنظور موفق بودن و آماده بودن برای شرکت در مجلس ترحیم ایشان، دو روز تعطیل داشتیم. امروز هم از جانب روحانیت مبارز تهران، مجلس خبرگان، حزب جمهوری اسلامی، کمیته اصناف امام خمینی و گروه های دیگر در مدرسه عالی مطهری، مجلسی برپاست که وظیفه ما بود که در آن جلسه لاقل گروهی از ما شرکت بکنیم ولی نظر به وظیفه بزرگی که از طریق دیگر بعهده ما نهاده شده است، یعنی تسريع در تام کردن قانون اساسی، توفیق نداریم امروز در آن جلسه حاضر شویم و حضور برادران دیگر همچون حضور مخواهد بود. در آغاز این جلسه که اولین جلسه پس از رحلت ایشان است، یاد ایشان و گرامیداشت ایشان را وظیفه دانستیم و بار دیگر برای تجدید احترام نسبت به آن مرد بزرگ پیا می خیزیم و با خواندن سوره فاتحة الكتاب، این دیباچه آسمانی قرآن، یاد این معلم قرآن راگرامی میداریم.

(در این موقع نمایندگان و حضار در جلسه بپا خواستند و سوره فاتحة الكتاب را قرائت کردند).

۴- توضیحات نایب رئیس پیرامون «قانون شوراهای محلی»

مصوب شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۳

نایب رئیس - ضمناً دانشجویان، کارکنان واعضای هیأت علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران نوشته‌ای ارسال داشته‌اند که می‌خوانم:

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله وانا اليه راجعون

دانشجویان، کارکنان واعضای هیأت علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران، درگذشت می‌جاهد نستوه، مفسر کبیر وابوذر زمان را به حضور امام وامت و نمایندگان مجلس صمیمانه تسلیت عرض می‌کنند. امید است راه آن پوینده حق ادامه یابد و آخرین وصایای ایشان که در مورد لزوم تشکیل شوراهای است، مورد تأیید نمایندگان محترم مجلس خبرگان قرار گیرد.

وله الحمد يحيى ويحيى و هو حي لا يموت يده الخير وهو على كل شيء قدير. برادران وخواهيران نویسنده این یادداشت و برادران وخواهان دیگر در سراسر ایران، اصولاً راه انقلاب اسلامی ما یک راه بوده وهست و خواهد بود. ضایعه‌ها هرچند بس بزرگ است ولی راه ورثه‌ی ورثه‌پویان و روح این راه و چراخ و مشعل هدایت این راه آنقدر اصلیل و ریشه‌دار و بزرگ است که امیدواریم با ضایعه‌ها راهمان و آرامانمان هیچگاه دچار کاستی نشود. در یادداشتتان همچون در سخنرانان بعضی از سخنرانان دیروز دانشگاه تهران و در برخی از پلاکاردها این نگرانی بچشم می‌خورد که مسئله نقش شوراها چه می‌شود؟ برای من و برای دولت‌نامان جای تعجب است که این نگرانی از چیست و از کجا مایه می‌گیرد؟ شورای انقلاب اسلامی ایران در تاریخ سوم تیرماه یک‌هزار و سی‌صد و پنجاه وهشت یعنی بیش از دو ماه و نیم قبل، لا یحه تشکیل شوراهای را به دنبال توجه به ضرورت آن دراین مرحله انقلاب و بدنبال دستور امام و خواست مردم تهیه و تصویب و به دولت ابلاغ کرده است. از دولت پرسید که‌چرا با گذشت بیش از دو ماه و نیم این لا یحه را اجرانکرده است؟ این لا یحه الان در دست من است، با مهر و امضای شورای انقلاب، لا یحه تمام عیار است. بگذارید تنها ماده اول آن را برایتان بخوانم:

بسم الله الرحمن الرحيم

قانون شوراهای محلی

«ماده ۱- به پیروی از آیه «وامرهم شوری یعنیم» واصل شوراهای در قانون اساسی (یعنی همین قانون) که آن موقع پیش نویش تهیه شده بود) شوراهای ده، پنج، شهرستان و استان برمبنای تقسیم جغرافیائی و سیاسی که در قوانین معین است، در سراسر کشور تشکیل می‌شود.» این ماده اول بود که البته جمعاً هفده ماده دارد و در پایان آن دست نویس است که چون در متن لا یحه حداقل سن برای انتخاب کننده هیجده سال در نظر گرفته شده، حداقل سن انتخاب کننده به شانزده سال تمام اصلاح شده است. این قانون با اصلاح یادشده در تاریخ سوم تیرماه یک‌هزار و سی‌صد و پنجاه و هشت به تصویب شورای انقلاب رسید و در تاریخ هفتم تیرماه یک‌هزار و سی‌صد و پنجاه و هشت به دولت ابلاغ گردید. دولت در تاریخ بیست و پنجم تیرماه یک‌هزار و سی‌صد و پنجاه و هشت یعنی هفده روز بعد از ابلاغ ویست و یک روز بعد از تصویب، این نامه را به شورای انقلاب نوشته است:

«شورای انقلاب اسلامی، به پیوست یک نسخه نقطه نظرهای وزارت کشور در مورد



اجرای انتخابات قانون شوراهای محلی جهت استحضار ایفاد میگردد. والسلام.»
ملت ما و تحصیلکردهای ما نگران چه هستند؟ برای من و برای دوستانمان خیلی
بیشتر اظهار نگرانی آقای مهندس بازرگان نخست وزیر مورد علاقه‌مان در سخنرانی دیروزشان
مورد توجه بود زیرا از سخنان ایشان هم نگرانی از کار مجلس خبرگان استشمام میشد.

ایشان از چه چیز نگران هستند؟ از اینکه نمایندگان براستی میلیونها مسلمان انقلابی
ایران اینجاگرد هم آمده‌اند تا قانون اساسی را بر پایه اصلاح‌های اسلام بررسی و تصویب
کنند، نگرانند؟ از اینکه مسأله مهم شوراهای آن غفلت شده، نگرانند؟ ما در عالم همزیمی
با یارانمان از این حساب‌هانداشتیم، ما در طول این مدت چندماهه حکومت ایشان، چون حکومت
منتخب خود ما و ملت از طریق امام هستند، حکومت پیشنهادی شورای انقلاب هستند،
همواره وظیفه می‌دانستیم و می‌دانیم و وظیفه خواهیم دانست که ایشان را در این‌ای نقش
پر مسئولیتشان یاری‌کنیم، ولی این تعهد متقابل را ایشان در برایر ما، در برابر شورای انقلاب
و در برابر مجلس خبرگان و نمایندگان منتخب ملت دارند. طرح کردن این مسائل در جامعه ملت‌های
ما، آیا این، تسلی‌دادن به ملت داغدیده و مصیبت‌زده در فدان یک عالم و رهبر بود؟ باید به
این ملت چیزی گفت که آرامشش بیشتر شود، نه نگرانیش. در کجا رسم است که مصیبت‌زدگان
و داغدیدگان را نگران کنند؟ من بر حسب وظیفه‌ای که دارم چه در شورای انقلاب و چه در
این مجلس عزیز و محترم و با تأییدی که از دوستانم در هر کجا دارم، با صراحت به ملتمن
و به تحصیلکردهای عزیزمان و به دانشگاهیان پر ارج جامعه‌مان اعلام قاطع می‌کنم که
هیچ جای نگرانی وجود ندارد. بھیج وجه جای هیچ‌گونه نگرانی نیست. سا اینجا آزادانه
بحث می‌کنیم و در بحث همیشه نوسان است، البته گاهی به این سو و گاهی به آن سو می‌رود
ولی نتیجه باید مطلوب باشد.

آیا از اصولی که تاکنون در مجلس تصویب شده چیزی که کمترین نشانه نگرانی در
آن وجود داشته باشد، ملت ما و تحصیلکردهای ما و جامعه انقلابی ما ملاحظه کرده است؟
ما همان پیمانی را که در اول عمرمان با اسلام و خالق و خلق بسته‌ایم، همچنان به آن
وفداریم. این میثاقی بوده است بین ما و خدا و آئین خدا.

ما با تمام وجود برای حفظ اصلاحات و هویت اسلامی انقلاب و جامعه‌مان خواهیم کوشید و در این
راه و صراط مستقیم الهی، مطمئن هستیم همه دلها و اندیشه‌ها و احساس‌های پاک و مغزهای
متفسک و بازویان توانای نسلها و قشرهای مختلف جامعه اسلامی ایران و مسلمانان و مستضعفان
جهان با ما خواهد بود، و مطمئنیم که در این راه هیچ گوهر ارزشی و انسانی را از دست نخواهیم
داد، بعکس تنها بر این پایه و در این راه است که ما می‌توانیم به یاری و همکاری و
تعاون بر نیکی و تقوای این صاحبان بر و تقوا، ازیز و جوان و کارگروکشاورز، از پیشه‌ور و
دانشجو و دانش‌آموز و فرهنگی و از تحصیلکرده و تحصیل ناکرده و بازاری و بالآخره از روحانی
و غیر روحانی برخوردار باشیم، و روزی که در راه این انقلاب گام نهادیم، با چنین توکلی تا
زنده هستیم راهمان را ادامه خواهیم داد. ما در راه انقلاب اسلامی، سازش ناپذیر با هر
آهنگ انحرافی و التقطی، گام نهاده‌ایم و همچنان پارچا خواهیم بود.

اگر ملت عزیز ما، اگر موکلین و انتخاب کنندگان ارجمند ما در این آهنگ کمترین
تفصیل و فتوی می‌بینند، از فردا با هر وسیله‌ای که در اختیار دارند نظرشان را به ما اعلام کنند.



و اگر این راه را، راه مستقیم و استوار و متین الهی می‌دانند، دیگر کمترین دغدغه و نگرانی نداشته باشند. اجازه می‌خواهم در رابطه با همین مطلب، در همین جلسه عمومی که در برابر گوش و چشم ملت ما قرار دارد از شما نمایندگان محترم بپرسم که آیا همگان آنچه را که عرض کردم تأیید می‌فرماید؟ (نمایندگان—بله صحیح است، صحیح است).

صدقیقی— تنها نگرانی آقای نخست وزیر باید همین باشد که در این مدت دو مامونیم به لایحه مصوبه شورای انقلاب عمل نکرده‌اند.

نایب رئیس— بار دیگر من باید این موضوع را تا کید کنم تادشمنان انقلاب ایران بدانند که نه سخن دیروز برادرمان مهندس بازرگان در جمع ما رخنه و شکافی بوجود می‌آورد و نه عرايض امروز من. تنها و تنهای برای اينکه توضیح و افشاور و شنگری برای ملت اعزیزان باشد، این مطالب را عرض کردم. قبل ازاً اينکه به جلسه ييا يم با برادرمان دكتريشيانى می‌گفتم که همواره ترجیح داده‌ایم اگرچنان مسائلی پیش می‌آید، در درجه اول با اغماض از آن بگذریم تا مبادا ملت ما فکر کند درگیری وجود دارد. حالا هم با صراحة و براستی ازاً آنچه در قلبم می‌گزدد، می‌گوییم که هیچ‌گونه نشانه درگیری وجود ندارد. این برادر پيشتاز و پيشگام و عزيزان، اين پيرمود مبارزگرامی، در طی سخنانشان به هر دليل مطلبی را گفتند که لازم بود ملت ما آنچه درباره اين مطلب مفهم گذشته است، با روشنی ازاً آن باخبر شود و اين عرايض من و تأييد دوستان چيزی جز توضیح يك امر مفهم برای ملتمان نیست، و به کسانیکه ممکن است خیال کنند اينگونه مطالب از دوستانمان و اين توضیحات از نا نشانه کمترین فاصله و جدائی در مبارزه و تداوم کارمان در راه انقلاب است، باز اعلام می‌کنم که اميدواریم دشمنان انقلاب حسرت اين جدائی را به گور ببرند. (نمایندگان—ان شاء الله) آقای بشارت بفرمائید.

بشارت— من تقاضا می‌کنم که از سیمای جمهوری اسلامی ایران بخواهید حتماً مطالب شما را همین اشب پخش کنند. چون قبلاً سخنرانی جانب نخست وزیر را به از رادیو و یکبار از تلویزیون پخش کرده‌اند، خویست توضیحات شما هم حتماً پخش شود.

نایب رئیس— يادداشت‌هائی در همین زمینه از دوستان دیگر رسیده است و برادران و خواهانمان از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در اینجا هستند و می‌توانند این خواست را منعکس و برآورده کنند، وازان گذشته وظفه اسلامی این دستگاه خبری مردمی هم همین است که توضیح بنده را اشب پخش کنند و حتی به همان اندازه مکرر پخش شود که فرصتی باشد برای همه مردم تا از این مطالب باخبر شوند. آقای دکتر نور پخش بفرمائید.

دکتر نور پخش— در همین زمینه می‌خواستم عرض کنم که چرا اخبار مجلس خبرگان پخش نمی‌شود؟ نگرانی اکثر مردم هم از همین جا ناشی می‌شود که از اخبار مجلس، بی‌خبر می‌مانند. من خودم آماری گرفته‌ام از یکی از محلات متوسط‌نشین، و وقتی نظرشان را راجح به مجلس خبرگان پرسیدم، از صد نفر تقریباً هشتاد نفرشان گفتند که ما اصولاً خبرناریم در مجلس چه می‌گزدد، خوب، وقتی خبرنرد اشته باشند که در مجلس چه می‌گزدد، ممکن است برایشان نگرانی بوجود بی‌اید و گویند چه دارند می‌کنند و به اصطلاح معروف چه آشی می‌پزند که نمی‌خواهند مردم به فهمند و باخبر شوند. من دیدم آخرین روزی که آیت‌الله طالقانی اینجا تشریف داشتند، نسبت به شورای نظامی خیلی بحث‌شد ولی روزنامه‌ها اصلاح‌چیزی ننوشتند و حتی به غلط نوشتند که اصول پنج و شش تصویب شد، در صورتی که می‌دانیم تصویب نشد. اگر روزنامه‌ها مطالب را درست منعکس کنند و ازان طرف هم از مردم بخواهند که



نظراتشان را بگویند، چنین مشکلاتی پیش نمی‌آید و مسائل حل خواهد شد.
نایب رئیس—آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد—اجازه بدیدمن هم یک گله‌ای از هیأت رئیسه مجلس بکنم، چون جراید بخش خصوصی است و ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که مطالب رامتعکس کنند، ولی رادیو وتلویزیون هم که مال مردم است، مطالب آقایان را یا پخش نمی‌کنند یا بطور ناقص منعکس می‌سازند. چندی قبل یکی از برادرانمان مطلبی انتقادی گفتند که قسمتی از آن پخش شد، درحالیکه این بحث در رابطه با مسائل و مطالب قبلی بود که شما نسبت به آن گفته بودید. حتی تمام حرف آن برادر راهم پخش نکردند، و این جای شک و تردید بوجود می‌آورد که چرا اصولاً هیأت رئیسه بطور رسمی اعتراض نمی‌کنند.

۴— طرح و تصویب اصل پنج و بحث پیرامون اصل ششم قانون اساسی

نایب رئیس—بالاجازه دوستان واردستور می‌شویم و دستور جلسه امروز را مطرح می‌کنیم.
دستور جلسه امروز یعنی چهارشنبه بیست و یکم شهریور ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت قبلاً خدمتستان داده شده است اصل پنج و اصل شش و اصل پیشنهادی هفت، برای دستور جلسه امروز آماده شده. اصل پنج همان اصلی است که قرار بود در جلسه مشترک گروه‌ها به اندازه کافی رویش بحث شود و به جلسه علنی بیاید که بحمد الله کار رویش صورت گرفته و الان در حضورتان است. اصل شش ترکیبی است از اصول شش و هفت قبلی که با استفاده از مطالبی که دوستان قبلاً فرمودند، امروز در جلسه منتخب گروه‌ها رویش کارشده و به این صورت درآمده است که ملاحظه می‌فرمائید. اصل هفت، اصل پیشنهادی گروه اول است با برخی اصلاحاتی که شورای هماهنگی کرده است. بنابراین الان اصل پنج بوسیله آفای آیت قرائت می‌شود.
اصل هـ—در زبان غایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقویا، آگاه به زمان، شجاع، مدبیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند، و در صورتی که یک فرد چنین اکثریتی نداشته باشد شورایی مرکب از فقهای واحد شرایط بالا، عهدهدار آن می‌گردد.
طرز تشکیل این شورا و تعیین افراد آن را قانون معین می‌کند.

نایب رئیس—با توجه به بحث‌های گسترده‌ای که در گروه‌ها و در جلسه مشترک گروه‌ها درباره اصل پنج شده، نظر بر اینست که بتوانیم این اصل را با اظهار نظر یک مخالف و یک مخالف به رأی بگذاریم. برای اینکه بحثمان به درازا نکشد اولین نفری که بعنوان مخالف می‌خواهد صحبت کند، نویت برای صحبت بگیرد تا یک نفر هم بعنوان موافق از گروه یک یا اگر مناسب بود از گروه‌های دیگر، بیاید دفاع کند. آقای مراغه‌ای شما بعنوان مخالف ثبت نام کرده‌اید؟

مقدم مراغه‌ای—بله، من بعنوان مخالف می‌خواهم صحبت کنم.

نایب رئیس—بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای—بنام خدا، ما آذربایجانیها یک خرب‌المثلی داریم که وقتی به ترکی می‌گوئیم خیلی دلشین است، ولی نمی‌دانم وقتی ترجمه می‌شود چه اندازه اثر دارد. می‌گوئیم دوست آن است که وقتی بیش‌آمدی می‌شود بگوید «گفته بودم» اما دشمن می‌گوید «می‌خواستم



بگويم» حالا من هم اگر مطلبی را عرض ميکنم یعنوان يك دوست و يك همسنگر و بعنوان کسی که در اين مبارزه شرکت داشته است، عرايضی را بگويم. امروز با احساس مسئليت در مقابل تاريخ، مطلبی را که بالاخره باید کسی در اين مجلس عنوان ميکرد بعرض ميرسانم. در اين مجلس به قرآن مجید سوگند ياد کرده‌ام که طبق آنچه وظيفه نمایندگی ایجاب ميکند عمل کنم. به انقلاب اسلامی ايران علاقه دارم، رهبری امام را پذيرفته‌ام، به روحانيت ارج ميگذارم و آمادگی شهادت دارم و در هدف هيچگونه اختلافی نیست ولی در عمل نظراتي دارم که عرض ميکنم.

مطالبي که ميگويم برای اسرور نیست برای فردا هاست. قانون اساسی برای يك نسل تنظيم نمی‌شود، باید دارای ابعاد زمانی و مکانی باشد، باید پيش‌بینی آينده و نسل‌های جديد را يکند. اگر امروز اسلام به اين درجه از قدرت و نفوذ رسيده است که مردمی بی‌سلاح توانسته‌اند رژيم پليسی و نظامی آنچنانی را سرنگون کنند، برای آنست که اسلام ازلي و ابدی و متحرک است.

آنها که در متن مبارزات برعليه رژيم بودند ميدانند که وقتی مخالفت‌ها با رژيم گذشته آغاز شد، در همان زمانیکه جنگ‌های چوريکی در گرفت و روشنگران و دانشگاهی‌ها در گير مبارزه شدند، مردمان آگاه چشم به روحانيت دوخته بودند و می‌دانستند تنها عاملی که میتواند آن قدرت شيطاني را منکوب کند، ايمان ديني و نفوذ روحانيت است. به همين جهت بود که همه گروهها رهبری امام خميني را پذيرفتند و امام با اتكا به نيري معنوی اسلامی، پیروزی ملت را تأمین نمود و همه جهان متوجه نيري عظيم اسلام و قدرت ايمان مردم مسلمان ايران شدند و فصل جدیدی در مبارزات ملي مردمی باز شد.

مردم ايران با اتكا به ايمان و معتقدات اسلامي خود يك پارچه رهبری امام خميني را پذيرفته‌اند. امام خميني برای احراز رهبری، استناد به قانون اساسی نکرده است و هنوز هم نفوذ و قدرتی که امام دارد منبعث از قانون اساسی مدون نیست، بلکه سرچشمه نيري رهبری امام، اسلام است که به ذات دارای نيري است.

اين مطلب را بعنوان مقدمه عرض کردم تا برسم به مطلبی که در قانون اساسی جديد عنوان شده است و ميگويند باید اسلام را مستحکم کرد. در کمال خصوص عرض ميکنم آقایان سعی کنيد قانون اساسی را مبانی اسلام تحکيم کند. اسلام با قدرتی که دارد و آيات آنرا در انقلاب اخير دیده‌ایم نيازی به قانون اساسی ندارد. اکثریت ملت ايران مسلمانند، با اتكا به اسلام قیام کرده‌ایم و از طريق همه‌پرسی، ملت به جمهوری اسلامی رأي داده است.

جمهوری اسلامی از دو کلمه اسلام و جمهوری تشکيل میشود که اسلام محتوا است و جمهوری قالب آن. ما اگر اصول دین اسلام را در قانون اساسی بياوریم، خدمتی نکرده‌ایم چون اصول اسلام پشتونه‌های مستحکمتری از قانون اساسی دارند و نباید کاري کنیم که نيري اسلام را که اکنون در اوج است و اميد در دل‌ها بوجود آورده است بصورت قوانینی که ممکن است هر روز تغيير کند درآوریم. به‌اين جهت است که بنده معتقد اسلام را با پشتونه هزار و چهار صد ساله‌اش که هنوز چنین جوان است، در مافق قانون قرار دهیم.

آقایان و خانم محترم اطلاع دارند که قانون اساسی چندماه است در جامعه مطرح است. افراد و گروههای بسياري در کمال آزادی درباره آن اظهار نظر کرده‌اند. قانون تنظيمي براساس



مبانی اسلامی و جمهوری بوده است. درباره اسلامی توضیح بیشتر عرض نمی‌کنم چون بزر حاضرین نکته‌ای از آن پوشیده نیست ولی جمهوریت باقید اسلامی آن یعنی حکومت مردم.

اصل سوم پیش‌نویس قانون اساسی می‌گوید «آراء عمومی مبنای حکومت است و برطبق دستور قرآن که: «وشاورهم فی الامر» و «امرهم شوری بینهم» امور کشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم درحدود صلاحیت آنان و برتبیی ناشی از آن مشخص می‌شود محل و فصل میگردد.» قانون اساسی پیشنهادی توسط عده‌ای از افراد اسلام شناس و مورد اعتماد تهیه شده و تا آنجاکه بنده اطلاع دارم این قانون به تصویب شورای انقلاب و مراجع تقليد و رهبر انقلاب رسیده است. رادیو تلویزیون و وسائل ارتباط جمعی، مردم را با آن آشنا کرده‌اند و با توضیحاتی که به مردم داده‌ایم مردم ما را انتخاب کرده‌اند. برسی نهائی قانون اساسی بهما واگذار شده است و شش هفته وقت تعیین کرده‌ایم که این قانون را اصلاح و تصویب کنیم. حالا بهجای اصل سوم با اصل پنجم جدید روپرتو هستیم که من داخل ماهیت آن نمی‌شوم. به هر حال اصل سوم قانون پیشنهادی با اصل پنجم اخیر معارض هستند.

اوپاع نسبت به چندماه پیش تغییر کرده است، شرایط استثنائی در مملکت وجود دارد، مطوعات در شرایط خاص و استثنائی قرار دارند. گروههای سیاسی که درباره شرکت داشتند در گیرپاره‌ای مسائل هستند که طرح آن در اینجا ضرورتی ندارد. در چنین شرایطی تغییر یکباره اصل سوم که در هرحال ملت ازان آگاه ویران تأیید داشته است، بصورت فعلی در مجلس خبرگان در شان مجلس نیست. البته اگر ما بعنوان نماینده‌گان مجلس مؤسسان تعیین شده بودیم وقت و فرست داشتیم که مثلاً یکسال بنشینیم و با جماعت اوری و کسب نظر عمومی، طرح جدیدی تهیه کنیم، آن مطلبی دیگر بود و هنوز هم دیر نشده است. باید این مطلب را صریحاً به ملت اعلام کنیم و تشکیل جلسات خصوصی هم ضرورت ندارد. در جلسات عمومی بحث کنیم و بینیم آیا ولايت فقیه که از نظر اصل مورد قبول است، چطور باید تنظیم شود؟ وقتی بیگویم در اصل منظور این است که اسلام باید حاکم باشد ولی نباید اسلام را یک طبقه خاص در انحصار خود بگیرد، آنوقت ممکن است اسلام ابزاری شود در دست قدرت‌طلبان و این تصور حاصل شود که مبارزه‌ای را همه ملت شروع کرده است اما پس از پیروزی عده‌ای می‌خواهند همزمان خود را کنار بگذارند.

در اینجا لازم به یادآوری است که ما قانون برای امروز وضع نمی‌کنیم. بنده امروز با دوستان صحبت می‌کردم که اصلی تهیه شود که امام خمینی برای مدت معینی و یا مادام عمر بعنوان رهبر قانونی مملکت حکومت نمایند، ولی در این هزار و چهارصد سال، امام خمینی استثناء است. امام با همه قدرتی که دارد ساده زندگی می‌کند، ساده صحبت می‌کند، ساده مردم را می‌پذیرد. از کجا می‌توانیم ایدوار شویم که در آینده نیز رهبری اینچنین داشته باشیم؟ بعضی از آقایان می‌گویند رهبر انتخابی باشد، اگر انتخابی باشد می‌بیشود رئیس جمهور، با شرایطی که برای رئیس جمهور تصویب می‌کنیم ریاست جمهور در انحصار طبقه خاصی نیست. یک روحانی هم مثل یک سیاستمدار مسلمان می‌تواند ریاست جمهوری را احراز کند. ما اگر بخواهیم با استفاده از نیروی اسلام حکومت را در اختیار یک طبقه خاص قرار دهیم، برای جامعه قابل قبول نخواهد بود. مردم ایران رشید هستند، مردم ایران نشان دادند که ایمان اسلامی محکم دارند، و اگر می‌گوئیم اسلام ازلی وابدی است، برای همین است که بدون قدرت مادی و حکومتی می‌توانند چنین



قدرت معنوی داشته باشد . نیرو و قدرت اسلام در ذات آنست و قوانین به آن نیرو نمیدهند . نکته دیگر اینکه اگر ماقصدها مبنای حکومت را که آراء عمومی است به حکومت فقیه تبدیل کنیم ، درساخیر اصول اثرباره و آنوقت باید کلیه اصول بر اساس این اختلاف اصولی تغییر پیدا کند که آنوقت این مجلس دیگر مجلس خبرگان نخواهد بود بلکه مجلس مؤسسان میشود و شاید اگر بخواهیم مانند گذشته مردم را با آن آشنا کنیم ، به مدتی طولانی نیاز خواهیم داشت . اجازه بدھید سخن خود را با چند جمله از آخرین خطبه مجاهد بزرگ آیت‌الله‌فالقانی پایان دهم .

«هدف پیامبر آزاد کردن مردم بود . آزاد کردن از تحفیلات طبقاتی ، آزاد کردن از اندیشه های شرکی که تحمیل شده ، آزاد کردن از احکام و قوانینی که بسود یک گروه و یک طبقه بر دیگران تحمیل شده ، این رسالت پیامبر شما بود ، ما هم باید دنبال همین رسالت باشیم . این شهادای ما هم دنبال همین رسالت بودند ، در مقابل فرهنگ تحمیلی ، دربرابر قوانین تحمیلی ، دربرابر محدودیت های پلیسی که گاهی به اسم دین بر مردم تحمیل میشد که از همه خطرناکتر بود ، این خطرناکترین تحفیلات است یعنی آنچه که از خدا نیست ، از جانب حق نیست ، آنها را به اسم خدا به دست و پای مردم بینند و مردم را از حرکت حیاتی بازدارند ، حق اعتراض و انتقاد به کسی ندهند ، حق فعالیت آزاد به مردم ، مسلمانان و مردم آزاده دنیا ندهند» .

دعوت اسلام ، دعوت به رحمت و آزادی است . همانطوری که جلوی توب و تانک رفتید ، این مسئولیت ها را شما دارید این بعده شماست . شاید بعضی از دوستان ما بگویند ، آقا شما چرا این مسائل را در میان توده مردم مطرح میکنید؟ بیائید در جمع ، در مجلس خبرگان ، میگوییم من بین موکلین شما مطرح میکنم . اینها هستند که ما را وکیل کردند و میدانند برای چه وکیل کردند ، ما وظیفه و مسئولیت نسبت به اینها داریم . باید دردها ، اندیشه ها ، بدبختی ها ، ناراحتی ها و عقب ماندگی های این مردم را با قوانین نجات بخش و حیات بخش اسلامی جبران کنیم .

امیدواریم که همه ماهشیار شویم ، فردفرد مسئولیت قبول کنیم و این مسائل عظیم اسلامی را کنار بگذاریم . گروه گرائی و فرست طلبی و تحمیل عقیده و یا خدای نخواسته استبداد زیر پرده دین را کنار بگذاریم و بیانیم با مردم ، با درمند ها ، بارنج کشیده ها ، با محروم ها هم صدا شویم .

نایب رئیس — آقای مراغه‌ای یعنوان مخالف درباره این اصل صحبت کردند . حالا یک نفر یعنوان موافق بفرماید صحبت کند .

هاشمی نژاد — من پیشنهاد میکنم خود شما که هم نویسنده این متن هستید و هم از گروه اول ، صحبت بفرمائید .

نایب رئیس — بسیار خوب ، چون من مسئولیت گروه‌مان را هم بر عهده دارم ، با پذیرش نظر دوستان عرایضم را میگویم . اجازه بدھید پشت تربیون بیایم و چند کلمه ای صحبت کنم . (در این موقع آقای منتظری ریاست جلسه را بعده گرفتند و آقای دکتر بهشتی از جایگاه هیأت رئیسه به محل نطق آمدند و بیانات خود را بدین شرح ایراد کردند) :

دکتر بهشتی — بسم الله الرحمن الرحيم . خوشبختانه صحبت آقای مقدم مراغه‌ای نشان دهنده ضرورت یک کار حیاتی بود که همواره این ضرورت را حساس میکرده‌ایم و آن اینکه وقتی صحبتی از برخی



مسائل بیان می‌آید، هنوز آن آمادگی لازم و کافی را نداریم که حرف یکدیگر را راحت درک کنیم، یکدیگر را راحت بیاییم و بفهمیم، و چون اینطور است وظیفه ماست که بکوشیم مطالیمان را آرام و آسان در جوی که هیچ‌گونه احساس پیشداوری آور بیان نیاورد، با هم بیان کنیم. من هم میکوشم که این جهت را تاپایان رعایت کنم تا آقای مراغه‌ای و همه نمایندگانی که همچون ایشان اینطور می‌اندیشنند، با آرامش و بدون پیشداوری بدقت به‌این سئله گوش دهند شاید مشکلمن همین جا حل شود. آقای مراغه‌ای، صحیح میگوئید که اسلام هیچ‌گونه نیازی به قانون اساسی ندارد، بله نظرشما قابل قبول است، ولی آنچه ما کردیم این نبود و آنچه مامیکنیم این نیست، آنچه ما میکنیم اینست که قانون اساسی یک ملت و جامعه مسلمان، قانون اساسی یک انقلاب اسلامی، قانون اساسی یک چنین جامعه و چنین انقلابی بدان چیزی نیاز دارد که متکی بمعارف اسلامی باشد، این را که دیگر نمیشود در باره‌اش تردید کرد، میشود؟ ما اگر ازاول تا اینجا کوشیده‌ایم که مبانی اسلامی را در قانون اساسی بیاوریم بلحاظ نیاز آنطرف است، بلحاظ نیاز اینطرف است. آیا هیچ وجودان سالمی میتواند این را نفی کند یا حتی در آن تردید کند؟ نکته دیگر، گفتید که اگر ما اینجا یک اصلی را که نبوده بیاوریم و یا اصلی را تغییر دهیم، دیگر مجلس خبرگان نیست، شاید مطلب عکس باشد اگر تجمع اینهمه خبرگان چیزی لازم را بر محتوای قانون اساسی نیفراید و اصلاح نکند، آنوقت مجلس خبرگان نیست چون قانون اساسی قبلی درست است که از دید خبره‌ها گذشته است ولی به‌شما بگویم بیش از هر کس من در جریان آن هستم هیچ‌گاه در چنین مجمعی و یا یک چنین مرکزی و یا یک چنین فرضی و دقتی، فرصت نبود که مورد بررسی نهائی قرار بگیرد. زحماتی کشیده شده در خور تقدیر فراوان که در مصاحبه‌های قبلی از آن تقدیر هم شد اما اگر این بدان معنی باشد که کاری که انجام شده دیگر تمام است، آیا این تشریفات برای چه بود؟ دیگر اینکه تشکیل این مجلس برای چه بود؟ این مجلس با مجلس مؤسسان فرقی ندارد. بنده خودم این را در یک سخن تلویزیونی اعلام کردم که آقا این همان مجلس مؤسسان است. شما وقتی میبینید مجلس با هفتادو چند نفر تشکیل میشود و اینقدر طول میکشد، اگر با سیصد نفر، ششصد نفر تشکیل میشند چقدر طول میکشد. همان مسأله‌ای بیش می‌آمد که ما بیش بینی میکردیم. مجلس هفتاد نفر یا هفتصد نفر باشد، فرقی ندارد، چون منتخبین مردم هستند متنهاً گفتم برای اینکه سنت این بود که نمایندگان مجلس مؤسسان یا دویار بر نمایندگان مجلس شورا یا حداقل باندازه‌آنها باشد ولی ما می‌بینیم که چنین شرایطی رانداریم چون ما بدنیال کار این مجلس نتیجه را به آراء عمومی میگذاریم و آنروز هم عرض کردم که شش میخداش کرده‌ایم ولی نقش این مجلس را این حرفاها عوض نمیکند. این مجلس برای همین است که بیایند بشینند تبادل نظر کنند. شما خودتان ناظر هستید که چگونه در جلسات بحثها اوج میگیرد، این نشانه اینست که مطالب گفته میشود و باید گفته شود. (موسوی اردبیلی — فرمودید سنت، این سنت در کجاست؟) سنت مجلس مؤسسان در دنیارا عرض کردم (موسوی اردبیلی — تعداد معینی در هیچ جای دنیا ندارد) معمولاً اینطور بوده و اما برویم سراغ مطلب اصلی، مطلب اصلی اینست که آیا اصل پنجم هیچ کلمه یا جمله‌اش با آن عوارضی که آقای مراغه‌ای وسیاری از افراد دیگر برای آن بیشمارند، ارتباط دارد؟ آیا اصل پنجم میخواهد باید نقش آراء عمومی را انکار کند؟ آیا اصل پنجم میخواهد باید



آزادیها را ازین ببرد؟ آیا اصل پنجم میخواهد باید حکومت را در اختیار قشر معینی وطبقه معینی قرار بدهد؟ مثل میخواهد بگویید ازین پس نخست وزیر و رئیس جمهور و وزراء همه باید روحانی و معتم باشند؟ هرگز، من میخواهم این اصل را بینید، کجای این اصل این معنی را میدهد؟ (مکارم شیرازی—ولایت فقیه را کاملاً تفسیر کنید تا به این رفع شود) بنادرم و این کار را میکنم. شما آفای مراغه‌ای که بعنوان مخالف صعبت کردید، خواهش میکنم به توضیحات توجه بفرمائید و امیدوارم که خودتان در همین جلسه بیاید بگوئید که آنچه بوده سوء تفاهمی بیشتر نبوده است. بینید اصل پنجم را میخواهم، آنچه که پیشنهاد شده است اینست «در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولايت امر و امامت است...» یعنی مرکز ثقل حکومت و رهبری «...بر عهده فقيه...» فقيه یعنی چه؟ یعنی اسلام شناس، مطلع، ورزیده، متخصص. فقيه یک واژه عربی است یعنی دانا و شناسانده و در این معنای خاصی که ماهما بکار میبریم، یعنی دانای اسلام، اسلام دان، البته در اصطلاح اخسن بکار میروند و به کسی که در دانستن علم احکام دین و استخراج آن از مبانی و ادلیه اش در حد تخصص و اجتهد و صاحب نظری باشد، گفته میشود. یعنی کسی که بتواند احکام وقوفیان و تعالیم اسلام را از کتاب و سنت بصورت یک صاحب نظر بفهمد. این میشود فقيه «...بر عهده فقيه عادل...» یعنی فقيه که اعمالش، اخلاقش، رفتارش در همه شئون باعدل اسلامی که عبارت است از عمل به تمام فرائض و واجبات و پرهیز و اجتناب و دوری از همه محرمات، همانگ باشد و نشان یک چنین اعتدال در رفتار او باشد. «باتقوا خدا ترس کسی است که یاد خدا همیشه در دلش زنده باشد و اورا کمترین تخلیفی از راه خدا نگران کند، همیشه بیدار، آگاه به زمان» بفهمد درجه زمانی زندگی میکند و بداند نیازهای خودش و جامعه اسلامی اش و امت اسلامی اش در این زمان چیست. «شجاع» که این در همان باتقوا و با ایمان مستتر است، ولی ما این را تصریح کردیم که کاملتر بیان شده باشد، شجاع و ترس باشد. «مدیر» یعنی اهل اداره کردن باشد «مدیر» یعنی دورنگری و آینده نگری داشته باشد. مأگفتیم که مرکز ثقل حکومت جامعه و رهبری جامعه یک چنین فردی است و گفتیم که این فرد چگونه این مرکز ثقل بودن را بدست می آورد و گفتیم «که اکثریت مردم اورا به رهبری شناخته و پذیرفته باشند» یعنی کسی کسی نمیتواند تحت عنوان فقيه عادل، باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر، مدیر خودش را برمدم تحمیل کند این مردم هستند که باید اورا با این صفات به رهبری شناخته باشند و پذیرفته باشند و بعدنوشه ایم «و در صورتی که یک فرد چنین اکثریتی نداشته باشد» یعنی سه نفر یا چهار نفر از فقهاء هستند که هم طراز هستند و تقریباً همه اشان فقيه هستند، عادل هستند، باتقوا هستند، آگاه به زمان هستند، شجاع، مدیر و مدیر هستند ولی چنان برجستگی نسبت به هم ندارند که اکثریت مردم بتوانند یک نفر را انتخاب کنند آنوقت «شورائی مرکب از فقهاء و اجد شرایط بالا عهده دار آن میگردد» یعنی عهده دار این ولایت امر و امامت امت میشوند و بعد هم قید شده است که «طرز تشکیل شورا و تعیین افراد آرافقانون معین میکند». این توضیحی بود که صرفاً در مورد خود اصل دادم. حالا یک توضیحی هم بر مبنای این اصل میدهم که این اصل چرا آمده است و چرا ما در قانون اساسی پیشنهاد کردیم که مرکزیت ثقل رهبری و اداره امور امت باید یک چنین فرد یا گروهی باشد. برای اینکه ما میخواهیم نظامی اجتماعی اسلامی در آینده داشته باشیم برادر، خواهر، تو که اقلاب کرده ای، تو که فدا کاری کردی، تو که فرزند و شوهر و برادر و خواهر و همسرت



را قربانی کردی ، توکه زندان رفتی و زجر کشیدی ، توکه تبعید شدی ، توکه در تنگنا بسربردی ، توکه از شر پلیس مزدور استبداد و استعمار حتی یک شب در خانه‌ات امنیت نداشتی و هرشب آماده بودی که فردا یا همان شب در خانه نباشی ، از تو می‌پرسم ، مجلس خبرگان از تو می‌پرسد ، همه این رنجها و شکنجه‌ها را تحمل کردی که چه بدست بیاوری ؟ تو خود گفتی ، با فریاد گفتی استقلال ، آزادی ، حکومت اسلامی بعد که شکل حکومت از طرف رهبری و جامعه و کسانی که تو به آنها اعتقاد داشتی مشخص شد ، جمهوری اسلامی و شرایط هم معین شد ، تو قائم نبودی که فقط شکلش مشخص شود ، باز فریاد برکشیدی استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی یعنی تو به استقلال و آزادی بسته نکردی ، اگر آرمان این انقلاب فقط استقلال و آزادی بود ، جای این بحث بود که آیا این اصل اینجا ضرورت دارد یا نه . تازه جای بحث بود که ضرورت نداشته باشد چون بندۀ را عقیده‌براین است که اگر می‌گفتند استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی مافرضمان براین است که اگر قرار است که نظام آینده ما جمهوری اسلامی باشد ، دراین صورت باید این نظام ، رهبری و مرکز ثقل اداره‌اش بروش کسی یا کسانی باشد که چه از نظر آگاهی به اسلام و چه از نظر التزام و مقید بودن بوطایف یک مسلمان ، در تمام وظایف فردی ، سیاسی ، خانوادگی ، اجتماعی الگوونمونه باشد . بندۀ و دوستان دراین مورد نکته‌ای را روشن تکیه‌داریم و آن اینست که در جمهوری اسلامی که اگر فردا توانیم به آن برسیم ، انشاء الله چندماه و چند سال بعد از فردا به آن برسیم ، بندۀ عرضم این است ای ملت عزیزانقلابی و مسلمان ایران ، اگر می‌خواهی به سمت جمهوری اسلامی و نظام اسلامی جلوبروی باید آن دورنمائی که در برابر از نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی ترسیم می‌شود ، خوب بنگری . در آن دورنمای آینده باید رئیس جمهورت ، نخست وزیرت ، وزرات ، استاندارت ، چهره‌های برجسته مدیریت جامعه ات کسانی باشند که از نظر عمل برای تو ، امام و الگو و نمونه باشند . در آن جامعه است که به بقاء و رشد اسلام می‌توان امیدوار بود . ما حالا آمدیم در قانون اساسی برای اینکه تقطه شروعی برای آینده باشد ، آینده درخشان پاک الهی و اسلامی ، شرایطی را برای رهبری یعنی آنجا که همه تصدی‌ها و مسئولیت‌ها از او باید سرچشمه بگیرد ، بعنوان حداقل شرایط گذیم . من اجازه می‌خواهم که این مسأله را باز دیگر برای ملت ایران مطرح کنم . ای ملت مسلمان می‌توانی به اندازه علاقه‌ای که به چنین مبنای و پایه‌ای داری شروع کنی و نظرت را به هر راهی که میدانی ، اعلام کنی . در مساجد ، در جراید ، بوسیله رادیو و تلویزیون ، آیا ملت مسلمان اقلابی ایران ، آیا تحصیل کرده‌های اقلابی مسلمان ما اجازه میدهند که ما این اصل را از قانون اساسی برداریم ؟ آقای مراغه‌ای آیا شما این جزوی را که اداره دیپرخانه در طول چندماه از چهارهزار نظریه و پیشنهاد مردم و آنچه که در روزنامه‌ها منتشر شده است ، تهیه کرده است فرست کرده اید مطالعه کنید ؟ مطالعه بفرمایید ببینید وقتی این اصول مطرح شده است نظرات رسیده‌ای که اینجا دوستان استخراج کرده‌اند ، عموماً تکیه براین دارد که چرا این اصل را در قانون اساسی نگذاشته‌اند . خوب ، مجلس خبرگان کارش این بود که نظرات رامطالعه کند و آن پیش‌نویس را تکمیل کند و ما اینکار را کردیم . من بیشتر از آنچه باید صحبت کنم ، صحبت کردم عذر می‌خواهم باید آقای منظری که حالا مسئول جلسه هستند به من اخطار می‌کردن . دوستان یادداشت داده‌اند که مختصری پیرامون آنچه در باره ضرورت جامعه‌ها و نظامهای ایدئولوژیک در داخل گروهها عرض کرده‌اند ، اینجا گفته شود ، اگر مقررات جلسه به من ده دقیقه اجازه بدهد ،



میتوانم این بحث را بکنم ولا باید بعرض خاتمه بدhem.

نمایندگان — بفرمائید صحبت کنید.

رئیس — ادامه بدھید.

د کتبهشتی — ملاحظه بفرمائید، جامعه‌ها و نظامهای اجتماعی دوگونه هستند، یکی جامعه‌ها و نظامهای اجتماعی که فقط بریک اصل متکی هستند و آن اصل عبارت است از آراء مردم بدون هیچ قيد و شرط که معمولاً به اینها گفته می‌شود جامعه‌های دموکراتیک یا لیبرال، یعنی از نظر اهمیتی که به آزادی میدهند و دموکراتیک یعنی از نظر اهمیتی که به دمو معنی توده و عame مردم میدهند، حکومت عامه مردم در این جامعه‌ها همینطور که بنظر آقای مراغه‌ای و دیگران رسیده، حکومت یک مبنا پیشتر ندارد و آن آراء مردم است، حالا اگر دریک مقطع زمانی اکثریت مردم بسم فسادگرایش پیدا کردند و یا گرایش داده شدند و در این زمان، حکومت بخواهد تصمیماتی برای جامعه بگیرد، بخطاط احترام به آراء عمومی، حکومت و رهبران ناچارند آنطوری که مردم واکثریت را خوش آید، قانون بگذارند. اول بفهمیم آیا ما اصلاً در دنیا یک چنین جامعه‌ای داریم یا نه؟ کشورهای آمریکا و انگلیس و اروپای غربی مدعی بودند که آنها کشورهای دموکرات و آزاد و حکومت عامه هستند ولی متقدان آمدند گفتند نه آقا، کلاه سر مردم میگذاشتند، مردم فکر میکردند که آزادند ولا یکطبقه خاص سرمایه‌دار یا قو dalle با ریسمانهای نامرئی با سیستم راداری نامرئی می‌آید و خواست این مردم را درجهت منافع خودش به هرسو میرید و با انحصاری کردن وسائل تبلیغاتی، روزنامه و رادیو تلویزیون در عصر جدید این معنی بیشتر مورد تأیید قرار گرفته است، بطوریکه جامعه‌های سوسیالیستی معتقدند که جوامع غربی دموکراتیک نیستند. آلمان وقتی به دو بخش تقسیم شد، آلمان شرقی گفت، آلمان سوسیالیست دموکراتیک من هستم. این بحث راما کاری نداریم. اگر یک چنین جامعه‌هائی در دنیا وجود داشته باشد، این جامعه‌ها مدعی آن هستند که بینای کارشان رأی مردم است، هر چه مردم گفتند و خواستند بظاهر دولت که نوکر ملت هست انجام میدهد. به اصطلاح ایدئولوژیک نیستند و حکومتشان چهارچوب ایدئولوژیک ندارد. جامعه‌های غیرمکتبی، آزاد از مكتب هستند و فقط همین یک اصل را قبول دارند، اصل حکومت با آراء، اما جامعه‌های دیگری هستند ایدئولوژیک یامکتبی، یعنی جامعه‌هائی که مردم آن جامعه قبل از هر چیز مکتبی را انتخاب کرده‌اند و بمحض اینکه مكتباشان را انتخاب کردند، در حقیقت اعلام کردند که از این پس باید همه چیز ما در چهارچوب این مكتب باشد. انتخاب مكتب آزادانه صورت گرفته و با آزادی کامل، مكتب و سرام را انتخاب کرده‌اند، ولی با این انتخاب اولشان، انتخابهای بعدی را در چهارچوب مكتب محدود کرده‌اند. به این جامعه‌ها میگویند جامعه‌های ایدئولوژیک یا نظامها و جامعه‌های مکتبی. جمهوری اسلامی یک نظام مکتبی است، فرق دارد با جمهوری دموکراتیک. آن چیزی که آقای مقدم مراغه‌ای و افراد دیگر در این زیسته پیشنهاد میکنند، برای جمهوری دموکراتیک بدون قید اسلام بسیار بجاست (مراغه‌ای — بنده چنین عرض نکردم) عرض کردم مطلبی که بفرمائید ما تمام اختیار را بدون هیچ قیدی به آراء عامه بدهیم و نگذاریم هر قیدی در خارج قانون بوجود باید. این متناسب با قانون اساسی و نظام مکتبی نیست و چون ملت ما در طول اقلاب و در فرایند اول انتخاب خودش را کرد، گفت جمهوری اسلامی، با این انتخاب چهارچوب نظام حکومتی بعدی را خودش معین کرده و در این اصل وصول دیگر این



قانون لسامی که میگوئیم برطبق ضوابط واحکام اسلام، در چهارچوب قواعد اسلام بر عهده یک رهبر اسلام و یک رهبر آگاه و اسلام شناس و فقیه، همه بخاطر آن انتخاب اول ملت ماست. در جامعه های مکتبی در همه جای دنیا مقید هستند که حکومتشان بر پایه مکتب باشد. اجازه بفرمایید ما از جامعه اسلام برویم به جامعه دیگر. جامعه مارکسیستی هم یک جامعه مکتبی است، سؤال میکنم آیا در قانون اساسی جامعه های مارکسیستی مثل شوروی، مثل چین، مثل جاهای دیگر، مکرر همه چیز را مقید نمیکنند به اینکه در انتلاق با اصول مارکسیست یا مارکسیست لینینیسم و مائویسم و امثال اینها باشد؟ اینجا در حضور آقایان و خواهرمان ترجمه فارسی قانون اساسی شوروی، چین، بلغارستان را آوردند و در اختیاراتان گذاشتند. ملاحظه کردید که در این قانونهای اساسی در موارد متعدد حکومت را فقط به چهارچوب مکتب مارکسیسم و لینینیسم و مائویسم مقید می کنند. حتی در قانون اساسی شوروی، در همان اوایلش حکومت را مقید نمیکند که حکومت باید در دست حزب مارکسیست کارگری باشد، یعنی نمیتوانند آزاد بگذارند که هر چه شد، بشود چون جامعه مکتبی است. بنابراین بینندگان وشنوندگان عزیز توجه کنند آنچه ما اینجا در رابطه با اسلام از اول تا حال آوردم و بعدهم هرجالازم باشد میاوریم، همان چیزی است که هر جامعه مکتبی در دنیاناچار است رعایت کند، چه، قانونش باید برپایه و در چهارچوب مکتب باشد و نمی تواند آن را برآراء عمومی بدون هیچ قید ویند و اگذار کند و باز هم تکرار می کنم، قصه، قصه مکتب و حاملان اندیشه مکتب و عاملان به مکتب است. قصه، قصه لباس نیست. باز برای اینکه روی این مطلب میدانم ملت ما حساست دارد، اجازه بدھید قبل از رأی گیری این سؤال را از مجلس که اکثریت آن ها در لباس روحانیت و چهره های بر جسته هستند بکنم که آیا در این اصل نظر شما به لباس است؟ (نمایندگان — نه) چه کسی گفته به لباس، این تهمت است. مسئله، مسئله، مسئله مکتب است، مسئله، مسئله اسلام است، مسئله، مسئله تقدیف فکری و عملی به اسلام است والسلام. این عرض بنده بود، امیدوارم توضیحاتی که عرض شد قبل از هرچیز توanstه باشد آنکه مراغه ای و دوستان دیگری مثل ایشان را روشن کرده باشد و گمان میکنم مطلب بصورتی که در پایان عرایضم با تأیید آقایان با صراحت گفته شد، دیگر برای همه مورد قبول باشد ان شاء الله.

طاهری — چون شما از فرصت بیشتری استفاده کردید، اجازه بدھید از مخالفین نیز بیایند صحبت کنند.

رئیس — یک نفر موافق و یک نفر مخالف صحبت کردند و قرارهم این بود.

سبحانی — بنده وقت گرفته ام، اجازه بدھید صحبت کنم. البته همه ما موافقیم، ولی اجازه بفرمایید صحبت کنم. ما با متنی که خود جنابعالی تنظیم کرده اید موافقیم ولی این متن قیودی دارد که از نظر فقهی دلیلی برآن نیست.

(در این هنگام آقای دکتر بهشتی مجدد ریاست جلسه را بر عهده گرفتند)

نایب رئیس — بنده کما کان با اجازه دوستان باز مسئولیت اداره جلسه را بعده گرفتم. آیا موافقید که این بحث در این جلسه بعد از اینکه مدت‌ها توضیحاتی داده شد، تکرار شود؟ (نمایندگان — خیر) اگر موافق نیستید، میدانم که این مطلب اینجا گفته شد که آیا این قیود دلیل دارد یا ندارد، در جلسه باید سعی شود تکرار نشود، البته من حرفی ندارم مخصوصاً امروز که ناقار شدم وقت را تمدید کنم و از این نظر زیانم کند است. بنابراین آقای سبحانی اجازه بفرمایید بحث ادامه پیدا نکند. اگر دوستانی که نویت گرفته اند پس از اینکه جنابعالی صحبت کردید



آنها هم از نوبتشان صرف نظر کنند، حرفی نیست چون مخالف و یک موافق می‌توانند صحبت کنند. بمحض اینکه شما بخواهید صحبت کنید، باید یکنفر دیگرهم صحبت کند. پس اجازه بدھید رأی بگیریم به اینکه آیا توضیحات کافی است یا نه، توجه بفرمائید ما برطبق آئین نامه موظف هستیم فقط یک موافق و یک مخالف اجازه صحبت بدھیم. اینطور نیست که هر کس بباید اینجا صحبت کند. شما خودتان با تصویب آئین نامه محدود کردید که یک موافق و یک مخالف برطبق آئین نامه صحبت کنند والا باید تایکسال دیگر مجلس داشته باشیم. تشخیص اینکه مطلب روشن شده یا نه با خودجلسه است. برطبق آئین نامه یک موافق و یک مخالف صحبت کرده اند اگر بخواهیم ادامه بیدا کنند، باید یا با تشخیص مسئول جلسه باشد یا با تشخیص خود جلسه باشد و عرض کردم چون امروز خودم صحبت کردم و برای اینکه در خودم احسان مسئولیت کرده باشم اگر اکثریت نصف بعلاوه یک نمایندگان با ادامه مذاکرات موافقت کنند باز اجازه میدهیم یک موافق و یک مخالف دیگر صحبت کنند، ولی اگر اکثریت مجلس با پیشنهاد کفایت مذاکرات که الان رسیده واقعی با هنرهم پیشنهاد کرده اند... هاشمی نژاد - توضیح بدھید که درباره این اصل ساعت ها صحبت شده است، همه آقایان هم بوده اند.

نایب رئیس - توضیح میدهیم.

نوریخش - دهدقیقه‌ای که شما صحبت کردید اجازه بدھید مخالفین هم ده دقیقه صحبت کنند.

نایب رئیس - من برای آگاهی همه حاضران و ملت ایران این رابه اطلاع میرسانم که این اصل چون احتیاج به بحث سینارگونه داشت که خیلی بیشتر از طرفیت مجالس فانگذاری است، گروه اول که مسئول و تهیه کننده این بخش از قانون اساسی بود، در مورد فصل اول و مقدمه قانون اساسی، وظیفه خود دانست که بجای این رویه که یکنفر از گروه به گروه‌های دیگر میرفت و مطالب را توضیح میداد، برای تکمیل آن از همه گروهها دعوت کنند که در یک جلسه مشترک کمیسیونها و گروهها، همانند یک سینار آزاد بشینند و صحبت کنند و این جلسات با حضور اکثریت نمایندگان سه روز تمام تشکیل شد و ملت ما پدانند که در این سه روز در حدود یازده ساعت بحث شده البته غیر از بخشی که نمایندگان گروه اول در گروهها رفتند و بحث کردند، بنابراین جادار د که پیشنهاد کفایت مذاکرات را به رأی بگذاریم، اگر این پیشنهاد تصویب شد دیگر مذاکره‌ای نیست ولی اگر این پیشنهاد تصویب نشود، آنوقت بازی یک موافق و یک مخالف بحثمان را ادامه میدهیم.

اشراقی - با اصلش موافقیم ولی این قیود باید بسمع ملت ایران برسد.

میرمادر ذهنی - از نظر من مخالفی صحبت نکرده آقای مراغه‌ای اگر صحبت کردن در رواق با محتوا موافق بودند ولی من در کل محتوا کاملاً مخالفم، اجازه بدھید صحبت کنم.

حجتی کرمانی - تذکری بدھم و آن این است که این صحبت هائی که در کمیسیونها شده خیلی پر محتوا و سازنده بوده و همه گروههای موافق و مخالف هم صحبت کرده اند ولی چون مردم ما اطلاع ندارند، همان ابهاماتی که برای مخالفین در جلسه وجود داشته برای ملت هم در خارج از مجلس وجود دارد. بنابراین لازم بود که این مذاکرات در اختیار مردم گذاشته شود تا مردم مطلع بشوند و چون آن مذاکرات به اطلاع مردم نرسیده، این نگرانی در بین مردم مأجود خواهد داشت.



نایب رئیس — البته به تشخیص شما.

رشیدیان — مگر مردم نگرانند که قیمه یا مرجعی رهبر آنها باشد؟

حجتی کرمانی — عده‌ای بدون شک نگران هستند و من پیشنهادم این است که مذاکرات موافق و مخالف برای دیگران که خارج از مجلس هستند و احساس نگرانی میکنند، ادامه پیدا کند.

نایب رئیس — ملت ایران و رهبر عالیقدرمان با نظر شمام خالق هستند و ایشان پریروز اظهار میداشتند با این روشی که در نظر گرفته اید، چگونه میتوانید جلو بروید بنابراین ما نمیتوانیم اینکار را ادامه بدھیم.

حجتی کرمانی — چون عده‌ای از مردم سپاهی میکنند، باید روشن شود.

مهندس سعابی — این اصل، یک اصل بسیار اصولی و اساسی است واقعای در جامعه ایران ایجاد خواهد کرد، بنابراین نگذارید که این اصل سرسری بگذرد. در جلسات خصوصی بنده بعنوان مخالف فقط در دقیقه توanstم صحبت کنم، در حالیکه دهها مطلب دیگر داشتم که فرصت نشد و در حدود بیست نفر و شایدی نفر در دنباله حرفهای من جواب دادند و باز جواب داشت ولی به هیچ‌کدام نوبت نرسید. بنابراین روی این اصل بقدر کافی در این مجلس خبرگان توضیح داده نشده شما اگر بخواهید با یک قیام و قعود مسأله را تمام بکنید، این در نظر ملت ایران مسئله‌ای است که ایجاد سائل و مشکلات خواهد کرد و خود جنابعالی اینجا مطالبی فرمودید که این مطالب در آن جلسه گفته نشده بود و جوابش نیز داده نشده بود، همین مطالب شما جواب دارد.

نایب رئیس — دوستانمان آقای سعابی و آقای حجتی درباره ضرورت ادامه مذاکرات با ادعای اینکه روی این مطلب در جلسه، بعد از گذشتن بیش از یازده ساعت، به اندازه کافی بحث نشده و ادعای اینکه باید همه مطالب به اطلاع ملت ایران برسد و نرسیده است، مطالبی فرمودند ولی من از این دو بزرگوار سؤال میکنم که آیا برای اینکه در یک مجمعی بعضی را کافی بدانیم یا غیر کافی، راهی جز رأی گیری در خود آن مجمع پیشنهاد می‌کنید یا نه؟ اگر تنها راه این است که از خود آن مجمع رأی بگیریم، بنده پیشنهاد کفایت مذاکرات را به رأی می‌گذارم و اگر رأی می‌فرمایید این همه محترم است از همین جا نامحترم می‌دانید، برای این که تشخیص یک یا دو یا سه نفر این است که باید بحث ادامه پیدا کند و بی‌اعتراض به آراء دیگران بحث را ادامه بدھید.

حجتی کرمانی — من پیشنهادم این است که قبل از خودشما هر اصلاحی را که مطرح می‌کردید، بیش از یک مخالف و یک مخالف روی آن صحبت می‌کرد ولی چون می‌فرمایید این صحبت‌ها در جلسه خصوصی انجام شده است، اجازه بدهید در اینجا هم بحث ادامه پیدا کند.

نایب رئیس — بنده به فرمایش جنابعالی جواب می‌دهم و سؤال می‌کنم آیا برای تشخیص اینکه بحث را ادامه بدھیم یا نه، مرجع تعیین کننده به پیشنهاد شما کیست؟

حجتی کرمانی — به سنت همین مجلس.

نایب رئیس — پیشنهاد کفایت مذاکرات را به رأی می‌گذاریم و اجازه صحبت هم نمی‌دهیم، موافقین با کفایت مذاکرات دست بلند کنند (پنجاه و دونفر از شخصت و چهار نفر دست بلند کردن) تصویب شد و حالا بنده متن اصل را می‌خوانم لطفاً گلستان را برای گرفتن رأی ببرید.



اصل ه (اصل پنجم) — در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولايت امر و ايمامت امت بر عهده فقيه عادل ويا تقوا، آگاهه زمان، شجاع، مدیر و مديبر است که اکثريت سردم او را به رهبری شناخته و پذيرفته باشند، و در صورتی که يك فرد چنین اکثريتی نداشته باشد شورايي مرکب از فقهاء و اجد شرایط بالاعهد دار آن می گرددند. طرز تشکيل شورا و تعين افراد آن را قانون معين می کند.

(اخذ رأي بعمل آمد و نتيجه آن بشرح زير اعلام شد)

نائب رئيس — نتيجه را اعلام می کنم، افراد حاضر بر طبق تابلو شصت و پنج نفر هستند، موافق پنجاه و سه نفر، ممتنع چهار نفر و مخالف هشت نفر، بنابراین اصل پنجم تصویب شد تکمیر، (حضاره مرتبه تکمیر گفته) واما اصل شش، همانطور که در توضیح این اصل در آغاز جلسه عرض شد، ناچار نکته ای را برای رفع هرگونه سوء تعبير عرض کنم. در اینجاد صحبت یکی از دوستان گفتند که در جلسه خصوصی سه روز یحث کردیم، ملاحظه کردید که آن جلسه، جلسه خصوصی نبود و صرفاً جلسه مشترک گروهها است که درستهای پارلماني هست و گروه او اول ضرور می دانست به جای اینکه يك يك افرادش را به گروهها بفرستد، همه را دعوت کند تا بحث کنند و در واقع يك سمينار بود که برای خود تان گذاشتم و هيچ يك اقواعد جلسه خصوصی صحيح نبود و خواستيم چيزی را بلکه می خواستيم آزاد باشد. بنابراین تعیير جلسه خصوصی با استفاده از همه مطالب ازيلت عزيزمان دور نگهداريم. اينجا هم يك موافق و يك مخالف با استفاده از همه مطالب آن جلسه صحبت کردنده و همانطور که ملاحظه فرموديد يكی از دوستان يداداشتی فرستاده اند مبنی بر اينکه موافق ده دقیقه ييشتر صحبت کرده ولی مخالف نه ، توضیح می دهم اگر مخالف وقت خواسته بود و نداده بودیم، آن وقت می شد غير عادلانه و اگر آفای مراجعته ای هم که بعنوان مخالف صحبت کردنده، وقت زيادي می خواستند به ايشان می دادیم. اصل شش همانطور که عرض شد بدنبال بحث های مفصلی که در دو جلسه قبل کردیم و بدنبال شورها و بدنبال اظهار نظرهائی که جديداً رسيد، امروز صبح در گروه چهاردهنفری در يك اصل به اين صورت درآمد که هم آن نکته ای را که برای يك اصل کردن در نظر گرفته بودیم، داشته باشد و هم آن بعثهای دو اصل کردن را نداشته باشد، بنابراین می خوانم :

اصل ۶ — طبق دستور قرآن : «شاورهم فی الامر» و امرهم شوری بینهم» امور کشور باید از طريق شوراهای مجلس شورای ملی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و شوراهای اسلامی دیگر اداره شود. این شوراهای با آراء مردم تعین می شوند و طرز تشکيل وحدود اختيارات و وظایف آنها را قانون معين می کند.

درباره اين اصل اگر سؤالی و نظری هست، بفرمائيد چون قبل روى اين اصل خيلي صحبت شده اگر نظری نیست اعلام رأى بکنم ، و اگر قرار است موافق و مخالفی صحبت بکند ، لطفاً اسم بنویسند که موافق و مخالف صحبت کنند.

کرمی — من يداداشتی بشما دادم ، این برادران ماباید بدانند که ما عوارض داریم و حوادث داریم و مرض داریم و عیب هم داریم ، ما میخواهیم این مواد را طبق قوانین اسلامی که مردم میخواهند، انجام بدیم. اینجا بازار خطابه نیست، اینجا برای عرض حقایق است و نسبت به حقایقی که متجلی میشود ، في الفور باید رأى گرفت.

نائب رئيس — ايشان يداداشتی هم مرقوم فرموده اند و بکرر هم این توضیح را داده اند.



به هر حال اگر سؤالی در باره اصل شش هست که بنده باید توضیح بدهم، بفرمائید.

رشیدیان — در این جمله «قانون معین میکند» منظور قانون عادی یا اساسی است؟

نایب رئیس — هردو، بخشی از آن را قانون اساسی و بخشی از آنرا قوانین عادی.

رشیدیان — مسأله دوم اینکه سورای رهبری در کجا باید عنوان بشود، در همینجا یاجای دیگر؟

نایب رئیس — نه، جایش اینجا نیست، قسمتی از آن در اصل پنج بوده و قسمتی از آن بعدها می‌آید. آقای دانش را بفرمائید.

دانش راد — من خودم از فهم شوراهای اسلامی سرد روی آورم ولی این شوراهای اسلامی وقتی میروند درین مردم و در عمل میخواهد تبیین شود، مثلاً در یک وزارت‌خانه‌ای میخواهند شورا درست کنند، مثلاً در وزارت بهداشت که اطباء مختلف با مذاهب مختلف، یعنی کلیمی هستند، زرتشتی هستند و آسوری هستند، آیا این اسباب سوء تفاهم نمی‌شود که اینها را کنار بگذارند؟

نایب رئیس — از نظرما نه، ولی اگر از نظر کسی ابهامی داشته باشد، لطفاً پیشنهاد بد همید و خوشحال میشویم که پیشنهاد تکمیلی بدهید ولی سورای اسلامی هیچ معناش این نیست، آگر چنین چیزی باشد باید حل کنیم.

نبوی — در ردیف شوراها باید سورای رهبری و سورای نگهبان هم ذکر شود.

مهندسان سعایی — این که گفته‌اند «اداره‌امور کشور» دو مطلب است، یکی اجرائیات است و دیگری وضع مقررات است، در مورد مقررات وضع روش است ولی سؤالمان این است که آیا در امور اجرائی، کار بصورت سورائی است؟ یعنی وزارت حذف می‌شود و سورائی وزارت‌خانه را در اداره میکند؟ یافلان کارخانه سورائی خواهد بود یا نه؟

نایب رئیس — عرض می‌شود هرسؤالی بجاست ولی چنین بیداست که این عبارت آن گویائی را نداشته، پس پیشنهاد می‌کنم اگر بنظرتان میرسد که توضیحی باید داده شود، مرقوم بفرمائید. باید اضافه بکنم که این شوراهای برنامه‌ریزی است اما خارج از سورای اجرائی هم نیست. بنابراین نمیخواهیم بگوئیم در هر کاری شورا باشد، چون اینجا نوشتم که اداره امور کشور از طریق شورا باشد. اگر چنین سوء تعبیری بوجود می‌آورد، اصلاح کنیم ولی اگر راه را باز میگذاریم که هرچا امکان دارد تشكیل بشود، بشود و هر جا امکان تشكیل شورا نمی‌باشد، نباشد، اشکالی ندارد. به هر حال اگر ابهامی دارد بفرمائید اصلاح کنیم و آنچه هم که گفتیم قانون معین می‌کنند، اگر این عموم و فراگیری را دارد دیگر اصلاح نمی‌خواهد. به هر حال اگر نظری دارید لطف کنید بصورت پیشنهاد مرقوم بفرمائید. حالا اجازه بفرمائید که یک مقدار مطالبی که رسیده جمع و جور شود و تا پیشنهادها را آقای آیت تنظیم میفرمایند، آقای نوری خشن اگر فرمایشی دارید بفرمائید.

دکتر نوری خشن — بسم الله الرحمن الرحيم. عرض کنم که در آخرین روزی که حضرت آیت الله طالقانی اینجا تشریف داشتند، اگر خاطرمان باشد آقای موسوی اول راجع به نظام سورائی صحبت کردند و بعد از آقای موسوی من با کسب اجازه از آقای طالقانی با ایشان راجع به شوراهای صحبت کردم و گفتم اگر صلاح میدانید که باز مطرح بشود چون یکمرتبه مطرح شده بود البته قاعده‌تا آقای مهندسان سعایی مطرح میکردند ولی چون آن روز آقای مهندسان سعایی تشریف نداشتند، پیشنهادی بود که در گروه قبله بتصویب رسیده بود، من این پیشنهاد را خدمتشان دادم و گفتم شما اول مطالعه بفرمائید. ایشان مطالعه فرمودند و بعد گفتند یک کمی تأکید



بیشتر داشته باشد. گفتم خوب تصحیح بفرمایید. بعد از چهار، پنج دقیقه فرمودند در شرح کلی که می‌اید آنجا توضیح بدهید. بعداً موقعیکه داشتند تشریف میبردند مخصوصاً تأکید کردند که آن پیشنهاد را شما حتماً بدهید به‌آفای رئیس که اگر آفای دکتر بهشتی خاطرشن باشد، من بعد از جلسه آمدم خدمتشان، فرمودند که در جسه آتیه آنرا بدهم. اینست که من عین این پیشنهاد را فقط از نظر اینکه ایشان موافق بودند و قبل از گروه تصویب رسانده بود، تقدیم می‌کنم. متنه امروز صحیح یکی دونفر از دوستان یادشان نبود که چنین چیزی به‌این مضمون تصویب شده است. حالا به هرحال چیزی که برآن تأکید داشتم، نظام شورائی است یعنی اینجاد راین اصل شش، ما نظام شورائی نداریم چون گفته‌ایم «امور کشور باید از طریق شوراهای باشد» ولی تأکیدما روی نظام شورائی است. اینست که اگر بشود در اصل شش، نظام شورائی را نجاذب فکری کنم مشکل بطریق می‌شود. ویک مسأله دیگری که مهم است اینست که دریش نویس قانون اساسی در اصل دوم راجع به انتخاب ریاست جمهوری صحبت کرده، در اینجا هم راجع به انتخاب ریاست جمهوری قبل از صحبت شده است ولی الان می‌بینیم که از اینجا حذف شده است. برای اینکه نگرانی بوجود نیاید لطفاً در همین جاذب کر بشود که به‌جهة ترتیب ریاست جمهوری انتخاب می‌شود چون قبل اصل دوم بود. اگر اجازه بدهید متنه که مورد تأثید هم بود و در گروه پنج مطرح شده من می‌خوانم: «جمهوری اسلامی (یا حکومت اسلامی) بسته بر نظام شورائی است که اداره جامعه با انتکاء برآن صورت می‌گیرد که به‌وجب (وا مرهم شوری بینهم) شوراهای نمی‌توانند قوانینی که در تنافض با اصل قبل باشد وضع کنند». البته این قبل در جلسه به این صورت تصویب شده بود: «شوراهای نمی‌توانند قوانینی که مخالف با احکام اسلامی باشد، وضع کنند». چون آن روزها دیدیم که اصل قبلی این را تأکید کرده بود، این جمله آخر را گفتیم (البته الان می‌شود اصل چهار) این متن را می‌دهم خدمت آفای دکتر بهشتی اگرصلاح بداند مطرح کنند، چون چیزی بوده که مرحوم طالقانی به‌من گفتند و من با اجازه به مجلس تقدیم می‌کنم، مشتکرم.

نایب رئیس - خوب، آفای نوریخش صحبت‌شان را کردند، اگر کسی آماده هست که در پاسخ ایشان توضیحی بدهد یا از نمایندگان محترم یا از اعضاء گروه ما توضیح بدهند والا خود من موظف هستم بطبق وظیفه توضیح بدهم.

طاهری گرگانی - آفای نوریخش گفتند در گروه ما نظام شورائی تصویب شده است در صورتی که آن روز من و آفای حائری و آفای کرمی نبودیم وا تصویب آن اطلاعی نداریم.

دکتر شیبانی - من بعنوان منشی گروه عرض می‌کنم که آن روز اکثریت بوده است.

نایب رئیس - می‌فرمایند آن روز اکثریت بوده است، به هرحال به‌این مورد بعداً رسیدگی خواهد شد. آفای مکارم بفرمایید.

سکارم شیرازی - بسم الله الرحمن الرحيم. من فکر می‌کنم هیچکس شک ندارد که شورا و برنامه‌هایی که براساس شورا باشد، هم مورد تأکید اسلام است و هم ضامن بقای جامعه است. قرآن در دوجا تأکید روی این مسأله کرده و اصلاح سوره‌ای در قرآن بنام سوره «شوری» داریم، بنابراین شورا یک اصل اسلامی بود و یغمیر اکرم (ص) و ائمه هدی هم این برنامه را عملی می‌کردند و از نظر واقع یعنی هم‌ما می‌دانیم هیچ برنامه‌ای بدون مشارکت مردم پیش نمی‌رود. همانگونه که انقلاب بوسیله مشارکت عموم پیش آمد و پیروز شد، اداره سلطنت هم باید در آینده بر اساس



افکار مردم، متنها درپرتو تعليمات اسلام و برنامه ولايت فقيه به آن صورتی که توضیح دادشد، باید افکار مردم حکومت کند. بنابراین دراصل مساله شورا هیچ بعثی نیست نه از نظر اسلامی و نه از نظر انسانی و نه از نظر آنچه واقعیت به ما می گوید، متنها تعبیری که جناب آقای نوربخش از «نظامشورائی» کردند من فکر می کنم اگر تعبیرش را صرف نظر کنیم اصل محتوا دراینجا هست. برای اینکه «امور کشوری از طریق شوراها...»، یک معنی وسیعی است. نظام شورائی مگر غیر از این است که مربوط به امور کشور بوده باشد؟ و اتفاقاً «امور کشور» که دراینجا نوشته شده است هم شامل امور مربوط به قانونگذاری و هم امور مربوط به جبهه های اجرائی می شود. بنابراین تمام امور کشور دراینجا جمع است و با از نظم شورائی چیزی جز اداره امور کشور براساس شوراها نمی خواهیم. بنابراین نظری هم که مرحوم آیت الله طالقانی آن مجاهد بزرگ و بسیار ارزشمند که واقع‌آجای ایشان در سیان ما خالی است، داشتند، با همین متن تأمین می شود، برای اینکه نظر ایشان نظام شورائی بود. نظام شورائی یک کلمه‌ای است که یک کمی ابهام دارد، روشنترش اینست، امور کشور باید از طریق شوراها در تمام سطوح که شرح داده شده اداره بشود، پس هم تعليمات قرآن دراین زمینه عملی شده است، متنها یک ایراد دیگری بعضی از آقایان داشته‌اند و آن داشتند آن هم دراینجا عملی شده است، متنها یک ایراد دیگری بعضی از آقایان داشته‌اند و آن این بود که چرا ریاست جمهوری دراینجا ذکر نشده، بنده فکر می کنم چون حالا بحث دراین است که اداره امور کشور از طریق شوراها است و شوراها با آراء مردم انتخاب می شوند، در مرور دیگر ریاست جمهوری که هنوز معلوم نیست که ما جنبه شورا برایش قائلیم یا فرد، ممکن است رئیس جمهور یک‌نفر باشد، بنابراین یک شورا نیست که با آراء مردم بخواهد انتخاب بشود، یک‌نفر است که باید با آراء مردم انتخاب بشود. آن مثال هائن هم که دراینجا ذکر شده، مسلمان جنبه شورائی داشته است مثل مجلس شورا، شورای استان، شورای شهرستان، شورای شهر و محل و روستا، بقیه اش هم بعنوان شوراهای اسلامی است ویرای اینکه راه بررسایر شوراها بسته نشود و فردا ما را متهم نکنند که شوراها را محدود کرده‌اید غیر از این چند شورا، شوراهای دیگر هم محلش باز است و پرونده اش گشوده است و آنها هم قابل تشکیل است. اماد مرور رئیس جمهوری اگر ذکر نشده، رئیس جمهوری ممکن است فرد باشد و شورا نباشد. بنابراین عدم ذکر ش با واسطه این است که هنوز تصمیم‌گیری در این قسمت نشده و با این توضیحی که عرض کردم فکر می‌کنم در این اصل تمام نظراتی که گفته شد، خلاصه شده است.

نایب رئیس - خیلی مشکر کیم، عنایت فرمودید من دیگر توضیح بیشتری ندارم. امیدوارم آقای نوربخش و دوستان توجه کرده باشند که یک وقت روی کلمه تکیه است یعنی تشخیص میدهید که باید توی قانون اساسی کلمه «نظام شورائی» باشد، یک وقت میگوئید نه، قانون اساسی ما باید حداقل دخالت در کارها را به شورا بدهد. اگر کلمه منظور نباشد و روی کلمه تعصی نباشد، اصلی که ما اینجا بطور کامل گفته ایم «امور کشور باید از طریق شوراها اداره شود» گویا است، متنها آقای مهندس سحابی سوالی کرده‌اند که قرار بود خودشان پیشنهادی بدهند. در خارج از جلسه هم که خدمتشان توی جلسات دیگر از نظر فنی صحبت میکردیم، ایشان معتقد بودند که شورای مدیریت در واحد های کوچک نمیتواند معنی داشته باشد، اینست که اگر نظرشان تأمین است، دوست داشتم خودشان بیایند توضیح بدهند. یادداشتی هم خدمتشان دادم که نظرشان را بیایند اینجا بگویند.



مهندس سحابی — بسم الله الرحمن الرحيم . اشکالی که بنظر بندۀ در مورد این اصل دیرسید دو مطلب است، یکی همین مطلب که الان جتاب آفای دکتر بهشتی فرمودند یعنی رابطه شوراها با مسائل اجرائی است، چون در اجرائیات بایستی مسئول و مدیر مشخص باشد. البته در یک واحد، حالا در ده یا شهر یا استان و همچنین در کارخانه یا در مزرعه برای تصمیم‌گیری یا شور و مشورت برنامه ریزی باید کارشورائی باشد ، این درست ولیکن اجراء کننده یا دستور دهنده باید یک نفر باشد. بنابراین اینجا ما باید روش کنیم چون بعداً اشکال پیدا میشود. بعضی‌ها میگویند مثلاً مدیر کارخانه یا مدیر تولیدفلان خط زنجیر، اینها همه باید شورائی باشد یا فرض کنید تمام کارگران و دهقانان باید در مدیریت و خط تولید شرکت کنند ، اینها یک قدری نظام کارگاه یا نظام کارخانه را بهم خواهد ریخت ، چون اصل شورا در مراحل تصمیم‌گیری، در مراحل برنامه ریزی مطرح است. برای اینکه این اصل در آینده سوء تفاهم ایجاد نکند، به این جهت پیشنهاد میکنم در آخرش این جور اضافه شود که «حدود اختیارات و وظایف آنها را با امور اجرائی» یک چنین چیزی اضافه کنیم که بعداً جا باشد که در قوانین مخصوص این تفکیک در امر اجرائی و امر تصمیم‌گیری و برنامه ریزی انجام شود. این توضیح بندۀ در این مورد است.

نایب رئیس — آقای مهندس سحابی چون پیشنهاد میکنید، من بنظرم می‌آید که «طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها در رابطه با مسائل مختلف بخصوص مسائل اجرائی را قانون معین میکند» .

مهندس سحابی — بله نکته‌ای دیگر که خارج از این مطلب است و خواستم عرض کنم این است که در رابطه با این اصل در پیش‌نویس و همچنین در پیشنهاد اولیه گروه یک، دو اصل بود، یکی اصل پنج بود و یکی اصل شش، اصل پنج مسأله همین سطوح تصمیم‌گیری از طریق شوراها را مطرح کرده بود و اصل شش راجع به اینکه اساس حکومت مبتنی بر آراء عمومی است را مطرح کرده بود و این دو اصل حالا در اینجا ذوب شده در یک اصل و آن نقش آراء عمومی در اینجا متغیر شده، چون آراء عمومی فقط از طریق انتخاب شوراها نیست که در جامعه مطرح میشود، آراء عمومی از طریق رفاندوم هست، از طریق انتخاب رئیس جمهور هست، از طریق دیگر هم هست. در بعثهای هم که در مورد همین اصل پنج بیشتر، مسأله حاکمیت و ناظرت شرعی یا به اصطلاح ولايت فقیه یک اصل بود که همه آفایان این را قبول داشتند. مسأله آراء عمومی آن هم یک اصل بود یعنی این دو تا هیچ‌کدامش همدیگر را از بین نمیبرد. بنابراین، آن اصلی اولی را گذاشته‌ایم در اصل پنج، ولی اصل دوی را دیگر حذف کرده‌ایم یعنی گوئی مسأله آراء عمومی در اینجا فقط ذوب شده در شوراها و ولايت فقیه، طرق دیگری هم برای ابراز آراء عمومی بایستی وجود داشته باشد چون اصولاً نقش اساسی در اداره جامعه دارد و این جمله در قانون اساسی بایستی ذکر بشود و تصریح بشود تا قانون اساسی ماشکل جمهوری را داشته باشد یعنی جمهوری بنایش برآراء عمومی است. حالا اگر اصل دیگری را قبول کردید که به آن اضافه کنید ، آن بجای خود ، ولیکن این مسأله آراء عمومی بالآخره نقش اساسی و بنیادی را در اداره امور جامعه دارد که از طریق شوراها یا از طریق رفاندوم یا همه پرسی یا انتخاب رئیس جمهور ابراز میشود.

نایب رئیس — آقای مهندس سحابی مخالفی کوشش کردیم که مطالبی را که در دو اصل



بود، دریک اصل، بطوری که هم ابهام نداشته باشد و هم تداخل بوجود نیاورد، تنظیم کنیم. خودتان که صبح در جلسه چهارده نفری تشریف داشتید؟ (مهندس سحابی — در آخر جلسه رقمتم) آقای دکتر شیبانی بودند. به هر حال روی این اصل خیلی کار شد که عبارت سرراست، درست، صریح، روشن، بدون عبارت اضافی باشد و تداخلی هم نباشد و بعد از کوششهای زیاد بدون اینکه بخواهیم هیچ مطلبی نادیده گرفته بشود، ولی صحیح هست که با اینکه ما تا اینجا آورده‌ایم، این مطلب از آن بدست نمی‌آید که آراء عمومی از طریق انتخاب رئیس جمهور و فرمانده و اینها هم میتوانند نقش داشته باشد. بنابراین اگر خودتان عبارتی بنظرتان میرسد، تا دیگران نظرشان را میفرمایند یادداشت کنید والا خود من پیشنهادی دارم که عنوان عضو گروه اول تقدیم میکنم.

موبد رستم شهرزادی — اگر در بیمارستانی یکنفر از اقلیت‌های مذهبی خواست در شورا داخل شود، باذکر این شوراهای اسلامی تکلیف‌ش چیست؟

نایب رئیس — این مطلب را قبل آقای دانش راد هم مطرح کردند. ما روی آن یک علامت سوال میگذاریم، ولی منظور ما این نیست که شورائی مشکل از سالمین باشد، منظور این است که سیستم شورا، اسلامی باشد. این را توضیح میدهیم اجازه بفرمایید پیشنهاد آقای دانش راد را بخوانم:

پیشنهاد اصلاحی در مورد اصل شش.

پیشنهاد میشود قسمت دوم این اصل به ترتیب زیر اصلاح گردد: «این شوراهای با آراء همه مردم بدون درنظر گرفتن وابستگی دینی آنان تعیین میشوند...» مهندس سحابی — برای اینکه سوتقاهم ایجاد نشود و مسئله آراء عمومی هم ذکر شود، گروه پنج پیشنهادی کرده است که میخوانم:

«آراء عمومی بنای حکومت است و بطبق دستور قرآن مجید که: (شاورهم فی الامر و امرهم شوری بینهم) امور کشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم که در حدود صلاحیت آنها و در حدود این قانون و قوانین ناشی از آن مشخص می‌شود، حل و فصل گردد».

نایب رئیس — این متن صبح در جلسه گروه خوانده شد و اشکالش را هم گفتند، چون ما که نمیخواهیم همه کارهای آنجا را نادیده بگیریم، منظور از تشکیل آن گروه این بود که همه وقتمن را اینجا صرف نکنیم.

مهندس سحابی — گروه «آراء عمومی» را تکثیر بود.

نایب رئیس — این را در زیر متن اضافه میکنیم. پیشنهادهای رسیده را میخوانم تا اگر کسی پیشنهادی میخواهد بدهد، با توجه به این پیشنهادها باشد:

— برای آنکه اصل ششم ضمانت اجرائی داشته باشد، پیشنهاد میکنم این جمله به آن اضافه شود «و دولت موظف است هرچه زودتر مقدمات اجرای سریع این اصل را در همه ابعاد قانونی آن آماده سازد».

نایب رئیس — توضیحی که خدمتشان میدهم اینست که دولت هیچوقت نمیتواند مستقیماً مجری یک اصل از قانون اساسی باشد. یک اصل قانون اساسی باید بعداً در رقه مجریه بصورت یک اصل اجرائی در باید و در مورد همه اصول، دولت موظف است که این کار را بکند. پیشنهادهای بعدی را میخوانم:



- پیشنهاد میشود طرز تشکیل و شرایط انتخاب کنندگان وحدود اختیارات اخ.
- (صافی)
- اگر لازم به اصلاح متن بود ترتیب شوراهای از پائین بپایین باشد یعنی شورای روستا، بخش، محل، شهر، شهرستان، استان و شورای ملی. اگر لازم هست علت آنرا توضیح ده.
- (کیاوش)
- پیشنهاد میکنم که در ردیف ذکر شوراهای از شورای رهبری و شورای نگهبان نیز باید نام برد شود.
- (نبوی)
- حدود اختیارات شوراهای را باید مجلس خبرگان تعیین کند، مردم را در انتظار نگذاریم.
- (مولوی عبدالعزیز)
- ۱— در اصل شش آنجا که نوشته شده، امور کشور باید از طریق شوراهای اداره شود، از این جهت اشکال دارد که با مشخص بودن ریاست جمهور و خیلی از امور که شاید موجب تخصیص اکثرباشد، تعارض پیدا میکند و در خیلی از امور مشکلات ایجاد خواهد کرد و نیشود گفت — امور کشور باید از طریق شوراهای — بلکه باید در آن اموری که شورا لازم است، فقط شورا را لازم دانست و حداقل ابهام میتواند در این اصل باشد.
- ۲— قید اسلامی حذف شود تا موجب توهمن باشد و از آنجا که همه این امور اسلامی است و قانون اساسی، قانون جمهوری اسلامی است لزومی ندارد این قید ایجاد اضافه شود و چه بسالزم باشد که خود اقلیتها شوراهایی داشته باشند که دریک سطح میتوان گفت اسلامی نیست و در سطح دیگر به اعتبار اجازه جمهوری اسلامی، میتوان گفت اسلامی است. به هر حال ذکر این قید ضرورت ندارد.
- نایب رئیس — بایرداشتن کلمه «اسلامی» دوستان هم ابهامشان برطرف میشود؟
- ربانی شیرازی — منظور از اسلامی این است که شوراهای اختیاراتشان در حدود اسلام باشد.
- نایب رئیس — گفتم اصل چهار را میگذاریم که همه جا نخواهیم بگوییم. پیشنهادهای بعدی قرائت میشود.
- تعیین شورای رهبری نیز باید مبتنی بر آراء مردم باشد (بوسیله مجلس خبرگان نظیر این مجلس).
- (سیدعلی اکبر قرشی)
- اصل شش — با توجه به اینکه در این اصل اداره امور کشور را لازم دانسته، نیشود بعد آ برخلاف اصل تصویب شده شش، اصل دیگر وضع شود و اهم امور کشور در دست رئیس جمهور است و وقتی که امور کشور لازم باشد از طریق شورا باشد، جا ندارد که برخلاف این مكتب بشود که ملت از طریق اکثریت فرد را معین نماید.
- (حسینعلی رحمانی)
- پیشنهاد میکنم بعداز «حدود و اختیارات و وظایف آنها» این جمله آورده شود «اصول بعدی معین میکند» شوراهای اسلامی دیگر در پرانتز نظیر (شورای رهبری — شورای نگهبان).
- (رشیدیان)
- پیشنهاد: طبق دستور قرآن... آید... شورا یکی از مبانی اداره امور مملکت است که دریکی از پیشنهادها بوده است.
- (موسوی تبریزی)
- نایب رئیس — یعنی بنویسم «طبق دستور قرآن (وشاورهم فی الامر و امرهم شوری بینهم) شورا یکی از مبانی اداره امور مملکت است و امور کشور باید...» پیشنهادشان این است.



پیشنهاد بعدی قرائت میشود.

— امور کشور باید با توجه به شوراهای مجلس شورای ملی... اداره شود.

(ربانی‌شیرازی)

نایب رئیس — اگر این تغییر داده شود، منظور آفای مهندس سحابی هم عملی نمیشود.

پیشنهادهای بعدی قرائت میشود.

— آراء مردم از شورا تفکیک شود و بصورت اصل جدگانه درآید همانگونه که عمل (حجتی کربانی) فرمودید.

— پیشنهاد میشود: بصورت یک اصل جدا، عبارت زیر به رأی گذاشته شود:
«آراء عمومی در همه سطوح انتخاب رهبر یا اعضاء شورای رهبری، نمایندگان، شوراهای رئیس جمهور از طریق پذیرش مردم بطور طبیعی و از طریق رفراندوم و شرکت در انتخابات، نقش اساسی و بنیادی را در حکومت اسلامی دارد».

(سید حسن طاهری)

— اموری را که قانون اساسی و قوانین عادی تعیین میکند، پیشنهاد میکنم عبارت فوق بجای «امور کشور...» قرار گیرد.
(دکتر آیت)

نایب رئیس — پیشنهادی از طرف آفای منتظری رسیده است یکی آن شوراهای اسلامی را نوشتند «شوراهای دیگر برطبق ضوابط اسلامی» که باید عرض کنم ما آن اصل چهار را به آن صورت نوشتیم که دیگر همه جا نخواهیم این قید را اضافه کنیم و دیگر بجای اینکه بنویسیم «طبق دستور قرآن امور کشور باید... الى آخر» نوشتیم «تصمیم نسبت به امور کشور باید از طریق شوراهای باشد» که به دنبال سؤال آفای سحابی است و باین عبارت بهتر میشود. نکته دیگر طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف آنها و شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان است که معمولاً وقتی میگویند «طرز تشکیل» یکی از مفادش وسائل مربوط به طرز تشکیل همین است. پیشنهاد بعدی قرائت میشود.

— پس از «اداره میشود»، این کلمات اضافه شود «باتشکیل افرادی ذیصلاح برای (اداره) این شوراهای با آراء مردم تعیین میشوند».
(گرجی)

نایب رئیس — ما میتوانیم همانطور که بعضی از دوستان پیشنهاد کردند شوراهای اسلامی را برداریم و شوراهای دیگر بگذاریم که ایجاد شبه نکند. اگر مخالفتی نیست به رأی بگذاریم.

طاهری اصفهانی — اقلیتهای مذهبی که به جمهوری اسلامی رأی داده‌اند، دیگر جای شبه ندارد.

نایب رئیس — چرا، ایجاد شبه کرده‌است اگر آفایان توافق نمی‌فرمایند پیشنهاد آفای منتظری را یعنی «شوراهای دیگر برطبق ضوابط اسلامی» به رأی بگذاریم. آفای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — بناد میکجا محکم کاری کنیم البته اگر تکرار کنیم از یک نظر خوب است اما این را توجه داشته باشید وقتی این متن بددست یک عده بهانه جو بینند، مارا متهم به تھصیب میکند و اینکه منحصر و محدود کرده‌ایم و گروههای دیگر را عقب زده‌ایم. ما که همه را اصلاح کردیم و اطلاقات و عمومات تمام محدود شد به آن اصل دیگر و به این صورت



درآوردیم دیگر تکرارش چه لزومی دارد که عده‌ای را بر ضد خودمان تحریک کنیم؟
نایب رئیس — یک عیب دیگر هم دارد و آن این است که اگرما اینها را برنداریم، معنایش این است که اصلاً آن اصل غیرکافی است چون آگرآن اصل کافی است پس دیگر مدام اینور و آنور نباید اضافه کنیم. ما اگر پنج جاگذاریم شخصی که این متن را میخواند سؤال میکند میگوید آگرآن اصل چهار این معنا را افقاء میکرد پس چراگذاشتند و اگر افقاء نمیکرد پس بنابراین دیگرآن قدرتی را، آن منظوری را که پیشنهاد دهنده این اصل داشته و تکمیل گننده پیشنهاد داشته، واقعاً تقض کرده‌ایم.

عرب — بندۀ در این اصل که مربوط به قشر کارگر و کشاورز است صحبت دارم.

نایب رئیس — بسیار خوب، وقتی نوبتتان شد، تشریف بیاورید.

سچانی — به عقیده بندۀ هم قید اسلامی برای شوراها ضروری نیست، ولی گاهی از اوقات افراد غیر مطلع تصمیمهای میگیرند که مخالف اسلام است و ما میدانیم که در میان ما چنین افرادی هستند. برای اینکه برایشان این مورد مستمسکی نشود، ذکر «برطبق ضوابط اسلامی» ضروری است.

موسوی — اشکالی که آقای سحابی عنوان فرمودند، یک اشکال قوی میباشد.

نایب رئیس — بله الان آن را میخوانم، آخرش به اینصورت درآمد. «این شوراها با آراء مردم تعیین میشود و طرز تشکیل وحدود اختیارات و وظایف شوراها را در رابطه با مسائل اجرائی و مسائل دیگر قانون معین میکند». آقای عرب بفرمائید.

عرب — بسم الله الرحمن الرحيم. شوراها کلیتاً باید در مسیر قوانین مملکتی حرکت بکنند ولی بینیم اینها چند نوع هستند، البته من از نظر کشاورزی و کارگری عرض میکنم و میدانید که خوب، شورای رهبری و شوراهای دیگر هم هست. حالا بینیم وظایف شورا در برآورده مردم و وظایف مردم در برآورده شورا چیست. وظایف مردم اعم از قشر کارگر و کشاورز در برآورده شورا خودش، حفظ وحدت کلمه است و حمایت کامل در کلیه ابعاد از اعضای شورا است و کارگران باید خبرها را از داخل کارگاهها یا کشاورزان از داخل کشتزارها به اعضای شورا برسانند وهمه جا مطیع فرامین اعضای شورا باشند، ولی وظایف شوراها اگر کارگری است و اگر کشاورزی است، کارگری باید در کلیه امور اداری برای دفاع از حقوق کارگر و کارمند باشند چون در نظر عضوی از اعضای شورا، کارگر و کارمند مطرح نیست، همان حقی را که کارگر از اجتماع دارد، کارمند هم دارد و باید تبیین فائق بشویم که او کارمند است و این کارگر، او خانم است و با این مرد است، هیچ فرقی بین اینها نیست. یکی از بهترین کارهای شورا این است که بندۀ باید عرض بکنم و برادر عزیzman فرمودند که اگر کلیه امور را شورا بدست بگیرد، تقریباً یک ناسامانی ممکن است بوجود بیاید، مثلاً در شهر کتی که بندۀ بودم از وظیتی که آن مدیرعامل را بعد از انقلاب طبق نارضایتی کارگران و باکسب اجازه از وزارت کار بیرون شد کردیم و در اختیار وزارت کار گذاشتمیم، یک هیأت سرپرستی تشکیل دادیم. این هیأت سرپرستی کار مدیریت را انجام میداد. در طول چهل و پنج روز یا دویاه، در حدود شش میلیون تومان که داشت هدر میرفت، به نفع شرکت برگرداند زیرا پارچه هائی را که فروخته بود به همان تجار سابق و آن قراردادهائی را که در زمان همان مدیرعامل بسته شده بود لغو کردند و به همان مشتری های عینی فروختند که شش میلیون تومان تفاوت قیمت بیدا کرد. این یکی از کارهای شورا است، شورائی که با تمام وجود



قوانین خدا را درنظر داشته باشد و فرق بین هیچ احدي نگذارد یعنی برمنای اقتصاد بار نیامده باشد واقعاً کار میکند و کمک فکری به مدیر عامل هم هست. بعد از آوردن مدیر عامل جدید که بنده در انتخابش شرکت داشتم، همین مسئله انجام شد یعنی ما کمک فکری برای ایشان بودیم همه جامیرقهیم، پول تهیه میکردیم، مشتری پیدا میکردیم، بهد کودک برای است، شورا کانون مطالعاتی در محیط کارگاهها برای کارگر تهیه میکند، بهد کودک برای بچه ها تأمین میکند، جدائی بین خواهرها و برادرها نمی اندازد، وحدت ایجاد میکند، یک فضای عالی سیاسی آنچا بوجود می آورد، سطح تولید را بالا میبرد، آنچنان که تا حال برای بنده تعجبه حاصل شده بهترین فضای سیاسی الان در شرکت ما و درجا هائی که ازینه دعوت کرده اند و رفته ام و تشکیل شورا داده ام وجود دارد و بعداً متوجه شده ام که بهترین فضای سیاسی و بهترین سطح تولید، بوسیله کمک فکری شوراها انجام میگیرد. پس شوراها هم کمک فکری هستند، هم باعث بالا رفتن سطح تولید هستند و خلاصه باعث تقویت بیهه اقتصادی مملکت میشوند. بخصوص اگر در مسیر اسلام و در مسیر انسانیت حرکت بکنند، که ماهم به این جهت قید کرده ایم بربطی ضوابط اسلامی باشند، اما وظایف شوراهای کارگری اینست که باید برای کشاورزان جاده ها را تعمیر بکنند، اعم از اسفالت، پل و مسجد بسازند، مدرسه درست کنند، درمانگاه بسازند، برق بیاورند، آب لوله کشی درست کنند، مخصوصاً کمک کنند در تهیه بذر و نهال خوب، کشاورز مشغول کارش هست اعضاء شوراهم به او کمک میکنند.

نایب رئیس — نظرتان را کلی بفرمائید لزومی ندارد به جزئیات پردازید.

عرب — کلی عرض میکنم. وقتی که شورا بود در مملکت اولاً سطح اقتصادی مملکت را بالا می برد و مملکت از فقر اقتصادی نجات پیدا میکند. ثانیاً یک آرامشی را در تمام ابعاد مملکت اعم از کارخانجات یا کشاورزی ایجاد می کند. ثالثاً یک معلم تمام عیار فرهنگی میشود برای کارگر و کشاورز و این افراد در اعضاء شورا، اعم از کارگری و کشاورزی، اینکه عرض میکنم یک معلم تمام عیار میشود باید افلان دریکی از مکتبهای اسلامی و علمی تحصیل کرده باشند یا فرادی صالح باشند. خلاصه منظور من اینست که اگر شورا در مملکت باشد، از این ناسب امامی ها نجات پیدا میکنیم. اما وظیفه این شوراها بجای کسب اطلاعات درست ناصر مملکت چیست؟ وظیفه ایشان این است که باید حداقل پانزده روز یکبار و حداقل شریجه یکبار مجمع عمومی داشته باشند البته شورا هائی را عرض می کنند که شرکت های ایشان از نظر صنفی مشابه است.

نایب رئیس — جزئیات را تشریح فرمائید، بطور کلی نظرتان این است که شوراها در امور اقتصادی و امور دیگر مملکتی مفید هستند.

عرب — متشرکم. بله نظرم همین بود.

نایب رئیس — پیشنهادی از آقای کرمی رسیده است که قرائت میشود.

— راجع به آراء عمومی تصمیم لازم اتخاذ شود.
(محمد کرمی)

نایب رئیس — پیشنهاد آقای کرمی هم قرائت میشود.

— اگر امری از امور کشور خواه امر اجرائی باشد یا مربوط به مرحله اظهار نظر و طراحی و تصمیم گیری، از آن قسم اموری بود که فقط لازم دانست آن را متصدی شود و در آن نظر بدهد و راه شخصی معین کند، چگونه میشود آن را از طریق شورا انجام داد؟ بنابراین همه امور کشور اینطور نیست که بشود آن را از طریق شورا انجام داد.
(عفر کرمی)



نایب رئیس – از مجموع پیشنهادها و مطالی که گفته شد، یک متنی را در اینجا نوشتند که آن را بیخوانم. ملاحظه بفرمائید بینید آیا نظرشماها را تأمین میکند؟ «طبق دستور قران (وشاورهم فی الامر، و امرهم شوری یعنیم) در جمهوری اسلامی آراء مردم نقش بنیادی دارد. این نقش در شکل همه‌پرسی، انتخابات عمومی یا تشکیل شوراهای منتخب مردم؛ مجلس شورای ملی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و شوراهای دیگری که برطبق ضوابط اسلامی تشکیل میشود، ایفاء میگردد. طرز تشکیل وحدود اختیارات و وظایف این شوراهای را قانون معین میکند.»

ربانی شیرازی – شما اصلاً یک اصل دیگر تهیه کرده‌اید، نه اینکه آن اصل را اصلاح فرموده باشید.

طاهری اصفهانی – آقای بیهشتی پس کار کمیسیون مشترک برای چیست؟ آنها این متن را تهیه کرده‌اند و به جلسه آورده شده، ولی شما دارید آنرا اصلاً تغییر میدهید. اگر آقای سحابی میگویند مدیریت مشخص نیست فقط آن را اضافه بفرمائید.

نایب رئیس – اصلاً چنین چیزی اینجا نیست آقا.

ربانی شیرازی – من پیشنهاد میکنم محصول کمیسیون مشترک را به رأی بگذارید. اگر رأی نیاورد، آنوقت متن جدید را به رأی بگذارید.

نایب رئیس – من یک توضیح میدهم. همانطوریکه مسبوقید در پیش‌نویس اول که قبل از مجلس خبرگان ارائه شده یک اصل برای هردو مطلب تهیه شده بود . در جریان کارگروه‌های بروزی با توجه به همین مطلبی که الان ملاحظه میفرمائید که در حقیقت دو مطلب مطرح است، دو اصل برای این تهیه شد و دریجت و بروزی که طی دو جلسه اینجا کردیم، مجددآ نظراتی بود که یک اصل باشد و کتاب و شفاهاً این نظرداده شد. درنتیجه این بروزیهای مستمر، اصل شش تهیه شده، این اصل که تهیه شده یک نقشی در مورد امور اجرائی داشت که مربوط به خود اصل شش است که با این تغییر عبارت، این نقش برطرف میشود. بنابراین، این اصل رادرابطه با نقش شوراهای به رأی میگذاریم. برای جبران نقصی که از نظر نقش آراء عمومی در شکل همه‌پرسی، انتخاب رئیس جمهور و امثال آن بیان می‌آید که باید آنهم مشخص شود. گروه چهارده نفری فردا یک متمم بصورت یک اصل اضافی، البته با رسیدگی به همه این مسائل تهیه می‌کند و باز فردا پیشنهاد می‌کند. آقای آیت میخواهد حالا توضیحی بدهد.

دکتر آیت – در اینجا نوشتند شده «اداره امور کشور بوسیله شورا است» این خیلی کلی است، یعنی فردا گر یک اداره خواست مثلاً یک ساعت پیشتر، باید یک شورا تشکیل بدهد که آیا ساعت پیشتر یا نخریم. یا مثلاً یک هوایپمای دشمن دارد به کشور حمله میکند و سی خواهد بمبان کند، ما شورا تشکیل بدهیم که آیا هوایپمای دشمن را زنیم یا نزنیم. در این که فوق العاده این مسئله خطناک است، مثلاً رئیس ستاد ارتش را شورا پنشیند انتخاب کند! چون ما اصولاً دونوع شورا داریم یکی اینکه مردم انتخاب میکنند یکی اینکه مثلاً رئیس ستاد ارتش صلاح میداند در کنار خودش باشد و با او مشورت کند. بنابراین با این کلی بودن که در اینجا آورده‌ایم بعدها برایمان در درس ایجاد میکند. اینست که من پیشنهاد کردم بجای امور کشور این جمله نوشته شود تا اشکالی هم که آقای مهندس سحابی داشتند رفع شود. «اموری را که قانونی است و قوانین عادی تعیین میکند، بوسیله شورا الخ...» نه اینکه هر امری



را، برای اینکه اگر هرامی شد، هیچ کاری نمیتوانیم انجام بدھیم.
نایب رئیس — متشکر، توضیحی که به آفای آیت میدهم اینست که آن چیزی را که ما در ذیل متن آورده‌ایم، ایشان بردۀ‌اند در صدر، ولی هیچکس نمیتواند چنین کاری را که ایشان فرمودند انجام بدهد زیرا بعد از آن نوشته‌ایم «طرز تشکیل وحدود اختیارات و وظایف شوراها در رابطه با مسائل اجرائی و مسائل دیگر را قانون معین میکند».

دکتر آیت — این مسأله، «امور» را محدود نمیکند.

ربانی املشی — هر قیدی بیاورید، تناقض دارد.

حجتی کرمانی — این تفکیکی که آوردید نیز خلاف آراء عمومی است.
خانم گرجی — طبق دوآیه قرآن، شورا ثبت است ولی در سوره احزاب برای شورا مرز مشخص میکند. آیه: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَّمُؤْمِنَةٍ أَذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ اِنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرُ» پس ما دریک اصل، اصل شورا را ثبت میکنیم و در اصل بعد مرز شورا را، و اینطور که دواصل درهم ادغام شده است، مبهم میباشد.

۴— پایان جلسه

نایب رئیس — اجازه میدهید اینطور احساس میشود که برای تکمیل این اصل که اگر ما بتوانیم دو اصل را دریک اصل ادغام کنیم، چه بهتر و اگر نتوانستیم تفکیک می‌کنیم، با تجربه‌ای که از کار امروز پیدا کردیم چنین بنظر میرسد که باز هیچ متنی که بتوانیم به رأی بگذاریم، بدلست نیامد، چون روی هرمتی باز اشکالات قابل ملاحظه‌ای هست. بنابراین جلسه‌مان را پایان میدهیم و فردا صبح جلسات‌گروه‌ها طبق معمول برای تهییه اصل بعدی کار خودش را انجام میدهد، ولی پیشنهاد می‌کنم جلسه چهارده نفره برای اینکه بتواند کار امروز راسامان بدهد، فردا ساعت نه صبح بعد از حضور در جلسات خودمان تشکیل شود. والسلام علینا و علی عباد الله الصالحین.

(جلسه ساعت نوزده و چهل و پنج دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه شانزدهم

صُورَتْ مُشْرُوحْ مَذَارَاتْ مَجْلِسِ بَرْبَیِ نَهَائِیِ قَانُونِ اَسَاسِیِ جَمْهُورِیِ اِسْلَامِیِ اِیرَان

جلسه ساعت ۱۵/۰ دقيقه روز ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و یکم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسیدت جلسه.....
- ۲ - بحث و تصویب اصول ششم و هفتم و هشتم قانون اساسی.....
- ۳ - نطق بعد از دستور آقای هاشمی نژاد.....
- ۴ - پایان جلسه.....





۱ - اعلام رسیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. با حضور اکثریت جلسه رسمی است و کارمان را آغاز می کنیم. همانطوری که در آئین نامه پیش بینی شده نطقهای قبل از دستور و بعد از دستور داریم ولی چون ما اصولی را آماده بررسی کرده ایم بنابراین بررسی اصول و رأی گیری را انجام میدهیم و امیدوارم که در انجام کارها توفیق داشته باشیم. فعلاً لازم میدانم به سؤالی که بوسیله آفای اکرمی رسیده است جواب بدهم. سؤال ایشان اینست: «مردم می برسند آیا طبق آئین نامه داخلی بجای مرحوم آیت الله طالقانی کسی باید به مجلس بیاید یا نه؟ لطفاً در این مورد برای عموم پاسخ لازم را بدھید». باید بگوییم که در آئین نامه داخلی مجلس در این زمینه ماده‌ای نیست و نمی تواند باشد چون تکلیف این قسمت را باید آئین نامه انتخابات مجلس خبرگان تعیین بکند. در آئین نامه مجلس خبرگان مسئله اینکه پس از فوت یکی از نمایندگان یا استعفای او، نفر بعدی بتواند بجای او در این مرحله یعنی پس از صدور اعتبارنامه‌ها و پس از قبول نمایندگی از طرف یکنفر در آن مرحله بتواند بجای او باید، تا آنچه که بیان دارم پیش بینی نشده است، در چنین مواردی تجدید انتخابات اگر لازم باشد میتواند پاسخ این مطلب باشد، علتیش هم روشن است برای اینکه فرض کنید در یک منطقه یا در یک استانی که چهار نماینده داریم، نفر چهارم که حداقل چهارصد و پنجاه هزار رأی دارد، چون گروهی نمیخواستند که بیش از چهار نفر را انتخاب کنند، نفر پنجم یکمرتبه صد و پنجاه یا صد و شصت هزار رأی بیشتر ندارد و گاهی هم از این کمتر است و این از نظر روح انتخابات درست نیست، با چنین حالتی که نفر بعدی از نظر رأی دارد آیا می تواند نماینده اکثریت باشد و به مجلس بیاید؟ صندوق انتخابات در تهران هم همینطور است، چه آراء آخرین نفر بعد از ده نفری که اکثریت پیدا کردن نزدیک به یک میلیون و سیصد هزار رأی است، در حالیکه نفر یازدهم حد اکثر حدود سیصد هزار رأی دارد یعنی یک میلیون رأی تفاوت دارد، اینست که از نظر روح انتخابات صحیح نیست که نفر بعدی بجای او بیاید و ظاهراً باید تجدید انتخابات بعمل آید. البته باز باید در آئین نامه دقت بیشتری بکنم ولی تا آنجا که من مطالعه کردم بیش بینی نشده است.

مکارم شیرازی - در آئین نامه چیزی پیش بینی نشده.

۲ - بحث و تصویب اصول ششم ، هفتم و هشتم قانون اساسی

نایب رئیس - اصولی که امروز مطرح میشود بدبال بحثهائی است که در چند روزگذشته داشتیم ، در این دو سه روزگذشته فرصت داشتیم پیرامون چند اصل بحث کنیم ، اصول مربوط به نقش آراء عمومی و نقش شورا در اداره کشور و بعد نقش مربوط به امر معروف و نهی از منکر ، با توجه به تشتت نظرها درباره کیفیت تنظیم اصولهای مربوط به نقش آراء و شورا که آیا



این دو مطلب در دو اصل باشد یا در یک اصل ، به اینجهت لازم بود که جلسه مشترک گروهها را تشکیل بدهیم تا بتوانیم این مسائل را در آنچاتبادل نظر بگیم ، البته آن تبادل نظری که بتواند ما را برای آماده کردن یک متن برای رأی گیری کمک کند ، در نتیجه پیشنهادی را که گروه اول برای اصول مربوط به نقش آراء عمومی و نقش شوراهای تهیه کرده است ، یکباره تند می خوانم :

» در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی بصورت همه پرسی انتخاب رئیس جمهور ، انتخاب نمایندگان مجلس یا اعضای شوراهای و نظائر اینها اداره شود « توضیحی که در این باره میدهم اینست که بطبق موازین اسلامی و بطبق آنچه که عنوان جمهوری اسلامی ایجاب می کند ، آنچه در اداره امور کشور نقش سیار مؤثر و بنیادی دارد ، آراء مردم است . در آن روزها که پیرامون کیفیت حکومت و اداره آن بحث می کردیم آنجا که مربوط به این کیفیت میشد ، با صراحة و تأکید گفتیم که حکومتی میتواند حکومت صحیح و سالم و موفق باشد که مردمی باشد و مردم اورا بپذیرند و حمایت کنند و این همان اصلی است که در طول انقلاب روی آن تکیه می شد . در این اصول کلی قانون اساسی حتماً لازم است که روی این قسمت تأکید و تکیه بشود و اصلی مستقل برای نقش آراء عمومی در اداره کشور داشته باشد . این همان فکری است که قبل از آن را در دو اصل پیاده کردیم و مارا به اینجا هدایت کرد که مجدداً آن را با نقش شوراهای در یک اصل آوردیم و برای همه آقایان مشخص شد که نقش آراء عمومی اینجا مشخصاً بطور برجسته ذکر شود ، روی این تأکید بوده است که سرانجام با تأیید دولتان پیشه‌هایمان را بربنای دو بخش کردن این قسمت ، یک بخش مستقل مربوط به نقش آراء عمومی و یک بخش مربوط به شوراهای منتخب از نظر آراء مردم تغییر دادیم . حالا یکبار دیگر این اصل شش را میخوانم ، منتها دولتان این اصلاحش را یادداشت کنند که برای رأی گیری خدمتشان باشد و تغییراتش را هم بنویسند و اگر نظری دارند صحبت بفرمایند ، اصل ششم را میخوانم :

اصل ۶ - در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی بصورت همه پرسی ، انتخاب رئیس جمهور ، انتخاب نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای و نظائر اینها اداره شود .

طاهری - عبارت درست است ؟

نایب رئیس - بله .

هاشمی نژاد - بعد از همه پرسی ضرورتی ندارد چیزی اختیافه گردد ؟

نایب رئیس - بسیار خوب ، مشکرم ، خیر احتیاج ندارد صحبت اینها شده است البته اگر بخواهیم عبارت را گوییا ترکنیم ، بهتر است بنویسیم « در جمهوری اسلامی ، امور کشوریا بد ... در شکلها گوناگون » ، همه پرسی انتخاب نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای و نظائر اینها اداره شود ». این عبارت سلیمانی نیست زیرا اولش می گوید « در جمهوری اسلامی ... » بعد میگوید « اداره شود » اگر این اشکال دوم را که بنظر میرسد بطرف کنید ، درست میشود .

نایب رئیس - آقای دکتر شیبانی بفرمائید .

دکتر شیبانی - اگر جمله اینطور باشد بهتر است « در جمهوری اسلامی باید امور کشور



با انتکاء برآراء عمومی» بعداز بصورت همه‌پرسی (دونقطه) بقیه اصل تا آخر . (بعضی از نمایندگان—این بهتر است) .

نایب رئیس — دوستان فکر کنید اگر بهتر است جمله «اداره شود» راجلویگذاریم . (قائمه امیری — در میان اصل نوشته شود» شکلهای گوناگون «تا آخر اصل) در اصل مطالب بخشی نیست، اگر بخشی باشد برای انتخاب جمله راستراست و اگر در این مورد نظری دارید، بنویسید مرحمت کنید تا مورد بررسی قرار گیرد .

خامنه‌ای — اگر عبارت «اداره امور کشور» جلوییاً بدبهتر نیست؟ و منظور را بهتر تأمین نمی‌کند؟

نایب رئیس — چند عبارت بصورت پیشنهاد رسیده است که قرائت می‌کنم .

بعضی از عبارات هم پیشنهاد جدید است. عبارات را آهسته می‌خوانم، هر کدام که احساس کردید بهتر است واشکال حل می‌شود ، به همان آکتفا خواهیم کرد.

— در جمهوری اسلامی امور کشور باید به انتکاء برآراء عمومی اداره شود و این کار از طریق انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شورا ویا اعضاء شوراها و نظائر آنها تحقق می‌پذیرد.

(سبحانی)

— آراء عمومی در همه‌پرسی (رفراندوم) با انتخاب رئیس جمهور و شاید نمایندگان مجلس موافقت داشته باشد، ولی با سایر شوراها خبر، مگر آنکه بگوئیم مرجع آنها هم مع الواسطه همه‌پرسی‌های اولی است که مبنای حکومت است و آن هم خلاف ظاهر و مبهم است و اگر همه‌پرسی را حذف کنند بهتر است چون مبنای شوراها تنها رفراندوم نیست و لفظ نظائر اینها وجهی ندارد چون نظائر اینها جز شوراها مگر چیز دیگری هست و شاید انتخاب رئیس جمهور را بخواهیم از راه نمایندگان مجلس تعیین کنیم .

— در جمهوری اسلامی اداره امور کشور باید با اعتماد به آراء عمومی بصورت همه‌پرسی... (جوادی) انجام شود.

— در جمهوری اسلامی با انتکاء برآراء عمومی در شکل‌های گوناگون همه‌پرسی انتخاب رئیس جمهور ، انتخاب نمایندگان مجلس واعضای شوراها و نظائر آنها، امور کشور باید اداره شود .

— در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی اداره شود. انتخاب رئیس جمهور، انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی واعضای شوراها و نظائر اینها از موارد آنست. (رشیدیان)

— آراء عمومی در شوراها بعضی از آنها موهم است بهتر است مقید شود به افراد ذیفع، مثلاً اگر بخواهند شورا برای دیرستان تشکیل بدند، نمی‌شود همه‌پرسی عمومی باشد بلکه انتخابات باید از همان افراد ذیفع دیرستانها بعمل آید.

— عطف انتخاب رئیس جمهور بر همه‌پرسی صحیح بنظر نمی‌رسد زیرا نه عطف متباین است و نه اخص براعم، چه آنکه انتخاب بدون همه‌پرسی نمی‌شود تا متباین حساب شود و از مصاديق همه‌پرسی هم نیست تا عطف براعم باشد.

— در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی که در اشکال همه‌پرسی انتخاب رئیس جمهور ، انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، انتخاب اعضای شوراها و نظائر اینها متجلی می‌گردد، اداره شود . (دانش راد)



- در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی اداره شود؛ بصورت همه پرسی انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس یا اعضای شوراهای وظایف اینها. (شیبانی)
- در جمهوری اسلامی ایران باید امور کشور با انتکاء برآراء عمومی اداره شود بصورت همه پرسی در موقع لزوم، انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس و اعضاء شوراهای (هاشمی نژاد)
- در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی بصورت همه پرسی در انتخاب رئیس جمهور ... (مشکینی)
- در جمهوری اسلامی اداره امور کشور به انتکاء به آراء عمومی بصورت همه پرسی انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس و اعضاء شوراهای انجام میگیرد. (حجتی)
- در جمهوری اسلامی اداره امور کشور با انتکاء برآراء عمومی بصورت همه پرسی انتخاب رئیس جمهور و انتخاب نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای وظایف آن خواهد بود. (خامنه‌ای)
- در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی اداره شود بشکل همه پرسی انتخاب رئیس جمهور انتخاب نمایندگان مجلس، اعضاء شوراهای وظایف اینها. (یزدی)
- در جمهوری اسلامی انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس و اعضاء شوراهای وظایف اینها اجراه امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی باشد. (بشارت)
- در جمهوری اسلامی امور کشور از قبل انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس، اعضاء شوراهای باید با انتکاء برآراء عمومی اداره شود. (جلال طهری)
- در جمهوری اسلامی ایران اداره امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی در شکلهای گوناگون مانند همه پرسی، انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس و اعضاء شوراهای وظایف اینها صورت گیرد. (اکرمی)
- در جمهوری اسلامی اداره امور کشور با انتکاء برآراء عمومی بصورت همه پرسی در انتخابات رئیس جمهور و انتخاب نمایندگان مجلس و اعضاء شوراهای وظایف اینها صورت میگیرد. (کیاوش)
- در جمهوری اسلامی باید انتخاب رئیس جمهور و انتخاب نمایندگان و اعضاء شوراهای وظایف اینها متکی برآراء عمومی باشد. (انواری)
- در جمهوری اسلامی امور کشور باید از طریق آراء عمومی اداره شود مانند همه پرسی، انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای (فارسی)
- در جمهوری اسلامی اداره امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی، از راه همه پرسی یا انتخاب رئیس جمهوری، انتخاب نمایندگان مجلس و اعضاء شوراهای دیگر صورت گیرد. (باهنر)
- در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی اداره شود، مراجعت به آراء در شکلهای همه پرسی، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و اعضاء شوراهای وظایف آنها انجام میگیرد.

این عبارت در پیشنهادها بود و ظاهراً بهترین عبارات باشد اگر این متن به رأی گذاشته شود، روشن و دو مطلب از یکدیگر تفکیک شده است. (سید حسن طاهری) ریانی املشی — نمیدانم همان جمله اول که خوانده شد چه اشکالی داشت که اینقدر وقت گرفته میشود.



نایب رئیس — متشکرم آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — با توجه به اینکه از ساعت ده صبح تا یکساعت بعد از ظهر این دو اصل تهیه شده است واز نظر محظوا و عبارت همه نمایندگان به توافق رسیدند، همین متن را به رأی بگذارید اگر رأی نیاورد، آنوقت پیشنهادهای دیگر را به رأی بگذارید.

نایب رئیس — متشکرم بقیه پیشنهادات هم عیناً همین است. چند پیشنهاد جدید هم رسیده است که اضافه و کم دارد که بعداً میخوانم. بنابراین طبق قرارمان متنی را که قبل از بوده میخوانم، «در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی» — یکی از دوستان پیشنهاد کرده است که چون کلمه رابط در اینجا خیلی نقش دارد بجای «به صورت» یا «در شکل» یا «از راه» گذاشته شود که فکر میکنم «از راه» روانتر است، پس اینطور می‌شود «در جمهوری اسلامی، امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی از راه همه‌پرسی، انتخاب رئیس جمهور، انتخاب نمایندگان مجلس واعضای شوراهای وظایف آنها اداره شود».

مکارم شیرازی — کلمه انتخاب دوم هم زائد است، باید نوشته شود «انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان واعضای شوراها وظایف آنها اداره شود».

نایب رئیس — بلی میتوانیم آنرا حذف کنیم.

انواری — حمل اداره امور کشور بر انتخاب رئیس جمهور ناسلیس است.

نایب رئیس — دقت بفرمائید «در جمهوری اسلامی امور کشور باید با انتکاء برآراء عمومی از راه همه‌پرسی، انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان واعضای شورا وظایف آنها». **انواری** — این عطف به بیان امور کشور است.

نایب رئیس — خیر، عطف به همه‌پرسی است و اینها مصاديق انتکاء برآراء عمومی است.

هاشمی نژاد — کلمه ایران را اضافه بفرمائید.

نایب رئیس — متن‌های پیشنهادی قرار شد که شفاهی نباشد، هرچه به نظرتان میرسد بنویسید. درباره این اصل سه نفر از آقایان تقاضای صحبت کرده‌اند که آقای میرمراد زهی بعنوان مخالف تقاضای صحبت کرده‌اند. آقای میرمراد زهی بفرمائید.

میرمراد زهی — بسم الله الرحمن الرحيم. از ظرفمن اصول پنج و شش و هفت غیرقابل تفکیک هستند و صحبت کردن در زمینه یکی از اینها، ایجاب می‌کند که در زمینه اصول بعدی هم صحبت شود. مادر پیش‌نویس قبلی که به ملت ایران ارائه شده بودیک اصل سه داشتیم به این ترتیب که آراء عمومی مبنای حکومت است، در پیش‌نویس‌های فعلی مبنای حکومت به سه قسمت تجزیه شده است، مسأله ولايت فقيه و مسأله آراء مردم در انتخابات و مسأله شوراهای من دیروز اجازه خواستم بطور کلی در زمینه آراء عمومی و اعمال حق حاکمیت صحبت نکنم که با توجه به آئین نامه متأسفانه این فرصت پیش نیامد. عقیده‌من اینست که با توجه به صحبت‌هائی که جناب آقای دکتر بهشتی فرمودند مادریک جامعه‌ای هستیم که جامعه مکتبی است و ارزش آراء عمومی در حد پذیرفتن است، به عقیده‌من چنین اصلی ما در اسلام نداریم که تمام چهارچوب حاکمیت را اسلام روشن کرده باشد، شاید نتوانم دقیقاً آنچه را که مورد نظر جناب آقای دکتر بهشتی بود بعرض برسانم، ولی آنچه را که خود فهمیدم این بود که، در جوامعی که ایدئولوژی حاکمیت دارد همه چیز در چهارچوی است که آراء مردم در حد پذیرفتن است، من اطلاعات زیادی از اسلام ندارم، ولی نمی‌توانم این اصل را بپذیرم بدليل اینکه حضرت امیر المؤمنین(ع) ولايت و خلافت



خودشانرا ناشی از رأی مردم دانسته‌اند، یک قسمت از هنچ‌البلاغه صفحات هشتصد و چهل و هشت‌صد و چهل و یک در نامه‌ای که حضرت امیر به معاویه نوشته‌اند عیناً به این ترتیب است که البته ترجمه‌اش را می‌خوانم و مسأله شیعه و سنی را نمی‌خواهم سطح بکنم ولی هدفی که از این متن می‌خواهم بگیرم اینست که اعمال حاکمیت مربوط به فرد است و عقیده ندارم که حاکمیت الهی باشد و به فرد بخصوصی تفویض شده باشد. بنظر من حاکمیت را خداوند به خود مردم داده، همانطوری که در اصل پانزده بیشنهادی قبلی بود که با اجازه این اصل را می‌خوانم. فصل سوم «حق حاکمیت ملی و قوانین ناشی از آن» اصل پانزده حق حاکمیت ملی از آن‌هه مردم است و باید بتفصیل عموم به کار رود و هیچ‌فرد یا گروهی نمی‌تواند این حق همگانی الهی را به خود اختصاص دهد یا درجهٔ منافع شخصی به کار ببرد. من فکر می‌کنم هیچ ایرادی روی این اصل با تلفیق اصل سه قبلی نبود و این نامه است که حضرت امیر المؤمنین(ع) نوشته‌اند که فکر می‌کنم گویای همین حقیقت است و ترجمه‌اش به این ترتیب است، «کسانی که با ابویکر و عمر و عثمان بیعت کرده‌اند به همان طریق بامن بیعت کرده، عهد و بیمان بسته‌اند پس آن را که حاضر بوده نمی‌رسد اختیار کند و آن را که حاضر نبوده نمی‌رسد که آن را نپذیرد و مشورت حق مهاجرین و انصار می‌باشد و چون ایشان گرد آمده‌اند و من را خلیفه و جانشین نامیده‌اند، لذا خشنودی خدا در این کار است و اگر کسی به سبب عیج‌جوئی و یا براثر بدعتی از فرمان ایشان سری‌چید، او را به اطاعت و ادار نمایند و اگر فرمان آنها را نپذیرفت با او می‌جنگند به جهت آنکه غیرراه مؤمنین را پیروی نموده و خدا او را واجد دارد به آنچه که به آن رواورده است.» نتیجه‌گیری که اینجا می‌شود مسأله «انما الشوری للمهراء والأنصار» است که حضرت امیر(ع) مطرح کردن‌که براساس آن خودش را امام، والی، پیشوای نامیده است و اشاره به اینکه این حق حاکمیت از طریق خداوند به پیغمبر و بعد به ایشان و به همین ترتیب به ائمه اطهار(ع) وبعد از آئمه به نحوی که اطلاع دارند، به فقهاء انتقال یافته باشد، پس به این ترتیب از نظر نتیجه‌گیری که من از اصول اسلامی کردم، چنین چیزی مطرح نیست، حق حاکمیت چیزی نیست که به سادگی بتوان از آن گذشت و ارزش آراء عمومی فقط در انتخاب رئیس جمهور نیست. با توجه به اینکه اصل ولایت را پذیرفته‌ایم، ریاست جمهوری از نظر سازمانی درجه‌ای جا خواهد داشت و یا خود ولایت از نظر سازمانی درجه قسمتی است؟ آیا در یکی از قوای سه گانه است یا متفق همه است؟ اگر متفق همه باشد که خوب قوای بعدی اصلاً متفق می‌شود، قوه قضائیه، اجرائیه و مقننه را مالازم نداریم، اصل تفکیک ارزش آراء عمومی به این ترتیبی که یک قسمت درشورها باشد و یک قسمت در انتخابات آن‌هم انتخابات برای اجراء، نه اعمال حق حاکمیت، بنظر من درست نیست و با اینکه ما اصل پنج را تصویب کردیم بنظر من اصول شش و هفت خود بخود متفق می‌شود. من در همین جا صحبت را قطع می‌کنم و فکر می‌کنم به همین اندازه کافی باشد که وقت مجلس را نگیرم.

هاشمی نژاد — آقای دکتر بهشتی خود جنابعالی بعنوان موافق صحبت بفرمائید.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید اول ازدستان دیگری که اسم نوشته‌اند بپرسم. آقای رحمانی جنابعالی بعنوان موافق می‌خواهد صحبت بفرمائید یا مخالف؟

رحمانی — بعنوان مخالف.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای جنابعالی بعنوان موافق اسم نوشته‌اید یا مخالف؟

خامنه‌ای — مخالف.



نایب رئیس — آقای دکتر آیت جنابعالی موافق هستید یا مخالف؟
دکتر آیت — موافق.

نایب رئیس — آقای آیت بفرمائید.

دکتر آیت — بسم الله الرحمن الرحيم. من هرچه در صحبتهاي آقاي مرادزهي که قاعده‌تاً تحصيلاتشان در حقوق هم هست، دقیق شدم، متوجه نشدم که چه تضادي بین اصلی که تصویب شده است و اصل آراء عمومی وجوددارد. ما در آنچه گفتیم که ولايت اربعهده کسی است که به آن صفات از طرف اکثریت مردم پذیرفته شده باشد، یعنی آراء مردم. آقای ذهنی که حقوق خوانده اند حتی میدانند که مفهوم حاکمیت ملی، مفهوم آراء مردم این نیست که آراء مردم بتوانند هر کاری را انجام بدهد. اگر مردم به اتفاق رأی دادند که فلان شخص باید برده باشد چنین رأیی معتبر نیست زیرا این استبداد اکثریت است زیرا بسیاری از حقوق افراد اصولاً سلب شدنی نیست، یعنی خود انسان هم از خودش نمیتواند آن حقوق را سلب کند، چه برسد به اکثریت مردم. در خیلی موارد می‌بینیم این تلاش می‌شود که آراء عموم را مغایر با اصل ولايت فقیه بدانند. فقیه شخص بخصوصی نیست اینها صفات است، عیناً مثل اینست که بگوئیم رئیس جمهور باید ایرانی باشد و شما بگوئید که حاکمیت ملی را زیرا گذاشته ایدیا بگوئیم حداقل سن رئیس جمهور باید اینقدر باشد، آیا حاکمیت ملی را زیرا گذاشته ایم؟ نه، این یک اصل است آن فقیه، آن شخصی که باید امامت امت و ولايت امر که حدود اختیاراتش را هم قانون معین می‌کند، داشته باشد، بالطبع با اکثریت آراء مردم انتخاب می‌شود، در این اصلی هم که الان مطرح است با آراء مردم در زمینه هائی که معتبر است ذکر شده است که هیچ‌گدام تناقضی تدارد و تمام صحبتهاي ایشان با تمام قدرت استدلالی که خواستند بکار ببرند، هیچ تضادی را نتوانستند ثابت بکنند و دیگران هم متوجه این مسئله شده‌اند برای اینکه ما در اصلی که من امش را ولايت فقیه می‌گذارم، گفتیم ملاک اکثریت آراء مردم است، در اینجا هم می‌گوئیم شورا را هم باز با آراء مردم انتخاب می‌کنیم، پس اصل پنج که ایشان آنرا مغایر آراء مردم دانستند در حقیقت یک‌تاکیدی بر اهمیت آراء مردم است. اگر ما گفته بودیم فلان شخص معین بر مردم ولايت دارد و نسل هست بله صحبت ایشان درست بود ولی، ولی امر را در هر حال خود مردم تشخیص بیدهند و قیود و شرایط هم برای چنین شخصی قید و شرطی است که در تمام دنیا برای رئیس جمهور و نماینده مجلس و هر کس که می‌خواهد این شغل را احراز بکند، ماقائل می‌شوند. مردم هیچ‌وقت نمی‌توانند رأی بدهند که ما یک‌نفر دیوانه را رئیس جمهور بکنیم و حاکمان باشد، یعنی آراء مردم در همه‌جا معتبر نیست و این را محدود کرده‌ایم و حدش هم در تمام دنیا هست. من می‌خواستم همین موضوع را عرض کنم.

هاشمی نژاد — آقای مرادزهی بین اصل دو و سه تناقض قائل هستند.
دکتر آیت — هیچ تناقضی وجود ندارد.

نایب رئیس — همانطور که دیروز هم توضیح داده شد، اصلی که بعنوان اصل پنج تصویب شده است مطابق با آئین اسلام است زیرا در آئین اسلام و در این قانون اساسی که بر بنی‌آدم و قرآن تنظیم می‌شود همه مسائل مربوط به انسانها بر مبنای قبول انتخاب آزاد انسانها در جای خودش و بصورت مناسب با خودش بیان شده است. متنها یک‌وقت یک کسی می‌گوید انتخاب یک سرحله‌ای است و یک وقت می‌گوید چند مرحله‌ای است. در جماعه‌های مکتبی



انتخابات چند مرحله‌ای است و در جامعه‌های دیگر هم درخیلی از مسائل انتخاب چند مرحله‌ای است. ولی بحث ما در جامعه مکتبی است و برادر ماجناب آقای میرمرادزه توجه کنند که در جامعه‌های مکتبی انسانها اول مكتب را انتخاب می‌کنند. منتهای مگویند بعد از اینکه مكتب را انتخاب کردی بدنبال مكتب انتخابی خودت بسیاری از مسائل برایت فرم و شکل می‌گیرد، ولی اگر مکتبی را انتخاب بکنی و مجدداً روی شکل و فرم آن هم بخواهی اظهار رأی کنی، با مکتبی بودن سازگار نیست و این اصل بیان این مكتب است و چیزی جزیان آن نیست، زیرا انسان اول مكتب را انتخاب می‌کنند و بدنبال مكتب یک‌مقدار تعهد برایش می‌آید و انتخابات بعدی نمی‌تواند نقض کننده تعهدی باشد که قبل از پذیرفته است. در جامعه اسلامی می‌گوئیم پس از اینکه اعضای جامعه، مكتب اسلام را پذیرفته‌اند، یکی از لوازم پذیرش مكتب اسلام اینست که مقام امامت امت باید با این صفات باشد و اصل پنج بیان کننده همین است. تازه در همان جا گفتم با این صفات، والامی گفتم فرد باید مورد قبول و پذیرش اکثریت باشد. بنابراین ملاحظه می‌کنید اصل شش نه تنها متضاد و متباین با اصل پنج نیست بلکه بیان کننده دایره نقش آراء عمومی پس از مرحله انتخاب اولش می‌باشد، و این توضیحی بود که دیروز عرض کردم و به فکر خودم و دوستان اینطور می‌رسید که با این ترتیب آراء عمومی و انتخاب آزاد واراده بشر، نقش کامل خودش را دارا است، منتهای با رعایت واقع بینانه مراحل آقای رشید بیان بفرمائید.

رشید بیان — یک نکته بی جواب ماند و آن اینست که آقای میرمرادزه گفتند که حضرت امیر جواب نفری به معاویه دادند ولی این جواب معنایش این نیست که حضرت امیرولايت خودش را از خدا و پیغمبر نمی‌دانسته است، بلکه در موارد سكر درنهج البلاغه تذکرداده است. رحمانی — آقای میرمرادزه نه موافق با اصل شش صحبت کردن و نه مخالف و من هم چهار پنج فقره پیشنهاد دادم.

نایب رئیس — آقای میرمرادزه بعنوان مخالف صحبت کردن زیرا که گفتند با قبول اصل پنج دیگر اصل شش را نمی‌توان پذیرفت. پس در حقیقت با گذاشتن اصل شش با فرض قبول اصل پنج مخالف بودند.

رحمانی — ایشان با اصل پنج مخالف بودند و با این اصل مخالف نبودند و در مورد اصل شش صحبت نکردند.

نایب رئیس — خیراً یعنی طور نیست. یک سؤال از آقای مشکینی رسیده که مشابه دویادداشت دیگری است که قبل رسیده است و آن اینست که «عطف انتخاب رئیس جمهور به همه پرسی صحیح بنظر نمی‌رسد» این سؤال از طرف بعضی از دوستان هم شد، این عطف صحیح است برای اینکه در همه پرسی و فراندوم، همان‌طور که در جریان فراندوم هم توضیح دادیم عبارت از این است که یک مطلبی را با آری یا نه به رأی بگذاریم. ولی در انتخاب رئیس جمهور اینطور نیست که با آری یا نه رأی گرفته شود، بلکه در انتخاب رئیس جمهور یک یادو یا سه یا پنج نفر کاندیدا می‌شوند و مردم به آنها رأی می‌دهند و آن‌کسی که اکثریت آراء را ندست آورد، انتخاب می‌شود. بنابراین رد یا قبول یک مطلب نیست پس در اصطلاح این عطف صحیح است، ولی چون مکرر سؤال شده است، بنظر می‌رسد که احتیاج به شرح دارد و ما حتی امکان می‌خواهیم عبارتی بکاربریم که چهار مشکل نشونیم، عنایت بفرمائید اگر این «همه پرسی» را به آخر ببریم این اشکال بر طرف می‌شود؟ لطفاً به این عبارت که قرائت می‌کنم توجه بفرمائید «در جمهوری اسلامی ایران



امور کشور باید با اتکاء برآراء عمومی اداره شود. از راه انتخابات، در انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس واعضای شوراها و نظائر اینها یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می شود. (طاهری اصفهانی – عبارت اول غلط است) (یکی از نمایندگان – رأی بگیرید). من خواستم فقط بعنوان یک عبارت دیگر بگویم که عبارت دوم بتواند نقص عبارت اول را بطرف کند.

موسوی اردبیلی – اگر بهترین عبارت را می خواهید پیدا کنید ممکن است هر کسی یک سلیقه‌ای داشته باشد.

نایب رئیس – بله ممکن است هر کسی سلیقه‌ای داشته باشد. بنده آن را بعنوان توضیحی که سؤال شده بود بیان کرم. چون مخالف و موافق صحبت کرده‌اند این اصل را طبق آئین نامه به همان صورتی که آنده فقط با تغییر کلمه «به صورت» به «از راه» می خوانم و به رأی می گذارم. آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای – در این اصل محور و مدار حکم «اداره امور کشور» است که باید با اتکاء برآراء عمومی انجام شود ولی این اداره امور کشور که یک مفهوم کلی است با جمله «تصورت همه پرسی – انتخاب و...» تفسیر می شود، در واقع دامنه آن تضییق می شود یعنی رأی و نظرات مردم فقط به همین چند مصداق منحصر می گردد و این اصل براین اساس چیز جدیدی را نه فقط تأسیس یا تثیت نمی کند – زیرا اینها قبل هم بوده – بلکه دست و پای ما را در آینده می بند و نمی توانیم برای مردم بصورت های دیگر حق دخالت و مشارکت قائل شویم، پس بهتر است جمله «ونظائر آن که در اصول دیگر این قانون خواهد آمد» به آن اضافه شود.

نایب رئیس – اجازه بفرمایید که متن را بطبق آئین نامه به رأی بگذاریم. اول روی متن با بلند کردن دست رأی می گیریم اگر اشکالی نداشت با ورقه رأی گیری نهائی می کنیم «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکاء بر آراء عمومی از راه همه پرسی، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس واعضای شوراها و نظائر اینها اداره شود» موافقین با این اصل با همین عبارتی که گفته شد دست بلند کنند. (چهل و چهار نفر دست بلند کردن) بنابراین پیدا است که باید براین عبارت تغییر مختصری داده شود، زیرا اشکال از نظر عبارت مطرح است، نه از نظر خود اصل.

یکی از نمایندگان – پیشنهاد آقای مشکینی را به رأی بگذارد.

رحمانی – طبق آئین نامه یک موافق و یک مخالف باید صحبت کنند ولا بعنوان اعتراض از جلسه بیرون خواهم رفت، هر کسی موظف است افکار خودش را بگوید آقای مرادزه‌ی با این اصل مخالف نیستند ایشان با اصل پنج مخالف بودند.

طاهری خرم‌آبادی – در اینجا دو مطلب است، یکی اداره امور کشور با اتکاء بر آراء عمومی و دیگر شکل‌های آراء عمومی است. خواستم عرض کنم اگر این دو مطلب را از هم جدا کنید مطلب راست خواهد بود.

نایب رئیس – به همین منظور بnde عبارت را به این صورت درآوردم ملاحظه بفرمایید فقط عبارت به شکل دیگری درآمده و الا در اصل هیچ‌گونه تغییری داده نشده است و دوستانی که با خود اصل موافقت داشته‌اند، با تغییر عبارت مخالف نخواهند بود و دوستان دیگر هم توجه بفرمایند و نظرشان را بیان کنند.



اصل ۶ (اصل ششم)— در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به انتکا برآراء عمومی اداره شود ، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور ، نمایندگان مجلس شورای ملی ، اعضای شوراها و نظائر اینها یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

نایب رئیس— کسانیکه با این اصل موافقت دارند دستشان را بلند کنند (اکثر است بلند کردند) تصویب شد حالا برای رأی گیری نهائی گلدانهای مخصوص را می آورند و هر کسی رأی خود را داخل آنها می اندازد .

(در این هنگام اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس— عده حاضر در جلسه موقع رأی گیری شصت نفر بود و این اصل با پنجاو چهار رأی موافق ، سه رأی مخالف و سه رأی ممتنع تصویب شد . تکیه (حضرار سه مرتبه تکیه گفتهند) آقای کرمی بفرمائید .

کرمی— از ساعت ده صبح تا یک بعد از ظهر آقایان در کمیسیونها تشریف داشته اند و راجح به آراء عمومی و شورا و امر بمعروف و نهی از منکر صحبت کردند و خلاص شد و رأی هم دادند . حالا که به اینجا آمده است آنرا کان لم یکن می کنند و دویاره شروع به بحث می کنند . من نمی دانم چرا این کار را می کنند؟ دوست دارم که این مسئله واقعاً بطرف شود وقت ما بیهوده تلف نشود و زحماتی هم که در گروهها کشیده می شود از بین نرود .

نایب رئیس— یک علت این بود که بعضی از دوستان صبح تشریف نداشتند و علت دیگر هم این است که میخواهیم در موقع رأی گیری نهائی برای دوستان ، ابهام و اشکالی پیش نیاید و واقعاً دوست داریم که همه اشکالات و ابهامات بطرف بشود . آقای مکارم بفرمائید .

مکارم شیرازی— یک موضوع را صریح عرض کنم و آن این است که بعضی از دوستان معتقدند که خود جنابعالی مطلب را کش میدهند . اگر میخواهیم تمام عبارات را دانه بنویسیم و بخوانیم ، یکی دو ساعت وقت می گیرد و ما هم در صدد نیستیم که بهترین عبارت را بنویسیم بلکه میخواهیم صحیح ترین عبارت را بنویسیم و اگر پیشنهادهای یک کلمه جلو و یک کلمه عقب را مطرح نکنیم ، مقداری کار ما سرعت پیدا می کند .

نایب رئیس— آقای مدنی بفرمائید .

مدنی— قرار براین شد که یک مخالف و یک موافق صحبت کنند و بعد رأی بگیرید .

طاهری اصفهانی— طبق آئین نامه اگر عمل کنند ، حرفی نیست که یک مخالف و یک موافق صحبت کنند و بعد رأی بگیرید .

نایب رئیس— اصل بعدی اصل هفت است که مربوط به شوراها است که بنده آنرا می خوانم :

اصل ۷ (اصل هفتم)— طبق دستور قرآن کریم «وامرهم شوری بینهم» و «وشاورهم فی الامر» شوراها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشور هستند ، مجلس شورای ملی ، شورای استان ، شهرستان ، شهر ، محل ، بخش و روستا و نظایر اینها . موارد ، طرز تشکیل ، حدود و وظایف و اختیارات شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کنند .

نایب رئیس— برای این اصل یک مخالف و یک موافق می توانند صحبت کنند ، کسی مخالف نیست ؟ (اظهاری نشد) چون مخالفی نیست لزومی هم ندارد که کسی بعنوان موافق



صحبت کندچون صحبت موافق برفرض اینست که مخالفی وجود داشته باشد. بنابراین گلدانهای مخصوص را می‌آورند تا رأی بدهید.

(در این هنگام اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد).

نایب رئیس— در موقع رأی گیری پنجاه و هفت نفر حضور داشتند و این اصل با پنجاه و یک رأی موافق و چهار رأی ممتنع و دورأی مخالف تصویب شد، تکییر (حضارسه بار تکییر گشته).

کرمی— اصل بعدی را مطرح بفرمائید ما وقت کافی داریم.

نایب رئیس— همین کار راخواهیم کرد. اصل هشتم مطرح است. این اصل هم قبلاً مفصل تر به اطلاع دوستان رسیده و پیشنهادهایی هم در مورد تلخیص آن رسیده بود، امروز با مذاکرات مفصلی که در جلسه گروهها داشتیم این اصل به اینصورت درآمده است که خوانده می‌شود «دیلمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر معروف و نهی از منکر وظیفه ایست همگانی و متقابل برای مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط وحدود و کیفیت آنرا قانون معین می‌کند. والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

صفافی— این مثل شوراهای نیست که بگوئیم شرایط را قانون معین می‌کند. این امر شرایطش معلوم است.

نایب رئیس— فقط شرایط را ننوشه ایم، نوشته ایم شرایط و حدود و کیفیت آنرا قانون معین می‌کند. کیفیت کاری را که دولت در برابر مردم و مردم در رابطه با کارهای دولت می‌کنند، قانون باید معین کند. بنابراین قانون در آینده معین خواهد کرد، قانون که معین کرد آن قسمتی را که قبلاً معین شده بدون تصرف می‌آورد و آن قسمتی هم که مربوط به کیفیتها است یعنی کلی بوده است و حالا باید شکل اجرائی آنرا هم معین کند، بنابراین، این عبارت مزاحم این نیست و منافاتی هم ندارد. آن قانونی که بعداً معین می‌کند قسمتهای را که احتیاج به تعیین جدید ندارد، در برابر این اصل که نا معین است، معین می‌کند.

صفافی— یک مطلبی که الان در شرعاً هست، دیگر معین کردن آن صحیح نیست.

نایب رئیس— مادر اصل چهار گفتیم هیچ چیز در این قانون و قوانین دیگر برخلاف قوانین اسلام خواهد بود. آقای مشکینی بفرمائید.

مشکینی— اولاً در این آیه دعوت به خیر است، ثانیاً می‌خواهیم اصل را راجع به تمام طبقات بگوئیم پس اگر آیه «ولتكن منکم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر» باشد، بهتر است.

فاتحی— راجع به این آیه است اگر این را بخواهیم زیرنظر سازمانی بگذاریم، هرج و مرج خواهد شد. موضوع امر معروف و نهی از منکر مربوط به اینست که این مطلب را بشناسند و به آن عمل کنند زیرا این تکلیف همگان است.

نایب رئیس— شرح آن در آینده می‌آید. وقتی می‌گوئیم قانون در آینده معین می‌کند، یعنی تمام جوانب را در نظر خواهند گرفت که آیا وظیفه همگانی است و یا سازمانش معین است چون فصل اول مربوط به اصول کلی است، شکل این اصل را از آن وضع گسترده به این شکل فشرده تغییر دادیم و به این علت بود که در اینجا، جای چنین بحثهایی را ندیدیم.

رشیدیان— «قانون معین می‌کند» را، شخص بفرمائید که کدام قانون معین خواهد کرد و



بهتر است بنویسیم «این قانون و قوانین دیگر».

نایب رئیس — ما برای اینکه در آینده سعی کنیم عبارتها می‌دانند هرقدر ممکن است کوتاه‌تر باشد و چون هر متنه یک واژه‌نامه برای خودش دارد، بهتر است قرار بگذاریم که وقتی می‌گوئیم قانون معین می‌کنند یعنی قانون این کشور یعنی قانون اساسی معین می‌کنند یعنی این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند و این کار را یک‌جا باشد بکنیم و تا آخر دیگر تکرار نکنیم. آقای انواری بفرمائید.

انواری — باید نوشته شود شرایط وحدود و کیفیت آن در کتب فقهیه ذکر شده است.

نایب رئیس — کیفیت کار دولت در برابر مردم در کتب فقهیه ذکر نشده باید در اینجا ذکر شود.

حاجتی کرمانی — باید در اینجا بنویسیم «کیفیت اجرائی این اصل در قانون معین بیشود». **هاشمی نژاد** — آیه راتغیر بدھید.

نایب رئیس — آقای طاهری بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی — ما می‌گوئیم فقه‌مان خلاء ندارد و قانون اساسی ما هم طبق فقه اسلامی است پس شرایط را باید رها کنیم والا این چیزی که نوشته اند گول زدن است. خوب امر به معروف و نهی از منکر در جمهوری اسلامی هست ولی فردا که به یک کسی می‌گویند آقا این کار را نکن می‌گوید چشم، ولی می‌کند. بنابراین ماباید یک وزارت‌خانه‌ای داشته باشیم به نام وزارت امریبه معروف و نهی از منکر که برادرات ما نظارت کند، پس شرایط باید حذف بشود و بگوئیم کیفیت هم در آینده خواهد آمد.

نایب رئیس — دو تذکر رسیده است یکی از آقای حجاجی که پیشنهاد کرده‌اند دعوت به خبر چیز زائدی است و حذف شود و لفظ «متقابل» هم حذف شود، پیشنهادی هم از آقای منتظری رسیده است که به جای «وظیفه‌ای است همگانی» بنویسیم «مسئلوبیتی است همگانی و متنقابل بر عهده مردم نسبت به یگدیگر، دولت نسبت به مردم، و مردم نسبت به دولت» خوب اگر دیگر سؤال و توضیحی نیست، اگر مخالفی با این اصل هست می‌تواند صحبت بکند تا بعد موافق صحبت کند، آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — با پیشنهادی که آقای حاجتی کرمانی کردند، بنده هم موافقم.

طاهری خرم‌آبادی — بنده یک پیشنهاد جدیدی دارم.

نایب رئیس — آقایان از از طرفی می‌گویند کاری کنیم که کارها معطل نشود که البته راه مناسبی است و از طرف دیگر این راه مناسب را خود آقایان در عمل رعایت نمی‌کنند، به این ترتیب که یکی از آقایان که یک پیشنهادی می‌دهد، بدنیال آن پنجاه پیشنهاد دیگرهم می‌رسد و من ناچار عدالترا رعایت کنم و همه را بخوانم. اگر تذکرات در حدود تغییرات کلمه‌ای باشد پنج، شش پیشنهاد که بیشتر نمی‌شود.

طاهری خرم‌آبادی — پیشنهاد بنده یک کلمه است «درج‌جمهوری اسلامی ایران» دعوت به خیر و اسریبه معروف و نهی از منکر با شرایطی که ذکر کرده‌اند وظیفه‌ای است همگانی و متنقابل‌الی آخر...» و بعد بنویسید «کیفیت اجرای این اصل را قانون معین می‌کند».

نایب رئیس — دو مرتبه ایشان یک متن جدید می‌دهند. امیدوارم خودمان آرام آرام بدانیم کدام یک کلمه است و کدام یک متن جدید و بحث‌انگیز است حالا اگر بجای «برای» بگذاریم



«برعهده» یعنی بنویسیم «برعهده مردم نسبت به یکدیگر» بنظر می‌آید که معنی آن هیچ فرق نمی‌کند، بلکه متن تر می‌شود.

رشیدیان—آفای طاهری پیشنهادی کردند که جالب بود. اجازه بفرمائید اصول آینده را درباره اش فکر کنیم، چون یک مطلب ساده‌ای نیست.

نایب رئیس—درصورت شرایط فقط یک سؤالی برای آفایان بود به‌این ترتیب که در عبارت «شرایط وحدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند» بنظرشان می‌رسید که اگر «شرایط وحدود» را برداریم و بنویسیم «کیفیت آن را قانون با رعایت شرایط وحدود معین می‌کند» بهتر است. اما راجع به آیه، **قبل‌اهم آیه (ولتکن منکم)** بوده بخصوص با بودن دعوت به خیر که در آیه «ولتکن منکم امّة يدعون الى الخير» امریکه خیر، صراحت دارد، اولی است که این آیه را بنویسیم و راجع به آیه دیگر نباید بحث کنیم. آفای سبعانی بفرمائید.

سبحانی—این آیه در نظر مردم بعضی است.

نایب رئیس—فعلاً این اصل را باهیم کیفیت از نظر عبارت به رأی می‌گذاریم تا مشخص شود که رأی دوستان چیست و آیا احتیاج به تغییر دارد یا ندارد. اصل را می‌خوانم:

اصل هشتم (اصل هشتم)—در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امری معمور و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط وحدود کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولياء بعض يأنرون بالمعروف وينهون عن المنكر».

نایب رئیس—کسانی که با متن به‌این صورت موافقت دارند، دست بلند کنند. (اکثریت دست بلند کردن) تصویب شد. آفای رحمانی فرمایشی دارید بفرمائید.

رحمانی—«متقابل و دعوت به خیر» راحذف کنید.

نایب رئیس—برای یک زائد بهتر است وقت زائدی صرف نکنیم.

حجتی کرمانی—با این رأی که دوستان دادند باید یک توضیح المسائل درباره شرایط وحدود نوشته شود.

نایب رئیس—یکبار دیگر از دوستان خواهش می‌کنم در موقع رأی‌گیری صحبت نفرمائید. حالابه متنی که الان خواندم اعلام رأی با ورقه می‌کنم.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس—عله حاضر در جلسه پنجاه و پنج نفر، با پنجاه رأی موافق و سه رأی مخالف و دو رأی ممتنع تصویب شد. تکبیر (حضور سه مرتبه تکبیر گفتند).

نایب رئیس—جلسه ادامه دارد. امیدوارم با تقاضا بیشتر و نزدیکتر شدن بیشتر افکار دوستان در طول مباحثات و مذاکراتی که در این مدت صورت گرفته، امکان اینکه بتوانیم اصول بیشتری را در گروهها آماده کنیم و در اینجا به بحث و بررسی و رأی بگذاریم روز به روز بیشتر شود. امروز این توفيق را پیدا کردیم که سه اصل را تصویب بکنیم هر چند روی اصل شش و هفت قباله اندازه کافی بحث شده و امروز صبح هم مفصل در جلسه مشترک گروهها روی آن بحث شده است، این رویه خوبی است و در آینده هم سعی می‌کنیم از هر ابتکاری برای اینکه نظرها بهتر و زودتر و روشنتر شود، استفاده بکنیم. آن چیزی که این امید را ایجاد می‌کند که امروز مطرح کنیم این است که اگر به خواست خدا موفق شدیم اصول بیشتری را آماده کنیم،



در هفته‌های آینده صبح ها هفته‌ای یک یا دو جلسه علنی فوق العاده خواهیم داشت و البته در جلسه قبل وقت تشکیل جلسه علنی فوق العاده بعد را اعلام می‌کنیم تا کسانیکه مایل هستند بعنوان شنونده و ناظر در جلسه شرکت کنند و همچنین خبرنگاران اطلاع قبلی داشته باشند. ضمناً چون روزها کوتاه شده است ساعت تشکیل جلسه علنی بعد از ظهره‌ها که قبل از چهار و نیم بود از هفته آینده یعنی از روز شنبه ساعت چهار خواهد بود. ما چون اصل دیگری را آماده نکرده‌ایم جلسه‌مان را با نطق بعد از دستور ادامه میدهیم. دوستانی که برای نطق‌های قبل از دستور نویشان بوده و صحبت نکرده‌اند آقای صافی که نیستند، آقای بشارت هم که نیستند، آقای هاشمی نژاد بفرمایید. آقای خادمی هم که هستند، میتوانند صحبت کنند.

۳ - نطق بعد از دستور آقای هاشمی نژاد

هاشمی نژاد - بسم الله الرحمن الرحيم . من سعی می‌کنم مسائلی را که اینجا می‌خواهم مطرح کنم، خیلی فشرده و کوتاه باشد که بیش از سه چهار نفر بتوانیم از وقت باقی‌مانده برای نطق بعد از دستور استفاده کنیم . فرصتی که اقلاب ملت ایران در اختیار ما قرار داد و خوشبختانه این توفيق را پیدا کردیم که در اینجا بعنوان نمایندگان مردم برای برسی آخرین پیش‌نویس قانون اساسی و ارائه آن به ملت ایران جمع شویم، فرصت بسیار حساسی است. حساسیت این فرصت از ابعاد و دیدگاه‌های مختلفی ممکن است مورد توجه قرار بگیرد اما این بعدی را که می‌خواهم عرض کنم این است که اینجا در واقع یک دادگاهی است که ما تشکیل داده‌ایم و این دادگاه نمی‌خواهد رأی اعدام فردی را صادر کند ولی باید رأی اعدام یک نظامی را که نظام طاغوتی است صادر کند. ملت ما با نظام گذشته مبارزه کرده است و این مبارزه تابحال به اینصورت بوده است که با توجه به عوامل گوناگون، تعدادی از افراد وابسته به رژیم گذشته در این کشور خوشبختانه دستگیر شدند و در دادگاهها محکمه و به اعدام محکوم شدند ولی ملت ما با یک فرد و دو فرد و ده فرد مبارزه نکرد و اقلابش به این علت نبود، ملت ما مبارزه کرد تا یک نظام فاسدی را از بین ببرد و یک نظام الهی را بجای آن نظام بنشاند. اگر ما فکر کنیم که با اعدام تعدادی از افراد وابسته به رژیم، انقلاب ما به ثمر رسیده است این کاملاً اشتباه است.

آنوقتی ما میتوانیم انقلابمان را مشمر ثمر بخوانیم که نظام فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و همه روابطی که در این کشور و در نظام گذشته بوده است همه و همه نابود شود و همه تغییر بینایی در تمام نهادهای یک نظام نو و تازه که مفهوم واقعی انقلاب ایران است یعنی تغییر بینایی در تمام نهادهای کشور بجای آن نظام گذشته بنشیند و این مسئولیت بر عهده این مجلس است. اگرما نتوانیم خدای نکرده این مسئولیت را به انجام برسانیم و این کار را عملی بکنیم، مطمئن باشید دیر یا زود این آثار سطحی انقلاب ما در مملکت از بین می‌رود و نظام گذشته با چهره‌های دیگر و بوسیله افراد دیگر یه این مملکت برمی‌گردد. ما باید در این مجلس حکم اعدام نظام فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و روابط فردی و اجتماعی حاکم بر گذشته را صادر کنیم.

بنابراین حساسیت کار ما بسیار بسیار قابل ملاحظه است. تا اینجا انقلاب آمده ولی حرکت آینده انقلاب و تداوم آن بستگی دارد به آنچه که ما در اینجا تصمیم گیری می‌کنیم. خون شهدای مان و خدای ناکرده خون شهدائی که بعد بر اثر غفلت ما و احياناً کم توجهی ما



در نابودی روابط حاکم بر نظام گذشته ممکن است در آینده کشور پیش بیاید، همه و همه بر عهده ما هست که در اینجا نشسته ایم. براستی ما مسئولیت داریم که ارزش خون شهدا را حفظ کنیم و اجازه ندهیم کشور ما در یک سیبر و کانالی قرار بگیرد که دوباره جامعه ما نیاز به انقلاب داشته باشد و آن به این کیفیت تأمین میشود که ما حکم اعدام تمام آنچه را که حاکم بر جامعه و نظام سابق بود، صادر کنیم. بنابراین اینجا دادگاه است، دادگاهی که نه حکم اعدام یک فرد را صادر میکند، بلکه حکم اعدام یک نظام پوسیده و طاغوتی را صادر میکند و یک نظام نورا را بجای آن مینشاند.

دکتریت اوشانا — آن شخص و رژیم مزدور او ازین رفت.

هاشمی نژاد — بله، به فرمایش ایشان شخص مرد و ازین رفته است، رژیم رفته ولی روابطی که در آن رژیم بوده هنوز این نرفته است ولی ما باید خط مشی انتخاب بکنیم که آن روابط ازین بود.

مطلوب دیگری که در اینجا قابل تذکر است این است که همه ما با اکثریت قاطuman بیخواهیم کارمان در خط مشی اسلام باشد و ازین جهت تردیدی نیست اما متسفانه فقط یک بیان کلی برای این هدف کافی نیست چون ما در طول تاریخ اسلام دیدیم وشنیدیم و خواندیم که آنچنان ستم در مسائل اقتصادی، روابط سیاسی و اجتماعی بنام اسلام بر جامعه ما روا داشتند که جبران آن بسیار مشکل است.

اینکه ما تنها بگوئیم بیخواهیم آنچه که از اسلام است پیاده کنیم، این تنها کافی نیست کسی نمیتواند مدعی شود و نمیاید بگوید من بیخواهم خلاف آنچه که در اسلام است در اینجا تصویب بکنیم اما خط مشی کلی اسلام در رابطه با امت، جامعه و هدایت انسان در این خط تکامل چه میتواند باشد؟ یکسری مسائل است که اینها جزء ضروریات اسلام است و آن اینست حرکت اسلام در سیاست حکومت بخشیدن به قشر مستضعف. در این جهت کسی نمیتواند تردید بکند که اسلام، انبیاء آنچه که از جانب خدا برای بشرآمد همه و همه در این مسیر است که نظام فرعونی و طاغوتی را بردارد و بدنالش به حکم آیه «ونزید ان نمن علی الذين استضعفوا في الأرض و نجعل لهم أئمة و نجعل لهم الوارثين» مستضعفین را حاکم قرار بدهد. پس خط مشی کلی اسلام این است، اقدام در راه حفظ منافع طبقه مستضعف و هرچه دارد در این راه است که برخلاف حاکمیت قشر غیر مستضعف است. با این حساب اگرما در جائی به روایتی و به حدیثی و به مطلبی برخورد کردیم که با این اصل حرکت کلی انبیاء و اسلام مخالفت داشته باشد، مطمئناً نمیتوانیم از این اصل کلی دست برداریم، این حرکت کلی جامعه است، بعثت انبیاء به این علت است که قسط را در جامعه پیاده کنند، به حکم آیه «ولقد ارسلنا رسلا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط».

این دیگر چیزی نیست که با یک شبهه‌ای، تردیدی، ظنی، احتمالی آدم بتواند از آن دست بردارد، این هدف بعثت انبیاء است و حرکت انبیاء در این مسیر است. با این حساب ما دو اصل کلی را در اینجا بدون شک باید در نظر بگیریم و خوشبختانه تردیدی نیست که اکثریت در همین محور حرکت می‌کنند، یکی اینکه همه آنچه که بنام اسلام و از متن اسلام گرفته میشود که ما در آن جهت تردید نداریم، نمونه اش گذشته ما است که این گذشته میتواند خط مشی آینده این مجلس را ترسیم کند و مشخص کند، همه و همه باید در این خط باشند یعنی



خط نجات قشر مستضعف و حاکمیت بخشیدن به آنها و حمایت از آن توده محرومی که انبیاء و قری بی‌آمدند، اینها دورشان جمع می‌شدند و قدرت انبیاء و قدرت مذهب و قدرت امروز اقلاب ما و رهبر اقلاب ما از این قشر سرچشم‌گرفته است و درود براین رهبر زیرا ما در نوع انقلابها و قری مشاهده می‌کنیم، می‌بینیم رهبران غالباً پس از انقلاب با ملت‌شان یعنی با همان نیروی اصلی جامعه‌شان فاصله می‌گیرند ولی اینجا مسئله اینطور نبود همه میدانیم و یا حداقل تعدادی از برادرانمان و خواهرمان میدانند که افرادی بودند البته با حسن نیت که ابتدا که ایشان از پاریس به تهران آمده بودند، رفته بودند و با ایشان صحبت کرده بودند و اصرار کرده بودند که آقا چرا ساعتها وقتان را در ملاقات و دیدن مردم و رفتن برای اینکه مردم شما را ببینند، می‌گذرانید؟ بگذارید این اوقات و ساعتها یتان صرف مسائل اساسی کشور بشود. البته این از حسن نیت ناشی می‌شود و صورت و شکل بسیار جالبی هم دارد ولی این رهبر به این اصل توجه داشت که انبیاء از زمان مأموریت الهی‌شان تا آخرین نفس با مردم بودند و از مردم فاصله نگرفتند و جواب ایشان این بود که چه می‌گوئید، اساسی‌ترین کار من این است که رابطه‌ام را با مردم مستقیماً حفظ کنم و فرمود همین زنهای، همین مرد‌ها و همین مردم بودند که رژیم کشف پهلوی و دودمان شاهنشاهی را بآن درآوردند، چطورشما از من می‌خواهید از منبع اصلی قدرتم که این مردم هستند جدا بشوم؟ اینها آن نیروی اصلی انقلاب ما هستند و چشم به این مجلس دوخته‌اند و خدای نکرده کاری نشود و مطمئناً نمی‌شود که آن عوامل اصلی انقلاب خدای ناکرده دچار یأس بشوند و از این انقلاب مایوس بشوند زیرا فقط در آن روز است که ضد انقلاب می‌تواند در جامعه نفوذ پیدا کند و الات روزی که آن عوامل اصلی قدرت، به این انقلاب امید بسته‌اند و امیدهای خودشان را می‌بینند که در عمل یکی بعداز دیگری دارد پیاده‌می‌شود، هیچ عامل ضدانقلابی نمی‌تواند در این انقلاب رخنه کند. خطر، ناشی از جدائی با مردم است این یک قسمت، قسمت دیگر نقش استبداد و دیکتاتوری و حفظ آن اصولی که در روابط انسانها براساس آزادی یعنی آزادی خدادادی که خوشبختانه در اصول تصویب شده گذشته بروی آن تکیه شد و یکی از آن اصولی که روی آن می‌بایستی دقیقاً تکیه کنیم همین اصلی بود که امروز تصویب شد که طبق آن همه مردم مستولیت دارند یعنی پاسداری از انقلاب تحت عنوان امریبه معروف و نهی ازنکر بر عهده همه افراد ملت است. این ملتی که انقلاب را بوجود آورده است موظف است از این انقلاب حمایت و پاسداری کند و هم مراقب مردم دیگر باشد و هم مراقب دولت هم این مراقبت را باید کند و این رابطه ارگانیکی از نظر مسئولیت مراقبت بر یکدیگر را دقیقاً داشته باشند، ولی در جامعه‌ای که استبداد بی‌اید مردم نمی‌توانند آزادانه صحبت بکنند، ما دیدیم و مردم دیدند که در این مملکت چه مسائلی پیش آمد.

بنابراین باید اساس حکومت در این کشور، خط اصلی حرکت باشد، و این جهت را کاملاً مراقبت بکند یعنی امریبه معروف و نهی از منکر را توی قانون بیاورد و سعی بکند جوی در جامعه وجود داشته باشد که افراد ملت بتوانند این اصل را آزادانه بپایان کنند، یعنی فریاد بزنند و در مقابل منکر ایستادگی و مقاومت بکنند و اگر کسی فریاد زد مثل جامعه دیروز مانباشد که مردم دیگریه او بگویند آقا بتوجه برو بی کارت. این روحیه باید درهم شکسته شود. امید داریم که خداوند تعالی به همه ما توفیق انجام این رسالت بزرگ را بدهد و امید جامعه‌ما مطمئناً نسبت به این مجلس است یعنی اکثریت قاطع ما صد درصد و گذشته این مجلس حرکت



آینده این مجلس را هم میتواند مشخص بکند. والسلام.

نایب رئیس — جناب آقای خادمی برای اینکه عده بیشتری از فرمایشات شما استفاده بکنند فکر میکنم بهتر باشد نوبت شما به روز شنبه موکول شود که حضرت‌عالی هم مطلب را آماده بفرمایید. شنبه تشریف دارید؟

خادمی — شنبه خیر.

نایب رئیس — چه وقت، وقت دارید؟

خادمی — دوشنبه.

نایب رئیس — بسیار خوب دوشنبه نوبت شما است. دو تذکر رسیده است که به عرض میرسانم و جلسه را ختم میکنیم.

برادرمان آقای قطب زاده یادداشتی نوشته‌اند که پس از سلام ضمن اظهار تأسف از عدم پخش مطالب در شب گذشته، امروز بعداز اخبار رادیو آن مطالب پخش شد و امشب قبل از اخبار از تلویزیون هم پخش خواهد شد، مستدعی است اگر مصلحت بدانید از طرف اینجانب اعلام بفرمایید که آقایان نمایندگان مجلس خبرگان در صورت تمایل میتوانند آنرا مشاهده نمایند.

هاشمی نژاد — یک بار مجلس حق دارد مطالبش ضمن اخبار پخش شود.

۴ — پایان جلسه

نایب رئیس — ایشان نوشته‌اند که کل برنامه دیروز را بعداز اخبار پخش خواهند کرد. با اجازه دوستان جلسه را ختم میکنیم. جلسه بعدی ما بعد از ظهر شنبه خواهد بود، والسلام علینا و علی عباده الصالحین.

(جلسه ساعت نوزده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه هفدهم

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۶/۲ دقیقه روز ۴ شهریور ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و سوم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

- ۱ - اعلام رسیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی به مناسب شب هفتم در گذشت مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی.....
- ۲ - قرائت اسامی غائبين جلسه قبل و نمایندگانی که تأخیر ورود داشتند.
- ۳ - طرح و تصویب اصول ۹ و ۱۰ قانون اساسی.....
- ۴ - پایان جلسه.....

دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱ - اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر بهشتی (نایب رئیس) به مناسبت شب هفتم درگذشت مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی

نایب رئیس - بسم‌الله‌الرحمان الرحیم. امروز که مقارن با مراسم بزرگداشت شب هفت
مرحوم آیت‌الله‌طالقانی است و در بهشت‌زهرا انبو برادران و خواهران عزادار و علاقه‌مند
به اسلام و انقلاب اسلامی و روحانیت متعدد و مسئول و مبارز و انقلابی، در این مراسم شرکت
میکنند، همه ما علاقه‌مند بودیم که بتوانیم آنجا و در جمع آنان باشیم؛ ولی از آنجا که ملتمان
و تاریخمان برای ما وظیفه‌ای خطیر معین کرده، باید به آن پیردادیم و انشاء‌الله از عهده‌اش
برآئیم و در اسرع وقت بررسی نهائی قانون اساسی را به پایان برسانیم، خودمان را موظف دانستیم
که ترتیبی اتخاذ کنیم که هم به کارمان پرداخته باشیم و هم چند تن از دوستان به نمایندگی
از طرف بقیه در آن مراسم شرکت کنند. آقای منتظری و آقای دکتر شیبانی طبق تصمیمی که امروز
صیغ گرفته شد به نمایندگی از طرف همه ما در آن مراسم شرکت خواهند کرد و برادرمان آقای
حجتی کرمانی هم از قراری که گفته شد در آنجا از جانب همه ما سخن خواهند گفت.

تصمیم امروز صبح برنامه کارمان را روشن کرد که برای تسریع در کار بطور کلی این
مجلس فقط روزهای جمعه تعطیل است و حتی روزهای تعطیل رسمی دیگر، کارما ادامه خواهد
داشت. بنابراین روز دوشنبه هم که مقارن با وفات حضرت امام صادق علیه السلام است ما برطبق
وظیفه صادقی، کارمان را بنا بر انجام وادمه خواهیم داد و همان کاری که اینجا میکنیم آن کار
عرض ارادت به آستان مقدس امام علیه السلام است. حالا که امروز ما در آن جلسه نمیتوانیم
حضور داشته باشیم، در آغاز همین جلسه برای مرحوم آیت‌الله طالقانی طلب رحمت و مغفرت
میکنیم و به یاد ایشان سوره فاتحة‌الکتاب را تلاوت میکنیم (حضرت سورة فاتحة‌الکتاب را خواندند).
غفرانه لناولهم یا لیتنا کنامعهم فتفوز فوزاً عظیماً.

۲ - قرائت اسمی غائبین جلسه قبل و نمایندگانی که تأخیر ورود داشتند

نایب رئیس - اسمی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.
بسمه تعالیٰ

غائبین آقایان : بنی صدر، دستغیب، ربانی شیرازی، سحابی، طباطبائی سلطانی، فوزی،
قرشی، غفوری، نوری‌خش. نمایندگانی که تأخیر داشتند، آقایان : باهنر یازده دقیقه، حائری پنجاه و پنج دقیقه،
خدامی هشتاد و یک دقیقه، طاهری خرم‌آبادی سیزده دقیقه، دکتر شیبانی دوازده دقیقه، دکتر
ضیائی شصت و یک دقیقه، مقدم مراغه‌ای بیست دقیقه، موسوی اردبیلی بیست و دو دقیقه.
طاهری اصفهانی - چرا سایر نمایندگان تشریف نمی‌وروند؟ اگر مسئولیتی را قبول کرده‌اند
ناید سهل انگاری بکنند.



نایب رئیس — صحیح است، طبق آئین نامه از همین امروز ما صورت اسامی تأخیر کنندگان و غائبین را اعلام خواهیم کرد و البته تعهد هر یک از نمایندگان در برابر خداوند و خلق خداوند ایجاب میکنند بدون تأخیر و غیبت در جلسات شرکت کنند و تا پایان کار در جلسات حضور داشته باشند. از آقای صافی یادداشتی رسیده است مبنی بر این که بهتر است روز وفات حضرت صادق (ع) جلسه علنی نداشته باشیم، ولی با این توضیحی که برای مردمان دادم امیدوارم بعکس باشد یعنی اگر از هر روز برای تسريع در این کار استفاده نکنیم ممکن است بما اعتراض کنند. (چند نفر از نمایندگان — جلسه علنی نداشته باشیم)

مکارم شیرازی — آنها که در کردستان می‌جنگند، روز وفات را تعطیل میکنند؟ ما مسئولیتمان سنگین تر از آنها است.

نایب رئیس — همینطور است مثال خوبی زدید. روانیست هیچ صحنه‌ای از صحنه‌های مبارزه به مناسبی تعطیل شود. براستی آیا کسانی که در میدانهای کارزار انقلاب اسلامی می‌جنگند روزهای وفات را تعطیل میکنند تا احترامی به صاحب آن روز باشد؟

ashraqi — این روز از طرف دولت مدتی است جزو تعطیلات رسمی اعلام شده است. بنظر من بهتر است جلسه علنی نداشته باشیم ولی گروه‌ها به کارشان ادامه بدهنند.

نایب رئیس — همان طور که فرمودند شاید بهتر باشد که ما مقداری کار بیشتر برای روز بعد آماده کنیم و روز وفات جلسه علنی نداشته باشیم به هرحال فردا صبح در این مورد بحث خواهیم کرد. یادداشتی از آقای مقدم مراغه‌ای رسیده است که نوشته‌اند برای شادی روح مرحوم طالقانی یکنفر از حائزین اکثریت آراء مجلس خبرگان در تهران، در این مجلس شرکت کنند، این مسأله قبل هم مطرح شده بود مثل اینکه شما تشریف نداشتهید، به هرحال این کار دست ما نیست دست وزارت کشور است که آنها هم آئین نامه‌ای دارند که بتصویب دولت و شورای انقلاب رسیده است و باید طبق آن عمل کنند، چون ما هم طبق همان آئین نامه اینجا آمدۀ ایم، اگر آن آئین نامه، موضوع مورد نظر شما را اجازه داده است حتماً عمل میکنند و گرنه، ما نمیتوانیم چنین چیزی را تصویب کنیم. تذکرات دیگری هم از آقایان رحمانی و دستغیب رسیده است که تشکر میکنم.

۳ - طرح و تصویب اصول و و قانون اساسی

نایب رئیس — خوب، کارمان را آغاز میکنیم، قرار بود از امروز جلسه ساعت چهار شروع بشود ولی بعضی از دوستان شاید بعلت اینکه از قبل قرارهایی گذاشته بودند سروقت نیامدند، بنابراین وقت بیانات قبل از دستور منقضی شد. انشاء‌الله اگر فردا ساعت چهار تشریف آوردن، میتوانیم نقطه قبل از دستور داشته باشیم. قبل هشت اصل راتصویب کرده‌ایم، در پیشنهادی که از طرف گروه اول آمده بود اصل هشتم بعنوان اصل نهم ذکر شده بود و درباره نوعی از امریبه معروف و نهی از منکر بود که بدلیل اهمیت و ویژگیش گروه اول آن را دریک اصل جداگانه پیشنهاد کرده بود. با اهمیتی که اکثریت برای این اصل قائل بود، در جلسه امروز صبح توانستیم به متن جامعی برای بیان آن اصل برسیم که از هرجهت جامع و مانع باشد. اگر ما در ادامه کارمان توفیق پیدا کردیم که متن جامعی برای آن تهیه کنیم، آن را بعنوان اصل نهم در آینده پیشنهاد خواهیم کرد والا بعداً در بخش حقوق ملت قسمتی از آنرا



خواهیم آورد، به هر حال امروز این اصل بعنوان اصل نهم مطرح میشود. اول اجازه بدید همانطورکه این اصل چاپ شده است، مطرح شود، بعد تغییر عدد اصل کار ساده‌ای است بنابراین اصل نهم را میخوانم:

اصل ۹ — در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن وظیفه آحاد و عموم مردم ایران است. هیچ فرد یا گروه و هیچ مقام و مرجعی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کند و هیچ مقامی به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور نمیتواند آزادی‌های مشروع را با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

نایب رئیس — اول به سوالات راجع به این اصل پاسخ داده میشود، بعد اگر مخالفی بود مطالعش را بیان میکند.

سبحانی — در اینجا هم آزادی مطلق محفوظ و محترم است و هم استقلال و تمامیت ارضی به تمام معنی محترم است. تعارضی که در این دوتا هست راچگونه به هم ربط نمی‌بینید؟ حتی آزادی مشروع و قانونی ممکنست روزی با استقلال و تمامیت ارضی تراحمی پیدا کند، آیا در دو حکم مطلق در صورت تراحم چکار باید بکنندو کدام بر دیگری مقدم است؟

نایب رئیس — متشرکم، عنایت بفرمایید آن چیزی که در همان پیش‌نویس بعنوان اصل ششم آمده بود همان اندیشه زیربنای اصل فعلی بود، این است که حفظ واقعی استقلال کشور، از طریق حفظ عدالت و آزادی در کشور است. وقتی در یک جامعه و کشوری عدل و آزادی درست پاسداری نشود، خود بخود راه برای نفوذ ییگانه هموار میشود وبالعكس آنچه میتواند به آزادی یک ملت معنی بدهد، استقلال آن ملت است، ملتی که از یکی از جهات مثلاً از جهت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی به دیگران وابسته باشد، آزادی خود را از دست داده است. البته وابستگی خضع آور، نه وابستگی ارتباط متقابل، ارتباط غیراز وابستگی است. کشور و ملتی که به کشور و ملت دیگرhalt وابستگی و دنباله روی پیدا کند، آزادی در این کشور خود بخود بخطربماقتند. حتی آن ییگانه نمیتواند منافع کشور خودش را در این کشور حفظ کند بدون اینکه آزادی مردم آن کشور را محدود نکند. این اندیشه زیربنای این اصل بود که استقلال و آزادی دو مطلبی هستند که به یکدیگر ربط طبیعی و عینی دارند و هیچیک بدون دیگری قابل تحصیل نیست...

سبحانی — جواب مرا ندادید، در یک منطقه‌ای ترویج قومیت خاص و یا ترویج زبان قومیت خاص در شرایط خاص این آزادی مشروع است یا نه؟ بنظر می‌آید که ترویج از قومیت خاص کار را بخطربماقتند...

مکارم شیرازی — مشروع نیست.

سبحانی — مشروع نیست؟

نایب رئیس — توجه نکردید، پس بطور عادی و بصورت ذاتی این دو بایکدیگر پیوسته‌اند اما اینکه در یک نوع شرایط فوق العاده و استثنائی، آزادیها محدود میشود، این امر در جوامع و کشورها در حالت استثنائی، عمومی است. این غیرازایین است که ما بسوی این جهت کشانده بشویم یا برویم ذنبال این فکر که اصولاً میشود در جامعه این قبیل آزادیها که فرمودید ازین بود، ما خواستیم با این اصل این حالت را نفی کنیم والا حالتهای استثنائی فوق العاده در تاریخ



هر ملت و درایام حیات هرگووه بیش می‌آید. البته در آن ایام که وضع فوق العاده است چیزهایی که در حالت عادی جایز بوده است ممنوع می‌شود. این مثل بیماری است که تا بیمار است چیزهایی برایش حرام و ممنوع است، اما وقتی شفا یافت همان‌ها برایش مجاز می‌شود و اگر فردی در زمان سلامت بطور مستمر از مواد غذائی و ویتامینهای لازم ممنوع گردید، حتماً بیمار می‌شود.

اشراقی — اگر تراجم پیدا شد، جوابش معلوم است براساس «الاهم و فی الاهم» عمل می‌شود.

نایب رئیس — موارد استثنایی را که نباید داخل هم کرد.
یکی از نمایندگان — جواب ایشان در خود اصل موجود است. وقتی میگوئیم از هم تفکیک ناپذیرند، احراق حق یکی حق دیگری را تأیید میکند مثل اینکه بگوئیم عالم و عابد از هم تفکیک ناپذیرند ممکنست عادلی داشته باشیم عالم نباشد یا بر عکس.

نایب رئیس — من خیلی مایل بودم که شما طبق نوبت صحبت میفرمودید. آقای تهرانی بفرمائید.

مرادخانی ارنگه (تهرانی) — بسم الله الرحمن الرحيم. انگیزه تنظیم این اصل دریش نویسن قانون اساسی و در اصل فعلی که مطرح است و انشاء الله متن نهائی است، این است که زمان طاغوت متوجه بودید که هرنوع آزادی را سرکوب میکردند بعنوان اینکه استقلال کشور در خطر است. برای سیاست مستقل کشور هرنوع آزادی را سرکوب میکردند حتی دیدید که رساله عملی مرجع بزرگ عالم تشیع در ایران ما که مهد تشیع است، ممنوع بود. اگر رساله‌ای، اعلامیه‌ای، پیدا میشد مردم را به چندین سال زندان محکوم میکردند و مدعی بودند که از استقلال و تمامیت ارضی کشور حمایت میکنند و انواع آزادیها را سرکوب میکردند. این اصل برای تضمین این آزادیها بوده است و انشاء الله از این بعد معلوم شود که آزادی و استقلال تفکیک پذیر نیستند و ممکن نیست تراجمی برای یکدیگر داشته باشند. تا آزادی نباشد امکان ندارد استقلال کشور عدم وابستگیش به اجانب تأمین شود. حفظ منافع هر کشور بسته به این است که مردمش آزاد باشند و بتوانند از نظامشان، از دینشان، از هدف‌شان آزادانه حمایت کنند، پس بعنوان استقلال معنی ندارد که ما جلوی آزادی را بگیریم. این اصل برای این منظور بود و بخطاطر اینکه پیشگیری بشود از اینکه ممکن است عده‌ای هم از آن طرف، بعنوان آزادی‌های نادرست از راه بی‌بند و بیاری، استقلال و تمامیت ارضی کشور را بکوبند لذا از طرفین جلوگیری می‌شود. نه به اسم آزادی می‌شود استقلال مملکت را ازین برد و نه به اسم استقلال می‌شود آزادی را ازین برد و البته با قید مشروعت آزادی، این کار ممنوع است و تلازم این قید این است که آزادی تاجرانی که مراحم آزادی دیگران نشود و باعث ازین رفتنه‌ی هدف و تجزیه کشور نشود، محترم است. بنابراین «آزادی مشروع» قید شده و اینکه بصورت دیگری نپذیرفتند، صحیح و خوب هم بود و بنظر من این اصل از اصول مترقی قانون اساسی ما، بلکه در تمام جهان است و شکل این اصل را گروه‌ها ترتیب داده بودند و به این جهت لازم دیدم این توضیحات را عرض کنم.

نایب رئیس — آقای تهرانی عملنا بعنوان موافق صحبت کردند. آقای فارسی بفرمائید.

جلال الدین فارسی — این اصل تعیین وظیفه میکند و این وظیفه را برداش آحاد مردم



میگذارد ولی باید وظیفه بردوش دولت هم باشد، مخصوصاً که چنین مقامی حق ندارد بعنوان استقلال، آزادی‌ها را سلب کند گرچه «مردم» به معنی کل افراد هست اما اینجا باید تصریح بشود که دولت هم موظف است.

نایب رئیس — این پیشنهادی است که آقای کیاوش هم داده‌اند و درخور ملاحظه است یادداشت میکنم.

فاتحی — تنافی این جملات برداشته نشده، مثلاً نوشته شده «کسی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی خدشه‌ای وارد کند» بازمجدد آعنوان حفظ استقلال نوشته شده «هیچ مقامی نمیتواند آزادی مشروع را سلب کند» این یک تفاوتی ایجاد میکند و آن عاملی که تجویز کننده باشد برای عملی که جلوگیری از آزادی کند یا آنکه بیخواهد آزادی بدهد، مشخص نشده چه عملی است. «استقلال» و «تمایت ارضی» تنافی دارد که باید از آن جلوگیری شود و چه عملی آزاد است وبا استقلال و تمایت ارضی تنافی ندارد. باید عبارتی بجای این گنجانده شود که برای مردم روشن و مشخص شود که چه عاملی با این اهداف تنافی ندارد، و هدفی که هریک مؤیدیگری و پشتوانه دیگری است و درحالی که جامعه دچار یک وضع حادی میشود مثل وقتی که انسان دچار بیماری میشود، یک مردم استثنائی است و آن را خود قوانین براساس «الا هم و فی الا هم» معین می‌کند. مسئله در اینجا به صورت عادی و درحالی عادی گفته شده است که اینها از هم‌دیگر تفکیک ناپذیرند و نظام اجتماعی و قانونی بعد باید حامی این اندیشه باشد که هریک از اینها پشتوانه دیگری است. هیچیک هم باید دیگر اصطکاک و تراحم ندارد، البته اگر حالت غیرعادی پیش آید، ممکنست غیرازاین بشود.

نایب رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — محتواهای این اصل خوب است ولی به صورت خوبی نوشته نشده است، در اسلام آزادی و استقلال مطلب خوبی است و حفظ استقلال و آزادی وظیفه دست اندر کاران مملکت است. آنچه وظیفه ملت و افراد ملت است عبارت است از عدم اخلال و استقلال و آزادی و گرنه یکدھقان یا کارگر چگونه میتواند استقلال را حفظ کند؟ البته او باید کاری کند که به استقلال لطمه نخورد.

نایب رئیس — بجای آحاد ملت، دولت بگذاریم؟

موسوی تبریزی — حفظ استقلال مملکت بادست اندر کاران مملکت است. آحاد ملت باید در آن فقط اخلاق نکنند.

نایب رئیس — متشکرم، آقای رحمانی بفرمائید.

حسینعلی رحمانی — بسم الله الرحمن الرحيم ۱ — جمع «آحاد و عموم» در لفظ وجهی ندارد چون آحاد معنی فرد فرد مردم است اگر لفظ «آحاد» ویا «عموم» ذکر شود، دولت نیز باید ضمیمه شود، یعنی نوشته شود «دولت و آحاد مردم» گرچه ممکن است گفته شود دولت هم جزء آحاد مردم است.

۲ — همچنانکه در مردم اول فرد و گروه و مقام ذکر شده لازم است در مردم دو ثانی هم هر سه مورد ذکر شود.

۳ — استقلال را یا باید به تنهائی ذکر نمایند و اگر خواستند انواع آن را ذکر نمایند، لازم است تمام انواع آن را ذکر نمایند، پس حذف افراد آن بهتر و موجب تعییم است.



ع — وضع قوانين و مقررات» را باید حذف کرد چون مفهوم آن این است که بدون وضع قوانین و مقررات نمی‌شود سلب آزادیها را نمود و حال آنکه سلب آزادی مطلق و بصورت کاملاً مستبدانه هم منوع است.

نایب رئیس — «کل مقامات ممکن موضع فی بقیه الانفاس» استقلال نظامی که گفته شد مهم است پس بدنبال آن «وغيره» را هم اضافه بفرمائید.

یکنفر از نمايندگان — در آنجا که نوشته شده است ... هیچ فرد یا گروه و هیچ مقام و مرجعی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و تمایلات ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کند (به اینجا که رسیده است) و هیچ مقامی به نام حفظ استقلال و تمایلات ارضی کشور نمیتواند آزادیهای مشروع را با وضع قوانین و مقررات سلب کند اینهم اشکال است زیرا اگر جواب بدند و یکنفر و وضع قوانین است ، جواب میدهیم که نباید تعبیر شود به ... بلکه هیچ مقام و مرجعی حق ندارد به نام استقلال ، تمایلات ارضی کشور و آزادیهای مشروع را سلب کنده یعنی با وضع قوانین و مقررات نمیتواند ولی با ذور و قدری مستبدانه میتواند ، چه احتیاجی دارد وضع قوانین را بیاوریم؟ بنابراین خوب است آن را حذف کنیم.

نایب رئیس — بهیچ عنوان نمی توان آزادیهای دیگران را سلب کرد ، گفتن فقط مقامات مسئول در حدود قانون نمیتواند آزادیها را محدود کنند ولی به بهانه استقلال هم نمیتوانند . آن موقع که بیش نویس تهیه میشاد اینجا یک «هرچند» اضافه کرده بودیم «هرچند در شکل درست وضع مقررات» که شکل مستبدانه را بگیرد آن موقع هم این بحث به میان آمد الان یادداشت میکنیم که «هرچند» را اضافه کنیم.

رحمانی — اینکه فرمودید فرد نمیتواند سلب آزادی بکند ، چرا ، فرد هم نمیتواند از کسی یا گروهی سلب آزادی بکند.

نایب رئیس — عمل میتواند یا حق ندارد؟

رحمانی — باید بنویسیم حق ندارد که سلب آزادی بکند.

نایب رئیس — مقامات گاهی حق دارند و گاهی حق ندارند ، اینجا در این مورد دقت خواهیم کرد. آقای عرب فرمایشی دارید؟

عرب — آیا لفظ دولت خارج از لفظ مردم ایران است و جزئی از کل ملت ایران نیست؟

نایب رئیس — تکلیفی که اعضاء دولت دارند عنوان «دولت» غیر از تکلیفی است که آحاد مردم ایران بنام «ملت» دارند. این در درجهٔ اول است بنابراین عبارت باید طوری باشد که تکلیف خاص دولت را بعنوان مسئول تصویریگاند.

پرورش — در قسمت اول اصل نهم نوشته شده «فرد ، گروه ، مقام مرجع» ولی در قسمت ذیل آن هست «مقامی» پس مراجع دیگر را شامل نمی‌شود و مرجع نمیتواند مثلاً مقررات را سلب کند.

نایب رئیس — تذکر بجائی است اگر «هیچ مقامی» را برداریم ، شامل هرچهار رکن میشود.

فوزی — قیدی که در ذیل آمده باید در صدر هم بیاید.

خامنه‌ای — انشاءها یکطرفه است. در اینجا نوشته شده «در جمهوری اسلامی آزادی و استقلال تفکیک ناپذیرند و حفظ آن» این کلمه «آن» تفکیک ناپذیری را مشخص می‌کند



یعنی حفظ وحدت وظیفه آحاد و عموم مردم ایران است.
نایب رئیس — «حفظ آن دو» گفته بودیم.

خامنه‌ای — اول جنابعالی مفاد و روح قانون را توضیح بدهید که ما اگر آن را خواستیم بگوئیم، دوباره گوئی نشود، نه اینکه مثل این باشد که ما داریم قانون اساسی کشور دیگری را می‌خوانیم بنابراین، این اشکال پیش می‌آید. عبارت «حفظ آن» یعنی حفظ این وحدت و تفکیک‌ناپذیری بعده‌های آحاد مردم ایران است. این همان اشکالی بود که صبح درگروه مطرح شد و بهجای نرسید.

نکته دیگر اینست که در این اصل دوپاراگراف داریم یکی «هیچ فرد یا گروه و هیچ مقام و مرجعی حق ندارد بنام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی الی آخر» و دیگر «هیچ مقامی بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور نمی‌تواند آزادی‌های مشروع را با وضع قوانین و مقررات سلب کند» از این دوجمله ظاهراً اینطور استنباط می‌شود که درجمله دوم می‌خواهید با وضع قوانین و مقررات جلوی تجاوز از راه تقنین را بگیرید ولی پاراگراف اول متضاد این است چون می‌گوید اگر مقامی در مقام اجرا بخواهد به این مسئله خدشهای وارد کند، این بیان نشان میدهد این دوتنا از هم جدا هستند، پس خدشه کاراجرأی است. علی‌هذا این روشن و معلوم نیست، فرد و گروه و مقام و مرجع چی؟ رسمی یا غیررسمی؟ و خدشه در مقام اجرا و عمل به چه صورت؟ روشن نیست. البته اگر مختصر تصرفی بشود، روشن می‌شود. مقداری هم تذکر در خصوصیاتش بود که برادران گفتند که اگر قید سیاسی، فرهنگی و اقتصادی وغیره نباشد قیودش بیشتر می‌شود. نایب رئیس — مشکرم سؤال بهجای بود، بند اول به این صورت اصلاح می‌شود «وحفظ آن دو بصورت تفکیک‌ناپذیری است.»

کیاوش — احتیاج ندارد، اگر این را هم نگذاریم قابل تفکیک نیست.

نایب رئیس — من مفاد را گفتم که حفظ آن دو بصورت تفکیک ناپذیری است و اما مسئله بعدی یعنی عبارت «هیچ فرد یا گروه و هیچ مقام و مرجعی حق ندارد بنام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کند» اگر عبارت رسا است که هیچ و اگر سانیست پیشنهاد کنید برای اینکه رساتر بشود. راجع به «مقام» فرد یا گروه «اقدام، یک اقدامی است که می‌تواند ضد قانون باشد و اما راجع به «اقدام» در اینجا دیگر اقدام، اقدام قانونی است. منظور اینست که گاهی این مقامات در قالب اقدامات قانونی که آهنگ حفظ آزادی دارد، می‌آیند و به استقلال کشور لطمه می‌زنند. مثال می‌زنم در یکی دو سه ماهه قبل از پیروزی بیست و دوم بهمن ماه یک جریانی بود و آن اینکه عده‌ای شعار ضد استبداد و مبارزه با استبداد را مطرح می‌کردند بدون آنکه شعار مبارزه با استعمار را همراه آن مطرح کنند. اول چنین گمان میرفت که این موضوع بدلیل اینست که چون استبداد ظاهرتر و آشکارتر است آنرا مطرح می‌کنند برای اینکه استعمار خودش را پشت سر این استبداد پنهان کرده پس حمله را متوجه استبداد می‌کنند، بعد که با صاحبان این شعار و گروههایی که این شعارها را می‌دادند صحبت شد معلوم شد خیر اینها اصولاً یک تزی دارند و آن اینکه می‌گویند ما اول می‌رویم و با کمک فلان ابرقدرت ویا با موافقت با او، استبداد را می‌کوییم بعد که استبداد را کوییدیم، می‌رویم سراغ استعمار، در اینجا بود که ما فهمیدیم با این آقایان یک اختلاف نظر جدی داریم و آن این است که ما معتقد بودیم که چون استبداد اصولاً آلت و ابزار استعمار است،



به هر حال باید جنگ و مبارزه در درجه اول متوجه صاحب این آلت یعنی استعمار باشد. لاقل در شرایط خاص ایران که استبدادش یک ریشه تاریخی هم داشت و قبل از اینکه استعمار به ایران بیاورد، باز هم ریشه داشت، در شرایط آن موقع ایران، باید این دو را با هم مطرح می کردیم و فلسفه آن هم که اینها باید با هم مطرح بشود همین بود که امروز مورد بحث است. اصولا در جامعه ای که از استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و امثال اینها دفاع نشود و جامعه به آنها دسترسی پیدا نکند صحبت از تحصیل آزادیها، شعر و خیال است و بالعکس در جامعه ای که استبداد بخواهد در زمان ما بماند و یا بوجود بیاید، این استبداد چون متکی به وجود مردم نیست تکیه گاهش را کجا باید پیدا کند؟ مسلمان خارج از مردم. ملاحظه می فرمائید آقای خامنه‌ای این یک طرز تئکریسیاست، اجتماعی بود که می خواهیم زیربنای این اصل قرار بگیرد. اگر عبارت این اصل را بعنوان زیربنای این طرز تفکر بعنوان یک اصلی که می خواهیم در قانون اساسی بیاوریم کافی می دانید که هیچ، والاعبارتی را که وافی به این مقصود باشد پیشنهاد کنید. سؤال دیگری نیست؟ (اظهاری نشد) آقای موسوی جزایری بعنوان مخالف با این اصل صحبت می فرمائید بفرمائید.

موسوی جزایری – بسم الله الرحمن الرحيم . موقعیکه این اصل در گروه مامطرح شد بنده مخالف بودم و نظرم بعنوان اقلیت مورد توجه قرار نگرفت ولی حالا عرض میکنم و آن اینست که یک مطلب هست که آزادی محترم است و باید حفظ بشود . یک مطلب دیگر هم هست و آن اینست که استقلال کشورهم محترم است و باید حفظ بشود . حالا می آئیم سراغ موقعي که این دو با هم تراحم پیدا می کنند. واقعیت این است که در موقع تراحم «حفظ استقلال» قید «حفظ آزادی» است ولی «آزادی» قید «حفظ استقلال» نیست یعنی من حیث المجموع می گوئیم که آزادی محترم است و محفوظ است مگر در جایی که به استقلال کشور لطمه بزند ولی آیامی شود یکی از این مطلب کشور محترم است مگر در جایی که به آزادی فرد لطمه بزند؟ ابداً چنین چیزی نیست فقط یک مطلب آقایان را براین داشته است که این مطلب به این صورت در قانون اساسی بیاید . این درست نیست که بگوئیم چون در گذشته یک دروغی به ما گفته اند و چون به اعلامیه ها و سخنرانیها و خطابه هایی که امام یادیگران برای ایجاد نظام اسلامی در کشور ایراد می کردند، تهمت می زند و بهانه این که اینها منافی استقلال کشور است جلوی آزادی مارا می گرفتند، در صورتیکه می دانیم دروغ می گشتند و با حقوق مردم منافات نداشت ، بلکه منافات با نظام شاهنشاهی داشت و کارما در مقام تحقق بخشیدن به نظام اسلامی بود و آنها می گفتند شما می خواهید استقلال را ازین ببرید ، ولی آیا حالا ماباید در قانون اساسی یک اصلی در مقام رد یک کسی که در گذشته سوءاستفاده ای کرده است و دروغی گفته بنویسیم که این دروغ را نگوید و این تهمت را نزند ؟ البته خود مردم بانتظاهرات می توانند جلو این دروغ و تهمت را بگیرند و نگذارند که این تهمت زده شود . آنچه واقعیت است اینست که همه مردم آزادند البته تا جاییکه لطمہ به استقلال کشور نزنند ، اما آیا می توانند بگویند استقلال کشور محترم است مگر اینکه جلوی آزادی فرد گرفته شود ؟ البته اگر یک وقتی استقلال کشور می خواهد به خطر بیفتد جلوی آزادی آن روزنامه نگار را باید گرفت پس این قید برای آن است یعنی «استقلال کشور» قیدی هست برای «آزادی» ولی حفظ «آزادیهای فردی» نمی تواند قیدی بشود برای «استقلال» . ایراد شما اینست که در گذشته سوءاستفاده کرده اند یعنی بنام حفظ استقلال کشور جلوی آزادی



ما را گرفته‌اند و دروغ گفته‌اند، پس حالا باید در قانون اساسی یک‌اصلی بنویسیم برای اینکه جلو این دروغ را بگیریم و این درست نیست.

نایب رئیس — آقای مکارم بعنوان موافق بفرمائید صحبت کنید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. با اینکه درباره این اصل در کمیسیون مشترک به اندازه کافی صحبت شده، امیدواریم که ان شاء الله بیشتر از این کش پیدا نکند و اگر اصلاحاتی دارد بتوانیم زودتر اصلاح کنیم و بخواست خدا تصویب بشود واما این اصل همانظوری که گفتید یک اصل بسیار سترقی و حساب شده‌ای است، نه تنها برای زمان گذشته و امروز بلکه برای آینده هم این اصل خواهد بود. برای اینکه از چیزهایی که غالباً در معرض تزلزل است همین سلب آزادی است که به‌اسام استقلال زیاد اتفاق افتاده و همچنین سلب استقلال بنام حفظ آزادی و تجزیه کردن یک کشور بنام آزادی، بنابراین باید پایه این دو اصل حتماً محکم بشود واما مخالفتی که جناب جزايری با این اصل کردند و بعضی از اشکالات دیگر که شد، همه از یکجا سرچشمه می‌گیرد. اصولاً اگر ما آزادی را بمعنای واقعی اش تفسیر کنیم به کلمه مشروع احتیاج ندارد. آیا آزادی معنی اش این نیست که هر کس هر کاری خواست بکند؟ آیا شما چنین عقیده‌ای دارید؟ معنی واقعی آن، بسیج نیروها در سپیرشد فرد و جامعه است، آزادی واقعی اینست اگر آزادی برای فراهم کردن امکانات و رفع موانع برای رشد فرد و جامعه باشد، خوب این همیشه همدوش استقلال است مثل اینکه کسانی که ایراد دارند، آزادی را به آن مفهومش می‌دانند که بعضی از افراد امروز در کوچه و بازار و در بعضی جایزه‌ها که هر کس هر کاری خواست بکند. پس آزادی در ذات و طبیعت صحیح و اخشن آسده و برای اینکه محکم کاری بشود و این سوءتفاهمی که ایشان گفتند پیش نیاید، یک کلمه مشروع هم پشت سر آن گذاشته شده و حتی فکر می‌کنم آنچه را هم که آقای بهشتی گفتند که ممکن است در بعضی از حالت‌های اضطراری سلطنت، تضاد بین اینها پیدا شود و ما متولّ به قانون اهم و مهم بشویم، ان شاء الله به آنجا هم نمی‌رسد. برای اینکه مفهوم آزادی آنهم با قید مشروع آنچنان بعدی به آن می‌بخشد که اصلاح‌های در خدمت استقلال است و از آن جدا نمی‌شود و تفکیک ناپذیرند.

نایب رئیس — بحسب پیشنهادهایی که داده شده است اصلاحاتی در این اصل بعمل آمده است که می‌خواهیم «در جمهوری اسلامی ایران آزادی مشروع و استقلال...» دکتریت اوشانا — منظور از «استقلال» چیست که آزادی مشروع در مقابلش می‌گذارد؟ اگر «استقلال» حفظ آزادی مرزها است بهله ولی اگر حفظ استقلال مردم است، بهیچ وجه معنی نمیدارد.

نایب رئیس — منظور از «استقلال»، استقلال افراد نیست بلکه استقلال جامعه است در برای قدرت‌های خارج از جامعه. این قدرت‌های خارج از جامعه گاهی می‌آیند بخشی انسوزمین یک جامعه را می‌گیرند می‌شود نقض تمایت ارضی، ولی گاهی اینظور نیست یک وجب از خاک کشوری رسماً در تصرف حکومت و یک کشور بیگانه نیست ولی اقتصاد کشوری وابسته به آن کشور دیگر است، سیاست کشوری وابسته به آن کشور دیگر است، فرهنگ کشوری وابسته به آن کشور دیگر است یعنی یک کشوری می‌آید و بگونه‌ای قراردادهایی با کشورهای دیگر می‌بندد که عملاً دست خودش را در شکوفائی آزاد استعدادها، در ابعاد فرهنگی و سیاسی و غیره می‌بندد یعنی تقض استقلال اجتماعی خود بخود منجر می‌شود به تقض آزادیها و بالعکس



نقض آزادی انسانها در تعیین سرنوشت منجر میشود به اینکه به شکلی در کام بیگانه بیفتند، چون بالاخره نتیجه اش اینست که قدرت حاکم مตکی به مردمش میباشد و خود بخود باید از طریقی به بیگانه متولّ بشود و ممکن است یک قسمتی از خاکش را هم بدهد، منظور این بوده است که اینها میتوانند مقابل هم قرار بگیرند. مسئله قید «مشروع» را عده‌ای از دوستان میگویند نه، آنجاکه صحبت تنافی باشد آنرا در پائین اصل آورده‌ایم ولی اینجاکه صحبت از همبستگی بین دو ذات است این دیگر قید نمیخواهد و ایجاد نگرانی هم نمی‌کند. این قسمت را میخوانم «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن...»

مکارم شیرازی – «آن» در فارسی به متعدد بر میگردد.

نایب رئیس – «حفظ آن» به مبتدا بر میگردد یعنی باید برگرد به «آزادی و حفظ استقلال» اگر می‌دانید که «آن» برای ارجاع ضمیر اشاره به «آزادی و استقلال» تمام نیست بنویسیم «حفظ این دو عنصر تفکیک ناپذیر».

انواری – بنویسیم حفظ این دو.

طاهری اصفهانی – «حفظ آن» بهتر مطلب را می‌رساند.

نایب رئیس – آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر – ما داریم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌نویسیم. در این جمهوری دولت و ملت که از هم جدا نیستند و دوگانگی ندارند. سابق که نیست هنوز مثل اینکه آن دوگانگی گذشته در ذهن ما وجود دارد، دولت عبارت است از گروهی از ملت که مقدورات و وظایف مختصی دارد و بین ملت و دولت جدائی نیست ولی چون دولت مقدورات اختصاصی دارد، وظایف اختصاصی هم دارد.

نایب رئیس – این را نمی‌توانیم منفک کنیم که چون مقدورات اختصاصی دارد، آزادیهای اختصاصی هم دارد، پس بنویسیم وظیفه دولت و آحاد ملت ایران است یعنی اینطور بشود «هیچ فرد یا هیچ مقام و مرجعی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و نظائر اینها...»

بنی صدر – وقتی می‌گوئید سیاسی، دیگر نظامی لازم ندارد.

نایب رئیس – من هم فکرمی کنم این کلمات چون کلمات شرحی هستند، دیگر لازم نیست کلمات شرحی بیاید فکرمی کنم اگر اینطور نوشته شود، خوب است «...به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تمایت ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کنند»

طاهری اصفهانی – هرچه شما می‌گوئید خوب است؟

نایب رئیس – یک مقدار تأکید روی مسائلی چون استقلال فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بضر نیست اگر آقایان فکرمی کنند این کلمات را برداریم مطلب کامل تر می‌شود، برمیداریم، فقط من یک توضیح بیدهم و آن اینست که برای فرهنگ امروز جامعه ما یک مقدار تکیه روی این مسائل فکر نمی‌کنم مضر باشد.

طاهری اصفهانی – پس کلمه نظامی را هم اضافه کنید.

نایب رئیس – قسمت دوم این اصل را می‌خوانم توجه بفرمائید «... هیچ فرد یا گروه و هیچ مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی



و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کند و هیچ مقامی اجازه ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادیهای مشروع را ولو با وضع قوانین و مقررات سلب کند.» البته بجای «لو»، «هرچند» می‌گذاریم.

خانمه‌ای — وضع قوانین شامل مجلس هم می‌شود؟

نایب رئیس — بله قانون اساسی برای همین است که جلوی بعضی از قوانین را بگیرد قوانین مجلس همیشه محدود است در چهارچوب قانون اساسی.

خانمه‌ای — اگر در جامعه یک وضع فوق العاده‌ای بود و قانون لازم بود چطور؟

نایب رئیس — بارگرداندن این کار را می‌کنند.

پروش — «هیچ مقامی اجازه ندارد» را حذف کنید.

وزیر امنیتی — در مقام مقایسه «استقلال» و «آزادی»، استقلال باید مقدم بر آزادی باشد.

نایب رئیس — اهم و مهم آنجا مشخص است و تزاحم‌ها اینطور نیست. باید دید مطلب چگونه است. اگر یادتان باشد در اصول آینده نوشته‌ایم و درحقیقت جمع ما این بیان ایشان را به این صورت که فرمودند، صحیح نمی‌داند.

خزعلی — سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تمامیت ارضی، اینها عطف به استقلال است.

نایب رئیس — اگر در طرز نگارش یک «» بگذاریم، درست می‌شود. آقای جوادی بفرمائید.

جوادی — یک حق است برای افراد به نام آزادی و یک حق است برای جامعه به نام استقلال و یک حق است برای قلمرو به نام تمامیت ارضی. تمامیت ارضی دربرابر تجزیه است، استقلال در مقابل آزادی است و آزادی دربرابر مسئولیت. در اواسط این اصل، این سه مطلب آزادی افراد، استقلال جامعه و تمامیت قلمرو را نام بردۀ اید، درحالیکه در صدر این اصل فقط آزادی افراد و استقلال جامعه را ذکر کرده‌اید و این بنظر من نارسا و مبهم است چون همیشه این سه اصل در کنارهم و وابسته بیکدیگر است و جداشدنی نیست.

نایب رئیس — سوال ایشان اینست که ما در ذیل این اصل، تمامیت ارضی را به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عطف کرده‌ایم. ولی خوب، می‌دانیم که تمامیت ارضی یک مسئله است و اصولاً استقلال از نظر مفاهیم حقوقی یک مسئله دیگر. ما هم می‌گوئیم چون عطف تفسیری نیست، بنابراین در صدر اصل که نوشته‌اند آزادی و استقلال، دیگر از تمامیت ارضی یاد نکرده‌اند. به هر حال منظورشان اینست که این عبارات طوری نباشد که ابهام داشته باشد چون در صدر اصل نهم اسمی از تمامیت ارضی به میان نیامده است. توضیحی که می‌دهم اینست که آن چیزی که مانگنیم از نظر فلسفه اجتماعی پیوند تام بیکدیگر دارد، «آزادی و استقلال» از نظر بینش سیاسی است. اما آن چیزی که در ذیل این اصل آمده و گاهی بهانه محدود کردن آزادیها می‌شود غیراز مسئله استقلال و این چیزها، یک چیز دیگر هم هست و آن تمامیت ارضی است.

یکی از نایندگان — از لحاظ بینش سیاسی بین این سه اصل نمی‌تواند جدائی باشد و این سه اصل یعنی قلمرو، جامعه و افراد تفکیک ناپذیرند. تمامیت در برابر تجزیه، استقلال در برابر وابستگی و آزادی در برابر مسئولیت قرار دارد.



نایب رئیس — با توجه به صحبت آقایان من پیشنهاد می کنم بنویسیم «آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور» یعنی وحدت را در حقیقت در مقابل تجزیه ذکر کنیم. آقای بنی صدر نظری دارد؟

بنی صدر — عرض کنم که واقعیت اجتماعی چهاروجه دارد: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. تمامیت ارضی و نظامی و اداری، اینها همه در قلمرو «سیاسی» قرار دارد. البته اگر بخواهیم هریک از وجود را در آینجا بنویسیم، باید آنچه را که هریک از آن وجود شامل میشود، آنها را هم ذکر کنیم. بنابراین وقتی کلمه استقلال را ذکر می کنیم معنیش این نیست که سرزین مرا دیگر بگیرد و تصرف کند و ما در آنجا استقلال اجتماعی داشته باشیم. چنین چیزی مطرح نیست. وقتی استقلال ازین برود، تمامیت ارضی هم ازین رفته است. اینکه می گوئیم کلمه «نظمی» هم اضافه شده به لحاظ اینکه وجود شخص نشده است، باید در این مرور بحث کنیم که از «سیاسی» ماضچیز را می فهمیم و یک زیرنویس هم بنویسیم که مقصود از «سیاسی» چیست. بنناصر اینجا بدینگونه نوشته شده، یعنی تمامیت ارضی ناظر به قلمرو در مقابل تجزیه است و این غیراز استقلال است که مربوط به جامعه است. بنظرمن «استقلال» کلمه‌ای است که هرچهار وجه را دربرمیگیرد. حالا ما از لحاظ تأکید، تمامیت ارضی را هم آورده‌ایم. اگر می خواهید این کلمه را در بالا هم ذکر کنید اشکالی ندارد.

نایب رئیس — متشرک از آقای بنی صدر، آقای رشیدیان شما فرمایشی دارد؟

رشیدیان — بندۀ عرض می کنم که این قید تمامیت ارضی، درست است که ما در اول گفتیم استقلال، ولی استقلال به دو معنی است، یکی جنبه معنوی دارد مثل سیاسی، فرهنگی و نظامی و یکی هم جنبه عینی و بیرونی و واقعی دارد مثل مرزها. وقتی می گوئیم استقلال، هردو جنبه به ذهن می آید و برای اینکه مطلب کاملاً روشن باشد، کلمه «تمامیت ارضی» را هم بدنیاش می آوریم. اما وقتی می گوئیم «اقتصادی» چرا کلمه «نظمی» را نیاوریم؟ یا باید هیچگدام را نیاوریم یا اگر آوردم باید هردورا ذکر کنیم. من نمی دانم چرا نباید «نظمی» را که بیشترین ضریب را از آن خورده‌ایم و بیش از چهل و پنج هزار مستشار نظامی برارت شن ما مسلط بوده‌اند، ذکر کنیم؟ اتفاقاً جای نوشتن درست همین جاست، یعنی باید بنویسیم «... استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی الخ...».

نایب رئیس — بندۀ پیشنهادی دارم. من نقد آقای جوادی را از دید خودم، نقدی میدانم که پاسخی برایش نیافتم. ما اگر این صفاتی را که برای استقلال آوردمیم، برداریم و فقط بنویسیم «استقلال و تمامیت ارضی» لااقل این حسن را دارد که این «و» میتواند کلمات را بهم عطف کند. چون آنطوری که ماسی گفتم استقلال سیاسی، اقتصادی و نظامی وغیره، نمی توانست عطف تفسیری باشد. اگر کلمات، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را اصلاً برداریم و در حقیقت استقلال را به تمامیت ارضی عطف کنیم، مشکل حل میشود؟

طاهری اصفهانی — وقتی شما در کلیات بحث می کنید و می گوئید استقلال، لابد این کلمه «استقلال» به تمام جنبه‌ها و شعبون برمی گردد.

یزدی — کلمه «استقلال» حتماً شامل همه چیز میشود، و اما ذیلی که میفرمایید حذف کنیم تا کلمات به هم دیگر عطف شود، بدلیل اهمیتی که این چند مورد دارد، حتماً قیدش لازم است و باید بنویسیم.



نایب رئیس — عیش اینست که اگر بخاطر اهمیت روی یک نکته‌ای تأکید کنیم، یک سوء تفاهمی را بدنبالش ایجاد میکنیم.

یزدی — کلمه استقلال، سوء تفاهم ایجاد میکند؟

حائری — «استقلال» دربرابر استعمار است.

نایب رئیس — تمامیت ارضی عطف به استقلال میشود. وقتی قبل از این این شمرده شده دیگر تمامیت ارضی را نوعی از استقلال نمی‌شمارند بلکه یک عنصر جدید می‌شمارند بنابراین کسانیکه با این پیشنهاد موافقند که این صفات را اصولاً حذف کنیم تا جلوی ابهامات گرفته شود، دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) پس دوستان با این پیشنهاد موافق نیستند و رد شد. آقای آیت فرمایشی دارید؟

دکتر آیت — من معتقدم که تمام این عبارات بجز عبارت «وظیفه آحاد و عموم مردم ایران است» بقیه‌اش باید حذف شود. دلیل دارم، حقیقتی که آقای جزایری کردند منطقی است. ما گفتیم به نام حفظ استقلال، نگفتمیم برای حفظ استقلال. اگر این تفکیک ناپذیری را ما حفظ کنیم، بقیه‌اش مفهوم را میرساند و مطلب کاملاً درست است.

نایب رئیس — ما اگر بخواهیم فروع راهم نگهداریم و تذکر آقای حائری را مورد توجه قرار دهیم و واقعاً این اصل، گویائی تمام داشته باشد، پس بنویسیم: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی واستقلال وحدت و تمامیت ارضی کشور...» این، میتواند منظور ما را کاملاً بیان کند و تا آخر هم‌هاهنگی داشته باشد. یعنی با اضافه کردن «وحدة وحدت و تمامیت ارضی کشور» در صدر اصل، سائل با یکدیگر هماهنگ میشود.

مکارم شیرازی — ضری ندارد، به همین صورت بنویسید.

یکی از نماینده‌گان — بنظر من کلمه «وحدة» اصلاً لزومی ندارد.

نایب رئیس — توضیح بنده اینست که این یک واقعیت است که یکی از دامهای استعمار تجزیه است. یعنی وقتی یک جامعه و کشور بزرگی وجوددارد که چون بزرگ و نیرومند است می‌تواند دربرابر قدرتهای استعماری مقاومت کند، برای اینکه این مقاومت قابل شکستن باشد، می‌آیند و تمایلات تجزیه‌طلبی را تحریک میکنند تا باتجزیه، این قدرت بزرگ و نیرومند را بشکند. پس اگر بنویسیم «تمامیت ارضی» مشعریه آن روح مطلب نیست، روح اصلی مطلب «وحدة» است. «تمامیت ارضی» در حقیقت مکمل آنست. برای همین است که من کلمه «وحدة» را پیشنهاد کردم و روی آن اصرار ورزیدم. ضمناً بجای «... و حفظ آن» که پیشنهاد شد بنویسیم: «... و حفظ آن دو عنصر» بدین ترتیب اصلاح می‌کنیم که: «... و حفظ آن عناصر» پس با توجه به این اصلاحات، اعلام رأی میشود. لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید.

طاهری اصفهانی — کسی «عناصر» نگفت. آقا شما هر کاری می‌خواهید می‌کنید اصلاً کلمه «وحدة» هم نمی‌خواهیم، لزومی ندارد بجای «... و حفظ آن» بنویسید: «و حفظ آنها».

نایب رئیس — درمورد تبدیل «عناصر» به کلمه «آنها» صحیح است ولی درمورد «وحدة» و تمامیت ارضی «اینجا خیلی بحث شده و نظر عده‌ای از دوستان این بود که کلمه «وحدة» هم اضافه شود. پس وقتی نظر عده‌ای از دوستان براین است، اگر می‌خواهید که مجلس پیش برود، در مقابل چیزی که مورد تأیید عده‌ای از دوستان است و ضرر هم نمی‌زند دیگرایستادگی نکنید. الان هم آوردن کلمه «وحدة» نه تنها به جایی لطمہ و ضرر نمی‌زند بلکه عبارت را تکمیل هم می‌کند.



مقدم مراغه‌ای — شما اصلاً یک اصل دیگر درست کرده‌اید. اسم این کار را اصلاح عبارات نگذارید. زین تا آسمان با هم فرق دارد. (همه‌مه نمایندگان)
حیدری — «وحدت» و کلمه «تمامیت ارضی» کافی نیست، آیا اینها تفکیک ناپذیرند یعنی وحدت باشد و تمامیت ارضی نباشد؟ مفهوم تمامیت ارضی طوری است که به تنها می‌تواند ناظر به حفظ مرزهای جغرافیائی و جلوگیری از تجزیه باشد، درحالیکه «وحدت» درست در مقابل تجزیه است.

نایب رئیس — بنظر من درخیلی ازموارد سمعکنست «تمامیت ارضی»، گویائیش به اندازه «وحدت» نباشد، کلمه وحدت خیلی صریحتر است. البته این عقیده من است و اما آقای مراغه‌ای، از دید پنهانه این اصل تغییری نکرده بلکه تکمیل شده است و من جائی برای صحبت موافق و مخالف نمی‌بینم، مگراینکه مجلس با اکثریت نسبی آراء، رأی بدهد به اینکه باید مذاکرات ادامه پیدا کند.

عده‌ای از نمایندگان — به اندازه کافی بحث شده است، ادامه آن دیگر لزومی ندارد.
نایب رئیس — پس اگر موافق باشید یکبار دیگر متن اصل نهم را قرائت میکنم، تا اصلاحات را وارد کنید:

اصل ۹ (اصل نهم) — در جمهوری اسلامی ایران آزادی استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت ایران است. هیچ فرد یا گروه و هیچ مقامی حق ندارد بنام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و نظامی ایران کمترین خدشهای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادیهای مشروع را هر چندبا وضع قوانین و مقررات سلب کند.

نایب رئیس — آکنون اعلام رأی میکنم، و از آقایان منشی‌ها خواهش می‌کنم در شمارش آراء کمک و نظارت بفرمایند.

(أخذ رأی بعمل آمد و نتیجه بشرح زیر اعلام گردید)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه پنجاه و هشت نفر، آراء موافق پنجاه و شش رأی، آراء مخالف دو رأی و البته بدون رأی ممتنع این اصل به تصویب رسید، تکییر. (حضور سه مرتبه تکییر گفته شد) با تصویب اصل نهم آکنون اصل دهم خوانده میشود.

مکارم شیرازی — قبل از اینکه اصل دهم خوانده شود، خواهش دارم در عین اینکه دقیق لازم روی عبارات و کلمات میشود، سرعت را هم رعایت بفرمایید چون نزدیک به دو ساعت طول کشید تا این اصل، که قبل از هم در کمیسیونها روی آن بحث و صحبت بسیار شد، به تصویب رسید. به عبارت ساده جانمان به لب میرسد تا یک اصل تصویب شود.

نایب رئیس — خواهش میکنم اصل ده را قرائت بفرمایید.

اصل ۱۰ — از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه مقررات و برنامه‌های ریزیها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

نایب رئیس — اگر از دوستان ما در گروه اول کسی داوطلب توضیح نیست خودم بناجار در مورد اصل ده توضیحی عرض کنم (کسی داوطلب نبود) به این ترتیب توضیح این اصل



بعهده من خواهد بود . از آنجاکه ما در مورد خانواده ، در نظام اجتماعیمان به اهمیت خاصی معتقد هستیم و اهمیت خانواده و نقش اجتماعیش روی همه تصمیمات و قوانین و مقررات اجتماعی و اقتصادی تأثیر می گذارد، ما لازم دانستیم که این اصل را در اصول کلی بیاوریم . جامعه اسلامی، جامعه ایست که براساس آن نوعی از جهان بینی و پیش اجتماعی است که کانون خانواده چیزی سیار فراتر از کانون تعلیم نیازهای جنسی یا اقتصادی یا پاسخ به تعاقنی های ساده در زندگی است . نقش خانواده در اخلاق، در پایه گذاری برای رشد عواطف انسانی، در سالم نگاه داشتن انسان از تعدیات و تجاوزهای گوناگون و آماده نگهداشت او برای آن طهارت روحی و سلامت اخلاقی که رکنی از ارکان نظام فرهنگی و اجتماعی اسلام است، بسیار مهم است . از این جهت این اصل بعنوان یک اصل بنیادی از اصول کلی قانون اساسی در اینجا آمده است و تعبیر به اینکه پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی که در پایان این اصل آمده، نشان دهنده این است که دیدی که مكتب ما نسبت به خانواده دارد تا چه اندازه عمیق و همه جانبه است . این توضیحی است که درباره این اصل و علت آوردنش در اینجا، می توانم بیان کنم . برای اینکه ترتیب را کاملا رعایت کنیم دوستانی در اینجا برای صحبت اسم نوشته اند ولی می خواهیم ببینیم که اول سوالی هست که باید به آن جواب داده شود یا خیر؟ بعد هم هر کس موافق یا مخالف است اعلام کند تا اسمش یادداشت شود و نوبت ها رعایت شود . کسی سوالی دارد؟ آقای بوسوی تبریزی فرمایشی داردید؟

موسوی تبریزی - خانواده یک واحد بنیادی جامعه است، دیگر لازم نیست «جامعه اسلامی» بنویسیم، یعنی کلمه «اسلامی» لزومی ندارد . مثلا در شوروی واحدی به نام واحد خانوادگی وجود ندارد . پس واحد جامعه بودن منحصر به اسلام نیست که بگوئیم خانواده یک واحد جامعه اسلامی است .

نایب رئیس - تابحال دو نفر از دوستان یعنی آقایان بنی صدر و موسوی جزایری نوبت گرفته اند تا بعنوان مخالف صحبت کنند . البته آقای موسوی جزایری بیفرمایند که مخالفشان در عبارت است . آقای فاتحی سوالی دارید؟

فاتحی - این اصل بصورت یک توصیه ای تنظیم شده است و مقام مسئول یا کسی که باید آن را به اجرا در آورد، معلوم نیست کیست . دولت است یا مجلس یا مسئول دیگری؟

به هر حال باید در اینجا این مطلب روشن شود .

نایب رئیس - گفته ایم همه مقررات و برنامه ریزیها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و مسائل مربوط به خانواده باشد . لزومی ندارد بگوئیم چه کسی یا چه مقامی . هر کس در جای خودش . مجلس در حد خودش ، دولت در جای خودش باید وظیفه شان را انجام دهنند .

قاسمی - اینجا که گفته اید همه مقررات و برنامه ریزیها، متضمن تدان چیست؟

نایب رئیس - همه مقررات و برنامه ریزیها، یعنی همه مقررات مجلس، مقررات دولت، مقررات شوراهای استان و شهرستان و همه برنامه ریزیهایی که در دستگاههای اجرائی میشود .

قاسمی - باید شخص کنید که متضمن تدان از مقررات و برنامه ریزیها چیست ، در غیر این صورت اشتباهی پیش می آید، چون معلوم نیست که مثلا مقررات راهنمائی و رانندگی جزء



کدام یک مقررات است.

رشیدیان – بجای «مقررات» بنویسید «قوانين» چون این دو کلمه اصطلاحاً دوتا است.

نایب رئیس – اگر عبارت مبهم است می‌توانیم بنویسیم «قوانين و مقررات و برنامه ریزیها» آقای خوزعلی سؤالی دارید؟

خوعلی – مراد از «خانواده» تنها زن و شوهر است یا زن و شوهر و فرزندان؟ اگر مقصود قسمت اخیر است پس باید نوشت «تشکیل مبانی خانواده» چون خانواده اعم است از زن و شوهر و فرزندان.

نایب رئیس – یعنی دولت تسهیلاتی برای ازدواج فراهم کند؟ وقتی کسی ازدواج می‌کند این یک اصطلاح است که میگویند تشکیل خانواده داده است. دیگر صبرنمی کنند تا فرزندی بوجود بیاید. آقای سبحانی سؤال دارید؟

سبحانی – من یک شبه سؤال دارم. اگر بخواهیم قانون مدنی بنویسیم، این اصل برای مقدمه آن خوب است ولی اگر این اصل را در قانون اساسی بیاوریم، متناسب نیست یعنی تناسبی با قانون اساسی ندارد چون مسائل مربوط به خانواده و نکاح و امثال آن برای مقدمه قانون مدنی بسیار خوب است ولی آوردن اینگونه مسائل بعنوان اصلی از اصول قانون اساسی بهیچ وجه ضرورت ندارد و اگر حذف شود بهتر است.

نایب رئیس – آقای سبحانی سؤال دارید یا بعنوان مخالف نوبت میگرفتید و صحبت میکنید؟ شما بدین ترتیب بهتر بود بعنوان مخالف نوبت میگرفتید و صحبت میکردید.

سبحانی – مخالف نیستم، این اصل ضرری ندارد ولی آوردنش هم لزومی ندارد. واما دنباله سؤال این است که اگر خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، فرهنگ هم درواقع بنیاد جامعه اسلامی است، پس برای آن هم یک اصل باید نوشته شود یا برای اقتصاد هم همینطور یک اصل بیاورید. این اصل از روی چه ملاکی نوشته شده و اینجا آورده اید؟

حائزی – اشکالشان وارداست. راجع به همه مقررات که نباید در قانون اساسی ذکری به میان آورد. اگر اینطور باشد پس بنویسیم که خانواده چه باید بخورد، چه باید نخورد، این که درست نیست.

نایب رئیس – آقای موسوی قهد ریجانی شما سؤالی دارید یا مخالفید؟
موسوی قهد ویجانی – من موافق ولی اشکال کلی دارم، مثل اینکه قرار دوستان این بوده است که اصل بیش نویس قبلي را دگرگون بکنند چون بعضی از اصولی که در پیش نویس قبلي بوده مطلب را کاملاً میرسانده ولی گویا اصرار داشته اند که حتی آن را تغییر بدهند. الان هم برای مردم این اشکال وجود دارد که میگویند این اصولی که تصویب میشود هیچ رابطه‌ای با آن اصول بیش نویس قبلي ندارد.

نایب رئیس – یکبار دیگر دوستان این مسئله را مطرح کردند و جواب آن را گفتیم. انتظار داریم که این مطلب دیگر تکرار نشود، چون وقت مجلس را مطالب تکراری میگیرد قبل توضیح دادیم که تشکیل این مجلس برای این نیست که بیش نویس قبلي با کم وزیاد کردن یک کلمه یا جمله عیناً تصویب بشود. تا آنجا که من میدانم و با موکلینم در مجلس متعدد صحبت میکردم مردم میگفتند که مثل مطلب بعنوان یک اصل در پیش نویس قانون اساسی ذکر شده باید آورده شود، یافلان اصل زائد است باید حذف گردد. بنابراین اگر ما تغییراتی



میدهیم، این تغییرات بامطالعه کافی و با بررسی همه پیشنهادها و نظریات مردم و سایر گروههای است. اگر حضرت عالی انتقادی بر متن این اصل دارد، سؤال بفرمایید یا پیشنهاد اصلاح آنرا بدھید. عرض کردم سؤال معنی اش اینست که این متن مبهم است و روشن نیست. آنچه شما فرمودید اعتراض بود به اینکه چرا متن قبلی را تغییر داده اید. لابد دلایلی داشته است که تغییر داده اند. به هر حال اگر جناب عالی مخالف این اصل هستید، بفرمایید بعنوان مخالف صحبت کنید. رحمانی — بنظر من کلمه «اسلامی» زائد است.

د کثیریت اوشانا — در عبارت «پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی» بنظر من باید نوشته شود «پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق مساوی و اخلاق اسلامی».

نایب رئیس — این مطلب را در کمیسیون هم فرمودید و تراریان این بود که آنچه در کمیسیون مطرح میشود و در جوابش توضیح میدهیم دوباره در جلسه علنی مطرح نکنیم تا وقت مجلس گرفته نشود. به هر حال آنجا خدمتمن عرض کردم که چون حقوق در اسلام متعادل است، به همین جهت بیگوئیم «بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی» و حقوق مساوی اگر به معنی متعادل باشد عیبی ندارد ولی اگر به معنی یکسانی باشد، البته درست نیست. آقای عرب سؤالی دارید؟

عرب — اینکه فرمودید همه مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید درجهت آسان کردن تشکیل خانواده باشد، آن عواملی که این جهت را بوجود می آورد مبهم است. باید معلوم شود به چه وسیله، مستقیم است یا غیر مستقیم؟ باید اینها مشخص شود.

نایب رئیس — اینها را مراکز قانون گذاری تعیین می کنند، مادران جا فقط جهت کلی را می گوئیم. قانون اساسی کارش این است که جهت کلی بدهد به قانون گذاری ها و اجرای قانون در برآ حل بعدی و تفسیر آن بعداً می آید. آقای رشیدیان بفرمایید.

رشیدیان — اصولاً دولت و خانواده همیشه دواصل بنیادی مسائل سیاسی و اجتماعی هستند در اینجا ما برای خانواده که جنبه اصولی و بنیادی دارد، کلیاتی تعیین می کنیم و چون خانواده محور جامعه در هر کشور است، پس باید در اینجا یک اصل کلی برایش داشته باشیم و در جواب آقای سبحانی باید عرض کنم که در قانون مدنی مسائل جزئی را مطرح می کنیم. آوردن این اصل در اینجا ضروری و لازم است. (رحمانی — سؤال مرا جواب ندادید. من گفتم کلمه «اسلامی» را چرا آوردید؟ بنظر من زائد است.)

نایب رئیس — بعضی جوامع هستند که در دید کلیشان به خانواده اینطور نگاه نمی کنند. آقای اشراقی سؤالی بود؟ (اشراقی — مراد از «آسان کردن تشکیل خانواده» چیست؟ یعنی مثلاً مسائل خانه برایشان بخرند؟) یکی از همین تسهیلات مسئله سن ازدواج بود که وقتی سن ازدواج را به هجدو مسال بالا بردن، دیدیم چه اشکالاتی بوجود آمد. در حالیکه حالاً می گوئیم تسهیلاتی برای تشکیل خانواده بوجود بیاید یعنی مثلاً سن ازدواج از هجدو مسال پائین بیاید. این یک نمونه بود که عرض کردم و گرنه موارد متعددش زیاد است، یا قوانین مالی هم همینطور است. مثلاً کسی که متأهل بود، حق تأهل مسخره ای به او می دادند و اگر سه هزار تومان حقوقش بود، فرض بفرمایید پنجاه تومان به او کمک هزینه می دادند درحالیکه وقتی کسی ازدواج می کند از نظر اقتصادی، زندگیش تفاوت چشمگیری با قبل از ازدواج پیدا می کند. خوب اجازه بفرمایید



کسانیکه عنوان موافق و مخالف اسم نوشته اند از هرگروه یک نفر باید صحبت کند. آفایان: موسوی اردبیلی و رشیدیان موافق هستند و آفایان: بنی صدر و اکرمی مخالف. بدین ترتیب از گروه مخالف یک نفر صحبت کند.

اکرمی— من نوبتم را به آفای بنی صدر می دهم تا ایشان عنوان مخالف صحبت بفرمایند.
نایب رئیس— آفای بنی صدر بفرماید.

بنی صدر— بسم الله الرحمن الرحيم. دیروز که از زید برمی گشتم در فرودگاه تهران چند نفر از خانمها که سرا دیدند آمدند چلو و گفتند چرا نماینده مایعی خانم گرجی در مجلس صحبت نمی کنند و از حقوق ما دفاع نمی کنند؟ و من آنچه گذتم که مازن و مرد نداریم، ما مسلمان داریم و شما هم به همه رأی دادید و انشاء الله همه نمایندگان در فکر حقوق همه، اعم از زن و مرد هستند اما این اصلی که شما اینجا آوردید با آن اصولی که در پیش نویس بود تقاضوت کلی دارد، درست است که ما تعهدی نداریم عین همان پیش نویس را تصویب کنیم یا کم و زیاد بکنیم، اما هر بار که متنی را عرض می کنید باید جامع تر بفرماید تا معلوم شود که چرا آنرا برداشتیم و بجاویش این را گذاشتیم، این درست نیست که ما بدون هیچگونه توضیحی بگوئیم آن یکسال زحمت هیچ و ما از اول نشستیم و این اصول را نوشتیم که طرف مابنشیند مقایسه کند و بگوید که در آنجا به ماحقوقی داده بودند ولی در اینجا آن را گرفتند. این است که گروهها هر بار که اینکار را می کنند باید توضیح بدند که چرا این متن را ترجیح دادند زیرا توضیح آنها برای رأی ماهمنهم است، و جامعه حق دارد این توضیح را از ما بخواهد. شما در اینجا اصلی را گذاشتید. چه چیزرا با این اصل می خواهید بگوئید؟ از حقوق زن می خواهید دفاع کنید؟ از حقوق مرد می خواهید دفاع کنید یا از هردو می خواهید در چهارچوب خانواده دفاع کنید؟ در این صورت خانواده چیست و به چه مناسبت قداست دارد؟ قداست خانواده در چیست؟ چون مقدس آن طوری که در علم اجتماعی بحث می کنند یعنی اصل غیرقابل تغییر، شما چنین چیزی می خواهید بگوئید که در مقررات خانواده هیچ مشکلی را حل تغییری لازم نیست؟ چطور چنین چیزی می شود؟ ناچار کم و زیاد پیش می آید. همین سن ازدواج اگر روزی ضرورت پیدا کرد شما حاضر نیستید هیچگونه تغییری در آن بدهید؟ و گفتن اینکه استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی است، باز هیچ مشکلی را حل نمی کند. چطور شد به اصل سه که رسید سیرتا پیاز لازم شد که باید ولی اینجا که رسید آسمان تپید؟ ما وقتی به حقوق زن و نحوه برخورد با حقوق زن نگاه می کنیم در آن یک استمراری می بینیم، در قبل اسلام و بعد اسلام همین استمرار هست که عبارت می شود از حمایتی از زن به لحاظ اینکه قدرت سیاسی همیشه به حقوق زن ستگاور زبده ولی مذهب مدافعانه آن بوده و عنوان ناموس از آن دفاع می کرده است. در فرنگ وقتی بخشی پیش می آمد مامی گفتیم نه، این چیزهایی که شما می گوئید در اسلام نیست و اسلام این حقوق را برای زن قائل شده است، ولی شما هنوز در حقوق فرنگی اینها را قائل نشیدید، می گفتند مسئله همین جاست که ما در حقوق به زن آزادی کمتر داده ایم ولی در عمل پیشتر و به عکس شما در حقوق پیشتر داده اید اما در عمل کمتر، بنابراین حالا اگر مراد شما این است که می خواهید این عمل و حقوق را یکی بکنید، این باید مشخص بشود و خواننده این متن یک چیزی باید حالیش بشود. مگر در جامعه اسلام قرار بود که ازدواج به شیوه کمونیستی بکنند؟ به شیوه کفری که ازدواج نمی کرددند ناچار اسلامی می کرددند، دو تا مسلمان وقتی می خواهند ازدواج بکنند، میروند خطبه عقد اسلامی می خوانند. بنابراین وقتی شما اصلی می آورید در واقع می خواهید به جامعه و بخصوص



به زنان کشور بگوئید که چیزهایی که میگفتند دروغ است و باطل است و ما میخواهیم در جمهوری اسلامی این حقوق را به رسمیت بشناسیم، گجاست آن؟ هیچ صراحتی در این اصل شما نیست بلکه بعکس مثل اینکه کمال توجه را کرده اید که حتی المقدور منی بنویسید که هر کس خواند بگوید این همان متنی است که من میخواهم. بعد آنوقت سراج اجرایش که برسد همه با هم دعوا خواهند کرد چون آن روز من از بیان آقای حائری اینطور فهمیدم که عبارت «قوامون علی النساء» را ایشان به معنی «السلطون» میگیرند و میگویند «الرجال سلطون» ممکن است من اشتباہ فهمیدم، من هیچ از آن آیه چنین درکی را ندارم حالا لازم است با ایشان بشنیم و بحث کنیم، اگر بخواهیم بگوئیم زن ناقص است، خوب مرد هم ناقص است، در این دنیا هیچ موجود کاملی نیست، جمع که میشوند یک ذره به طرف کمال میل میکنند زن ناقص است، مرد هم ناقص است هیچ کدام به تنها کمالی ندارند دوناتی که با هم جمع میشوند به کمال نزدیک میشوند از این جهت خانواده در اسلام اهمیت دارد. خوب اینها باید اینجا واضح و پیش نویس و در آن اصل بود، آن مختصر را هم اینجا «کفر و مفرغ» کرده و از بین بردن، و یک کلماتی بکار بردن که این کلمات بعدها موجب مشکلات مهمی میشود که یکی همین کلمه «قداست» است که گفتم. بعد شما میگوئید که مقررات و برنامه ریزیها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از آن باشد، اولاً این حکم قطعی را اینجا نمیشود داد که ما همیشه باید آسان بگنیم معلوم نیست، یک وقتی شرایطی ایجاب میکنند که به دلیل از دلایل یک ذره باید مشکلات ایجاد بگنیم مثلاً جمعیت ما زیادی شد چه کار کنیم؟ بگوئیم چون اینجا اصل بر آسانی است، ما باید آسان نگهداریم و حتی مقرراتی وضع نکنیم برای اینکه محدودیتی از جهت فرزندان پیش بیاید چون در کلیسای کاتولیک این معنou است اما در شرع ما اسکان دارد. وقتی اسکان دارد چرا این اسکان را از بین ببریم؟ چون شما نگفتهید «ازدواج» شما گفتید خانواده و آقای خزعلی حق دارند، خانواده شامل فرزندان هم میشود این کلمه خیلی زیرو بم دارد و با دقت باید رعایت کرد. خوب حالا «آسان کردن» هم هزار جور میشود. بر چه اساسی آسان کنیم؟ بر اساس اینکه حقوق یشتري برای زن قائل بشوید، این یک جور آسان کردن است و حقوق یشتري برای مرد قائل بشوید، این هم یک جور آسان کردن است و اگر مقصودتان هیچ کدام از اینها نیست و میخواهید مقررات خارج از اینها مثلاً از جهت مالی امکاناتی فراهم بگیرید، خوب این هم یک جور مقررات است، کدامیک از اینها مراد شماست؟ ملاحظه بفرمائید که وقتی شما اصلی مینویسید این اصل بعداً میرود و بدست مردم میرسد نگاه میکنند و میگویند چه حقوقی به ما داده اند و چون معلوم نیست، میگویند پس چرا این اصل را تصویب کردید و آن هم به صورت کلی؟ بنظر من چون مسأله خانواده در آن پیش نویس بوده، خواسته اند اینجا هم باید اما خانواده در آن پیش نویس مقاصدی را می جست که آن مقاصد حالا در این اصل نیست.

موسوی جزایری—آقای بنی صدر آن امتیازات را توضیح بدید.

بنی صدر—من پیش نویس را در دسترس ندارم، اگر دارید عنایت بفرمائید بنده مقایسه میکنم (پیش نویس را به ایشان دادند) در پیش نویس نوشته شده که: «قوانین باید اسباب استواری ازدواج را بر پایه توافق در عقیده و علاقه قرار دهد.» ما میدانیم در جامعه خودمان ازدواج

بر این دو پایه نیست بلکه بر پایه ملاحظات و روابط و امتیازات است، مطلب دوم تقدم حقوق خانواده است بر هر یک از زوجین که در نتیجه یک تأمینی است برای همسر که او را تا حدود زیادی حمایت میکند در مقابل هوسباری های حضرت شوهر، آنچه رابطه زن و مرد بر مبنای طهارت و تقوا و ارزشها و الای انسانی است ولی در اینجا بر پایه اخلاق و حقوق اسلامی است، بنظر میرسد که آنچه صراحة دارد ولی اینجا صراحة ندارد برای اینکه تقوا و طهارت و ارزش انسانی، یعنی زن را باید انسان به حساب آورد، آنچه که در ذهن مردم است باید ملاک قرار داد هر قدر صراحة داشته باشد بهتر است به هرحال آنچه آنچه صراحة دارد، اینجا صراحة ندارد، حالا اگر این را در اصل دوازدهم یا بعد آورده اید، بفرمائید و گرنه راجع به آن هم من حرف میزنم.

نایب رئیس — اصل دوازدهم مربوط به خانواده و اهتمامه نقش زن بعنوان مادر است، اگر وارد میدانید بفرمائید.

بنی صدر — نه، میخواهم بدانم آنرا جای دیگری آورده اید؟

نایب رئیس — نه، ما آنرا از اصول کلی خارج کرده ایم.

بنی صدر — جای دیگری برده اید؟

نایب رئیس — بله در جای خودش می آید.

بنی صدر — «می آید» یعنی شما آورده اید یا نه؟

نایب رئیس — بله آورده ایم.

بنی صدر — پس آورده اید، بنابراین چرا بحث آن را اینجا بکنیم؟ پس برمیگردد به همان مطلب که آن متن با اینکه هنوز جاداشت که صراحة بیشتری پیدا بکند، شما همه صراحة هایش را اینجا از بین برده اید.

خانم گرجی — اگر اجازه بفرمائید دربورد حقوق زنان که آقای بنی صدر صحبت کردند پنج دقیقه هم من میخواهم صحبت بکنم.

نایب رئیس — چون نکته ای مربوط به شخص شماگفته شد طبق آئین نامه پنج دقیقه وقت میدهم که تشریف بیاورید اینجا و توضیح بفرمائید.

خانم گرجی — بسم الله الرحمن الرحيم. اولاً در رابطه با سؤالی که خواهان از آقای بنی صدر کرده اند و احیاناً در جاهای دیگر از خود من هم میشود که آیا فلانی بعنوان دفاع از حقوق زن برای ماقله کرده؟ واقعاً من نمی دانم چه جوابی به این خواهان بدهم، با توجه به این اصولی که تحالاً بصویب رسیده آن اصول همه در باره اصل حکومت اسلامی بوده حالاً نمیدانم این خانمهای میلشان این بوده که ما حقوق زنان را جدا از انسان و از حکومت اسلام و مسلمانها بدانیم؟ درباره همه اموری که تابه حال در اینجا آمده آیا زن و مرد مطرح بوده است؟ آیا گروهی بطور جداگانه مشخص شده اند که این خواهان فرضآً اعتراض داشته باشند یا از من بخواهند که هر ساعت بیایم اینجا و اختصاصاً راجع به حقوق آنها فریاد بزنم؟ من نمیدانم این چه انتظاری است که دارند، من الان به مواردی که فرضآً در اصل سه تصویب شده اشاره میکنم «رفع تبعیضات ناروا»، «محو هرگونه استبداد و خود کامگی»، «مشارکت دادن عame ملت» یعنی خواهان فکر میکنند جزو ملت نیستند؟ جزو عموم مردم نیستند؟ من دفعه اول هم که اینجا آمد و عرايضی را بسمع افراد رساندم، گفتم اصلاح‌داشتن زن از مرد معنی ندارد وقتی میگويد:



«یا ایهاالذین آمنوا» ، باید بگوید «یا ایتهاالتی امن» ، مثلاً یک همچون چیزی ، یعنی ای خانمهایی که ایمان آوردید . و قی خطاب به مؤمن هست در یک سوردهایی که لزوم هست برای تأکید بیشتر تکرار میشود ، دلیل ندارد که ما هر ساعت حقوق جداگانه برای خواهران منظور بداریم . ایجاد خود کفایی بخصوص در زمینه های علمی ، اقتصادی ، نظامی ، صنعتی ، کشاورزی اینجا فردی مشخص نیست ، تعدیل ثروت ، توزیع عادلانه والی آخر و تغذیه و مسکن و کارو باز بالا بردن آگاهی های عمومی ، جدا کردن خواهران ، برادران چنین چیزی لازم نبود و باز ایجاد وسائل لازم و کافی آموزش و پرورش همگانی و رایگان بازگوئیم برای خانمهای آفایان ، پس آفایان هم باید اعتراض بکنند که این برادرها در اینجا هیچگونه دفاعی از حقوق مردان نکردندو گفتند «ملت» و آگاهی همه یک چنین اعتراضی برای نمایندگان مرد هم اینجا واجب است ولازم ؟ و بعد تأمین حقوق همه افراد اعم از زن و مرد را هم طرح کرده اند ، جای بخشی نبوده منhem فردی نیستم که هر لحظه بپرم و سط مجلس ، آخر دلیلی ندارد ، یا ازمن این کارهایی که در شان یک زن نیست برنمی آید ، من نه مدافع این اصل بودم و نه مخالف ولی خودم این اصل را قبول دارم ، خوب حرفه ای بود ، اما معذرت میخواهم که وقت اینچه میگذرد و پاره ای هم نیست . من بعنوان اینکه در اصل اشکالی هست ، کاری ندارم ولی وقتی میخواهد طرح بشود اولاً در جواب آن افرادی که مثل آقای بنی صدر می گویند که اینجا ایشان که اصلاً زندگی در اساس خانواده شده که اینجا نبوده و چطور شد که حالا که این اصل اساسی که اصلاً زندگی در اساس خانواده می گذرد ، جایش اینجا نبوده ؟ خانواده یک رکن کوچکی از اجتماع است خیلی چیزها در جایش نبوده و مداریم می نویسیم چطور شده که این یک اصل اساسی جایش اینجا نبوده ؟ اولاً این اصل جایش همین جاست و من با اینکه خودم می دانم این پیشنهادی که داده ام شاید جایش اینجا نباشد اما می بینم خیلی چیزها جایش اینجا نبوده بخصوص در عنوان اصول کلیه در این فصل اول قانون اساسی که ما داریم تصویب می کنیم و برای محکم کاری می گذاریم من پیشنهادی داده ام که مربوط به نقش زن در کانون خانواده است به اضافه اینکه نقش خانواده یک نقش بنیادی است ، نقش زن در اساس خانواده یک نقش اساسی و بنیادی است ولذا حقوق زن ، بخصوص حقوق مادران در دورانی که واقعاً برای ساختن انسان مجبور هستند مشقاتی را متتحمل شوند مراعاتی در برابر آنها بشود و حقوق آنها در آن دوران بخصوص و همیشه مراعات بشود و باز این تذکری است که دادم و نمی دانم به تصویب بر سر دیانه ولی من در این مورد می ایستم و آن را دنبال می کنم و نه اینکه بگوییم بعنوان مخالف از اینجا می روم و یاری ممتنع می دهم ، می ایستم و دفاع می کنم و در همین اصل ، اصلی باید این راثابت و تصویب بکنیم که برای حقوق زن یک دادگاه صالحه ای باشد ، نه فقط برای زن بلکه برای پاسداری خانواده یک دادگاه صالحه ای باشد که هر برنامه ای داشته باشیم بدھیم به دادگاه صالحه و همین دادگاه صالحه را اینجاتصویب می کنیم برای پاسداری حقوق خانواده نه حقوق زن ، اما از که ضربه بیشتری می خورد در نظام زن بوده این را نوشتہ ام و شاید به موقعیت بگویم . به هر صورت چون و قسم تمام شده این آیاتی که اینجا هست در سوره نساء که در ابسطه با همان سؤال وجوابی که قبل دادم «الرجال قوامون علی النساء» من مفسر نیستم ولی خوب ما کلمه قیوم در قرآن داریم و من در برابر این آیه حاضر با برادران بحث کنم که ما در قرآن قیوم داریم ، قوام و قوام الشئی اگر لازم بود چیز دیگر است و قیوم چیز دیگر . مشکرم .



نایب رئیس – آقای موسوی اردبیلی بعنوان موافق صحبت می فرمایند.

موسوی اردبیلی – بسم الله الرحمن الرحيم. من خیلی خوشحالم از اینکه درباره اصلی، آن هم بعنوان موافق دفاع می کنم که بعقیده من یکی از متفرق ترین اصول قانون اساسی است، خصوصاً در مقابل تشکیلاتی که برادر عزیزان اتفاق بینی صدر گفتند ولی متأسفانه مثل اینکه تشریف برده اند، اما راجع به این اصل همانطور که عرض کردم یکی از اصول پر محبت و مترقب این قانون اساسی است که تدوین کنندگان، آن را بحق و بجا تدوین کرده اند و در اینجا آورده اند ولی تا آنجائی که من درک می کنم و می فهمم این اصل به منظور اهمیت دادن به نظام خانواده است که یک نظام خاص اجتماعی است که خانواده به معنای واقعی خانواده، در جامعه محفوظ بماند و عوامل و شرایطی که خانواده را سست می کنند و بین این می برد و به هم می زندد و مقابله آنها، در مقررات و قوانین و برنامه ریزیها چاره اندیشی شود و تلاش شود که خانواده ازین نزد، چون در زندگی ماشیتی، وضع خواهانخواه طوری پیش می آید که زنها از محیط خانواده به محیط کار چذب می شوند و همین رفتن زن از محیط خانواده به محیط کار چذب شدن در آن بنای خانواده را تضعیف می کند و خانواده را از آن معنای واقعی خانواده بیرون می برد و آن راستラشی می سازد و خانواده را در جامعه بزرگ حذف می کند. این اصل برای این است که بگوئیم مقررات، قوانین و برنامه ها طوری تنظیم شود که خانواده در جامعه بزرگ حذف نشود و معنای آن بحفوظ بماند و نه از حفظ بماند بلکه وسائلی هم فراهم بکنیم که این وسائل برای تشکیل و حفظ حراست خانواده، آن هم خانواده سالم، خانواده بربنای حق، بربنای اخلاق و فضیلت که تأمین کننده مرد وزن و بچه ها و هر کسی که منتنسب به آن خانواده است، ضروری است. جناب آقای بینی صدر این برادر عزیزان مثل اینکه برداشت دیگری از این اصل داشت. او بیش اینکه مطالعه نکرده بود و بنظرش این طور بود که این مربوط به حقوق زن در مقابل حقوق مرد است البته وقتی پای خانواده بمبان می آید و بحث از خانواده می شود، چون زن عضو خانواده است طبعاً با حقوق او تماس پیدا می کند اما در این اصل برخلاف اصل دوازده که بعد می آید، در آن جا بیشتر تکیه به حقوق زن است که در اینجا برداشته شده و درجای دیگر آمده یا نیامده، در این اصلی که الان مورد بحث است حق زن در مقابل حق مرد موردن تکیه بالخصوص نیست بلکه از «خانواده» بعنوان یک واحد بنیادی اسم برد و شده که در مقابل هضم شدن خانواده در جامعه و سست شدن بنیاد خانواده و ازین رفتن خانواده به مفهوم اصلی خانواده است و این یک اصلی است زیرا مواقعتی یک مسائل فقهی و اخلاقی را در اسلام بنظر می آوریم، با جذب شدن زنها در محیط کار، در خارج از خانه و در کارخانه ها و امثال اینها منافات دارد. البته زن میتواند کار کند بحدی که لطمه به حقوق بچه ها نزند و با وظایف مادری و شوهرداری منافاتی نداشته باشد.

بنابراین مسأله خانواده که در این اصل گفته شده و بجا گفته شده و همین جا هم باید باید و مربوط به قانون مدنی هم نیست، مربوط به قانون اساسی است و در کلیاتش هم باید گفته شود که مفهوم خانواده در اینجا باید ذکر بشود. برای اینکه وقت را اضافه نگیرم بنابراین صحبت کردن درباره اینکه در اینجا یک مغله کاری شده برای اینکه بگویند به زنها هم چیزی داده نبا اینکه به زن چیزی داده نشده و شاید اصلاح چیزی هم ازاوگرفته شده، اصلاً این از سیزیر بحث بیرون رفتند و یک برداشت دیگر کردن است و این حملش براین است که برادر عزیزان متن اصل را هم در پیش نویس اول وهم در این پیش نویسی که الان دستمنان هست، درست مطالعه نکرده بودند.



اما من فکر می‌کنم اگر یک جهت بسیار اساسی و فرق بسیار مهم بین متن پیش‌نویس اول و متن فعلی در میان نباشد و ماتلاش بکنیم همان نسخه اول را به تصویب برسانیم، جای این سؤال (حالا باجای بیجا کاری نداریم) پیش‌می‌آید اما اگر فرقی داشته باشد در آن صورت دیگر چاره‌ای نیست یا باید بکلی عوض کرد یا باید تغییر داد، البته یک تفاوتی بین این دو اصل وجود دارد، ایشان مثل اینکه موقع خواندن توجه نکردند و آن در جمله اول است. در این اصل پیش‌نویس که باید از آن‌هم دفاع بکنم بدلیل اینکه مثلاً چیزی بوده در آنجا تعبیر این است «خانواده واحد بنیادی جامعه انسان‌گردانی ایران محسوب می‌گردد» انصاف باید داد این جمله‌ای که بعد تدوین شده خیلی بهتر است، این جمله نوشته شده «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است» آیا این جمله بهتر نیست؟ بنظر من این جمله اولاً معنی وسیع تری دارد و ثانیاً ما بعنوان ایرانی، واحد خانواده را به آن معنائی که من برد اشت داشتم، اگر صحیح باشد نداریم. ایرانی‌ها یک وقت زندگی‌شان و نظام جامعه‌شان، نظام خانواده‌بوده بدلیل اینکه در آنوقت همه نظامهای، نظام خانواده بوده است اما بعد‌ها هم مثلاً حتی آنها نیز که الان زندگی‌شان در زندگی ماسیحی مصلحت شده، زندگی‌شان براساس نظام خانواده‌بوده و این یک فرق بسیار اساسی است ماین این دو جمله، حالا ایشان این را قبول داشتند و نفرمودندیا دقت نکردند و یا چطور شد، من نمیدانم. این یک فرق و امام جمله بعد که نوشته «همه مقررات و برنامه‌های ریزیها باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده باشد» حالا پاسداری از قداستش بماند، بعد می‌گوید باید باشد، این جمله هم بنتظر نمی‌آید جمله نارسانی باشد البته بین دو متن، جملات دیگر هم شاید با هم خیلی فرق نداشته باشند ولی این جمله اول خیلی فرق داشت من اینها را با هم مقایسه کردم، کلمه «قداست» من هم نمی‌توانم از آن دفاع کنم البته چون چیزی بود که خودم هم یادداشت کرده بودم که درباره آن سؤال کنم، حتی در یادداشتمن نوشته بودم اگر آقایان موافقت کنند، کلمه قداست را برداریم و بجای آن «کیان» بگذاریم و بتویسیم «برنامه‌های ریزیها باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از کیان آن و استواری و روابط آن» بنتظمن اگر همکاران پیش‌نیزند و بنتظر شان خوب باید و تغییر بکند، عیبی ندارد. البته نه به آن دلیلی که ایشان فرمودند که مثلاً اگر مقدس است نباید در آن تغییر بدهیم، تغییر در چیزی بد همیم؟ استدلال ایشان قوی نبود که اگر خانواده مقدس بود، نظام خانواده مقدس باشد مثلاً نباید در شرایط مهریه تغییر بدهیم و بادر شرایط ازدواج نباید تغییر بدهیم یا تسهیل کنیم و چکار بکنیم، این استدلال ضعیفی بود اما اصولاً اگر بگوئیم از قداست خانواده پاسداری می‌کند، چون قداست خانواده یک چیز مقدسی به معنای وسیعی می‌باشد، شاید عیبی نداشته باشد، اما آنچه کار دولت و کار مردم و کار جامعه است، آن این است که پاسداری کند یا کمک کنند به پاسداری از نظر حفظ کیان خانواده، در صورتیکه ما نظام خانواده را در میان نظامهای پیش‌نیزیم، البته این باز به معنای آن نیست که زن نباید در محیط خارج از خانه مشغول کاری بشود و امثال اینها، من منظور این نبود منظورم این بود که جذب شدن زن در محیط کار، بطوریکه بنیاد خانواده را از بین برد و نظام خانواده را بهم بریزد و خانواده را بطور کلی هضم در یک جامعه بزرگ بکند بطوریکه عواطف بین شوهر و زن و بچه، مادر، مهر مادر، تربیت اولاد بکلی از بین برود، باید جلوی این گرفته شود. من منظورم حفظ خانواده بود و کیان آن، نه زندانی کردن و حبس کردن خانم در خانه و امثال این. مطالب دیگری هم دارم اگر وقت اجازه بدهد ادامه می‌لذهم.



نایب رئیس— خیر آقای موسوی وقت شما تمام شده، اجازه بفرمایید اعلام رأی بکنیم.

رشیدیان— اجازه بفرمایید من سه دقیقه توضیح بدهم.

نایب رئیس— اجازه بفرمایید که چون وقت دیر شده، اعلام رأی بکنیم.

رشیدیان— آقای بنی صدر در مقایسه‌ای که با اصل قبلی بعض آوردن‌گفتند اگرخوب دقت کنیم این اصل در واقع یک شعر است و هیچ وعده‌ای نمیدهد. در جوابشان باید بگوییم در اصل فعلی ما وظیفه برای دولت معین کرده‌ایم که برنامه‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی را در جهت تحکیم و تسهیل مبانی خانواده انجام بدهد. آن اصل قبلی فقط انشاء است.

موسوی جزایری— کلمه «قداست» را توضیح بدهید به چه مقررات و برنامه‌ریزی مربوط میشود.

نایب رئیس— متشرکرم، عرض می‌شود که دو توضیح مانده که باید بنده خدمتستان عرض کنم یکی توضیح تکمیلی است به مطلب آقای موسوی که در حقیقت ایشان می‌خواستند بگویند که روند اقتصادی کشور نباید چنان باشد و همچنین تقسیم درآمد میان مردم و توزیع ثروت در میان خانواده‌ها نباید چنان باشد که خانواده‌های محروم مجبور شوند زنانشان برای تأمین معیشتان در خارج از خانه هم کار کنند، در حقیقت توضیشان این بود و اما توضیح در باره قداست که سؤال کردند آیا به چه مقررات و برنامه‌ریزی مربوط می‌شود، در جواب باید بگوییم که این به برنامه‌ریزی فرهنگی مربوط می‌شود، یک وقت است که در یک فرهنگی، تشکیل خانواده صرفاً جنبه مادی و جنسی و اقتصادی بپیدا می‌کند و پیشتر به این سمت متمایل هست و یک وقت است که تشکیل خانواده ارزش معنوی فراتر از این نیز دارد یعنی در عین حالیکه زیربنای جنسی دارد که مادی است، در عین حالیکه جنبه تعاؤن در زندگی اقتصادی و اجتماعی دارد، در عین حال یک روح الهی دارد و یک روح مذهبی معنوی هم دارد. در سلسله روایات ما در مورد روابط اخلاقی زن و مرد و فرزندان و پدر و مادر و حقوق مقابله اینها قسمت مهمش مربوط به این است که اصلاً ارزش این پیوندها را از سطح پیوند جنسی و اقتصادی و تعاؤنی بسی رفاقت میرد و رضای خدا و پاداش الهی را در این روابط وارد می‌کند، بطوريکه ما میدانیم در جامعه مذهبی چه زن، چه مرد، چه زن و شوهر و چه پدر و مادر و چه فرزندان، روابطشان را در یک هاله‌ای از معنویت با شور و با روح می‌بینند. این قداستی که گفته‌یم منظور بیان این مطلب بوده، اگر این کلمه رسا نیست برای بیان این معنی می‌توان کلمه دیگری بیشنهاذ کرد، ولی اگر این کلمه می‌تواند اشاره‌ای به این معانی باشد که عرض کردم، این کلمه را حفظ کنیم و تفاصیل آن را هم به آینده موکول کنیم.

بزدی— این کلمه مقدس تر از هر کلمه‌ای است.

نایب رئیس— متشرکرم، ضمناً یکی از دوستان تذکری نوشته‌اند که خیلی تذکر بجایی است در مورد این اصول فصل اول، چون بنده هم جزو گروهی بودم که اصول این فصل را طرح می‌کردیم، در موارد متعددی دفاع از اصول بعضه‌من و آگذارشده، مباداً چنین بازتاب و انکاسی داشته باشد که من بعنوان مسؤول اداره جلسه یک مسؤولیت دیگری هم دارم و آن دفاع از اصول است. بینندگان و شنوندگان همه بدانند که با پایان یافتن فصل اول بنده اینجا کارم صرفاً اداره جلسه و تذکرات مربوط به آن خواهد بود مگر اینکه خواسته باشم به حکم ضرورت گاهی بعنوان موافق یا مخالف صحبتی بکنم که دیگران در آن مورد صحبت نکرده‌اند، در آن صورت نوبت



خواهم گرفت وسیعی هم می کنم که بیایم پشت تریبون، آقای مشکینی فرمایشی دارید؟ مشکینی— «هن لباس لکم و انت لباس لهن» بهترین معنی قداست را بیان می کند.

نایب رئیس— مخصوصاً درجهت عفت درآنجا، منتها بیش ازاین من می خواهم عرض کنم که در روابط فرزندان با پدر و مادر هم واقعاً می بینید که قدر تعالیم اسلام به این رابطه اوج می دهد، چون «خانواده» که می گوئیم، درآن جهت هم هست و باز رابطه پدر و مادر و فرزندان و خدمتی که اینها بهم می کنند، بعلاوه کارزن در داخل خانه از دید اسلام خدمتکاری یا خدماتی که یک زن خدمتکار هم می کند، نیست بلکه ارزش خیلی فراتر از اینها است، این کجا و آن کجا.

موسی اردبیلی— بحث این نیست که قداست در خانواده هم است یانه، بلکه مقررات و برنامه ریزی ها باید طوری تنظیم شود که درجهت پاسداری از قداست خانواده باشد. این که شما می فرمائید یک جنبه مقدسی و خدمتی و انسانی دارد و درست هم هست اما مقرراتی که تنظیم می شود، این مقررات باید این کلمه مقدس را حفظ بکند.

نایب رئیس— به عرايض من عنایت نکرديد، عرض کردم برنامه ریزی، من توضیح را دادم، گفتم نوعی برنامه ریزی که شامل برنامه ریزی فرهنگی در مدارس و مطبوعات و فیلم ها و راديو و تلویزیون وغیره بشود و همه اینها قداست را به مردم بنفهماند، خوب اگر اشکال دیگری نیست اعلام رأی کنم که وقت ما هم در شرف اتمام است.

مکارم شیرازی— اشکال مهمی بود که سؤال کردند و باید به آن جواب داده شود. گفتن در اینجا نوشته شده که همه مقررات باید درجهت آسان کردن باشد، ولی ممکن است در بعضی اوقات جلوگیری از افزایش جمعیت سبب شود که ما آسان نکنیم، می خواهم جواب بدhem که طبق تعليمات اسلام اصل براین است که خانواده باید تشکیل شود، ولی آن حالاتی که ایشان می فرمایند حالات استثنائی و ضروریاتی است که گاهی در جامعه پیدا می شود و حالت استثنائی دارد.

حامنه‌ای— متن قبلی شامل چند چیز بود، اما نکته ای در متن قبلی بود که در متن فعلی نیست و آن تقدم حقوق خانواده بروजین بود که در متن جدید نیست، که اثراتش در قوانین آینده بیشتر خواهد بود.

نایب رئیس— در طرح این جمله که مختصر است، مسئله استواری خانواده پیش بینی شده است زیرا وقتی می گوئیم درجهت استواری است، یعنی مقدم داشتن حقوق خانواده بر حقوق تک تک افراد، یکی از ابعاد آن این است و در عین حال نمی گوئیم تصریحش نباشد. عنایت بفرمائید تصریح به جزئیات یک وقت است که بمنتظر برشمردن جزئیات است، این عمولاً سبب طولانی بودن حرف اصلی می شود ولی یک وقتی منتظر این است که چیزی را که فهمیده نمی شود، بفهماند. آن جاست که می گوئیم لازم است و باید بیاوریم. ما فکر می کنیم در این اصل همه مسائل باید درجهت استوار کردن پیوند خانوادگی باشد.

بنی صدر— همه اش معنی فی بطن شاعر است، آیا شما این چنین می فرمائید؟

نایب رئیس— نمی گوئیم المعنی فی بطن شاعر است، می گوئیم این عبارت را همه کسانی که در آینده می خوانند، سیفهمند که تمام قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط، باید درجهت استوار کردن خانواده باشد. اگر همان وقت هم کسی سؤال بکند که آقا مسئله تقدم حقوق زوجین، یعنی حقوق کل خانواده بر تک تک اعضا جزو اینهاست؟ فوراً می گویند بله،



یعنی اینقدر عبارت صریح است.

نهانی - اگر دونفر بخواهند ازدواج بکنند، اصل بر رضایت زوجین است.

خانم گرجی - پیشنهادی داده ام لطفاً قرائت بفرمائید.

نایب رئیس - پیشنهاد خانم گرجی را قرائت می کنم:

«از آنجا که زن درخانواده نقش زیربنایی دارد، باید حقوق مادی و معنوی بخصوص مادران کاملاً مراعات گردد و زندگی مشترک نباید مانع آزادی مشروع و رشد فرهنگی زن گردد و برای پاسداری از حقوق خانواده، باید دادگاه صالحه ای تأسیس شود.» ملاحظه میفرمائید که دوچیز اینجا کاملاً مخلوط شده، یکی بحث روی اهمیت خانواده و نقش آن در نظام اسلام و یکی مسئله حقوق زن درجامعه و درخانواده یعنی تحت عنوان حقوق زن، درباره حقوق زن دولستان وظیفه داشتند درفصلوں آینده چیزهایی تهیه کنند و چیزهایی هم تهیه کردند. این که اینجا بعنوان اصل کلی گفته شده، اهمیت حفظ کیان خانواده است که این همان اندازه که مربوط به زن است، مربوط به مرد هم هست و همان اندازه که مربوط به پدر و مادر است، مربوط به فرزندان است و بالعکس. اینجا نباید تکیه روی یک عنصر خاص باشد بلکه تکیه روی تمام عناصر خانواده میباشد، و هدف این اصل، این بوده است.

بنی صدر - رضایت طرفین هم باشد.

نایب رئیس - این که قانون مدنی نیست، این یک اصل کلی است. در کنار این اصل باید دهها ماده قانون نوشته شود. آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی - کلمه «پاسداری» یقیناً شامل حقوق زوجین بر حقوق فرد می باشد. ایشان فکر میکرند این مطلب افتاده است چون در پیش نویس قبلی بوده و در اینجا نیست و تصور مردم چنین خواهد بود که ما با این جهت مخالفت کردیم.

نایب رئیس - برای همه مردم و برای ایشان توضیح میدهیم که منظور این بوده که یک عبارت جامع تری باید که این مطلب، یعنی مطلب تشکیل دادگاه صالحه خانواده و دهها مطلب دیگر را بعنوان یک اصل در فصل کیلای قانون اساسی شامل بشود و مطمئناً درفصلوں آینده و بعد در قوانین بعدی که براساس قانون اساسی است، همه این مسائل خواهد آمد.

مکارم شیرازی - بنده پیشنهاد کفايت مذاکرات داده ام.

نایب رئیس - بله، آقای مکارم پیشنهاد کفايت مذاکرات داده اند. آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر - بنده با کفايت مذاکرات مخالفم، یک قرن است چوب همین را میخوریم که نصف مردم رانادیده گفته ایم، بروید ببینید مرد، زن را کتک میزنند و اسمش را «استواری خانواده» می گذارند.

نایب رئیس - یعنی میفرمائید یک جلسه دیگرهم در این باره بحث شود؟ چون این جلسه و نقش رویه اتمام است، میفرمائید که یک جلسه دیگرهم روی این بحث کنیم؟

بنی صدر - به کلمه «استواری» صراحت بدھید، این که جزئیات نیست.

نایب رئیس - یعنی در قانون اساسی می تواند این جزئیات ذکر شود؟

بنی صدر - آیا حقوق زن که بعنوان زیربنای زندگی خانواده است، ارزش این را ندارد که نوشته شود؟

خانم گرجی - درحالیکه در قانون اساسی از بهداشت و تغذیه و مسکن اسم بردہ میشود،



حقوق زن ارزش ذکرندار؟

نایب رئیس — چرا، بدون شک. گفتیم ارزش دارد بحث این بود که نیازهست که در اینجا نوشته شود یانه؟

خانم گرجی — بله نیاز هست که حقوق زن در اینجا نوشته و تصویب شود و یا بعنوان یک اصل جدیدی اضافه شود.

نایب رئیس — در این اصل جای خانواده نیست. پیشنهاد بفرمائید که یک اصل جدیدی را ناظر به مسأله حقوق زن اختصاص دهیم. بطور کلی دولت می توانند اصلی تهیه کنند و پیشنهاد کنندتا در کنار این اصول کلی مطرح بشود. آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری اصفهانی — من یک سؤالی از آقای بنی صدر دارم، و آن اینکه ایشان میفرمایند مرد، زن را میزنند و می گوید می خواهم خانواده را اداره بکنم. در اصل پیش نویس قبلي چه بوده که از این کار جلوگیری میکنند؟ و این متن فعلی چرا استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی را نمیرساند؟

نایب رئیس — باز هم تا کید می کنم درباره مسائل مربوط به حقوق زن در تمام شئون زندگیش اگر اصولی که تا اینجا تهیه کردہ ایم، بعنوان اصول کلی کافی بنظر نمیرسد، اصل مستقل و کاملی بجای اصل دوازده که ناقص است پیشنهاد بفرمائید. فعلاً بحث این است که این اصل، اصولاً هیچ ارتباطی به زن بصورت خاص نداشت و ندارد، بلکه ارتباط دارد به زن، مرد، فرزندان که یک مجموعه بنام خانواده است و در اینجا هرنوع تکیه خاص روی یک طرف، اصلاً تقض غرض است، بحث در این است که این اصل بعنوان اصلی در جهت اهمیت دادن به مسأله بنیادی خانواده است، حالاً اگر مذاکرات بنظر دولت کافی است، پیشنهاد کفایت مذاکرات را من به رأی میگذارم تا موافقین با این پیشنهاد دست بلند کنند (اکثریت دست بلند کردن) تصویب شد. بنابراین اصل را با این اصلاحی که شد می خوانم و آن را به رأی می گذارم:

اصل ۱۰ (اصل دهم) — از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید درجهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. لطفاً گلدان رأی را ببرید.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — نتیجه آراء را اعلام می کنم، از پنجاه و شش نفر عده حاضر در جلسه، پنجاه و دو نفر موافق، سه نفر مخالف و یک نفر ممتنع بوده اند. بنابراین اصل ده تصویب شد. تکییر. (حضور سه مرتبه تکبیر گفتن) خوب، ما موافق شدیم امروز دو اصل را بررسی و تصویب کنیم، انشاء الله برنامه آینده سان را با سرعت و دقت کافی ادامه بدیم که زودتر به پایان برسد.

۴ — پایان جلسه

نایب رئیس — جلسه را ختم می کنم. جلسه بعدی ما فردا ساعت شانزده خواهد بود.

(جلسه ساعت نوزده و بیست دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه هجدهم

صورت مشرح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۷/۳۰ دقیقه روز ۲۵ شهریور ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و چهارم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آیت الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

فهرست مطالب

- ۱- اعلام رسمیت جلسه
- ۲- طرح و تصویب اصل ۱ (اصل یازدهم)
- ۳- طرح و تصویب اصل ۱۲ (اصل دوازدهم)
- ۴- طرح اصل ۱۳
- ۵- ادامه جلسه به ریاست آقای دکتر بهشتی نایب رئیس
- ۶- پایان جلسه





۱- اعلام رسمیت جلسه

رئیس - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحيم. جلسه رسمی است. اسمی غائبین جلسه گذشته را قرائت میکنم، آفای کرمی که عذر خواستند، من و دکتر شیبانی هم به نمایندگی از طرف آفایان نمایندگان بمناسبت هفت سرخوم آیت الله طالقانی به بهشت زهرا رفته بودیم و آفایان: خادمی - مهندس سحابی - حجتی کرمانی - صدوقی - طباطبائی - سیر مرادزه - نوریخش و هاشمی نژاد که در جلسه عصر دیروز شرکت نداشتند و نمایندگانی که تأخیر ورود داشتند آفایان: بنی صدر چهل و شش دقیقه، حائری هشتاد و هشت دقیقه، خلاطیان یکصد و شش دقیقه، ضیائی سی و پنج دقیقه، مشکینی سی و پنج دقیقه، موسوی اردبیلی شصت و دو دقیقه.

بناسبت وفات سرخوم آیت الله طالقانی از طرف مجلس خبرگان به حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی تلگرامی شده بود که ایشان جواب مرقوم فرموده اند:

«تلگرام تسلیت حضرات علماء اعلام و نمایندگان محترم مجلس خبرگان واصل و موجب تشکر گردید. امید است انشاء الله تعالى خداوند به همه توفیق برای خدمت به دین و مقدسه عنایت فرماید. والسلام عليکم روح ائمه الموسی الخمینی

فردا مصادف است با وفات امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه عليه و در عین حال مصادف با حادثه جانگذاز مدرسه فیضیه قم (روز پانزدهم خرداد آن سال مصادف با رحلت امام جعفر صادق (ع) بود) و دولت هم فردا را تعطیل رسمی اعلام کرده است و ما هم به احترام امام صادق صلوات الله و سلامه عليه فردا جلسه علنی نخواهیم داشت ولی چون کارمان زیاد و سنگین است و امام صادق (ع) هم راضی هستند که سعی و کوشش کنیم و کارمان بیشتر پیش برود، قرارشده که کمیسیون مشترک تشکیل شود و اصولی از قانون اساسی بررسی و رسیدگی شود که خوراکی برای پس فردا باشد که کارمان بیشتر پیش برود. بنابراین فردا جلسه رسمی نداریم، ولی از آفایان تقاضا میکنم که اگر عذری ندارند به مجلس تشریف بیاورند تا کارمان پیش برود. البته از پس فردا از ساعت ده و نیم صبح جلسه علنی داریم یعنی کمیسیونها از ساعت هشت و نیم تا ده و نیم تشکیل بشود و در عین حال افراد کمیسیونها با یکدیگر تماس بگیرند و افکار را به یکدیگر نزدیک کنند تا متهاجر که تهیه فرموده اند با یکدیگر نزدیک شود و بعد از ساعت ده و نیم تا ساعت سیزده جلسه علنی خواهیم داشت و عصرها هم طبق معمول جلسه علنی خواهیم داشت.

۲- طرح و تصویب اصل ۱۱ (اصل یازدهم)

رئیس - اینجا یکی از آفایان، موضوعی را تذکر دادند و بعد در هیأت رئیسه دیدند تذکر بجائی است و تصمیمی روی آن گرفته شد. من صبح که راجع به اصل سیزده صحبت میشد،



برای خودم هم وقت گرفته بودم و اتفاقاً نوبت خودم شد ولی صحبت نکردم و اگر چند دقیقه صحبت میکنم به حساب صحیح بگذارید و خیلی هم مختصر عرض میکنم. آقایان توجه دارند که انقلابی که در ایران بود، انقلاب جغرافیائی و ایرانی نبود بلکه یک انقلاب اسلامی بود و اسلام منحصر به ایران چند ما در ایرانیم ولی آنچه در شعار همه بود، حکومت اسلامی بود و اسلام منحصر به ایران نیست و ما هدفمان این است که همه مسلمانان در همه کشورها از زیر بار استبداد و استعمار و ظلم نجات پیدا کنند و برنامه های اسلامی پیاده شود، همانطور که برادران اهل سنت تذکر دادند، ما باقیستی در انقلاب توجه به اسلام و همه کشورهای اسلامی داشته باشیم و نبایستی فقط به کشور خودمان چشم بدوزیم. البته از آقایان نمایندگان برادران اهل سنت تقاضا میکنیم که یک واقعیت را نادیده نگیرند زیرا در عین حال که ما شعار مبان اسلام و حکومت اسلامی بود و ایجادواریم همه کشورهای اسلامی متعدد شوند ولی معاذلک این واقعیت هست که در کشور ایران اکثریت قاطع مردم، جعفری مذهب و اثنی عشری مذهب هستند و در فانون اساسی سابق هم تصویب شده است که دین و مذهب رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و خواسته اقلای بیست و پنج میلیون مسلمان ایران اینست که این واقعیت تصویب و نوشته شود و نمیتوانیم واقعیات را نادیده بگیریم و در عین حال در قانون اساسی سابق اسمی از اهل سنت نبود ولی ما دیدیم که این کمبودی است و این واقعیت را نباید نادیده گرفت.

بنابراین هم اینکه مذهب رسمی و معمولی در ایران تشیع است، نمیشود نادیده گرفت و هم اینکه اهل سنت در ایران مسلمانند و برادران ما هستند و آنها بر طبق تکالیف و فقه خودشان عمل خواهند کرد و باید عمل کنند و در این جهت آزاد هم باشند. حالا برای اینکه توهمی پیش نیاید و بطوریکه در سخنان بعضی از دوستان امروز صبح مشاهده می شد، خیال نکنند که ما فقط به ایران خودمان چشم دوخته ایم ولی چیزی که هدف اسلام است و مورد توجه است، آن اصلی است که قبل از اصل سیزده نوشته شده بود و بعضی از آقایان نظردادند که در اصل مربوط به سیاست خارجی بود ولی هیأت رئیسه تصمیم گرفت این اصل را مطرح کند زیرا جایش در همینجا است و آن اصل قبل از اصل سیزده می آید، برای اینکه معلوم شود که مابه اسلام و همه کشورهای اسلامی واقعاً توجه داریم و این وظیفه ای است برای دولت که روابطش با همه کشورهای اسلامی یک رابطه حسنی باشد.

د کتبیهشتی — برطبق ترتیب فعلی میشود اصل یازده.

رؤیس — بله اصل یازده که متن آنرا میخوانم تا این اصل را قبل از اصل مربوط به مذهب رسمی ایران مطرح کنیم و بعد به مذهب رسمی میرسیم.

اصل ۱۱ — به حکم آیه کریمه «ان هدنه امتكم امة واحدة وانا ربكم فاعبدون» مسلمانان یک امتند. (این عبارت تصحیح شده است یعنی کلمه مسلمانان که اول بود، اینجا ذکر شده است) پس دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را برپایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر بعمل آورد تا وحدت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی اسلامی را تحقق بخشد.

یکی از آقایان گروهی که این اصل را تهیه کرده اند، بفرمایند و دفاع کنند. آقای بهشتی بفرماید.

د کتبیهشتی — بسم الله الرحمن الرحيم. تهیه این اصل از طرف گروه یک در ردیف اصول فصل اول که درباره کلیات است به اعتبار این بود که یکی از ابعاد اساسی نظام و جامعه و



جمهوری اسلامی است. از نظر تعالیم مقدس اسلام، نظام اسلامی در هرگوشه از جهان تحقق پیدا کند حکومتی بوجود می‌آورد که مسئولیتش در داخل مرز محدودی قرار نمی‌گیرد و نسبت به همه انسانها و بخصوص همه مسلمانها دارای تعهد و مسئولیت نمی‌شود و بربط تعالیم اسلام این طبع و خصلت حکومت اسلامی است. در عصر ما که بحمد الله شماره و عدد مسلمین جهان صدها میلیون است، بر حسب آمارهای نسبتاً مستند در حدود هشتصد میلیون مسلمان در روی کره زمین زندگی می‌کنند، وقتی در قسمتی از سرزمین اسلام حکومتی باهویت اسلامی بوجود می‌آید از همان آغاز تشکیل باید خود را نگران و مسئول وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی و معنوی و روحی همه این هشتصد میلیون بداند، ولی نه بدان معنا که این حکومت می‌خواهد قلمرو خودش را گسترش دهد و سرزمینهای دیگر را با زور متصرف شود و به خود ملحق کند، هرگزنه، بلکه بدان معنا که باید بکمک این مسلمانان بستابد و با کمک یکدیگر وضعی برای خود بوجود بیاورند که آنها نیز خود را دارای نظام اسلامی بیابند و وقتی این نظامها همه اسلامی شد، آن وقت تشکیل یک واحد سیاسی بزرگ جهانی در لوازی اسلام امری است طبیعی و درست به همین دلیل است که اقلاب اسلامی ما امروز این همه دشمن دارد، بخصوص دو قدرت بزرگ جهان و دو اردوگاه بزرگ سلطه‌جو در جهان برایشان تحمل این اقلاب مشکل است. پس به همین دلیل باید از همین مرحله آغاز و مرحله نخستین ملت اقلابی مسلمان ایران پیوستگی و یگانگی خودش را با همه این هشتصد میلیون مد نظر قرار دهد. به این دلیل بود که ما گفتیم این اصل جزو اصول کلی است. در جلسه مشترک گروهها که گروه اول کارش را مطرح نمی‌کرد، یک نظر دیگرهم به میان آمد و آن اینکه این اصل از نظر اهمیت در ردیف اصول کلی است اما از نظر اینکه یک خصلت دیگر براصوی کلی ذکر کرده بودیم و آن عبارت است از اصلی که ازان در اینده اصولی منشعب بشود، توانستیم آنرا از این نظر در این ردیف بدانیم و فکر کردیم بتواند در ردیف سیاست خارجی اسلام بیاید ولی امروز که قرار است اصول مربوط به دین و مذهب رسمی کشور را مطرح کنیم با مشورت درهیأت رئیسه به این نتیجه رسیدیم که این اصل حتماً باید در اینجا از این نظر هم قرار بگیرد. پس دو موجب پیدا کرد که این اصل در ردیف اصول کلی بیاید تا ذکر اصول بعدی مسبوق باشد به این اصل که یگانگ جامعیت نظام اسلامی و محدود نبودن این نظام در درون مرزهای جغرافیائی و حتی محدود نبودن در منطقه‌های اکثریت مذهبی است. برای تصریح به این قسمت این اصل گمان می‌کنم مفید واقع شود، به این دلیل ترجیح داده شد که این اصل بیاید اما محتوای اصل گمان می‌کنم احتیاج به توضیح زیادتری نداشته باشد که از بدیهیات و ضروریات تفکر و نظام عزیز اسلام و قرآن کریم است.

رئیس — متشکرم آقای هاشمی نژاد بفرمایید.

هاشمی نژاد — من یک پیشنهاد دارم، همان که در سیاست خارجی دولت تذکرداده شده بود اینجا ذکر شود «بارعاایت اصل عدم مداخله در امور دیگران» چون مسأله ائتلاف و هماهنگی و یکپارچه کردن مطرح است، برای اینکه جلوی سوءاستفاده دیگران گرفته شود، چنین موردی اگر ذکر شود پنظر من لازم است.

رئیس — اصل راد و باره قوائیت می‌کنم: «به حکم آیه کریمه (ان همه امکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون) مسلمانان یک امتداد، پس دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست



کلی خود را بربایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر بعمل آوردن تاحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.» از این عبارت استشمام اینکه دولت ایران در سیاست کشورهای دیگر دخالت کند، نمی‌شود ولی مشکلی که وجود داشت راجع به آید شریفه بود زیرا مفسرین «امت» را معنی دین تفسیر کرده‌اند «ان‌هذه امتکم امة واحده و انا ربکم فاعبدون» یعنی دین اسلام دین واحد است و مامیخواهیم از این استفاده کنیم که مسلمانان یک‌آئتمت هستند، یعنی یک‌ملتند.

یکی از نماینده‌گان — چون دین واحد است، پس متدينهش واحد است.

صافی — آیه کافیست.

رئیس — آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — من فکر می‌کنم این اصل از یک جهت محتاج به تکمیل است و آن ایست که به ضموم آیه «وما ارسلناك الارحمة للعالمين» برذیل اصل افزوده شود و پس از حکومت اسلامی برای عالمگیر بودن اسلام مثلاً کوشش کنندیا قدم بردارد.

رئیس — این متن که «دولت جمهوری ایران موظف است سیاست کلی خود را بربایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد» خوب و کافی است.

قرشی — قرآن تنها برای ملل اسلامی نیست بلکه برای همه ملل جهان نازل شده است.

مشکینی — آیه کریمه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» هم خوب است باشد.

رئیس — زیاد می‌شود و بعلاوه این آیه مفهوم را نمیرساند. آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — «ان‌هذه امتکم امة واحده و انا ربکم فاعبدون» آیه نود و دو از سوره انبیاء است با مختصر تفاوت و آیه «وان‌هذه امتکم امة واحده وانا ربکم فاتقون» آیه پنجاه و دو از سوره مؤمنون است که دنباله ذکر سلسله انبیا است و خطاب به انبیا است و در میان مفسرین به همان دین تصریح شده است و مربوط به این امت نیست و به سلسله انبیا مربوط است و به یک جهت برمیگردد به «ان‌الدین عند الله الاسلام» که از صدر بشریت تا حال مربوط به این امت نیست که بخواهیم استفاده کنیم و آیه‌ای که آقای مشکینی فرمودند، انسب واولی است.

رئیس — شما در ضمن جواب خودتان را هم دادید برای اینکه فرمودید مفاد همان «ان‌الدین عند الله الاسلام» است که همه پیغمبران هم دینشان اسلام بوده است.

خزعلی — شما می‌خواهید روی امت اسلامی بحث کنید. اگر آنرا بخواهید استفاده کنید، واقعاً خیلی گسترده‌تر می‌شود.

رئیس — آقای صافی بفرمائید.

صافی — «ان‌هذه امتکم امة واحده وانا ربکم فاعبدون» مال همین امت است و خطاب به همین امت است.

رئیس — اگر مفاد آیه همان «ان‌الدین عند الله الاسلام» است یعنی دین حضرت نوح و موسی هم اسلام بوده است.

دکتر بهشتی — آقای خزعلی لطفاً شماره آیه‌ها را بفرمائید.

خزعلی — آیه نود و دو از سوره انبیاء «ان‌هذه امتکم امة واحده و انا ربکم فاعبدون» و آیه پنجاه و دو از سوره مؤمنون «وان‌هذه امتکم امة واحده و انا ربکم فاتقون»

رئیس — آقای کیاوش جنابعالی مطلبی داشتید؟



کیاوش — درباره سؤال آقای هاشمی نژاد که فرمودند دخالت در سیاست دولتهای دیگر نباید بشود، میخواستم عرض کنم اگر ممل اسلامی در زیر یوغ دولتهای استعماری هستند پس در این صورت دخالت در سیاست آنها مانع ندارد و اگر بناسن وحدت اسلامی پیگیری شود، دخالت در سیاست آنها اگر به این دلیل باشد که آنها را نجات بدهد و تحت امت واحدی قرار بدهد، اشکالی ندارد.

علی تهرانی — آیه‌ای را که آقای مشکینی گفتند، قرار بدهید.
وئیس — آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — جناب آقای خزعلی توجه بفرمائید ما آیه‌ای که در سوره انبیاء است آورده‌ایم نه آیه سوره مؤمنون را که در آنجا اینطور است «ان هذه امتك امة واحدة وانا ربكم فاعبدون فتقطعوا امرهم بینهم كل اليها راجعون» فقطعوا که نمیتواند به خود انبیا مربوط بشود، مربوط بیشود به‌امم، بنابراین دعوت به وحدت امت یعنی وحدت انسانها براساس وحدت در عقیده و مبانی است و مستند است به توحید و وحی، این است که درست همان مبنای وحدت امت اسلامی است یعنی تناسب کاملش اینجا این است که ما هم که میگوئیم امت اسلامی، امت واحد است و بعد میخواهیم این امت اسلامی با همان اسلام وسیع یعنی اسلام منقطع اما سبق نیست، اسلامی است بیوسته به جمیع تجلیات در قرون قبل و وحی‌ها و رسالت‌های قبلی، اینست که بعنوان مبنا و پایه که نتیجه‌اش وحدت همین امت است، آیه مناسب خواهد بود واشکالی هم بوجود نمی‌آورد.

خرزعلی — همه امم را میخواهید بفرمائید؟

دکتر بهشتی — وقتی مایمیگوئیم «ان هذه امتك» اشاره به چه کسی است؟
خرزعلی — اشاره به انبیا است.

دکتر بهشتی — فقطعوا دنبال اینست.

فاقتی — ما میخواهیم درباره اتحاد ممل اسلامی صحبت کنیم و این آیه مناسبی ندارد.

وئیس — آقای مولوی عبدالعزیز الان اصل سیزده مطرح نیست، اگر راجع به اصلی که

قرائت شد فرمایشی دارید بفرمائید.

مولوی عبدالعزیز — با این اصل مخالفتی ندارم.

وئیس — آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — آقای خزعلی توجه بفرمائید که خطاب از نظر نظام آیات در هر دو سوره متناسب است به‌اینکه خطاب به امت اسلام باشد. در هر دو سوره سیر نبوت را گرفته است تابوت حضرت عیسی (ع) و ملاحظه میکنید که این باید دنبال بشود با ذکری از نبوت نبی اکرم (ص) و این «فقطعوا» باید اینطور باشد که این امت و امم قبلی باید در تاریخ پیوسته در این صراط مستقیم اسلام عام باشند که یک دعوت کلی است از آدم تا آخر. بنابراین از نظر نظام آیات و قصی در هر دو سوره باید میکنند، با ترتیب زمانی که باید میکنند، از حضرت مریم سلام الله علیها و امت مسیح (ع)، باید یاد کند از امت اسلام، این است که دنبالش میگوید «ان هذه» یعنی امت نزدیک «ان هذه امتك امة واحدة وانا ربکم فاعبدون» که باید است از امت اسلام وبعد به‌دنبالش میفرماید این وحدت با انسجام باید در بستر تاریخ باشد و حالا باید کنید از این مسأله «فقطعوا امرهم بینهم» و در آیات قبلی هم تأیید این مطلب را ملاحظه کنید.



حائزی — اصرار نکنید که این آیه باشد.

دکتر بهشتی — آقای خزعلی آیه چهل و چهار میگوید «ثم ارسلنا رسلا ترا کلما جاء امة رسولها کذبوا» یعنی بازآنجا یاد میکنند از امت رسول قبلی.

حائزی — این آیه «ان هذه امتك امة واحدة وانا ربكم فاعبدون فتقطعوا ابرهم» آیه وسیعی است، آنوقت که اسلام آمد فتقطعوا نبود.

رئیس — بالاخره آیه بی تناسب نیست تا اینجا بالاخره اتحاد امت اسلامی را میرساند یا نمیرساند؟

حائزی — فتقطعوا چه ربطی به اسلام دارد؟

مشکینی — یک آیه‌ای که صراحة داشته باشد بنویسید مثل آیه «واعتصموا به حبل الله جمیعاً» که انسب است به این آیه.

طاهری اصفهانی — آقای مشکینی منظور این است که بگویند مسلمانان یک امت هستند، واعتصموا معنی یک امت را نمیرساند.

طاهری گرگانی — آیه‌ای که در اصل ذکر شده معنی امت واحد بودن را میرساند و آیه بعجائی است.

رئیس — کسانیکه موافقند این آیه باشد دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) تصویب شد.

مکارم شیرازی — پیشنهاد میکنم کلمه «پس» برداشته شود و به جای آن «و» گذاشته شود.

رئیس — ممکن است دویی را هم نگذاریم و به جایش ویرگول بگذاریم و بنویسیم «دولت جمهوری اسلامی ایران». بنابراین اصل یازده برای رأی گیری قرائت می‌شود.

اصل ۱۱ (اصل یازدهم) — به حکم آیه کریمه «ان هذه امتك امة واحدة وانا ربكم فاعبدون» مسلمانان یک امت هستند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر بعمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

حجتی کرمانی — بنده پیشنهاد دارم.

رئیس — قبله کفایت مذاکرات رأی گرفتیم و دیگر پیشنهاد نمیشود داد. آقای حجتی داریم رأی میگیریم، دیگر نمیشود پیشنهاد داد. رأی میگیریم باورقه. لطفاً گلدانها را برای گرفتن رأی ببرید.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

رئیس — عده حاضر در جلسه شصت و چهار نفر، موافق شصت نفر، مخالف دو نفر و ممتنع دو نفر، بنابراین، این اصل تصویب شد. تکییر (حضر اسرمه مرتبه تکییر گفتن) اصل دوازده مطرح است که قرائت می‌شود.

۳— طرح و تصویب اصل دوازدهم

اصل ۱۲ — دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الى الابد غیرقابل تغییر است و رئیس جمهور باید دارا و مروج این مذهب باشد. مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی دارای احترام کامل میباشند و پیروان این



مذاهب در انجام مراسم مذهبی خود طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به حاکم شرع رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی بر طبق این مذاهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

حائری — بنده با بعضی از خصوصیات این اصل مخالفم.

رئیس — از گروه دوم آقای پرورش بفرمائید دفاع کنید.

پرورش — سلام علیکم بمسیرتم، بسم الله الرحمن الرحيم. این اصل سیزده که مربوط به دین بود جزو کارهای گروه دوم بود که بایستی بررسی میشد، به صورتی که خواندن تنظیم شد و علت تنظیم شدنش به اینصورت، به دلایلی است که الان عرض میکنم. دین رسمی ایران اسلام است و مذهبش هم در کنار آن اضافه شده و جدا نشده زیرا که دین و مذهب تقربیاً ذکر عام و خاص است به اینصورت که دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است که «حقه» هم به آن اضافه شده که البته درستی که گروه دوم انتشارداد، «حقه» نبود و به جای اینکه اصلی باز شود برای مذهب رئیس جمهور باید دارای این مذهب و مروج این مذهب باشد، در همینجا این نکته ذکر شد که رئیس جمهور باید دارا و مروج این مذهب باشد. مسئله دیگر این است که برادران اهل سنت یعنی مذاهب اربعه اهل سنت مخصوصاً برادر عزیزان آقای مولوی که در خدمتشان بودیم ایشان مقید بودند که حتماً بایستی رسمیت چهار مذهب ذکر شود که به این صورتی که الان در خدمتستان هست، تدوین شد که در چهار مورد در زمینه مذهب و در یک مورد در زمینه مقررات محلی رسمیت داده شده که ذکر میشود «مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی دارای احترام کامل میباشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی خود طبق فقه خودشان و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (که عبارت است از ازدواج و طلاق و ارث و وصیت) و در زمینه دعاوی مربوط به حاکم شرع رسمیت دارند» با توجه به اینکه برادرمان و سایر برادران میخواستند در همه ابعاد رسمیت داده بشود، فقط در این زمینه‌ها رسمیت داده شد، علتی این بود که این مسئله در گروه بحث و بررسی شد که اگر به همه مذاهب بصورتی که به مذهب جعفری اثنی عشری رسمیت داده شده، به آن صورت همگانی رسمیت داده شود معنیش این است که باید براساس پنج مذهب کلیه قوانین مدنی و جزائی کشور تنظیم بشود و تازویه جای اینکه ذکر مذاهب پنجمگانه بصورت رسمی اختلافی را برطرف بکند، آغازگر یک اختلاف جدید است. از این نظر با موافقت خود آقای عبدالعزیز که ایشان اول می‌فرمودند در همین زمینه‌ها باید رسمیت داده شود که البته بعد نظرشان راتعیم دادند و گفتند در همه‌جا و یکی هم مقررات محلی است که طبق این مذاهب خواهد بود، یعنی مقرراتی که در خود منطقه وضع میشود باز تابع مذهب خودشان هست.

خامنه‌ای — منظور از دعاوی مربوط به حاکم شرع چیست؟

پرورش — یعنی به این صورت که اگر در هر کدام از این مذاهب، حاکم شرع براساس مذهب خودش حکمی را میخواهد اجرا بکند، قاعده‌تاً باید با توجه به اختلافی که در مذاهب اربعه هست در زمینه‌های مختلف که مثالهایی زده شد، در آن زمینه خاص دعاوی حاکم شرع که مربوط به یکی از مذاهب است، نفوذ دارد.



خامنه‌ای — در قضایوت و دعاوی مربوط به احوال شخصیه هم استقلال دارد.

پرورش — قاضی هر کدام از مذاهب چهارگانه در دعاوی مربوط به آن مذهب حرفش مستند است. احوال شخصیه که عبارت از اirth و ازدواج و وصیت است، جدا است.

سبحانی — در دادگستری ایران یک محکمه شرعی هست که یک مسائلی را به آن ارجاع میکرددند، مثلاً مسائل مربوط به ازدواج و خانواده، مثل اینکه شوهر یکزن رفته بودوازاخری نبود. در اینجا مقصود از حاکم شرع است نه همه مسائل مربوط به دادگستری. پس محکمه شرع یکعنوان خاصی است در دادگستری.

پرورش — جناب آقای سبحانی بخشی که آنروز با آقای مولوی شد به این صورت بود که ایشان موافقت نکردند، زیرا ایشان می‌گفتند بایستی کلیه دعاوی که ارتباط دارد با حاکم شرع که در چهار مذهب گوناگون باید حکم کند، باید مربوط به خودش باشد یعنی مربوط بیکی از مذاهب.

روحانی — اگر اینجور باشد، مبهم است.

پرورش — به هرجهت آنچه که در این مجموعه بنام اصل سیزده ذکر شده نظرات گروه دوم بود. البته من خودم یک نظری را به دوستان پیشنهاد کردم ولی چون اکثریت پذیرفته بود، آن نظر را هم عرض میکنم بعنوان نظر شخصی (دکتر بهشتی — شما باید نظرات گروه دو را فرمائید).

ربانی شیرازی — مقررات محلی راشح در دهدید.

پرورش — آنچه که در هر محلی بر حسب شرایط جغرافیائی و شرایط زمانی و مکانی خودش افراد بخواهند در شورا مطرح کنند تا مقررات محلی شان باشد، بازمستند به فقه خودشان و نظرات شخصی خودشان میشود.

رئیس — آقای پرورش، در پیش نویس سابق اینجور بوده است «مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بطبق این مذاهب خواهند بود.» شما چرا در حدود اختیارات شوراهای احذف کردید؟

پرورش — در حدود اختیارات شوراهای همانطور که عرض شد در محلی که برادران اهل سنت هستند، گاهی از اوقات مقررات محلی که برای کل شوراهای در سراسر مملکت تصویب می‌شود، ممکن است یک قسمت از مقررات محلی را آنها نپذیرند. از این جهت مقررات محلی بصورت ویژه ذکر شده که اگر در یکی از مناطقی که اکثریت با اهل سنت است، مقررات محلی که مستند است به مذهب و فقه خودشان آگر خواستند آن نظام شوراهای را با توجه به افکار و اندیشه های خودشان عوض کنند، آزادی داشته باشند.

ربانی شیرازی — منظور معلوم نشد، مقررات محلی یک چیز کلی است میخواهم بیننم تطبیق به چه چیز میشود که بگوئیم این مقررات طبق شرایط محلی خواهد بود. مصادق این مقررات چه چیز است؟

رئیس — اگر در حدود اختیارات شوراهای باشد، نظر را تأمین میکند.

پرورش — در محلی که برادران اهل سنت اکثریت دارند، تابع شوراهای است زیرا عرض کردم که اصل شوراهای اگر یک نظام کلی داشته باشد، مسأله به این صورت است که در آنجا قرار است پیاده شود، اگر با افکار و اندیشه های آنها متنطبق نباشد، آنرا عوض کنند.

رئیس — اگر قید «در حدود اختیارات شوراهای» ذکر بشود، رفع ابهام میشود یا نمیشود؟



چون در پیش نویس سابق به این صورت بوده است «مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق این مذاهب خواهد بود». اگر این قید باشد، ظاهراً رفع ابهام میشود.

سبحانی — مثال این روشن است، فرض کنید میخواهند رامسازی بکنند و این راه از جائی که حسینیه یامحل ذکر بوده است رد میشود. اگر مذهب اینها اجازه میدهد، شوراهم باید تصویب بکنند که آنجا را خراب کنند، والا اگر مذهب اجازه نداد راه را کج میکنند.

پروشن — البته اگر مقررات عمومی برای شوراها سراسری باشد، باید بنده اضافه کنم که مقررات محلی اضافه است یعنی اگر شوراها حکم کلی در سرتاسر مملکت دارد، مقررات محلی در اینجا لازم نیست و این حرف منطقی است. بنابراین، این مسئله را باید توجه داشت که ذکر مذهب اثنی عشری، نه اینکه موجودیت و موقعیت مذاهب چهارگانه برادران اهل سنت را ازین نمیبرد، بلکه باید توجه به این نکته داشت که این ملت براساس آهنگ و اراده‌ای که رهیش داشت و منبعث از مکتبش بود، مکتبی که در طول تاریخ همیشه با محرومیت‌ها و حرمان‌ها در مقابل سلطانی جور بوده، این بار براساس عشق به مکتب، یعنی مکتبی که یاد میداد که باید برای حق تبعید شد و باید برای حق زندان رفت و باید برای حق کشته شد، براساس همین مکتب این ملت درسايه رهبری یک انسانی که مشوق تبعید و زندان و کشته شدن در مقابل سلطه جایرانه سلطان جابر بود، حرکت کرد و با توجه به اینکه اکثریت این ملت حرکتش یک حرکت منبعث از طرز تفکر شیعی بود، از این جهت ذکر مذهب حقه جعفری هیچگونه اشکال و ایرادی وارد نمیکند و هیچگونه برادران عزیز اهل سنت را از سندیت نمیاندازد. مسئله دیگر اینکه در مجموعه آرائی که بررسی شد یعنی از حدود چهارهزارنامه‌ای که از طرف مردم رسیده بود، فقط در سه یا چهار نامه اشاره شده بود که مذهب را منتظر کنید و فقط بنویسید دین، دین اسلام است و بس و در دل اینهمه نامه و آراء رسیده سخنها بسیار بود که مبادا یکوقت ملتی که براساس همان انگیزه تشیع پیا خاسته است، شما بخواهید مذهبش را از رسیدت پیدا زید. همه نامه‌های رسیده از اطراف مملکت موجود است که همه دلسوزانه این مطلب را نوشته بودند و همه قید کرده بودند که در نظام طاغوت، مسئله مذهب و سندیت مذهب و رسیدت مذهب جعفری در کل مملکت وجود داشت و نکند یک ملتی بعد از آنهمه خون دادن و بعد از اینهمه زجر و تبعید و شکنجه و زندان رفتن، الان رسیدت این مذهب در این قانون اساسی ازین برود. این است که در کنار خواسته‌هائی که بود که رسیدت مذاهب گوناگون همه ذکر بشود، ملت عزیز ما غالباً خواستار این نکته بودند که حتماً بایستی مسئله اثنی عشری و مذهب اثنی عشری قید بشود والسلام.

هاشمی‌نژاد — توضیحات جناب آقای پژوهش مسائلی را روشن کرد، ولی هنوز یک مطالبی مبهم است. اجازه بفرمایید آقای مکارم هم توضیح بد هنند.

رئیس — آقای حائری بفرمایید.

حائری — بسم الله الرحمن الرحيم. خیلی متشکرم از آقایان که در این پیش نویس مذهب اثنی عشری را ذکر کردید و رسیدت آنرا کاملاً اینجا تقيید کردید ولی چیزی که هست، من معتقدم که کلمه «حق» که مذهب رسمی ایران مذهب اثنی عشری است و «حق» مربوط به اثنی عشری است، این کلمه «حق» هم باید باشد، فقط اشکال این است که مثلاً سایر فرق مسلمین که مباباً آنها خیلی اشتراکات داریم یک قبله، یک قرآن و یک پیغمبر و یامواریشی که داریم



مثلث در ارث یک جوریم، در نکاح یک جوریم، اینها همه مسلمان هستند و حفظ خونشان لازم است و از همه جهات ما نسبت به آنها احترام میگذاریم و حتی مذهبشان، چه جائی که اقلیت داشته باشند و چه جائی که اکثریت داشته باشند، به همان مذهب خودشان عمل کنند زیرا برحسب ادله‌ای که از آئمه علیهم السلام به ما رسیده است، آنها میتوانند به مذهب خودشان عمل بکنند که قاعده‌ای الزام باشد و مربوط به این نیست که اقلیت یا اکثریت باشد. وقتی که اینطور باشد با این احترامات آنوقت این حق را از اینجا برداریم به بهانه اینکه مثلث برادران مسلمان سنی راضی میشوند. این اهانتی است به آنها، آنها که میدانند ما مذهب شیعه را قبول کردیم لابد حق است. این فقط چیزی است که به لفظ گفتن حق و نگفتن آن اثری ندارد. اینها میدانند که اگر مذهب حق نبود، ما این مذهب را قبول نمی‌کردیم. این درحقیقت یک تعارف بیجایی است که آنها را در این مطلب گول بزنیم. نوشتن و ننوشتن این چه اثری برای آنها دارد؟ جزا اینکه آنها را گول بزنیم، ولی ما نمی‌خواهیم آنها را گول بزنیم، حقوقشان را به آنها میدهیم. بنابراین از این جهت اشکالی ندارد و از لحاظ اینکه این کلمه حق ملازم این نیست که آن باطل باشد، مثل اینکه دو نفر مجتهد باشند و یکنفر از این مجتهد تقلید بکند و دیگری از آن مجتهد، هردو حق است و مجزی است. نمی‌خواهیم بگوییم مذهب شیعه حکم میکند که آن مذاهب حق است، میخواهیم بگوییم کلمه حق مستلزم این نیست که آن مذاهب دیگر حق نباشند که اینهمه از کلمه حق استیحاش داشته باشیم. گفتن حق یا نگفتنش چه اثری دارد:

اولاً این در هر سه قانون اساسی گذشته، که یکی آن قانون اساسی است که در اول مشروطیت نوشته شده و درست است و دو قانون اساسی دیگر که قانون اساسی قلابی بود و بعداً در زمان دیکتاتورها، دیکتاتورین دیکتاتور نوشته شد، آنها هم این کلمه «حق» را برنداشتند. آنوقت این عیب نیست که در جمهوری اسلامی ما این کلمه را برداریم؟ مثل این میمанд که با خجالت بکشیم بگوییم مذهب ما مذهب حق است، با اینکه خدای متعال در قرآن فرموده: «انی جاعل فی الارض خلیفة» وظاهر جمله اسامیه این است که خداوند همیشه در زمین خلیفة‌الله دارد. صاحب مثنوی هم با اینکه سنتی است میگوید: «پس به هراصلی ولی این قائم است – آزمایش تا قیامت لازم است» این حقیقت را خدای متعال به این مرد سنتی الهام کرده و این اصل خلیفة‌الله حقیقت مذهب شیعه است که همیشه بوده و هست و این خلیفة‌الله را خداوند فقط برای صدر اول قرارنده که خلیفة‌الله تمام بشود و بعد از آن خلیفه‌ای نیاید. آنوقتی که فساد در عالم تا این حد بود که برادر برادرش را بکشد، آنوقت محتاج به خلیفة‌الله بودیم که خداوند فرمود: «علم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم على الملائكة» وحالاً محتاج نیستیم؟ پس چرا ما حالاً این کلمه حق را برداریم؟ از لحاظ شیعه چون آنجا بوده و اینجا هم هست، حق با ما است در آیات شرife روایات زیاد متواتر و حتى فوق تواتر نسبت به ائمۀ عشری وجود دارد. درحقیقت ما حدود سیصد روایت از طرق سنی و شیعه پیدا کردیم که ائمۀ دوازده نفرنده، بنابراین من عقیده‌ام این است که کلمه «حق» را بنویسیم، برای خاطراینکه بسیار عیب است که در آن قانون اساسی دوم بوده و در قانون اساسی سوم هم بوده است و حالاً نباشد و بعد بگویند اثر جمهوری اسلامی این شد که این کلمه حق را از اینجا بردارند که مایه اتحاد سنی و شیعه بشود، اتحاد شیعه و سنی این است که حق را همه جایه‌شان بدھیم، چه اکثریت باشند



و چه اقلیت ، حقوق شرعی را باید داشته باشند آنطوریکه خداوند فرموده است . مثلی است معروف که میگویند «شتر سواری دولادولا نمیشود» همان چیزی که خدا فرموده بدون کس و زیاد اجرا کنید . خدا فرموده : «ومن یتعد حدود الله» ما میفهمیم اینها از طرف خدا است و این حرف یک امی نیست، همان حدودی که خدا فرموده همان حدود و مقررات را، نه مبالغه برعلیه او بکنید و نه اینکه تقصیر و قصور باشد که هردو برعلیه مذهب شیعه تمام بشود کما اینکه در عصر ما یک مبالغاتی شد که نمیخواهم اسم برم و به چه حد رسید. من با هردو طرف مبالغه مخالفم، بنابراین حق را از اینجا برداشتمن مثل تغییر تاریخی است که در زمان طاغوت انجام شد، تغییر تاریخ هم که اشکال شرعی ندارد و ما یک دلیلی نداشتم که «وان یکون التاریخ هجریاً او قمریاً» فقط اهانتی به مقام رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بود، که حتی دول مسیحی هم این اهانت را به حضرت عیسی(ع) روانداشتند و تاریخشان همیشه همان تاریخ تولد حضرت مسیح بود، با هر ترقی و پیشرفتی که کرده بودند همان تاریخ بود. آنوقت بیانند اینجا قانون اول شاهنشاهی درست بکنند که نوعاً از شاهنشاهان ظلم و مستثنی بدیگران نمیرسد. این یک اهانتی بود، این هم بنظر من شبیه آن است. والسلام عليکم و رحمة الله ويرکاته.

رئیس — آقای مولوی عبدالعزیز بفرمائید.

مولوی عبدالعزیز — الحمد لله والکفی وسلام علی عباده‌الذین اصطفی. اما بعد، برادران اسلام و حضار بسیارگرامی و محترم همه آقایان برای این جمع شده‌اند که قانون اساسی را پیاده کنند و مسیر ملت مسلمان ایران و غیراسلام ایران را تعیین بکنند. من و شما باید سعی و کوشش بکنیم که جمهوری اسلامی در تمام عالم اسلام پیاده شود و تمام ملل دنیا از جمهوری اسلامی ما استقبال کنند. نباید من و شما علمای اعلام و آیات عظام و حاملان دین نبی انحصار طلبی بکنیم و نباید برای عالم اسلام و دنیا ثابت کنیم که کشور ایران، کشور مخصوص شیعه‌ها است و جمهوری اسلامی همه مال شیعه است و همه کشتارها و قداء‌کاری‌ها و مصیبت‌ها که پیش آمده است، برای اینست که جمهوری شیعه‌گری درست بشود، باید ما بالاتر از این فکر بکنیم. خیلی عندر میخواهم بعقیده بنده این خیلی فکر کوتاهی است، ما باید سعه صدر داشته باشیم، ما تمام عالم را باید درآگوش بگیریم. تمام ملت اسلام و غیر اسلام باید همه به ما بپیوندند و تمام مستضعفین دنیا را به آگوش بگیریم، لهذا برادران عزیز، علمای اعلام منظور من اینست که چرا ما این چند روز راجع به اصل سیزده بحث و مبادله میکنیم و این مطلب حل نمیشود؟ اینطور استنباط میشود و اینطور استشمام میشود که ما روحانیون سعه صدر نداریم، اگرچه این آیه‌ها را بنده و شما آقایان همه میخواهیم ولی به مفاد آیه دیگر توجه نداریم که: «کل حزب بمالدیهم فرحون» هرگروهی به آن معتقداتی که نزد آنها هست خوشحال هستند. شیعه میگوید مابه حق هستیم که بیرو اهل بیت و عترت هستیم و سنی میگوید مابه حق هستیم که پیرو خلفای اربعه و بیرو اهل بیت و عترت هستیم. اما حالا باید آن اختلافات قدیم را که ما را بوسیله آن پیچاره کردند و بربما مسلط بودند، کنار بگذاریم. به این وسیله استعمارگرها و استشارگرها بربما سوار شدند و هزار و چهارصد سال است که ما را به جان یکدیگر انداخته‌اند و هم‌دیگر را نفرین و لعنتمیکنیم. پس بیانیم متحد و متفق باشیم و بیانیم محبت خود را بیکدیگر نشان بدیم و هیچ فرق بین شیعه و سنی قائل نشویم. چرا اینطور خود را ناراحت



میکنیم و به کلمه سنی و مذاهب اربعه که میرسیم خیلی احتیاط و پیش بینی را بکار میریم؟ ما فکر میکنیم که این انقلاب را، این پیروزی را ما بوجود آوردهیم، ما و شما یک ملت توحیدی هستیم. اعتقاد ما به خدا هست. خدا قدرت دارد هزارها امام خمینی را بوجود بیاورد، خدا قدرت دارد که هر ملت مستضعفی را که ظلم هیأت حاکمه اش بد درجه نهایت رسیده باشد، آن طاغوتی ها را زیر روکند و مستضعفین را بجای آنها بیاورد. لهذا ما نباید اینقدر محظوظ باشیم که در هر ماده یکچیزی از فقه و اصول دین را بگنجانیم. چرا اینقدر میترسیم و وحشت داریم؟ خدا این پیروزی را به ما داده، خدا وقتیکه یک کاری را بیخواهد بگنداسباش رامهیا میکند، سبب ساز است، سبب سوز هم هست. اگر تمام وسائل را من و شما مهیا کنیم، اگر خدا نخواهد آن کار عملی نمیشود. پس ماباید به خدا ایمان داشته باشیم. هرچیز به ما رسیده است و میرسد، از جانب خدا رسیده و هرچه بنا نمیرسد خدا به ما نداده. ما به زور بازو و قدرت خود بدون خواست خدا هیچ کاری را نمی توانیم انجام بدیم به حکم آیه «وماتشاون الا ان یشاء الله رب العالمین». لهذا بنده از سروران و دوستان و علمای اعلام تقاضا دارم که زیاد تعصّب به خرج ندهند. شیعه و سنی برادر هستند شش ماه ما این شعار را میدادیم که شیعه و سنی دو برادر پیروزند، هر شب امام میفرماید که سنی و شیعه برادر هستند، بیانیّد برادری را ثابت کنید، هر حقوقی که برای پیروان مذهب شیعه قائل میشود، برای برادران اهل سنت خود که ده میلیون یا هشت میلیون نفر در کشور ایران هستند باید قائل شوید. اگر دنبال مذهب عفری اثنی عشری، میگذارید رسیت دارد، باید به دنبال مذاهب اهل تسنن هم بگذارید که آنها هم رسیت دارند. این چه هست که ما را سخّره میکنید که محترم هستند و معترف هستند، ما نمیخواهیم به ما احترام بگذارید و مذهب ما را معتبر کنید، ما نمیخواهیم مذهب ما را مثل مذهب خود بدانید، مذهب اهل تسنن را مثل مذهب عفری بدانید، هم چنانکه مامذهب عفری را مثل مذاهب اربعه خود میدانیم. شیع شلتوت که خدا رحمتش کند اعلام کرد که مذهب عفری یکی از مذاهب اربعه است و هیچ فرقی بین مذاهب خسنه نیست. بیانیّد و سعه صدر نشان بدیهی و هرامیازی برای مذهب شیعه قائل هستید، برای مذهب اهل تسنن قائل بشوید. اگر برادری و برابری هست و حشت نکنید، هرگاه خدا میخواهد ما را نگه میدارد و هرگاه ما عدالت را کنار گذاشتم و انحراف طلبی کردیم و به مستضعفین مثل ساق زور گفتیم و آنها را کوییدیم نظر خدا از ما بر نمیگردد. تا وقتیکه مایرنگشته ایم، نظر خدا بر نمیگردد. هرچه قانون را شما محکم یاشل کنید، نظر خدا بر نگردد. تا وقتیکه ما از خدا بر نگرددیم، نظر خدا بر نمیگردد. خدا میفرماید اگر شما بر گشتید من هم بر میگردم و نعمت خدا را از شما میگیرم و سلب نعمت میکنم. لهذا اگر چه من عقیده نداشم که غیر از اسلام چیزی دیگر باشد ولی اگر اینطور هم بنویسید، اشکالی ندارد «دین رسمی ایران اسلام است و مذاهب اسلامی موجوده در ایران اعم از تشیع و تسنن رسیت دارند و پیروان هر کدام از مذاهب در هر منطقه ای که اکثریت داشته باشند، مقررات محلی و محکم قضائی، چه مدنی و چه جزائی آن منطقه طبق مذهب آنان خواهد بود با عدم سلب حق مذاهب دیگر و در احوال شخصیه و تعلیم و تربیت همه مسلمانان در هر نقطه ایران طبق مذاهب خود عمل میکنند» بیشتر مزاحم وقت عزیز شما میشوم. فقط و فقط استدعای من از حضور آقایان و سروران اینست که بیانیّم و سعه صدر نشان بدیهیم و تمام اقلیت های مذهبی و تمام اقلیت های دینی را به آغوش بگیریم تا همه در سایه عدل اسلام و در سایه عدل الهی و در



سایه عدل جمهوری اسلامی راحت زندگی بکنند و برای این مملکت و جمهوری اسلامی دعای خیربکنند و کمک بکنند و مال و جان و هستی خود را فدای جمهوری اسلامی بکنند، عرض دیگری ندارم و آخر زیمان الحمد لله رب العالمین.

رئیس – یک پیشنهادی آقای رحمانی نوشته اند که میخوانم:

اصل ۱۱ – مذهب جعفری اثنی عشری کافی نیست بلکه باید فقط شیعه نیز ذکر شود، زیرا که به قول شیع شلتوت ممکن است حتی بر اهل سنت نیز بواسطه رجوع به مذهب جعفری در فروع صدق نماید که تابع مذهب جعفری هستند و حال آنکه ما نمیخواهیم در این اصل شیعه بودن و قول به خلافت بالفصلی علی (ع) را نیز منظور داریم. اصل موضوع از طرف علماء تهران توسط آقای حاج آقا حسن سعید تلفنی مطرح و تقاضا شده است.

(حسینعلی رحمانی)

رئیس – آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی – بسم الله الرحمن الرحيم. «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» من عرايضم را در چند قسمت بطور خلاصه و فشرده بيان میکنم . برادر ما جناب مولوی عبدالعزیز که در گروه دوم تشریف دارند و ما در خدمتشان هستیم، مسائلی را در آینجا مطرح کردند که هم در جلسه خود گروه و هم در جلسات مشترک گروهها مطرح شد و من خوشوقت شدم که ایشان باز این مسائل را مطرح کردند ، برای اینکه در آنجا این بحثها بطور خصوصی بود و حالا بطور آشکار و علنی است که بگوش همه خواهان و برادران ما از اهل تسنن در همه جا برسد و نقطه نظر ما کاملاً روشن بشود و هرگونه سوء تفاهم در این زمینه انشاء الله برچیده شود. اولین نکته ای که نمیخواهیم عرض کنم اینست که خوشبختانه اصل مربوط به دین و مذهب بعد از اصلی قرار گرفت که دعوت به اتحاد اسلامی میکرد و دولت جمهوری ایران را موظف میکرد که کوششهای خود را برای وحدت ملل اسلامی بکار برد . این یک واقعیت است که ما نمیخواهیم حکومت اسلامی محدود به مملکت ما ایران باشد بلکه ایده واقعی ما اینست که روزی فرا برسد که تمامی ممالک اسلامی دست بدست هم بدند و یک نیروی سوم عظیمی در دنیا بسازند که هم ابرقدرتی‌های شرق و هم ابرقدرتی‌های غرب در برابر آنها حداقل نتوانند زورگوئی کنند. این اصل قبلی یک واقعیت بود. ما نمیخواهیم خود و دیگران را فریب بدھیم. ما هدفمان ایجاد یک حکومت واحد اسلامی در سراسر جهان است. ما هرگز در اصل مذهب چیزی نمی‌نویسیم که نتیجه اش تشتت و پراکندگی ممالک اسلامی و برادران مسلمان ما باشد. این مطلب ما را محدود در چهار دیوار کشورمان میکند، هدف ما اینست که یک واحد جهانی بوجود آید. بنابراین نباید تصویر کرد ما چیزی در قانون اساسی می‌نویسیم که ما را از آن وحدت جهانی دور کند و ذکر اصل قبلی هم که آقایان رأی دادند و شاید سریعتر از همه اصول تصویب شد، نشان میدهد که این یک هدف واقعی است. و اما مطلب دیگر این است که تعبیراتی برادر ما کردند که نشان میدهد هنوز سوء تفاهم هائی در میان هست که با ایده انشاء الله با آخرین توضیحی که بنده عرض میکنم و این توضیحات را از سخنان آقایان جمع آوری کرده ام و مجموع نظرات آنها را بازگو میکنم، امیدوارم این سوء تفاهم ها از بین بروند. مثلًا تعبیر کرده اند که اگر مذهب شیعه نوشته شود، یک نوع انحصار طلبی است و یا سعه صدر ایجاد بیکنند این را حذف کنیم. یا اگر ذکر مذهب رسمی شیعه بشود، باعث ایجاد اختلاف و تعصب



میشود و یا برخلاف اصول عدالت است. این چند تعبیر بود که ایشان داشتند و این صحبت‌ها نشان میدهد که هنوز یک مقدار سوء تفاهم وجود دارد. بنابراین اجازه می‌فرمایند من فلسفه ذکر مذهب شیعه را عرض کنم تا معلوم شود که نه ما میخواهیم امتیازی به شیعه بدیم، نه انحصار طلبی است، نه اختلاف افکنی است، نه خلاف عدالت است و نه برخلاف سعادت‌صدر است و نه ما میخواهیم بگوئیم که ما پیشقدم در انقلاب بودیم و بنا براین سهمیه ما را پیردازید، ابدآ هیچیک از اینها نیست. اگر به فلسفه ذکر مذهب توجه کنیم تمام این سوء تفاهم‌ها برطرف میشود. فلسفه ایکه برادران ما درذکر این اصل درنظرداشته‌اند و امروز هم در جلسه مشترک گروه‌ها به آن کسراً اشاره شد، یک واقعیت است و آن این است که ما میگوئیم «جمهوری اسلامی»، اسلام جزء نظام ما و بلکه اساس نظام ما است. این یک واقعیت است و شوختی هم نیست. بنابراین احکامی را که این حکومت میخواهد تنظیم کند باید براساس اسلام باشد و اگر فقط اسلام را ذکر بکنیم و احکام و قوانین جنبه اسلامی نداشته باشد، در واقع اسلام یکدکور میشود و این درست نیست، پس مقررات آینده براساس نظام اسلام با حفظ حقوق اقلیتها باید باشد و این یک واقعیت است زیرا ما میدانیم مذاهب پنجگانه اسلامی یعنی شیعه، حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی در یک سلسله اصول مشترک‌اند و در این اصول با هم هماهنگ می‌باشند و اختلافی ندارند، ولی در مسائل فقهی یک تفاوت نظرهایی بین فرق پنجگانه وجود دارد. ما میخواهیم قانون را تدوین کنیم و لفظیم که در مجلس شورای اسلامی هم هر قانونی برضد اسلام باشد ارزش قانونی ندارد. میخواهیم بینیم در آنجا که بین مذاهب اختلاف نظر وجود دارد آیا باید یک ضابطه‌ای در دست باشد و یا نباشد؟ بنده کار به افراد ندارم خود دولت وقتی میخواهد قراردادی بینند و یا معامله کند و یا سیاست داخلی و خارجی را بخواهد تنظیم کند، در مسائل اسلامی ارتباط و پیوند دارد میخواهد سیاستش را تنظیم بکند، در آنجائی که بین مذاهب اختلافی هست، باید یک تنظیم صحیحی بکند. (مولوی عبدالعزیز – این مورد استثناء است)، عرض میکنم ما همین مورد استثناء را درواقع ذکر کردیم، در آن‌هایی که اتفاق نظرهست بخشی نیست اما آن‌جایی که اختلاف نظرهست، میخواهیم به دولت الگو و ضابطه بدیم و بگوئیم شما باید یکی از این مذاهب را انتخاب کنید، عدل، که شما فرمودید ایجاب میکنید که مذهب اکثریت را الگو قرار بدهیم چون قانون متضاد نمیتوانیم تنظیم بکنیم، یک قانون واحد باید باشد و الگوهم از اکثریت گرفته شده است. به همان دلیلی که شما میگوئید نظام ما جمهوری اسلامی است، برای اینکه اکثریت به آن رأی داده‌اند و غیر مسلمان اقلیتی است محترم، اما نظام، جمهوری اسلامی است. اگر آن اکثریت احترام دارد، این اکثریت هم احترام دارد در آنجا هایکه تفاوتی بین مذاهب هست ولذا بعنوان یک ضابطه بعداز بیان اسلام نوشته میشود: مذهب شیعه اثني عشری است. البته به آن تعبیری که آقایان تصویب خواهند کرد، یعنی ای دولت در آنجا که تفاوت‌هایی بین قوانین هست قانون را براین اساس تنظیم کن. و اما این چیزی که برادرمان آقای مولوی عبدالعزیز فرمودند و ما درگروه که بایشان هستیم از حسن سلوک و اخلاق و معلومات ایشان هم واقعاً بدون هیچ تملق و چاپلوسی استفاده میکنیم، ایشان می‌فرمودند که بنویسیم پنج مذهب رسمی است. آیا شما میدانید که اگر ما این مطلب را بنویسیم و به دست نسل آینده بدیم، چه دعواهی در این مملکت برای اینکه هرینچ مذهب رسمی است و در بعضی از مسائل



فقهی اختلاف دارند. معنی اینکار این است که ملتها را بجان هم بیاندازیم زیرا هر پنج مذهب در بعضی از موارد متناقض است. می فرمائید بنویسیم رسمی؟ آخربما چطور میتوانیم یک قانون متناقضی بنویسیم و بدلست مردم و بدلست نسلهای آینده بدھیم و فقط دلمان خوش باشد که کلمه «رسیت» را برای همه مذاهب نوشته ایم، اما فکر نکنیم که در آینده چه وضعی در این مملکت بوجود خواهد آمد؟ من تقاضا میکنم که این واقعیت را فراموش نکنیم که امروز برادرانمان مثل آقای فوزی و بعضی از برادران دیگر در بعضی از مناطق هستند که شیعه وسنی در کنارهم زندگی میکنند. این آقایان میگفتند ما در مناطقی هستیم که شیعه وسنی در کنارهم هستند و تاکنون یک پرونده ندیده ایم که نزاع سنی وشیعه در آن باشد که چرا در قانون اساسی سابق شیعه نوشته شده بود و این مشتاً دعوائی شده باشد. این دلیل براین است که نه تنها ذکر مذهب رسمی شیعه تاکنون مشکلی ایجاد نکرده است...
یکی از نماینده‌گان — تابحال درهیچ کشور مسلمانی مذهب شیعه را رسمی کرده‌اند مثلاً کشور عراق یا لبنان؟

مکالم شیرازی — کشور عراق که اکثریت مردم آن شیعه هستند، مذهب رسمی شیعه نیست. آقایان توجه دارند و کسانیکه عرايض ما را می‌شنوند آنها هم میتوانند مراجعت کنند. در قانون اساسی سابق جز مذهب شیعه هیچ مذهب دیگری نوشته نشده بود و فقط در قانون انتخابات ذکری از مذاهب دیگر شده بود. الان مآمده‌ایم و یک گام بسوی تفاهم و یک قدم بزرگ بسوی برادری برداشته ایم که دیگر نباید مثل قانون سابق فقط مذهب شیعه باشد. باید اشاره به سایر مذاهب برادران اهل تسنن هم بشود، متنه احترام آنها محفوظ، مسائل احوال شخصیه محفوظ، مسائل مربوط به تعليم و تربیت فرزندان محفوظ، مراسم مذهبی محفوظ، خلاصه تا آنچه که تضاد و تناقضی در تدوین قانون ایجاد نکند، همه چیز محفوظ است، متنه در یک جاست که اگرما قدم به جلوی گذاشیم همانطور که ما بارها به برادر عزیزان را گفته ایم وجودی هم شنیده‌ایم که اگر بنویسیم پنج مذهب رسمی باشد، اینکار آسان است اما از نظر حقوقی، قانونی و برنامه‌های مختلف فردا در سرتاسر این مملکت دعوا ایجاد میکند و ما بعد از این در مجلس دیگر نمیتوانیم یک قانونی را تنظیم بکنیم، ماتاکنون هرگز بپرسیم که دعوائی نداشته‌ایم. برادرانی که به کردستان رفته‌اند مثل جناب ربانی گفتند در آنجا بعثه‌ای میشود، علمایشان درباره امکانات مدرسه و مذهب و اینگونه مطالب بحث میکردند و مردم دیگرهم درباره مسائل مربوط به خود مختاری، حالا کاریه لفظش نداریم، صحبت میکردند. ما در کردستان هیچ کس راندیدیم که مراجعت کرده و بگویید مذهب باعث دعوای ماشده است. خودمن هم که در کردستان تبعید بودم با جمعی از دوستان می‌دیدیم که در مهاباد و شهرهای دیگر شیعه وسنی مثل برادر در کنار هم زندگی میکنند. ما هرگز ندیدیم مسأله مذهب سرچشمه دعوائی شده باشد، بنابراین اگر انحصار طلبی بود قانون سابق را می‌آوردیم و تصویب میکردیم. مسأله نفی عدالت هم نیست بلکه مسأله ایجاد یک نظام برای تدوین قانون آینده است که مملکت به هرج و مرچ و دعوا کشیده نشود. هرچه دوستان مایل هستند باحرفی نداریم فقط مسأله جوری باشد که باعث دعوائی نشود.

بیزدی — اگر هم به آن صورت که آقایان میگویند تصویب بشود، گذشته از اینکه نسل آینده اعتراض میکند موقع رفاندوم هم قاطعانه از طرف ملت رد میشود.



مکارم شيرازی — بله اين هم يك واقعیت است. باید يك توضیحی عرض کنم ما نیخواهیم کاری بکنیم که فردا در مناطق مختلف مردم^۱ بجان هم بیفتند. مسلم وقتی ما اینهمه برادری، اتحاد، وحدت، صمیمیت و سعده صدر را بخراج میدهیم، شما هم باید دست دولتی مارا بفسارید و اگر این مسأله نباشد، فردا در مناطق شیعه نشین هم انفجار ایجاد میشود. ما نباید واقعیت موجود خارجی را فراموش بکنیم، بنابراین هم عدالت، هم حساب آینده، هم عدم اختلافات در نسل آینده ایجاب میکنند که این مسائل را ما رعایت کنیم. و اما یکی دو مطلب جزئی دیگر هم عرض کرده و حرفم را تمام میکنم. مسأله نوشتن مذهب رسمي شیعه امتیازی برای شیعه نیست بلکه واقعیتی است برای جلوگیری کردن از هرج و هرج قانونی، من این رابه هرج و هرج قانونی تعبیر میکنم و خیال نشود که ما نیخواهیم امتیازی برای خودمان از این نظر کسب کنیم. همانگونه که نوشتن «جمهوري اسلامی» امتیازی به مسلمانان نمیدهد، این رأی و خواسته اکثریت مردم بود و نظام مملکت بدون این اداره نمیشود، وما دیدیم که بعضی از برادران غیرمسلمان که در مجلس هستند، آمدند و صریحاً از پشت این تربیون اعلام کردند که آنچه قوانین عادلانه اسلامی تصویب بشود، برای ما اقلیت هم مفید و سودمند است. خوب آنچه هم در فقه شیعه تسبیح حال نوشته شده است، وحدت نظام مملکت را ایجاب میکند و تا کنون هیچ ضرری نداشته است. خود ایشان بگویند که آیا حتی در یک جا از نظر قوانین ضرری دیده اند؟ فکر نمیکنم، قانون اساسی هیچ ضرری تا کنون برای برادران اهل تسنن ایجاد نکرده است، به هر صورت آخرین جمله ای را که بنده میخواستم عرض کنم این است که شاید در این اصل ابهام هائی موجود است البته باید این ابهام ها بر طرف بشود. حداکثر احترام و حق را باید به برادران اهل تسنن بدهیم، فقط یک کاری را نباید کرد و آن این است که قانون متناقضی درست بکنیم و بدلست مردم و نسل آینده بدهیم. (حائزی — چرا کلمه حق را نگذاشتید؟) در جلسات که بحث شد عقیده هائی درباره کلمه «حق» بود بعضی از آقایان عقیده داشتند که کلمه «حق» نوشته بشود و بعضی از آقایان هم میگفتند اگر کلمه «حق» نوشته بشود در صحیطی که عواملی برای سوء ظن وجود دارد ممکن است عامل جدیدی برای سوء ظن باشد. در عین حال این قابل بحث است و قابل رأی گرفتن، بنده هم معتقدم که کلمه «حق» مفهومی ندارد. دیگر عرضی ندارم والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته.

رئیس — آقای دکتر شیبانی بعنوان مخالف صحبت می کنند.

د کتر شیبانی — بسم الله الرحمن الرحيم. بنده با كل این اصل مخالف نیستم ولی یک قسمت هائی از آن بنظر من زائد است زیرا چیزی هم بدلست ما نمیدهد. یکی اینکه نوشته شده این اصل الى الابد غیر قابل تغییر است. در این مورد یک اصل دیگری هم در قانون اساسی سابق داشتیم که چیزی که الى الابد بود حتی در یک مورد هم اجرا نشد و آن شرکت پنج نفر از قوها بود، اگر شیعه باشد خوب حقش را بگیرد و الى الابد هم خواهد بود و دیگر لزومی ندارد که اینجا ما قانون بگذرانیم و عمل نشود، اگر نبود هم که حقی ندارد که الى الابد باشد. یکی هم در مورد رئیس جمهور که نوشته شده «باید دارا و مروج این مذهب باشد» یامردی می طلب هستند و به کسی رأی میدهند که دارای این خصوصیات باشد چون این قسمت مربوط به گروه خود ما میشود که قوه مجریه را تنظیم میکنند آنچه حدود و شرایطی معین کردیم که صالح ترین فرد از طرف مردم به عنوان رئیس جمهور انتخاب بشود، من این را اینجا زائد



میدانیم و این تذکر را هم میدهم که محمد رضا و پسرش هم قاربوده است که دara و مروج این مذهب باشند ولی دیدم که چه مذهبی داشتند. پس ذکر بعضی از مسائل نه تنها فایده عملی ندارد بلکه خود مردم هستند که باید این اصول را اجرا کنند و اگر کسی صالح نبود با آن اصل امری معروف و نهی از منکر و سایر اصولی که تدوین شده باید او را هدایت کنند. بنابراین اصراریه اینکه بعضی چیزها را توی قانون یاوریم ولی بعد عمل نشود نباید باشد. سعی کنیم مردم را طوری تربیت کنیم که صالح ترین فرد را انتخاب کنند واز او حمایت کنند که بتواند که اجرا کند. (حائزی) — با این بیان شما شخص غیر صالح هم میتواند رئیس جمهور بشود) با توجه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر هست جناب آقای حائزی شما که در کمیسیون بودید و در خدمت شما برای رئیس جمهور حدودی معین کردیدم که غیر صالح اصلاً انتخاب نمیشود. (حائزی) — این چه اشکالی است که شما میکنید که عملی نمیشود؟ عرض بنده اینست که جایش اینجا نیست. (همه‌مه نمایندگان) (زنگ رئیس) رئیس — اجازه بدهید صحبت‌شان را بکنند.

دکتر شبیانی — به هر حال پیشنهاد بندۀ اینست که این دو قسم از اینجا حذف بشود و در بورد سایر دوستان مذاهبان دیگر همان‌طور که صحبت شد حقوق‌شان کاملاً رعایت خواهد شد و ماهم اصرار مان براینست که همه مسلمان‌ها یک پارچه شوند و مذاهبان اربعه یک پارچه که شدن‌د جایشان بالای سرمه‌است، اول خودشان که اکثریت هستند این کار را بکنند و این سواله را خودشان اجرا بکنند بعد ماهم که شیعه و دراقلیت هستیم انشاء الله به آنها می‌پیوندیم.

رئیس — آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد — بسم الله الرحمن الرحيم. بندۀ نمی‌خواستم مزاحم شوم ولی چون این اصل یک اصل فوق العاده مهمی است ناچاریکی دو قسم را تذکر میدهم و شاید چیز تازه‌ای هم در این دو قسم پیدا نشود. جناب آقای دکتر شبیانی برادر مان از دادن تذکر دادند بعلت اینکه فلان اصل در این مملکت عمل نشده بنابراین ضرورتی ندارد که در اینجا یاوریم. اتفاقاً سواله مذهب از چیزهایی بوده است که در همان قانون اساسی بوده و عمل هم به آن شده است شما چرا به چیزی تمکن میکنید که عمل نشده است؟ به همین اصل که می‌فرمائید عمل هم شده اضافه براینکه اگر ما بخواهیم این رامعيار قرار بدهیم و بینیم چه مسائلی عمل نشده است اینها را بگذاریم کنار و آنها که عمل شده بنویسیم و به مسائل دیگر هم نپردازیم مطالب در همان حدی است که تذکر داده شده و روی کلمه اسلام بخصوص الان برادران کلیمی، سیمیچی، زرتشتی ما اینجا هستند و مادر کنارشان قرار داریم، اگر سواله مذهب را در اینجا ذکر کردیدم معناش انصهار طلبی باشد، بنابراین اجازه بدهید آنها هم این حق را داشته باشند که از ما بخواهند که انصهار طلبی نکنیم و اسلام را هم حذف کنیم، جزاً اینست که شما اسلام را بخاطر اینکه اکثریت مردم اینجا چنین هستند ذکر کردید؟ خود شما قبل از این اصل رأی دادید که آراء عمومی محترم و متع است و در سواله رهبر روی اکثریت تکیه شده است. چطور ممکن است مادریا را اسلام این منطق را پنذیریم ولی در زمینه مذهب این منطق را پنذیریم و رد کنیم؟ و سواله اینست که خوشبختانه در اینجا برادر مان آقای میر مرازدیزی که اهل بلوچستان هستند در جلسه‌صبح این مطالب را یادآوری کردند که حتی مایک پرونده اختلاف شیعه و سنتی نداریم و یک برخورد نداریم. بنابراین سواله را به آن صورت طرح کردن که عامل اختلاف است صحیح



نیست مگر اینکه ما پنشینیم و بخواهیم از این به بعد آن را القاء بکنیم والا هیچ عامل اختلافی نیست و همانطور که در کشورهای اهل سنت در عین اینکه یک مذهب رسمی دارند، افراد مذاهب مختلف باهم زندگی میکنند در اینجا هم با توجه به گذشته‌ای که داشتیم می‌توانند در کنار هم زندگی کنند و میکنند، اضافه بر اینکه حقوق آنان در اینجا مسلم و محفوظ‌تر از گذشته خواهد بود. فقط مطلبی که خواستم در اینجا یادآوری کنم یکی اینست که من پیش‌هادمیکنم حرف «و» حذف شود و توضیح هم نمیدهم.

رئیس — مثلاً دین رسمی ایران اسلام مذهب جعفری است؟

هاشمی نژاد — بلی اسلام مذهب جعفری اثنی عشری است.

رئیس — این عبارت که درست نیست.

هاشمی نژاد — در گذشته هم بوده است.

رئیس — کجا بوده است؟

هاشمی نژاد — در قانون اساسی گذشته است.

دکتر بهشتی — اشتباه میکنید چنین چیزی نیست.

هاشمی نژاد — چرا در قانون اساسی سابق «و» نداشته آنهم به علتی.

رئیس — آقا دین رسمی ایران اسلام و...

دکتر بهشتی — در متمم قانون اساسی سابق اصلاً طرز عبارت با اینجا فرق میکند و ازاول اینطور شروع میشود که با «و» است. اصل اول از متمم قانون اساسی اینست «مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفری اثنی عشریه است».

هاشمی نژاد — تصور من در این حد بود که از این متن یک مقداری احساس دوئیت میشود، به این علت عرض کردم. (رئیس — «و» اگر نباشد که معنی نمیدهد.) سیار خوب مطلب دیگری که خواستم عرض کنم اینست که مسئله رئیس جمهوری جای طرحش در اینجا نیست و بخصوص با این عبارت و با این قالبی که مسائل گذشته تداعی معانی میشود که باید دارا و مروج این مذهب باشد، ضرورتی ندارد که اصلاً اینجا طرح بشود و بخصوص با قالبی که در گذشته داشتیم با حذف این قسمت که در اینجا رئیس جمهور بجای پادشاه آمدده است. مطلب دیگری که در اینجا خواستم عرض کنم دعاوی مربوط به حاکم شرع و همچنین مقررات محلی است، این دو چیز عباراتش عبارات مبهم است و مبهم بودن عبارات به این دلیل است که آقایان برخاستند و توضیح دادند که مقصود ما اینست و در قانون اساسی باید چیزی نوشته شود که ضرورتی نداشته باشد که پا شوند و توضیح بدهنند تا مراد نویسنده را مشخص کنند. والسلام.

رئیس — آقای طاهری مرقوم فرموده‌اند که «دعاوی مربوط به حاکم شرع رسمیت دارند» این جمله ببهم و غیر روشن است اگر دعاوی باشد که طرفین موافقت کرده‌اند با حاکمیت حاکم شرع حل شود صحیح است و توضیح میخواهد و اگر مطلق دعاوی است بهیچ وجه نمیتواند صحیح باشد.

خامنه‌ای — بنده قبل از نویت گرفته‌ام اجازه می‌فرمایید؟

رئیس — الان نویت خود بنده است، بعد هم آقای بهشتی بعد هم آقای خامنه‌ای هستند خودم دو سه کلمه بیشتر توضیح ندارم.



تهرانی — یک مخالف و یک موافق صحبت کردند کافی است باید به پیشنهاد کفايت مذاكرات رأى بگيريد.

رئيس — با اينكه نوبت خود بنده است صرفنظر ميکنم. آقایاني که با کفايت مذاكرات موافقند دستشان را بلند کنند. (اکثريت دست بلند کردن) تصويب شد. حالا کلمه به کلمه میخوانم و رأى ميگيريم.

مولوی عبدالعزيز — اگر آراء اکثريت معتبر باشد، ما اقلیت ها باید برویم بیرون البته در مورد این اصل عرض ميکنم باید ما برویم بیرون چون شما اکثريت هستید و ما در اقلیت هستیم.

رئيس — حضرتعالی کم لطفی می فرمائید. این اصل با سایر اصول چه فرقی می کند؟ در قانون اساسی سابق اصلا اسمی از مذاهب اهل سنت یا اديان ديگر برده نشده بود.

مولوی عبدالعزيز — آن قانون اساسی طاغوتی بوده و میخواسته اند ما را به جان يكديگر بیندازنند.

رياني شيرازي — قانون که طاغوتی نبوده مردم نوشته بودند، متها عمل نميشد.

رئيس — بسم الله الرحمن الرحيم. «دين رسمي ايران اسلام و مذهب حق» لفظ حق میخواهد یا نمیخواهد؟ بعضی می گفتند میخواهد بعضی میگفتند نمیخواهد.

اشراقی — لفظ حق را میخواهد چون قبله بوده است اگر حذف شود مردم میگويند امروز اين را برداشته اند و فردا ديگري را برميدارند و ما نميتوانيم جواب آنها را بدheim. همانطور که هفتاد سال قبل نوشته بودند، امروزهم باید بنویсим.

رئيس — حقه غلط است باید نوشته شود «حق» کسانیکه موافقند که «حق» نوشته شود، که مثل قانون سابق میشود دستشان را بلند کنند. (عده کمی دست بلند کردن) رد شد. پس لفظ «حق» نیست ولی در واقع حق هست چون جعفری اثنی عشری است.

مکارم شیرازی — اين جوانی است به آقای مولوی عبدالعزيز که اينجا آقایان برای خودشان کار نمی کنند و با اينكه اکثريت شيعه هستند به کلمه «حق» رأى ندادند.

رئيس — آقای مولوی رفقا قبله به من سفارش ميکردن که شيعه که حق است پس چرا لفظی که سبب تحریک میشود، ذکر کنیم؟

مولوی عبدالعزيز — متشرکم.

رئيس — اينجا غفلتی کردم، آقای کياوش نوشته اند چون بنده در تنظیم این اصل بودم کلمه اي افتاده است که ممکن است موجب سوء تفاهم برادران اهل سنت شده باشد اجازه بدهيد آن کلمه را ايشان بگويند، آقای کياوش بفرمائيد.

کياوش — برادران استناد کردن به فرمایش آقای ميرمادر زهی که در طول تاريخ هیچ اختلافی نبوده است حتی يك پرونده. درمنته هم که ما درگروه با آقای مولوی بودیم کوچکترین اختلافی بیش نیامد این اصل را ما نوشتم و خود ايشان هم موافقت کردن و بعد از تماشدن اصل هم همديگر را بوسيدیم که به توافق رسیدیم، متها ايشان نمی خواستند که رسمي بودن را از جلو مذهب شيعه برداریم بلکه آخرین مشکل این بود که آیا بنویсим «اهل تسنن در دعاوي خود شرعی هستند»؟ بنابراین اگر اينجا استناد بشود به اينكه برادران اهل تسنن در دعاوى مربوط به خود رسمیت دارند، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد اگر همین را به رأى



بگذاري مشكل حل ميشود.

صافى - نظريين بود که «حق» هم باشد.

حائرى - راجع به کلمه «حق» هم رأى بگيريد.

اشراقى - با نبودن لفظ «حق» بنده معترضاً از مجلس خارج ميشوم ولی به بقىه اصل معتقدم.

حائزى - برای کلمه «حق» رأى مخفى بگيريد. اين کلمه در زبان طاغوت هم بود و

حالا چرا نباشد؟

رئيس - من خودم رأى دادم که «حق» باشد ازاول ميخوانم: «دين رسمي ايران اسلام و مذهب جعفرى اثنى عشرى است» (رحمانى - يك کلمه «شيعه» هم قبل از کلمه «اثنى عشرى» اضافه کنيد). اجازه بفرمائيد «... و اين اصل الى الابد غير قابل تغيير است». آفای حائزى ما که ميدانيم مذهب جعفرى حق است. نمايندگاني که با اين جمله موافقند دست بلند کنند! (اکثريت دست بلند کردن) تصويب شد. بعضى از آفایان تذکردادند که اينجا بنويسيم «ومشمول اصل يكصد و چهل و هشت نخواهد بود» (بعضى از نمايندگان - مربوط به اينجا نىست) اجازه بفرمائيد در اصل يكصد و چهل و هشت آمده است: «هرگاه اکثريت نمايندگان مجلس شوراي ملي يا رئيس جمهور به پيشنهاد هيأت وزيران لزوم تعجيز نظر در يك يا چند اصل از قانون اساسى را عنوان کنند، طرح يا لا يعده تعجيز نظر از طرف مجلس يا هيأت وزيران تهيه و مورد بررسى مجلس شوراي ملي واقع ميشود. اين متن پس از تصويب سه چهارم نمايندگان مجلس باید توسط رفانندوم مورد تأييد ملت قرار گيرد» و در دنبال آن نوشته است: «اصل اسلامي بودن نظام حکومتى مشمول اين مطلب نىست» اين را آنجا نوشته است، حالا که آنجا نوشته است آفایان کافي ميدانند؟ (هاشمى نژاد - وقتی به آنجا رسيديم باز هم تأكيدمى کنيم) بالاخره پس اينجا لازم نىست. آفای سبحانى بفرمائيد.

سبحانى - ما در اصل چهارم نوشته ايم «کلية قوانين و مقررات مدنى، جزائى، مالى و اقتصادى، ادارى، فرهنگى، نظامى وغیراينها باید براساس موازين اسلامي باشند...» آيا اين سؤال را کفايت نمی کند و آيا همین مقدار که نوشتم «دين رسمي ايران اسلام و مذهب جعفرى اثنى عشرى است» کافي است؟ و نباید در اين اصل چهارم بنويسيم « تمام قوانين و مقررات مملكت باید بطبق اين مذهب باشد»؟ اين مطلب رامن با يك نفر حقوقدان در ميان گذاشتمن او گفت که همین کافي است، بنابراین باید اصل چهارم را با اضافه کردن جمله «مذهب جعفرى اثنى عشرى» تکمیل کنيم.

اگر به اصل چهارم توجه شود، جائى که نوشته است «کلية قوانين و مقررات مدنى، جزائى، مالى... براساس موازين اسلامي باشند...» اينجا باید بنويسيم «طبق اين مذهب باشد» چون مذهب رسمي ايران شيعه است آيا کافي است که بنويسيم تمام قوانين طبق اين مذهب باشد؟

کياوش - آخرین نظر آفای مولوي عبدالعزيز را پيرسيد.

رئيس - بسيار خوب، پيشنهاد آفای موسوى جزايри چنين است «دين رسمي کشور اسلام و مذهب حق جعفرى اثنى عشرى است و اين اصل الى الابد غير قابل تغيير است و کلية قوانين و مقررات مملكتى (مدنى، جزائى وغیره) بر طبق اين مذهب تدوين ميشود ورئيس جمهور باید



دارا و مروج این مذهب باشد و سایر مذاهب در مناطقی که اکثریت پیروان آنها در احوال شخصیه و دعاوی مربوط به حاکم شرع و امثال اینها نیز رسمیت دارند.»

مکارم‌شیرازی — معنای رسمی همین است.

رئیس — یعنی قوانین باید طبق همین باشد.

هاشمی‌زاد — فلسفه «مذهب رسمی باشد» همین است.

سبحانی — این احتیاج به توضیح دارد.

رئیس — آفایان میگویند اگر صلاح است این عبارت اینجا ضمیمه شود «کلیه مقررات و قوانین ... برطبق این مذهب تدوین میشود» و رأی بگیریم (موسوی اردبیلی) — همان جمله صحیح را بخوانید) این همان است.

حجتی کرمانی — این که در متنه نیست چطور میخواهید رأی بگیرید؟

رئیس — آیا لازم است که این جمله اینجا نوشته شود «کلیه قوانین و مقررات برطبق قوانین مذهب تدوین میشود»؟ البته قوانین کشور (ربانی شیرازی) بنویسیم «چنانکه گذشت» که شامل آن هم بشود) کسانیکه با اضافه شدن این جمله موافقند دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) رد شد. بقیه را میخوانم «... رئیس جمهور باید دارا و مروج این مذهب باشد» (صفی) — این در قانون سابق هم بود) کسانیکه با این جمله موافق هستند دستشان را بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) رد شد. بقیه را میخوانم «... مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی دارای احترام کامل میباشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی خود طبق فقه خودشان آزادند ...» چون شافعی‌ها در ایران ظاهراً بیشتر از حنفی‌ها میباشند. اگر به ترتیب کشته ذکر بکنیم شافعی‌ها در ایران بیشتر هستند (ربانی شیرازی) — شافعی در ایران بیشتر است) اگر از نظر تاریخ بخواهیم حساب بکنیم ابوحنفیه و مالک معاصر بودند شافعی بعد بوده است (طاهری) — بین این کلمات واو یا ویرگول بگذارید) بسیار خوب کسانی که با همین متنی که قرائت شد موافقند دست بلند کنند (اکثریت دست بلند کردن) تصویب شد. بقیه را میخوانم «... و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج ، طلاق ، ارث و وصیت) ...» نمایندگانی که با این جمله موافق هستند دست بلند کنند (اکثریت دست بلند کردن) تصویب شد. بقیه را میخوانم «... و دعاوی مربوط به حاکم شرع رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که ...» این یک قدری مبهم است و مشخص نیست (محمد یزدی) — اگر بنویسیم دعاوی مربوط به خودشان مشکل حل میشود). اصلاً در حکومت اسلامی مگر ما غیر حاکم شرع که حاکم کفر باشداریم؟ دیگر همه حاکم‌ها حاکم شرع هستند.

مکارم‌شیرازی — تمام مسائل مربوط به خودشان شامل همه چیز میشود یعنی تمام دعاوی خودشان و یا هرمساله حقوقی و جزائی که طرح دعوا داشته باشند و یا هرمساله اجرائی که طرح میشود آنوقت نتیجه این میشود که ما چند محکمه شرعی و یا دو قانون مدنی داشته باشیم.

رئیس — اینها همه مربوط میشود به احوال شخصیه خودشان . چطور است بنویسیم «و دعاوی مربوط به احوال شخصیه خودشان» زیرا اگر مسائلی راجع به ازدواج و طلاق و در اینگونه امور باشد فقه مذهب خودشان حاکم و درست است. مثلاً حاکم هم که ارث آنها را میخواهد تقسیم کند ، برطبق نظر خودشان باشد.



مکارم شیرازی - توضیح عرض کنم که آیا باید باشد یا حذف شود . بحث برسراینست که این احوال شخصیه (ازدواج ، طلاق ، ارث ، وصیت) در سابق ما یک محکمه شرعی در دادگستری داشتیم و یک حدود اختیاراتی هم داشته است بفرمائید که حال آن محکمه هست و یا حذف شده ؟ اگر آن محکمه نیست ، این جمله را هم حذف کنید .

رئیس - این را شما شرح دادید .
مکارم شیرازی - عرض من تمام نشد ، خواستم بگویم که احوال شخصیه رسمیت دارد والا بنویسید «دعای مریبوط به خودشان» آنوقت باز همان قانون میشود و اسباب اختلاف است .
مولوی عبدالعزیز - بنویسید : « وكلیه دعای مریبوط به دادگستری و مدنی و جزائی رسمیت دارد » .

رئیس - یعنی پنج مطلب .
ربانی شیرازی - یعنی پنج نظام باید داشته باشیم .
حجتی کرمانی - اگر دونفر باهم نزاع داشته باشند باید بروند پیش دادگاهی که قاضی آن شیوه باشد یا در دادگاه خودشان تکلیف این امر باید روشن شود که اگر دعوا این مطرح است باید طبق فقه مذاهب اربعه باشد ؟

رئیس - اگر نزاعی راجع به (ارث و وصیت و ازدواج و طلاق) پیش آمد و به قاضی شیعه مراجعه کردند ، در اینجا قاضی برطبق فقه خودشان حکم می کند ولی اگر مریبوط به امور جزائی باشد ، اینجا حاکم شیعه حکم می دهد .
مولوی عبدالعزیز - من خود در سیستان و بلوچستان حاکم شرع هستم و از دادگستری حکم دارم تمام ازدواجها ای که انجام شده به تهران فرستاده ام مثل تمام مسائلی که مریبوط به خود ماست اعم از حقوقی و جزائی و مدنی .

رئیس - این در احوال شخصیه بوده .
دکتر شبانی - بنویسید «دعای مریبوط به آن» .

مولوی عبدالعزیز - ما نمی خواهیم که شیعه طبق فقه ماعمل کنند ، مایخواهیم که اهل تسنن در معاملات و خرید و فروش طبق فقه خودشان عمل نمایند .

رئیس - آقای مولوی عبدالعزیز ، اگر متداعیان یکنفر حنفی و یکنفر شافعی باشند چون در ایران شافعی زیاد است ، تکلیف این دونفر چیست ؟ اگر نزاعی بین این دونفر افتاد باید طبق کدام فقه حکم داد ؟ (مولوی عبدالعزیز - در ایران شافعی و حنفی نیست) اگر باشد بسر طبق کدام فقه حکم میدهد ؟ (مولوی عبدالعزیز - دعوا را به قاضی مالکی و یا به قاضی شافعی رد می کند) .
رئیس - چطور است بنویسیم : « ... و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج ،

طلاق ، ارث و وصیت) و دعای مریبوط به آن رسیت دارد » ؟

حیدری - خود این عبارت که الان هست بهتر است . آقای مولوی عبدالعزیز هم همینظرور سی گویند آقایانی هم که نوعاً از مناطق اهل تسنن هستند خودشان قاضی تحقیق دارند .

رئیس - در ایران شافعی زیاد است حنفی هم زیاد است اگر یک شافعی و یک حنفی نزاعی داشتند قاضی طبق احکام کدام فقه رأی صادر میکنند ، و باید کجا بروند ؟

مولوی عبدالعزیز - آنها اختیار دارند هر چاکه می خواهند بروند .

رئیس - پس میتوانیم : « ... و احوال شخصیه (ازدواج ، طلاق ، ارث و وصیت) و



دعاوی مربوط به آن رسیدت دارد» آقایانی که با این جمله موافقت دارند دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد.

مولوی عبدالعزیز — و به آخر آن اضافه کنید «... و در دعاوی حقوقی وجزائی مربوط به خودشان »

رؤیس — رأی گرفته شد و تصویب شد بقیه را میخوانم «... و در هر منطقه‌ای که پیروان هریک از این مذاهب اکثریت داشته باشند مقررات محلی...» در پیش نویس قبلی نوشته بود «مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهما برطبق این مذاهب خواهد بود» ولی در اینجا اینطور ادامه دارد «... برطبق این مذاهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب» (مکارم — اشکالی ندارد خوب است) (ربانی شیرازی — مقررات محلی نمیخواهد شوراهما را بگذارد). در هر منطقه‌ای که پیروان هریک از این مذاهب اکثریت داشته باشند مقررات خودشان اجرا میشود. (مولوی عبدالعزیز — بنویسید) «در دعاوی حقوقی وجزائی مربوط به خودشان رسیدت دارند و در هر منطقه...» آن جمله که تصویب شد این مقررات محلی معنی اش چیست؟ غیر از معلم و تربیت دینی چه مرادی دارد؟ چطور است بنویسیم «مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهما» آقای پرورش بفرمائید.

پرورش — آنروزی که در کمیسیون در مورد «مقررات محلی» بحث میشد یک مسأله‌ای را برادران در مورد کلاسهای مدرسه عنوان کردند زیرا ممکن است که در یک کلاس عده‌ای سنی و عده‌ای شیعه باشند، در این مورد چه باید کرد؟ بچه شیعه فقه خودشان را بخواند و طفل سنی فقه خودشان را؟ برای رفع این محتضو ویرای تفکیک این امور، این جمله «مقررات محلی» اضافه شده است و در اینجا ذکر کرده‌اند.

رؤیس — ظاهراً این لفظ برای آن جهت نبوده. آقای مکارم شیرازی فرمایشی دارید؟ بفرمائید.

مکارم شیرازی — صلاحیت شوراهما در امور فرهنگی و عمرانی و همچنین بهداشتی است. مثلا در کرستان شورا می‌شنیند و میخواهد یک عوارضی برای شهر وضع کند، آنها ممکن است عوارض شهر را بخواهند در حدود زکات، از نظر مذهب خودشان که یک چیزهای خاصی تعلق میگیرد منظور کنند، اینها دستشان از نظر وضع عوارض محلی وصنفی و مسائل فرهنگی مربوط به مذهبشان باز است زیرا یک منطقه است که مذهب دخالت در این مناطق دارد ما این را بطور کلی گفتم و این یک امتیازی است که باید باشد. (مولوی عبدالعزیز — شوراهما را ما نمیدانیم که اختیاراتش قدر است، ما شوراهما را نمیخواهیم). آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — توجه بفرمائید وقتی میگویند «مقررات محلی» منظور چیزهایی است که انجمنهای شهرستان یا استان وغیره حق تصمیم‌گیری در باره آنها را دارند، اما وقتی مقررات مربوط به همه باشد میگویند مقررات کشوری و این خیلی روش است و دیگر چیز اضافه‌ای نمیخواهد «مقررات محلی» تکلیف شخص است زیرا اختیارات را که در قانون اساسی نمی‌نویسند اختیارات را قانون تشکیل شوراهما روشن میکند.

یکی از نماینده‌گان — معنی «مقررات محلی» چیست؟

دکتر بهشتی — یعنی هرچیزی که طبق قانون اساسی وقواین بعدی که براساس آن تصویب میشود واجازه داده‌اند مقامات ویا انجمنهای محلی درباره‌اش تصمیم‌گیرند، به‌این



میگویند مقررات محلی.

رئیس — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — چرا صریحاً نتویسیم که شورا در این باره عمل کند؟

رئیس — آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — معنی شوراها این است که یک اختیاراتی به مردم منطقه داده میشود، اگر شوراها را ما برداریم مثل دولت مرکزی سابق میشود که همه تصمیم‌ها را در مرکزی گرفتند، اما وقتی که ما «در حدود اختیارات شوراها» را بگذاریم یعنی آن اختیاراتی که در شوراها هست در مقررات محلی رعایت خواهد شد.

رئیس — آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی — با آقای مفتی زاده هم وقتی صحبت‌می کردیم به این مسأله شوراها خیلی تأکید داشت که باشد.

مولوی عبدالعزیز — مذهب را با شوراها قاطی نکنید.

رئیس — شوراها در قانون هست و عملی خواهد شد، مسلماً وقتی که یک شورای محلی تشکیل بشود و مقرراتی را میخواهند بگذرانند بالاخره باید براساس یک قوه این مقررات بگذرد و بنفع شما است که این شوراها باشد. خوب عبارت این شد «مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بطبق این مذاهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب» کسانی که با این ترتیب موافقند دست بلند کرند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — یک اشکال عبارتی است «طبق این مذاهب خواهد بود» یعنی بطبق آن چهار مذهب خواهد بود یا هر مذهبی؟ ولی اگر به این ترتیب باشد بهتر است «پیروان هریک از این مذاهب اکثربت داشته باشند مقررات محلی بطبق آن مذهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

رئیس — این واضح است که در کردستان نمی‌آیند مذهب حنفی را پیاده کنند. حالا متن نهائی را با توجه به عبارت پیشنهادی آقای خزعلی می‌خوانم:

اصل ۱۲ (اصل دوازدهم) — دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الى الابد غیر قابل تغیر است و مذهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذهب در انجام مراسم مذهبی خودطبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن رسیدت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هریک از این مذاهب اکثربت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بطبق آن مذاهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

حالا به مجموع این اصل با ورقه رأی می‌گیریم.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

رئیس — عده حاضر در جلسه پنجه و هفت نفر، این اصل با پنجه امدو رأی موافق، دو رأی مخالف و سه رأی ممتنع تصویب شد تکمیر. (حضر ارسه مرتبه تکمیر گفتند) اصل بعدی را مطرح می‌کنیم.



۴- طرح اصل ۱۳

اصل ۱۳ - ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی تنها اقلیتهای رسمی شناخته میشوند که طبق مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بروطیق آئین خود عمل کنند.

دکتر شیبانی - بعد از کلمه رسمی «دینی» اضافه شود.

رستم شهرزادی - پیشنهادی داریم که بجای کلمه «اقلیتها» گفته شود «جوامع» به این صورت «تنها جوامع رسمی دینی کشور شناخته میشوند».

رئیس - از آقای دکتر بهشتی خواهش میکنم جلسه را اداره کنند.

۵- ادامه جلسه به ریاست آقای دکتر بهشتی نایب رئیس

(در این موقع آقای دکتر بهشتی بجای آقای منتظری اداره جلسه را بعهده گرفتند.)
نایب رئیس - آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی - بنده یک پیشنهاد دارم و یک پیشنهادهم خود آقایان داده اند.

نایب رئیس - پیشنهادی از طرف آقایان اقلیت های دینی رسیده که قرائت میکنم:

«ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی جوامع رسمی دینی کشور شناخته میشوند و در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بروطیق آئین خود عمل میکنند و در تعلیم و تعلم و فرهنگ و زبان خود و تشکیل شوراهای دینی و قویی از حمایت قانون برخوردارند». این چیزیست که آقایان نوشته اند. این پیشنهادهم به اضای آقای ربانی شیرازی است «ایرانیان مسیحی، کلیمی و زرتشتی در انجام مراسم دینی خود طبق مقررات اسلامی آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بروطیق آئین خود عمل میکنند».(یزدی-در هر صورت کلمه «تنها» را لازم دارد). حالا آنچه را که در خود متن هست یکبار دیگر میخوانیم: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای رسمی شناخته میشوند» این جمله «تنها اقلیتهای رسمی» گویا نیست و حتماً یک کلمه «دینی» میخواهد و بدون آن اصلاً معنی پیدانمی کند و برای اینکه با وحدت دین رسمی هیچگونه شائبه منافات نباشد «دین» را بعد از «رسمی» آوردیم.(دکتر ضیائی - کلمه «رسمی» حذف شود و نوشته شود «از جوامع دینی ایران هستند») آقای حجتی کرمانی بفرمائید.

حجتی کرمانی - نامه ای از طرف اقلیت صابئین ایران رسیده و درخواست کرده اند نام آنها با استناد به آیه «ان الذين آمنوا والذين هادوا والنصاري والصابئين...» هم ذکر شود.

نایب رئیس - اجازه بفرمائید اول یک توضیحی داده بشود آنوقت دوستان صحبت کنند، اول باید بیبنیم منظور از این اقلیتهای رسمی چیست؟ منظور این است، یکی اینکه میتوانند بطور رسمی بعد داشته باشند، دیگر اینکه تعلیمات دینی داشته باشند و در انجام مراسم دینی خودشان هم آزادند و در احکام شخصیه هم تابع احکام دینی خودشان باشند، ولی یک چیز دیگر هم وجود دارد و آن اینست که بروطیق آنچیزی که تا بحال عمل شده هر اقلیتی صرف نظر از تعداد افرادش یک نفر نماینده در مجلس داشته است و در انتخابات بعدی می گوید که اگر عده شان بیش از یکصد و پنجاه هزار نفر شد برای هر یکصد و پنجاه هزار نفر بعدی هم یکنفر نماینده جدالگانه داشته باشند (ربانی شیرازی - بعد داشتن رسمی نیست، قانونی



است) من پیشنهاد می کنم اگر کلمه «رسمی» را برداریم و بجاویش «قانونی» را بگذاریم درست میشود یعنی بنویسیم «اقلیت های دینی قانونی شناخته می شوند» آقای ضیائی بفرمائید.

دکتر ضیائی — مکرر تذکر داده اند که این کلمه «اقلیت» را از سرما بردارید.

نایب رئیس — اشکال ندارد بنویسید «جوابع دینی قانونی» اگر ما بخواهیم بنویسیم «تنها جوابع دینی» قید غیر اسلامی را لازم دارد و ناچاریم بنویسیم «تنها جوابع دینی غیر اسلامی قانونی هستند» اگر از نظر آقایان این تعییر اشکالی ندارد بنویسیم . یکی از دو راه هست یا باید نوشت «تنها اقلیتهای دینی قانونی هستند» و یا باید نوشت «تنها جوابع دینی غیر اسلامی قانونی هستند» اول باید دید از نظر خود این آقایان از میان این دو تعییر کدام متناسبتر با آرمانها یشان می باشد و همان را انتخاب کنیم . آقای دانش راد بفرمائید.

دانش راد — بنده میل ندارم که این «غیر اسلامی» گذاشته شود، تمام قوانین در قانون اساسی را عمل می کنیم بجز اصول شخصیه بنا براین در اینجا این «غیر اسلامی» خواهیند و صحیح نیست.

دکتر ضیائی — وقتی گفتیم کلیمی ، زرتشتی و مسیحی یعنی غیر اسلامی است .

رستم شهرزادی — نوشته شود «تنها جوابع دینی قانونی کشور».

نایب رئیس — عبارت قانون باید دقیق باشد و این را نمی شود گفت زیرا یک نوع اشکال بوجود می آورد و لفظ «غیر اسلامی» را لازم دارد .

حالاتیان — در مورد این جمله بخصوص بنده پیشنهاد می کنم نوشته شود «جوابع قانونی دینی غیر اسلامی».

ظاهری اصفهانی — من معتقدم همینطور که پیشنهاد شده خوبست ولی آقایان نمایندگان اقلیت مثل اینکه استیحاش دارند، این یک لفظ زننده و موہنی نیست لفظ اقلیت در برابر اکثریت است و لفظ اقلیت های رسمی اگر باشد اشکالی ندارد و طبق مقررات اسلامی در تمام مراسم دینی خود آزاد خواهد بود .

نایب رئیس — آقای بنی صدر بفرمائید .

بنی صدر — عرض کنم که کلمه اقلیت زیاد هم بدنیست ولی اگر بخواهید «جامعه» هم می شود گذاشت ولی «غیر اسلامی» لازم است یعنی اینطور بنویسیم «ایرانیان زرتشتی ، کلیمی و مسیحی تنها جامعه های رسمی شناخته می شوند که برطبق مقررات اسلامی...»

نایب رئیس — جامعه ها که اشکالی نداشت گفتیم «ایرانیان زرتشتی ، کلیمی و مسیحی تنها جوابع دینی قانونی شناخته می شوند».

بنی صدر — در این متنی که اینجا است چنین چیزی نیست بنابراین بنویسید «تنها جوابع رسمی شناخته می شوند».

نایب رئیس — جامعه رسمی یعنی چه ؟

بنی صدر — یعنی زرتشتی یعنی کلیمی ، یعنی مسیحی .

نایب رئیس — اگر یک جمعیتی تشکیل شد بگوئیم غیر قانونی است و فقط اینها قانونی هستند؟ مثلاً اگر یک جامعه لیرالیسم تشکیل شد بگوئیم غیر قانونی است؟ اگر قید «دینی» نباشد نمی توانیم بگوئیم که اینها تنها جامعه های قانونی هستند . پیشنهادی ازطرف آقای مدنی رسیده که فرائت می کنم:



« ایرانیان مسیحی ، کلیمی وزرتشتی تنها اقلیتهای دینی شناخته شده هستند. »
 مدنی — بنده میخواهم بگویم « اقلیتها » لازم است به جهت اینکه اگر بنویسیم « ایرانیان
 زرتشتی ، کلیمی و مسیحی مذاهب رسمی هستند » معنایش اینست که اسلام رسمی نیست ، پس
 بایدیا « غیراسلامی » را بگذاریم و یا بنویسیم « تنها اقلیتهای دینی هستند » ، اما اگر کلمات دیگری
 اختفای کنیم ، صحیح نخواهد بود .

۶— پایان جلسه

نایب رئیس — بنده فکر می کنم باید به تمام نمایندگان اقلیت که در مجلس هستند وقت
 بدھیم که درباره مطالب خودشان توضیح بدهند . بنابراین ادامه بحث را به جلسه بعد موکول
 می کنیم . جلسه بعد پس فردا سه شنبه ساعت دهونیم صبح خواهد بود و بر حسب قراری که
 داشتیم تا وقت نماز مغرب جلسه ادامه پیدا خواهد کرد بنابراین جلسه را ختم می کنیم .
 (جلسه ساعت نوزده و پانزده دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمدحسینی بهشتی





جلسه نوزدهم

صورت مسروج مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ده و چهل دقیقه روز ۷ شهریورماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با پیست و ششم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد

فهرست مطالب

- ۱- اعلام رسیت جلسه و قرائت صورت اساسی نمایندگانی که در جلسه قبل خیبت یا تأخیر داشته اند
- ۲- طرح مسائل متفرقه
- ۳- طرح و تصویب اصل ۱۳ (اصل سیزدهم)
- ۴- پایان جلسه





۱- اعلام رسمیت جلسه و قرائت صورت اسامی نمایندگانی که در جلسه قبل غیبت یا تأخیر داشته‌اند

نایب رئیس — عده حاضرین برای رسمیت جلسه کافی است. اسامی غائبین جلسه قبل قرائت می‌شود.

غائبین آقایان: خادمی، سحابی، موسوی تبریزی.

نمایندگانی که تأخیر داشتند آقایان: آیت‌سی و چهار دقیقه، بنی‌صدر هفتاد دقیقه، حائری سی و چهار دقیقه، فاتحی بیست و پنج دقیقه، فارسی سی و چهار دقیقه، کریمی بیست و هفت دقیقه مقدم مراغه‌ای صصت و نه دقیقه، موسوی اردبیلی سی و شش دقیقه، موسوی جزایری بیست و شش دقیقه، میرمراد زهی سی و هفت دقیقه، نبوی بیست و دو دقیقه، نوربخش سی و هفت دقیقه و خانم گرجی نود و چهار دقیقه.

۲- طرح مسائل متفرقه

نایب رئیس — بسم الله الرحمن الرحيم. امروزیا مقدار کاری که با کمک دولستان آماده شده این توفیق را داریم که صبح جلسه فوق العاده علنی داشته باشیم و عصرهم همین‌طور و برای صبح و عصر هر دو دستور جلسه آماده شده است. اگر به همین منوال این توفیق را داشته باشیم که در ساعت‌ها اول صبح قبل از ساعت ده‌ویم برای دوچله، دستور جلسه آماده کنیم قطعاً سرعت کار مطلوب خواهد بود. دستور جلسه صبح، این اصولی است که تحت عنوان دستور جلسه روزیست و هفتم شهریورماه هزار و سیصد و پنجاه و هشت، چند ورقه خدمت دولستان داده شده که شماره ترتیب چاپ آن چهل و شش است و این یک طرح است نه دستور جلسه ویشندها داده شده، اصلی که حالا مطرح است اصل سیزدهم است. آقای بشارت فرمایشی دارید بفرمائید.

بشارت — بنده تذکری دارم و آن اینکه ضرورت نطق‌های قبل از دستور و بعد از دستور کاملاً احساس می‌شود، مخصوصاً با تبلیغات ناآگاهانه یا مغرضانه‌ای که علیه ولايت فقیه می‌شود. ولویکنفر ده — پانزده دقیقه صحبت کند یقیناً برای اینکه ملت در جریانات این مطلب باشند، مفید است. پس باستثنی نطق قبل از دستور یا بعد از دستور عملی شود و دیگر اینکه بعضی از نمایندگان سه‌چهار جلسه غیبت دارند و فعالیت‌های دیگری دارند اینها چرا نباید طبق آئین نامه رفتار کنند و چرا نباید تنبیه و جلوگیری شود؟ الان موکلین ما خیلی ناراحت هستند و تلفن می‌کنند و می‌گویند اگر قرار است در خارج از ایران تحریکاتی داشته باشیم اجازه بدهید سه‌چهار روز از ایران برویم موضوع را روشن کنیم، تبلیغ کم است و درباره ولايت فقیه سپاهشی ها می‌شود. بنابراین اجازه بدهید در نطق‌های قبل از دستور برادران عمیقاً صحبت بکنند تا مردم در جریان باشند و تلویزیون هم حتماً پخش کند.

نایب رئیس — نطق قبل از دستور برای جلسات عصر محفوظ است ولی برای جلسات



فوق العاده مرسوم نیست. عصر همین کار را خواهیم کرد وحداقل دونفر می‌توانند نطق قبل از دستور داشته باشند و ساعت شروع جلسه بعد از ظهر ساعت چهار است، پریروز بخطاطر این حذف کردیم که اولین روزی بود که اعلام کردیم بودیم ساعت چهار جلسه داریم و شاید دوستان قبل اقرار گذاشته بودند، به هر حال نتوانستند طوری بیان یابند که ساعت چهار عده حاضرین در جلسه بحدنصاب بررس و لی امیدواریم از امروز به بعد باسابقه قبلی، عصرها ساعت چهار دوستان تشریف داشته باشند که تاسعات چهارونیم بتوانیم نطق قبل از دستور داشته باشیم. (دکتر شیبانی - من اولین نفری هستم که اسم نوشته ام و آگر عصر وقت شد، اولین نفری خواهم بود که صحبت می‌کنم.) بله، روی نوبت صحبت میفرمایید، ولی اسم حضرتعالی در اول نیست. آگر نظرتان باشد در آئین نامه نوشته ایم که لیست های قبلی برای جلسه بعد اعتبار دارد، تا حالا اسم حضرتعالی نیامده و نفر سی ام اینجا نوشته شده است واز این سی نفر، سه نفر صحبت کرده اند و بقیه مانده است، آقای یزدی مطلعی دارید؟

یزدی - در رابطه با مسئله ای که آقای بشارت گفتند آگر اصلی از تصویب گذشت آیا بعد از آن همه صحبتی که هم در جلسات مشترک و هم در جلسات عمومی شده، باز یک نماینده حق دارد درباره آن اصل در خارج صحبت کند و حتی نسبت بدنه به مرحوم آیت الله طالقانی که ایشان مخالف بودند؟ در صورتیکه شخصاً که با ایشان صحبت میکردم موافق بودند. آیا این اصولاً حق است یانه؟

نایب رئیس - این همه سوال کم کم نطق قبل از دستور است.
ربانی شیرازی - یک عده ای که مخالف هستند کارشان این است که بروند بیرون و در نظر مردم این قانون را سست کنند و این هیچ درست نیست. مثل اینکه توطئه ای در کاراست.
طاهری اصفهانی - آگر ما در مجلس خبرگان ایستاده باشیم مسئله ای نیست ولی آگر بخواهیم آبروی این مجلس که آبروی موکلین و بالنتیجه آبروی ایرانیان است، محفوظ باشد در این مورد شدیداً باید ایستادگی کرد.

ربانی شیرازی - به مردم اخطار می‌کنم آنها که با این ماده و این اصل موافقند تظاهرات کنند تا معلوم شود که اکثریت چه کسانی هستند و چه چیز را میخواهند.

موسوی قبریزی - من حدس میزنم برای بعد که این قانون اساسی را میخواهیم به رفاندوم بگذاریم، توطئه ای در کار است. کسانیکه خودشان به قانون اساسی رأی می‌دهند توطئه می‌کنند که فردا این اصولی را که اصول سعادت ملت ما و سعادت ملت‌های مسلمان است، متزلزلش بکنند و من خواهش می‌کنم شما بعنوان نایب رئیس و آقای منتظری بعنوان رئیس این اشخاص را مشخص کنید چون ممکن است سخنانشان را از طریق رادیو و تلویزیون دوستبه پخش کنند پس این را تذکر بدهید، والا خودمان وارد عمل میشویم. هر کس بخواهد برعلیه قانون اساسی و انقلاب اسلامی ایران توطئه کند، ما مستقیماً می‌توانیم جوابش را بدھیم و من خواهش میکنم جلو این توطئه را گرفته و بموضع تصمیم مقتضی را بگیرید.

نایب رئیس - عنایت بفرمایند، عرض می‌شود که یک مسئله ای اینجا داریم و یک وظیفه بعنوان خبرگان و نمایندگان منتخب مردم و آن کوشش برای بررسی هرچه عینیق تر و تصویب هرچه سریعتر اصول قانون اساسی است و هر یک از این رویدادها حجتی است از طرف خداوند بر ما که بجای هر کار دیگر سعی در تسریع و عمیق تر بودن این کار بکنیم، که فدای



مسئله دیگری نشود، گفتگوهای انحرافی را باید صرفنظر کرد، امروز یکی از برادران میگفت با توجه به این مسئله بنا دارم آن چیزی را که ضروری حس میکنم با کوتاهترین بیان بگویم. البته ما در اینجا وقتمن را صرف میکنیم که هرچه عمیق‌تر ولی سریعتر اینکار را تمام کنیم، اینها خودش نشانه ضرورت این مطلب است، یک وظیفه‌ای هم داریم برای توضیح مطالب برای مردم، این لزومی ندارد که از اینجا باشد، دستگاه رادیو تلویزیون موظف است که در پاسخ اینگونه مطالب که آنجاها منتشر و پخش میشود اگر دوستان مطلبی داشته باشند آنرا هم پخش کنند. اگر به وظیفه خودشان بر طبق شرایط عدل عمل کردند که بحث نیست زیرا رادیو تلویزیون پاید محل عرضه افکار باشد و مردم بشنوند و انتخاب احسن کنند اگر هم عمل نکردند مثل یک دستگاه مختلف دیگر، در مملکت مرجعی وجود دارد که تخلفات اینگونه دستگاه‌ها با آن مرجع در میان گذاشته شود و از او خواسته شود جلوی آن تخلفات را بگیرد.

ربانی شیرازی — اگر آن مرجع رسیدگی، جزء خود آن دستگاه نباشد، چون مراجع رسیدگی هم توطئه میکنند.

صلدقی — پاسخ ندادن و سکوت کردن نمایندگان مجلس، عملی بسیار سیار نازباست و بدتر از آن این است که بروند و به نام اینکه میخواهند سخنرانی امام خمینی را پخش کنند، بر ضد قانون اساسی که چند ساعت در اطرافش صحبت و بحث شده مطالبی بگویند و چنین وانمود کنند که این اصل یکی از اصول بیمورد و بیپایه‌ای است که حساب ندارد. این معنی ندارد که شما سکوت کنید، باید از حقтан دفاع کنید.

نایب رئیس — آقای مراغه‌ای فرمایشی دارید؟ (مقدم مراغه‌ای — اگر اجازه بفرمائید بیایم پشت تربیون). خیر! اگر مطلبی دارید مثل سایرین از همانجا فرمائید. (مقدم مراغه‌ای — اخبار مجلس خبرگان منتشر نمی‌شود، اگر اجازه بفرمائید بیایم پشت تربیون، مطالبی دارم که خیلی اساسی است و باید صحبت کنم). از همانجا صحبت کنید. (مقدم مراغه‌ای — اگر اجازه ندهید بیایم در محل نقط، از اینجا صحبت نمی‌کنم) (میرمرادزهی — صندلی نمایندگان که جای صحبت کردن نیست). آقای مرادزهی، اگر قرار است چند کلمه‌ای تذکر بدنهن از جای خود میدهند، درست است که محل نقط برای صحبت کردن است ولی آیا بر طبق برنامه با بدون برنامه؟

رشیدیان — مسئله این است که مسائلی که اینجا مطرح می‌کنیم همه میدانند که ده — دوازده ساعت رویش بحث و گفتگو میشود بطوریکه وقتی تمام می‌شود خسته و کوفته بیرونیم، آنوقت آقائی که خودش در مجلس بوده و تمام گفتگوهای نمایندگان را شنیده و جوابهای قاطع و لازم و قانع کننده را نیزشنیده میبرد بیرون و علناً مطالب را مسخ می‌کند و به دنبال اینکه فرمودید مجلس سوردادهای قرارگرفته است، اضافه می‌کنم یک نفر اگر با آیت‌الله طالقانی چای خورده فردا هزار نوع خدای نکرده تهمت می‌بندد و مردم خیال می‌کنند که ما از روحانیت و مراجع و علماء و از قرآن بریده‌ایم. این مسئله برای گروههایی که ضعف ایدئولوژیکی دارند، به هر حال باید روشن بشود. ما خیلی عجله داریم که هرچه زودتر قانون اساسی تصویب شود تا مردم از سرگردانی بیرون بیایند و دولت هم از قوانین طاغوتی دست بردارد، اما ما دست از ضرورت نمیتوانیم برداریم و از آن بگذریم، این مسئله ضروری است الان تمام وسائل ارتباط جمعی در مقابل مجلس خبرگان قرار گرفته‌اند آن روزنامه هرچه تهمت میزند ما همینطور سکوت می‌کنیم



چرا سکوت؟ اینها تهمت میزنند، یعنی چه؟ برای سه و نیم میلیون نفر دارند صحبت می‌کنند، آنوقت مسائلی که اینجا بحث میشود در اطاقهای درسته بماند؟ بنده با توجه به اینکه با رفقاً صحبت کرده‌ام معتقدم که باید تمام این مسائل روشن شود و تمام زوایا و ابعاد آن برای ملت روشن شود. (مقدم مراغه‌ای — بنده قانع نشدم و مطالبی داشتم که می‌بایستی به عرض میرساندم).

نایب رئیس — آقای مقدم مراغه‌ای بفرمایید بشینید، بر طبق نظم جلسه نمایندگان باید مطالباً شان را اظهار کنند، آقای حجتی بفرمایید.

حجتی کرمانی — با استناد به آیه «ولاتجادلوا اهل الكتاب الابالى هى احسن» من نمی‌توانم منکر بشوم که برادران ما گاهی اشتباهاتی انجام میدهند، بنابراین بهتر است با اینها با قیافه خصمانه رفتار نکیم بلکه با رفاقت و دوستی مسئله را حل کنیم و گرنه آنها بروند علیه کار این مجلس در هر جا سخنرانی کنند و ما جواب ندهیم و همینطور این مسئله در پنهان کشور مطرح بشود، یک کشاکش عمومی بوجود می‌آید که به مصلحت اقلاب و اسلام نیست. باید این دوستانی را که نظر مخالف با اکثریت دارند از طرف هیأت رئیسه بخواهیم و از طریق خیرخواهی با آنها صحبت کنیم تا انشاء الله مسئله حل بشود.

نایب رئیس — پیشنهاد من این است که سه نفر از دوستان را انتخاب کنید، این سه نفر با یک یا دو یا سه نفر از دوستانی که در این زمینه نظر دیگری دارند، در اولین فرصت یک گفتگوی رادیو تلویزیونی داشته باشند و همانجا مسائل را متقابلاً برای هم‌دیگر بگویند و بشنوند و ملت هم گوش کنند، این خیلی بهتر است.

مقدم مراغه‌ای — حضرت امام فرمودند که می‌نشینند در اطاقهای درسته و قانون تنظیم می‌کنند. تریبون و میکروفون جلو شما هست و شما هر وقت می‌خواهید صحبت می‌کنید و شما مثل استاد و ما مثل شاگرد مدرسه نشسته ایم گوش میدهیم، این مجلس نیست فرصت بدید مخالف و موافق صحبت کنند و مخالف حرفهایش در جامعه شنیده شود، نه اینکه بخواهید صدایشان را خفه کنید. کدامیک از حرفهای مخالفین را در رادیو تلویزیون پخش می‌کنند؟ آن شب در رادیو تلویزیون مطالب شما که موافق بودید و مطالب من هم که مخالف بودم هیچ‌گدام پخش نشد، برای همین موضوع سوءتفاهم بوجود آمده است.

نایب رئیس — ملاحظه بفرمایید که آن شب نه سخن بنده را پخش کردند نه سخن شما را.

مقدم مراغه‌ای — خودتان چقدر صحبت کردید و چقدر به دیگران فرصت دادید صحبت کنند؟ مقام ریاست باید بیطرف باشد و به نمایندگان فرصت بدهد حرفشان را بزنند.

نایب رئیس — بنده از اول این جلسه تا حالا، بعنوان نمونه، جز در جهت نظم دادن به کارمان آیا سخنی گفته‌ام؟ طبعاً به خاطر اینکه هیجانی در جلسه حکم فرما است بنچار صحبت می‌کنم. کسی که نمی‌تواند بدون صحبت جلسه را اداره کند، اگر بفرمایید من درجهت دفاع یا رد مطلبی بعنوان مسئول جلسه چیزی می‌گوییم، چنین چیزی نیست. من اگر صرفاً بخطاب دفاع از مطالب در اصول قبلی صحبت کرده‌ام، بعلت مسئولیتم در گروه اول بود و گرنه دیروز و پریروز که اینجا بودم اصلاً صحبت نکردم، اما بعنوان مسئول جلسه در جواب افراد و دوستانی که نظری دارند، اعتراضی دارند، تذکری دارند، توضیحی لازم دارند عرايضی می‌کنم. خوب



بنابراین بهتر است کار جلسه‌مان را ادامه پدھیم و سریعتر برویم جلو و با یک گفتگوی رادیو تلویزیونی مسائل را روشن کنیم.

پرورش — آقای مراغه‌ای بعنوان شاگرد از ما نام بردند باید حرفشان را اصلاح کنند.

۳— طرح و تصویب اصل ۱۳ (اصل سیزدهم)

نایب رئیس — اصل سیزده مطرح است، دریاره اصل سیزده قرار بودنمايندگان محترم زرتشتی و سیاسی و کلیمی که در مجلس حضوردارند، اینجا بیایند و نظرشان را بگویند و صحبت کنند تا بتوانیم با حضور ذهن بیشتر نسبت به خواسته هایشان اقدام کنیم با اینکه در گروهها هم صحبت شده، آقای دکتر اوشانا بفرمائید.

دکتر بیات اوشانا — بنام خدا، با اجازه هیأت رئیسه محترم، نمايندگان گرامی، اصلی که امروز بنام اصل حقوق اقلیت‌ها مطرح است واقعاً آنقدر مسأله ساده‌ای است که ایجاب می‌کرد هیچیک از نمايندگان اقلیت‌ها و اینجانب با عنایتی که به عظمت انقلاب ملت ایران و به رهبری انقلاب ملت ایران داشته‌ایم، بعنوان توضیح آن و یا دفاع از حقوق خود مصدع خاطرآقايان نباشیم و چند دقیقه‌ای وقت مجلس را نگیریم. ولی خود بخود جریان اینطور پیش آمد، چون بعضی از دولستان بروی لغات و بعضی عناوین از نظر در آنها در این اصل حساسیتی داشتند، باعث شد برای روشن شدن اتفکار دولستان ارجمند چند دقیقه‌ای وقت شما را بگیرم. خدمتتان عرض کردم اگر بخواهیم از حقوق اقلیت‌ها صحبت کنیم یک چیز زائدی است برای اینکه ملت مالاقدیم با این اقلیت‌ها زندگی کرده است و برای آنها حقوق بسیار با ارجی راشناخته است. اقلیت‌هایی که اینجا نماینده دارند یا بعضی‌ها که نماینده ندارند بیش از سه هزار سال است در ایران ساکنند و زندگی می‌کنند. آشوری‌ها بیش از سه هزار سال و ارامنه بعیده من در حدود دوهزار و هفت‌صد سال است که در این مملکت ساکنند و قبل از آن هم که سرحدات مملکت به اینجا نرسیده بود، باز ساکن بوده‌اند. کلیمی‌ها در حدود دوهزار و هفت‌صد سال و کمی بیشتر یا کمتر و اگر از صابئین هم اسم برم در حدود یکهزار و چهارصد تا یکهزار و پانصد سال است که در این مملکت ساکنند و این سکونت همراه با زندگی مشترک با ملت ایران خود بخود انس و الفت و حقوق هم ملتی ایجاد کرده است و ما هیچ‌وقت خود را از ملت ایران جدا ندانسته‌ایم و نمی‌توانیم جدا از ملت بدایم و عمل‌هم با ملت ایران متوجه و یکنگ مشترک با ملت ایران خود بخود انس و الفت و حقوق هم ملت ایجاد کرده است و ما هیچ‌وقت خود را از ملت ایران جدا ندانسته‌ایم و نمی‌توانیم کامل و خوب برخوردار بوده‌ایم و اگر وقتی از اوقات، مستبدان و جباران، همان کسانی که به ملت ایران ظلم وجور روا داشته و حقوق ملت را پایمال کرده‌اند، حقوق اقلیت‌ها را هم پایمال نموده و ازین برده‌اند که همراه با حقوق ازین رفته ملت ایران، این انقلاب بوجود آمد و پیروز شد. حقوقی که از ملت ایران سلب شده بود، به آنها برگردانده شد و مسترد گردید و باید همراه با حقوق اکثریت ملت ایران، حقوق اقلیت‌های مذہبی و قومی هم به آنها مسترد و برگشت داده بشود. به این جهت من به یکی از مصاحبه‌های رهبر بزرگ انقلاب در پاریس که واقعاً مثل یک برادر غم‌خوار حق زندگی وحیات به گردن اقلیت‌های مذہبی دارند، اشاره می‌کنم. در جواب این سؤال که اگر انقلاب اسلامی ملت ایران پیروز بشود و حکومت اسلامی تشکیل بشود، با اقلیت‌های ملی و مذہبی چطور رفتار خواهد شد؟ فرمودند «اقلیت‌ها در تعیین سرنوشت خود آزاد خواهند بود، با رعایت تمامیت ارضی ایران همه‌آنها از حقوق مساوی با برادران مسلمان برخوردار بوده و حقوق ضایع شده آنها به آنها مسترد خواهد شد.» حقوق ضایع شده ما همانطور



که عرض کردم همراه با حقوق خایع شده تمام ملت ایران بهما برگشت داده میشود و وقتی بین آحاد و افراد ملت ایران با توجه به اصول دوم که دوستان ارجمند تصویب کردند اختلافی وجود ندارد و با توجه به هدفهای جمهوری اسلامی که در اصول سوم تصویب کردند، به تمام افراد و آحاد این کشور حقوق برابرداده شده است و واقعاً این مطلب قلب تمام اقلیت‌های ملی و مذهبی را مالامال ازشادی و سرشار از محبت و علاوه نسبت به رهبر انقلاب و نسبت به تمام کسانی که این حقوق را به برادران خود که ناشی از هدفهای انقلاب است، اعطای کرده‌اند می‌نماید ولی در این اصل که الان مطرح است یک اختلافاتی با اصول دیگر بنظر میرسد اگر آن اصول تمام این حقوق را به اقلیت‌های ملی و مذهبی اعطای کرده است در اینجا یک محدودیت‌های خاصی هم برایشان قائل شده‌اند که این محدودیت‌ها را عرض کردم و ما اصلاً نمی‌خواستیم در برابر آنها بحث کنیم چون با توجه و عنایتی که دوستان و سروزان عزیز به این اصول دارند و خودشان بیش از مایه آن معتقدند و به این اصل هم خیلی واضح تر و با وسعت نظری پیشتر نگاه می‌کردند تا هیچ نظر کوتاه‌بینانه‌ای نتواند به انقلاب ایران با تقاضانگاه کند. همانطور که عرض کردم انقلاب‌ما، انقلاب بزرگ ملت ایران قابل محدود کردن در سرحدات کشورمانیست. نه الان، سابق هم هروقت اتفاقی در کشور ما روی داده است نه خودمان توانسته ایم آن را محدود کنیم نه دیگران. برای اینکه کشوری که مادر آن زندگی می‌کنیم، کشوری است که در موقعیت خاص استراتژیکی و وزئوپلیتیکی است که هر اتفاقی که در آن بیفت سرچشم تمام اتفاقاتی خواهد بود که در تمام نقاط، حتی خیلی دور داشت، اثر خواهد داشت. مثالی عرض میکنم انقلاب مشروطیت ما با اینکه از نظر ملت ایران عملاً انقلاب بزرگی بود ولی در آرمانهای خودش نتوانست کاملاً پیروز شود اما با وجود آن در سرنوشت همه تأثیر گذاشت، حتی در سرنوشت ملل بزرگ دنیا. همه دانشمندان، انقلاب بزرگ چین را در سال یکهزار و نهصد و دوازده متأثر از انقلاب مشروطیت ایران می‌دانند یا استقلال هندوستان و نهضت‌هایی که برای استقلال تلاش کردنده همه متأثر از انقلاب کشور ما بود یا استقلال افغانستان و یا سایر انقلابات در آسیا و خاورمیانه همه تأثیر بسزائی از انقلاب‌ما داشته‌اند و همینطور در امور ترکیه و کشورهای دیگر، انقلاب مشروطیت اثر مهم و شگرفی داشته است و من یقین دارم انقلاب با عظمتی که امروز در کشور ما انجام گرفته است چون دید آن بمراتب وسیعتر از انقلاب قبلی است و عظمت و وسعت آن با انقلاب مشروطیت قابل قیاس نیست و دارای اشکال و ویژگیهای خاص خودش است، خود بخود تأثیرش نیز بیشتر و عمیقتر خواهد بود. وقتی انقلاب ما دارای چنین ویژگیهایی است و امید زندگی بهتر و نجات از بوغ نژاد پرستی را به همه میدهد، آیا درست حقوق کوچکی را در برابر اقلیت‌هایی که دوهزار سال سه هزار سال همپای ملت ایران ستم کشیده و زجر برده‌اند، از آنها دریغ کنید؟ نه، ملت ما و اقلیت‌ها، بخصوص اقلیت‌های مذهبی بهیچ وجه مایل نیستند که حقوق آنها، با اینکه از نظر انقلاب تضمین شده است، محکی باشد برای امتحان قانون اساسی و انقلاب و جمهوری اسلامی ناشی از آن. برای اینکه اگر سه هزار سال در این کشور باهم زندگی کرده‌ایم، امیدواریم هزاران سال دیگر هم، همپای ملت ایران از زندگی شادمانه و آزاد و از تمام مواهب زندگی بطورساوی برخوردار باشیم و چون مایل نیستیم مورد محک و آزمایش قرار بگیریم و خردگیران آن را مورد خردگیری قرار دهنده و این خردگیریهای کوچک به لههای ابر تبدیل شود که خدای نکرده‌جلوی آفتاب تابناک انقلاب را بگیرد و به روشنائیش لطمہ بزند، صریحاً از دوستان و



همکاران گرامی تقاضا می کنم پیشنهادی را که در این زمینه داده ایم، باعنایت و توجه مورد بررسی و تصویب قرار دهد. البته این پیشنهاد بنظر من خیلی ساده و بسیار کوچک است و چون مباحث حقوق اختصاصی نخواسته ایم شاید حتی احتیاج به بحث کردن هم نداشته باشد هرچند اگر حقوق اختصاصی هم می خواستیم، دوستان می بایست می دادند. من تاحدی که در تاریخ می توانم قضاوتن کنم، یک اصلی بود در صدر اسلام، بخصوص خود حضرت پیغمبر (ص) برای آشنازی و محبت بخشیدن به قلوب، به آنها که پیرو ادیان دیگری بودند، پیشتر محبت میکردند. حتی شنیده ام که در فتح مکه، به صفوان بن معاویه، پیشتر از ابوسفیان دادند و به غیر مسلمانها بیش از او و وقتی انصار و مهاجرین ایراد گرفتند گفت: من می خواهم محبت اینها را جلب کنم و باید به آنها پیشتر بخشش و محبت بکنم. اگر آنها دوروز با پیغمبر همکاری داشتند و اینچنین موردمحبت و توجه سال است که با مسلمین همکاری و زندگی مشترک دارند. من اگر بخواهم از کارها و وظایفی که در پیشرفت اسلام انجام داده ایم صحبت بکنم شاید در این باره کتابها باید نوشته شود ولی تنها به این سواله اکتفا می کنم که یکی از یاوهای پیشرفت تمدن اسلامی در قرن دوم و سوم، علومی است که به نام دخیل خوانده می شود که توسط نویسندها و مترجمین همنژاد ما و سایر اقلیت های مذهبی به تمدن اسلامی تقدیم شده است. اجداد ما در حدود چهل دانشگاه بزرگ با شرایط آنروز در خود جزیره و شام داشتند که نصیبین و قصرین رها (اورنا) نمونه هائی از آن هستند. من از تاریخ به یادم می آید که در قرن نهم میلادی کتابخانه بغداد پنج میلیون کتاب داشت. در اول قرن بیست کتابخانه پاریس پنج میلیون کتاب داشت. از نظر قیاس همان موقع نصف کتابهای کتابخانه بغداد یا به زبان سریانی و آرامی که زبان مادری من است بوده یا مترجمینی که برای خدمت به مسلمین و اسلام اینها را ترجمه کرده بودند و یا تحقیق کرده و نوشته بودند آشوری و سریانی بوده اند و اینها همه کوشش و زحماتی بود که هم دینان و برادران ما، اجداد ما برای خدمت به پیشرفت تمدن اسلامی انجام داده اند. من نمی خواهم وقت سوران عزیز را بگیرم فقط به یک نکته ای اشاره می کنم، ما باقبی پرازشادی به اصولی رأی دادیم که مفهوم آن اتحاد و همبستگی کلیه مسلمین است به این دلیل که این همبستگی و وحدت باعث خواهد شد که اقلیت های قومی و دینی همراه ملل اسلامی از نتایج خیلی خوب زندگی بهره برداری کنند و به زندگی خود در محیطی آرام و آزاد ادامه دهند و به ایران و ایرانی خدمت کنند. اگر این اصل خوب نوشته شود و تصویب گردد، در سرنشیوه همه ما اخربوی خواهد داشت. اقلیت آشوری در خاورمیانه در حدود سه میلیون نفرند که همه در کشورهای اسلامی زندگی می کنند. کلیمی ها غیر از آنها همکه در اسرائیل زندگی می کنند، در کشورهای دیگر اسلامی هم هستند. ارامنه هم همینطور منتشرند. (نایب رئیس - آقای بیت اوشانا، وقت شما تمام است). چند جمله دیگر را عرض می کنم. رزتشیان هم همچنین و سایر اقلیت ها نیز همین وضع را دارند. اگر دوستان در اینجا لطفی در حقشان داشته باشند، بی ارج نخواهد بود، بخصوص اگر قلوب آنها و محبت آنها را بیشتر به انقلاب جلب کنند. ما که از گرمی آفتاب انقلاب بهره مندیم امیدواریم آنها هم بهره مند شوند. پیشنهادی که داده بودیم قرائت می کنم که اگر دوستان قبول کنند بجای متن قبلی قرار گیرد و تصویب شود: «ایرانیان رزتشی، کلیمی، مسیحی و صابئین اقلیت های رسمی دینی کشور شناخته می شوند و در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعليمات دینی



برطبق آئين خود عمل می کنند و در تعليم و تعلم فرهنگ و زبان خود و تشکيل شوراهای قومي و ديني از حمايت قانون برخوردارند.» من اميدوارم هيأت رئيس محترم و نمایندگان گرامي حتماً اين لطف را درباره اقليل هاي مذهبی خواهند داشت و اين حق خيلي کوچك، که احتياج به صحبت وبحث کردن نداشت، با توجه به قلب پراز محبت کسانیکه نماینده اقلاب بزرگ ملت ايران هستند تصويب خواهد شد. ملت ايران اين حقوق را هزاران سال به رسميت شناخته است. اينك باید انعکاسي از آن در قانون اساسی باشد. خيلي معذرت می خواهم که وقت شمارا يش از حد گرفتم.

نائب رئيس — ازديگر نمایندگان محترم اقليل هاي مذهبی خواهش می کنم اگر غيراز مطالبي که آقای بيت او شانا فرمودند، مطالبي دارند بفرمایند صحبت کنند. آقای خالاتيان فرمایشي داري بفرمایيد.

هراير خالاتيان — نمایندگان محترم، بنده تاحالا از اين تربيون استفاده نکرده ام، دليلش هم اين بوده که نخواسته ام وقت مجلس ييش از اين گرفته شود و اگرهم نظری، پيشنهادي يا تذکري داشته ام، کتاباً داده ام حضور هيأت رئيس و رياست هم لطف کرده و در اسرع وقت ترتيب اثر داده است.

و اما در مرور اصل مورد بحث با توجه به اينکه همکارم آقای دكتري بيت او شاناصحبت هاي لازم را گردند بترايان بنده با اين تذکر که ايشان برخلاف قرارمان بجای جامعه، اقليل را بكار بردن، می پردازم به چند توضيح مختصرا درباره اصطلاحات ارمني، مسيحي، جامعه و جامعه ارمني.

درست است که ارمني ها مسيحي هستند ولی با اين وجود، موقعيت خاصي در عالم مسيحيت دارند وحساب ارمني ها بخصوص از حساب دولت هاي مسيحي جداست. دولت هاي انگلیس و آمريكا وروس هم مسيحي هستند ارمني هم مسيحي هستند ولی فجایعی که زور سندان به نام مسيحيت انجام داده اند که استعمار و استثمار مملک شرق، شرق بیانه و مردم ايران نیاز آن جمله هست. مسلماً هيج ربطي به ارمني مسيحي ندارد. ولی متاسفانه سodus را آنها برده اند و پرورش به ارمني رسیده است. کما اينکه چند روز پيش، يکي از نمایندگان همین مجلس داشتند فجایع دولت هاي مسيحي را به حساب مسيحي هاي ايران مي گذاشتند و شايد هم ايشان حق داشتند، چون اکثراً خيال مي گند مسيحي يعني ارمني، لابد هم نمایندگان در جرايد و راديو تلوزيون خوانند و ديدند که چگونه مسيحيان راستگرای لبنان به ارمني مسيحي حمله کردن. چرا؟ چرا مسيحي هاي فالانز لبنان به جامعه ارمني لبنان حمله کردنند مگرنه اينکه هردو مسيحي و همدين بودند؟ دليلش اينست که ارمني حاضر نشند عليه فلسطيني ها و مسلمانان بجنگند و مسيحي هاي فالانز به کمک خاميان خارجي خودشان بر ارمني هجوم آورند و جنگ درگرفت. پس ارمني مسيحي بخاطر مسلمانان می جنگد، کشته ميدهد، آنوقت در ايران همان ارمني مسيحي، مسئول فجایع دولت هاي استعمارگر مسيحي معرفی ميشود. در صورتیکه ارمني مسيحي خود از قربانيان استعمارگران مسيحي است. بخاطر همین حقیقت و واقعیت تلغی است که بنده اعلام مي گنم، حساب جامعه ارمني ايران از حساب دول مسيحي جداست.

و اولين خواسته و تقاضائی که دوسيت و پنجاه هزار نفر ارمني هاي ايران از اين مجلس و از اين قانون اساسی دارند، اينست که ارمني با چهره واقعی خود معرفی شود. يعني بجای



اقلیت مسیحی بعنوان جامعه ارمنی ایران شناخته شود.

پنجاه و چند سال تمام با اصطلاح موهن اقلیت مذهبی مسیحی، چهره واقعی جامعه ارمنی خدشه دار شده و اگر بعد از انقلاب هم با همان چهره و سیما معروفی شود، این نقض غرض و انکار انقلاب است و نه ارمنی ها و نه مردم ایران آنرا نخواهند پذیرفت.

ارمنی ها در انقلابات ایران این همه فعالیت کردند و کشته ها داده اند تا با چهره حقیقی خود شناخته بشوند و اگر این حق ابتدائی انسانی مورد توجه واقع نشود، نه تنها دویست و پنجاه هزار ارمنی ایران، بلکه شش میلیون ارمنی جهان که در پنجاه و چهار کشور زندگی میکنند راضی نخواهند شد و بدون شک، همان دولت های استعمارگر مسیحی که منتظر فرستند تا سوءاستفاده کنند، همین عدم توجه به حقوق ابتدائی جامعه ارمنی ایران را پیراهن عثمان خواهند کرد، زیرا روزها و هفته هاست که انتظار میکشند تا بینند انقلاب ایران برای ارامنه چه خواهد کرد.

پس بنده اعلام میکنم که اولین و ابتدائی ترین خواسته جامعه ارمنی اینست که ارمنی با چهره و نام صحیح و حقیقی خود شناخته و معرفی شود. درست است که ارمنی ها مسیحی هستند ولی توضیح دادم که حساب ما از حساب دول مسیحی جداست (البته ما با سایر مسیحی های ایران هیچ اختلافی نداریم و منظور این نیست که با آنان و سایر جوامع، نزدیکی و همکاری نداریم، ما حقوقی که بعنوان شهروندان ایرانی تقاضا میکنیم، برای سایر مسیحی های ایران هم تقاضا داریم).

واما پس از این توضیح، میل دارم توضیحی هم در مورد اینکه چرا به جای اقلیت، جامعه را تقاضا میکنم بدهم. چرا جامعه؟ البته بنده بعنوان نماینده ارامنه، صحبتم را به جامعه ارمنی محدود میکنم دلیل آنکه بنده جامعه میگویم و نه اقلیت، اینست که جامعه نشانگر یک نظام و سیستم خاص اجتماعی، ملی، دینی و مذهبی و فرهنگی و تاریخی است.

جامعه دویست و پنجاه هزار نفری ارمنی ایران دارای سه خلیفه گری است که یکی از آنها یعنی خلیفه گری جلفای اصفهان، نه تنها حاکم بر امور اجتماعی، قومی و مذهبی ارامنه جنوب ایران بلکه حاکم بر امور ارامنه هندستان هم هست.

در بطن جامعه ارمنی شوراهای متعدد و مختلف، ده ها کلیسا و نمازخانه، ده ها مدرسه و پرورشگاه، ده ها باشگاه و انجمن و تعداد زیادی سازمانها و تشکیلات گوناگون تحت یک نظام خاص فعالیت دارند که در نواحی شمال غربی ایران تا سه هزار سال سابقه دارند و همه اینها متعلق به ارامنه گریگوریان می باشد. از اینها گذشته جوامع ارمنی کاتولیک و پروتستان و دیگر جوامع کوچک مذهبی نیز هستند که مجموعاً جامعه ارمنی را در ایران تشکیل میدهند.

و حالا چرا جامعه ارمنی: اعضای جامعه ارمنی، درست است که از لحاظ دینی، مسیحی و از لحاظ مذهبی اکثراً گریگوریان میباشند، ولی وجه تمایز آنان با دیگر جوامع مسیحی، بیشتر در جنبه ملی و قومی آنست. جنبه ای که آنچنان قوی است که سایر جوانب را تحت الشاعع قرار داده و مذهب گریگوریان مذهب ملی ارامنه است و در تمام دنیا و در عالم مسیحیت هم کاملاً منحصر بفرد میباشد.

بنده گفتم در خبرهای مربوط به بیروت لبنان، خواندن و شنیدن که سه روز متوالی ارامنه بیروت و مسیحیان راستگرای لبنان جنگیدند و شنیدند که سه روز متوالی ارامنه

بیروت و مسیحیان راستگرای لبنان توافق طرفین، آتش بس برقرار شد.



چرا ارمنی مسیحی و فالانز مسیحی با یکدیگر می‌جنگند؟ پس غیر از عامل مذهب عوامل دیگری نیز هست. پس ارمنی و مسیحی یکی نیستند و باید آنها را از همدیگر تشخیص داد. به همین سبب در اصل مورد بحث، حقوق ملی، انسانی، اجتماعی و سیاسی جامعه ارمنی بدون قید قومیت و زبان، فرهنگ قومی و آداب و رسوم اجتماعی و صلاحیت شوراهای ارمنی، تأمین نخواهد شد.

بنابراین، متنی پیشنهاد می‌شود که حداقل خواسته‌های ابتدائی و انسانی جامعه ارمنی را در بر میگیرد.

پیشنهاد اصلاحی اصل ۱۳، «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی (جامعه ارمنی و جامعه آشوری و سایر جوامع مسیحی) جوامع رسمی یا قانونی دینی غیر اسلامی کشور شناخته می‌شوند و در انجام مراسم و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند و در احوال شخصیه و حفظ شعائر دینی و تعلیم فرهنگ و زبان قوبی و اجرای آداب و رسوم اجتماعی خود از حمایت قانون برخوردارند و صلاحیت شوراهای دینی و قومی آنان در مورد جوامع خود ملحوظ و رعایت خواهد شد.»

آنچه به اختصار گفته شد، توضیحی بود در مورد یکی از اصول قانون اساسی که منحصر آمریبوط می‌شود به جوامع دینی وقوسی غیر اسلامی ایران. اصول دیگری هم هست که درباره آنها هم بحث خواهم کرد و بالاخره، در فرصتی مناسب، حرفهایی هم درباره اصول کلی ایدئولوژی وجهان بینی خودم دارم که بیان خواهم کرد، ولی فعل آنچه بیان شد، یک تقاضا و خواسته ابتدائی و انسانی است که حتم دارم مجلس خبرگان آنرا دریغ نخواهد کرد و امیدوارم یک‌پیا دو تفکر بدست ناآگاه، به این حقوق انسانی و قانونی ما خودسرانه دست درازی نخواهند کرد.

نایب رئیس — آقای دانش رادشما هم توضیحی دارید؟ (مهندس دانش راد — اگر اجازه بفرمائید چند دقیقه‌ای وقت مجلس را بگیرم). بفرمائید.

مهندسان دانش راد — بحثی که درباره این اصل سیزده مطرح شد و بوسیله یکی از آقایان یعنی جناب آقای ریانی عنوان گردید، بحث بر سر کلامی رسمیت بود که می‌خواهم راجع به آن توضیحی بدهم و بعد از آن مطالبی که آقایان نمایندگان آشوریها و ارامنه فرمودند، تکمیل کنم. مسئله‌ای است که یک دین درسلکت‌مایارسمی است یا غیر رسمی، و یاقانونی است یا غیر قانونی. این را باید به کجا منعکس کرد تا افراد ملت بدانند با یک‌فرد که در ای دین قانونی است صحبت می‌کنند یا با آدمی که دین غیر قانونی دارد؟ آنچه برای جناب آقای ریانی نگرانی ایجاد می‌کند اینست که اگر بگوئیم رسمی است، بنابراین باید اثر قوانین دیگر را هم بینیم. مادر اصول قبل گفتیم که جمهوری اسلامی ایران چیست، دین رسمی و مذهب رسمی کشور مشخص شد و گفتیم که کلیه قوانین کشور باید منطبق با مقررات دین رسمی و مذهب رسمی کشور باشد. بنابراین کلمه رسمی که در اینجا بکار می‌رود برای اینست که این دین یک دین غیر رسمی نیست، دینی است که تا حدودی منطبق است با مقررات اسلامی، یعنی اسلام دینی است که در آن دین یهود همی گنجد مرتباً رویه تکامل رفته و با زمان پیش‌رفته و جلو آمده است. آن مال سه هزار سال پیش بوده و این مال یک‌هزار و چهارصد سال پیش. بنابراین بحث کردن روی این کلمه بنظر من ایرادی ندارد، در غیر اینصورت ممکنست سوء تفاهم ایجاد بشود. ممکنست برای



مردمی که پیش نویس منتشر شده قانون اساسی را خوانده اند این سؤال پیش بیاید که چطور شد «رسمی» را حذف کردند والا مسئله ای نیست.

مطلوبی که میخواستم در اینجا عرض کنم اینست که آقایانی که دارند قانون اساسی را بروزی می کنند در نظر نگیرند که من به نام نماینده اقلیت کلیمی باید بیایم و از حقوق اقلیت هادفاع کنم بلکه همه ما چه اقلیت و چه اکثریت در موقع خودش باید از حقوق مردم دفاع کنیم. اگر من به قانون اساسی با این دیدنگاه کنم، باید توجه داشته باشم که چیزی در این قانون اساسی نیاید که بهانه بدست ضد انقلاب بدهد و در آینده خدای نکرده به زندگی ما و خنه ای بکنند. اینجا من میخواستم توجه بدهم که ایرانیان کلیمی و سایر اقلیت ها جدا از دیگران نیستند. اینها همه مردم ایران و ایرانی هستند که روش زندگیشان مختصراً باهم متفاوت است. بنابراین اگر روی این موضوع بحث کنیم که این یک گروهی کنار، و به آن گروه حق بدهیم و این حق بصورت تبعیض باشد، در قانون اساسی ما خلل وارد میشود و آنوقت ایجاد ناراحتی می کند و این وسیله ای میشود در دست کسانی که می خواهند انقلاب و وحدت ملی کشور را خدش دار کنند. هم اکنون ممکن است این ناراحتی بوجود آید. هر وقت ملت ایران نهضتی داشت عموماً این ناراحتی درست میشد و دیواری هم کوتاهتر از دیوار اقلیت ها نبود. در موقعی که نهضت ملی ایران مطرح بود، در زمان مرحوم دکتر محمد مصدق، همین مسئله وجود داشت. ما از این ناراحتیها فراوان داشتیم. درستگاتی درست شد که نشریاتی داشتند که ایرانیان کلیمی توھین می کردند و باعث میشدند که تفرقه ایجاد شود و ناراحتیهای پیدا شود که نهضت را لکه دار کند. در همین انقلاب بزرگ ما هم همین مسئله در اول وجود داشت. قبل از اینکه انقلاب بشر بررس ماشاهد نشریاتی بودیم که می گفتند یهودی ها باید تلافان وقت از ایران بیرون بروند و ما می فهمیدیم که این مطالب بوسیله عوامل دشمن انقلاب منتشر میشود. نوار سخنان امام خمینی که در این باره بیاناتی فرموده بودند راجمۀ ما دست بدست می گشت و آرامش می بخشید. اگر آن نوار بود، آن نشریات و عوامل دشمن برای ما و برای انقلاب ایران ناراحتیهای سیاسی و مشکلاتی بوجود می آورد. اینست که من عقیده دارم بنفع وحدت و همبستگی ما است که در اصول مربوط به اقلیت های دینی در این قانون اساسی به یهودیان و مسیحیان و زرتشیان با دیدآن مردم هزار و چهارصد سال پیش نگاه نکیم، عالم فقیه کسی است که مسئله را به حالت و شکل روز نگاه کند مردم یهودی یا نصرانی که در قرآن کریم صحبتی و گله ای از آنها شده است جزء اعراب دارای مذهب یهودی یا نصرانی بودند، قبایل بنی قریضه و وزرگران شهر مدینه از گروه های ذیگری بودند که حالا ذیگر وجود ندارند. ایرانیان یهودی یا مسیحی دوهزار و هفتصد سال با سه هزار سال است که در ایران ساکن هستند و مردم دیگری هستند که با آن مردم رابطه ای ندارند، ایرانیانی هستند که قبل از ظهور اسلام به ادیان یهودی یا مسیحی گرویده بودند و قسمت مهمشان به اسلام گرویدند. یهودیان ایران دوهزار و هفتصد سال پیش، حدود ششصد هزار نفر بودند که به بابل آمدند والان پنجاه هزار نفر نزدند و حدود هفتاد، هشتاد هزار نفر شان هم از سی سال قبل به خارج از ایران رفته اند. این ششصد هزار نفر قتل عام نشدنده، غالباً به مذهب اسلام گرویدند. به هر حال آن دیدی که آقایان علماء نسبت به آیات قرآن درباره یهود در آن زمان دارند، آن را تسری ندهند به مردمی که یهودی هستند و در ایران زندگی می کنند و سالهای است در این مملکت زندگی کرده اند و خوب و بدشان با مردم ایران مشترک است. مثال میزنم، بنده یک نفر یهودی



من همان مدرسه‌ای میرفتم که یکنفر مسلمان میرفت. پس من حتی در دبستان مانند سایر همکلاسهای خود قرآن خوانده است. به او گفتم قرآن را بخوان و یفهم تا بدانی که در محلی که زندگی میکنی هم میهناست چه معتقدات دینی دارند و مبادا از کلاس‌های درس تعليمات دینی خارج شوی. در زندگی اجتماعی ما باهم بودیم، در زندگی اقتصادی با هم بودیم. اگر دولت ایران سرمایه‌دار بزرگ پیدا شده، این منحصر به یهودی نیست، مسلمان هم هست، زرتشتی هم هست. اگر طبقه و قشر مستضعف هست، از همه دین هاست. من از همه شما خواهش می‌کنم الان بروید سری به محله یهودیها بزنید بینید با چه فلاکتی زندگی می‌کنند. بروید به خیابان‌های گرگان یا نظام آباد و نواحی دیگر یهودی نشین بینید زندگیشان اگر بدتر از زندگی مردم مستضعف مسلمان نباشد، در حد آنهاست. آنها را بوسیله مذهب جدا نکنید. کاری بکنید که دست بدست هم بدهند و در ایجاد یک ایران مستقل و دارای اقتصاد شکوفا همکاری کنند ولواینکه عده‌شان نسبت به اکثریت کم باشد. بنظر من قانون اساسی باید پلی باشد برای ایجاد ارتباط دوستانه، صمیمانه و محبت‌آمیز بین اشار مختلف ملت و ایجاد وحدت در مبارزه و کوتاه کردن دست گروهی که می‌خواهند همه ملت را اعم از مسلمان و یهود و مسیحی و زرتشتی غارت کنند. من با این دید نگاه می‌کنم و از آقایان علماء و دوستان عزیزیم توقی دارم با همین دید نگاه کنند، نه دیدی که به یک یهودی اهل ذمہ نگاه می‌کنند. حالا دوره هزار و چهارصد سال پیش را نگاه‌نکنیم که دولطایقه مقابل هم بودند و قراردادی داشتند. الان همه با هم هستیم و قانون اساسی قراردادمان است که همه از آن تبعیت می‌کنیم و قبولش داریم با تمام جزئیات و محسناتش. بنابراین تقاضا می‌کنم دیگر به آن دید نگاه نفرمایید. من اینجا نشیرهای را آورده‌ام که می‌دهم خدمت جناب رئیس و از خواندن آن صرفنظر می‌کنم. تحریکاتی بود در سال هزار و نهصد و پنجاه و دونسبت به اینکه یهودیان ایران دچار تبعیض هستند و بنابراین ادعایی کردند که به این علت صهیونیزم قابل توجیه است. من می‌خواهم این موضوعات و این تبعیضات در قانون اساسی ما نباشد تا آن‌گونه تحریکات هیچ وقت نتواند مطرح شود. از اینکه وقت آفایان را گرفتم مذخرت می‌خواهم.

نایب رئیس—آقای مؤبد شهزادی اگر مطلبی دارید بفرمایید.

موبد رستم شهزادی — بنام خدا، بنده در نقطه پیش از دستور دوین روز بزرگزاری مجلس و همچنین در گروه دوم در باره دین و مذهب رسمی و اقلیتها صحبت کردم که علاوه بر آن صحبت دیگری ندارم. راجع به پیوستگی و همبستگی ما زرتشیان با ایرانیان مسلمان، لزومی به دلایل و ثبوت ندارد بلکه می‌توانم به صراحت بگوییم که مانع خستین مالکین این سرزین و از گروه فرزندان اصیل این آب و خاکیم. به تصدیق حضرت آیت‌الله صدوqi نماینده محترم یزد در مجلس، ساپقاً پارسیان‌هند هرگونه پول و فقی را که می‌خواستند به ملت بدنهند، به یزد و کرمان و تهران می‌فرستادند و با آن پولها مدرسه و درمانگاه ساخته می‌شد و نخستین مدارسی که در یزد باز شد زمانی بود که هنوز در شهرهای دیگر مکتب خانه‌هایی در مغازه‌ها یا در اطاوهای کوچک‌دادشتند، پارسیان‌هند طبق نمونه‌ای که ازانگلیسیها یادگرفته بودند عیناً برای ما میز و صندلی و تخته‌سیاه و وسائل تحریر وغیره تهیه کردند که برای اولین بار در ایران دیده می‌شد. همینطور درمانگاه و دوا و دکتر را هم از هندوستان می‌آوردند یعنی خود این پارسیان می‌آمدند آنجا و این خدمات نه فقط برای زرتشیان بلکه برای جمیع مردمان و ساکنین آنجا عم



از مسلمان و کلیمی و ارمی و زرتشتی بود و الان هم ما در تهران چهارتا دبستان و دبیرستان دخترانه و پسرانه جدا در تهران پارس داریم، در خود شهر داریم، در بیزد داریم در بیست و دو ده یزد که اغلب جمعیتش یک سوم زرتشتی و بقیه مسلمان یا یک پنجم زرتشتی و بقیه مسلمان یا یک دهم زرتشتی و بقیه مسلمان هستند مدارس ما هم برای مسلمانان آن محله و هم برای زرتشتیان بود. در کرمان هم همینطور، هرجا ما تشکیلاتی داشته باشیم برای عموم است و خصوصی نیست. در مطالبی که نمایندگان محترم جوامع آشوری و ارمی و کلیمی ایراد فرمودند خواسته های ما را هم بیان هم فرمودند دیگرمن لزومی ندارد تکرار کنم فقط این قدر توقع دارم این عناوین و القابی که برای ما جوامع رسمی دینی غیر اسلام در قانون اساسی می گنجانید طوری نباشد که بوئی از سلطه پذیری و ستمکشی در آن به مشام برسد زیرا در قانونی که خود ما تصویب کردیم گفتم هرگونه سلطه گری و سلطه پذیری یا ستمگری یا ستم جوئی در کشور ایران منوع است و ما اینها را به همه گوشزد کردیم. امیدوارم در موقع تدوین این قانون در مورد ما جوامع دینی غیر اسلامی بوئی از آن به مشام نرسد و در پایان عرض میکنم اگر می خواهیم ملت ما و این جمهوری ما دوام زیادی داشته باشد و خدای نخواسته روزی برعلیه آن (چه در داخل و چه در خارج) قیام نکنند، باید با هم متعدد باشیم و یک بار دیگر آن شعر حماسی روانشاد پورداود را عرض می کنم که فرموده:

گر مسلمان و نصارا و ور از زرتشتیم (اینجا کلیمیان را هم باید اضافه کنم)

همه از یک پدر و یک نسب و یک پشتیم

در کف مام وطن گوئی پنج انگشتیم

تا که جمیعیم به دندان اجانب مشتیم

ور پراکنده و فردیم شکار آنان

نایب رئیس — در مورد این اصل که مستقیماً به انتخاب کنندگان و موکلین این چهار نماینده محترم مربوط میشد، یا بهتر است بگوئیم منحصرآ به آنها مربوط میشد، ما وظیفه داشتیم که سخن هر نماینده را مستوفی بشنویم و چیزی در این زمینه ناگفته نماند و همانطور که آقای رحمانی در یادداشتی تذکر داده اند و آقای خالاتیان هم گفتند، این بدان معنی نیست که این آقایان در اصول دیگر قانون اساسی نظری و سهمی ندارند و فقط آمده اند درباره این اصل صحبت کنند، خیر، درباره همه اصول مثل سایر نماینده اگان می توانند صحبت کنند و رأی بدند و این مطلبی است روشن . شاید پیامون بعضی از مطالبی که آقایان فرمودند توضیحاتی لازم باشد امیدوارم این توضیحات را در نطق های قبل از دستور که در پیش داریم، دوستان بفرمایند.

بنابراین، اصل دوازدهم که راجع به دین رسمی است قبل مطرح شده و این اصل سیزدهم است که قبل مطرح شده بود و آقایان بعنوان دفاع و توضیح در باره اش صحبت کرده بودند و در پایان آن جلسه آقای دکتر بیت اوشانا خواستند بعنوان مخالف و یا توضیح دهنده و تکمیل کننده صحبتی بکنند که وقت کافی نبود و لذا ادامه بحث درباره آن را به امر وزمکول کرده بودیم. از نظر ضوابط کار موافق و مخالف صحبت کرده اند و به اندازه کافی در باره اش صحبت شده اصل را اکنون مطرح میکنیم، به همان کیفیتی که معین کرده اید اگر درجهت تکمیل آن پیشنهاد تغییری در کلمات باشد، دوستان تشریف می آورند و توضیح میدهند.

هاشمی نژاد — قبل از اینکه روی این اصل تصمیم بگیرید نماینده محترم ارامنه اصرار



داشتند کلمه ارمنی به آن اضافه شود، اتفاقاً منهم همین پیشنهاد را میخواستم تقدیم کنم که چون ایشان این پیشنهاد را کردند منصرف شدم، این چه اشکالی دارد؟ فقط بالاضافه کردن کلمه ارمنی‌ها و آسوری‌ها نظر آقایان تأمین میشود.

مکام شیرازی — بنده فکر میکنم آقایان مستوفی صحبت کردند و مطالبی هم که گفته‌نده مطالب کاملاً خوبی بود ولی نکاتی در سخنانشان بود که اگر ما توضیح ندهیم ممکنست سوءتفاهماتی ایجاد کند. لطفاً یکنفر از آقایان بباید توضیحاتی بددهد که وقتی مجموعه مذاکرات منتشرشد، جای ابهامی باقی نمانده باشد.

ربانی شیرازی — قبل برای همین منظور من وقت گرفتم.

حجتی کومنی — مطلبی را که عرض میکنم با اینکه میدانم اشکال دارد ولی چون حامل این امانت هستم عرض میکنم. وقتی از کرمان می‌آمدم یکی از همشهريان زرتشتی‌ما، مرا مکلف کرد که مصراً این مسئله را در مجلس عنوان کنم که از شرایط انتخاب رئیس جمهور و سایر مقامات، داشتن اسلام حذف شود تا همه ایرانیان بتوانند دارای مقامات و مناصب بشوند. من گفتم این مسئله را میگوییم ولی ما بطبق فقه شیعه صحبت میکنیم.

سبحانی — خارج از موضوع صحبت نکنید.

بنی صدر — راجع به اقلیتی به نام صابئین که در روزنامه‌ها هم نوشته بودند، چه تصمیمی می‌گیرید؟

نایب رئیس — در این باره مطالعه شده و توضیح خواهیم داد.

سبحانی — آن متنی که قرار است به رأی بگذارید گروه‌ما با توافق آقای مؤید شهرزادی تنظیم کرده بود ولی این متنی که الان از طرف اقلیتها پیشنهاد شد برای ما دونکته داشت که باید توضیح داده شود.

میرزا زهی — یک عدد از بهائیهای سیستان ویلوچستان به من مراجعه کرده‌اند و گفته‌اند به استناد «لَا كِرَاهَ فِي الدِّينِ» و «اعلامیه حقوق بشر» تکلیف ما بعنوان یک اقلیت دینی چه میشود؟

ربانی شیرازی — اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم اللہ الرحمن الرحيم. با اینکه در قانون اساسی سابق که مردم تهیه کرده بودند قشرهای مختلف مردم دورهم جمع شده بودند و این قانون را تصویب کرده بودند ماده‌ای که مربوط به اقلیتها باشد در آن قانون نیامده بود ولی اکثریت یعنی مسلمانها، آنها که پیش نویس قانون اساسی را نوشته بودند بدون اینکه با آقایان اقلیت‌ها صحبتی در این باره بنمایند اصلی را در این قانون اساسی جمهوری اسلامی گنجانده بودند. آقایان پس از آنکه این اصل را در قانون اساسی دیده‌اند به این اندازه‌هم اکتفا نمی‌کنند با اینکه من در جلسات خصوصی صحبت کرده‌ام و قانع هم شده‌اند باز هم روی این مسئله پافشاری نمیکنند. آقایان میفرمایند، ما هم رسمی باشیم ادیان ما هم رسمی باشیم همچنانکه جمهوری اسلامی رسمی است. معنی رسمی عبارت از این است که قوانین و ضوابط اداره تمام امور کشوربرطبق بینش دینی باشد، آن دین مخصوص که وقتی میگوئیم جمهوری اسلامی رسمی است یعنی این مبنای میشود برای اینکه تمام مقررات و قوانین و احکام بطبق آن صادر بشود. آقایان پافشاری میکنند که ادیان دیگر هم مانند دین اسلام رسمی باشد یعنی آنها هم حق داشته باشند یک روزی تمام مقررات و قوانین و نظام مملکت را مطابق دین خود کنند این



معنای رسمی است. (دکتریت اوشانا — ما چنین چیزی نگفته‌یم) اگر چنانچه منظور شما این نیست، رسمی بودن این منظور را میفهماند پس چرا پافشاری دارید که رسمی باشد؟ کلمه رسمی نمایشگراین مطلب است که این دین یکروزیتواند مبنای اداره حکومت واقع شود. البته در این قانون مطلوبی می‌آوریم که خواسته‌های شما تأمین شود، بعدازاین هم در «حقوق سلت» می‌آید که تمام اقوام و قبایل از هر نژاد دربرابر قانون مساوی هستند و از حقوق مساوی برخوردارند، در اینجا هم آمده‌ایم این اصل را گنجانده‌ایم آیا در این مدتی که ما مشغول بوده‌ایم اکثریت از شما حقوقی ضایع کرده است؟ آیا در قانون بعدی جائی سراغ دارید که حق به شما به ارامنه ایران ندید حکومتهای مسیحی جهان ناراحت می‌شوند و ضمناً حالت تهدید هم داشت. ولی در این قانون ما حقی به اکثریت نداده‌ایم که به اقلیت هم بدهیم ما در بخش حقوق ملت صریحاً میگوئیم تمام آحاد ملت در برابر قانون یکسانند و از حقوق متعادل برخوردار می‌شوند. مسئله دیگر این است که نمی‌دانم «اقلیت» چه عیی دارد، یعنی واقعیت نیست که اکثریت مسلمان هستند؟ اصلاحی نیست و از لحاظ حقوقی لفظ «اقلیت» بهتر است تا لفظ دیگری. اقلیت گروهی هستند که دربرابر اکثریت واقع شده‌اند یعنی حقی دارند. وقتی در مجلس میگوئیم اقلیت و اکثریتی داریم یعنی اقلیت هم حقی دارد و هر دوراً رسمی شناخته‌ایم. این اقلیت لفظ قانونی است و کاربرد مخصوص دارد، اما مسئله «جوامع» را اگر بخواهیم بیاوریم آن وقت لازمه‌اش این است که جوامع سیاسی خواهیم داشت و با جوامع سیاسی دیگر چه بکنیم یعنی آنها قانونی نیستند؟ لذا بیشنده میکنیم نوشته شود «اقلیت فانونی می‌باشد».

نایب رئیس — آقای شهرزادی راجع به بیانات آقای ربای نظری دارید؟

مؤبد رستم شهرزادی — ما نمیگوئیم دین رسمی یا اقلیت رسمی دینی یا جوامع رسمی دینی، گرچه در قرآن و اسلام رسماً داده شده و شناخته شده است ولی می‌گوئیم این اصل به این صورت نوشته شود «از اقلیتهای رسمی دینی» یا «از جوامع دینی رسمی».

حالاتیان — آقای ربای از قول بنده فرمودند که اگر دین ارامنه را رسمی نشاناید دولت سیاسی جهان ناراحت می‌شوند بخواهم عرض کنم خیر، خوشحال خواهند شد تا از آن مسوء استفاده بکنند!

نایب رئیس — چون هم در مطلبی که آقای دکتریت اوشانا و دوستانشان تهیه کرده بودند بعد از «زرتشتی، کلیمی، مسیحی» صابئین هم اضافه شده بود وهم آقای بنی صدر خواستند در مورد صابئین تذکری بدهند و نمایندگان هموطنان صابئی هم تشریف آورده‌اند به مجلس و مراجعتی داشته‌اند و نامه‌هایی هم نوشته‌اند، به این مناسبت دیروز جلسه‌ای مرکب از آقایان حجتی کرمانی، مکارم شیرازی، موسوی جزايری، یزدی و قرشی... (مکارم — آقای قرشی نبودند) و بنده تشکیل دادیم تا در باره صابئین بررسی کرده و به مجلس گزارش بدهیم. دیروز عصر چند ساعت وقت صرف کردیم و به سآخذ و منابعی مراجعه کردیم تابیینیم در این باره به مجلس چه میتوانیم عرضه بکنیم، خلاصه آن مذاکرات را یکی از دوستان تشریف می‌آورند و در اینجا بیان میکنند. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. همان طوری که بیان کردند، چون عده‌ای از برادران صابئی ما که در نقاط مختلف مملکت زندگی میکنند نامه‌هایی نوشته بودند و نمایندگانی



فرستاده بودند تا در باره آنها در قانون اساسی تصمیم گرفته شود. به احترام پیشنهاد و فکر آنها جلسه مخصوصی برای این کار تشکیل شد و علاوه بر مطالعاتی که همه دولتان ما در جلسه روی جمعیت صابئین داشتند، برای اینکه بهتر بتوانند تصمیم بگیرند مطالعات زیادی تقریباً در دو سه ساعت انجام گرفت و بعد از آنکه روی تمام جوانب مطلب مطالعه کردیم به اینجا رسیدیم که اگر ما بخواهیم طبق منابع اسلامی، کتاب و سنت و فقه اسلامی و تاریخی که در دست ما است درباره روش معامله مسلمانان با گروه صابئین قضایت صحیحی بکنیم، نمی‌توانیم طبق منابع اسلامی اینها را عنوان یک گروه جدا از آن چهار گروه بشناسیم بلکه در بسیاری از منابعی که مورد مطالعه قرار گرفت آمده بود که اینها شعبه‌ای از یهود و یا شعبه‌ای از مسیحیت یا مخلوطی از عقاید هردو گروهی باشند و به همین دلیل هم آنچنانکه من شنیدم در بعضی از مناطق سابق اهم عمل و وقتی رفتار می‌شده است اینها خودشان را شعبه‌ای از یهود یا معرفی میکردند یعنی وقتی از مذهبشان برای کارهای اداری سؤال میکردند بداین عنوان معرفی میکردند، پس اگر بخواهیم عادلانه در اینجا رفتار کنیم همان‌جوری که در بعضی از منابع آمده است آنها میتوانند خودشان را در یکی از این دو گروه جا بدند ولی در عین حال باز برای اینکه دلالت پیشتر رعایت شود بنامند اگر آنها راضی به این مسئله هم نبودند باز ما یک اصلی در اصول آینده برای همه گروههایی که در ایران هستند، چه مذهبی و چه غیر مذهبی که عنوان یک جمیعت سالم زندگی میکنند، البته مذهب که عرض میکنم بمعنى واقعی مذهب است نه گروههایی که نام مذهب دارند و مذهبی نیستند و یعنی جمیعتهای سیاسی و احزاب سیاسی شبیه ترند تا جمیعت مذهبی، وقتی گروهی غیر مذهبی بودند و حتی عقیده به خدا هم ندادهند مثلاً تعداد آنها دودرصد بود که اعتقادی دارند، اما تخریبی هم نمی‌کنند و به اصول جمهوری اسلامی وفادار هستند و رژیم را هم انکار نمی‌کنند و در عین حال میگویند ماعقیده به خدا پیدا نکرده ایم یا گروههای مذهبی دیگر غیر از گروههایی که عرض شد یا گروههایی که غیر مذهبی هستند، یک اصل در حقوق ملت بیان شود برای اینکه اینها هم، حقوقشان از نظر انسانی و اسلامی تحت ضوابطی که بیان میشود احترام خواهد داشت و به این ترتیب ما به دونتیجه میرسیم یکی اینکه این جمیعت برادران و خواهران صابئین میتوانند در یکی از آن دو گروه خودشان را قرار دهند و دیگر اینکه اصلی در «حقوق ملت» برای کسانی که در آن گروهها نبودند و به رژیم جمهوری اسلامی وفادارند و جنبه تخریبی ندارند بلکه بیخواهند با ما همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند، از نظر حقوق بشر برای آنها مطلبی در نظر گرفته خواهد شد ولی جایش اینجا نیست و در «حقوق ملت» است.

فاتحی— چون برای اولین باراست که در جمهوری اسلامی قانون اساسی نوشته می‌شود در دنبال فرمایش آقای مکارم برای اینکه تمام برادران ایرانی حقوقشان داده شود و در قرآن هم درسه جا نام صابئین برد شده اگر بخواهیم حقوق اقلیت‌ها داده شود باید اسم اینها را هم ببریم و اگر گفته شود حقیقتش مجهول است و روشن نیست، این معنا در تلفیق کلمه مجوس و زرتشت هم صدق می‌کند. منهم تحقیق و ثابت کرده‌ام این کلمه با زرتشت تطبیق نمی‌کند همان‌طور که اسمشان در قرآن هم برد شده و چون برای اولین بار می‌خواهیم این قانون را تنظیم کنیم باید نامشان به احترام سه‌آیه‌ای که در قرآن دارند، برد شود و به همین دلیل معلوم می‌شود آنان اصولاً تیپ خاصی هستند.



سبحانی— روزهای اول معارض کردیم که قانون اساسی را روی فتاوی مسلم اسلامی تنظیم می‌کنیم نه روی عقاید شیعی، درحقیقت و کلای یک جمع مسلمان هستیم که آن جمیعت مسلمان هستند و عقاید آنها تابع فتاوی علمای اسلام است و از نظر فکر و اندیشه تابع آنها هستند و علمای اسلام اینها را مستقل اهل کتاب شمرده‌اندحالا که علمای اسلام (چه شیعه و چه سنی) این جمیعت صابئین را مستقل اهل کتاب شمرده‌اند، نمی‌توانیم بدون مجوز وقوای اسلامی و شرعی جزو اهل کتاب بشناسیم و راه حل همان است که در جلسه تصمیم‌گیریم. اما اینکه ایشان می‌فرمایند در قرآن نام اینها آمده، نامهای دیگر هم آمده است مثلاً والذین اشرکوا دلیل این نیست که آنها اهل کتاب هستند و دلیل این نیست که آنها را یک عنصر اهل کتاب جداگانه بشماریم، پس نه دلیل شرعی داریم و نه آمدن نامشان در قرآن دلیل برآهل کتاب بودنشان هست.

نایب رئیس— علت اینکه آفایان‌گروهی را انتخاب کردند تا در این زینه مطالعه کنند برای این بود که اینجا تغواهیم بحث‌های نظری را دنبال کنیم و من انتظار داشتم که آفایان این مطالب را در آن جلسه تبادل نظرگروهی بیان بفرمایند و قرار این بود که وقتی روی مسائلی در جلسات‌گروه‌ها صحبت شده و جمع‌بندی شده است، اینجا دیگر از سر نگیریم والا جلسه‌گروه‌ها تشکیل نمی‌شود تا جلسه مشترک‌گروهی وحتی مطالعات‌فردی، همه اینجا مطرح شود. این رویه صحیحی نیست. به هر حال ایدوارم خود دوستان محترم که برای پرهیز از اطاله کلام و رعایت میزان وقت، عده‌ای را برای بررسی این موضوع انتخاب کرده و آنها مطالعه کرده و ترتیجه را اینجا گزارش داده‌اند، مجدداً بحث را تکرار نفرمایند. توضیحاتی لازم بود که برای هموطنان عزیز صابئی مذهب ما که بسیار خوش خلق و دوست داشتنی و دارای رفتار بسیار مطلوب در منطقه سکونتشان هستند، داده شود و لازم بود که نظراتشان بررسی شود و هم‌چنین نظراتی که بدست می‌آید، به اطلاعشان برسد. اضافه می‌کنم که این مسئله اصل سیزده همان‌طور که ملاحظه می‌کنند، تازه است و قبل از درگیری اساسی و متمم آن چنین مطلبی نیامده بود، نه بخاطر اینکه اهمیتی به اقلیت داده نشده بلکه بخاطر اینکه این مسائل، مسائلی نیست که حتی هم‌اش در قانون اساسی بیاید. هموطنان اسلامی مذهب هم مراجعة کردن و نامه نوشتن بنا بر این اگر قرار باشد تک‌تک گروه‌های مختلف مذهبی وغیر مذهبی را نام ببریم گمان می‌کنم چند صفحه از قانون اساسی را باید به نام بردن از گروه‌ها اختصاص بدهیم و این معمول نیست. اصولاً مطالبی که اینجا در رابطه با دین رسمی مطرح شده، تمام شده است و به دنبال آن در پیش‌نویس هم مطلبی بوده که روی آن هم به اندازه کافی بحث و صحبت شد. حالا با اجازه دوستان قسمت به قسمت اصل را مطرح می‌کنم:

اصل ۱۳— ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای رسمی شناخته می‌شوند که طبق مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند و ...
 این قسمت اول متن پیشنهادی بود که نسبت به آن با بلند کردن دست طبق معمول نظرخواهی می‌کنیم بعد به کل متن واصلاحات آن با ورقه و بصورت مخفی رأی گیری می‌شود.
 در قسمت اول نظری نیست؟ آقای عرب بفرمایید.

عرب— بنویسید «زرتشتیان و کلیمیان و مسیحیان ایرانی».
 قوشی— بجای «رسمی»، «دینی» بگذارید.



دکتر بیت اوشانا — پیشنهاد می کنم «رسمی - دینی» نوشته شود.

نایب رئیس — به پیشنهاد آقای اوشانا رأی می گیریم موافقین لطفاً دستشان را بلند کنند (از پنجاه و نه نفر، بیست و نه نفر اعلام موافقت کردند) تصویب نشد. پیشنهادی است که بجای «رسمی» بگذارید «... تنها اقلیتها دینی ...» موافقین با این پیشنهاد دست بلند کنند.

(از پنجاه و نه نفر عده حاضر در جلسه چهل نفر موافقت کردند) تصویب نشد.

حجتی کرمانی — بنویسید «زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان مقیم ایران...» که اعم باشد از اینکه تابعیت ایران را داشته باشند یا نداشته باشند.

نایب رئیس — من تذکر میدهم که در قانون اساسی اصلاً بحث روی تابعیت است. کسانیکه تابع یک مملکت نباشند خودشان قانون جدآگاهه ای دارند. به هر حال نسبت به پیشنهاد آقای حجتی رأی می گیریم، موافقین دست بلند کنند. (چند نفر دست بلند کردند) تصویب نشد. حجتی کرمانی — کلمه «تنها» را بردارید، برای اینکه کامه «صابئین» را باقها بحث کنیم اگر از نظر فقهی حل شد، آنها را هم اضافه کنیم.

نایب رئیس — این پیشنهاد هم مطرح است موافقین لطفاً دست بلند کنند (عده کمی اعلام موافقت کردند) رد شد.

هاشمی نژاد — چرا پیشنهاد نماینده محترم ارامنه را مطرح نمی کنید؟

دکتر آیت — من همان موقع اجازه گرفتم توضیح بدهم، ارامنه که گفته بشود از دو جنبه می تواند مورد نظر قرار بگیرد. اینجا جنبه دین و مذهب مورد نظر است بعلاوه از نظر قومی ما در جای دیگر، درمورد اقوام بحث کرده ایم و هیچ استثنای فرقی نیست. بنابراین ذکر یک قوم در اینجا نقض غرض است زیرا ما اینجا از نظر مذهبی بحث می کنیم.

نایب رئیس — آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — اگر توضیح آقای آیت صحیح است حتماً بعد از کلمه «رسمی» کلمه «دینی» میخواهد و گرنه ما مذاهب بسیاری داریم.

نایب رئیس — به همین دلیل هم عبارت با کلمه «دینی» حدود چهل نفر موافق داشت. آقای خالاتیان بفرمائید.

خالاتیان — بجای «اقلیت»، «جوامع» نوشته شود.

نایب رئیس — آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — اینجا دارد وضعی پیش می آید که آن حقی را هم که قرآن برای اقلیتها قائل شده است، قائل نشویم.

قرآن میفرماید: «ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا الذين ظلموا منهم و قولوا امنا بالذى انزل اليينا و انزل اليكم و الها و الهاكم واحد و نحن له مسلمون» قرآن خودش نگران است و به یهود و نصارا دستور میدهد که بدینی که دارید عمل کنید «قل يا اهل الكتاب لستم على شيء حتى تقيموا التورية والانجيل وما انزل اليكم من ربكم ولزيدين كثيراً منهم ما انزل اليك من ربك طغياناً وكفراً فلا تأس على القوم الكافرين». با اینکه قرآن اینطور میفرماید، چرا از کلمه «دینی» وحشت داریم؟

نایب رئیس — آقای شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — در جمله اول از نظر فقهی به نظرم مسیحی و کلیمی، مقدم بر زرتشتی



هستند ولی از نظر تاریخی حق با ایشان است.
نایب رئیس — آقای بشارت بفرمائید.

بشارت — ما نباید سرمان را پائین نگهداشیم و به واقعیات توجه نکنیم. نکته‌ای را بگوییم، الان به فرانسه مهد آزادی لقب داده شده است و هر کس از هر کجا فرار می‌کند، میرود در پناه آزادی آنها از آزادی آنها استفاده می‌کند. بنابراین کشورهای جامعه‌ما باید طوری باشد که تمام افراد جوامع دیگر را بطرف خودش جلب کند. این چیزی را که نماینده ارمنه گفتند و آقای ربانی کم‌لطفی کردند و فرمودند آنها بشان می‌آید، مسئله اینست که ما باید یهودیان و مسیحیان خارج را جذب کنیم. باید مسلمانان لبنان متوجه بشوند که در دنیا کشوری مثل ایران است که آغوش باز کرده و به آنها آزادی میدهد. الان هم خواسته‌های این آقایان ساده است، اگر از نظر سیاسی، کاری نمی‌توانند بگنند اگر دینی نیستند پس چه کاره هستند؟ پس رسمی و دینی باید باشد.

ربانی شیرازی — شما معنی رسمی را نمیدانید.

نایب رئیس — آقای ربانی، در اثنای صحبت شما آقای بشارت صحبت نکردند، پس اجازه بدھید ایشان صحبت‌شان را بگنند. آقای بشارت ادامه بدھید.

بشارت — اگرما جوامع دینی را به رسمیت بشناسیم چه عیبی دارد؟ شوراهای ایشان راهم که در حقوق ملت آورده‌ایم، تعلیم و تربیت را هم که آورده‌ایم، فقط باید کاری کرد که در بیرون بصورت زننده‌ای ظاهر نشود.

نایب رئیس — توجه بفرمائید باز جلسه دارد از مجرای نظم خودش منحرف می‌شود و هر یک از دوستان مطلبی می‌فرمایند که طبعاً احتیاج به جواب دارد. آقای قرشی استناد به آیاتی فرمودند که آن آیات از محکمات کتاب است اما خوب، معنی و استنتاجی را که از آن کردند، استنتاجی نیست که در مخالف بحث علمی و تحقیقی کردند و کردند. اینها یک مجموعه آیات است، مجموعه آیات دیگری هم هست و مجموعه روایات دیگری هم هست، وقتی اینها اینجا مطرح می‌شود از دو حال خارج نیست یا باید موافقت کنیم که دو تا آیه گفته می‌شود بعدیکنفر بیاید بگوید که استنباط شما از این آیات به این دلیل درست نبود، سویی بباید بر او قدر کند، آن وقت دیگر گمان نمی‌کنم این آیات به این دلیل درست نبود، سمتیار بحث درباره استفاده از این آیات می‌شود و ما این بحثها را در جلسه کردیم چرا باز این اصلی را که خودمان پایه گذاری می‌کنیم رعایت نمی‌کنیم؟ در آن جلسه آقای قرشی تشریف داشتند آیات هم مطرح شد و آنجا فرصت کافی بود که به ایشان و همچنین به بیاناتی که بعضی دیگر از دوستان می‌فرمایند توضیح داده شود. و اما درباره آنچه که آقای بشارت بیان کردند البته همینطور است اینجا یک جامعه اسلامی است که در آن رزتشتی، مسیحی، یهودی می‌توانند با آزادی مطلوبشان زندگی کنند. این اصل که قبل ام در قانون اساسی نبود باز آزادی برای ایشان تأمین شده بود، حالا هم تأمین می‌شود. عباراتی که آقایان پیشنهاد کردند من این را بعنوان مسئول جلسه می‌خواهم بگویم که آقایان بحث را از مطالبی که مورد بحث است دور نکنید. روی جامعه واقعیت حساسیتی نبود بررسی کردیم آقایان پیشنهاد دادند شما هم تشریف داشتید اگر تشریف نداشتید که البته باید تشریف می‌داشتید و باید غایب می‌بودید و اگر هم تشریف داشتید گفته شد که تنها جامعه‌های دینی یا رسمی معنی پیدا نمی‌کند، نه اینکه کسی با آن



مخالف بود، معنی اش کامل نمی‌شد که گفتند نمی‌گذاریم. مخالفتی با این نبود، اینجا نباید بگوئیم که هر جمله‌ای که آقایان را راضی می‌کند بگذاریم و لو پس فردا معلوم بشود درست نیست، یعنی از نظر بیان مطلب درست نیست، نه از نظر اینکه اسلامی هست یا نیست. بخشی که آنجا مطرح بود این نظر بود و هیچ جنبه تعصب مذهبی نداشت. درباره «رسمی» و «دینی» و «دینی رسمی» هم که اینجا بحث شد، هیچ مانع ندارد و هیچکس بخلی ندارد، به رأی گذاشته می‌شود، آنچیزی که رأی بیاورد عمل خواهد شد. درمورد شوراهای که آقای دکتروا شانا بیان فرمودند و هم چنین راجع به فرهنگ و زبان و این حرفها، همانطور که خودتان گفتید هر یک از اینها در اصول مربوط به خودش خواهد آمد.

دکتریت اوشانا — ما یک جای معینی ساکن نیستیم خود بخود می‌خواهیم کارهایمان برمبنای شوراهای انجام بگیرد هم دینی و هم سیاسی و هم اداره مدارسman، ما کار سیاسی نداریم؟ مگر بعنوان یک جامعه ایرانی نیستیم؟

نایب رئیس — آقای دکتر اوشانا مگر بر طبق پیش نویس قانون اساسی یا مواد بعدی قانون اساسی که تشکیل هرگونه جمعیت و انجمن را آزاد می‌کند، آیا شما محدود می‌شوید؟

دکتر بیت اوشانا — با تصویب این اصل، اصول گذشته خود بخود ملغی است.

نایب رئیس — اصل قانون اساسی فعلی را می‌گوییم شما که مطالعه فرمودید در پیش نویس، ما یک اصل بعداً در حقوق ملت داریم در آنچا گفته ایم «تشکیل جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی، فرهنگی، دینی الی آخر» حالاً آقای دکتر شیبانی پیشنهاد کفایت مذاکرات داده‌اند، آقای منتظری فرمایشی دارید بفرمائید.

منتظری — متن تهیه شده درگروه سه را می‌خوانم:

اصل ۲۶ — تشکیل احزاب، جمعیتها، کانونها، سازمانها، اتحادیه‌ها، سندیکاهای انجمنهای گوناگون، ادیان رسمی، سیاسی، صنفی، فرهنگی، ادبی، هنری با اساسنامه و مرآمنامه مصوب واعلام شده آزاد است مشروط به اینکه در محتوای مرآمنامه و در عمل فصل استقلال، آزادی و حاکمیت جمهوری اسلامی وحدت ملی و تمامیت ارضی را نقض نکرده و علیه آن اقدام ننمایند و نیز مسلح و وابسته به بیگانه نباشند.

دکتر بیت اوشانا — مذهب اهل تسنن بر پایه شوراهای خودشان تصویب شد.

نایب رئیس — ما آنجا نوشته‌یم جائی که آنها اکثریت دارند، در شورای محلی مطمئن باشید و در اصل آینده خواهید دید این بخش ذیل را به نحو احسن در جای خودش خواهیم داشت. آقای منتظری برای پرهیز از کلمه «اقلیت» پیشنهاد کرده‌اند بجای «تنها اقلیتها» بنویسیم «تنها گروههای دینی شناخته می‌شوند» (مکارم شیرازی) — این تضاد دارد (منتظری) — از پیشنهاد صرفنظر می‌کنم) بعد از همه توضیحاتی که در باره «رسمی» داده شد و با توضیحی هم که آقای بنی صدر دادند که اقلیتها رسمی یعنی چه، این قسمت را می‌خوانم و به رأی می‌گذارم: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتها دینی شناخته می‌شوند»، کسانی که موافقند این کلمه «دینی» باشد دست بلند کنند (عدة کمی دست بلند کردن) تصویب نشد.

«که طبق مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند».

کوومی — «طبق مقررات اسلامی» را «بنا بر مقررات اسلامی» بنویسیم.

دکتر بیت اوشانا — قرار بود در هر اصل به موازین اسلامی اشاره نشود این «طبق



مقررات اسلامی» را حذف کنید.

نایب رئیس — ملاحظه میکنید هیچکس مخالف نیست با اینکه بگوئیم این ادیان، ادیان اهل کتاب هستند که بر طبق منابع اسلامی اهل کتاب بودنشان تأیید شده، فقط آنچیزی که شائبه ایجاد کرده است اینست که نکند این عبارت معنی چند دین رسمی را در کشور بدهد. با این حال برای اینکه دقت کافی کرده باشیم موافقین با اینکه به جای «رسمی» بگذاریم «اقلیتهای دینی» دست بلند کنند (سی و هفت نفر دست بلند کردند) تصویب نشد.

بنابراین به جای «رسمی» همان «اقلیتهای دینی» زینه رأی دارد، یعنی میشود «که طبق مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند» در اینجا که بحث نیست، یادداشتی آفای کرسی فرستاده اند که منظور از عبارت «طبق مقررات اسلامی» اینست که «اقلیتها اگر میخواهند مکاسبی که خلاف شرع اسلام است در میان بازار مسلمانها از قبیل می فروشی یا گوشت خوک فروشی بطور علنی باز کنند در شرع اسلام جایز نخواهد بود اگر جنبه علنی نداشت مانع نخواهد بود» آقای دانش راد بفرمائید.

دانش راد — مشاغل در اصول مربوط به خودش به این صورت آمده است «و کارهای نباشد که منطبق با اصول اسلامی نباشد» ولی در این مورد پیشنهاد می کنم بجای اینکه بنویسیم «بر طبق قوانین اسلامی» بنویسیم «بموجب قوانین اسلامی».

نایب رئیس — آقای موسوی جزایری بفرمائید.
موسوی جزایری — «طبق مقررات» که می گذاریم برای آن است که در فقه ما اقلیتهاي مذهبی باید ضوابط اسلامی را از نظر اجتماع رعایت کنند.

نایب رئیس — آقای کیاوش بفرمائید.
کیاوش — این توهی پیش نیاید که صاحبان ادیان دیگر بر طبق مقررات اسلامی ما در ادیان خودشان آزادند عمل کنند، اینطور بنویسیم تا ابهام رفع شود «طبق مقررات اسلامی زرتشیان، مسیحیان و کلیمی ها تنها اقلیتهاي دینی در ایران شناخته میشوند الى آخر» و مقررات اسلامی را در صدر بنویسیم.

نایب رئیس — آقای بنی صدر بفرمائید.
بنی صدر — «طبق مقررات اسلامی» به مراسم دینی راجع است. بنابراین به گوشت خوک فروشی و شراب فروشی راجع نیست، می شود گفت «درج حدود مقررات اسلامی» این مراسم دینی را که این سه تا به تنهاي ندارند، می شود جلوی دیگران را گرفت؟ ما آنها را قانونی می شناسیم آیا به آنها در مراسم دینی شان اجازه می دهید یا نه؟

رستم شهرزادی — مرتب «طبق مقررات اسلامی» نوشتن صحیح نیست. وقتی بگوئید «طبق مقررات اسلامی» یعنی در احوال شخصیه مان هم طبق مقررات اسلامی عمل کنیم، اگر این نباشد خیلی ارزشش بیشتر است.

مشکنی — آزادی اینها در حدود شرایط عمل ذمہ است این را درست روشن بفرمائید و اگر بجای «بر طبق» بنویسیم «درج حدود» مشخص می شود.

طاهری اصفهانی — «درج حدود» بهتر است.

خزعلی — مراد از «طبق مقررات» این است که در انجام مراسم خود ضوابط اسلامی را در نظر بگیرند. «درج حدود» باشد بهتر است.



نایب رئیس—منظورتان این است که «درحدود» باشد؟ آقای رشیدیان بفرمایید.

رشیدیان—«مقررات» مسائلی است که جزئی است باید «ضوابط» باشد. اینجا که نوشته شده «طبق ضوابط اسلامی» منظور این است که چون قرآن دست نخورده است و چهارچوب را بروزی کرده است آن چهارچوب خراب نشود.

اشراقی—«برطبق مقررات اسلامی» باشد یعنی لازم است همان مقرراتی را که اسلام گفته است رعایت کنید.

رحمانی—احدى نگفته است در مراسم دینی تابع اسلام باشند.

حجتی کرمانی—منظور این نیست که در هر کلیسائی یک آیت الله برود و نظارت کنند که برطبق ضوابط اسلامی عمل کنند.

نایب رئیس—«که طبق مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند» آن جمله آخر هم که معلوم است دیگر اشکالی در آن نیست «و در احوال شخصیه و تعليمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند» چون در پرورد «طبق مقررات اسلامی» سه نظر در مجلس وجود دارد یکی اینکه این عبارت باشد و یکی اینکه هم اینکه «درحدود» باشد، موافقین با این عبارت که «طبق مقررات اسلامی» در متن بماند دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) تصویب نشد. موافقین با اینکه «درحدود مقررات اسلامی» باشد دست بلند کنند (اکثریت دست بلند کردن) تصویب شد. بنابراین چون دیگر مطلبی نداریم این اصل را دقیقاً می خوانم:
اصل ۱۳ (اصل سیزدهم)—ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می شوند که در حدود مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعليمات دینی برطبق آئین خود عمل می کنند.

این اصل را به رأی می گذاریم، لطفاً گلدانها را برای گرفتن رأی ببرید.

(دراین هنگام اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه بشرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس—عدد حاضر در جلسه پنجاه و نفر، موافق پنجاه و یک نفر، مخالف شش نفر و ممتنع دو نفر. بنابراین، این اصل با پنجاه و یک رأی موافق تصویب شد، تکییر. (حضور سه مرتبه تکییر گفته شد) دوستان اگر همچنان سواله میزگرد را تأیید می کنند سه نفر از دوستان با دو یا سه نفر از دوستان دیگری که نظر نقدی بر اصل پنجم دارند، می توانند در یک میزگردی شرکت کنند و ممکن است این میزگرد چون وسائل هم اینجا هست همینجا باشد تا وقت کمتری بگیرد البته اگر از نظر فنی برای رادیو تلویزیون ممکن باشد.

بنی صدرو—اگر مسأله در مجموع مورد بحث قرار می گیرد، من موافقم.

نایب رئیس—مجموع کدام مسأله مورد نظرتان هست؟

بنی صدر—یعنی ما بینیم ولايت فقهیه چه جائی در قانون اساسی ما پیدا می کند.

نایب رئیس—بله چون آقایان می فرمودند مسأله ولايت فقهیه لازم است برای مردم روشن بشود، دوراه وجوددارد. یکی اینکه بالآخره ناطق قبل از دستور داریم و می تواند در آنجا روشن شود، دیگر اینکه برای آنکه کامل و روشن و خیلی آزاد مسأله در برابر دیدگان مردم مطرح شود، بصورت یک میزگرد باشد.



۴- پایان جلسه

نایب رئیس - چون حالا دیر است بعداً این موضوع را بررسی می کنیم جلسه بعدی ، ساعت چهار بعداز ظهر شروع می شود .

(جلسه ساعت سیزده وده دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی - دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه بیستم

صورت مشرح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۵/۱ دقیقه روز ۷ شهریور سال ۱۳۹۸ هجری شمسی
برابر با بیست و ششم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد

فهرست مطالب:

- ۱- اعلام رسمیت جلسه
- ۲- بیانات قبل از دستور آفایان صافی و دکتر شیبانی
- ۳- طرح اصل ۱۴
- ۴- تمدید مدت پانزده روز جهت بررسی قانون اساسی
- ۵- پایان جلسه





۱- اعلام و سمیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم . جلسه رسمی است و کارمان را آغاز می کنیم .
غائبین جلسه قبل ، آقایان : انجمن - باهنر - حائری - خادمی - سحابی - کریمی -
موسوی اردبیلی - نبوی و خانم گرجی بودند و این آقایان هم تأخیر داشتند : آقای مولوی
عبدالعزیز صد دقیقه و آقای هاشمی نژاد بیست و سه دقیقه .

۲- بیانات قبل از دستور آقایان صافی و دکتر شیبانی

نایب رئیس - آقای صافی برای نقطه قبل از دستور تشریف بیاورید .
صافی - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحيم . يا ایها الذين آمنوا
لاتقدموا بین يدی الله و رسوله واتقوا الله ان الله سمیع علیم .

مطلوبی بود که می خواستم از سه چهار روز قبل عرض کنم که شاید در حال حاضر بیان
آن مطالب خلاف بلاغت باشد به این جهت بعضی مطالب دیگر را عرض میکنم و امیدوارم که
موافق بلاغت باشد . این حرکت و اقلاب صدر صد اسلامی ایران ، دشمنان ایران و آنان را
که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته اند ، از شرق و غرب سخت نگران ساخته است ویشور ، از
گسترش آن در جوامع اسلامی که هنوز کم و بیش تحت سلطه اقتصادی و سیاسی و فکری آنان
قرار دارند ، ییمنا کند که میباذا این نیروی اسلام که توانست با دستهای خالی از اسلحه اما
متعدد ، این اقلاب عظیم و بی نظیر را بوجود آورد ، سایر کشورهای اسلامی را آزاد سازد .

از سوی دیگر انقلاب ایران نشان داد که برای انقلاب علیه استعمار ، توسل به مکتبهای
دیگر واستمداد از آنها نه فقط لازم نیست بلکه مضروریان بخش است و هدفهای ملی و اسلامی را
تأمین نخواهد کرد و اسلام کوینده تروانسانی ترا از هر مکتب دیگری میتواند علیه ظلم و استبداد و
استضعاف انقلاب کند و مستضعفان را در جای مستبران بنشاند . یکی از اساتید و نویسندهای
اهل سنت بنام استاد عمر عیید تحت عنوان «ثورة ایران درس وعبرة» در مقاله مبسوطی که در
شماره دوم از سال بیستم مجله معروف «حضارة الاسلام» درج شده است ، محققانه و بی طرفانه
نقش اسلام و سلاح ایمان و رهبری روحانیت شیعه را بررسی کرده و درسهای بزرگی از انقلاب را
به جهان اسلام یادآور شده است ، که اینک عین آن را در اختیار آقایان آقایان نمایندگان محترم
میگذارم . چنانکه در همین شماره مقاله دیگری نوشته است و در آن مقایسه ای بین روحانیت و
رهبری شیعه و یکی از مراکز مهم علمی دیگر جهان اسلام که جامعه الازهر باشد کرده و
استقلال وقدرت روحانیت و رهبری شیعه را ستوده و از آن تقدیر کرده است . و در شماره دیگر
رهبری فقه را در عصر غیبت و نظام امامت و آثار انقلابی آن را شرح داده است که اگر مطالعه
بفرمایید ملاحظه میکنید که این حرکت شیعه و رهبری روحانیت را آنها چقدر خوب در کرده اند .
هم چنین در این شماره اشعاری از یکی از ادبای بزرگ تحت عنوان «آیة الله» نوشته است که البته



مقصودش از آیة الله، حضرت آیت الله خمینی است و مطلع شus اینست «هم پمد حونک ثائز آمدام او مقاتلا متمرساً و هماماً» بعد هم راجع به شیعه و روحانیت شیعه مطالبی دارد و این یکدر کی است که تمام مسلمانان جهان تا آنجا که بنده اطلاع دارم و مجلاتی که برای بنده می آید و می بینم و مطبوعاتی که دیدم تمام مسلمانان جهان در درک این مطلب متفق القول هستند. چندی قبل هم یک هیأتی از کشورهای مختلف اسلامی آمده بودند که من در منزل حضرت آیت الله گلپایگانی آنان را ملاقات کردم. آنها می گفتند که قم عاصمه اسلام است و ما قبول کرده ایم و پذیرفته ایم که اینجا عاصمه اسلام است. مردمان روشنگری بودند و کتابهای نوشته بودند راجع به تحریر اسلام و اساسنامه هائی داشتند و می گفتند امروز در عالم اسلام قم عاصمه عالم اسلام است و باید همه مسلمانها به اینجا متوجه باشند. اما مطلبی را که می خواستم بمناسبت بعضی نوشته ها و حرفهایی که پیرامون قانون اساسی و هدفهای اسلامی مطرح شده است بعرض همه ملت مسلمان و پیاخاسته ایران برسانم، اینست که بعد از هر قیامی که روحانیت و ملت مسلمان ایران علیه ظلم و سلطه خارجی نمود، بیگانگان برای اینکه قیام کامل نگردد و قدرت رهبران دینی ضعیف شود یا نظیر آن در کوتاه مدت تکرار نگردد، با زیانهای مختلف وبا وسائل گوناگون سعی کردن در صفوی متشکل و بهم پیوسته مسلمانان رخنه کنند و با اسم پاشی ها و حتى مذهب سازی و حرفهای مصنوعی، رهبری است را ضعیف سازند. بعد از اعلام جهاد سید محمد مجاهد و بعد از واقعه قتل گریاب دوف روسها و پس از واقعه تاریخی تحریم تباکو، انگلیسها بوجوب مدارک بسیار این کار را کردند و خطرناکترین سلاحی که برای بیرون راندن اسلام از واقعیات امور مسلمین و سیاست و اقتصاد آنها بکار بردن، این بود که دین از دنیا و سیاست از روحانیت جدا است و می خواستند روحانیت را از بین ببرند و با آن نقشه های هدام وارد شدند برای اینکه روحانیت را از بین ببرند و به هر شکل که می شود نابود کنند و برای این کار رضاخان را انتخاب کردند. چنانکه محمد رضا در یکی از کتابهایش نوشته است پدر من کاری که می خواست انجام بدهد و هدفی که داشت این بود که روحانیت را خانه نشین بکند و روحانیت را از مداخله در امور منوع بکند و نوشته بود که این کاری بود که کرد و لی الحمد لله معلوم شد که این کاری بود که توانست انجام بدهد و موفق نشد ولی بعد از این حرکت ها دشمنان در صدد برآمدند که ضربه خودشان را به اسلام و روحانیت بزنند و یک سم پاشی هائی بکنند که قدرت روحانیت ضعیف بشود و به آن مقصد نهائی خودشان نرسند. معلوم است که در دنبال این اقلاب عظیم ایران هم که بصورت یک معجزه تعجلی کرده است این سم پاشی ها بیشتر و باشدت زیادتر باید جلو بباید هم از سوی استعمار و سلطه ای که رانده شده است و هم از سوی رقبای آنها و گروههای غیر اسلامی که می خواهند خلا روال رقیب را پر کنند. آن چیزی که در برابر این دو، ایستاده است اسلام و ملت مسلمان و رهبران اسلامی هستند که می خواهند این خلا را با اسلام پر کنند و هرگونه وابستگی و عدم استقلال را از نظام کشور دفع نمایند و این مجلس خبرگان هم همین رسالت را باید اینا کند. چون این دو رقیب هردو ترجیح میدهند که رقیشان باشد اما اسلام نباشد زیرا برای آنها در تقاطی که اسلام تجربه شده است این یک سوال مسلمی است، همانطور که کنندی در کتابی که در باره چین و مقایسه ای که راجع به کشورهای خاورمیانه و اسلامی کرده می گوید اگر در یک سقطه کوچکی هم اسلام احیاء بشود ما در مقابل آن منطقه و آن کشور کوچک نمیتوانیم پایداری



کنیم و گرفتار میشویم در حالیکه اگر چین کموئیست هم باشد میتوانیم با اوسازش داشته باشیم و مقاصد خودمان را انجام بدھیم . غرض اینست که همه دشمنان اسلام از احیای اسلام میترسند و احیای رقیب ، وقدرت رقیب خودشان را حتی مقدم برقدرت اسلام میدانند. اینست که به لطایف الحیل اقدام میکنند که از احیای قدرت اسلام جلوگیری کنند . بنابراین بر مسلمانان معلوم است که با یاد کوشنش کنند و خلاً قدرتی را که بیدا شده است فقط با اسلام پر کنند زیرا از هم اکنون مشغول سپاشه شده اند و حتی در بین گروههای مسلمانان دلسوزانه بذر نفاق و اختلاف ویدینی میباشند و با الفاظی مثل استبداد دینی ، اسلام سنتی ، انحصار طلبی و ارتیاع ، میخواهند جبهه اسلام را که چنین قوی و نیرومند شده ضعیف سازند . بسیاری هم میدانند که اگر نظام اسلام پیاده شود و مستضعفان جای مستکبران را بگیرند ، راه استکبار برویشان بسته نیشود . همه این دسته ها دست به تحریک و نفاق افکنی میزنند . اسلام سنتی میگویند تا هر کجا که اسلام با مقاصدشان معارض شد ، آن را اسلام سنتی بنامند. استبداد دینی میگویند تا هر کجا دین راه تخریب و فساد را برویشان بست ، اسم آن را استبداد دینی بگذارند . انحصار طلبی میگویند تا اگر مردم آنها را کنار گذاشتند و افراد شایسته ای را آوردنند آن را انحصار طلبی بشمارند. ارتیاع میگویند تا هر کجا اسلام ، غرب زدگی و چپگرائی آنها را رد کرد ، آن را ارتیاع بنامند . اما باید این گروهها چه وابسته و چه غیر وابسته بدانند که ملت مسلمان ایران از راهی که رفتہ است بحوال و قوه الهی بازگشت نخواهد کرد و این تهمتها نمیتواند مانع پیشرفت او شود و بحمد الله رشد و شعور اسلامی و اجتماعی ملت چنان است که تحت تأثیر این تبلیغات سوء قرار نمیگیرد . این وحدت قشرهای مختلف خصوصاً حوزه های علمی اسلامی و دانشگاهیان و دانشجویان متعهد ، گرایش به راست و چپ را در هر شکل و صورت محکوم میکند و قانون اساسی نیز باید چنان نوشته شود که از این گرایش ها منزه باشد یعنی قانون اساسی مستقل و زنده و حرکت بخش . زیرا این مردم که انقلاب را تا به اینجا رسانده اند و رژیم کثیف دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی را ساقط کرده اند ، حرفشان و هدفشان اسلام بوده و هست . این مردم چه میخواستند و میخواهند غیر از اسلام و نظام اسلام و ولایت فقیه ؟ این مردمی که به جمهوری اسلامی متفق القول رأی دادند ، همه همین را میخواهند و هم اکنون هم هر روز به هرمناسبت و در هر فرست ملت مسلمان ایران ، عهدهش را با اسلام و با مراجع تقليد و با مقام رهبری و با ولایت فقیه تجدید مینماید . بنابراین آنچه وظیفه ما است اینست که معیارهای اسلام را در همه جای این قانون و همه اصولش منعکس سازیم و حتی لفظ اسلام را در هر کجا مناسب یا معرض توهی یا سوءاستفاده در آینده بود ، قید کنیم و به اصطلاحات اسلامی صریحاً اعتماد کنیم و از اینکه افراد نا آشنای اسلام آن را نمیدانند ، بالک نداشته باشیم .

ما وقتی میگوئیم اسلام ، همه چیز را میگوئیم حالا بعضی افراد و طبقات محروم و مستضعف گمان نکنند که آنها فراموش شده اند ، زیرا اسلام به همه نیازهای بشر توجه دارد. وقتی میگوئیم اسلام ، همه چیز را گفته ایم و از همه حق حرف زده ایم. حق خدا ، حق پیغمبر و امام و حق مردم ، حق کارگر رحمتکش ، مرد ، زن ، همه اصناف ، حق معلم و همه افراد ، حق آن روستائیان محرومی که حتی از آب آشامیدنی محرومند. عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم همه در اسلام است.



در اسلام اصل توجه به مستضعفان و ضعفا یک اصل اساسی و بنیادی است. حتی در نماز جماعت، امام جماعت رعایت ضعیفترین مأمورین را بینماید. در کاروان، دستور است که ضعیف امیر کاروان است یعنی کاروان سیر و حرکتش را باسیر ضعیف تطبیق میدهد نه اینکه دیگران بروند و ضعیف عقب بماند. اینها یک برنامه ها و تعالیمی است که روشنگر چگونگی سیر و حرکت حکومت و اجتماع نیز هست. چنانکه یکی از اصول برنامه های اسلام مبارزه با استبداد است، اسلام مبارزه با استبداد را با نفی شرک بپریزی کرده است و آن را از بعیط خانواده نیز نفی کرده است و با استبداد فرد درخانواده تاحدی مبارزه کرده است که به روایت سید رضی در «المجازات النبویه» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود «المؤمن یا کل باشتهاء اهله، والكافر یا کل باشتهاء نفسه». چون وقت گذشته مطالبی را که میخواستم عرض کنم ممکن است بعداً در فرست دیگر بعرض برسانم و از آفایان محترم مذخرت بیخواهم.

نایب رئیس — نفر بعدی آفای بشارت هستند ولی چون آفای دکتر شیبانی با ایشان تبادل نظر کردنده توافق کردنده نویشان را به آفای دکتر شیبانی بد هند.

دکتر شیبانی — بسم الله الرحمن الرحيم. دوستان باتوجه به اینکه یک ماه از مجلس گذشته است و ما دوازده اصل بیشتر تصویب نکرده ایم و میدانید که وظیفه ما خیلی سنگین است، بنده سعی میکنم زیاد حرف نزنم ولی بعضی وقتها موقعیتی پیش میآید که انسان باید چند کلمه ای بگوید. راجع به ولايت فقيه از طرف یکی از دولتان که با من همسنگ بوده و هست و همانطور که میگفت سی سال بابنده هم زندان وهم سنگر بوده و از نظر شخصی و خصوصیات اخلاقی بسیار شخص ارزشدار و خدمتگزار و قصدش هم واقعاً قصد خیر است در پرونده صحبتی شده که باعث شده، نتیجه سوئی ازان بگیرند. اینست که بنده لازم دیدم که بیایم و توضیح بدهم. حضرت پیغمبر هر روز از کوچه ای که رد میشدیک نفر بود خاکستر روی سرشان میریخت یک روز آن فرد نبود پرسیدند چه شد؟ گفتند ناخوش است. رفتند احوال پرسی آن شخص و گفتند تو هر روز خاکستر روی سرمن میریختی دیدم امروز نیستی آمد احوالت را پرسم. پس ما باید از پیغمبران سرمشق بگیریم و کوشش بکنیم افراد را با حسن خلق و رفتار صحیح به راه بیاوریم. این جوانهای که در این مبارزات بودند و فعلاً هم هستند از ما یک رمیدگی پیدا کرده اند و خیال میکنند ما اینجا نشسته ایم که یک قید و بند هائی درست کنیم و دست و پای آنها را ببندیم در حالیکه اینطور نبوده و نیست. کوششی که اینجا میشود این است که میخواهیم حکومت قانون را پیاده کنیم و اگر فقیه هم ولايت داشته باشد، در چهارچوب قانون است و ولاتش برای استفاده شخصی و حب و غضن نیست و با این شرایطی که برای فقیه معین کردیم که واقعیت دین هم همان است که این اصل را من مجدداً میخوانم، خواهش میکنم توجه بفرمایید مخصوصاً نمایندگان رادیو وتلویزیون و مطبوعات و من از مطبوعات خیلی گله دار برای اینکه نمایندگان مجلس خبرگان همه تشریف بردنده مجلس ترحیم آفای طلاقانی در دانشگاه، ولی روزنامه های آن روز را بیاورید ببینید یک عکس از شما اند اختند؟ آنوقت میگویند آزادی هم هست بلی آزاد هستند هر چه دلشان خواست بنویسند اما مطلبی را که میلیشان نیست هر چند هم رخ داده باشد آنها را ذکر نمیکنند. هفتم مرحوم طلاقانی جناب آفای منتظری جناب آفای حجتی و بنده که هرسه هم زندان آفای طلاقانی بود یم رفیم و در مراسم شرکت کردیم. بعد بنده به هم خبر روزنامه گفتم این را بنویس، گفت حالا فکر بکنم ببینم مینویسم یا نه. بعد هم که نوشت، خبرش درست نبود. اما اصل ولايت فقیه



را می‌خوانم «در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل با تقوا ، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند» حالا منتشر میکنند که با تصویب این اصل سرنوشت مردم چه میشود؟ ما برای خود این فقیه، پذیرش مردم را قید کرده‌ایم، یعنی به رأی اکثریت و عامه مردم توجه کرده‌ایم ، آنوقت چطور میگویند به رأی مردم توجه نمیشود؟ چطور میگویند دیکتاتوری آخوندی میخواهند راه بیندازند؟ این را سلم بدانند که آخوند نمی‌تواند از حدود قانون اسلام بیرون برود . نمونه‌اش این مرجع گرامی ما است که تمام اختیارات دستش هست و عملا هم می‌بینیم از ولایتش استفاده میکند و هیچ صدمه‌ای به احدی نمیزند بلکه برای حفظ مملکت کوشش میکند و تمام عمرش را روی این کار گذاشته است، آیا استبداد به خرج میدهد؟ آیا این واقعی توجیهی به حق مردم است؟ یا برای حفظ مردم است که میگوئیم فردی که صلاحیت دارد کترل بکند که اگر انحرافی حاصل شد جلویش را بگیرد؟ آنهم روی ضوابطی ، نه بطور دلخواه و بخاطر مصالح شخصی . چطور آنوقت حق مردم تضییع شده؟ اینجا تصویب میکنیم که ملت میتواند رفرازه دوم بکند، مجلس شورا دارد ، رئیس جمهوری میتواند انتخاب بکند، خوب تمام این سلسه مراتبی که ذکر شده اعمال حاکمیت از طرف مردم است. اگر بناسرت مسیر صحیحی انتخاب بشود خوب باید یکنفر باشد که کترل کند که مباداً اشتباہی پیش آید . اگر این راه را میگویند، بخاطر صلاح جامعه است نه بخاطر منافع شخصی . اگر این کترل نباشد این مدت پنجاه و چند سال که از مشروطه گذشته و گروه فکلی مصدر کار بودند و اداره امور به دستشان بود چه کلی به سر این ملت زدند؟ و در این مدت کوتاه که یک فقیه سرپرستی است را بدست گرفته چه کاری برعلیه مردم کرده؟ هرجا بوده مردم را بزرگ کرده و جلو آورده و خودش را گفته من یک طلباء مردم باشد نظر بد هند و عمل هم این کار را کرده است. حالا انتقاد میکنند که در پیش نویس قانون اساسی که قبلات تهیه شده در آنجا ذکری از این موضوع نشده بود . خوب این اصل، اصل مسلمی بوده زیرا آن پیش نویس هم مربوط به زمانی بوده که حکومت طاغوت مستقر بوده و چون حاکم ، حاکم مبسوط الیه نبوده ، ذکری از او نشده است ولی در این موقعیت فعلی وظیفه ما مسلمانها اینست که حق مردم را به حقدار بدھیم. من خیلی دلم میخواست که رفیقمان اینجا بود و این مطالب من را میشنید چون خود ایشان موقعی که یکنماشی میدادند به اسم نمایش شهر قصبه که یک فرد حیله‌گری را با لباس آخوندی به صورت رویاه درآورده بودند ، چنان عصبانی شده بود وداد و فریاد میکرد و می‌گفت این برای کوییدن روحانیت است. خود همین آقای مهندس سحابی بامن که صحبت میکرد خیلی عصبانی بود از آن داستان و حالا هم اگر حرفی میزند بته من ته دلش را میدانم بخاطر صلاح جامعه میگوید نه اینکه قصد کوییدن کسی را داشته باشد ولی مردم این برداشت را نمی‌کنند و کنه ضمیر اورانمیدانند که او به خاطر حفظ روحانیت، انتقادی میکند ولی برداشت مردم اینست که تصویر میکنند ما اینجا نشسته‌ایم و اینجا اختناق شدید است و نیتوانیم حرفمن را بزنیم ، نه ، اینطور نیست آزادی داریم ، حرفمن را می‌زنیم ، انتقادمان را میکنیم ، سه چهار ساعت می‌شینیم بحث میکنیم و به جلسه که می‌آئیم اگر اصلی تصویب نشد، باز دوباره می‌رویم بحث میکنیم. من به این جوانها توصیه میکنم که من سنگ مبارزه را خالی نکرده‌ام و خالی نمیکنم و اگر بناباشد انحرافی حاصل بشود ، خودم بلند میشوم اینجا حرف میزنم . جلوی



من راتابحال کسی نگرفته و حرفم را هم زدهام. این که شایع کرده‌اند که میخواهند سانسور کنند که کسی حرف نزند، اینطور نیست. من به این جوانان توصیه میکنم در این موقع که زبان سازندگی مملکت بعد از انقلاب است وظیفه همه ما اینست که کوشش بکنیم در هر قطه مملکت اگر اشکالاتی هست رفع بکنیم. یک نکته‌ای راهم که یکی از دوستان تذکردادند اینست که در این تصویر خودمان است مطرح نمی‌شود. راست است، لازم نیست که حتماً عبا و عمامه داشته باشد. نوشته اصل اسمی از آخوند نبرده‌اند. راست است، لازم نیست که حتماً عبا و عمامه داشته باشد. نوشته شده فقیهی که این شرایط را داشته باشد. هیچ لزوی هم ندارد که عبا و عمامه داشته باشد. اسلام هم به لباس نیست اسلام به عمل است و ممکن است یک کلاهی هم فقیه جامع الشرایط باشد مثل آقای ارباب در اصفهان که هم کلاهی بود و هم فقیه بود. پس مسئله اینست که اگر کنترلی نباشد و ضابطه‌ای نباشد و انحرافی حاصل شد، چه کسی باید جلویش را بگیرد؟ با این شرایط که گفتم هیچ اشکالی از نظر اعمال حاکمیت مردم پیش نیامده و پیش نخواهد آمد والسلام.

۳- طرح اصل ۴

نایب رئیس – وارد دستور میشویم دستور جلسه اصل چهارده است که میخوانم:

اصل ۴۱ – حق حاکمیت ملی که همان حق تعیین سرنوشت اجتماعی است حقی است عمومی که خداوند به همه آحاد ملت داده تا مستقیماً یا از راه تعیین و انتخاب افراد واجد شرایط با رعایت کامل قوانین اعمال شود. هیچ فرد یا گروهی نمیتواند این حق الهی همگانی را به خود اختصاص بدهد یا در خدمت منافع اختصاصی خود یا گروهی معین قرار دهد.

از گروه دو یکی از دوستان برای توضیح درباره اصل تشریف بیاورند آقای فوزی بفرمائید.

فوزی – بسم الله الرحمن الرحيم. البته آن متنی را که ما تهیه کرده بودیم در گروه دوم آنرا تغییر دادند و این متنی است که علی الظاهر آقای دکتر باهر آنرا تهیه کرده‌اند. البته خود اصل مورد تأیید است و اشکالی در آن بنظر نمیرسد ولی تغییر عبارتی که در اصل داده‌اند آن تغییر عبارت به نظر می‌آید که اشکالی دارد. برای اینکه حق حاکمیت ملی همانطور که در صدر اصل آمده است حقی است که از جانب خداوند عالم به آحاد ملت اعطای و تفویض شده است ولی آنطوری که در متن نوشته بودیم این حق به دو طریق اعطای شده، یعنی از دو کanal آمده یکی به آحاد ملت و افراد ملت داده شده و یکی هم به افرادی که در یک شرایط خاصی قرار گرفته‌اند و یک خصوصیتی دارند، که آن افراد قهای جامع الشرایط هستند. متنها آن حقی که به آحاد ملت داده شده کلیه افراد ملت در این حق سهیم و شریک هستند حالاً فرق نمیکنند اعم از اینکه باسواد یا بیسواد باشند یا قیمه باشند یا غیر قیمه باشند مثلاً حق امر بمعروف و نهی از منکر، حق همه پرسی، حق دفاع عمومی یا قیام عمومی، که کلیه افراد ملت در این حق سهیم و شریک هستند، و این حقی است که از جانب خداوند عالم به ملت تفویض شده است حتی آن افرادی که در شرایط خاصی قرار گرفته‌اند یعنی قهای جامع الشرایط نیز در این حق شریک و سهیم هستند. یعنی ایشان هم حق امر بمعروف و نهی از منکر دارند، حق قیام دارند، حق همه پرسی دارند، به هر صورت آنها بهتر میتوانند این موارد را تشخیص بدهند، یعنی قهای جامع الشرایط بهتر از سایر افراد میتوانند تشخیص بدهند که آیا ملت حق قیام دارد، حق همه پرسی دارد یا ندارد. پس بنابراین در این حق و در این



خصوصیت کلیه آحاد ملت حتی فقهای جامع الشرایط شریک و سهیم هستند ، البته همانطور که ذکر شد آنها این مزیت را هم دارند اما حق دیگر که به افراد خاصی در شرایط خاصی داده شده که عبارت باشند از فقهای جامع الشرایط یعنی آن افرادی که احکام شرعیه را از ادله شرعیه و عقل و اجماع استتباط میکنند و در عین حال صفات دیگر و شرایط دیگری را که شرع اسلام تعیین کرده آن شرایط و صفات را هم دارا هستند ، این حق مختص آنها است که به ولایت فقیه تعبیر میشود. حالا فی الجمله اجمالا یا تفصیلاً البته شرایط آن برابر نظراتی است که علمای مادر کتب فقه ذکر کرده اند . علی ای حال فقهای جامع الشرایط این حق را دارند که به ولایت فقیه تعبیر شوند و میتوانند در شرایط خاصی در امور اجتماعی دخالت کنند . علی هذا این عبارت که در اینجا به این نحو تصحیح شده که «حق حاکمیت ملی» که همان حق تعیین سرنوشت اجتماعی است حقی است عمومی که خداوند بهم آhad ملت داده تا مستقیماً یا از راه تعیین و انتخاب افراد واحد شرایط با رعایت کامل قوانین اعمال شود ». بنظر بnde این عبارت به این ترتیب اشکال دارد ، برای اینکه آن فقها حقشان مستقل است و آhad ملت هم یک حقی دارند و این حرف در اینجا این را میرساند که این حق حاکمیت ملی که میخواهد اعمال شود یا از طریق آhad ملت اعمال میشود یا از راه تعیین انتخاب افراد واحد الشرایط یعنی این اعمال به نحو علی البدل است ، در صورتیکه اینطور نیست زیرا یک وقتی خود آhad ملت این حق را اعمال میکنند و یک وقت فقهی جامع الشرایط این را اعمال میکند . علی هذا این باید با (و) عطف درست شود یعنی به جای (یا) باید (و) نوشته شود تا مستقیماً و از راه تعیین که البته این راه تعیین انتخاب هم بازینظر بnde یک اشکالی دارد برای اینکه آن افرادی که واحد شرایط هستند آن افراد را ملت تعیین نمی کنند بلکه یک نفر که قدرت استتباط احکام را از ادله شرعیه دارد تعیین میکند . او طبعاً و فی ذاته واحد این شرایط هست ممتتها ملت باید او را تشخیص بدهد و تجسس بکند و بفهمد که چه کسی این اوصاف و شرایط را دارا است و به چه کسی این حق تفویض شده پس علی هذا بنظر بnde اینطور می آید که این عبارت باید اینطور اصلاح شود «واز راه تشخیص افراد واحد شرایط با رعایت کامل قوانین اعمال شود » یعنی (یا) به (و) تبدیل شود و «تعیین» هم به «تشخیص» تبدیل شود بعد هم «هیچ فرد یا گروهی نمیتواند این حق الهی را به خود تشخیص بدهد و یا در خدمت منافع اختصاصی خود یا گروهی معین قرار دهد ». این متن در گروه ۲ آمده بود منتها یک تغییر محتصری در این متن نوشته شده که «هیچ کس نمیتواند از این حق سوءاستفاده کند و از این حق الهی و همگانی که باید در راه عموم از آن استفاده کند این حق را در منافع اختصاصی خود بکار ببرد و استفاده بکند ». دیگر عرضی ندارم .

نایب رئیس — آقای فوزی هم موافق بودند وهم پیشنهاد اصلاح داشتند. درباره این اصل آقای هاشمی نژاد به عنوان موافق، آقای ریاضی شیرازی به عنوان مخالف، آقای موسوی تبریزی به عنوان مخالف، آقای حیدری موافق مشروط، آقای یزدی موافق، آقای اکرمی به عنوان مخالف و آقای بنی صدر به عنوان مخالف نام نویسی کرده اند. (فوزی) — این متن از گروه دوم نبود (تهرانی) — به عنوان توضیح دهنده، توضیح داده نشد. (ریاضی امشی) — توضیح درباره این مطلب نبود. اگر طبق معمول که در اصلهای قبل رعایت می کردیم یکی از دوستان بتوانند تشریف بیاورند و به سؤالاتی که درباره این اصل میشود، بطور فشرده توضیح بدهند، میتوانند در کار مؤثراشند. آقای



تهرانی تشریف بیاورید و به سوالات جواب پدھید. (دکتر قائمی - سوالات را یادداشت بکنند بعد بیایند جواب پدھند). (ربانی املشی - آقای دکتر بهشتی خود جنابعالی توضیح بفرمائید). (ربانی شیرازی - بنده میخواهم صحبت کنم این اصل خیلی اشکال دارد). بعضی از دوستان از قبل آقای ربانی شیرازی دیروز تبودند و غایبت آقایان این اشکالات را بوجود میآورد. نمیدانم آیا دوستان دیگری که اینجا بعنوان مخالف اسم نوشته‌اند، آنها هم غایب بوده‌اند؟ (ربانی شیرازی - آنها هم که بوده‌اند، اشکال دارند). (یکی از نمایندگان - قرار یود کسانیکه در کمیسیونها غایبت داشتند در جلسات حق صحبت نداده باشند). در واقع ما باید این را در آینده کاملاً رعایت کنیم که آقایان نمایندگان بطور منظم در جلسات گروهها شرکت کنند تا سوال کمتر پیش بیاید. آقای تهرانی بفرمایید.

تهرانی - بسم الله الرحمن الرحيم . این اصل بحسب تنظیمی که فعلاً شده است در سر لوحة فصل دوم قرار دارد و به حسب پیش نویس در سرلوحة فصل سوم است یعنی جائیکه اصول کلی تمام میشود و ما وارد فصولی میشویم که منزله اصله‌هایی است که از همان اصول کلی منشعب میشود. اصل اول که در این فصل دوم است حق حاکمیت ملی است که ما این حق حاکمیت ملی را در اصول دیگر منشعب میکنیم به قوای سه‌گانه ، یعنی قوه مقتنه و قوه مجریه و قوه قضائیه و برای اینکه این جا حق حاکمیت ملی در سه‌شعبه اش زور پیدا کند این اصل مقدتاً آورده شده است و اصل بسیار اساسی دواین قانون اساسی است و بهیچ وجه مغایرت و منافات با ولایت فقهی ندارد، بلکه با اصل ولایت فقهی کاملاً هماهنگ است. حالا من عبارت را میخوانم و یک مقداری برای آقایان توضیح میدهم.

حق حاکمیت ملی همان حق تعیین سرنوشت اجتماعی است . شما فقهی را قبول کردید و حتی دین راهم دین اسلام انتخاب کرده‌اید چون میدانید از طرف خدای تعالی است و او عالم به همه مسائل ما است و می‌داند چه چیزی ، چه اعمالی و چه رفتاری و چه اعتقداتی در سعادت مادی و معنوی ما اثر دارد و مقرر و تشرع فرموده و ما انتخاب کرده‌ایم و راه سعادت بخش زندگی را انتخاب کرده‌ایم پس ما انسانها هستیم و همه ملت هستند که حتی دین را انتخاب می‌کنند و بر می‌گزینند و اختیاری کنند. قهرآکسان دیگر بغيرازاین هم، یعنی رهبردینی، یعنی همان فقهی که ما در اصل پنجم گفتیم که کسی است که مورد خواست اکثریت ملت است و اکثریت ملت اورا برگزیده و انتخاب کرده و خواسته است. بنابراین در همه چیز حتی انتخاب دین و رهبر حق حاکمیت و حق انتخاب مال ملت است. بینید منافات ندارد که یک چیز تلقی برہان واقعی و طبق جعل حق تعالی واقع باشد، اما این ملت است که بر می‌گزیند و راه کج و یا راه راست را انتخاب میکنند. پس حق حاکمیت ملی برای عموم مردم است بدون اینکه اختصاص و ارتباط به جمیعت خاصی داشته باشد. همه مردم در سرنوشت و انتخاب راه خودشان اختیار دارند و رأیشان به حسب این اصل معتبر است. پس این اصل با ولایت فقهی منافات ندارد و براساس حق حاکمیت ملی است که ولایت فقهی را انتخاب میکند پس این اصل علاوه براینکه یک اصل صحیح و درست است با ولایت فقهی هم منافات ندارد. البته حاکم، حق تعالی است و این حاکمیتی که ملت دارد، سایه حاکمیت حق است که خدا به مردم داده است آنوقت ملت هم باید امانت را به‌اهمیت برگزدند. و این کار مستقیماً یا از راه رفاندوم انجام میشود، یا از راه تعیین و انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی که نتیجتاً مردم در سرنوشت خودشان



دخلات میکنند و کسانی را انتخاب میکنند که واجد شرایط هستند. یعنی وظیفه دارند برحسب موازین وقواعد اسلام برگزینند وبا او بیعت کنند و به او رأی بدهند وقهرآ درآن مسندی که هست یعنی اگر درقه قضاچیه یا اگر قوه مجریه است او رادرآن مسند بنشانند. پس باز ملت است که حق انتخاب دارد و انتخاب میکند و البته شرایطی دارد که طبق آن شرایط ملت اسلامی پیرو دین است و دین اسلام را انتخاب کرده همان شرایطی را که دین اسلام برای منتخبین قرارداده، مراعات کرده وامانت را به اهلش برمی گردانند.

نایب رئیس — آقای تهرانی مشکرم چون بیداست مخالفینی که اسم نوشته اند سؤوالاتی دارند. حضرتعالی بفرمایید بشنینید و سؤوالاتی را که مخالفین مطرح میکنند به اختصار بیادداشت بفرمایید که یکجا جواب بدھید. آقای هاشمی نژاد بفرمایید.

هاشمی نژاد — چون من در کمیسیون مشترک نبودم، اگر تصمیم براین است که کسانیکه غیبت داشته اند نمی توانند صحبت کنند، بنده حرفي ندارم و صحبت نمی کنم.
نایب رئیس — تصمیم نیمه رسمی گرفته ایم، البته تصمیم رسمی را اینجا باید بگیرم منتها آقایان در دو دقیقه هم می توانند حرفشان را بزنند. بنابراین شما می توانید دو دقیقه صحبت کنید.
هاشمی نژاد — بسم الله الرحمن الرحيم. من سعی میکنم پیشنهاد آقای دکتر بهشتی را عملی کنم و در همان دو دقیقه حرفم را بزنم. در مسئله حاکمیت ملی و بطور کلی نوشتن و آوردن این اصل آنچه من احساس میکنم این است که براثر شانتازی است که جمعی بوجود آورده اند و سعی میکنند آنرا بزرگ کنند و ماباید خیلی قاطع با مسائل برخورد کنیم. بعد از اینکه اصلی را ما بنام ولایت فقیه تصویب کردیم و در آن اصل سه روز و هر روز چندین ساعت صحبت شد، با کمال تأسف بعضی از دوستان همانجا دوشه بار همان حرفهای گذشته شان را تکرار کردند و در عین آنکه به نظر اکثریت قاطع افراد شباهات منصفانه برطرف شده و بعضی از دوستان هم که باید از آنها گله کنیم، در همان کمیسیون با اینکه کمترین استدلالی نداشتند، بدون اینکه حتی بیایند اینجا در پشت تربیون و حرفشان را مطرح کنند، رفتند و از شرایطی استفاده کردند و متأسفانه خلاف آنچه که ما انتظار داشتیم عمل کردند. من تصویر میکنم که باید خلبی صریح با مسئله برخورد کنیم زیرا حدود اختیاراتی که از نظر اسلام افراد و مردم دارند کاملا مشخص است و در این زمینه چیزی که در پشت پرده وجود داشته باشد نیست. بهترین راه این است که از همینجا اعلام شود کسانیکه با این نظریه مخالفت دارند چون ما حرفهایشان را شنیدیم و مطالبشان را مکرر در مکرر با کمیسیونها در میان گذاشته اند، آنها را به یک جلسه مناظره برادرانه تلویزیونی درباره عموم مردم دعوت کنند تا حدود نظرات اسلام مشخص بشود تا اینطور نباشد که اگر کسی نظر مخالفی داشت برود و بنا بگفته آن برادرمان که قبل آمده بود به خودش حق بدهد، که از طرف جوانان مملکت صحبت کند.

نایب رئیس — آقای هاشمی نژاد شما دو تخلف فرمودید، یکی گفتید که دو دقیقه صحبت میکنید ولی خیلی از دو دقیقه گذشته است و دیگر اینکه قرار بود درمورد اصل صحبت کنید ولی در حاشیه صحبت میکنید بنا بر این نظر خودتان را درباره اصل بفرمایید.

هاشمی نژاد — من تصویر میکنم طرح این اصل در اینجا تحت چنین شرایطی است و ما باید در اینجا صریح عمل کنیم و بعد بینیم اصل را برای چه آورده ایم. من اصل ششم را بیخوانم ملاحظه بفرمایید که هیچ ضرورتی دارد این اصل را دویاره در اینجا پیش بکشیم؟



اصل ۶ - در جمهوری اسلامی ایران امور کشور بایدبا انتکاء برآراء عمومی اداره شود از انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای وظایف اینها یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین میگردد.

این اصل در آنجا مطرح شده است و اینهم اصل حاکمیت ملاحظه بفرمائید. حق حاکمیت ملی که همان حق تعیین سرنوشت اجتماعی است، حق است عمومی که خداوند بر همه آhadimt داده تامیقیم از راه انتخاب افراد واجد شرایط با رعایت کامل قوانین اعمال شود. این اصل مضمون همان اصل است بنابراین ضرورتی ندارد که مکرر در مکرر این راذکر کنیم، فقط چیزی که اضافه شده جمله اخیر آن است و ممکن است بعد هم یک چیزی بنظرمان بیاید که به صورت اصل چهارم وینجم ویا اصل دیگر اضافه کنیم واینرا مکمل آن قرار دهیم وینظر من هیچ ضرورتی ندارد که این اصل را ما در اینجا بیاوریم و آنچه که همه احساس میکنیم، آوردن این اصل در اینجا هیچ چیزیست مگر مقابله با شرایطی که چند نفر بوجود آوردن، آنهم به خاطر اینکه از این تربیون نمی خواستند برای صحبت استفاده کنند و راه مقابله برادرانه و دوستانه با آنها همان است که عرض کردم.

نایب رئیس - انصاف اینست که همانطور که دوست ما آقای رباني فرمودند و ملاحظه فرمودید، مطلب برادران آقای هاشمی نژاد ناشی از غیبت ایشان در آن جلسه است. چون عین این مطلب در آنجا مطرح و جواب داده شد. به هر حال امیدوارم این موضوع برای همه آسوخته باشد که در جلسات شرکت کنند تا مطالب تکرار نشود. (هاشمی نژاد - بند عرض کردم که حاضرمن صحبت نکنم بنابراین، این اعتراض بر من وارد نیست). آقای هاشمی نژاد اعتراض برشما وارد نیست فقط از این جهت عرض کردم که نمونه ای باشد برای همه و به جنبالی هم که قبول فرمودید اعتراض وارد نیست. آقای سبحانی بعنوان موافق بفرمائید صحبت کنید.

حجتی کرمانی - دوستان کاری نکنند که روابط ما با دوستان روشنگرمان تیره تر شود.

هاشمی نژاد - آقای حجتی اینطوری نباشد که همیشه یک حالت آسیب پذیری داشته باشد.

حجتی کرمانی - کاری نکید که تفرق بوجود نیاید.

هاشمی نژاد - این نصیحت را به آنها بکنید و برای اکثریت احترام قائل شوید.

نایب رئیس - آقای قرشی یادداشتی فرستاده اند، نوشته اند «پیشنهاد بیشتر از دو نفر موافق و دونفر مخالف صحبت نکنند». من این پیشنهاد را به رأی دوستان خواهم گذاشت. آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی - بسم الله الرحمن الرحيم. من بعنوان موافق سخن میگویم. قبل از اینکه محتوای این اصل را تشریح کنم و اشکال و ایرادی را که بنظر دوست عزیزم آمده بطرف کنم باید عرض کنم که این اصل دو روز قبل نوشته نشده است، بلکه این اصل تقریباً در همان هفته اول که به هفتگروه تقسیم شدیم و قرار شد که هرگروه اصولی را با توجه به پیشنهادات تنظیم کرده و در اختیار مجلس بگذارد، تنظیم شد. یعنی تقریباً یکماه قبل که هنوز مسئله ولايت فقهیه مطرح نبود و راجع به آن بحث نکرده بودیم و اصلاً متفرق بحث میکردیم و از افق فکر یکدیگر آگاه نبودیم، این اصل در گروه ما که گروه دو است تنظیم شد. البته نه با این عبارت، بلکه با عبارتی قریب به این عبارت: «حق حاکمیت به مقتضای ان الحكم الا الله از آن خدا است. اما بعنوان یک و دیعه به بندگان صالح - که بعداً گفتند



به مردم — تحت ضوابطی واگذار شده است و هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند این حق الهی همگانی را در جهت منافع اختصاصی خویش یا گروه معینی اعمال نماید « بنابراین مضمون این اصل را گروه ما ولو بصورت کم رنگتر یک ماه پیش تصویب کرده است . علاوه بر این درهمان پیش‌نویس سابق هم این اصل بود ، نه اینکه چون ولايت فقهیه تصویب شد این اصل یک اشکالاتی بنظر بعضی از دوستان ایجاد کرده در حالیکه این اصل برای ترمیم همان اصل ولايت فقهیه است و اگر به پیش‌نویس قبلی هم مراجعه کنید همین اصل در آنجا هم می‌باشد . (نایب رئیس — لطفاً درباره خودش توضیح بدھید) پس آن اشکالی که ایشان فرمودند ، نیخواستم مطمئن باشند که هم در پیش‌نویس وهم در مصوبه ما بوده است و جناب آقای رئیس ، من فکر میکنم این تذکری که دادم تذکر مفیدی بود . اما درباره خود این اصل ، واقعیت اینست که این اصل در طول ولايت فقهیه است چون اگر فقهیه بخواهد اعمال ولايت کند ، مستقیماً که اعمال ولايت نخواهد کرد بلکه قهرآ آن ولايتی را که دارد بوسیله مردم اعمال خواهد کرد و این اعمال ولايت را ما میگوئیم « حاکمیت ملی » و لواینکه بعداً تصویب شود و قرار شد که به تعبیر دیگر هم بحث شود که در اصل شانزده خواهد آمد . (طاهری گرانی) —

شما دارید ولايت فقهیه را تعریف میکنید . (من بخشی در ولايت فقهیه نمیکنم ، بنابراین اجازه بفرمائید عرض بنده تمام شود و شما آزاد هستید و تربیون هم آزاد است و می‌توانید بعداً مطلبتان را بفرمائید . بنابراین وقتی فقهیه بخواهد اعمال ولايت کند ، اعمال ولايت فقهیه بوسیله خود مردم است و خود مردم بهاذن فقهیه دارای چنین حاکمیتی خواهند بود زیرا مردم میتوانند به دوشکل اعمال حاکمیت کنند ، گاهی مستقیم و گاهی غیر مستقیم . غیر مستقیمش همان است که اینجا آمده است و مستقیمش آن است که بنام قوه ملت خواهد آمد . غیر مستقیم را ازطرف قوه مجریه و قضائیه و مقتنه اعمال خواهند کرد و شکل مستقیم آن تحت عنوان قوه ملت ، به نام همه پرسی یا امر به معروف و نهی از منکر و دفاع عمومی و یا قیام عمومی خواهد بود که در اصل نهم همین پیش‌نویس آمده است و ما هنوز درباره اش بحث نکرده ایم . بنابراین ، این اصل نه تنها منافاتی با آن مسئله ندارد ، بلکه برای ترمیم همانست و مردم باید برخیزند و تحت ضوابطی حکومتی را تشکیل دهند و قسمتی از این قدرتها ، مانند مجریه ، مقتنه و قضائیه را به دولت میدهند و یک قسمت را خودشان برای روزی نگهیدارند و از آن استفاده می‌کنند ، ازقبل همه پرسی و قیام ملی و دفاع ملی و امریبه معروف و نهی از منکرواين اصل هیچ نوع منافاتی با اصل ولايت فقهیه ندارد . (یکی از نماینده‌گان — جناب آقای سبحانی ، جنابعالی از پیش‌نویس خودتان که در گروه دوم تنظیم کرده بودید دفاع کردید که هیچ‌گونه تابعیتی با این جملاتی که در اینجا هست ، ندارد چون حق حاکمیت ملی عبارتست از همان آزادی که خداوند انسان را آفریده و تعیین سرنوشتش بخودش مربوط است . بنابراین با ولايت فقهیه مربوط نیست .) در طول ولايت فقهیه است . (نماينده — انسان آزادانه سرنوشت خود را تعیین میکند و این چنین شخصی از ارشاد اشخاصی که واحد صلاحیت هستند آزادانه بهره‌برداری میکند . بنابراین ارتباط دادن این مطلب با ولايت فقهیه هیچ مناسبتی ندارد .) من عرض کردم ارتباطش طولی است و عرضی نیست .

نایب رئیس — همانطور که ملاحظه بیفرمائید هر یکی ای که مطرح میشود دوستان می‌توانند یادداشت کنند و دوستانی که بعد نوبتشان بیرسد به این نکات توجه بفرمایند . خوب



آقای قرشی پیشنهادی داده بودند و منhem یک توضیحی برایشان دادم اگر پیشنهادشان بقوت خود باقی است من آن پیشنهاد را مطرح کنم، آقای قرشی نظرتان چیست؟

قرشی — درباره این اصل دیروز سه ساعت صحبت کردیم و اگرقراراشد روی هراصل ده‌نفر صحبت کنند کارمن بجائی نخواهد رسید. بنابراین من بر پیشنهاد خودم باقی هستم.

موسوی تبریزی — روی این اصل خلق الساعه، باید مشروحاً بحث شود تا همانطور که جناب آقای هاشمی نژاد فرمودند، علی التحقیق روش شود که ولایت فقیه چه مناسبی دارد تا کفایت مذکرات تحقق پیدا کند.

نایب رئیس — آقای موسوی میتوانید توضیح بد هید که منظورتان از خلق الساعه چیست؟

موسوی تبریزی — این اصل درگزارشی که بدلست من رسیده است نیست.

نایب رئیس — هرروز که مجلس کارمیکند ممکن است مطلب تازه‌ای بیاورد ولی وقتی جنابعالی میفرمایید خلق الساعه، گوئی عذر غایت خودتان را بعنوان عذر بدتر از گناه می‌آورید. چون خلق الساعه معناشیست که یک اصلی را اینجا تهیه کنیم، آنوقت خلق الساعه میشود ولی یک اصلی که درجلسه مشترک گروهها روی آن چند ساعت کار شده چون آقايان تشریف نداشتند حالا سؤالاتی را که درآنچه مطرح شده و مدتی هم رویش بحث شده و وقت صرف شده است مطرح می‌فرمایید و علاقه مندید که اینجا روشن شود. برای چندمین بارخواهش میکنم اگر هر کدام از ما درجلسه‌ای نبودیم بعداً از دوستانمان پرسیم که درآن جلسه چه گذشت و چه مطلبی گفته شد و چه کسانی توضیح دادند تا وقت ما بیش از این ضایع نشود. تا حالا چند نفر از دوستان یک مخالف صحبت کردند. (ربانی شیرازی — یک مخالف صحبت کرده است). بلى به وقته که همه دوستان صرف کردید ایجاب میکند و همچنین احترام گذاشتن دراین احترام گذاشتن سهیم باشند وسعی هم میشود که به سؤالاتی که برایشان آبهام آوردده است بطور کوتاه جواب داده شود مثل آقای موسوی که سؤالشان رامطرح کردند.

موسوی تبریزی — من سؤالی مطرح نکدم، من بعنوان مخالف نامنویسی کرده ام که شما نگذاشتید صحبت کنم.

نایب رئیس — البته اگر نوبتتان رسید می‌توانید صحبت کنید. یک موافق و یک مخالف صحبت می‌کنند و ایدوارم با صحبت کردن آنها مطالب روشن شود. نوبت آقای موسوی تبریزی و آقای رباني دراین لیست پهلوی هم است و هردو هم بعنوان مخالف اسم نوشته‌اند معلوم میشود هم سلیقه‌اند. ضمناً اشکالاتی که تکراری است بفرمایند که من همان اشکال را توضیح بدهم. آقای رباني بفرماید.

ربانی شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم . قسمتی از بیانات بنده را آقای هاشمی نژاد فرمودند . بکسر در این مسأله صحبت شده که کلیات یعنی چه؟ و گفته شد که کلیات مربوط است به فصول متعدد که عین آن کل را در فصول دیگر نمی‌آوریم و در فصول همیشه مصاديق را می‌آوریم و این مسأله مشارکت عموم مردم در سونوشت خویش درجندهن اصل بیان شده که من حالا بند هشت اصل سوم را میخوانم: «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی ، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش». اصل ششم را که آقای هاشمی نژاد خواندند ، من دیگر نمی‌خوانم . واصل هفتم را قرائت می‌کنم:



اصل ۷ — «طبق دستور قرآن کریم شوراها یعنی مردم از ارکان تصمیم‌گیری واداره امور کشورند» بعد شمردیم «مجلس شورای ملی، شورای استان و...» و بازهم طبق اصل هشتم مردم در سرنوشت خودشان دخالت می‌کنند که قسمتی از آن رامی خوانم:

اصل ۸ — «جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر امریه معروف و نهی ازنکر وظیفه ای است همگانی». ملاحظه می‌فرمایید که در اینجا نقش مردم را در سرنوشت خویش بیان کرده است. اصل دیگری که بناسرت بعداً مورد تأیید قرار گیرد، اصلی است که مربوط به قیام ملی است یعنی حق مردم در قیام ملی در برابر استبداد و در برابر انحرافات. بنابراین حالاً که این چند اصل کلی را داریم دیگر چه حاجت است به اینکه دو برتبه این مطالب را در اصل مربوط به حقوق ملت بیاوریم؟ آیا کسانی که این را می‌بینند، آن‌هم با آن الفاظی که در قانون سابق بود و از آنها سوءاستفاده‌هایی می‌شوند که «این موهبتی است الهی» و روی آن تکیه می‌کرددند و بوسیله آن مطالubi را بیاده می‌کرددند، ما دیگر چه داعیه داریم که دو برتبه این اصل را بیاوریم تا فردا در اطراف این توجیه و تفسیر بشود؟ بنابراین با وجود آن اصول، این اصل دیگر ضرورتی ندارد. لابد می‌فرمایید این اصل بر اصول قبلی حاکمیت دارد و می‌خواهد یک مسأله‌ای را مطرح کند که در آن اصول نبوده یا اینکه می‌خواهد اصول قبلی را توجیه و تفسیر کند.

نایب رئیس — آقای یزدی بعنوان موافق فرمائید.

یزدی — بسم الله الرحمن الرحيم. من فکر می‌کنم این اصل مطلبی را دارد که آنطور که در ذهن جناب آقای ربانی است نسبت به اصولی که قبل تصریح شد، به هیچ وجه تکراری نیست، هم چنین به دلیل گذاردن اصل ولایت فقهی و تعدیل جهانی که گفته شده است این اصل گذاشته نشده است چرا؟ چون متن این اصل بنظر من دارای سه مطلب است، یکی حق حاکمیت ملی و یکی حق حاکمیت الهی و دیگری ارتباط بین اینها است. منظور از حق حاکمیت ملی این است که خداوندانسانها را آزاد خلق کرده و هیچ قدرتی حق ندارد این آزادی را محدود بکند مگر براساس مالکیت حقیقی عینی که آنهم مربوط به خداوند است و خداوند با تشریح قوانین آسمانی انسانها را محدود می‌کند و انسان‌ها هم با تشخیص عقلی خودشان این محدودیت را می‌پذیرند. بنابراین جامعه‌ای که اسلام را پذیرفت، آن آزادی مطلقی که در برابر شریعت و احکام هم می‌توانست تخلف بکند، با انتخاب خودش و با استفاده از اختیار و آزادی خودش این آزادی را محدود کرد و نیز مسلمان وقتی که اسلام یا یک شریعت الهی را اختیار کرد در چهارچوبه این شریعت، آزاد و صاحب اختیار است. پس یک حق بعنوان حق الهی یعنی اجرای حدود احکام و دین و شریعت وجود دارد که این حق از طریق خداوند و مقام نبوت و مقام امامت و مقام ولایت مسلط در ولایت فقهی بحث و تثبیت شده است و اگر می‌گوئیم فقهی ولی است، یعنی متصدی اجرای احکام الهی است. یک حقی هم انسانها پس از انتخاب دین در چهارچوبه دین نسبت به موضوعات و مصادیق دارند، یعنی وقتی می‌گوئیم در تعین سرنوشت خودشان حق دارند، این حق در شوراها و در انجمنها متجلی می‌شود و هم‌چنین در تواجهها برای طرحهای عمرانی، طرحهای اقتصادی و طرحهای فرهنگی پیاده می‌شود که در عین حال محدود به احکام الهی است پس یک حق حاکمیت ملی است که این کلمه «حاکمیت ملی» همان است که دنیا می‌گوید. دنیا می‌گوید همه حق حاکمیت داردند یعنی آزاد هستند، یعنی حتی قوانین کلی که مادر شرایط الهی و بخصوص در شریعت مقدس اسلام داریم، آنها براساس درخواست طبیعی و ذاتی شان انتخاب می‌کنند. حق حاکمیت ملی که



الآن در دنیا رویش بحث می‌کنند، این حق است که انسان بالطبع آزاد است که خطاشی خودش را انتخاب کند و لذا می‌بینید دراجتماعاتی گاهی پیش می‌آید که یک مسأله‌ای را با اکثریت تصویب می‌کنند که ملت‌ها آن را می‌پذیرند ولی شرایع نمی‌پذیرند پس حق حاکمیت ذاتی براساس آزادبودن انسان، دراسلام، درادیره احکام قرار بیگرد و این حق الهی ازتصدیق نبوت و ایامت و ولایت بوجود می‌آید، که فقهیه متصلی اجرای احکام است و حق حاکمیت ملی مربوط به موضوعات و مصادیق است و باید توجه داشته باشیم که در اینجا رابطه مطرح است و این که میگوئیم با وجود اصول قبلی، این تکرار نیست، مسأله رابطه است. یعنی بینیم چه ارتباطی بین حق حاکمیت ملی و آزادی خدادادی انسان با حق حاکمیت الهی که مربوط به احکام است وجود دارد و این ارتباط در این اصل از نظرمن مورد بحث است که میخواهد بگوید، ملتی که اسلام را انتخاب کرد، اینطور نیست که وقتی گفت من مسلمانم چشم و گوش بسته علی‌الاطلاق در خیابان کشی‌ها و در مدرسه ساختن و در طرحهای دیگرش، هیچ حق اظهار نظر نداشته باشد. خیر کلیات شرعی هست و از کلیات شرعی نمی‌شود تخلف کرد، ولی در دایره کلیات شرعی، در تمام شئون از طریق شوراهای از طریق مجلس شورای اسلامی و از طریق انجمنها حق اظهار نظر دارند. پس این اصل میان دو حق هست که مقداری از آن درجای دیگر گفته شد و هیچ تکراری نیست و کاملاً بجا است و همان اصل است که دنیا میگوید متنهای با یک تفاوت دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس — آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — اگرما بخواهیم مقررات را رعایت بکنیم حق ما پایمال میشود. چون نبوت که به ما میرسد به کفایت مذاکرات رأی گرفته میشود و نمی‌توانیم صحبت کنیم. حق حاکمیت که حق رأی دادن نیست، اگر اجازه بفرمائید من توضیح میلدهم که دیگری نمی‌تواند باید و بجای ما تصمیم بگیرد.

نایب رئیس — آقای موسوی تبریزی بعنوان مخالف اگر مطلب تازه‌ای دارید بفرمائید.

موسوی تبریزی — بسم الله الرحمن الرحيم. بنده که بعنوان مخالف با این اصل، گفتم این اصل خلق الساعه است، منظور این بود که درگزارش گروهها که به ما دادند این اصل نبود، البته بصورت دیگربوده، اما شما الان زیان ما را حساب نکنید که ما واقعاً دارای یک امام مقدار معهود و متکفل به تمام معنی داریم امامی که از قدرتش دنیا دارد میلرزد ولی خوب میدانید که در داخل مملکت چه بلائی برسما می‌آورند. بنابراین شما بیست سال بعد از این راهم حساب بکنید (نایب رئیس — شما در باره حق حاکمیت ملی صحبت بفرمائید). من دارم درباره حق حاکمیت ملی صحبت میکنم، اولاً اشکالی را که جناب آقای هاشمی نژاد و آقای ربانی گفتند، همان اشکال برای من هم هست و هنوز هم جواب نشینیده‌ام. ثانیاً از نظر عبارت این شبهه برای همه شما بوجود آمده است که این مستقیماً با ولایت فقهیه مخالفت دارد و دارید دست و پا بیزند که این ولایت فقهیه را در طول یا عرض این قرار بدھید و بتوانید به اصطلاح بالطایف الجیل این اصل را توجیه بکنید.

کیاوش — یکنفر باید و حاکمیت ملی را شرح دهد زیرا این اصل کوچکترین ارتباطی با ولایت فقهیه ندارد. اصل حاکمیت ملی به آن معنی که جناب آقای بنی صدر میگویند استقلال یعنی چه؟ یعنی من استقلال دارم برای خودم و بر آن کسی که... (نایب رئیس — اگر اشکال



تازه‌ای دارد بفرمایید). این اصل اشکالش این است که با وجود یکه شما خودتان تنظیم کرده‌اید و با اینکه مجلس خودش تنظیم کرده‌است، درنظر آقایان با اصل ولايت فقهی تناقض و تضاد دارد و معلوم نیست که بعداز بیست سال دیگر مورد سوء استفاده قرار نگیرد.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید بعد آ توپیچ میدهیم آقای اکرمی بفرمایید.

اکرمی — اشکال تازه‌ای نمی‌بینم قبل آقایان توپیچ دادند.

حیدری — من اشکالاتی دارم که باید صحبت کنم نوبت من است.

نایب رئیس — خیر، چون سرکار بعنوان موافق مشروط نام نویسی کرده‌اید من میخواستم بعداز مخالفین صحبت کنید. (حیدری) — اگر عدالت است نوبت من است. مگر جنابعالی نمی‌خواهید بعنوان موافق مشروط به آقایان جواب بدید؟ ما میخواهیم اول آقایانی که مخالفند صحبت کنند و بعد جنابعالی بعنوان موافق مشروط تشریف بیاورید و به سؤالاتشان جواب بدید آگر حالا میخواهید صحبت کنید بفرمائید.

نوربخش — من یک تذکرائی نامه‌ای دارم. چون آقایان که پشت تربیون می‌آیند باید راجع به این اصل صحبت کنند و درست نیست که از تربیون سوء استفاده شود و به یک شخص حمله شود.

نایب رئیس — آقای حیدری بفرمائید.

حیدری — بسم الله الرحمن الرحيم. خواستم خدمت آقایان عرض کنم البته شاید خیلی از آقایان از بنده وارد تربیشند، اولاً اساس این اصل از اصل سوم اعلامیه حقوق بشر که در دو قرن قبل در فرانسه به تصویب رسیده است ناشی میشود، که آن عبارتش این است حالا اگر کم و زیاد شده است «العهدة على الراوى» این چیزیست که من ازان کتاب استنساخ کرده‌ام «اصل سوم — حق حاکمیت ناشی از حقوق ملت است، هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه‌ای از طبقات مردم نمی‌توانند فرمانروائی و حکمرانی کنندگری به نمایندگی از طرف ملت» همین حق را در این قانون اساسی با یک تعارفی که طبق آیه‌ای که حالا نمی‌دانم تفسیرش درست است یانه و به عهده کسانی است که آن را تفسیر کرده‌اند و باید جواب بدند، حق الهی کرده‌اند و بله ملت داده‌اند آیه‌این است «إن الله يامركم أن تؤدوا اليمانات إلى أهلها» که امانت همین حق است که در قانون اساسی فرانسه در دو قرن پیش نوشته شده و خداهم توصیه کرده است که این حق را یعنی حق فرمانروائی و حق حکومت را به ملت بدید. اینجا هم در این اصل نوشته شده «حق حاکمیت ملی که همان حق تعیین سرنوشت اجتماعی است» حالانمی‌دانم چطور آقایان تفسیر می‌کنند و حق تعیین سرنوشت چیست و با توجه به اصل ولايت فقهی معنی ولايت چیست؟ آیا منظور از عبارت «تعیین سرنوشت طبق سرنوشتی که خدا برای ملت تعیین فرموده است» بیانگر آن سرنوشتی است که خدا تعیین کرده است؟ آنوقت چطور این حق را یکدفعه به فقهیه میدهیم و یکدفعه مستقیماً به ملت میدهیم؟ دیروز من در قسمت آخر این اصل که نوشته شده «هیچ گروه و دسته‌ای نمی‌تواند این حق را درجهت منافع شخصی ویا منافع گروه دیگری اعمال کند» اشکال داشتم زیرا مگر و هو هستیم که این حق را به گروه دیگری که فقها باشند، میدهیم پس ما هم همین را اعمال کرده‌ایم و حق خود را به فقها داده‌ایم بعقیده من این اصل نباید دنباله داشته باشد زیرا آیا بعداز بیست سال دیگریست به مان خواهند گفت که این چه حقی است که به گروه دیگری که فقها باشند داده‌اید؟ و به چه عنوانی اینکار را کرده‌اید؟ زیرا این حق ملت است. من عقیده دارم که حقوقی که برای ملت هست همچنانکه



دoustan دیگر هم فرسودند در شوراهای موقع تعیین موضوعات با تطبیق احکام با مصاديقش یا اینکه هنگام مشورت که راه خیر را از راه شر تمیز بدهند. گفتیم که فتها باید با خبرگان مشورت کنند و اینکار هیچ اشکالی ندارد ولی باید تعیین بشود که چه حقی مال آنهاست و این حق حاکمیت چیست ولی اگر بهمین اطلاعات بگذارید همان فرمانروائی است، همان ولایت فقهی است، همان حکومتی است که ما برای فقهی درست کردیم و اگر آن را قلم بزنید خوب طبق قانون اساسی فرانسه این حق را به ملت می‌دهید و ملت هم هیچ وقت این را از ما قبول نمی‌کند زیرا ملت مسلمان است حقوقی را که خدا برایش مقرر کرده قبول دارد حقوقی راهم که خدا برای دیگران و فتها و علماء و رهبران معین کرده، قبول دارد هم چنانکه در ولایت فقهی گفتیم. حالا اگر افرادی بخواهند این حق را قبول نداشته باشند و اشکال تراشی کنند، آیا ملت و ما زیر بار می‌رویم؟ در این ولایت فقهی باید همه پرسی کرد بینیم صدی چند ملت این را قبول دارند ممکن است یک عدد دویست سیصد و یا چند هزار نفری دور چند نفری را بگیرند و یک صحبت هائی هم بشود و اشکالاتی هم برآراء نمایندگان خبرگان که نمایندگان ملت هستند گرفته بشود ولی ما از طرف ملت مسلمان یعنی ملتی که پایبند به اسلام است و پایبند به رهبر اسلامی است انتخاب شده‌ایم و اگر این رهبر، آن شرایطی را که دارا می‌باشد، نداشت ملت او را قبول نداشته‌است. بنا بر این مردم شرایطی را که در رهبرشان هست قبول دارند و این شرایط را ما در ولایت فقهی ذکر کردیم. فقط بنه خواستم آن حقوقی که خدا برای ملت معین کرده است، البته نه به این صورت و هم چنین حقوق فقهی و لو در آنجا هم ذکر شده باشد در اینجا هم ذکر شود ولی حکمرانی و ولایت با آن شرایطی که در اصل پنجم گفته شده با فقهی جامع الشرایط است. صحبت‌های دیگری هم بود ولی چون وقت اجازه نمی‌دهد عرض نمی‌کنم.

نایب ویس – آفای بنی صدر پفرمائید.

بنی صدر – بسم الله الرحمن الرحيم. این حق حاکمیت ملی معنایش این است که یک ملتی در رابطه با ملل دیگر حق دارد که سرنوشت خود را تعیین کند. صحبت از حق حاکمیت ملی که می‌کنند معنایش همین است. فقهیه هم در طریق اجرای این حق حاکمیت است. حالا این را فقهیه اعمال می‌کنند یا قوای پنجگانه ناشی از آن، که یکی از قوای ناشی از حق حاکمیت است و الا دیگران انگلیسی، آمریکائی، فرانسوی، روسی حقی بر ما ندارند، حق مربوط به این ملت و مال خود این ملت است. اگر ما در این اصل در مجلس خبرگان برای ملت حق حاکمیت قائل نشویم خدای نکرده یک وقت اقلیتها در داخل یک تحیریکاتی می‌کنند، یا خارجی می‌آید و در اینجا هر کاری می‌خواهد می‌کنند. این اصل ذرای مربوط به قوای ناشی از حق حاکمیت نیست آن مسئله بعد است که شما برای اعمال این حق، قوائی در نظر می‌گیرید مثلًا می‌گوئید مسئول این قوه فقهیه باشد یا غیر فقهیه. این مسئله ثانوی است، مسئله اولی آنست که این حاکمیت مال این ملت است و مال هیچ قدرت دیگر روی زمین نسبت به این سرزمین نیست. حالا اگر این وضوح ندارد باید طوری آن را نوشت که مراد ما از حق حاکمیت این است. حالا که معنی حق حاکمیت این شد، یک ابراد اساسی بر متنی که شما تهیه کرده‌اید وجود دارد. شما در اینجا گفته‌اید این حق مستقیماً یا از طریق افراد واجد شرایط، با رعایت کامل قوانین اعمال می‌شود در صورتیکه اعمال حق حاکمیت طبق



ولایت فقیه است، زیرا فقیه متصدی امر ولایت است، والا شخص به صفت فقیه که حاکمیت ندارد و اگر این طور باشد خطر پیش می‌آید. مثلاً شما بیست سال بعد را در نظر بگیرید که یک وضعیتی پیش بیاید و یک کسی یک رفاندوم قلابی بکند و بگوید که از طریق قانونی حق حاکمیت به من داده شده است. بنا براین به این شکل صحیح نیست. اگر هم بیخواهید بگذارید، بگذارید که مستقیماً یا از راه قوانی که در اصل بعد می‌آید این حق را اعمال خواهد کرد، زیرا حق را از طریق قوه باید اعمال کرد و اگر حق را بوسیله افراد اعمال کنیم، می‌شود همان شاهنشاهی قدیمی که بیگفت «شاه مصدر بیم و ابید است و حرف شاه قانونی است، و مالک الرقاب کشور است و هر چه تصمیم گرفت باید اجرا شود». بنابراین اگر از طریق افراد باشد، همیشه این خطر را دارد. خوب حالا اگر قرار است که این تصحیح بشود باید این صورت باشد که با مواد دیگر هم جور درآید و ناراحتی آقایان هم درباره اینکه، این متفاوت با ولایت فقیه است، از بین برود. اگر بنویسیم «مستقیماً» که غلط است زیرا مستقیماً چطوری اعمال می‌کند؟ باید بالآخره بوسیله قوه‌ای اعمال بکند چون حق حاکمیت است، اینجا تازه رفاندوم هم که می‌کند می‌گوید فلان کار بشود یا فلان کار نشود و لابد یک قوه‌ای متصدی انجام آن می‌شود پس باید آن قوه که از طرف آحاد ملت داده شده، از راه قوانی که در این قانون پیش بینی می‌شود اعمال گردد. بنا براین اشکالها رفع می‌شود و یک اصلی می‌شود که هم در برابر دنیا معلوم است که این حق را ما برای خودمان قبول داریم و مسلم است که حق حاکمیت را مال خودمان میدانیم، مال انگلیس که نمیدانیم و هم اینکه، این نگرانیها از بین می‌برد. البته اگر این طور باشد اگر در پائین بگذاریم قوه ملت مثل اینکه چندتا قوه با هم اینجا گذاشته‌اید که می‌خواهند کشته بگیرند در صورتیکه ما از پیش قبول کردیم که اینها تضاد دارند. البته این را در موقع خودش عرض خواهم کرد ولی چون شما از صیغ با اجازه و بی اجازه راجع به یک مسأله‌ای حرف زدید که نگرانی آور است اجازه بفرمائید که من هم چند کلمه صحبت کنم. آقایان اعضای شورای انقلاب میدانند که اگر من با چیزی مخالف باشم وقتی دوستان تصویب کردن خودم را موظف به دفاع از آن میدانم و من گمان می‌کنم آقای بهشتی این را شهادت خواهد داد. بنا براین اگر شما چیزی تصویب کردید و من عضو این مجلس بودم ناچار از آن دفاع خواهم کرد ولو مخالف آن باشم. اما این معناش این نیست که من نمی‌توانم در خارج از مجلس نظر خود را بگویم شما نباید عصبانی بشوید. شما مشاء‌الله در خارج خیلی صحبت می‌کنید. آقای منتظری خودشان در بین جمعیت زیادی نظر خودشان را اظهار کردن خوب یک کسی دیگری رفته در جمعیت دیگری و نظری داده این نباید موجب عصبانیت بشود چون برای اعضای محترم مجلس اظهار نظر آزاد است و هیچ دعواهی هم راه نمی‌افتد، دویاره شما می‌روید نظرتان را میدهید و مردم هم هر دو را می‌شنوند و قضاویت می‌کنند که نظر شما را قبول دارند یا نظر دیگری را. این حق باید برای همه محفوظ باشد که در هر جا دلشان خواست نظرشان را بدند. حالا خدمت شما هستیم اگر دیدیم نظرات جوری است که بر اساس تفاهم و جستجوی حقیقت است، ما باید واقع بین باشیم و تحریک نشویم براساس این است که اگر صلاح باشد، اگر دیدیم مطالب بر اساس تفاهم است آنچه می‌مانیم و آنچه را که تصویب شد، ما هم اجرا می‌کنیم ولی اگر دیدیم نه، حساب زورگفتن و عصبانیت است، ما هم می‌رویم. (هاشمی نژاد - ما می‌گوئیم جلوی



زور را باید گرفت.) راجع به همین زور هر کسی حق دارد صحبت کند، شما هم تشریف ببرید و راجع به آن مسائل یک مجلس دعوت کنید و اظهار نظر کنید و هیچ عصبانی هم نشود عکس العمل هم بخرج ندهید. الان بنده یک مطلبی را میگوییم ملاحظه کنید که هیچ با اخلاق سازگار نیست، یعنی در این مجلس مسائلی اتفاق افتاده که اصلاً با اخلاق هیچ سازگار نیست به این ترتیب که ما صحبتها جلسه کردیم برای آنکه در آنجا بتوانیم حرف بزنیم و هیچ قیدی نباشد تا همه حرفها زده شود و راه پیدا بشود. یک مطلبی بین بنده و آقای بهشتی گذشته، بعد شخصی مقاله‌ای برای روزنامه انقلاب اسلامی نوشته که چاپ بشود. نوشته است که آقای بنی صدر گفته‌اند که ضد اسلام میتواند رئیس جمهور ایران بشود. خوب این را کدام اخلاق اجازه داده بود که مطالب جلسه را به این اشخاص بد اخلاق برسانید که تبدیل به مقاله شود؟ (هاشمی نژاد - مرحوم آقای طالقانی فرمودند که سید ها بعضی اوقات دیوانه میشوند). آن را که فرموده‌اند من باب شوخی بوده و این را به اصطلاح از قدیم گفته‌اند بنده و شما هم چون هردو سید هستیم میدانیم که خیلی دروغ نیست. (منتظری - آقای بنی صدر، هر شوخی یک منشاء جدی دارد).

نایاب وئیس - اجازه بفرمائید من یک نکته‌ای را عرض کنم. بعضی از مسائل آنقدر بهم گره میخورد که هر چقدر جلوتر برویم گره‌ها بیشتر میشود. اجازه بفرمائید کاری بکنیم که گره باز شود. آقایان فرمودند که چون این متن را من و آقای باهنر پیشنهاد کرده بودیم و ایشان امروز با آقای موسوی بخطاب یک‌کار لازمی به قم رفتند و اینجا نیستند، فرمودند که در این باره بنده توضیح بدهم. اگر این حق توضیح دادن هنوز محفوظ است و از بین نرفته، من درباره چند نکته‌ای که سؤال شد توضیح بدهم بلکه بتوانیم به یک جمع بندی برسیم و رأی بگیریم. الان مدت طولانی است که در بورد این اصل بحث شده است. اگر نمایندگان محترم موافق هستید صحبت کنم. (نمایندگان - موافقیم) عناایت فرمائید، یک نکته راجع به حق حاکمیت ملی است و آن روز هم که این پیش نویس تهیه میشد بحث شد که بین این دو جمله فرق است و تا آنجا که در حافظه‌ام هست ما در پیش نویس نوشته بودیم. حالا می‌بینم که آن بحث در آن موقع بجا بوده یعنی حق حاکمیت بدون کلمه «ملی» جمله‌ای مناسب با آن معنی بوده یعنی همان «حق حاکمیت» است منهاجی «ملی». در آن هنگام هم مأғریتم که کلمه «ملی» لازم نیست زیرا حق حاکمیت ملی یعنی استقلال داخل یک‌کشور و اینکه دیگران در اینجا کشور حق دخالت ندارند، صحیح است، که این اصطلاح متناسب است و تا جائی که ما در نشیریات خارجی دیده‌ایم هم، همینطور بکار ببرود و نمی‌گوییم بی ارتباط و نامتناسب است. آنچه که در اینجا متناسب است همانطور که آقای حیدری هم فرمودند مطالب یکی از بندها را که همان حق حاکمیت به این صفت است یعنی حق حاکمیت بر این اساس مطرح شده که آیا در جامعه بشری، فردی، خانواده‌ای، گروهی بالذات حق حکومت بر دیگران دارند یا نه، آیا حق حاکمیت از چه چیز ناشی میشود؟ از نژاد خاص؟ از سلسله خاص؟ از یکی از ویژگیها؟ یا حق حاکمیت عوض تعیین، نفی میکند که گروهی، سلسله‌ای و یا قشری اولویت ذاتی داشته باشند؟ در مورد حق حاکمیت این یکی از شئون اصلی حق حاکمیت است. یک شأن دیگری هم در بعضی کشورها دارد و آن این است که حتی حق قانونگذاری و تدوین قانون هم از مردم ریشه میگیرد. این هم یک شاخه دیگر از حق



حاکمیت است ، هر دو هم با حق حاکمیت کاملاً درست است . این بود توضیح درباره اصطلاح حق حاکمیت و حق حاکمیت ملی و من میخواهم بگویم اگر « ملی » را برداریم بهتر است و اولی خواهد بود . اما اینکه فرمودند چرا حق حاکمیت را که یک اصطلاحی است که در فرهنگ دیگران بوده ، آورده‌ایم از کمال مذهب و فرهنگ و نشرياتمان همین باید باشد که به موضوعات و سؤالات موجود در فرهنگ پسری پاسخ بدهد و اگر احياناً حق حاکمیت به این شکل هم اصلتاً در فرهنگ خودمان نباشد که حالا جای بحث آن جدا است اکنون که چنین واژه‌ای و فکری مطرح است ، ما در قانون اساسی خودمان بیاوریم و بگوئیم آن چیزی که در فرهنگ سیاسی حقوقی دنیا مطرح است از نظر ما این مفاد و این مبدأ و معاد را دارد و فکر نمی‌کنم خللی به قانون اساسی ما وارد بیاورد . اما اینکه فرمودند اصل تکراری است ، در جلسه خدمت دوستان توضیح دادم که چون فصل اول اصول کلی است و در فصول آینده بر مبنای این کلیات قرار است مطالبی استنتاج شود و در آغاز هر فصل یا در اثناء هر فصل از فصول آینده مطالبی از این اصول کلی به یک شکلی مجدداً مطرح خواهد شد ، در اینجا چون میخواهیم قوا را در این فصل شرح بدھیم (یکی از نمایندگان - چه لزومی دارد ؟) الان توضیح عرض می‌کنم ، چون نمی‌خواهیم بگوئیم که این قوا از کجای ریشه بیگرد . این مسأله که بگوئیم این قوا از یکجا ریشه میگیرد ، بالاگهی است درین این فصل واما مسأله دیگر اینکه آیا این اصل منافاتی با اصل پنجم دارد یا نه ، عنایت بفرمایید اگر اصل پنجم به همان صورتی که آقایان تصویب فرمودند ، با تمام جزئیاتش به همان صورت مطرح است و بین آن و این هیچگونه منافاتی نیست چون در آنجا خودتان مقدید کردید و گفتید مقام ولايت و امامت امت ازان فقیه واجد شرایط است و در اینجا گفته است که از طرف اکثریت مردم پذیرفته شده باشد و به رهبری شناخته شده باشد ، یعنی از آنجا هم حق مردم را در انتخاب و تعیین این رهبر صحه گذاشته ، نتیجه این میشود که حتی اصل پنجم فارغ از نقش مردم نیست و قلتی که اصل پنجم را به آن صورت قبول کردید که چه فرد باشد چه شورا باشد ، اینها به هر حال با انتخاب مردم و با پذیرش مردم سروکار دارد تا او دنبالش نباشد تمامیت ندارد و شائیت هم ندارد و حتی آن را تا این حد گفتهیم . بنا براین تا اینجا منافاتی بنظر نمیرسد . یک نکته را هم آقای یزدی فرمودند و قبل از آن را در جلسه خصوصی فرمودند که توضیح خدمتشان دادم . مثل اینکه بعضی از دوستان هم انتقاد داشتند ، آقای یزدی چه فرق است بین حاکمیت مربوط به تشريع و حاکمیت مربوط به تنفیذ و اجراء ؟ و در حقیقت مسأله نقش فقیه را بازخواسته اند به حاکمیت مربوط به تشريع مربوط کنند ولی اصلاً حاکمیت مربوط به تنفیذ و اجراء که به ولايت مربوط است به این قسمت ارتباط پیدا میکند . اینست که چون ممکن است از فرمایش شما چنین استباط شود ، من به عنوان توضیح و تکمیل می‌گویم که نه ، ما نمی‌خواهیم بگوئیم این مطالب با اصل پنجم در بخش مربوط به ولايت امر و حاکمیت در تنفیذ و اجراء منافاتی ندارد ، راجح به چیزی که

وبانی شیرازی - توضیحی که شما دادید یک اشکال جدیدی بوجود آورد . آقای سیحانی هم گفتند که حکومت از آن خداست و به مردم داده شده است . این اصل میخواهد یک چیزی که اصول قبلی نداشته بیاورد . در اینجا شما میخواهید تشريع را به مردم بدهید ، چون فرمودید حق تشريع مال آنها است .



نایب رئیس — خیر چرا دقت نمی فرمائید؟ گفتم وجه اصطکاک این اصل با اصل پنجم در مورد تشریع نیست، راجع به بخش تنفیذ است که در اصل پنجم بعنوان ولایت فقهی گفتم. آن در تشریع بود ولی این در تنفیذ است. و اما مسأله‌ای که آقای بنی صدر گفتند که اینجا «مستقیماً» را چرا گذاشته‌اید، توجه بفرمائید چیزهایی در شیوه زندگی سیاسی اسلامی هست که ما نمی خواهیم اینها را تا آنجائی که می‌شود مو به مو رعایت کنیم و کلمه «مستقیماً» راجع به آن بوده یعنی یک بخش از حاکمیت مردم بر اداره امور خودشان مستقیماً بوسیله خود آنها اجرا می‌شود مثلاً ماقومیت بخشی از امر به معروف و نهی از منکر که کمک به تنظیم امور جامعه است. آقای بنی صدر نمیدانم توجه دارید یا نه؟ گفتم بخشی از امر به معروف و نهی از منکر مستقیماً از طریق مردم است و این می‌تواند یکی از شیوه مقننه باشد و یکی از اشکال قوه مقننه باشد، با آن اختیاراتی که بعد برای او می‌گوئیم این مستقیماً از طریق مردم اعمال می‌شود. به این جهت است که ما دیدیم اگر کلمه «مستقیماً» را اینجا اضافه کنیم منهای «قا»، چون یک چیزهایی هست که مردم منهای قوای شکل یافته بعدی اجرا می‌کنند به این مناسبت گفتم بودن «مستقیماً» مفید است.

بنی صدر — یا از طریق اعمال قوا، امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و یا قوه بکار نمی‌برد پس احتیاج به حاکمیت ندارد.

نایب رئیس — آنچه که احتیاج به قوه قهریه دارد، باید از طریق قوا باشد. سؤال دیگری هم آقای بنی صدر کرده‌اند که «از طریق افراد» را توضیح بدهم و آن این است که البته منظور «از طریق افراد» این است که چون آن قوائی که ما داریم در همه آنها انتخاب افراد مؤثر است و منظور این بوده، یعنی یا رئیس جمهور است که او را انتخاب می‌کنند یا نمایندگان مجلس هستند برای روشنتر شدن هیچ اشکالی ندارد که بنویسیم «از طریق انتخاب قوا» آقای فارسی بفرمائید.

فارسی — من چند سؤال دارم که ناشی از ابهام موجود در این اصل پیشنهادی است حق حاکمیت می‌لی، اصطلاحی خارجی است، جایش در نظام حقوقی اسلام کجاست؟ و چه آیه و حدیثی در این باره دارید؟ اگر این اصطلاح حقوقی خارجی را می‌گیرید بگوئید که آن حق متعلق به جمع ملت است یا متعلق به فرد فرد و بقول شما «آحاد ملت»؟ در آیه «ان الحكم للله» حاکمیت منحصر به خدا است، پس این حاکمیت ادعائی شما چیست؟ و آیا همان حاکمیت خداست که به ملت یا آحاد ملت داده است؟ و اگر همه‌اش را نداده است و مثلاً حق تشریع یا قانونگذاری و تعیین حق و وظیفه را بخود اختصاص داده، چه قسم از حق حاکمیت را به آحاد ملت داده است؟ از طرفی شما می‌گوئید علاوه بر «آحاد ملت» خدا قسمی از حق حاکمیت را به «فقها» داده است و برای آن حق ولایت فقهی ساخته‌اید، و از طرف دیگر ملت «از راه تعیین و انتخاب افراد واجد شرایط» حق حاکمیت خویش یا قسمی از آن را به حکومت کنندگان می‌دهد و به سه دسته قانونگذاری و قضات و مجریان یا هیأت وزیران منتقل می‌کند. پس چهار شریک در حاکمیت وجود پیدا می‌کند ۱- خدا ۲- فقهاء ۳- مردم ۴- حکومت کنندگان یا دولت، پس سهم هر یک از این چهار شریک را مشخص کنید. علاوه بر این یکی از این اعمال حق حاکمیت‌ها که برای مردم باقی می‌ماند بصورت



امر به معروف و نهی از منکر انجام میگیرد ولی توجه کنید که نه تنها مردم بلکه طبق اصول اسلام و طبق اصلی که خودمان چند روز پیش تصویب کردیم دولت هم نسبت به مردم امر به معروف و نهی از منکر میکنند و نیز فقها همین کار را میکنند و نیز خدا بحکم آیه «ان الله يأمر بالعدل والاحسان و ایاتاً ذی القری وینهی عن الفحشاء والمنکرو والبغی يعظكم ولعلکم تذکرون» امر به معروف و نهی از منکر میکنند. بنا براین یک بخش از حق حاکمیت هم هست که مشترک است میان چهار شریک! و باید اینها را دقیقاً مشخص کنید.

نایب رئیس — آقای فارسی درست در موقع نویشان صحبت کردند. آقای موسوی جزايري بفرمائید.

موسوی جزايري — بنده پیشنهاد می‌کنم بجای «حاکمیت ملی» که در برابر حاکمیت خارجی است، نوشته شود «حق حاکمیت مردم». **نایب رئیس** — آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — انسان را خداوند آزاد آفریده و به او اختیار و قدرت و تمکن عنایت فرموده تا هر کاری را که مربوط به سرنشیت خودش میباشد آزادانه تصمیم بگیرد و انجام بدهد و نظریه اینکه خداوند خلقت و تکوین او را آزاد و مختار آفریده، سرنوشت دنیا و آخرت خود را انسان خودش تعیین خواهد کرد. البته با توجه به اینکه بهترین روش ایست که از ارشاد راهنمایان به حق استفاده نماید و پس از استفاده نمودن از راهنمائی های آنان سرنوشت خود را تعیین کند، زیرا میتواند از روش پیامبران و از راهنمائی فقها که تخصص دین دارند استفاده کند و سعادتمند شود، هم چنانکه در زندگی روزمره خود از متخصصین رشته های مختلف مانند طبابت یا دیگر تخصصها در زندگی بهره مند میشود.
نایب رئیس — آقای جوادی بفرمائید.

جوادی — بسم الله الرحمن الرحيم. یک سلسله از نتدهایی که براین اصل شده است برای این است که ارکان این اصل درست مشخص نشده است. گفته شد که اتناء به آراء عمومی قبل ذکر شد و اینجا نباید مطرح بشود در حالیکه حاکمیت ملی غیر از اتناء به آراء عمومی است. حاکمیت ملی آن حاکمیتی است که کشور را میسازد و این مملکت را شکل میدهد. کشور شکل یافته اگر خواست کاری بکند باید به اتناء آراء عمومی کار کند. حاکمیت، سازنده سازمان یک کشور است. کشور شکل گرفته اگر خواست کاری بکند، باید به آراء عمومی تکیه بکند. این غیر از آنست و مسئله ایکه در خلال این مطالب طرح شد که خدا واگذار کرده و تعبیر به ودیعه الهی شد، آن قانگذاری نه قابل توکیل است و نه قابل تفویض و به احدی داده نشده و نه قابل توکیل و نه قابل تفویض است. این کلمه حق که چند جا تکرار شد، شاید نیازی به آن نباشد. حاکمیت ملی که همان تعیین سرنوشت عمومی است حقی است که برای رفاه همگان، خدا به همه داده است، این کلمه عمومی و آحاد تکرار شد، بدون اینکه این دو مطلب را بفهماند. در ذیل این دو مطلب آمد که احدی حق انحصار طلبی ندارد که حاکمیت را بخودش اختصاص بدهد یا حق ندارد که این حاکمیت را در یک سمت و جهت مخصوص پیاده کند. نه انحصار طلبی درگرفتن این حاکمیت و نه انحصار طلبی در پیاده کردن این حق است ولی در صدر یکی از این دو مطلب آمده است «حقی است عمومی که خدا به همه آحاد داده» نه اینطور نیست، بلکه حقی است برای رفاه همگان که به همه داده است و



انحصار طلبی درگرفتن حق و انحصار طلبی در پیاده کردن حق هردو منوع است. بنابراین، این حاکمیت که بعنوان تعیین سرنوشت اشاره شده است نه قانونگذاریست و نه بنحو و کالت است و نه بنحو تعویض بلکه بنحو شناخت قانون است در رهبر و بنحو شناخت و پذیرش قانون شناس است در مردم، مردم هستند که قانون شناس را میشناسند و میپذیرند لذا بعنوان افراد اجدشاپیط قید شده و این حق برای مردم هست که مردم قانون شناس خود را، فقه شناسان خود را و افراد واجد شرایط لازم را بشناسند و پذیرند را بینجا نه حق خدابه کسی تعویض شده و نه در این کارخدا کسی را کیل خود قرار داده این «ان الحكم الله» قابل استثناء و تقویض و توکیل نیست. بنابراین اهمیت این اصل محفوظ است و فرق این اصل با اتكاء به آراء عمومی هم روشن است، با احترام به افکار عمومی هم روشن است و تضادی بین این اصل و ولایت فقیه که در اصل پنجم قرار دارد، نیست چون این اصل موافق با ذیل اصل ولایت فقیه است. ولایت فقیه راهم که دین تشییت کرده و فرموده است که مردم بشناسند و پذیرند، در اصل حق حاکمیت ملی هم بیش از این نیست، ملت باید بشناسند و پذیرند، آن قانون شناسان الهی را بشناسند و پذیرند بنابراین نه مخالف با ولایت فقیه است و نه عین همان، بلکه اتكاء به آراء عمومی است و با سواله امر به معروف و نهی از منکر هم در ارتباط نیست که گفتن آن ما را در اینجا از گفتن بی نیاز کند، کشوری که شکل گرفت امر به معروف دارد، آراء عمومی دارد، انتخابات و مانند اینها را دارد، اما کشور را چگونه بسازیم؟ کشور را باید بدست مردم بسازیم هم با توان و قدرت مردم و هم با فکر مردم، اما در مسئله انتخاب قوه مقننه و مجریه ساختن یک کشور بوسیله حاکمیت ملی است. وقتی ساخته شد، اداره امور آن هم به اتكاء و آراء عمومی است. بنابراین هم به افکار عمومی، هم به توان و قدرت عمومی، هم در ساختمان دادن کشور، هم در اداره شئون کشور در چهار ضلع و ابعاد به اندیشه و توان ملت احترام گذاشته ایم و هیچ مساسی هم با اصول دیگر ندارد مرتبتاً یک تکراریست که باید بر طرف بشود و یک کمبود است که باید ذکر بشود چون چهار مطلب است دو تا در ذیل آمده و یکی در صدر، انحصار طلبی در حکومت باطن، انحصار طلبی در اجرای حکومت باطن این دو در ذیل آمده است ولی در صدر فقط یک مطلب آمده و آن حقی است عمومی که خدا به همه آحاد داده است و حقی است برای رفاه همگان که به همه داده است تا راه این دو انحصار طلبی ذیل را بیند و حقی است برای تأمین سعادت همه که به همه داده شده است. اگر کسی بخواهد انحصار طلب باشد با اصل اول مخالف است و اگر حکومت را در مسیر خاص پیاده و انحصار طلبی کند، با اصل دوم مخالف است بنابراین باید قسمت ذیلش به صدر برگرد و آن کلمه «حق» که سه جا ذکر شده دو جایش زائد است و آن مسئله «رفاه عمومی» هم باید ذکر بشود و آن مسئله «مستقیماً» هم یا باید برداشته شود و یا اینکه کمبودش با عبارتهای دیگری توضیح داده شود. راجع به امر به معروف که گفته شد این مراتب یک مقدارش به ملت داده شده و یک مقدارش به قوه مجریه بنابراین با مسئله امر به معروف هم تنافی ندارد. دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس—آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی—اگر پیشنهاد کفايت مذاکرات بشود، بنده حاضر از صحبتم بگذرم.
(نمایندگان—پیشنهاد کفايت مذاکرات شده چرا به رأی نمی گذارید؟) (پروردش—مثل اینکه شما سعی دارید مطلب را کش بد هید.) (ربانی شیرازی—اینکار مخالف آئین نامه است، چرا



استبداد بخارج میدهید؟) بسم الله الرحمن الرحيم . بنده چون دیدم بحث طولانی شده لذا حاضر شدم ازنویتم بگذرم. بنده فکر نیکردم که با گذشت زمان بحث ها کوتاهتر میشود اما متأسفانه این کار عملی نشد و باز موضوع کشدار میشود. اما در عین حال دو سه جمله کوتاه عرض میکنم تا اگر ابهامی در این اصل باشد برطرف شود. این اصل یک مطلب پیچیده ای را بیان نمیکند، یک واقعیتی را عمل میکند که همه ما بارها در نوشته ها و سخنرانیهای خود گفته ایم، استدلال هم میکنیم که «ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيرة ما بانفسهم» سرنوشت همه مردم بلست خودشان است و هر تغییری بیدا شود، باید از تأثیه خودشان باشد. اگرچه حاکمیت تقسیر نمیشد، این بحث ها جا داشت اما چرا توجه به این جمله بعدی نمیشود؟ حق حاکمیت که همان حق تعیین سرنوشت اجتماعی است وقتی تقسیر شده است دیگر جائی برای ابهام و بحث باقی نمیماند. (طاهری اصفهانی - اشکال اینجاست که حق حاکمیت با حق تعیین سرنوشت اصلا بهم ربطی ندارد.) (ربانی شیرازی - بله کاملا همینطور است). برای اینکه از این سؤالاتی که شد، رفع ابهام بشود من صریحًا عرض میکنم در تمام مراحل شما معتقد به این هستید که یک قوه مقننه در این مملکت خواهد بود ، آیا این قوه مقننه در تعیین سرنوشت شما دخالت دارد یا نه؟ آیا شما آن را انتخاب میکنید یا دیگری؟ قوم مجریه را شما انتخاب میکنید یا دیگری انتخاب میکند؟ قوه قضائیه باز بوسیله شما تعیین میشود یا بوسیله مجلس یا بوسیله رئیس جمهور یا بوسیله فقیه، بالاخره بوسیله یکی انتخاب میشود پس تمام قوائی که در این مملکت هست بازگشت بهما میکند، سرنوشت مملکت هم در دست مجلس یا رئیس جمهور، یا نخست وزیر و یا قوه قضائیه و یا درست فقیه است که همه اینها به ملت و ما بر میگردد. بنابراین چه جای ابهامی در این بحث وجود دارد که اینهمه کشدار میشود؟ (هاشمی نژاد - چیزی که ما در اصل ششم بطور صریح داریم). چون صبح بحث شده و زیاد وقت گرفته است واقعًا فکر میکنم همه خسته شده باشند این سؤال را پنج بار آفایان تکرار کردن و جواب آنها داده شد. ما وقتی میخواهیم فصل کلیات را تمام کنیم وارد فصل اول بشویم و قوای مملکت را بیان بکنیم یک رابط و یک مقدمه میخواهد. نمیشود که همینطور بگوئیم قوای مملکت سه قوه است و یا بعتقده بعضی چهار قوه و بعتقده بعضی پنج قوه است . آغاز فصل دوم که مربوط به قوای مملکت است از اینجا شروع میشود که میگوید قوای مملکت از ملت ناشی میشود و اینها بارتند از... همینطوری که نمیشود گفت قوای مملکت سه تا است و یا چهار و یا پنج تا است منیع این قوا را باید در آغاز فصل دوم بنویسیم، تکرار کنیم. در فصل اول کلیات و فهرست بود، حالا وارد فصول شده ایم، هر کتابی راهم که میخواهند بنویسند با اینکه فهرست در اول کتاب نوشته شده وقتی وارد فصول میشوند عنوانین دوباره تکرار میشود. حالا وقتی ما وارد شوراهای میشویم میگوئید شوراهای را فقیم. وارد بحث ولایت فقیه در آینده میشویم ، خواهید گفت این بحث را کرده ایم. بنابراین ما وقتی میخواهیم مصادیق را بیان کنیم باید روی یک اصل کلی انگشت گذشته و بگوئیم مثل این مصادیق دارد. (طاهری اصفهانی - با اجازه آفای رئیس چون گفته شد حق تعیین سرنوشت اجتماعی باست خود ملت است، حاکمیت ملی آقا غیر از این است). قرار شد «حاکمیت ملی» به «حاکمیت ملی» تبدیل شود و «ملی» آن حذف بشود. بعد هم حاکمیت تقسیر شده به حق تعیین سرنوشت، سرنوشت ما هم باست سه یا چهار و یا پنج قوه است و ما میخواهیم اینها را شرح بدیم، ناچاریم اصلی داشته باشیم که آن اصل یک



اشارة کل باشد به مسأله حاکمیت که منبع و سرچشمه را بیان کند، بعد هم بگوید از این منبع سه قوه، چهار قوه، پنج قوه سرچشمه میگیرد، این بعقیده من بحثی ندارد. یک چیز اضافه‌ای هم در اینجا هست که تکرار هم نیست و آن این است که ما این مطلب ذیل را نوشته‌ایم که «هیچ فرد و هیچ گروهی حق ندارد مسأله را بخود اختصاص بدهد» و این قوای سلطنت که بعد آن خواهیم گفت یا حاکمیت را در هر شکلی باشد در مسیر منافع خاص قرار بدهد. این پاسخی است به وحشتی که بعضی‌ها از استبداد دارند و خیال میکنند که ولايت فقهیه یکنون استبداد است در حالیکه این پاسخ به آن است و قبل از آنکه مسأله ولايت فقهیه عنوان بشود، دریش نویس قانون اساسی بوده و در اینجا گذاشته شده است. پس یک مطلب جدیدی دارد و سر فصلی است برای بحث‌های آینده. تنها چیزی که بنده میخواستم بعنوان اصلاح عرض کنم، در جلسه هم گفته شد و قرار بود اصلاح بشود و در پیش نویسی که تهیه کرده‌اند، اصلاح نشده، این است که ذیل عبارت طولانی است و بعضی از آقایان یک توهمی هم رویش کرده‌اند و اگر ما این عبارت را خلاصه کنیم این توهم بر طرف خواهد شد. من آن عبارت ذیل را میخواهم «هیچ فرد یا گروهی نمیتواند این حق الهی همگانی را در خدمت منافع اختصاصی خود یا گروهی معین قرار دهد» اگر به اینصورت باشد، معلوم می‌شود که هدف این بوده که استبدادی در کار نباشد. دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس—آقای مقدم مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — بنام خدا، اولاً آقایان اظهار خستگی می‌کنند و میخواهند این اصول با سرعت بیشتری بگذرد و حق هم هست ولی این اصل از اصولی نیست که ما از آن زود بگذریم و بخواهیم نادیده بگیریم. من فرمایش امام را که چند روز قبل فرموده‌اند، تکرار می‌کنم ایشان فرموده‌اند «در اطاقهای درسته ننشینید که مردم را فراموش بکنید و تصمیم بگیرید» این صحبت‌هایی که من تا بحال کرده‌ام در اخبار رادیو و تلویزیون منتشر نشده است. امروز آقای قطب زاده را اینجا دیدم ایشان گفتند که از مجلس چنین دستوری داده‌اند، در هر حال این گله بجای خودش باقی است. (نایب رئیس—ایشان چی گفتند؟) آقای قطب زاده گفتندستورات از طرف مجلس داده می‌شود. (ربانی شیرازی—آقای قطب زاده گفتند که به هیأت رئیسه نوشته‌ایم ولی هنوز جواب نداده‌اند.) (نایب رئیس—من چنین چیزی را تکذیب می‌کنم). (منتظری— چنین دستوری داده نشده است.) این مطلب را بنده خواستم عرض کنم، به آقای خامنه‌ای عرض کردم که شما اطلاع دارید که سخنان من پخش نشد؟ گفتند بله، گفتم چرا شما بعنوان یک مسلمان از من دفاع نکردید؟ این دیگر به من مربوط نیست این به آقایان مربوط است، شما باید از حرف حق دفاع کنید چه موافق باشد و چه مخالف. این اصل حاکمیت ملی ناشی از آزادی است، نتیجه منطقی آزادی حق حاکمیت هست یعنی وقتی افراد آزاد بودند، دارای حق حاکمیت هم هستند. آقای علی تهرانی هم خوب تشریح کردنده، مردم مختار هستند، خودشان هستند که چیزی را اختیار می‌کنند و خودشان هستند که این اختیار را به کس دیگری و اگذار می‌کنند. آقایان شرایط حال را در نظر بگیرند، چند بار امام فرموده‌اند که من خدمتکار شما هستم، جمهور یعنی همین، یعنی حکومت پاپرهنه‌ها، یعنی حکومت مستضعفان و همه باید در خدمت آنها باشند. بنده اگر میدانستم که قضیه بهمین جا ختم می‌شود هیچ مطلبی را عنوان نمی‌کردم ولی ما باید این دو اصل را با هم تلفیق کنیم. ما جمهوری را از



نظر قالب انتخاب کردیم وقتی می‌گوئیم جمهوری، این چیزیست که از غرب آمده از دوران افلاطون و روم باستان آمده است. مردم در آن زمان در میادین جمع میشند و نظر می‌دادند که چه بکنیم و چه نکنیم، ما هم حالا میخواهیم این جمهوری را پیاده کنیم، اگر جمهوری تنها بود، یعنی اینکه مردم در هرچه توصیم می‌گرفتند، همان عمل میشد ولی ما گفته ایم جمهوری اسلامی، یعنی چه؟ یعنی این جمهوری در قالب اسلام که آزادی برای همه هست. من نمیدانم که آیا شما فکر می‌کنید که اگر من اینجا حرفی میزنم میخواهم برخلاف جمهوری اسلامی حرف بزنم؟ من میخواهم این جمهوری اسلامی دوام وبقاء طولانی داشته باشد، من این صحبت‌ها را می‌شنوم و بعضی چیزها را می‌بینم، من نظرات روشنفکران را اینجا منعکس می‌کنم. آقایان، اینکار در این اطاق درسته تمام نمی‌شود، مردم باید درباره این‌ها قضاوتن کنند در این باره ابهام ایجاد شده است.

پروش— مگر این آقایانی که اینجا نیسته‌اند روشنفکر نیستند که شمانظرات روشنفکران را میخواهید منعکس کنید؟

هاشمی‌نژاد— شما روشنفکران خود را بیاورید اینجا و ما هم آنها را که شما ازطرف آنها صحبت می‌کنید، دعوت می‌کنیم بیایند اینجا ببینیم که آیا شما نظرات آنها را می‌گوئید؟
ربانی‌شیرازی— اصلاً چرا روشنفکران را ملت تأیید نکردند؟

هاشمی‌نژاد— چرا شما میخواهید بین افراد اختلاف بیاندازید؟

مقدم مرااغه‌ای— من اگرگفتمن روشنفکر، کاری به لباس افراد ندارم. الان این آقای حاج علی آقا تهرانی یکی از روشنفکران ایران است چون مطلب را آنطور که بنده نمی‌توانم بیان کنم ایشان بیان کردند.

هاشمی‌نژاد— شما حرftان را بزنید چرا از طرف کسانی صحبت می‌کنید که به شما و کالت نداده‌اند.

مقدم مرااغه‌ای— بنده از آذربایجان انتخاب شده‌ام، در آنجا استاندار بودم و از آنجا اعتبارنامه گرفته‌ام. وقتی چهار صد هزار نفر به‌من رأی داده‌اند آنها من را شناخته‌اند و رأی داده‌اند.

نایب رئیس— آقای مرااغه‌ای توجه کنید وقتی جنابعالی می‌گوئید من از طرف روشنفکرها صحبت می‌کنم، معنایش این است که آقای جلال الدین فارسی یا آقای دکتر قائمی و یا آقای پروش و یا آقای تهرانی و یا آقای صافی و یا آقای مکارم و یا آقای بنی‌صدر اینها اصلاً نمی‌توانند از طرف روشنفکران صحبت کنند و همینطور سایر آقایانی که اینجا هستند. خوب آقا همه آنها بیه که به این آقایان رأی داده‌اند، از همه توده‌ها و قشرها بوده‌اند، این شایسته نیست که یک نفر و یا دونفر در اینجا خودشان را سخنگوی روشنفکران بدانند. مثل اینکه بقیه سخنگوی غیر روشنفکرها هستند و این واقعاً دور از آنچیزی است که شما برایش دلسوزی می‌کنید و می‌گوئید که میخواهم این جمهوری اسلامی دوام بیاورد، فرمایش جنابعالی یک شرطش این است که داعیه‌ها را نداشته باشیم، نه من داعیه داشته باشم که صرفاً زیان روشنفکر یا غیر روشنفکر هستم و نه جنابعالی، هم در موکلین شما در آذربایجان همه گروهها بودند، هم در موکلین سایرین، همه گروهها بودند. امیدوارم که این کلمه جدائی آور و بی مهری آور را نداشته باشیم، نه جنابعالی بگوئید و نه بنده، هیچکس این را نگوید.



مقدم مراغه‌ای— باری، دو اصل در آن قانون اساسی پیشنهادی بود یکی اصل سوم بود که می‌گفت «آراء عمومی مبنای حکومت است بر طبق دستور قرآن... الى آخر» و یکی هم اصل پانزده است که میگوید «حق حاکمیت ملی از آن همه مردم است و باید بنفع عموم بکار رود و هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند این حق الهی همگانی را بخود اختصاص دهد یا در جهت مثاب اختصاصی خود یا گروه معینی بکار برد» در این مورد توهمندی ایجاد شده است دلیلش هم این است که شما خودتان گفتید باید یک میزگردی باشد، برای مردم تشریح بکنیم که ممکن بود آنرا جبران کند. و ما اگر خواهان اسلام هستیم یعنی عادلانه، آن اسلامی که واقعاً شما همه طرفدارش هستید و میخواهید آن اجرا بشود، باید ما بین این دو اصل را تلفیق بدهیم یعنی حاکمیت مردم و حکومت اسلام را واگر این دو اصل را با هم تلفیق بدهیم آن آشتی وصلحی که همه میخواهند شاء الله در آینده تأمین خواهد شد. وقتی بنده می‌بینم آقایان ناراحت میشوند وقتی که صحبت میکنم، خود من هم ناراحت میشوم. (هاشمی‌نژاد—در باره اصل صحبت کنید نه درباره چیزی که خلاف واقع است. از تبریز پنج نفر نماینده انتخاب شده چهار روحانی و یک نفر هم شما، چطور شده آنها روشنفکر نیستند و شما هستید؟) بنده اگر گفته‌ام که نماینده روشنفکر هستم معدتر میخواهم چون موقع صحبت کردن ممکن است انسان یک چیزی را ناآگاهانه بگوید. (مکارم شیرازی—با این طرز صفت بنده و پرشاخشگری بنده مخالفم اگر احياناً چیزی گفته میشود که نباید گفته شود باید تذکر داد و با تذکر قضیه را تمام کردد. در هر حال بنده خواستم عرض کنم که این اصل حاکمیت ملی را تعابیری تکنیم که بخواهیم باصطلاح کلاه شرعی سرش بگذاریم آنطور که قدیم مصطلح بود. این حاکمیت ملی معناش روشن است و رازیه آزادی فردی است این آزادی را کجا محدود می‌کنیم، آنچه که به دلخواه خودش وقتی که آمد به جمهوری اسلامی رأی داد و در قالب اسلام این آزادی خودش را محدود کرد. اگر غیر از این بکنیم، موجب نفاق و ناراحتی در آینده خواهد شد، این بود عرایض بنده، حالا هر طور که میخواهید تعبیر و تفسیر بفرمائید، خدا شاهد است جزاینکه جمهوری اسلامی توفیق پیدا بکند هیچ آرزوئی ندارم.

نایب رئیس— موفق باشید، ملاحظه بفرمایید این اصل بعنوان یک مقدمه روشنگر برای اصول بعدی مطرح شده و اصول بعدی روشنگر محتوای این اصل و معنی این حاکمیت و حدود این حاکمیت است و ذیل این اصل هم بیان کننده این است که هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند خودش را بر مردم تحمیل کند. این ذیل حالا مورد نظر نبوده بلکه از آن وقتی که این پیش نویس تهیه شده تا حالا مورد نظر بوده است چون ما همه در این نهضت روی این تکیه داشته‌ایم که هیچ فرد یا گروهی بهیچ عنوان خودش را نمی‌تواند حق ندارد بر ملت تحمیل کند. بنا براین اگر آقایان احساس میفرمایند در این عباراتی که برای بیان این مطلب انتخاب شده باید تغییرات اساسی داده شود تا بتواند بدون عیب مطلب را بیان بکند، ما چون امروز صبح جلسه داشته‌ایم و حالا هم جلسه داشته‌ایم جلسه را پایان میدهیم تا مجدداً برای انتخاب عبارتی صد در صدگویا و رسکاری انجام بدهیم و فردا در اول وقت یعنی ساعت ده و نیم بدون اینکه جر و بحث داشته باشیم این اصل را با رعایت کلیه مذاکرات تنظیم خواهیم کرد که هیچگونه شائبه‌ای در آن باقی نماند. (ربانی شیرازی— اصل لزومش را رأی بگیرید).



ع- تمدید مدت پانزده روز جهت بررسی قانون اساسی

نایب رئیس - طبق آنچه ما در آئین نامه داریم قرار بر این بوده که بکوشیم کارمان را در مدت سی و یک روز تمام کنیم و گرنه بمحاسب ضرورت پانزده روز تمدید کنیم. موافقین با اینکه فعلاً پانزده روز تمدید کنیم دستشان را بلند کنند (اکثریت دست بلند کردند) تصویب شد.

ه- پایان جلسه

نایب رئیس - فعلاً جلسه را ختم می کنیم و امیدواریم در این پانزده روز تحرک بیشتری داشته باشیم. فردا ساعت هشت و نیم صبح جلسه گروهها تشکیل میشود و ساعت ده و نیم هم جلسه علنی است.

(جلسه ساعت هیجده و پنجاه دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی - دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه بیست و یکم

صورت مسروج مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۰/۰ دقیقه روز ۲۸ شهریورماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و هفتم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسیت جلسه
- ۲ - ادامه بحث و تصویب اصل ۱۴ (اصل پنجاه و ششم)
- ۳ - طرح اصل ۱۵
- ۴ - طرح و تصویب اصل ۱۷ (اصل پنجاه و هشتم)
- ۵ - پایان جلسه

دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱ - اعلام رسمیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم . جلسه رسمی است و کارمان را آغاز می کنیم .
در اینجا اسمی غائیین جلسه قبل و کسانیکه تأخیر داشتند قرائت می شود . آقایان : انواری -
باهر - بیت اوشانا - خادمی - خالاتیان - خامنه ای - سعابی - کربی - موسوی اردبیلی
و خانم گرجی غایب بودند و آقایان : رحمانی چهل و یک دقیقه - بنی صدر چهل دقیقه -
حائزی شصت و دو دقیقه - طاهری خرم آبادی پیست و چهار دقیقه - ضیائی چهل دقیقه - مقدم
مراغه ای شصت و یک دقیقه - نبوی پیش و شش دقیقه تأخیر ورود داشتند .

۲ - ادامه بحث و تصویب اصل ۴ (اصل پنجاه و ششم)

نایب رئیس - به دنبال بحثهای مفصلی که دیروز در باره اصل مربوط به حاکمیت ملی
شد و مطالبی که از طرف موافق و مخالف در اینجا بیان شده ، امروز صبح جلسه مشترک گروهها
تشکیل شد و عده قابل ملاحظه ای از دولتان باز نظراتی دادند مراجعت این طرح تهیه شد و چون
وقت نداشتیم نتوانستیم آنرا تکثیر کنیم تا در اختیار نمایندگان قرار گیرد . بنابراین من این طرح را
با یکی دو اصلاح که ناشی از تذکر دولتان بود ، میخوانم :

اصل ۴ - حاکمیت ملت : حاکمیت مطلق برجهان و انسان از آن خدا است و هم او
انسان را برسنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است . انسان این حق خداداد را در شناخت
و انتخاب شرع و قانون الهی و رهبر واداره امور کشور از راه قوائی که در اصول بعدی آید اعمال
سی کند و هیچکس نمیتواند این حق را ازاو بگیرد یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار
دهد . (مکارم شیرازی) - این یکستن جدید است و یکی عوض شده است .) ماحواستیم دو نکته
مربوط را به آن اضافه کنیم البته آن متن قبلی هم هست که بعداً می خوانم . (موسوی تبریزی) -
مسئله رهبر که انتخابی نیست ، خدا یک قدرتی را به او داده است ، مسئله پذیرش غیر از
انتخاب است .) میشود «پذیرش رهبر» نوشته . حالا متن قبلی این اصل را میخوانم :

اصل ۴ - حاکمیت ملت : حاکمیت مطلق برجهان و انسان از آن خدا است و هم او
انسان را برسنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است هیچ کس نمیتواند این حق الهی را
از انسان سلب کند یاد رخدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد ملت این حق خداداد را
از راه قوائی که در اصل بعد می آید اعمال میکند .

این متنی است که در جلسه تأیید شد حالا هر دوستن در اختیار نمایندگان هست اگر به دنبال
بحثهایی که کرده ایم احتیاجی به صحبت جدیدی نیست ، متنها را بیتوانیم به رأی بگذاریم
و گرنه یک نفر مخالف و یک نفر موافق می توانند صحبت کنند (نمایندگان - کافی است رأی بگیرید .)
(باهر) - یک اصلاحیه برای این متن فرستاده ام .) (بنی صدر - متن دوم را به رأی بگذارید .)
آقای سعبانی هم پیشنهاد داده اند آن متن اول را به رأی بگذاریم ، آقای طاهری خرم آبادی



تذکر داده اند که این مربوط به مطلق انسان است ، نه ملت ایران پس نظرشان به متن دوم است. تذکرات دیگری آمده است که عموماً مربوط به متن اولی است هر وقت آن متن مطرح شد می خوانم.(پروردش – تذکر من کلی است و مربوط به هر دو متن است .) تذکر شما را خواندم آقای یزدی هم همین تذکر را داده اند.

پیشنهاد شده است بجای «ملت این حق خدا داد را .. الى آخر» بنویسیم: «مردم این حق خداداد را » تا راه برای مسائل بعدی باز باشد. (بنی صدر – اگر مردم را بجای ملت بنویسیم ایراد دارد .) همانطور که عرض شد تذکراتی که داده شده است اکثراً همان تذکراتی است که در جلسه قبل داده شده بود و پیشنهادهای جدید بعد از اینکه تکلیف این متن معلوم شد مطرح می شود. (صفی – تذکر من یک عبارت جدیدی است). بعنوان مخالف می توانید صحبت کنید، فرمائید.

صفی – عرض بنده این است که «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است وهم او انسان را برسنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته » این حکومت دادن خدا حکومت تکوینی است یا تشریعی؟ اگر حکومت تکوینی است در مجرای قوا باید اعمال بشود و از خودش سلب اختیار بکند و اگر حکومت تشریعی است که چنین حکومتی به این معنا اعطای شده است.

نایب رئیس – یک نفر موافق می تواند در این مورد صحبت کند. آقای مراد زهی فرمائید.

مراد زهی – بسم الله الرحمن الرحيم. من معمولاً در اکثر اوقات رأی مخالف داده ام ولی الان بعنوان موافق درباره این اصل صحبت میکنم وقتی که ما در اصل پنج درمورد ولایت فقیه آمدیم گفتیم «که اکثریت مردم اورا به رهبری شناخته باشند» این اکثریت مردم بودند که برایشان حق حاکمیت قائل شدیم، در این اصل حق حاکمیت بنحو روشن تری بیان شده و فکری کنم نظرات تمام مردم و ملت را بیان می کند و هیچ منافاقی با اصول قبلی ندارد و انسان واقعاً حاکم برسنوشت خودش هست ما حکومت ازلی نداریم که از قبل تعیین شده باشد و بوسیله وحی الهام شده باشد. این مردم هستند که حاکمیان را، سرنوشت‌شان را، راه و زندگی آینده خودشان را تعیین می کنند و بنظر من هیچ ایرادی براین اصل نمی تواند وارد باشد و نحوه حاکمیت وحق حاکمیت همانطور که در ذیل این اصل پیش بینی شده بوسیله قوای ناشی از ملت اعمال خواهد شد والسلام.

نایب رئیس – بطبق روال کارمان یک موافق و یک مخالف صحبت کردند حالا یک مرتبه دیگر اصل چهارده را می خوانم و به رأی می گذاریم:

اصل ۴۱ (اصل پنجاه و ششم) – حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست وهم او انسان را برسنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از راه قوائی که در اصول بعد می آید اعمال میکند .

(کرمی- این متن خلاف شرع است سرنوشت ملت بطور مطلق به او و اگذار نمیشود). روی این موضوع به اندازه کافی بحث شده است، بنابراین نسبت به این اصل باورقه بصورت مخفی اخذ رأی میشود.

(اخد رأی بعمل آمد و نتیجه بشرح زیر اعلام گردید).

نایب رئیس – عده حاضر در جلسه شصت و شش نفر، موافق پنجاه و یک نفر، مخالف شش نفر و ممتنع نه نفر، بنابراین اصل ۴۱ (اصل پنجاه و ششم) با پنجاه و یک رأی موافق به



تصویب رسید تکبیر (حضرت سه مرتبه تکبیر گفتند)

۳ - طرح اصل ۱۵

نایب رئیس - اصل پانزده مطرح میشود. درباره اصل پانزده باز بحثهای زیادی شده امروز هم در جلسه گروها باز قسمتی از وقت صرف این اصل شد سرانجام به این نتیجه رسیدیم که به همین کیفیتی که قبل تهیه شده بود مطرح کنیم. اصل را می خوانم:

اصل ۱۵ - قوای حاکم در کشور جمهوری اسلامی عبارتند از: ۱- قوه ملت ۲- قوه مقننه ۳- قوه مجریه ۴- قوه قضائیه ۵- قوه رهبری و ارتباط میان آنها بوسیله قوه اخیر برقرار میگردد.

هاشمی نژاد - بعداز «جمهوری اسلامی» کلمه «ایران» را اضافه کنید.

نایب رئیس - قراربود پیشنهادها را کتاباً مرحمت کنید تا بحث جدیدی ایجاد نشود. در این اصل یک موافق و یک مخالف صحبت میکنند. صورتی که آقایان منشی ها از موافقین و مخالفین تهیه کرده اند به این ترتیب است آقایان: بنی صدر - مخالف، موسوی تبریزی - موافق، مکارم شیرازی - موافق، فاتحی - موافق، پروشن - موافق، عضدی - مخالف، شبیانی - مخالف رحمانی - مخالف، مقدم مراغه ای - مخالف به این ترتیب پنج نفر مخالف و چهار نفر موافق ثبت نام کرده اند، برحسب ترتیب دونفر موافق و دونفر مخالف هر کدام هفت دقیقه صحبت می کنند، آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر - بسم الله الرحمن الرحيم . ما همه قبل از آمدن به جلسه از یک خطرومی ترسیدیم و آن اینکه این قوا استقلالی به هم برسانند و دمار از روزگار ملت درآورند، پس منشاً ترس یکی است الا اینکه چون استقلال را برای این پنج قوه از همین حالا ساخته ایم این چهار قوه دیگر منتظرند که یک جائی خودشان را به هم بچسبانند و دمار از روزگار ملت درآورند. هیچ قوه ای در جهان بالاستقلال نمی تواند عمل کند اگر معنی قوه ای را که در اینجا فهمیدیم تشکیلات و سازمان دادن برای انجام یک برنامه و هدفی باشد ، حتی قوه پیامبران هم مستقل نیست و متکی به خدا است، این نیست که هر کس آمدگفت من پیغمبر بگوییم بله سمعاً و طاعتاً اگر دقیق بشویم این همان است که امام بدفاتر تصریح کرده اند که در اسلام قانون حکومت میکنند، طریقه بیانش این است که خدا وحی میکند به پیامبر و پیامبر هم ابلاغ میکند به بشر ، پس در اصل یک قوه بیشتر نیست و آن قوه الهی است. این قوه را از طریق تشریع به صورت یک سازمانی به اجرا در می آورد. در اصل قبل شما حق حاکمیت را به مردم دادید البته در حدود شرع و حالا این حق حاکمیت را میخواهد اعمال کند این محتاج یک قوائی است تعداد این قوا را هر چه میخواهد شما بشمارید اما اینها مقابله ملت و مستقل از ملت نیستند بلکه ایزار کار ملت هستند والا طبق همین اصلی که قبل تصویب کردید قوه حاکمیت حقی است که شما همین الان به ملت دادید حالا دیگر این را از ملت نماید گرفت. (نایب رئیس - عذر میخواهم ندادیم، شناختیم) بله شناختیم البته نمیخواهم دیگر همان بعثتها را ادامه بدهم که وقتی گرفته بشود این حق مال خدابود این را باز اگر بخواهیم تکرار بکنیم دیگر اصلاح حرف نمی توانیم بزنیم من قبل این را گفتم که شما دیگر این تذکر را نفرمایید ، بنابراین این مقدار از وقت بندۀ را حساب نکنید. خوب در این دنیا قوای دیگری را هم فرض کرده اند یک کسانی هم به همان گروه هفت که من هم عضو آن



هستم نوشته بودند که باید قوه اقتصادی را هم شما در نظر بگیرید اقتصاد مملکت یک سازماندهی سی خواهد ، آن را هم باید در نظر بگیرید. به در دنیافکر کردند که برای اجرای آن حاکمیت باشد قوانی را در نظر گرفت، خوب حالا یک حرف پیش می آید که اگر این قوادرست عمل نکردند آیا برای قیام حق برای ملت هست؟ به می گویند این حق سلب کردن ، خودش یک قوه ای است حالا بپرسیم اگر آمد واژ طریق قانونی خواست رئیس جمهور را عزل بکند، وکلا را عوض بکند، فرقی است بین این ترتیب و ترتیبی که آن قوانون نمی دهن، فرض کنیم که خودسری کردند و تن به قانون ندادند شما در این صورت از طریق قهر آنها را عوض می کنید، حرف دیگری که نیست؟ پس همین قانون اساسی که ما داریم می نویسیم در حقیقت قانون تشکیلات عمومی است. دیگر که می گوئیم اگر رئیس جمهور را مردم خواستند عوض کنند به چه طریق باید باشد، اگر مجلس را خواستند عوض کنند به چه طریق، اگر دستگاه قضائی را خواستند عوض کنند به چه طریق. تمام ترتیبات اینها را ما در قانون اساسی می خواهیم پیش بینی کنیم. حالا یک قدری آمد و زیرباراین ترتیبات قانونی نرفت گفتیم یا انتخابات کنیم، زیربارز نرفت، چون اصلاح حق حاکمیت مال ملت است واژ یک مجازی معین به آنها داده شده این مجزا را عوض می کند و دست میزند به قیام ، حالا هم که دست میزند به قیام رهبری لازم دارد.

در قیام قضاؤت لازم دارد ، اجرائیات لازم دارد ، معنویات لازم دارد و قوه کسی مجرما را عوض می کند یعنی قوا اجرائی را تغییر میدهد، این معناش این است که شما یا تبدیل گوئید بله اینها همه هم عرض ملت، یک قوه ای هستند هر وقت که خدای نکرده دشمن را وصل کردن به آمریکا بیانند به ملت بگویند که آقا تو طبق قانون اساسی یک قوه هستی، من هم یک قوه هستم، اینها قوه ای نیستند اینها هیچ چیزی نیستند. اینها ابزار ملت هستند. از این بگذریم حالا شما می گوئید که یک اموری هست که مردم خودشان مستقیماً خواهند انجام بدهند یکی از آنها امر به معروف و نهی از منکر است . خوب حالا اینهایی که دارند ترویجی کنند پس طبق این اصل مجازند؟ هیچ ترتیبی ندارد؟ همینطوری هر کس طبق اصل «قوه ملت» در امر به معروف و نهی از منکر یک قبضه مسلسل بدلست بگیرد و اجرای امر به معروف و نهی از منکر بکند؟ دیگر نظمی در جامعه می ماند؟ شما فکر این خطرات را نباید بکنید؟ همین تشکیلات برای امر به معروف و نهی از منکر است والا با تشکیلات چه می خواهیم بکنیم؟ (نایب رئیس - یک دقیقه دیگر وقت دارید). آن قسمت از وقتی را که ازمن سلب کردید اضافه کرده اید؟ (نایب رئیس - بله حساب کردم). تشکیلات مملکت که درست می کنند دقیقاً برای همین است که هرجامعه ای این کار را می کنند. نه اینکه اختصاص به جامعه ما دارد. هیچ جامعه ای نمی گوید که من بیخواهم در منکر زندگی کنم. منکرات در هرجامعه ای البته فرق می کند ، همه می خواهند کارها معروف باشد و برای این منظور تشکیلات درست می کنند. این تشکیلات همین ها است. شما اگر بخواهید برای عموم حق نظارت، حق امر به معروف و نهی از منکر قائل شوید که کارش به اجرای اعمال قهر و قوه برسد این را باید سازمان بدھید اگر ندھید، خوب هر کس با میشود بسم الله می گوید طبق تکلیف شرعی امر به معروف و نهی از منکر می کنم برای اینکه هر کس علیحده این کار را نکند مجبور به سازمان دادن می شوند، پس اینها همه در عرض ملت هستند. یادداشتی رسیده است و پرسیده اند درباره دفاع جزئی و کلی چه می گوئید؟ اگر بخواهیم به این یادداشتها جواب بدھم و قتم گرفته می شود و اصل مطلب ناگفته میماند. به هر حال همه اینها را باید سازمان داد، ماقبل



سیکنیم که این قوا یک قوه است و مال ملت است پس باید به آنها سازمان داد و چون هم عرض ملت هستند و ناشی از حق حاکمیت ملت هستند وقتی این را ناشی از حقوق ملت دانستیم آنچه را خود ملت لازم است مستقیماً انجام دهد آنچا بیاورید و ترتیبی بدھید که این تالی فاسدهارا ایجاد نکند. آنچه راهم برای تشکیلات میخواهید بیاورید، بیاورید والا به این صورت آن خطی را که ازان میترسید در این اصل پذیرفته اید و قبول کرده اید. استقلالی داده اید و اینها را در مقابل ملت قرار داده اید و اگر روزی اوضاع سابق پیش بیاید طبق همین قانون پدر مردم را در می آورند. (کرمی— اگر یک عده یاغی حمله کردند باید سازمان بدھیم یا دفاع کنیم؟) دفاع هم سازمان میخواهد.

نوویخش — سوالی دارم که خواهش میکنم نماینده محترم موافق که الان صحبت خواهند کرد راجع به آن مقداری توضیح بفرمایند.

نایب رئیس — آقای موسوی تبریزی بعد از اینات شما بدعنوان موافق تشریف می آورند و توضیح می فرمایند.

نوویخش — این وسائل ارتباط جمعی مانند رادیو تلویزیون و روزنامه ها قدرتشان ییشتر از توب و تانک است، بنابراین این قوا باید در دست چه کسی باشد؟ من فکر میکنم باید در دست ملت باشد نه در اختیار دولت.

موسوی تبریزی — بسم الله الرحمن الرحيم. باحذف همه تشریفات بشر یک خدائی دارد. این خداوند بشر را آزاد خلق کرده است، حتی در اختیار مکتب و در اختیار مذهب هم آزاد خلق کرده است بعد که بشر به اختیار خودش یک مکتب الهی را اختیار کرد در چهارچوب آن مذهب آزاد است. پس ملت مسلمان ایران بعد از اختیار مذهب پیغمبر اکرم (ص) در حدود مذهب خودشان آزاد هستند. حق حاکمیت مال خالق است که به ملت داده، حق حاکمیت مال خالق است در عرض ملت که به رهبر داده است ثبوتاً اختیار حاکمیت برای رهبر هم جمع شده است. ما دو مطلب داریم، خدائی است خلق کرده . در اختیار مکتب، آزاد و در چهارچوب مکتب. بالاخره بشر آزادی دارد و آن حاکمیت را خداوند به بشرط دارد. بهمن بشر، بعد از آن که در حدود مذهب، قدرت و حاکمیت داده است این نیرو را داده است که به سرنوشت خودم مسلط باشم و یک مقصد این است که این نیرو را خودم اجرا میکنم، بدون احتیاج به آن فرمایشی که آقای بنی صدر فرمودند. اصلاً در مسأله اعمال حاکمیت احتیاج نیست که قدرتی درست کنند، چون در انقلاب گذشته دیدیم نه دولتی بود نه هیچ حکومتی، مردم فقط بسیج عمومی کردند و قدرت را متوجه کردند بعد از اینکه نتیجه تآزر سازمان داده شد و به اینجا رسید. ایجاد قدرت احتیاج به سازمان ندارد، من هستم و سرنوشت خودم، ملت است و سرنوشت خودش، این حق حاکمیت را میتواند مستقیماً اجرا بکند و میتواند بواسطه وکالت که آنطور که آقای بنی صدر فرمودند ابزار نیست در واقع موکل قدرتش را تفویض میکند به وکیل، من که رئیس جمهور یا وکیل برای مجلس شورای ملی انتخاب میکنم در واقع قدرتم را به آنها واگذار میکنم پس میشود گفت قدرتهای حاکمه در بین مردم پنج تا است متنها تشریع است من با اصلاح موافقم. طبق اصول بعدی که طرح میشود ملت حق دارند امر به معروف بگنند این را میتوانیم بگوئیم ملت پنج قوه دارد یکی قوه ملت است، یکی قوه مقنه و یکی قوه مجریه و یکی قوه قضائیه که همه ناشی از قوه ملت است ولی به هر حال ملت قوایش را میتواند به وکیل خود تفویض کند ، قوه رهبری که در عرض قوه



ملت و حاکمیت ملت است این پنج قدرت را که علی الاجمال تفصیلش در اصول بعدی می‌آید درست است اشکالی ندارد و آن محظوظی هم که آقای بنی صدر فرمودند که ممکن است یک قدرتی بگوید من در برای ملت قدرت دارم، این رانمیتواند بگوید که بیکنیرو من و یک نیروی ملت، برای اینکه در اصول بعدی قانون اساسی که بیاید معلوم می‌شود منشأ این قوه قضائیه و قوه مجریه کجاست و از کجا سرچشمۀ گرفته است رویه مرتفعه آگراین دو سه اصل قانون اساسی را بخوانیم می‌بینیم که روشن است و آن اشکال وارد نیست. (دکتر شیبانی - در این مورد پیشنهادی تقدیم کرده‌ام عنایت بفرمائید).

نایب رئیس - آقای رحمانی به عنوان مخالف مطلب تازه‌ای دارید که می‌خواهد عنوان کنید؟ (رحمانی - بله) بفرمائید.

رحمانی - بسم الله الرحمن الرحيم . بنظر می‌آید که این همه اطاله کلام در اصل موضوع تأثیری ندارد و مناقشه‌ای لفظی بیش نیست. بحث در این که قوای سه گانه ناشی می‌شود از قوه ملت یا اینکه بخواهیم تعییرات دیگری بکنیم و اینهمه وقت را بگیریم ، بنظر میرسد که هیچ‌گونه عمل مشتبه انجام نگیرد از طرف دیگر مثل اینکه از آن جائی که قدرت ملت موضوعی نیست که احتیاج به بحث داشته باشد و آن طبعاً وجود دارد و منکر ندارد، بحثی که می‌شود راجع به اداره تشکیلات مملکت است. مملکت را که ملت بدون تشکیلات نمی‌تواند اداره کند، قانون اساسی و سایر قوانین می‌خواهند اداره و تشکیلات مملکت را مورد بررسی قرار بدهند. اگر چنانچه قدرت ملت را مسلم بگیرید، همچنان که در بعضی از اصول هم این مطلب سلم گرفته شده است و بعداً هم مسلم گرفته خواهد شد و احتیاج به بحث ندارد به همین طریق که تاکنون سه قوه منظور شده است و چنین نیست که یک امر اتفاقی باشد و ما در اینجا کشف کرده باشیم و دیگران تاکنون توانسته باشند کشف کنند، یک مطلبی بگوئیم که مطلب بسیار غریبی باشد و در هیچ‌کدام از قوانین روی زمین اثری نداشته باشد و بعد یک کسی باید بگوید هدایت اخلاق راجع به قسمت قوه رهبری، هیچ احتیاجی نیست به اینکه ما بیائیم قوه رهبری را مستقل قرار دهیم. قوه رهبری تا قوه مقننه هست در جمیع شئون مملکت‌ساري و جاري است به جهت اینکه شاید شورای نگهبان یکی از آثار قوه رهبری باشد یا رهبر مستقیماً در آنجا دخالت کند بنابراین جزو قوه مقننه است، جزو قوه مجریه هم هست چون ولايت‌فقیه است چون خواسته‌اند زعامت امور را در دست فقیه بگذارند. آیا می‌خواهید این رهبری فقیه را که قوه‌ای قرار میدهد از دست قوه مجریه جدا بکنید؟ این تقض غرض است فردا می‌گویند قوه مجریه نیست، قوه مقننه هم نیست، چیز دیگری است و آن چیز هم روشن نیست ، بنظر میرسد که به همان طریق که ما نمی‌خواهیم چیزی بگوئیم که دیگران نگفته باشند، قل الحق ، خواه در قانون اساسی باشد یا نباشد این موضوعی بود که باید مورد توجه واقع شود و هیچ‌گونه انکار قدرت ملت نخواهد بود و بعد هم چنان شکلاتی بیش نمی‌آید که قسم داخل در مقسم می‌شود یا اینکه مقسم به صورت قسمی در می‌آید این صحبت‌ها هم متنفس می‌شود متنها چیزی که هست در همین جا که قوای مملکت را تقسیم می‌کنیم، قوه ملت را هم اشاره کنیم و شاید هم آنچه گفته می‌شود کافی باشد.

نایب رئیس - آقای مکارم به عنوان موافق صحبت می‌فرمایند.

سکارم شیرازی - بسم الله الرحمن الرحيم . بنده یک توضیح کوتاهی روی اصل موضوع میدهم و سه تا هم اشکال هست که فشرده جواب عرض می‌کنم. اساس این اصل این است که



ما در آینده یک سلسله قوائی در این قانون اساسی پیش‌بینی می‌کنیم و یک مقدارش هم تا حالا پیش‌بینی شده است، اینها را باید جمع‌بندی کرده و تحت برنامه قرار دهیم. مسلماً قوه قضائیه، قوه مقننه و قوه مجریه جزو این قوا هستند، ولی این هم یک واقعیت است که «رهبری یا شورای نگهبان» این دو را به هم ضمیمه بکنیم و یک اسم بگذاریم اینهم منشاً حرکتی در جامعه است، چرا آقایان اصرار دارند که قوه را به معنی ابزار تعبیر کنند؟ قوه یعنی آنچیزی که منشاً حرکتی در نظام حکومت است. آیا رهبر منشاً حرکتی در نظام حکومت است یا نه؟ آیا مردم هستند یا نه؟ اینکه بعضی از دوستان وحشت می‌کنند که در هیچ جای دنیا پیش از سه قوه گفته نشده، اولاً ما میدانیم جمهوری اسلامی ایران یک لوازمی پیدا کرده است که در نظامهای دیگر نیست و تازه منحصر به سه قوه بودن جای دیگر هم مسلم نیست و این هم باید منشاً وحشتی برای ما بشود، منتها مسئله‌ای که باید توجه داشت مرفوم داشته‌اند که قوه اصطلاحی است حقوقی به معنی اقتدار قانونی و همین معنی اقتدار قانونی بحث ما را خیلی روشن می‌کند و به معنی تشکیلات مؤسسه نیست بلکه به معنی اقتدار قانونی است و ما خواهیم دید ملت اقتدار قانونی دارد، هم در زمینه اجرا و هم در زمینه قانون‌گذاری و همچنین رهبر هم قدرت دارد یعنی اقتدار قانونی دارد در هر دو زمینه به شرحی که در اصول آینده می‌آید، منتها مطلبی که هست اصول آینده را آقایان جلویشان نبوده و ما تازه پخش کردیم اگر اصول آینده را دقت بکنیم، جواب اشکالات در این زمینه داده خواهد شد. مثلاً اصل بعد چنین می‌گوید که قوه ملت از دو طریق مستقیم و غیر مستقیم اعمال می‌شود، درقسمت اول از طریق امریه معروف و نهی ازینکر و همه پرسی و دفاع عمومی و در قسمت دوم از طریق شرکت در انتخاب ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس و شوراهای وظایر آن، اصل بعدیش اعمال قوه مقننه است از طریق مدت انتخاب شده و اعمال قوه رهبری از طریق رئیس جمهوری، اعمال قوه قضائیه از طریق دادگاهها، اعمال قوه رهبری از طریق همان مسئله ولايت فقهی است که سایقاً پذیرفته‌اید و باید حدودش را مشخص کنید. پس این فهرستی است که برای بعدی آید و اینها سرچشمۀ میگیرد از قوه ملت منتها ملت مقداری را برای خود نگه میدارد و مقداری را بالواسطه اعمال می‌کند و وقتی ما این چنین تعبیر بکنیم، دیگر این سه اشکالی که آقایان داشتند برطرف می‌شود. اشکال داشتند از وحشت استقلال، ماصریحاً در اصول آینده‌ی نویسیم دولت استقلال ندارد، از طریق ملت انتخاب شده و ملت هم از طریق همه پرسی می‌تواند ساقطش کند. وقتی ماقصوه آینده را داریم چه وحشتی داریم از استقلال دولت در مقابل ملت؟ اگر منحصراً همین یک اصل بود، جای وحشت بوداما وقتی خطوط این اصل در اصول آینده کاملاً مشخص شده واختیارات هر کدام حدودش روشن شده که دولت از طرف ملت است و هر وقت هم خواست با قیام یا همه پرسی از طریق مختلف ساقطش می‌کند، این دیگر جای وحشت از مسئله استقلال نیست، اشکال دوم هم حل می‌شود که مسئله هم عرض بودن که هم در آن جلسه صحبت شده و هم اینجا در صورتی هم عرض بودن اشکال دارد که مابخواهیم بگوئیم که ملت همه‌قدرتیش را به دولت داد، دیگر ملت در طول دولت قرار میگیرد نه در عرض. (نایب رئیس - آقای مکارم وقت شما نزدیک به پایان است.) بنده دو دقیقه دیگر مطابق ساعت وقت دارم، ملت در عرض دولت هست در آن مقدار قوائی که برای خودش حفظ کرده و قسمتی را داده و از این نظر مشکل هم عرضی حل می‌شود و اما اشکال سوم که بعضی از آقایان می‌گفتند من فکر می‌کنم قوه با محصول



قوه شاید اشتباه شود، محصول تمام این قوای پنجگانه سه کار است، یا قانوننگذاری است به آن معنی، یا اجرا است یا قضااست، محصول سه کار است اما مبدأ این محصول پنج قوه است و به این دلیل نباید منحصر بودن محصول دلیل بر منحصر بودن مبدأ و قوه‌ای که این محصول را به آن منتهی می‌کند باشد. در این یک دقیقه باقیمانده این جمله را هم لازم میدانم اضافه کنم، اینکه گفتید امر به معروف و نهی از منکر حتماً باید بوسیله دولت انجام بشود، این را مسلم نگیرید، مادر آینده ممکن است یک سازمان مستقل برای امر به معروف و نهی از منکر قائل شویم و عده‌ای از دولستان هم عقیده براین دارند آنوقت آن سازمان مستقل چه جائزی در مقابل قوای سه گانه دارد؟ شما یکسازمان مستقل برای اینکار قائل بشوید و همچنین روابط جمعی را آفای شیده‌انی گفتدند در اختیار دولت بگذاریم. مامسلم نمیدانیم ممکن است در اختیار ملت بگذاریم. (یکی از نماینده‌گان — در اختیار شورائی از ملت بگذارید). بسیار خوب در اختیار شورائی از ملت، آنوقت سازمانهای ارتباط‌جمعی... (نایب رئیس — آفای مکارم خیلی از وقتان گذشته) من فقط هفت دقیقه صحبت کردم والسلام علیکم.

بنی صدر — اینکه میفرمائید «در اختیار» معناش این است که مستقل میگیریم.

نایب رئیس — آفای بنی صدر اجازه بفرمایید، عرض می‌شود که از مجموع صحبت‌های جلسه گروه واینجا که داشتیم چنین بدست می‌آید که ما یکدشواری اصلی و یکدشواری فرعی داریم، ما اگر در این دشواری اصلی بتوافق برسیم مسأله حل می‌شود، دشواری اصلی مقابله‌قوه ملت با سایر قوای این را باید با قبول یک اصطلاح جدید حل کنیم تاروی آن تفاهم داشته باشیم و آن این است که بنویسیم «قوه مستقیم ملت» یک «مستقیم» به این قوه اضافه کنیم که سوتعتفاهم را ازین ببرد. حالاً اگر از لحاظ تغییر واصطلاح و ترمینولوژی ما اشکالی در این داریم این را می‌توانیم در آینده حل کنیم. محتوا اگر مشخص است و تأیید میفرمایید آفایانیکه پیشنهاد فرموده‌اند اگر تأیید میفرمایید به این اولی یک «مستقیم» اضافه بکنیم و به رأی بگذاریم. (شیبانی — پیشنهاد مرابخوانید این مطلب آنچه است). آفای شیبانی پیشنهادهای متعددی رسیده و همه از این قبیل است اجازه بفرمایید پیشنهاد جنابعالی آمده این پنج تا را دوپیشش کرده، آفای باهنر و دیگران هم پیشنهاد داده‌اند، چیزی که بنده پیشنهاد کردم این است که، این طرح را عوض نکنیم و یک «مستقیم» ایجاد اضافه بکنیم.

ربانی — آفای بهشتی اشکال این است که خود ملت یک قوه‌ای است و آن پیشنهادی که من دادم، این قوه را در برابر قوای دیگر قرار نداده است. (نایب رئیس — پیشنهاد بعدی را که می‌دانیم). آنوقت اشکالی برطرف نمی‌شود.

نایب رئیس — میدانم، بنده فقط عرضم این بود که اگر پیشنهاد دهنده‌گان موافق هستند که پیشنهادشان را با این اضافه به رأی بگذاریم، اصلاح بکنند و بدهند.

بنی صدر — پیشنهاد شما چه مشکلی را حل می‌کند؟ قوای دیگر یاناشی از این قوه است که باید نوشت قوای دیگر ناشی از این قوه است، یانه مستقل است.

نایب رئیس — آفای بنی صدر شما در صحبتان هم در آن جلسه فرمودید هم اینجا، بنابراین طوری باشد که رعایت نظم جلسه را کرده باشیم. خوب با اضافه کردن «مستقیم» موافقید؟ (بکارم — آفایان صریحاً بیکویند موافقیم). بسیار خوب، اصل بعدی را اصلاح می‌کنم.

خامنه‌ای — خیلی مطالب گفته شده ولی اینجا مطرح و منعکس نشده چون در جلسه



غیررسمی بوده خیلی حرفها هست که هنوز هم می‌شود زد نظر من این است که یا به همان روش برگزار کنید یا اینکه اگر مخالفتی بود صحبت کنند. (مقدم مراغه‌ای—بنده به عنوان مخالف طرحی داشتم و مطالبی هم دارم که گفته نشده).

نایب رئیس — بله، موافق و مخالف اسم نوشتہ‌اند ولی صبح تشریف داشتید و تأیید هم شد که فقط نیم ساعت صحبت بشود. (دموافق و دومخالف) می‌مانند اینکه اگر آقایان بنوانند طبق معمول پیشنهاد گروه را با جمع‌بندی از صحبت‌ها اصلاح بکنند و بعد به رأی بگذاریم تاچیزی برخلاف نباشدچون بنده نه چیزی را خواستم تشویق کنم و نه رد کنم، من جمع‌بندی کردم و از جمع‌بندی اینظور بدست می‌آید. حالا پیشنهاد آقایان می‌تواند یا به همان طریق به رأی گذاشته شود و یا می‌تواند با افزایش آن کلمه مطرح شود. (سکارم—تابحال معمول بوده که یک کلمه اضافه می‌کردیم اصراری هم نیست). بنده این را قبول دارم آقا یا نیکه در گروه دوم هستند موافقت کردن‌که اضافه بشود؟ (چند نفر از گروه دوم — بله) بسیار خوب بنابراین عنایت بفرمائید اصل پائزده به این صورت که می‌خوانم به رأی گذاشته می‌شود.

حجتی کرمانی — می‌خواهم عرض کنم که قوه نگهبانی را قوه چهارم قرار...

نایب رئیس — آقای حجتی بفرمائید بنشینید یعنی نظم جلسه ایجاب می‌کند که سر کار هم به نظم کمک بکنید.

حجتی کرمانی — شما نظم را خودتان تنظیم می‌کنید یعنی یک وقت نظم خیلی بسته است، یک وقت خیلی باز، این رانمیدانم چطوری اداره می‌کنید.

نایب رئیس — اصل پائزده را فرائت می‌کنم:

اصل ۱- قوای حاکمه در کشور جمهوری اسلامی ایران عبارتند از ۱- قوه مستقیم ملت، ۲- قوه مقننه، ۳- قوه مجریه، ۴- قوه قضائیه، ۵- قوه رهبری و ارتباط میان آنها بوسیله قوه اخیربرقرار می‌گردد.

لطفاً گلدانه‌ارای اخذرأی ببرید. (ربانی شیرازی—آقای پیشنهادهار بخوانید پیشنهادی بهتر از این باشد). آقای ربانی اگر ملاحظه فرمودید صبح توافق براین شد که اگر پیشنهادهای جدیدی باشد همه آنها در جلسه گروه‌ها خوانده شود بنابراین در ذهن دولستان هم هست. (ربانی شیرازی — این پیشنهاد هم روی همین فکر است، اصلاحات است، شما چطور یک کلمه «مستقیم» اضافه کردید). یعنی یک لفظ را بفرمائید؟ (ربانی شیرازی — یک لفظ یا دولفظ فرق نمی‌کند). نه آن یک تغییر عبارتی است، تغییر عبارت هرچه بود دیدم.

(اخد رأی بعمل آمد و نتیجه بشرح زیر اعلام گردید)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه شصت وشش نفر، تعداد کل آراء شصت وشش رأی، موافق سی و چهار نفر، مخالف بیست و دو نفر، محتن ده نفر، بنابراین تصویب نشد. آقای موسوی پیشنهاد کردن‌که اگر هر دو متن رد شد از راه تجزیه استفاده شود یعنی راجع به هر کدام از قوا رأی گفته شود، فکر نمی‌کنم این بتواند اصل را درست بکند، عنایت بفرمائید ما فرصتی داریم که چند متنی را که رسیده بخوانیم و با دست برای تأییدش رأی بگیریم، اگر متنی نزدیک به رأی با ورقه بود آن را با ورقه رأی می‌گیریم.

موسوی اردبیلی — بنده پیش‌بینی می‌کنم که هیچ متنی بطور کامل رأی نخواهد آورد راهش جز این نیست که تکه تکه تجزیه کنید، بنده یکی را قبول دارم رأی میدهم یکی را



قبول ندارم رأی نمیدهم، این را بنده عرض می‌کنم و می‌خواهید از آقایان هم پرسید. نایب رئیس — با همان پیشنهادی هم که دوستان داده‌اند که قوهٔ مستقیم سلت را بگذاریم باید اصل شانزده عوض بشود چون در اصل شانزده نوشته‌یم مستقیم و غیر مستقیم، بنابراین اجازه بفرمایید این اصل و اصل بعدی بار دیگر در جلسه فردا صحیح گروه‌ها با توجه به تمام مطالب اصلاح بشود و اصلاح شده‌اش به جلسه علیه بیاید یعنی آماده باشد و ما میدانیم که علی کل حال نسبت به اینکه یک قوهٔ مقننه‌ای داریم، نسبت به اینکه یک قوهٔ مجریه‌ای داریم، نسبت به این که یک قوهٔ قضائیه‌ای داریم در این بخش نداریم، اصول مربوط به اینها که آماده شده مطرح می‌کنیم بعد مجلس را آدامه می‌دهیم. اصل بعدی یعنی جای اصل پانزده و شانزده خالی می‌ماند.

۴— طرح و تصویب اصل ۱۷ (اصل پنجاه و هشتم)

نایب رئیس — اصل هفده قرأت می‌شود:

اصل ۱۷ — اعمال قوهٔ مقننه که عهددار تشخیص نیازها و تصویب و تنظیم مقررات لازم برای نظم و رشد جامعه است از طریق مجلس شورای ملی می‌باشد که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌گردد و مصوبات آن پس از امضای شورای نگهبان و رئیس جمهور برای اجرا به قوهٔ مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

لطفاً برای موافق و مخالف اسم بنویسید (اسامی مخالفین و موافقین نوشته شد) توجه بفرمایید آقایانیکه برای صحبت وقت خواسته‌اند آقای مقدم مراغه‌ای، مخالف — آقای شیبانی، مخالف مشروط — آقای فارسی، مخالف — آقای موسوی اردبیلی، مخالف — آقای موسوی جزايری، موافق مشروط — آقای سبعانی، موافق — آقای رشیدیان، مخالف مشروط — آقای بنی صدر، مخالف مشروط — آقای رباني شیرازی، موافق مشروط — آقای کیاوش، مخالف — آقای اکرمی، موافق — پس بنابراین آقای مقدم مراغه‌ای به عنوان مخالف صحبت کنند.

مقدم مراغه‌ای — به نام خدا. دیروز پیش آمدی شد و بعضی از دوستان از من گله کردند خواستم تذکر بدhem مخصوصاً به آقای کیاوش گفتم که دیگر من صحبت نمی‌کنم ایشان گفتند چون سی میلیون جمعیت این صحبت‌ها را می‌شنوند و شما وقتي حرفی می‌زنید انکا اش وسیع است اگر مطالب را اینجور عنوان نکنید بهتر است، البته خوشبختانه حالاً که می‌بینم منتشر نمی‌شود و آن نگرانی شما هم از بین می‌برود و تا حالاً من ندادم مطالبی را که منتشر بشود، بنده خواستم این اصل را که اینجا آمده با اصلی که در آن طرح پیشنهادی که به مجلس آمده بود مقایسه کنم. در آنچه اصل هفده آمده بود که اعمال قوهٔ مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود، ما این اصل حاکمیت مردم را قبول کردیم چه بخواهیم، چه نخواهیم. حتی در ولايت فقهیه تصویب شده خود آقایان هم، عملاً همین طور بوده یعنی این انقلاب ما ذاتش همین است که اعمال ولايت فقهیه به صورت عملی انجام شده یعنی روزیکه امام خمینی این نهضت را رهبری کرد نه قانون بود نه چیزی، ولی این عمل با لذات و بطور طبیعی، خودش انجام شد. پس هم در عمل داریم هم در اصولی که پیش بینی کرده‌ایم داریم و هم در اصلی که مربوط به ولايت فقهیه است و ما از آن هم قدم بالاتر گذاشته‌ایم برای حاکمیت مردم، ما در اصل دوازده پیش بینی کردیم اگر اقلیت‌های مذهبی



بودند یا اسمشان را اقلیت نگذاریم (به اصطلاح مذاهب دیگر) اگر در مناطقی اکثریت داشتند آنها با وجود اینکه از نظر مذهبی همانطور که آقای مرادرهی گفتند مثل تسنن این ولایت فقیه در آن منظور نشده معهداً ما آنها را مکلف کردیم و گفتیم که آنها خودشان مقررات فقه خودشان را انجام بدھند. یعنی چه؟ یعنی ما قبول کردیم که آنها مذهب را آزادانه انتخاب کردن و اصول مذهبی خودشان که ناشی از حاکمیت خودشان است اعمال می‌کنند. در این اصل پیشنهادی ماسی نویسیم: «اعمال قوه مقننه که عهدهدار تشخیص نیازها و تصویب و تنظیم مقررات» این یعنی چه؟ قوه مقننه کارش قانونگذاری است اصلاً اسمش مقننه است یعنی قانون، ولی عهدهدار تنظیم نیازها است البته ما این را گفتیم و لازم نیست در هر جلسه‌ای تکرار بکنیم. اصول معلوم است اصول اسلامی است، آزادی هست در چهارچوب همان آزادی که اسلام به مسلمین داده در آنجا باید قانون بگذارد. دیروز عده‌ای پیش من آمده بودند و گفتند این کارگران سوسیالیست در زندان هستندوازمن راهنمائی می‌خواستند، گفتند آقا اعلامیه حقوق بشر اینطور می‌گوید، قانون اساسی سابق اینطور می‌گوید، شما الان به من بگوئید که اگر مراجع اسلامی است مابه چه اصلی متول بشویم؟ گفتم آقا ما بر اصول اسلامی این قوانین را تصویب خواهیم کرد، مسلم است که در اداره گذشته این مشکلاتی که امروز هست نبوده و دولت‌های سابق این قدرت را نداشتند. جامعه سابق با جامعه فعلی فرق دارد ولی ذات و روح فرق نکرده یعنی اسلام موافق با عدالت است. در هر حال بنده فکرمی کنم در اینجا این اصل حاکمیت اداری یک مشکلی است که واقعاً باید به آن توجه بکنید. ما اگر برای تنظیم قانون اساسی یکسال وقت داشتیم غمی نبود و می‌شد انجام بدهیم ولی اینطور که مایپیش میرویم اصول و مبانی را اگر عوض کردیم آنوقت تا آخر این یک صد و پنجاه و یک اصل باید عوض بشود اگر می‌خواهید اینکار سرعت عمل داشته باشد و مابتوانیم به نتیجه برسیم و تعارض نداشته باشد یک فکری بکنید و چاره‌ای بیاندیشید. من نمیدانم امروز آقایان رادیو را گلوش میکرند یا نه، خدا شاهد است که من ناراحت شدم توی ماشین که می‌آمدم رادیو را روشن کردم راجع به قانون اساسی و ایراد به آن اصولی که تصویب شده صحبت می‌کرد. آقا مردم با هوش هستند، زیرا هستند، آگاه هستند و رشید هستند، قضاوت می‌کنند، ماعجله نکنیم برای اینکه از مسائل زد بگذریم، این مطلب را بنده تکرار می‌کنم و آخرین باری است که در این جلسه مداخله می‌نمایم پاتوجه به اینکه نهایت احترام را برای روحانیت قائل و می‌آمده که می‌ینم بعرض میرسانم و سعدی می‌گوید:

«دوچیز طیره عقل است دم فربوستن بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی»، بنده تاحلاً فکر میکردم که وظیفه‌ام هست بگوییم اما از این بعد شاید وظیفه‌ام باشد که خاموشی انتخاب کنم، **رشیدیان** — آقای رئیس ایشان مطالب بی ارتباطی با موضوع بحث مطرح کردن راجع به پانزده نفر از کارگران سوسیالیست که گفتند، هیچ ارتباطی با بحث نداشت. اینها خرابکاری کرده‌اند، لوله‌های نفت را منفجر کرده‌اند، آدم می‌خواستند بکشند، چرا مطالب را قاطی می‌کنند؟ نباید اجازه داد چنین مطالبی که اصلاً هیچگونه ارتباطی به کار ما و دستور جلسه ندارد، مطرح شود.

نایب رئیس — یک نکته‌ای را عرض کنم. ماباینکه اینجا مکرر تأکید کرده‌ایم و آن اینکه وقتی قرار است مسأله‌ای مطرح شود، صحیح آنست که پیرامون موضوع بحث، صحبت شود و از موضوع خارج نشویم. ما دوست می‌داشتم آقای مراغه‌ای به ما بگویند که چرا با این اصل



هفده مخالف اند. ایشان گفتند که من مقایسه می کنم با اصل هفده قبلی که این کار را هم نکردند. الان وقت ایشان تمام شد ولی انتظارمان از همه دوستان ایست که وقتی برای صحبت به اینجا تشریف می آورند درباره همان موضوع مورد بحث صحبت بفرمایند.

مقدم مراجحه‌ای — من عرض کردم که قوه مقننه برای وضع قانون است اگر غیراز این است پس اسمش را عوض کنید و مخالفت من هم، اگر مطالب دیگرم را کنار بگذارید، برای همین مطلب بود که بنده می گویم چرا در اینجا با این عبارات و کلماتی که مبهم است، این اصل را نوشتند؟ قانون اساسی باید صریح و روشن باشد. قوه مقننه تنها وظیفه اش وضع قانون است. معذرت می خواهم که وقتان را گرفتم.

نایب رئیس — آقای کیاوش فرمایشی دارید؟

کیاوش — طبق آئین نامه من می توانم پنج دقیقه درمورد صحبت آقای مقدم مراجحه‌ای صحبت بکنم.

نایب رئیس — بله، اگر مطالب ایشان راجح به شخص شما بوده، شما می توانید طبق آئین نامه پنج دقیقه صحبت کنید اگر مطالبی دارید بفرمایید.

کیاوش — بسم الله الرحمن الرحيم. دیروز مسائلی پیش آمد که همه ناظر بودند و حتماً ملت ایران هم می داند. بعد از اینکه جلسه تمام شد، رقتیم خدمت جانب آقای مراجحه‌ای و صحبت کردیم. مسأله این بود که تا حقایقی برای شما روشن نشود پشت میکروفونی که نزدیک به سی و شش میلیون نفر ایرانی آن را می بینند و می شنوند، مطرح نفرمایید. مسأله ما این نبود که بگوئیم شما حقایق را کتمان کنید و یا مردم آن حقایق را نبینند و نشنوند. ایشان کلمه «ناحق» را نگفتند. انکاس این کلمه این شد که بعضی از مطالب از بلت ایران پنهان نگاه داشته می شود در حالیکه خودشما شاهدید جلسات خصوصی یا عبارت دیگر کمیسیونهای را که داشتیم بهم زدیم و تمام آن جلسات را تبدیل به جلسه علنی کردیم و لامان صبح هاهم جلسه علنی داریم و مسائل را همینجا مطرح می کنیم تا چیزی از مردم ایران پنهان نماند. گفتیم آقا شما می فرمایید که هیأت رئیسه مجلس دستورداده نطق شما را پخش نکنند. پس لازم بود که قبل از هیأت رئیسه بپرسید آیا واقعاً اینطور هست یا نه، که لازم نباشد در هین فرمایشات شما رئیس جلسه آنرا تکذیب کنند و این ، انکاس بد پیدامی کند. این مطلب را که نفرمودند هیچ، باز هم امروز تشریف آورند و طبق رویه همیشگیشان نیشی را که باید بزنند، زندن. یعنی ملت ایران را مارشید نمی دانیم و حتی یک توھین به ملت عزیز ایران کردن. مثلاً ما اینجانشته ایم بدون اینکه ارزش فکری ملت ایران آگاه باشیم یا نیایم مطالبی را بگوئیم و بعدهم اجازه ندهیم که آنها بیانند اظهار نظر بکنند. ما این مسائل را مطرح می کنیم، تصویب هم می کنیم، تازه به دستور امام به رفراندوم هم گذاشته خواهد شد. مردم حق دارند ته فقط از طریق رادیو بلکه از طریق روزنامه ها و مجالس بنویسنده و بگویند و انتقاد کنند. چه بسا بعضی از این اصول مورد قبولشان قرار نگیرد و دویاره به اینجا برای اصلاح برگرد. پس نه بیم از این داریم که رادیو بد بگوید و نه اینکه دیگران انتقاد کنند و جر و بحث بکنند. فقط خواهش من این بود که آقایانی که اینجا برای صحبت تشریف می آورند اولاً شهوت کلام نداشته باشند، خوششان نیاید مرتب بیانند پشت میکروفون تا قتوژنیک باشند و از آنها عکس و فیلم بگیرند. ثانیاً وقتی تشریف آورند حقایق را بگویند. والسلام.



نایب رئیس — آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — بسم الله الرحمن الرحيم . بنده به عنوان موافق ، عضو گروهی هستم که این اصل را تنظیم کرده‌ام . (هم‌متن پیش‌نویس سابق پیش من است و هم‌متن فعلی) بطور اختصار علت تغییرات را عرض می‌کنم . اولاً در اینجا قوه مقننه معنی شده است . علت اینکه اینچنین معنی کرده‌ایم اینست که ما در اصل دوم تصویب کردیم: «حاکمیت و تشریع اختصاص به خدا دارد» یعنی غیر از خداما قانونگذار نداریم ، عقیده مسلمین همین است . بهما ایرادی کنند که اگر غیر از خدا قانونگذاری نیست و تشریع به خدا اختصاص دارد ، پس قوه مقننه معنایش چیست ؟ برای اینکه آن اصل روشن شود و این اشکال رفع شود ، عبارت را عوض کرده‌ایم: «قوه مقننه که عهده‌دار تشخیص نیازها و تصویب و تنظیم مقررات...» پس علت عوض کردن این جمله ، این نبود که قوه مقننه را قبول نداریم ، خیر ، قوه مقننه را قبول نداریم ولی نه به آن معنا که در کشورهای غیر اسلامی است که در حقیقت مجلس قانونگذار است ، مشعر است ، مجلس ما قانونگذار مشرع نیست ، با توجه به قوانین اسلامی ، طبق آن قوانین ، نیازها را تشخیص می‌دهد و مقررات را تصویب می‌کند . قوه مقننه ما در این حدود است . پس علت عوض شدن را گفتم نکته‌دیگر اینکه در اینجا باید مصوبات ، که همان مقررات قانون مجلس شورای ملی است به امضاء دو فر بررسد : اول به امضاء شورای نگهبان که از نظرما واز نظر پیش نویس ، جزء قوه مقننه است ، دوم به امضاء رئیس جمهور هم بررسد . ممکن است آفایان ایراد کنند که رئیس جمهور جزو قوه مجریه است ، چرا باید به امضاء قوه مجریه بررسد ؟ نکته‌اش اینست که کسی که مجری قانون است باید از متن قانون آگاه بشود و قانون را مطالعه کند و واقع‌اشخیض دهد که قابل اجرا هست یا قابل اجرا نیست . تا اگر قابل اجرا نباشد باذکر دلایل به مجلس رد کند و بگوید بنظر من با این دلایل ، این قانون چنین اشکالاتی دارد . بنابراین بهمین دلایل که عرض کردم که رئیس جمهور چون اجرا کننده است و باید از متن قانون و کیفیت اجرا و امکان اجرا یش آگاه باشد و اگر اشکالاتی بنظرش رسید به مجلس برساند ، امضاء رئیس جمهور را در اینجا آورده‌ایم . واما نکته‌دیگری که قابل ذکر باشد توافق کلی بامتن اصلی باشد نیست فقط یکی دو مورد خیلی کوچک است ، یکی اینکه در متن قبلی قوه مقننه معنی نشده و به همان معنی غریب شده و لی در متن مابعنه شرقیش ذکر شده . جناب بنی صدر هم یادداشتی فرستاده‌اند و نکته‌ای را اشاره کرده‌اند که: «پس از امضاء شورای نگهبان یعنی چه ؟ شورای نگهبان حق دارد مثلاً بگوید نمایندگان مردم صحیح نگفته‌اند ؟» خود شما که در تنظیم این بیش نویس دست‌اندر کار بودید ، اطلاع دارید که شورای نگهبان کارش اینست که بینند آیا قانونی که تصویب شده است ، مطابق کتاب و سنت هست یا نه ؟ در واقع شورای نگهبان ، قوه مسیزه است نه اینکه حق و تو داشته باشد ، ما با حق و تو مخالفیم ، چون در مجلس باید همه نوع متخصص وجود داشته باشد اعم از اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ، این شورای نگهبان هم در حقیقت متخصص امور مذهبی و دینی است که بگوید آیا این قانون موافق اسلام هست یا خیر ، یعنی در حقیقت از شورای نگهبان به عنوان متخصص امور اسلامی و فقهی استفاده می‌شود . کجای این کار اشکال دارد ؟ عرض دیگری ندارم .

نایب رئیس — آقای شیبانی به عنوان مخالف مشروط اسم نوشته‌اند ، بفرمائید .

دکتر شیبانی — بسم الله الرحمن الرحيم . اصول قانون اساسی باید خیلی خلاصه و موجز



باشد که تفسیری روی حرفهایش نشود. این متن خیلی مفصل است و علت مخالفت من هم بواسطه همین مفصل بودنش بود و یک تذکر دیگر هم دارم که اگر بخواهیم به این تفصیل بنویسیم مجلس تاشیش ماه دیگر هم ادامه دارد و بنظر من ، ما صلاحیت تمدید پانزده روز را نداریم و اگر این پانزده روز تمام شد من کارم را تمام شده می دانم و پیش نویس قبلی مورد تأیید خواهد بود. اما اصلاحی که من کرده ام بدین صورت است: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی میباشد که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می گردد. مصوبات آن پس از امضای شورای نگهبان و رئیس جمهور برای اجرا به قوه قضائیه و مجریه ابلاغ میگردد». بقیه مسائل را در قسمت وظایف مجلس شورای ملی، می توانیم بیاوریم و آوردنش در اینجا لزومی ندارد.

نایب رئیس – آقای اکرمی نویت شماست، فرمایشی دارید؟

اکرمی – آنچه می خواستم عرض کنم آقای سبحانی فرمودند. من حرف تازه‌ای ندارم.

نایب رئیس – پس اجازه بفرمایید کارمان را دنبال کنیم، آقای بنی صدر اشکالی بود؟

بنی صدر – توضیحات آقای سبحانی دو اشکال بزرگ ایجاد کرده، اجازه بفرمایید آنها را عرض کنم.

نایب رئیس – از نظر قراری که دوستان تعیین کردید یک نفر دیگر به عنوان موافق می تواند صحبت کند. (موسوی اردبیلی) – اگر نویت من برسد، به عنوان موافق مشروط عایضی دارم) . شما که به عنوان مخالف اسم نوشته اید . خوب ، درباره این اصل و نکاتی که روی آن مخالفت و موافقت بود، تا حدی روشن شدیم، پیشنهاداتی برای اصلاح اصل و پیراستن آن رسیده است ولی رویه ای که آقایان تعیین فرمودند ایجاب می کند که دیگر این پیشنهادات را نخواهیم . (بشارت – ما در چند مورد اشکال داریم، شما اشکالات را چطور جواب می دهید؟) (باهرن – روی اشکالات بحث نشده است ، باید روی اشکالات صحبت شود تا روشن شویم و ابهامی باقی نماند). بله این اصل با اصل های قبلی این تفاوت را دارد که اینجا مطرح نشد و صرفاً از همان گروه و شورای هماهنگی به اینجا رسیده است. آقای مکارم بفرمایید.

مکارم شیرازی – هیچکدام از آقایان با اصل موضوع مخالف نیستند. متنها آن روش جمله به جمله را اینجا عمل کنیم و شما جمله به جمله رأی بگیرید و هر کس با هر جمله مخالف بود رأی نمی دهد. این موضوع را امروز تمام کنید.

نایب رئیس – توجه بفرمایید. پس برای اینکه اصلاحاتی که می خواهید بکنید کامل باشد، این چند پیشنهادی که رسیده را نیز قرائت می کنیم و بعد جمله به جمله رأی میگیریم . – اگر امضای رئیس جمهور برای امکان اجرا است تأثیری در قانونی شدن ندارد و اگر قانونی شدن منوط به امضاء است همان دخالت قوه مجریه در قوه مقننه است.

به جای «پس از امضای شورای نگهبان» نوشته شود: «پس از تصویب شورای نگهبان و امضای رئیس جمهور». (آیت)

– اگر رئیس جمهور خود از اعضای قوه مجریه است پس تصویب نمایندگان و امضای شورای نگهبان و رهبر، کافیست. سپس به قوه مجریه برای اجرا سپرده میشود که در رأس قوه مجریه، رئیس جمهور است که به دولت اعلام خواهد کرد.

اعمال قوه مقننه که عهده دار تشخیص نیازها و تصویب قوانین و مقررات لازم برای



اداره جامعه است از طریق مجلس شورای ملی میباشد که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل میگردد و مصوبات آن پس از تأیید شورای نگهبان به توشیح رئیس جمهور رسیده و برای اجرا به دولت ابلاغ مینماید.

— اعمال قوه مقتنه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل میشود و مصوبات آن پس از امضای شورای نگهبان و فقهای شورا از طریق رئیس جمهور برای اجرا به دولت و قوه مجریه ابلاغ میگردد.

(منتظری)

نایب رئیس — اینجا درحقیقت سه‌سوال مطرح میشود: یکی اینکه آیا مجلس شورای ملی که می‌گویند مجلس قانونگذاری است، به‌چه معنی قانونگذاری است، وتا چه حد قانونگذار است؟ توضیح آقای دکتر شیبانی این بود که این را بعداً وظایف قوه مقتنه روش می‌کند که او تصرف درامور شرعی نمی‌کند. از این‌گذشته وقتی شما شورای نگهبان گذاشتید دیگر خود بخود تأمین است. دوم اینکه شورای نگهبان تنها از لحاظ شرع ممیزی می‌کند یا حق ممیزی آن عام است؟ همه می‌دانیم که از لحاظ شرع است، منتها وظایفش بعداً می‌آید یعنی منتظر اینست که کار شورای نگهبان انطباق قوانین با قانون اساسی و شرعاً است، نه ازنظر اینکه این قانون خوب است یا بد. وقتی که عدم مخالفتش روش شد، آن دیگر دخالتی ندارد. سوم اینکه امضای رئیس جمهوری ممیزی است یا تشریفاتی؟ من هم از حرف آقای سبحانی اینطور فهمیدم که اگر رئیس جمهور فهمید قانون قابل اجرا نیست می‌تواند به مجلس برگرداند. خوب این یک پیشنهاد است ولی ممکنست با این پیشنهاد خیلی ها مخالف باشند. (سکارم — دلیل این مطلب ذکرنشد که چرا رئیس جمهور می‌تواند قانون را به مجلس برگرداند) دلیلش را ایشان‌گفتند که اگر او تشخیص داد که قابل اجرا نیست بتواند به مجلس برگرداند. بنابراین درمورد امضای رئیس جمهورهم دو سوال مطرح است و باید به این دو سوال پاسخ‌گفته شود تا وضع این اصل روش نگردد. ما یکی یکی عبارتها را می‌خوانیم بینیم در رابطه با این سوالات کجا کافیست و کجا غیرکافی. ضمناً آقای جنتی یک نوشته‌ای داده‌اند که بجای قوه مقتنه، قوه ممیزه نوشته شود. یعنی درحقیقت این را پیشنهاد کردند. (عده‌ای از نمایندگان — همه پیشنهادات خوانده نشد، بفرمائید همه را بخوانند). آقای آیت‌آگر پیشنهاداتی باقی‌مانده، خواهش می‌کنم قرائت بفرمائید.

دکتر آیت — این چند پیشنهاد را هم من می‌خوانم، گرچه مثل سایر پیشنهاد‌هاست که اکثر خواسته‌اند که شورای نگهبان تصویب کند، به حال آنها را می‌خوانم:

— شورای نگهبان و رئیس جمهور باید تبدیل شود به شورای رهبری که فقیه ولي امر در آن عضويت دارد.

— شورای نگهبان باید لا يحه را قبل از طرح در مجلس و يا حين طرح ملاحظه کند تارد شورای نگهبان موجب ائتلاف وقت مجلس نشود.

(طاھری گرگانی) (کیاوش)

— فقط پس از امضای شورای رهبری کافیست.

— اگر تشخیص نیازهای جایعه بعده قوه مقتنه است، آیا مسئولیت قوه مجریه در این زمینه را لوث نمی‌کند؟

— در اصل هفده پیش نویس، تقینین توسط همه پرسی پیش بینی شده است و فعلاً



تکلیفیش روش نیست. آیا جزء قوه ملت است یا مربوط به قوه مقننه است؟

(سید حسن طاهری)

نایب رئیس — خوب، بنای این همانطور که پیشنهاد کردید تکه تکه می خوانیم:
اصل ۱۷ — اعمال قوه مقننه که عهده دار تشخیص نیازها و تصویب و تنظیم مقررات لازم برای نظم و رشد جامعه است از طریق مجلس شورای ملی میباشد که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می گردد.

دراین عبارت یک اشکالی بوجود آمده و آن اینست که گفته میشود چرا «قانون» را حذف کرده اید می نوشتید: «تشخیص نیازها و تهیه و تنظیم قوانین لازم...» با توجه به این اشکال، موافقین با این عبارت بهمین صورت که خوانده شد خواهش می کنم دستشان را بلند کنند. (عله کمی دست بلند کردن) رشد. کسانیکه موافقند بنویسیم: «اعمال قوه مقننه که عهده دار تشخیص نیازها و تهیه و تصویب قوانین لازم برای نظم و رشد جامعه است، از طریق مجلس شورای ملی میباشد که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می گردد». آقای حجتی کرمانی

قبل از اینکه به این جمله که خوانده شد رأی بگیریم حرفی دارید؟

حجتی کرمانی — بله، من بگویم اگر قانون همان تشریع است که خاص خداست، باید در اینجا روش نشود، ما از طرفی می گوئیم قانونگذار خداست و از طرفی می گوئیم قوه مقننه باید شخص کنیم که قانون همان تشریع است که خاص خداست یا معنی دیگری دارد. مرز را مشخص کنید که اشکالات صدر مشروطیت در اینجا پیش نماید.

نایب رئیس — بسیار خوب آقای حجتی، همه فهمیدیم که قانون یعنی قانون خدا. با توجه به صحبت های آقای حجتی که گویا صحیح تشریف نداشتند یا توجه ندارند که این مباحث دنباله مباحث صحیح است، به هر حال کسانیکه با جمله ای که در بالا خواندم موافقند، دستشان را بلند کنند (چهل و سه نفر دستشان را بلند کردن) این عبارت هم بعد کافی رأی نیاورد و رشد. (مقدم مراغه‌ای — من پیشنهادی حضورتان فرستادم که موقع طرحش همین جاست.) (د کتر آیت — ایشان نوشه اند عبارت «که عهده دار تشخیص نیازها و تصویب و تنظیم مقررات لازم برای نظم و رشد جامعه است» از اصل هفده حذف شود). به این معنی که وظایف قوه مقننه در فصل بعدی می آید ما میتوانیم صرفاً بنویسیم: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود» که اینها باید طبق نیازها باشد و چه وچه و چه که بعداً در شرح وظایف می آوریم. موافقین با قسمتی از اصل هفده که قرائت شد خواهش میکنند دست بلند کنند (اکثریت قریب با تفاوت اعلام موافقت کردن) پس این قسمت مورد تأیید قرار گرفت. قسمت بعد «و مصوبات آن پس از اضافی شورای نگهبان و رئیس جمهور برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ میگردد» حالا موافقین با این قسمت اصل هفده که قسمت آخرش بود دست بلند کنند (عله کمی اعلام موافقت کردن) تأیید نشد.

طاهری خرم آبادی — چهارماه بنشینند و قانونی را بنویسند و یفرستند شورای نگهبان، بعد سورای نگهبان بگوید مردود؟

نایب رئیس — موافقین با این که تتمه اصل هم مثل صدرش باشد یعنی بعد از حذف یک جمله به این صورت درآید «و مصوبات آن پس از طی بر احلی که بعد می آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ میگردد» لطفاً دست بلند کنند (اکثر اعلام موافقت کردن) بنابراین یکبار دیگر



تمام اصل هفده را میخوانم تا اخذ رأی نهائی به صورت کتبی و مخفی انجام گیرد.
اصل ۱۷ (اصل پنجه و هشتم) — اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل میگردد و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد میآید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ میشود.

(در این هنگام اخذ رأی بصورت کتبی و مخفی بعمل آمد و شمارش آراء بواسیله منشی ها آقایان دکتر روحانی و عضدی انجام گرفت و نتیجه بقرار زیر اعلام گردید.)
 نایب رئیس — از بینجاوه نفر عده حاضر در جلسه پنجه و یک نفر رأی موافق و سه نفر رأی مخالف و پنج نفر رأی ممتنع داده اند بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر (نمایندگان سه مرتبه تکبیر گفتند).

۶ — پایان جلسه

نایب رئیس — این جلسه را ختم می کنیم جلسه بعد ساعت شانزده همین امروز خواهد بود.

(جلسه ساعت سیزده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه بیست و دوم

صورت مشرح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت شانزده روز ۲۸ شهریور ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و هفتم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه.....
- ۲ - نطق قبل از دستور آقای دکتر نوربخش.....
- ۳ - طرح اصل ۱۸.....
- ۴ - طرح و تصویب اصل ۱۹ (اصل شصت و یکم).....
- ۵ - طرح و تصویب اصل ۲۱ (اصل پانزدهم).....
- ۶ - طرح اصل ۰۲۲.....
- ۷ - پایان جلسه.....

دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱ - اعلام رسیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. رسیت جلسه را اعلام میکنم از آقایانی که نوبت گرفته اند فقط یک نفر برای نطق قبل از دستور فرست دارد، آقای خادمی که تشریف ندارند، آقای دکتر نوریخش میتوانید برای نطق قبل از دستور تشریف بیاورید.

۲ - نطق قبل از دستور آقای دکتر نوریخش

دکتر نوریخش - ابعاد شخصیت طالقانی : شخص و شخصیت از هم تفکیک پذیرند ، شخص فناپذیر است و حال آنکه ابعاد شخصیت قابلیت تبدیل به الگو را دارند و از قای پیشتو گاهی ابدی بخوردارند. به لحاظ توجه زیاد جامعه ایران به الگوها و پربهادران به آن، ضرورت توجه به ارزش ها ، افکار و رفتارهای شخصیت های مردمی و جاودانه ساختن و آموزش آنها به جوانان احساس میگردد ، چه در حقیقت انسانها فانی هستند و فراددر گذر و حال آنکه انسانیت باقی است و اجتماع جاودانی و بین طریق فناپذیری شخص طالقانی همراه با الگوی شخصی او نیست .

اغلب شخصیت ها یک بعدی نیستند چون انسان یک بعدی ممکن است جرقه وار در لحظه ای بدرخشد ولی رهبر و شخصیت نمیگردد . طالقانی انسانی یک بعدی و مسطح و خاکشیر گونه که بهمه مزاج ها سازگاری شدند بدلکه به لحاظ صداقت اقلابی اش رهبر اقلاب او را ابوذر ویرادر خود خطاب میکرد و مورد قبول کلیه گروهها و احزاب و سازمانها بود و پذیرش عام داشت . هر گروه و فردی بعد مورد توجه یا ارزش خاص خود را در او میافت . توده مستضعف استعانت و پایمردی او را در دفاع از توده ها ، روشنگران برداشت ژرف او را از نهاد های مذهبی و روحانیت مبارز تفسیر مترقی او را از قرآن. او کانون همگرائی کلیه گرایش های جامعه مابود و بین لحاظ قادر شد نقش شگرفی در لحظات ناآرام جامعه مابعده داشته باشد و اتحاد را بر مبنای تحمل عقائد و نه تحمیل عقائد مطرح میساخت .

تمام نیزگیهای شخصیت طالقانی به اضافه مبارزات مستمر چهل ساله، او را در میان است بعد از امام قرار میداد . ملت ما فریب های زیادی از استعمار و عوامل آنان دیده است، لذا روش تجربی را در پذیرش رهبران خود برگزیده است . تنها شخصیت هایی میتوانند از اعتماد مستمر و بدون نوسان مردم بخوردار باشند که در کرده عمل اجتماعی آزمایش استعانت و صداقت و مردم دوستی خود را داده باشند . فقط در این صورت است که علاقمندی به شخصیت از حالت علاقه غلیانی وزودگذر به رابطه بائبات و قلبی مبدل میشود . این روش در مذهب شیعه برای انتخاب مرجع تقليد نيزبکار میرود .

در مذهب شیعه نصب مرجع تقليد و قیه یا فقهاء از روی قاعدة لطف در هر دوره و عصر بالام زمان عليه السلام است . بنابراین اصل ولايت قیه که ممکن است رنگ انتخاباتی کلیسا



را در آتیه بخود بگیرد و یا هیچ قانونی نمیتواند با آن مبارزه و آنرا سست کند، بقول طالقانی نظام روحانیت در بی نظمی آنست . طالقانی برای مردم مظہر تقوای سیاسی شد. او مظہر صداقت اقلایی است. شهامت واشارا او، از او شماره ۶۴۲ را ساخت یعنی یکشماره بی نام و نشان، یعنی شماره وجودان سیاسی ایران در زندان طاغوت ، یعنی نمونه عشق به آرمانهای انسانی .

حال این وظیفه خطیر بعده جانشین مجاهد و شایسته و به حق دیگر ما حضرت آیت الله منتظری محول گردیده و باید بگونه ای رفتار شود که فدان طالقانی به عنوان عامل دیگرگرا نباشد و نقش ایشان ایفا گردد ، بخصوص آنکه هیچ کس منکر صداقت اقلایی و بجهات آیت الله منتظری در راه انقلاب اسلامی ایران نیست .

نمیخواهم وارد بحث اصل ولايت فقيه شوم زيرا تجزيه و تحليل آن از نظر شرعى بعده علمای اعلام و مراجعت تقليد است، بلکه فقط منظور روشن شدن اختلاف بين من نماينده که به عنوان مخالف بالاصل تصويب شده و شما اکثریت محترم مجلس که به عنوان موافق به اين اصل رأي داده ايد میباشد . در اصل ولايت فقيه هیچ اختلافی نیست و همه باهم در اين معنی متفق القول هستيم. اختلاف نظر در دوجا است:

۱— حدود وظایف فقيه .

۲— در پیدا کردن مصداق و مکانیسم پیاده کردن این اصل، که صحبتمن روی قسمت دوم معطوف میباشد . نگرانی آقایان از اینست که با نبودن اصل و محدود شدن وظایف فقيه در شورای نگهبان اسکان بوجود آمدن رژیم های طاغوتی که بعد از مشروطیت به این ملت حکومت کرددند، باشد. نگرانی امثال من از اینست که مانند صدر اسلام با وجود بودن قرآن که مافق هر قانون اساسی و درحقیقت قانون کامل الهی است بعد از پیغمبر بجای علی، دیگری و کمتر از یک نسل یزید آنهم به اسم اسلام براین امت حکومت بکند و این اشتباه که باعث شد اسلام نتواند نقش خود را آنطور که باید در دنیا ایفا کند، بعد از این انقلاب خونین، تاریخ تکرار شود. آنچه که ما فکر میکنیم اینست که این رسک بزرگی برای اسلام و ایدئولوژی آن خواهد بود و اگر خدای نخواسته بد عمل شود مردم برای همیشه از اسلام روگردن خواهد شد.

استدلال بعضی از آقایان در این معنی که چون فقيه در رژیم و قوه اجرائیه دخالت نکرد بنابراین انقلاب مشروطیت منحرف و فاسد شد، درست نیست. توجه بفرمایید که جنگ جهانی دوم، انقلاب صنعتی اروپا و بعد آمریکا و نیاز میرم و حیاتی آنان به انرژی و نفت که سه چهارم آن درآبهای گرم خلیج فارس خواهید است و موقعیت سوق الجیشی ایران برای مقابله با همسایه شمالی، باعث شد که دول خارجی با تمام قدرت و با تمام امکانات برای دستیابی به این منطقه از جهان وارد عمل شوند. کشور اسرائیل را بوجود آوردند، دخالت نظامی و سیاسی نمودند و اکثریت ملت در این زمان از این جریانات ناگاه بودند. چه رهبران مذہبی و چه سیاسی یا به بند کشیده شدند و یا برای پاک ماندن به درون خانه های خود پناه بردند و از صحنه سیاست کنار رفته اند. نباید اشتباه کرد که این رضاخان و پسر او بودند که چنین کردن، بلکه آنها فقط عامل اجرای نقشه های امپریالیسم خارجی بودند. بنظر اینجانب مراجع تقلید آن زمان نیز با مقتضیات آن زمان و برای حفظ اسلام سیاست کناره گیری را اختیار کردن. توجه بفرمایید علت بزرگ موفقیت رهبر انقلاب در این معنی بود که تکیه بر مردم کرد. به مردم شخصیت و مسئولیت داد و هنوز هم در اجرای این سیاست بشدت کوشنا است. بارها و بارها فرموده اند که مردم اگر



خودشان مسئولیت پیدا کنند راه خود را میروند.

آنچه ما میگوئیم همین است. در قانون اساسی باید کوشش کرد که مسئولیت به مردم داد. مردم باید بیدار و به وظایف اسلامی و ملی خود آگاه شوند و بهیج طبقه یا دسته‌ای و هیچ مبدئی بجز اول خدا و بعدهم مردم نباید تکیه کرد و امتیاز خاصی داد. تاریخ نشان داده است که تمکز قدرت بالاخره فساد بوجود می‌آورد. چه ضمانت اجرائی وجود دارد که فقهای بیست‌سال آتیه با این روش جدید و در صورت تمکز قدرت در این گروه با فقهای صادق و صمیمی و رهبران امروزی ما تقواوت نداشته باشند و عناصر فرست طلب که همواره بدنیال موقعیت وقدرت میروند خود را به این لباس ملبس نمایند و هم روحانیت و هم اسلام را به پیراهه نکشند؟ باذکر سخنان پریروز امام به حرف خود خاتمه میدهم. حرف ما این است که:

«روحانی باکه همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند، سیاست یک ارثی نیست که مال دولت باشد، یامال مجلس باشد، یا مال افراد خاصی باشد، سیاست معنایش اداره کشور و وضعی است که در کشور میگذرد و همه مردم در این کشور در این معنی حق دارند، خانمها حق دارند که در سیاست دخالت بکنند و تکلیف‌شان اینست. روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند و تکلیف آنها است.»

این درست حرفی است که ما اینجا میزنیم، میگوئیم فقیه، عالم، کارگر، دهقان، روشنفکر دانشگاهی و هر طبقه دیگر این حق را دارد که خود را برای هر پستی مطرح کند. بنابراین نباید امتیاز خاصی برای گروهی در قانون اساسی قائل شد. فقیه هم مانند دیگران خود را برای هر پستی کانیدا نماید و مسلمًا هر فقیه و عالمی که خوب عمل کرد بطور طبیعی مورد تأیید مردم قرارخواهد گرفت و بهیج وجه مسأله حذف فقها و یا علما از سیاست مطرح نیست و نباید هم مطرح شود. خداوند همه ما را به راه راست هدایت نماید.

۱۸ - طرح اصل

نایب رئیس - وارد دستور جلسه میشویم اصل هجدۀ مطرح است که مربوط به قوه مجریه است و آنرا میخوانم:

اصل ۱۸ - «اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و نخست وزیر و سایر وزرا انجام میشود» اگر سؤالی در این باره نباشد و مخالف و موافق نخواهد صحبت بکنند کار ما آسان میشود ولی مثل اینکه مخالف وجود دارد، بنابراین اول نوبت آفای قوشی است بفرمائید. قوشی - شاید در آینده شورای رهبری یا شورای رئیس جمهور باشد آیا لازم نیست که این را اینطور اصلاح کنیم «رئیس جمهوری یا شورای رهبری؟»

نایب رئیس - اجازه بدید که راجع به یک مسأله‌ای که بطور کلی الان با آن روبرو هستیم یک تصمیم نهائی بگیریم، چون مثل اینکه هر اصلی که جلو میرویم به این مسأله برمیخوریم. این مسأله کلی را من عرض کنم آن جواب هم میتواند به دنبال این باشد و آن اینست که بعضی از این اصول احیاناً دریک کلمه و یک عطف و افزایش یک مقامی یا چیزی در رابطه با اصول آینده ممکن است تکمیل شود. در اینجا بروطبق روالی که حالا به ذهن میرسد تنظیم میشود، آن سه روز آخر دور نهائی برای همین است که اگر شما در جای خودش برای شورای رهبری نقش اجرائی گذاشتید خوب اینجا است و در هر چیز دیگر



چون این یک اصل کلی است، چیزهایی را که باید تکلیفش درجای خودش معین شود اگر امروز بخواهیم اینجا تکلیفش را معین کنیم، نمیشود. بخواهیم یک جوری بنویسیم که احتمالاً اگر درست شد شامل باشد، اصول را خراب میکند. فکر میکنم اگر آقایان تأیید بفرمائید رویه صحیح این باشد که بربنای قدر مسلم بنویسیم اگر چیزی درآینده اضافه شد وارد کردن آن یک امر طبیعی است یعنی وقتی این اصل آنچه تصویب شد خود بخود به این معنا است که در اینجا بنویسید شورای رهبری، یا شورای رهبری خود بخود به این معنا است اصول احتیاج به تصویب ندارد. من این اصل کلی را عرض کردم که درآینده موافق و مخالف در رابطه با این صحبت بکنند من این را در رابطه با اداره جلسه گفتم و دیگر عرضی ندارم. اجازه بفرمائید یک مخالف و یک موافق صحبت بکنند فعل مخالف دونفریت نام کرده اند، آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحيم. عرض من دنبال همین مطلب است که ما اگر اینجا بنویسیم و تصویب کنیم که «اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و نخست وزیر» تمام قدرت اجرائی را داریم میدهیم به رئیس جمهور و زیر دستها یش یعنی به این معنا که رئیس کل قوا، رئیس جمهور خواهد بود، ارتش در اختیار او خواهد بود و حکم جهاد وغیره در اختیار رئیس جمهور خواهد بود بنابراین یک چنین رئیس جمهوری که تمام اختیارات اجرائی کشور دست او باشد که مهمترین آن ارتش است، این یک دیکتاتور و قدری درآینده برای ما درست میکند که از قدرهای سابق هم بدتر است آنوقت خری که بالای بام بردم نمیتوانیم بیاوریم پائین. از اول ما نبایستی قوه اجرائی را در او منحصر بکنیم، بلکه رئیس جمهور یک واسطه‌ای است زیرا اولاً ممکن است ما احتیاج به رئیس جمهور نداشته باشیم برفرض هم که داشته باشیم یک واسطه‌ای است بین مجلس شورای ملی و هیأت دولت ولی ارتش و خیلی از امور دیگر مثل دستگاه فرستنده و وسائل ارتباط جمعی مثل رادیوتلوزیون هیچگدام نبایستی در اختیار دولت باشد اگرخواستیم اختیار مطلق به او بدهیم شخص رئیس جمهور غلط است و باید یک شورائی باشد و این شورا هم در عین حال باید تحت نظر رهبر مذهبی کار کند، آن رهبری که ولایت فقیه را که ما تصویب کردیم، درست دارد.

علی ای حال عرض من ایست که رئیس جمهور که میگوئید اختیارات اجرائی دارد معنیش ایست که ارتش و تمام قوا زیر نظر او هست و این چیز خطرناکی هست اگر ما حالا تصویب بکنیم به این امید که شاید بعداً قید بر آن بز نیم این خطرناک است.

دکتر شیبانی — دوستان وقتی میخواهند راجع به یک اصل اظهار نظر بکنند اقلال به متنه که گروههای دیگرهم نوشته اند نیز توجه بکنند. این مطلبی که میفرمایند بروط به گروه ماهست و ما یک چنین حقوقی برای رئیس جمهور معین نکردیم، مراجعته بفرمائید ببینید گروه پنجم چه چیزی نوشته است.

نایب رئیس — یک نفر از گروه دوم به عنوان موافق و برای دفاع و توضیح باید، آقای اکرمی بفرمائید.

اکرمی — بسم الله الرحمن الرحيم. انتقادی را که جناب آقای منتظری فرمودند، فکر میکنم همان پاسخی را داشته باشد که آقای دکتر شیبانی گفتند که بسیاری از مسائل را در فصول و اصول بعد توضیح میدهیم و به ریاست جمهور آن قدرتی را که شما تصور بفرمائید خطرناک باشد، نخواهیم داد و گمان نمیکنم هیچ یک از افراد حاضر در جلسه نیز موافق باشند که ما



یک چنین قدرتی به رئیس جمهور بدهیم. بنابراین گمان میکنم با آمدن آن بحثهای بعدی ان شاء الله روشن بشود اما من خودم میخواستم یک توضیحی بدهم و آن اینست که در پیش نویس قانون اساسی نخست وزیر را از سایر وزرا جدا نکرده بلکه کوتاهتر کرده و گفته است هیأت وزیران، البته یادم نیست که وقتی این مطلب در جمع ما در گروه دوم تصویب میشد، چه دلیلی آقای مکارم و سایر آقایان داشتند، البته فکر میکردیم که اگر جوی بشود که نخست وزیر بعنوان معاون رئیس جمهور باشد، مثلاً کار جداگانه‌ای بکند اما اگر نخست وزیر بعنوان یکی از وزرا است و وزیری است که بر سایر وزرا تقدیم دارد، او هم جزو هیأت وزرا است و معمولاً چیزی جدا از هیأت وزرا نیست بنابراین پیش نویس قبلی به نظر من کوتاهتر است و بحث زیادی هم ندارد. اگر ترسی از این داشته باشیم که پیش نویس بعدی بیاید قدرت رئیس قوه مجریه را که عبارت از رئیس جمهور باشد منظم کند و تشریح کند و محدود کند، بحث زیادی این اصل ندارد. وقت را باید بیشتر به بررسی مسائل دیگری اختصاص داد یعنی اجازه بفرمایند ان شاء الله این دو سه اصل را امروز تصویب بکنیم و تمام بشود، مشکرم.

نایاب رئیس — آقای اکرمی، سؤال آقای ربانی را جواب بدهید.

ربانی شیرازی — نظر من اینست که این اصل بعد از آن موادی باشد که ما در باره قوه مجریه تصویب کردیم و این مجلد را در اینجا ننویسیم. اما سؤال من عبارت از اینست که این اصل در رابطه با ولایت فقهی چه نسبتی دارد؟ شما در آنجا گفته اید تولای امر واجرا به دست او هست و آیا اینجا روشن است که برای چه کسی تعیین میکنید و این در رابطه با آن چه نسبتی دارد؟

اکرمی — آنچه که به نظر میرسد اینست که ما در آنجا و در فصول بعدی که خواهد آمد و شورای نگهبان را توضیح میدهیم گمان میکنم این را در آنجا هم پذیرفتیم که بسیاری از آنچه را که ممکن است در مملکت اجرا بشود فقهی یا آنکه ولی امر است به دیگران تقویض بشوند و این مانعی با آن ندارد که به شورای نگهبان یا فقهی مقداری اختیارات بدهد. البته این فصول طوری منظم خواهد شد که همه با هم بخواند البته اینکه جنابعالی میفرمایند بگذاریم این اصل بعد از آن مطالب بیاید شاید این مطلب درستی باشد، ببینیم در آنجا چهار میکنیم بعد این اصل را بیاوریم.

ربانی شیرازی — واگذاری نبود، اعم بود. ممکن بود تنفیذ کند ما میخواهیم بگوئیم این اصل چه نسبتی دارد آیا خودش میتواند یا نمیتواند؟

اکرمی — همانطور که فرمودید آن اصل اعم بود، اینطور نبود که تمام اختیارات به رئیس جمهور داده شود پس موضوعات در آنجا توضیح داده میشود و آن مقدار اختیارات که اسکان دارد ما به رئیس جمهور بدهیم با آن تطبیق میکند. موضوع این نبود که ما کاری کنیم که بهیچ وجه کسان دیگری شرکت نداشته باشند.

منتظری — شما اجرا را منحصر کردید به قوه مجریه یعنی به رئیس جمهور و وزرا یعنی سلب غیر.

ربانی شیرازی — که ممکن است غیر روحانی هم باشد.

نایاب رئیس — اجازه بفرمایند بازدارد جلسه مابهشکل جلسه سمینار تبدیل میشود، آقای

ربانی سوالشان را کردند و آقای اکرمی موظف بودند جواب بدهند آنچه که به ذهن شان میرسید



گفتند. آقای اکرمی اگر شما مطلب دیگری ندارید بفرمائید پشیبینید. (ربانی شیرازی) — یک نفر از گروه باید جواب بدهد) ایشان هم از گروه هستند. آقای دکتر آیت به عنوان مخالف صحبت‌شان را میکنند و بعد یک موافق یعنی آقای دکتر نوریخشن که ثبت نام کردۀ‌اند صحبت خواهند کرد. آقای دکتر آیت بفرمائید.

دکتر آیت — بسم الله الرحمن الرحيم . مطلبی که در مقدمه صحبت خواستم اشاره کنم اینست که ما اولاً از افراط و تغیریت پرهیزیم. ما درباره بعضی از اصول قبلی خیلی بحث کردیم و این باعث شده است که بخواهیم به سرعت از این اصول رد بشویم و یکی از علی که شاید آقای اکرمی به سوال آقای ربانی جواب ندادند این بود که این اصول در کمیسیون کل مطرح نشد آقایان هم این اصول را بدون توجه به آن اصلی که تصویب شده است نوشته‌اند و من فکر میکنم حتیً مجبور نیستند مثل دادگاه‌های غربی یک کسی مثل و کیل مدافع ولویه مجرم بودن موکلش اقرار و اعتراف داشته باشد ، ناچار باشد که از اودفاع کند. من معتقد نیستم که دوستمان از آن گروه مجبور باشند از آن اصول دفاع کنند چه بسا که خودشان مخالف این اصول باشند و من احساس کردم که خود ایشان هم زیاد با این اصل موافقت ندارند برای اینکه این اصل اصولاً با اصل ولايت فقهی جور درنمی‌آيد. آن اصل تصویب شده، آقای متظری مفصل‌گفتند من تکرار نمیکنم ولی این اصل اینطور باید باشد «اعمال قوه مجریه از طریق رهبر باشورای رهبری رئیس جمهور ، نخست وزیر و سایرین» این قسمت قطعاً باید در آن باشد ما ولايت فقهی را نباید دچار سرنوشت اصل دوم متمم قانون اساسی سابق بکنیم که به صورت وزن شعر در آید که پنج نفر علمای طراز اول باید این کار را بکنند و تنا ابدهم این کار نشد و هیچ تأثیری هم در کار نداشت . آن اصلی که تصویب شده وزن شعر نیست ، هم باید در قوه مجریه و هم باید در قوه مقننه و هم در قوهٔ قضائیه و قوای دیگر ذکر شود برای اینکه آن اصل مفهومش اینست و در تمام این قوا نقشی دارد . البته باز چون در ابتدای این جلسه در قبل از دستور تجدید مطلعی شد ارتباط با این مسئله هم نیست باز تأکید میکنیم که ولايت فقهی که در آنجا گفته شد معنايش دیکتاتوری واستبداد نیست و آنطوری که دوستمان اشاره کرد که برای فقهی بودن و رهبر بودن همه بتوانند کاندیدا بشوند خوب شکی نیست ، همه میتوانند برای فقهی بودن خودشان را آماده کنند و امامشل اینست که بگوئیم بگذاریم برای پزشک شدن هر کسی بدون تحصیل پزشکی ، خودش را نامزد کند. دریک کشور اسلامی فقهی بودن در انحصار هیچ کس نیست همه میتوانند در درس بخوانند و با احراز صفات عدالت و سایر چیزها به این مرحله برسند. به هر صورت با توضیحاتی که آقای متظری دادند من با این اصل ، با این ترتیب مخالف هستم و قطعاً باید مسئله رهبری حتی مطابق صحبتی که آقای دکتر بهشتی کردند و خیلی هم صریح بود که گفتند ما باید قدر مسلم را بیناقاره بدهیم، قدر مسلم اینست که اصل ولايت فقهی تصویب شده است و بنابراین باید در این اصل بیاید حالا آنهایی که قدر مسلم نیست مثل ریاست جمهوری که آقای شبیانی میگویند ما اینطور در نظر گرفته ایم خوب و قتیکه رسیدیم اگر آنطور در نظر گرفته شده بود که معلوم است و طور دیگری هم در نظر گرفته شده بود اصول قبل را تصویب میکنیم اما قدر مسلم ولايت فقهی تصویب شده و باید در همه اصول قانون اساسی که سریوط به آن میشود منعکس بشود.

نایب رئیس — البته آقای نوریخشن اگر بخواهند نویشان را به آقای دکتر شبیانی ندهند



میتوانند خودشان تشریف بیاورند یعنی یک نفر موافق میتواند بیا پس از جواب بد هدآفای کرمی بفرمائید. کرمی — ما در فصول قبل قوه مجریه را بحث کردیم و در آنجا ذکر کردیم این حاله بکنید به آنجا که با شرایطی که آنجا می آید بحث میشود، اینجا که جایش نیست. نایب رئیس — بسیار خوب آقای دکتر نوربخش بفرمائید.

دکتر نوربخش — راجع به ولایت فقیه که صحبت بیفرمایند اصل آراء عمومی هم تصویب شده است یعنی هردو اینها ملاک کار بوده و باید در نظر گرفته شود. اما راجع به قوه مجریه، قوه مجریه یعنی کارهائی که مجلس یا فقیه بعده او گذاشته است که اجرا بکند بنابراین باید یک نفر باشد که این قوه را اجرا بکند. از نظر ارتش همانطور که آقای منتظری فرمودند ما در نظر گرفتیم که ارتش بصورت شورائی باشد یعنی رهبری ارتش جزو وظایف رئیس جمهور به عنوان شخص نیست بلکه یک شورائی است که بعداً وارد جزئیات آن شورا میشون. مسأله ای که مهمتر است اینست که بنده یاد مثالی افتادم که به یک بچه دبستانی گفتند بنویس الف نوشتم باز اصرار کردند گفت نمی نویسم آخرش گفتند چرا نمی نویسی گفت اگر بتویسم «الف» بعد «ب» می آید و بعد «ج» و بعد «د» حالا اصل ولایت فقیه را ما قبول کردیم ولی بعدش چه سیستمی میخواهد پیاده شود معلوم نیست. یک دفعه باید راجع به کل سیستم سیاسی که میخواهد بر مملکت حکم فرما بشود بحث کنیم زیرا اینجوری نمیشود که سیاست قدم به قدم را پیش بگیریم. اول باید آن نظام سیاسی را که میخواهیم بر مملکت حکم فرما باشد ما بفهمیم که چه هست، بعد یکی یکی این اصول را مطرح کنیم برای اینکه من فکر میکنم به این ترتیب در هر اصلی دوباره مأگیر خواهیم کرد. (موسوی — نظام ما اسلامی است) ما با نظام سیاسی موافق هستیم ولی ممکن است برداشت شما با من فرق کند.

نایب رئیس — تأمل بفرمائید که بینم ایشان اگر مطلب دیگری دارند بفرمایند.

دکتر نوربخش — شما بیفرماید مخالفند، در صورتی که هم فقیه هستند و هم عالم هستند که با این چیزی که شما بیفرماید مخالفند، در صورتی که هم فقیه هستند و هم عالم.

نایب رئیس — اینکه به خارج از مجلس احوال کنیم و بینیم چه کسی موافق و چه کسی مخالف است، رویه صحیحی نیست زیرا نه علمی و نه مشورتی و نه سیاسی و نه اجتماعی است. بنابراین دولستان رعایت این نکات را بفرمایند. (طاہری اصفهانی — این مطالب نمایشگریک واقعیت است و آن واقعیت را خودتان هم فهمیدید. واقعیت اینست که یک جوی خارج از اینجا روی اینجا کار میکند). اگر کسی صرف‌آیی‌گویید جز آراء مردم هیچ چیز مبنای نیست، بنابراین، این آراء مردم است که این افراد را اینجا فرستاده است و دیگر استاد مکرر به جوهر ای خارج برای دولستانمان چیز غلطی است بلکه میتوانیم به دولستانمان بگوئیم، دولستان بار دیگر بطرور مستمر بنگرید بینید دراستانهائی که شما را انتخاب کردند نظر مردم درباره کارتان چیست اما اینکه ما بگوئیم اینجا صلاحیت ندارد، آنجا صلاحیت ندارد خیلی بی معنی بنتظر میبریسد. خوب تکلیف دفاع از این اصل بعده کیست؟ (تهرانی — بعقیده من به این ترتیب «اعمال قوه مجریه از طرف رئیس جمهور و هیأت وزیران به ترتیبی که در اصول آینده می آید انجام میشود» این را به رأی بگذارید). هنوز اصلش را به رأی نگذاشته ایم تا بینیم رد میشود یا نه فقط آنچه را که بنده میدانم اینست که هنوز کسی به سؤالاتی که درباره این اصل مطرح است، پاسخ نداده چه کسی باید این کار را بکند؟ (رشیدیان — آقا این مردود است برای اینکه موافق ندارد، همه اش مخالف



است). از گروه دوم کسی هست که باید دفاع کند؟ آقای طاهری گرگانی فرمایشی داردید؟ طاهری گرگانی – این قوه مجریه که منجمله فرماندهی کل قوا در آن هست بطوریکه آقای دکتر نوریخشن اشاره کردند فرمانده کل قوا یکشوارائی است مرکب از رئیس مجلس شورای ملی و یک فقیه ازشورای نگهبان و رئیس ستادارتش و وزیر دفاع. درحال حاضر هم می دانیم که فرماندهی کل قوا بدست کیست. بهیچ وجه نمیتوانیم درباره این اصل یک وضعی درست کنیم که با این مطالب جور دریابید، اینست که لطف کرده و این را احواله بفرمایید. (کرمی) – جایش آنجا است آقا.

ربانی املشی – آقای دکتر بهشتی بنده چیزی نوشتم و فرستادم که ترتیب اثر ندادید. افرادی بلندمیشوند و حرفشان را بدون نوبت میزنند دیگران هم میگویند پس ما هم بلندشویم. نایب رئیس – حق با جنابعالی است به آقای موسوی بفرمایید که وقتی به ایشان عرض میکنم بفرمایید بنشینید، باز برخلاف نظم جلسه صحبتشان را ادامه میدهند. خوب از گروه دو کسی مانده که از اصل دفاع بکند؟ آقای مکارم تشریف بیاورید.

مکارم شیرازی – بسم الله الرحمن الرحيم. بنده دو جمله عرض میکنم شاید منظور تهیه کنندگان این اصل روشن بشود و آقایان رویش تصمیم بگیرند. جمله اول را که آقای دکتر بهشتی هم اشاره کردند منتهای من به تعبیر دیگری عرض میکنم اینست که تمام این اصولی که ما مینویسیم، به تعبیر خودمان یک دور معنی دارد و متوقف و متعلق بر هم هستند. بنابراین ما باید اینها را به یک صورتی تنظیم کنیم و بعد به اصول آینده که رسیدیم اگر کم و زیاد داشت در آن سه روز آخر اینها را همانگ میکنم تا با هم بخواند والا اگر بخواهیم بحث را در اینجا متوقف کنیم تا بحث رئیس جمهور که آقایان نوشته اند با تمام مشخصاتش بیاید، نمیشود که جایش خالی باشد همانگونه که سایر اصول هم همینطور است. پس قدر مسلم است که میتوانیم رویش بحث کنیم پرونده اش را هم باز میکنیم و آقای منتظری فرمایند که اگر ما اصلی را تصویب کردیم نمیتوانیم جلویش را بگیریم این یک مسئله. (فاتحی) – همانطور که فرمودید نسبت به اصول آینده همینطور است اما راجع به اصول گذشته چیزی نفرمایید. بنده میخواهم همین موضوع را عرض کنم و مثل اینکه سه بحث با هم مخلوط شده است یک بحث این است که ما یک رئیس قوه مجریه در این مملکت میخواهیم و در این هم شکی نیست به علت اینکه یکی از قوای ما، قوه مجریه است و این یک رئیس میخواهد حالا اسمش را رئیس جمهور یا فقیه یا هر چیز دیگر میخواهد بگذارد بنابراین در اینکه یک رئیس برای قوه مجریه میخواهیم بخشی نیست. بحث دوم این است که این رئیس قوه مجریه است که بعد می آید. بحث سوم این است که این رئیس قوه مجریه را به چه نحواید انتخاب کرد؟ آیا نظر فقیه در انتخابش شرط است یا خودش میتواند فقیه باشد؟ صفاتش، طرز انتخاباتش هر کدام فصل مستقلی دارد. اختیارات رئیس جمهور فصل مخصوص به خود دارد، شرایط رئیس جمهور و طرز انتخاب رئیس جمهور فصل مخصوص به خود دارد، ما نمیخواهیم در اینجا راجع به آنها بحث کنیم، ما میخواهیم فهرست وار بگوییم این مملکت یک قوه اجرائی دارد که مرکب از اینها است. حالا ولايت فقهی که شما تصویب کردید کاملا با این سازگار است چون فقیه در خود



رئیس جمهور ممکن است واقع شود ممکن است هم نشود بعداً میتوانید روشنش کنید، در موقع تعیین شرایط رئیس جمهور و طرز انتخاب رئیس جمهور آن بحث را بفرمائید. میتوانید در آنجا قید کنید که نظر فقیه هم شرط است و تا نظر او نباشد، یا قبل و یا بعداً امضاء نکند فایده‌ای ندارد. این طرز انتخاب و کیفیت انتخاب و شرایط رئیس جمهور است . اولی هم اختیارات رئیس جمهور است و اینها در جای خودش محفوظ است و هرگونه پیوندی با ولايت فقیه میخواهید بدھید آنچا است و پرونده‌اش در اینجا هست فقط اشاره به یک جمله است که ما یک سازمان اجرائی و یک رئیس میخواهیم، آیا انکار میکنید که ما یک قوه مجریه و یک رئیس قوه مجریه میخواهیم؟ ولی در اینجا نه شرایط و نه صفات و نه کیفیتش هیچکدام فعلاً مورد بحث نیست.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — در اعمال قوه مقننه شما مصوبات آنرا پس از امضای شورای نگهبان، رهبر و رئیس جمهور تعیین کردید (منتظری — حذف کردیم) خوب این موضوع را رعایت میکردید زیرا این با آن نمیخواند .

مکارم شیرازی — به این معنی تبدیل شده است که قیدش پس از گذراندن مراحل آینده اجرا میشود. بنابراین مراحل آینده سربسته ذکر شده که فصل هر کدام بعد آمی آید. آقایان خیال نکنند ما در اینجا بحث رئیس جمهور را تمام کردیم و گذشتیم واسمی از ولایت فقیه و چیزهای دیگر نبردیم، اینها هر کدام فصل جداگانه‌ای دارد که خواهد آمد.

نایب رئیس — آقایان آگر میخواهند سوال پکنند برای اینکه باهم سؤال نکنند اسمشان را اینجا مینویسند و یکی یکی میگوئیم صحبت بکنند. آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — وقتیکه ما معتقدیم تمام قدرت از طرف خدا و همچنین از طرف مردم به فقیه داده شده حتی می‌پذیریم که رئیس جمهور را رهبر و لايت فقیه تعیین کرده باشد. این اساس و بنای اسلام است و شما تصمیم دارید بدون درنظر گرفتن مبنای یک ساختمانی را بنا کنید بدون توجه به اساسش. رئیس جمهوری که خودش فقیه و جامع الشرایط با اوصافی که ذکر شد و یا تعیین شده و منصوب و مأذون او باشد، این اساس کار ما است و شما پایه را رها کرده‌اید و دارید رویش بنا میکنید.

نایب رئیس — آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — جواب جنابعالی را عرض کردم شما بفرمائید رئیس جمهور یا باید فقیه یا مأذون باشد، عرض کردم این را در شرایط رئیس جمهور و انتخاب رئیس جمهور بفرمائید این در فصل آینده می‌آید آنچا بفرمائید که یا خودش فقیه باشد یا مأذون از طرف فقیه باشد اینجا جای بحث آن نیست. مامیگوئیم یک رئیس جمهور خواه فقیه، خواه مأذون، خواه هرچه باشد باشد شرایطش در آینده در فصل خودش می‌آید، اینجا جای بحث آن نیست.

نایب رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — من سؤالم همان است که عرض کردم و شما فرمودید خلاف نظم جلسه است.

نایب رئیس — آن موقع خلاف نظم جلسه بود، حالا بفرمائید.

موسوی تبریزی — عرض بندۀ این است که واقعاً مثل اعلا و شاخص در قوه مجریه با ولايت فقیه است و آقایان که میگویند شرایطش می‌آید به مجھول احواله میکنند. خود آقای



دکتر بهشتی هم در مسأله امامت فرمودند که من تأکید دارم بر لفظ امامت، حالا بعد از آنکه مثل اعلای قوه مجریه تکیه بر اصول ولايت فقهیه دارد، چرا باید در اینجا ذکر نکنیم؟

مکارم شیرازی – جواب جنابعالی را دریک جمله عرض میکنم سیستم ما سیستم جمهوری اسلامی است و جمهوری هم یک رئیس میخواهد که رئیس جمهور میشود. شما بفرمایید احالة بر مجھول است، اگر اصول پیش نویس را ملاحظه کنید چه آن چیزی را که آقایان گروه پنج نوشتند و چه آن چیزی که در پیش نویس قانون اساسی هست، یک فصل مخصوص راجع به رئیس جمهوری داریم که اختیارات و شرایط انتخاباتش احاله بر مجھول نیست و فصل مخصوص به خود دارد.

نایب رئیس – آقای مکارم یک لحظه تأمل بفرمایید، چون عده زیادی از دوستان برای سؤال اسم نوشته اند عنایت بفرمایند وبا توجه به این نکته، سؤالاتشان را مطرح بفرمایند و آن این است که یکی از پاسخهای آقای مکارم این است که در فصل آینده در شرایط رئیس جمهور میتوانید بنویسید که باید یا خودش فقهیه باشد، یا میتوانید بنویسید که باید فقهیه او را تأیید و نسبت کند و بعد از انتخاب، مردم هم او را تأیید کنند. سؤال این است که آیا ما در این اصل میتوانیم وظیف هستیم نکاتی را که باید در جای خودش مشخص شود در اینجا مشخص کنیم یا نه؟ بعبارت دیگر اگر اینجا چیز مطلق یا مجملی باشد که تقيید و تفصیل و تبیین آن در جای خودش می آید، این کار مطابق اصول قانون نویسی است و رمزاینکه ما در ادله فقهی اطلاقات داریم همین است، زیرا همیشه نمی شود مسائل را با جمیع تفاصیل آن گفت والا اطلاقات و عمومات و یا اجمالها در ادله فقهی بایدلغو شود پس معلوم میشود که در سیستم قانون گذاری و بیان قوانین نمی شود همه چیز را در همه جا با تمام خصوصیات بیان کرد. اگر این اجمال و یا اطلاق و یا مسائل دیگر با مسائل آینده منافع دارد آقایان میتوانید سؤال بفرمایید اما اگر میشود آینده را روشن بکنیم خوب است سؤالات را تمام کنیم. آقای ربانی املشی به عنوان مخالف میخواهید صحبت کنید یا سؤال دارید؟

ربانی املشی – سؤالی را من نوشته بودم و حضر تعالی هم جواب فرمودید ولی جواب کامل نیست. ما قبل اینکه بخشی داشتیم که قوای حاکمه چند تا است؟ آیا قوای حاکمه سه، چهار و یا پنج تا است؟ این اصلی است که مأگذاشتیم و اگر اینجا میسریدم به این مطلب که قوای حاکمه چهار تا است یکی از آن قوا، قوه رهبری است این همان ولايت فقهیه است که اسمش را قوه رهبری گذاشتیم. اگر در آنجا قوه رهبری را قوه علیحده ای در کنار قوه قضائیه و مجریه قراردادیم، دیگر معنی ندارد که اینجا سؤال کنیم که قوه رهبری چکاره است. فرض اینست که رهبری را یک قوه علیحده قرار دادیم و اما اگر قوه رهبری در رأس مخروط است پس نه تنها باید در قوه مجریه از قوه رهبری یعنی از ولايت فقهیه اسم ببریم، بلکه در قوه قضائیه و مقنه هم باید اسم ببریم.

نایب رئیس – آقای مکارم بفرمایید.

مکارم شیرازی – جواب سؤال جنابعالی این است، این عبارتی که اینجا نوشته شده طوری تنظیم شده که با هر دوفرض سازگار باشد. اگر شما قوه رهبری را مستقل بدانید ممکن است در فصل خودش آنرا حاکم بر رئیس جمهور بدانید و با آنرا در انتخاب رئیس جمهور دخالت بدھید. پس اگر مستقل باشد با این سازگار است و اگر هم مستقل نباشد باید بقول شما



در رأس مخروط باید خود رئیس جمهور بشود که این هم جایش در شرایط رئیس جمهور هست. در آنجا ما تصريح میکنیم که باید دارای این شرایط باشد. پس عبارت طوری انتخاب شده است که با هر دوفرض سازگار است و شرح هر فرضی هم در جای خودش خواهد آمد.

نایب رئیس — آقای طاهری گرگانی بفرمائید.

طاهری گرگانی — شما در گروه دوم چه فعلی را تعهد بفرمائید؟ (مکارم شیرازی — فهرست قوا را نه خود قوارا) آیا اعمال قوه مجریه به گروه قوه مجریه مربوط می شود یا به گروه شما؟ چون کیفیت اعمال قوه باید خود قوا را هم بیان بکند، الان با فرض اینکه ما در قوه مجریه شورای فرماندهی را گذاشتیم شما اصلاً نمی دانید که قوه مجریه چه ترکیبی دارد، بنابراین اگر به گروه قوه مجریه احالة بشود اشکالی نخواهد داشت.

مکارم شیرازی — جواب حضرتعالی را در یک جمله عرض میکنم. اصل قوه مجریه به ما داده شده و شرحش به گروه دیگر، ما آن اصل را انتخاب کردیم و گروه دیگر برای شرح آن دستش باز است که هرگونه قید و شرطی را برای آن قائل باشد، کاملاً با این اصل سازگار است. طاهری گرگانی — غیر از رئیس جمهور وغیر از قوه رهبری و وزرا ما در آنجا رئیس مجلس شورای ملی و یک فقیه نگهبان را در شورای فرماندهی کل قوا دخالت داده ایم، بنابراین مرتب باید اینها را زیاد بکنیم.

مکارم شیرازی — این از اختیارات رئیس جمهور است شما اصلاً فرماندهی کل قوا را از ریاست جمهور بگیرید و بگوئید رئیس جمهور حق ندارد در قوا دخالت بکند. باید یک شورائی مرکب از هفت نفر و یاده نفر قوای انتظامی را در اختیار بگیرد.

نایب رئیس — آقای مکارم بینید، ابهام در این است، میگویند قوه مجریه یعنی هر نیروئی که در اجرا هست، یکی از نیروهایی که در اجرا هست ارتش است بنابراین، این نیروی اجرائی ارتش که داخل قوه مجریه است به دست رئیس جمهور و وزرا نیست، دستهای دیگر هم احیاناً دخالت دارند بنابراین، این عبارت دیگر معجمل و یا مطلق نیست و با آن منافات دارد.

مکارم شیرازی — مطلق است، مسلم در قوای انتظامی رئیس جمهور را که نمی شود کنار گذاشت باید دهنفرو، پنج نفر دیگر را به او ضمیمه کنیم، پس رئیس جمهور هم در رأس قوای نظامی قرار دارد و این مشروط به موافقت پنج مقام دیگر است و الا اگر بگوئیم که رئیس جمهور هیچ حق دخالت در امور انتظامی را نداشته باشد، اصلاً مفهوم رئیس جمهور از بین خواهد رفت. پس مطلق و مقید میشود، اینجا یک بیحث مطلقی مطرح شده و در آنجا مقید به چند قیدش می کنید.

نایب رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — یک شورا درست کرده‌اند که رئیس جمهور و یک فقیه هم از شورای نگهبان در آن هستند و در ضمن رئیس جمهور را در رأس آن شورا قرارداده‌اند، یعنی فقیه در اقلیت است و فرماندهی کل قوارا به این شورا داده‌اند که فقیه در اقلیت است و مسلماً فرماندهی کل قوای کی از مهمترین مراتب اجرائی است. ماصولاً این رانمی خواهیم به رئیس جمهور بدھیم، ماصیخواهیم این را به یک مقام بالاتر بدھیم. فرماندهی کل قوا جزو اجرائیات است واپرانمی خواهیم به رئیس جمهور بدھیم. ما اینجا احتیاط کاری میکنیم بعد اگر شما خواستید، الغا کنید این فقط جزء اختیارات نیست. این مسئله اجرائی است. شما دارید اجرا را به رئیس جمهور و نخست وزیر و وزرا منحصر



می‌کنید مامی نویسیم اعمال قوه مجریه از طریق مقام پاشورای رهبری، رئیس جمهور و هیأت وزیران است اگر بعداً به رئیس جمهوری که فقیه بود اختیارات زیادتری دادیم آنوقت این را از اینجا برمسی داریم. در اینجا ما نمی‌آئیم این را بدون مقام رهبری امضاء بکنیم.

مکارم شیوازی— من این جواب راهم عرض کنم، فکر می‌کنم سوالات به اندازه کافی شده آفای خر علی سوال کرده‌اند که «تکیه برخصوص نخست وزیر را توضیح دهید» چون اینجا نخست وزیر بالخصوص ذکر شده است جواب این سوال این است، بنابراین بوده که قانون اساسی چنان نوشته بشود که هیچ‌گونه ابهامی نداشته باشد، در اطلاعات عمومی وقتی هیأت وزرا گفته می‌شود به غیر نخست وزیر تعبیر می‌شود مثلاً می‌گویند نخست وزیر و هیأت وزیران در فلان جلسه شرکت کرده‌اند یعنی هیأت وزرا را در مقابل نخست وزیر قرار میدهند، این در عرف عام زیاد استعمال می‌شود. قانون اساسی هم نباید ابهامی داشته باشد درست است که آن کس که در رأس هیأت وزرا است شامل هیأت وزرا هم می‌شود ولی چون خالی از ابهام نیست ما نخست وزیر را بالخصوص ذکر کردیم که معلوم بشود رئیس جمهور فقط با یک عدد هیأت وزرا نیست بلکه رئیس جمهوری هست، نخست وزیری هست و هیأت وزرا هم هستند حالاً اگر بعداً گفتید که نخست وزیر لازم نیست بر می‌گردید و آنرا حذف شن می‌کنید و اگر هم خواستید رئیس جمهور را بردارید و شورای رئیس جمهوری بکنید همان پرونده باز است که می‌توانید در تمام مواد آن تغییراتی بدھید.

نایاب رئیس— عنایت بفرمائید از این نوشته‌ای که به عنوان یک طرح جانشین آفای منتظری تهیه کرده‌اند و خواندن یکبار دیگر می‌خوانم «اعمال قوه مجریه از طریق رهبری پاشورای رهبری، رئیس جمهور، هیأت وزیران است» بخوبی مشهود است که آن مبنای فکری که خود ایشان و دولستان همفکرایشان داشتند قوا را پنج تا کرده‌اند این تداخل قوا است یعنی شما از یکطرف می‌گوئید قوه مجریه و قرین و قسمی آنرا می‌اورید و بعد که می‌خواهید بگوئید قوه مجریه به چه نحوی اعمال می‌شود پای شورای رهبری را پیش می‌کشید. بنده عرضم این است که همانطور که آفای دکتر نوری بخش هم سوال کرده‌اند اول باید یک ترسیم کلی از طرح کلی بکنیم. این نظام جمهوری اسلامی در رابطه با امامت امت و ولایت امر که رهبر یا شورای رهبری را جایش می‌خواهید بگذارد، سازمان دولت، سازمان قضائی و مجلس شورای ملی در رابطه با این چهار نقطه اصل اول مشخص کنیم که مشکل کارچیست، بعد می‌توانیم اینها را به راحتی تنظیم کنیم. الان در اینجا ابهامی بچشم می‌خورد یعنی سؤالهایی هم که می‌شود ناشی از این ابهامات است بنابراین خوبست آفای مکارم بشنیند و یکی از دولستانی که این پیشنهاد را می‌کنند باید ترسیم خودش را از قوه رهبری در رابطه با این سه قوه دیگر بیان کند تا آفای مکارم و دیگر دولستان بتوانند از کارشان دفاع کنند. آفای کیاوش بفرمائید.

کیاوش— حقیقت این است که آفای مکارم نمی‌توانند جواب سوالات را بدهند برای اینکه سوچی که می‌نوشتم نمی‌دانستیم وظایف قوه نگهبان و قوه مجریه و قوه مقننه چیست، حال آفای مکارم می‌خواهند به هر طریقی هست یک جوابی بدهند درحالیکه جوابها هیچ‌کدام قانع کننده نیست و باید یکنفر از گروه دوم بیاید و جواب بدهد.

نایاب رئیس— آفای رشیدیان بفرمائید.
رشیدیان— آفای دکتر بهشتی، اجازه بفرمائید همه حرفشان را بزنند زیرا قرارشده که یک



مخالف و یک موافق صحبت کنند ما هم اسم نوشته بودیم.
نایب رئیس — آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — درگروه یک این اصل را تنظیم کردیم در این موارد بحث شده واصول پیش نویسن قانون اساسی را هم مکرر در مکرر دیده ایم و اینها چیزی نیست که خلق الساعه باشد و بنده اینجا عرض کرده باشم. آقای کیاوش نظرخودشان را میفرمایندو محترم هم هست اما این چیزی نیست که بخواهم اینجا ابداع کنم و خواهشمن است که ما یک قانون اساسی بنویسیم که در کنار هر اصل یک کلمه رهبر اضافه نکنیم و قانون طوری تنظیم بشود که سبب حساسیت افراد نشود.

نایب رئیس — یک پیشنهادی رسیده که چون ممکن است برای آقایان هم جالب باشد آنرا می خواهیم شاید حلال سشكل باشد. (ربانی) — شماتکلیف اصل را روشن بفرمایید مداریم درباره پیشنهاد آقای مستظری بحث میکنیم). اجازه بفرمایید این هم مربوط به همین است «اعمال قوه مجریه از طریق ریاست جمهوری، نخست وزیر، هیأت وزیران و فرماندهی کل قوا است، شرایط و خصوصیات این مقامات در فصل قوه مجریه خواهد آمد». آقای رشیدیان بفرمایید.

رشیدیان — این مسئله مهمی است ما نمی توانیم سرنوشت مملکت را به دست یک آقای مجھول الهویه بدھیم باید در ذهن ما طرح کلی نسبت به این مسئله و مفهوم ریاست جمهوری روشن بشود و در ذهن هر نماینده ای نیز سیستم حکومتی مشخص بشود تا بتوانیم به آن رأی بدھیم. (نایب رئیس — آقای رشیدیان شما اگر خودتان طرحی برای این موضوع دارید میتوانید تشریف پیاوید و صحبت کنید). عرض بنده راجع به مسئله ولايت فقهیه است، يا ولايت فقهیه را قبول داریم يا نه، رود رایستی ندارد، يا واقعاً شیعه دوازده امامی هستیم که با سرفرازی می توانیم عقیده خودمان را عرضه کنیم و اعتقاد به ولايت فقهیه داریم و باید اساس کاربرمبنای آن باشد. اگر بعضی از آقایان میگویند قرن بیست و چهار است و چنان است و استبداد و این حرفا را مطرح میکنند طرح ما که روشن است آنها هم باید طرحشان را بدھند. طرح گروه چهار این است که شورای رهبری یا رهبر در صدر کار یا در رأس منشور قرار گرفته و سایر قوا زیر نظر او هستند، آقایان میفرمایند این استبداد فقهیه است. (نایب رئیس — شما چکار دارید که دیگران چه میگویند شما طرح خودتان را بدھید). من میگوییم همان آقایان آمده اند همین مقام و قدرت را به رئیس جمهوری داده اند که وضعش روشن نیست. وقتی گفتیم فقهیه، فقهیه عبارت از کسی است که اعلم، اتقی، آگاه، شجاع و انسانی وارسته باشد نه وابسته به خون و نه وابسته به نژاد و گروه و قشر خاصی، که اینها می آیند و میگویند رهبری را منحصر کرده اند به یک گروه، گروه آن است که نژادش یا خونش و یا پولش مطرح باشد اما ما یک صفت عام انسانی به این فقهیه داده ایم یک صفتی که هر کس میتواند آن صفت را به دست پیاوید، بنابراین چطور ما صفات رهبر را مطرح میکنیم و میگوئیم باید این صفات را داشته باشد.

نایب رئیس — شما به سؤال جواب ندادید، چون ما نمی خواهیم وقت تلف بشود سؤال این است، خوب دقت کنید یکی از آقایان باید و رابطه این چهار قوه، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه و قوه رهبری را توضیح بدهد.

رشیدیان — اجازه بدھید چون من صحبت کردم این جمله را هم بگویم وقتی رهبر در صدر کار قرار گرفته و حاکم هم خدا است و ما روی قوانین خدا داریم عمل میکنیم، یعنی



قوانين اسلامی، خود به خود آن قوا، قوا نخواهد بود بلکه مجری آن ضوابط و اصولند متنهای تقسیم کار، رهبر حکم و یا به اصطلاح فنای خودش را به آن قوا میدهد تا اجرا کنند، با توجه به اینکه شورای نگهبان منتخب رهبر باشد در مجلس و تمام مصوبات از زیر نظر شورای نگهبان که شش نفر فقیه می باشند بگذرد، این خودش به امضای رهبر رسیده است زیرا که شورای نگهبان منتخب رهبر و یا شورای رهبری است بنابراین خود رهبر هم رابطه بین این سه قوه را از بالا تنظیم خواهد کرد آقایان همین قوا را در پیش نویس قبلی به رئیس جمهوری داده بودند که صفاتش برای ما معلوم نبود.

نایب رئیس — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — ما در قانون کلی یک کلیات نوشته ایم و قانونی که بعد می آید باید مصدقاق کامل آن کلی اول باشد نه اینکه هم بتواند مصدقاق باشد و هم نباشد. در اینجا اگر بخواهیم قوه مجریه را بنویسیم باید به طرزی بنویسیم که مصدقاق کامل یعنی مصدقاق حقیقی کلی که در کلیات نوشته ایم باشد، بعد در فصل قوه مجریه می آئیم توضیح میدهیم و در آنجا مصاديق را بیان نیکنیم. مطلب دوم اینکه جلوتر از این اصل یک اصل دیگری است شما آن اصل راهنمای تصویب نکرده اید در آن اصل پنج قوه تعیین شده بود ما در گروه با آقایان صحبت میکردیم که ولایت فقیه در کدام یک از این اصول است، دیدیم نمیتوانند بیان کنند بعضی میگفتند در قوه رهبری است بعضی هم میگفتند در نگهبانی است و بعضی میگفتند جزء قوه مجریه است. حقیقت مطلب این است که یک عده ای در مجلس هستند و میگویند چرا ما از اول «الف» بگوئیم تا بعد مجبور بشویم «ب» را بگوئیم، ما از اول در برابر هر اصلی موضع میگیریم که اشکالی در آخر الامر پیش نیاید و اصل کلی که در کلیات آورده ایم یک شیر بی یال و دم و اشکم نباشد.

نایب رئیس — آقای آیت بفرمائید.

دکتر آیت — در مرور این اصل آقای دکتر بهشتی اشاره کردند که طرحتان چیست و در ضمن بحثی از تداخل قوا آوردنند. فرض ایشان این است که ماتفاقیک قوا را پذیرفته ایم یک پیزی است که میگویند قوا از هم منفك و جدا هستند که این در دنیای فعلی هم اجرا نمی شود و در بحث آن وارد نمیشوم چون وقت ندارم. الان دنیای امروز تغییکیک قوا را نه پذیرفته است و نه قابل اجراست، این است که مایک قوه رهبری یا ولایت فقیه را در اصول قبلی قائل شده ایم، تصویب هم کرده ایم و خود بخود به عنوان یک قوه جداگانه خواهد آمد ولی معنای آن این نیست که در سایر قوا نقش آن ذکر نشود چون در همه پیشنهاداتی که اینجا آمده است همه خواسته اند قوه رهبری و یا شورای رهبری بیاید متنها بعضی اشاره کرده اند که قوه رهبری را جداگانه بیاورید، آن خواهد آمد و جزو این اصول هست ولی مفهوم آن این نیست که نقشی که در قوه مقتنه، قوه مجریه و قوه قضائیه دارد ذکر نشود. با این توضیح بندۀ خیال میکنم کل طرح هم مشخص شد چون ولایت فقیه یک تأسیسی است که در سایر حقوق نیست و در حقوق اسلامی است و خود این شکل و چگونگی طرح را نشان میدهد.

نایب رئیس — آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کربمانی — هر چیزی که برای یک نفر مجمل بود باید اینهمه وقت بگیرد؟ هر سوالهای را که شما گسترده کنید اینطور خواهد شد و اگر بخواهید بصورت جمع و جور مطرح



کنید به صورت دیگری خواهد شد عملاً اینطوری است، کاری کنید که یک مقداری کار روال داشته باشد بنده یادداشتی برای همین مسأله دادم خدمتان شما آنرا نخواندید.

نایب رئیس – آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی – بسم الله الرحمن الرحيم. آنچه که در اینجا به عنوان قوه مجریه نوشته شده معلوم میشود که مذاکرات صیغ در سورد اینکه ماسه قوه بیشتر قائل نباشیم و قوه هبری راطوری توجیه کنیم که در برابر این قوای دیگر نباشد و بتواند در تمام شئون قوا دخالت کند، با توجه به تمام مشکلاتی که پیش آمده است تأیید شده. در اینجا ما نمیتوانیم به این عبارت «اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور... الى آخر» و با این صراحة اکتفا کنیم زیرا از اصل پنج که قبل تنظیم و تصویب شده است معلوم میشود، بهجهت اینکه در آنجا گفته شده است در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و ولایت امت، امامت و امت یعنی چه؟ بعد ممکن است در اطراف این، مسأله توجیهاتی بشود، و همچنین نسبت به ولایت امر تا شما اثبات بکنید «اطیعو الله واطیعو الرسول و اولی الامر منکم» ممکن است که کار به صورتهای دیگری در باید و به هر حال این تقيیدی صریح برای این اطلاق است، اطلاقی که تا حدودی هم خالی از ابهام نیست، و اگر چنانچه بخواهید بگوئید که بعداً شرایط آن را معلوم میکنیم، این صحیح نیست از جهت اینکه شما در این اصولاً قوه مجریه را در طریق رئیس جمهور و نخست وزیر و سایر وزرا قرار داده اید و آنها را شرط گرفته اید این چیزهای فرعی که بعداً ذکر میشود که در مقام تعارض ممکن است اصلاً بورد توجه نباشد و گاهی اوقات سوء استفاده هائی بشود، آنچه خیلی اهمیت دارد قسمت فرماندهی کل قوا است که حتی باشد دخالت فقهی یا شورای فقهای در رأس آن باشد. جناب آقای مکارم می فرمودند که دخالت فقهی ... (نایب رئیس – شما چه زادارید مطرح میکنید؟ من میخواهم مطلبان را در باره این اصل بفرمائید). نظر من این است که این اصلی که در اینجا مطرح شده است به این صراحة اختیارات را به رئیس جمور و نخست وزیر و سایر وزرا داده است، کسی بباید بگوید که ولايت فقهی را هم دخالت داده ایم بواسطه اصل پنجم یا ششم این قابل قبول نیست، بهجهت اینکه این موضوع آن اصل را تأکید میکند و اگر چنانچه کسی بخواهد بگوید که بعداً موکول میشود به شرایطی که دارد و ولایت فقهی را بعداً تصریح میکنیم این هم قابل قبول نیست برای اینکه ما نمیخواهیم دخالت فقهی فرع و شرط باشد. (نایب رئیس – از نظر شما چه چیز قابل قبول است و پیشنهادتان چیست؟) پیشنهاد این است که دخالت فقهی در اینجا اصل باشد.

نایب رئیس – بسیار خوب بفرمائید. آقای یزدی نوبت شما است که درباره ترسیم طرح رهبری و نقش او در رابطه با قوای دیگر صحبت کنید که آیا قبول امامت و ولایت امر نفی قوای دیگر است و یا قبول قوای دیگر است. اگر قبول قوای دیگر در طول آن است که چگونه ترسیم میشود؟ و اگر در عرض آن است باز ترسیم چگونه میشود؟ یا جنابعالی و یا آقای منتظری در این باره توضیح بفرمائید (یزدی – بنده صحبت میکنم) بفرمائید البته خواهش میکنم به این سؤال توجه داشته باشید که در رابطه با اصل پنجم مسأله ولایت امر و امامت امت که این قوا در طول و یا در عرض آنست چیز قابل تفکیکی دیگر نداریم آقایان میگویند تداخل را قبول کردیم اما بالاخره بعد از رهبری بازنگری را قبول کردید، اینها را باید مشخص کرد. طاهری گرانی – چه لزومی دارد اینجا تفکیک قوا را بیاوریم؟ شما اول قوه وبعد اعمال



قوه را میگوئید سپس طریق اعمال قوه را بیان می کنید و ناچار میشوید برای بیان طریق اعمال قوه، ترکیب قوا را هم بگوئید شماداریدهمه کارها را اینجا صورت میدهد.

نایب رئیس - آقای طاهری، یک کتاب که میخواهند بنویستند اول مقدمه وابوابش را مینویسند و مشخصاتش را تعیین میکنند که در هر بابی چه می آید بعد هم میگویند فصول هر باب چیست، همینطور که نمیشود کتاب نوشته. در قانون اساسی در آن طرح پیش نویس میگوید آینده قانون اساسی شما در سه شاخه اصلی است تا آخر هم همینطور است حالا شما میگوئید دو شاخه است، سه شاخه است، چهار شاخه است به هر حال باید از اینجا پایه فکری آینده توان را بگذاردید تا معلوم بشود اصول بعدی چیست، این امری است بدیهی، آقای یزدی بفرمائید.

یزدی - این سیستم، سیستمی مکتبی است یعنی اسلام حاکم برآن است و شکل سیستم حکومتی باشد شخص بشود تا بینیم هر کدام از این قوادرکجای این شکل قرار دارند. ما در گروه خودمان با همکاریهایی که شده قوا را تقسیم کرده ایم چه در هم ادغام بکنید و چه با تفصیل بیان کنید، بالاخره فقیه یعنی داناترین فرد مملکت از نظر عقلی بروحت ادله شرعیه باید دخالت داشته باشد، آن فقیه بعنوان رهبر یا شورای رهبری در رأس مخروط قرار گرفته از ناحیه شناخت و انتخاب هم از طرف مردم تأیید شده یعنی مطابق بعضی که در باره قوه ملت شد ملت میتواند در شناخت و انتخاب یک فردا کثریت بیاورد و آن شخص انتخاب بشود، پس فقیه بعنوان شخصیتی که میگوئیم رهبر، و بعنوان عضو شورای رهبری در رأس مخروط قرار دارد.

قوای دیگر که قوه مقننه بود یعنی مجلس شورای ملی، قوه مجریه هم که دولت است و قوه قضائیه که شامل دستگاه قضائی میشود، رابطه آنها با هم چگونه است ما قائل به تفکیک قوا باشیم یا نباشیم؟ مفهوم رهبری فقیه به صورت فردی یا به صورت جمعی اگر بخواهد کار خودش را انجام بدهد یعنی رهبری بکند یعنی حرکت این امت را بطرف کمال هدایت کند و بیش ببرد طبیعی است که حاکمیت اجرائی دارد. از طرف دیگر میخواهم عرض کنم معنای رهبری یعنی تأثیر در اجرا، اگر مجلس شورا یک قانونی را تصویب کرد و بعد به قوه مجریه یعنی دولت یا به قوه قضائیه که دستگاه قضائی باشد داد آنوقت رهبر اگر دید عملشان مطابق قوانین هست ساکت باشد و اگر مخالف است فقط اعتراض بکند. این مسئله ای بود که در اصول مربوط به نگهبان راجع به آن بحث شد ولی رهبری فقیه را قبول کردیم پس میتوانیم اینطور نتیجه بگیریم که چون سیستم حکومتی مکتبی است و در این مکتب مقام فقاht با اوصافی که ذکر شده و با آن آزادی که هست که هر کسی حساسیت بوجود یابد مقام فقاht با اوصافی که ذکر شده و با آن آزادی که هست که هر کسی میتواند خودش را به این مقام برساند وطبعاً در رأس مخروط هم قرار بگیرد مقام فقاht در این سیستم مکتبی حاکمیت دارد یعنی اینکه در تصدی اجرائات اثیر دارد پس او در رأس قرار میگیرد و در رأس که قرار گرفت اگر مجلس شورا چیزی را خواست تصویب بکند مطابق این عبارت که آقایان نوشته اند وقتی به رئیس جمهور یا به دولت و اعضای دولت میدهد و میگوید اجرا بکند دیگر کافی است. بنابراین رهبری یک عنوان نظارت بیشتر نیست و این با آن چیزی که قبول کردیم منافات دارد. اگر قوه مقننه، قانونی را که تصویب کرده یا تنظیم کرده بدست قوه مجریه بدهد حتماً باید مقام رهبری نقشی در اجرا داشته باشد.

بنابراین من میخواهم این مطلب را عرض کنم و بحث دیگری هم ندارم، اگر مسئله رهبری به این صورت بشود که اعمال قوه مجریه از طریق رهبر یا شورای رهبری و بعد مسئله



رئیس جمهور یا شورای جمهوری یا نخست وزیری یا شوراهایی که در فرماندهی بوجود می آید، این میتواند آن تا کنیکسیستم های قبلی را منظم بکند و طرح مکتبی را قبول بکند والا اگر این حالت نیاید قهرآبا طرح مکتبی تطبیق نمیکند. (تهرانی - این مسأله فقط با یک سؤال روشن می شود).

نایب رئیس - سؤال بفرمائید.

علی تهرانی - سؤال این است که مگر مانع گوئیم قوه رهبری باید نسبت به قوه مقننه تصرف داشته باشد؟ شکنیست که نسبت به قوه مجریه هم جنبه اجرائی دارد وهم جنبه تقینی، همینطور که بیان فرمودید رهبری باید در سراسر این قوابا شده، مگر شما نتوشتید و تصویب نکردید اعمال قوه مقننه از طريق مجلس شورای ملی است که بعداً تشکیل میگردد و مصوبات آن پس از طی مراحلی است که بعد می آید؟ اینجا هم همینطور است بلاشک باید دخالت داشته باشد اما کافی نیست که بگوئیم بترتیبی که در فصول آینده می آید، آنجا برایش نقشی بگذاریم، متصدی اینکار باید آنرا امضاء کند و باید ناظر باشد مثلاً حق دارد که رئیس جمهور را کاندیدابکند و حق دارد اورا فسخ و عزل یا نصب بکند، در آینده تمام اینها را روشن می کنیم همانطوریکه در آنجا اشکال نبود چرا اینجا اشکال میکنید؟ آنجا میگوئید طی مراحلی که بعد می آید اینجا هم میگوئید بترتیبی که در فصول آینده می آید که آفای مکارم کاملاً جواب دادند و میشود این را قید کرد.

نایب رئیس - آفای عرب بفرمائید.

عرب - بنده یک سؤال دارم و آن این است که با وجود مقام رهبری دیگر شورای رهبری چیست؟

نایب رئیس - جانشین آن است یا رهبر یا شورای رهبری، جلوتر در اصل پنجم گفتیم که فرد یا گروه آفای منتظری بفرمائید.

منتظری - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحيم. همینطوریکه آفای یزدی فرمودند ما بعد از اینکه این سیستم را قبول کردیم رهبر یا شورای رهبری در رأس مخروط است، آن وقت در هر سه قوه نقش دارد در قوه مقننه نقش دارد برای اینکه شورای نگهبان از طرف فقهی معین میشود که قوانین را نظارت کند، در قوه قضائیه نقش دارد برای اینکه رئیس دیوانعالی کشور یا دادستان کل در شورای عالی قضائی باید مجتهدیتی باشند که از ناحیه او منصوب بشوند و دادگستری را زیر نظر بگیرند و اداره بکنند. در قوه مجریه رئیس جمهور را یا او تعیین میکند یا افرادی را برای رئیس جمهوری کاندیدا می کند که مردم انتخاب میکنند.

علی ای حال بعضی از کارهای اجرائی هست که ولی فقیه مستقیماً انجام میدهد، یعنی لازم نیست ریاست کل قوا را به رئیس جمهور بدهد دست خودش است. بنابراین رهبر در عین حالی که رهبری میکند، رهبر فوق هر سه قوه است، رابط قوا است و در عین حال یک قسمت اجرائی مخصوص به خودش است، مثل فرمان جنگ، فرمان غفو عمومی و این قبیل چیزها. که نمی توانیم دست رئیس جمهور بدھیم، دست خود آن رهبر میباشد، بنابراین سیستم این است که یک رهبری که فرد هم نیست مقام یا شورای واحد شرایط او در رأس مخروط است و در قوه مقننه، در قوه قضائیه و در قوه اجرائیه نقش دارد و بعضی از اجرائیات هم مستقیماً زیر نظر خودش است.



نایب رئیس — به خوبی مشهود است اصولی که در مجمع گروهها مورد بحث قرار گرفت فرق نمیکند زیرا آنجا زیاد مورد بحث قرار میگیرد و با شیوه دو مخالف و دو موافق روش میشود تا به رأی برسد و ما ناچار هستیم لااقل این اصول مورد بحث را به آنجا موكول کنیم فعلا برای اینکه رویه خودمان را دنبال کرده باشیم به دنبال همه این بحثها اصل هیجه را به همین صورتی که آمد به رأی میگذاریم اگر مورد قبول قرار نگرفت به کمیسیون ارجاع میکنیم. بنابراین بنده این را به رأی میگذارم لطفاً گلدانها را ببرید و در اثنای رأی هم آقایان صحبتی نکنند، چون تفاصیل و شرایط بعد می آید. (حیدری — ما باید اول روش بشویم و بعد رأی بدهیم). خیر شما ممکن است رأی موافق یا مخالف یا ممتنع بدھید آقای حیدری ما باید زمانی مذاکره را ادامه بدهیم که مناسبت داشته باشد ولی بعضی اوقات مجلس به مرحله ای میرسد که میگوید سؤال بس است. (حیدری — آفچه کسی این حق را داده است؟) هر مجلسی این حق را دارد، آقای حیدری اگر شما قبل نوبت می گرفتید فرمایشاتتان صحیح بود ولی حال و وقت گذشته و باید این را به رأی بگذاریم و با اینکه از وظایف مسئول جلسه است موافقین با کفایت مذاکرات دست خودشان را بلند کنند. (اکثریت دستشان را بلند کردند) تصویب شد. بنابراین گلدانها را برای اخذ رأی ببرید آقایان با همین کیفیت رأی خودشان را بدھند. من یک باره دیگر اصل را میخوانم، لطفاً همه کسانی که تشریف دارند دقت کنند.

اصل ۸ — اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و نخست وزیر و سایر وزرا بترتیبی که در فصل قوه مجریه خواهد آمد انجام میشود. لطفاً گلدانها را ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و پس از شمارش آرا نتیجه بشرح زیر اعلام گردید)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه شصت و چهارنفر، موافق چهل نفر، مخالف دوازده نفر، ممتنع دوازده نفر بنابراین رأی کافی نیاورد و برای تکمیل به گروهها بازگردانده میشود. آقای پرورش بفرمائید.

پروش — چون خطوط کلی این قوا ترسیم نشده و پخته نیست در این باره فعل بحث نشود و برای بعد بماند یعنی موقعي که اصل پرچم و زبان مورد بحث قرار میگیرد آن اصول را هم مورد بحث قرار بدهیم. (ربانی شیرازی — من یک پیشنهاد داده ام که قابل طرح است).

نایب رئیس — اینجا هیچ پیشنهادی قابل طرح نیست همه پیشنهادات برای رسیدگی به گروه میروند. (جوادی — قوه مقننه بیان شد و بدون ابهام با موازین اسلامی درباره اش بحث شد ولی چطور شد قوه مجریه به نحوی مبهم بحث شد اگر تکلیف این را معین می کردید ما رأی میدادیم). این را فردا صبح در جلسه مطرح بفرمائید تامورد بحث قرار گیرد.

۴ — طرح و تصویب اصل ۹ (اصل شصت و یکم)

نایب رئیس — خوب، من اصل مربوط به قوه قضائیه را میخوانم، طرحی که برای اصل مربوط به قوه قضائیه تهیه شده است بنظر میرسد شامل همه نکات لازم هست بنابراین متن آن را میخوانم که بینیم آیا روی آن میتوانیم زود به توافق برسیم.

اصل ۹ — اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

بنظر میرسد اصلا هیچ ابهامی ندارد موافق و مخالف هم بنظر من ندارد، برای



هیچکس که سؤالی وابهای وجود ندارد؟ آقای هاشمی نژاد سؤالتان را بفرمائید که آیا راجع به همین است یا راجع به قبل.

هاشمی نژاد — سؤال من راجع به اصل ولایت فقهی و رهبری است زیرا این مسأله مشخص نیست که تکلیف دادگاههای انقلاب بعد از تصویب این اصل از نظر مقام رهبری چگونه میشود بنا است وجود داشته باشد یا نه؟ چون اگر این را تصویب کردید دیگر بعد از تصویب این اصل، این صحبتها به خودی خود منتفی میشود.

نایب رئیس — بنده به آقایان مکرر عرض کردم که تصویب هیچیک از این اصول قانون اساسی در این مجلس نه میتواند نهادهای موجود را عوض کند و نه میتواند نهاد تازه‌ای را بوجود بیاورد برای اینکه اولاً — این قانون طبق تصویب قبلی باید بعد از تصویب مجلس به رفراندوم گذاشته شود تا قانون اساسی بشود، پس تا آن موقع ارزش قانونی قطعی ندارد.

ثانیاً — بعد از رفراندوم هم مادام که مجلس قانونگذاری تشکیل نشود و کیفیت مفصل و تفصیلی ایجاد نهادهای جدید را معین نکند، ناچار کار مملکت با نهادهای قبلی پیش میرود. پس به طور کلی این سؤال باشد برای بعد و این پاسخی است برای این سؤال در تمام موارد. (فاتحی — پس بنویسند محاکم قضائی حکم‌شان قابل قبول است و زیر نظر محاکم شرعی و فقیه مجتهد خواهد بود.) آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی — من در ماهیت این سؤال حرفی ندارم، مسأله این است که جنابعالی همان موقعی که اصل را می‌خواهید به افاده تقین می‌کنید که نظری نیست، موافق و مخالف هست یا نیست؟

نایب رئیس — آقا اینجا مجلس خبرگان است نه مجلس تلقینیان خواهش میکنم که احترام جلسه را بیشتر رعایت بفرمائید. (خامنه‌ای — من پیشنهادی راجع به اصول قوه مجریه و قوه قضائیه دادم.) راجع به این بفرمائید. (خامنه‌ای — در باره قوه مقننه که تصمیمی نگرفته‌اید؟) چرا، قوه مقننه تمام شد. (خامنه‌ای — عرض می‌کنم در این قوه مجریه و قضائیه یک نظریه‌ای هست که این اصل که قبل اکارشن تمام شده از حاکمیت منشعب شده و اینها هر کدام چون فصل مستقلی دارند خود بخود خواهند آمد بنابراین باید قوه قضائیه را آنچاگذاریم.) بسیار خوب بفرمائید. مطلب دیگری نیست؟ آقای طاھری بفرمائید.

طاھری گرگانی — غیر از شوراهای دادگستری دادگاه دیگری نداریم؟

نایب رئیس — همه باید داخل دادگستری بشود دادگاه شرع، دادگاه انقلاب وغیره داخل قضائی می‌آید، چون دادگستری ما اسلامی است. اصل را یکبار دیگر میخوانم و گلدان را برای رأی گیری می‌آورند.

اصل ۱۹ (اصل شصت و یکم) — اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش واجرای عدالت واقمه حدود الهی پردازد.

(دراین هنگام اخذ رأی بعمل آمد و پس از شمارش آرا نتیجه بشرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — طبق نوشته تابلو عده حاضر در جلسه شصت و هفت نفر، موافق شصت نفر، مخالف دونفر، ممتنع پنج نفر بنا براین، این اصل تصویب شد. تکییر (نمایندگان سه مرتبه تکییر گفتهند).



اصل بیست که مربوط به قوه نگهبان و رهبری است خیلی روشن است، بنابراین فعلاً قابل طرح نیست.

هـ - طرح و تصویب اصل ۲۱ (اصل پانزدهم)

نایب رئیس - اصل بیست و یک مطرح میشود.

اصل ۲۱ - زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و متون و اسناد و مکاتبات رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی هر محل و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.

نایب رئیس - در این زمینه موافق و مخالفی هست؟ آقای ربانی مخالفید؟

ربانی - مادو زبان داریم یک زبان فارسی و یک زبان دینی، زبان دینی ما زبان مکتب ما است که قرآن ما است.

نایب رئیس - آقای مشکینی بفرمائید.

مشکینی - شما میفرمائید اسناد و مکاتبات باید با این زبان باشد حالا یک قباله‌ای به زبان عربی نوشته شد چرا باید آن سندیت نداشته باشد؟

نایب رئیس - برای اینکه آن وقت در دادگاه باید یک مترجم رسمی عربی هم باشد تا بتواند آن قباله را ترجمه بکند و قضایات و توانند رویش کاریکنند. در کلانتری یا باید مأمور کلانتری عربی بداند یا یک مترجم بخواهد. آقای دکتر خالاتیان اگر مخالف هستید می‌توانید صحبت بکنید.

حالاتیان - ارامنه که جا و محل مشخص ندارند و در اینجا جائی برای زبان و خط اقلیتهای مذهبی مشخص نشده است.

نایب رئیس - آقا میگویند ارامنه محل مشخصی ندارند و حال آنکه زبانی دارند و می‌خواهند یک مجله‌ای را به زبان ارمنی منتشر کنند بنابراین آگر ما «قومی» را اضافه کنیم تکمیل می‌شود و چیزی هم کم نمی‌شود. (نمايندگان - اشکالی ندارد.)

حالاتیان - بجای عبارت «مطبوعات محلی» عبارت «مطبوعات خودشان» را بگذارید بهتر است، حالا که کلمه «قومی» اضافه شده است.

نایب رئیس - «مطبوعات و رسانه‌های گروهی هر محل» اینجا را بفرمایید؟ (حالاتیان - بجای « محل »، « قوم » باشد). اشکالش اینست که مطبوعات دارد ولی رسانه‌های گروهی ندارد. « مطبوعات و رسانه‌های گروهی هر محل » بنده گمان میکنم بنویسیم که « از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات هرگروه و رسانه‌های گروهی هر محل » زیرا وقتی میگوئیم « قومی »، اصلادیگر مشکلی ایجاد نمی‌کند. عنایت بفرمائید این عبارت « هر محل » بطور کلی زاید است برای این که ما در همین دستگاه رادیو و تلویزیون فعلی از فرستنده برگردی برنامه کردی داریم بنابراین نباید بگوئیم « هر محل » وقتی این عبارت را برداریم مشکل آقایان حل می‌شود. آقای آیت بفرمایید.

دکتر آیت - توضیح من اینست که یک سوئتفناهمی ایجاد شده در حالی که همه زبانها باید باشد. مگر ما به زبان انگلیسی و به زبان فرانسه نمی‌توانیم روزنامه منتشر کنیم؟ این مطلب که در این اصل آمده بیشتر مربوط به تدریس و ادبیات است که بتوانند تدریس کنند و گرنده خود بخود آزاد است. (نایب رئیس - جزو مدارس قومی است). به هر حال این مطلب باید روشن بشود. (نایب رئیس - دیگر جای بحث نیست). (یکی از نمايندگان - بجای زبان فارسی بگذاریم



برنامه فارسی، چون زبان اخص است.

نایاب رئیس - خیر آقا زبان فارسی است یعنی از نظر فرهنگی زبان فارسی میگویند نه برنامه فارسی . (خزعلی - در اینجا « خط رسمی و مشترک » نوشته شده در صورتی که در پیش نویس قبلی «مشترک» بوده قید «رسمی برای چیست؟») جواب این مطلب گفته شد، آقا بحث در اینست که زبان رسمی به آن زبانی میگویند که در مؤسسات دولتی معمول است و احکام دولتی و امثال اینها باید با آن زبان باشد . وقتی گفتیم که اینها باید به آن زبان باشد، میشود رسمی پس چرا بگذاریم رسمی . (خرعلی - همین رسمی کافی است). این برای روح مطلب زبان مشترک میخواهد این توضیح است و ضرری هم ندارد . (حائزی - منظور از این متون چیست؟ مثلاً یکفر میخواهد مجله عربی منتشر کند یا یک کتاب عربی بنویسد). حالا بنده توضیح میدهم ، اجازه بدھید ، منظور از این متون عبارت است از متن مقاوله نامه ها و قراردادها مثل قانون اساسی ، متن قوانین ، بنابراین ، این کلمه «رسمی» شامل همه میشود «متون و اسناد و مکاتبات رسمی» این «رسمی» وصف است برای همه (یکی از نمایندگان - واضح نیست). واضح نیست؟ اگر واضح نباشد ما ناچاریم به دنبال «متون رسمی» را هم بیاوریم و بنویسیم «متون رسمی و اسناد و مکاتبات رسمی». (منظظری - بنویسید متون و اسناد و مکاتبات رسمی) پس «رسمی» را دنبال همه بیاوریم درست میشود بنویسیم «و اسناد و مکاتبات و متون رسمی». پس ملاحظه بفرمایند آقایان یادداشت کنید تبدیل شد به اینکه «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است». (یکی از نمایندگان - رسمی یعنی چه؟) زبان رسمی یعنی متون و احکام ، یعنی کتابهای درسی که به زبان فارسی است، احکامی را که دولت صادر می کند، اسنادی را که مبادله میکنند، متون قوانین همه به زبان فارسی است. (asheraci - فرمودید باید در ادارات دولتی و مکاتبات به آن زبان صحبت بشود؟) صحبت خیر آقا، مکاتبات را عرض کردم یعنی دفاتر باید با آن تنظیم بشود «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد». (طاهری اصفهانی - یاوریگل یا کاما در جای مناسب آن بگذارید). اجازه بدھید هر رویه ای که برای بقیه اصول پیش گرفتیم در مورد این جمله هم اعمال می کنیم یک عده ای و اوها را اول جمله می آورند و میگویند شیوه ما اینست و آن شیوه ای را که الان در زبانهای اروپائی معمول است نمی پذیرند و یک عده ای هم این را می پذیرند. این را در آخر یک روای خواهیم کرد. (بشارت - سوالی دارم «در کنار زبان فارسی» شامل همه است یا مال مدارس است؟ مثلاً مربوط به مطبوعات و رسانه های گروهی است؟...) خیر آقا این مربوط به تدریس است. تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است. (بشارت - ممکن است اینها تمام برنامه های رسانه گروهی خودشان را به زبان خودشان منتشر بکنند). سوال ایشان اینست که آیا این «در کنار» شامل رسانه های گروهی میشود؟ مثلاً یک مجله ای را به زبان آذری نوشته شده، آیا باید هر ورق از این مجله یک طرفش فارسی باشد؟ آخر اینجا نوشته ایم مطبوعات (بشارت - رسانه های گروهی) خوب چه عیبی دارد بنویسیم رسانه های گروهی آذربایجان فقط به زبان آذری باشد ولی رسانه گروهی تهران به زبان فارسی باشد این اشکالی دارد؟ (بشارت - خطر ندارد که مطالب دیگری را هم بیان کنند که بعضی نفهمند؟) اگر دو تا هم باشد این خطر



را دارد. (دکتر آیت – اگر مسائل گروهی را هم همگانی بنویسیم بهتر نیست؟) رحمنی – موضوع کتب درسی مدارس قدیمه و همچنین کتب درسی دانشگاهی، چه بسا این اطلاق شامل همه کتب درسی میشود که باید به زبان فارسی باشد این را توضیح بدهید تا روشن شود.

نایب رئیس – سؤال آقای رحمنی سؤال واردی است و آن اینست که وقتی میگویند متون کتب درسی باید همه به زبان فارسی باشد این کلمه درسی شامل کتابهای دانشگاهی هم میشود در حالیکه ممکن است در دانشگاه کتاب درسی به زبان خارجی باشد و یا در حوزه‌های علوم اسلامی کتابها عموماً به زبان عربی است بنابراین باید یک تعییری اینجا باید که چنین معنائی راندهد. (تهرانی – اگر شما این را به این شکل تصویب کنید درست‌انها هم باید در کنار زبان فارسی درس عربی بخوانند.) حالا ما هنوز به آن اصل نویسیده‌ایم ما در اینجا اینظور میتوانیم بگوئیم که «متون کتب درسی تا پایان دوره دبیرستان». آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی – زبان و خط مشترک مردم ایران فارسی است و متون و سکاتبات رسمی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی در مدارس و مطبوعات محلی آزاد است.

نایب رئیس – چون در متن قبلی آن مسأله‌ای که باید متون کتابهای درسی به زبان فارسی باشد نیاده است بنابراین، این اشکال هم نیامده است. پس اشکال این اصل این است که اگر اینطور تصویب شود مسکن است بعداً قانونی تنظیم کنند که کتابهای درسی مدارس در مناطقی که زبان محلی هست به زبان محلی باشد. شما این را تأیید میکنید؟ (حجتی کرمانی – خیر در کنار فارسی میتوانیم بگذاریم.) ما میگوئیم این عبارت اگر تکلیف کتابهای درسی را روشن نکند بر آن اساس میشود چنین تصمیمی گرفت یا قانونی تصویب کرد. (حجتی کرمانی – فقط در کنار زبان فارسی» را میتوانید اضافه کنید). آقای مؤبد شهرزادی بفرمائید.

مؤبد شهرزادی – وقتی گفته‌یم زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران فارسی است یعنی بچه‌های مردم ایران باید فارسی درس بخوانند. بنابراین ذکر اینکه کتب درسی هم باید با چه زبانی باشد دیگر لازم نیست.

نایب رئیس – آقای هاشمی نژاد بفرمائید.

هاشمی نژاد – این عبارت بسیار واضح نوشته شده است و هرچه به آن اضافه کنیم مغلق‌ترش میکنیم. بنابراین اینکه کتب درسی باید با این زبان و خط باشد این معنایش این نیست که اگر در دبیرستان یا در دانشگاه بخواهند یک برنامه‌ای را بصورت انگلیسی تدریس کنند این جزو برنامه معمولی و کار آنها است و منافاتی با این اصل ندارد و هیچکس هم چنین منافاتی را نمی‌فهمد و ضرورتی هم ندارد که چیزی بر این اصل اضافه شود.

نایب رئیس – مشکرم عنایت کنید آقای رحمنی آن پاسخی که داده میشود و بیان آقای هاشمی نژاد هم کمک می کند اینست که وقتی میگویند کتب درسی باید به این زبان باشد معلوم میشود کتب درسی عمومی است چون بالا هم کلمه مشترک را با تعییر آقای مؤبد داشت. (رحمنی – عمومی بنویسید) یعنی بنویسیم «و کتب درسی عمومی؟» (عده‌ای از نمایندگان – متن قبلی بهتر است و لزومی ندارد). بنابراین بنظر عده‌ای از حاضرین متن اصلی مناسب است و آنرا به رأی میگذاریم. آقای ربانی بفرمائید.



ربانی شیرازی— کتب درسی را بردارید چون آنکه منحصرآ باشد به زبان فارسی باشد متون و استناد دولتی است یعنی عربی آن عربی و انگلیسی آن انگلیسی و فارسی آنهم فارسی است.
نایب رئیس— آقای ربانی شما چرا کم توجهی میکنید؟ یک وقتی در یک مدرسه کتاب انگلیسی تدریس میکنند معلوم است که کتاب انگلیسی است. آیا کتاب ریاضیات یا جانور شناسی و یا گیاه شناسی را مقید میکنید که همه جا به زبان فارسی باشد یا تجویز میکنید که کتاب ریاضیات، جانورشناسی و یا گیاه شناسی و غیره به زبانهای مختلف باشد؟ (منتظری) یک وقت است که کتاب ترجمه نشده است. آن مورد عمومی است و اشکال ندارد. بنابراین بنظر اکثر دوستان عبارت کافی است آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی— آقایان توجه بفرمائید که یک حلقة اتصالی برای حفظ وحدت ملی در مملکت لازم داریم اگریندا شود در همنطقه‌ای کتابهای درسی به زبان آن منطقه تنظیم بشود، از هم فاصله میگیریم. بنابراین وحدت ملی متزلزل میشود و این جمله «کتب درسی» واجب است باشد.

نایب رئیس— آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش— اگر صلاح میدانید برای اینکه هیچگونه سوء استفاده‌ای از متون کتابهای اضافه شود و تدریس ادبیات آنها در مدارس طبق برنامه وزارت آموزش و پرورش در کنار زبان فارسی انجام شود.

نایب رئیس— این که معلوم است که همه چیز طبق برنامه وزارت آموزش و پرورش خواهد بود. آقای مولوی عبدالعزیز بفرمائید.

مولوی عبدالعزیز— اگر کسی بخواهد عربی بخواند آیا دولت برای او معلم عربی میگیرد یا خیر؟ و یا اگر کسی بخواهد زبان بلوجی بخواند آیا دولت ملزم است که برای او معلم بلوجی بگیرد یا خیر؟

نایب رئیس— بله دولت موظف است یعنی وقتی آنها حق داشتنند این زبان را تدریس کنند دولت موظف است چیزی را که آنها حق دارند برایشان تهیه کند. (مولوی عبدالعزیز— یعنی هم کتاب و هم معلم باید تهیه بکنند؟) بله، من متن را یکبار دیگر میخوانم تا نسبت به آن رأی گرفته شود:

اصل ۱ (اصل پانزدهم)— زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. استناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است. لطفاً گلدانها را برای رأی ببرید.

(در این هنگام رأی گیری و شمارش آرا بعمل آمده و نتیجه بشرح زیر اعلام شد.)

نایب رئیس— عده حاضر در جلسه شصت و هفت نفر که البته آقای غفوری چند روزی است در مسافت هستند یعنی فقط دو نفر غایب داریم. موافق شصت و دو نفر مخالف هیچ و متنع پنج نفر، بنابراین اصل ۱ تصویب شد. (تکییر نمایندگان).

۶ - طرح اصل ۲

نایب رئیس— اصل ۲ را قرائت میکنم:



اصل ۲۲— از آنجا که زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان در تمام سطوح آموزشی باید تدریس شود.
اولین سوالی که پیش می‌آید اینست که میخواهند شامل ابتدائی هم بشود یا نه؟ اجازه بفرمائید نام کسانی که میخواهند صحبت کنند یادداشت شود و آقای کیاوش از گروه مربوط درباره این اصل به سوالات پاسخ میدهد.

کیاوش— بسم الله الرحمن الرحيم. برای پیش بردن سپر در میدان جنگ باید بینند که ضربه‌ها از کجا وارد میشود تا سپر را در مقابل آن ضربه‌ها قرار بدهند. یکی از ضربه‌هایی که به اسلام در طول تاریخ خورده است، دور کردن مسلمانان طبق یک برنامه خاصی از زبان قرآن بود، یعنی از خود قرآن که خلاصه بیشد در زبان قرآن. مرحوم روزبه (مدیر سابق دیرستان علوی) سه یا چهار سال پیش ما را جمع کرد و گفت برنامه خاصی را در وزارت آموزش و پرورش طاغوتی‌ها بی‌ریزی کرده‌اند و میخواهند زبان عربی را بردارند. بعد هشدار داد که می‌ارزد در مقابل این برنامه شهید شد. خدایش بیامرزد با آن بینشی که داشت و با آن بچه‌هایی که بیار آورد جا داشت که اسمش را اینجا برم. حالا ضربه‌ای که ما خوردیم در اثر نداشتن این زبان بود. چون آمدند و قرآن را برای ما خواندند بدون اینکه بچه‌های ما بتوانند خودشان بخوانند و بعد هر طور که خواستند برای ما معنی کردند و ناچار گمراحت شدیم. اجازه بفرمائید من یک آیه‌ای را عنوان کنم چون فکر نمی‌کنم دیگر فرصتی برای من بشود که اینجا بیایم و حتی قول هم میدهم تا آخرنیایم ولی اینجا این جمله را باید بگوییم، مثلاً آیه را خواندند بدون اینکه بچه‌های ما بتوانند خودشان بخوانند «انفقوا فی سبیل الله و لاتقوا بایدیکم الى التلهکه» گفته‌یم معنی بکنید، نمیتوانستیم که معنی کنیم یا اعراب آن را درست بفهمیم «انفقوا فی سبیل الله» را اینطور معنی کردن هر چقدر دارید پول خرد بکنید و در شباهی جمعه یا صبح به صبح که از خانه به سر کار میروید هرگذای میتوانی هم که آمد جلوی شما یک سکه کف دست او بگذارید که این شد معنای «انفقوا فی سبیل الله» و یا شله زرد پیزید و خیرات بکنید و کارهای از این قبیل «ولا تلقو با یادیکم الى التلهکه» خود را با دست خود بهلاکت نیندازید یعنی هرجا دیدی وضعیت خراب است یا باد کنکی در رفت بل افضلله فرار کن نه با صدای تیر فقط با صدای باد کنک. در اثر این نوع عدم آشنائی با قرآن که از آن اصل ناشی میشد هیچکس نمیتوانست خودش قرآن را بخواند، آیه جهاد به آیه فرار و اتفاق به گدا پروری تبدیل گردید و آیه جهاد « ولا تلقو با یادیکم الى التلهکه» که دنبال «انفقوا فی سبیل الله» است آیه فرار نشد در حالیکه در اول اشاره کرده بود به یک اتفاق و رفع تبعیضات و پرکردن تمام خلاهای طبقاتی که اگر اینکار انجام نشود آیه بیست و چهارم از سوره را شامل میشود «ان الله لا یهیدی القوم الفاسقین» که اول آن را خودتان میدانید و قسمت دوم آیه ارتباط با قسمت اول آیه داشت که اگر شما این چنین اتفاق نکنید خود را با دست خود بهلاکت انداخته اید. بنابراین اتفاق بکنید و تضاد طبقاتی را بردارید در حالیکه با دادن همان یک ریال و دوریال و پنج ریال تضاد طبقاتی ایجاد شده بود آنهم فقط بعهده مفسرین. خود من گرفتار بیهایم این میشود که برای خواندن و حفظ کردن یک آیه یک ساعت وقت صرف کنم برای اینکه چیزی از صرف و نحو نمی‌دانم، ما استناد کرده‌ایم که قوانین ما مبتنی بر کتاب خدا و سنت و احادیث ائمه معصومین علیهم السلام است. بنابراین اگر بچه نتواند بخواند چگونه اسکان دارد که این



احادیث را یاد بگیرد. خود من روشنی دارم که خود ستائی هم نیست و از پانزده سال پیش تا بحال امتحان هم کرده ام که علت آن را بعداً خواهیم گفت، خواندن زبان عربی را فقط در یکساعت و نیم برای آنها یکه فقط کلاس دوم را خوانده باشند یعنی فقط الفبا را بلد باشند، میشود خواندن این زبان را یاد داد و یکبار هم من این مطلب را در حوزه علمیه قم گفتم. پس اگر ایراد بگیرند و بگویند زبانی است مشکل و آموزش آن برای بچه ممکن نیست میشود عمل اثبات کرد که چنین چیزی نیست. پس زبانی را که بشود در یکساعت و نیم یادگرفت آنهم زبان اصیل حکومت جمهوری اسلامی چرا باید به بچه ها یادنده هیم که هم بتوانند آیات قرآنی را یاد بگیرند و هم فرموده ائمه معصومین علیهم السلام را و بعلاوه یکی از برنامه های این حکومت که باید این باشد که وحدتی در زبان بوجود آورد. اگر قرآن میفرماید که از آیات خدا است که قرآن را به زبان عربی نازل کرده این در خور تعلق فراوان است و در دنیاولین زبان است به تصدیق زبان شناسان که شما باشید. (نایب رئیس - آقای کیاوش وقت جنابعالی تمام شد). اجازه بفرمائید یک جمله دیگر عرض کنم. (نایب رئیس - خواهش میکنم بفرمائید). حتی علاوه بر این ما نوشته بودیم آگر نامه ای به همسایگان مسلمان مانوشه میشود آن نامه هم به زبان عربی نوشته شود که آن نوشته اینجا حذف شده است. (یکی از نماینده گان - پیشنهاد کرده بودند). بلی پیشنهاد شده بود که دنبال این اصل نوشته شود که اگر نامه های رسمی دولتی به کشورهای عربی نوشته میشود به زبان عربی نوشته شود و منتظر ما از تمام سطوح این بود که از کلاس اول راهنمائی تا آخر دوره راهنمائی تدریس شود. (نایب رئیس - اجازه بفرمائید چون این در تمام سطوح نیست بلکه غیر از ابتدائی است و باید مشخص شود که میخواهید در راهنمائی و دبیرستان و دانشگاه و در همه کلاسهای تدریس شود؟) خیر منظور ما دانشگاه نبود.

نایب رئیس - پس فقط منظور تان راهنمائی و دبیرستان بود؟

کیاوش - بلی و خود آقای روزبه که از ایشان اسم بدم معلم ما بودند و در کلاس چهارم، عربی را خیلی خوب یاد میدادند و تاریخ هم نشان داده که علمای ما در دوازده یا سیزده سالگی این زبان را یاد می گرفته اند یعنی آگر از کلاس چهارم هم تدریس شود اسکان یاد دادن آن هست.

نایب رئیس - خواهش میکنم تشریف داشته باشید چون از طرف گروه تان دارید توضیح میدهید و ما باید این متن را اصلاح کنیم. اینجا آگر آن نظری باشد که جنابعالی میگوئید بجای تمام سطوح آموزش باید نوشته شود «در دوره راهنمائی و دبیرستان» (یکی از نماینده گان - چون سیستم در حال تغییر است اجازه بفرمائید بنویسیم «پس از دوره ابتدائی»). یعنی شامل دانشگاه هم میشود؟ (یکی از نماینده گان - خیر).

کیاوش - در دانشگاه بعضی از دروس و رشته های تخصصی ایجاب میکند که این زبان جزو رشته تخصصی شان باشد اما در بعضی از سطوح لزومی ندارد چون مثلاً کسی که سکانیک یا فیزیک میخواند دیگر احتیاجی به این زبان ندارد اگر دوره متوسطه را خوب خوانده باشد و بفرض اینکه احتیاج پیدا کند ان شاء الله بعد از این هم به کتابهای علمی احتیاج پیدا خواهد کرد در همان دوره کافی است که از آن استفاده کند.

نایب رئیس - چون شما به عنوان سخنگوی گروه صحبت میفرمایید اجازه بدھید بنویسیم



«این زبان در دوره راهنمائی و دبیرستان یا دوره‌های معادل اینها باید تدریس شود.»
کیاوش—بلی پیشنهادگر و ما همین است.

نایب رئیس—آقای ربانی بفرمائید.
ربانی رانکوهی—بنویسید راهنمائی و متوسطه.

نایب رئیس—الآن راهنمائی و متوسطه نیست اصطلاح فعلی دبیرستان است آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی—عبارت «در تمام سطوح» شامل ابتدائی و همچنین بالاتر از دبیرستان هم میشود منتها نگفته در تمام کلاسها بلکه در تمام سطوح است یعنی اگر از کلاس چهارم به بالا خوانده شود و همچنین در بعضی از کلاس‌های دانشگاه هم تدریس شود، میشود در تمام سطوح.

نایب رئیس—خیر آقای مکارم، معناش این نیست، آقای ربانی سؤالتان را بفرمائید.
ربانی املشی—زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلامی عربی است اگر این علت باشد اینرا که شما بفرمائید که در دانشگاه، مثلا در دانشکده چه لزومی دارد تدریس شود مگر ما خواستیم که عربی بخطار دانشکده فنی و تعلیماتی را که در آنجا دارند تدریس شود بلکه بخطار اینکه فرهنگ ما قرآن و اسلام است میگوییم مسلماً باید در تمام سطوح تدریس شود و چه مانعی دارد که حتی از کلاس اول تدریس شود؟ ما می‌بینیم که در کشورهای مستعمره انگلیس از کلاس اول زبان انگلیسی تدریس میشود و در ایران هم در دوره ابتدائی از کلاس اول تدریس می‌شود. حالا ما این زبان انگلیسی را به زبان قرآن تبدیل میکنیم.

نایب رئیس—آقای کیاوش حضرت عالی هم فرمایشتان را بفرمائید چون پیدا است که سواله بیش از این حرفه است و باید موافق و مخالف صحبت کنند. سؤالاتی در این زمینه هست که من فکر میکنم این سؤالات یک مقدار اش به تخصص در مسائل تعلیم و تربیت و برنامه ریزی کتاب در مدارس مریوط میشود. بنابراین خوبست آقای دکتر باهنر تشریف بیاورند و به این سؤالات در رابطه با آنچه تجربیات چندین ساله در این زمینه در اختیار ایشان گذاشته باشند. لطفاً هر کسی سؤالی دارد دست بلند کند. آقای قرشی بفرمائید.

قرشی—وقتی که ما زبان عربی را به جهت قرآن در تمام سطوح لازم میدانیم که تدریس شود چرا تدریس خود قرآن را در همه سطوح لازم نمیدانید؟

نایب رئیس—این مورد انجام شده است البته در قانون اساسی لازم نیست باید بلکه در قوانین بعدی خواهد آمد. (هاشمی نژاد—اجازه بفرمائید که خود آقای دکتر باهنر نظرشان را بگویند بینیم که نظرشان مثبت است یا منفی). آقای دکتر باهنر بفرمائید.

دکتر باهنر—زبان عربی را به عنوان زبانی دینی و قرآنی میخواهیم یاد بگیریم که این زبان باید بعد از یادگرفتن زبان فارسی تدریس شود. برای اینکه در هر حال هر ملتی یک زبان بومی، محلی یا خانوادگی دارد که میخواهد با آن صحبت کند و نیازهای عمومی اش را رفع کند و مطمئناً پیشنهاد آقایان این نیست که زبان عربی بصورت زبان بومی و یا زبان محلی یا زبان محاوره‌ای در بیاید که توقع این نیست، یعنی ما یک زبان محاوره‌ای داریم که باید با آن صحبت کنیم و برای یادگرفتن زبان محاوره‌ای باید در دوره ابتدائی رویش کار شود البته بعضی اظهار نظر میکنند که انسان میتواند همراه زبان محاوره‌ای یک زبان دوم هم باید بگیرد



منتها این نظر از نظر عده زیادی مردود است ولذا این بحث هم الان است و آنها ایکه زبان انگلیسی را در مدارس ملی تدریس میکنند و آنهم وسیله ایست که بتوانند از این راه ازاولیاء دانش آموزان پولی به جیب بزنند که این را کارشناسان مردود میدانند و میگویند بچه چند سال اول باید زبان محاوره‌ای خودش را خوب یاد بگیرد و آن را با زبان دیگری آمیخته نکند. بنابراین در دوره ابتدائی باید زبان محاوره‌ای خودش را بدون آمیختگی با زبان دیگری یاد بگیرد. البته خواهید گفت زبان محاوره‌ای ما که زبان فارسی همراه با کلمات عربی است که این کلمات الان جزو زبان بومی ما شده است و این را نمیشود در ردیف زبان دوم قرار داد چون خودش جزو زبان فارسی و محاوره‌ای ما است. بنابراین پیشنهاد اینست که در دوره ابتدائی همان زبان فارسی را تعلیم بدھیم. البته آموزش تعلیمات دینی و قرآن مسأله دیگری است و از نظر محتوای فرهنگی چه مسائلی را باید یاد بدھیم باز هم بحث دیگری است. چون صرفاً اینجا بحث زبان است، پیشنهادی که آقای قرشی راجح به قرآن دادند بحث دیگری است که در جای خودش باید مطرح شود ولی در اینجا بحث زبان آموزی است و باید بگوئیم که در دوره ابتدائی فقط باید زبان فارسی را یاد بدھیم و همانطور که عرض کردم اصطلاحات زبان عربی هم که جزو زبان فارسی است بتدریج در ادبیات فارسی در دوره ابتدائی برای دانش آموزان سشتقات و خصوصیاتش بیان میشود، اما در واقع همان آموزش زبان فارسی است اما از دوره راهنمائی و متوسطه ما میتوانیم زبان عربی را خوب یاد بدھیم چون زبان بومی و مادری خوب جا افتاده است و حالا طفل بدون اینکه زبانش آمیخته شود میتواند زبان عربی را یاد بگیرد و این زبان عربی را در دوره متوسطه شروع میکنیم. البته ما الان راهنمائی و دیرستان داریم ولی شاید در آینده تغییراتی داده شود و ما تعبیر راهنمائی را در آینده حذف کنیم لذا باید تعبیراتی بگذاریم که بتواند از حدود سال پنجم یا ششم تا پایان تحصیلات دیرستانی را شامل شود و در این دوره میتوانیم زبان عربی را خوب یاد بدھیم و اگر بتوانیم برنامه ریزی صحیحی بکنیم و جزو برنامه عمومیان بیاوریم نه جزو دروس اختصاصی، همانطور که زبان فارسی را یاد میگیرند زبان عربی را هم بخوانند، ما موفق خواهیم شد طی شش سال هفتاهی دو سه ساعت زبان عربی را بخوبی یاد بدھیم و دیگر احتیاجی نیست که وقتی شخصی وارد دانشگاه میشود و میخواهد رشته پزشکی یا رشته فنی را بخواند مجدداً باید زبان عربی را یاد بکشد. همانطور که در سوره آموزش زبان فارسی هم در رشته های تخصصی دانشگاهی این بحث هست و در رژیم سابق هم چون اصرار داشتند که یک چیزی را علم کرده باشند، مسأله ملی گرائی و فرهنگ قومی را مطرح میکردند و تأکید داشتند در همه رشته ها و تا آخرین سالهای تحصیلی زبان فارسی را یاد بدھند و معلوم بود که یک شعار و لعای است از یک نوع قوم گرائی و ملی گرائی، به هر حال زبان عربی در رشته های تخصصی دانشگاهی لازم نیست مگر رشته تخصصی که احتیاج به عربی داشته باشد مثلا حقوق و ادبیات فارسی و فلسفه که لازم است از متون عربی استفاده کند که در سطح تخصصی عربی را یاد میگیرد. بنابراین اگر ما بتوانیم در این اصل از قانون اساسی پیش بینی لازم را بکنیم میتوانیم در دوره متوسطه زبان عربی را بیاموزیم که نه در دوره آموزشی زبان مادری و نه در دوره تخصصی باشد بنابراین هدف ما برآورده خواهد شد و گرفتار نوعی برهمنبار کردن برنامه ها در رشته نخواهیم شد. این خلاصه توضیح من است.



اشراقی — اگر در دوره ابتدائی پایه‌گذاری نشود در دوره متوسطه هرگز نمی‌خوانند بنابراین باید آموزش از دوره ابتدائی پایه‌گذاری شود.

نایب رئیس — آقای اشراقی چون نوبتان هم رسیده است بفرمائید صحبت کنید.

اشراقی — بسم الله الرحمن الرحيم. در این دوره شصت سال اخیر که البته مردم شصت سال قمری است از کودتا تا انقلاب، بنا بود که زبان فارسی ترویج شود و مراد زبان فارسی نبود بلکه ترویج یک مذهبی بود که حالاً کاری به آن نداریم و ایضاً بنا بود زبان قرآن و زبان اسلام بکلی از بین برود که در مدارس بهیچ عنوان بهای امر عناوی نشد. البته در برنامه هایشان مثلاً هفته‌ای دو ساعت برای آموزش قرآن در نظر گرفته شده بود ولی عملاً در این شصت سال ندیدیم که افرادی قرآن بخوانند و نتیجه‌تاً ملاحظه فرمودیم که دکترها یا وزرائی بودند که وقتی می‌خواستند یک جمله عربی بخوانند غلط می‌خوانند و الان هم در رسانه‌های گروهی چون افرادی صالح و با سواد گیرشان نیامده احیاناً جملات قرآنی را غلط می‌خوانند. البته ما آخوندها میدانیم که غلط خوانده است واشکالی هم ندارد اما دیگران و ممالک دیگر اینها را می‌شنوند و می‌بینند که آقای وکیل یا آقای وزیر یک عبارت عربی را غلط خوانده و عذرشان مقبول است چون نخواسته اند بخوانند وای بسا افرادی را مشاهده کرده‌ایم که به مجلس ترحیم که می‌آیند نمیدانند قرآن را چطوری دست بگیرند. چون نمی‌خواستند این قرآن بماند، چون نمی‌خواستند اسلام بماند. روی این اصل باید این ماده را بگذرانید و ایضاً از همان مقدمات و دروس ابتدائی البته در دروس ابتدائی می‌توان به یک صورت‌هایی که نوآموز زبانش استعداد پیدا کند تدریس کرد. اگر در دوره ابتدائی زبانش استعداد پیدا نکرد در دوره‌های بالا نمی‌تواند بخواند و نمی‌خواند مگر افرادی که استعدادهای قوی دیگری دارند که آنهم مطلب دیگری است مثلاً آقایان مطالی راجع به خواندن قرآن گفتند آقای کیاوش خیلی عالی فرمودند ولی نظرشان این بود که ما تفسیرات قرآن را نفهمیدیم. البته خیلی تفاسیر هست که تا این دوره آنها را یک جور گرفته‌ایم و اما بعد از این بطور دیگری از این آیه برداشت خواهیم کرد. مثلاً اگر در آن دوره می‌گفتم «واجعلناللمتقين اماماً» فوراً گفته می‌شد که این یک قرائت شاذ و نادر است که گفته می‌شود «و اجعل لئامن المتقين اماماً» چون استعداد لازم در مانود اما بعد از این که استعداد زیادتر شد می‌توانیم با کمال شهامت بگوئیم «واجعلنا للمتقين اماماً» و باید طوری خودمان و مسلمانان دیگر را بار بیاوریم که علاوه بر فهم صحیح قرآن در صفو اول دنیا قرار بگیریم و چون از مسلمین استعدادهای گرفته شده بود آن تفاسیر دور و دراز را می‌آوردند و در اختیار ما می‌گذاشتند. من مطلب را اطالة ندهم و بعضی از آقایان هم نگویند که صورت خطابه بخود گرفته است. باید جدیت شود که این اصل گذرانده شود و از سطوح ابتدائی تا سطوح عالیه عمل شود. والسلام عليکم و رحمة الله.

نایب رئیس — آقای دکتر باهنر اگر درباره دشواری فنی و عدم امکان اینکار توضیحی دارید بفرمائید. البته دوستان عنایت بفرمایند که این مسأله یک مسأله فنی است و اگر حساب شده نباشد تمام قانون را متزلزل می‌کند. من باز به عنوان یک فرد صاحب نظر وظیفه دارم نظر خودم را اعلام کنم که الزام تدریس عربی در دبستان و دانشگاه امیریست غیر عملی، من فقط نظرم را گفتم.

دکتر باهنر — برای اینکه الان باز هم معطل نشویم من یک جمله را پیشنهاد می‌کنم.



(فاتحی - زبان عربی و تعلیم قرآن بنویسیم).

نایب رئیس - خیر آقا منظور زبان عربی است چون قرآن که تدریس میشود . (فاتحی - ما فی نفس لزومی به یادگرفتن زبان عربی نداریم مگر در روند پادگرفتن قرآن) آقای فاتحی اصلاً بحث زبان عربی است .

دکتر باهنر - من جمله‌ای را پیشنهاد میکنم که میتواند مسأله را حل کند یعنی بنویسم « این زبان بر اساس برنامه‌ای که تدوین خواهد شد در مدارس تدریس شود » یعنی ما حالاً نمیتوانیم به تفصیل وارد سطوح شویم و اجمالاً باید عنایت فوق العاده‌ای به آن بشود . اما اینکه الان بخواهیم سطوحش را مشخص کنیم کار مشکلی است .

نایب رئیس - آقای دکتر ضیائی بفرمائید .

دکتر ضیائی - این زبان بهمان دلیل که آقایان فرمودند پایه و فرهنگ دین ماست و مطلب دیگر اینکه زبان عربی در ادبیات فارسی ما چنان دخیل شده که مجزا کردن زبان عربی از زبان فارسی مقدور نیست و اگر بخواهیم یک نویسنده و یا یک مؤلف خوب و یا یک سخنران خوب داشته باشیم باید همانقدر به زبان فارسی آشنائی داشته باشد که به زبان عربی سلط دارد ، برای اینکه شما میبینید اغلب کلمات فارسی چه در نوشتن و چه در بیان کردن جملات و کلمات عربی است و شما مکرر دیده‌اید که **مُتَّهِم** را **مُتَّهِم** میخوانند و **مُتَّهِم** را **مُتَّهِم** و **مُسْتَنِد** را **مُسْتَنِد** میخوانند و **مُسْتَنِد** را **مُسْتَنِد** در کلمات فارسی **قِيَام** را **قِيَام** میخوانند و نمی دانند چطور بخوانند . بنابراین زبان عربی بمنزله قوام اصلی زبان فارسی است و بنظر من باید از سطح ابتدائی در حدود استعداد نوآموذان تدریس شود تا اطفال آمادگی به یادگرفتن زبان پیدا کنند و به تحصیل زبان عربی و تکمیل معلوماتشان پردازنند و در دوره متوسطه و دوره عالی و در سطح دانشگاه همانطوری که زبان‌های انگلیسی و فرانسه اجباری است و دانش آموزان و دانشجویان مجبورند یاد بگیرند ، زبان عربی هم اجباری شود . اگرچه فرمودید اینکار غیر عملی است ولی همانطور که زبان‌های دیگر عملی است ، زبان عربی هم که از احتیاجات روزمره است عملی خواهد بود و اگر برای اسال المکان پذیر نیست برای سالهای بعد اشکالی ندارد که مانند زبان انگلیسی اجباری باشد .

نایب رئیس - پیداست که آقایان دو مسأله را با هم مخلوط میکنند ، بنا براین توضیح میدهم مطلب اول که فرمودید ، در مورد قواعد اشتاق و برخی قواعد حرف است که داخل زبان فارسی شده ، این یک مطلب است و یادگرفتن زبان عربی مطلب دیگری است و خیلی با هم فرق دارد و میشود آنرا در کتابهای ادبیات فارسی هم جزو دستور مربوط به زبان فارسی در حد ضرورت وارد کرد . راجع به دانشگاه هم توجه بفرمایید اگر شخصی خواست بجای انگلیسی عربی بخواند که اشکالی ندارد همچنانکه بجای انگلیسی فرانسه یا آلمانی میتواند بخواند اما اینکه الزام باشد که همه دانشجویان باید زبان عربی بخوانند و الزاماً همه دانش آموزان باید در مدارس ابتدائی زبان عربی بخوانند فقط یک نتیجه دارد و آن منتفر کردن نوباوگان از این زبان ارزنده است .

ربانی شیرازی - از کلاس سوم و چهارم دیگر میتوانند بخوانند زیرا وقتی است که به زبان مادری آشنائی پیدا کرده و گرفتار آن زبان نیست و میتواند عربی را بیاموزد .



نایب رئیس—آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — بسم الله الرحمن الرحيم . من بخاطر هست که سابقاً عربی را جزو برنامه دیپرستان ها قرار داده بودند ولی عملاً باينکه زبان عربی اجباری هم بود دیپلمه ها دو کلمه عربی هم بلد نبودند بخوانند . بنابراین بنظر من متن این اصل کافی نیست . من پیشنهاد میکنم که اینطور نوشته شود «از آنجا که زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلام عربی است و ادبیات فارسی با آن آمیخته است این زبان در دوره راهنمائی و دیپرستان باید بنحوی تدریس شود که محصل پس از فراغت از دیپرستان بتواند از متون عربی به آسانی استفاده نماید و نامه های رسمی جمهوری اسلامی ایران یا کشورهای اسلامی نیز به این زبان باشد». بنابراین اگر قرار باشد مثل سابق دو کلمه (ضرب و ضرب) بنویسیم فایده ای ندارد و باید پایه اش را محکم کنید.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید مثل این که بحث ما در این باره طولانی است و خوب بختانه دوستانی مثل آقای اکرمی هستند که در این زمینه تجاربی دارند و خواستند در این زمینه صحبت کنند و وقت جلسه هم دارد تمام میشود و نامه ای هم از رادیو تلویزیون در پاسخ سؤال دوستان داریم که باید خوانده شود و البته امروز توفیق داشتیم که چهار اصل را تصویب کنیم و روی چند اصل هم بحث شود و امیدوارم که با کار فردا بتوانیم نتیجه بیشتری داشته باشیم و اصول بیشتری را برسی و تصویب کنیم.

از رادیو تلویزیون نامه ای نوشته اند که : «پس از اسلام درید و تشکیل، آن مجلس محترم نامه ای به رادیو تلویزیون مبنی بر درخواست ضبط و پخش مذاکرات آن مجلس از رادیو و تلویزیون رسید که در ظرف بیست و چهار ساعت کلیه وسائل کار فراهم و به آن مجلس گسیل شد و ما برای پخش مستقیم مذاکرات نمایندگان کانال دوم رادیو و کانال دوم تلویزیون را در نظر گرفتیم که مستقیماً مردم ایران را در جریان آنچه که در داخل مجلس میگذرد، بگذاریم . از آن روز تا چندی بنا به تصمیم نمایندگان محترم جلسات مجلس سری اعلام شد و طبیعتاً امکان ضبط و پخش آنها امکان پذیر نبود» توضیح میدهیم که مذاکرات مجلس در آن روزها سری نبود و آن یک هفته مربوط به انتخاب گروهها بود و اصلاح مجلسی نداشتیم که مذاکراتش سری یا علنی باشد، اینست که این برداشت صحیح نیست . ولی پس از آن کلیه مذاکرات مجلس ضبط شده و مختصراً از آن از بخش اخبار پخش شده است و این امر با توجه به نظر معاونت مجلس بود و اینکه شاید پخش کلیه مذاکرات مجلس مفید نباشد» من این را باید پرسم که ایشان بفرمایند این نظر را از کجا گفته اند که من گفته ام پخش کلیه مذاکرات شاید مفید نباشد . چون من نه کتابچین نظری فرستاده ام و نه شفاها به کسی گفته ام . (یکی از نمایندگان — لابدان قسمتی که خود جنابعالی راجع به ولايت قبیله صحبت کرد يد آنهم همان قسمتی بود که لازم نبود پخش شود .) بلی نشانه اش همان است . «اخیراً جمعی از نمایندگان و عده ای در خارج اصرا ردارند که کلیه مذاکرات مجلس از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شود و جمعی دیگر معتقدند که کار باید به روال گذشته باشد و قسمتهای کمی از آن برای اطلاع عموم منتشر گردد .

به هر صورت کلیه مذاکرات مجلس را تاکنون ضبط کرده ایم و چون از نظر تاریخی این مجلس بینهایت مهم است ، معتقدم که کلیه این مذاکرات باید ضبط گردد در عین حال با تجربه ای که داریم و اعتراضات ضد و نقیضی که به ما میرسد و جمعی ما را متهم به سانسور

مطلوب میکنند و جمعی دیگر ما را متهم میکنند که کس یا کسانی را به دیگران ترجیع داده و مذاکرات آنها را پخش مینماییم. لذا با توجه به جو مسمومی که از لحاظ وجود شایعات در تمام زمینه ها موجود است از آن مقام محترم استدعا داریم :

۱- نظر آن مجلس محترم را راجع به نحو پخش از صدا و یا سیمای جمهوری اسلامی ایران بطور کامل یا ناقص مشخصاً و رسمآ تعیین و اعلام دارید.

۲- اگر اراده مجلس بر این قرارگرفت که بخشی از این مذاکرات منتشر شود لازم است نمایندگان تام الاختیار از خود آقایان تعیین گردد تا آنچه که باید منتشر شود یا نشود خود تعیین فرمایند تا مسؤولیتی متوجه ما نباشد.

۳- نمایندگان محترم عنایت و توجه داشته باشند که پخش مطالب در صورتی که تصویب گردد در حالت وسیع آن از کانالهای دوم رادیو و تلویزیون اسکان پذیر است و در ساعت هائی که مجلس در حال تشکیل میباشد «یعنی بعداً دیگر پخش نمیشود»، و از همینجا همانطوری که در رادیو پخش میشود از کanal دوم تلویزیون هم پخش کنند. « باعرض احترام مجددآ امیدوارم که آن حضرت هر چه زودتر در این مورد تصمیمات لازم را اتخاذ و برای اجرا به ما ابلاغ دارند.»

خوب نظر دوستان اینست که قسمتی پخش شود و یا شبهای قبیل از اخبار یا بعد از اخبار باشد چون در این زمانها همه مذاکرات را نمیشود پخش کرد ، بنابراین باید برای تعیین این قسمت فکری شود یا نظر اینست که مستقیماً همه اش پخش شود؟ (مکارم شیرازی . در کمیسیون مشترک تصمیم گرفته شود بهتر است .)

۷ - پایان جلسه

نایب رئیس - بنابراین ، اینرا فردا مطرح میکنیم که آقایان هم درباره آن دقت و مطالعه کرده باشند. فعلاً جلسه را ختم میکنم. فردا صبح ساعت هشت و سی دقیقه جلسه مشترک گروهها تشکیل میشود و ساعت ده و سی دقیقه جلسه علنی خواهیم داشت.

(جلسه ساعت نوزده و پانزده دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی - دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه بیست و سوم

صورت مشرح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت یازده روزیستونهم شهریورماه ۱۳۵۰ هجری شمسی
برابر با بیست و هشتم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

- ۱- اعلام رسیدت جلسه و قرائت اسامی خایین و دیرآمدگان جلسه قبل
- ۲- طرح و تصویب اصل ۲۲ (اصل شانزدهم)
- ۳- طرح و تصویب اصل ۲۳ (اصل هفدهم)
- ۴- طرح اصل ۲۴
- ۵- پایان جلسه





۱- اعلام رسمیت جلسه و قرائت اسمای غائبین و دیرآمدگان جلسه قبل

نایب رئیس - جلسه رسمی است، اسمای غائبین و دیرآمدگان جلسه قبل قرائت میشود:
غائبین آفیان: انواری - سحابی، نمایندگانی که تأخیر داشتند، آفیان: بیت اوشانا ۳۰
دقیقه - حائزی ۶۸ دقیقه - خادمی ۸۸ دقیقه - ضیائی ۳۶ دقیقه - طاهری اصفهانی ۱۹
دقیقه - عرب ۳۱ دقیقه - فارسی ۸۸ دقیقه - مقدم مراغه‌ای ۹۲ دقیقه - موسوی اصفهانی ۲۰
دقیقه - میرمرادزه‌ی ۳۷ دقیقه - هاشمی نژاد ۳۷ دقیقه.

۲- طرح و تصویب اصل (۲۲) (اصل شانزدهم)

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. اصل بیست و دو مطرح است. درباره این اصل دیروز بحث شد و نظراتی داده شد که بر طبق آن نظرات درباره‌اش باید اصلاحاتی داشته باشیم و امروز این اصل را با اصلاحات به رأی بگذاریم. آیا خود گروه دوم متن اصلاح شده‌ای را آورده است که مطرح کنیم؟ (مکارم - یک اصلاحیه فرستاده‌ام خدمتستان). (اکرمی - بندۀ دیروز وقت برای صحبت گرفته بودم به من اجازه ندادند). آفیان منشی‌ها نوبت را می‌نویسند، من که وقت‌ها را تعیین نمیکنم. آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش - در مورد زبان عربی که دیروز بحثش بود این زبان عربی در تمام رشته‌ها باید باشد زبان عربی تا حالا تا کلاس سوم تدریس می‌شد از کلاس سوم به بعد چون رشته‌ها تغییر میکرد این رشته قطع می‌شد و دیگر زبان عربی تدریس نمی‌شد بنابراین باید نوشته شود: «در تمام رشته‌ها». مسئله دیگر اینکه طبق روش سابق زبان عربی جزء گروه ادبیات بود و مواد گروه ادبیات عبارت بود از املاء و انشاء فارسی و غیره، اگر محصلی از این گروه نمره قبولی آورده بود ولی در زبان عربی مثلاً نمره دو می‌آورد قبول میشود پیشنهادم این است که این زبان به صورت مستقل با نمره مستقل ذکر شود.

نایب رئیس - آقای طاهری بفرمائید.

طاهری اصفهانی - من امروز هم عرض کردم و سؤالی داشتم و آن [اينكه] اگر شما برای زبان عربی اصالی قائل هستید بعنوان اينکه چون زبان دین و قرآن و حدیث و سنت ما است پس این عبارت «و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است» زیادی است. آوردن این عبارت اینهم به این شکل که زبان و ادبیات فارسی مА کاملاً با آن آمیخته است اگر نمی‌نوشتم برای آن نقصی بود و یک مسئله دیگر هم همان است که آقای کیاوش گفتند.

نایب رئیس - آقای حجتی بفرمائید.

حجتی کرمانی - من با عنایت به مطالبی که آقای باهنر و جناب منظری فرمودند عرض می‌کنم مسئله‌ای که آقای باهنر گفتند که پچه‌ها در دوران ابتدائی زبان محاوره‌ای یادمی گیرند بنابراین بعداً برایشان اشکال ایجاد می‌کند اینطور نیست پچه‌ها در مدرسه زبان محاوره‌ای یاد



نمی‌گیرند زبان محاوره‌ای را بیشتر از مادرشان و توانی کوچه‌ها یاد می‌گیرند و در مدرسه خواندن و نوشتن را یاد می‌گیرند بنابراین هیچ اشکالی ندارد که این زبان عربی را جزو برنامه پنجه‌ها قرار بدهیم مخصوصاً با توجه به مسأله‌ای که آقای منتظری اشاره کرده است که در گذشته تعلیمات عربی می‌دادند ولی پنجه‌ها یاد نگرفتند اگر چنانچه ما بخواهیم از اول پنجه‌ها بخوبی به زبان عربی آشنا بشوند باید با استفاده از متخصصین فن که کارها را آسان کرده‌اند کاری کنیم که از همان ابتدا و از دبستان همانطور که قبل از توانی فارسی را هم از طریق قرآن یاد می‌گرفتند عربی را از «الف، ب» با قرآن یاد بگیرند و طرحی باید برای این موضوع در نظر گرفته شود. یادم می‌آید جناب آقای مهندس بازرگان یک کتابی داشتند برای تدریس قرآن و آن متدهای که ایشان احیاء کرده بود باعث شده بود که در ظرف شاید بیست و پنج، سی ساعت حتی یک کسی که کتاب فارسی را نمی‌توانست بخواند، قرآن را می‌خواند و معنی اش را هم خوب می‌فهمید، فکر نمی‌کنم آنچه شما دیروز فرمودید که تنفر ایجاد می‌کند اینطور باشد. اگر یک متدهای صحیحی از دوران کودکی در مدارس ابتدائی اجرا شود هم عربی یاد می‌گیرند و هم قرآن و عربی باد گرفتن در دوران دبیرستان تمام می‌شود و فقط بیماند برای کسانی که می‌خواهند در ادبیات عرب یا حقوق و امثال‌لهم متخصص بشوند.

نایب رئیس — آقای منتظری بفرمائید.

منتظری — همانطور که قبل گفتم در گذشته عربی جزو برنامه بود ولی پنجه‌ها چیزی باد نمی‌گرفتند. باید این مطلب چهار میخه شود تا وزارت فرهنگ موظف باشد زبان عربی را در همه کلاس‌های دوره راهنمائی و دبیرستان و در همه رشته‌ها به صورت گروه مستقل که امتحان جدآگاههای داشته باشد تدریس کند چون ما می‌خواهیم در تمام کشورهای اسلامی وحدت اسلامی داشته باشیم، بنابراین، این جهت باید ذکر شود و همچنین برای تقویت وحدت اسلامی باید نامه‌های وسمی کشور جمهوری اسلامی ایران که به کشورهای اسلامی دیگر نوشته می‌شود با این زبان نوشته شود تا کشورهای اسلامی رابطه‌شان با این زبان بهتر حفظ شود.

نایب رئیس — آقای دکتر قائمی بفرمائید.

دکتر قائمی — بسم الله الرحمن الرحيم. بعثنی که راجح به زبان شده از دودیدبارید مورد بررسی قرار بگیرد یکی اینکه آیا اصل آموزش زبان مورد نظر ما هاست یانه، و یکی اینکه این را چطور باید بیاموزیم. آنچه را که بنده اینجا تکیه می‌کنم، تکیه است روی جنبه علمی قضیه و روی جنبه‌های تجربی، اساس بحثمان این است که مدارسی که در تهران و شهرستان‌ها داشتیم که اغلب‌تان آشنا هستید «مدارس اسلامی»، سعی کردیم این را از حدود دمسال قبل بصورت یک امر تجربی در بیاوریم و بینیم چه کردند و چه کاری می‌شود در این زمینه کرد، مسئله آموزش زبان کلا به سه صورت امکان پذیر است: یا بصورت بوسی و محاوره‌ای می‌خواهیم در بیاوریم و پنجه‌ها زبان عربی را در حدی بدانند که حتی بتوانند صحبت کنند، حدیث بفهمند و آیات قرآن را بفهمند و حتی به این زبان صحبت بکنند. اگر چنین نظری است این باید براساس تجارت علمی قبل از سه‌سالگی شروع بشود و گرنه، نه در سطح دبیرستان و نه در سطح راهنمائی امکان پذیر نیست. یکی دیگر اینکه به صورت یک امر تفنتی در بیاورند نمونه آنچه که دیروز آقایان اشاره کرده‌اند. در سطح ابتدائی هم زبان انگلیسی می‌آموختند ولی واقعیت این است که این زبان انگلیسی وسیله‌ای بود برای پرشدن جیب صاحبان مدارس و فریب دادن مردم یعنی پدر و مادر



بیسواند همانقدر که می دید بچه اش می گوید «A.B.C.D» خوشحال می شد و فکر می کرد بچه اش زبان یاد گرفته و آنوقت رقم درشتی را به مدرسه ها میداده، چنین کاری هم امکان پذیر نیست. آنچه را که مامور نظرمان هست این است که اینها زبان را بعنوان یک وسیله و یک ابزار بتوانند بکاربرند. آنچه را که ما تجربه کردیم در تهران و چند شهرستان در این زمینه و آمار گرفتیم این بشرطی امکان پذیر است که بچه ها تا حدود زیادی زبان مادری و حتی دستور زبان را بدانند، کلیه آقایانی که در کشورهای خارج تحصیل کرده اند و سالهای سال آنچه مانده اند آنها هم میدانند که وقتی فردی می برود آنجا زبان دوم را یادگیرید تازه احساس می کند که احتیاج دارد به یاد گرفتن دستور زبان مادری خودش، به هر حال یک بعد مسأله این است که زبان مادری را تا حدودی که بتوانند رفع نیاز بکند و حتی بتوانند در حدیک صفحه انشاء بنویسد این را بیاموزدو از طرف دیگرهم شرط سنی را دیدیم که یک اصل است و یک اصل تجربی است یعنی بر اساس آنچه که ماتجربه کردیم این کارد رکمتر از سن ده سالگی امکان پذیر نیست. آنچه را که جناب آقای حجتی فرمودند که از کلاس اول در مکتب ها می آمدند و آموزش زبان را به وسیله قرآن یاد میدادند باید عرض کنم که دو مسأله است، یک وقت این است که مایخواهیم رو خوانی قرآن را یاد بگیریم و یک دفعه است که ما میخواهیم مفهوم عبارت را هم بفهمیم، در هر حال آنچه را که ما تجربه کرده ایم والان هم بدار کی که در پرونده ها هست نشان میدهد که این کار زودتر از کلاس پنجم اصلاح امکان پذیر نیست با توجه به اینکه شما قصد دارید بچه ها در مدارس فارسی بیاموزند، حساب بیاموزند و علوم تا حدودی یاد بگیرند آنچه که برای بچه ها باقی می ماند سه، چهار ساعت در هفته است با این سه، چهار ساعت امکان آموزش زبان نیست جز از حدود کلاس پنجم ابتدائی، حالا بنده نظرم را عرض می کنم و آقایان هم اگر نظری داشتند می فرمایند. راجع به دانشگاه هم معتقدم اینکار امکان پذیر نیست و درست هم نیست، یعنی یک حالت واژگی برای آنها یکی در رشته علوم هستند بوجود می آورد ولی می شود کاری کرد که آن رغبت در اینها بوجود بیاید اینکار را ماباکمک چند نفر از رفقا و دوستانی که مشورت کرده بودیم در دانشگاه صنعتی (شریف) پیاده کردیم، دانشگاه صنعتی صرفاً دانشگاه علمی است یعنی تمام رشته های مهندسی مثل شیمی و فیزیک و راه و ساختمان و برق آنجا تدریس می شود پس اصلاً مغز بچه ها با فرمول و این جور مسائل آشناست آنجا یک مرکزی را تأسیس کردند بنام مرکز تعلیمات عمومی، در این مرکز علوم انسانی و زبان عربی حتی فقه، حکومت اسلامی، جامعه شناسی، روانشناسی، یعنی دروسی را که اینها در رشته تخصصی خودشان ندارند، آموخته می شود تجربه نشان داده است (چون من خودم آنجا تدریس می کنم عرض می کنم) آنقدر بچه ها علاقه مند هستند و باین رشته آزادانه روی می آورند که قابل حساب نیست و گاهی ماجبور می شویم برای یک کلاس حدی قائل بشویم مثلاً در تابستان گذشته که من درس داشتم... (نایب رئیس - آقای قائمی از مطلب دورنشوید وقت کم است) چشم، می خواهم عرض کنم که حدود ۴۰ نفر در یک کلاس ثبت نام کردند بنابراین اگر قصد این باشد که در دانشگاه عملی باشد بصورت واحد امکان پذیر نیست یعنی اگر جزو واحد درسی باشد امکان پذیر نیست، این یک سرخوردگی ایجاد می کند. بنابراین باید یک مرکزی به این صورت برای بچه ها بوجود بیاورید. البته در رشته های تخصصی مربوط به علوم انسانی اینکار امکان پذیر هست.

نایب رئیس - بسیاری از دوستان اسم نوشته اند که صحبت کنند ولی مادریوز به حد



کافی صحبت کردیم و لآن هم سه پیشنهاد برای کفایت مذاکرات داریم. بنابراین پیشنهاد کفایت مذاکرات را به رأی می‌گذاریم موافقین با کفایت مذاکرات دست بلند کنند (چهل نفردست بلند کردن) تأیید می‌شود.

(بنی صدر) — مادر مورد زبان عربی خیلی حرف داریم.

طاهری خرم آبادی — چرا یک موضوع را که با انقلاب فرهنگی شما ارتباط دارد به این روزی با کفایت مذاکرات دارید تماس می‌کنید؟

صدقی — این چه اصراری است که یک اصلی را که مربوط به دین و مذهب است آقایان نمی‌خواهند راجع به آن زیاد صحبت کنند ولی یک اصلی که مربوط به دین و مذهب نیست اینهمه رویش بحث می‌شود؟ روز دتر روی این موضوع تصمیم بگیرید.

نایب رئیس — در جواب آقای طاهری عرض کنم که من این کار را نکردم مجلس رأی داده است و دیگر اینکه یک واقعیت است که فرصت ما یک ماه بود پانزده روز هم اضافه کرده ایم باید سرعت عمل داشته باشیم. اصل را می‌خوانم:

اصل ۲۶ — از آنجاکه زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان در همه مدارس راهنمائی باید تدریس شود.

طاهری خرم آبادی — مقید به مدارس راهنمائی نکنید راه را باز بگذارید.

نایب رئیس — می‌نویسیم: «این زبان باید در تمام مدارس راهنمائی و متوسطه و درجه هشتمه هاتدریس شود.» (حجتی — آفاق قرآن چطور؟) قرآن بخشی جداگانه است جزء درس تعلمیات دینی است. هاشمی نژاد — ما تا حالا می‌گفتیم که در کارهای تخصصی باید به متخصصین مراجعه کنیم متخصصین میگویند اینکار درجه سطوح عملی نیست و فردا ایجاد مشکل می‌کند.

طاهری خرم آبادی — راه را نبندید در مدارس باید تدریس بشود بصورت خیلی خوبی هم باید تدریس بشود، از متخصصین پرسید که اینکار در چه زمانی عملی است.

نایب رئیس — این یک پیشنهاد است اجازه بدھید پیشنهادها را می‌خوانم تا وقتی خواستیم به عبارت رأی بگیریم نقطه نظرهای دیگران را رعایت کرده باشیم و اگر اصلاحی در عبارت می‌شود با توجه به پیشنهادها باشد.

— زبان قرآن و فرهنگ اسلامی عربی است، این زبان را زبان مشترک ملت‌های اسلامی اعلام می‌کند و مقرر میدارد که آموزش آن در مدارس مورد کمال اهتمام قرار گیرد.

(بنی صدر)

— در اصل اضافه شود:

و در عهدا نامه ها و مکاتبات رسمی با دول اسلامی بجای زبان بیگانه باید از زبان عربی استفاده شود.

— این زبان پس از دوره ابتدائی تا دانشگاه باید تدریس شود.

(بیزدی)

— ... پس از دوره ابتدائی بطور کامل تدریس شود.

(سبحانی)

— این مطلب را به عنوان یک تذکر بفرمایید که معیار نباید زمان و دوره های آموزشی باشد مگریما در حوزه های علمیه در تمام سطوح زبان عربی تدریس می کنیم؟ بلکه باید معیار این باشد که در طول چند سال خوب و اساسی تدریس شود، بمقداری که بتوانند خوب و صحیح بخوانند (سید حسن طاهری)



-... این زبان طبق برنامه تنظیمی باید بعد کافی تدریس گردد.

(مکارم شیرازی)

- پیشنهاد: از آنجا که قانون اساسی ما ملهم از قرآن کریم است تعلیم و آموزش قرآن به روش جدید در سطوح آموزشی تدریس شود.

(جواد فاتحی)

- از آنجا که زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است و نیز بمنظور ایجاد زینه وحدت مسلمین، این زبان باید در سطح راهنمائی و دبیرستان، در هر کلاس کلیه رشته ها بعنوان یک درس مستقل تدریس شود. (آیت) - از کلاس ابتدائی تا پایان دوره دبیرستانی.

(کریمی)

- بسمه تعالی، اصل: از آنجا که زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان با تأیید کارشناسان وزارت آموزش و پرورش از کلاس چهارم ابتدائی تا آخر دوره دبیرستان تدریس شود و باید ترتیبی از قبیل قراردادن خریب وغیر آینها اتخاذ گردد تا پیشرفت و نتیجه کافی حاصل شود. (محمد فوزی)

- از آنجا که زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلامی، عربی است و ادبیات فارسی نیز کاملاً با آن آمیخته است این زبان در هر یک از سطوح آموزشی که بنظر متخصصین امکان پذیر باشد باید تدریس گردد. (هاشمی نژاد)

- از آنجا که زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید در همه کلاس های دوره راهنمائی و دبیرستان و در همه رشته ها بصورت گروه مستقل تدریس شود، برای تقویت وحدت اسلامی نامه های رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اسلامی باید با این زبان تنظیم گردد. (منتظری)

نایب رئیس - حالا جمله اول را می خواهم: «از آنجا که زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلامی...»

بنی صدر - زبان که پایه فرهنگ نمی تواند باشد اگر مراد از فرهنگ به معنی عام کلمه است پس زبان پایه نیست و باید نوشت زبان قرآن و زبان فرهنگ اسلامی و زبان بین المللی اسلامی، عربی است.

کیاوش - معارف هم در خود فرهنگ اسلامی است پس کلمه معارف را هم اضافه بفرمایید.

صافی - قرار شد پیشنهاد جدید را نپذیرید.

نایب رئیس - بنا بر این همین جمله را به رأی می گذاریم: «از آنجا که زبان قرآن و پایه فرهنگ اسلامی عربی است» موافقین با این جمله دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) تأیید نشد، حالا موافقین با این جمله «از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است» دست بلند کنند (اکثریت دست بلند کردند) تأیید می شود. حالا جمله بعد را به رأی می گذاریم: «و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است» موافقین با این جمله دست بلند کنند (اکثریت دست بلند کردند) تأیید می شود. حالا به این جمله بعد رأی می گیریم: «و به منظور ایجاد زینه برای وحدت مسلمین» موافقین دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) تأیید نشد، بنابراین به این جمله رأی می گیریم: «این زبان باید در تمام سطوح آموزشی تدریس شود»



موافقین دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) اینهم تأیید نشد. پیشنهاد آقای بنی صدر را میخوانیم و به رأی میگذاریم: «آموزش این زبان باید در مدارس مورد کمال اهتمام قرار گیرد» موافقین با این پیشنهاد دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) تأیید نشد. حالا پیشنهادی خودم دارم که به رأی میگذاریم و آن اینست: «این زبان باید در همه مدارس راهنمائی و متوسطه در همه رشته‌ها تدریس شود» موافقین دست بلند کنند (اکثریت دست بلند کردند) تأیید نمیشود. پیشنهادی است که یک قید اضافه شود، آن را میخوانیم: «این زبان باید در همه مدارس راهنمائی و متوسطه در تمام رشته‌ها به صورت گروه مستقل تدریس شود» موافقین دست بلند کنند. (مکارم — معنی گروه مستقل چیست؟) توضیح میدهم. معنای گروه مستقل این است که در کارنامه‌ها ارزشی هست برای نمره هر یک از مواد درسی، یعنی نمره هر یک ماده تا یک سطحی در ردی یا قبولی تأثیر دارد و بعد نمره یک گروه درس، یعنی چند تا درس با یکدیگر یک گروه تشکیل می‌دهند نمره اوهم یک تأثیر دارد مثل گفته میشود در رشته ریاضی معدل گروه ریاضی باید دوازده باشد یعنی چند درس ریاضی، حساب، هندسه، مثالثات، و نمره هر درس هم نباید کمتر از ده باشد بنابراین معدل دوازده هست ولی نمره هر درسی می‌تواند ده باشد پس ارزش گروه دوازده است، ارزش هر درس تا ده هست آن مقدار لازم است قبول میشود. این فرق بین گروه درس، حالا اگر گفتند عربی باید یک گروه مستقل باشد این کافی نیست برای اینکه ممکن است بگویند یک گروه مستقل باشد ولی باز نمره هفت برای او کافی است پس مهم اینست که مشخص بشود که گروه مستقل باشد و دارای چه ارزشی باشد. (قائمی — ما گروههای مستقل دو سه دسته داریم گروه مستقل اختصاصی داریم که باید حتماً نمره دوازده بیاورد، یک گروه مستقل نمره اختصاصی داریم مثل تاریخ مثل جغرافی آنرا اگر هفت بیاورد اشکالی ندارد. اگر بخواهد درس عربی را اینجا مهم جلوه بدھید باید بفرمائید درس مستقل و جزء گروه اختصاصی است). موافقین به اینکه بنویسیم «به صورت گروه مستقل» دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) تأیید نشد. یک پیشنهادی رسیده به عنوان ذیل این اصل که من آن را میخوانم: «برای تقویت وحدت اسلامی نامه‌های رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اسلامی باید با این زبان تنظیم گردد» کسانیکه با این پیشنهاد موافقند خواهش میکنم دستهایشان را بلند کنند (عده کمی موافق بودند) بنابراین، این پیشنهاد رأی کافی نداشت و رد شد.

هاشمی نژاد — من سؤالی دارم. مگر الان در مدارس متوسطه زبان عربی تدریس نمیشود؟
پس آوردن این قید در اینجا چه اثری دارد؟

نایب ویس — آقای هاشمی نژاد، در آن موقع عده زیادی مخالفت‌ها و مبارزه‌ها کردند.
قید این، در اینجا برای اینست که در آینده احیاناً تزلزلی در آن بوجود نیاید. (هاشمی نژاد — بنظر من این قید مشکلی را حل نمیکند). آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی — ذکر محل برای تدریس، اصلاح با قانون اساسی وفق می‌دهد؟
بنی صدر — آمدیم و سال بعد این برنامه «راهنمائی» را تغییر دادند آنوقت چه میکنید؟



نایب رئیس — به هر حال معادل «راهنمائی» هرچه بود در آن عمل می‌شود.
یزدی — اگر بنویسید: «پس از ابتدائی تا دانشگاه» مطلب روشن می‌شود و مشکل آقای بنی صدر هم حل خواهد شد.

نایب رئیس — بنظر من پیشنهاد خوبی است . موافقید که بنویسیم : «پس از ابتدائی تا دانشگاه؟ آن عبارت «همه مدارس راهنمائی و متوسطه» وقتی تبدیل به عبارت پیشنهادی آقای یزدی شود، در حقیقت همان مطلبی است که آقایان به آن رأی دادید ولی عبارتش جامعتر است. آیا با این پیشنهاد موافقید؟ (اکثریت موافق بودند) تصویب شد. بنابراین با توجه به اصلاحاتی که بعمل آمد یکبار دیگر این اصل را می‌خوانم:

اصل ۲۲ (اصل شانزدهم) — از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است، این زبان باید پس از دوره ابتدائی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاسها و در همه رشته‌ها تدریس شود.
اکنون نسبت به این اصل با ورقه اخذ رأی می‌شود . از آقایان منشی‌ها خواهش می‌کنم در اخذ و شمارش آراء کمک و نظارت بفرمایند.
(آقایان: دکتر روحانی و عضدی «منشی‌ها» در محل نطق حاضر شدند و پس از شمارش آراء نتیجه بقرار زیر اعلام گردید)

نایب رئیس — نمایندگان حاضر در جلسه شصت و پنج نفر، آراء موافق پنجاه و هفت رأی ، آراء مخالف چهار رأی و آراء ممتنع چهار رأی. بنابراین، این اصل به تصویب رسید. تکمیر (نمایندگان سه بار تکمیر گرفتند) با تصویب اصل بیست و دو اکنون اصل بیست و سه مطرح می‌شود. من خودم آن را قرائت می‌کنم:

۳- طرح و تصویب اصل ۲۳ (اصل هفدهم)

اصل ۲۳ — مرکز حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران است و مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (ص) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی، هجری شمسی است.

نایب رئیس — در اینجا پیشنهاد شده است که رسمی بودن تعطیل جمعه هم در اینجا ذکر شود (ضیائی) — این پیشنهاد مربوط به این اصل نیست . اینگونه مسائل باید بعداً در مجلس شورای ملی بحث شود و تصمیم بگیرند، نه اینکه در قانون اساسی ذکر شود). قبل از اینکه این پیشنهاد را به رأی بگذاریم من سؤال کنم که آیا درباره این اصل مخالفی هست؟ (قرشی) — وقتی شما به صورت سؤال مطرح می‌شوید که کنید نوعی تلقین می‌شود که حتماً مخالفی باید صحبت کند و در نتیجه مطلب کشدار می‌شود. من وظیفه دارم که پس از طرح هر اصل این سؤال را از دوستان بکنم تا بعداً ایرادی نباشد. (مکارم) — با همین سؤال کردن شما عده‌ای تشویق به مخالفت می‌شوند)، به هر حال، سؤالی هست؟

بنی صدر — چه ضرورتی دارد بنویسیم: «مرکز حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران است» ؟ چه بسا روزی لازم باشد که شهر دیگری جز تهران به عنوان مرکز حکومت ایران، تعیین شود. الان تهران نصف تولید ایران را مصرف می‌کند، ممکن است مصلحت اقتصادی و حتی سیاسی ایجاب کند که روزی تهران را تغییر بدهیم و شهر دیگری را انتخاب کنیم آنوقت



وقتی در اینجا و در قانون اساسی قید می‌کنید، دیگر نمی‌شود آنرا تغییر داد.
هاشمی نژاد — رفاندوم می‌کنند و در صورت لزوم مرکز را به شهر دیگر تغییر می‌دهند.
نایب رئیس — آن روزها که می‌نوشتند پایتخت کجاست به خاطر این بود که شاه به آب و هوای نیاوران علاقه داشت و می‌خواست فقط کاخها یش را حفظ کند و تجدید کاخها در جاهای دیگر ممکن نبود، به همین جهت می‌خواست چهار میخه اش کند و تهران را خیلی سفت و محکم بجسبد. ولی مسأله تغییر مرکز اداری سلطنت واقعاً مسأله‌ای است که تابع شرایطی است و چه بسا سال آینه دولت جمهوری اسلامی ایران تشخیص بدهد که مرکزیت ادارات را تغییر بدهد و این البته تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور است. اگر این مسأله واقعاً از آن مسائلی است که باید دست تصرف مجالس قانونگذاری و دولتها به آن بررسد باید در قانون اساسی هم باشد ولی اگر مسأله‌ای است که باید به صلاحیت مجالس قانونگذاری بعد موکول کنیم، ذکری از آن در اینجا نیاید. (یزدی — مرکزیت آن، غیر از تمرکز کار است.)

مکارم شیرازی — آوردن تهران در اینجا به خاطر حفظ وحدت ملی است که فردا هر کس یکجا را مرکز سلطنت قرار ندهد. وقتی این موضوع در قانون اساسی قید شود، وحدت ملی در حقیقت محکمتر شده است.

دکتر شیبانی — آقای رئیس من پیشنهاد کفايت مذاکرات داده‌ام.

نایب رئیس — آقای شیبانی هیچکس حق ندارد قبل از اینکه دو نفر موافق و دو نفر به عنوان مخالف صحبت کند پیشنهاد کفايت مذاکرات بدهد.

دکتر شیبانی — پس اصولی که قبل تصویب شد و این موضوع که می‌فرمایید رعایت نگردید چه حالتی داشت؟

نایب رئیس — ممکنست در بعضی اصول حتماً دو موافق و دو مخالف وجود نداشته باشد و گرنه طبق آئین نامه آقایان نیم ساعت وقت دارند که صحبت کنند و این حق آنهاست. وقتی می‌بینید که موضوع مورد اختلاف است اصرار به اینکه فوراً به رأی بگذاریم، نفرمایید. اجازه بفرمایید طبق روش همیشگی جلسه اداره شود. به هر حال اکنون عده‌ای از آقایان چه به عنوان مخالف و چه به عنوان موافق اسم نوشته‌اند که صحبت کنند و چون ده دقیقه از نیم ساعت وقتی که می‌توان درباره این اصل صحبت کرد، گذشته است بیست دقیقه وقت باقیست که چهار نفر، هر کدام پنج دقیقه، دو نفر موافق و دو نفر مخالف صحبت کنند. اول آقای سبحانی به عنوان موافق صحبت می‌فرمایند.

سبحانی — بسم الله الرحمن الرحيم. بنده به عنوان موافق صحبت می‌کنم این اصل یکی از اصولی است که در پیش‌نویس قبلی نبود و گروه ما این اصل را افروزه‌اند و در بعضی از پیشنهادات هم آمده بود. درباره اینکه باید مرکز حکومت جمهوری اسلامی ایران را معین کرد برای تعحیم وحدت است که فردا از هرگوشه‌ای صدائی بلند نشود و اگر یک موقع هم مصلحت شد که ببرند در یک نقطه با آب و هوای بهتر یا بیلاقی و قشلاقی کنند مثلث در تابستان ببرند به همدان و زمستان بیاورند قم، اینکار با یک رفاندوم حل می‌شود، اما راجع به مبدأ تاریخ، ...

نایب رئیس — آقای سبحانی مبدأ تاریخ الان مورد بحث نیست فقط روی مرکزیت تهران



بحث است. بفرمایید متشکر، آقای عضدی به عنوان مخالف بفرمایید.

عضدی — بسم الله الرحمن الرحيم . البته آقای دکتر بهشتی فرمودند به عنوان مخالف . بنده فقط در این قسمت اول مخالفم (نایب رئیس — یعنی راجع به مسأله مرکز و نه راجع به بقیه اصل؟) بله، ملاحظه بفرمایید رژیم گذشته برای اینکه بتواند کنترل کند یک سیستم خطرناک تمرکز را پیاده کرده بود و به همین دلیل شما می بینید که تهران به صورت یک قطب سیاسی و اقتصادی درآمده و زندگی شهری از نظر آلودگی هوا و صدا به مرحله بسیار خطرناکی رسیده ، بطور کلی اگر بخواهیم مرکز حکومت را دوباره تهران تعیین کنیم، این تمرکز تا حدودی خود بخود بوجود می آید و زندگی ساکنان تهران را خطرناک می کند . بنابراین بهتر است همانطور که جناب آقای دکتر بهشتی پیشنهاد کردند، دست قوه مقتنه را باز بگذاریم البته در شرایط فعلی عملی نیست و میدانم که اگر بیانیم همانطور که گفتند بگوئیم شلا همدان مرکز باشد ، همدان بالقوه می تواند مرکز حکومت ایران باشد یا فرضًا شهر خودم رشت، اینها بالقوه می توانند مرکز باشند. (یزدی — روی مرکزیت صحبت کنید .)

نایب رئیس — قرار نبود که آقایان بی نوبت صحبت کنند مخصوصاً آقای یزدی که تعهد کردند در اثای صحبت ، بدون نوبت صحبت نکنند . (یزدی — تعهد کردم و به تعهد عدم عمل می کنم ولی قرارش ایشان روی مرکزیت صحبت کنند، استدلالشان روی تمرکز است .) آقا استدلال غلط را شما باید روی نوبت بیانیم جواب بدھید. آقای عضدی ادامه بدھید.

عضدی — وقتی که ما مرکز حکومت را قرار میدهیم خود بخود از نظر اقتصادی و سیاسی تمرکز بوجود خواهد آمد . الان شما ملاحظه بفرمایید هر کارخانه ای در هر کجای مملکت هست یک دفتر مرکزی در تهران دارد، هر دانشگاهی در هر کجای مملکت است یک دفتر مرکزی در تهران دارد و این مشکلات را شما با قراردادن مرکز اگر اضافه نکنید لاقل نخواهید کاست .

مشکینی — من یکسوالی دارم .

نایب رئیس — بفرمایید .

مشکینی — سؤالم این است که شورای رهبری آیا داخل دولت است یا خارج دولت؟

نایب رئیس — این چه بربطی به اینجا دارد .

مشکینی — می خواهم بگویم اگر داخل هست پس این هم حساب می شود .

نایب رئیس — یعنی میگوئید آنهم جایش اینجاست؟

مشکینی — جایش جداست .

نایب رئیس — بسیار خوب آقای مکارم به عنوان موافق بفرمایید و بعد از ایشان یک مخالف صحبت می کند و رأی بیگیریم .

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم . بنده طرفدار این بودم که این اصل بحثی ندارد و زودتر رأی گرفته شود ولی چون دیدم بعضی از آقایان به عنوان مخالف صحبت کردن ناچار شدم چند جمله کوتاه به عنوان موافق عرض کنم و دو مطلب را اینجا عرض می کنم. اول اینکه اگر ما به تاریخ گذشته ایران مراجعه کنیم می بینیم این نقل و انتقال پایتخت به زبان ولسان آنروز و مرکز حکومت به تغییر امروز ، چه در درس رهائی بوجود آورده ، هر سلسه ای سر کاری آمد مرکز مملکت را تغییر میداد و این باعث مشکلات فراوان و در درس رها می شده بخارط این که



پرهیز از این مسئله شود و همچنین وحدت ملی ما که اشاره کردند محکم تریشود. گفتن مرکز هیچ ضرری ندارد و منافعی هم دارد تنها اشکالی که هست دو جمله است یکی اینکه فرمودند اگر مرکز، تهران باشد تولید تمرکز می‌کند، مگر مرکز کشور اگر منتقل به اصفهان و قم و همدان بشود ایجاد تمرکز نمی‌کند؟ تمرکز خاصیت مرکز مملکت است تا زواید نشست و کاری نکرد که همه کارها در مرکز جمع بشود، آن یک کار جداست. اگر تهران هم مرکز باشد باید با تمرکز همه کارها مبارزه کرد، یعنی کاری کنیم که همه کارها در اینجا متمرکز نشود. به عنوان مرکز حکومت باشد نه به عنوان مرکز زندگی مردم تا این اشکالات تولید بشود و همچنین اینکه فرمودند شاید مصلحت ایجاد بکند، عرض کردیم قانون اساسی باز است چنان نیست که نشود تغییراتی ایجاد کرد فقط به عنوان محکم کاری و حفظ وحدت ملی و جلوگیری از ضایعاتی که براثر تغییر بوجود می‌آید چون تغییر مرکز خیلی ضایعات دارد و به این آسانی هم نمی‌شود تغییر مرکز داد مگر بر حسب ضرورت هائی، بنابراین من با بودن این موافقم و هیچ اشکالی ندارد منافعی هم دارد.

نایب رئیس — آقای بنی صدر به عنوان آخرین نظرفرمایند.

بنی صدر — بسم الله الرحمن الرحيم . عرض کنم سابق که پایتخت را معین میکردند وجا بجا میکردند برای تعیین پایتخت، هر سلسله‌ای یک عاملی را در نظر میگرفت آن عوامل یکی این بود که به مرکز ایل حاکم یا اتحادیه‌های ایل حاکم نزدیک باشد. دوم اینکه از تراکم این بود که دولت مرکزی بتواند در تمام مناطق تحت کنترلش سیطره داشته باشد. سوم اینکه در موقع خطر جنگ به سرعت بتواند این محل را تغییر بدهد و در اطراف مرکز دیگری باشد که بتواند به آنجا منتقل بکند. چهارم مخصوصاً خود آن پایتخت و اطرافش بتواند خرج آن دولت را باید هد. شما اگر پایتخت‌های قدیمی را ملاحظه بفرمایید مثلاً پایتخت عباسی و قبل از آنها پایتخت ساسانی و قبل از آنها پایتخت سلوکی همینطور بگیر و برو بالا این منطقه سواد بوده که خوزستان تا از آنجا میبرود مدیترانه . در دولت عباسی تمام هزینه دولت عباسی را همین منطقه می‌داده و بقیه قلمرو خلافت در آمد هایشان بحساب خزانه می‌رفت. بنابراین ما حالا آمدیم پایتختی درست کردیم که هیچ کدام از این مشخصات را ندارد اولاً خودش که خرج خودش را نمیدهد هیچی، تنها تهران به اندازه چهل و چهار درصد مصرف ایران را مصرف می‌کند و شما اگر می‌خواهید تهران را بهمین صورت نگهدارید غیر ممکن است بتوانید ایران را از بحران اقتصادی بیرون ببرید. با یاری هرچه پول نفت در می‌آید خرج این تهران بکنید. حالا آمدید میگوئید که این را اجباراً بیاورید توی قانون اساسی. اتفاقاً وحدت ملی گاهی ایجاد می‌کند که دولت مرکزی قدم زنجه فرموده یکی دوماه در شهرهای دیگر هم اقامت کند و بنابراین چه ضرورت دارد که این را بیاوریم در قانون اساسی و تهران را همچنان به صورت سلطان نگهداریم و بیاندازیم بجان ایران؟ عقیده من این است که عمل حالا تهران مرکز مملکت است و ما هم که وسیله انتقالی را نداریم از پیش که می‌فرمایید قانون اساسی قابل تغییر است بله امامه این شل و ولی هم نیست که هر دقیقه اینجا جمع بشویم و بگوئیم اصل ماده قانون اساسی راجع به پایتخت را عوض بکنیم پس بهتر است اینکار را بگذاریم بعده همان قوه مقننه به آن ترتیبی که در قانون اساسی خواهد آمد اگر ضرورت ایجاد نکرد که پایتخت سر جای خودش هست اگر ایجاد کرد، برای تغییر این اصل مجلس خبرگان لازم نباشد. یکی از آفایان هم نوشته است که در موارد



جنگ لازم می شود که تصمیم به تغییر پایتخت گرفت و شما وقتی این را آوردید توی قانون اساسی همچون کاری هم نمیشود.

نایب رئیس — خوب موافقین بهاینکه این مسأله یعنی تعیین مرکز حکومت در قانون اساسی باید و اینکه گفته شود «مرکز حکومت جمهوری اسلامی ایران تهران است» دست بلند کنند (عدد کمی دست بلند کردن) رد شد، یعنی جمله را حذف می کنیم و بقیه اصل را برای رأی گیری می خوانم:

«مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامر اسلام(ص) است» موافقین این جمله بهمین صورت که خواندم، دستشان را بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردن) تصویب شد. جمله بعد از آن را می خوانم: «وتاریخ هجری شمسی و هجری قمری هردو معتبر است»، کسانیکه با این جمله بهمین شکل موافقند، موافقشان را با بلند کردن دست اعلام بفرمایند (اکثر دستشان را بلند کردن) بنابراین تأیید شد. جمله بعدی را می خوانم: «ولی مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است.» آیا با این عبارت موافقید؟ (اکثر با بلند کردن دست موافقشان را اعلام داشتند.) این عبارت هم بهمین صورت تصویب گردید. ضمناً آقای منتظری پیشنهاد کرده اند اضافه کنیم «روز جمعه تعطیل رسمی است» خود آقای منتظری درمورد پیشنهادشان توضیحی دارند.

منتظری — بسم الله الرحمن الرحيم. این که ما می گوئیم تعطیل رسمی روز جمعه باشد، برای اینست که در قانون اساسی سابق هم اسمی از تاریخ برده نشده بود و یک محمد رضائی پیدا شد و آمد تاریخ ایران را تغییرداد. پس حال باید روز تعطیل را در قانون اساسی ذکر کنیم تا یک رئیس جمهور غرب زده فردا پیدا نشود و باید بگوید که چون در همه دنیا یکشنبه تعطیل رسمی است، ما هم می خواهیم در ایران روز یکشنبه را بجای جمعه تعطیل کنیم. بنابراین من معتقدم که حتماً باید در قانون اساسی ذکر شود که تعطیل رسمی هفتگی ما روز جمعه است.

رستم شهرزادی — اگر یک روزی یک رئیس جمهور خارجی برکشور ما مسلط شد که تمام قانون اساسی ما از بین رفته است و دیگر این مسائل جزئی هم تمام شده است.

دکتر ضیائی — اینگونه مسائل مربوط به مجلس شورا است نه اینکه در قانون اساسی ذکر شود.

بنی صدر — وقتی گفتید روز جمعه تعطیل رسمی است، فردا آگر یکی دکانش را در این روز باز کرد یقه اش را می گیرند که چرا مغازه اش را نبستی، بعلاوه آنها که عوض می کنند، کل تاریخ را عوض می کنند. تاریخ که عوض شد آنوقت می توانند جمعه را هم یکشنبه بکنند.

نایب رئیس — آقای بنی صدر، تعطیل روز جمعه قابل تغییر است، قبل از هم می خواستند اینکار را بکنند.

حجتی کربلائی — در قرآن آمده است که روز جمعه روز کسب و کار است، چطور تعطیل باشد؟ فردا آگر یک دکانداری در مغازه اش را باز کرد بهبهانه تعطیل رسمی بودن، هزار جور در درسبرایش درست می کنند.

اشراقی — آگر محمدرضا مانده بود الان روز جمعه را تغییر داده بود و روز دیگر را به عنوان تعطیل رسمی تعیین کرده بود.

نایب رئیس — پس آگر موافق باشید بنویسیم: «روز جمعه تعطیل رسمی دولتی است» کسانیکه با این جمله به این صورت که گفتم موافقند دستشان را بلند کنند (اکثر دستشان را



بلند کردن) تأیید شد.

ربانی شیرازی – چه لزومی داشت بنویسیم «تعطیل رسمی دولتی»؟

مکارم شیرازی – باید ریشه اسلامی مسأله را پیدا کنیم. بینیم آیا تعطیل جمعه، آنهم از صبح تا غروب اصلاً ریشه اسلامی دارد یا اینکه به قول آقای حجتی در قرآن هم روز جمعه، روز کسب و کار و فعالیت معرفی شده است.

نایب رئیس – آقای مکارم توضیح می‌دهم. در دنیا یک روز در هفته تعطیل بودن، یک امر مسلم است. ما می‌گوییم اگر قرار است که یک روز را در هفته تعطیل اعلام کنیم، آن روز، روز جمعه باشد.

منتظری – بنویسیم: «روز جمعه تعطیل هفتگی کشور است».

ربانی شیرازی – تعطیل رسمی دولتی چه؟ دیگر کلمه «دولتی» ضرورتی ندارد.

بنی صدر – بنویسید: «تعطیل هفتگی است» چون فردا مریضخانه‌ها هم می‌گویند جمعه تعطیل رسمی است و مأکار نمی‌کنیم.

نایب رئیس – من از آقای بنی صدر سوالی دارم، در همه تقویم‌ها روز جمعه، تعطیل رسمی است ولی تا به حال آمده‌اند بگویند چرا در روز جمعه مغازه‌ها بسته نیست؟ و یا کسی رفته به بیمارستانها بگوید چرا مریض می‌پذیرید؟

حجتی کومانی – بله، در رژیم گذشته بارها به دکانها اعتراض و حمله کردند که چرا در روز جمعه باز کرده‌اید.

بنی صدر – همانطور که گفتند در رژیم گذشته، جمعه تعطیل اجباری بود.

دکتر آیت – تعطیل رسمی در هیچ جا معنیش این نیست که اجباری است.

بنی صدر – من خودم هفده سال در فرانسه بودم و می‌دانم که اجباری است.

دکتر آیت – مسأله اینست که بنظر من کار نکردن اجباری نیست، بلکه حتی طبق قانون کارآگر کارگری روز تعطیل کار کرد دوبرابر پول می‌گیرد، اما کسی را وادار نمی‌کنند که حتماً کار را تعطیل کند و در اینجا هم این مفهوم را نمی‌رساند.

نایب رئیس – در کشورهای اروپائی مثل آلمان نه تنها روز یکشنبه تعطیل اجباری است بلکه ساعات کار مغازه‌ها هم شخص و اجباری است. یعنی مغازه‌های موظف هستند که ساعت شش و نیم بعد از ظهر تعطیل کنند. برخی از مؤسسات باید حداقل تا ساعت هشت و نه بازیابند، یعنی ساعات باز بودن و نبودن اجباری است ولی این برحسب مصوبات سنای هر ایالت و انجمن ایالتی است، بخاراط تنظیم رفت و آمد و سایر سائل. این ارتباطی با مسأله تعطیل رسمی ندارد. اینکه حتماً باید یکشنبه تعطیل باشد و یا بعد از ظهر شنبه تعطیل باشد، اینها همه در رابطه با مسائل اجتماعی و اقتصادی کشورشان است. در بعضی جاها به دلیل بالا بودن ساعات کار عادی، اختلال اقتصادی پیش می‌آید به همین دلیل می‌آیند و ساعت کار را کم می‌کنند تا عده مشغولین بیشتر شود و از بیکاران کم شود. ولی اینکه ما می‌گوییم تعطیل رسمی، ارتباطی با آن مسأله ندارد و اگر روز جمعه تعطیل رسمی باشد، فکر نمی‌کنم آن تالی فاسدی که بعضی دولتان به آن اشاره کردن، برایش مترتب باشد.

مددنی – البته ما مجبور نمی‌کنیم کسی جمعه را تعطیل کند ولیکن اگر بنویسیم روز جمعه تعطیل رسمی است، فردا داروخانه‌ها و بیمارستانها هم تعطیل می‌کنند و یا کارگاه و مغازه‌ای



که مردم به آن احتیاج دارند تعطیل می‌کنند و می‌گویند طبق قانون ، امروز روز تعطیل است.
نایب رئیس — گفتم که جلوتر هم جمیع تعطیل رسمی بود ولی هیچ وقت بیمارستانها تعطیل نمی‌شد آنها برای خودشان کشیک می‌گذاشتند.

خوزعلی — اگر بنویسیم «تعطیل رسمی هفتة، جمیع است» مشکل حل می‌شود یعنی دیگر نمی‌توانند روز جمیع را به یکشنبه تغییر بدهند.

نایب رئیس — بنتظر من پیشنهاد خوبی است. کسانیکه با این پیشنهاد موافقند یعنی بنویسیم: «تعطیل رسمی هفتگی، روز جمیع است» موافقتشان را اعلام بفرمایند (اکثر موافق بودند) تصویب شد. بنابراین با توجه به اصلاحات، این اصل را یکبار دیگر می‌خوانم و بعد از آن با ورقه اخذ رأی می‌شود:

اصل ۲۳ (اصل هفدهم) — مبداء تاریخ رسمی کشور ایران، هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآلہ است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است ولی مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است و تعطیل رسمی هفتگی روز جمیع است.

نایب رئیس — از آقایان منشی ها خواهش می‌کنم در اخذ و شمارش آراء نظارت بفرمائید (آقایان عضدی و دکتر روحانی «منشی ها» در محل نقط حاضر شدند و پس از شمارش آراء نتیجه به قرار زیر اعلام گردید)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه شصت و چهار نفر، کل آراء شصت و چهار رأی، آراء موافق شصت و دو رأی، آراء مخالف و ممتنع هر کدام یک رأی، بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر. (نمایندگان سه بار تکبیر گفتند)

۴- طرح اصل ۲۴

نایب رئیس — اصل بعدی اصل بیست و چهار در باره پرچم مملکت است. یکمینی در این مورد آقایان تهیه کرده اند ولی با بعضی هایشان که صحبت کردیم آن متن قبلی زا که از این خلاصه تر است و همین مطلب را هم بدون هیچ کم وزیاد دارد، براین متن ترجیح دادند.

بنابراین اصل بیست و چهار را از پیش نویس قبلی مطرح می‌کنم و می‌خوانم :

اصل ۲۴ — پرچم رسمی ایران به رنگ های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی است.

کسی که مخالف نیست؟ آقای رشیدیان صحبتی دارید؟ (رشیدیان — بله من مخالفم)، بفرمائید.

رشیدیان — بسم الله الرحمن الرحيم . هر انقلابی که در جهان صورت گرفته است از مسائل عینی یا انقلاب عینی یا انقلاب های ایدئولوژیکی شروع می‌شود و بعد در اوآخر یعنی به پیروزی که میرسد، انقلاب سمبولیک صورت میگیرد. این حالت در همه کشورهایی که انقلاب کرده اند وجود داشته است، حتی ماها را نیز عوض کرده اند و همچنین طبق اعتقاد همه انقلابیون و مجاهدین باید آثار گذشته و آثاری که همواره مورد نفرت مردم بوده است از بین بروند. من خودم را می‌گویم ، از زمانی که به مدرسه معرفتم یعنی از کلاس اول دبیرستان وقتی که ما را مجبور میکردند در مقابل این پرچم تعظیم بکنیم و همچنین سربازها وارتش را وادار میکردند که در مقابل پرچم زانو بزنند و از همه بالاتر اینکه در بازار مسلمین بزور این پرچم را پرند



تعجیل میکردند، من خودم بشخصه روی این مسأله دقیق بودم، یاد ندارم که مسلمانان بطور عموم این پرچم را از روی رغبت و میل قلبی خود بالای سردمخازه ها یا جلوی مخازه ها نصب کرده باشند. از همه اینها گذشته بینیم تجلیات مردم و تظاهرات مذهبی، جشن ها و عزاداری ها و آن چیزی که جنبه مردمی واسلامی و توده ای داشته واز تهدل بررسی خواسته پرچم مردم مادر طول یکهزار و چهارصدسال تا کنون چه بوده است، من نمی گوییم در این عزاداریها پرچم مسا سیاه بوده، پرچم قرمز بوده و سبز بوده، ولی ما هیچگاه در تظاهرات مردمی ملتمنان در طول تاریخ اعم از جشن یا عزاداری پرچم سه رنگ نداشته ایم بجز زمانیکه بر مردم تحمیل می شده و ما می دیدیم عناصر مزدور ساواک و مأمورین مخفی که در روزهای جشن های ملی مردم ما را مجبور میکردند که این پرچم را بکویند و من یادم هست جمله امام خمینی را در رساله یک هزار و سیصد و چهل و دو که فرمودند: « این سنتورها خیانت کردند و کشتد و چراغانی کردند، کشتنند و دسته جمعی رقصیدند اگر من به جای این ملت بودم دستور میدادم بالای سردمخازه ها بیرق سیاه بکویند. » بنابراین ماباید واقعیت را نگاه کنیم ماحق نداریم همه مسائل را از دید ذهنی و مسائل را ذهنی برسی کنیم، واقعیت این است که مردم پرچم دیگری میخواهند و مانمی خواهیم تضادی باشد بلکه باید دولت و ملت یکی ویگانه باشد نه اینکه مردم یک پرچمی بکاربرند و دولت پرچم دیگر، زیرا این ایجاد تضاد خواهد کرد. بنابراین پیشنهادم این است که آنها نی که تحقیقاتی دارند ببینند پرچم مسلمانها در صدر اسلام چه بوده است تا دنیا بداند که ماهم زبان داشتیم وهم فرهنگ داشتیم وهم پرچم داشتیم وهم یک ایدئولوژی با تمام ابعاد گوناگونش اعم از عینی و واقعی و سمبولیک و هیچ وحشتی نداریم به اینکه همه این چیزها از خودمان جوشش کنند. بنابراین اگر میخواهد سبز باشد، قرمز باشد، همانطور که در این تظاهرات دیدیم مردم در کدام یک از این تظاهرات پرچم سه رنگ را بکار بردند؟ یکنفر به عنوان نمونه باید ویگوید که در تظاهرات و قیام ملی مردم ما پرچم سه رنگ بکار بردند، یا سبز بودیا قرمز و یا سیاه و اینکه شیعه در طول تاریخ پرچمش سیاه بوده، بخطاطر غصب خلافت بوده و بخطاطر شکجه گاه ها و کشتارگاه هایی که بوده (سبحانی - چرا خطا به میخوانید مطلبان را خلاصه بفرمائید). مثل جناب عالی نیست که هر وقت می خواهد مطلبی ارائه بفرماید خطاب می خوانید. من نظر خودم رامیگوییم، شما همیشه می آید این جا صحت می کنید. بنده روی این مسأله حساس هستم در میان پیشنهادات و نظرات مردم یکنفر هم نیست که این را تأیید کرده باشد و من نمیدانم چرا این گروه این مسأله را اینجا مطرح کردند. شماناید مدام اغراض گروه ها باشید شما باید مدافع حق باشید نه اینکه چون من این سأله را مطرح کردم اگر روشن شد بمن که خلاف است (نایب رئیس - آفای رشیدیان وقتان تمام است) اگر دیدیم که خلاف است آیا باید پافشاری کنیم؟ بنابراین پیشنهاد می کنم همراه با ملت ایران و اعتقاد ملت ایران و پیشنهادات آنها و تجلیات مردمی واسلامی که در طول تاریخ بوده، پرچم ایران سبز یا قرمز باشد و هر شعاری را که برای روی آن انتخاب می کنید، شعار مردمی باشد مثلاً « الله اکبر » که مردم برایالله پشت بامهای تهران و تمام شهرستانها می گفتند، یا « لا اله الا الله » هایی که جزو فرهنگ مردم شده هر چیزی که صلاح میدانید باشد و السلام عليکم و رحمة الله و برکاته.

نایب رئیس - متشکرم. (طاهری اصفهانی - برای توضیحی یک دقیقه وقت بیخواهم.)
نمیخواهید از روی نوبت باشد؟



طاهری اصفهانی – خیر (خنده نمایندگان) میخواهم بگوییم ما روی پرچم سه رنگ حساسیت داریم و بهیچ وجه رأی نمیدهیم. اگر اجازه میدهد نامه ها و نوشته هائی که مردم در این زمینه فرستاده اند بدhem خدمتستان ولی به هر حال رأی سایر آقایان هم محترم است.

نایب رئیس – آقای اکرمی بفرمائید.

اکرمی – بسم الله الرحمن الرحيم. متأسفم از اینکه بجای اصل بیست و دو که وقت گرفته بودم به عنوان مخالف صحبت کنم و وقت داده نشد... (نایب رئیس – یعنی اینکه نوبت به شما نرسید؟) خیر، آنچه بنده یادم هست نوبت دوم یا سوم را بمن دادند، ولی خوب سؤال نفرمودید.

نایب رئیس – آقای اکرمی، این ها که میفرمائید آن وقت سوءتفاهم می آورد، نوبت را آفایان منشی ها می نویسنده، من هم از روی اسمی که آنها بمن میدهند میتوانم صدا کنم.

اکرمی – اما اینکه گروه دویه این ترتیب پرچم را نوشتند و موضوعاتی که برادر عزیزم آقای رسیدیان مطرح فرمودند تمام جامعه روچیه شان این نیست که رنگ و فرم پرچم تغییرپیدا کند. از چیزهایی هم که برای گروه فرستاده بودند این برمی آید عده ای از البته موافق بودند که رنگ پرچم ما سبز باشد ولی نه همه ، عده ای نوشتند بودند این رنگ را حفظ کنند ولی شعار را تغییرپیدا کنند. در ثانی این طاغوتی هم نیست از لحاظ تاریخی پرچم ما قبل از رژیم پهلوی هم سه رنگ بوده است. (یکی از نمایندگان – این رژیم ساقه ۲۵۰ ساله دارد .) پیش از ۵۰ سال گذشته هم بوده است. در پوردرنگ پرچم خود رسول اکرم (ص)، بطریکه در گروه صحبت بود رنگ مشخصی نبوده تا اینکه ما آن رنگ را انتخاب کنیم . اینکه ایشان فرمودند مایبا پستی با تمام آنچه که هست برخورد اقلایی یکنیم وازینی بپریم و فلان و بهمان، این اقلایی بمعنی معمولی کلمه است، خود رسول اکرم (ص) با سنن جامعه این جور برخوردنی کردند. ایشان فرمودند که در اعیاد مردم این پرچم را بکارنی بردندند، در جشن های مربوط بخدشان، عروسیها و امثال آن بکار میبرندند. آنجا که به عنوان زور بود مخالفت میکردند، در اعیاد دولتی مخالفت میکردند ولی همین مردم از همین پرچم در ۱۵ شعبان استفاده بسیار زیادی هم میکردند. بنابراین اینکه میفرمائید، آن وقت که جنبه زور پیدا میکرد مخالفت میکردند. من عرضی ندارم چون نمی خواهم مزاحمت بیشتری فراهم بکنم.

نایب رئیس – متشکریم، آقای کیاوش به عنوان مخالف اسم نوشتند اید اگر مطلب تازه ای دارید بفرمائید.

کیاوش – بسم الله الرحمن الرحيم. یکی از عوامل حرکت اگر نگوئیم بزرگترین عامل، حرکت تداعی معانی است . مردم اگر در زیر یک پرچمی شکنجه دیده باشند و خون داده باشند برای زدودن این خاطره از ذهن آنها فقط باید آن عامل تداعی را از بین برد. در زیر همین پرچم شما دیدید چه خون ها ریخته شد و هنوز هم این خون ها قطه سرازیر است، مردم نمی توانند این خاطره ننگین را فراموش بکنند و این پرچم دیگر پرچم ملی نیست، فقط پرچم شاهنشاهی بود ، در این مورد دیگر توضیح بیشتر نمیدهم . اقلاب که میشود زبان، آداب و رسوم و آن عامل حرکت قبل از اینها باید عوض بشود. آن چیزی که در تمام جنگها در جلو سپاه حرکت میکند و عامل حرکت مردم است، پرچم است و اگر انقلاب شده باید عوض بشود...

نایب رئیس – آقای کیاوش برای پرهیز از سوءتفاهم، چون در اثناء سخنانتان گفتید



انقلاب که می‌شود، زبان و پرچم باید عوض بشود، پیشنهاد که نمی‌فرمایید زبان فارسی را باید عوض کنیم؟

کیاوش — خیر، هرگز من عامل حرکت را عرض می‌کرم نه اینکه بگوییم همه عوامل باید عوض شود. عامل حرکتی که بصورت مخرب در یک جامعه‌ای باقی میماند آن‌ها باید عوض بشود. بنظر من این پرچم عامل همه خرابیهای است که در این مملکت نه به قول آقای اکرمی در ظرف پنجاه سال بلکه دو هزار و پانصد سال چون عامل خرابیها است و تداعی و یادآور تمام شکنجه‌ها و خون‌هایی که در این مملکت ریخته شده است و مردم روی آن حساسیت دارند باید عوض بشود، کما اینکه در یکی از این استانها اخیراً یعنی در هفته گذشته برداشته‌اند بخششانه‌ای صادر کردۀ‌اند از این به بعد کسی حق ندارد بغیر از پرچم سه رنگ در هیچ راه‌پیمائی، در هیچ خانه‌ای، در هیچ جائی، در هیچ مغازه‌ای پرچم دیگری بکار برد. الان همان‌جا همین مسئله دارد عامل آشوب می‌شود. این در استان خود من است، آمده‌اند بکرات نزد من که این چه بخششانه‌ای است من بخششانه را فتوکپی کردم و دادم به شورای انقلاب، در هر حال اگر می‌خواهید که مردم خاطره‌های ننگین شاهنشاهی را فراموش بکنند این پرچم را عوض بکنید، رنگش مهم نیست آرسی که بعد میزند حتماً باید یکی از آرمهای باشد، شعارهایی باشد که در تظاهرات بوده تا به جای آنکه خاطره ننگین شاهنشاهی را بدهید بیاورد، یادآور تظاهراتی باشد که مردم انجام داده‌اند تا همیشه عامل حرکت باشد. والسلام.

مشکینی — رنگهای مختلف آیا گویا است؟ و اگر مطالبی غیر اسلامی را حکایت می‌کند بفرمایید که عوض بشود.

نایب رئیس — سیز گویای این است که باید سعی بشود سرزمین ایران حتی الامکان سرزمین کشاورزی و زراعت و سبز کام باشد. سفید نشانه آن است که به صلح بیش از هرچیز علاقمند است و قرمز این است که در راه دفاع از سرزمین و مذهب و هرچه مقدس می‌شمارد حاضر است خون خودش را ثnar بکند این شعارهای سمبولیکی بوده که تا حالا از این سه رنگ استفاده می‌شده است.

خانم گرجی — پرچم باید نمایانگر انقلاب باشد، بخصوص خانواده شهدا اعم از زن و مرد اصرار دارند که بگونه‌ای ما نقش شهدا را در این قانون وارد کنیم بهترین کار بعقیده من این است که نقش شهدا در آرم پرچم انعکاس داشته باشد و مشخص شود، بخصوص که ما در این سرزمین نه آن سرسبزی را دیده‌ایم و نه سفیدی صلح و آرامش را و نه سرخی روی جوانان را. (نایب رئیس — چه پیشنهادی دارید؟) در آرم پرچم نقشی از شهدا منعکس شود. (حجتی کرمانی — رنگ پرچم باید طوری باشد که تداعی گذشته را نکند).

نایب رئیس — قرار نبود خارج از نوبت صحبت کنید آقای موسوی اردبیلی به عنوان موافق صحبت می‌کنند، بفرمایید.

موسوی اردبیلی — بسم الله الرحمن الرحيم. من آدم به برادر عزیزم آقای رشیدیان که می‌گفت حتی یکنفر موافق نیست بگوییم که به عنوان یکنفر موافق صحبت می‌کنم و قبل از منهم یکنفر دیگر آمده به عنوان موافق صحبت کرد و این شد دو نفر. البته با احترامی که من به نظر آقایان قائل هستم مثل اینکه جناب آقای کیاوش فکر می‌کنند این سه رنگ سابقه دو هزار و



پانصد ساله دارد، از آن اول سه رنگ بوده تا حالا، متأسفانه این جور نبوده و این بعدها در آمده است. جناب آقای رشیدیان هم از حرفشان من این جور استفاده کردم که در اسلام رنگ خاصی برای پرچم هست. واقعاً اگر چنین چیزی بود برای ما لازم بود که آنرا حفظ کنیم برای اینکه کشور ما جمهوری اسلامی است و حتماً باید آنچه در اسلام اصالت دارد رعایت کنیم. متأسفانه تا آنجا که من خبر دارم چنین چیزی هم نبوده (طاهری خرم‌آبادی - پرچم پیغمبر سفیدبود). خیر مختار بود، اجازه بفرمائید، رنگ سیاه علامت عزاداری است خوب اگر در روزهای عاشورا پرچم سیاه میزندند این چه ربطی به این دارد که چه باشد یا رنگ سرخ که ممکنست اشکالات دیگری هم ایجاد بکند حالا صرفنظر از آن روزهای انقلاب و روزهای خونریزی و امثال آنها. مطلب دیگری که هست مثل اینکه هر کدام از ما ذهنیات قبلی خودمان را داریم منتقل میکنیم چون با آن استحکامی که این برادران عزیز صحبت میکردند و میگفتند هیچکس موافق نیست من پیش خودم فکر میکنم ما در انقلاب، انقلاب باید بکنیم، چیزهای مضر و غیر اسلامی را باید عوض بکنیم اما این جور هم نباشیم که چیزی را که ضرری نداردو در بیان مردم هم یک نحومنتی تلقی شده عوض کنیم، یا اینکه ما بایدیم با تمام سنت ها مبارزه کنیم به عنوان اینکه وقتی جوانهای مارا میکشندند رنگ پرچم ایران سه رنگ بوده و حالا باید یک رنگ یا دو رنگ باشد. زیر پرچم میکشندند، کسی را زیر پرچم میکشندند؟ یا اینکه میگفتند پرچم را بوسید خوب این یک کار غلطی بوده که میکرده‌اند، این بوسیدن و تواضع کردن از آن کارهای طاغوتی بوده است اما پرچمی که سنتی در ایران بوده و هیچ ضرری ندارد و طبق توجیهی هم که الان شد هر رنگش توجیهی داشت و در اذهان هم هست خصوصاً اگر یک آرم زنده که این آرم هم گویای جنبه اسلامی و هم گویای آن جهتی که ما قبولش داریم و هم انقلاب و هم خون و امثال اینها یک آرم زنده این جوری باشد، البته حتماً بایدان شاء الله درست بشود، تاج حتماً باید برود چون آن جهاتی را دارد که برادران میگفتند، شیر و خورشید چیز پرستتوائی نبوده اکثریت عقیده‌شان این است که آنهم باید برود، باید هم برود اما سه رنگ بودن را بایران سبزش کنیم؟ بچه مناسبت سبز کنیم بخصوص که سبز در تاریخ یک مدتی شاید علامت گروههای دیگر بود. (بنی صدر - خلاصه این جور چیزها فکر میکنم زیاد مخالف ندارد، حالا ممکنست آقایان به جو بیشتر وارد باشند، من طبق ذهنیات خودم فکر میکنم اگر ما رنگ را عوض نکنیم بلکه فقط آرم را عوض کنیم، آرسی قراردهیم که هم زنده باشد و هم چیزهایی که میخواهیم، در آرم منعکس بشود آنوقت هم جامعه را راضی کرده‌ایم و هم وظیفه انقلابیمان را انجام داده‌ایم و هم بیجا هر سنتی را ازین نبرده‌ایم که شاید بتواند یک خاطره‌های بدی در مردم ایجاد کند.

نایب رئیس - اعلام رأی میکنم...

هاشمی نژاد - اجازه بفرمائید، این مسأله حساس است شاید مخالفین و موافقین مسائلی داشته باشند که نخواهند در جلسه علنی مطرح بکنند اجازه بدھید این اصل در جلسه خصوصی مطرح بشود و همه نظرات گفته شود و بهم نزدیکتر شود و در جلسه علنی بعدی به آن رأی بگیرید.

نایب رئیس - به پیشنهاد آقای هاشمی نژاد رأی میگیریم موافقین دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) موافقت نشد. (طاهری - خود عبارت یکی دو تا قصور دارد که مهراً این اصل به این صورت میماند). اگر این اصل تصویب نشود به این معنی نیست که اگر بصورت



دیگری آورده شد قابل طرح نباشد، شاید اصولا درجای دیگر باید آورده شود و البته بصورت دیگری.

موسوی اردبیلی — برادرمان آقای فارسی یادداشتی برای من فرستاده بودند که من فراموش کردم به آن اشاره‌ای بکنم و الان بخاطر احترامی که برای ایشان قائل هستم میخوانم: «تأثیر سوء تغییر پرچم سه رنگ در روحیه افسران و سربازان و درجه‌داران ارتش را باید متذکرشد،» رشیدیان — من نگفتم دراسلام بطوط مسلم پرچم بخصوصی بوده است، گفتم باید تحقیق شود بینیم...»

نایب رئیس — خوب به این اصل می‌خواهیم رأی بگیریم... (سکارم شیرازی) — اول بوسیله بلند کردن دست بینید به اندازه کافی موافق دارد بعد رأی نهائی را بگیرید. نه این خلاف آئین نامه است بلند اصل را می‌خوانم: اصل ۴ — پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی است.

به این اصل با ورقه رأی می‌گیریم:
 (أخذ رأی بعمل آمد و آقایان دکتر روحانی و عضدی در محل نطق، شمارش آراء را انجام دادند و نتیجه بقرار زیر اعلام گردید)
نایب رئیس — عده حاضر در جلسه پنجه ونه نفر بود ولی شصت رأی داشتیم که طبق پیش بینی آئین نامه در این مورد، بدون دیدن، یک رأی را باطل کردیم بقیه آراء به این ترتیب بود: موافق سی و نه رأی، مخالف پانزده رأی، ممتنع پنج رأی. بنابراین، این اصل تصویب نشد.
 (حجتی کرمانی — میخواستم عرض کنم...)

موسوی قهریجانی — آقای حجتی بدون نوبت بارها وبارها صحبت کرده‌اند و به تذکرات رئیس جلسه توجه نمی‌فرمایند، مگر خودمان قبول نکردیم آقای منتظری یا بهشتی هر کدام جلسه را اداره می‌فرمایند امرشان را اطاعت کنیم؟

۵- پایان جلسه

نایب رئیس — این جلسه را ختم می‌کنیم، جلسه بعدی عصر امروز ساعت شانزده تشکیل می‌شود.

(جلسه ساعت سیزده و پنج دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس برسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی



جلسه بیست و چهارم

صورت مشرح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با بیست و هشتم شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

- | | |
|---|--|
| ۱ | - اعلام رسیت جلسه..... |
| ۲ | - نطق قبل از دستور آقای حائزی..... |
| ۳ | - ادامه بحث پیرامون پرچم..... |
| ۴ | - طرح اصل ۲۰..... |
| ۵ | - طرح و تصویب اصل ۲۶ (اصل بیست و سوم)..... |
| ۶ | - طرح و تصویب اصل ۲۷ (اصل بیست و دوم)..... |
| ۷ | - پایان جلسه..... |





۱ - اعلام رسیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. رسیت جلسه اعلام می شود، غائیین جلسه قبل عبارتند از آقایان: انواری - حائری - خامنه‌ای - سحابی - عرب و آفای غفوری که عذر ایشان موجه است و نمایندگانی که تأخیر ورود داشته‌اند عبارتند از آقایان: بیت‌اوشان، دهدیقه-مولوی، یازده دقیقه‌موسوی اصفهانی، سی و چهار دقیقه. حالا نطق قبل از دستور داریم و نوبت آفای خادمی است که تشریف نیاورده‌اند... در صورت اسامی نوبت آفای حجتی کرمانی است، ولی قرارشده آفای حجتی نوبتشان را به آقای حائری بدھند و بعد آن در نوبت آفای حائری صحبت کنند بنابراین حال آفای حائری تشریف می‌آورند و صحبت می‌فرمایند.

۲ - نطق قبل از دستور آفای حائری

حائری - بسم الله الرحمن الرحيم، ربنا عليک توکلنا والیک انبنا والیک المصیر، عرض می‌کنم که بنده سابقه کسالت زیاد دارم و حالا حالم خیلی بد است و اگر حس نمی‌کردم که واجب است مطالبی را عرض کنم وقت مجلس را نمی‌گرفتم. این مطالب را که عرض می‌کنم درست فکر کنید و ببینید که اگر حقیقت دارد بطبق آن عمل کنید. حقایق غیر آن چیزی است که مسد روز می‌پسندد، حقایق یک مطالبی است که از انبیا گرفته می‌شود، از وحی گرفته می‌شود، از اولیاء گرفته می‌شود، ما آنها را بنحو اجمال می‌گوئیم و دیگر شما را بخدای متعال می‌سپارم. بعضی از این ها که میخواهم بگوییم تصویب شده و گذشته است ولی چون صحبت تجدید نظر بود، بین خود و خدا اگرچنانچه دیدید که باید تجدید نظر بشود این عمل را بکنید. یکی همین مسأله تشیع و سایر فرق اسلامی است که خیلی به مانای نوشتہ اند و خیلی هم مراجعت کرده‌اند در این باره میخواستم چند مورد را عرض کنم اولاً این مطلب که «اتحاد بین دول اسلامی و تقریب بین مذاهب اسلامی بشود» در گذشته هم مطرح بود و سیار خوبیست و من هم این را آرزو دارم و قبول دارم که یک جهان سومی در مقابل جهان کمونیستی و سرمایه‌داری تشکیل بشود که بتواند خود بخود، زیر دست آنها نباشد بلکه کم کم بر آنها حکومت هم بکند ولی این عقل خیلی زیاد میخواهد، این معنی که عبارت از وحدت اسلامی و حکومت اسلامی باشد بسیار درست است اما به این معنی نیست که فرض کنید که ما شیعه‌ها از حقوقی که داریم دست برداریم یا سنی‌ها از حقوقی که دارند دست بردارند یا مایکقدم بدون جهت عقب برویم والا همان چیزهایی که در قانون سابق بود و در قانون اساسی اسبق هم بود همان را می‌آورند که تصویب کنیم و نه زیادتر که مثلاً فرض بفرمائید تشیع حق داشته باشد یعنی کلمه «حق» در قانون اساسی باشد و تا ظهور حضرت ولی عصر سلام الله علیه باشد که این خودش یک تأدیب است نسبت به حضرت حجه یعنی دیگر کسی بعد از ایشان فضولی نمی‌کند و خودشان می‌دانند، تمام اینها را از قانون اساسی برداشته‌اند و حقوق حقه سنی‌ها و برادران مسلمان دیگر



همه محفوظ است، آنها در هرجهتی از جهات دینی خودشان آزادند و اگر تظاهر هم بکنند اشکال ندارد، درخیلی از احکام با مامشتر کند، در توارث ما از آنها و آنها از ما ارث می‌برند همینطور نکاح، بنابر آنچه که در متون فقهیه ذکر شده است ما می‌توانیم با آنها وصلت کنیم. بنابراین اقتضاء نمی‌کند که در قانون اساسی ذکری از مذهب شیعه نشود. زیرا پیش از اینکه اتفاقی بین شیعه و سنتی ایجاد بشود بین خود شیعه باعث تفرقه و نفاق خواهد شد و این مسأله که مذهب شیعه در قانون نوشته شده نباید بین شیعه و سنتی شکاف ایجاد کند. مسئله دیگر راجع به اقتصادیات است، بعضی از رفقاء یک الفاظی رامی گویند، ما که درین الفاظ نیستیم مثلاً می‌گویند «نظام توحیدی» توحید را ما قائلیم که خدا یگانه است، اما حقیقت اقتصاد اسلام این است که نه یک اقتصاد کمونیستی است و نه یک اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاد اسلام یک اقتصاد بسیار عالی است و خدا میداند که من این را بدون تعصب عرض می‌کنم برای اینکه اگر اقتصاد صحیح باشد همه افراد در رفاه زندگی می‌کنند. حالا فرض بفرمائید کسی دو میلیون سرمایه دارد خوب این شخص مرغه است و اگر کسی ده میلیون سرمایه دارد هشت میلیون آن زیادی است و باید آنها را خیرات کند که همه در زندگی مرغه باشند. اسلام که می‌گوید همه در زندگی مرغه باشند، این به زکات و خمس و نظایر اینها بستگی دارد که اگر سرمایه‌داری خمس و زکاتش را پرداخت کند کم کم فقر ازین خواهد رفت. فرض بفرمائید همین نفترا اگر طبق آیه شریفه که می‌فرماید: «واعلموا انما غنمتم من شیء فان الله خمسه» در همان مصارف خمس و بقیه اش را در مصارف مسلمین صرف کنند، آنطور که رضای امام علیه‌السلام در آنست چقدر مشکلات مردم را حل می‌کند و شاید دو سه سال طول نکشد که دیگر اصلاح قیری در قلمرو ایران نباشد و همه در حال رفاه باشند. این اقتصاد اسلامی است که رفاه همه را پیش بینی کرده کما اینکه در روابط این مطلب هست که اگر خدای متعال این زکات را مقرر فرموده، بخارط اینست که دیگر فقیری وجود نداشته باشد. حالا اگر کسی پنجاه میلیون ثروت داشت لازم نیست که همه مردم این مقدار داشته باشند. اینکه عقلانی نیست که همه پنجاه میلیون ثروت داشته باشند. ثروت زیاد قدرت عقلی را از کار می‌اندازد. اگر چنانچه یک کسی مهندس باشد، یکی هم فرض کنید طبیب باشد یکی هم افکار عالیه داشته باشد و مبتکر باشد اگر قرار باشد زندگیشان با یک خشت مال مساوی باشد قدرت تعمق فکری جلو نخواهد رفت. این عرضه و تقاضای آزاد اسلام باید برقرار باشد و من یقین دارم که در عرض یکی دو سال فقیری در ایران وجود نخواهد داشت. حالا اسمش را هرچه می‌خواهید بگذارید مثلاً نظام توحیدی و هر اسم دیگری ماسکاری به اسم نداریم این خیرات مسلمانهایی که تا به حال شده و این همه مدارس و اینهمه موقوفات که برای مشاهد مشرفه شده است برای کمک بوده است ولی در حکومت کمونیستی تمام این پولها جمع می‌شود پیش دولت، دولت هم صرف کارهایی می‌کند که به درد مردم نمی‌خورد و یا گلوله می‌شود و توی شکم مردم می‌رود ولی در اسلام اگر این پولها جمع شده، خیرات می‌شود و در راه رفاه مردم مصرف می‌شود. مطلب سوم بنده این است حالا کسی خوشنش می‌آید یا نه و آن حقیقت اسلام یعنی ولايت فقیه است، که صحبت شد. بنده مکرر گفته‌ام این اصل از ضروریات اسلام است و این هم که اطلاق نداشته باشد، از ضروریات اسلام است مثلاً اگر در آینده فقیهی پیدا شد و دید کسی دو تا خانه دارد و یکی را اجاره داده است و زندگیش هم مرغه است و کس دیگری خانه‌ای ندارد و بطور اجاره‌ای در جائی زندگی



می‌کند اگر آن فقیه دستور داد که خانه دوم آن شخص را بگیرند و به این شخص بدنه و قیمتمنش را حالا به او بدنه و ندنه بدل کنند برخلاف آنچه که اسلام فرموده است می‌باشد. به مصدق آیه «... الا ان تكون تجارة عن تراض...» اگر چنین باشد این مطلب در مورد زن هم می‌آید اگر کسی چهار تا زن دارد و جوانی هم هست که زن ندارد و زن هم گیرش نمی‌آید اگر آنچه مصلحت اقتضاء کرد اینجا هم اقتضاء می‌کند و مثلاً اگر یک پیرمردی است که در شرف مردن است ولی کلیه اش سالم است و جوانی هم هست که کلیه او خراب است و اگر کلیه به او ندنه می‌برد بیایئم آن پیرمرد را بکشیم و کلیه اش را به آن جوان بدهیم، این در مقام ثبوت درست نیست و در مقام اثبات هم برداشتش برای مردم چنین است که دین اسلام دینی است که به یک عده غیر معصوم محول شده، در صورتیکه باید به معصوم بتحول شود نه به غیر معصوم. ما می‌گوئیم، بگوئید که فقیه در حدود متونی که در فقه اسلام مشهور نوشته‌اند، ولايت دارد. یعنی بنویسیم فقیه «در حدود متون مشهوره فقهیه» ولايت دارد و اگر هم خواستید آن را تفصیل بدھید مثلثاً در فتوا و در قضاء و امور حسیبیه که من جمله همین حکومت است، کما اینکه امیر المؤمنین در مقابل خوارج فرمود «لابد للناس من امیر بر او فاجر...». عرض شود مردم یک حکومتی می‌خواهند و بی‌حکومت هم مملکت اداره نمی‌شود. ولی به این صورت اختلال نظم می‌شود متنهای چون اول تصرف در اموال عمومی است یا تصرف در اموال شخصی است، باید اول از آنها رضایت بگیرند که اسمش و کالت است. مثل فرض بفرمائید که فقیه ولايت بر شخص غایب دارد و اگر چنانچه بتواند تلفنی بپرسد یک چیزی را که لازم است تصرف بکند اول باید رضايیت او را تأمین بکند و اگر نشد آنوقت ولايت دارد. این است که وکالت‌سی خواهد چون تصرف در اموال هم هست وقتی که مردم همه به یک شخص رأی دادند آن فقیه کارش را می‌کند. این از لحاظ موضوعات و تصرف در اموال بود. از لحاظ احکام هم آنچه که خواستم عرض فرموده است باید به آن عمل کند نه اینکه خود حکم بکند. موضوع دیگری که خواستم عرض کنم طول دادن در موارد بیجا است که این همه وقت مجلس را گرفته است. مثل فرض بفرمائید «با رعایت ضوابط اسلامی» یا «براساس ضوابط اسلامی» در سورد این دو عبارت مدتی صحبت کردن چه فایده‌ای دارد؟ می‌خواهم عرض کنم دنبال این الفاظ رفتن غیراز بهدر رفتن وقت اثر دیگری ندارد و فرق هم نمی‌کند. موضوع دیگرچیزهایی است که جنبه تبلیغاتی دارد، وظیفه قانون اساسی این است که تکالیف را معین کند کما اینکه یکی از سخنرانها هم گفتند که مثل «کرامت انسانی در مقابل آزادی در عبادت حق متعال» این چه ربطی به قانون اساسی دارد؟ موضوع دیگر مربوط به زنها است که از مطابق احکام اسلامی چنین معلوم می‌شود که نماز جمعه و جهاد از زن برداشته شده‌با اینکه نماز خواندن در مسجد ثواب بسیار زیادی دارد، حتی خواندن هر نمازی در مسجد‌الحرام ثواب یک میلیون نماز دارد، طبق روایتی که در عروة الوثقی است که خود بنده آنرا دیده‌ام، اگر زن نماز را در منزل خودش بخواند افضل است. یکی از علمای قم یک نامه‌ای برای بنده نوشته است و نامه‌ای هم از مدرسین خارج رسیده است که شصت روایت جمع کرده که زنها حق تصدی امورات و ولايت و حکومت و این کارها را ندارند. حالا کاری به این حرفا ندارم، عرض من این است که بیش از این به اختلاط زن و مرد کمک نکنید. ما هر دوزمان را در کرده‌ایم در سابق که زنها در منزل بودند دیدیم که چه جور خانه را اداره می‌کردند، چه صفاتی بود، بجهه‌ها خوب تربیت



می شدند ، ملاحظه رفاقت و دوستی بچه ها می شد ، ملاحظه نشست و برخاست بچه ها می شد که دروغ نگویند و مرتكب کارهای بدنشوند ، حالا خانم به اداره مبرود و مرد همسر کارخود میرود ، دراین میان بچه بدون سرپرست میماند . بنده کسی را خدای نکرده متهم به بی عفتی نمی کنم ولی قهراً اتفاق می افتد ، چون زنها مختلف هستند و خوب و بد در همه هست . شما وضع خانواده را نگفته اید ، اساس خانواده بزرگ نهاده شده واهم کارزیادی بعدهاش می باشد ، ییکارنیست نه اینکه اسلام به زنها ظلم کرده باشد ، مثلاً مردی که از صبح تا شب برای تهیه مایحتاج زندگی تلاش نمی کند این تلاش برای زن و بچه اش می باشد و دلش برای زن و بچه اش بیشتر از خودش می سوزد . در موقع رأی دادن مگر ملاحظه مصالح زن و بچه اش را نمی کند ؟ اسلام نخواسته که اختلاط بین زن و مرد باشد و اصولاً اختلاط بین زن و مرد خوب نیست حالا میخواهید اینها را قبول نکنید و میخواهید نکنید و منتظر جواب هم نیستم چون در این چیزهایی که می گوییم هیچ شببه ندارم و جوابی هم اگر دارید بعداً بدھید ، ممکن است پیشندن و ممکن هم هست که نپیشندن . مطلب دیگری را هم می گوییم توکل به خدا ، در روزنامه اقلاب اسلامی خواندم که نوشته بود : سه نفر را به جرم حمل و قاچاق هروئین کشته اند ، من اینها را نتوانستم با اسلام تطبیق بدهم . عرض دیگر اینکه بنده کسالت قندهاشتم اما حالا میزان آن سیصد و شصت و یک شده و هم عرق قلبی متصل شده و پیشک به من گفته است که خطر سکته برایم وجود دارد ، این را عرض می کنم برای اینکه اطلاع داشته باشید ، هر وقت شد می آیم و هر وقت هم که نشد دیگر نمی توانم بیایم « وما جعل عليکم فی الدین من حرج — ليس على المريض حرج » من احتمال دارد که سکته بکنم و وقتی که احتمال سکته باشد نمی توانم شرعاً بیایم آقای صافی و همینطور آقای بهشتی اینجا تشریف دارند و سابقه دوستی زیادی ما با ایشان داریم اگر لازم بود که بیایم و رأی بد هم تلفنی بفرمایند من می آیم و رأی میدهم . دیگر از خدمتستان مخصوص می شوم و بعداً هر اشکالی هم که خواستید ، از من نکنید خصوصاً آقای بنی صدر والسلام علیکم .

۳ — ادامه بحث پیرامون پرچم

نایب رئیس — خوب ، با اجازه دولتان وارد دستور جلسه می شویم ، البته این نکته لازم به یادآوریست که اظهار نظرات در زمینه مسائل مختلف باید همینطور آزاد باشد . نظرات مختلف در اینجا ابراز می شود و نمایندگان محترم و حضار محترم و ملت ایران در همین مدتی که از مجلس خبرگان گذشته است دیده اند و شنیده اند که چگونه نظرهای گوناگون در اینجا آزادانه عرضه می شود و سرانجام آنچیزی که به تصویب میرسد ، معیار قانون اساسی در همه مسائل خواهد بود . امیدواریم همانطور که همه ما از حال و روح استاد بزرگوار آیت الله حائری آگاه هستیم که چقدر با صمیمیت و خلوص وصفاً آنچه را که می یابند بیان می کنند ، همیشه اظهار نظرها بر مبنای تشخیص صادقانه هرفردی باشد و همینطور اگر اختلاف نظرها براساس دریافت صادقانه باشد واقعاً به تکامل و پیشرفت جامعه کمک خواهد کرد . اصل مربوط به پرچم به آن شکلی که تنظیم شده بود صبح رأی کافی نیاورد برای اینکه تکلیف گروه مشخص باشد باید مطلبی را اینجا مطرح کنیم و روی آن اظهار نظر نشود . دو راه هست یکی اینکه اصل دیگری درباره پرچم تهیه و به اینجا آورده بشود ، یکی هم اینکه تصمیم درباره پرچم از قانون اساسی به قوانین بعدی که مصوب مجلس قانونگذاری است موکول بشود ، ماین دو راه را داریم . بر طبق آن چیزی که در پیش نویس



بوده و بعد هم طرح پیشنهادی گروه دوم بوده، ما باید یک اصلی برای پرچم داشته باشیم آنوقت گروه موظف است یک اصل جدیدی تهیه بکند، این است که من این را مطرح می‌کنم اگر اکثریت آراء براین بود که حتماً اصلی درباره پرچم در قانون اساسی باشد، گروه موظف است اصل جدیدی را تهیه کند و اگر این اکثریت نبود خود بخود تصمیم درباره پرچم به مجلس شورای ملی موکول می‌شود. آقای دکتر شیبانی بفرمائید.

دکتر شیبانی — از خیلی وقت پیش دولت یک اعلان کرده بود که آرمی برای جمهوری اسلامی ایران معنی بشود، بهتر است صبر کنیم تا آخر این مجلس اگر آن آرم آماده شد آنرا ببینیم ممکن است نمایندگان آنرا پسندند آنوقت یک طرحی برایش تهیه خواهند کرد. بنده پیشنهاد می‌کنم که تا آخر کار مجلس خبرگان آنرا به تأخیر بیاندازیم.

نایب رئیس — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — نظر من این است که پرچم باید تغییر پیدا کند. همچنانکه صحیح هم عرض شد رنگ پرچم عوض بشود چونکه در قسمتی از تاریخ شیعه رنگ پرچم سبز بوده یعنی سبز در برابر سیاهی بنی عباس چون بنی عباس شعارشان حتی در لباس هم سیاهی بود، شیعه شعارش سبز بوده است، عقیده من اینست که پرچم به رنگ سبز باشد البته آرمی هم باید برایش تهیه بشود.

نایب رئیس — اگر پیشنهاد مربوط به خود پرچم است آنرا به گروه بدیده الان پیشنهاد آقای دکتر شیبانی، پیشنهاد معقولی بنظر میرسد که ما تصمیم در باره این اصل را به تأخیر بیاندازیم تا طرحهای مربوط به آرم و پرچم در روزنامه ها و وسائل دیگر ارتباط جمعی هم اعلام بشود که طرحهای مختلف راجع به پرچم ارائه بشود. طرحی هم امروز آورده بودند و قرار بود صحیح مطرح کنند، صحیح شنبه آنرا می‌آورند و در جلسه مشترک گروهها مطرح می‌کنند. وقتی طرحهای مختلف تهیه شد تصمیم درباره پرچم را به اواخر کار موکول می‌کنیم. آقای یزدی بفرمائید.

یزدی — آیا قرار است دولت در تهیه طرح از نظر مجلس استفاده کند و یا قرار است پس از تهیه طرح، مجلس آنرا ببیند اگر پسندید قبول کند و اگر نپسندید آنرا رد کند؟ معنی تأخیر این می‌شود که صبر کنیم تا دولت طرحش را بدهد بعد مجلس ببیند و اگر پسندید آنرا قبول کند و یا اینکه آنرا رد کند و این صحیح نیست.

نایب رئیس — هیچکدام نیست دولت و مجلس که در مقابل هم نیستند مکمل یکدیگرند. (یزدی) — نظر مجلس باید تأثیری در طرز تهیه طرح داشته باشد یا نه؟ ببینید باید برای تهیه طرح آزادی داد، باید گفت زمینه را آزاد انتخاب کنند، آرم را آزاد انتخاب کنند، فقط بیانی برای آرمانهای جمهوری اسلامی ایران باشد و ساختیت هم با سوابق تاریخی داشته باشد این که دیگر ربطی به مجلس و یا دولت ندارد.

یزدی — ملاحظه فرمودید که اختلاف زیادی وجود دارد و نتوانستیم روی رنگ پرچم تصمیم بگیریم. آرم همانطوریست که می‌فرمائید ولی در زمینه کلی و رنگ نمی‌شود چنین تصمیمی را اتخاذ کرد.

نایب رئیس — در همان سورد هم ما باید بگوئیم که رنگهای مختلفی ممکن است توانند تهیه کنند، ملاحظه کرده اید که پرچم می‌تواند دارای یک رنگ و یا دورنگ و یا سه و یا چهار رنگ باشد



بنابراین ما باید هنرمندان و صاحبان ذوق و استعداد را آزاد بگذاریم تا طرحهای گوناگون تهیه کنند و دولت راجع به اینکار اقدام خواهد کرد و مجلس خبرگان هم می‌تواند خودش این را اعلام کند و احزاب و جمعیتها هم می‌توانند طرح خودشان را اعلام کنند تا اینکه وقتی طرحهای گوناگونی تهیه شد اول در یک گروهی اینها مورد بررسی قرار بگیرد و نمونه‌هایی برای تصویب به مجلس داده بشود. آفای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری اصفهانی — شما می‌گوئید احزاب یا گروهها می‌توانند طرح بدنهند، ممکن است بعداً طرح پیشنهادی گروهی مورد علاقه نمایندگان و مجلس قرار بگیرد و بعد آن گروه بگویند این طرح ماست که تصویب شده است و بخواهند سوء استفاده به کنند. ما نمی‌دانیم که آن گروه زیر چه پوششی واقع هستند، همینطور که آفای بزدی گفتند یکوقت بود که در پیش نویس مپرچم ذکر نشده بود خوب، ما هم عنایتی به آن نداشتیم که باشد، ولی الان که ذکر شده و گروه دوم هم رحمت کشیده است و پیشنهادها را راجع به این قسمت خوانده اند و طرحی هم به مجلس داده اند و اکثریت به سه رنگ بودن پرچم رأی نداد، حالا ما صبر کنیم که دولت چه بکند، این درست نیست. بنده پیشنهاد میکنم که در کمیسیون مشترک روز شنبه باطرحی که الان ارائه شده ولا بد آنرا دیده اید با مطالعه آن و نظر خود آقایان بنشینند و چیزی تهیه بکنند، اگر بشود یک قدری هم در میتوان تاریخ دقت بکنند و بینند که آیا در صدر اسلام و بعداً در عهد ائمه چیزی بعنوان پرچم و شعار داشته ایم یا نه.

نایب رئیس — آفای فارسی بفرمائید.

جلال الدین فارسی — تغییر پرچم به تصویب مجلس نرسیده است. بنابراین هرگونه عملی چه از طرف دولت و یا غیر دولت انجام بگیرد، تا اینجا تصمیم برای تغییر پرچم گرفته نشود. کارشناس مفید فایده نخواهد بود.

نایب رئیس — مسأله خیلی روشن است. مسأله اینست که همان طرحی را هم که آفای طاهری میگویند یکنفر اهل ذوق و هنر تهیه کرده است بنابراین ممکن است کسانی اقدام کنند، طرحهای گوناگون بیاورند، مجلس خبرگان میتواند پس از دیدن طرحهای گوناگون یک طرح را انتخاب کند و یا اکثریت که رأی داد آنوقت تکلیف آن مشخص میشود. (علی تهرانی) — اینکار را نکنند چون الان سی و نه نفر با سه رنگ بودن پرچم موافقند، همانطور که فرمودید اگر مجلس شورای اسلامی اینکار را بکند بهتر است، در این مجلس اینکار درست نمیشود. (مدنی) — بنده معتقدم که خود گروه یک مقدار بیشتری رحمت بکشند تا بتوانند یک طرح بهتری که مورد قبول باشد، تهیه کنند. آفای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بهتر است روز شنبه در کمیسیون مشترک یکبار این مسأله مطرح بشود و یک چیزهایی به این ماده اضافه بشود، شاید جلب توجه اکثریت را بکند. اگر توanstیم اینکار را بکنیم به جلسه می‌آوریم اما اگر نشد، معلوم میشود که فعلاً هردو طرح فاقد رأی کافی است بنابراین باید یک مهلتی به گروه داده بشود که یک دگرگونی در طرح ایجاد کنند تا یک نتیجه‌ای بگیریم این جمله را هم عرض کنیم که ما نمیتوانیم رأی به عدم چیزی بدهیم. (نایب رئیس) — اصلاً چنین رأیی تابه حال نداده ایم. (در ضمن سخنان بعضی از آقایان این بود که مجلس رد کرده است، مجلس تصویب نکرده است والا رد کردن در کار مجلس خبرگان نیست.)

نایب رئیس — بله تصویب نشده است، خوب ملاحظه بفرمائید نتیجه روشن است ما به هر حال صبح شنبه ان شاء الله در جلسه مشترک گروهها بحث پیرامون این موضوع را ادامه



می دهیم و فعلاً جای این اصل باز میماند. تا حالا بیست و یک اصل تصویب شده، اصل بعدی را که از نظر ردیف ممکن است اصل ۵ باشد بنا به گزارش گروه سه میخوانم:

۴ - طرح اصل ۵

اصل ۵ - «همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته و از حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی طبق مقررات شرع که متناسب با استعدادها و زمینه های طبیعی و عاطفی و روحی هر کدام است برخوردارند.»
نایب رئیس - از نظر اصلاح عبارتی عرض کنم «قرار گرفته» باید تبدیل شود به «قرار دارند» تا عبارت کامل باشد. از گروه سه یکنفر برای توضیح و دفاع از اصل تشریف بیاورد.

آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی - بسم الله الرحمن الرحيم. در این اصل که از اصول تنظیم شده در گروه سه میباشد همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته اند. تا اینجا این اصل هم مطابق با موازین اسلامی است و هم مطابق با موازین انسانی که من فکر میکنم هیچ اشکالی نداشته باشد زیرا زن و مرد در برابر قانون بکسان هستند. ممتنعاً اینکه حق زن در قانون و باحق مرد در قانون چیست، مطلب دیگری است، اماده حمایت قانون طبقه زن و مرد یکسانند و هیچ تقاضوتی ندارند و از حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. بعضی از این حقوق مانند حقوق اداری، مدنی و فرهنگی که تصریح شده است مکرراست و ممکن است داخل حقوق دیگر باشد که به صلاح دید خواهیمان خانم گرجی بوده است که این هاتصریح شود که زن در این گونه امور حق دارد، یعنی زن دارای حق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی و اجتماعی و فرهنگی است اگر چه ممکن است این الفاظ از لحاظ معنی داخل یکدیگر باشند ولیکن به صلاح دید ایشان و بعلت اینکه در تبلیغات طاغوتی و انمود شده است که اسلام بروطانی زن ظلم کرده و حقوقش را رعایت نکرده است و اسلام مرد را در رجامعه حاکم کرده است ویرای اینکه این سوء ساقبه تبلیغاتی که از تاحیه طاغوت و طاغوتیان بوده است، برداشته شود مابه اصطلاح در مقابل رأی خواهیمان تنازل کردیم و لذتیم چنانچه تمام جهات تصریح شود عینی ندارد. چون مردم کشور ماباخصوص خواهان ما از نظر تبلیغاتی که آن زمان شده است و شبهه هستند بنابراین ماصراحت بیشتری بکار میبریم و میگوئیم زن و مرد از حقوق سیاسی، اقتصادی، اداری، فرهنگی و مدنی و تمام شعونش با درنظر گرفتن زمینه طبیعی و زمینه روحی برخوردارند و همانطور که خواهیمان خانم گرجی براین مطلب اعتراف کردن، منصب قضاؤت و زعامت در شرع اسلام به زن داده نشده است که ما فکر میکنیم روی زمینه عاطفی و روحی و استعداد خود زن است و با درنظر گرفتن این مسئله که منصب زعامت و قضاؤت را در اسلام به زن نداده اند، لهذا ما این عبارت را اینطور کردیم که هم مطابق موازین اسلامی باشد و هم مطابق موازین علمی و هم از حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، اجتماعی، مدنی و فرهنگی طبق مقررات شرع که تناسب با استعدادها و زمینه های طبیعی و عاطفی و روحی هر کدام است، برخوردار باشند. ما این نکته را در گروه سه با حضور برادران و خواهیمان در نظر گرفتیم و این اصل را به این صورت درآوردیم. حالا اگر اشکالی داشته باشد آقایان بیان خواهند کرد. (صافی - حقوق کامل سیاسی را توضیح بدھید). یعنی در مسائل سیاسی. (طاھری - توضیح بدھید). زن میتواند انتخاب کند و میتواند



منتخب باشد یعنی میتواند وکیل شود و همچنین به مجلس خبرگان بیاید. اینها حقوق سیاسی است که برای زن و مرد مساوی است. (صفافی – خبرگان یعنی مجلس خبرگان که هم زن و هم مرد میتوانند خبره باشند.) همین حالاً کاری که شما انجام میدهید یک کار سیاسی است که خواهرمان هم انجام میدهد. پس حق سیاسی، هم شما دارید و هم من دارم و هم خواهران مملکتمن دارند یعنی هم من میتوانم برای مجلس شورای ملی وکیل انتخاب کنم و هم خواهرمان، که اینها حقوق سیاسی است. پس ازنظر حقوق سیاسی زن و مرد یکسانند و ازنظر اقتصادی هم همینطور «لرگال نصیب سما کتسپیوا ولنساء نصیب مما کتسپین»، هر کاری که شما ازنظر اقتصادی میخواهید بکنید تا آنجا که مشروع و انسانی است همان کار را هم زن میتواند در مملکت انجام دهد. مثلاً زن میتواند مالک سرمایه های شرعی در صنایع خصوصی که مالکیت آنرا در اصول قانون اساسی محترم شمرده ایم، باشد و از خود امام هم مستقیماً سوال کردم گفتند مالکیت محترم است. مثلاً فرض بفرمائید مرد میتواند یک کارخانه صنعتی خصوصی داشته باشد زن هم همینطور میتواند مالک آن باشد، مرد مالک اجرت کارش است و زن هم همینطور، در مسائل اداری هم همینطور مثلاً فرض بفرمائید شما کارمند اداره میشوید، زن هم میتواند کارمند اداره بشود. متنها چه تکلیفی نسبت به حجاب خودش دارد، آن مسئله دیگری است ولی ازنظر ذات کار بلامانع است وزن و مرد تفاوتی ندارند. (خامنه‌ای – میخواهم «حمایت قانون» را در سطر اول عرض کنم چون در پیش نویس «دربرابر قانون» بود و «دربرابر قانون» مفادش اعم است از اینکه در برابر قانون گاهی مأمور و گاهی آخذ است. خواهش میکنم بلندتر بفرمائید. (خامنه‌ای – در اصل پیش نویس «دربرابر قانون» بود که طبعاً زینه مطالعه شما بوده و توجه داشته اید)، بلی آنجا «دربرابر قانون» بوده است.

خامنه‌ای – ولی شما «در حمایت قانون» گذاشته اید. من میخواهم ببینم مزیت این برآن چیست، چون «دربرابر» وقتی میگوئید یعنی هرگاه کسی مظلوم است قانون از او حمایت میکند وقتی ظالم است عیناً مجازات درحق او انجام میشود، شاکی هست و مشتکی عنه هم هست و به هرحال فرق نمیکند که حمایت بشود بلکه گاهی اوقات هم اعمال قوه در باره او میشود. بنابراین «در برابر» بمنظور اعم می‌آید و دو جنبه را در بردارد، در صورتیکه «در حمایت قانون» یعنی قانون از او دفاع میکند و صورت دیگر را شامل نمیشود.

موسوعی تبریزی – طبق حق خودش.

خامنه‌ای – شما چرا «در برابر» را برداشته اید و این حمایت چه مزایائی دارد؟ **موسوعی تبریزی** – یکی از قوانین الهی مسئله قاتل است. «ولكم في القصاص حيوة يا اولى الالباب لعلكم تتقون» قاتل عمدى را ولی مقتول می‌کشد آیا میدانید قتل زن یا مرد و قصاص بر زن یا مرد از نظر شرع تفاوت دارد؟ این دو برابر قانون جزاء قتل، مساوی نیستند. (تهرانی – در قتل چرا ولی در دیه هست). اگر هم بکشد مازاد را باید بدهد. (مکارم شیرازی – بحث از موضوع خارج شد).

نایب رئیس – خوبست پاسخ ناظر به سوالات و متن اصل باشد. اصولاً منظور آفای خامنه‌ای این بود که انسان یک وقت در حمایت قانون است و اینطور از او فهمیده میشود که بر اوستمی رفته و قانون از او حمایت میکند و یک وقت است که انسان شامل اعمال قدرت قانون است برای حمایت دیگری، یعنی قانون میخواهد از دیگری حمایت کند و به عبارت



دیگر، حمایت یکی و هدایت دیگری است. بنابراین سؤال ایشان این بود که اگر «در برابر قانون» باشد، شامل هر دو جهت میشود. مثلاً در یک دعوتی کسی که حقی از او تضییع شده و کسی که حق دیگری را ضایع کرده است و ممکن است کسی که حق را ضایع کرده زن باشد در اینصورت وقتی شما میگوئید زن و مرد در حمایت قانون هستند شامل این حالت نمیشود. (موسوی تبریزی — یعنی هردو زیر چتر قانون هستند). بنابراین، این تعبیر باید عوض شود و همان «در برابر قانون» باشد. (موسوی تبریزی — اگر حمایت را به معنای طرفداری بگیرید صحیح است ولی زیرچتر قانون نمیشود). ظاهر «حمایت» این است، بنابراین آنچه که شمامیخواهید بگوئید با کلمه «در برابر قانون» اوفق است. (بنی صدر — «در برابر» روشن است).

موسوی تبریزی — این بسته به نظر آقایان است ولی آنچه که در گروه به نظر ما رسیده اینست که چون مجازات اینها متفاوت است و در برابر بعضی قوانین مساوی نیستند، لهذا گفتم منظور ما از حمایت، زیر چتر قانون است و قانون طوری نیست که به مرد تفضیلی بدهد و از زن کم بگذارد.

نایب ویس — بسیار خوب، توضیح آقای موسوی تمام شد. (یکی از نمایندگان — من یک سؤال دارم). اجازه بفرمائید بعضی از سؤالات را دیگران جواب بدنهند زیرا باز هم دوستانی خواهند آمد که دفاع کنند. آقای مکارم جنابعالی موافق هستید یا مخالف؟ (مکارم شیرازی — موافق مشروط). آقای موسوی جزايری موافق هستید یا مخالف؟ (موسوی جزايری — موافق مشروط). آقای فاتحی جنابعالی موافق هستید یا مخالف؟ (فاتحی — مخالف). آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — بسم الله الرحمن الرحيم. در این اصل که به این صورت تنظیم شد، همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته اند. در قرآن کریم خداوند تعال میفرماید «ولا تتمنوا مافضل اللّه به بعضكم على بعض للرجال نصيب مما اكتسبوا ولنساء نصيب مما اكتسبن» شأن نزول آیه درباره اینست که یک عده ای از زنها آمدند پیش امسلمه که ما از بعضی مزايا در اسلام محروم هستیم، از جمله در جهاد شرکت نمیکنیم و در ارت سهم ما نصف مرد است و همچینین بعضی مسائلی که بعضی دوستان و برادران هم تذکر دادند مانند موضوع قضایت و ولایت و حکومت که تقریباً در اسلام مسلم است که به زن داده نشده است. (ربانی شیرازی — مربوط به این اصل نیست). غرض این کلمه مساوی است که تفاوت دارد با جملات بعد و میگوید زن و مرد بطور مساوی البته اینها ممکن نیست. (ربانی املشی — در برابر قانون است چرا شما توجه نمیکنید؟)

نایب ویس — اجازه بدهید که ایشان در این هفت دقیقه‌ای که دارند حرفشان را بزنند. (ربانی املشی — ایشان مطلبی را بگویند و بعد کسی نیست جواب بدند و از رادیو تلویزیون هم حرfovهای ایشان پیش میشود). میتوانید جواب بدهید. آقای فاتحی ادامه بدهید.

فاتحی — گفته شده «همه افراد اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته اند» این عبارت «بطور مساوی در حمایت...» در اسلام بین زن و مرد یک امتیازهایی است و بطور طبیعی ممکن است مساوی باشند و اگر بطور عادلانه یا متعادل ذکر شده بود... (ربانی املشی — آقا «در برابر قانون» ذکر شده است). البته طبق مقررات شرع که متناسب با استعدادها باشد که اینهم یک نحوه اجمالي است. کیست که از زمینه‌های عاطفی یا روحی یا طبیعی افراد اطلاع



داشته باشد؟ اگر مراد از طبیعت خلقت است یا محلی که در آنجا سکونت داشته باشد اینها یک مسائلی نیست که ما بخواهیم قانون ازانه‌احمایت کند علاوه بر این میگوید «همه افراد ملت» و به کدام «دین» مقید نکرده است مثلاً فرض کنید یکنفری دین یا ضد دین مثل یکنفربهائی، آیا این شخص در حمایت قانون و از حقوق کامل سیاسی برخورد ارادت؟ (مکارم شیرازی – آقای فاتحی پقیه‌اش را نمی‌خوانند). عرض کردم آخر این تفاوت دارد، یعنی وقتی کلمه مساوی را گفتیم. (هممه نمایندگان).

نایب رئیس – اگرآقایان بجای اینکه در اثنای صحبت ایشان صحبت کنند، بگذارند ایشان صحبت‌شان را تمام کنند، میتوانند تشریف بیاورند و توضیح بدهند. آقای فاتحی ادامه بدھید.

فاتحی – وقتی کلمه «مساوی» را گفتیم با «طبق مقررات شرع» نمی‌خواند و با هم تطبیق نمی‌شود یعنی بین اوائل و واخر کلام یکنوع تعاوض وجود دارد زیرا مقررات شرع میگوید متساوی نیست. شما اول گفتید «متساوی در حمایت قانون» که علاوه بر متساوی دویار حمایت هم کرده‌اید اگر میگفتید «در برابر قانون» بهتر بود. اما میگویند قانون هم از تساوی او حمایت میکند ولی هرگز قانون اسلام از تساوی زن و مرد به‌این طریقی که بعض رساندم و در این مسائلی که تذکر داده شد حمایت نمیکند و از آنطرف هم میگوید «متنااسب با استعدادها و زینه‌های طبیعی عاطفی و روحی طبق مقررات شرع» اینهم خودش باز یک نحوه اجمال‌گوئی است زیرا کیست که از حالات روحی اشخاص باخبرشود که طبق آن بخواهد از او حمایت کند؟

نایب رئیس – بسیار خوب آقای فاتحی دیگر آنچه بفرمائید تکرار است. (موسی تبریزی – ایشان معنای جملات را نمیدانند چیست؟) آقای فاتحی شما مطلبتان را فرمودید اگر مطلب دیگری هست بفرمائید والا که تمام است.

فاتحی – عرض کنم راجع به‌اینکه «از حمایت مدنی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی برخوردارند» اینجا هیچکدام درباره زن و مرد و افرادی که در دین مقدس اسلام نیستند، یا ضد دین هستند و کلمه زن و مرد برآنها اطلاق می‌شود و مقید هم نکرده به‌اینکه متدين به یک دینی باشد ولو یکنفر ضد اقلایی باشد، آن حمایت شامل این افراد هم می‌شود؟

نایب رئیس – آقای فاتحی این مطلب که تکرار است، آقای مکارم به عنوان موافق اسم نوشته‌اند که نویشان است، بفرمائید. (یکی از نمایندگان – یکنفر از خود گروه بیاید.) از گروه، آقای باهنر اسم نوشته‌اند ولی به‌نوبت سخن خواهند گفت. (ربانی امشی – زبانیکه اصول برسی شده در گروه دوم مطرح بود کسی حق حرف زدن نداشت وحالا که نوبت گروه سوم است باز هم گروه دوم سخنگو است). خانم گرجی بفرمائید.

خانم گرجی – من اعتراض دارم چون یکنفرآمد شرح داد و یکنفر آمد مخالفت کرد، بنابراین از گرومه باشد باید باینند ازانچیزی که نوشته‌اند دفاع کنند به‌چه دلیل آقای مکارم صحبت بفرمائند؟

نایب رئیس – توجه بفرمائید گفتیم یکنفر حداقل از گروه باید که آن یکنفر هم آمد و نفرهای بعدی بريطیق ترتیب نام نویسی صحبت خواهند فرمود و این رویه‌تاکنون همیشه معمول بوده است. (یکی از نمایندگان – آقای مکارم همیشه برای هر اصلی اسم مینویسند.) خوب آقایان نیتوانند زودتر اسم بنویسند، خانم گرجی بفرمائید.



خانم گرجی — همیشه گروهی که روی یک موضوع کار کرده اند بهتر میتوانند دفاع کنند.
نایب رئیس — آقای دکتر قائمی بفرمائید.

دکتر قائمی — روی این اصل درگروه خیلی خوب بحث شده است که چرا اینجا «بطور مساوی در حمایت قانون» گذاشته اند و بعد هم گذاشته اند «حقوق کامل». این موضوع خیلی خوب بررسی شده است و من چون منشی گروه هستم تمام یادداشتها را در چندین صفحه دارم و مشخص است که چرا اینکار را کرده ایم. الان اگر آقای کریمی و یا آقای باهنر یا آقای صدقی و یا دیگران تشریف بیاورند خیلی خوب میتوانند بحث کنند که چرا اینجا عبارت «بطور مساوی در حمایت قانون» را نوشته اند.

نایب رئیس — آقای دکتر قائمی یک وقت میگوئید اولی اینست که بطور کلی موافقین بعدی هم از گروه باشند و به آنها اولویت داده شود که اینرا باید آئین نامه ای یا نظری مشخص کنند. ولی آنچه یک سئول جلسه میتواند عمل کند، بربطی آنچه نظر داده نهاراً موافق اولویت دارد که از طرف گروه بیاید و منهم اینکار را در این مورد و موارد قبلی کرده ام و لی نفر بعدی طبق ثبت نام می آید و صحبت میکند. اینکار هم طبق رویه قبلی بوده است. بعضی از دوستان سریعاً ثبت نام میکنند و بعضیها دیرتر که از عهده ما خارج است. این است که جلسه باید یک رویه ای داشته باشد. حالا آقای مکارم اگر بنظرشان میرسد که اولی این است که توضیحات را به نفر بعدی که آقای باهنر که از موافقین هستند واژگروه هم می باشند و اگذار بکنند، هم من رویه ام را درست عمل کرده ام و هم نظر بعضی نمایندگان تأمین شده است و اگر هم و اگذار نکنند خودشان صحبت می کنند.

ریاضی شیرازی — طبیعی این است که اگر چنانچه اعتراضی باشد خود گروه که میداند به چه علت الفاظ را آورده بیاید و دفاع کند نه کسی که خارج از گروه است.

نایب رئیس — من این موضوع را به رأی می گذارم، در موارد دیگر اگر همین طور عمل شد، آقایان نمایندگان که چرا نوبت رعایت نشده است. (مکارم شیرازی — اجازه بفرمائید من عرضم را بعد رأی بگیرید). رأی گرفتن منافاتی با کار شما ندارد. (مکارم شیرازی — اجازه بفرمائید رفع سوء تفاهم بشود بعد شما رأی بگیرید). اجازه بفرمائید من رأی را می گیرم و منافاتی هم با شخص شما ندارد. (حجتی) — وقتی این اصل تنظیم می شد من درگروه سه بودم، طبیعی است که عضو گروه سه بهتر می تواند از نظریه اش دفاع کند. بسیار خوب جنابعالی هم به این رویه رأی بدهید چون من می خواهم آن را به رأی بگذارم. موافقین با این که نه تنها نفر اول موافق از گروه باشد بلکه اگر نفر بعدی هم از گروه، داوطلب باشد، نوبتش بردیگران مقدم است دست بلنده کنند. (سی و یک نفر دست بلنده کردند). بلى باسی و یک رأی موافق در پرابر بیست و سه رأی غیر موافق تصویب شد، چون مواد آئین نامه را ما با اکثریت نصف بعلاوه یک تصویب کردیم بنابراین، این موضوع در آئین نامه یادداشت خواهد شد. (تهرانی) — از جموع نمایندگان یا از حاضرین، خیر در تصویب آئین نامه نصف بعلاوه یک حاضرین بود. (تهرانی) — خیر در آئین نامه از جموع نمایندگان بود و باید نصف بعلاوه یک هفتاد نفر را به حساب آورد یعنی سی و شش نفر. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. من مایل بودم که وقتی را به آقای باهنر و اگذار کنم ولی مثل این که سوء تفاهمی در اینجا شده زیرا دیروز و امروز صحیح وقتی مباحث گروه دو



مطرح شد بهشادت شما یک‌نفر بیشتر از گروه ما صحبت نکردو صورت جلسات موجود است. دو موافق و دو مخالف از گروههای دیگر مکرر در بخش‌های ما بحث کردند. این برنامه‌ای که در مورد من انجام شد، طبق برنامه‌ای بود که شما در گروه دو و گروه یک مرتب عمل کردید، حالا می‌خواهید در این مورد تصویب جدیدی بکنید. این مسأله تازه‌ای است و علاوه بر این باید حرف آقای تهرانی را در مورد آئین نامه ببینیم که آیا نصف بعلاوه یک حاضرین است یا نصف بعلاوه یک مجموع نمایندگان که بعداً دیده خواهد شد. ولی علت این که من نامنویسی کردم این بود که وقتی اصل را خواندم دیدم بعضی مواردش ایراد دارد ولی اساسن درست است و یک مقداری هم که رویش صحبت شد و دفاع شد البته یک مقدار کمبود داشت و یک مواردی هم اشکال داشت. به همین علت به عنوان موافق مشروط نامنویسی کردم و نمی‌دانستم اولین نفر هستم یا دویین یا پنجمین نفر الان اسم بندۀ راخواندن و طبق رویه آدم پشت تریبون و اگر آقایان مایل باشند نظراتم را می‌گوییم و اگر هم مایل نباشند نویتم را به دیگران میدهم. (نمایندگان — بفرمائید). اشتباهی که آقای فاتحی کردند و نمایندگان هم تذکردادند و ایشان توجه نفرمودند، «حمایت و مساوات در مقابل قانون»، غیر از «مساوات در حقوق» است.

بحث در مساوات حق نیست بلکه بحث در این است که هر کسی هر حقوقی دارد در شرایط مساوی با افراد دیگر در مقابل قانون مساوی است. بنابراین سخن از مساوات در مقابل قانون است نه مساوات در حقوق که اینجا بحث کنیم. البته استثناء‌های که وجود دارد آن بحث دیگری است که در جای خودش بحث خواهد شد و به همین دلیل چون بحث در حقوق است بعضی از آقایان فرمودند که کلمه «برابر» باشد بهتر از این است که «حمایت» باشد. اگر بحث حقوق نبود حق باشما بود باید می‌گفتیم «دربرابر» اما فصل و بحث در مورد حقوق است و مسأله حق هم که پیش آمد، مسأله حمایت می‌آید. بنابراین تعبیر به «حمایت» با توجه به اینکه بحث مربوط به حق است، بحث صحیحی است و آن کلمه «برابر» مربوط به جائی است که حکم باشد نه حق، بنابراین «حمایت» درست است. اما سه اشکال کوچک وجود دارد و آن این است که ما نمیدانیم «اداری و مدنی» در اینجا چه لزومی دارد، وقتی «سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی» گفته می‌شود کلمه «اداری» هم داخل در اجتماعی و یا اقتصادی هست. «فرهنگی و مدنی» هم داخل در حقوق اجتماعی و سیاسی هست، بنابراین «اداری و مدنی» در مقابل آن چهار تا نباید قرار بگیرند و داخل در آن چهار تا هستند. اشکال دیگر بnde این است که عبارت «طبق مقررات شرع» را که نوشته‌اند، کافی است و این عبارت «با توجه به استعدادها و...» یک خاطرای را در ذهن شنوندگان زنده می‌کنند و شاید باعث یک نوع جریحه‌دار کردن عواطفی باشد زیرا دعوای اینکه زن و مرد در ساختمان تفاوت دارند یا ندارند را تجدید می‌کنند، چون وقتی ما مسأله موافقت شرع را قید کردیم دیگرچه نیازی دارد این مسائل را به میان بکشیم؟ از اینکه مصدع شدم معدّرت می‌خواهم.

نایب رئیس — مخالف دوم طبق ترتیب آقای دکتر ضیائی هستند.

دکتر ضیائی — بسم الله الرحمن الرحيم. همه ما در کشوری زندگی می‌کنیم که کاملاً از قوانین اسلام اطلاع داریم و همه مردم کشور ما و مردمی که در کشورهای اسلامی دیگر زندگی می‌کنند میدانند که روی جهاتی که از نظر تاریخی و از نظر جسمانی باید بررسی کرد، اسلام برای طایفه نسوان حقوق بیشتری قائل شده است که در مراحل خاص، موارد آن را باید



بررسی کرد. حتی در نکاح که به حکم «لانکاح الا به مهر» باید یک مقداری سرداد، پیشکشی داد تا بشود همسر و همسنگ انتخاب کرد و همچنین در موضوع جهاد و نماز جمعه که لازم نیست حتی زنان بروند و باید این تکلیف را از آنان برداشت البته نه اینکه آنها را منع کرد بلکه همه اینها به عنوان حمایت از زن است که در حقیقت سازنده جهان است. بطوریکه در باره زن گفته اند «به دستی مهد جنبانی ندانی — که گرداننده دنیائی ای زن» حالا با تبلیغات، سوءاستفاده میکنند و در حقیقت مبارزه با اسلام میکنند در صورتیکه اسلام ازنظر قانون، زن را با مرد برابر قرار داده و حتی از حقوق بیشتری برخوردارش کرده است. من به عنوان مخالف از این نظر اسم نوشتمن که عبارت در این اصل به نحوی نوشته شده که برای مجلس مصلحت نیست، اجازه بفرمائید عبارت را میخوانم «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون قرار گرفته اند» جناب آقای مکارم فرمودند قانون بطور مساوی همه را تحت حمایت قرار میدهد. در موارد خاص فرق میکند چه مردها نسبت به هم، یا زن‌ها نسبت به هم، یا زن و مرد نسبت به یکدیگر زیرا اگر برخورداری از حقوق کامل برای همه مساوی باشد آیا همه وقتیکه جرم کردن باز هم در مقابل قانون برابرند یا نه؟ زیرا در این اصل هیچ معرض نشده است. مطلب دیگر اینکه وقتیکه جناب آقای موسوی یا گروه سه معتبرند که حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی شامل اداری و سایر موارد هم میشود به خاطر دلجهوی از خواهه‌مان و یا خانمهای دیگر ما نباید این مجلس را از نظر ادبی و نوشنوندان را بداریم. خوب آنها بروند معلومات یاد بگیرند تا تفسیر قانون را بدانند. از نظر دیگر که نوشته شده «متنااسب با استعدادها و زمینه‌های طبیعی» این در حقیقت احواله به مجھول است و عبارت «متنااسب با حقوق» و نیز عبارت «متنااسب با استعدادها و زمینه‌های طبیعی، عاطفی، روحی» هر کدام از اینها یک معیار خاص دارد و حال آنکه شما دارید قانون اساسی مینویسید و یک معیار خاصی در خارج ندارد تا حقوقدانان یعنی آنهاشی که مجلس شورای ملی را تشکیل میدهند، مصاديق اینها را پیاده کنند به این جهت احواله به مجھول است. مورد دیگر در عبارت «همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته و از حقوق کامل سیاسی... طبق مقررات شرعی...» این قید، قید هر دو جمله است یا قید یک جمله؟ زیرا وقتی ما خودمان که بررسی میکنیم، نمی‌توانیم بهمیم این قید از برای کدام یک از اینهاست، آقایان اصول خوانده‌اند و میدانند در مورد قیدی که بعد از دو جمله یا سه جمله واقع میشود، اختلاف است یعنی ابوحنیفه و دیگران که آیا به همه برمی‌خورد یا به یکی وقتیکه این اختلاف هست توضیح این مطلب در این اصل داده نشده است. بنابراین، این اصل باید با عبارات دیگری تنظیم شود و چه اشکالی دارد همان پیش‌نویسی که قبل از نوشته شده بود و یا پیش‌نویس‌های دیگری که شاید در حدود بیش از صد پیش‌نویس خدمت آقایان موجود است، بررسی شود و یا به این صورت نوشته شود «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی هستند و از حقوق کامل سیاسی، اقتصادی و یا غیره‌ای آخر بطور مساوی برخوردار هستند مگر مواردی که شرع استثناء کرده است. موارد استثناء را قانون گذاران تعیین میکنند.» والسلام علیکم و رحمۃ اللہ ویرکاته. (ربانی امشی — یک کلمه جاافتاده است،) نایب ویس — آن کلمه کدام است؟ (ربانی امشی — «واز حقوق کامل سیاسی، اقتصادی اداری، مدنی، اجتماعی، و فرهنگی خود» این کلمه «خود» جا افتاده است.) اصلی که در این



زینه در پیش نویس قبلی در اول فصل پنجم، حقوق ملت بوده اینست «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساویند» این در آن پیش نویس بوده و در اینجا تفصیل و تطبیل است که لابد علی داشته است که گروه سه‌این متن را بر متن قبلی مقدم داشته‌اند. یک موافق مشروط و یک مخالف مشروط و یک موافق و یک مخالف صحبت کردند اگر احساس میفرمائید که مذاکرات کافیست رأی گیری کنیم و اگر این اصل با این کیفیت پذیرفته شد که هیچ ولی اگر رد شد، متن دیگر را به رأی بگذاریم. (موسوی اردبیلی) این دو قسم است اول و قسم دوم را جداگانه رأی بگیرید بعد یک اصلاحات کوچکی اگر باشد میشود انجام داد. (مثل اینکه آقایان احساس میکنند که مذاکرات جلسه لااقل به اندازه یک مخالف و یک موافق دیگر ادامه پیدا کند. (ربانی املشی) آقای باهنر توضیحات لازم را بدنهاد. آقای دکتر باهنر بفرمائید.

دکتر باهنر — بسم الله الرحمن الرحيم. من فقط بطور مختصر نکاتی را که مورد ایراد بود توضیح میدهم بدون اینکه بخواهم سخنرانی مفصلی در طرفداری از این اصل کرده باشم. یکی اینکه گفته شد چرا مسأله «حمایت از قانون» بجای «برابر» گذاشته شده، البته ما بینشتر دوست داریم کلمه «برابر» گذاشته شود، متنها چون بعضی از افراد گروه میگفتند که شاید شائبه این باشد که منظور از «برابر» آیا برابر حقوق است، برابری قانونی است و چنین و چنان، این بود که «حمایت» گذاشته شدم تصور میکنم اگرچنانچه اصراری باشد که «دربرابر» گذاشته شود ماهم قبول می‌کنیم و ما اصرار نداریم که از کلمه «حمایت» دفاع کنیم، اما این را توضیح بدهم که روی این خیلی مفصل بحث شد که همه در برابر قانون مساوی هستند نه قانون درباره همه افراد سلطنت یکسان است، حتی آن بحثی که راجع به افرادی که تحت حمایت کشور هستند و تبعه هستند یاتبعه نیستند یا ضد انقلاب هستند آن بحث دیگری است، در مورد هر فرد قانونی است یا در سوره هر قisher یا جناح قانون وجود دارد و اجرای قانون برای هر فرد یکسان است یعنی اینظور نیست که قانون درباره کسی اجرا بشود و در مورد دیگری اجرای نشود اما اینکه قانون چیست این در جائی دیگر تعیین میشود اینجا فقط بحث این است که قانونی که درباره هر فردی و یا هر قشری وجود دارد آن فرد یا آن قشر در برابر قانون مساوی هست و اگر بنا است اجرا بشود در مورد همه یکسان اجرا میشود. (یکی از نمایندها) بنویسید در مقابل قانون. بنظر من اشکالی ندارد که بنویسیم مقابل. (یزدی) — کلمه مقابل مقصود را نمیرساند. (طاهری اصفهانی) — چون در حقوق ملت بحث میکردیم قرارشده این عنوان حق پیدا کند. (خانم گرجی) — این اصلاح جایش در آنجا است و زیر حمایت قانون غیر از «درباره قانون» است.

مدنی — این مطلب را فراموش کردید چون بحث ما در حقوق ملت است یعنی آنچه مردم حق دارند. بحث ما در مسیحیت و چیزهای دیگر نیست ما میخواهیم حقوقشان تأمین شود بنابراین چاره‌ای نداریم جز اینکه بگوئیم در حمایت قانون مساوی هستند و حق دارند که قانون حق هر کدام از آنها را بگیرد و قانون از حق هر کدام از اینها حمایت کنند، بحث در مقررات کلی نیست، بحث در حقوقشان هست یعنی قانون باید همه اینها را به نحو مساوی حمایت کنند. (بنی صدر) — بشر همیشه رنج از تبعیض در برابر قانون برده است.

دکتر باهنر — به هر حال من تصور میکنم مسأله در مقابل قانون و در برابر قانون اینهم خودش حقی است یعنی همه افراد حق دارند که قانون مربوط درباره آنها بطور یکسان اجرا بشود.



این یک نوع حق است که همه افراد دارند که دربرابر قانون یکسان باشند، نه آنکه قانون به افراد به چشمها گوناگون نگاه کند.

نایاب رئیس — آقای دکتر باهنر توجه بفرمائید، خوبست که سؤال و جوابها روش و روشنگر باشد. آنچه چند نفر از دوستان شما و حتی خود آقای موسوی هم اول که آمدند گفتند این است که ما چرا اینجا کلمه «برابر» را تبدیل به «حمایت» کردیم برای اینکه این اصل در اول فصل حقوق ملت است که میگوید زن و مرد این حق را دارند که بصورت یکسان در حمایت قانون باشند حتی اگر شما بگوئید «دربرابر قانون» معنی «در حمایت قانون» میندهد و اگر هم بگوئید «در حمایت قانون» چیزی از «دربرابر قانون» کم ندارد و بنظرشان سؤال تردید آور آقای خامنه‌ای وارد نیست برای اینکه اینجا فرض اینست که ما میخواهیم حقوق ملت را بیان کنیم و چون اینجا میخواهیم این مطلب را بگوئیم کلمه «حمایت»، مناسب است. این نظر گروه است که یا مورد قبول دولتان قرار میگیرد یا نمیگیرد.

دکتر باهنر — سپاراخوب پس باشد برای موقع رأی گرفتن.

ربانی شیرازی — ما این سوال را داریم که همه دربرابر قانون مسئولند که اینهم جایش اینجا است حالا یک اصل علیحده‌ای میخواهید بیاورید یا میخواهید از این استفاده بکنید.

دکتر باهنر — مسئولیت غیر از حق است. (ربانی شیرازی — باید اینجا باشد یا جای دیگر، چون جای دیگر که نداریم). در اصل مربوط به قوه مقننه ممکن است این اشاره را بکنیم و ماده‌ای بنویسیم که مردم دربرابر قوانینی که مجلس میگذراند موظف به اطاعت هستند و اما نکته دیگری که مورد بحث بود من تصور میکنم آنچه را که آقای فاتحی گفتند با تذکراتی که بعداً آقایان دادند، مسئله متفق شد برای اینکه عبارت بعد که نوشتند است «از حقوق کامل سیاسی» مگرماً معتقدیم آنچه را که اسلام به هر فرد داده ناقص است و یا هر نوع حق را که برای هر فردی و یا برای هر قشری قائل شده است کمبود دارد؟ ما معتقدیم آنچه را که اسلام داده است حقوق کامل است بنابراین از حقوق کامل سیاسی مخصوصاً اینکه دربایان این جمله هم هست «که طبق مقررات شرع» که میتوانیم عبارت «طبق مقررات شرع» را طبق «موازین اسلام» بنویسیم و یا میتوانیم با آن حرفی که اول گفته شد که موازین اسلام را که اول گفتیم بعد دیگر همه جا تکرار نکنیم و حذف کنیم ولی در عین حال اگر لازم است در جاهائی که رویش حساسیت داریم مسئله مقررات شرع را تأکید کنیم و تصریح بکنیم و اشکالی هم ندارد. بنابراین مفهوم حقوق کامل اقتضای اسلامی و یا حقوق کامل اقتصادی اسلامی، یعنی وقتی مقررات شرع را در آخرین جمله آوردهیم معنایش این میشود که زن و مرد از حقوق کامل اقتصادی شرعی و حقوق کامل اداری شرعی برخوردار هستند و هیچ منافاتی با هیچ مسئله‌ای ندارد. (جوابی) — ممکن است این مطالب را تویی پرانتر ذکر کنیم که خواسته‌های آنها هم تأمین شود. الان میخواستم همین را عرض کنم، از اینکه این مطالب را گسترده کنیم هیچ ضرر نمیکنیم وقتی بگوئیم سیاسی، حدود مسئله سیاسی آن است که یک نوع ابهام داشته باشد. بخصوص این مسئله اداری درمورد خانمها مطرح است که آیا برای زن حق اداری یعنی استخدام، اشتغال، بیزان ساعات کار و این طور چیزها در مسائل اداری وجود دارد یا ندارد؟ یا حقوق مدنی که مقصود از حقوق خانوادگی یعنی ازدواج، طلاق و مسئله ارث است، بنابراین هیچ اشکال ندارد که ما بیانیم بخصوص کلمه مدنی را جدا از سیاسی و جدا از اجتماعی تصریح کنیم و اشکالی



هم ایجاد نمیکند. (فاتحی) — وقتی در اسلام شهادت دوزن برابر یک مرد است شما چطور میخواهید بگوئید زن و مرد از جمیع جهات برابر هستند؟)

نایب رئیس — آقای فاتحی شما سؤالتان را بصورت مستوفی بیان کردید اگر بخواهید مجددآ ده پاسخی که گفته بیشود، همان سؤالتان را تکرار کنید که نمی شود. (فاتحی) — برای من روشن نشد. (روشن هم که نشود، شما سؤالتان را بصورت مستوفی بیان کردید بعد میتوانید ان شاء الله پیرون با ایشان صحبت کنید. آقای دکتر باهنر شما ادامه بد هید.

دکتر باهنر — بنابراین همانطور که قبلاً توضیح داده شد اسلام به هر کس حق کامل داده است و اسلام به کسی چیزی ناقص نداده است و حوزه حق دادن اسلام و قانونگذاری اسلام کامل است و اما درباره مسئله «متنااسب با استعدادها» اول یک توضیح میندم و اصراری هم نداریم که باشد، توضیح اینست که اینجا گفته نشده است حقوق را بعد قانونگذاران متنااسب با استعداد تعیین کنند که جواب داده شد، «استعداد» معلوم نیست چیست این قید مربوط به شرع است یعنی اسلام و شرع حقوقی را که برای افراد قائل شده است براساس استعدادها وزینه های طبیعی و عاطفی بوده است و ما نمیخواهیم حوزه استعداد را براساس آن قانون تعیین کنیم، قانون را شرعاً تعیین کرده است، فقط یک قید توضیحی برای قانون شرعی و حق شرعی دادیم که حقوق شرعی که اسلام به زن و مرد داده است متنااسب بوده با استعدادها و با زینه های طبیعی و عاطفی که در حقیقت پاسخی است از یک سوال مقدم، در واقع یک نوع فلسفه و بیان این جمله برای این جهت بوده و نخواستیم بگوئیم قانونگذار باید رعایت استعداد هارا بکند بلکه گفتم شرع رعایت استعداد را کرده و در عین حال اگر بناست جمله رامختصر بگنیم هیچ اشکال ندارد که بدبنا اجتماعی و فرهنگی بگوئیم «طبق مقررات شرع یاطبق موانع اسلامی برخوردار هستند» و این تکه را هم بدرایم. اما آن جمله ای که آقای بهشتی فرمودند که چرا آن ماده تبدیل به این ماده شده، پیشنهاد های واصله را بروی کردیم و در این حال اگر پیشنهاد های خیلی زیادی رسیده بود، شاید بیش از دویست مورد اثکار نظر کرده بودند و معمولاً آن جمله کوتاه را برای این مسئله حساس گسترده تر کردن این اصل که مسئله مقداری گسترده تر شود و بنابراین ما بسا کافی نمیدانستند و پیشنهاد داده بودند که مسئله اصل را به این صورت تنظیم کرдیم که از حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی، فرهنگی برخوردار شوند در تنظیم این اصل این مسئله را رعایت کردیم و به آن اضافه کردیم و بدون آنکه هیچ خدشه ای به مسئله وارد بشود مسئله گسترده و گویا تر هم شده است. (ربانی شیرازی) — آقای دکتر باهنر این تفصیلی که دادید، تولید سوال میکند که چطور مسائل قضائی و نظامی را نوشته و باید جواب بد هید.) مسائل در قسمت قضائی هست. (ربانی شیرازی) — مسائل اداری هم در ضمن اجتماعی است.) مسائل اداری و مدنی توضیح دارد. (ربانی امشی) — پیش نویسن اول که گفته بود اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی هستند یک حق را بیان کرده بود و اینکه شما نوشتید یک حق دیگر را و هر دو حق می باشند، بنابراین کاری بکنید که هردو باشد، بسیار خوب بنابراین، این اصل که به این صورت تنظیم شده یک کمی پریارتر است و دو حق را یعنی دو حوزه را در زینه حق بیان کرده است. من فکر میکنم مسئله دیگری نباشد که توضیح نداده باشم.

نایب رئیس — مشترک بیم آقای مولوی عبدالعزیز بفرمائید.



مولوی عبدالعزیز — شما باید قاطع صحبت کنید، زنها را هم اگر میخواهید راضی کنید خدا را هم راضی کنید. آخر در چهارچوب اسلام صحبت کنید چرا لنگ لنگان و با احتیاط راه میروید؟

دکتر باهنر — ما تند و قاطع و طبق موازین اسلام راه میرویم، اما اینکه رمز مسائل در اینجا تبیین نمیشود، مثل سایر اصول است. اینجا قانون اساسی مطرح است و ما زمینه و پشتونهای حقوقی را میگوییم و ریزمسائل انشاء الله در قانون مدنی و مجلس شورای ملی تبیین و توضیح داده میشود. اینجا فقط زیربنای کار است من دوست داشتم فقط یک جمله هم ابتدا راجع به این اصول توضیح داده میشد زیرا که گروه ما مدعی است که از گروههایی است که کارش را شسته و رفته انجام داده است البته معناش این نیست که بعضی گروهها این کار را نکرده‌اند بلکه گروه ما چون روی این مواد زیاد کار کرده، توقع دارد با یک توضیح گسترده‌ای که درباره اصول میدهد بتواند در تصویب سریع این اصول موفق باشد و امیدواریم این مرحله از کار ما که مرحله گروه سه است با سرعت بگذرد که بنویه خودمان در تسریع کار و پیشرفت کار کمکی کرده باشیم.

نایب رئیس — متشرکرم قسمت به قسمت اصل را میخوانم و به رأی میگذارم. (صفی) — من توضیح داشتم. (قرشی) — یک عده‌ای از آقایان هستند که هر اصلی مطرح میشودندیگذارند دیگران صحبت کنند شاید اگر دیگران هم نظرشان را بدند مسئله زودتر حل شود. (آفای) قرشی اگر به جای بنه مسئول بودید میتوانید مرا راهنمائی کنید که چه میکردید؟ (قرشی) — منظور این است که اشخاصی که وقت میخواهند به آنها وقت داده شود. تا چند نفر؟ (قرشی) — باید همه کسانیکه نظری دارند ابراز کنند. (تصویب کردید که دو نفر صحبت کنند بعلاوه اگر به تشخیص اکثریت باشد مانع ندارد که بیش از دو نفر صحبت کنند ولی من کفایست مذاکرات را در موقعی که برای خودم مبهم است به رأی جلسه میگذارم. حالا اگر جلسه، رأی به کفایت مذاکرات داد آنوقت شما تأیید میکنید که رأی جلسه را عمل کنید؟ (قرشی) — من اولین کسی بودم که دست بلند کردم و از جنابعالی وقت خواستم. (عرض کردم آقایان منشیان اینجا همکاری میکنند چون من آن موقع توجهم به همه دولتان نیست، و اگر احیاناً در رعایت ثبات نام کم توجهی بشود من از آقایان منشیان خواهش میکنم که با دقت بیشتر همان طور که خدمتشان گفته شده هر یک از آقایان منشیان فقط نیمی از مجلس را که مربوط به سمت خودشان است نگاه بکنند که فوراً اسامی نوشته شود و تبعیضی پیش نیاید. خوب من اول کفایت مذاکرات را به رأی میگذارم موافقین با کفایت مذاکرات دست بلند کنند (چهل و یک نفر دست بلند کردند). چهل و یک نفر به کفایت مذاکرات رأی دادند، بنابراین مذاکرات کافیست. حالا قسمت به قسمت به رأی میگذاریم : «همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قرار دارند» موافقین با این تعبیر در این اصل دست بلند کنند (چهل و دو نفر دست بلند کردند) بنابراین رأی کافی نیاورد. آقای مشکینی بفرمائید.

مشکینی — پیشنهاد میکنم بنویسید «بطور عادلانه در برابر قانون». نایب رئیس — اجازه بفرمائید این عبارت را به رأی بگذاریم. «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساویند» موافقین دست بلند کنند (چهل و چهار نفر دست بلند کردند) بنابراین رأی نیاورد. آقای دکتر اوشانا بفرمائید.



دکتر بیت اوشانا — بنویسید «از حقوق برابر در مقابل قانون بخوردار هستند».

نایب رئیس — پیشنهاد آقای مشکینی قرائت میشود «همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور عادلانه در برابر قانون قرار دارند» موافقین با این عبارت دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) رأی نیاورد. (پشارت — غیر از حمایت و برابر چیز دیگری نیست یا به «حمایت» رأی بدھند یا به «برابر»). (خامنه‌ای — برابر یا به معنی مساویست یا به معنی مقابله، دوستان به معنای مقابله را گاهی با معنای مساوی اشتباہ میگیرند.) آقای خامنه‌ای، آنرا هم به رأی میگذاریم حالا پیشنهاد آقای دکتر بیت اوشانا را قرائت میکنیم و به رأی میگذاریم «همه افراد ملت اعم از زن و مرد از کلیه آزادی‌ها و حقوق سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی و فرهنگی و اجتماعی قید شده در این قانون و سایر قوانین جمهوری اسلامی بطور مساوی بخوردار میباشند» موافقین با این پیشنهاد دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) این هم رأی کافی نیاورد. آقای قرشی بفرمائید.

قرشی — در این مسأله ما می‌پایستی این آیه را پیاده کنیم «ولهن مثل الذى عليهن بالمعروف وللرجال عليهن درجه» آقایان گروه سه بروند و روی این آیه قرآن یک اصلی تنظیم بکنند رأی موافق هم می‌آورد.

نایب رئیس — اجازه بدھید یک پیشنهاد دیگر است که بنده به رأی میگذارم «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در مقابل قانون مساویند» موافقین با این پیشنهاد دست بلند کنند این برای تبدیل «برابر» به «مقابل» است که جای هیچگونه شایبه‌ای هم نباشد. (چهل و دو نفر دست بلند کردن) (عده‌ای از نمایندگان — در شمارش اشتباہ میشود با قیام و قعود رأی بگیرید). یکی از آقایان بجای این دو برادر بیایند اینجا و شمارش را انجام بدھند. (نمایندگان — باید برای جلوگیری از اشتباہ با قیام رأی گرفته شود.) (بنی صدر — شما عبارت «در مقابل قانون» را توضیح بفرمائید که مطلب روش باشد.) (دوستان توجه بفرمائید اصولاً خوب است همان طور که پیشنهاد می‌کنند درباره این اصل که در مراحل قبلی تهیه پیش‌نویس مطرح شده مقداری توضیح داده شود. در همه نظامهای قانونی افراد یک جامعه یا قشرهای مختلف یک جامعه یا جنبیت‌های مختلف یک جامعه در برابر قوانین مدون آن جامعه موضع مساوی ندارند و با آنها رفتار مساوی نمیشود یعنی قانون یکی هست اما درباره این طبقه اجرا میشود و درباره آن طبقه اجرا نمیشود و خود ما، در نظام طاغوتی مگر گرفتار این مسأله نبودیم؟ قانون توی کتاب بود ولی درباره یک گروه اجرا میشد و درباره گروه دیگر اجرا نمیشد. این اصل که در حقوق ملت آمده است ناظر بر این معنی هست که در مقابل قانون مساویند ولی قانون چیست، حالا مطرح نیست باید در آینده مطرح شود ولی هرچیزی قانون شد، اعتبار و اجرایش برای همه یکسان است. بنابراین آنچه در اینجا به عنوان اصل اول از حقوق ملت مطرح شده ناظر بر این بخش است. (یکی از نمایندگان — در برابر جعل قانون نه در برابر اجرا پس شما کلمه اجرا بگذارید درست میشود.) اجازه بدھید ببینم خواهرمان چه میگویند.

خانم گرجی — ما در اینجا آمدیم قانون را اجرا کنیم قانون مانندیک چتری است که باید در بالای سر ما باشد، آن قانون، حامی و مدافعان مردم باید باشد. مانمیخواهیم قانون را عوض کنیم پیغمبر فرمود «اصرهم والاغلال» یعنی اگر زنی شکایت داشت نگویند تو زن هستی و برو پی کارت، قانون باید حامی و مدافع مردم باشد و مردم را در پناه خودش بگیرد. متوجه این قضیه باشید



که ما اینجا داریم از حقوق مردم دفاع میکنیم نه اینکه انسان را در مقابل قانون قرار بدهیم، آن بحث دیگری است و این بحث دیگر. اینجا اصل مطلب گم شده است این قانون مثل مادر یا پدر سهرابانی که از طفل خود حمایت میکند، باید حامی انسانها باشد، حالا میخواهد مرد باشد یا زن.

نایب رئیس — متشکرم آقای حجتی فرمایشی دارید؟
حجتی کرمانی — اینطور نوشته شده است اجرای قانون در مورد همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان است.

نایب رئیس — آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — شاید اصراری که ما در این اصل داریم اینست که میخواهیم بک کلمه «برابر» در آن بگنجانیم به این خاطر که تصور میکنم برابری عدل است. مرحوم شهید مطهری عدل را که معنی می‌کند بیفرماید، عدل آن حقوق متساوی است در استحقاقهای متساوی اگر ما در استحقاقهای متساوی امور متساوی را در نظر بگیریم کاملاً این عدل رعایت شده است و اگر هم بگوئیم این عدل نابرابر یا نامتساوی است کسی ناراحت نمیشود برای اینکه معنای عدل را فهمیده است. پس طی این اصل با پایدحوقی که خداوند به زن و مرد داده، برسی بشود و در عین حال آن چیزی را که سردم میخواهند به آنها تفهیم بشود و آن تصویری را که مردم دارند و خیال میکنند زن ضعیف است از بین برود و اگر شرع مقدس اینها را از امتیازاتی محروم کرده است لطفی است که شرع مقدس اسلام درباره زن تعیین کرده و کاملاً میتوانیم بصراحت بگوئیم که در بعضی از موارد چون حقوقشان متساوی نبوده پس حقوق متساوی ندارند.

مکارم شیرازی — این مطلب عیناً تصویب شده است، پس تردید آقایان در چیست؟
بند چهارده از اصل سوم این مطلب را روشن کرده «در تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و متساوی حقوق در برابر قانون» این را تصویب کرده‌ایم حالا تردید مال چیست؟ عین همان است.

فارسی — با قیام و قعود یک مرتبه رأی بگیرید.

طاهری — با توجه به این اصل در پیش‌نویس که نظر داشت به دو جنس زن و مرد مساوات بدهد، نه به آحاد ملت اصلاً آن پیش‌نویس برای این مسئله پایه‌گذاری شده بود که زن و مرد متساویند و آنچا نوشته «درباره قانون متساویند» حالا این گروه با توجه به پیشنهادات و نظرخواشان که باید مسئله به عنوان حق ملت اینجا مطرح بشود آمده‌اند «درباره قانون» را «حمایت قانون» کرده‌اند. حمایت قانون در حق ملت انساب است از «در برابر قانون» این قانون کجاش گیر دارد که رأی داده نشود؟ فرمایش ایشان در بندهای چهارده اصل سوم هم همین منظور را میرساند.

نایب رئیس — چون این متن با متن قبلی تفاوت چندانی ندارد، با توجه به توضیحاتی که داده شد یکبار دیگر درباره همان متن خود گروه رأی میگیرم گمان نمیکنم که با دست یا قیام تعداد رأی فرقی داشته باشد، (بعضی از نمایندگان) با قیام رأی بگیرید) با قیام رأی میگیریم.
(خامنه‌ای — خلاف آئین نامه است) آقای خامنه‌ای باز کم محبتی نمیکنید چرا خلاف آئین نامه است؟ اجازه بدهید فقط تصویب اصول با رأی با ورقه است و این نظرخواهی است و نظرخواهی



بعد از توضیحاتی که آقایان میدهند، هیچ اشکالی ندارد. آقای صدوقي بفرماید.

صدوقی— موضوع اینست که همه در برابر همه قوانین اعم از زن و مرد متساویند زن و مرد در ارث و جهات دیگر تساوی دارند و در اخلاق و معنویات و در همه چیز این قسمت باید توضیح داده شود که هر کسی در برابر قانون مربوط بخودش متساوی است زن در برابر قانون خود و مرد در برابر قانون خود و قوانینی هم که مشترک بین زن و مرد است آن هم بطور تساوی اجرا شود.

نایب رئیس — متشرکرم، من چند لحظه‌ای پیشنهادهای رسیده را می‌خوانم:

— طبق قوانین شرع مقدس اسلام، همه افراد ملت اعم از زن و مرد به نسبت زینه‌های طبیعی و روحی و عاطفی (در حمایت قانون قرار دارند) یا در برابر قانون برابرند.

(کیاوش)

— اجرای قانون در مورد همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان است.

(حجتی)

— همه افراد ملت از نظر حقوق سیاسی و اجتماعی بر طبق قانون برابرند.

(مراغه‌ای)

— همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور متساوی در مقابل قانون قرار دارند.

(فارسی)

— همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون هستند و از حقوق کامل در حدود مقررات شرع بخوردارند.

(رحمانی)

— نظر آقای انگجی اینست که این قسمت حذف شود «بطور متساوی در حمایت قانون قرار گرفته» (اکرمی)

— همه افراد اعم از صغیر و کبیر و شهری و روستائی و مرد و زن در برابر قانون متساوی می‌باشند به این معنی که در اجراء قانون در مورد احدهای تبعیض نخواهد شد.

(صادی)

— همه افراد ملت در جریان قوانین بر آنها از زن و مرد و وضعی و شریف متساوی هستند.

(خدامی)

— همه افراد ملت از زن و مرد بطور متساوی در حمایت قانون قرار دارند و اجراء آن نسبت به همه یکسان است.

(ربانی)

— همه افراد ملت اعم از زن و مرد در مقابل قانون برابر و بطور متساوی در حمایت قانون قرار دارند.

(موسوی زنجانی)

نایب رئیس — بازاین چیزی است که تازه است و شبیه به آن چیزی است که آقای حجتی و بعضی آقایان تذکر داده‌اند با یک مقدار نزدیکتر بودن به متن، این راهم به رأی می‌گذاریم «همه افراد ملت از مرد وزن بطور متساوی در حمایت قانون قرار دارند و اجراء آن نسبت به همه یکسان است» (هاشمی نژاد — اصلی که در کمیسیون مشترک طرح می‌شود می‌آید اینجا یا این که قسمت اولش را آنچه تصویب کرده‌اند به این صورت درمی‌آید. به عقیده‌من فعلاً این را بگذاریم برای بعد که وقتی تلف نشود و اصول بعدی را که روشن است مطرح بفرمایید. آقای ربانی بفرمایید.



ربانی شیرازی — من خیال میکنم در فهمیدن متن قانون اشکالی است. من عقیده‌ام اینست که یکی از آن چند نفری که رأی نداده‌اند بفرمایند پیشنهادشان چیست؟ اشکال این متن چیست؟ بنظر من به کمیسیون مشترک هم احتیاج ندارد.

نایب رئیس — این همان است که آقای حقی فرمودند «قانون از همه افراد ملت اعم از زن و مرد به یکسان حمایت می‌کند» موافقین دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) ردشد. (یکی از نمایندگان — تمام پیشنهادها را قرائت بفرمایید.) پیشنهادهای مشابه را نخواندم چون در عبارت که تأثیری ندارد در مطلب تأثیر دارد، من همه پیشنهادها را که نمیتوانم بدرأی بگذارم پیشنهادهای را به رأی می‌گذاریم که یک تقریبی کرده باشد.

موسوی تبریزی — اینها از نظر محظوظ یکی است حالا نمیدانم عبارت «درویش قانون» یا «در حمایت قانون» چه ایرادی دارد که آقایان نمی‌خواهند رأی بدند در صورتی که تمام پیشنهادات از نظر محتوا یکی است.

نایب رئیس — ما به صورت نهائی یکبار دیگر نظرخواهی میکنیم اگر تصویب نشد، باید اصل به گروه برگردد «همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، اجتماعی و فرهنگی خود طبق مقررات شرع برخوردارند» ما راجع به این که این جمله وسط را اضافه کنیم یا نه، در خارج رأی می‌گیریم. فعلاً بدون این که چیزی از محتوای اصل کم کند رأی می‌گیریم، بعد راجع به افزودن این جمله هم جداگانه رأی می‌گیریم. آقای طاهری اگر کفايت مذاکرات نبود، البته حضرت‌عالی و سایرین صحبت‌می‌کردید حالا موافقین با افزودن این عبارت در ذیل، قیام بفرمایند. بین چهل و هفت نفر وجهی و هشت نفر ایستادند چون یک‌نفر از آقایان بعد برخاستند، می‌میاند اضافه کردن این مطلب که «متناوب با استعدادها وزینه‌های طبیعی و عاطفی و روحی...» موافقین با افزودن این جمله قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) ردشد. بنابراین اصل را با حذف از «که» تا «است» با ورقه به رأی می‌گذاریم. حالانه متن را می‌خوانم و بعد گلدان را برای گرفتن رأی با ورقه می‌آورند. (موسوی تبریزی — کلمه «کامل» را هم بعد از اجتماعی و سیاسی اضافه کنید.) نوشتم، شما اجازه بفرمایید خیلی تغییر ندهیم.

اصل ۵ — همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قراردارند و از حقوق کامل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی (اداری و مدنی و فرهنگی خود) طبق مقررات شرع برخوردارند.

لطناً گلدان‌ها را برای رأی ببرید. (اخذ رأی بعمل آمد و پس از شمارش آراء نتیجه بشرح زیر اعلام شد).

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه پنجاه و شش نفر، موافق چهل و پنج نفر، مخالف هفت نفر، ممتنع چهار نفر بنابراین اصل برای اصلاح مجدد به گروه مشترک برمی‌گردد.

۵ — طرح و تصویب اصل ۲۶ (اصل بیست و سوم)

نایب رئیس — بطور کلی دولتان باید در برابر خداوند احساس مسئولیت بکنند برای اینکه وقتی که صرف می‌شود و بحث می‌شود و بعضی آقایان نمی‌آیند مثلًا یک اصلی که الان چهل و پنج رأی موافق آورد بطور طبیعی اگر بجای پنجاه و شش نفر، شصت و شش نفر در جلسه



بودند اقلام پنجاه نفر موافق داشت و تصویب میشد، خوب، اصل بیست و شش قرائت میشود.
اصل ۲۹ (اصل بیست و سوم) — تفییش عقاید منوع است و هیچکس را نمیتوان
 بصرف داشتن عقیده مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

نایب رئیس — در این باره بحثی هست؟ آقای رحمانی فرمایشی دارد؟ (رحمانی) — خیر
 عرضی ندارم. پس بحثی نیست؟ (اظهاری نشد) بنابراین حالاً که بحثی نیست این اصل رابه
 رأی می‌گذاریم لطفاً گلدان‌هارا برای رأی‌گیری ببرید، خواهش می‌کنم در موقع اخذ رأی صحبتی
 نفرمایید.

(اخذ رأی بعمل آمد و پس از شمارش آراء نتیجه بشرح زیر اعلام شد).
نایب رئیس — عده حاضر در جلسه پنجاه و سه نفر، تعداد کل آرا پنجاه و سه رأی، موافق پنجاه و
 یک رأی، مخالف هیچ، متعن دو رأی، بنابراین، این اصل تصویب شد تکمیل. (نمایندگان
 سه مرتبه تکمیل گفتند) آقای مدنی بفرمائید.

مدنی — این اصل قابلی که به تصویب نرسید علتی غایبت دوستان است بنابراین عقیده
 من این است که فکری بکنید و ترتیبی داده شود که آقایان کمتر غایب شوند و اوقات ضایع
 نشود. ما حاضریم حتی جمیع ها اگر موافقت بفرمایند جلسه تشکیل شود و بکارمان اداهه بدھیم.
 (طاهری اصفهانی) — این را تصویب بفرمائید که امروز پنجشنبه است، ممکن است خیال کنند که
 هر روز اینطور است.

نایب رئیس — ملت ایران از این جهت بر ما ایرادی نمی‌گیرند و میدانند که ما قبل
 قرار بود جمیع ها هم کار کنیم. یکی از برادران ما اجازه گرفته اند برای یک مسافت و اکنون
 دوازده روز است که در یک سمینار شرکت کرده‌اند. اگر در یک نوبت یک رأی کم بیاوریم و
 ایشان نباشند ما الان نتیجه نقش شرکت ایشان در سمینار را با آن کمود یک رأی می‌یابیم،
 ایشان قرار بود خدا کش برای هفت روز تشریف ببرند حالا دوازده روز است که در جلسه حاضر
 نیستند. من نمیدانم چگونه باید جواب بدھیم به هر حال ما متعدد هستیم، بعضی از دوستان اول
 جلسه دیر می‌آیند و بعضی دیگر در اواخر جلسه، جلسه را ترک می‌کنند، دوستان باید از اول
 وقت تا آخر وقت باشند تا کار جلو بروند. البته بعضی از آقایان هم مثل برادران آقای دکتر
 روحانی با آنکه سمت معاونت وزارت کشور را دارند، سرتباً در جلسه شرکت می‌کنند و رفتن
 خودشان را موکول به تمام شدن قانون اساسی کردند. آقای دکتر شبیانی بفرمائید.

دکتر شبیانی — آقای طالقانی که مرحوم شدند، آقای دکتر غفوری هم به مسافت
 رفته‌اند هر دو نفر را از حد نصاب رأی کم کنید. وقتی دو نفر کم بشود حد نصاب چهل و شش
 رأی میشود.

۶ - طرح و تصویب اصل ۲۷ (اصل بیست و دوم)

نایب رئیس — اصل بیست و هفت قرائت میشود.
اصل ۲۷ — حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است
 مگر در مواردی که شرع تجویز کرده است.

نایب رئیس — در متن پیش نویس قبلی بجای کلمه «شرع» نوشته شده بود «مگر به حکم
 قانون» در اینجا برای اینکه کاملاً مشخص بشود، نوشته‌اند که قانون، قانون شرع است. اگر



آقایان نظری دارند بفرمایند و اگر موافق و مخالفی هست صحبت کنند. (دکتر ضیائی) — من سؤال دارم. اول یکی از اعضای گروه برای پاسخگوئی تشریف بیاورند. (اکثر نمایندگان — توضیح نمیخواهد، رأی بگیرید). (مکارم — میشود سؤال کرد؟) آقای دکتر باهنر تشریف بیاورید و جواب بدید. (دکتر باهنر — من برای پاسخگوئی آماده‌ام). خود گروهها مدافع را انتخاب کنند که ما منتظر نشویم. آقای دکتر ضیائی بفرمایند.

دکتر ضیائی — در این اصل که نوشته شده... حقوق ، مسکن... آیا این کلمه مسکن شامل محل کار و کسب هم میشود یا نه؟ در کارخانه است، در اتوبیل است، آیا شامل اینطور موارد هم میشود؟ (دکتر باهنر — مسکن بطور متعارف شامل خانه و منزل می‌شود ولی آن چیزی که شما می‌فرمایید یا شامل مال است یا شامل شغل). یک وقت کلی است، بروند و متعرض مال مردم در تجارتخانه یاد کان بشوند.

نایب رئیس — آقای دکتر باهنر اجازه بدهید که من توضیح بدهم، مسکن در عالم بشریت یک احترام خاصی دارد من انتظار داشتم که آقای دکتر باهنر توضیح کامل بدهند به هر حال منزل و مسکن جائی است که دارای یکنوع امنیت خاص در جامعه بشری است و در جوامع پیشرفته اهمیت فراوان دارد. محل کار در ردیف اموال دیگر است ولی مسکن به اعتبار مسکن و مأوا بودن یک اهمیت خاصی دارد و مسکن جائی است که انسان در آن از تعرض مصون است و وسیله است برای امنیت و آسایش، به این علت است که مسکن را جدا از اموال دیگر ذکر می‌کنند. (ربانی شیرازی — این کلمه ناموس را توضیح بدهید). (طاهری — فرد اجلای حیثیت ناموس است). (دکتر باهنر — معنای حیثیت، ناموس هم هست و تصریح و توضیح آن در اینجا ضرورت ندارد). آقای مکارم بفرمایند.

مکارم شیرازی — سؤال این است این «قانون شرع» که اینجا نوشته شده، «قانون» با «شرع» دو تا است یعنی همان تصویری که قبل داشته ایم از دولت و سلط که آنها طاغوتی بوده و اینها ضد آنها بوده‌اند حالا اگر بنویسیم قانون شرع کارها دوسییر را طی میکند این یک سؤال، سؤال دوم این شرطی که نوشته شده است ضابطه‌اش چیست؟ آیا توضیح المسائل است و یا به‌رأی رهبراست یا به‌رأی شورای رهبری است؟ این یک‌چیز گنگی است که باید مردم سردرگم نشوند. بنابراین اصل سؤال من این بود که در جمهوری اسلامی شرع و قانون دو تا است و ثانیاً اگر یکی است ضابطه‌اش چیست؟

دکتر باهنر — به همان دلیلی که موقعی که این اصل تهیه می‌شد ، فرمودید ترجیح می‌دهم که «مگر حکم قانون» باشد در آن موقع هنوز آن اصولی که مسئله قانون را در حوزه موازین اسلامی چهار میخه کرده بود تدوین نشده بود و ما نمی‌دانیم وضع چطوری است لذا افراد یا گروهی سرتباً در هر بند یا اصلی می‌خواستند که کلمه شرع یا موازین اسلامی به کار برود بنابراین تصور می‌کنم چون در اصول گذشته بطور قاطع روشن شده است که هر قانونی باید براساس شرع و موازین اسلامی باشد، بهتر است که اینجا ، به جای «مگر در مواردی که شرع تجویز کرده است» «بنویسیم» مگر در مواردی که قانون تجویز کرده است و گذشته از این چون اینجا موضوع جان و حیثیت و این چیزها است بهتر است از نظر روانی نوشته شود قانون که گناهش را به گردن قوانین بین‌نژادیم در هر حال اگر بنویسیم «مگر به حکم قانون» بهتر است.



نایب رئیس — آقای بنی صدر بفرمایید. (بنی صدر) — من می خواهم همان «به حکم قانون» را تأیید بکنم. بسیار خوب آقای مرادزه بفرمایید. (مرادزه) — به سؤال بند جواب داده شد. آقای هاشمی نژاد بفرمایید.

هاشمی نژاد — با توجه به این که در یکچنین مواردی قانونی را که فرمودید می خواهیم پیاده کنیم دادگاههای صالح است که وظیفه دارد بگوید شمامتعرض مسکن کسی بشوید یا نشوید، بنابراین چه اشکالی دارد که دادگاههای صالح را بنویسید؟ با این ترتیب چه اشکالی دارد به جای قانون همان دادگاههای صالح را بنویسیم که هم رعایت قانونگذاری را کرده باشیم و هم بنظر، بعضی حساسیت‌ها از بین خواهد رفت.

نایب رئیس — آقای دکتر باهنر بفرمایید.

دکتر باهنر — وقتی مانوشتیم «قانون» خود کلمه قانون شامل تشکیل دادگاه یا رأی دادگاه می شود مثلاً اگر قانون گفته است در صورتی که فلان عمل را کسی انجام داد، می تواند حیثیتش مورد تعرض قرار بگیرد، خود این مسأله را قانون معین و احراز می کند چون دادگاه بر اساس قانون رأی میدهد.

نایب رئیس — اجازه بدهید یک توضیحی هم من بدhem. علت این که نوشته شد «قانون» و «دادگاه» نوشته نشد، این است که در بعضی موارد استثنائی قبل از صدور حکم دادستان لازم می شود مأموران انتظامی فردی را بگیرند. من باب مثال عرض کنم اگر یک پاسبان کسی را در حین ارتکاب جرم ببیند موظف است او را دستگیر کند بدون اینکه منتظر حکم دادگاه در باره او باشد. آقای دانش راد بفرمایید.

دانش راد — در کمیسیون وقتی که راجع به این موضوع بحث شد گفتیم اگر نوشته شود مواردی که شرع تجویز کرده است، فکرمن این بود که شرع ثابت است و از قبل وجود دارد یعنی از سالیان دراز تابه حال وجود داشته و کسی نمی تواند به وسیله آن سوءاستفاده کند ولی قانون را بعد هامی آورند و وضع می کنند و مزاحم مردم می شوند و مزاحمتها نیز هم در آینده ایجاد می کنند اینست که اگر نوشته شود «شرع» بهتر است در حالی که شرع از قبل تدوین شده، شرع الهی است و بنابراین سوءاستفاده از آن نمی شود کرد.

دکتر باهنر — پاسخ شما به سخنان آقای مکارم بود مسأله شرع با توجه به اینکه دقیقاً مشخص نیست که براساس چیست، وقتی بخواهد جنبه قانونی پیدا کند و جنبه اجرا داشته باشد و بالآخره قانونیت داشته باشد در مجلس مقنه یا هرجا که می خواهند قانونگذاری کنند، تشخیص میدهند، تمیز میدهند اما راجع به مسأله بعد که می فرمایند «بعداً سوءاستفاده خواهد شد» اگر بخواهد کسی خدای نکرده از قانون سوء استفاده کند قانون جلوی او را می گیرد و قوه نگهبان مراقبت این امر را خواهد کرد و در اصول قبل هم گفته شده است که قوانین مملکت براساس موازین اسلام خواهد بود.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمایید.

خامنه‌ای — یعنی با فرض اینکه شرع مطابق حدس ایشان ثابت هست متنها درجزئیات چون اختلاف دارد اگر «قانون» باشد بهتر است.

فاتحی — مراد از حقوق چیست؟ و ثانیاً کلمه‌ای که با آن مناسبت دارد محرومیت است تعرض برای موارد خشونت‌آمیز استعمال می شود مراد از حقوق کدام حقوق است که مصون از



تعرض باشد؟

نایب رئیس — آقای دکتر باهنر بفرمائید.

دکتر باهنر — بعضی از آفایان پیشنهاد داده‌اند که توضیح پیشتری داده بشود که شامل بعضی از حقوقی که ضمن کلمات «جان و مال و...» نبوده شامل آنها هم بشود هر نوع حقی که شخص دارد این باید محفوظ باشد و حتی این قسمت را میتوانیم حذف کنیم و در ابقاء آن خیلی اصرار هم نداریم برای اینکه خواستند مواردی را که حق وجود دارد اما کلمه حیثیت، مسکن، شغل شامل آن نمی‌شود، آنها را هم آورده باشیم و بگوئیم تعرض به هیچیک از حقوق افراد معجز نیست و همه افراد از تعرض مصون هستند مگر به حکم قانون.

نایب رئیس — اجازه بدهید این یک مقداری با جان، مال و سایر چیزهای جور نیست دیگر کسی سؤال ندارد؟ آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری اصفهانی — دنباله بیان آقای مهندس دانش‌زاد این بود که همه قوانین اسلامی است یعنی همه قوانین براساس اسلام است یعنی اسلام بر همه اطلاقات و عمومات قانون اساسی و سایر قوانین حاکم است. وقتی که این اصل را در گروه سه می‌نوشتند طور دیگری بود. در عین حال چون یک مسأله‌ایست که در رابطه با حیثیت، ناموس، جان و مال مردم است من فکر می‌کنم که اسلام و شرع یک چیز ثابت و لا تغیر است، جزئیاتش را هم که فرمودند ما خودمان میدانیم و چون در بعضی جزئیات ممکن است اختلاف باشد نظر من اینست که اگر همان کلمه «شرع» باشد بهتر است. (دکتر باهنر — این یک اظهار انتظر است.)

خانم گرجی — اگر یادتان باشد موقعی که ببحث می‌کردیم حتی در کمیسیون گفتہ شد که در گذشته به نام قانون کارهای خلافی انجام دادند و هر کارخلافی را به نام قانون انجام میدادند و به حقوق مردم تجاوز میکردند و مثلاً کتب ضاله‌ای را به نام قانون فرهنگ اسلامی منتشر میکردند و می‌گفتند این عمل را قانون اجازه داده بنظر من اگر کلمه شرع باشد، بهتر است برای اینکه جلوی آن نوع قوانین را خواهد گرفت. (مکارم شیرازی — این مطالب مربوط به زمان طاغوت بود و گذشت.)

دکتر باهنر — ما باید باور کنیم که انقلاب شده، باید باور کنیم انقلاب اسلامی شده است و باید باور کنیم تمام قشرهای مردم خواستار جمهوری اسلامی شدند، هنوز دید ما اینظور است که خیال میکنیم وضع مردم طور دیگر است وضع حکومت و دولت به نحو دیگر است اینظور نیست که دستگاههای مختلف کار خودشان را میکنند و اسلام در یک گوشه غریب و تنها ایستاده واخ خودش دفاع میکند و میخواهد یک کاری بکند، خیر ما میخواهیم شالوده‌ای بریزیم که تمام سازمانها و کل نظام کشواری ما اسلامی باشد. ما میخواهیم کل نظام قوه مقننه و مجریه و بقیه اسلامی باشد بنابراین اینظور موضع گیری که تصور کنیم نظامی که در آینده میخواهد مستقر شود، ما در مقابل آن بیگانه‌ایم و سهم کوچکی از کل نظام به دست اسلام است، این بنظرم درست نیست، بایستی ما بدانیم و باور کنیم که نظام ما جمهوری اسلامی است و انقلاب اسلامی شده است.

نایب رئیس — آقای صافی بفرمائید.

صافی — این موضع گیری که ما خلاف احتیاط می‌کنیم و کاملاً حدود و شغور را بپندیم این هم صحیح نیست. خداوند فرموده است «لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الامن ظلم...»



این در هیچ‌ک از قوانین عادی هم ذکر نمی‌شود و با همین اصل کاملاً مرتبط است اگر کلمه شرع در این اصل باشد این آیه را شامل می‌شود والا در قوانین عادی نمی‌نویسند.
نایب رئیس — باید بنویسند. آفای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — عرض کنم در همین دوران انقلاب اگر احکام متناقضی از قضات شهرهای مختلف صادر نمی‌شد، حرف شما صحیح بود، اما وقتی گفتیم طبق قانون، همه فتاوی و احکام یکسان می‌شود و این درست نیست که در تهران یک جور حکم بدنه و در کرمان یک طور دیگر و این تعدد رویه‌ها اینست قضاۓ مردم را به خطر می‌اندازد و فرمائید که اجماع هست. بنابراین باید قوانین را طبق حکم شرع تصویب بکنیم اگر طبق فتاوی گوناگون بخواهیم رفتار کنیم این خلاف قانون اساسی است و هرج و مر جایجاد خواهد شد.

نایب رئیس — پیشنهاد کنایت مذاکرات شده است اجازه بفرمائید یک بار اصل را با کلمه «شرع» رأی می‌گیریم یعنی «... در مواردی که شرع تجویز کرده است» نمایندگانی که با اصل بیست و هفت به نحوی که خوانده شد، موافقند دست خود را بلند کنند (عدد کمی دست بلند کردن) رأی نیاورد. اکنون اصل را با عوض کردن کلمه «شرع» به جای «قانون» رأی می‌گیریم یکبار دیگر اصل را می‌خوانم و رأی می‌گیریم:

اصل ۲۷ (اصل بیست و دوم) — حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعریض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کرده است.

گلدانها را برای اخذ رأی ببرید.

(در این هنگام اخذ رأی بعمل آمد و پس از شمارش آرا نتیجه بشرح زیر اعلام شد)
نایب رئیس — عده حاضر در جلسه پنجاه و پنج نفر، تعداد آرا پنجاه و پنج رأی، موافق پنجاه و یک نفر و مخالف هیچ و ممتنع چهار نفر، بنابراین اصل بیست و هفت تصویب شد، تکبیر (نمایندگان سه مرتبه تکبیر گفتند).

۷ — پایان جلسه

نایب رئیس — چون وقت گذشته است جلسه را ختم می‌کنیم، جلسه کمیسیونها صبح شنبه ساعت هشت و نیم خواهد بود.

(جلسه مقارن ساعت نوزده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمدحسینی بهشتی



جلسه بیست و پنجم

صورت مشرح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۱/۱۰ دقیقه روز ۳۱ شهریور ماه ۱۳۹۸ هجری شمسی
برابر با سی ام شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آیت الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

فهرست مطالب

- | |
|-----------------------------------|
| ۱ - اعلام رسمیت جلسه و طرح اصل ۲۸ |
| ۲ - طرح اصل ۲۹ |
| ۳ - پایان جلسه |





۱ - اعلام رسمیت جلسه و طرح اصل ۲۸

وئیس - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحيم. جلسه رسمی است. دستور جلسه توزیع شده است و همانطور که اطلاع دارید چند اصل در دستور کار امروز قرار دارد. ابتدا اصل بیست و هشت مطرح است که قرائت می شود.

اصل ۲۸ - نامه ها، محمولات، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و مذاکرات خصوصی از بازرسی، ضبط و سانسور مصون است. افشاء مخایره، عدم مخابره وايصال آن، استراق سمع و هرگونه تعجیس منوع است مگر به حکم دادستان در مواردی که مظننه توطئه و خیانت علیه مصالح کشور باشد.

وئیس - در این عبارت «...عدم مخایره وايصال آن» مطلب گنج است مقصود چیست؟
(بشارت - یعنی عدم مخابره و عدم ایصال آن، اگر اینطور نوشته شود مطلب روشن خواهد شد).
(ربانی شیرازی - بنویسید: نامه ها و محمولات پستی). اجازه بفرمائید برای اینکه هم آقایان به مطلب حضور ذهن بیشتری داشته باشند وهم اگر سوالی دارند یکنفر باشد که به آن جواب دهد، از گروه سه که این متن را تهیه کرده اند بخواهیم تا یکنفر برای ادای توضیح تشریف بیاورد.
آفای بشارت شما داوطلب هستید، بفرمائید.

بشارت - بسم الله الرحمن الرحيم. این اصل را باتوجه به پیشنهادات زیادی که از طرف گروههای مختلف رسیده بود و همچنین خاطراتی که از رژیم گذشته وساواه کنترل و بازرسی نامه ها و مخابرات داشتیم به این صورت که ملاحظه می فرمائید تنظیم کردیم تا عدم کنترل و بازرسی در سورد نامه ها اعم از نامه های پستی وغیره تصریح شده باشد تا مثلاً اگر شما حامل نامه ای هستید، فردی یا مأموری نتواند کیف شما را باز کند و نامه را بازرسی نماید و در سورد محمولات پستی، چون محمولات ابتدا توسط مأمورین و در حضور صاحب آن بازرسی می شود که این با رضایت طرف هست ولی پس از تحویل دیگر حق بازرسی نیست مگر در صورتی که به حکم قانون باشد. (اشراقی - نامه ها و محمولات از طریق پست است، بهیچ وجه نفتیش آنها جایز نیست اصلاح این مربوط به این اصل نمی شود). اجازه بفرمائید، ما که نگفته ایم نفتیش نامه ها جایز است، توضیح می دهم، وقتی در سورد بقیه مطالب هم توضیح دادم اگر سوالی بود مطرح بفرمائید. در سورد «مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و مذاکرات خصوصی» مطلب روشن است، اما چون بسیار اتفاق می افتد که فردی به صحبت های خصوصی مردم گوش داده و موجبات ناراحتی آنها فراهم می سازد این عبارت بعدی را آورده ایم: «...و مذاکرات خصوصی از بازرسی، ضبط و سانسور مصون است. افشاء مخایره و عدم مخابره وايصال آن» در سورد جمله اخیر باید بگوییم که این در صورتی است که مأمور، تلگراف فردی را در بین مردم فاش کند و با صورت تلگراف را تحویل بگیرد اما کوتاهی کرده مخایره نکند و مقصود از «عدم ایصال آن» یعنی در جای دیگر



آنرا به طرف نرساند. (طاهری اصفهانی— مقصود از عدم مخابرہ منوع است، چیست؟) عرض کردم یعنی مأمور، تلگراف را به طرف مخابرہ نکند.

رئیس— بجای «عدم مخابرہ وایصال آن» بنویسیم: «مخابرہ نکردن یا نرساندن آن».

بشارت— «عدم مخابرہ» هم، همان معنی را می‌رساند به هر حال اگر می‌دانید چنین معنائی را در بر ندارد، اصلاح بفرمائید.

رئیس— یک مسأله‌ای در اینجا مطرح است یک وقتی هست که به علت توطئه‌ای که در پیش است، مثلاً توطئه‌ای در مورد امیت اعمومی و یا تمامیت ارضی کشور، حاکم شرع با دادستان تشخیص می‌دهد که موقتاً نامه‌ای یا تلفنی را کترل کنند. پس در اینجا اگر مثل پیش‌نویس قبلی بنویسیم که «استراق سمع تلفنها و بازرسی نامه‌ها و همه مواردی که در اینجا آمده، منوع است مگر به حکم قانون» فکر می‌کنم عبارت جامعتر باشد.

بشارت— ما نامه‌های زیاد پیشنهاداتی از طرف مردم داشتیم که گفته بودند به این طریق بهانه‌ای به دست دولت ندهید که مرتب نامه‌ها و تلفنها را بازرسی کنند و یا استراق سمع کنند، البته در مورد استراق سمع، بعضی مأمورین دزدانه مکالمات تلفنی افراد را لوش می‌دهند و این درست نیست ولی خوب، مطلبی که آقای منتظری فرمودند، ممکن است یکنفر خائن یا جاسوس، بمبی را به عنوان بسته پستی برای یکی بفرستد، در این حالت اگر مأمور تشخیص داد، باید بتواند برای رفع سوءظن خودش و یا برای جلوگیری از خطر احتمالی و به هر حال برای کشف توطئه بسته پستی را باز کند. البته عبارت «و هرگونه تجسس منوع است مگر به حکم دادستان دمواری که مظنه توطئه و خیانت علیه مصالح کشور باشد» برای همین آمده ولی من شخصاً موافق هستم که این عبارت برداشته شود و «مگر به حکم قانون» جای آن بگذاریم. (فاتحی) — ممکنست که مظنه توطئه علیه مصالح کشور نباشد و علیه مصالح فرد باشد، آنوقت باید چه کرد؟ (خانم گرجی— توطئه علیه فرد هم می‌شود؟)

مکارم شیرازی— من دو سؤال داشتم. اولاً این « محمولات » چیزی نیست که در اینجا بیاوریم، چون آنوقت محمولات پستی که باید بازرسی شود، اشکالات زیادی تولید می‌کند و معمولاً محمولات پستی راهنم جلوی خود اشخاص بازرسی کنند. دوم اینکه به این شکل که شما در قانون اساسی می‌آورید، دست تمام مأمورین را در پیدا کردن قاتلین و جاسوسان می‌بندید. این باید به حکم قانون باشد و قانون هم که بعداً در مراکز قانون‌گذاری نوشته خواهد شد. بنابراین من معتقدم که متن سابق در این مورد بهتر بوده است.

بشارت— با توجه به پیشنهادهای مردم، ممکن است دوباره بهانه‌ای بدست دولت داده شود و آن حرکات سابق به دست مأمورین تکرار گردد و مرتب نامه‌های مردم را بازرسی و سانسور کنند.

رئیس— بلی، در این مورد یکبار سؤال شد و جواب دادید، مطالب دیگر را بفرمائید. رفانی شیرازی— شما می‌گوئید نامه‌ها اعم از نامه‌های پستی و نامه‌های مردم است ولی در مورد محمولات می‌گوئید که مقصود محمولات پستی است. یعنی محمولات غیر پستی را مجاز نبود تدقیق کنند؟ مطلب دیگر اینکه وقتی شما گفتید سانسور و ضبط، شامل تمام مسائل و موارد بعدی می‌شود دیگر طول دادن کلام لازم نیست، چون افشاگری مخابرہ و عدم مخابرہ و عدم ایصال همه جزء ضبط و سانسور است.



پشارت— ضبط دربواردی است که مکالمات تلفنی شمارا ضبط کنند شما ضبط را به عنوان نگهداری می دانید، اما افشاری مخابرہ این است که شما تلگرافی برای کسی زده اید و فلان مأمور رفته و متن آنرا منتشر و افشا کرده است. سانسور هم یعنی چیزی که سروته آن را بزنند و مثلا آنچه به نفع دولت است، بجایش بنویسند. به حال خیلی کوشش شد که راه تفسیر و توجیه دولت و مأمورین را در کنترل و بازرسی و افشاری اسرار مردم بیندیم و نگذاریم در کشور اقداماتی نظیر اقدامات خود کامه سابق به دست عمال ساواک و مأمورین سرپرده انجام شود، و باید توجه داشت که آزادی و اعتماد مردم و احساس آرامش آنها مهمتر است از اینکه با ایجاد شرایط نادرست، دولت به برخی مسائل دست یابد. این توضیح من بود و عرض دیگری ندارم.

رؤیس— متشرکرم، کسی مخالف این اصل هست؟ آقای موسوی جزایری شما مخالف هستید؟ (موسوی جزایری— بله، من مخالفم). بفرمائید.

موسوی جزایری— بسم الله الرحمن الرحيم. بنده باید بگویم که مخالف مطلق هم نیستم و هیچکس هم مخالف مطلق نیست و معمول هم نیست که این طور باشد. ولی این اصل عبارتش آقدر گنگ و بیهم است که وقتی من آن را خواندم، اول متوجه نشدم، مراجعته کردم به پیش نویس قبلی، دیدم در آنجا مطلب خیلی روشن است. بعد به کمک آن متن پیش نویس قبلی، توanstم این متن را کلمه به کلمه معنی کنم و بفهمم. به نظر من باید مطالب و عبارات را ساده تر و روشنتر نوشت تا این اندازه گنگ و نامفهوم نباشد. مثلاً «افشاری مخابرہ، عدم مخابرہ و ایصال آن» اینها یک عطف هائی است که ممکن است در محاوره عربی متدال و متعارف باشد ولی با این اجمال و اختصار در فارسی متدال نیست. همچنین جمله ذیلش گنگ است و همینطور اشکالی که آقای متضرری فرمودند که تبدیل کنیم استثناء را به حکم دادستان. و جمله «مگر به حکم قانون» آن هم به همان دلایل که ایشان فرمودند و من برای جلوگیری از اطاله کلام و صرفه جوئی در وقت تکرار نمی کنم. به حال من پیشنهاد می کنم که متن پیش نویس قبلی خوست و همان را باید بررسی کنیم.

رؤیس— پس متن پیش نویس قبلی را یکبار می خوانم: «نامه های پستی و مکالمات تلفنی از بازرسی و ضبط مصون است. افشاری مخابرات تلفنی و تلکس و عدم مخابرہ و تجویض آنها از طریق مکالمات تلفنی منع است مگر به حکم قانون». در اینجا نامه ها منحصر به نامه های پستی است یا نامه های شخصی را هم شامل می شود؟ یعنی منظور از «نامه ها» بطور اعم است؟ یعنی اگر من یک نامه شخصی از یک نفر در جیبم بود و آمدند جیب مرآگشند و تفتش کردند، درست است؟ (تهرانی— دولت که نمی تواند نامه شخصی شما را کنترل کند).

بنی صدر— این «مگر به حکم دادستان»، یک «مگر» خطرناکی است. چون دادستان یا مجری قانون است یا جداگانه اختیاراتی دارد که از اینجا فهمیده می شود اختیارات جداگانه ای ندارد. پس اگر دادستان مجری قانون است باید در اینجا نوشته شود «مگر به حکم قانون».

رؤیس— خانم گرجی فرمایشی دارید؟

خانم گرجی— با توجه به پیشنهاداتی که شده بود و اعتراضی که مردم داشتند و می گفتند که هرچه شما می نویسید یک «اگر و مگر» در آن می گنجانید و آن وقت دست مردم را می بندید، ما خواسته ایم که جلوی قانونهایی که هر مؤسسه ای و هر اداره ای برای خودش درست می کند، گرفته شود. اگر قانون است یک قانون باشد برای همه و همه در برابر شمساوی باشند.



رئيس— هر مؤسسه و اداره‌ای برای خودش قانون وضع نمی‌کند. قانون را مجلس شورای ملی تهیه و تصویب می‌کند و نمایندگان مجلس را هم ملت انتخاب می‌کنند و شورای

نگهبان هم بر قانون نظارت دارد. به هر حال در مورد «نامه‌ها» معتقدید که بطور مطلق باشد؟ (طاهری— منظور نامه‌های پستی بوده است.)

موسوی اردبیلی— معلوم می‌شود اختلاف عقیده در این مورد وجود دارد. من معتقدم شما این متن را به رأی بگذارید، اگر رأی به حد کافی نیاورد، آن وقت پیش‌نویس قبلی را مطرح کنید.

رئيس— من این عبارات را با هم تلفیق می‌کنم بینید این متن چطور است «نامه‌ها» محمولات پستی، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و مذاکرات خصوصی، از بازرسی و ضبط و سانسور مصون است. افشاء مخابرات، مخابره نکردن و نیساندن آن، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. (موسوی جزایری— فرق سانسور و بازرسی چیست؟) در بازرسی تفتیش می‌کنند و آنرا به صاحبش بازمی‌گردانند ولی در سانسور ممکن است پس ندهند یا یک قسمتش را بدهند و قسمتی از آن را ندهند. به هر حال من فکر می‌کنم که پیشتر اشکالات حول وحوش قسمت آخر متن است، برای اینکه قدرتی به دادستان می‌دهد. و آنگهی در خیلی از سوابدقانون ایجاب می‌کند که یک قدرتی به دادستان داده شود ولتوطنه علیه کشورهم نباشد، مثلاً فرض کنید یک نفری را کشته‌اند و دادستان یا حاکم شرع در شرایط خاصی تشخیص می‌دهد که از راه بازرسی نامه یا گوش دادن به تلفن می‌توانند قاتل را پیدا کنند، اگر اینجاد است حاکم شرع یادداستان بسته باشد درست نیست. ولی البته از آن طرف هم نبایستی در همه‌جا دستشان باز باشد، این را قانون معین می‌کند. به هر حال در این متن آمده است که: «مگر به حکم دادستان در مواردی که مبنیه توطنه و خیانت علیه مصالح کشور باشد». ولی در متن پیش‌نویس نوشته شده بود: «مگر به حکم قانون» کسانیکه با این متن موافقند که تغییر ندهیم و این ذیل هم باشد، دستشان را بلند کنند. (عدة کمی دستشان را بلند کردن). رأی نیاورد و رد شد. در مورد «نامه‌ها» اینجا بطور مطلق نوشته شده آیا درست است؟ و همچنین در مورد «محمولات پستی» هم آگر سوءظن پیدا کردد و طرف حاضر بود، پیش خودش باز می‌کنند ولی اگر نبود می‌توانند در غیابش باز و تفتیش کنند؟

مکارم شیرازی— اینکه می‌نویسید «محمولات پستی» آن وقت می‌شود چمدان مردم را هم تجسس کرد؟

ربانی شیرازی— آیا بار و محموله مردم را می‌شود تجسس کرد؟ یکی چند رساله یا کتاب خردید و بسته بندی کرده تا مثلاً به قم ببرد، می‌شود آنرا بازرسی کرد؟

رئيس— پس کلمه «پستی» را حذف کنیم؟ (رحمانی— خیر، کلمه «پستی» لازم است، توضیح میدهم). آقای رحمانی بفرمایید توضیح بدید.

رحمانی— بسم الله الرحمن الرحيم. ذکر «پستی» اینجا لازم است، از جهت اینکه اشخاص وقتی می‌خواهند نامه یا محمولاتی به پست بدهند، تصور می‌شود به اینکه چون در اختیار دولت گذاشته شده، پس از این جهت مانع ندارد که مأمورین بیایند تمام آنرا برسی کنند و این بحث غیر از آن بحث است که اشخاص بخواهند محمولات خودشان را از راههای دیگر انتقال بدهند، آن در معرض بازرسی و سانسور نیست و کسی با آن کاری ندارد و این اختصاص



به «پستی» در اینجا و همچنین در پیش نویس قبلی از این لحاظ است، ولیکن اگر اجازه بفرمائید همان موقع درگروه هم عرض کردم اشکالاتی وجود دارد که اجمالاً عرض می‌کنم. با توجه به این فقره اسکان دارد که لازم باشد «نامه‌ها و محمولات پستی» نوشته شود، تاینکه «نامه‌ها» مطلق نباید مگر اینکه لازم بدانید که «نامه‌ها» مطلقاً نوشته بشود که این احکام بر آن مترب پاشد. لفظ ضبط در اینجا البته معنی اخذ نیست به معنی ضبط در جعبه صوت است و سانسور هم معلوم است ولیکن در اینجا، موردی ذکر شده است که مکالمات تلفنی و مخابرات تلگرافی، تلکس، مذاکرات خصوصی، از ضبط و بازرسی و سانسور مصون است. این به صورت «لف و نشر» آمده است و معلوم نیست لف و نشر مرتب است یا لف و نشر مشوش. اگر چنانچه بنا باشد که این کلمه «ضبط» به مکالمات تلفنی مربوط باشد، لازم می‌آید که به سایر امور مثل مخابرات تلگرافی و تلکس و مذاکرات خصوصی وغیره هم مربوط باشد، همچنین در نامه و در مخابرات تلگرافی و تلکس هم لازم است موارد دیگر نظیر ضبط نوشته شود، که عبارت باشد از قتوکپی یا عکس برداری و یا مثال اینها و اگر چنانچه ما کلمه «ضبط» را لازم دانستیم که بیاوریم، چون ضبط فقط در گفتارهای آید اقیل مذاکرات خصوصی و مکالمات تلفنی، لازم می‌آید که در مخابرات تلگرافی و تلکس و مثال اینها علاوه بر سایر امور، این قسمت را ذکر بکنیم که باید از قتوکپی و عکس برداری و رونوشت و مثال اینها محفوظ باشد. مسئله دیگری که هست و قبل هم تذکر دادم و توجه نشد، مسئله افسای مخابره است چون افساء اختصاص به مخابره ندارد بلکه افسای نامه‌ها، مذاکرات محترمانه و مکالمات تلفنی هم باید منوع باشد و تنها اختصاص به یک مورد نداشته باشد و همچنین مذاکرات محترمانه، کسی حق ندارد که این کارها را بکند چیزی که در اینجا باید اضافه شود «افسای مخابره» است. «عدم مخابره و عدم ایصال آن» این واضح است تأخیر در ایصال مخابرات هم به همین طریق است. والسلام علیکم.

وئیس— پست خانه حق دارد محمولات پستی را نقیش کند؟

دکتر بهشتی— من در مورد سؤال آقای منتظری توضیحی دارم. وقتی محمولاتی از خارج برای شما میرسد، اگر مأمورین سوءظن پیدا کرند و گفتند در حضور شما می‌خواهیم این محموله را باز کنیم، طبق این اصل شما می‌گوئید تحقق نداری محموله مرا باز کنی. یعنی این اصل حق جلوگیری می‌دهد و امکان اینکه مأمور از شما بخواهد که در حضور خودتان محموله را باز کند، گرفته می‌شود و این درست نیست. به همین دلیل نوشتن «محمولات پستی» صحیح بنظر نمی‌رسد.

خانم گوجی— من یک بسته محتوی کتاب را به شما تحويل می‌دهم و شما هم تحويل می‌گیرید، شما دویاره چه حقی دارید که آن را باز کنید؟

دکتر بهشتی— فرض بفرمائید که یک محموله پستی را از خارج کترل کرده‌اند و به ایران می‌فرستند. وقتی این محموله میرسد، شما برای گرفتنش می‌روید ولی مأمور پستی سوءظن دارد و می‌خواهد جلوی شما آن را باز کند. طبق این اصل شما می‌توانید بگوئید اجازه نمی‌دهم. (ربانی شیرازی) — قانون بعداً می‌نویسد که محمولات را می‌شود در حضور خود شخص باز کرد. **وئیس**— آقای دکتر شیرازی پیشنهاد کرده‌اند که متن قبلی را بخوانم و آن را به رأی بگذاریم. (سبحانی) — این پیشنهاد برخلاف آئین نامه است. همین متن را می‌توان کم و زیاد اصلاح کرد. کسانیکه موافقند متن پیش نویس قبلی را به رأی بگذاریم...



کریمی — شما از روز اول برنامه تان این بود که پیش نویسی را که گروه تهیه کرده بود عرضه می کردید. اگر سؤال و اشکالی بود، از طرف نمایندگان مطرح میشد و یک نفر هم از طرف همان گروه می آمد و توضیح و جواب می داد و با توجه به این توضیح و پیشنهاداتی که میشد متن را اصلاح و تکمیل می کردید و به رأی گذاشته میشد. اگر رأی می آورد و تصویب میشد که هیچ و اگر رأی نمی آورد دویاره به همان گروه پیشگشت تا پس از بررسی و اصلاح به جلسه علنی آورده شود. چطور شد که اسراع وضع عوض شد؟ آقای دکتر شبیانی این پیشنهاد را کردند و شما هم فوری قبول کردید و حالا هم دارید نسبت به پیشنهاد رأی می گیرید. این برخلاف آئین نامه است دیگر اینکه معلوم نشد بالآخره شما موافقید یا مخالف.

رئیس — بسیار خوب، حرف شما را قبول کرم. درمورد « محمولات پستی » اشکال آفای بهشتی وارد است ممکن است مثلاً یک نفر یک اسلحه به مملکت وارد کند و در اینجا مأمور پست تشخیص بدهد که باید محموله را بازرسی کند، چون اگر نکند برای مملکت ضرر خواهد بود، در اینجا صحیح نیست که دست مأمور پست را بیندیم ، گرچه می دانیم که بازرسی محموله لازم است .

یزدی — اصولاً این اصل مربوط به وقتی است که نامه یا محمله‌ای به دستگاه پست داده میشود. پست محموله را در حضور انسان تحويل می گیرد و بعد هم در حضور انسان تحويل میدهد و مقصود این است که پس از تحويل گرفتن و قبل از تحويل دادن هیچکس حق بازرسی ندارد.

دکتر شبیانی — درمورد مطلبی که آقای کریمی فرمودند اجازه بدید توضیحی عرض کنم قرارشده این موضوع را در همین جا مطرح و بررسی کنیم چون دیگر کمیسیونی نیست که برگردد به کمیسیون .

پشارت — درمورد محمولات پستی، وقتی در آخر همین اصل نوشته اند که « مگر به حکم قانون » پس مقصود از « قانون بعد ا تعیین می کند » چیست؟ یعنی مینویسند که اگر نسبت به محموله‌ای سوءظن پیدا کردند می توانند در حضور خود صاحب کالا آن را بازرسی کنند. فقط کاری نکنید که راهگشای اعمال ساواک گذشته باشد.

رئیس — « مگر به حکم قانون » به تمام موارد می خورد؟ (پشارت — بله، به تمام موارد می خورد.) محمولات پستی را در غیر حضور صاحب خوب نمی شود باز کرد.

روانی شیرازی — پیشنهاد آفای شبیانی را به رأی بگذارید.

رئیس — امروز نمی توانیم اینکار را بکنیم، چون مطابق آئین نامه نیست. (طاھری خرم آبادی —) مگر کسی برای صحبت اسم ننوشته، چرا بی نوبت حرف میزند؟ چرا اینقدر جلسه نامرتب اداره میشود؟ (بحث بر سر اینست که در غایب صاحب محموله، حق دارند محموله او را بازرسی کنند یا نه؟)

مکارم شیرازی — من به اداره جلسه ایراد دارم. اگر اینطور نمی توانید تصمیم بگیرید پس کلمه به کلمه یا جمله به جمله رأی بگیرید تا زودتر نتیجه بگیریم.

رئیس — پس کسانی که موافقند « محمولات پستی » باشد دست بلند کنند. (عده کمی دست بلند کردند.) تصویب نشد.

خانم گرجی — در اصل قبلی گفته ایم که مال و جان مردم از تعرض مصون است ولی



وقتی اینجا «به حکم قانون» نوشته شود، این تعرض به زندگی مردم است. یعنی ما عملاً می‌نویسیم که تعرض بشود.

کریمی — درگذشته در مرز، برای یک کتاب عربی شش روز ما رانگه می‌داشتند که ببینند این کتاب عربی که چاپی هم است، حرفهای آفای خمینی است یانه، حتی نوار را هم بازرسی میکردند و می‌گفتند باید یک عربی زبان باید گوش کند تا بفهمیم چه چیز در این نوار است یا چه چیز در این کتاب نوشته شده است.

وئیس — موافقید که بنویسیم: «نامه‌ها، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و مذاکرات خصوصی از بازرسی، ضبط و سانسور مصون است»؟ (دکترشیبانی — اگر پیشنهاد من مطرح است، چرا همه‌اش را مطرح نمی‌کنید؟) نخیر پیشنهاد شما مطرح نیست. من خلاف آقین نامه رقتار نمی‌کنم.

بنی صدر — من توجه نداشم در ذیل این متن عبارت «به حکم قانون» آمده است، پس «محمولات پستی» هم باید باشد.

ربانی املشی — من نمی‌دانم چرا امروز اینقدر جلسه شلوغ است، آقای دکترشیبانی چرا داد می‌زیند؟ می‌خواهید رأی گرفته شود یانه؟ بداین صورت که نمی‌شود کار کرد. طاهری اصفهانی — آقاه، یک نفر باید شبهه آفای بهشتی را اگر جواب دارد، جواب بدهد و اگرهم جوابی به شبهه ایشان نیست، معلوم شود که نیست، با داد و فریاد که کارها پیش نمی‌رود. آقایان درگروه این کلمه «محمولات» را حساب شده نوشته‌اند، چرا بیخودی حذف کنید؟ یا آفای دکترشیبانی که می‌گویند آن متن پیش نویس قبلی را به رأی بگذارید، اینطور که درست نیست.

وئیس — پس کسانیکه موافقند «نامه‌ها و محمولات پستی» باشد، البته با توجه به اینکه در ذیلش عبارت «مگریه حکم قانون» است، دستشان را بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردند). تصویب شد. بقیه جمله رامی خوانم: «مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و مذاکرات خصوصی» (ربانی شیرازی — مقصود از مذاکرات خصوصی چیست؟) یعنی ما دونفری داریم صحبت می‌کنیم کسی باید ضبط بکند یا سانسور کند. (ربانی شیرازی — این را در قانون اساسی نباید بنویسیم.) چه اشکالی دارد بنویسیم «و مذاکرات خصوصی، از بازرسی ضبط و سانسور مصون است» تا اینجا ظاهراً اشکالی ندارد، بقیه اش را می‌خوانم: «افشای مخابره» یعنی ممکن است یک کسی مضمون نامه را فهمید یا مضمون مذاکرات ما را فهمید آن را برود افشا بکند، آنهم جایز نیست اگر بنویسیم افشاء آنها...

هاشمی نژاد — لازم نیست این قیدی که برای نامه نوشته ایم که کسی حق بازرسی آنرا ندارد، دربرورد تلگراف هم یکار ببریم. در مورد تلگراف اینطور نیست چون متن تلگراف را می‌برند به تلگرافخانه و مأمور آنرا می‌بینند در این مورد است که تلگراف ذکر شده است.

وئیس — اگر نامه‌ها مطلق است محمولات هم مطلق است مگر به حکم قانون کسی حق ندارد محمولات را بازرسی کنند، پس کلمه «پستی» نمی‌خواهد، بنویسیم «نامه‌ها و محمولات». خزعلی — پس ملت دربرابر دولت، درباره محموله‌اش چه حقی دارد؟ این مربوط به این نیست که بیانند سالک شما را بگردند.

حجه‌ی کرمانی — اگر بنویسیم «هرگونه تعسیس منوع است» اشکال شما مرتفع می‌شود.



خزعلی— این موضوع در زبان فارسی به معنای مصدر است بدلیل عدم مخابره آگر بخواهد خود خبر را بگویند، می‌گویند مخابرات نمی‌گویند افشاری مخابره، باید بنویسند: «افشاری مخابرات خود مخابرات آنها و ترک ایصال آن» تاروشن بشود، اینجا فارسی را با عربی مخلوط کرده‌اند. در آورده‌اند: «افشاری مخابرات و عدم مخابره آنها و ترک ایصال آن» استراق سمع هم برگوش‌سنگین است چون نمی‌دانند استراق سمع چه هست، بنویسید «تجسس از راه شنیدن و هرگونه تجسس دیگر من نوع است» عبارت فارسی اش این است.

رئیس— پس بیا نیم کلمه به کلمه بخوانیم.

بنی صدر— عبارت «مصنون است» را باید برداریم.

بیزدی— «مگریه حکم قانون» به تمام موارد مربوط است.

سیحانی— این عبارت «مگر به حکم قانون» برای تمام موارد ذکر شده است.

انواری— عبارت «مگر به حکم قانون» شامل عبارت اول نمی‌شود؟

د کتریهشتی— مطلب برای همه روش شد فقط می‌ماند تنظیم عبارت و ما بر احتیتی تو اینم عبارت را با نظر آقایان تنظیم کنیم و اگر موافق باشید بعد از ظهر به جلسه بیاوریم.

کیاوش— این اصل فقط برای وزارت‌خانه پست و تلگراف نوشته شده است، اگر اینجا بنویسیم «هرگونه تجسس در پست و تلگراف» اشکال همه مرتفع می‌شود.

قائمی— کلمه «است» را بردارید و جایش «و» بگذارید اشکال رفع می‌شود.

موسوی اودبیلی— شما متن اول را به رأی گذاشتید و رأی نیاورد حالاً متن دوم را به رأی بگذارید اگر رأی نیاورد آنوقت بحث را ادامه بدهیم ما نباید اینقدر معطل کنیم.

فاتحی— استراق سمع معنی ندارد، یعنی چه؟

روانی شیرازی— بنویسیم: «وترک مخابره وایصال آن».

رئیس— ما می‌خواهیم «عدم ایصال» به نامه‌ها هم مربوط بشود، آیا موافقید بنویسیم: «مخابره نکردن و نرساندن آنها؟ کسانی که موافقند دستشان را بلند کنند (عدد کمی دستشان را بلند کردن) رشد، پیشنهاد شده است که بنویسیم: «عدم مخابره و ترک ایصال آنها» کسانی که با این عبارت موافقند دستشان را بلند کنند (عدد کمی دستشان را بلند کردن) ردد.

د کترشیبیانی— من نفهمیدم چرا به پیش نویس رأی نمی‌گیرید؟ رأی بگیرید بینید رأی می‌آورد یا نه.

روانی شیرازی— آقای منتظری چرا پیش نویس قبلی را نمی‌خوانید؟ چند نفر تا به حال پیشنهاد کرده‌اند که پیش نویس را به رأی بگذارید ولی شما توجه نمی‌فرمائید.

رئیس— اگر چند نفر پیشنهاد کرده‌اند پس آنرا می‌خوانم: «نامه‌های پستی و مکالمات تلفنی از بازرسی و ضبط مصنون است. افشاری مخابرات تلگرافی و تلکس و عدم مخابره آنها و تجسس از طریق استماع مکالمات تلفنی منوع است مگر به حکم قانون» کسانی که با این متن موافقند دستشان را بلند کنند (چهل و سه نفر دستشان را بلند کردن) تأیید نشد. (مقدمه مراجعتی— من هم پیشنهادی داده‌ام آنرا قرائت بکنید). چند پیشنهاد رسیده است که قرائت می‌شود.

— بازرسی و ضبط وسائط نامه‌ها و محمولات پستی و مکالمات تلفنی و مخابرات تلگرافی و



تلکس و مذاکرات خصوصی و افشاگری و عدم ایصال آنها واستراق سمع و هرگونه تجسس منوع است، مگر به حکم قانون . (انواری)

نامه‌ها، محمولات پستی، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و مذاکرات خصوصی از بازرسی قضیه و سانسور مصون است مگر به حکم قانون. و نیز افشاگری مخابرات و نامه‌ها، عدم مخابره و نرسانیدن آن، استراق سمع و هرگونه تجسس منوع است مگر به حکم قانون.

(ربانی امشی)

رؤیس — پیشنهادهای دیگری هم رسیده است چون معلوم می‌شود که در مردم این اصل به توافق نمی‌رسیم لذا پیشنهادها را به گروه می‌فرستیم تا با توجه به مطالبی که نمایندگان فرمودند اصلاح کنند و یک متن بهتری به مجلس ارائه بشود. بنابراین اصل بعدی قرائت بیشود.

۲ - طرح اصل ۲۹

اصل ۲۹ — بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات، سینما، تئاتر، نوار و رسانه‌های گروهی در جهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادات سازنده آزاد است و آنچه مخالف عفت عمومی، توهین به شاعر دینی، فاش کردن اسرار نظامی یا مدخل به استقلال و تمایلات ارضی و امنیت عمومی کشور یا موجب گمراهی مردم باشد، منوع است. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می‌کند.

دکتر بیت‌اوشاوا — «درجهت خدمت به فرهنگ» باید بشود «درجهت خدمت به مردم».

رؤیس — یک نفر از گروه سه می‌آید توضیح می‌دهد، خانم گرجی بفرمائید.

خانم گرجی — بسم الله الرحمن الرحيم. در این اصل اول ماجهود استیم خط سیر مطبوعات و رسانه‌های گروهی و سینما و تئاتر و امثال اینها را مشخص بکنیم که چه مسئولیت‌خطیری دارند، روی این اصل این جور شروع کردیم «بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات» که شامل همه نشریه‌ها و کتابها می‌شود. «سینما و تئاتر و نوار و رسانه‌های گروهی در جهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادات سازنده آزاد است» یعنی احتمالاً اگر کسی بخواهد از دولت انتقاد کند، البته نه اینکه جنبه غایب بپیدا بکند و واقعاً انتقادی بکنند که سازنده باشد وقصدشان بهم زدن افکار عمومی و اغتشاش و ناراحتی‌های دیگر نباشد، آزاد است و بعد آورده‌ایم: «و آنچه مخالف عفت عمومی، توهین به شاعر دینی و فاش کردن اسرار نظامی یا مدخل به استقلال و تمایلات ارضی و امنیت عمومی کشور، یا موجب گمراهی مردم باشد منوع است، مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می‌کند». (ربانی) — تبلیغات علیه رژیم جمهوری اسلامی چطور؟ وقتی اینجا می‌آوریم «آنچه مخالف»، اولاً ما خواستیم خطمشی این تبلیغات و رسانه‌ها و تئاتر و امثال اینها در این راه باشد و همان اول راه خلافش بسته شده باشد یعنی در این جهت می‌تواند کار بکند، این روزنامه و مطبوعات که آزاد است در این جهت آزاد است که تنویر افکار عمومی کند و انتقاد سازنده داشته باشد و در جهت خدمت به فرهنگ این جامعه باشد که جامعه جمهوری اسلامی است نه در جهت یک جامعه کمونیست یا یک جامعه سوسیالیست و نه امثال آنها، بلکه در جهت جامعه جمهوری اسلامی، در خدمت به فرهنگ این جامعه و تنویر افکار در این جهت باید بشود و آنچه شامل عفت عمومی است از قبل روزنامه و تئاتر و نوار و امثال اینهاست. (فاتحی) — تشخیص این استقلال و تمایلات ارضی و امنیت کشور با



چه کسی است؟) آقا جامعه اینجا یک تشکیلاتی دارد و مؤسستی دارد یعنی این طور نیست که ما همه چیز را اینجا تشخیص بدیم و تشخیص آن هم باشیم یا شما نیست ما یک فرهنگ و یک جامعه‌ای داریم.

دکتر بهشتی - آقای فاتحی قرارشده‌وال هم پابویت باشد دوستانی که سوال دارندستشان را بلند کنند. آقایان منشی‌ها اساسی را یادداشت می‌کنند بعد بیویت سوالاتان را مطرح می‌کنند. خانم گرجی - ادارتی هستند که کنترل بکنند اگر همه چیز را بخواهیم اینجا بگنجانیم این که قانون اساسی نمی‌شود. در مرور تشرییض آنچه مخالف عفت عمومی است، گفتم اینجا مؤسسات و تشکیلاتی هست که می‌تواند تشرییض بدهد و ممکن است همان تشکیلات امریبه معروف و نهی از منکر که داریم باشد «توهین به شاعر دینی» که شامل همه چیز می‌شود و اینجا جمهوری ما درجه‌ت اسلام است، این توهین به شاعر دینی کلی است و شامل همه چیز می‌شود حتی یک عکس انداخن و مطالب بیخودی گفتن و بجهت زندگی مردم را برسی کردن و امثال اینها و هر چه که به اسلام و شاعر دینی که خیلی وسیع است مربوط می‌شود مثلاً می‌خواهند نماز را مسخره کنند و یا قربانی کردن گوسفند را در قربانگاه می‌سخره کنند «ومن يعظ شعائر الله» اگر ما بخواهیم همه اینها را در قانون اساسی بنویسیم که شاعر چه هست و یا عفت عمومی چه هست همه اینها را که نمی‌شود اینجا ذکر کرد و همچنین فاش کردن اسرار نظامی جزو همین برنامه هاست و حق ندارند چنین کاری بکنند یا اینکه فاش کردن اسراری که مدخل به استقلال و تمامیت ارضی و امنیت کشور و یا موجب گمراهی مردم باشد همه اینها منوع است و اگر از این قوانین تخلفی پشود، متخلقین را نیز قانون معین می‌کنند. این شرحی بود که به عرض رساندم.

(در این موقع آقای دکتر بهشتی ادامه جلسه را به عهده گرفتند.)

نایاب رئیس - آقای بنی صدر به عنوان مخالف صحبت می‌کنند بفرمائید.

بنی صدر - بسم الله الرحمن الرحيم. به این ترتیب که در مورد این اصول داریم پیش می‌رویم و فکر می‌کنم اصول بعدی هم همینطور باشد، مسا بتدریج که به طرف روزهای آینده می‌رویم ظاهراً در افکار و توانی کله نسل جوان درس خوانده یک چیزی را می‌بریم که فکر کنند ما داریم برمی‌گردیم به یک استبداد. یعنی یک نوع استبدادی را داریم در قانون اساسی قدم به قدم پیش می‌بریم. آن پیش‌نویس یک متن روشن و واضح است در این زمینه، شما آوردید یک اموری را اضافه کردید که اینها بسیار کشداربوده و معلوم نیست ابتدا و انتهایش کجاست. در قانون اساسی می‌گوئید «فاش کردن اسرار نظامی» مثلاً فردا اگر ما گفتیم که فلان سرهنگ فلان کار را کرد این جزء اسرار نظامی است یا غیر اسرار نظامی است؟ نمیدانیم یا می‌گوئید «به استقلال و تمامیت ارضی» این هم معلوم نیست که اگر مثلاً فردا یک کسی طرفدار نظریه خود مختاری بود، این خلاف استقلال مملکت است یا درجه استقلال مملکت است؟ حالا باز این دو تا یک مقدار ضوابط خارجی دارد ولی بعد می‌گوئید «یا موجب گمراهی مردم باشد» خوب چه چیز می‌تواند موجب گمراهی مردم باشد؟ هر کسی هر چیزی را که می‌نویسد به نظر خودش در جهت روشن کردن مردم است، نمی‌گوید من دارم چیزی را برای گمراه کردن مردم می‌نویسم. شما یک چنین متنی را می‌نویسید بعد می‌دهید دست یک دولتی و همیشه این را هم می‌گوئید که احتمال دارد دولتهای نایابی یا بایند، خوب احتمال نمی‌دهید آن دولت یا اید یک چنین متنی را بگیرد و هرچه مخالف می‌لش شد بگوئید این باعث گمراهی مردم است؟ این



متن از آن متنی که در رژیم طاغوتی بود بدتر است. در آن موقع که این مقدار هم نبود، آن کارها را می‌کرد، چطور چنین متنی را بنویسیم و در آن ذکر کنیم «که موجب گمراهی مردم باشد» آن هم بدون هیچگونه ضابطه‌ای؟ خوب آنچه مربوط به عفت عمومی است روشن است، جامعه ما در این مورد قوانین و ضوابط دارد ولی «گمراهی» یک چیز بسیار وسیعی است که هر کس به میل خودش می‌تواند هرجور که دلش خواست از این متن شما تفسیر کند و دمار از روزگار هر کس که بخواهد دو کلمه بنویسد در بیاورد. به این صورت صحیح نیست که ما بخواهیم اینطور اصول قانون اساسی را پیش ببریم. حالا آن متن اصل چه عیبی داشت که شما می‌خواهید یک چنین چیزهایی را هم جزء امور ممنوعه بگذارید؟ بنابراین من در این مواردی که اینجا گذاشتند حتی در آن مورد که آورده شده: «انتقادات سازنده آزاد است» چون سازنده هم یک کلمه‌ای است که معلوم نیست که اختیارش دست کیست، صحیح نمیدانم. شما یک بنائی نگذارید که هر کسی آمد هرجور خواست از آن استفاده کند. این متنی که شما نوشته‌ید اگر آدم معصوم باشد، خوب از آن استفاده می‌کند ولی اگر خدای نکرده یک ذره تمایلات استبدادی داشته باشد این اصل کافی است که یک خفغان کامل در ایران برقرار کنند و هر کلمه به او این اختیار را میدهد. به نظر من در شان این مجلس نیست که چنین اصلی را تصویب کنند.

نایب رئیس — نفر بعد یک موافق می‌آید صحبت می‌کند و اگر این یک نفر را تأیید کنید که از گروه سه باشد تا نظرات گروه را منعکس کند بهتر خواهد بود. آقای طاهری اصفهانی به عنوان موافق مشروط بفرمائید.

طاهری اصفهانی — السلام عليکم. بسم الله الرحمن الرحيم. من يادم هست گروه در وقتی که این اصل را تنظیم می‌کردند با توجه به پیشنهادات خیلی زیادی که در این اصل داده شده بود، این اصل را به این صورت نوشتند و عده نظر گروه این بود که اول خط مشی مطبوعات و رسانه‌های گروهی را در جمهوری اسلامی و در یک اقلالی که همه‌تان فرمودید و ما هم شنیدیم، یک اقلالی که بر پایه مکتب پیروز شد و اصلاح اقلاب، اقلاب ایدئولوژی و مکتبی است، در یک چنین اقلاب مکتبی خواستند خط مشی مطبوعات، نشریات و رسانه‌ها را از اول مشخص کنند که باید خط مشی آنها چه باشد نه اینکه اول آزادی بدنهند و بعد یک مقدار قیود بگذارند. این بود که نوشه شد «یان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات» چون مطبوعات عام است و هم نشریات را شامل می‌شود و هم کتب را، «سینما، تاتر، نوار و رسانه‌های گروهی درجهت خدمت به فرهنگ جامعه» البته منظور فرهنگ اسلامی است که ما در آن جهت گرد هم آمدیم و توپر افکار و انتقادات سازنده آزاد است» که آقای بنی صدر فرمودند انتقادات سازنده کلمه‌ای است مبهم و مفسر و روشن نیست، من نمی‌دانم که ابهام و اجمالش چیست، خیلی خوب روشن است، انتقاداتی که امروز می‌شود از سبک انتقاد، هرانسان واردی می‌فهمد که آیا این انتقاد کننده واقعاً یک نظر اصلاحی دارد و یا اینکه سبک و پیش درآمد انتقاد، کیفیت تنظیم و نوشتن آن است که می‌خواهد ضربه بزند. خود ایشان که در این کار تخصص دارند، گمان می‌کنم برایشان روشن تر از من باشد که در این رشته مثل ایشان تخصص ندارم. یک وقت این است که از اول انسان برای اینکه یک درگیری را پایه گذاری کند، به صورت انتقاد وارد می‌شود چه در صحبت و چه در نوشتن. در این خصوص مانوشه ایم «انتقادات



سازنده» مانع ندارد. البته ما معتقدیم که حتی رهبر هم معصوم نیست اشکالاتی ممکن است داشته باشد و حق داریم انتقاد بکنیم. امیرالمؤمنین هم میخواست وی گفت که اگر ازمن کاری دیدید که روشن نیست ویا اگر اشکالی دارید، بگوئید. پیغمبر هم میفرمود و این حق را به مردم داده بود و جمهوری اسلامی هم این حق را به همه میدهد که بتوانند از رهبر یا از رئیس دولت یا سایر مقامات انتقاد بکنند. درمورد عبارت «وانچه مخالف عفت عمومی» اینهم گمان می‌کنم روشن است، مربوط میشود به این عکسها و این برنامه هایی که میدانید واما «توهین به شعائر دینی» مثل آن فیلمی که یک وقت گذاشته بودند بنام فیلم حج من فرقم ببینم ولی افرادی که دیده بودند می‌گفتند سرتاپایش توهین به شعائر اسلام است درمورد «فash کردن اسرار نظامی» این را من خوب یادم است که یک عنایتی رویش بود برای اینکه یک قسمت عمدۀ از استقلال هر کشوری منوط به ارتش است و اگر اسرار ارتش توسط آنها که داخل ارتش هستند فاش بشود ممکن است ضربه‌ای به استقلال کشور وارد شود. ازاین جهت اصرار بود که درین این موضوع درج بشود، برای اینکه افرادی که در ارتش خدمت می‌کنند و یا از مسائل ارتش باخبر هستند، این مسائل را بصورت اسرار نگهداشند و حتی در خانه‌شان هم نگویند برای اینکه ممکن است آنجا بگویند و آنها هم روی سادگی درجای دیگر بگویند و همینطور نشر پیدا کند. اجمالاً روی اسرار نظامی ارتش یک عنایت خاصی بود و اسرار نظامی ارتش هم این بود که برادرمان فرمودند، چون ایشان فرمودند اگر یک سرهنگی یک راه خطای را برود ما جلویش را بگیریم، اینکه اسرار ارتش نیست این اسرار یک شخصی است. اسرار یعنی نقشه‌های تهیه شده در ارتش برای مقابله با دشمن و برای حفظ استقلال و حفظ حدود و مرز ویوم، این اسرار است نه اینکه یک سرهنگی یا بالاتر از سرهنگی یا پائین تر از سرهنگی یک کار خلافی بکند و ما بخواهیم با این قانون جلویش را بگیریم، درمورد «یا محل به استقلال و تماییت ارضی و امنیت عمومی کشور» این قسمت گمان نمی‌کنم توضیح بخواهد واما «یاموجب گمراهی مردم باشد» این موجب گمراهی مردم باشد در مکاسب محترمۀ آفایان دیده‌اید این کتابهایی که مال ما طبله‌ها بوده و رویش صحبت می‌کردیم و در کتابهای دیگرهم هست اصلاً تحت عنوان کتابهای خاله و مضله عنوانی دارند و در مکاسب محترمۀ آفایان دیده‌اید این کتابهایی که خرید و فروش اینها حرام است. البته ما مناط حکم را می‌دانیم این برای شخص شما یا ایشان نیست که بتوانند این کتاب را بگیرند و نکات گمراه کتنده‌اش را بیاورند که بتوانند جواب بدنهند و بتوانند کتاب را ختنی کنند، این شاید برای شخص وارد به این امور واجب باشد. اینهم مسأله گمراهی واما «مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می‌کند» که روشن است. (نایب رئیس—آقا قسمتی را که می‌خواستید اصلاح کنید بفرمائید). آنچه می‌خواستم اصلاح بشود این بود که «فash کردن اسرار نظامی» را برای اینکه شبهه‌ای در آن نباشد توضیح بدهیم. حالا توضیحش را می‌شود یک نظر ثانوی کرد یا همین جا می‌توانید توضیح بدهید که اسرار نظامی، اسرار شخص نیست. (نایب رئیس—مثل دفاعی) یک جوری که خلاصه، اسرار ارتش باشد نه اسرار شخص.

نایب رئیس — چند نفر از دوستان سؤال دارند، البته دونفر موافق و یک نفر مخالف راجع به این اصل صحبت کرده‌اند، یک مخالف دیگرهم صحبت می‌کند و در پایان دیگر بیشتر ازاین فرصت صحبت نمی‌دهیم و فقط یک نفر دیگر می‌آید به مسئولات پاسخ میدهد و بعد اصل را به رأی می‌گذاریم. آقای سبعانی بفرمائید.



سبحانی — بسم الله الرحمن الرحيم. بمقایسه این اصل با پیش نویش، نقایص واشکالات این اصل روشنتر میشود. دراین متن سینما و تئاتر را آورده است اما فیلم را نیاورده، آیا کلمه سینما شامل فیلم هم می شود یا نه؟ خوب فیلمهای داریم که بصورت سینمائي نیست کلمه «فیلم» باید اضافه بشود تا این متن تکمیل بشود. نکته دوم این است که در پیش نویس قبلی نشر اکاذیب و جرائم آمده درحالیکه دراین اصلی که آقایان تنظیم کرده اند از آن خبری نیست. ما میدانیم که نشر اکاذیب باید از آزادی بیان استثنای بشود. بازنکته سومی که هست این است که در پیش نویس قبلی توهین به شرف و حیثیت و آبروی افراد از آزادی بیان استثنای شده و در اصلی که آقایان تنظیم کرده اند استثنای نشده است. نکته چهارم اینکه در این جا گفته شده «یا موجب گمراهی مردم باشد» این استثنای گویا نیست قطعاً نظر آقایان مربوط به همان تحريم کتب ضاله است که در فقه عنوان شده، این «موجب گمراهی مردم باشد» گمراهی امرفوزد راصطلاح مردم و اهل قلم یک معانی دیگری دارد و ما واقعاً برای نشر کتب ضاله خصوصاً کتابهای که در رد خدا و رد این مسائل می نویسند، باید یک قانون گویا ورسا داشته باشیم تا این کتابها به این گستردنگی همه جا را نگیرد. آیا آزادی بیان تا این حد هست؟ فرض کنید یک نفر در رد سالت پیغمبر اکرم (ص) با کمال ادب، در رد قرآن در کمال ادب مطالبی بنویسد، آیا سامی توانیم اینها را تحت عنوان آزادی بیان و قلم به کشور اسلامی تجویز کنیم؟ این «موجب گمراهی» در عین حالی که ثبوتاً ممکن است واقعی باشد، اما اثباتاً واقعی نیست. متشرکم.

نایب رئیس — خیلی منون که در کمتر از وقت مقرر با اختصار مطالبشان را بیان کردند. حالا یک نفر از گروه می آید و به سوالات پاسخ میدهد، سؤال اول اول مربوط به آقای فاتحی است و آقای باهنر به سوالات پاسخ می دهدند. آقای فاتحی سؤالتان را مطرح بفرمائید.

فاتحی — عبارت «تمامیت ارضی» جزو همان جملاتی است که دولت های گذشته هم به آن متول می شدند و حتی امام را هم به این اتهام که بتمامیت ارضی مخالفت کرده است تبعیدشان کردند. ما حتی باشد این جملات را برداریم چون واقعاً این جملات به اسم اینکه می خواهند از تمامیت ارضی واستقلال مملکت دفاع کنند، سلب آزادی می کند.

باهنر — ماباید به تمامیت ارضی احترام بگذاریم و از آن حراست بکنیم و موجباتش را هم فراهم بکنیم.

فاتحی — وبعداً نوشته اید که «تغلف از این اصل را قانون معین می کند» منظورتان کدام قانون است؟

باهنر — طبق معمول قانونی که از مجلس شورای ملی می گذرد، یاهر نهادی که در مملکت سسئول قانونگذاری می شود.

فاتحی — مراد از «شعائر دینی» چیست؟ مراجع بزرگ و رهبر را نیز شامل میشود؟

باهنر — بله شامل می شود.

منتظری — سؤال بندۀ این است که اینجا نوشته شده «بیان و نشر افکار و عقاید از طریق سطبوغات»، حالا شاید مطبوعات و نشریات نباشد و پلی کپی بکنند مثلاً کاغذ خطی، اگراینچور چیزها باشد چطور میشود؟ (باهنر — جزو مطبوعات است.) آیا مطبوعات شامل مطالبی که با دست نوشته می شود یا پلی کپی میشود هست؟

نایب رئیس — سؤال ایشان این است که آیا مطبوعات عام تر است یا نشریات؟



با هنر — هم می‌توانیم مطبوعات بگذاریم و هم نشریات، ما که نمی‌خواهیم مقاومت بکنیم که حتماً مطبوعات باشد.

منتظری — سوال بعدی این که این مطبوعات و نشریات فقط در جهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادات سازنده است، یعنی در راه دیگر آزاد نیست؟ مثلاً یک کسی که انحصار و راثت می‌نویسد، این چه ربطی دارد به تنویر افکار و انتقادات سازنده؟

با هنر — اگر اجازه بفرمایید همه اینها را برسی داریم، البته آنچه مکرراً ضمن نامه هائی که رسیده بود و بردم می‌خواستند این بود که شما جهت کار مطبوعات و فیلم‌ها را روشن کنید که جهت سازنده و مثبت و مفیدی باشد. اگر می‌خواهند، یک جمله عام تری گذاشته شود اما با این فکر که یک جهت مثبتی باشد و پربارش کنند وجهت و هدف بدنهند.

نایب رئیس — به طور کلی سوال این است که بیان و نشر افکار تا آخر، با این شرایط آزاد است. بنابراین از این اصل چنین فهمیده می‌شود که آنچه مشمول این عناوین نباشد، آزاد نیست و لونشریک‌آگهی تجاری، و لونشر آگهی حصر و راثت، پس این عبارت اگر از نظر شما معنی دیگری دارد بیان بفرمایید والا به عنوان یک نقد یادداشت بفرمایید تا اصلاح شد کنید. با هنر — بله بنظرم باید یک چیز دیگری هم در آن بکار ببریم و یا آنرا حذف بکنیم یا این کلمه «فرهنگ» را برداریم و «خدمت به جامعه» را بگذاریم.

منتظری — سوال دیگر اینکه اگر به جای «یاموجب گمراهی مردم» بگوئیم «كتب سپره یا کتب مضله» بهتر است اما «یاموجب گمراهی» عطف به کجا است؟

با هنر — آنچه مخالف باعفت عمومی یاموجب گمراهی مردم باشد.

نایب رئیس — می‌گویند عطف به مخل و مخالف است.

با هنر — بله عطف به مخل به استقلال می‌شود.

رشیدیان — من فکر می‌کنم باید اینجا آورده شود «مطبوعات و سایر سانه‌های گروهی» و آنجا هم باید جهت داده شود یا تداوم انقلاب یا اسلام یا مردم. (با هنر — جنبه سوال ندارد و نظرتان را فرمودید.) (ربانی شیرازی — تبلیغات علیه رژیم جمهوری در کجای این است؟) (با هنر — مدخل به امنیت عمومی، مدخل به استقلال) (ربانی شیرازی — سوال دیگر این است که...)

نایب رئیس — آقای ربانی اجازه بفرمایید، آقای باهنر، اول به این سوال ایشان دقت کنید چون در عین حال که سوال لفظی نیست بلکه سوال مطلبی است، سوال این است که یک وقتی می‌گویند قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی جایز نیست و یک وقتی می‌گویند تبلیغ علیه جمهوری اسلامی جایز نیست، خوب این مورد اشکال عده‌ای است. (ربانی شیرازی — توضیح بدهند که لازم نبوده است.) روی همین اصل بود که خواستم آقای باهنر توضیح بدهند که آیا ما فکر می‌کنیم که تبلیغات علیه جمهوری اسلامی باید آزاد باشد؟ آیا آقای باهنر و گروهشان هم همین فکر را می‌کنند یا نه؟

با هنر — هرگونه تبلیغات و هرگونه انتقادی علیه دولت جمهوری اسلامی... (ربانی شیرازی — سیستم و نظام جمهوری اسلامی) حالا پس چند چیز شد، اجازه بفرمایید. یک وقت بحث در مورد عملکرد دولت و کارهایشان هست و هرگونه تبلیغ و انتقادی جایز است و یک وقت راجع به اصل نظام جمهوری اسلامی هست. یک وقت مخالفت طوری هست که اصل و سیستم را می‌خواهد بهم بزنند، جمهوری را می‌خواهد بهم بزنند، این یک نوع اقدامی



علیه نظام میشود، یک وقت ممکن است در بعضی قالب بندیهاوشکل بندی های نظام، انتقادی داشته باشد و حتی به قانون اساسی هم ممکن است یک کسی ایراد بگیرد یا به طرز انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی یک کسی انتقاد بکند، عیبی ندارد ولی اگر در اصل نظام مقاومت بکند... نایب رئیس — آقای دکتر باهنر مقاومت غیرازایین سوالی است که کردند خواهش می کنم به اصل سوال جواب بدهید. بندهمی گویم یک کسی آمده یک کتاب نوشته که اصلاح سیستم جمهوری اسلامی، سیستم بدی است، کتاب نوشته است، می خواهیم بدانیم بطبق این اصل قانون اساسی باید جلوی کتاب اورا بگیرند یا نه؟

باهنر — خیر، اگر چنانچه عنوان قیام و اقدام دارد به صورتی که میخواهد اصل سیستم را بهم بزند، این البته اشکال دارد ولی اگر به صورث اظهارنظر و بیان عقیده باشد وقتی که ماؤل نوشته ایم «نشر افکار و عقاید» حتی ممکن است کسی عقیده خودش را که عقیده ای غیردینی است بیان کند و می خواهد عقایدش را بگوید اویک طرز تفکر اجتماعی، فلسفی، سیاسی دارد و بیان می کند.

ربانی شیرازی — این اصل از هردو مورد خالی است برای اینکه همان جائی هم که اقدام باشد، تبلیغاتی می کند که مقدمه اقدام است یا اقدام می کند اینجا چیزی در این مورد ندارد. نایب رئیس — از اینکه می بینم دولستان اینجا پاسخهای متفاوتی دارند معلوم میشود که گروه یک نظر ندارد.

ربانی شیرازی — شما این اصل را از دوجه مقیدش کردید یعنی این آزادی را در دو جهت ازین بردهاید یکی از جهت اثباتی یکی ازجهت نفی. اول اینکه آمده اید جهت اثباتی آنرا مقید کرده اید به اینکه درجهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادات باشد یعنی غیراز اینها جایز نیست، بعدهم از آنطرف آمده اید زده اید. شما یک جهت را مطلق کنید بعد استثنایات را دنبالش بیاورید.

باهنر — قبل هم از طرف آقایان این ایراد شده بود البته آقایان باید روی آن، اظهار نظر کنند و اگر لازم باشد آن قیدهای اول را برداریم.

خرمعلی — در پیش نویس می گوید مطبوعات آزادند، اگر آقایان اضافه می کردن مطبوعات و رسانه ها و کذا و کذا آزادند، اشکال چندانی نبود اما اگر مسیر را عوض کردند و گفتند بیان و نشر عقاید و افکار از طریق مطبوعات، موضوع فقط بیان و نشر افکار و عقاید میشود آنوقت مطالب مهمی مثل کلاسها، مثل منبرها، مثل محافل به کلی از قلم افتاده و موضوع به کلی مقلوب شده، علت عوض کردن موضوع چیست؟

باهنر — بنده توضیح میدهم و ضمناً یک مقایسه کوچکی بین آن اصل پیش نویس و این اصل پیشنهادی می کنم چون در این مورد چند نفر از آقایان اظهارنظر کرده بودند. اولاً آنها هم هست «مطبوعات در نشر مطالب و بیان عقاید آزادند» بنابراین مسیر کار نشر مطالب و بیان عقاید بوده است و اینجا جلو آورده ایم و گفته ایم «بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب» آنجا فقط مطبوعات بود اینجا گسترده تر شده، مطبوعات، سینما، تئاتر، رسانه های گروهی اگر احساس می کنید چیز دیگری هم باید اضافه بشود پیشنهاد بدهید که اضافه بشود اما این عبارت «اتهام و افترا و تعرض به شرف و حیثیت» در اصل پیشنهادی هست، این را ما ابهه صورت یک ماده مستقلی در آوردیم که تصویب هم شد. چون ما دیدیم دو مفهوم است



یکی مسأله آزادی در بیان عقیده و یکی هم مسأله تعرض به شرف و حیثیت دیگران، که لابد از طریق بیان نخواهد بود. ممکن است که تعرض به صورت دیگری باشد لذا آن تعرض را مستقل کردیم که به صورت یک اصلی درآمد و تصویب هم شده و فقط مانده است بیان عقیده و اظهارنظر و اینطور چیزها، یک مقدار هم گسترده تر شده است و شرطهایی هم در جهت اثبات و نفی آمده است که قبل از روی آن بحث شد و اگر هم لازم باشد آن را میشود ترمیم کرد.

موسوى جزايرى – اینجا منظور از «وجوب گمراهی مردم» که نوشته اید میخواهم بینم آیا شامل صاحبان مکاتب غیر اسلامی هم در صورتیکه بخواهند مکاتب خودشان را تشریع بکنند و بنویسنده، میشود؟ در ضمن میخواهم بدانم حد و مرز گمراهی چیست؟

با هنر – فکر می کنم نظر شما این است که یا باید کلمه «گمراهی» را برداشت یا آن را مشخص تر کرد، ما از عبارت «بیان و نشر افکار و عقاید» این را می فهمیم که اشکالی ندارد و می توانند مکاتب شان را تشریع کنند و حتی یک کسی می تواند یک نظریه العادی را هم توضیح بدهد و منتشر کند. اما یک وقت هست که دارد رویش تبلیغ می کند، کار می کند به طوریکه دیگران را دارد گمراه می کند. البته روی آن نظریه «گمراه کردن» باید بحث بشود که آیا ما باید حد و مرزش را معین بکنیم؟ اصلش را ما باید حفظ بکنیم یا حذف بکنیم؟ (فارسی – فاش کردن اسرار نظامی و یا مخل به استقلال باشد).

نايب رئيس – بله عبارت خودش اخلاق دارد.

با هنر – پیشنهاد ایشان برای اصلاح عبارت اینست که «آنچه مخالف عفت عمومی یا مخل به استقلال و تمامیت ارضی و امنیت عمومی کشور و وجوب گمراهی مردم و توهین به شعائر دینی و فاش کردن اسرار نظامی» با تقدیم و تأخیرها عبارت را یک مقدار جاافتاده تر کرده اند.

قوشی – نشر افکار و عقاید در جهت خدمت به فرهنگ جامعه آزاد است پس مفهومش اینست که اگر در این جهت نباشد آزاد نیست و دیگر اینکه در آنجا که گفته شده است و آنچه که مخالف با فلان است منوع است، آیا لازم نیست که اضافه کنید و آنچه مخالف با رژیم جمهوری اسلامی و فلان و فلان است؟ (با هنر – این همان سؤال آقای ربانی است که جواب داده شد). سؤال دوم اینست که آیا فکر نمی کنید که خود این اصل موجب یک نوع خفغان است که مردم نتوانند عقاید خودشان را بنویسند و اظهار بکنند و در تیجه استعدادها خفه بشود؟

با هنر – اگر واقعاً قیودش زیاد است روی این اصل کار بشود و ترمیم بشود ولی اصل قضیه این است که ضرورت داشته است که اصلی درباره حدود آزادی بیان و نشر عقاید داشته باشیم اما اگر لازم است که در قیودش دست کاری بشود، چه اشکالی دارد؟

تهرانی – دقت بفرمائید اصولاً این اصل که در پیش نویس آمده همانطور که آقای خزعلی فرمودند برای آزادی مطبوعات است، شما از اول نشر افکار و این حرفا را از طریق دیگری آوردید نه مطبوعات، ولی آن مهم نیست و ثانیاً اصلاً شما آزادی مطبوعات را نگفتید تا استثناء کنید. از اول آمدید و گفتید که مطبوعات باید تحت کنترل باشد در جهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنوير افکار و انتقادات سازنده باشد، اصلاً آزادی نیست که شما حالا بخواهید استثناء کنید. مخالف عفت عمومی، توهین به شعائر، اینها به کجا مربوط می شود؟ هیچ آزادی را



نیاورده اید و یک قسمت سومی هم اینجا متصور است، بلکه قسمت چهارمی هم متصور است، این باید به شکل مستثنی منه و استثناء باشد نه اینکه از آن طرف مطبوعات را کنترل بکنید و دویاره بیانید اینها را ذکر بکنید، از اول که اینها داخل در قبل نیست.
با هنر — پس شما پیشنهاد میدهید که قیدهای نفی و اثباتی اینها را یک طرف بگذاریم.

۳ — پایان جلسه

نایب رئیس — وقت جلسه تمام است از گروه سه خواهش می کنم اصول بیست و هشت و بیست و نه را با توجه به تذکرات اصلاح کنند. بعد از ظهر اصول سی، سی و یک، سی و دو و سی و سه مطرح خواهد شد. امیدواریم ساعت چهار بعد از ظهر همه دوستان تشریف داشته باشند.
(جلسه ساعت سیزده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی





جلسه بیست و ششم

صورت مژروح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ۱۵/۱۰ دقیقه روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با سیام شوال المکرم ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه.....
- ۲ - نطق قبل از دستور آقای صدوqi.....
- ۳ - قرائت نامه جمعی از علمای تهران به محضر آیت الله العظمی امام خمینی.....
- ۴ - طرح و تصویب اصل ۳ (اصل بیست و ششم).....
- ۵ - طرح اصل ۱
- ۶ - پایان جلسه.....





۱ - اعلام رسمیت جلسه

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم . جلسه رسمی است طبق قرارمان یک‌نطق قبل از دستور خواهیم داشت نوبت آقای صدوقی است خواهش میکنم آقای صدوقی بفرمائید .

۲ - نطق قبل از دستور آقای صدوقی

صلوٰقی - السلام عليکم ورحمة الله وبرکاته، بسم الله الرحمن الرحيم . یکی از دوستان می‌گفت که من هر وقت تنها هستم و قرآن می‌خوانم هیچکس غلطی از من نمی‌گیرد ولی وقتی در یک جمعی قرآن می‌خوانم در هر سطر ده ، بیست غلط می‌گیرند بنده هم وقتی در مسجد خودم صحبت می‌کنم خیال می‌توانم صحبت کنم وقتی که می‌آیم اینجا وپشت تربیون وحضور آقایان وعلمای اعلام ویزرنگان ، یک‌خرده‌ای زیان کند می‌شود و آن‌طور که باید بتوانم صحبت کنم نمی‌توانم . خوب ، نکرده کار را چه بایدش کرد از این کارها نکردم ، کار ما فقط توى مسجد بوده است وبا مردم صحبت می‌کرده‌ایم . موضوعی که خواستم عرض کنم این بود که دوشه شب مرتب بهمن تلفن شد ویک شب هم در مجمعی بودم که جمعی از جوانان حضور داشتند جوانانی که در راه انقلاب جان دادند ، تبعید شدند ، شکنجه شدند ، زجرها دیدند و صدرصد هم برای اسلام ویرای دین بود نمونه کارشان را هم دیدیم در فوت‌سرحوم آیت الله طالقانی که یکی از روحانیون مسئول بود وبرد شایسته و وارسته‌ای بود چه عکس‌العملی مردم مسلمان از خود نشان دادند . جوانان تهران یکشبانه روز تمام گرسنه وتشنه با آن ازدحام جمعیت پرس و سینه زندن و گریه و ناله کردند . مردمی که برای یک نفر روحانی این‌طور عکس‌العمل از خود نشان می‌دهند برای دیشان ، آئینشان ، مذهبشان به مراتب محکمتر وقوی تر و پیشتر اظهار احساسات خواهند کرد . گرچه گذشته ولی من از گذشته صحبت میکنم یعنی راجع به کلمه «حق» که محقق این بود که بعد از «مذهب» گذاشته شود وآقایان با یک‌دست بلند کردن آن را برداشتند . از این کاریقدری مردم ناراحت ، جوان‌ها ناراحت هستند که بیست و چهار ساعت حرفشان این است که چه شد یک کلمه حقی که صدرصد لازم بود که باشد و در دوران گذشته و در دوران ظلم وستم ، دورانی را که همه گذراندیم آن دوران‌ها را ، رنج‌ها را ، رحمت‌ها را ، شکنجه‌ها را ، بی‌دینی‌ها را که صدرصد بی‌دین بودند ، دشمن بادین و آئین بودند ، دشمن با مقدسات بودند و عمل زشتی نبود که انجام ندهند اشخاصی را هم که می‌برند در زندان چه شکنجه‌های جسمی وروحی می‌گردند که جسارت به ساحت مقدس حضرت صدیقه طاهر مسلم الله علیها جسارت به ساحت مقدس ولی عصر اینها شکنجه‌های روحی آنها بود و شکنجه‌های روحی دیگری هم داشتند و شکنجه‌های جسمی هم که الاماشه الله ولی یک‌جمله معتبر ضمیمه هم بگوییم کسانیکه این شکنجه‌ها را دیده‌اند شکنجه گرها یشان را هم حالا دارند می‌بینند که همه مصدر



امر هستند، همه دارند کار می‌کنند، اختیارات به دست آنهاست، این انقلاب اثربخش است که داشته خوبی خیلی مختصر بوده است یک بسم الله تعالیٰ اضافه شده توی نامه‌ها و افراد بعضی از ادارات را کم و زیاد کرده‌اند ولکن همان حساب است و همان کتاب و چقدر ملت مایل خوبی هست ملت سلامانی هست که با این که خون داد، با این که تبعید شد، با این که زجر دید، با این که شکنجه ها شد، معذالت کشکنجه‌گرها را مصدر امری بینند و نفسش در نمی‌آید. صدیق نود و پنج از ملت ایران کسانی بودند که در راه مبارزه قدم برداشتند، چه خدماتی را کردند که حساب نداشت همین طوری که گفته شد دیگر بالاتر از جان که چیزی نیست به قول امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه عليه «فوق كل برأ بحت تقتل في سبيل الله و اذا قتل في سبيل الله ليس فرقه برأ» جان خودشان را در این راه دادند ولکن بیانیه وسری به ادارات دولتی بزنید ونگاهی بکنید ببینید چه عمل انقلابی در این ادارات انجام شده، هوایپیمائی را بروید ببینید، آیا بوعی از اسلام در این شرکت هوایپیمائی می‌بینید؟ در بعضی از ادارات دیگر که بهتر است اسم نبرم چون شاید صحیح نباشد، بوعی از اسلام می‌بینید؟ هیچ خبری نیست ولی بگذرم همه این هاراحذف کنید ولیکن مردم مسلمان از حذف این کلمه بسیار ناراحت هستند ولی چون برای شماره دو سه روز اخیر فرصت هست حتی الامکان سعی بفرمایید این کلمه کنگانه شود که مردمی که این همه مبارزه کردند یک ناراحتی هایشان نیافرائید. سواله دوم نمی‌دانم این تلگرافاتی که تنها از پزدبه ما رسید شاید متوجه از پنجه تلگراف است که اصلش را برای هیأت رئیسه مجلس فرستاده بودند و رونوشتیش برای امام بود و بعضی از تلگرافات هم رونوشتیش برای بنده بود مبنی براین که آقا ایان نمایندگان از چهارچوب دین واسلام و مذهب خارج نشوند، مانظerman اسلام و دین حقه جعفری بوده وقوانین باید صدر صد طبق مقررات مذهب جعفری باشد و بعضی از تلگرافات این جمله را داشت که اگر تخطی بکنید شما نماینده ما نیستید حالا چه شد که از طرف آقا ایان هیأت رئیسه هیچ راجع به آن تلگرافات که شاید از شهرهای دیگر هم خیلی بوده ولی آن چه که از شهر خودم خبردارم شاید پنجه تلگراف بوده که به هیأت رئیسه بوده و رونوشتیش به امام بوده که لاید به دست هیأت رئیسه رسیده است یک قشر خیلی محترمی هم بودند که مفصل بود که لاید به دست هیأت رئیسه رسیده است یک دکتر بودند من در خدمت آقای دکتر بودم و چون چشمم نمی‌دید ایشان تلگراف را خواندند، دکتر هائی تلگراف کرده بودند و اظهار نگرانی کرده بودند که راجع به ولايت فقيه در مجلس این قدر سست آمدند و یک اشخاصی اینجا ایستادند و با کمال جرأت با ولايت فقيه مخالفت کردند یعنی با حقی که خدا و بیغمبر داده و حقی را که امام زمان به آنها اعطای کرده و در دوره گذشته هم این حق را داشتند متنها یک خرد زور و قدری بود و دادستانی در دادگستری بود که کاش درش هرچه زودتر بسته می‌شد نمی‌دانید چه افتضاحی بود در این دادگستری و دادسرا و در جاهای دیگر ما هانه چند میلیارد پول میدهند به اشخاصی که همین طور راه برونند و پول ملت را بخورند و خدمتی هم نداشته باشند و انشاء الله شما که قانون اساسی را بدون کردید و تصویب شد بتوانید از این اجحافات جلوگیری کنید. خدا شاهد است که بعضی از ادارات هیچ کار ندارند یکی از آنها فرهنگ و هنر است مثلا در بیزد سی و نه کارمند دارد که نصفش هم سورد نیاز نیست ماشیتها در اختیارشان و با حقوقهای زیاد، نمی‌گوییم اینها را از حق شرعی شان که خدمت بوده است منع کنید ولی آنها را سرکاری بگذارید که در برابر یولی که



میگیرند عملی انجام بدهند. طوری نباشد که راست راست راه بروند و ماهانه پنج هزار تومان یا ده هزار تومان حقوق بگیرند و ماشینها هم در اختیار شان باشد که هر کجا بخواهند بروند، باع بروند ویلا بروند گردش بروند و هیچ کاری هم نداشته باشند. بدتر اینکه همه شان ضد انقلاب هستند. چطور میشود اینها را دید و هیچ نگفت؟ چرا اقدامی نمی شود؟ چرا پاکسازی نمی شود؟ چرا اینها را کنار نمی گذارند؟ علی ای حال تلگراف امروز این بود که یعنی چه یک عده روحانیون، یک عده نماینده ملت مسلمان، ملتی که عشق دارد به روحانیت بخصوص روحانی بزرگش امام که ناشش که برده میشود آگرچه بعضی ها منع صلووات کردنده ولی مردم بعد از این منع صلووات یکی هم به صلواتها اضافه کردنده و به سه تا قناعت نکردنده و سه تا شد چهارتا، یک دفعه دیگر منع بکنند میشود پنج تا و یک دفعه دیگر منع بکنند میشود شش تا زیرا مردم به روحانیت علاقه دارند، به دین و مذهب علاقه دارند، به این مذهب جعفری علاقه دارند آنوقت ملتی که علاقمند به مذهب و روحانیت است و مذهب هم از روحانیت منفک جدا نیست چطور حاضر بشوند و بروند در مجامع عوضی بر ضد روحانیت و بر ضد این اصلی که گذشته است حرف بزنند و صحبت کنند و صحنه از مردم بگیرند. چطور راضی میشوند بروند چنین حرفهایی را بزنند و مردم هم گوش و کنار دارند حرف میزنند صحبت های خودشان را میکنند و تلگرافاتشان هم یکی بعد از دیگری خواهد آمد. اعتراضات هم یکی و دو تا و سه تا نیست مگر اینکه دین را از مردم بگیرید اگر دین و مذهب را از مردم گرفتید، این جهت را هم که عبارت باشد از مرجعیت و ولایت فقیه و این صحبت هایی که داشتید از او بگیرید، نه، این ولایت را فقیه داشته و دارد و خیلی هم عجب است که بعضی از ما نمایندگان بیاییم و بایستیم و با این حکم مسلم خدا و حکم مسلم امام زمان مخالفت کنیم، مگر شما به امام زمان اعتقادی ندارید؟ مگر یه پیغمبر اسلام اعتقاد ندارید؟ مگر یه خدا اعتقاد ندارید؟ مگر میشود کسی اعتقاد به خدا و پیغمبر و امام داشته باشد و دستور آنها را زیر پا بگذارد؟ پس از آقایان هیأت رئیسه خواهش میکنم به تلگرافات مزدم جواب بدهند و مردم رانی باشند نگذارند. مردم به دیشان و آئیشان و آنچه که مربوط به دین است عشق می ورزند یکی هم همین قضیه مرجعیت و ولایت فقیه است آنها عاشق این هستند نمی شود از آنها گرفت. به ایستادن یکی دو نفر در اینجا و هتک حرمت و توهین کردن و مجلس در خزانه درست کردن و جمعیت را بنام اینکه می خواهیم بیانات آیت الله امام را به شما برسانیم جمع کنند آنچا ویرخلاف آنچه که جمع شان کردنده یکی صحبت هایی بکنند. باید از طرف مقامات مسئول نسبت به تعقیب آنها اقدام بشود ولی چه فایده ای دارد، شاید غالب آنها هم که دارای مقامات هستند و متصدی مقامات هستند صدی ندو و پنج شان، بگذرید از چهار پنج نفرشان بقیه شان با ولایت فقیه و روحانیت مخالف هستند و بگویند هرچه زودتر ریشه روحانیت کنده شود که آقایان آزاد باشند و راحت شوند، گویا حرفشان هم این بوده است که ما روحانیت را تا آنجائی می خواستیم که انقلاب ما به ثمر برسد یعنی تا وقتی که شاه برود و دستگاه طاغوت برود و ظلم و تعدی از بین برود، گرچه یک ظلم های دیگری هم اضافه شده که نمی توانم حالایان آن ظلم ها را در اینجا بگنم، بلی ظلم بزرگ رفت ولی ظلم های کوچکی دارد در گوش و کنار پیدا میشود و علی ای حال دوستان، آقایان، برادران، حرف آنها اینست که ما روحانیت را تا آن وقتی می خواستیم که دستگاه سابق برجیده شود و نظرشان اینست که بعد از اینکه آن دستگاه ظلم رفت یک دستگاه ظلم دیگری به وسیله این چند قشر لای مذهب بی دین



دومرتبه روی کار بیاید. می‌گویند ما روحانیت را تا آنجا می‌خواستیم، حالا روحانیت بروdkنار و همه چیز را بدده به دست ما مرگ جدیدت مبارک. این چه حسابی است چه کتابی است، نمی‌دانم. روحانیت بروdkنار و کار را بدده به دست شما و همان تشکیلات سابق و همان ظلم و همان تعدی، همان بی‌دینی و همان لامذبی برگرد و پرکشور ماحکم فرمایش شود هیچ کس برای این حرفاها حاضر نیست. عرض آخرمن البته خیلی عرض دارم انشاء الله دومرتبه نوبت من که شدحالا بیست روز دیگر یا یک ماه دیگر نمی‌دانم این مجلس سه ماه دیگر یا چهار ماه دیگر طول بکشد این زمینه‌ای که دارد شاید تا چهار پنج ماه دیگر تمام نشود و خدا نکند، سعی بفرمائید هرچه زودتر این قانون اساسی را بگذرانید تا وقتیکه مدت سرمی آید کارتان انشاء الله تمام شده باشد. امروز از صبح تا ظهر معطل شدید چه عملی انجام گرفت؟ بعدش امروز تا غروب چه عملی انجام خواهید داد؟ بگذرید از این حرفاها که حالا من دارم میزنم این نقطه قبل از دستور است من گفته بودم به آقایان که حاضرم قبل از رسیدت جلسه صحبت کنم که از وقت جلسه‌تان نگیرم که نقطتان بشود سه تا، یکی قبل از دستوریکی بعد از دستور و یکی هم قبل از رسیدت جلسه ولی خوب، قبل از رسیدت به بنده اخطاری نکردند و نمی‌دانستم اظهار محبتشی هم می‌شود و به من خواهند گفت که صحبت کنم خوب، حالا فرمودند و آمدند و انشاء الله می‌بخشید و عذر می‌خواهم ولی خدا شاهد است این بطنی که در کار ما است نه مورد رضایت خدا است و نه مورد رضایت پیغمبر است و نه مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) است و نه مورد رضایت امام و نه مورد رضایت مردم، این اندازه کنندی برای چیست؟ سر یک کلمه که این نباشد آن باشد چهار پنج ساعت وقت مجلس به این ترتیب بگذرد، خدا بیانزدش یک نفر خواسته بود در کلمات تشکیکی کنده، همه تشکیکات ما از همین قبیل است گفته بود برگ درختان سبز را هم ممکن است ما تعبیر کنیم و بگوئیم یک چیز دیگر است برگ نباشد و برگ باشد، درختان نباشد و درختان باشد، سبز نباشد و سبز باشد اینجا هم نوع حرفاها از همین قبیل است این کلمه را بردار و این کلمه را بگذار سه چهار ساعت خودمان را معطل کنیم سر یک کلمه و سر یک متن قانون، این کار صحیح نیست چون هر کدام از شما در محل خودتان کار دارید زندگی دارید کارهای شما همه معوق بانده و افتاده است به دست کسانی که ممکن است در شهر و استان شما خرابی ایجاد کنند و یک پیش‌آمد های ناگواری بشود. پس علی‌هذا نمی‌دانم شما را قسم بدhem، آقای متظری که به تبع برهنه حضرت عباس شما را حواله دادند ما هم بهتر از تبع برهنه حضرت عباس چیز دیگری نداریم پس بیانید و یک قدری عطف توجه بفرمائید و از این کنده که در پیش گرفته اید دست بردارید. تمام عرايضم را به این جمله ختم میکنم که همه مردم دنیا نظرشان به این مجلس است که بیتند ماحصل این مجلس چیست و از اینجا چه بیرون خواهد آمد، یک شعری است که یکی از ادب‌ها راجع به یک موردی گفته است که با کمی تغییر و تبدیل می‌خوانیم:

چشم هفتاد و دو ملت زکران تا به کران (یا ز ازل تا به ابد)

سوی هفتاد و دو رهبر که چه حاصل دارد

والسلام عليکم و رحمة الله ويرکاته.

نایب رئیس - خوب، اینکه جناب آقای صدقی فرمودند که تلگرافات و نامه‌های میرسد طبیعی است که فرصت نیست که همه این تلگرافات و نامه‌ها در اینجا خوانده بشود و بی‌شک



سعی می‌شود که به همه آنها ترتیب اثر داده شود و گاهی هم به آنها جواب خواهیم داد. ضمن تلگرافات و نامه‌های رسیده یک برادری نامه‌ای نوشته بود که من در اثنائی که به مذاکرات مجلس‌گوش میدادم بحث از تبعیض پیش آمد و یکی از نمایندگان تذکردادند که قیدناروا زائد است چون تبعیض به هر حال نارواست ولی به این تذکر ایشان توجه نشد و قیدناروا افزوده شد و خواسته بودند که به شکلی هم رسیدن نامه را به ایشان اطلاع بدهیم، یادم نیست که نامه آدرس داشت یا نه که کتاباً به ایشان اطلاع بدهیم و نمی‌دانم چرا توجه به توضیح بعدی نکردند که چون تبعیض، درست است که وقتی می‌گوئیم به معنای تفاوت، نارواست ولی گاهی «به تفاوت» هم تبعیض گفته می‌شود و تفاوت ممکن است روا باشد چون همه‌دستمزد ها یکی نیست مثلماً به یک کارگر ماهر نسبت به یک کارگر ابتدائی دستمزد بیشتری میدهد این تفاوت را نمی‌شود گفت تفاوت ناروا و چون ممکن است تبعیضات به معنای همه‌نوع تفاوت فهمیده شود قید ناروا را ولو به عنوان قید توضیحی اضافه میکنم، به هر حال این نامه‌ها و تلگرافات میرسد و گاهی نامه‌هایی با امضاهای متعدد میرسد و سعی می‌شود مطلب آنها در جلسات گروهها و در تهیه متن اصول مورد توجه قرار گیرد و هدف اصلی هم همین است و حالا یک نامه‌ای عده‌ای از آقایان علمای اعلام تهران خدمت امام نوشته‌اند و کپیهای از آنرا اینجا فرستاده‌اند و خواسته‌اند که خوانده شود و در رابطه با مطلبی که جناب آقای صدوقی فرمودند و حالا جناب آقای متظری آنرا می‌خوانند.

۳—قرائت نامه جمعی از علمای تهران به محضر آیت الله العظمی امام خمینی

منتظری — بسم الله الرحمن الرحيم، این نامه‌ای است که جناب آقای آشتیانی به شخص بنده نوشته‌اند و مرقوم فرموده‌اند که «عرض میرساند، بدنبال تقاضای قاطبه مردم مسلمان تهران جمعی از آقایان علمای تهران در منزل حقیر تشریف فرما و نامه‌ای به حضور حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مرجع و زعیم عالیقدر دام ظله تقديم نموده که رونوشت آن جهت اقدام ارسال و امیدوارم با ابلاغ سلام و تعیت حضور اعضای محترم مجلس خبرگان عنایت بیشتری راجل بفرمائید و متن نامه در مجلس خبرگان قرائت شود و با تصحیح مواد مصوبه ان شاء الله رفع نگرانی عمومی گردد والسلام عليکم والرحمة، محمد باقر آشتیانی» حالاً اصل نامه را قرائت میکنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای خمینی زعیم و مرجع عالیقدر شیعه دام ظله، بعرض مقدس عالی میرساند به طوریکه قطعاً خاطر عالی مستحضر است اعضای محترم مجلس خبرگان در پاره‌ای از اصول موادی را تصویب نموده که موجب نگرانی عموم مخصوصاً علمای اعلام داشت بر کاتهم گردیده است لذا استدعا می‌شود که توجه بیشتری مبذول فرمایند که آنچه که ممکن است بورد سوءاستفاده دیگران قرار گیرد تصویب نگردد «دین رسمی ایران اسلام بطبق مذهب حق شیعه جعفری اثنی عشری می‌باشد و همه مقررات و قوانین باید بطبق همین مذهب وضع گردد و این اصل تا زمان ظهور حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله فرجه الشریف غیرقابل تغییر می‌باشد و رئیس جمهور باید مردو شیعه و فقیه و مروج مذهب باشد».



اصل یازده—«دولت جمهوری اسلامی موظف است که سیاست را برپایه ائتلاف و اتحاد ممل اسلامی با رعایت احترام متقابل قرار دهد تا وحدت سیاسی و اقتصادی در جهان اسلامی تحقق بخشد.» خداوند ظل مبارک را بر رئوس مسلمین مستدام بدارد تا مسلمانان با عنایت عالی بتوانند در انجام وظایف شرعی و حفظ قوانین اسلام در این عصر توفیق پیدا کنند به انتظار امر مبارک ادامه الله ظلکم الوارث.

امضاهای زیادی از علمای تهران هست که از آقای حاج محمد باقر آشتیانی و آقای سید محمد علی صدق شروع میشود. (یکی از نمایندگان—امضاها را بخوانید).

دکتر بهشتی — همه امضاها خوانا نیست چون اسامی بالای آنها نوشته نشده.

منتظری — سی چهل امضاء از علمای معروف تهران است که بعضی‌ها را ممکن است خواند اگر میخواهید بخوانم.

دکتر بهشتی — خوب، این نامه خوانده شد و اجازه بدھید که توضیحی هم از طرف مجلس خبرگان دراین باره داده شود اما آن اصل بعد که راجع به وحدت امت اسلامی است که در ردیف آن اصلی است که تصویب شده و اما اصل مربوط به دین رسمی به اینصورت که با رأی اکثریت تصویب شد انتقادی که شده است اینست که چرا وقتی نام مذهب جعفری اثنی عشری برده شده کلمه مذهب حق جعفری اثنی عشری نیامده است، مذاکرات آنروز مجلس متشتم شده و همه برادران و خواهان عزیز که به آن مذاکرات گوش داده‌اند توجه دارند که اگر به جای تعبیر «مذهب حق جعفری اثنی عشری» نوشته شد «مذهب جعفری اثنی عشری» به این اعتبار بود که خواستیم در این تعبیرها توصیه‌های مؤکد قرآن و نبی اکرم صلوات الله وسلامه علیه و ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين را رعایت کرده باشیم درست به همان دلیل که بیشتر ما انشاء الله میخواهیم، البته نمی‌گوئیم همه، چون در همه ممکن است خیلی مشکل باشد و نتوانیم عمل کنیم اما تا آنجا که میسر است بیشتر ما در گفتار و رفتار مان شیعه و دنباله رو امامان پاک علیهم السلام باشیم. دریان این اصل هم‌ما خواستیم همان دستورها و رهنمودهای مؤکد آنها را رعایت کنیم، همه میدانند که هر تعبیری که بخواهد به رابطه‌های برادرانه اسلامی ما در هر دوره‌ای از ادوار آسیب‌وارد کند بطبق دستور قرآن و سنت پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام باید از آن تعبیر خودداری شود بخصوص که در اینجا هیچ چیزی کم‌گذاشته نشده است آنچه از نظر یان قانون و تقین قانون و مشخص کردن راه آینده قانون‌گذاری در کشور ما است آنچه باید باشد، هست ولی این تعبیری که ممکن است ایهام جدائی آور برای برادران مسلمان عزیز دیگرما، چه در داخل مرزهای ایران و چه در خارج از مرزهای ایران داشته باشد، این تعبیر را باید ببینیم خود ائمه ما اگر الان ما در عصر امام صادق سلام الله علیه بودیم خود امام چه رهنمودی به ما میفرمود، مشابه این رهنمودها در روایات فراوان آمده و راه مشخص شده، خوشبختانه فقه غنی ما در این ابعادش هم غنی است و راهنمائی‌های صریح و روش و کافی دارد، اینست که چه آقایان علمای اعلامی که خدمت امام نامه مرسوم فرموده‌اند و رونوشتیش را اینجا فرستاده‌اند و چه برادران و خواهان عزیزی که جناب آقای صدوقی فرمودند که تذکرات واعلامهایی به ایشان داشته‌اند چه آنهاهی که نامه‌ها و تلگرافاتی فرستاده‌اند، عنایت بفرمایند که ما درست به همان ترتیبی که جناب آقای صدوقی در اینجا یادآوری کردند که همه دنیا میخواهند ببینند ساقه میکنیم، در همه



این نکته های ظرف هم قبل از هر کس خدای متعال و ولی قائم اسلام الله علیه ناظرند که بینند که ما در اینجا با همه سونگری و توجه کامل به دستورها و راهنمائی هائی که در اختیار ما گذاشته شده عمل میکنیم و یا تحت تأثیر احساس قرار میگیریم بی آنکه به همه جوانش توجه و عنایت داشته باشیم.

بنابراین آنچه که با رأی اکثریت تصویب شد بهیچ عنوان ذرای برخلاف آنچه حق و واقع و اصل هست نبود و قرار هم نبوده باشد و قرار هم نیست باشد و مسأله برس تعییر است و در تعییر آنچه مورد نظر و زیر بنای رأی اکثریت بود این بود که عرض شد، اگر این بیان و این منطق و این توجیهی که اکثریت به آن مستند بوده برای همگان مورد قبول افتاد و امیدواریم که در این جهت همه اتفاق نظر داشته باشیم و اگر احیاناً هم مورد قبول نیست همانظور که آفای صدقی فرمودند مجال این هست که ما بحث و گفتگو کنیم شاید دلایلی که آقایان دارند بیشتر از اینها باشد و در مجال بعد به این نکته پردازیم به هر حال امیدما اینست که خدای متعال هادی و راهنمای ما به سوی حق و صواب وهدایت او و توفیق و عنایت او فرا راه و دستگیریمان باشد . اما راجع به مسأله قیود مربوط به رئیس جمهور آنروز گفته شد که در جای خودش در شرایط رئیس جمهور مورد بحث قرار میگیرد و نخواستند که این در اینجا که مربوط به رئیس جمهور نیست مورد بحث قرار گرفته باشد، این هم نظری بود که آنروز دوستان بیان کردند . جناب آفای مدنی فرمایشی دارد؟

مدنی — ایتکه فرمودید آنروز این کلمات با اکثریت تصویب شد ظاهراً درست نیست یعنی کلمه حقه نباشد، عده زیادی اصرار داشتند که باشد و بعضی ها ناراحت شدند و از جهت نبودن این کلمه از جلسه خارج شدند، ثانیاً نبودنش اکثریت نداشت بلکه برای بودنش هم به اندازه دو ثلث از عده نمایندگان رأی نداشت، آنها که موافق بودند با بودن کلمه حقه و دست بلند کردند از نصف خیلی بیشتر بودند، بنابراین اگر کلمه حقه را نخواهید بگذارید، نباید بگوئید که با اکثریت تصویب شد که این نباشد نه، آنروزی که رأی گرفته شد بیشتر از نصف عده حاضر دست بلند کردند که باشد، البته این اشکال برمیگردد به لایحه ای که قبل از ما تصویب شده بود و عرض کردم درست نیست چون یک وقت می بینید که چهل نفر اثبات کردند و قانونیت بیدا نمی کنند و نتیجه اش این میشود که سی نفر ناهمی به چهل نفر مشتب مقدم شدند، از جمله کلمه حقه بود در مذهب.

نایب رئیس — آنچه بنده عرض کردم این بود که این متن موجود با اکثریت تصویب شد خوب، آفای دکتر شیبانی فرمایشی دارد؟

دکتر شیبانی — من بیشنها دام اینست که اولاً وارد دستور بشویم ثانیاً از این به بعد نامه ها و تلگرافات دیگران را مطرح نفرماییم ما در اینجا آنقدر بحث داریم که دیگر احتیاج به بحث خارج نیست.

نایب رئیس — منتظر کرم آفای حجتی فرمایشی دارید بفرمائید.

حجتی کومانی — میخواهم «ادع الى سبیل ریک بالحكمة والمواعظة الحسنة» را عنوان کنم، مجلس خبرگان باید واقعاً نمونه عمل اسلامی باشد ما اگر خواسته باشیم دایرة تفکر را محدود کنیم به گونه ای که خودمان فکر میکنیم و خیال کنیم هر کس غیر از ما به گونه دیگری فکر میکند ولو نماینده باشد یا نباشد، این از اسلام خارج است و من هم اگر فرد اچیزی

به نظر رسید که اکثریت آقایان مخالف بودند جرأت نمی‌کنند بیایم اظهار کنم، این اختناق را از نظر اکثریت ما بوجود می‌آوریم زیرا فکر میکنم چون ما اکثریت داریم دیگران حق ندارند حرفشان را بزنند ممکن است کسانی اشتباه بکنند بنده هم ممکن است اشتباه بکنم بنابراین کسانیکه مطالبی در هر زمینه میگویند ما اینها را رسی به بی‌دینی و تحریک اجانب نکنیم اینها برادران مسلمان ما هستند من این آیه را یادم می‌آید «اذاعجیتکم کشتنکم لغم تغیر عنکم شیشا» این کثرتی که آقایان پشتیبانشان هستند «لغم تغیر عنکم شیشا» هست، شما مرتب دارید افراد را از دین و ولایت فقیه و مجلس خبرگان با این تضییقی که بوجود می‌آورید نامید میکنید، این را عرض نمی‌کنم ما هیئت مسائل را عرض نمی‌کنم، کیفیت بیان مطلب که کسان دیگری حق نداشته باشند مطلبشان را بگویند به نظر من یک رویه اسلامی نیست شما اجازه بدید که ما چند نفر برویم خدمت امام و از آقا درخواست کنیم التماس کنیم که محیط را جویی بوجود نیاورند که یک عده‌ای از برادران مسلمان ما خیال کنند ما داریم آنها را از اسلام بیرون میکنیم و از جامعه‌مان طرد میکنیم. این خلاصه مطالب بنده بود و اگر نوبت بنده به نطق قبل از دستور رسید مطالبیم را عرض میکنم. اگر ما سرکلمه حق و این کلمات بخواهیم بحث کنیم سواله به درازا میکشد، همه شما که اینجا نشسته اید اگر کردستان را میخواستند بگیرند هیچ کدام نبودید که بروید و کاری بکنید آن آقایان هم که آن نامه را نوشته‌اند هیچکدام اهل این نبودند که بروند کردستان، آن امام بود که شما را با آن شهامتش و با آن قدرتش اینجا آورده است حالا ما آنده‌ایم در پرتو قدرت امام اینجا نشسته‌ایم و سرکلمات بحث میکنیم، اینکار را نکنید من فکر میکنم باید یک مقدار نبوعیت واقعی خودمان راحساس کنیم وزیر پرچم امام ویا زیرلوای امام سوه استفاده نکنیم.

نایب رئیس — عرض میشود که بی‌شک تا آنجا که مربوط به وضع جلسه وجودی باشد، ملتزم خواهیم بود که هریک از نمایندگان محترم آنچه که تشخیص و نظرشان هست اینجا آزادانه بگویند و امیدوارم تا حالا هم موفق شده باشیم که اینکار را بکنیم، در مواردی هم که به نماینده‌ای عرض شده است که حالا این مطلب را نفرماید و یا این مطلب نباید گفته شود به اعتبار رعایت نظم و نظامنامه مجلس بوده ولاغير، دراینده هم انشاء‌الله اینطور خواهد بود. غائبن این دو روز رامیخوانم: غائبن و دیرآمدگان عصر پیشنهاد آقایان انواری - دستغیب - مهندس سعابی - مؤبد شهزادی - طاهری گرانی - عرب و فوزی و آقای کرمی که نامه نوشته بودند که کسالت داشتند و آقای متظری که قبل اطلاع داده بودند که برای کار لازم به قم رفتند و آقای نوربخش و آقای غفوری، اما کسانیکه تأخیر داشتند آقایان: اکرمی بیست و هفت دقیقه - باهنر چهل و یک دقیقه - بنی صدر بیست و نه دقیقه - حسینی هاشمی بیست و شش دقیقه - حیدری بیست و پنج دقیقه - خادمی هفتاد و شش دقیقه - خامنه‌ای بیست و چهار دقیقه - رحمانی بیست و دو دقیقه - دکتر شیبانی بیست و پنج دقیقه - صافی بیست و چهار دقیقه - دکتر ضیائی سی دقیقه - مقدم مراغه‌ای شصت و شش دقیقه - موسوی اردبیلی چهل دقیقه. غائبن امروز صبح شنبه ۳۱/۶/۸ آقای حائری که قبل اکسالتشان را اعلام کرده بودند و حالا هم در جلسه تشریف دارند و آقای فوزی، اما کسانیکه امروز صبح تأخیر داشته‌اند آقایان: بنی صدر بیست و چهار دقیقه - خامنه‌ای بیست و یک دقیقه - مهندس سعابی بیست و چهار دقیقه - طاهری اصفهانی بیست و هفت دقیقه - فلسفی سی دقیقه - مراغه‌ای بیست و چهار دقیقه - میرمراد زهی سی و شش



دقیقه - نوربخش بیست و شش دقیقه - آیت هفتاد و شش دقیقه و نمایندگانی که در آخر جلسه، قبل از پایان، جلسه را ترک کرده‌اند، آقای خامنه‌ای در ساعت یازده و پنجاه دقیقه و آقای دستغیب در ساعت دوازده و سی دقیقه.

طاهری اصفهانی - من آنقدر درآمدن به جلسه مقید هستم که یک روزبه خاطر همین موضوع از بلیط هواپیما یم گذشتم من دیروز باید ساعت نوزده و پنجاه دقیقه با هواپیمامی آمدم ولی هواپیما تأخیر داشت و علت دیرآمدن من تأخیر هواپیما بود. نایب رئیس - متشرکم، آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی - در صورت جلسه روزه شنبه ۲۷/۸/۸^ه نام اینجانب رادردیف غایبین ذکر کرده‌اند در صورتی که اینجانب در جلسه حضور داشته‌ام. نایب رئیس - لطفاً اعتراض خود را به مسئولان مربوط بدهد تا اصلاح شود.

۴ - طرح و تصویب اصل ۳۰ (اصل بیست و ششم)

نایب رئیس - اصل ۳۰ را به این شکلی که در دستور جلسه آمده قرائت می‌کنم:
اصل ۳ - تشکیل احزاب، جمیعتها، کانونها، سازمانها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و انجمنهای گوناگون، ادیان رسمی، سیاسی، صنفی، فرهنگی، ادبی، هنری با اساسنامه و مراسم‌نامه صوب و اعلام شده‌آزاد است مشروط براینکه در محتوای مراسم‌نامه و در عمل اصل استقلال، آزادی حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، وحدت ملی و تمامیت ارضی را نقض نکرده و علیه آن اقدام نمایند و نیز مسلح و یا وابسته به بیگانه نباشند.

نماینده گروه سه برای توضیح تشریف بیاورد. آقای دکتر قائمی بفرمائید.

دکتر قائمی - بسم الله الرحمن الرحيم. این اصل همانطور که ملاحظه می‌فرمایید مربوط است به حقوق ملت و مسائلی که در این اصل مطرح شده است یک مقدار وسیع تر و گسترده‌تر از آنچه در پیش نویس قانون اساسی داشتیم می‌باشد و در این زمینه نظرات زیادی برای ما رسیده بود که در اینجا خلاصه نظراتی را که مردم فرستاده بودند یادداشت کردہ‌ام. مطالب به نظر من خیلی روشن است ولی در عین حال بعضی از مسائل است که به نظر مکرر میرسد حالا بعضی از کلمات آنها را توضیح میدهم. بحث از تشکیل احزاب است مانند حزب کمونیست و بحث از آزادی جمیعتها است مثلاً می‌گویند جمیعت طرفداران سازمان ملل متحد واژاین قبیل و بحث است از آزادی کانونها مانند کانون نویسنده‌گان و همچنین سازمان‌هایی از قبیل خیریه و بهداشتی و اتحادیه‌ها مثل اتحادیه روزنامه نگاران و اتحادیه‌های دیگر و سندیکاها مانند سندیکاها کارگری و امثال آن (عرب - باید عوض شود) الان وقت عوض شدن نیست.

(نایب رئیس - آقای عرب اجازه بفرمایید بعداً صحبت خواهید فرمود). من نظراتم را خواهیم گفت بعداً شما می‌توانید نظرتان را ابراز کنید. بحث از انجمنهای گوناگون ادیان رسمی است مثل انجمنهای خیریه‌ای که بعضی از مذاهب دارند مثل زرتشتی و مسیحی و از این قبیل، حالاً این انجمنها ممکن است انجمن سیاسی، صنفی، فرهنگی، ادبی باشند. این انجمنها به شرطی آزادند که اساسنامه و مراسم‌نامه داشته باشند و همچنین محتوای مراسم‌نامه اینها اصل استقلال مملکت، آزادی و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، وحدت ملی و تمامیت ارضی را نقض نکند. وقتی که این اصل در گروه تصویب می‌شود ما یک مقدار نظراتی



در مورد برادرانمان که در ارتش مشغول فعالیت هستند داشتیم و راجع به آن هم بحث زیاد شده . (اشراقی — ذیلی ندارد؟) قرار شد که اول گوش کنید . بحث از این شده است که آیا برادران ارتشی ما حق دارند در یک جمعیت سیاسی و یا در یک حزب شرکت کنند یا خیر؟ دوستان ما بعنهای متعددی کردند و شاید آقایان در حدود بیست بار در جلسه بحث کردند و نتیجه بحث این شد که ارتشی‌ها حق ندارند در فعالیتهای سیاسی و احزاب سیاسی شرکت کنند و علتش این است که یکنفر ارتشی باید بی‌طرف باشد و او نمی‌تواند هم تابع یک حزب باشد و از حزب دستور بگیرد و هم از فرمانده خودش و مثالی که برادران ما در جلسه آورده‌اند این بود که اگر در همین برنامه‌ای که در کردستان عملی شده است حزب دموکرات در ارتش نفوذ داشت در آن صورت معلوم نبود که میزان ضایعات ماقصر بود و کلیه آقایان معتقد بودند که ارتش ، دست جمهوری اسلامی و نیروی فعاله‌اش میباشد . بنابراین شرکت در احزاب و دستجات روحیه یک ارتشی را عوض میکند و اصولاً وابستگی به یک حزب همیشه گرایشی می‌آورد . (نایب رئیس — این موضوع چه ارتباطی به توضیح اصل دارد؟) می‌خواستم اینرا عرض کنم چون بعداً اشکالاتی در همین زمینه مطمئناً مطرح خواهد شد . (نایب رئیس — آقای اقائی اینطور نفرمایید شما باید درباره اصل متن توضیح بفرمایید) درباره احزاب به صورت مطلق ذکر کرده‌ایم و حتی گفته‌ایم شامل حزب کمونیست هم میشود ، با اینکه کشور ما یک کشور اسلامی است فعالیت حزبی مانند حزب کمونیست هم آزاد است و نمونه اینرا در کشورهای دیگر هم مانند کشور فرانسه می‌بینیم ولی فعالیت این احزاب به‌این صورت نیست که علیه تمامیت ارضی و جمهوری اسلامی ایران باشد یا اصولی را که در قانون اساسی هست لقض کند و اگر یک حزبی فعال و آزاد هست ، اساس فکر این است که آن حزب میتواند نظرات اقتصادی تربیتی و از این قبیل را که دارد ، اعمال کند .

سؤاله دیگری که در آخر اصل آورده‌ایم این است که تشکیل احزاب و جمعیتها و امثال آن بشرطی است که مسلح و وابسته به بیگانه نباشد . مثلاً اگر حزب کمونیست بخواهد در سلطنت فعالیت کند آزاد است بشرطی که به هیچ‌جیک از کشورهای دیگر کمونیست وابسته نباشد و نمونه‌های دیگری که ممکن است در این زمینه در احزاب دیگر باشد . حالا اگر سوالی احیاناً هست بفرمایید . (صافی) — اگر علیه مبانی اسلام فعالیت نکنند فعالیتشان مانع ندارد .

نایب رئیس — بسیار خوب ، حالا اگر کسی مخالف و یا موافق هست به‌نوبت برای صحبت تشریف بیاورند ولی اول اگر سوالی هست بفرمایند . آقای منتظری سوالی دارید بفرمایید .

منتظری — بلی من چند سوال دارم . یکی اینکه آقایان نوشتند اند «انجمنهای گوناگون ادیان رسمی» در حالیکه قبل اکلمه رسمی در مورد اقلیتهای مذهبی تأیید نشده است و فقط گفته شده «دین رسمی ایران اسلام است» و ادیان اقلیتها شناخته شده هستند و لفظ «رسمی» ندارد . پس ما نگفتم ادیان رسمی چهارتا و یا اینها است . پس باید بنویسید «دین اسلام و اقلیتهای شناخته شده» و همینطور که عرض کردم ادیان رسمی به آن صورتی که گفته شده درست نیست زیرا دین رسمی ایران فقط اسلام است . (دکتر قائمی) — البته مورد نظر ما هم هدین بوده است . میدانم که نظر همین بوده است ولی عبارت باید تصحیح شود . (دکتر قائمی) — بیتوان اصلاح کرد . سوال دیگر در مورد هنر است ، چون هنرها مانند هنر نقاشی هنر مسروعی است ولی هنر غیر مشرف هم داریم مثل رقص و دانس و موسیقی‌های حرام . بنابراین کلمه



«هنری» مطلق است و شامل هنرهای غیرمشروع هم نمیشود. انتقاد دیگری که به نظر میآید این است که کلمه «حاکمیت» را ند است یعنی نوشته شود «آزادی»، نظام جمهوری اسلامی و کلمه «حاکمیت» قبل از «نظام جمهوری اسلامی» را نمیخواهد (طاهری اصفهانی - این حق حاکمیت» بوده و کلمه «حق» افتاده است.) (دکتر قائمی - در اصل تنظیم شده کلمه «حق» ندارد). سوال دیگر این است که ممکن است انجمنهای باشند که در آن علیه اسلام تبلیغ کنند. آیا این انجمنها مجاز هستند یا خیر؟ شما ذکر نکرده اید. (دکتر قائمی - حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و...) حاکمیت نظام جمهوری اسلامی غیر از تبلیغ علیه اسلام یعنی تبلیغ علیه «جمهوری اسلامی» غیر از تبلیغ علیه «اسلام» است و به عبارت دیگر میتواند تبلیغ کنند که در اسلام اشکالاتی هست. (دکتر قائمی - اجازه بفرمایید همین سوال رام تو پیچ بدhem). اجازه بفرمایید که من سوالاتم را تا آخر بگویم. (دکتر قائمی - من نمیتوانم تمام سوالات را تا آخر در ذهن بسپارم. لطفاً سوالات را یک به یک مطرح بفرمایید). بسیار خوب. دکتر قائمی - فرمودید اگر علیه اسلام تبلیغ کنند، در متن تنظیمی گفته شده است که «اسامنامه و مرامنامه مصوب و اعلام شده» چه مرامنامه‌ای در جمهوری اسلامی تصویب خواهد شد؟ آیا مرامنامه‌ای که ضد اسلام باشد؟

منتظری - این قید «مصطفوب» نمیفهماند که باید مصوب جمهوری اسلامی باشد بلکه معناپیش این است که خود آن انجمن یک مرامنامه‌ای را تصویب کرده باشند که معلوم شود مرام و کارشنان چیست.

پشارت - ممکن است مصوب دولت نباشد و مصوب خود آن حزب یا انجمن باشد.

منتظری - بسیار خوب مصوب خود آن انجمن ممکن است برخلاف اسلام باشد.

دکتر قائمی - منظور از «حاکمیت نظام جمهوری اسلامی» و «جمهوری اسلامی» که قبل صحبت کرده‌ایم ترکیبی است از دو کلمه «جمهور» و «اسلام» قرار نشد در مملکت... منظظری - من سوالاتم تا آخر تمام نشده است.

نایب رئیس - آقای متنظری جنابعالی یک سوال بفرمایید و ایشان هم جواب بدهند و بعد جنابعالی سوال بعدی را مطرح بفرمایید.

منتظری - بسیار خوب در این اصل نوشته نشده است که اینها در آن انجمنها نباید علیه اسلام تبلیغ کنند، همچنین حذف «مرامنامه مصوب» زیرا به این معنی است که خود آن گروه یک مرامنامه برای خودش تصویب کرده است.

دکتر قائمی - آیا این قسمت اول به نظر شما حل شده که حالا به قسمت دوم برویم؟ این مسئله‌ای را که فرمودید علیه اسلام نباید تبلیغ کنند به نظر من در کلمه «جمهوری اسلامی» هست. (منتظری - خیر نیست). اگر نیست باید اصلاح شود ولی به نظر من هست.

منتظری - سوال دیگر این است که نوشته‌اید «و نیز مسلح و یا وابسته» من وقتی این عبارت را خواندم چنین فهمیدم که هر کسی در انجمنها شرکت میکند با اسلحه نباید باشد، در صورتیکه جنابعالی معناپیش کردید که اصلاح‌کسانیکه در کشور مسلح هستند حق ندارند در انجمنها شرکت کنند. این حرف غلطی است که ما بگوییم ارتشی‌ها و افسران ارتشی، نظامیها حق ندارند در انجمنهای دینی شرکت کنند و یا در انجمنهای که خودشان برای اسلام و دین تشکیل می‌دهند حق شرکت ندارند و نمیتوانند چنین انجمنهایی داشته باشند و از طرف دیگر



کلمه «مسلح» مقصود شما را نمی‌فهماند برای اینکه میفرمائید با سلاح نباید در انجمن برود.
دکتر قائمی — میغواستم اینرا عرض کنم که احزاب و جمعیت‌ها حق ندارند مسلح باشند، کانونها و سازمانها نمی‌توانند مسلح باشند و همچنین این احزاب و جمعیت‌ها و کانون‌ها نباید وابسته به دولتها ییگانه باشند، یعنی مادو شرط برای آزادی احزاب و جمعیتها و کانونها گذاشته‌ایم یکی سلح نبودن و دیگر عدم وابستگی به ییگانگان و این نظری بود که ما در این مطلب داشته‌ایم.

نایب رئیس — آقای قائمی سؤال در مورد اینست که نوشته‌اید «سلح نباشند» چون توصیف شما در اثنای مطالباتن که برای آقای منتظری و یا بعضی‌ها میگفتید، یک معنی دیگر را تداعی کرده است. سؤال این است، منظور از اینکه میگوئید «و نیز سلح نباشند» یعنی اعضای احزاب و جمعیتها عضو تشکیلات نظامی و انتظامی کشور نباشند؟ (دکتر قائمی — خیر) خوب آقای منتظری ایشان میفرمایند این نیست. آقای فارسی سؤالی هست؟ (فارسی — چند تذکر اصلاحی داشتم). اگر تذکر اصلاحی است بعداً بفرمائید. آقای موسوی تبریزی سؤالی دارید؟ (موسوی تبریزی — من به عنوان موافق با این اصل میغواهم صحبت کنم). آقای بنی صدر سؤالی هست؟ (بنی صدر — خیر). آقای رشیدیان سؤالی هست؟

رشیدیان — اینجا نوشته شده «انجمنهای گوناگون ادیان رسمی» و بعد «سیاسی، صنفی، فرهنگی، ادیبی، هنری» این انجمنها مال ادیان به اصطلاح رسمی است یا به سیاسی، صنفی، فرهنگی، ادیبی، هنری هم میرسد؟

دکتر قائمی — قبل پاسخ دادم که منظور ما از این «ادیان رسمی» اقلیتهای مذهبی است.
نایب رئیس — نه آقای قائمی این سؤال دیگری است.

رشیدیان — «سندیکاهای و انجمنهای گوناگون ادیان رسمی» این انجمنها و سندیکاهای مال ادیان رسمی است؟ یا مال سیاسی، صنفی، فرهنگی است؟ مربوط به کدام است؟ اینجا میفهم است.
نایب رئیس — دقت می‌فرمائید؟ یعنی ردیف عبارت اینطور است «احزاب، جمعیتها، کانونها، سازمانها، اتحادیه‌ها، سندیکاهای و انجمنهای گوناگون ادیان رسمی، سیاسی» (دکتر قائمی — اینجا دو نقطه بگذارید مسأله حل است). اجازه بفرمائید یعنی این «سیاسی» به چه میغورد؟ (دکتر قائمی — به همه اینها سیاسی، احزاب سیاسی و جمعیت سیاسی میتواند باشد). انجمنهای گوناگون ادیان رسمی هم سیاسی و فرهنگی و صنفی دارد؟ (دکتر قائمی — بلی). بسیار خوب توضیحی ایشان دادند که منظور عبارت البته روان نیست آقای فاتحی سؤالی هست؟ (فاتحی — به عنوان مخالف میغواهم صحبت کنم). آقای پرورش سؤالی هست؟

پرورش — اینجا نوشته‌اند «انجمنهای گوناگون ادیان رسمی، سیاسی، صنفی، فرهنگی، ادیبی، هنری با اساسنامه و مرآت‌نامه مصوب و اعلام شده آزاد است» اگر تصویب شده و بعد از تصویب آزاد شده است «مشروط» دیگر چیست؟ مشروط بر اینکه در محتوای مرآت‌نامه و در عمل اصل استقلال، آزادی، حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، وحدت ملی و تمامیت ارضی را نقض نکرده باشد.

نایب رئیس — آقای پرورش ایشان توضیح دادند یعنی مصوب خودشان یعنی اساسنامه مصوب خود مؤسسین نه مصوب دولت. (یکی از نمایندگان — تصریح کردند مراد حکومت اسلامی است). بنابراین اجازه بفرمائید خود آقای قائمی توضیح بدند که منظور از مصوب چیست؟



دکتر قائمی — منظور از مصوب این است که خود کسانیکه اساسنامه و مرامنامه را می‌نویسند آنرا اعلام می‌کنند یعنی نظرخودشان را اعلام می‌کنند. البته ممکن است دولت آنرا پیذیرد یا نپیذیرد.

نایب رئیس — یعنی در جلسه خودشان تصویب شده باشد. (دکتر قائمی — بلی و اعلام شده باشد.) (طاهری اصفهانی — ظاهر مصوب چیست؟) مقصود آقای طاهری این است که عبارت وافی نیست. (دکتر قائمی — این عبارت را اصلاح می‌کنیم). آقای عرب شما انتقاد دارید یا سؤال؟ (عرب — راجع به لفظ سندیکا انتقاد دارم). بسیار خوب یعنی مخالف هستید. آقای سبحانی سؤالی هست؟ (سبحانی — بله) بفرمائید.

سبحانی — متن اصلی که در پیش‌نویس قبلی آمده است از این متن دقیقتر است و به جای «انجمن‌های گوناگون ادیان رسمی» تعبیر بهتری دارد. «جمعیت‌ها و انجمان‌های دینی» این کلمه «انجمن‌های دینی» آگر جا نشین «ادیان رسمی» شود هم اشکال عملی ندارد و هم روانتر است.

دکتر قائمی — علت اینکه ما اینجا کلمه «رسمی» را گذاشته‌ایم این است که در این سلکت و در خیلی از ممالک بعضی شبه مذاهب وجود دارد که خود را مذهب به حساب می‌آورند مثل بهائیت و بهمنی دلیل ما کلمه «رسمی» را اضافه کردیم که آنها را شامل نشود. (طاهری اصفهانی — پس بگویید ما آنوقت که ادیان رسمی نوشتمی نمی‌دانستیم باید اقلیت رسمی بنویسیم). بلی اینرا در ضمن مطالب عرض کردم. (سبحانی — در پیش‌نویس قبلی جمله دیگری هست که حذف شده است).

نایب رئیس — آقای سبحانی این دیگر سؤال نیست.

سبحانی — یک مطلب را حذف کرده‌اند و هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد و یا بشرکت در یکی از این گروهها مجبور ساخت «این عبارت چرا حذف شده است؟ (دکتر قائمی — همینکه گفتیم آزاد است مسئله روشن است). سؤال سوم این است که اگر به جای «مصطفوی و اعلام» نوشته شود «ثبت شده» بهتر است. (دکتر قائمی — کلمات را می‌شود اصلاح کرد همانطور که دوستان دیگر هم پیشنهادات دیگری در این زمینه دارند).

نایب رئیس — آقای خزعلی سؤالی هست؟

خزعلی — راجع به تنظیم عبارتی تذکری دارم، نوشته شده است «ادیان رسمی» که خودشان اصلاح کردند و همینطور تعبیر عبارت «گوناگون ادیان رسمی، سیاسی، صنفی» از نظر تنظیم به ذهن می‌زند که «ادیان رسمی سیاسی» آگر این تأخیر...

نایب رئیس — بلی همان است که قبل از این شده است لطفاً بواردی که تکرار است دیگر گفته نشود. آقای مقدم مراغه‌ای شما سؤالی دارید؟ (مقدم مراغه‌ای — من مخالف هستم). آقای صافی سؤالی هست؟

صافی — این مبانی اسلام در کجا هست؟ در اصل آمده است «استقلال، آزادی، حاکمیت جمهوری اسلامی» اگر با مبانی اسلام مخالف باشد اشکال پیدا نمی‌کند؟

دکتر قائمی — پاسخ دادم که در کلمه جمهوری اسلامی مسئله اسلامی هست همانطور که قبلاً بارها در مجلس بحث شده است کلمه جمهوری اسلامی از دو کلمه تشکیل



یافته است. (صافی - حاکمیت اسلام و اصل استقلال). حالا اگر باید اضافه شود یک مسأله دیگر است ولی وقتی بحث از جمهوری اسلامی کردیم قرار نیست مثلاً جمهوری کفر باشد. (یکی از نمایندگان - ممکن است در میان احزاب و جمعیتها، احزاب و جمعیتی مخالف مبانی اسلام باشد ولی این احزاب و جمعیتها باید عملاً علیه مبانی اسلام اقدام و توطئه کنند).

نایب رئیس - من توضیحی میدهم تا مطلب کاملاً روشن شود. بطور کلی این سؤال مطرح است و نمایندگان محترم همه با توجه به این سؤال، سؤالاتشان را مطرح کنند و بعد رأی بدھند. این سؤال مطرح است که در نظام اجتماعی جمهوری اسلامی بیان مطالب ضد اسلام و نوشتن اینگونه مطالب و اینکه دورهم جمع شوند و بحث و گفتگو بکنند، آیا این کار ممنوع است یا نیست؟ و اگر حاکمیت و تمامیت ارضی را نقض نکند ممنوع است؟

وقتی پیش نویس تهیه می شد برای پیدا کردن تعبیری که عبارت دوم را برساند و شامل عبارت اول هم نباشد بحث بود چون پیش نویس که تهیه می شد براین پایه تهیه می شد که گفتن و اظهار نظر کردن و جلسه و بحث و گفتگو تشکیل دادن درباره کلیه مسائل فکری آزاد است به شرط آنکه منجر به نقض و تزلیل و درهم شکستن اساس جمهوری اسلامی نشود. (دکتر قائمی - نظر گروه ما هم همین است). بنابراین مدتی بحث بود تا کلمه نقض پیدا شد و این تعبیره نظر رسید که هم گویا است و هم مطلب را در همان حد خودش برساند و نه بیشتر. پس تهیه کنندگان در گروه سه هم میخواسته اند اینرا بگویند که تشکیل گروههایی برای بیان و اظهار نظر و بحث و گفتگو پیرامون مسائل مختلف فکر بشری آزاد است و لوخود این مسائل و خود این آراء، آرائی باشد که مطابق با موازین اسلام نباشد و آنچه آزاد نیست عبارت است از مجامع و احزاب و جمعیتی‌هایی که وجود آنها درهم شکننده و مست کننده مبانی اسلام و جمهوری اسلامی باشد. (دکتر قائمی - و جلوه این را الان ما در مجلس داریم) حالا آقای قائمی میفرمایند که نظر گروه همین است. (دکتر قائمی - بلی نظر ما هم همین است). آقای ریانی شیرازی سؤالی هست بفرمائید.

ریانی شیرازی - با توجه به اینکه پاسخ آقای بهشتی قانع کننده نبود... (نایب رئیس - قانع کننده یا روشن کننده؟) روشن کننده هم نبود. یعنی این مسأله‌ای را که اینجا آمده روشن نمی کنند. اینجا میگوید احزاب آزادند ولی بعد شرط میکنند که «مشروط براینکه در محتواهی مرآت‌نامه و عمل...» چند چیز را از جمله نظام جمهوری را باید نقض کند. مرآت‌نامه حزب کمونیست سراپا نقض جمهوری اسلامی است. مرآت‌نامه نقض است برای اینکه در محتوای آن مکتبی است که دربرابر حزب مکتبی اسلام قرار دارد.

نایب رئیس - آقای قائمی توضیح بفرمائید.

دکتر قائمی - این مطلب را در همان اول بحث عرض کردم و گفتم که در میان از کشورها وجود دارد و نمونه‌ای هم از کشور فرانسه مثال آوردم. حزب کمونیست فرانسه حزبی است آزاد، با توجه به اینکه از لحاظ سیستم سیاسی، اقتصادی یا سیستم موجود فرانسه نمی خواند، اینکه می‌گوییم آزاد هست به این معنی است که آزاد است نظرات اقتصادی، تربیتی خودش را از طریق نمایندگانش در جماعت عرضه و اعمال کند، نه به این مفهوم که جمهوری را لغو کند و آنرا از سیستم سرمایه‌داری به سیستم کمونیستی بکشاند. یک چنین حقی برای این حزب نیست و آن چیزی هم که در مملکت برسرش بحث بود و گروه ما نظرداد این بود، نه به



آن مفهوم که وقتی ما در کشورمان یک نظام جمهوری اسلامی را پیاده می‌کنیم کمونیست‌ها که مخالف این نظام هستند بیایند و آن را نقض کنند.

نایب رئیس — آقای قائمی! اگر این اصل برطبق آنچه که در پیش نویس منتشر شده نوشته شده بود این بیانی که من کردم برای توضیح آن کافی بود، چون آنجا نوشته شده است «تشکیل احزاب، جمعیتها و انجمن‌های دینی، سیاسی و صنفی آزاد است مشروط به اینکه اصول استقلال آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکند». توضیحی که من دادم مربوط به آنجا بود. در اینجا شما یک تعبیری دارید «مشروط به اینکه در محتواهی مرآت‌نامه این را نقض نکند». اشکال آقای ربانی به نظر من هم وارد است چون وقتی یک حزب مارکسیست کمونیست است و حتی همان حزب مارکسیست — کمونیست‌فرانسه هم محتواهی مرآت‌نامه اش نفی جمهوری بورژوازی فرانسه است و ناید گفت محتواش آن نیست و فعالیت سیاسی هم برای برآنداختن آن نمی‌کند بنابراین بیانات شما برای من و شاید برای عموم قانع کننده نیست. (دکتر قائمی) — نظری بود که در گروه گفته شد و همین نظر را هم آوردیم. (مکارم شیرازی) — من برای سؤال اسم نویسی کرده بودم). اگر کمی صبر کرده بودید ثابت شما رسیده بود و درست همین الان نوبت خود شما است بفرمائید (مکارم شیرازی). ایشان آماده نشستن شده بودند این بود که من خواستم صحبت کنم. (دکتر قائمی) — خیر آقای طاهری فرمودند که میخواهند جواب بدهند این بود که بنده خواستم بششمین. آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بنده سه سؤال از ایشان دارم. سؤال اول اینکه نوشته شده «وابسته به بیگانه نباشد» بعد از آن قیود قلی که ذکر شده چه فایده دارد؟ آن قیود کفایت‌سی کرد و دیگر احتیاجی به نوشتن این جمله نبود.

دکتر قائمی — کفایت نمی‌کرد بسیاری از احزاب هستند که علاوه بر آنکه آن را نقض نمی‌کنند کمکهایی هم از خارج به صورت محروم‌نامه می‌گیرند و نمونه‌اش راهم در مملکت خودمان دیده‌ایم.

مکارم شیرازی — این جواب که قانع کننده نبود. سؤال دوم بنده، اساسنامه و مرآت‌نامه مصوب و اعلام شده برای چیست؟ اگر منظور این است که شرایط تشکیل جمیعت را بگوئید، شرایط خیلی است، اما اگر می‌خواهید جمیعت قانونی باشد اینجا جای بحث شرایط قانونی بودن جمیعت نیست.

دکتر قائمی — هیچ‌کدام از این دونظری که فرمودید نیست، بحث در این است که گاهی یک حزب و یا یک گروهی می‌آید و با یک اسمی مردم را بدور خودش جمع می‌کند، ما نظرمان این است که گروهی حق ابراز وجود دارد که نظر خودش را بگوید، بگوید که من چه هستم تا مردم با چشم بازیه دنبال آن بروند، این نظر گروه مابود. (مکارم شیرازی) — این جواب هم قانع کننده نبود.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید آقای مکارم چون این سؤالتان باید برای همه روشن بشود. ببینید همین الان ماقروههایی داریم که نام دارند چند نفر هم در آنها کاری کنند، اعلامیه و بیانیه هم منتشر می‌کنند، ولی اساسنامه ندارند چند نفر آدمیک نامی را انتخاب کرده‌اند تحت آن نام هم فعالیت می‌کنند و هم اطلاعیه و بیانیه منتشرشی کنند، اگر از آنها اساسنامه بخواهید می‌گویند نداریم. این آقایان در اینجا می‌خواسته اند بگویند که یک گروه که می‌خواهد



تشکیل بشود باید اقلام کمک اساسنامه داشته باشد تا افرادی که میخواهند با آنها ارتباط پیدا کنند دچار غرر نباشند.

مکارم شیرازی — و اما سؤال سوم شمردن این جمعیتها است، با اینکه کلمه جمعیتها کافی بوده ردیف کردن اینها جامع هم نیست و جمعیت‌های دیگری راهم می‌توانیم فرض کنیم، ذکر اینها و ردیف کردن اینها با این طول و تفصیل چرا آمده، علتشن چیست؟

دکتر قائمی — فکر میکنم که از لحاظ توضیح مسأله و همچنین اگر بخواهیم جنبه علمی قضیبه را در نظر بگیریم ضروریست که اینها را اسم ببریم، همانطور که فرموده‌ید کلمه «جمعیت» همه را کفايت می‌کرد ولی در اصطلاح علمی حزب یک مفهوم دارد، کانون یک مفهوم دیگر و سازمان هم یک مفهوم دیگر ما یک‌قدر خواستیم مسأله روشنتر باشد و وسعت نظر خودمان را بتوانیم دراینجا نشان بدیم.

نایب رئیس — آقای موسوی جزايري سؤالی هست بفرمائید.

موسوی جزايري — با توجه به اینکه جامعه ما یک جامعه اسلامی است بیشتر به سمت تشکیل شوراها گرایش دارد تا به سمت سندیکا، چرا شما سندیکا را نوشته‌اید ولی شورا را ننوشتید؟

دکتر قائمی — کلمه شورا در همه اینها می‌آید اگر بخواهیم شورا راهم اضافه کنیم بیشتر مورد اعتراض آقای مکارم واقع می‌شویم. شورا دیگر صورت قانونی دارد و اصل مربوط به آن هم تصویب شده است.

نایب رئیس — آقای قائمی نظر آقای موسوی و شاید آقای عرب هم همین است که مسأله سندیکاها مورد بحث است که آیا سندیکاها باشد یا شوراها؟ لاقل اینجا سندیکارا تثیت نکنید.

موسوی جزايري — سؤال دوم بنده این است که شما تشکیل این سازمانها و کانونهارا مشروط کرده‌اید که مسلح نباشند، درحالی که اسکان دارد تمام افراد یک انجمن جواز حمل اسلحه از مقامات مسئول داشته باشند.

دکتر قائمی — کسی که جواز حمل اسلحه دارد، دریک چهارچوب خاصی می‌تواند از آن استفاده کند مثل بنده جواز اسلحه‌ای برای شکار دارم، من حق ندارم این اسلحه را در حزب ببرم و یا در راهپیمانی همراه خودم داشته باشم.

نایب رئیس — آقای خالاتیان بفرمائید.

خالاتیان — چند سؤال داشتم که یکی درمورد ادیان رسمی بود که توضیح فرمودند سؤال دوم بنده در مورد انجمنهای قوی است که آیا در جای دیگر رنظر گرفته شده است یا در همینجا است؟

دکتر قائمی — وقتی انجمنها را به طور کلی گفتیم شامل انجمن‌های قوی هم می‌شود.

نایب رئیس — آقای یزدی بفرمائید.

یزدی — سؤال من راجع به همین کلمه احزاب و شمول آن حتی احزاب ضد اسلامی است که جهات مختلف داشت که بعضی از جهات آن جواب داده شد ولی یک‌جهتش که تقاضوت با مسأله‌ای که در اصل قبل بود «که اگر چیزی موجب گمراحتی باشد منوع است» این مسأله را چطور می‌شود حل کرد؟ یکی از چیزهایی که مورد بحث است «که اگر موجب گمراحتی شد منوع است» اگر یک حزب کمونیست که فرموده‌ید درینسان عقاید آزاد



است تاجیئی که اقدامی برعلیه امنیت و استقلال کشور نکند، اما نسبت به اینکه موجب گمراهی افراد باشد که در اصل قبل ممنوع اعلام میشود، این دویاهم تفاوت دارد.

دکتر قائمی — همانطور که فرمودید در اصل قبل ما این را گنجانده ایم که فعالیتی در مملکت نباید بشود که موجب گمراهی گردد، آن اصل قبل از این اصل است و این اصل بعدی خود بخود تابع اصل قبلی خواهد بود.

یزدی — وقتی شروع به کار میکند آزادی بیانش تا وقتی که عمل مخالفت با تمامیت ارضی یا امنیت نداشته باشد محدود نیست، ولی هر فعالیتی که بر علیه اسلام باشد موجب گمراهی میشود.

دکتر قائمی — درست می فرمائید و در این زمینه باید فکری کرد.
نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — بنده چند تا سؤال دارم اول «تشکیل احزاب» یا خود «احزاب» این قید «تشکیل» که آمده آیا ایجاد حزب تابع مقررات است و یا اگر حزبی هم بود که قبل تشکیل شده باز تابع همین مقررات است؟ آیا گذاشتن این «تشکیل» جهت خاصی داشته است؟

دکتر قائمی — احزاب آزاد هستند، نظر ما این بوده است (خامنه‌ای — پس «تشکیل» زیاد است). مسکن است یک حزبی هم بعداً تشکیل بشود بنابراین کلمه «تشکیل» زیاد نیست.

نایب رئیس — سؤال ایشان این است که اگر بگوئید احزاب آزادند اعم از دوام احزاب و یا تشکیل حزب جدید هر دو را شامل میشود.

خامنه‌ای — فرمودید که احزاب، جمعیتها، کانون‌ها، سازمانها اینها هر کدام علی‌داشته که آورده‌اید، احزاب ظاهراً به معنای دستجات سیاسی است و جمعیتها طبعاً سیاسی نیست (دکتر قائمی — جمعیتها هم میتوانند سیاسی باشند). این خلاف آن حرفي است که شما گفتید (دکتر قائمی — شما فرمودید که جمعیتها نمی‌توانند سیاسی باشد؟) این یک سؤال است. (دکتر قائمی — می‌توانند باشد).

نایب رئیس — ایشان می‌گویند در این شرحی که شما دادید، جمعیتها خیریه کدام‌است؟ (دکتر قائمی — در اینجا جمعیتها خیریه را من گذاشتم سازمانها چون از نظر کلی جزو سازمانها قرار می‌گیرند). مگر با این اوصافی که گفتید شما نگفته که دو نقطه بگذاریم که به همه آنها بخورد؟ (دکتر قائمی — بله) وقتی به همه آنها خورد می‌گویند یک «و غیر اینها» بگذارید والا میشود جمعیتی که یا سیاسی یا صنفی یا فرهنگی یا ادبی و یا هنری و همین‌طور سازمانی که یا سیاسی یا عنفی یا فرهنگی یا ادبی و یا هنری است. (دکتر قائمی — ما خواستیم که یک مقدار این را گسترده کنیم و توضیح بدیم). این پاسخ سؤال ایشان نیست می‌گویند به این ترتیب که گذاشتید شامل جمعیت خیریه نمی‌شود.

خامنه‌ای — سؤال دیگر بنده این است که شما فرمودید احزاب جهت سیاسی دارد، حزب یعنی یک جمعیت سیاسی، آیا منظورتان از جمعیت‌ها یک لفظ اعم است بعد از اخص که شامل احزاب هم میشود یا نه؟ (دکتر قائمی — فکر میکنم گروههای کوچکتر از حزب باید شامل جمعیت‌ها بشود). بنابراین باید جمعیت‌ها را روشن کرد. حالا راجع به کانون‌ها عرض کنم شما این کانون‌ها که می‌فرمائید اگر شما خواسته‌اید که تمام الفاظ جمع را یعنی گروهها و دستجات را بیاورید خوب شوراء، مؤسسه، بنیاد و امثال اینها هم بوده که نیاورده‌اید و اما اگر منظور از



کانون همان سازمان یا اتحادیه یا جمیعت است که عرفًا هم همینطور است. (دکتر قائمی – درعرف کانون به چه می گویند؟) درعرف زبان فارسی فرقی نمی گذارند، بعضی ها می گویند جمیعت و بعضی هم می گویند کانون. (دکتر قائمی – ما فکر میکنیم که کلمه «کانون» در عرف و مراتب محدودتر و کوچکتر از جمیعت است). سؤال دیگر این است که منظور از کانون چه بوده است آیا نظر به چیز خاصی داشته اید یا نه؟ (دکتر قائمی – همانطور که عرض کردم نظر ما این بوده که یک جمیعت بسیار فشرده و محدود را که در یک زمینه خاصی فعالیت می کند کانون بنامیم مثل کانون نویسندها، کانون وکلا وغیره) بعد فرموده اید «سازمانها» این سازمانها اصطلاح فارسی اش یک واحد دولتی است که کوچکتر از وزارت خانه باشد. معمولاً این طور است، غیر از اینکه حالا کسی اسم یک کتابخوانی را سازمان مطبوعاتی بگذارد ولی منظور از سازمان یا وزارت خانه است و یا مؤسسه دولتی وابسته به نخست وزیری آیا شما نظرتان اینها بوده؟ (دکتر قائمی – اجازه بدھید توضیح بدھم، ما چنین نظری نداشته ایم سازمان یک جمیعتی را می گوییم که براساس یک سلسله مراتب تشکیل میشود). عرض کنم که اتحادیه ها و سندیکاهای ظاهراً یک کلمه عربی و یک کلمه فرانسه است که تقریباً معادل هم هستند، یعنی اتحادیه اصطلاحی است از یک جمیعت صنفی و سندیکا هم همین است و مخصوصاً کارگر نیست، کارفرما هم سندیکا دارد و همینطور اصناف هم می توانند سندیکا داشته باشند. (دکتر قائمی – ما فکر می کنیم موادر استعمالش در زبان فارسی فرق میکند.) اینطور نیست شما کلمه سندیکای فرانسوی را به یک نفر که زبان فرانسه می داند بدھید بینید به چه ترجمه میکند.

نایب رئیس – نقد واردیست و ظاهرآً اتحادیه و سندیکا یک معنی را دارند.

خامنه‌ای – بعد فرموده اید انجمنهای گوناگون، ادیان رسمی، سیاسی، صنفی، انجمن صنفی یا اتحادیه است یا سندیکا و یا هردو. اشکال دیگر این است که این هفت تا را با این عبارت ضرب میکنید در شش تا که میشود چهل و دو تا یعنی حزب ادیان رسمی، حزب سیاسی، حزب صنفی حزب فرهنگی و... عبارت اینطور نشان میدهد، جمیعت ادیان رسمی، جمیعت سیاسی، جمیعت صنفی و جمیعت فرهنگی و... کانون ادیان رسمی، کانون سیاسی، کانون صنفی، کانون فرهنگی و... وقطعاً مسظور شما چهل و دو تا بوده است.

نایب رئیس – آقای کیاوش سوالی هست بفرمائید.

کیاوش – در بالا مرقوم فرموده اند احزاب ایدئولوژیکی آزاد است و در پائین هم نوشته اند به شرطی که وابسته به بیگانه نباشد آیا ممکن است یک حزب ایدئولوژیکی برای تقویت خود وابستگی جهانی ایجاد نکند؟

دکتر قائمی – میشود حزبی تشکیل بشود که وابسته به کشور بیگانه نباشد و از آن کمک نکیرد. وابستگی معمولاً بدبالش وابستگی اقتصادی و سیاسی و ازاین قبیل است مثلاً حزب کمونیست در مملکت آزاد است به شرط اینکه وابستگی به کشورهای دیگر نداشته باشد.

کیاوش – امکان چنین چیزی نیست.

دکتر قائمی – اگر امکانش نبود اجازه ندارد فعالیت کند، نظرگروه این است.

نایب رئیس – آقای میر مراد زهی بفرمائید.

میر مراد زهی – روزی که اصل سیزدهم تصویب میشدگروه صابئین آمده بودند اینجا وقرار شد در اصول بعدی که می آید یک جائی برای آنها در نظر گرفته بشود آیا نظرشان تأمین



شده است یا خیر؟

نایب رئیس — خیر، اگر بنویسیم اقلیتهای دینی شناخته شده، آن وقت در نظر گرفته نشده است من هم سوال شما را صحیح میدانم. آقای دکتر ضیائی بفرمایید.

دکتر ضیائی — بنده همان اشکالاتی را که آقایان فرمودند دارم به اضافه بعضی سوالات ویا اشکالات دیگری که به ذهن من رسیده است، در اینجا وابسته بودن یا نبودن چه موقع معلوم میشود؟ (دکتر قائمی — وقتی که سازمان مملکتی تشخیص بدهد). وقتی که می خواهند تصدیق بکنند و گواهی به آنها بدهند باید وابسته بودن و یا وابسته نبودنشان معلوم بشود و غالباً احزاب همانطوریکه فرمودند وابسته به بیگانه هستند و این موضوع بعدها معلوم میشود، بنابراین تصویب کردن و اجازه دادن برای فعالیت آنها باید با احتیاط باشد چون بعد از آنکه اجازه فعالیت گرفتند و تقویت شدند دیگر نمی شود کاری کرد.

دکتر قائمی — خوب در آن موقع جلو فعالیت آنها گرفته میشود وقتی که شناخته شد که یک حزبی وابسته به بیگانه است آزادی آن خود بخود لغو میشود.

دکتر ضیائی — این شرطهایی که در اینجا ذکر شده است اصولاً احزاب را از اول محدود میکند و معنایش این است که شما به هیچ حزبی حق فعالیت نمی توانید بدھید برای اینکه نسبت به تصویب آئین نامه و مراسنامه شان باید برسی کنند، دو تا را جمع کردن جمع ما بین متنافیین است.

دکتر قائمی — اگر نظر آزادی مطلق باشد بله ما جلویش را می گیریم. ما براساس طرز فکری که از لحاظ محتوای اسلامی داریم به همه افراد و همه گروهها به صورت مشروط آزادی میدهیم نه به صورت مطلق.

دکتر ضیائی — مشروطش دیگر چه جوری است؟

دکتر قائمی — همین هائی است که می فرمایید جلویش را می گیرد.

دکتر ضیائی — بنابراین هیچ حزبی آزادی نخواهد داشت.

دکتر قائمی — آزادی مطلق نخواهد داشت.

نایب رئیس — آقای دکتر ضیائی ما هیچکدام سوال شما را نفهمیدیم. سوال اخیرتان را نفهمیدیم که می فرمایید اگر قرار است در محتوای مراسنامه این اصول رعایت بشود، دیگر هیچ حزبی وجود نخواهد داشت لطفاً این را خوب بیان کنید.

دکتر ضیائی — من تصدیق میکنم که بیان من بحث انگیز بود و ممکن است ایجاد سوءتفاهم بکندولی منظورم این است که محتوای مراسنامه برای هیائی که می خواهد آن را تصویب کنند قبل برسی می شود یعنی اجازه بدهند به افرادی که شما حق فعالیت دارید. ملاحظه بفرمایید آن چیزهایی که در مراسنامه شرط کرده اید رعمل شدنی نیست، مراسنامه قبل با یاد تصویب شده و به ثبت رسید درست است؟ خوب عمل چه وقت معلوم میشود که مطابق با مراسنامه هست یا نه؟ (دکتر قائمی — بعداً معلوم خواهد شد).

نایب رئیس — آقای دکتر ضیائی ایشان توضیح دادند، گفتند مراسنامه در موقع شروع مورد توجه قرار می گیرد که آیا اجازه به آن بدهند یا نه، عمل پس از شروع است یعنی وقتی شروع کرد در موقع عمل می بینند اگر بر طبق مراسنامه عمل کرد که هیچ فعالیتش ادامه پیدا میکند اما اگر برخلاف مراسنامه و آئین نامه خودش عمل کرد جلویش را می گیرند.



خانم گرجی — اگر چیزی باید اصلاح شود خوب آن را اصلاح کنیم، تعصی نیست که عین مطالب آورده شده تصویب بشود و اگر به این ترتیب جلو برویم در آخر کار مجبور میشویم همه قانون را یکجا امضاء کنیم و از اینجا بیرون برویم.

دکتر قائمی — جای بحث نیست که بعضی از عبارتش باشد اصلاح شود.
نایب رئیس — آقای جوادی بفرمائید.

جوادی — اینکه فرمودید در محتوای مرآتname و یا در عمل، اصل استقلال را نقض نکرده باشد بعد هم گفته ایم که وابسته به بیگانه نباشد آیا میشود کسی باشد که استقلال را نقض نکند و وابسته به بیگانه باشد؟

دکتر قائمی — حالا از آن طرف به مسأله نگاه کنید یعنی ممکن است یک حزب و یا یک جمعیتی وابسته به بیگانه نباشد و در عین حال استقلال را به خطر اندازد آیا چنین وضعی نیست؟

نایب رئیس — آقای دکتر قائمی، سؤال ایشان این است که چنین چیزی هم اگر باشد مجوز گفتن این نیست، چون وقتی شما گفته استقلال را مراعات بکند شامل این خواهد شد و ما را از گفتن قید اخیر بی نیاز می کنند. حالا باید مخالف و موافق صحبت کنند. (مکارم شیرازی) — در اصلش مخالفند یا در کلمات؟) توضیح ایشان این است که اگر با توجه به این سؤالاتی که شد اگر مخالفتها مربوط به اصلاحات است که خوب در هر عبارتی که مطرح میکنیم نظر میدهند و اگر مخالفت مربوط به اصل است آنوقت جا دارد که مخالف و موافق صحبت کنند. البته موافق صحبت کرده حالا نوبت مخالف است آقای بنی صدر شما مخالفید؟ (بنی صدر — بنده از اول تا آخر این اصل حرف دارم). بفرمائید آقای بنی صدر.

بنی صدر — بسم الله الرحمن الرحيم. من روز اول که اینجا عرض کردم طرز فکر یونانی حاکم است، بعد در یک مجلسی آقای جوادی گفتند که این حرف را تکرار نکنیم ولی حالا ناچار که تکرار کنم. عرض کنم که پایه هر مکتب و هر دستگاه فلسفی یا سیاسی مبتنی به یکی از سه توازن است، یا توازن قواست که این اصولی که به این ترتیب نوشته اید از این توازن پیروی کرده است، یا عدم توازن قواست که به نظر من توحید همین است وبا بینایین این دو توازن اگر دقیق بشویم این دستگاههای فلسفی که در دنیا وجود دارند این مکتبها و ایدئولوژیها بریکی از این سه تا مبتنی است. از روزهای اول حتی قبل از اینکه انقلاب پیروز بشود امام در تمام بیاناتشان حتی تا هفته پیش که به مخبر ایالتیانی گفتند که احزاب در ایران اگر توپه نکنند آزاد خواهند بود، هر حزب با هر مراضی که میخواهد باشد. چهارشنبه هفته پیش که در خدمت ایشان بودیم گفتند وقتی او گفت چرا جلو احزاب را گرفته اید در جواب گفته شده نه، اینها آزادی فعالیت نمی خواستند بلکه میخواستند توطئه کنند و بنده را اسم بردند که دعوت بحث آزاد از آنها کردیم و تا این موقع که بنده خدمت شما هستم در زمینه مباحث ایدئولوژیک حتی یکنفر مراجعه نکرده است که حاضر باشد با ما بحث بکند. ایشان این موضوع را هفته پیش فرمودند و قبل از اینکه به قم هم تشریف ببرند در مدرسه علوی بنده را معین کردند و گفتند که اگر آنها حرفی دارند بیانند پیشینند و بحث کنند، ما هم اعلام کردیم و در قم هم ایشان اعلام کردند. پس بتایران، این بیانی را که ایشان کردند لاید بر یک واقعیتی تکیه داشته است و آن واقعیت این است که در این جهان مسلمانانی را که در تحت سلطه دیگران هستند و نمی کنند



اینها نفس بکشند خیلی زیادتر از تعداد مارکسیستهای وطن ما هستند. اگر ما اینجا یکاصلی را به تصویب برسانیم که به استناد همین اصل همان آزادیها را از آنها بگیرند، ما زیان کردیم. الان در چین مسلمان زیاد هست، در روسیه مسلمان زیاد هست و اینها آزادی ندارند و با به عنوان جمهوری اسلامی قویاً وبا تمام قوا پایدگوشش بکنیم که آنها آزادی پیدا کنند، پس ناچار ما با تکیه واستناد به اینکه اسلام تمام آنچه را که علم به آن رسیده است و یا خواهد رسید متضمن است وهیچ با کی به اندازه سرسوزنی از بحث باهر ایدئولوژی نداریم. سابق براین ما تحت فشار بودیم و دیگران آزادی داشتند، حالا ما آزادیم، به دیگران هم در این حد که برای خودمان آزادی قائلیم باید آزادی بدھیم. ما به یک حزب اسلامی هم اجازه نمی دهیم که قیام مسلحانه علیه حکومت بکند تاچه برسد به غیراسلامی. در این حد که به خودمان آزادی میدهیم این را باید برای همه پذیریم تا بتوانیم درجهان درجهت پیشبرد اسلام عمل کنیم، اگراینکار را نکردیم متأسفانه در داخل نمی توانیم این «نه» را اجرا کنیم چون لازمه اش ایجاد یک سازمان امنیتی است از نوعی که بود و دیدیم که نتوانست اینکار را پیش ببرد. بنابراین منع و گلوبگیری به نتیجه ای نخواهد رسید و دست مارا هم خواهد بست. ما در زمینه های ایدئولوژی گفته ایم و خواهیم گفت که هر کس هر وقت، هرجا آماده بحث بود ما آماده ایم که از نظریه اسلام دفاع کنیم و با آنها سباحه کنیم. در این حد اگر ما آزادی را پذیریم زیان با جمهوری اسلامی است، زیان با خود ما است. این متنی که شما تهیه کرده اید و متنی هم که در پیش نویس قبلی بوده، الان اگر شما دوتا متن را با هم مقایسه بکنید می بینید که حرف آقای دکتر بهشتی صحیح بود. در آن متن پیش نویس مفادنیست، مصالح هست ولی در طرح شما چنین چیزی نیست آن قسمت ذیل را بکلی برداشته اید و میگوئید که گفته ایم آزاد است، کافی است. نه، چنین چیزی کافی نیست ما هم همین فکرها را کردیم و دیدیم کافی نیست و دنیای واقعیت ها غیر از دنیای ذهنی ما است که در آن جا چیزی را کافی بدانیم و یا کافی ندانیم. ما الان در این دنیا می بینیم که دستگاههای اطلاعاتی چقدر گسترش دشده است. هیچ خبری در این دنیا نیست که شما از آن مطلع نشوید و یا بخواهید از یک ایدئولوژی سر در بیاورید و نتوانید. شما میدانید که روسها و چینی ها به قیمت تقریباً مفت مردمانی خودشان را به همه زبانهای دنیا ترجمه کرده و پخش میکنند.

نایب رئیس — از وقت شما دو دقیقه مانده است.

کرمی — همه آفایان این صدای مرا باید بشنوند، سامندهای مسلمانی هستیم، مادرچهار چوب اسلام اصول را تصویب میکنیم و اگر از چهارچویه اسلام خارج بشود تصویب نمی کنیم متوجه باشید آقا این آزادیهای که بوسیله آنها الحاد را میخواهید لای عمامه ما بگذارید ما متحمل آن نمی شویم مطمئن باشید ما را به آنها تهدید نکنید.

بنی صدر — ظاهراً زیان من قادر بوده است من شمارا به آنها تهدید نکردم، گفتم شما باید یک امکاناتی برای همه مسلمانها ایجاد بکنید و یک معناهایی هم که قابل اجرائیست نگذارید، حرف من این بود. به هر حال ما اگر بخواهیم براساس عدم توازن قوا عمل بکنیم باید آزادیها را در این کشور به رسمیت بشناسیم، «درحد آزادیها» نه پیشتر از آزادیها، در این حد باورم این است که متن قبلي به مراتب شامل ترجمه تر از متنی است که پیشنهاد شده است و پیشنهاد میکنم که آن متن پیش نویس به جای متن فعلی مورد رأی گیری قرار گیرد.



یکی از نمایندگان — الان که میفرمایید ما باید امت های دیگر را در نظر بگیریم تقداً اگر ما آزادی کامل به آنها بدهیم ضرر هائی برده ایم، نمی دانیم که آبا در آئیه تعجب قلوب میتوانیم بکنیم یانه، آن مجھول و نسیه است و این نقد است ما نمی توانیم آزادی مطلق را به این احزاب بدهیم که در رأس آنها بعضی حزب هائی هستند که میدانید سلطنت را دگرگون میکنند.

بنی صدر — عرض کنم که آن آزادی مطلق را در هیچ جائی بهیچ کسی نداده اند، جامعه است و در جامعه هم نسبیت حاکم است، اما صحبت تحبیب نیست صحبت حق است مسلمانها در رویی حقوقی دارند و ما حق داریم و میخواهیم حقوق آنها را بگیریم و اما اگر شما یک اصلی آوردید اینجا میگوئید بطبق این اصل عمل میکنیم. ما وقتی این حقوق را میخواهیم بیشتر نفع می بریم تاینکه این معنی ها را بیاوریم و عرض کردم که در این جهان توئنائی این معنی ها را هیچ سلطنتی ندارد مگر یک قوائی را بسیج کنند مثل رویی و اینها را شب و روز مراقب فکر و عمل مردم بکند این کار از جمهوری ما ساخته نیست. بنابراین درمدتی که آزادی بیان داشته باشندو بتوانند فعالیت معمول بکنند به آنها آزادی بدهیم، میتوانیم از طریق همین بحث آزاد که سنت گرامی و عزیز دین ما است اینها را از میدان بدر کنیم و کاملا هم به اینکار توئنائی داریم دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس — آقای عرب بفرمایید.

عرب — آیا ما معتقد هستیم براینکه آزادی که در اسلام هست به مرتب بالاتر از آن آزادی است که در کتابت دیگر هست؟ معتقد این هستیم یا خیر؟ وقتی ما گفتیم که در صورتی که نقض حاکمیت جمهوری اسلامی را نکنند دیگر آزادی به تمام معنی به اوداده ایم اما وقتی از این حد آزادی خارج شد خوب، جلویش را می گیرند.

نایب رئیس — آقای موسوی تبریزی به عنوان موافق بفرمایید.

موسوی تبریزی — بسم الله الرحمن الرحيم. اولاً آقایان این را توجه داشته باشند این اصلهایی را که گروه سه با اصلاح نوشته است آنها را وحی منزل نمیداند که حتی این باشد و غیر این نباشد. اگر هم یک وقت اشتباهی مثلاً اشتباه ادبی و یا عبارتی، یا در محظوظ اشتباه داشته باشد، ما اصرارنداریم همین باشد ولی این راه نباید فراموش بکنند، این اصل را که مثلاً ما به این صورت درآورده ایم بعد از اینکه مطالعاتی به عمل آمد به این صورت درآمده است. علی ای حال بنده به اصطلاح یک اصلاح عبارتی آگر یکم شاید بعضی از اشکالات دوستان بطرف شود. اصل آزادی خدادادی، بشر حتی در اختیار دین هم آزاد است حتی آزاد است که به خدا هم قادر نباشد و در اختیار همه چیز آزاد است. از این اصل آزادی خدادادی که به بشر داده شده است در این اصل که با این کیفیت نوشته ایم استفاده کردیم. به اضافه آن مقرراتی که در مجتمع اسلامی داریم به این صورت درآورده ایم، ما میگوئیم احزاب حتی کمونیست یک حزبی که نه به مبدأ معتقد است نه به معاد، حتی در ترویج مرام خودش آزاد است. از این عبارت استنباط نمی شود که آن محدود است، بلکه مثلاً حزب کمونیست هم آزاد است، اصلاح سلام احزاب اگر مختلف و متضاد باهم نباشد دیگر معنی ندارد. وقتی احزاب متعدد باشد، سلطنتها متعدد باشد، مراهاها با هم تضاد داشته باشند که شاخ به شاخ به شاخ هم بگذارند. بنابراین ما میگوئیم حزب کمونیست آزاد است حتی در ترویج مرام خودش، اگر آزاد نباشد پس این چطور



حزبی است. این همان آزادی است که خدا به بشر داده است این از نظر آزادی تکوینی، اما از نظر تشریعی، در ترویج مردم خود هر حزب آزاد است متنها مادر اسلام یک نظام اسلامی داریم، مقررات اسلامی داریم، همان مقرراتی که این آفایانی که اینجا هستند و تمام فقهها در کتابهایشان نوشته‌اند. راجع به اقلیتی‌های مذهبی یهود و نصارا، زرتشت که اینها اهل کتاب یا فی حکم اهل کتاب هستند، تمام فقهها در عصر غیبت این حق را به آنها داده‌اند. آنها در عمل کردن و در ترویج مذهب ذمہ نکنند، مگر این نیست؟ اگر خود عمل بکنند و آزاد هستند مادامیکه اخلاق بر شرایط ذمہ نکنند، مگر این نیست؟ اگر اخلاق بر شرایط ذمہ نکنند عیب ندارد. شرایط ذمہ این است که قرق اسلام را به هم نزنند و تعرض بر مسلمین ننمایند. همان احزاب هم که ما میگوئیم آزاد است حتی در مردم خود آزادند و می‌توانند مردم خودشان را تبلیغ بکنند. (نایب رئیس—آقای موسوی دو دقیقه بیشتر وقت صحبت ندارید). بلی خواهش میکنم دو دقیقه دیگر به وقت اضافه بفرمایند تا اشکالاتی که در این اصل شده بروطوف شود. (نایب رئیس—حالا از همین دو دقیقه وقت که دارید استفاده کنید). پس بنابراین احزاب، جمعیتها، سندیکاهای اتحادیه‌ها، سیاسی یا هنری یا هرچه میخواهد باشد مادامیکه محل بر نظام اسلامی نباشند، اینها در مردم خودشان آزادند. این از این جهت، و اما اینکه جناب آقای بنی صدر فرمودند اینها را اگر محدود کنیم آنوقت نتیجتاً در مالک خارج به ما ضرر می‌رسد، در قید دوم آن مقدمه که گفتیم بر طبق نظام مقررات اسلامی که در مجمع مسلمین حاکم است، این یک دستوری است که خدا به ما داده است ما از خودمان نمی‌خواهیم احزاب را مقید و محدود کنیم. مادامیکه محل بر نظام اسلامی و بر ضد اسلام نباشند و شاخ به شاخ اسلام نگذارند و نخواهند اسلام را از میدان بیرون بکنند، آزادند. به آن حدی که رسیدند، اسلام اینجا چوب لای چرخ آنها گذاشته است. با هم عمل میکنند و با هم قدم بر میدارند ما از خودمان نمی‌گوئیم و اما از این مخاطره‌شان غصه نخورید، این به اضطرالح قانون اساسی، قانون اساسی سلطنت ایران است حالا در خارج چطور میشود کاری نداریم این هم یک مطلب. و یکی هم راجع به تشکیل احزاب گفتیم و آن قید را که ما در آخر حذف کردیم ما دیدیم اصلاً لغو است این چرا لغو است؟ احزاب، جمعیتها، سندیکاهای اتحادیه‌ها آیا این یک مفهومی نیست که با افراد تحقق پیدا میکند؟ در عالم مفهومشان که نمی‌خواهیم بحث بکنیم حزب، یعنی آن افرادی که دریک مردم و دریک سیاست مشترک هستند. پس بنابراین اصل احزاب که تشکیلش آزاد شد، این صراحتاً میرساند که پس از مشارکت افراد و در تمام این احزاب این قید را گفتیم «تا آنجا که مجتمع اسلامی را به هم نزنند تشکیلش هم آزاد است». نتیجتاً شرکت افراد هم آزاد است، هیچکس حق جبر بر دیگری ندارد. ما تصور کردیم آن قید آخر که در آن پیش‌نویس قانون اساسی گفته بود که باید شرکت افراد آزاد باشد و هیچکس نمی‌تواند فردی را مجبور بر طرد یا شرکت بکند، زائد است. (نایب رئیس—آقای موسوی وقت شما تمام شد). این منظور ما بوده، حالا بعد رفقة خودشان میدارند. ما نمی‌گوئیم وحی منزل است تصور رفقای ما تا آنجا که من یاد دارم این بوده است اختیار با خود شما است. حالا بیخواهید تصویب بکنید یا میخواهید آن پیش‌نویس اصلی را به رأی بگذارید. من هم از جمله افرادی هستم که با یک اصلاح رأی نمیدهم هیچ اشکالی هم ندارد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.



نایب رئیس— آقای فاتحی به عنوان آخرین مخالف بفرمایید.

فاتحی— پس از اسلام به آقایان محترم، بسم الله الرحمن الرحيم. آنطور که من جو مجلس را مطالعه کردم، فکر کردم تقریباً این اصل تلقی به قبول شد و البته بخشی که علما و دانشمندان و نمایندگان محترم هر کدام داشتند مربوط به جملاتش بود. و اما اینکه من احساس دارم یعنی پیش خودم فکر میکنم و برداشت من از اسلام این است که اصلاً اجازه تشکیل حزب صحیح نیست برای اینکه اساس دو قسم است یا افرادی هستند از مسلمین و یا غیر مسلمین و اما از مسلمین یعنی اسلام... (کیاوش— این نظر شخص خودتان است).

نایب رئیس— همه مستمعین ما و همه کسانیکه میبینند و میشنوند میدانند که این نظر شخص گوینده است.

فاتحی— این نظر شخص خود بنده است، تعبیر فهم شخص خود بنده است از اسلام. این نقطه فکر خود شخص بنده است و دلیلش را هم به عرض میرسانم. اساس اسلام اگر مسلمین بخواهند متحد باشند، پیروزی و نصرت همراه آنها است. این انقلاب در سایه وحدت اشار مختلف به دست آمده است و این همه امام‌گله دارد ازملت به خاطر همان غرب‌گرائیش با اینکه اسلام را قبول دارد، هرچه اجتماع فشرده‌تر باشد، پیشبرد کارمن بهتر است. پس بنابراین «الا ان حزب الله هم المفلحون - واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». برداشت شخص من این است میان خود مسلمین به عنوان حزب اجازه‌نمی‌دهد. اما دیگر فرق وادیان و فی‌المثل همان‌طوری که صحبت شد اسلام مانند کمونیست و سایر فرق نیست، اسلام این اجازه را داده بطور کلی چه در زمان ائمه و چه بعد اجازه سخن‌گفتن و استدلال را به آنها حتی در مسجد امام صادق (ع) داده بود. البته در مقام تبیین حق و آنچه که در فکرش دارد اسلام به تمام افراد از نظر عقیده و ایدئولوژی اجازه بیان مطالب را میدهد. «لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی». پس اسلام این اجازه را به سایرین داده که حد و مرزی داشته باشد، سوء استفاده نکنند و به اصل نظام جمهوری اسلامی خدشه وارد نکنند و صدمه نزنند. این قانون غرب‌زدگیش و شرق‌زدگیش به به تعبیر استاد آقای منتظری... (نایب رئیس— آقای فاتحی یک دقیقه بیشتر وقت ندارید). چشم، این غریب به نظر می‌رسد که مثلاً احزاب هم تشکیل نشود فقط ما یک حزب داریم آن هم حزب خداست. بله، شما خواهید گفت، دیگر جمعیت‌هایی نداریم، جمعیت‌هایی داریم ولی در چهارچوب اسلام تشکیل می‌شود، مثلاً مؤسساتی یا جمعیت‌هایی تشکیل می‌شود شور و تبادل نظر می‌کنند که به آن هم به اصطلاح، دیگر حزب گفته نمی‌شود. (نایب رئیس— آقای فاتحی وقت شما تمام شد). او در چهارچوب اسلام است او در جهت و پیشبرد مقصد اسلام است پس تشکیل حزب از نظر برداشت شخص من از اسلام صحیح نیست. به تمام ادیان و حتی به تمام احزاب اعلام می‌کنم و با آنها مباحثه می‌کنم.

نایب رئیس— پیشنهاد شده که متن پیش‌نویس قبلی را هم مطرح کنیم، آقایان با این امر موافقند که طبق تصمیمی که صحیح گرفته شد عمل کنیم؟ (یکی از نمایندگان— دو قسم را به رأی بگذارید) یعنی بدون تغییر؟ هردو را به رأی بگذاریم اگر یکی رد شد، دیگری را به رأی بگذاریم. (یکی از نمایندگان— پیشنهاد من این است که اول از آقایان پیش‌رسید هر کدام را که توافق کردند آنرا به رأی بگذارد. من خیال می‌کنم دویی اصلاح‌شیخی طول بکشد و لزومی هم ندارد). یک سؤال و آن این است که اگر تغییر با نظر اکثریت باشد دیگر نمی‌گوئیم اصلاح



متن. (منتظری) — پیشنهاد من اصلاح متن است، آنرا بخوانید). به نظر دوستان اگر اصول بیست و نه را بخواهیم قسمت به قسمت به رأی گذاشته شود، بنابراین ناچار میشویم که از این اصل صرف نظر بکیم و برویم سراغ اصل دیگر، این هم که درست نیست اگر چنین نظری نداشته باشد، بنابراین، این را به رأی میگذارم. (نمایندگان — اصل متن را بخوانید) اجازه بدھید اصل متن سی پیشنهادی گروه سه را بیخوانم: «تشکیل احزاب، جمعیتها و کانونها، سازمانها، اتحادیه‌ها، سندیکاهای و انجمنهای گوناگون ادبیان رسمی سیاسی، فرهنگی، صنفی، ادبی، هنری با اساسنامه و مراستنامه مصوب و اعلام شده آزاد است مشروط بر اینکه در محتوای مراستنامه و در عمل، اصل استقلال، آزادی، حاکمیت نظام جمهوری اسلامی وحدت ملی و تمامیت ارضی را ت نفس نکرده اقدام ننمایند و نیز مسلح و وابسته به یگانه نباشد». حالا اینکه در پیش نویس به عنوان اصل بیست و شش است اینجا عنوان میشود «اصل ۲۶ — احزاب، جمعیتها و انجمنهای دینی، سیاسی و صنفی آزاد است بر اینکه اصول استقلال، آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را تقض نکنند شرکت افراد در این گروهها آزاد است و هیچکس را نمی‌توان از شرکت در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروهها او را مجبور ساخت». اجازه بدھید همان متن را بیخوانم که اگر اصلاحی لازم داشت انجام بشود. اصل بیست و شش خدمت آقایان هست؟

اصل ۲۶ — تشکیل احزاب، جمعیتها و انجمنهای دینی، سیاسی و صنفی آزاد است مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.

نایب رئیس — یک سوال روی کلمه «تشکیل» بود که آیا حذف آن ضرورت دارد یا نه بنویستند «احزاب، جمعیتها و انجمنهای دینی و صنفی آزادند». بدون کلمه «تشکیل» اصلاح و قتی گفته شد و احزاب آزادند هم تشکیل و هم سایر جهات را شامل میشود. موافقین با اینکه کلمه «تشکیل» حتماً بشد دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) رد شد. بنابراین کلمه «تشکیل» حذف میشود و بنویسیم «احزاب، جمعیتها و انجمنهای دینی و صنفی آزادند». (یکی از نمایندگان — راجع به تشکیل و تأسیس مسکن است طوری مرفق فرمائید که «احزاب موجود آزادند» اما در مورد تشکیل مجدد حزب شاید صلاح نباشد). آقا، نظردادند و رأی گرفتیم خواهشمندم دیگر صحبتی نفرماید تا به جائی برسیم یک ساعت وربع است که داریم درباره تمام این نکات بحث میکنیم. نظر آقای فاتحی این بود که تشکیل حزب در بیان مسلمانانها منوع است. موافقین با اینکه تشکیل حزب براساس اسلام آزاد است دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. «احزاب و جمعیتها و انجمنهای دینی، سیاسی و صنفی...»

مدنی — آقایان توجه داشته باشند که وقتی انجمنهای دینی را گذاشتیم شناخته شده و غیرشناخته شده را شامل میشود اگر به دست مردم بدھیم فردا آن جمعیتها دینی شناخته نشده‌اند.

نایب رئیس — اجازه بدھید من یکی یکی را به رأی می‌گذارم موافقین با اینکه بنویسیم «انجمنهای دینی و انجمنهای وابسته به اقلیتهای شناخته شده» دست بلند کنند. (منتظری) — اسلام چه؟ انجمنهای اسلامی و دینی و... بنابراین انجمنهای دینی و انجمنهای اسلامی و انجمنهای وابسته به اقلیتهای شناخته را شامل می‌شود موافقین با این عبارت دست بلند کنند.



(یکی از نمایندگان – انجمنهای دینی شناخته شده). (ربانی – انجمنهای دینی قانونی). اگر بخواهیم تعبیر جامع باشد همین است که عرض شد «انجمنهای دینی وابسته به اقلیتهای دینی شناخته شده» که عبارت اصل سیزدهم بود. (مکارم شیرازی – بعداً هم اگر از نظر ادبی بخواهید اصلاح کنید پس همین حالا اصلاح بفرمائید). (ربانی – بنویسید انجمنهای دینی قانونی). رویش بیانی نداریم آقای ربانی چون اصطلاح قانونی جلوتر نبودم بهم است. (طاهری – انجمنهای اسلامی و اقلیتهای دینی و این را هم که قبل اعضاء کرده‌اید). همه اقلیتهای دینی؟ (طاهری – بله، همه اقلیتهای دینی). اقلیتهای دینی شناخته شده. (بنی صدر – قانونی یعنی شناخته شده. همه را شامل می‌شود و آن‌هایی هم که قانونی نیستند شامل نمی‌شود). (یکی از نمایندگان – قانونی بهتر است). (منتظری – احزاب سیاسی و...). از نظر عبارت ناچاریم که اصولاً این قسمت دینی را آخر بیاوریم که سیاسی و صنفی درجای خودش قرار بگیرد باید بنویسیم: «احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی، صنفی و اسلامی و انجمنهای وابسته به اقلیتهای دینی شناخته شده». (منتظری – دینی را اول بیاورید بنده با بقیه اش کاری ندارم). (ربانی – آقای بهشتی، قانونی چه اشکالی دارد؟) ما جلوتر نیاوردیم آقایان «قانونی» را کافی میدانند؟ (یکی از نمایندگان – خیر). یک راه اینست که ما این «تشکیل» را حذف بکنیم و بنویسیم «انجمنهای اسلامی یا انجمنهای دینی وابسته به اقلیتهای شناخته شده، احزاب و جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی آزاد است».

مکارم شیرازی – من موافق نیستم، میگوییم اگر میخواهید تشکیل احزاب را بیاورید شما که اول رفتید روی اسلام پس باید آنطوری تنظیم بشود که یک نتیجه‌ای بگیریم.

طاهری اصفهانی – شما اینطور نمی‌توانید به تصویب برسانید این اصل به این کیفیت که گروه سه تنظیم کرده بود اکثریت نیاورد این را بدھید به گروه سه که امشب تنظیم کنند و فردا بیاورند و در کمیسیون مشترک هم بحث بشود. بعد بیاورید در جلسه مطرح کنید و به رأی بگذارید.

بنی صدر – آقای بهشتی یک جمله انجمنهای قانونی دینی اولش بگذارید.

نایب رئیس – اگر بخواهیم عبارت دنباله‌اش درست بیاید ناچاریم این انجمنهای اسلامی را که بک مقدار قبود دارد در اول بیاوریم آنوقت عبارت سراسرت است و بقول آقا

میتوانیم آن را در آخر هم بیاوریم و هیچ اشکالی هم ندارد.

طاهری – شما صنفی و سیاسی را بر دینی مقدم داشته‌اید.

نایب رئیس – عیین ندارد، بنده یکبار دیگر می‌خوانم :

اصل ۳ – احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزاد است مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.

نایب رئیس – موافقین با این ستن دست بلند کنند. (سی و شش نفر دست بلند کردند) این ستن سی و شش رأی موافق دارد. «حاکمیت ملی» اصلالزویی ندارد چون «استقلال و آزادی و وحدت ملی» تکرار می‌شود اصلاً به نظر می‌آید که «حاکمیت» ضرورتی هم ندارد زیرا معنای خاصی را در رابطه با حزب نمی‌رساند اگر «حاکمیت» را برداریم چیزی کم نمی‌شود. (تهرانی – کلمه «شرع مقدس» را اضافه کنید). آقای جوادی توضیح دادند که وقتی میگوییم استقلال



رانقض می کند هرچزی که وابسته به بیگانه است استقلال را نقض کرده است. (یکی از نمایندگان— پس موازین اسلامی اضافه بشود). دوستانی که موافقند قید «وموازین اسلامی را نقض نکنند» اضافه شود، دست بلند کنند (پنجاه و سه نفر دست بلند کردند) بنابراین تصویب شد که «موازین اسلامی» نوشته شود «شرکت افراد رای گروهها آزاد است و هیچکس را نمی توان از شرکت در گروه دینی و سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروهها او را مجبور ساخت.» (انواری — ممکن است شرکت در احزاب باعث گمراهی بعضی اشخاص بشود.) (نکارم شیرازی — «با حفظ شرایط فوق» لازم نیست قید شود؟) خیرا جاز بدھید، این عبارت خیلی طولانی است و ابهام دارد که رأی هم بقدر کافی نیاورد یک عبارتی اینجا داریم که پیشنهادشده است اینطور بتویسیم «و هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» موافقین با این متن دست بلند کنند (اکثر دست بلند کردند) رأی کافی است بنابراین اصل را میخوانم و صحبتی فرمائید که بعد رأی بدھید، میخوانم: **اصل ۳۰ (اصل بیست و ششم)** — احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند شروط باینکه اصول استقلال، آزادی وحدت ملی، موازین اسلام و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. شرکت افراد دراین گروهها آزاد است و هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

لطناً گلدانها را برای رأی ببرید. (أخذ رأی بعمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد) **نایب رئیس** — شمارش آراء بعمل آمد رأی ریخته شده شخص و هشت رأی بود که دو رأی اضافه بود و خارج شد میماند شخص وشش رأی، که از این تعداد پنجاه نفر موافق، هفت نفر مخالف و نه نفر ممتنع بودند بنابراین تصویب شد. تکییر (حضاره مرتبه تکییر گفتند)

۵— طرح اصل ۳۱

نایب رئیس — اصل سی و یک چیزی نیست ساده است. (کرمی — اولش چیزی نیست بعد چیزها از آن درسی آید).

اصل ۳۱— تشکیل اجتماعات و راهپیماییها بدون حمل سلاح و با اعلام قبلی در خیابانها میدانها و مراکز عمومی آزاد است به شرط آنکه محل امنیت ونظم عمومی برخلاف مبانی اسلام نباشد. دولت باید امنیت اجتماع کنندگان و مراکز و مسیرها را تضمین کند و از درگیریهای خشونت بار جلوگیری نماید.

نایب رئیس — کلمه «علیه» را بر حسب دستور قبلی «برخلاف» کردیم دراین مورد سوالی هست؟

بشارت — این با «اعلام قبلی» یعنی خودشان اعلام کنند؟ به علاوه به عقیده من «با اعلام قبلی» را بگذارید قبل از «حمل سلاح».

نایب رئیس — اگر قبل هم بیاید همین است. (یکی از نمایندگان — این جمله شامل مسکن هم بیشود؟) خیر آقا، میدانها است، میدانها و مراکز عمومی یک نفر از گروه سه باید و به این سؤال جواب بدهد، ولی اجازه بدھید من این سؤال را مطرح کنم سؤالی که مطرح است این است که مراکز عمومی اگر بخواهد شامل سالنها و مساجد و جاهائی که مزاحم رفت و آمد



مردم هم نیست، بشود، آن قبود دیگر چرا؟ چرا ضرورت دارد که اعلام قبلی کنند؟ ضرورتی ندارد اگر بخواهد مجلسی منعقد کنند یا در مسجد جمع بشوند، برونده و اعلام قبلی بکنند، بتایران... (یکی از نماینده‌گان — نه اینکه به دولت اطلاع بدند بلکه خودشان یک اعلامیه بدند که فردا ما راهنمایی داریم، همین کافی است). این راجع به راهنمایی است سؤال این است که اگر خواستند پانصد نفر بدون اعلام قبلی در مسجد جمع بشوند عبارت درست بشود. (موسوی تبریزی — این را به رأی بگذارید که آیا پیش‌نویس قبلی را اصلاح بکنیم یا به این رأی بدھیم که وقت هم تلف نشود). متن پیش‌نویس را میخوانم متن پیش‌نویس به نظرمی‌آید اشکال کمتری داشته باشد.

اصل ۲۷ — تشکیل اجتماعات مسالمت‌آمیز آزاد است و مقررات مربوط به اجتماع و راهنمایی در خیابانها و میدانهای عمومی به موجب قانون معین خواهد شد.

یکی از نماینده‌گان — مسالمت‌آمیز یعنی چه؟ این بهانه به دست عده‌ای بیدهد.

نایب رئیس — ملاحظه میفرمائید، یک مطلب داریم راجع به اجتماع و راهنمایی در خیابانهای عمومی این که گفته قانون بعد تعیین میکند، تشکیل اجتماعات آزاد است با قيد مسالمت‌آمیز یا با قيد دیگر این معناش این است که این اجتماعات توی خیابانها و میدانهای عمومی نیست، این اجتماعات در جای دیگر است سؤالی که می‌کنند اینست که آیا قید «مسالمت‌آمیز» لازم است در غیر خیابانها و میدانهای عمومی هم قیدی لازم است یا اینکه خیر احتیاجی به این قید نیست. آقای رحمانی شما چرا پشت تربیون تشریف آوردید؟

رحمانی — شما فرمودید اگر کسی میخواهد جواب بدهد بایاد. الان از بنده سؤال میکنند و میخواهم جواب بدhem مقایسه هم بکنم طرح پیشنهادی خودمان را با مطالعه طرح پیش‌نویس قبلی اجازه بدھید فکر بکنم و جواب بدhem، سؤال بفرمائید.

سبحانی — راهنمایی بدون حمل سلاح، رژه ارتش را هم شامل میشود و از حمل اسلحه آنها جلوگیری می‌کند یا خیر؟

رحمانی — ارتش دو نوع راهنمایی دارد، یک راهنمایی سیاسی است که حمل سلاح لازم ندارد و مثل تمام مردم در یک راهنمایی شرکت میکنند ولی به عنوان رژه و عنایین دیگر که اگر عنوان راهنمایی به این نوع اجتماعات داده بشود آنوقت البته مشمول این لفظ نخواهد بود، راهنمایی ارتش هم باید مثل همه مردم باشد.

نایب رئیس — سؤال آقای سبحانی روشن است و شما هم دو کلمه جواب بدھید، ایشان میگویند ارتشی‌ها بدون اینکه مردم دیگر با آنها باشند حق دارند با سلاح در خیابان راهنمایی کنند؟ (رحمانی — خیر، حق ندارند با سلاح راهنمایی کنند). دولت حق اجازه دادن به آنها را ندارد؟ (رحمانی — دولت هم حق ندارد به عنوان راهنمایی چنین اجازه‌ای را بدھد). بسیار خوب سؤالشان را کردند. (بشارت — گروه این حرف را قبول ندارد). آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — با اعلام قبلی نوشته‌اند یعنی بدون اعلام قبلی ممنوع است.

حجتی کرمانی — مگر این مطرح نیست من نظرم را میگویم بعد جواب بدھید این طرح پیش‌نویس مطرح است شما جواب پیشنهاد گروه سه را میدهید، این که صحیح نیست.

رحمانی — ما با آن کاری نداریم.

نایب رئیس — این را من توضیح میدهم، آقای حجتی مأگفتیم طرح پیش‌نویس را



مطرح کنیم و رأی بگیریم و رأی اکثریت هم همین بود ولی روی قید «مسالمت آمیز» بحث آمد (یکی از نمایندگان — همین دفاع از پیشنهاد سبب شده که هرگروهی باید اینجا و صحبت‌هائی بکند و لآن یکماه و چند روز است که کاری از پیش نبرده‌ایم). صحیح است. (یکی از نمایندگان — پیش نویس قانون اساسی را اصلاح کنید و جلو بروید، هر کس میخواهد پیشنهاد خودش را تحمیل کند). اگر ما روی آن اصل پیش نویس به سوالی رسیدیم چه کسی باید جواب بدهد؟

دکتر شبیانی — من جواب می‌دهم زیرا کسی که وارد است باید جواب بدهد.

نایب رئیس — غیرازگروه باید جواب بدهد. آقای رحمانی انتقاد آقایان وارد است.

دکتر ضیائی — قیود متن اول مربوط به شهربانی و مجلس شورای ملی است، ربطی به قانون اساسی ندارد بنابراین همان متن پیش نویس اول را به رأی بگذارید.

نایب رئیس — بنده هم میخواستم همین را به رأی بگذارم اگر هم نمی‌فرمودید نظر بنده هم همین بود. آقای منتظری یک سوال دارند، آقای رحمانی جواب بدھید.

منتظری — اگر بدون حمل سلاح و با اعلام قبلی... هر دو را حذف کنیم به این شکل: «اجتماعات و راهپیمانی در خیابانها و میدانهای عمومی آزاد است به شرط آنکه محل امنیت و نظم عمومی و برخلاف مبانی اسلام نباشد». هیچ اشکالی هم ندارد.

رحمانی — حمل سلاح برای اجتماع کنندگان و اشخاص که راهپیمانی می‌کنند ذاتاً خطرناک است.

۶ — پایان جلسه

نایب رئیس — متأسفانه چند دقیقه وقت ما برای این کار تمام شده است ما میخواستیم از آن یکربع ساعت به آخر وقت مانده برای بررسی و شاید تصویب این اصل استفاده کنیم. فردا ساعت تغییر میکند تشکیل جلسه گروهها ساعت هشت صبح و اگر آقایان عنایت بفرمایند سر ساعت هشت تشریف داشته باشند و اگر میتوانند ساعت هفت و نیم بیاید چون هشت و نیم امروز همان هفت و نیم فردا میشود، موافقید هفت و نیم باشد؟ (اکثر موافق بودند) بنابراین تا ساعت ده جلسه گروهها است و از ساعت ده تا د و نیم تنفس است و استراحت میکنیم از ساعت د و نیم تا دوازده که وقت نماز است یک ساعت و نیم برای جلسه علنی وقت داریم و بعد از ظهرها که این روزها ساعت چهار تشکیل جلسه علنی میدادیم اگر بخواهیم به همین منوال باشد باید ساعت سه جلسه علنی را تشکیل بدهیم. بنابراین آقایان موافقت می‌فرمایند که فردا ساعت سه بعد از ظهر تا ساعت شش جلسه علنی داشته باشیم؟ (اکثر موافق بودند) بسیار خوب والسلام علینا و علی عباد الله الصالحین.

(جلسه ساعت نوزده و پانزده دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر مسیلد محمد حسینی بهشتی





صورت مسروج مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت ده سی و پنج دقیقه روز اول مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با اول ذیقعلده ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد

فهرست مطالب :

- ۱ - اعلام رسیت جلسه و ادامه بحث و تصویب اصل ۲۵ (اصل نوزدهم)
- ۲ - طرح و تصویب اصل ۱ / ۲۵ (اصل بیستم)
- ۳ - ادامه بحث و تصویب اصل ۲۸ (اصل بیست و پنجم)
- ۴ - قرائت اسامی خاییین و دیرآمدگان جلسه قبل
- ۵ - پایان جلسه





۱- اعلام رسمیت جلسه و ادامه بحث و تصویب اصل ۲۵ (اصل نوزدهم)

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم . جلسه رسمی است و کارمان را به یاری خداوند و هدایت او آغاز می کنیم . ما در مجلس خبرگان ، همه کوشش کردیم از تجربه هائی که در اثنای کار بسته می آوریم ، در اولین فرصت استفاده کنیم و هرچند روز اگر راه تازه ای بنظر رسید ، برای اینکه کارما هم عمیق و هم سریع باشد از آن تجربه استفاده کنیم . تجربه های متعددی داشتیم که سودمند بود ولی ما را از استفاده از تجربه های جدید بی نیاز نکرد . براین اساس در جلسه مشترک گروه ها که دیروز صبح داشتیم دوستانمان این نظر را انتخاب کردند که در آن مجمع عمومی گروه ها هفت نفر را انتخاب کنند و آنها با استفاده از همه مطالعه ها و نظرها و آراء ، سریعتر پیش نویس اصول را آماده کنند و به جلسه مشترک گروه ها برای بحث و بررسی بفرستند . قرار بر این بود جلسه این هفت نفر شبهای باشد و همان شب نتیجه کارشان تکثیر شود و صبح اول وقت جلسه مشترک با شرکت آنها و بقیه دوستان تشکیل شود . ولی دیشب که اولین شبی بود که می خواستیم به این ترتیب عمل کنیم ، معلوم شد که اگر جلسه این هفت نفر صبح اول وقت باشد که برای کار ، آمادگی پیشتر است ، سودمند خواهد بود . دیشب مقداری کار انجام شد . امروز صبح ساعت هفت کارمان را آغاز کردیم و نتیجه کار را به جلسه فرستادیم . امروز داریم این روحیه را در این جلسه تجربه می کنیم و امیدواریم با سرعت بیشتری این اصول را بتصویب برسانیم . به هر حال طبق تعهدی که داریم ، آرزو داریم همگی با تمام وجودمان در صحنه کار حاضر باشیم و بکارمان عمق و سرعت بد هیم . یک یادآوری را لازم می دانم که عرض کنم و آن اینکه خبرنگاران گاهی در اسامی دوستان اشتباہ می کنند که باید تکرار نشود . در جلسه دیروز برادران آفای فاتحی نظر دادند که تشکیل یک حزب از مسلمانها درست نیست ، در روزنامه جمهوری اسلامی امروز این مطلب را بنام آفای طاهری ثبت کردند ، آنهم با توجه به اینکه در این مجلس ماسه تا آفای طاهری داریم بنابراین ممکن بود بحساب هر سه بزرگوار گذاشته شود ، خواهش می کنم در این مورد دقت کافی بشود تا چنین اشتباهاتی بپیش نیاید . پس این مطلب را آفای فاتحی فرمودند و آنچه هم بنده عرض کردم که سخن هر نماینده ای ، رأی و نظر خود است بربوط به همین است . اجازه بدهید که وارد دستوری شویم . اصولی تکثیر شده و خدمت دوستان داده شده است ، ما شش اصل را آماده کردیم برای بررسی و تصویب و دواصل هم بعداً تهیه شد که مجموعاً هشت اصل برای طرح آماده شده است ، بلکه به یاری خداوند امروز این هشت اصل را بررسی و تصویب کنیم . اولین اصلی را که طبق دستور جلسه طبع و توزیع شده است برای استحضار دوستان قرائت می کنم : اصل ۲۵ - در جمهوری اسلامی ایران افراد از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق



مساوی برخوردارند و رنگ و نزد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

نایب رئیس — خوب ، در مورد این اصل نظری هست؟ (شهرزادی) — چرا در این اصل مذهب را ذکر نکرده اید؟ ما جلوتر در مورد مذهب همه حرفها را گفته ایم ، اینجا فقط خواسته ایم نفی کنیم . اگر مذهب را هم بیاوریم آنوقت خیلی چیزها باید در این ردیف قرار بگیرد و نظر داده شود . آنچه خواستیم در این اصل شخص کنیم مسأله نفی دخالت نزد و رنگ و قویت ها در حقوق است . (شهرزادی) — پس پیروان مذاهب مختلف مساوی نیستند؟ این اصل اصلاً ناظر به مذهب نیست . توجه دارید که هر اصلی چیزی را مطرح می کنند . در این اصل امور طبیعی که مایه های جغرافیائی دارد ، مطرح شده است ، مذهب که مایه جغرافیائی ندارد . و اما در میان نقطه نظرهای که رسیده یکی از نقطه نظرها بنظرسان قابل ملاحظه می رسد و آن اینست که آغاز این اصل یعنی «در جمهوری اسلامی ایران افراد» را برداشیم و بنویسیم «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند... الخ» این نظری بود که در جلسه مشترک هم بعد کافی روی آن بحث و اظهار نظر شده است و می توانیم این را به رأی بگذاریم و اگر ضرور می دانیم یک نفر موافق و یک نفر مخالف صحبت کنند . (عده ای از نمایندگان) — خیر ، ضرورت ندارد رأی بگیرید . چنین پیداست که مطلب روشن است و بحث هایی که قبل شده ، موضوع مبهمی باقی نگذاشته است . پس من اول این دو متن را با دست به رأی می گذارم . اول خود متن را به رأی می گذاریم که نوشته شده: «در جمهوری اسلامی ایران افراد از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نزد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». موافقین با این متن دست بلند کنند . (عله کمی دست بلند کردن) پس این متن تأیید نشد .

قوشی — چون این اصل نسخه ایست از آیه «...و جعلنا كم شعوباً و قبائل لتعارفوا...»

پس ما هم بگوئیم در جمهوری اسلامی ایران همه اقوام از حقوق مساوی برخوردارند .

نایب رئیس — قرار بود بحث هایی که در جلسات گروه ها و جلسه مشترک مطرح شده دوباره در اینجا تکرار نشود ، در مورد این مسأله خیلی بحث شد . به هر حال متن دوم را می خوانم :

اصل ۲۵ (اصل نوزدهم) — مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نزد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود .

نایب رئیس — موافقین با این متن دست بلند کنند (اکثر دستشان را بلند کردن) تأیید شد . بنابراین به این اصل بهمین ترتیب که در بالا خوانده شد باورقه اخذ رأی می شود . مدنی — روزهای گذشته که آنقدر روی بعضی از اصول صحبت می شد و معطل می شدیم درست نبود ولی حالا هم که اینطور با سرعت می خواهید رأی بگیرید ، درست نیست . وقتی می نویسید که مردم ایران از هر قوم و قبیله ای ، فردا یک جمعیتی که از لبنان یا سوریه به اینجا می آیند ، آنها هم شامل این اصل می شوند؟ اگر پیشنهاد آقای قرشی را توجه میدارد ، همه اینها را شامل بود ولی وقتی می گویند مردم ایران ، دیگر شامل نمی شود .

نایب رئیس — تابعیت به هر حال حالا ها وجود دارد یعنی نه فقط حالا بلکه اگر تمدن سرزمین ایران هم به یک مجموعه بزرگ اسلامی تبدیل بشود و همه تابع این سرزمین بزرگ باشند ، باز هم ده تا مسلمان در آمریکا داریم که تابع آمریکا و ساکن آنجا هستند .



حقوق تابعیت خود بخود فرق می‌کند اینست که وقتی ما نوشتیم حقوق مساوی، نمی‌توانیم نقش تابعیت را در دنیای امروز نادیده بگیریم. همه آنها برادرما هستند و طبق اصولی که قبل داشتیم در مقابلشان تعهد داریم ولی حقوق مساوی که تأکید فرمودید این صرفاً بارعايت تابعیت میسر است و گرنه یک شعار است. (مدنی – آن عراقی یا لبنانی که کتنک خورد، مالش را بردۀ اند و اذیت‌ها دیده، نمی‌تواند به محاکم مراجعه کند؟ آیا حق دارد که مراجعت کند؟) اتفاقاً در خود قرآن مسئله تعهد حکومت و جامعه اسلامی درباره کسانی‌که به هجرت به دارالاسلام موفق شده‌اند و کسانی‌که این هجرت را نکرده‌اند و تفاوت‌های ناشی از آن، مطرح است، نمی‌شود این مسائل را بطور کلی کنار گذاشت. (تهرانی – آنچه راهم که ما نوشتیم این نقی قومیت است). آقای تهرانی هم تأکید می‌کنند که آنچه ما نوشتیم نقی قومیت است. به هر حال این متن را باورقه به رأی میگذاریم، لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی نزد آفیان ببرید. از آفیان منشی‌ها هم خواهش می‌کنم در اخذ و شمارش آراء کمک و نظرات بفرمایند. (دراین هنگام اخذ رأی بعمل آمد و پس از شمارش آراء توسط منشی‌ها – آفیان دکتر روحانی و عضدی – نتیجه بقرار زیر اعلام گردید).

نایب رئیس – عده حاضر در جلسه شصت و شش نفر، تعداد کل آراء شخصی و شش رأی، موافق پنجماه و هفت نفر، ممتنع هفت نفر، مخالف دو نفر، بنا بر این، این اصل با پنجاه و هفت رأی موافق به تصویب رسید تکییر (نمایندگان سه مرتبه تکییر نگفته‌اند).

۲ – طرح و تصویب اصل ۱/۵ (اصل بیست)

نایب رئیس – اکنون اصل بعدی که در حقیقت مکمل اصل بیست و پنج است و قبل مطرح شده و به تصویب رسیده بود، قرائت می‌شود.

اصل ۱/۵ – همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند.

نایب رئیس – آیا سؤالی راجع به این اصل هست؟ آقای آیت شما سؤالی دارید؟ (دکتر آیت – خیر، من به عنوان مخالف چند کلمه‌ای صحبت دارم.) (رحمانی – من هم مخالفم، اگر نویتم شد صحبت می‌کنم). آقای کرمی بفرمائید.

کرمی – من پیشنهاد می‌کنم که در آخر این اصل عبارت «در حدود موازین اسلامی» اضافه شود یعنی بنویسید: «از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حدود موازین اسلامی برخوردارند».

نایب رئیس – بسیار خوب، این یک نظری است که می‌فرمایند. آقای خامنه‌ای شما سؤالی دارید؟ (خامنه‌ای – من مخالف هستم، اگر نویت من باشد چند کلمه‌ای صحبت می‌کنم). (خامنی گرجی – دیروز دو ساعت درباره این اصل بحث شد و دیگر احتیاجی به تکرار مطالب و بحث مجدد نیست، فقط «طبق موازین اسلامی» را اضافه کنید و رأی بگیرید). (تهرانی – درست است، همه همین عقیده را دارند). پیشنهاد خواهیم‌دان و بعضی از دولتان این است که آنچه منشأ موافق و مخالف شده، مربوط به قید «طبق موازین اسلامی» است، یعنی معتقدند بنویسیم: «همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، طبق موازین اسلامی برخوردارند». اگر به همین صورت



باشد برای کسانی که اسم نوشته‌اند، مسئله‌ای باقی می‌ماند؟ (ربانی شیرازی—کلمه «فرهنگی» در اینجا چه معنی دارد؟) این تأکید روی آن اصلی است که در اصول کلی پیش‌نویس، راجع به تکیه روی ایجاد وسائل تعلیم و تربیت برای زن و مرد بود و چون در آنجا ساصل را به شکل دیگری درآورده‌یم، این تأکید در حقیقت باعث جبران آنچا شده است و به هر حال بودنش مضر نیست.

مکارم شیرازی — «در حدود موازین اسلامی» درست نیست بنویسید «طبق موازین اسلامی» یا «با رعایت موازین اسلامی».

دانش واد — مأگفتیم که همه از حقوق انسانی برخوردارند، قوانینی هم که بر این اساس تنظیم می‌شود باید موازین اسلامی را رعایت کنند. اگر چیز دیگری اضافه کنیم منظور محدود کردن حقوق انسانها می‌شود، آیا منظور این است؟ چون اسلام هم محدود نمی‌کند، پس بطور مطلق بنویسید: «از حقوق انسانی برخوردارند». (تهرانی—مشلا زن قاضی پارئیس جمهور نمی‌شود).

نایب رئیس — قرار این بود که دوستان با نوبت صحبت کنند. خوب، آقای آیت به عنوان مخالف صحبت می‌کنند. بفرمائید.

دکتر آیت — بسم الله الرحمن الرحيم. توجه بفرمائید، ما می‌خواهیم اصلی را بنویسیم که یک چیزی را ایجاد نکند و یا یک حقوقی را ایجاد نکند. مسئله در اینجا تکیه برای آوردن حقوق زن بوده، حقوق زن را هم هیچ کس منکر نیست. اگر ما قوانینی را بطور کلی می‌نویسیم همه مردم، همه افراد، زنان هم جزو افراد هستند. اگر استثناتی باشد، این استثنایات در جای خودش ذکرخواهد شد. در اینجا گفته شده از حمایت قانون همه برخوردارند، دیوانه‌ها هم برخوردارند همه و همه، این چیزی به حقوق زن اضافه نمی‌کند، قسمت اخیرش هم که همه از حقوق انسانی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برخوردارند، اگر منظور مسامی باشد که چنین چیزی نیست، منظورم زن و مرد نیست، فلاں شخص که جنابت می‌کند از سیاری از حقوق محروم می‌شود اگر موازین اسلامی را بگذاریم، این قسمت را مستثنی می‌کند و یا اگر قانون را بگذاریم به هر حال این توضیح و اوضاع است به عقیده من حقوق زن و مرد که در اسلام هم متعادل هست ما دیگر قید نکنیم چون خرب المثلی هست که می‌گویند گفتنی باور کردم، تأکید کردنی شک کردم، قسم خوردی مطمئن شدم که دروغ می‌گوئی، وقتی که ما می‌آوریم اینجا... (کرمی) — آقای آیت جای خودش (من کس نگفتم قرآن نه) (کرمی) — قرآن از صدر اسلام تا حالا بوده و از آن موقع تا حالا مردم مشروب می‌خورند و قمار بازی هم می‌کردند و در مجالس تصویب شدواز آنها مالیاتی گرفتند و برای آنها دام فحشاء می‌ساختند.

نایب رئیس — آقای کرمی قرار ما بر این است که در این جلسه همه با نوبت صحبت کنند چون اگر همه بخواهند مثل جنابعالی صحبت کنند کس نمی‌شود، آقای کرمی دوست ندارند که مستثنی باشند. (دکتر آیت) — این اصل نه چیزی به حقوق زن اضافه و نه چیزی کم می‌کند. آقای رحمانی شما مطلب تازه‌ای دارید بفرمائید.

رحمانی — بسم الله الرحمن الرحيم. اینجا دو جمله و دو عبارت است، معلوم نیست که این دو جمله یک چیز را می‌خواهند یا کند و یا دو چیز را، اگر چنانچه دو چیز باشد آن اولی باید راجع به اجرا باشد و دویی راجع به اصل اثبات حق، آنگاه اشکال پیش می‌آید که بطور



مطلق و بدون تقييد و به صورت گزافه آن هم به صورت موقت که بعداً خدا مى داند چه اشکالاتي بوجود مى آورد ، به جهت اينکه آيا سراد از حقوق انساني در اينجا همه حقوق اسلامي است ؟ خوب همان مسائلی که مورد اختلاف است که آن مسائل مورد اختلاف در اسلام يكى و دو تا نیست به جهت اينکه حدود قصاص و ديات و همچين نکاح و طلاق و اirth و امور ديگر اينها چيز هائی است که بيانشان تفاوت هائي است و اين «از همه حقوق انساني» يعني همه حقوق اسلامي را گذاشته و شرح داده ايد سياسي و اقتصادي و اجتماعي و فرهنگي ، اين مطلب صحيح نیست ، مگر اينکه گفته شود نفتهايم به طور مساوي ، (سکارام شيرازی) - ما نفهميديم اشكال ايشان در چه هست . (انواري) - طبق موازين اسلامي اشكال شما را رفع مى کند ، اشكال در اصل موضوع است ، همانطور يكه فرمودند اصلا احتياجي به اين اصل نیست ، ثانیاً اينکه باید معلوم شود دو مطلب است یا يك مطلب ، اگر دو مطلب است صریحأً بفرمائيد . يکسان در حمايت قانون قرار دارد و اينها يعني چه ؟ مبهم است ، ولی در اجرای قانون گفته مى شود ، بحث اينجاست آيا کسی اصلا تفاهم کرده است در اجرای قانون طبق موازين اسلامي و طبق مقررات اسلامي بين اينها يك تفاوت باشد ؟ نه چين چيزی اصلا وجود ندارد ولی اجرا باشد ، قانونش اين است که اجرا مى کنند . بنابراین به نظر ميرسد در آتجه قبلان نوشته شده بود ، وقت شده بود که اين اشكالات را نداشته باشد . اگر منظور اين است که از نظر اجرا و در برابر قوانين موضوعه متساوي هستند با فراز دوم ، دو چيز هستند ، چون در اين جمله که «همه از حقوق انساني و اقتصادي و سياسي و اجتماعي و فرهنگي برخوردارند» راجع به اصول حقوق است آنگاه متساوي روی حقوق مى آيد ، آنوقت نقطه نظر اينجاست که متساوي حقوق به معنی متساوي در همه حقوق است یا در بعضی حقوق ، اگر متساوي در تمام حقوق است پس اشكال در اموری پيش مى آيد که اصلا متساوي وجود ندارد ، آن قسمت هاي مهم از فقه را امور اجتماعي و سياسي و غيره تشکيل ميدهد و اگر بعضی حقوق است پس آن حقوق را که استثناء دارد چگونه خارج دانسته ايم به چه عبارت ؟ عبارت موهوم و مبهم است و قابل رأي نیست .

نایب رئيس - آقای موسوی جزايری سؤالتان را بفرمائيد .

موسوي جزايری - سؤال بنه اين است که آيا از اين جمله دوم از «همه حقوق انساني الخ» به متساوي استفاده مى شود يانه ؟ اگر به متساوي استفاده نمى شود ، به قول آقای دكتر آيت توضيح واضحات است .

نایب رئيس - خوب از آقایانیکه اينجا اسم نوشته اند يك نفر مى تواند بپاید اينجا و به عنوان موافق صحبت کند و دفاع کند . (نمایندگان - همه موافقند) . همه موافقند ؟ مخالفی نیست ؟ (اظهاري نشد) پس احتياجي به صحبت نیست ؟ (عده اي از نمایندگان - همه موافقند) احتياجي به صحبت نیست رأي بگيريد . آقای ريانی بفرمائيد .

رياني شيرازی - من يك نقصي در اينجا مى بینم ، اين در جلسه گروه معاهم صحبت شد و رأي هم آورد و پيشنهادی هم آنجا نوشتم و دادم ، من دو سواله را اينجا تذکر ميدهم ، يكى مربوط به اين «حقوق انساني» است همانطور که ايشان گفتند اگرما اول بگوئيم حقوق انساني بعد بپايم استثناء بكنيم صحيح نیست ، من عقیده ام اين است که در مورد اين حقوق انساني ، يا لفظ انسانيش را ببرداريم چون بقیه را دارد و يا اگر بجای انساني «اسلامي» بگذاريم ، ديگر به آن قيدي هم که بعد ميگذاريم احتياجي ندارد و «بر اساس موازين اسلامي» هم نمى خواهد .



مسئله دوم اینکه ما در اینجا دوچیزگفتم و یک چیزدیگر احتیاج داریم، یکی از حمایت قانون برخودار است این برای مظلوم است، یعنی مظلوم در برابر قانون، قانون حمایتش می‌کند، و یکی هم از حقوق متساوی که این را هم گفتیم ولی اجرای قانون برای همه یکسان است یعنی برای ظالم و مظلوم، وضعی و شریف و غنی و فقیر این را ذکر نکردیم. در جلسه‌گروه ما، این پیشنهاد هم شد و اکثریت هم رأی دادند که این جمله باشد.

نایب رئیس – مشترکم، اجازه بفرمائید ما قبل از اینکه با هرگونه بحثی کارمان را ادامه بدیم اول من با دست رأی بگیرم و نظرخواهی بکنم روی آن متى که بدون قید ذکر شده است. ما در اصل چهارم که تصویب کردیم این قید «طبق موازین اسلامی» را گذاشتیم که مجبور نشویم در هر اصلی دوباره آنرا تکرار کنیم، ولی حالا می‌بینیم که مرتباً دارند پیشنهاد تکرار می‌دهند. به همین جهت هم درگروه که بررسی شده دیگر نیازی به این جمله دیده نشده است. بنابراین، این متن را بدون هیچگونه اضافه به رأی می‌گذارم. (یک نفر از نمایندگان – یک بار دیگر آن را رأیت بفرمائید.) خوب، می‌خوانم: «همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند». موافقین با این متن دست بلند کنند. (سی و چهار نفر موافق بودند) تأیید نشد. (کریمی) – اگر بعد از کلمه حقوق، «حقوق قانونی انسانی» بنویسید همان معنی را میرساند بدون اینکه جمله طولانی شود. پس عبارت دیگر را می‌خوانم و به رأی می‌گذاریم:

اصل ۱۵/۲ (اصل بیست) – همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

نایب رئیس – موافقین با این متن دست بلند کنند. (عدد زیادی دست بلند کردند) تأیید نمی‌شود. پس نسبت به این متن به همین صورتی که خوانده شد، رأی مخفی با ورقه گرفته می‌شود.

(آقایان عضدی و دکتر روحانی «منشی‌ها» در محل نطق حاضر شدند و پس از اخذ و شمارش آراء نتیجه به قرار زیر اعلام گردید.)

نایب رئیس – عده نمایندگان حاضر در جلسه شصت و هفت نفر، شماره آراء در گلدان ریخته شده شصت و هشت رأی البته یک رأی اضافه بود که خارج شد، بنابراین، این اصل با پنجاه و هشت رأی موافق، چهار رأی مخالف و پنج رأی ممتنع تصویب شد، تکمیر. (حضور سه مرتبه تکمیر گفتند)

۳ – ادامه بحث و تصویب اصل ۲۸ (اصل بیست و پنجم)

نایب رئیس – راجع به اصل ۲۸ عرض کنم، این اصل پس از مذاکرات زیادی که در گروه و جلسه علنی داشتیم باز به گروه ارجاع شد در مورد اصل بیست و نهم و سی ام هم به همین صورت عمل شد و به گروه ارجاع شد.

مشکینی – اصل قبل و بعد از آن که اینجا مطرح و تصویب شد، از نظر بحث و بررسی چه تفاوتی داشت؟ چون در اصل قبلی من اجازه صحبت خواستم و شما اجازه ندادید در صورتیکه در اصل بعدی موافق و مخالف صحبت کردند.

نایب رئیس – در اصل قبلی اکثر دوستان گفتند چون درباره این اصل در جلسات



گذشته صحبت شده است، مذاکرات کافی است و من این موضوع را پیشنهاد ضمنی کفایت مذاکرات تلقی کردم .(مشکینی — به هر حال من موظفم بطبق برنامه مجلس عمل کنم.) تذکر شما را بجا می دانم بنابراین اصل بیست و هشت مطرح است که قرائت می کنم: اصل ۲۸ — بازرسی و نرساندن نامه ها ، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی ، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس و عدم مخابره آنها ، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون .

نایب رئیس — آقای بشارت اگر سوالی دارید بفرمائید .
بشارت — شما در اینجا بازرسی و نرساندن نامه ها و ضبط و غیره را بیان کرده اید ولی اسمی از سانسور نبرده اید در صورتیکه در پیش نویس خود ما این موضوع ذکر شده بود .
نایب رئیس — ما وقتی بسانسور را منع کردیم زمینه سانسور را هم ازین پردایم . (بشارت — نامه ها را بازمی کنند و می بندند و به این صورت سانسور می کنند و این علامت جرم قبل است). وقتی سانسور را دیدیم علامت یک جرم قبلی است یعنی بازرسی است که ما در اینجا بازرسی را منع کرده ایم و این کلمه بازرسی بنظر من کافی است چون سانسور بدون بازرسی میسر نیست .

خانمهای — از بحثهایی که دیروز روی این اصل شده معلوم شد که برای بعضی هاروشن نیست که ما داریم برای چه کسی این متن را تهیه می کنیم و تکلیف و حق برای چه کسی معین می کنیم با توجه به اینکه این اصل صرفاً هم حق و هم تکلیف معین می کند برای اداره خاصی که مسئول این موضوع است و فلسفه اش معلوم است یعنی کارهایی که او می کند از قبیل حمل نامه ها و محمولات پستی ، در این جهت یکی هستند که حذف « محمولات پستی » ضرر می زند ، بنابراین « نامه ها » کافی نیست باید « محمولات » هم باشد .

نایب رئیس — کسی که به عنوان موافق صحبت می کند به این موضوع جواب میدهد ، آقای ضیائی بفرمائید .

دکتر ضیائی — تذکراتی دارم یکی اینکه « محمولات پستی » باید ذکر شود و دیگر اینکه کلمه « افشاری » بعد از « فاش کردن مکالمات تلفنی » زیادی است .

نایب رئیس — چون این قسمت دوم سوال شما ساده است من خودم جواب میدهم قسمت اول را یک نفر موافق می آید جواب میدهد . در آنجا داریم « ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی » اگر این کلمه « افشاری » نیاید و بدون « افشاری » بگوئیم « مخابرات تلگرافی و تلکس » کلمه « ضبط » هم شامل آن می شود و ضبط در آنجا یک امر طبیعی است برای اینکه وقتی مخابره می کنند خود بخود در تلگرافخانه ضبط می شود ، این است که عطفش میسر نبود ، ناچار شدیم تکرار کنیم و برای اینکه تکرار یکسان نباشد آنجا فاش کردن گذاشتیم و اینجا افشاء ، آقای خزععلی فرمایشی دارید بفرمائید .

خزععلی — به نظر من یک « نرساندن » باید اضافه بشود .

طاهری اصفهانی — من به جواب شما که الان فرمودید باز اشکال دارم و روی « محمولات پستی » تکیه دارم .

موسوی تبریزی — باید لفظ سانسور اینجا باشد برای اینکه در مخابرات تلگراف گاهی يجاب به مقصد نرساندن و ضبط و غیره هست و عیب ندارد ولی باید سانسور هم باشد .



کیاوش — سانسور درنامه راتوضیح دادید درست است ولی فرض بفرماید یک نفر در رادیو سخنرانی می‌کند قسمتی از آنرا میزنند این اسمش سانسور است؟

نایب رئیس — موضوع مورد بحث مربوط به پست و تلگراف است مربوط به رادیو که نیست.

خانم گوجی — این کلمه «نامه‌ها» که آمده است مربوط به نامه‌هایی که درجیب افراد هست، میشود؟

دانش راد — سوال من این است که آیا به حکم قانون می‌شود نامه‌های پستی افراد را بازرسی کرد؟

نایب رئیس — درسواردی که قانون معین می‌کند، مثلاً اگر یک نفر برعلیه مملکت با نامه جاسوسی می‌کند، بله از طریق دادستان امکان این کار هست. (فاتحی — درپیش نویس قبلی کلمه «سالمات آمیز» داشت ولی اینجا نیست.) اینجا صل دیگری مطرح است که مربوط به نامه‌های پستی است و به آن اصل بعداً میرسیم. آقای مقدم مراغه‌ای به عنوان مخالف اسم نوشته‌اند بفرماید.

مقدم مراغه‌ای — بنام خدا، آنها نیکه سابقه پارلمانی را میدانند در دوره‌های اول مجلس سرحوم سید یعقوب انوار با هرچیزی مخالفت می‌کرد حالا این موضوع باعث شد که یادی از او بگنیم. (اشراقی — خیلی هم مرحوم نیست...) حالا اینجا میخواهم مطلبی را بگویم که درسورد تعدادی از این اصول صدق می‌کند. این مطلبی را که به عنوان مخالف عرض می‌کنم تنها مربوط به این اصل نیست، در اینجا مسئله حقوق مردم مطرح است، این حقوق باید صریح و روشن باشد. ما اصل می‌گوئیم و خلاف اصل نمی‌گوئیم، ماهراصلی را در اینجا می‌گوئیم یک مستثنیاتی دنبال آن می‌آوریم که خود اصل در این مستثنیات غرق می‌شود و ازین میروند وحال اینکه حقیقت این است که این اصل و اصول دیگر قانون اساسی مثل نبض میریض میماند اگر بخواهند، نبض یک جامعه و نبض ایران را بگیرند می‌بینند که این اصول چطور مطرح شده، فرض بفرماید راجع به مراسلات پستی این مراسلات پستی یک شرایط بین‌المللی دارد امروز پست و مقررات پستی یک چیزی است که با خارج ارتباط دارد تنها به ایران مربوط نیست. خود آقایان خواندید پست بین‌المللی هفته پیش آفریقای جنوبی را اخراج کرد، چون ما باید در این موارد با صراحت و روشنی نظم بین‌المللی را که خودمان هم قبول کرده‌ایم والآن هم خودمان را جزو سازمان ملل میدانیم رعایت کنیم. عرض کردم با این اصول به‌این ترتیب که مستثنیات زیادتر از خود اصل بشود، بنده مخالفم و این رای‌کجا عرض کردم. اما درسورد این اصل بازرسی و نرساندن نامه‌ها، اجازه بفرماید بنده پیشنهادی را که دیروز تقدیم کردم و قرائت نشد و سه بار اجازه خواستم ولی توفیق پیدانکردم که مطالبم را عرض نکنم، بخوانم. (نایب رئیس — این مطلب را باید روشن کنم که نویت به شما نرسید، چون دیرنویت گرفته بودید شما هر وقت خواستید مخالف صحبت کنید اول نویت بگیرید.) نقص اساسی که در این جا است، نامه‌های پستی و مکالمه‌های تلفنی، مصون از بازرسی و ضبط است، حقیقتش این است که ما میخواهیم این‌طور باشد که مثلاً وقتی من رفتم به عنوان فرد و نامه‌ای به پست دادم، می‌خواهیم مطمئن باشم که پست نامه را به طرف میرساند و در اینجا کسی نیست که آنرا بازرسی بکند. این باید صریح و روشن باشد، نامه‌های دیگر مطرح نیست نامه‌ای که توی چیز فلاں شخص است و در فلاں محل است دیگر مطرح نیست، اینجا راجع به پست است عبارت «افشا مخابرات تلگرافی وتلکس



یا عدم مخابره آنها و تجسس از طریق مکالمات تلفنی منوع است» این خیلی باید روشن باشد یا «فاش کردن مکالمات تلفنی، افشاء مخابرات تلگرافی و تلکس و عدم مخابره آنها و استراق سمع و هرگونه تجسس منوع است سگر به حکم قانون» ما یک استثناء آوردهیم و همه را ازین بردیم، آقا ما اصل می‌گوئیم و قانون نمی‌تواند این اصول را فسخ بکند قانون نمی‌تواند این مقررات پستی راجوري تنظیم بکند که نامه‌های پستی، بازرسی بشود ماباید در اینجا اضافه بکنیم که متخلفین مجازات خواهد شد و مجازاتش را هم قانون معین خواهد کرد، به جای اینکه بگوئیم سگر به حکم قانون، این اصول، اصولی است که از نظر بین‌المللی در شناساندن هویتمن وهیوت اقلابمان داشتم است. بنابراین به عقیده بنده سعی کنیم اصول صریح و روشن و کوتاه و منجز و برای عموم قابل درک باشد.

نایب رئیس — نزبعتی به عنوان موافق آفای سکارم اسم نوشته اند بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. بنده که اسم نوشتم برای این بود که اگر مخالفی هست به عنوان موافق صحبت کنم و اگر مخالفی نبود صحبت نکنم. از مجموع سخنان بعضی از مخالفین و بعضی از آقایانیکه سؤال کردند چند اشکال مطرح شد که بنده جواب میدهم. اول باید در هر قانون بینیم هدف و روح قانون چه بوده، منظور از تنظیم این ماده و قانون چه بوده، آیا منظور این بوده که در امانت مردم خیانت نکنند، یا نه منظور این بوده که افشار اسرار مردم نشود؟ اینجا روح قانون، عدم افشار اسرار است و براساس آن، این ماده باید تنظیم بشود و هرچه اضافه هست زده بشود و هرچه هم کم است برآن افزوده شود و روی این حساب به یکی از سوالاتی که مطرح شده که چرا «نامه‌ها» مطلق نوشته شده، جواب میدهم. مطلق نوشته شدن «نامه‌ها» زیانی نمی‌رساند اما سودی دارد به علت اینکه بسیاری از نامه‌ها در ادارات توسط مأموران نقل و انتقال می‌شود یا مردم به مأمورین میدهند و با پست نیست، بنابراین نامه‌هایی که بدون وسیله پست و بوسیله مأمورین و بوسیله اشخاص به دست افراد داده می‌شود، چرا در آن تجسس بشود؟ بنده نامه نوشته‌ام به رئیس اداره و داده‌ام دست پیشخدمت، بازی کند بینند، آیا این نباید منوع باشد، این جزء اسرار مردم نیست؟ به هر صورت عمومیت این زیانی نمی‌رساند و فایده‌ای هم دارد. نکته دیگر در زمینه محمولات است، در اینجا با توجه به روح قانون که اشاره به اسرار است، سواله محمولات جزء اماثلات است انسان در امانت هیچکس نمی‌تواند خیانت بکند و بدون اجازه اونبایدستکاری بکند، بخصوص اینکه محمولات پستی اصل اولیه بین‌المللیش این است که باز می‌کنند و باز نکردن است بر عکس نامه‌ها که اصل اول بازنگردن است و باز کردن جنبه استثناء دارد. بنابراین آقایان صلاح دیدند که محموله از هدف ماده این قانون خارج شود. حالا باز هم اگر آقایان صلاح بدانند هر کدام از این مواد قابل اصلاح است و من فقط توضیحات را می‌خواهم عرض بکنم، و اما چرا کلمه افشاء تکرار شده است در آنجائیکه مخابرات تلگرافی عنوان شده است، علتش همان است که فرمودند، ضبط و فاش کردن این هردو در مورد مکالمات تلفنی صدق می‌کند چون مکالمات تلفنی را هم می‌شود فاش کنند و هم می‌شود روی نوار ضبط کنند، هردو باید منوع باشد، اما در مورد مخابرات تلگرافی ضبط کردن آن روی نوار معنی ندارد خوب آنها ضبط می‌کنند و با نوارهم گاهی می‌فرستند و از این طریق ارسال می‌کنند، پس ضبط کردن فقط افشا کردن است والا آنچا ضبط و با یگانی هست و بنابراین کلمه



ضبط مفهوم تازهای را در آنجا نمی‌تواند برساند بلکه سضر هم هست.

اشراقی — اینکه فرمودید روح قانون این است که اسرار مردم فاش نشود ولی روح قانون اینجا توجیه سؤال به اداره پست و تلگراف و اینجور چیزهاست نه اینکه جعل قانون برای عموم است آن قرینه‌اش این است که نامه‌های پستی و مخابرات و تلکس و اینجور چیزها، پس در قوانین دیگر این ماده را آنجور تنظیم کرده‌اند. راجع به مطالب دیگر که مردم دیگران را تفتیش نکند آن ماده دیگری است، روی سخن همان اداره پست و تلگراف است پس نامه‌هایی که از آنجا می‌رسد و محمولات پستی اینها را باید در نظر گرفته باشید نه اینکه محمولات را موقع بردن و آوردن تفتیش می‌کنند، بعد از آنکه از محل آمده خودشان باز می‌کردند و می‌خوانند و نمی‌دادند، روح قانون را اینجا اینطور توجیه بفرمائید نه اینکه روح قانون عدوی است.

مکارم شیرازی — من توضیح اضافه‌ای برای سؤال شما ندارم جز اینکه تکرار کنم این مطلب را که این عمومیت، فایده‌ای دارد و ضرری ندارد و اما مطلب دیگر که می‌خواهم عصارة مطلب را عرض بکنم، آقایان فرمودند در مخابرات تلگرافی «برساندن» راهنم بنویسید، اتفاقاً در جلسه بعضی‌ها هم معتقد بودند «برساندن» نوشته شود، بهتر است ولی بعضی از آقایان فکر می‌کردند عدم مخابره برای این مسئله کافی است در عین حال اگر بخواهید به منظور تأکید اضافه بکنید به نظر من هیچ اشکالی ندارد.

خانم گرجی — ما دیروز به این اصل رأی موافق دادیم و باید بگذریم ولی می‌خواهیم ببینم این اصل دیروزی را که شما دو ساعت معطل کردید کجا بیش اشکال داشت که من گفتم «نامه‌ها» چرا مطلق است چون می‌خواستم اشکال خود جنابالی را اینجا بگویم چون وقتی ما نوشتم «نامه‌ها» اعتراضات شروع شد که شامل آن نامه‌هایی هم که در حیث آقایان هست می‌شود و گفتید چرا مطلق آورید. (مکارم شیرازی) — بنده اشکالی نکردم شاید بعضی از آقایان اشکال کردند. شما متن دیروز را که تماسن را اشکال می‌کردید با این متن حاضر مقایسه کنید ببینید کجا بیش اشکال داشت.

مکارم شیرازی — بنده خواهش می‌کنم متأخذه برگذشته فرمائید این متن که خوب است، همین را بحث کنیم.

سبحانی — یک کتابی می‌خواهند از خارج و از آمریکا بفرستند آیا طبق این قانون پستخانه می‌تواند تفتیش کند یانه؟

مکارم شیرازی — چه مانعی دارد تفتیش کند این که اسرار مردم نیست.

نایب رئیس — آقای سبحانی سؤالات وقتی یکبارگفته می‌شود دیگر تکرار نشود این سؤال هم دیروز گفته شد وهم امروز.

کریمی — با این بیانی که حضر تعالی فرمودید در روح این قانون کلمه «ضبط» زیادی است، برای اینکه اگر مکالمات تلفنی کسی را ضبط کنند و تا ابد ابراز نکنند برای کسی چه محظوظی دارد؟

مکارم شیرازی — ممکن است دست کسی بیفتند. در عین حال ضبطش جرم است و جواب این است که ضبط کردن خودش معرض افشاء است. بنده وقتی بردام سخنان کسی را ضبط بکنم و درخانه بگذارم هر آن امکان دارد از دست من دربرود و اسرار مردم دست این و آن بیفتند،



بنابراین چه مانعی دارد که قانون چیزی را برای محکم کردن منوع کند که مبادا روزی به دست مردم بیفتند؟ شما خودتان نامه هائی را که اسرا مردم است بعد از خواندن پاره پاره می کنید چرا پاره می کنید و دور می ریزید و ضبطش نمی کنید؟ برای اینکه مبادا روزی به دست کسی بیفتند همان فلسفه ایجاب می کند که ما ضبط نکنیم و اما دو مطلب دیگر جواب آفای مراغه ای را عرض بکنم، من تعجب می کنم که چرا ایشان گفتند استثناء برای چیست، اگر آخر این استثناء رانگذاریم ممکن است بواسطه عمومیت این حکم خطرات زیادی متوجه مملکت بشود هم اسلام، هم قانون عقل و هم قوانین همه دنیا اجازه میدهد که اگر واقعاً افرادی در عرض مظنونه و جاسوسی قرار گرفتند و احتمال دادیم و ثابت شد چون گروه جاسوسی وجود دارد این کار در مورد شناس اجرا بشود.

د. کترآیت - من سؤالی دارم «مگر به حکم قانون» یکی از دردرس‌های سابق قانون اساسی ما بود، استثنای اشکال ندارد ولی استثنایات را باید ذکر کنیم مگر در زمان جنگ و به خاطر کشف جرم تا مثل آن قوانین سابق نشود که می گفتند مطبوعات آزاد است و بعد قانون وضع می کردند و اینقدر مشکلات ایجاد می کردند که اصلاً نمی شد روزنامه منتشر کرد، مثلاً ناشر باید سی ساله باشد، لیسانسیه باشد، کارمند دولت باشد، تمام اینها را ذکر می کردند، شما باید در این قانون به مواردی که می شود رویش قانون وضع کرد و نیز ترتیب آنها اشاره کنید.

مکارم شیرازی - هم جواب آفای مراغه ای و هم جواب آفای آیت این است که اگر بخواهیم استثناء نگذاریم، این که ممکن نیست حتی باشد استثناء بگذاریم و در تمام قوانین دنیا هم هست و در اسلام هم طبق قانون اهم و مهم هست، حتی غیبت با آن همه تأکیدی که روی حریتش شده استثناء دارد بواسطه اهم و مهم، و اما اینکه چرا قانون را مطلق بنویسیم علش این است که اگر شما الان در اینجا استثنای را بنویسید، خواهید دید که یک عبارت پنج، شش خطی می شود و اگر نخواهید همه را ذکر کنید و فقط بنویسید در موارد جنگ و ضرورت، جنگ هم معنی کشداری است و ضرورت هم معنی کشداری است و باز اگر از این طریق هم بخواهند سوء استفاده بگذند خیلی آسان است، بنابراین ما چاره ای نداریم. (موسوی تبریزی) - اینطور بنویسید «مگر در مواردی که مظنونه توطئه علیه مصالح کشور باشد». سؤال می کنم اگر جائی هست که توطئه برای قتل کسی می خواهد بگذند نه برای مصالح کشور، این مورد را بنویسیم یا ننویسیم؟ بله آنرا هم باید بنویسیم و خیلی چیزهای دیگر را هم باید بنویسیم. (نایب رئیس) - آفایان اجازه بفرمائید آفای مکارم مطالبشان را تمام کنند. و اما آخرین جمله را عرض کنم آفای مراغه ای گفتند که نظامی در دنیا هست که ما نمی توانیم از آن نظام در مسائل پستی و تلگرافی بر کنار بمانیم، جواب ما این است در این ماده قانون هیچ کجا بایش چیزی که برخلاف نظام جهانی در مسئله مکالمات تلفنی و مراسلات پستی باشد، نیست یک کلی را گفتیم که دنیا هم قبول دارد و یک استثناء گذاشتیم که آن استثناء را هم دنیا قبول دارد.

نایب رئیس - آفای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری اصفهانی - بسم الله الرحمن الرحيم. من یک سؤال راجع به محمولات پستی دارم و آن این است که محمولات پستی در دو رابطه مطرح است، یکی رابطه مالکیت و یکی هم رابطه اسرار، ما اینجا رابطه مالکیتیش را ننوشتم، رابطه سربودنش را ننوشتم. همچنان که نامه



مسکن است سر من باشد محموله من هم گاهی ممکن است سر من باشد . سؤال من از این گروه این است که چرا این محمولة پستی را برداشته اند ؟ مسأله دیگر اینکه فاش کردن و افشاء ، تکرار شده وجوابی هم که شما فرمودید ، جواب نیست برای اینکه آنچه ما نوشتم همین مطلب هست و تکرار هم نشده «مکالمات تلفنی ، مخابرات تلگرافی و تلکس» ، مذاکرات خصوصی از بازرسی و ضبط ، سانسور... » که عده ای از آقایان عنایتی روی سانسور داشتند «... مصون است افشاء مخابره ، عدم مخابره و ایصال آن ، استراق سمع و هرگونه تعجیس ممنوع است» و اما در مورد «به حکم قانون» همین طور که آقای آیت فرمودند ما اگرفتار بودیم به نامه های زیادی با این مضمون که آقا شما مرتب می نویسید «مگر به حکم قانون» ، «مگر به حکم قانون» این همین بود که در سابق هم عمل می شد و بعد می گفتند که استثناء در مگر به حکم قانون و بعد هم یک قانون می گذشتند کنارش حالا ما اینجا نوشتم «مگر در مواردی که مظنه توطه علیه مصالح کشور باشد» که گفتن «قتل» بله قتل هم یک توطه است و خیانت علیه مصالح کشور است ، به چه مجوزی شما این اصل جالب را اینجوری کردید ؟

نایب رئیس — مجوز که کاسلا معلوم بود ، مجوز انتخاب جلسه عمومی نمایندگان بود که قرار شد چند نفر برای اینکه از این به بعد اصول را پیراسته تربیه اینجا بیاورند انتخاب شوند ، پس شما این را مجوز نمی گوئید ، یک وقتي می گوئید به چه مجوز یک وقتي می گوئید این پیراسته تر نیست ؟ آن بحث دیگری است ، خوب نفر آخر آقای بنی صدر هستند که می آیند توضیحاتی می دهند و بعد رأی می گیریم ، آقای بنی صدر بفرمائید . (دانش راد — بنده تذکری دارم .) شما تذکرتان را بفرمائید که آقای بنی صدر جواب تذکر شما را هم بد هند .

دانش راد — جناب آقای مکارم یادآوری کردند که در هیچکدام از این قوانین کشورها این مسأله مطرح نیست که آزاد ، آزاد باشد ، اینجا یک قانونی از اتحاد جماهیر شوروی هست که نوشه ، زندگی خصوصی شهروندان ، محترمانه بودن مکاتبات «مکالمات تلفنی» و مخابرات تلگرافی مورد حمایت قانون است .

نایب رئیس — بفرمائید عمل چقدر می کنند ، این قانونی است که فقط می نویسنده آقای بنی صدر بفرمائید .

بنی صدر — عرض کنم بخصوص درآنجا که به اصطلاح خیلی حمایت از قانون می شود ، همان «مورد حمایت قانون است» جواب سؤال شماست . دو تا مطلب اینجا هست یکی «محمولات پستی» و یکی هم «مگر به حکم قانون» است که ما اگر این دو را روشن کنیم مطلب حل شده است . (موسوی تبریزی — یکی هم مسأله سانسور و افشاء است .) بله سویی هم سانسور و افشاء است . اما اینکه چرا در دنیا در مورد نامه های پستی بنابر عدم بازرسی و در مورد محمولات پستی بنابر بازرسی است ، اینست که برای محمولات پستی در دنیا قرار و مداری هست ، نامه ها حتی اندازه هایش هم مشخص است که اگریک چیزی از آن اندازه پیشترشد و بپرسید ، می گوید این دیگر نامه نیست و این را به عنوان محموله پستی می توانیم بفرستیم و محموله پستی را قید می کنند که باید باز باشد . ما خودمان هفده سال که در فرنگ بودیم هر روز این داستان را داشتیم برای اینکه ما روزنامه چاپ می کردیم ، کتاب چاپ می کردیم و به دنیا پخش می کردیم پس بنابراین در مورد محمولات بنابر بازرسی است برای اینکه محموله غیر از پایه است ، همه چیز می توانند داخلش بگذارند ، هروئین و مواد محترقه و پول و همه چیز را می شود داخلش گذشت . پس آنچا



بنابرایان رسی است و باید محموله باز باشد وقتی باز شد مأمور پست وظیفه دارد که آنرا بینند که مثلاً اگر شما گفته اید این محموله کتاب است حتماً کتاب باشد. البته حق ندارد بینند محتوای کتاب چیست، اما حق دارد بینند که این چیزی که شما می فرستید کتاب است، یا به عنوان کتاب یک چهارچوبی مثل کتاب درست کرده اید اما داخلش هروئین است پس باید بازرسی کنند. (خامنه‌ای — چند دفعه می توانند باز کنند؟) یک دفعه. (خامنه‌ای — پس اگر این موضوع را روشن نکنید، مأمور چند دفعه می تواند باز کند هم در مبدأ و هم در مقصد). بنابراین، این اصل که در محمولات پستی بنابرایان رسی است مورد قبول شما است حالا اینکه چگونه بازرسی شود که چهارصد نفر آنرا بازنگنند، آن موضوع قانون است و اینجا جایش نیست، این در مورد محمولات. حالا می آید سراین جمله «مگر به حکم قانون» در فرانسه خود بندۀ را چون خارجی بودم به دفعات بهاداره‌پست احضار کردند که آقا این نامه‌ای را که دارید می فرستید، بیشتر از معمول است و موجب سوءظن ما شده است تشریف بیاورید به پست تا در حضور شما نامه را باز کنیم بینیم داخلش چیست. من رقم آنجا گفتم مگر شما قانونی ندارید که کسی حق ندارد نامه‌ها را بازرسی کند؟ گفت: این نامه شما سنگین است و احتمال اینکه شما بوسیله این نامه پول بفرستید هست، باز کنید بینیم. من باز کردم دیدند نه، پول نبود مقالاتی بود که من می فرستادم در رجای دیگر تاچاپ بشود، اینکه سنگین بود به خاطر این بود، پس «مگر به حکم قانون» یک مورد و دو مورد نیست و آنها چیزی نیست که شما بتوانید استثنائاً، را در قانون بیاورید برای اینکه استثنای زمان به زمان فرق میکند، مثلاً یکسال بعد یک مسئله تازه‌ای پیش می آید و می بینید ای داد ویداد اینجا یک کلامی سرتان رفته و چون استثناء را تید نکرده اید دیگر نمی توانید بیاورید. حالا در سابق سوءاستفاده می کردند، لاحق برای این است که سوءاستفاده نکنند، اگر بنابراین است که آنجا سوءاستفاده کنند همه اینها که می نویسید بیخود است این هم راجع به این موضوع. اما در مورد سانسور تلگراف که ممکن است قسمتی را سانسور بکنند یا نکنند و نامه‌ای را یک قسمتش را برساند و یک قسمش را خط بزند، این مسئله در نامه مشخص است اگر خط بزنند معلوم است که سانسور شده است اما تلگراف، به ممکن است مخابره بکنند منهای یک جمله اش، بنابراین به نظرمن میرسد که این کلمه «سانسور» را اگر بگذاریم نه اینکه ضرر نمی کنیم، نفع هم برده ایم و فکر میکنم اگر اینطور بنویسیم بهتر است که «عدم مخابره جزء یا کل آنها» و در مورد سانسور هم که عرض کردم اگر «سانسور» قید شود بهتر است.

نایب رئیس — بندۀ متن این اصل را با دو اصلاحی که در اینجا به نظر میرسد ضرورت دارد می خوانم :

اصل ۲۸ (اصل بیست و پنجم) — بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است سگر به حکم قانون.

نایب رئیس — نسبت به این اصل رأی مخفی باورقه گرفته میشود.

(آفایان عضدی و دکتر روحانی «مشیه‌ها» در محل نطق حاضر شدند و پس از اخذ و شمارش آراء نتیجه بهار زیر اعلام شد).

نایب رئیس — عده نایندگان حاضر در جلسه شصت و شش نفر، شماره آراء شصت و هفت رأی، البته یک رأی اضافه بود که خارج شد، بنابراین، این اصل با شصت و دو رأی



موافق، یک رأی مخالف و سه رأی ممتنع تصویب شد، تکبیر. (نمایندگان سه مرتبه تکبیر گفتند)

۴ - قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه قبل

نایب رئیس - اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه قبل برای اطلاع آفایان قرائت میشود.
 غایبین آفایان : سحابی و فوزی . نمایندگانی که تأخیر ورود داشتند آفایان : انواری
 بیست و یک دقیقه ، با هنر بیست و یک دقیقه ، بنی صدر چهل و پنج دقیقه ، دکتر اوشانا
 سی و پنج دقیقه ، حائری بیست و سه دقیقه ، حسینی هاشمی بیست و هفت دقیقه ، حیدری سی و شش
 دقیقه ، خادمی دو ساعت و ده دقیقه ، خلالاتیان شانزده دقیقه ، رحمانی بیست و دو دقیقه ، مولوی
 بیست و سه دقیقه ، فارسی بیست و چهار دقیقه ، مراغه‌ای شصت و یک دقیقه ، نوریخش بیست و
 پنج دقیقه و آقای هاشمی نژاد در ساعت چهار و پنجاه و چهار دقیقه از جلسه خارج شده‌اند .

۵ - پایان جلسه

نایب رئیس - پایان جلسه را اعلام می‌کنم، جلسه بعد ساعت سه بعد از ظهر امروز می‌باشد.
 (جلسه ساعت دوازده و پنج دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی - دکتر سید محمدحسینی بهشتی



جلسه بیست و هشتم

صورت مژروح مذاکرات
مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت شانزده روز اول مهر ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با اول ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آقای دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نایب رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه - نطق قبل از دستور آقای دکتر گلزاره غفوری .
- ۲ - طرح اصل ۳۱
- ۳ - ادامه بحث پیرامون اصل ۲۹
- ۴ - طرح و تصویب اصل ۳۲ (اصل بیست و هشتم)
- ۵ - پایان جلسه





۱ - اعلام رسمیت جلسه - نطق قبل از دستور آقای دکتر گلزاره غفوری

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. رسمیت جلسه را اعلام میکنم. آقای دکتر گلزاره غفوری برای نطق قبل از دستور تشریف بیاورید.

دکتر گلزاره غفوری - بسم الله الرحمن الرحيم. بعداز سلام و شکر از دوستانی که به من محبت دارند، در این مسافرت اخیر که پیش آمد و همه در جریانش هستیم و امیدواریم همه این کارها به حول و قوه الهی در اطراف تشخیص صحیح تکلیف و انجام تکلیف، انسانی و اسلامی بود باشد، این فرصت پیش آمد که بطور مختصر چند کلمه‌ای عرض کنم و یک‌تند کر و تنبه پیشتری برای ما باشد که اینجا نشسته‌ایم و شاید همگی، همه انسانها آن احاطه و قدرت روحی وسیع را نداشته باشند که بتوانند موقعیت خودشان را درک بکنند و اثراورا و کارها و عملهای را که دارند، ارزیابی کنند. بنابراین ضمن اینکه یک گزارشی است از این سفر چند روزه، یک تکلیفی هم برای تنبه است دربرورد عکس العمل جریانات ایران در خارج و مخصوصاً عکس العمل جریانات این مجلس، ایست که بطور خلاصه سه‌نکته را یادآوری میکنم، قبل از همه باید از ارواح بزرگ و انسانهای انسان‌ساز که «احب الناس الى الله انفعهم للناس» الہام بگیریم، سعی بکنیم هر دقيقه‌مان در بیهود حال مردم مؤثر باشد به هر ثانیه‌ای که از ما میگذرد و کلمه‌ای که اینجا میگوئیم توجه داشته باشیم و باز همان طور که توجه دارید و نیازی به یادآوری مجدد نیست که علی‌علیه السلام در بیان اینکه چطور خودشان را در سعرض اجتماع قراردادند که مصدر امور قرار بگیرند، دوچیز را تذکر میفرمایند که این دوچیز باید نصب العین برای انسانهای بیدار باشد و هست و آن مسئله کنله ظالم سعب مظلوم (سیری و شکمبارگی استمگرو بینوائی و محرومیت مظلوم) است، یادمان باشد هر کلمه‌ای که اینجا میگوئیم و هر اصلی که میگذرد در این جهت مؤثر باشد، در بیهود وضع زندگی مردم و علاقمندتر ساختنشان به معنویت مؤثر باشد و همچنین هر اصلی که میگذرد در واقع یک نوع معزی از اسلام باشد و بدون اینکه ما مرتب اسم اسلام را ببریم، نشان بدیم که اگر اسلام در کار باشد زندگی چه صورتی بپیدا خواهد کرد. راجح به گزارش کار عرض کنم که یک برنامه دو هفتگه‌ای تنظیم شده بود متنها چون نمایندگان ایران که دونفر بودند، پیش از یک هفته فرصت پیدا نکردند و این یکی دوروز جلو و عقب شدنش هم به خاطر مشکلات و وسائل رفت و آمد بود. هدف از تشكیل جلسه و مناسبیش مسئله آغاز پانزدهمین قرن هجرت نبوی بود و به این مناسبیت باز شدن دروازه آنچه که البته از چند سال قبل بطور خیلی خفیف یک‌گوشه‌ای از دروازه برای دید و بازدیدهای باز شده بود ولی این دفعه یک کمی بازتر بود و امید میرفت که در آینده به خاطر جو اجتماعی که در تمام سطوح محیطهای انسانی پیدا شده است عالم اسلام یک وضع خاصی پیدا کند و اینکه من گفتم به خاطر اینست که ممکن است، کمتر توجه داشته باشیم و از این موقعیتی که پیش آمده و



واقعاً اتمام حجت است به مصداق «لینظر کیف تعلمون» برای اینکه این مسئله درسطح دنیا یک وضع خاصی دارد، وقتی انسان میرود و از نزدیک میبیند آنوقت متوجه میشود. (خزعلی) — محل سماfortتان را بیان کنید که به کجا تشریف برده‌ید (بسیار خوب، عرض این بود که اسلام تبیین بشود بنابراین مناسبت این کفرانس آغاز پانزدهمین قرن هجری بود و موضوع بحث هم درباره فراورده‌ای اسلامی برای بشر بود و محلش همانطور که قبل از سماfort گفته شد جمهوری تاجیکستان بود که یک جمهوری است که زبانش به زبان فارسی خیلی نزدیک است. در مرکز تاجیکستان یک شهری هست بنام «دوشنبه» و نامگذاری این شهر به دوشنبه حکایت از این میکند که اکثریت مردم آنجا حتی به زبان فارسی صحبت میکنند. ما بیتوانستیم در آن کفرانس به چند زبان صحبت بکنیم ولی آنها خواهش کردند که به زبان فارسی سخنرانی کنیم برای اینکه یک تجدید خاطره‌ای بشود و مسائل را با زبان اصیل‌تر از ما بشوند. حتی از چهار سخنرانی که در آنجا انجام شد دو تا از آنها به زبان فارسی صورت گرفت. این کفرانس در شهر دوشنبه یکی از شهرهای جمهوری تاجیکستان که یکی از جمهوریهای مسلمان‌نشین روسیه است تشکیل شد و بعد هم برنامه‌ای بود برای سماfort به جمهوریهای دیگر که چند جایش انجام شد ویقیه‌اش یعنی سماfort مابه سیری و ققاز و آذربایجان شوروی و لینینگراد به خاطر کمی وقت ما صورت نگرفت. حالا بنده یک گزارش مختصری از سماfort به جمهوریهای تاجیکستان و ازبکستان و شهرهای مختلف سمرقند و بخارا و تاشکند دارم که عرض میکنم. در هر کدام از این شهرها تماسهایی برقرار شد و سخنرانیهای هم صورت گرفت. این نشست یک برنامه رسمی و یک برنامه‌ای غیر رسمی اش این بود که تقریباً سی و چند نفر نماینده از کشورهای مختلف اسلامی شرکت کرده بودند و از جمهوریهای مختلف روسیه هم بربطی تقسیمات دینی که کرده‌اند، از چهار اداره بزرگ دینی آنچه هم آمده بودند که در فرست دیگری در مجال بیشتر، باید تفصیل بهتری داد چون این آنگاهی بسیار لازم است و واقعاً زبان حال آنها این بود که مردم دنیا از حال مسلمین آنجا با خبر بشوند. در آنجا در حدود پنجاه میلیون مسلمان وجود دارد و ارتباط این پنجاه میلیون نفر با دنیای خارج و ارتباط دنیای خارج با اینها به طوریکه من سؤال کردم خیلی کم است و البته کمتر هم به اینگونه سوالها جواب داده میشند ولی ما سعی کردیم این اطلاعات را به دست بیاوریم. میگفتند سال گذشته فقط بیست و پنج نفر آنهم از غیرکشور روسیه، از طریق کشورهای دیگر توانسته بودند به سفر حج بروند و با دنیای اسلام تماش بگیرند. اینها را من فقط برای یک نکته میگوییم و آن اینکه انتظار مردم دنیا و مسلمانان دنیا به خصوص در آنجا، شاید اگر مجال شد بگوییم که در آن برنامه‌های غیر رسمی و تماسهای غیر مستقیم که با مردم گرفته میشد و آن تماسهای که داشتند چه بود، این اثرکار ما و مخصوصاً اثرکار ایران چون جنبه عملی داشت و مخصوصاً مسئله تدوین قانون اساسی که کم و بیش در جریانش بودند و یک مقدار هم از طرف ما در جریان گذاشته شدند میخواستند اهمیت این موضوع بیشتر برای آنها محرز بشود و اثرش در دنیا معلوم بشود. در این نشست و برنامه رسمی سی و دو مقاله عرضه شد که از هر کدام یک نمونه اینجا هست و در دسترس دوستان قرار میگیرد که اگر وقت و فرست داشته باشند مطالعه بفرمایند و البته هر مقاله‌ای که خوانده میشند به پنج زبان هم ترجمه میشند و بیشتر از ترجمه‌های فارسی و عربی اش که اینجا بیشتر سوره حاجت بود من همراه خودم آوردم و اگر دوستان مایل باشند خدمتشان میدهم که



طرز تفکر در عالم اسلام را متوجه بشویم و اهمیت این مسأله این است که همه با اشتیاق کامل میل داشتند آنجائی که عمل شده است، آنجائی که اسلام کارساز بوده، آنجائی که اثراجتماعی گذاشته است از آنها مطلع بشوند و در انتظار آثار زنده بعدی آن هم هستند و این آن مسئولیتی است که ما الان داریم، در این سی و دو مقاله ایکه عرضه شد البته فرصت سخنرانی برای همه نبود حدود ده، یازده ساعت برای سخنرانی فرصت بود کسانی هم که فرصت پیدا نکردند فقط مقاله خودشان را آنجا عرضه کردند با وجود این به خاطر آن جو اجتماعی که وجود داشت و علاقه ایکه توده مردم ابراز میکردند شاید بیشتر از یک نهم این وقت یعنی یکساعت و خردباری از این وقت به نماینده ایران اختصاص پیدا کرد که صحبت پکند و نمونه اش هم هست چنانچه دوستانی علاقمند بودند که بینند خدمتشان تقدیم میکنم. در این جلسه ای که این سی و دو مقاله عرضه شد و سخنرانی نماینده ایران هم ایراد شد، خوب، قطعاً سؤالاتی ایجاد میکرد، تماسهایی برقرار میشد، مصاحبه هائی ترتیب داده میشد که خود این یک فرصت بسیار خوبی بود و خداوند همانطور که فرصتهایی را پیش میآورد به مصادق «لینظر کیف تعملون» شاید این هم یک آزمایشی بود. به هر حال برنامه رسمی اش آن سخنرانیها و عرضه این سی و دو مقاله و تماسهای مستقیم و غیرمستقیم بود که با آنها گرفته میشد چون مرتب برنامه اقامه صلوة در مساجد بود، این یک فرصت خیلی خوبی بود که مردم میشنیدند که یک افرادی آمده اند آنجا و میخواسته اند آنها را بینند، همانطور که گفتم چون آن ایالت فارسی زبان بودند در مساجد جمع کثیری اجتماع میکردند و سخنرانی دویی که با زبان فارسی انجام شد دریکی از همین مساجد بزرگ بود و در حدود چندین هزار نفر جمعیتی که مشتاقانه آمده بودند خواهش میکردند که شما درباره وضع گذشته و حال ایران و بخصوص در باره وضع آینده ایران برای ما مطالعی بگوئید مثل اینکه از ما انتظار داشتند و این کلمات از نمایندگان کشورهای دیگر هم شنیده میشد و بیگفتند که ما مردم مسلمان کشورهای دیگر منتظریم بیشیم که وضع ایران چه میشودتا مردم آنجا مسأله کارسازی اسلام را بفهمند و راهی را که شما به تجربه دارید به جلو میروید آنها هم بتوانند در آن راه استقلال اسلامی خودشان را پیدا بکنند. بعد از گذشتن این برنامه ها و البته همانطور که گفتم تماسهای با مردم و سؤال و جوابهایی که میشد و علاقه هائی که ابراز میکردند، مسافرت هائی به شهرهای سمرقند و بخارا و تاشکند انجام گرفت که یک سخنرانی در نشستی که با طلاب علوم دینی داشتیم انجام شد و همانطور که میدانید آنجا دیپلمشان تا کلاس ده است و یکنفر که بخواهد طبله و عالم دینی پشود باید حتی این ده کلاس را خوانده باشد یعنی دیپلم داشته باشد بعد از این ده سال یک دوره هفت ساله دارند که پس از گذراندن این دوره هفت ساله، یک نفر میتواند خطیب و یا امام جماعت بشود و بالاخره در این مدارج قرار بگیرد. سخنرانی بعدی که انجام شد در حضور اینها بود چون در آنجا حدود هزار نفر خطیب و امام جماعت و قاضی دارند و در سال حدود دویست نفر هم فارغ التحصیل علوم دینی میشوند. در حضور اینها سائلی مطرح شد، در میان آنها چند نفر شیعه بودند که از آذربایجان شوروی و باکو و قفقاز آمده بودند و برای عرضه کردن بسیاری از مطالب مجال بسیار بسیار خوبی بود که تفصیلش احتیاج به وقت بیشتری دارد، میخواستم ضمن این گزارش مختصر که نوشته شده و اگر دوستان خواستند در اختیارشان قرار میگیرد، فقط این نکته را اشاره بکنم که نمایندگانی که از کشورهای دیگر آمده بودند برای من



خیلی جالب بود ، چون چند نفرشان گفتند آقا با اینکه گرفتن امواج رادیو ایران خیلی مشکل است به عنوان یک مسلمان ، علاقمندیم که از مسأله اسلام و مسأله این نظام اسلامی ایران به عنوان حکومت ، به عنوان آزمایش که در دنیا ای امروز برقرار شده به هر کیفیتی که هست امواج را بگیریم و به هرزحمتی هست گوش بدیم ، حتی نامه هم مینویسیم من میخواستم پیرسم که آیا این نامه ها آمده یا نه ؟ میگفتند ماده به ماده که در مجلس خبرگان تصویب میشود و یکی از آنها نماینده اطربیش بود گفت با کمال دقت گوش میکنیم و هرجایش که احساس کنیم ممکن است که در دنیا بزرگ ، مردم خوب تلقی نکنند آنرا یادآوری میکنیم و گفتند به عنوان یک مسلمان مسئول در دواصلش تذکراتی داده ایم زیرا خودمان را مسئول و شریک مسأله ایران میدانیم . یکی دیگر که از بنگلادش آمده بود گفت : در آنجام روزنامه ها را مخصوصاً آنجاهایی که مسأله کردستان را بزرگ کرده بودند بپریده ام که در آنها نشان داده بودند که هفده نفر را چه جور و به چه ترتیبی از بین برده اند ، میگفت من اینها را نگهدارته ام که برای ایران پست کنم تا مسلمانان ایران در جریان تبلیغات و بزرگ کردن مسائل کوچکی که در اینجا اتفاق میافتد باشند و بدانند در دنیای خارج چه میگذرد . همچین از لندن و جاهای دیگر و این جلساتی که در هاید پارک تشکیل میشده خودشان را شریک مسأله ایران میدانند . من فقط خواستم این نکته را یادآوری کنم برادران گرامی فرصت خیلی متعتم است ، مسأله خیلی بزرگتر از آن است که ما اینجا هرچه به ذهنمان میرسد همینطور بدون اینکه لااقل خودمان درباره اش تأمل زیادی بکنیم مطرح کنیم . همه اینها به حساب اسلام گذاشته میشود ، حتی رفتار ما ، حتی نشست ما این لیاقت ما را برای اداره کردن یک مجتمع و طرز رفتارمان با همیگر نشان میدهد به هر حال من زیاد طول نمی دهم البته وقت گرفته بودم و در شش مورد در این مدتی که نبودم راجع به اصولی که گذشته و یک مقدارش هم هنوز نگذشته و در آینده می آید نویسی گرفته بودم که صحبت کنم اما این به حساب آن نویت نیست و به اصطلاح نطق قبل از دستور است . خواستم آن سوز درونی خودم و سوز درونی بسیاری از مسلمین دنیا را که در انتظار هستند بگوییم . من یادم نمی رود زیرگوش من صدا میکند که یکی یکی می آمدند و می گفتند شما در ایران الان حجت هستید ، مواظبت بکنید و توصیه هایی هم بود که البته تمایلتان به این باشد که مردم احساس کنند که این زنجیرهایی که از دست و پایشان باز شده یک جوری فکر نکنند که یک زنجیر طلائی دیگری به دست و پایشان بسته میشود . اصل زنجیر از دستشان باز بشود ، احساس سلامت اسلامی و انسانی بکنند . البته آنچیز یکه خیلی خیلی جالب بود و در آخر باید به آن اشاره بکنم ، ابلاغ سه پیام بود ، مستقاینه در صدد شنیدن این پیامها بودند که به ترتیب آنها را در آنجا عرضه کردم و یک پیام هم مربوط به همین مجلس بود و به قول خودشان دستورالاساسی و یا یک قانون اساسی جامع که میخواهد نوشته بشود همه در انتظار این بودند و از این پیام بسیار بسیار اظهار تشکر و خوشحالی کردند ، چون حالا وقت میگیرد متن پیام را نمی خوانم ، پیام دوم مربوط به برادر از دست رفته مان مرحوم آیت الله طالقانی بود یادتان هست همان شبی که صحبت میخواستیم برویم و همان شب هم بعد از اینکه روی همین صندلی نشسته بودند و بعد وقتیم بیرون چند دقیقه ای به عنوان پیام صحبت کردند باز در منزلشان یکی دو ساعت که بودیم پیامهایی که دادند برای آنها بسیار جالب بود . پیام ایشان این بود که مسأله اسلام را مطرح



کنید، مسأله تمایلتان به مردم یادتان نرود، جوری نباشد که فکر کنند عامل اجرای دستگاه حاکمه هستید «شرالناس من باع دینه بدیناه و شرمنه من باع دینه بدینایغیره» نباشد و بعدهم مذاکرات منتشر بشود و به آن چهار دیواری آنجا منحصر نباشد و در آخرهم پیام رهبر که از اینجا صحبت کرده بودند و دو مطلب را اشاره کرده بودند، در آنجا عرضه شد که بسیار بسیار اثر خوبی گذاشت و ما امیدواریم که این توصیه‌ها در همینجا هم که ما هستیم انجام شود چون یک توصیه‌اش توصیه به وحدت اسلام، خدارا در نظرداشتن، مصالح اجتماعی امروز را در نظر داشتن و مسأله الاهم فی الاهم را مورد توجه قرار دادن بود. آخرین تقاضای من اینست که بین خود و خدا بینیم اولاً چه کرده‌ایم و همین الان چه میکنیم و تصمیمات ما در بهبود زندگی مردم، زندگی محسوس و ملموسان و علاقمندیشان به اسلام چیست، در این باره یک ارزیابی مختص در وجودان خودمان بکنیم که این طرز رفتار و وضع ما، این بودن ما، این رفتن ما که امیدواریم مایه روشنیدی نزد خدا باشد، «احب الناس الى الله انفعهم للناس» و همچنین «لاتخونوا الله والرسول و تخونوا اماناتکم» امیدوارم که باز هم فرصتی بیدا بشود و مطالubi عرض کنم، اگر دوستان سؤال خاصی داشتند بفرمایند و این سی و دو مقاله هم اینجا هست و همینطور مجله‌هائی که آنجا منتشر میکنند، نمونه‌هایش را باید دید، مخصوصاً مردم فقراز، آذربایجان جنوبی و مردم باکو که اینها برای کتابهای مربوط به تشیع التماس میکردند، چند دوره کتاب که برده شد خیلی مورد توجه واقع شد باور کنید حتی خطبای مساجد آنجا می‌گفتند مردم اینجا جمع میشوند ولی ما برای آنها مطلب نداریم بگوئیم. حتی در آن نواحی غیر شیعه به قول معروف این چند تا کتابی که ما برده بودیم مثل نقل و نبات برای آنها بسیار ارزنده بود، بنابراین سسئویت ما هم مسئولیت شخصی و به اصطلاح محیط درونی خودمان است و هم مسئولیت جهانی است من فقط خواستم این نکته را اشاره کنم که یک جوری نباشد که نسل آینده ما را دعا کنند که وقتی اینجا بوده‌ایم قدمی به سوی دنیا و آخرت آنها برداشته‌ایم. خلاصه تکیه ما باید به معنویت باشد و تکیه گاه ما در دل مردم باشد. خدای نخواسته این تصور نشود که تکیه ما به زور و به قدرتی است که به هر کیفیت حاصل شده است و «فاما الزبد فيذهب جفا واما ما ينفع الناس فيمكث في الأرض» والسلام عليکم و رحمۃ اللہ (اشراقی) — اگر مقالات تکثیر شده بفرمائید آنها را توزیع کنند). چشم، چون در جلسه مربوط به مجلس قرار نیست که چیزی توزیع بشود، بعد از ختم جلسه در اختیارات قرار خواهیم داد و اگر سؤالی هم بود یک نشست خصوصی میتوانیم با هم داشته باشیم و من توجه شما را به این موضوع جلب می‌کنم، زیرا الان فرصت نشد تمام تماسهای مستقیم و غیر مستقیم را بگوییم که سوز دل اسلامیشان چیست و از آنطرف آن مته به خشخاش گذاشتن‌ها و حکایت‌هائی که میکردند که فلان کلمه، فلان حرف، فلان مطلبی که یک کسی به دیگری در اینجا گفته است مثلًا کلمه «حیثیت» که در قانون اساسی ما هست که اگر چنانچه مورد تعرض قرار بگیرد بنا به فرمایش بیغمبر اسلام دریاوه آن شخص که با اهانت میبردندش فرسودند «الیست نفساً» یعنی آیا این انسان نیست؟ خیلی توصیه میکردند که هر اصلی را که شما تصویب میکنید مثل یک آیه قرآن مردم را دعوت و ارشاد بکند و من با همین جمله کلام خود را ختم میکنم که درباره کسانیکه میخواهند تازه اسلام را بشناسند، کجا بشناسند و بعد هم احیاناً ممکن است اهل نفاق باشند خداوند به پیغمبر دستور میدهد «قل لهم في انفسهم قول بلیغاً» من شما را مستغنى میدانم از اینکه این را ترجمه کنم ولی توجهتان را



به مفهوم عمیق این آیه جلب میکنم برای آن مسئولیت شدیدی که ما داریم تا مخالف هم وقتی حرف ما را میشنود خودش را محکوم بینند، یعنی بینند حرف درست است باز روی این کلمه «فی النفس» آیه پنجاه و هشت سوره نساء تأکید میکنم. همه شما را به خدا میسپارم من وقت رانمی گیرم چون واقعاً هرثانیه اش پیشتر برای من محسوس و ملموس شد که چقدر مسئولیت داریم حالاً چطور بتوانیم جوابش را پیش خدا پدھیم، بخشی است جداگانه. جمله ایکه دیروز استاد عزیزمان گفتند که خدا راضی نباشد، پیغمبر راضی نباشد، امام راضی نباشد، پیشووار ارضی نباشد، مردم هم راضی نباشند من امیدوارم که این مسأله حقیقت نداشته باشد بلکه رضایت همه باشد و رضایت خدا هم در رضایت خلق است و ما متوجه باشیم که ان شاء الله آنطور که باید و شاید وظیفه مان را انجام بدھیم.

۳۱- طرح اصل

نایب رئیس - با تشکر از گزارشی که بافسردگی آقای دکتر غفوری برایماندادند و با امید اینکه قانونمان و قانون تهیه کردنمان و قانون پیاده کردنمان بتواند عمل به مقتضی و مناد آیه کریمه «وَكَذلِكَ جعلناكُم أمة وَ سَطْلَاتُكُونوا شهداء على النَّاسِ وَ يَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً» باشد دستور جلسه اصول اصلاح شده سی و یک و بیست و نه است که قبل مطرح شده بود و اصلاحاتی در آن بعمل آمده است.

اصل ۳ - تشکیل اجتماعات و راهپیمایی آزاد است، مقررات مربوط به نظام راهپیمایی و اجتماع در خیابانها و میدانهای عمومی به موجب قانون معین میشود.

نایب رئیس - به نظر میرسد اگر آن «ویرگول» به «واو» تبدیل بشود بهتر است به این ترتیب «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی آزاد است و مقررات مربوط به نظام راهپیمایی و اجتماع در خیابانها و میدانهای عمومی به موجب قانون معین میشود» در این زینه سؤالی هست؟ آقای موسوی تبریزی.

موسوی تبریزی - «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی با اجازه قبلی آزاد است» اگر «بالاجازه قبلی» را بگذاریم بهتر است.

نایب رئیس - عنایت بفرمایید، این درست برخلاف آن چیزی است که مورد نظر بود یعنی ما میخواهیم بگوئیم توی مسجد که میخواهند اجتماعی تشکیل بدهند دیگر نیازی به اعلام قبلی نداشته باشد.

موسوی تبریزی - منظور از اجتماعات و راهپیمایی هائی است که جنبه سیاسی داشته باشد، آنها باید با اجازه قبلی باشد والا موضوعات مذهبی از این بحث خارج است.

نایب رئیس - نه آقا مثلًا میخواهند در مسجد یک بحث سیاسی بگذند خود شمامشلا میخواهید بعد از نماز منبر بروید و بحث سیاسی بگنید این اجازه و اعلام قبلی هم نمیخواهد. راهپیمایی هم فقط در حدی است که بخواهد در معابر عمومی و میدانها باشد، به هر حال اجتماعات و راهپیمایی اگر در خیابانها و معابر عمومی و میدانها باشد باید مقرراتی داشته باشد، منهای این میخواهیم بگوئیم آزاد باشد.

کرمی - «که برخلاف جمهوری اسلامی اسلامی نباشد آزاد است» این قید باید باشد.

نایب رئیس - این هم نظر آقای کرمی است آقای خامنه‌ای نظری دارد بفرمایید.



خانمه‌ای — عرض کنم که «اجتماعات و راهپیمائی» راهپیمائی یک نوع اجتماع است، اجتماعات نشسته، اجتماعات ایستاده و اجتماعات متحرک.

نایب رئیس — ذکر خاصی بعد از عام است به دلیل وضع خاصی که دارد.

خانمه‌ای — یعنی باید وضع خاچش را در نظر گرفت. دیگر اینکه مقررات فقط ناظر به اجتماع در خیابان‌ها و میدانهای عمومی می‌شود و میدانهای عمومی اعم است از معابر عمومی، معابر و کوچه‌ها اگر معابر یا لفظی باشد که جامعت باشد بهتر است.

نایب رئیس — مشکر، آقای یزدی سوالی هست؟

یزدی — برحسب این اصل محافل بهائیت به صورت آزاد در همه جا می‌توانند تشکیل بشود وطبعاً افراد هم می‌توانند رفت و آمد کنند اصولاً با آن مسئله گمراهی قبلی تکلیفش چه می‌شود؟

نایب رئیس — آقای طاهری خرم‌آبادی بفرمائید.

طاهری خرم‌آبادی — عرض کنم در یک مواردی ممکن است پیش بیاید که دولت مجبور بشود از یک نوع راهپیمائی و یا اجتماع جلوگیری کند بنابراین باید اینجا یک کلمه‌ای باشد که دست دولت را نبندد و بتواند در مواردی جلوگیری شود را بگیرد مثل همین الان قانونی را که وزارت کشور داده که باید اول اجازه بگیرند و هدف را معین کنند این خودش یک پیش‌بینی برای جلوگیری از آن موارد است.

نایب رئیس — اینکار شده که اگر در خیابانها و میدانها باشد باید این را بگویند و قبل اعلام کنند و این را هم که دولت گفته است در همین مورد است.

طاهری خرم‌آبادی — نه منظور اینست که ممکن است شرایطی پیش بیاید که اصلاً از آن راهپیمائی جلوگیری کند.

نایب رئیس — لابد شرایط باید شرایط معابر و خیابانها باشد خوب این توانی همین است.

طاهری خرم‌آبادی — نوشته شده «و مقررات مربوط به نظام راهپیمائی» اما باید مقررات به طور اعم نوشته بشود که اگر بخواهند جلوگیری کنند بتوانند اینکار را بکنند.

نایب رئیس — خوب این نظر آقای طاهری بود آقای پرورش بفرمائید.

پرورش — این «در خیابانها و میدانهای عمومی» قاعده‌ای از نظر جمله طرف برای تشکیل اجتماعات است در حالیکه می‌شود از این جمله سوءاستفاده هم کرد، اگر این را برای مقررات طرف بگیریم و بگوئیم مقررات آن را در خیابانها و میدانهای عمومی باید قانون معین بکند بنابراین می‌توانیم بگوئیم که مقررات مربوط به نظام راهپیمائی و اجتماع در خیابانها و میدانهای عمومی معین می‌شود.

نایب رئیس — کسی که اینطور نمی‌فهمد، این را می‌فهمند که طرف اجتماع و راهپیمائی است نه طرف تعیین. آقای بشارت بفرمائید.

بشارت — در پیشنهادهایی که فرستاده بودند مسئله غیر مسلح بودن را خیلی تأکید داشتند که راهپیمائيها به صورتی باشد که غیر مسلح‌انه باشد و در بورد اینکه آقای طاهری فرمودند یک قدری دست دولت را باز بگذاریم دولت باید بیشتر کوشش کند، وسایلی فراهم کنند که مراکز اقتصادی، راهها، خیابانها را خراب نکنند ولی با این مسائل جلوی راهپیمائی و اجتماعات گرفته نشود چون اینها خاصیتش برای کشور این است که دردها و ناراحتی‌ها ایشان



را میگویند شاید بسیاری از مشکلات را در این راهپیماییها در کنیم مسأله غیر مسلح بودن هم باید به یک صورتی در بیاید.

نایب رئیس — آقای طاهری اصفهانی بفرمائید.

طاهری اصفهانی — من معتقدم که یک شرطی برایش بگذارید به شرط آنکه لطمہ ای وارد نسازد، دیگر اینکه مبانی اسلام را سراغات کنید من به اقلیتها نظر ندارم ولی آنها هم نباید برخلاف مبانی اسلام برای کوییدن اسلام جلسه‌ای تشکیل بدهند. شما میگوئید «آزاد» در این شش ماده قانون هم سه مرتبه گفته‌ید قانون، قانون، قانون. چه میدانید در آینده این قانون دارای چند تبصره و ماده خواهد بود و گل و گشاد نخواهد بود، به قول ایشان بهائیها، چنی‌ها بروند توی مسجد و تشکیل اجتماع بد هند و مستقیماً آنجا بنشینند ولی نیتشان ضربه زدن به اسلام و ضربه زدن به امنیت نظام ما باشد.

نایب رئیس — آقای فرشی بفرمائید.

فرشی — اگر احتیاج باشد که موافق و مخالف صحبت بکنند بنده به عنوان موافق صحبت خواهم کرد.

نایب رئیس — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — سوال من این بود که این تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها که آزاد است یعنی «آزادی مطلق» و هیچگونه قیدی ندارد؟ چونکه گفتم مقررات برای تنظیم درین راه است، آیا برای تشکیل خود این اجتماعات در آن قیدی هست یا خیر؟

نایب رئیس — این مطلب را آقایان گفتند که در اینجا مطلق است یعنی آقایان پیشنهاد قید میکنند ولی وقتی مطرح شده به خصوص با توجه به زمینه‌هایی که مقداری از آن هم در نقط قبیل از دستور بود نظر ما، نظر گروه و نظر خیلی از دوستان این است که اسلام عزیز ما زمینه آزاد امکان رشد و تجلیل سیاست فراوان است بنابراین دونظر وجود دارد این را هم چون ضمن آراء بحث کرده‌ایم مشخص میکنیم، یک نظر همین که عرض شد و یک نظر به خاطر تحقق و سracابت بیشتر در حفظ عقاید و پایه‌های فکری و اعتقادی و امنیت که با یاری محدودیت‌های وجود داشته باشد و ما نباید اینجا ترتیب قید بگذاریم بلکه به طور کلی آنجاهایی که امنیت به خطر می‌افتد سائل باید مجوزی داشته باشد و این را باید در آینده از وظایف دولت و حقوق دولت مشخص کنیم آقای جوادی بفرمائید.

جوادی — در اصلی که با پنجاه رأی تصویب شده که احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و قتی آزادند که اصول استقلال، آزادی و حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را تقض نکنند و به اسلام آسیب نرسانند، دیگر آن قیود کافی است.

نایب رئیس — البته آن قیود کافی است و ما هم ذکر کردیم. آقای ربانی اسلشی بفرمائید.
ربانی اسلشی — همانطور که فرمودید مجلس و مخالف باید آزاد باشد، یعنی باید راهپیمایی در خیابانها و اجتماعات در میادین آزاد باشد ولی دولت اسلامی هم باید اطلاع داشته باشد. اجتماع و راهپیمایی در خیابان یا مکانی که مربوط به عامه مردم است نمی‌شود بدون اطلاع قبلی باشد.

نایب رئیس — این را ما گفته‌یم که اجتماعات در میدانها و خیابان‌ها مقررات دارد.

ربانی اسلشی — آنچه مربوط به «نظم و مقررات» است، زیرا ممکن است اصلاً این نکته



قید نشده باشد که راهپیمائی باید با اطلاع قبلی باشد.

نایب رئیس — چرا فرق می کنند، اگر واقعاً لازم باشد باید با اطلاع قبلی باشد. آقای فاتحی سؤالی دارید؟

فاتحی — به نظر من اگر این جمله اضافه شود ساده‌تر و بهتر می‌شود «به شرط آنکه مخل امنیت و نظم عمومی و علیه مبانی اسلام نباشد».

نایب رئیس — این پیشنهادی است که در جلسه هم شده و اینجا تکرار می‌شود و گفتگش عیّی ندارد این پیشنهاد شما است، مثل اینکه مطالب بیش از این نیست.

طاهری گرانی — اگر کلمه «نظم» را برداریم مشکل خیلی از آفایان حل می‌شود.

نایب رئیس — پیشنهادی است که می‌فرمایید ولی قبل در کمیسیون بحث شد که این مقررات مربوط به نظم را بگذاریم و تهیّه این متن با توجه به این نکته بوده که دست دولتها را در جلوگیری از این راه اظهار نظر مردم بازگذاریم. ما یادمان نرفته که چطور گرفتار بودیم، همین مطلب مکرر گفته شد که بالاخره ما داریم قانون مبنویسیم به منظور اینکه چهارچوبی برای آینده باشد، همانطور که پارسال به آن احتیاج داشتیم، بنابراین نباید طوری بنویسیم که آنها بتوانند در اصلش مداخله کنند بلکه باید در نظمش دخالت داشته باشند، این نقطه نظر مابود، بنابراین شروع می‌کنیم به رأی گرفتن.

سبحانی — آقا چرا کلمه «مسالمت آمیز» حذف شد؟

نایب رئیس — چون دیدیم احتیاجی به آن نیست زیرا این «مسالمت آمیز» بقدرتی کشدار است که قابل کنترل نیست، خانم گرجی بفرمایید.

خانم گرجی — دولت باید امنیت اجتماع کنندگان را حفظ کند و تا اندازه‌ای آن را تضمین نماید و از درگیریهای احتمالی جلوگیری بعمل آورد.

نایب رئیس — آن را که دولت موظف است تضمین کند، جنابعالی در منزلتان هم که نشسته باشید پایستی تأمین داشته باشید و دولت وظیفه دارد امنیت شما را تضمین کند. اینجا مسأله راهپیمائی و امکانش است. وظیفه دولت حفظ امنیت در تمام موارد است و باید آنرا اینجا با این موضوع قاطی کرد.

طاهری — اینها باید محفوظ هم باشند که بتوانند حرشهای خودشان را بزنند، آمدیم یک عده‌ای به اینها حمله کردند اینها باید تأمین جانی داشته باشند.

خانم گرجی — حفظ حقوق هم باید قید شود.

نایب رئیس — بله، صحیح است آقا بنی صدر بفرمایید.

بنی صدر — این مطالب را ماهم صبح و هم حالا بیان کردیم دیدیم صلاحش بر فسادش می‌چرخد زیرا ممکن است دولت به عنوان اینکه امنیت کم شده یا زیاد شده بکلی جلویش را بگیرد، یعنی مانگتیم که امنیت عمومی از وظایف دولت است و فکر کردیم قانون این نظم را پیش‌بینی می‌کنند و این نظم را به عهده دولت می‌گذارند.

نایب رئیس — آقا طاهری اصفهانی بفرمایید.

طاهری اصفهانی — ما در گروه‌مان خلاف این را گفتیم.

نایب رئیس — به سوالات پاسخ داده شد لطفاً اجازه بدید گلدانها را برای اخذ رأی ببرند. (تهرانی) قبل از اینکه گلدانها را ببرند و رأی گرفته شود نوشته شود «به شرط آنکه مخل امنیت و



خلاف مبانی اسلامی نباشد»). (موسوی تبریزی—اول بادست بلند کردن به رأی بگذارید). بسیار خوب، آقای یزدی ما درمورد تشکیل احزاب، جمعیتها در اصل قبل همه قیود لازم را گذاشتیم بنابراین تا آنجا که مربوط به تشکیل جمعیتها میشود بحث شده است فعلاً بحث برسر آزادی و آزادی اجتماع است و هر قیدی اینجا نوشته بشود، بطوريکه هم صبح و هم حال اعراض شد از نظر مبانی نمی تواند قابل توجیه باشد. (فارسی—بنده میخواستم عرض کنم که یکنفر از کروه بیاید و دفاع کند). شما خودتان تشریف بیاورید. (کرمی—دیگر دفاع و توضیح نمیخواهد). اول این متن را نظرخواهی می کنیم «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی آزاد است و مقررات مربوط به نظام راهپیمائی در خیابانها و میدانهای عمومی به موجب قانون معین میشود». آقایانی که به این صورت موافقند دست بلند کنند (سی و چهار نفر دست بلند کردند) رد شد. (دکتر شیبانی—ما داریم اینجا قیدی را می گذاریم که بوسیله آن خودمان داریم پدرخودمان را درسی آوریم). آقای دکتر شیبانی اجازه بفرمایید، جمعاً دو قید در ضمن گفتگوی دوستان پیشنهاد شد کی قید مربوط به اینکه اجتماع و راهپیمایی توطئه آمیز علیه امنیت و نظام جمهوری اسلامی نباشد، «توطئه آمیز» نباشد. (پشارت—اول که به عنوان توطئه نمی آیند، اول پرچم میزند و میگویند ما حرف داریم خواسته داریم بعد توطئه آمیز میشود). بفرمایید تشخیص آن به چه نحو است؟ آن بخشی است علیحده، این پیشنهادی بود که دادند. این راهپیمایی راچه کسی باید تشخیص بدند و چگونه تشخیص داده میشود؟ این را باید درجای خودش با قوانین مفصل بیان کرد. ما بعثتی هم از توطئه داشتیم، تنها منحصر به اینجا نیست، قیدی که پیشنهاد میشود این است که راهپیمایی توطئه آمیز علیه امنیت و نظام اسلامی نباشد. (تهرانی—باید ضد مبانی اسلام نباشد). بلى توطئه آمیز علیه اسلام و امنیت نباشد. آقای بنی صدر بفرمایید.

بنی صدر—هر ماده ای که دارای یک مبانی و یک موازن در هر اصلی که خواهد آمد در تمام یکصد و پنجاه اصل وجود دارد کاری که ما میکنیم قانون را لغوی کنیم چون معناش اینست که قوانینی که وضع شده یک چیز دیگری است و آنچه که ما اینجا تصویب می کنیم یک چیز دیگر است و ما گفتیم که قوانین هم باید براساس اسلام باشد.

نایب رئیس—آقای بنی صدر این غیر از آن است زیرا ما گفتم طبق مقررات بنی صدر—در آن مقررات هم میتوانید بگذارید که اگر چنین و چنان شد خلاف اسلام نباشد.

موسوی—ما باید در قانون و مقررات، حدود اسلام را حفظ کنیم یعنی اگر عده ای خواستند علیه اسلام راهپیمایی کنند نگذاریم.

نایب رئیس—آقای موسوی اجازه بدید بنده توضیح بدهم. آقای بنی صدر، اتفاقاً این قسمت با آن موارد فرق میکند وقتی که میگوئیم این قانون محدود به قوانین اسلام است صدق میکند که اینجا این طور نیست، میگویند اجتماع و راهپیمایی توطئه آمیز علیه اسلام و امنیت کشور نباشد.

بنی صدر—شما صبح گفتید آن کلمه «مسالمت آمیز» را برداریم که مورد سوء استفاده قرار نگیرد، در پیامی که همین امروز امام برای مدارس و دانشگاهها فرستادند فرمودند باید افکارشان را صراحتاً مطرح کنند و جواب بشنوند مثلًا اگر اینها فردا در دانشگاه جمع شدند و گفتند این مالکیتی که در اسلام است به نظر ما صحیح نیست... (یزدی—توطئه غیر از اجتماع



است هر مکتبی آزاد است که اجتماع کند. پس بگذارید توطئه، نیائید یک درسیان صحبت بکنید، بگوئیم اجتماع آزاد است به شرط نفس نکشیدن.

نایب رئیس — آقایان به نوبت صحبت کنند، اجازه بفرمائید. (یزدی) اجتماع آزاد است به شرط توطئه نکردن. آقای صدوqi بفرمائید.

صدوqi — راهپیمانی فرق میکند چون یا عقیده‌ای یا انگیزه‌ای دارند یا برای یک پشتیبانی ای میخواهند راهپیمانی کنند، باید که هم انگیزه و هم آن جهتی را که میخواهند پشتیبانی کنند معلوم باشد یعنی باید یک جهتی باشد که برخلاف دین و اسلام و امنیت کشور نباشد و همچنین اگر خواسته و انگیزه‌ای دارند، خواسته و انگیزه‌شان مشروع باشد.

نایب رئیس — آقای مراد زهی فرمایشی دارید بفرمائید.

مراد زهی — ما دو نوع راهپیمانی داریم یا برای گردش و تفریح است و یا برای اعتراض است، اگر برای اعتراض باشد که محدودیت نمی‌خواهد. مسلماً راهپیمانی یا برعلیه دولت است که به یک وضعی اعتراض میکنند و راهپیمانی میکنند که در این صورت جلو اعتراض‌شان گرفته میشود و نتیجه این راهپیمانی به جائی نمی‌رسد.

نایب رئیس — آقای دکتر آیت بفرمائید.

دکتر آیت — من معتقدم که آقایان به شکل قانون نویسی توجه نمی‌کنند همه چیز را میخواهند داخل اصل بیاورند منظور از راهپیمانی بالطبع همانطور که اشاره شد یا اعتراض است که باید آزاد باشد ما همیشه نباید فکر بکنیم که... (تهرانی — اجتماعات را هم بفرمائید.)

نایب رئیس — آقای تهرانی به شما نوبت میدهیم که در موقع خودش حرفتان را بزنید، آقای دکتر آیت شما فرمایشتان را بفرمائید.

دکتر آیت — این یک اصل بدیهی است که در هر حال توطئه من نوع است و بعد میشود یک اصل جدگانه‌ای گذاشت که تکلیف آن را تعیین کند. قوانین عادی همیشه توطئه رامنوع می‌کند اگرخواستند یک جائی جمع بشوند و تظاهرات راه بیندازند ما از اول از کجا اطلاع داریم که اینها چه کار میخواهند بکنند؟ و سط کار اگر توطئه و خلاف قانون عمل کردند قانون تکلیف آنها را معلوم کرده است. قوانین ما تمام مسائل را روشن کرده است ممکن است کسی مخفیانه برود درخانه‌اش بنشیند و توطئه بکند اینجا ما نمی‌توانیم جلویش را بگیریم وقتی که اعمالش ظاهر شد و کاری برخلاف قانون کرد جلویش را می‌گیرند. اگر بخواهید در تمام موارد، این مسائل را بیاورید ناچار باید یک اصل بنویسید.

نایب رئیس — آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — چنانچه اطلاع بیدا کردیم توطئه‌گران در اطراف کردستان دارند مردم دهات را جمع میکنند برای اینکه سلطنت را تجزیه کنند، آیا دولت باید آنها را آزاد بگذارد؟ آیا این درست است که بگوئیم اجتماع آزاد است و با استفاده از این مطالب تجمع بکنند، بیانند بگویند سلطنت باشد تجزیه بشود؟

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — در راهپیمانی‌ها منظور نظر همه دولتها این است که باید منظم بوده و با عفت عمومی مخالفت نداشته باشد و از این قبیل مقررات در همه جای دنیا وجود دارد و نظر ما این است که مخالف با اسلام و نیز مخالف با نظام جمهوری نباشد که در جای دیگر هم البته



قید شده اگر این جمله در اینجا قید بشود که مقررات مربوط به نظم باید رعایت شود، اگر این مقررات ناظر بر همه اینها است که نیازی به هیچکدام از اینها نیست، اگر بنا است کی از اینها ذکر بشود بقیه هم باید ذکر شود چون این مقررات لغو نمیشود و دیگر نیازی به آنها نیست.

نایب رئیس — یعنی نظر شما این است که چون مقررات وجود دارد دیگر احتیاجی به این قیود نیست؟ بسیار خوب آقای مشکینی بفرمائید.

مشکینی — صحبت توطئه نیست بلکه ما میخواهیم بگوئیم علیه مبانی اسلام و ضد اسلامی نباشد بیشتر آقایان هم همین را میخواهند اول این قسمت را اضافه کنید بعد رأی بگیرید.

نایب رئیس — یعنی میخواهید بگوئید در راهپیمانی‌ها و اجتماعات برضد اسلام حرف نزنند یا میخواهید بگوئید برضد اسلام و مبانی اسلامی قیام نکنند؟

مشکینی — اجتماع و راهپیمانی برضد مبانی اسلام نباشد.

نایب رئیس — بسیار خوب، یعنی اگر در جائی کسی علیه اسلام سخنرانی می‌کند و مردمی هم که آنجا هستند گوش میکنند و بعد هم متفرق میشوند این را نظرتان اینست که منع کنند یا آزاد باشد؟

مشکینی — بلى ما میخواهیم این را منع کنیم.

نایب رئیس — معلوم میشود اینجا دو نظر وجود دارد یک نظر اینکه راهپیمانی و اجتماع آزاد باشد و یک نظر اینکه باید محدود باشد، آقای بزدی بفرمائید.

بزدی — سخنرانی دو حالت دارد یک وقت با این سخنرانی میخواهد علیه اسلام قیام کنده باشد چلو این را گرفت ولی یک وقت هست که سخنرانی بحث است مثل سخنرانی سر کلاس دانشکده که در آنجا همه آزادند حتی اگر این بحث علیه خدا هم باشد ولی راهپیمانی یا بحثی که مقدمه توطئه باشد درست نیست و باید این را منع کرد. (نایب رئیس — این همان چیزی است که بنده گفتم)، نظر من هم همین است نه اینکه به کلی جلوی آنها را بگیریم.

مشکینی — اسلام که آزادی را اجازه داده است، برای این است که هر کس هر مطلبی را که دارد و لو برضد اسلام باشد باید نزد اهل فن ببرد و جوابش را بشنود اما نه یک فردی یا یک دیگری به دهی وارد بشود و علیه اسلام حرف بزنند و اگر یک نفر هم یقه‌اش را گرفت و گفت آقا بفرمائید بروید پیش آن عالم حرفتان را بزنید بگوید، خیر اسلام من را آزاد گذاشته است و من میخواهم تبلیغ کنم.

طاهری اصفهانی — شما اینجا نوشتید «راهپیمانی و اجتماع آزاد است و مقررات مربوط به نظم اجتماع و راهپیمانی به موجب قانون معین میشود» قانون آینده هم برای ما شاید روشن باشد اگر اینجا جوانب مطلب در چهارچوب قانون اساسی بسته نشود، من سوال میکنم اگر فردا یک جمعیتی از یک گوشه‌ای راه افتادند و شعار دادند مرگ براسلام، تابود باد اسلام، این اظهار عقیده نیست، شما در رادیو تلویزیون اعلام کنید و هر کسی که صلاحیت دارد دعوت کنید بیانند پنشیون حرفشان را بزنند و جواب بشنوند اما یک جمعیتی راه بیفتند و برخلاف اسلام یا برخلاف رژیم شعار بدند، صحیح نیست.

نایب رئیس — آقای فارسی بفرمائید توضیح بدهید.

فارسی — اجتماعات و راهپیمانی یک وسیله‌ایست برای اظهار نظر و در حقیقت برای



اظهار عقیده، مثل تشکیل احزاب، مثل نشر روزنامه و نشریه‌های دیگر همه اینها وسیله است مانند میخواهیم وسیله یا سوءاستفاده از وسیله را تحریم کنیم. مثل این است که فروش کاغذ را محدود بکنید و بگوئید هیچ کارخانه کاغذ سازی دائم نشود و کاغذ فروشی منوع باشد مگر اینکه معلوم باشد در این کاغذ چه نوشته خواهد شد. (نایب رئیس — از آفایان خواهش میکنم در بین بیانات ایشان سوالی نفرما پند و سوال را برای بعد پگدارند). قبل از اینکه یک اجتماع در یک میدان تشکیل شود از کجا میدانیم در آنجا چه گفته خواهد شد که منعش بکنید؟

រیانی شیرازی — ممکن است فردا یک عدد از زنها جمع بشوند و بگویند ما میخواهیم راهپیمانی علیه حجاب بکنیم این که نمیشود.
نایب رئیس — آقای ریانی اجازه بدھید ایشان بیاناتشان را بفرمایند بعد سوال بفرمائید.
آقای فارسی ادامه بدھید.

فارسی — بنابراین، این راهپیمانی نیست که جرم است، این اجتماع نیست که جرم است، این ارتکاب جرم است که اگر علیه یکی از اصول اسلام تبلیغ کردند، چه در راهپیمانی، چه در اجتماع، چه در حزب، یا از بالای منبر همه‌اش جرم است، در ضمن همه میدانیم که هیچ توطئه‌ای در دنیا از طریق راهپیمانی صورت نگرفته است. مثل اینکه بعضی از آفایان به معنای کلمه توطئه توجه ندارند، توطئه یعنی مقدمه چینی برای یک کاری که به‌طور سری و مخفی میخواهد انجام بگیرد. جرم و جنایتی را که میخواهند به‌طور سری انجام نداده‌اند بنابراین شما باید دو چیز را مشخص بکنید اولاً اظهار عقیده پرخلاف اسلام چه از طریق راهپیمانی و یا اجتماع و یا کتاب باشد و چه زبانی و شفاهی باشد آیا عده‌ای که در خانه‌ای درسته تجمع میکنند این کار به‌طور کلی منوع است؟ این را باید مشخص بکنید که چه کسی این جرایم و این غاید را ممیزی میکند و تشخیص میدهد. این جرایم قانونش در جای دیگر تدوین میشود نه در قانون اساسی، مجلس شورای ملی است که جرایم و جنحه و جنایت را مشخص میکند نه قانون اساسی.

نایب رئیس — آقای فارسی مشکرم آقای تهرانی سوالی دارد؟

تهرانی — بسم الله الرحمن الرحيم. ما داریم قانون اساسی تدوین میکنیم به‌طوریکه آقای فارسی درباره جرم و جنایت و نحوه تشخیص آن صحبت کردنده ماسکاری به جرم و جنایت نداریم، ما داریم برای راهپیمانی و تشکیل اجتماعات قانون وضع میکنیم، بنابراین بهتر است بنویسیم اجتماعات بشرطی آزاد است که بر ضد مبانی اسلام و امنیت عمومی نباشد، مشکرم.

نایب رئیس — آقای فارسی بفرمایید جواب بدھید.

فارسی — اگر در راهپیمانی یا اجتماع کسی علیه مبانی اسلام حرف میزنند یا جنایتی میکنند یا آدم میکشد این نوع راهپیمانی و اجتماع را باید از بین برد.

تهرانی — بله، باید آن را مقیدش کنید نه اینکه مطلق باشد باید معلوم شود کدامش حلال است کدامش حرام ما این را میگوییم، میخواهیم حلال و حرام مشخص شود.

یزدی — اجتماعات آزاد است ولی همانطوری که اجتماعات وسیله اظهارنظر هست ممکن است وسیله اقدامات علیه یک مکتب و رژیم هم باشد. آن اجتماعی که وسیله اظهارنظر باشد، آزاد است ولی اجتماعی که علیه اسلام یا علیه مبانی اسلام باشد قطعاً نمیتوانیم آنرا آزاد



بگذاریم. مطلب دیگر اینکه فرمودید اجتماعات توطئه آمیز نمیتواند باشد چون توطئه یک امر مخفی است، جوابش این است که این اجتماعات مقدمه‌ای است برای توطئه یعنی توجه دادن افکار به این مسائل و بدبالش اقدام کردن.

نایب رئیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — پیدا است که آقایان این اطلاق را کافی نمیدانند و رأی نمیدهند بهتر این است که روی قیدش فکر کنیم بشرط اینکه توطئه علیه اسلام یا بر ضد مبانی اسلام و امثال اینها نباشد قید را رویش بگذاریم و تماسش کنیم.

نایب رئیس — خانم گرجی بفرمائید.

خانم گرجی — می‌خواهم بینم در جریان راهپیمانی کردستان که منجر به کشته شدن برادران کرد ما شد، غیر از این بود که اول راهپیمانی کردند و بعد سلطانه آمدند و آن همه کشتار فجیعانه را راه انداختند؟ فقط به خاطر این بود که دولت قبل جلوی این راهپیمانی را نگرفته بود، پس برای اینکه خدای نکرده باز نظیر این تکرار نشود لاقل باید فکری بکنیم.

نایب رئیس — آقای فارسی بفرمائید توضیح بدھید.

فارسی — اگریک نفر یا ده نفر یا صد نفر می‌بینند و علمدار نباید اینکه یک کسی می‌خواهد برود و یک جنایتی را مرتکب بشود آیا میتواند از کارهای مشروع او مثلاً از قدم زدن و راه رفتن او قبل از اینکه مرتکب جنایت شود جلوگیری بکنند؟ مسلم نمیتواند بنابراین درباره اجتماعات که کسی علم ندارد که چه خیالی دارد، پس از این اجتماع است که ایده آنها معلوم می‌شود مگر کسانی پاشند که قبل از راهپیمانی اعلام بکنند که ما علیه استقلال، حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و مبانی اسلام می‌خواهیم راهپیمانی کنیم یا به فرمایش آقای ریانی برخلاف عفت عمومی یا حجاب اقدامی بکنند باید قید را بیاوریم تا اینطور افراد نتوانند کاری انجام بدهند.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید بحث را تمام کنیم. «تشکیل اجتماعات و راهپیمانی آزاد است» در اینجا بنا به پیشنهادی که آقای مکارم و بعضی دوستان می‌کنند یک قید اضافه می‌شود و آن اینست که «بشرط آنکه توطئه... (مدنی) — محل امنیت و برخلاف مبانی اسلام نباشد.»

باید حدود «برخلاف» را مشخص کرد یعنی اصلاح طلبی برخلاف اسلام گفته نشود؟

تهاانی — تشکیل اجتماعات در راهپیمانی بشرطی که بر علیه مبانی اسلام مانند محفوظ بھائیت نباشد، آزاد است.

نایب رئیس — آقای دکتر شبیانی بفرمائید.

دکتر شبیانی — من پیشنهاد می‌کنم که این اصل دوباره در کمیسیون رسیدگی شود تا یک قید مناسب در آن ذکر شود.

مکارم شیرازی — قید کنید بشرطی که بر ضد اسلام نباشد.

نایب رئیس — آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی اردبیلی — من معتقدم در این مسئله یک اختلاف بنیادی وجود دارد و گذشتن این قیدها فایده‌ای ندارد. اگر شما خیلی قید بگذارید که شبهه را از اذهان بیرون ببرید مفاد اصل از بین می‌رود. چون این اصل به عنوان یک اصل مترقی اینجا گذاشته شده است. بعضی از آقایان می‌گویند ما اعتصابها، راهپیمانی‌ها و اجتماعات را برای گروه‌های سیاسی و احتمالاً



مذهبی و اجتماعی آزاد میگذاریم. این موضوع در نظر بعضی دیگر از آقایان شبهه شرعی دارد و میگویند اگر قرارشد مثلاً اینطور باشد، با مبانی مذهبی ما نمی‌سازد برای اینکه این اجتماعات سیاسی و اجتماعی گاهی با مبانی مذهبی برخورد دارد و به همین علت مذهب اجازه نمیدهد. به عقیده من با گذاشتن کلمه توطئه و یا ضد مذهب مطلب درست نمیشود. (همه‌مه نمایندگان) نایب رئیس — آقای مشکینی اجازه بفرمائید ایشان صحبت کنند چون آقایان که صحبت میکنند دیگران گوش میکنند ولی دیگران که صحبت میکنند فوراً اعتراض میکنند. (حجتی کربمانی — من مدعی هستم که شما جلسه را خوب اداره نمیکنید، چرا به من اجازه نمیدهید چند کلمه حرف بزنم؟) صحیح است چه بهتر که خود جتابعالی جلسه را اداره کنید. ما متن تنظیمی گروه را به رأی گذاشتم رأی نیاورد بنابراین با این قیدی که آقایان پیشنهاد کردند اید به رأی میگذاریم اگر رأی نیاورد این اصل قابل طرح نیست.

حجتی کربمانی — وقتی آقای فارسی برای جواب به سوالات ایستاده بودند آقای تهرانی طوری صحبت کردند که آقای فارسی جوابی برای گفتن نداشتند. آخر این طرز سؤال کردن نیست که آقای تهرانی سؤال را آنطوری مطرح کنند و بعد بگویند هیچکس به این مسئله رأی نخواهد داد و مالاً آقای فارسی هم جوابی برای گفتن نداشته باشد بنابراین اگرچه ما به علم و تقوای آقای تهرانی عقیده داریم ولی ایشان حق ندارند به این صورت صحبت کنند.

نایب رئیس — عنایت بفرمائید من این اصل را با این قید با دست به رأی میگذارم اگر رأی کافی نیاورد چون اصل نمی‌تواند دو شکل داشته باشد، اصولاً قابل طرح نیست. بنی صدر — شما به رأی میگذارید، یا ما هستیم که تظاهر میکنیم یا دیگران هستند که تظاهر میکنند. وقتی به رأی میگذارید یعنی ما آزادیم و دیگران آزاد نیستند. چرا و در بایستی میگنید؟ بگوئید تظاهرات حق ما است و دیگران بر آن حق ندارند. (نایب رئیس — شما میتوانید رأی ندهید.) اگر مقصود ایست که غیر از سلمانها کسی حق حرف زدن نداشته باشد، این موضوع را صراحتاً بگوئید ولی اینرا توجه داشته باشید که همیشه حکومت دست شما نیست ممکن است فردا یک نظامی با ریش و پشم بیاید و همه اینها را علیه خود ما بکار ببرد، اینرا هم توجه داشته باشید. (همه‌مه نمایندگان) البته نمی‌خواستم جسارتی خدمت آقایان کرده باشم که بگوییم حکومت باشد و شما نباشید ولی بنده باشم، بنابراین مسئله خود ما بود و مسئله کس دیگری نبود. میگوئیم احتمال اینرا بدھید که یک روزی خدای نکرده یک کودتاًی بشود و یک کسی بیاید و از این اصول سوءاستفاده کند، غرض این نبود که خدای نکرده شمامیخواهد قانونی بنویسید که خودتان حکومت بکنید.

طاھری گرگانی — اجازه بفرمائید من صحبت کنم تا رفع شبهه از طرفین بشود. اولاً من دستم را بلند کردم و طرفدار این اصل هستم و به نظر من اصل زنده‌ای است. ثانیاً با آقای بنی صدر هم دوست هستیم و حساب دوستی و برادری به جای خودش اما نباید یک طوری جلوه بدھیم که بودن روحانیت در این مجلس تحت عنوان این باشد که میخواهند حکومت رامنحصر به روحانیت کنند. من میخواهم از این جمله دفاع کنم. من درین کسانیکه در این مجلس جمع شده‌اند، افرادی را میشناسم که هم قبل از پیروزی و هم بعد از پیروزی جانشان روی دستشان است و فدای اسلام میکنند و ابدآ نظری به حکومت نیست. من میخواهم مطالب طوری گفته شود که حق و باطل در برابر هم قرار گیرد نه روحانی و غیر روحانی. ضمناً مرز آزادی



حرفها را روشن بکنید ما نمی خواهیم اختناق ایجاد کنیم ما می خواهیم توطئه علیه مبانی اسلامی نشود. به خدا قسم عده ای تحت عنوان مجاهد مسلمان به دهات مازندران میروند و به مردم میگویند بریزید و زینتها را بگیرید. آخر اگر دولت تصویب کرد خودش میاید و تقسیم میکند و همچنین به عنوان مسلمان میروند و دستور میدهند که توطئه بکنند و برعلیه جمهوری اسلامی قیام بکنند، این که صحیح نیست باید یک راهی برای جلوگیری از این توطئه ها پیدا کرد.

نایب رئیس – اجازه بفرمائید بنده این قید را هم به نظر خواهی بگذارم اگر نظر کافی آورد میتوانیم با ورقه رأی بگیریم «تشکیل اجتماعات و راهپیمانی آزاد است بشرط اینکه بر ضد...» (تهرانی – مشروط براینکه). مگر چه تأثیری دارد وقتی شرط می آورند؟

تهرانی – این پیشنهاد ما است لطفاً آنرا به رأی بگذارید اگر رأی نیاورد بعد حذفش کنید. بعد از آزاد است» یک قید هم دارد، قیدش اینست که «به شرط اینکه محل امنیت و برخلاف مبانی اسلام نباشد، آزاد است».

نایب رئیس – با اینکه هیچ تأثیری در معنای مطلب ندارد این هم قید مهمی نیست «تشکیل اجتماعات و راهپیمانی به شرط آنکه بر ضد اسلام و امنیت نباشد آزاد است و مقررات مربوط...»

تهرانی – بر ضد مبانی اسلام، ما احکام و مبانی اسلام را می خواهیم، این پیشنهاد ما است شما این مطلب را بگذارید.

نایب رئیس – آقای تهرانی غیر از شما هم پیشنهاد داده اند. اینجا من یک پیشنهاد کنی از آقایان دارم که نوشته اند «بر ضد اسلام و امنیت کشور» اینقدر آقایان روی جزئیات الفاظ خودتان مصر و معجب نباشید.

میرمرادزه – اگر قرار باشد در تمام اوقات جلسه سروصدای بکنیم دیگران نمی توانند حرف بزنند و اگر قرار باشد در کنار هر اصلی مثل غذاهای فرنگی، گوجه فرنگی و خیارشور بگذاریم، اینجا هم اینکار را بکنید و قیودی از جهت اسلامی و غیره بگذارید.

مدنی – چرا در مجلس ادب رعایت نمیشود؟ ما میگوئیم موافق با مبانی اسلام باشد ایشان از گوجه فرنگی و خیارشور صحبت میکنند.

نایب رئیس – ما هم همین را میگوئیم. توجه بفرمائید اصل را قرائت بیکنم:
اصل ۳۱ – تشکیل اجتماعات و راهپیمانی به شرط آنکه بر ضد اسلام و امنیت نباشد آزاد است و مقررات مربوط به نظم راهپیمانی و اجتماع در خیابانها و میدانهای عمومی به موجب قانون معین میشود.

چون جو مجلس مساعد نیست همین متن را با ورقه رأی میگیریم. لطفاً گلدانها را برای اخذ آراء ببرید.

(در این هنگام رأی گیری بعمل آمد و نتیجه آراء به شرح زیر اعلام شد.)

نایب رئیس – عده حاضر در جلسه پنجاه و هفت نفر، تعداد کل آراء پنجاه و هفت رأی، تعداد آراء موافق چهل و دو رأی، آراء مخالف پنج رأی، آراء ممتنع ده رأی بنا بر این این اصل رد شد.

جوادی – راهپیمانی اگر قرار باشد که مخالف اسلام باشد یا مربوط به حزب است یا مربوط به جمعیت و قبل از اینکه راهپیمانی انجام شود دولت طبق هشت قید، جلوی آنها را



خواهد گرفت.

نایب رئیس — این تذکر را دادیم. آقای متنظری هم تذکری دارند، آقای متنظری بفرمائید.

متنظری — ما گاهی از اوقات در این اصولی که تصویب میشود میخواهیم به اصطلاح ابرویش را درست کنیم چشمش راکور میکنیم. ما میگوئیم «اجتماع و راهپیمانی به شرطی که توطئه علیه هیچ چیز نباشد» فردا هر اجتماعی که میخواهد بکنند و چهارنفر در یک مسجد جمع شوند یک پاسبان میاید میگوید میخواهید علیه امنیت کشور توطئه کنند. این معنا یا اینست که قدرت را به دست دولت بدھیم که از هر اجتماعی اعم از مذهبی و غیره جلوگیری کند. ما قبله دیده بودیم اگر چهار نفر میخواستند در مسجد جمع شوند و یک نفر هم از مبانی اسلام برایشان صحبت کند شهربانی میاید و جلوگیری میکرد. حال اگر این احتمال میرود که یک وقت دسته‌ای علیه اسلام به خیابان بیایند و تظاهرات کنند به نظر من کسی جرأت نمیکند باید و اینطور تظاهرات بکند، اگر قید بگذاریم هر راهپیمانی و اجتماعی اعم از اینکه در مسجد یا در حسینیه باشد بهانه به دست دولت میدهید که باید و جلوگیری کند بنابراین یک اصل بی خاصیت میشود.

نایب رئیس — این اصل که تصویب نشد و رد شد و بر طبق قراری که داریم این اصل دیگر به این صورت قابل طرح نیست و پیشنهادهای گوناگونی هم میرسد و اگر ادامه دهیم بحث تا آخر جلسه ادامه خواهد داشت و به جائی هم نمیرسد. اگر انشاء الله مطلب جدیدی تهیه کردیم سرکار به نوبت صحبت بفرمائید. بنابراین اصل بعد را برای طرح در جلسه قرائت میکنم:

۳ — ادامه بحث پیرامون اصل ۲۹

اصل ۲۹ — نشریات و مطبوعات در نشر مطالب و بیان عقاید آزادند، مگر در نشر مطالب مخالف عفت عمومی و اهانت به شعائر و مقدسات دینی و افترا و تعرض به شرف و حیثیت اشخاص و نشر اکاذیب و ترویج فساد. جرائم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون معین میکند.

دوستانی که سؤال دارند لطفاً دستشان را بلند کنند تا نام نویسی شود. (صفی) — من پیشنهادی داده‌ام. پیشنهاد شما را دیده‌ام آیا مایلید آنرا بخوانم؟ (صفی) — اگر اضافه بفرمائید، نخوانید هم اشکالی نمی‌بینم. (سبحانی) بسیار خوب، آقای حسینی هاشمی سؤالی دارید یا میخواهید صحبت کنید؟ (حسینی) هاشمی — می‌خواهم هفت دققه صحبت کنم. موافقید یا مخالف؟ (حسینی) هاشمی — مخالف. آقای سبحانی سؤالی دارید بفرمائید؟

سبحانی — علی‌الظاهر همان اشکالی که متوجه اصل قبل بود متوجه این اصل هم هست و دست فرق ضاله را در نشر کتابهایشان باز میگذارد.

نایب رئیس — شما که مخالف هستید، پس بفرمائید سؤال دارید چون شما میفرمائید دست فرق ضاله را باز میگذارد. (سبحانی) — پس چه باید کرد؟ من اسم شما را به عنوان مخالف یادداشت میکنم. (سبحانی) — بسیار خوب. آقای بشارت جنابعالی سؤالی دارید بفرمائید.



پشارت — بعضی مطالب است که مردم در مقابلش از خودشان دفاع میکنند مثلاً اگر اقترا و دروغی باشد مردم خودشان مقابله خواهند کرد ولی مواردی است که اخیراً هم با آن رویرو بودیم مانند قضیه آیندگان، در این موارد باید از توطئه و تحریک مردم بر علیه حکومت به یک صورتی جلوگیری کرد.

نایب رئیس — آقای خامنه‌ای جنابعالی سؤالی دارید بفرمائید (خامنه‌ای) — مطلب بنده را آقای پشارت گفته‌نده و منهم نظر ایشان را تأیید میکنم). بسیار خوب آقای آیت شماموافق هستید یا مخالف؟ (دکتر آیت — مخالف). آقای مهندس دانش راد سؤالی دارید بفرمائید.

دانش راد — من عقیده دارم تکلیف مردم را درباره مسائلی که مرتب در مورد رعایت احترام به شعائر اسلامی بحث میشود، در یک اصل روش بکنید که هیچ کس حق ندارد از این حدود تعازز کند، خواه در راهپیمانی و خواه در کتاب نوشتن و یا هر چیز دیگر و آنوقت میتوانیم مواد دیگر را راحت تر بنویسیم و رد شویم، بنابراین آن‌ساده را باید پیدا کنیم وحدودش را هم روش نکنیم که افراد مقید هستند و کسی حق ندارد خیانت بکند، کسی حق ندارد به اسلام و ادیان توهین بکند و اینرا در یکجا بنویسیم که نه در مدرسه و نه در دانشگاه و نه در راهپیمانی و نه در مطبوعات کسی حق ندارد به شعائر اسلامی توهین کند.

نایب رئیس — آقای انواری سؤالی هست بفرمائید.

انواری — سؤال بنده این است که اگر مطبوعات آزاد باشد فرقه ضاله بهائیه، کمونیستها کتابها مینویسند و طبع و منتشر میکنند و در استان‌ها و بخشها و دهات مردم را گمراه میکنند. **نایب رئیس** — آقای دستغیب سؤالی دارید بفرمائید. (دستغیب — سؤال را کتاب فرستاده‌ام). بله آقای دستغیب و آقای صافی هر دو پیشنهاد کرده‌اند که اضافه شود «مگر در نشر مطالب ضد اسلامی و مخالف با عفت عمومی» و آقای دستغیب پیشنهاد کرده‌اند «یا ضد دینی و تضعیف عقاید». آقای اکرمی بفرمائید.

اکرمی — غیر از مطلب آقای پشارت یک پیشنهاد اصلاح عبارتی دارم. در پیش‌نویس قبلی این مورد بوده است «کیفیت مجازات و رسیدگی به آنها را قانون معین میکند» در اینجا مرقوم فرموده‌اید «جرائم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون معین میکند» این تغییر عبارت برای چیست؟ (نایب رئیس — چون اول باید رسیدگی کرد بعد مجازات، نه اینکه اول مجازات کنند بعد رسیدگی شود). درست است ولی رسیدگی که کیفیت به آن صورت‌نمی‌خواهد. اگر کیفیت مجازات در رسیدگی مطرح است رسیدگی میشود. نمیدانم تغییر عبارت برای چیست؟ (نایب رئیس — رسیدگی خودش به این معنا است که آیا دادگاه هیأت منصفه میخواهد یا نمی‌خواهد؟ یعنی مربوط به کیفیت رسیدگی است). بنابراین تغییر به این علت بوده است.

نایب رئیس — بله، آقای موسوی تبریزی سؤالی دارید بفرمائید. (موسوی تبریزی — سؤال اینست که برای کتب ضلال چه فکری کرده‌اید؟) بسیار خوب آقای فاتحی سؤالی هست بفرمائید.

فاتحی — شما اینجا یک جمله‌ای فرمودید که مطبوعات و نشریات در بیان عقایدآزادند و در مقابل آن چند مطلب کلی گفته‌اید که همه‌اش معجهول است. مراد از مطالب مخالف عفت عمومی به نظری که اهانت به شعائر باشد. اینها کلیاتی است که آن اصل را یک چیزی هم طلبکار میکند، مثلاً برای یک جمله آزادی چندین مطلب کلی گذاشته شده است که آزادی را



محدود میکند. (نایب رئیس — پیشنهاد شما چیست؟ اینها نباید باشد؟) به نظر من کامل نیست. (نایب رئیس — به نظر شما چه باید کرد؟) آقایان باید در موردش تصمیم بگیرند.

نایب رئیس — آقای رحمنی سوالی هست پفرمائید.

رحمنی — بسم الله الرحمن الرحيم. وقتی که اینجا ذکر کرده است که «مگر در نشر مطالب مخالف عفت عمومی و اهانت به شعائر و غیره آزاد نیست» یعنی اینها جرم است آنوقت دیگر جائی ندارد که بگوید «جرائم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون معین میکند» بلکه باید گفته شود «کیفیت رسیدگی و تشخیص و مجازات از طریق قانون معلوم خواهد شد».

نایب رئیس — بسیار خوب، آقای فرمایشی دارید؟ (قرشی) — من می خواهم به عنوان موافق صحبت کنم. (بسیار خوب آقای هاشمی به عنوان مخالف پفرمائید صحبت کنید.)

سید میرالدین هاشمی — مسئله آزادی افکار و عقاید مسئله ایست که برای حفظ و انسجام و اتحاد یک ملت باید مورد توجه و اهمیت قرار گیرد، ولی باید واقعیتها را اینرا ملاحظه کرد من دو یا سه مورد از اثرات بسیار ابتدائی سانسور کردن عقاید را خدمت آقایان عرض میکنم. وقتی که جلوی یک نفر را گرفتند حتماً حس کنیکاوی او تحریک میشود و خیال میکند دارند کمالی را از او سلب میکنند و قطعاً پس از آنکه با مرارت توансه به آن فکر دست یابد نسبت به آن علاقه پیدا میکند. علاوه بر این می بینید مفاهمه اش من نوع است و بعثت و پرسی از آن آزاد نیست،

بالنتیجه شما در این مرحله از جامعه جدا شده اید و حتماً آدم متعصبی به این فکر خواهد افتاد و نهایتاً به عقده هم میرسد و انفعال هم به دنبال می آورد و برای پیش گیری از این مسئله که یک امر واهی بزرگ نشود و به صورت حقیقت جلوه نکند که فرد روی آن گرایش و متعصب بشود و در راه دفاع از عقده دار شود و قیام کند، این اصل تدوین شده است. اما باید به یک واقعیت دیگری هم کnar این توجه کرد. گرچه ما معتقدیم که مکتبمان حق است و در این مطلب قاطع هستیم و براساس منطق ریاضی می شود این امر را خیلی راحت ثابت کرد و همه آقایان اطلاع دارند وی محمد الله میتوانند ثابت کنند. غرض اینست که از ضعف منطق نیست که ما میگوئیم سانسور بکنیم و سانسور هم نمی خواهیم بکنیم، بلکه عینیت جامعه و وضع ایدئولوژی طرف مقابل را ملاحظه میکنیم، آنها از نظر هنری بسیار قوی هستند. این مسئله هنر را ساده فرض نکنید چون برای ساختن یک فیلم گاه میلیونها تومان خرج میکنند خصوصاً اگر یک فیلم مکتبی باشد و دولتهای دیگر من باب مثال ماتریالیستها این سرمایه گذاریها را کرده اند و شما فرجه و فرصتی که یک چنین بودجه ای را در این راه سرمایه گذاری کنید ندارید و یا از نظر آزادی امکانات را نداشته اید و مرتباً در حال سیز بوده اید. بنابراین در زمینه های هنری و فیلم و نوشته در مکتب مقابل شیوه های بسیار متعدد وجود دارد و از طرف دیگر نصف جمعیت کشور بی سوادند بنابراین یک نفر به راحتی می تواند یک ساک بردارد و چند حلقة فیلم کوچک داخل آن بگذارد و به دهات برود و خیلی زود هم می تواند افراد روزنایی را جلب کند. بنابراین آنها برای تحریک افراد کم اطلاع مجهز به هنری هستند که نیازی به تحصیل چندان ندارد و شما به این اسلحه مجهز نیستید، علاوه آنها به شیوه های جدید نویسنده کمی مجهز هستند، ولی در ایران به تازگی بیان ساده نویسی در حوزه ها متداول شده است. البته از نظر منطقی بسیار قوی و غنی ولی از نظر هنری ضعیف هستیم، حالا یک مطلب دیگری را مورد توجه آقایان قرار بدhem و آن فقر و محرومیت ناشی از نارسانی های اقتصادی دوران طاغوت است که عقده های بسیار زیادی را متراکم کرده، زیرا همینکه کسی در



باغ سبز نشان بددهد خیال میکنند واقعاً جنت المأوى پشت سرش است. در چنین زینهای که طبیعتاً آنها از نظر هنری مجهر و نصف ملت ما بیسواند یعنی قدرت محاسبه منطقی ندارند و از نظر روانی عقده دار هستند. آیا صحیح هست در اینجا حد آزادی به مطبوعات بدھیم یا یک کار دیگری بکنیم که جمع بین همه اینها باشد و آن اینست که پیشنهاد سمینار بین حوزه و دانشگاه داده است چنانچه هیأت رئیسه صلاح بدانند بعد این اصل را تکمیل کنند و زینهایها جه بین دانشگاه و حوزه را معین کنند و نیز میزگردی تشکیل شود که دائماً در آنجا افرادی برای بررسی حاضر باشند. آنوقت برای ما خیلی ساده است که «تا سیه روی شود هر که در او غش باشد» چون ما منطقمان یک منطق برتر است و نمی خواهیم سانسور بکنیم، ما میخواهیم ببینیم کسانیکه از نظر منطقی میتوانند شرکت کنند تعدادشان چقدر است. اینکار را در دانشگاه و در حوزه قرار بدھید که غیر از دانشجویان کسانیکه تا تحصیلات دیپلم دارند بتوانند شرکت کنند. (نایب رئیس — آقای هاشمی یکدیگر از وقت شما باقی است). ما نباید فراموش بکنیم که در پیسیاری از نقاط دنیا مسأله روزنامه نگاری عین مکتب ما به صورت شانتاز سیاسی درآمده است که بیشتر در جهت سیاسی میچرخد برخلاف مکتب اسلام که بر اساس حقانیت خودش می باشد و حاضریم روی آن صحبت کنیم و اگر در سطح کل کشور چنین سمیناری درست شد حاضر به عنوان یکی از کوچکترین اعضای این مجلس روی روابط سیاسی قانون اساسی مناظره کنم و ثابت کنم که بهترین دموکراسی مکتبی را که میشود مطرح کرد اسلام دارد و بحمد الله تا حدودی هم در کلیات آمده که ان شاء الله در بقیة اصول تکمیل خواهد شد. والسلام عليکم و رحمة الله وبرکاته.

نایب رئیس — آقای مولوی عبدالعزیز جنابعالی می خواهید به عنوان موافق یا مخالف صحبت می کنید؟ (مولوی عبدالعزیز — موافق) (پفرمائید).

مولوی عبدالعزیز — الحمد لله و كفى وسلام على عباده الذين أصطفى. أما بعد برادران اسلام و علمای اعلام و حضارگرانی منظور از عرايضی که میخواهم بکنم این است که ما خیلی سعی و کوشش داریم که دستورات اسلام در کشورهای اسلامی رواج پیدا کند و مردم اسلام را پیسنند و قبول کنند، اما باید بدانیم که امروزه دوره آگاهی و فرهنگ و دانش است مردم هیچ مطلبی را بدون عقل و منطق نمی پذیرند بنابراین ما باید اسلام را طوری به مردم بفهمانیم که مردم پذیرند. اسلام یک دین فطری و یک دین طبیعی است و همه مردم آناده هستند که اسلام را قبول کنند و به طرف اسلام بگرond و بیانند و فدا کاری کنند اما به شرطی که دوستان ما، برادران ما و علمای اعلام و همه ما بتوانیم اسلام را آنطور که هست و باید و شاید به مردم بفهمانیم نه آن اسلامی را که تنها خود ما بفهمیم بلکه اسلام واقعی را، اسلام حقيقی را و اسلامی را که بربنای قرآن باشد. کدام بد قسم است که آنرا قبول نمی کند؟ اسرورزتمام ملل دنیا محتاج به اسلام و تعالیم عالیه اسلام هستند، از ماده و مادیات بیزارند زیرا آنقدر مادیات دارند که بیزار شده اند و خودشان اعتراف میکنند که با اینکه از نظر مادیات غنی هستند سکون و آرامش ندارند پس مردم همه تشنه اسلامند زیرا اسلام دوای همه دردها هست به شرط آنکه ما اسلام را با همان چهره واقعی به مردم نشان بدھیم لهذا منظورم این بود که ما سعی بکنیم که اسلام را به مردم نشان بدھیم و اسلام را محدود نکنیم و اسلام را منحصر به عقل و فکر خودمان نکنیم در آن صورت است که همه مردم به سوی اسلام می آیند چون اسلام یک دین طبیعی است و اگر ما بتوانیم به مردم بفهمانیم که رئیس جمهوری میتواند یک



مسلمان کامل باشد و یک نفر بقال، حمال، کارگر، کارفرما، اوهم میتواند یک مسلمان واقعی باشد. لهذا منظورم این بود که برموهومات زیاد تکیه نکنیم اگر من و شما هرچه سعی بکنیم که قوانین و مقررات را چهارچوبیه بکنیم تاوقتی که مردم نفهمند آنرا قبول نمی کنند زیرا مردم اخلاق من و شما را می بینند مردم رفتار من و شما، نشست ویرخاست من و شما، طرزیز خورد من و شمارا می بینند. ما باید نمونه قرآن واسلام باشیم در اینجا که نشسته ایم باید به یکدیگر احترام بگذاریم یکدیگر را از خود بهتر بدانیم من چه عرض کنم «امهات الامراض مرضها» متوجه عرضم باشید بیخ همه مرضها، این است که من به خودم خوشبین باشم و به برادرانم بدبین، این ام الامراض است که من فکر بکنم که تنها من میدانم و آنچه که من میگوییم حق است و آنچه که برادران و دوستان و دیگران می فهمند حق نیست. این ام الامراض است که انسان نسبت به خودش خوشبین و نسبت به دیگران بدبین باشد. (نایب رئیس - دودفیقه به وقت جنابعالی باقیمانده است) خیلی عذر میخواهم، دوستان ما یک ساعت و دو ساعت و سه ساعت صحبت کردند برای من دو دقیقه ملاک عمل نیست من باید تمام صحبت‌ها می‌باشد. منظور من اینست که من و شما باید به یکدیگر احترام بگذاریم و ام مرضها اینست که من نسبت به خودم خوشبین و نسبت به دیگران بدبین باشم و اصل خوبی‌ها اینست که من نسبت به دیگران خوشبین باشم و نسبت به خودم بدبین باشم ما باید فکر کنیم که اگر یک دوستی جیزی بگوید شاید بهتر باشد و فقط به خود نتازیم و من بگوییم آنچه که من میگوییم حق است لهذا منظورم این بود که راجع به این اصل چند کلمه صحبت کنم.

نایب رئیس - آقای مولوی، آقای مدنی از شما سؤالی دارند، خواهش میکنتم گوش به سؤال ایشان بدهید و جواب ایشان را بدھید.

مدنی - شما میگوئید در مجلس خبرگان که برای قانون اساسی جمهوری اسلامی تشکیل شده یک نفر به اسلام جسارت بکند و اسم اسلام را به گوشه‌فرنگی تغییر کند و ما با او تندی نکنیم؟

مولوی عبدالعزیز - خیلی عذر میخواهم، منظورم این نیست، منظورم اینست که با منطق و با شیرین زبانی و با خوبی و با تواضع و فروتنی یکدیگر را قانع کنیم نه با پرخاش.

مدنی - «فاعتدوا بمثل ما اعتدى عليکم» کسی که به اسلام جسارت کند باید کوییده شود.

مولوی عبدالعزیز - «ادفع بالتي هي احسن» هم آیه قرآن است «فإذا الذي بينك و بينه عداوة كأنه ولی حميم وما يلقیها».

رشیدیان - آقای مرادزه نماینده مجلس خبرگان هستند و صد هزار نفر به ایشان رأی داده اند باید به مقام خودشان و علمای اعلام که اینجاتش ریف دارند توجه کنند و به اصطلاحات و الفاظی که بکار میبرند توجه داشته باشند اینجا که بحث وحی ادفع بالتي هي احسن نیست منظور این آیه در مقابل افراد غیر مذهبی و غیر اسلامی است.

مولوی عبدالعزیز - آیه عام است، منحصر نکنید. حالا عرض من اینست که قوانینی را اینجا پیاده کنیم که تمام برادران و تمام اقتشار مردم از آن استقبال کنند. حالا رسیدم به سر مطلب، حدیث را همه میدانید چون همه عالم هستید «الملم من سلم المسلمين من لسانه و یده» مسلمان کسی هست که مسلمانان دیگر از زیانش و از دستش در امان باشند و حدیث دیگر اینست «لایؤمن احد کم حتی یحب لاخیه ما یحب لنفسه» هیچکدام از شما مؤمن کامل



نمی شود تا وقتی که آنچه را که به خودش نمی پسندد به دیگران پیشنهاد منظورم اینست که اینجا این اصل خوب نوشته شده که اهانت به شاعر دینی کسی نشود و همه موافق هستیم اما منظور عرضم این بود که همچنانکه اهانت و توهین به شاعر دینی گناه است همینطور اهانت به مقدسات دینی هم گناه است ما از رادیو و از روزنامه و از تمام رسانه های گروهی می شنویم که نسبت به خلفای پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم اهانت می شود خیلی عذر میخواهیم از دوستانم که علمای اعلام هستند و وارث دین پیغمبر هستند تقاضا میکنم به برادران و دوستان و آنها که در رأس علم و عمل هستند تمام دنیا میخواهد دست به سوی شما دراز بکند ما بایستی دست همه را بپشاریم به تمام مسلمانان دنیا دست بدهیم، وقتیکه دنیای اسلام و عالم عرب از رادیوی تهران میشنوند که نسبت به خلفاً و مقدسات آنها اسائه ادب و توهین می شود چه جو رآنها ما را برادرخودشان میدانند و خودشان را برادر ما تصور میکنند، لهذا من از دوستان تقاضا میکنم با این فکر که گذشته را صلوات و آینده را احتیاط توصیه بفرمایید که در رسانه های گروهی نسبت به کلیه اشار مردم و تمام اقلیت های دینی و تمام مذاهب تحیر و اسائه ادب نشود تا مردم تحریک نشوند. عرض دیگری ندارم و آخر زمان الحمد لله رب العالمین.

نایب رئیس – از برادرمان آقای مولوی عبدالعزیز خواهش میکنیم که اگر مواردی مشخص سراغ دارند که دستگاه های رادیو و تلویزیون چنین چیزی را که بیان کردند در برنامه هایشان داشته اند، تاریخ و ساعت و نوع مطلب آنرا اعلام بفرمایند تا رسیدگی فوری و قطعی بعمل بیاید تا بسادا بینندگان و شنوندگان برنامه ها دچار شببه شوند که دستگاه های تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران چنین سهل انگاری ها و چنین رویه هایی دارد و دستگاه رهبری و اداره مملکت در برابر آن بی تقاضا و ساكت است. (مکارم شیرازی) – ما موردی را سراغ نداریم. بلی دوستان می فرمایند موردی را سراغ ندارند لذا از آقای مولوی خواهش میکنیم که اگر موارد مشخصی هست به ما اطلاع بدهند تا هم دوستان مطلع بشوند و هم اقدام بشود.

مولوی عبدالعزیز – تاریخ و موردش را کتاباً می نویسم.

نایب رئیس – خیلی مشکر می شویم اگر کتاباً مرقوم بفرمایید.

ریانی شیرازی – بدون جهت که چنین نطقی نمی کنند لابد موردی دیده اند موردش را بگویند تا ما جلویش را بگیریم.

نایب رئیس – میگویند کتاباً اطلاع میدهند آنوقت ما اقدام می کنیم.

پروش – وقتیکه مطلب مستند داشته بیاند صحبت بکنند، در غیر این صورت فکر میکنیم خلاف انصاف باشد.

نایب رئیس – آقای پروش بندۀ توضیح دادم که همه برادران و خواهان اهل تسنن در ایران و خارج از ایران اطلاع داشته باشند که اگر موردی ایشان سراغ دارند کتاباً اطلاع میدهند و سریعاً هم رسیدگی و اقدام خواهد شد. به عنوان مخالف آقای سبحانی اسم نوشته اند بفرمایید. **سبحانی** – بسم الله الرحمن الرحيم. من فکر میکنم این سه اصل یک اشکال مشترک در ذهن دوستان دارد و این اشکال اگر حل نشود هر سه اصل دچار وقفه خواهد شد یکی درباره مطلق احباب و مطلق شخصیت ها و جمعیت هاست، هر چند مقید به دین و مذهبی مطلق نباشد. هم چنین



عین این اشکال نیز در مسأله تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها هم وجود داشت و همان اشکالی که آن دواصل داشت، متوجه این اصل هم هست یعنی آنچه‌ای که استثناء میکند استثناء را تا آن حدی آورده است که آن اشکال مختص‌تری که در ذهن اکثر دوستان موجود هست مرتفع نکرده است بنابراین باید یک فکری برای هر سه اصل از نظر احسن شبهه کرد که مورد تصویب قرار گیرد. نکته دیگر اینست که در آن پیش‌نویس متوسط که گروه سه نوشته بودند کلمه فیلم نبود و بعداً تذکر داده شد که نوار و تئاتر هم اضافه شد اما در این اصلی که نوشته شده نوار و تئاتر نیست و شما میدانید که تئاتر و نوار و سینما یکی از عوامل تبلیغاتی عجیبی است و باید تکلیف آنها جوازآ و معنیاً از نظر قانون معین بشود. مطلب سومی که با آن عرض را تمام میکنم و کوشش میکنم کمتر از وقت مقرر بحث کنم اینست که کتابهایی که نوشته میشود گاهی تماس با اسلام ندارد تماس به آن معنی که مثلاً در حساب و هندسه ما کتابی می‌نویسیم که البته در آن بخشی نیست ولی یک کتابهایی است که درباره مرام خاصی نوشته میشود مثلاً فرض بفرمائید مالکیت از نظر احزاب دیگر نوشته بیشود یا درباره عقاید ملل مستقیماً با اسلام تماس ندارد میگوید عقیده من اینست واين هم دليلش، ولی یک موقع کتابی است که نه از نوع اول است که هیچ تماس نداشته و نه قسم دوم است که تماس غیر مستقیم باشد و با اسلام تماس مستقیم دارد فرض کنید کتابی درفع صاف و یا در رد قرآن می‌نویستند البته اهانت هم نیست که مشمول کلمه اهانت به شعائر اسلام باشد ولی با توجه به مطالبی که در جلسه مشترک جناب آقای دکتر بهشتی فرمودند و با توجه به همه آنها چون همه آنها در ذهن ما هست آیا در چنین زمان و موقعیت که امکانات ما از نظر تبلیغ کم است صحیح است که ما دست چنین افرادی را که مسلمان نظر توطئه ندارند ولی شاید یک قصده دارند که کتابی در رد اسلام یا در رد قرآن یا در رد خاتمیت و یا در رد مسائل دیگر مستقیماً می‌نویسند و منتشر میکنند بازیگاریم و مبالغه عنوان اینکه باید مردم آزاد و عاقل باشند و مطالعه کنند و یا به قول دوست عزیزم باید ما برویم مردم را تفهیم کنیم ولی تا ما بخواهیم برویم و تفهیم کنیم و اشکال را از ذهن افراد بیرون بیاوریم آن کتاب کار خودش را انجام می‌دهد. من به خاطر ممی‌آید که دو سال قبل در رژیم سابق یک کتابی در ایران از طرف یکی از سنتورها منتشر شد خوب این کتاب به سبک خاصی در رد اسلام و قرآن نوشته شده بود و دیدیم که چه اثر بدی در میان جوانان و افراد گذاشت کمتر کسی بود که اگر آن کتاب را مطالعه میکرد یک لغزش برای او پیش نمی‌آمد البته افراد غیروارد را عرض میکنم نه افراد متخصص را، حالا آیا صحیح است که مفکرها آزاد بگذاریم و مردم را منوع نکنیم و به صرف اینکه منوعیت حرص بیشتری می‌آورد این کتابها را آزاد بگذاریم؟ آیا ضراین نوع آزادیها بیش از منافع متصور و میان آن نیست؟ من فکر میکنم اگر به کتابهای تئوریک فکر نمی‌کنیم که درباره بیان یک جمعیتی هست، آن کتابهایی که تماس مستقیم با اسلام دارد حتماً باید از اینجا مستثنی بشود و پیشنهاد میکنم این جمله و یا شبیه این جمله باید «و یا آنچه که به منظور متزلزل ساختن حقایق اسلامی نشر میشود» که اگر قسم دوم را شامل نشود اقلام سوم منوع باشد.

نایب رئیس — مشکرم آقای قرشی موافق هستند بفرمائید. در اینجا باید به آقای سبعهانی تذکر بدhem که افزودن فیلم، نمایش، نوار به مورد است و میتوانیم اضافه کنیم زیرا چیزی نیست که اصل را تغییر بدهد.



قرشی— بسم الله الرحمن الرحيم. ان هذه القرآن يهدى للتي هي اقوم...، من به عنوان موافق با آزاد بودن نشریات و مطبوعات متنها با قیدی که عرض خواهم کرد صحبت میکنم. مطلب اول این است که دین ما، اسلام ما، یک منطق وجهان بینی قوی دارد که به علت آن جهان بینی نه از سوسیالیسم میترسیم و نه از کاپیتالیسم و نه از کمونیسم که زائیده سوسیالیسم باشد. سواله دوم این است که اسلام تنها منحصر به ما مسلمانهای این مملکت نیست بلکه یکی از مأموریتهای اسلام و قرآن اینست که دیگران را هم بسوی اسلام و قرآن بکشد، قرآن نیامده است که در این مملکت بندوه امثال بنده را که میگوئیم مسلمانیم هدایت کند و به سعادت برساند، ما باید برای دیگران این مجال و مهلت را بدھیم که آنها هم بتوانند به اسلام نزدیک بشوند و اسلام هم آنها را هدایت بکند. شخص اگر مجال داشته باشد مافی الضمير خودش را اظهار بکند و آزادانه بگوید و بنویسد، اگر باطل باشد برای خودش و برای مردم روشن میشود که چیزی ندارد و خودش هم بتدربیج منفعل میشود و دیگران هم بر اینکه چیزی ندارد کاملاً واقعیت نداشته باشند ولی اگر جلوی او را بگیریم به حکم «الإنسان حریص على مامن» این احساس برایش پیدامی شود که یک واقعیتی دارد و دیگران هم این احساس را میکنند و به دور او جمع میشوند. در زبان امیر المؤمنین سلام الله عليه خوارج آزاد بودند که تمام افکار و عقایدشان را بیان بدارند حتی نماز علی ابن ابیطالب را قطع میکردند و آیاتی میخواندند که امام هم در نماز به آنها جواب میفرمود و این مقدار آزادی را داشتند ولی وقتی که توطئه میکردند بدون مهلت و مجال امام جلوشان را میگرفت. حالا یک دفعه منظور کسانی هستند که مسلمان نیستند و ایده اسلامی ندارند ما میخواهیم در آینده بطور کلی به استثنای اقلیت های مذهبی همه آنها را از بین ببریم، این یک سواله است ولی اگر میخواهیم واقعاً با روش صحیح و مخصوصی آنها را به طرف اسلام بکشانیم و سواد اسلامی را زیاد بکنیم من اینظور احساس میکنم که باید به آنها آزادی بیان و آزادی نشریات بدهیم متنها با این قیدی که توطئه نباشد و امنیت را برهم نزنند و توطئه بر علیه مبانی اسلام تلقی نشود این احساس من است والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته.

نایب رئیس — خوب اصل را میخوانم دو نفر موافق و دو نفر مخالف صحبت کردند و به سؤالاتی هم که بود جواب دادیم، اصل را به این صورتی که اینجا هست میخوانم فیلم و نوار و نمایش اضافه شد چون ماهیت اصل محفوظ است.

رشیدیان — عبارت «برخلاف مبانی اسلامی» را هم اضافه کنید چون رأی نمیآورد و وقت ما تلف میشود.

نایب رئیس — بسیار خوب اجازه بفرمائید این اصل را به این صورت که هست با دست رأی بگیریم و نظرخواهی بکنیم.

حائزی — منوعیت نشر کتب ضلال را هم اضافه کنید.

نایب رئیس — چشم اضافه بکنیم آقای حائزی، ای کاش صبح تشریف داشتید چون روی این بحث بود جناب آقای حائزی با کمالتی که دارند همت میکنند و محبت میکنند و تشریف میآورند اما صبح توفیق نداشتم که در خدمتشان باشیم اجازه بفرمایند که متن را به همین صورت نظرخواهی کنیم بعد آنوقت قیود را که اینجا یادداشت شده بینیم به چه صورت اضافه کنیم یکی به این صورت «نشریات، مطبوعات، فیلم، نمایش و نوار برای نشر مطالب آزاد است مگر در نشر مطالب مخالف عفت عمومی و اهانت به شعائر و مقدسات دینی و افtra



و تعرض به شرف و حیثیت اشخاص و نشر اکاذیب و ترویج فساد، جرائم مطبوعانی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون معین میکند» موافقین با این اصل به این صورت دست بلند کنند (بیست و دو نفر دست بلند کردند) بیست و دو نفر با این اصل به این صورت موافقت دارند یک پیشههاد هم اینست که باید اضافه شود «جلوگیری از تحریک و توطئه» یعنی مطبوعاتی که تحریک و توطئه میکنند و یکی هم اینکه «ترویج فساد و بی دینی» یک بیان هم اینست که تعبیر مصطلح «مگر نشر کتب یا نشریات ضاله».

حقیقی کرمانی — اگر بعد از کلمه «مخالف» کلمه «اسلام» را بگذارید فکر میکنم مسأله حل شود یعنی به این صورت «مگر در نشر مطالب مخالف اسلام و عفت عمومی» که میشود ضاله.

طاهری اصفهانی — بنده هم عرض کردم کتب ضاله اضافه شود.

طاهری گرگانی — نشریات گمراه کننده بنویسید.

نایب رئیس — اگر ما بخواهیم ضاله را بیاوریم آن هم با تعبیر فارسی آن میشود «مگر در نشر مطالب گمراه کننده مخالف عفت عمومی اهانت به شعائر الی آخر...» منتها این کلمه گمراه کننده را که ما بیگوئیم کتب ضاله در فقه یک معنای خاصی را بیان میکند ولی مطالب گمراه کننده مثلا یک کسی را گمراه میکنند و بیگویند ازخانه پدرت قهر کن، بگوئیم این را هم گمراهش کرده، اینست که اصطلاح باید قدیمی روشن تر باشد.

طاهری گرگانی — جوانان را از راه بد مر میکنند پس باید اعم باشد مثلا اگر رمانهای مضره‌ای بنویسند که هم اینها را وهم آنها را شامل بشود...

مکارم شیرازی — به عبارت پس از نشر اکاذیب و کتب ضلال رأی بگیرید.

نایب رئیس — به هر حال ما به این صورت بیان میکنیم «نشریات و مطبوعات، فیلم، نمایش، نوار برای نشر مطالب و بیان عقاید آزاد است مگر در نشر مطالب مخالف عفت عمومی و اهانت به شعائر و مقدسات دینی و افترا و تعرض به شرف و حیثیت اشخاص و نشر اکاذیب و ترویج فساد و کتب ضلال، جرائم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون معین میکند» موافقین با این متن دست بلند کنند (چهل و دو نفر دست بلند کردند) چهل و دو نفر با این تعبیر موافق هستند که کافی نیست. آقای کرمی بفرمائید.

کرمی — افراد گروه منتخب آفایان هستند چطور آنچه که شما تنظیم میکنید موقع رأی دادن مقید هستید که بایستی عباراتتان تصویب بشود شما مگر از ما نیستید؟ چرا به این مطالب رأی نمیدهید.

نایب رئیس — رأی دادند.

کرمی — شما مثل ما مسلمان هستید (یکی از نماینده‌گان — هر کسی رأی ندهد مسلمان نیست). کار شما به ابو موسی اشعری و علی ابن ایطالب میماند.

نایب رئیس — آقای کرمی همه در دو نوبت رأی دادند بعضی در نوبت اول و بعضی در نوبت دوم رأی دادند. حالا برای پرهیز از هر نوع شبیهه با ورقه رأی میگیریم تا کاملا شخص باشد.

دکتر آیت — اجازه بفرمائید بنده یک توضیحی بد هم.

نایب رئیس — بفرمائید.

دکتر آیت — اصلاحاتی که شدگاهی اوقات در جهت محدود کردن است و بعضی اوقات



در جهت وسیع کردن آزادیها است من به این جهت به عنوان مخالف اسم نوشتم که میخواستم به بعضی قسمتها آزادی بیشتری بدھیم و البته در بعضی جهات هم باید کمی محدود کرد و با اینکه دفعه اول رأی دادم به این دلیل دفعه دوم رأی ندادم زیرا داریم محدودیتهای زیادی ایجاد میکنیم، موضوع این است که میگوئیم روزنامه آزاد است.

نایب رئیس — قرار نبود توضیح بدھید.

دکتر آیت — از این جهت عرض میکنم که اگر در جهت وسعت آزادی به این اصل اضافه کنید ممکن است یک مقداری بیشتر آزادی بیاورد شما فقط از این جهت می روید.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید حالا رأی بگیریم چون دوستان دیگری هم نوبت گرفته اند.

رمانی شیرازی — چون دو سه نفر تازه آمده اند متن را بخوانید.

نایب رئیس — متن را میخوانم:

اصل ۹ — نشریات و مطبوعات، فیلم و نمایش و نوار برای بیان نظر مطالب و بیان عقاید آزاد است مگر در نشر مطالب مخالف عفت عمومی و اهانت به شاعر و مقدسات دین و افترا و تعرض به شرف و حیثیت اشخاص و نشر آکاذیب و ترویج فساد و کتب ضلال. طاهری اصفهانی — میخواهیم مطلق ضلال را بگوئیم نه اینکه فقط کتاب را بگوئیم و بطور کلی هرچه گمراه کننده باشد، فیلم گمراه کننده و کتب گمراه کننده.

نایب رئیس — و مطالب ضلال جرائم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون معین میکنند» لطفاً رأی بگیرید (أخذ رأی بعد عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد).

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه شصت و شش نفر، شماره آراء شصت و شش رأی، موافقین چهل و پنج نفر، مخالف شش نفر، ممتنع پانزده نفر، به اصل بعد میپردازیم، آقای مرادزه شما حق دارید پنج دقیقه صحبت کنید اجازه می فرمائید بعد از این اصل باشد؟

مرادزه — خیر.

نایب رئیس — من اسم شما را یادداشت کرده بودم ولی گذاشته بودم برای پایان جلسه که آن موقع مطلبتان را بفرمائید ولی حالا که اصرار دارید بفرمائید صحبت کنید.

مراد زهی — بسم الله الرحمن الرحيم. من خیلی متأسفم که جریان اینطور پیش آمد ولی این تقدیربنده نیست بايد متوجه باشید آقایانی که اسباب و لوازم این برخورده را فراهم کرده بودند با وضعیتی که در مورد جلسه قبل پیش آورده بودند و گواهش مجلس و هیأت رئیسه مجلس هستند. مهمترین مسأله ای که مطرح است این است که آقایان نباید فکر بکنند کسانی که لباس روحانیت نشان نیست شاید علاقه ای به شاعر مذهبی و یا به اسلام نداشته باشند. ما در اصل چهار همین قانون اساسی تصویب کردیم که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باستی بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق و یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر هم بر عهده فقهای شورای نگهبان است یعنی این اصل را به این خاطر آوردم که بعد آ عبارت «موازین اسلامی» تکرار نشود زیرا این اصل بر تمام اصول اطلاق میشود. مسأله دوم این است که باید توجه داشته باشیم که ما داریم قانون اساسی می بنویسیم و نباید در هر اصلی یک مرتبه اولش بنویسیم «در حکومت جمهوری اسلامی» بعد هم در ذیل ماده بنویسیم «بر طبق موازین اسلامی» بنده بخاطر اینکه این مسائل تکرار نشود میخواستم تذکر



بدهم و آن مثالی هم که من زدم غرض این نبود که شأن اسلام را پائین بیاورم، شأن اسلام را کسانی پائین می آورند که با این قیود و محدودیتهایی که دست و پا گیراست، میخواهند اسلام را محدود بکنند در صورتی که من میگویم شأن اسلام در این است که به مردم آزادی بدهد. توجه بفرمایید که موضوع راجع به راهیبمانی بود. شما حساب بکنید ہر قدرتی و بخصوص قدرت حاکمه هیچ وقت نمی خواهد اعتراض بشنود. ممکن است همین مسأله موازین اسلامی را دست آویز قرار بدهند بخاطر اینکه جلو راهیبمانی یا جلو اعتراضات را بگیرند و یک خفقانی در این مملکت ایجاد بکنند. و اما با توجه به آیه ۹ سوره بقره که میفرماید «فویل للذین یبتغون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عند الله» باید توجه داشته باشیم که ما داریم قانون اساسی می نویسیم و ادعای میکنیم اینها به استناد قرآن است، اما اگر محتوای قرآن را داشته باشد فکر میکنیم بزرگترین گناهی است که ما مرتكب خواهیم شد به هر حال خیلی مستشکرم.

نایب رئیس — آقای مدنی اعتراض می کنند و می گویند هر کسی به عنوان دفاع بی نوبت صحبت نکند ما هم همین کار را خواهیم کرد. جناب آقای مدنی برطبق آئین نامه اگر مطلب کسی طوری استنباط شود که برخلاف منظورش بسود میتواند بیاید آن مطلبش را فقط به مدت پنج دقیقه توضیح بدهد و آقای سرادزهی خواستند این توضیح را بدهند. مدنی — بسیار خوب.

۴ - طرح و تصویب اصل ۳۲ (اصل بیست و هشتم)

نایب رئیس — اصل ۳۲ قرائت می شود.

اصل ۳۲ — هر کس حق دارد هر شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران هم نباشد برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

نایب رئیس — دوستانی که سؤالی دارند و اسم هم نوشته اند به این ترتیب هستند. آقای مکارم شما سؤالی دارید؟

مکارم — بنده پیشنهادی دارم.

نایب رئیس — آقای پژوهش سؤالی دارید؟

پژوهش — بنده مخالف هستم.

نایب رئیس — آقای مقدم مراغه‌ای سؤالی دارید؟

مراغه‌ای — مخالف هستم.

نایب رئیس — آقای فاتحی.

فاتحی — بنده موافق هستم.

نایب رئیس — آقای بشارت بفرمایید.

بشارت — همانطوری که استاد غفوری فرمودند الان دنیا به این مجلس و مطالبی که ما میخواهیم به عنوان قانون اساسی ارائه بدهیم توجه کرده‌اند. ما وقتی می خواهیم قوانین تصویب کنیم باید یک خرده هم آن قول و قرارها و وعده‌های راهم که امام داده‌اند فراموش نکنیم، امام مخصوصاً همین امروز آنها را تکرار کردند و در پاریس هم فرمودند که دیگران



هم حق دارند حرفشان را بزنند و بطالشان را بگویند. حرف زدن یا به گفتن است و یا به نوشتن و یا به سخنرانی است. ما بدون توجه به این مطالبی که اسام فرموده‌اند و وعده داده‌اند، اینجا می‌آئیم دایره‌اش را ضيق میکنیم و رأی هم نمی‌آوریم و آبروی خودمان را هم سی‌بریم. من از آقایان خواهش می‌کنم یک کمی هم توجه بفرمایند بینند امام چه گفته، آن امامی که ما را به اینجا رسانده و به آنها وعده داده‌اند. ما بودیم و این آقایان هم بودند بعضی‌ها شاید در شهر نبودند و با کمونیست‌ها درگیری نداشتند و نمی‌دانند که وقتی به خاطر یک کتاب به آنها فشار بیاوریم هم آبروی ما را می‌برند و هم به هر قیمتی که شده کتابشان را پخش می‌کنند و با همه این قید ضلال هم که نوشته‌ید بعد هر کتابی را که بخواهند منتشر می‌کنند. آیا منظور از قید کتاب ضلال همان بگیر و بند سواک سابق نیست؟

نایب رئیس — بسیار مشترک‌بیم از مطلبی که فرمودید اما مربوط به این اصل نیست ای کاش راجع به این اصل سخن می‌گذستید.

بشارت — اگر این سخن را نمی‌گفتم امشب خوابم نمی‌برد.

نایب رئیس — حالا دوستان تصور نکنند که چون مطلبی که آقای بشارت فرمودند مطابق سلیقه گروه دوستان ماست بوده من به ایشان اجازه دادم. آقای پرورش به عنوان مخالف بفرمائید.

پرورش — اینجا یک حقیقی قائل شده‌اید، البته مشروط بر این که مخالف با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد. فقط در این حق شغل، تمایل افراد مطرح است و با توجه به اینکه اگر تمایل مطرح باشد ممکن است شغل‌های کاذبی که معمولاً در نظام سابق هم زیاد بود و ظاهرش هم این بود که مخالف با اسلام و مصالح عمومی نبود این شغل‌های کاذب تورم ایجاد بکند.

نایب رئیس — آقای پرورش این ذیل را هم دارد که «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه».

پرورش — اگر این به اعتبار افراد باشد و افراد حق دارند شغلی انتخاب بکنند و در قسمت بعد یک وظیفه‌ای برای دولت معین شده که دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال بکار بدهد و شرایط مساعد را برای احرار شاغل ایجاد کند، آنجا حق شغل را در صورت تمایل برای افراد آزاد گذاشته و اینجا دولت موظف است که با رعایت نیاز جامعه آنرا تأمین کند، بنابراین، این دو مطلب با هم تناقض دارد زیرا تمایل افراد اگرشرط باشد، با قسمت «نیاز جامعه» ایجاد اختلاف میکند و تناقض دارد و اگر نیاز جامعه را دولت بخواهد تأمین بکند، باید تمایل افراد را هم در نظر بگیرد.

نایب رئیس — ولی به نظر ما که این را تهیه کردیم تناقض نیست، به اعتبار اینکه وقتی دولت مشاغل را بر طبق نیاز جامعه هدایت کرد تمایل افراد را بعداً تأمین خواهد کرد.

بشارت — اگر دولت فقط نیاز جامعه را تأمین بکند، تمایل افراد سلب می‌شود مگراینکه

تمایل افراد سلب نشود، یعنی دولت نیاز جامعه را در نظر بگیرد.

نایب رئیس — البته امکاناتی را که دولت فراهم می‌کند بر طبق نیاز است، اما فرد چه شغلی را مایل است انتخاب نماید، این دوتا با هم منافاتی ندارد. آقای مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — بنام خدا. دوست عزیز، آقای بشارت فرمودند، مطلبی بود که اگر



نمی‌گفتند امشب خواشان نمی‌برد. حقیقت مطلب این است که اگر بنده هم نگویم خوابیم نمی‌برد و آن این است که این موضوع عقده‌ای شده است...

نایب رئیس — آقای مراغه‌ای راجع به شغل است؟ یا راجع به اصل قبلی؟

مقدم مراغه‌ای — راجع به شغل است.

نایب رئیس — پس بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — مطلب از این قرار است که این یک نقص عمدۀ دارد. حالا آقایان اصرار دارند، بنده اول راجع به شغل بگوییم و بعد عقده‌ام را عرض بکنم. همانطوریکه کرا آگفته شده که باید علیه ظلم و تبعیض به نفع مستضعفین تصمیم بگیریم، بنده می‌خواستم این را عرض بکنم و آن اینکه کار به عنوان حق برای افراد شناخته بشود یعنی تنها این نباشد که هر کس کاری مناسب با وضع خودش بیدا کند. بلکه جامعه موظف باشد که برای هر فردی کاری را در نظر بگیرد و در مقابل آن کار هم دستمزد مناسبی بدهد. بنده برای این که وقت را نگیرم فکر کردم اینطور پیشنهاد اصلاحی بدهم، البته این مطلب را به عنوان پیشنهاد عرض نمی‌کنم بلکه منظور من روشن شدن مطلب است. کار، حق و تکلیف هر فرد ایرانی است و هر کس می‌تواند کار خود را آزادانه انتخاب بکند مگر کارهایی که خلاف قانون یا اخلاق یا بهداشت عمومی باشد. بنده می‌خواهم عرض کنم که این چند اصلی که اینجا مطرح شد، که یکی از آنها اصل آزادی اجتماع بود نفهمیدم چطور شد که با آن مخالفت شد در صورتیکه یکی از مبانی اسلام است. خود آقایان توجه دارید که الان راجع به این نماز جمعه چقدر اصرار شده، بنابراین وقتی که می‌گوئیم اصل اجتماع آزاد است دیگر صحبت از قیود نیست من تعجب کردم، مگر اجتماع حق بزرگترین دلیل اجتماع نیست که اسلام آن را قبول کرده است؟ نماز جمعه هست، مساجد هست، پس اصل آزادی اجتماع در اسلام وجود دارد و مورد تأیید و قبول است حالا چطور شد که با این اصل مخالفت کردیم، برای اینکه یک پیش‌ذهنیت‌هایی داشتیم که ممکن است کسانی بیایند و از این موضوع سوءاستفاده بکنند و فساد بوجود آورند ولی بهتر بود که اصل را قبول می‌کردیم و می‌گفتیم قانون، مشخصات و محدودیتها را تعیین خواهد کرد. لکن با کمال تأسف بنده نمی‌دانم چطور شد که با اصل آزادی اجتماع و چند اصل دیگر مخالفت شد، زیرا واقعاً اینها بر اساس مبانی اسلام است و خوب نبود طوری طرح بشود که به آنها رأی داده نشود و انعکاس بد و نامطلوبی داشته باشد. بنده معتقدم که همه آقایان علماء با این چند اصل و بطور کلی با آزادی بیان، آزادی اجتماع، آزادی قلم موافق هستند و از آقایان خیلی مدعوت می‌خواهیم که دویواره مصدوع شدم.

نایب رئیس — امروز آقای بشارت و آقای مراغه‌ای برای اینکه نظر خودشان را در زمینه اصول قبلي بگويند، مطابق با نظم عمل نکردن، خوب چه عيبي دارد اعلا حالمطالبهشان را بيان کردن. در ضمن باید یک تذکري به آقای مراغه‌ای بدهم که در ذيل اصل، همين مطلب را نوشته‌ایم، آنجا که نوشته‌ایم «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون و برای همه افراد امکان اشتغال بکار و شرایط مساوی را، برای احراز مشاغل ايجاد نماید.» اين مفصل تر و واضحتر و قاطعتر از آن چيزی است که شما می‌خواستید در اول ياوريد چون اول گفتیم که هر کس حق دارد شغلی را که می‌خواهد داشته باشد باید با رعایت نیازهای جامعه و با شرایط مساوی فراهم نماید. آقای طاهری گرگانی بفرمائید.



طاهری گرگانی — در بعضی از موارد نیازهای اجتماعی جزء واجبات کفایه است که حاکم میتواند اجرای کند. بنابراین در همه جا نمیتوان رعایت میل افراد را در نظر گرفت. **نایب رئیس** — آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — عرض بنده این است که آنچه از وضع بحث های امروز درباره این اصل فهمیدیم آقایان به دوگروه تقسیم شده اند، عده ای میخواهند حداکثر آزادیها را رعایت کنند و عده ای هم مثل اینکه میخواهند عمل به احتیاط کنند. (همه نمایندگان) اجازه بدھید من مطلب را بگوییم تا کاملاً روشن شود.

نایب رئیس — آقایان: کرمی، طاهری، بنده گمان میکنم امروز و فردا اینقدر وقت کافی باشد وقتی در مطلب آقای مکارم و یا در مطلب آقایان دیگر چیزی هست که به نظرتان صحیح نمیرسد، بعد از نطق ناطق بیان کنید. این رسم بدی است که وقتی کسی گرم صحبت است سخن‌ش را قطع کنند. آقای طاهری گرگانی بهتر است این رسم را کنار بگذارید، چه تأکیدی هست که وقتی کسی جمله‌ای و یا کلمه‌ای خلاف نظر ما میگوید فوری توی حرفش بدویم و نظرمان را بگوئیم (طاهری گرگانی — مطلب فوتی بود) خیر هیچ فوتی هم نبود، همه ما اینجا هستیم و آقایان هم تشریف دارند، آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — معدرب میخواهم در تعبیر بیان من سوء تفاهمی بین آقایان شده است، خدا میدانم میخواهم طوری بشود که کارمن بیش برود. (نایب رئیس — ان ارید الا اصلاح ما استطعت) عرض بنده این است که وقتی نوشته میشود «کتب ضاله» دوگروه به آن رأی نمی‌دهند و من اینطور احساس میکنم که بعضی این را کافی ندانسته اند و بعضی هم زائد دانسته اند و این باعث میشود که در اینگونه اصول همینطور بمانیم و جلو نرویم. من نمی‌گوییم چیزی از اسلام و یا چیزی از انسانیت کم بگذارید، بلکه می‌گوییم بیانید کمی افکارمان را نزدیکتر کنیم تا بتوانیم در باره موضوعی که لازم بنظر میرسد تفاهم ایجاد کنیم والا همه اینها به هم می‌پیچد و هیچکدام از این اصول پیش نمی‌رود، عرض بنده این بود.

نایب رئیس — اجازه بدھید اگر مطلب روشن شد به بحث دیگر پردازیم. حالا اسامی آقایانیکه اینجا اسم نوشته اند میخوانم آقایان: خامنه‌ای — باریک‌بین — موسوی تبریزی — مهندس دانش راد — بنی صدر — طاهری گرگانی — طاهری اصفهانی و آقای دکتر قائمی هم قبله به عنوان موافق اسم نوشته اند، آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — راجح به عبارت «مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران» توضیح بدھید که منظور چیست؟ و درباره اش یک مثال هم بزنید.

نایب رئیس — فرض کنید در یک خیابان یک نانوائی سرمایه‌گذاری کرده و نانوائی باز کرده و یک شخص دیگری هم به شهرداری مراجعه میکند که در دهمنtri او یک نانوائی دیگر باز کنند در حالیکه محل، کشش ندارد و نتیجتاً هردو آنها زیان می‌بینند، اگر آن شخص آدم خیلی هشیاری نباشد که راهنمائی شهرداری در ذهن او اثر بکند و پاششاری بکند و بگوید آقا حق شغل، آزاد است، بنابراین من میخواهم این کار را داشته باشم، این برخلاف مصالح عمومی و حقوق دیگران است که البته انواع متعدد دارد و من فقط خواستم یک نوعش را مثال بزنم. آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — در تاریخ ما استمرار داشته.



نایب رئیس — اجازه بدید اقلام سریعتر بگذریم. یکی از نمایندگان سؤال میکند به جای شرایط مساوی شرایط مناسب بگذاریم تا اینطور خیال نشود که شرایط مساوی یعنی مثلاً اگر یک مهندسی کار ندارد و یک کارگری هم کار ندارد و برای هر دو شرایط مساوی احتمال دارد می‌گوئیم هردو یک جور مزد بگیرند، خبر ما نتفقیم هر دوی آنها یک‌جور مزد بگیرند، مالگفتیم دولت باید برای همه مردم جمهوری اسلامی با شرایط مساوی کار ایجاد بکند یعنی کاری نکند که به تعبیر شما مهندسی بتواند زودتر از کارگر کار پیدا کند. دولت وظیفه دارد طوری شرایط اشتغال را فراهم کند که کارگر هم بتواند براتحتی کار پیدا کند و هر دو از نظر امکان پیدا کردن کار، نه از نظر نوع کار مساوی باشند. آقای موسوی تبریزی سؤالی هست؟

موسوی تبریزی — پیشنهادی است راجع به کفایت مذاکرات.

نایب رئیس — بسیار خوب آقای مهندس دانش را بفرمائید.

مهندس دانش راد — جنبه مثبت رعایت حقوق دیگران را آقای بنی صدر فرمودند ولی جنبه منفیش را چطور حل کنیم زیرا درگذشته انحصار ایجاد میکردند که از این جهت کشور ما مشکلات فراوان داشته، مانند کارخانجات روغن نباتی و کارخانجات لوازم دیگر.

نایب رئیس — هر نظمی همینطور است اگر خوب اجرا کنند سود دارد و اگر همان نظم را بد اجرا نمایند عاقبتی ضرر و زیان است. همیشه این خاصیت نظم است.

دانش راد — معمولاً همیشه آن نظم، پدش می‌چرید.

نایب رئیس — امیدوارم اینطور نباشد، آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — بلی حقوق جامعه همیشه مقدم است.

نایب رئیس — آقای طاهری اصفهانی سؤالی هست؟

طاهری اصفهانی — بنده سؤالم این است که آیا منظور نویسنده‌گان این متن این است که در پیش‌نویس‌های قبلی عبارت «مخالف حقوق دیگران» را ننوشته‌اند؟ حالاً شما آنرا بخوانید و با هم مقایسه کنیم.

نایب رئیس — یعنی میفرمائید نخوانده تهیه کردید؟

طاهری اصفهانی — میخواهم بدانم چرا این بر آن مقدم است آیا منظورتان از «مخالف حقوق دیگران» همان مثالی است که درباره نانوائی زدید؟ این مسئله انحصار طلبی میشود که به اثبات آقای خامنه‌ای مخالف اسلام است و اما اگر فقط همینطور جلو نفع دیگری یا جلو درآمد زیاد دیگری را میگیرد که اشکالی ندارد.

نایب رئیس — آقای اشراقی سؤالتان را بفرمائید.

اشراقی — از سؤالم صرفنظر کردم چون مطلب بنده هم همان بود که آقای طاهری فرمودند.

نایب رئیس — آقای موسوی تبریزی سؤالی دارید؟

موسوی تبریزی — شما فقط یک مثال زدید، در شرع از این مثالها زیاد داریم مثلاً کسی که می‌آید در بازار زرگرها آهنگری درست میکند این شرعاً جایز نیست.

نایب رئیس — بسیار خوب سؤالات تمام شد، اصل را یک بار می‌خوانم:

اصل ۳۲ (اصل بیست و هشتم) — هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و

مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت



نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد اسکان اشتغال بکار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

لطفاً گلدانها را برای اخذ رأی ببرید.

(أخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه در موقع رأی‌گیری شصت و سه نفر، شماره آراء شصت و سه رأی، موافق پنجاه و هشت نفر، مخالف یک نفر، ممتنع چهار نفر، بنابراین تصویب شد.
تکییر (حضور سه مرتبه تکییر گفتند)

۵ - پایان جلسه

نایب رئیس — عنایت بفرمایید ما برای اینکه فردا بتوانیم روی این اصول بیشتر تبادل نظر بکنیم فردا صبح جلسه فوق العاده نخواهیم داشت و بجایش جلسه مشترک گروهها خواهد بود.
(جلسه ساعت هجده و ده دقیقه پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بروزی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی



جلسه بیست و نهم

صورت مشروح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده و ده دقیقه روز دوم مهرماه ۱۳۵۹ هجری شمسی
برابر با دوم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آیت‌الله حسینعلی منتظری (رئیس) تشکیل شد.

فهرست مطالب

۱ - اعلام رسیدگان جلسه و قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه	قبل
۲ - بیانات قبل از دستور آقای سید موسی موسوی قهریجانی
۳ - طرح و تصویب اصل ۳۳ (اصل بیست و نهم)
۴ - طرح و تصویب اصل ۳۴ (اصل چهل و یکم)
۵ - طرح و تصویب اصل ۳۵ (اصل چهل و دوم)
۶ - طرح و تصویب اصل ۳۷ (اصل سی و چهارم)
۷ - طرح و تصویب اصل ۳۸ (اصل سی و پنجم)
۸ - طرح و تصویب اصل ۳۹ (اصل سی و هفتم)
۹ - طرح و تصویب اصل ۴۰ (اصل سی و ششم)
۱۰ - طرح اصل ۴۱
۱۱ - پایان جلسه

دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱ - اعلام رسمیت جلسه و قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه قبل

رئيس - اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم. جلسه رسمی است، اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسه عصر یکشنبه اول مهرماه قرائت می شود :

غایبین عبارتنداز آقایان: انگلی، سخابی، فوزی، هاشمی نژاد.

کسانی که تأخیر داشتند عبارتنداز آقایان: اکرمی هجدوی دقيقه - با هنر بیست و سه دقیقه - بنی صدر چهل و یک دقیقه - دکتراوشان اسی و هشت دقیقه - حائری اسی و شش دقیقه - حیدری هفده دقیقه - خادمی یکصد و چهار دقیقه - خالاتیان بیست دقیقه - دستغیب اسی دقیقه - دکتر شیبانی اسی و هفت دقیقه - طباطبائی نوزده دقیقه - مولوی عبدالعزیز شانزده دقیقه - فلسفی هفتاد دقیقه - مراغه‌ای شصت و هفت دقیقه - موسوی اردبیلی شانزده دقیقه - نوربخش یکصد و هفت دقیقه . البته اضافه کنم من خودم هم آخر وقت اجازه گرفتم رقمم دانشگاه آنجا صحبتی داشتم. (پکی از نمایندگان - چند دقیقه؟) یک ربع به ساعت پنج بود که رقمم .

۲ - بیانات قبل از دستور آفای سید موسی موسوی قهدریجانی

رئيس - برای نطق قبل از دستور طبق اسامی که اینجا یاد داشت شده است نوبت آفای موسوی قهدریجانی است، بفرمائید .

موسوی قهدریجانی - در ابتدای بحث و عرضم در این انتظار بودم که فرصتی پیدا کنم تا هم از برادران و خواهاران مسلمانمان و هم از رسانه‌های گروهیمان در کشور گلایه‌ای یکنم که آنگونه که انتظار می‌رفت به این مجلس پراهمیت در این موقعیت حساس تاریخی ایران اهمیت پدیدهند، چون بنظر من اهمیت لازم را ندادند و آنگونه که انتظار می‌رفت خودشان را در رابطه با این مجلس نگه بدارند و تمام مسائل این مجلس را پیگیری کنند، نکردن و این مطلب را دوستانی که آمارگرفته‌اند یا از فروش روزنامه‌ها و سؤالاتی که از مردم شده است، دریافت‌هایند که آنگونه که شایسته بوده است مردم اخبار این مجلس را پیگیری نکرده‌اند. سبب این کار شاید یک مقداری به این خاطر بوده است که مباحث این مجلس در خارج تحریف شده است و مقداری هم معلول این بوده است که مردم خودشان مستقیماً در جریان آنچه می‌گذشته، نبوده‌اند و ما انتظار داشتیم با توجه به اینکه این مجلس سرنوشت آینده‌شان را، دینشان را، اقلابشان را می‌سازد، فرد فرد مردم خودشان را مسئول بدانند و لحظات این مجلس را پیگیری کنند و برای ما هم پیگیری آنها و همیاری و همکاری آنها مغتتم بود چه بسا اگر پیشنهاد اتشان و انتقادها و اعتراضاتشان مرتباً رسیده، رهنمونی می‌شد که ما بعضی از مشکلات و بن‌بستها را پیدا می‌کردیم و من به عنوان فرد کوچکی از این مجلس انتظار دارم که رادیو و تلویزیون و



روزنامه‌ها دراین فرصت کوتاهی که از کار این مجلس باقیمانده است مطالب آنرا برای مردم پیشتر منعکس نمی‌کنند. واما تذکری کوتاه نسبت به نکته‌ای فوق العاده مهم، حسابگری موقعیت مناسب زمان پیروزی و شرایط کاملاً مساعد آن و عدم توجه به مسیر آینده انقلاب، بیشتر جوامع را برآن داشته که در برنامه ریزیهای حکومتی خود، مردم را که عامل اساسی و پایه‌انقلاب بوده فراموش کرده‌اند و به حساب صلاحیت آنروزهای دولت که امری ضروری بوده فقط به تقویت حکومت پرداخته‌اند و پیش از محدود کردن قدرت حکومت به محدودیت مردم فکر کرده‌اند و حتی فکر کردن که اگر قانون اساسی غلیظ و شدیدی بنویسند و بدست حکومت بدنه‌ند دیگر کار تداوم انقلاب تمام شده و مردم می‌توانند به راحتی به زندگی شخصی خودشان پردازند و حال آنکه پس از مدتی، که گاهی هم خیلی کوتاه بوده با قدرتی منسجم دربرابر مردم و قوانینی مترونک و فراموش شده رویرو شدند. آگاهی و دخالت قاطع مردم مهمترین عامل تداوم انقلاب است، هدف مهم دشمن و ضدانقلاب از آشوبهای داخلی پس از انقلاب، جدا کردن مردم از برنامه‌های سازنده فرهنگی و عمرانی و درگیر کردن حکومت با مسائل و مشکلات و جنگهای داخلی بوده و دراین درگیری شکل دادن حکومت ندرد دل مردم بلکه جدا و دربرابر مردم است.

اصرار فوق العاده دوستان بر محدود کردن آزادیها و وحشت از جمیعتهای غیر اسلامی و اطمینان از انحراف حکومت، گواه زنده‌ای است براین که فقط ما به امروز فکر می‌کنیم. درالجزیره قانونی نوشته شد که چنان حکومت مستقل و قدرتمندی شکل گرفت که همان اوائل کاربومدین توانست بن بلا چهره محبوب انقلاب را کنار بزند، این خطر بطور جدی ما را هم تهدید می‌کند. به منظور حفظ دخالت و همکاری توده مردم باید در قانون اساسی نکات ذیل کاملاً

رعايت شود:

۱— قانون اساسی باید تبلور خواستهای انقلابیون و تحریر شده از نهاد انقلاب باشد، هر انقلابی ایده‌هائی دارد که در شعارها، فریادها و حماسه‌ها و باخون شهیدان و بدر و دیوار و خیابان متجلی می‌شود، عدم توجه به خواستهای مردم موجب فاصله گرفتن آنان و شکست انقلاب است. با کمال تأسف مشاهده می‌شود بعضی فکر می‌کنند که خوبی و کمال قانون اساسی با هرچه بیشتر محدود کردن و احتیاطهای مشابه درقه را اینجا آوردن، حاصل می‌شود و حال آنکه اینجا احتیاط در خلاف احتیاط است. احتیاط اینجا دقیقاً شناخت سیستم و قاطعانه ترسیم و پیاده کردن آن است. احتیاط به معنای رایج آن اگر در مسائل اقتصادی پیاده شود، نتیجه آن طردیاری از سرمایه دار و محکوم کردن فقیر است. ماباید خارج از احتیاطهای نایاب و محدودیت های خود ساخته، قوانینی را طرح کنیم که برای ملت‌های محروم درانتظار، الگو و نسبت به دولتهای طاغی درانتظار توطئه و عیب‌گیری، مشت آهنینی باشد. انقلاب جهانی، کلمات و حرفهایش هم باید وجهه جهانی داشته باشد. این اولین قانون اساسی است که در دنیا بنام اسلام نوشته می‌شود و می‌تواند الگویی برای دیگران باشد.

۲— رعایت کامل عینیت‌های جامعه امروز و فردا و درنظر گرفتن کامل شرایط و توجه به همه ابعاد از ضروری ترین مسائل قانونگذاری است و گرنه اگر جدا از عینیت‌ها و شرایط و ابعاد قانون نوشته شود، مدبنه فاصله ذهنی ترسیم شده که قابل عمل نیست و نتیجتاً موجب فاصله مردم است. قانون گاهی کاملاً ایده‌آل است ولی قابل پیاده شدن نیست زیرا ممکن است مسئله‌ای صد درصد اسلامی باشد ولی پیاده شدن در شرایطی زمینه نداشته باشد. انقلاب مادر حققت



بعثت تازه‌ای برای احیاء دین است و باید به تغییر بسیاری از نهادها تلاش کند.

۳- اهرمهای قدرت که طاغوتیان برپایه آنها توانسته و می‌تواند قدرتی مستقل از توده مردم برای خود و اربابانشان شکل دهنده، باید کاملاً شکسته شدنشان در قانون اساسی و در عمل مردم پیش‌بینی شود (اهرم نظامی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی) طاغوت باقدرت نظامی خاص و سیستم مخصوص اقتصادی و تزریق فرهنگ و بیان تاریخ خاص است که کیان او را تشکیل میدهد.

۴- با ایجاد شوراهای و برنامه‌های مشابه مردم را باید در برنامه ریزی و اجرای انتقاد دخالت داد. ضمناً لازم میدانم چند تذکر راجع به نحوه کار مجلس خبرگان به عرض برسانم:

الف- موضوعاتی کاملاً جزئی وقتی مطرح نمیشود و نتیجتاً مسائل عمدۀ متروک میماند و به اهداف اساسی انقلاب کمتر توجه میشود.

ب- کیفیت مجلس مناسب جمعیت خبرگان سلمان نیست در همچون محیطی باید اولویتها به نهایت درجه سنجیده شود و حال آنکه تا به حال آنانکه صدایشان در مبارزات برای مردم آشناز بوده و در علم و آگاهی هم برترند، کمتر فرصت و میدان بحث و ابراز نظر پیدا کرده‌اند.

ج- حق هیأت رئیسه منتخب خود ما که توجه به دستوراتشان است، رعایت نمیشود بلکه گاهی در برابر تلاش بی‌شایبۀ شان متهم هم میشوند.

د- با کمال تأسف عده‌ای از برادران که در طول ترکتازیهای رژیم ساکت و بلکه مانع مبارزه بودند، امروز فرصت طلبانه کاسه داغتر از آش شده و داد و اسلاماً میزند که مثلاً فلان کلمه را انداخته‌اند، شیعه از دست رفت و مانند اینها، من حرف این است که آنان که همه چیزشان را درگرو احباء دین قرار دادند، با عملشان ثابت کردند که بیش از دیگران دلشان برای اعتلای دین سوخته و تلاش نمیکنند.

۳- طرح و تصویب اصل ۳۳ (اصل بیست و نهم)

رئیس- یک تذکر به آقایان عرض بکنم که از اول، برنامه مجلس خبرگان‌سی و یک روز بود پانزده روز هم بحسب رأی آقایان تمدید شد، روز چهارشنبه هفته آینده چهل و شش روز تمام میشود، حالا دستور جلسه مطرح است اصل ۳۲ قرائت میشود.

اصل ۳۳- برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنیستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و از نظر خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی، دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از شارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

وئیس- من یک توضیح کوچک بدهم و آن این است که در آن پیش‌نویس سابق فقط «یمۀ» بود ولی در این اصلی که تنظیم شده است توسعه‌اش خیلی از یمه زیادتر است، خدمات بهداشتی و پیشگیری‌های پزشکی و اینها اضافه شده است مسألۀ آموزش و پرورش و سکن را بعضی آقایان گفتند هر کدام یک اصل جدا دارد که بعداً به آنها میرسمیم پس در حقیقت دولت باید امکانات لازم را برای برآوردن تمام نیازهای اجتماعی مردم فراهم کند غیر



از آموزش و پرورش و مسکن که بعد آ روی آن صحبت خواهد شد. اگر سؤالی هست مطرح بفرمائید.

بشارت — افرادی که مورد تأمین قرار گرفته اند «بیوه زنان» نیستند یک زن سالم بیوه را نباید گفت بی سرپرست، چون آنها این عنوان را برای خود توهین تلقی می کنند و می گویند ما چیزی از بعضی از برادرانم کم نداریم.

رئیس — همان ارامل و ایتمام بی سرپرستها هستند. (بشارت) — به هر حال اگر میشد این را جدا بنویسید بهتر بود. (خامنه‌ای) — من با این اصل مخالف هستم. (دستغیب) — من با این اصل موافق و مطالبی هم دارم که عرض خواهم کرد. آقای اکرمی بفرمائید.

اکرمی — این اصل به این نحو که نوشته شده به نظر می آید که قسمتهای اول، تأمین اجتماعی شامل بازنیستگی و بیکاری، و بقیه میشود سائل بهداشتی و درمانی بیمه‌ای است. (رئیس) — خدمات بهداشتی و درمانی لازم نیست بیمه‌ای باشد، اعم است. (اینطور که نوشته شده اینجور به نظر می آید که میشود بیمه و غیره را در عبارت «درآمدهای حاصل از مشارکت مردم» گنجاند که همه اش اعم بشود نه اینکه دو دسته بشود بعضی هایش تأمین اجتماعی بشود و بعضی هایش بیمه، با آن اشاره‌ای که وزارت بهداشتی و بهزیستی هم کرده بود شاید کامل تر باشد.

رشیدیان — مطلبی میخواهم عرض کنم که صبح هم عرض کردم اما باز در این متن گنجانده نشده است، عرض کردم مسئله تأمین و تکافل اجتماعی در اسلام یک اصلی است که اگر اجرا بشود همه موارد ایتمام و همه افراد بی سرپرست و غیره را در بر میگیرد و اگر خواستیم مسئله بیمه را عنوان کنیم، در یک جای بخصوص و جدا از این مسئله بیان میکنیم. (رئیس) — تکافل اجتماعی یعنی دولت؟ دولت از درآمدهایی که دارد اعم از مالیاتها و منابع طبیعی و غیره میتواند زندگی ایتمام و افراد بی سرپرست، پیران، از کار افتادگان و مساکین را تأمین کند چون ما وعده داده ایم که قدر را از بین خواهیم برد و یاتکدی هم میارزه خواهیم کرد. بنابراین، این خودش یک مسئله‌ای از نظر قوانین اسلامی است، اما بیمه خودش یک پدیده جدیدی است برای کشورهای سرمایه‌داری که چون آنها نمی توانند مشکلات و معضلات اقتصادی را حل کنند و همواره با این مشکلات روبرو هستند، مسئله بیمه را عنوان میکنند. من میگویم اول اصول اسلامی را مطرح بکنیم اگر لازم آمد «بیمه» را به عنوان یک مسئله جداگانه مطرح بکنیم. (رئیس) — «تأمین اجتماعی» شامل آنها که شما میگوئید نمیشود؟) چرا میشود ولی اینجا مخلوط و آمیخته شده و جدا کردن آنها از هم برای افرادی که آنرا میخوانند، مبهم است.

رحمانی — من با این اصل موافق هستم به شرطی که یک مقداری عبارت اصلاح شود. مثلاً اینکه گفته شده است «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنیستگی، بیکاری، پیری تا آخر...» بیکاری را نمیتوان بطور مطلق موجی برای تأمین اجتماعی دانست چون بیکاری اعم است از داشتن درآمد و نداشتن درآمد، تمکن و عدم تمکن، بلکه نداشتن هزینه زندگی ملأک است. بنابراین باید گفت: «احتیاج و نیاز ناشی از بیکاری و...» رفع فرمumentی اهم از فقر مادی است و در این اصل نادیده گرفته شده است. مطلب دیگر این است که ذکر محل درآمدهای لازم نیست باید گفت «دولت موظف است خدمات فوق را از طریق قانونی



تأمین نماید» چون ذکر درآمدهای عمومی و مشارکت خدمات را مقید میسازد. (رئیس – درآمدهای عمومی را معین کنند یا درآمد سردم را؟) معین نکنند که از چه محلی اینها را باید تأمین بکنند طبق مقررات و قوانین، شاید فردا سردم مشارکت نکردند و دولت هم استغناه داشت و توانست تأمین بکند این بهانه می‌شود، از طرف دیگر همه تکلیفها را برای دولت قرار دادن و مردم را کنار گذاشتن سبب می‌شود که درآینده برای دولت مشکلاتی فراهم گردد همچنانکه ما می‌خواهیم که بالاخره دولتها اصلاح بشوند، باید ملت هم اصلاح نشود و در تنظیم این اصول ترتیبی داده شود که هم ملت و هم دولت هردو مکلف شوند که در صدد تأمین اینگونه امور باشند. (رئیس – ولذا هردو ذکر شده است). بله هردو ذکر شده است اما در عین حال عرض کردم که به این صورت هم باشد.

روانی شیرازی – صبح صحبت شد که تأمین اجتماعی وظیفه دولت است بیمه یکوارداد بین دونفر است و باز بیمه‌ها اینجا آورده شده است. (رئیس – البته بیمه‌ها الان ملی شده و مربوط به دولت است). اگر آنطور باشد که می‌شود تأمین اجتماعی، دیگر مراد از آوردن «بیمه‌ها» چیست؟ اگر اینست که دولت مراقبت کند به امر بیمه‌های غیر دولتی زیرا تنها اختصاص به مسائل پژوهشکی ندارد، تمام بیمه‌ها چه مربوط به پژوهشکی باشد و چه غیر پژوهشکی. (رئیس – این به صورت بیمه تنها به پژوهشکی نمی‌خورد به همه موارد از بالا تا پائین می‌خورد). «ومراقبتها از بالا که تأمین اجتماعی است. (رئیس – تأمین اجتماعی یک وقت از راه بیمه است یک وقت از راه غیر بیمه... تأمین اجتماعی معنای عامی است).

طاهری اصفهانی – طبق نظری که متخصصین داده‌اند تأمین اجتماعی و بیمه همانطور که الان اشاره شد، از هم جدا است نه اینکه هیچ به هم مربوط نباشد. (رئیس – یعنی اعم و اخص هستند). اینجا دو تا «از نظر» نوشته‌اید، بینید نوشته‌اید «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنیستگی...» و «... از نظر خدمات بهداشتی...». این به نظر می‌آید آن قسمت اولش را به حساب تأمین اجتماعی گذاشته‌اید و این قسمت «از نظر خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پژوهشکی» را به حساب بیمه گذاشته‌اید، درست است؟ (رئیس – خیر، می‌خواستیم معلوم شود که این خدمات بهداشتی عطف به کجاست که این خدمات بهداشتی عطف به همان جا شود و تأمین اجتماعی شامل همه اینهاست). پس چرا «از نظر» این وسط آمده است؟ (رئیس – برای اینکه معلوم شود خدمات بهداشتی عطف به آن بازنیستگی است). اینکه شما به عکس نتیجه می‌گیرید، آنوقت بیمه مکلف نیست بلکه تأمین اجتماعی را دولت مکلف است.

رئیس – نوشته‌ایم به صورت بیمه وغیره، آخر بیمه راهم دولت باید تأمین کند. آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی – درباره «از نظر»، درگروه هم صحبت شد که اگر خدمات بهداشتی را به آنها عطف کنیم عطف نامی‌جانس می‌شود چون خدمات بهداشتی تناسب ندارد به در راماندگی و بی‌سرپرستی، باید به اصل مطلب عطف بشود تا اینکه عطفش تناسبی پیدا کند و چون جمله بنده هم تمام نشده قیدی که در ذیل می‌آید به همه‌اش می‌خورد بنابراین تناسب عطف ایجاب کرده است «از نظر» تکرار نشود.

رئیس – حالا این لفظ «از نظر» که تکرار شده موجوب شده است سوءتفاهمی پیش بیاید



که «به صورت یمه وغیره» مربوط به همین قسمت آخر باشد.

کرمی—آقای مکارم، از نظر خدمات بهداشتی معطوف الیه کیست؟

خزعلی—به جای «از نظر» اگر بگوئیم در موارد کذا و کذا مطلب منظم می‌شود و ابهام

هم پرطرف می‌شود.

رئیس—یعنی به جای «از نظر» بگذاریم در موارد... (خزعلی)—تأمین اجتماعی در موارد کذا و کذا. آقای دستغیب به عنوان موافق بفرمائید.

دستغیب—بسم الله الرحمن الرحيم. با کمال معدرت از آقایان یک مقدمه لازمی را تذکرآ عرض می‌کنم بعد هم راجع به این اصل تذکراتی دارم. هم ارسوی خود آقایان نمایندگان وهم از خارج زیاد شکایت شده مبنی بر اینکه نظم مجلس ویکار نیفتادن آن خیلی موجب تأثیر است بطوری که الان جناب آقای متظیر فرمودند که چهارشنبه دیگر آخر موعد است در حالی که حالاً اصل سی و سوم مطرح است و تا صد و پنجاه یا دویست اصل چقدر طول می‌کشد؟ چند ماه طول می‌کشد؟ خلاصه باید یک فکری کرد برای اینکه زودتر انشاء الله این کار انجام بگیرد و این مملکت از بی‌سامانی بیرون بیاید. امام خمینی عطاء الله عمره هم که زیاد سفارش کرده‌اند تا بلکه وضع حکومت درست شود و همه‌اش منتظر هستند که قانون اساسی انشاء الله درست شود و برای اینکه در کار پیشرفت حاصل بشود بنده یک یاد داشت حاوی پنج پیشنهاد دارم که خدمت آقایان عرض می‌کنم آگر چنانچه آنرا تصویب فرمودید به مرحله اجراد پردازید. اولاً اینکه جلسه اخذ رأی را از جلسه بحث و گفتگو جدا کنید یعنی اولاً جلسه رأی منحصر به عصر نباشد، هم صبح و هم عصر باشد. سه ساعت قبل از ظهر تا سه ساعت بعد از ظهر تا غروب برای جلسه اخذ رأی باشد و اما جلسه بحث و گفتگو از ساعت هفت تا نه باشد، گروه هفت نفری رحمت می‌کشند اصولی را منظم کرده و به جلسه مشترک می‌دهند آقایانی هم که آنجا حاضرند را طرافش بحث می‌کنند مثل امروز که بحث کردند و در مجلس رأی دو مرتبه بخواهند بحث کنند که ما به جائی نمی‌رسیم. در مرور همین اصلی که الان مطرح است صبح و بعد از ظهر در جلسه مشترک بعثها شد اگر باز دو مرتبه اینجا بخواهند ایراد گیری و بحث و نزاع و جدال و گفتگو بکنند، به جائی نمی‌رسد. دیروز عصر هم همینطور بود یادتان هست؟ فقط یک اصل برسی شد اجمالاً باید یک برنامه‌ای باشد که آنرا نوشه ام و حالاً می‌خوانم:

بسم الله الرحمن الرحيم ۱—جلسه علنی رسمی هر روز سه ساعت قبل از ظهر یعنی از ساعت نه تا دوازده و بعد از ظهر از ساعت سه تا شش باشد. دستور این دو جلسه تنها طرح اصول و اخذ رأی است، نه بحث و گفتگو. ۲—جلسه بحث و پرسی هر روز صبح از ساعت هفت تا نه تشکیل شود و گروه هفت نفری آنچه طرح نموده‌اند به کمیسیون مشترک بررسی گروهها می‌رساند تا در اطراف آنها بحث و گفتگو شود تا دیگر مخلوط نکنند و در مجلس اخذ رأی بحث زیادی نشود. ۳—در جلسه علنی باید اقلًا پنج اصل طرح و اخذ رأی شود—سه ساعت می‌نشینیم آخر باید یک نتیجه‌ای گرفته بشود در باره هر اصلی بیش از نیم ساعت باید بحث کرد و در هر اصلی بیش از نیم ساعت متعطل نشوند، به این تفصیل که رئیس جلسه متن اصل را می‌خواند و به آقایان نمایندگان مدت ده دقیقه مهلت می‌دهد تا هر کس در باره آن نظری دارد از اسقاط جمله‌ای یا اضفای کردن جمله‌ای مثل همین «از نظر» که حالاً فرمودند یا تبدیل کلمه‌ای یا جمله‌ای به کلمه دیگر بنویستند نه اینکه صحبت کنند بلکه بنویستند و بدون سخن



گفتن نظریه‌ها را تحويل هیأت رئیسه میدهند، هیأت رئیسه هم در مدت ده دقیقه البته چه بسا کمتر هم بشود، برسی نموده آنچه را لازم و صلاح دید فی المجلس از اسقاط و اضافه و تبدیل، متن اصل را اصلاح میکنند سپس آن متن اصلاح شده را میخوانند و به رأی میگذارند و حق گفتگو، سخنرانی و نقض وابرام برای کسی نیست زیرا پس از سه مرتبه دقت و برسی دیگر سزاوار معطل شدن نیست. ع— در اخذ رأی میزان، نصف بعلاوه یک باشد البته نسبت به کل نمایندگان. و چنانچه شما آقایان نپذیرفتد اقل دوثلث حاضرین در مجلس را قرار بدھید نه دو ثلث کل نمایندگان را، کدام جلسه شده است که تمام نمایندگان حاضر باشند؟ شما که میفرماید دوثلث از کل، آیا در جلسه گاهی شده است که همه باشند؟ بالاخره خوب، خواهی نخواهی یک روز کل نمایندگان حاضر پنجاه و پنج یا پنجاه و هفت نفر میشود. بالاخره اگر شما میخواهید کار رواج بگیرد و پیش برود، علی‌ای حال میزان باید یا نصف بعلاوه یک یا دوثلث از حاضرین باشد. این پیشنهاد را خدمت آقایان هیأت رئیسه میدهم. (رئیس— البته در آئین نامه‌ای که آقایان تصویب کردند گفته شد دوثلث مجموع). همان آقایانی که آن آئین نامه را تصویب کردند حالاً اگر صلاح بدانند اینطور اصلاحش کنند. (موسوی اردبیلی— این کار هم خودش وقت میگیرد). خلاصه من نمی‌دانم این موجب بطي کار است زیرا حاضر شدن تمام نمایندگان قلیل الافق است و این موجب بطي تنظیم قانون اساسی است و سنته به نظر خودتان است. عرض دوم اینست که این سه اصل که دیروز دو ساعت در اطرافش صحبت شد و آخر مجمل ماند این را از قانون اساسی بیرون نکنید بالاخره یک کلمه‌ای به آن اضافه کنید، عین آنچه را که نوشته شده در آخرش این کلمه را اضافه بفرمائید «باراعیات آنچه را که در اصل چهارگفته شده» مگر نه اینست که در اصل چهار گفتیم که هر مقرراتی و هر قانونی که تصویب میشود باید مطابق قوانین اسلام باشد، پیشنهاد میکنم این کلمه را که آخرش اضافه کردید باز به رأی پگذارید، شاید ان شاء الله امروز رأی آورد. و نسبت به این اصلی هم که الان مطرح است امروز صبح اکثریت آقایان به آن رأی دادند دیگر برای چه معطل میکنید؟ والسلام عليکم و رحمة الله.

رئیس— آقای بهشتی تذکری دارید بفرمائید.

دکتر بهشتی— اجازه بدھید که این «ازنظر» دوم را تبدیل کنیم به «و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهاي پزشكی» آنوقت ردیف هم درست میشود و دیگر احتیاجی به تکرار کلمه «ازنظر» نیست و آن جدائی از بین میروند و آن تناسب عطف هم حفظ شده است یعنی بنویسیم «بازنشستگی، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهاي پزشكی».

رئیس— آقای خامنه‌ای به عنوان مخالف بفرمائید صحبت کنید.

خامنه‌ای— بسم الله الرحمن الرحيم. وقتی میگویند مخالف به نظر میرسد که کسی با این اصل مخالف است و در نتیجه با تأمین اجتماعی مخالف است، اینطور نیست اگر مطلبی اینجا تدوین بشود در پوسته درست باشد و خللی علمی یا فنی در آن باشد، این اصل توخالی میشود و اسباب تأمین نظر شما که نشده باعث بعضی اشکالات هم خواهد شد. نظرمن و مخالفت من از این حیث است والا مخالف با بیمه اجتماعی نه اینکه من نیستم در قدرت هیچکس نیست. عرض کنم که ما یک تأمین اجتماعی داریم که از میراث‌های اروپا است و به صورت بیمه‌های



اجتماعی بوده که به صورت آن نوشته‌ای بود که همه آقایان خواندند و من هم خواندم. بیمه اساساً مشترک لفظی است بین دو نوع کاملاً متمایز، یک نوع بیمه‌های خصوصی هستند که عقد طرفین است و تا این اواخر در ایران و در کشورهای دیگر دست مؤسسه‌خواصی و انتفاعی مثل بانک بود و وسیله غارت‌کردن، و به نظر من اشکال شرعی هم داشت. نوع دوم بیمه اصلاً ربطی به این ندارد اینه است عقد نیست و توافق طرف شرط نیست و صورت آنهم در کشورهای مختلف، مختلف است از این نظرحتی فرقی نیست که ما این را تأیین بگوئیم. عرب‌ها به بیمه، تأیین می‌گویند در واقع تأمین عربی است و بیمه فارسی، هندیها هم بیمه می‌گویند، در اینجا براساس تجربیاتی که بورژواها و سرمایه‌دارها داشتند دیدند کارگرها شلوغ می‌کنند، یک مقدار جنبه استقطابی بود از آنطرف و یک مقداری هم جنبه‌های آن مباحث فلسفی که در اروپا شد که از بشریت دم زند و بفکر افتادند که بالآخره کاری بکنند و این به صورت تأمین اجتماعی درآمد که در ایران خیلی از بواردش نبود من جمله بیمه بیکاری، ولی از کارافتادگی و چیزهای دیگر بود و اینها را به عهده دولت گذاشتند. در ایران دولت از هیجه درصد درآمد سیزده درصد را از کارفرما و پنج درصد را از خود کارگر می‌گرفت و بنا بود مقداری مستmesh راهم خود دولت بگذارد که نگذاشت اما در کشورهای دیگر اساساً هست و در تمام کشورهای پیشرفته تمام سبلغ را دولت می‌پردازد و هیچ کارگری نمی‌تواند بگوید که من حاضر نیستم بیمه بشوم، یعنی حتی در ایران که از پول او برداشت می‌کردند اجباراً برداشت می‌کردند و بخلاف مؤسسه‌خواصی اینها اداری بود و قانونش از مجلس گذشته بود و مجریش هم دولت بود. بنابراین بیمه اجتماعی، همان تأیین اجتماعی است و مشترک لفظی است بالکل بینونت دارد با بیمه‌هائی که به صورت مشخص بود. مطلب دوم اینکه ما در آیه زکوة دیدیم و بعضی از آقایان از این آیه استنباطشان این بود که این یک نوع مالیات اسلامی است مثل خمس و چیزهای دیگری که هست، من یک مقداری دقت کردم و الان بهترین موقع است که درباره این مطلب صحبت بکنم از موارد مصارف آن من احساس کردم که چون مصرف آن مشترک است با موارد بیمه، چه اشکالی دارد این زکوة را تشخیص بدھیم که بیمه اجتماعی است، منظور همان تأیین اجتماعی است و من با بیمه به اندازه کلمه تأیین موافقم، هیچ تفاوتی ندارد جز اینکه تأیین را عرب‌ها بکار می‌برند و این اواخر مدد شد و تأیین را آوردند که روی بیمه سرپوش بگذارند در واقع هیچ فرقی نمی‌کند موارد زکوة را وقتی من دقت کردم دیدم که به مرابت پیشرفته تر و والاتر و عالیات از آن چیزهایی است که اروپائی‌ها نشسته بودند و بحث کرده بودند و یک چنین چیزی را در آورده بودند. فوق همتستان این بود که معلول و از کارافتاده و بیمار و بیکار را در نظر گرفته‌اند. در آمریکا که بیمه بیکاری هست این را افتخار می‌کنند به اینکه در کشورهای آسیائی بیمه بیکاری نیست. بنابراین ما در مورد این اصل دریک کلمه در اسلام داریم، خوبش را هم داریم، من دیدم که بعضی از دوستان و آقای کرمی به کلمه زکوة اشاره کردند و یکی از برادران به جنبه دیگر اشاره کردند که ما داریم یا ما بیخواهیم برای زکوة اصل دیگری بگذاریم که تکرار است، یا نمی‌خواهیم بگذاریم چرا، وقتی ما جامع تر و کاملترش را داریم چرا اینکار را نکنیم؟ فقر از اصطلاح فقهی ما با مساکین فرق دارند با تمام اختلافی که در تعابیر است به نظر من فقیر کسی است که مؤونه سال را در جمع ندارد و مسکین کسی است که اصل درآمد ندارد، در اینجا ما بیمه کسر درآمد داریم و



برای فرا باید یک جائی فکر بکنید که اینجا بهترین جاست، و شما این اصل را اگر در بیاورید تمام نوشه های شما را در قانون اساسی تحت الشعاع قرار میدهد زیرا مترقب است و دنیا را می پوشاند برای اینکه این کاری است که در دنیا بیسابقه است و همچنین موارد دیگر مثل مساکین فی الرقاب نداریم و اگر شما رقاب را اعم بگیرید کمک می شود به بعضی کشورها که مستضعف هستند، غارمین یعنی ورشکسته و در هیچ بیمه ای نیست، بیمه ورشکستگی بدون تقسیم در هیچ جا نیست، ما چرا بگذاریم، در راه مانده را گذاشته اند و من خوشحالم که این کار را کرده اند و سائل دیگری که هست مثل بازنشتگی درمانی و حتی آتش سوزی یا زلزله و سیل و آفات و امثال اینها را فی سبیل الله میتوانیم به عنوان بیمه خدمات بیاوریم اما راجع به اصل، عرض کنم که بازنشتگی در این کلمه خلاف است برای اینکه بازنشتگی قانون استخدامی جداگانه ای دارد اگر منظور از بازنشتگی، بازنشتگی دولتی است، ما قانون داریم و رویه هم داریم، اگر اعم از کارگر و کشاورز را هم شامل میشود، شما موارد دیگری هم دارید مثل از کارافتادگی و چیزهای نظیر این، من خیلی خلاصه میکنم، حوادث و سوانح دو جور است حوادث و سوانح ناشی از کار که سابقه دارد و مطلق، این را باید نشان داد و واقعاً هر کسی در هر کجای کشور یک جایش اگر شکست شما ولو اینکه به تقسیم باشد آیا متکلف هستید یا نه؟ عبارت هم نامنظم است و چون وقت نیست نمیگوییم و اما خدمات بهداشتی و درمانی (رئیس - آقای خامنه ای وقتان گذشته است). مطالب دیگری هم بود ولی مقدمه ای که عرض کردم یک سروشته ای است که ما بهترین موقع را برای درج زکوة در این اصول بیاوریم.

رئیس - توضیح بد هم که تأمین اجتماعی اصطلاحاً اعم است از بیمه و غیر بیمه، یعنی یک کاری بکنند که نیازهای اجتماع برطرف بشود. (مکارم شیرازی) - اعم از موارد زکوة و غیر زکوة. چه از زکوة و چه از غیر زکوة اینجا گفته ایم اگر بخواهیم همه اش را به گردن دولت بگذاریم میسر نیست و ساین یک تحملی است به دولت و اگر همه اش را خود مردم یا کارفرماها بخواهند بد هند آنهم مشکل است لذا نوشه ایم «درآمدهای عمومی» که مراد همان اموال دولتی است و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم که بعد قانون معین میکنند که در چه موردی و با چه نحوی از مردم اخذ میشود، حالا چه از زکوة یا از غیر زکوة باشد بعداً معین میشود. و اما در عبارت «از نظر خدمات بهداشتی» که آقایان میگفتند «از نظر» تکرار شده و ممکن است موهم این باشد که از نظر بیمه به همه موارد نخورد، به این صورت نوشه ایم «نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی» (موسی اردبیلی) - در مورد اینها صیغ بحث شده است. (نمایندگان - رأی بگیرید). پس متن عبارت را میخوانم و رأی میگیرم:

اصل ۳۳ (اصل پیست و نهم) - برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشتگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتها مالی فوق را برای یک افراد کشور تأمین کند.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

رئیس - عده حاضر در جلسه در موقع رأی گیری شصت و یک نفر، تعداد آراء شصت و سه رأی، دورأی به قید قرعه خارج شد. موافق پنجاه و چهار رأی، ممتنع هفت رأی و مخالف ندارد



بنابراین، این اصل با پنجاه و چهار رأی موافق تصویب شد، تکبیر. (حضور سه مرتبه تکبیر گفتند)

۴ - طرح و تصویب اصل ۴ (اصل چهل و یکم)

رئیس - حالا اصل ۴ مطرح است که قرائت میکنم:

اصل ۴-۳- تابعیت کشور ایران حق مسلم هرفرد ایرانی است و از هیچ ایرانی نمیتوان سلب تابعیت کرد مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید. در مورد این اصل ظاهراً آقایان صبح صحبت کرده‌اند و فکر نمیکنم اشکالی داشته باشد. آقای جوادی سؤالی دارید بفرمائید.

جوادی - کلمه تابعیت سه جاتکارشده است. اگر اینطور بنویسیم بهتر است «تابعیت کشور ایران حق مسلم هرفرد ایرانی است و این حق را از هیچکس نمیتوان سلب کرد مگر به درخواست او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید».

رئیس - آیا آقایان موافقند که برای جلوگیری از تکرار کلمه تابعیت، قید را اینطور بنویسیم «واین حق را از هیچ ایرانی نمیتوان سلب کرد؟ آقای فارسی تذکری دارید بفرمائید». فارسی - اشکال دارد، چون حق تابعیت متعلق به هرفرد ایرانی هست ولی ممکن است یک کسی این حق را داشته باشد ولی تابعیت را نداشته باشد مثل شناسنامه می‌گیرد و دارای تابعیت میشود بعد که مامیخواهیم از اوسلب بکنیم حق نیست، تابعیت است که مامیخواهیم از اوسلب بکنیم.

مکارم شیرازی - فرق است میان حق تابعیت و سلب تابعیت.

رئیس - بنابراین اگر کلمه تابعیت تکرار نشود ضرری ندارد. آقای دکتر غفوری بفرمائید. دکتر گلزاره غفوری - همانطوری که درجلسه صبح گفته شد بعضی از کشورها هستند که افرادشان چند تابعیتی هستند مثلاً در کشور کانادا ایرانیانی هستند که تابعیت ایران را دارند ولی قوانین تابعیت و مهاجرتی آنها ایجاد میکنند که اینها چون آنجا طبیب هستند، یا استاد هستند بهشان تابعیت بدند. من در جلسه صبح هم گفتم و دوستان هم میدانند، شما راضی هستید که با این قید اخیری که اینجا گذاشتید که اگر یک کشور دیگری مثل کانادا تابعیتی به یک ایرانی داد که در آنجا مقیم هست، این موجب سلب تابعیت ایرانیش بشود؟ این نکته را من میخواستم تذکر بدهم.

رئیس - دولت اگر بعداً مصلحت دید سلب تابعیت میکند اگر مصلحت ندید سلب تابعیت نمیکنند راین مورد یک قانون در آن موقع میگذراند. آقای طاهری اصفهانی سؤالی دارید؟ طاهری اصفهانی - بله من قبل مساله‌ای را مطرح کردم و همینطور که شما جواب دادید، جواب داده‌اند و بن قانون نشدم ولی اگر می‌خواهید رأی بگیرید، رأی بگیرید. من اشکال ممکن است که فردی می‌گیرد و مرتکب بشود و قبل از اینکه به چنگال قانون بیفتند دست پیش را بگیرد و تقاضای سلب تابعیت بکند و این خلاف مصلحت کشور است. (رئیس - در چنین صورتی دولت سلب نخواهد کرد). و اما آقایان جواب دادند که ما نوشته‌ایم «واجب است» نوشته‌ایم «میتواند» اما حالا چه مانعی دارد که اینجا این جمله قید بشود؟ چون اگر بعداً هم قانون بگذرد شاید در بعضی موارد یک افراد نابایی پیدا بشوند و دولت صلاح بداند



که از آنها سلب تابعیت کنند پس چرا میخواهید دست دولت را بیندید که نتواند دراینگونه موارد سلب تابعیت کند؟ (ربانی املشی — صبح این مطالب را گفتید و جواب هم داده شد.) جواب قانون کننده نبود. (ربانی املشی — پس چه باید کرد که شما قانون نشیدید.) رئیس — آقای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — اصولاً یک توضیح دیگری درباره این نقطه نظر آقای طاهری در جلسه صبح داده شد نمیدانم آن موقع ایشان توجه داشتند یانه که اگر کسی در ایران جرمی مرتکب بشود و بعد هم سلب تابعیت از او بشود نبودن تابعیت هیچ مانع برسرراه تعقیب او بوجود نمی آورد چون حتی اگر یک تبعه بیگانه در ایران مرتکب جرمی بشود، هرگوشه دنیا برود با استفاده از قرارداد استرداد مجرمین اورا می آورند اینجا و محاکمه میکنند و کیفرهم میدهند. تابعیت و عدم تابعیت او اصول نقشی در اسکان مجازات او ندارد و اصولاً الغاء قرارداد کاپیتولاسیون ناظر به همین بوده است که اتباع بیگانه و اتباع یک کشور از نظر قوانین جزائی و تعقیب هیچ فرقی ندارند، این است که اصولاً این نقطه نظر را حل شده تلقی بفرمائید.

رئیس — پس برای رأی گیری متن اصل را میخوانم:

اصل ۳۴ (اصل چهل و یکم) — تابعیت کشور ایران حق مسلم هرفرد ایرانی است و از هیچ ایرانی نمیتوان سلب تابعیت کرد مگریه درخواست خود او یا درصورتیکه به تابعیت کشور دیگری درآید.

پیکنفر از نمایندگان — من یک سؤال دارم وقتی که تابعیت حق مسلم هرفرد ایرانی است...

ربانی املشی — آقای منتظری پس از خواندن اصل برای رأی گیری دیگر حق سؤال سلب میشود.

رئیس — تذکرتان صحیح است بنابراین نسبت به این اصل به همان صورتی که خوانده شد رأی معفی با ورقه گرفته میشود.

(أخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

رئیس — عده حاضر در جلسه در موقع رأی گیری شصت و سه نفر، تعداد آراء شصت و سه رأی، موافق پنجاه و سه رأی، مخالف یک رأی، ممتنع نه رأی، بنابراین، این اصل با پنجاه و سه رأی موافق به تصویب رسید، تکبیر. (حضور سه مرتبه تکبیر لفظند)

۵ — طرح و تصویب اصل ۳۵ (اصل چهل و دوم)

رئیس — حالا اصل سی و پنج مطرح است که قرائت میکنم:

اصل ۳۵ (اصل چهل و دوم) — اتباع خارجه میتوانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص فقط در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را پذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

رئیس — آیا سؤال یا ابهامی در این اصل به نظر آقایان میرسد؟ (کرمی — به نظر من کلمه «فقط» زائد است و باید حذف شود.) (عدهای از نمایندگان — صحیح است «فقط» را حذف کنید و رأی بگیرید). پس همه آقایان با حذف کلمه «فقط» موافقید؟ جناب آقای سبحانی فرمایشی دارید؟



سبحانی — عرض کنم که از آن عبارت قبلی استفاده شد که دو تابعیتی را ما می پذیریم.
 (رئیس — ما نگفته‌یم می‌پذیریم). آوردن کلمه «میتواند» در صدر این اصل به معنی این است که دو تابعیتی را قبول کرده‌ایم. در این اصل باید یک قید اضافه شود زیرا اتباع خارجی را درسه صورت می‌شود سلب تابعیت کرد. یکی اینکه خودش بخواهد. دوم، دولت دیگری تابعیت آنها را پذیرد. حالت سوم، آن است که شخص تابعیت اول را داشته باشد فرض بفرمائید یکی که به تابعیت ایران درآمده است تابعیت قبلی را هم دارا است حالا می‌شود سلب تابعیت کرد. بنابراین من پیشنهاد می‌کنم که یک کلمه در اینجا اضافه کنید و عبارت به اینصورت نوشته شود «ممکن است دولت دیگری تابعیت آنها را پذیرد یا خود آنها درخواست کنند یا تابعیت دولتی را داشته باشند».

دکتر بهشتی — آقای سبحانی توجه بفرمائید، لابد این شخص از قبل ترک تابعیت نکرده بنابراین از آن اول دولت نمی‌پذیرد. توجه دارید که ما در این اصل گفته‌ایم «اتباع خارجه میتوانند» همین کلمه «میتوانند» همانطوریکه یکی از دوستان اشاره کردنده معنی اجرارا نمی‌دهد. اگر لازم شد بعداً در قانونی که برای این اصل وضع می‌شود این کلمه را معنی می‌کنند و دیگر لزومی ندارد که ما در این اصل آنرا معنی بکنیم.

رئیس — نظر دیگری نیست؟ آقای موسوی اردبیلی شما سوالی دارید؟ (موسوی اردبیلی — خیر، کلمه « فقط » را حذف بفرمائید و رأی بگیرید). (جوادی — منهم همین عقیده را دارم.) با حذف کلمه « فقط » که مورد درخواست اکثر نمایندگان است به این اصل با ورقه اخذ رأی می‌شود از آقایان منشی‌ها خواهش می‌کنم در شمارش آرا نظارت بفرمایند.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

رئیس — عده حاضر در جلسه‌هاینگام اخذ رأی شصت و چهارنفر، تعداد کل آراء شصت و چهار رأی، آراء موافق پنجاه و هفت رأی، آراء ممتنع هفت رأی و بدون رأی مخالف، بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر. (حضور سه مرتبه تکبیر گفتند)
 ریانی املشی — جناب منتظری خواهش می‌کنم توضیح بدھید که روی این اصول قبل از ظهر به حد کافی بحث شده است و به همین جهت است که در اینجا بحث و مذاکره کمتر می‌شود.

رئیس — تذکر به جائی است همانطور که همکار عزیزان گفتند، این اصول قبل از کمیسیون شماره سه بررسی شده و بعداً در کمیسیون هفت نفری نیز مورد رسیدگی قرار گرفته و بعد به کمیسیون مشترک رفته است و در کمیسیون مشترک هم روی تمام جملات و نظرات بحث و مباحثه شده است و خلاصه و نتیجه همه این بحثها به صورت اصولی درآمده است که الان روی آنها داریم تصمیم می‌گیریم. برای اینکه اصولی که تصویب می‌شود از نظر موضوع ردیف و پشت سر هم قرار بگیرند، اصل دیگری نیز داریم که باید پشت سر این اصل نوشته شود و برای اینکه شماره اصول بهم نخورد آن اصل را که بعداً مورد رسیدگی قرار می‌گیرد به عنوان اصل سی و شش تلقی می‌کنیم.

۶- طرح و تصویب اصل ۳۷ (اصل سی و چهارم)

رئیس — اصل بعدی به عنوان اصل ۳۷ قرائت می‌شود.



اصل ۳۷ (اصل سی و چهارم) — دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس میتواند

به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمیتوان از دادگاهیکه به موجب قانون حق مراجعته به آن را دارد منع کرد.

وئیس — در مورد این اصل سؤالی هست؟ آقای بشارت فرمایشی دارید؟

بشارت — در پیش نویس قبلی یک عبارتی آمده بود که متهم حق دارد تقاضای تشکیل دادگاه علی نماید، مگر اینکه علی بودن دادگاه منافی نظم و عفت عمومی باشد. مسأله دیگر آنکه در رسیدگی به جرائم سیاسی مطبوعاتی، حضور هیأت منصفه در دادگاه حق متهم است.

وئیس — مسأله‌ای که میفرمایید در فصل مربوط به مواد قضائی بحث خواهد شد. آقای فوزی شما سؤالی دارید؟

فوزی — در اینجا که آمده است «به دادگاههای صالح رجوع نماید» فرض ما بر این است که دادگاههای غیرصالح در اسلام نماید تشکیل شود، بنابراین اگر کلمه «صالح» را نویسیم آیا ایرادی دارد؟

دکتر بهشتی — یک وقت است که دادگاه با قاضی مجتهد واجد شرایط حکم تشکیل میشود، این همان صورتی است که فرمودید حوزه قضائیش کاملاً است، ولی اطلاع دارید که الان مبنا براین است که مجتهد مأذون از مجتهد، بتواند قاضی باشد. همین الان هم در دادگاههای انقلاب همین طور عمل میشود، ولی وقتی غیرمجتهد مأذون بود آن وقت او میتواند برحسب حدود اذنش محدود باشد، یعنی وقتی حاکم میخواهد به غیرمجتهد اذن قضایا بدهد برحسب صلاحیت و ظرفیت آن شخص او میگوید که شما در این محدوده اذن دارید که قضایت کنید پس در دادگاههای اسلامی هم محدودیت حوزه قضائی باید قبول باشد، البته برطبق همان مبنای که عرض کردم . (کرمی — مقصود از صالح «صالح» است یا صلاحیتدار؟) مقصود همان صلاحیتدار است.

پرووش — در اینجا که آمده است «اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشد» هم حق مردم ذکرشده و هم وظیفه دولت. آقای دکتر فرمودند که چون ما در اینجا حاکمیت ملی را بحث میکنیم احتیاجی نیست که وظیفه دولت ذکر شود، در حالی که در اصل سی و سه که قبلاً تصویب شد گفته ایم «دولت مکلف است» پس اگر بنویسیم «اینگونه دادگاهها در دسترس ایشان باشد» هم حق ملت مشخص شده و هم وظیفه دولت. اینطور که الان در این اصل نوشته شده درست مثل این است که بگوئیم مردم باید مثلاً نانوائی در اختیار داشته باشند ولی نگوئیم که باید در اختیارشان قرار گیرد.

وئیس — من فکر میکنم همین عبارت «در دسترس داشته باشد» کاملاً معنی را میرساند. به هر حال چون صبح به حد کافی بحث شده است نسبت به این اصل با ورقه اخذ رأی میشود، خواهش میکنم گلدانها را برای اخذ رأی برند.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

وئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و پنج نفر، تعداد کل آراء شصت و پنج رأی، آراء مساوی شصت و چهار رأی، ممتنع یک رأی و بدون رأی مخالف ، بدین



ترتیب این اصل تصویب شد، تکبیر، (حضور سه مرتبه تکبیرگفتن)

۷ - طرح و تصویب اصل ۳۸ (اصل سی و پنجم)

رئیس - اکنون اصل ۳۸ خوانده میشود.

اصل ۳۸ (اصل سی و پنجم) - در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود و کیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب و کیل را نداشته باشند برای آنها امکانات تعیین و کیل فراهم گردد.

رئیس - سوالی دارید؟ آقای انواری بفرمائید. (انواری) - چه کسی برای آنها این امکانات را فراهم میکند؟ دولت یا دادگاه، مهم آن است که بالاخره این امکانات فراهم شود. آقای فارسی فرمایشی دارید؟

فارسی - من یک تذکری داشتم که فقط در دعواهی جزائی دولت یا جامعه یا کانون وکلا و کیل تعیین میکنند، اما نه اینکه دونفر علیه همدیگر اقامه دعوا حقوقی بکنند و جامعه موظف باشد برای اینها و کیل تعیین کند.

رئیس - چه اشکالی دارد؟ اگر اینها جزء مستضعفین باشند و پول نداشته باشند دولت کمک میکند. آقای بهشتی شما توضیحی دارید؟

دکتر بهشتی - در اینجا یک عبارتی است که صیغ هم روی آن صحبت شد و آن اینکه عبارت «برای آنها امکانات تعیین و کیل فراهم گردد» کمی مبهم به نظر میرسد چون معلوم نیست تعیین کننده آیا خود این اشخاص هستند یا و کیل تسخیری است. به نظرم اگر یه این صورت بنویسم «برای آنها امکانات تعیین و کیل از طرف خودشان فراهم گردد» آن اشکال و ابهام رفع میشود.

رئیس - «امکان تعیین و کیل فراهم گردد» یعنی برای خودش و کیل انتخاب کند بنابراین هیچگونه ابهامی ندارد. (طاهری - این، امکان تعیین و کیل است و تسخیری نیست.)

(دکتر بهشتی - پس اگر موافق باشید بنویسم «امکانات و کیل گرفتن») به هر حال آقای بهشتی این پیشنهاد را میکنند که به جای «امکانات تعیین و کیل» بنویسم «امکانات و کیل گرفتن» کسانی که با این پیشنهاد موافق هستند دستشان را بلند کنند (عده کمی دستشان را بلند کردن) این پیشنهاد تصویب نشد. بنابراین نسبت به این اصل با همان متن اصلی که در اول

قرائت شد با ورقه رأی میگیریم.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

رئیس - عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر، آراء موافق پنجاه و هفت رأی، آراء مخالف دو رأی، آراء ممتنع پنج رأی بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر. (حضور سه مرتبه تکبیر گفتن)

۸ - طرح و تصویب اصل ۳۹ (اصل سی و هفتم)

رئیس - اصل بعدی قرائت میشود.

اصل ۳۹ (اصل سی و هفتم) - اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته

نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

رئیس - درباره این اصل سوالی هست؟ آقای بشارت فرمایشی دارید؟ (بشارت - این



جمله «اصل برائت است» یعنی چه؟) یعنی تا ثابت نشود که کسی جرمی مرتکب شده است نمیتوان اورا مجرم شناخت.

پشارت - پس همانطوریکه ما در پیش نویس قبلی نوشته بودیم در اینجا هم نوشته شود «اصل، درباره هر کس یگنایی و برائت ذمہ است». مطلب دیگرانکه شمامیر فرمائید بایدادگاه صالح اورا مجرم بشناسد پس آقائی که یکی را کشته ورقه است بایداورا مجرم بشناسیم یانه؟

رؤیس - این شخص متهم است و در صورتی مجرم خواهد بود که دردادگاه جرمیش احراز بشود، چون ممکن است به این شخص تهمت زده باشد و او مرتکب قتلی نشده باشد. مطلب دیگری هست؟ (اظهاری نشد) پس نسبت به این اصل باورقه رأی میگیریم.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیراعلام شد)

رؤیس - عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر، تعداد کل آراء شصت و چهار رأی، موافق شصت و یک رأی، ممتنع سه رأی و بدون رأی مخالف این اصل به تصویب رسید، تکبیر. (حضراسه مرتبه تکبیر گفتند)

۹ - طرح و تصویب اصل ۴ (اصل سی و ششم)

رؤیس - اصل بعدی یعنی اصل ۴ قرائت میشود.

اصل ۴ (اصل سی و ششم) - حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه

صالح به موجب قانون باشد.

رؤیس - سؤالی دارید؟ آقای انواری فرمایشی دارید؟

انواری - من پیشنهاد میکنم که اگر موافقید در اصولی که ابهام یا مخالفی نیست سه تasse تا قرائت بشود و تصویب گردد. (خنده نمایندگان)

رؤیس - طبق آئین نامه باید هر یک از اصول جدا جدا خوانده شود و نسبت به هر یک رأی گرفته شود. چون مخالفی نسبت به این اصل نیست خواهش میکنم گلستانه را برای رأی گیری ببرید.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیراعلام شد)

رؤیس - عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و چهار نفر و تعداد کل آراء شصت و چهار رأی، آراء موافق شصت و دور رأی، مخالف یک رأی، ممتنع یک رأی، بنابراین، این اصل تصویب شد، تکبیر. (حضراسه مرتبه تکبیر گفتند)

۱۰ - طرح اصل ۱

رؤیس - اصل ۱ خوانده میشود.

اصل ۱ - هیچ فعل یا ترک فعلی از نظر قانون جرم محسوب نمیشود مگر به استناد قانونی که پیش از وقوع آن وضع شده باشد.

سبحانی - دو پیشنهاد در جلسه مشترک کمیسیونها داده شد ولی در این اصل می بینم که ترتیب اثری به آنها داده نشده است. یکی اینکه اینجا نوشته اند «... پیش از وقوع آن وضع شده باشد»، «وضع» کافی نیست بهتر است نوشته شود «وضع و اعلام» شده باشد. البته اگر به جای اعلام، ابلاغ بنویسیم موجب دردرس میشود، از نظر شرعی هم خوب اعلام لازم است. اشکال دیگر اینکه این راجع به مقرراتی است که در مجلس شورای ملی وضع نمیشود و اما اگر



راجع به قوانین اسلامی باشد خوب، قوانین اسلامی هزار و چهارصد سال قبل وضع شده، اعلام شده و ابلاغ شده است بنابراین بهتر است قیدشود که مربوط به مقررات مجلس شورای ملی است. (رئیس — آقای سیجانی این از نظر قانون جرم محسوب نمی‌شود). مقررات اسلامی را که نمی‌شود گفت «پیش از وقوع آن وضع شده باشد».

رئیس — آقای مکارم شیرازی فرمایشی دارید؟ (مکارم شیرازی — من برای اصل قبلی اسم نوشته نبدم). آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — عرض شود چنین مطلبی که آقای سیجانی گفتند که طبق این اصل تمام احکام اسلامی باید از مجرای مجلس شورای ملی بگذرد تا جنبه حجت پیدا کند.

رئیس — یعنی از نظر قانون اگر بخواهند تعقیب کنند باید در قانون مدنی یا قانون جزائی نوشته شود تا قانونی باشد. آقا حساب این را نکنید که ساختاً دولت از شرع و ملت و اینها جدا بوده فرض کنید حالا حکومت اسلامی است که هست و دولت جمهوری اسلامی است و قوانینی هم که در مجلس میگذرد مطابق شرع است و بنا است دولت دستورات شرع را اجرا بکند هرج و مر ج هم میخواهیم بشاند که هر کس باید بگوید این خلاف اسلام است، آن خلاف است از یک مجرائی که منتخبین ملتند زیر نظر قوه‌ی علیمی که ولایتش را قبول کردید، مجلس شورای ملی تمام قوانینی که میگذرد براساس شرع است. بنابراین، برای اینکه هرج و مر ج نشود و یک کسی جلوی شخص دیگری را بگیرد بگوید تو خلاف شرع یا خلاف قانون مرتكب شدی، فعل و ترک فعل وقتی که قانون وضع شده باشد آن وقت میتوانیم بگوییم مجرم قانونی است و تعقیش بکنیم. (صافی) — تا آن قانون وضع نشده باشد ما که نمی‌توانیم بگوییم قوانین شرع حاکم نیست. (پس شما توجه داشته باشید این قانون اساسی که ما داریم می‌نویسیم وقتی قانونیت پیدا میکند که به رفاندوم گذاشته بشود بعداً در مجلس شورای ملی هم بیانند و تأیید بکنند آن وقت بطبق این، قانون وضع بکنند، آن وقتی که سمت قانونیت پیدا کرد قوانین هم مطابق شرع تصویب میشود، الان سمت قانونی ندارد. (یزدی) — شبیه این است که از نظر شرع ممکن است مجرم باشد «از نظر» به خاطر همین است) آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی اردبیلی — بسم الله الرحمن الرحيم. صبح که در خدمت آقایان بودیم این اصولی که خوانده شد و تصویب شد آقایان نظراتشان را فرمودند و اصلاحاتی هم که لازم بود، بعمل آوردند ولی به این اصل که رسیدیم روی همین جهتی که الان هم اینجا گفته شد، این اصل تصویب نشد و ماند. در مورد عبارت «هیچ فعل یا ترک فعلی از نظر قانون جرم محسوب نمیشود» هم تذکر داده شد آقایان خودشان فرمودند از نظر قانون گفته میشود مثل اینکه به نظر برادرها این جمله کافی نبود بنابراین من فکر می‌کنم اگر این را به همین صورت بخواهید به رأی بگذارید، به همین صورت رأی نخواهد اورد. ما صبح فکر میکردیم اگر یک جمله‌ای بر این اصل اضافه بشود کافی است و صبح هم به این جهت به این اصل رأی دادیم ولی به نظر آقایان کافی نبود. اصل مسئله این است که ممکن است قانون یک مواردی را، مسائلی را پیش‌بینی نکرده باشد و اصلاً در آنجا نباشد ولی در محاکم شرع یک نفر را محاکمه کنند و محکوم بشود، اگر یک چنین جمله‌ای که روشنگر این معنی باشد به آن اضافه کنند دیگر مسئله‌ای نمی‌ساند. (رئیس — آن جمله را بفرمائید). من الان جمله‌ای در نظر ندارم. (دکتر شیبانی — اصل ۱۳۶ را بخوانید جوابتان در آنجا هست). مطلبی که به نظرم رسید اینست که ما با



برادرها که در جلسه صبح شرکت داشتیم و پنجاه و چند نفر بودیم ثابت شد که در آنجا که دور هم می‌نشینیم و صحبت می‌کنیم، اشکالات برطرف می‌شود، البته هیأت هفت نفری رحمت می‌کشند اصول را درست تنظیم می‌کنند و خیلی روان است و این سبب می‌شود کار پیشرفت کند اما این صحبت‌ها هم که در آنجا می‌شود بیفایاده نیست، صحبتی که آنجا می‌کنیم و نظراتمان را می‌گوئیم دیگر در آینجا تکرار نمی‌کنیم امامت‌اسفانه امروزتا آخر وقت عده افراد ما در آنجا ازینجا و چند نفر بالاتر نرفت ولی اینجا در جلسه علنی تعداد به شصت و پنج نفر هم میرسد. (بزدی — پنجاه و چند نفر در کمیسیون بوده‌اند، هفت نفر هم جدا بررسی می‌کرده‌اند باقی می‌مانند دو سه نفر دیگر). اگر آقایان صلاح بدانند این جور قرار بگذارند افرادی که صبح در آن جلسه شرکت می‌کنند و نظرات خودشان را می‌گویند اگر بعد از ظهر در آینجا باز خواستند مطالب اضافه‌ای را بگویند می‌توانند بگویند اما کسانی که صبح در آن جلسه اصلاً نبوده‌اند و یک دسته‌ای آنجا نشسته‌اند و بحث‌ها را صاف کرده‌اند آنوقت بعد از ظهر بنده که صبح نبوده‌ام غافل از نتیجه قبل از ظهر، همه آن صحبت‌ها را مجدداً از اول تا آخر در آینجا مطرح بکنم و جلسات را به تأخیر بیندازم با توجه به اینکه می‌خواهیم راهی پیدا کنیم که راندان جلسات علنی مان بیشتر باشد اگر چنین چیزی را صلاح میدانند و به آن رأی میدهند، فکر می‌کنم در پیشرفت کارمان بی‌تأثیر نباشد. این جمله را هم پیشنهاد و تقدیم می‌کنم.

بزدی — این پیشنهاد همانطور که قبل از گفتم شامل دو سه نفر بیشتر نمی‌شود.

جوادی — در این جمله « فعل یا ترک فعل » عبارت « که پیش از وقوع آن... » که ذیلش آمده است زائد است و باید نوشته شود « که پیش از آن وضع شده باشد » چون وقوع به ترک که نمی‌خورد بنا بر این پیشنهاد می‌کنم اینظبور نوشته شود « هیچ فعل یا ترک فعلی از نظر قانون جرم محسوب نمی‌شود مگر به استناد قانونی که پیش از آن وضع شده باشد » بنا بر این کلمه « وقوع » زائد است.

رئیس — آقای فارسی فرمایشی دارد؟ (فارسی — من با این اصل مخالفم). آقای آیت جناب‌الله فرمایشی دارد؟ (دکتر آیت — من هم با این اصل مخالفم). آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — آقای سبجانی به مطلبی اشاره فرمودند به دنبال آن عرض می‌کنم قانونی که وضع می‌شود باید از طرف دولت به مردم ابلاغ شده باشد تا قضیه هفده شهریور تکرار نشود که خودشان یک حکومت نظامی را بگذارند و مردم که هنوز بهشان خبر نرسیده از منزل بیرون بیایند و به رگبار بسته بشوند. بنا بر این باید قانون وضع بشود و ابلاغ بشود، ابلاغ عادی این قسمت حتماً باید قید شود. (رئیس — یعنی اعلام قانونی).

دکتر ضیائی — بنده این تذکر را در جلسه شترک صبح هم عرض کردم، خود این اصل قانون است عبارت « از نظر قانون » اضافی است و ضمناً همانطور که فرمودند حتماً باید پیش از وضع اعلام بشود.

ویانی املشی — اشکالی که آقای سبجانی کردند در اصول قوه مقننه اصلی هست که صرف تصویب کافی نیست. هر اصلی که تصویب شد باید ابلاغ بشود، پس وقتی آن اصل آنجا باشد لازم نیست هی تکرار کنیم « بعد از ابلاغ ». آنچه باشد اصلی هست که آنچه اصلی هست.

رئیس — « پیش از وقوع آن وضع... » وضعی را میرسانند نه اینکه ابلاغش را هم برسانند.

ویانی املشی — عرض کردم در قوه مقننه اصلی هست که صرف وضع کافی نیست.

طاهری اصفهانی — یکی از آقایان مطلبی را گفتند که یاد نیست کدامیک بودند، فرمودند



اینجا باید یک چیزی را اضافه کرد که ما در پیش نویس آن را نوشته‌ایم یعنی عبارت «هیچ فعل یا ترک فعلی» و لو نوشته‌اید از نظر قانون جرم محسوب نمی‌شود واینهم پیداست که شما نظر به مقررات دارید نه نظر به قوانین مسلمه اسلام اما این فرم و این شکل، توی ذهن می‌زند که هیچ فعل یا ترک فعلی از نظر قانون جرم محسوب نمی‌شود مگر به استناد قانونی که پیش از آن وضع شده باشد. شما باید واجبات و محرمات قطعی اسلام را یک‌جوری ازان خارج کنید. حالا ببینید پیش نویس ما کافی است یا نه اگر نیست خودتان چیزی بنویسید. (موسوی تبریزی) من با این اصل موافقم.

مشکینی — بنده یک چیزی نوشته‌ام که به این اصل اضافه شود ملاحظه بفرمائید، «در باره فعل و ترک فعلی که قانونی راجع به آن وضع نشده و از نظر شرع جرم بودنش مسلم است، به محاکم صالح رجوع شود».

دکتر بهشتی — آقای ربانی هم شبیه آن، پیشنهادی داده‌اند، دوستانی که می‌خواهند به عنوان موافق و مخالف صحبت کنند چند سؤال اینجا هست که لطفاً در باره آنها توضیح بدهند چون من صبح در جلسه هفت‌نفری بودم و در آن بحث هاشر کت نداشت. ۱- یکی اینکه مسلمات شرع با مسائل اختلافی که فتاوی روى آن‌ها مختلف است از نظر این مطلبی که مطرح ميرمائید یک‌جور نیست برای اینکه مسائلی که فتاوی در باره آن‌ها مختلف است تا فتاوی مورد اتباع یا حکومت یا فرد معین نشده باشد بازمیاند که قانون شرع هم به آن رسیده باشد. در مورد مسائل اختلافی این را دوستان در بحث‌شان حل کنند و توضیح دهند. ۲- در مورد مسلمات شرع این سؤال هست که اگر یک قانون کفیری در شرع هست و قبل از هم در قوانین جزائی ایران قانونی شده یعنی عیناً توی قانون آمده بنابراین دیگر احتیاجی به این قید احترازی نیست چون خود بخود این قانون مسلم قبل قانونی هم شده و ابلاغ هم شده است. ۳- اگر قانون مسلم شرعی را سراغ داشته باشیم که از نظر شرعی جزو مسلمات شرع اسلام باشد و در قانون جزائی ایران مفعول عنه واقع شده باشد و قانون دیگری نوع کفیری دیگری به جای آن مقرر کرده باشد، این سؤال از نظر فقهی پیش می‌آید که برای مکلفی که امروز در ایران زندگی می‌کند و اگر به عنوان کفیر اجرا شدن چیزی به گوشش خورده‌همان کفیرهای قانونی شده است و نه آن کفیر اسلامی مقرر مسلم، آیا ما از نظر مبانی فقهی میتوانیم این کفیر را در باره این جانی و جنایت کننده و مرتکب گناه و مجرم غافل اجرا بکنیم یا نه؟ این را باید روشن بفرمائید.

کوری — راجع به کدام قانون صحبت می‌کنید؟ ما الان داریم راجع به قوانین اسلام صحبت می‌کنیم. قوانین گذشته که اتصال و ارتکاب ما بین شرع و محاکم قضائی دارند که ارتباط به این مسئله ندارد.

ملمنی — در گروه سوم عبارتی نوشته‌ایم که اگر لازم است بیایم از آن دفاع کنم. نا نوشته‌ایم «هیچ فعل یا ترک فعلی جرم محسوب نمی‌شود مگر به استناد احکام مسلمه اسلام» اما آنچه قانون جزا قبل میان کرده حالا که ما می‌خواهیم قانون اساسی بنویسیم آنرا بگذارید کنار، اما چرا این را به استناد احکام مسلمه اسلام بیان کردیم؟ به جهت اینکه جرم‌ها دونوع هستند یک قسم آن مسلم است مثل زنا و شرب خمر و امثال ذالک و اما بعضی هایش مسلم نیست، مثل حرام بودن مثلاً گوشت فلان حیوان را می‌گوئیم جرم محسوب نمی‌شود مگر به استناد احکام مسلمه اسلام. فرضًا قانونی وضع شده باشد یا نشده باشد، زانی مجرم است، شارب خمر



مجرم است، دزد مجرم است حالا میخواهد قانونی وضع شده باشد یا نه و دیگر میماند مطلبی که به حسب ظاهر در قوانین اسلامی دست نداده ولی حکمش را داده است فرض بفرمائید مقرراتی وضع می‌کنند که باشین فلانجا نباید بایستد و قانون عبور و مرور اینطور است البته آن هم باید به استناد احکام مسلمه اسلام و قانونی که پیش از وقوع آن وضع شده است، باشد.

رئیس — تشخیص اینکه این از قوانین مسلمه اسلام است با چه کسی است؟ هر کس ممکن است بگوید این از قوانین مسلمه اسلام است و خودش هم اجرا کند. (دکتر شیبانی) — اصل یکصد و سی و شش پیش نویس اشکالات را رفع میکند. من اصل یکصد و سی و شش را میخواهم بینند اشکالات رفع میشود یا نه «اصل یکصد و سی و شش — در مواردیکه قضی نتواند حکم دعاوی حقوق را در قوانین موضوعه بیابد، باید با الهام ازقواعد شرع، عرف وعادت مسلم و آنچه عدالت و مصالح عمومی اقتضا دارد حکم قضیه را صادر کند» این اصل مربوط به بحث ما نیست و به درد این موضوع نمیخورد. آفای مکارم فرمایشی دارید؟

مکارم شیرازی — این قانون با این قیدی که آقایان میفرمائید خوب است، اما یک مشکل بین المللی ایجاد میکند که مقامات قضائی آمده اند توضیحاتی داده اند. اگر آقایان مایل باشند چند دقیقه توضیحات آنها را من عرض کنم. این یک مشکل جهانی برای ما ایجاد میکند، یا اینکه اصل را حذف کنید یا اینکه یک عبارتی بگذارید که هم شرع را تأمین کند وهم اینکه مشکل بین المللی نداشته باشد. (دکتر آیت) — این همان مطلبی است که من هم میخواستم رویش صحبت کنم. (رئیس — شما به عنوان موافق میخواهید صحبت کنید؟) من یک توضیحی مربوط به اهل الذکر دارم که گفتن آن در تصمیم گیری مؤثر است.

رئیس — آفای خامنه‌ای تذکری دارید بفرمائید.

خامنه‌ای — این اصل سابقه دارد و منظور از این اصل همان اصطلاح مربوط به عطف به مسابق نشدن قانون است. این ناظر به آن است یعنی امروز اگر کسی را بگیرند که چون دیروز یک عملی را مرتکب شده است و امروز از مجلس قانون گذشته است که آن عمل جرم است این عطف به مسابق نمیشود و آن شخص میتواند کسب برائت کند. در اینجا «هیچ فعل یا ترک فعلی از نظر قانون جرم محسوب نمیشود» برمیگردد به اصل پیش که حکم به مجازات و اجرای آن یعنی تشخیص جرم از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون است و دادگاه صالح آن دادگاهی است که قوانین مصوبه مجلس را که انشاء الله بطبع تمام قوانین کیفری اسلام خواهد بود، اجرا کند. این ناظر به آن جهت نیست که اگر کسی قبل از جرمی مرتکب شده حالا که این قانون تصویب شد این عمل حالا جرم است یا نه؟ کسی که زنا در روز شنبه‌ای کرده است و روز پنجشنبه این قانون از مجلس گذشته است در محکمه شرع به لحاظ حرمتش قابل تنبیه هست اما در محکمه اصل سی و نه قابل تنبیه نیست برای اینکه آن موقع قانون نداشته ایم.

انواری — بندۀ متمنی را تنبیه کرده‌ام اجازه بدھید بخوانم.

رئیس — آفای انواری نوبت به شما هم میرسد، آفای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — میخواستم عرض کنم که یا باید آن مطالب اصل یکصد و سی و پنج و اصل یکصد و سی و شش را اینجا آورد و از چیزهای دیگر صرفنظر کرد یا این را به همین صورت تصویب کرد و اگر کم و کسری دارد در آنجا تأمین کرد و ما چون صبح دیدیم که آنجا دو



اصل است و میشود در آنجا آنچه را که لازم است افزود، اینست که این اصل را در اینجا به این صورت آورده‌یم.

رئیس — آقای طاهری خرمآبادی بفرمائید.

طاهری خرمآبادی — به دو صورت میشود این اصل را اصلاح کرد یکی اینکه نوشته شود «هیچ فعل یا ترک فعلی از نظر قوانین مدونه» چون قانون به اصطلاح یعنی همین قوانینی که در مجلس تصویب می‌شود، حالا برای اینکه توضیح داده شود، بنویسیم «از نظر قوانین مدونه» و اینجا بحث شرع نیست اگر کلمه «مدونه» اینجا اضافه شود شاید اشکال رفع بشود، یک صورت دیگر اینکه برای رفع آن اشکالی که شما میفرمائید، نوشته شود «هیچ فعل یا ترک فعلی در دادگاه جرم محسوب نمیشود مگر به استناد به احکام مسلم شرعیه و قوانینی که وضع شده باشد».

رئیس — میفرمائید که تشخیص با رئیس دادگاه باشد؟ آقای مقدم مراغه‌ای شما موافقید یا مخالف؟ (مقدم مراغه‌ای — موافق هستم). آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — بسم الله الرحمن الرحيم. بندۀ مطلبی تقل میکنم که بعضی از مقامات قضائی گفته‌اند و فکری کنم در تصمیم‌گیری‌ها، هم در این اصل و هم در اصول آینده مؤثر است ولی تقاضایم این است که به عرضم دقت کنید. اخیراً در آمریکا کمپانی‌هائی که با ایران قرارداد داشتند قراردادها یشان را لغو میکنند، بنابر گفته خود آنها چرا؟ برای اینکه تبلیغات سرموی در جراید آمریکا به راه افتاده که در ایران دادگاه منحصر به دادگاه انقلاب است و دادگاه انقلاب هم ضوابط مدون و بین‌المللی ندارد و دادگاه‌های رسمی هم از کار افتاده و به همین دلیل قراردادهای خودشان را یک جانبه فسخ کرده‌اند و صدها میلیون دلار اموال ایران را ضبط کرده‌اند. از ایران از طرف مقامات قضائی به آنها اعلام شده که قلمرو دادگاه انقلاب، مسائل مخصوص انقلاب است و مسائل حقوقی و جزائی دیگر، الان هم در دادگستری مطرح میشود نه در دادگاه انقلاب و همین سبب شده یک قرارداد پانصد میلیونی نمیدانم دلار بوده یا تومان، به استناد همین سواله دوباره برگشته یعنی پانصد میلیون به نفع سلطنت ایران برگشت داده شد و نتیجه‌ای که از این مطلب گرفته میشود اینست که اگر مایل به این در مواد قانونیمان بنویسیم «مگر قوانینی که قوانین مسلم اسلامی است» اما مدون در قانون ما نباشد، از نظر آنها قوانین ما قوانین غیر مدون و ناشناخته میشود و بعد از این، قراردادهایی که با آنها می‌بنديم میگويند ما قوانین مدنی شما را مطالعه کردیم و قرارداد را براساس آن بستیم اما شماتوی این ماده قانون میگوئید فقط قوانین مدنی مانیست که قانون است بلکه قوانین مسلم اسلامی که اسمش هم در قانون مدنی نیامده و فقط در کتب فقهی است آنهم ملاک قضیاوت است و ما چون از قوانین اسلامی و کتب فقهی شما که در قانون مدنی مدون نیست خبر نداریم و نمی‌توانیم قرارداد بینندیم چرا که ممکن است فردا یقه مارا بگیرید و بگوئید با اینکه این مواد در قوانین نیست اما ما قوانین اسلامی دیگری هم در فقه داریم که آنها هم ملاک عمل است در اینصورت میگویند چون ما از آنها خبر نداریم و مدون نکرده‌اید، دادگستری شما برای ما قابل پذیرش نیست و بنابراین هیچ قراردادی را ما نمی‌توانیم از نظر دادگاهی باشما بینندیم. شما هر چه قانون اسلامی دارید بیاورید مدون بکنید و بگوئید غیر از اینها هیچ چیز جرم نیست. حالا عرض بندۀ این است که براساس این توضیح ماباید تمام مسلمات اسلام را بیاوریم در قوانین



مدنی و قانون مدنی را مدون کنیم و بد هم دست آنها تابتوانند روی قانون مدنی ماتکیه کنند تابشود قرارداد با کشورهای دنیا بیندیم والا اگر بگوئیم که غیر از قانون مدنی ، ما رساله هم داریم ویراسان آن هم قضایت بیکنیم ، آنها هم که رساله را ندیده اند نه برای ما دادگستری مان دادگستری خواهد بود ونه غیر آن . (تهرانی - آقا شما و استه به آمریکا هستید ، شما آبروی قرآن را بردید کشور ما را وابسته کردید میگوئید احکام قرآن را اگر عوض نکنید باما معامله نمی کنند ، آقا این چه حرفی است که میزنید نکنید اینکارها را .) (ربانی شیرازی - از نظر شرع این جرم است .) آقا بگذارید من حرفم را بزنم بعد شما قضایت بکنید من با شما موافقم ، من نظر آنها را میگویم که غلط است ، اما این غلط ممکن است در تصمیم گیری اثربگذارد چرا اینطوری بحث میفرمائید ؟ خواهش میکنم جو جلسه را در نظر بگیرید ، من با شما موافق هستم میکنم و عرضم تمام است ، عرض بنده این است ، بنده کاری به آمریکا وغیرآمریکا ندارم بحث این است که ماباتمام نقاط دنیا و یا اپن ، باممالک اسلامی ممالک غیر اسلامی و باممالک آسیائی قرارداد داریم و میخواهیم معامله بکنیم ، ماباید قوانینمان را طوری بنویسیم که در درجه اول با اسلام و قرآن ، باز هم تکرار میکنم در درجه اول با اسلام و قرآن و در درجه بعد ضوابط جهانی برآن حکومت کند تا بتوانیم با دنیا قرارداد بیندیم . عرض بنده این است که اگر این اصل را حذف بکنید هیچ اشکالی تولید نمی کند ، اصلاح تصویب نکنید و بگذارید کنار ، ولی اگر بناهست تصویب کنید جوابتش را یعنی هم جنبه های اسلامی و هم جنبه های جهانی آنرا در نظر بگیرید والا من با حذف موافقم .

رؤیس - بالاجازه آقایان این اصل برگرد بـ کمیسیون و فردا مطرح کنیم.

فاثعی - اشتباهی که ایشان کردند این بود که طوری وانمود کردند که قوانین اسلام با قوانین مترقبی دنیا نمی سازد ، اگر قوانین اسلام را بتوانیم بطور صحیح به مردم ارائه کنیم ، مترقبی ترین قوانین دنیاست ما باید برنامه قرآن را پیاده کنیم .

رؤیس - اجازه بفرمایید این اصل به کمیسیون برود .

ربانی شیرازی - این از اختیارات شمانیست که برود کمیسیون ، بگذارید موافق و مخالف صحبت بکنند . شما استبداد نشان میدهید و میگوئید برود کمیسیون در این مورد پیشنهاد داده شده و باید قرأت بشود .

رؤیس - پیشنهاد داده شده که برود به کمیسیون و دو تا پیشنهاد است که اصلاح عبارتی است .

ربانی املشی - اگر شما طبق آئین نامه عمل بکنید اول همین اصل پیشنهادی را باید با اصلاحات مختصری که لازم بدانید به رأی بگذارید اگر موافقت نشد آنوقت به کمیسیون بیرود .

رؤیس - بنا بود که در زینینه کارها بحث پیشنهادی نباشد بلکه آن چیزی که کمیسیون هفت نفری تصویب میکند ، به کمیسیون مشترک بیاید مثل اینکه در کمیسیون هفت نفری که تصویب کرده اند و به کمیسیون مشترک آمده است در آنجا رسیدگی کافی نشده ، بنابراین احتیاج دارد مجددآ بحث ویررسی کافی در کمیسیون مشترک بشود .

ربانی شیرازی - آقا این نظر خود شما است چرا اصرار میکنید ؟ وقتی یک اصل به جلسه علنی می آید باید موافق و مخالف رویش صحبت بکنند و اگر رأی نیاورد بیرود به کمیسیون ، شما



قبل از صحبت موافق و مخالف و رأی گرفتن میگوئید برود به کمیسیون.

رؤیس — خود شما پیشنهاد داده اید و چندنفر نیز پیشنهاد داده اند و عبارتها را تغییر داده اند مانع توافق روى عبارتهایی که آقایان تغییر داده اند تصمیم بگیریم. کسانی که موافقند که این اصل برود به کمیسیون و فردا مورد بررسی قرار بگیرد ویرگرد اینجاد است بلند کنند (عده کمی دست بلند کردن) رد شد. پس آقای فارسی به عنوان مخالف بیان ند صحبت کنند.

فارسی — بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا در رابطه با فرمایشات جناب آقای مکارم که نقل قول بود، تعریف جرم و اینکه این جرائم در شریعت اسلام مدون باشد ویا مجلس شورای ملی آن را تدوین بکند هیچ ربطی با این قراردادها از لحاظ جنبه حقوقی ندارد اگر هم ارتباطی داشته باشد، دادگاههای دادگستری از ابتدای انقلاب تا حالا کار کرده اند و به کارشناس ادامه میدهند. هیچ وقت همین دادگاههایی که پناهگاه آن شرکت های خارجی بوده تعطیل نشده است و در کنار این دادگاهها و دستگاههای قضائی که از نظر آن شرکت ها و دولت ها معتر بوده، دادگاههای ویژه انقلاب تأسیس شده است مثل تمام انقلابات. این دادگاهها نمی توانست به استناد آئین دادرسی رژیم طاغوتی عمل بکند، مستقیماً از شریعت اسلامی که شریعتی است موردن قبول تمام ملت ایران و همه مسلمین جهان، به استناد آنها و با استنبط قاضی شرع که خودش مجتهد هست عمل کرده است. ما در این دادگاهها به قانونی که مورد قبول ملت است عمل کرده ایم، این را هم عرض کنم که آن «اهل الذکری» که ایشان میفرمایند آن اهل الذکر از نظر من مشخص است، ایشان موافق دادگاههای انقلاب به شکلی که تا کنون عمل کرده و میکنند نبودند. افلاهارات زیادی هم علیه این دادگاهها کرده اند که در مطبوعات هم منعکس شده است طرحی هم برای دادگاه انقلاب پیشنهاد کرده اند که مناسب انقلاب نبوده و مناسب شریعت اسلام هم نبوده است، از این جهت حرف ایشان هیچ ربطی ندارد تازه من در صحت ادعای آن شخص هم شک دارم، اولاً می توانیم از دولت سؤال کنیم و بینیم آیا ارتباطی دارد با اینکه جرائم چگونه باید مشخص بشود یانه، ثانیاً این اصل میتواند اصل درستی باشد و اصل درست هم هست براساس اصولی که قبل از تصویب کرده ایم در مجلس شورای ملی آینده فقهای به اندازه کافی هستند و جرم شناسان هستند و فهرستی از جرائم که مشخص میکنند تهمایرانی است که شریعت اسلام اینها را مشخص کرده است. کیفری هم که برآن جرائم تعیین میکنند و طرز رسیدگیش و دادگاههای صالحه و کیفری همه بالسلام مطابقت دارد، در این شک نیست و مسأله این است که تا وقتی مجلس شورای ملی اینکار را بکند و شورای رهبری یا قبیه که ولایت امر متعلق به او است اینها را تصدیق بکند، تا آن زمان مادا دادگاه خواهیم داشت و جرائمی وقوع پیدا میکند که در قانون گذشته ذکر نشده ولی از نظر شریعت اسلام جرم است و در قانون گذشته هم اینها جرم شناخته نشده است و نمیتواند بنای کار در دادگاههای دادگستری باشد. بنابراین، یا حاکم شرع یا قاضی به عنوان مجتهد از شریعت استنبط می کنند و عمل می کنند، به استناد اینکار جرم است و به تشخیص خودش محکوم میکنند، این ماده پس از آنکه در رفراندوم تصویب شد، آن معجازات ها رامنع می کند. ما باید یک ضمیمه ای اینجا داشته باشیم که تاریخ اجرای این اصل را مشخص کنند، یعنی تاریخ اجرای این اصل باستی از تخریبن دوره مجلس شورای ملی باشد تا فهرست جرائم را مشخص کند و به مردم اعلام کند و آن بنای کار برای دادگاهها از آن تاریخ به بعد باشد این عرايضی بود که داشتم.



رئیس — آقای غفوری فرمایشی دارید بفرمائید.

دکتر گلزاره غفوری — بسم الله الرحمن الرحيم . مسائلی است به اعتبار اینکه هم یک جامعه در درون خودش وهم در ارتباط با جامعه دیگر باید موقعیت اجتماعی خود را روشن بکند. می خواستم بطور خلاصه بیچار این اصل و کاری که از این اصل ساخته است اشاره بکنم که این اصل برای چه هست، اول در باره آنهاست که این اصطلاح را جور کردند و بعد آمده، در داشکده های حقوق ما رایج شده ، همان مسئله ای که اشاره شد مسئله عطف به مسابق است، یعنی چیزی امروز گفته می شود مثلا امروز عبور از خیابان منمنع است ، اگر قبل از اینکه قانون تصویب شود کسی از آنجا عبور کرده می گوئیم این قانون شامل او نمی شود چون قانون عطف به مسابق نمی شود. این اصل مسئله است، مسئله دوم این است که بینیم آیا صرف وضع، کفايت می کند یا نه ، اینها مسئله احکام موضوعی شرعی است که در میان خودمان مطرح است که ما به آنها احکام وضع شده می گوئیم. صحبت سراین است که چنانچه افراد چه از مسلمان هاوچه از غیر مسلمان هائی که در منطقه اسلامی زندگی می کنند واز این قانون وضع شده آگاهی ندارند ، چنانچه عملی برخلاف این قانون انجام دادند ، چگونه باید با آنها رفتار کرد. بنابراین دو مسئله مطرح است یکی اینکه وقتی قانون وضع شد اعلام و نشر بشود و یکی اینکه علاوه بر اینکه اعلام و نشر می شود آن طرف هم اطلاع پیدا کند. از نظر این مسائل حقوقی که مطرح است، می گویند اطلاع پیدا کردن او لازم نیست برای اینکه اگر او ادعای کند در دادگاه که من مطلع نشم ما وسیله اثبات نداریم، این است که آمدند و گفتند اطلاع او مهم نیست، چه اطلاع پیدا بکند و چه اطلاع پیدا نکند، ولی نشرش مهم است. بنابراین مسئله این است که هر چیزی که جرم است باید نشر و اعلام شده باشد، حالا که از نظر شرع «قانون وضع شده» باید اعلام هم بشود، یعنی هر کسی مرتکب کاری می شود بداند که این کار جرم است و بداند میزان مجازات این کار چقدر است، یعنی تکلیفش این است که برود و بداند، اگر نرفت و ندانست و مرتکب اینکار شد و در عین حال این قانون اعلام و نشر شده و در دسترس هم قرار گرفته آنوقت مجرم است. مسئله دوم اینکه ... صحبت سر این است که از نظر شرع منتشر شود ولی از طرف قانون منتشر نشود. همین باید به اطلاع مردم برسد، نشده هم نشده و در رساله ها هم نوشته شده، صحبت سراین است که ما در جامعه خودمان یک مجموعه ای در روزنامه ها یا در رسانه های گروهی و یا در هر چیز دیگری منتشر بکنیم. البته من حکایت وضع موجود را می کنم و تصمیم با آفایان است. مسئله دیگر این است که در جوامع اسلامی یا جامعه های دیگر برای داخل کشور خودشان یک مقرراتی دارند ولی از آن وقتی که خارجی ها آمدند و در این کشورها زندگی می کنند، یک مسئله ای که همه میدانید یعنی مسئله کاپیتولاسیون بوجود آمد اما این مسئله این چنین است که اگر چنانچه در جائی قوانین مورد قبول نیست یا قوانین طوری است که به اطلاع نمیرسد ولی اجرا می شود یک عده ای که تابعیت جاهای دیگر را دارند، اینها مثلا اگر در خیابان مرتکب جرمی شدند. ولی از نظر حقوق بین المللی عرض کردم حکایت وضع موجود در دنیا می شود و تصمیم با آفایان است، این شخص می آید و می گوید چون من اطلاع ندارم و یا اطلاع دارم و قبول ندارم، این وضعی که اینجا هست مال معتقدین به این مردم و مکتب است و من معتقد به این مقررات نیستم بنابراین از طریق بین المللی اقدام می کنم و می گویید رسیدگی به این کاری که من کرده ام باید مطابق قانون



کشور خود من باشد. این سابقاً یک محظوراتی را در این مملکت پیش آورده، که با یک مشکلی و با یک حرکتی این محظوظ برطرف شد. یک عده‌ای اینجا زندگی میکردند و هزار نوع جرم مرتکب میشدند و دادگاههای ما را هم قبول نداشتند، حالا با توجه به این دو سه تا مسأله هر کدام را صلاح میدانید بفرمائید. یکی مسأله عطف به مسابق است و یکی نشر بعد از وضع است اعم از اینکه طرف مطلع بشود یا نشود و یکی هم مسأله کاپیولاسیون است که اینها را آقایان در نظر داشته باشند اگر صلاح میدانید و احتیاج به بحث بیشتری دارد به صورت مفصل در جلسه فردا صحبت بشود. اگر هم احتمال میدهید که قابل رفع است زیاد بحث انگیز نباشد و پردازیم به مسائل دیگر و من فکر میکنم چون آن مسئولی که در جلسه صحیح قرار بود این موضوع را توضیح بدهد شاید به حد کافی درباره اش صحبت نشده بنابراین بیشتر از این وقتان را نمیگیریم هر طور صلاح میدانید عمل بکنید.

رئیس — البته توضیح بدهم که به عنوان موافق نوبت آقای موسوی تبریزی بود و من آقای غفوری را به عنوان اینکه سؤالشان را مطرح بفرمایند اجازه صحبت دادم و بعد وقتی که بلند شدند چون صدای ایشان شنیده نمی شد آقای بهشتی به ایشان گفتند که بیاپند پشت تریبون، منظور این است که به عنوان موافق نوبت آقای موسوی تبریزی بود، حالا آقای موسوی فرمایشی دارید؟ (موسوی تبریزی — بنده صرفنظر کردم لطفاً رأی بگیرید.)

سبحانی — آقای رئیس یک پیشنهاد اصلاحی خدمتستان فرستاده ام لطفاً قرائت بفرمائید و این اشکال شما را رفع میکنند.

رئیس — اینجا پیشنهاد شده که این اصل را اینطور بنویسیم «هیچکس را نمی توان به سبب فعل و یا ترک فعلی به استناد عطف به مسابق مجازات کرد» اگر اینطور بنویسیم دیگر اشکالی برآن وارد نیست. آقایانیکه موافقند این متن به صورتی که قرائت کردم الان مطرح بشود دستشان را بلند کنند. (بزدی — این خلاف آئین نامه است، اول باید خود متن را به رأی بگذارید). (ربانی شیرازی — آقا همه پیشنهادات را بخوانید). پیشنهادات با هم جور در نمی آید صد تا پیشنهاد است نمی شود همه را خواند. (قائمی — بعد از کلمه «وضع» کلمه «اعلام» را اضافه بکنید و رأی بگیرید). (یکی از نمایندگان — کلمه «وقوع» را بردارید) خوب اجازه بفرمائید کلمه «وقوع» را هم حذف بکنیم پس اصل را با اصلاحی که به عمل آمد قرائت میکنم: اصل ۱۴ — هیچ فعل یا ترک فعلی از نظر قانون جرم محسوب نمیشود مگر به استناد قانونی که پیش از آن وضع و اعلام شده باشد.

این اصل را با این پیشنهاد و این اصلاح به رأی میگذاریم لطفاً گلدانها را برای رأی گیری ببرید.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

رئیس — نتیجه آراء را اعلام میکنم، عده حاضر در جلسه شصت و چهار نفر، تعداد آراء شصت و چهار رأی، موافق سی و سه رأی، مخالف شانزده رأی، ممتنع پانزده رأی بنابراین رد شد. آقای خرعلی فرمایشی دارید بفرمائید.

خرعلی — من معتقدم که حسن نیت در تمام آقایان مسلم است ولی بعضی برخوردهای پیدا میشود که گاهی هنک یک مسلمان است و وظیفه دفاع است، جناب آقای مکارم نظریه ای را خواستند بیان کنند و نظریه ای بود از بعضی از کارشناسان، مسلم نظر ایشان نظر خیر بود



آقایانی هم که اعتراض کردند من به حسن نیت آنها شکی ندارم ولی در برخورد طوری وامود شد که از بیان ایشان هتك اسلام شد و وابستگی به آمریکا شد، ایشان نظرشان این نبود، یک مسلمان اگر ضربه‌ای به آبرویش برسد آقایان باید دفاع کنند. ایشان نظرش این نبود و باید توضیح داده شود، ایشان میخواستند بگویند که ضربه مالی به مسلمین نرسد، بله اگر بفرمائید این مربوط به حقوق مدنی است و مربوط به جرم است خوب است اما اینکه میفرمائید آبروی اسلام رفت و یا وابستگی به آمریکا، اصلاح درست نیست و ایشان نظرشان این نبود. نباید یک مسلمان در میان ما هتك بشود و من میدانم کسی هم که اعتراض کرده حسن نیت دارد من از هیأت رئیسه انتظار داشتم زاویه‌های دید را بیان کنند و من چون با خودم میجوشیدم مجبور شدم ابلاغ بکنم آقایان هم که ابلاغ نفرمودند این قضیه را اصلاح بکنند.

۱۱ - پایان جلسه

رئیس - ما از تذکر آقای خزعلی خوشوقتیم و امیدواریم که بعد از این چنین سوءتفاهم‌هائی تکرار نشود. جلسه را ختم میکنیم جلسه بعدی مان فردا بعد از ظهر خواهد بود.
 (جلسه ساعت هفده و پنجاه و پنج دقیقه پایان یافت)
 رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی - حسینعلی منتظری





جلسه سی ام

صورت مشرح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده روز سوم مهر ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با سوم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آیت‌الله حسینعلی متظری تشکیل شد.

فهرست مطالب

۱ - اعلام رسیت جلسه و قرائت صورت اسامی خایین و دیارآمدگان	جلسات قبل.....
۲ - نطق قبل از دستور آقای فوزی.....	
۳ - ادامه بحث و تصویب اصل ۱۴ (اصل سی و دوم).....	
۴ - طرح و تصویب اصل ۲۴ (اصل سی و هشتم).....	
۵ - طرح و تصویب اصل ۳۴ (اصل سی و نهم).....	
۶ - طرح و تصویب اصل ۳۶ (اصل سی و سوم).....	
۷ - طرح و تصویب اصل ۴۴ (اصل چهلم).....	
۸ - طرح و تصویب اصل ۵۴ (اصل سی و یکم).....	
۹ - طرح و تصویب اصل ۶۴ (اصل سی ام).....	
۱۰ - طرح و تصویب اصل ۷۴ (اصل شصت و دوم).....	
۱۱ - پایان جلسه	

دیرخانه مجلس بررسی نهائی قانون اساسی





۱ - اعلام رسمیت جلسه و قرائت صورت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسات قبل

رئیس — اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحيم. جلسه رسمی است . اسامی غایبین جلسه عصر دیروز قرائت می شود. آقایان: حائری، طباطبائی، میرمرادزی، هاشمی نژاد و نمایندگانی که تأخیر داشتند، آقایان: باهنر ۱۱ دقیقه، بنی صدر ۳۴ دقیقه، دکتر بهشتی ۶ دقیقه، بیت اوشانا ۷۷ دقیقه، حجتی ۱۲ دقیقه، حسینی هاشمی ۱۱ دقیقه، حیدری ۱۴ دقیقه، خادمی ۶۷ دقیقه، خالاتیان ۱۶ دقیقه، خامنه‌ای ۱۶ دقیقه، طاهری خرم‌آبادی ۱۰ دقیقه، شهرزادی ۱۵ دقیقه، عرب ۸۰ دقیقه، کرمی ۱۳ دقیقه، کریمی ۹۱ دقیقه، کیاوش ۱۹ دقیقه، گلزاره‌غفوری ۱۰ دقیقه، مکارم شیرازی ۱۱ دقیقه، موسوی اردبیلی ۱۰ دقیقه، موسوی جزايری ۱۲ دقیقه، نوربخشن ۲۳ دقیقه، یزدی ۸ دقیقه و خانم گرجی سیزده دقیقه.
غایبین امروز صبح در جلسه مشترک گروهها، آقایان: حائری، خالاتیان، مهندس سحابی، کرمی، فاتحی، نوربخشن، هاشمی نژاد و خانم گرجی.

نمایندگانی که امروز صبح که هم جلسه رسمی و هم کمیسیون مشترک داشتیم تأخیر داشتند عبارتند از آقایان: اکرمی ۱۰ دقیقه، بیت اوشانا ۱۴ دقیقه، خادمی ۴۵ دقیقه، خامنه‌ای ۱۳ دقیقه، دستغیب ۱۰ دقیقه، صدوقی ۲۸ دقیقه، ضیائی ۳۱ دقیقه، طباطبائی ۴۴ دقیقه، فلسفی ۳۳ دقیقه، مقدسی ۱۳ دقیقه، مراغه‌ای ۸۳ دقیقه، یزدی ۱۶ دقیقه و شهرزادی ۱۳۵ دقیقه.

۲ - نطق قبل از دستور آقای فوزی

رئیس — نوبت نطق قبل از دستور آقای دکتر بیت اوشانا است که تشریف ندارند و نفر بعدی آقای طاهری گرجانی هستند که ایشان هم تشریف ندارند.
یکی از نمایندگان — امروز جبهه ملی در یک نوشته مفصلی اتهامات زیادی به مجلس خبرگان وارد آورده و روزنامه اطلاعات آن را نقل کرده است، چه کسی جواب این مطالب را می دهد؟

رئیس — اقدام خواهد شد، آقای فوزی بفرمائید.

فوزی — بسم الله الرحمن الرحيم. افحکم العاجلية بیغون و من احسن من الله حکماً لقوم یوقتون. خداوندا تو را سپاس می گذارم و درود و تهییت بی پایان به روان پاک پیغمبر و جانشینانش می فرمایم. پروردگارا تو را چگونه میتوانیم در مقابل این نعمت عظمی، یعنی برقراری جمهوری اسلامی که با لطف و تفضل خود که خواسته ملت ایران بود به مازارانی فرمودی شکرگزار باشیم و مخصوصاً تشکیل مجلس خبرگان که گام دیگری در تثییت و تأیید این حکومت است موجبات مزید تشکر و امتنان ما را فراهم میسازد. نظر به اینکه در خارج بسا بحث و



گفتگو میشود که چرا در مجلس خبرگان جهت بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی اکثراً از آقایان علما و روحانیون تعیین شده‌اند، لذا عرایض بنده مطالبی درجهت رفع این اشکال وابهام است . مجلس خبرگان در مرورخه بیست و پنجم ماه مبارک رمضان مطابق بیست و هشتم مردادماه در همینجا با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید افتتاح و کار خود را آغاز نمود. بنده از استماع این آیات اشک در چشمانم حلقه زد و روی صورتم سرازیر گردید خودم را کترل کردم والا نزدیک بود بشدت گریه کنم . این حالت من سه علت داشت: اول اینکه با توجه به آیات تلاوت شده چنان احساس میکرم که همین الان این آیات دارد از طرف مصدر وحی بوسیله منادی صادر و قرائت میگردد، لذا سرتاپای وجود را تکان داد و اقلاب عجیبی در وجود ایجاد نمود. علت دوم اینکه متوجه شدم یکسان پیش در همینجا چه بسا اشخاصی برای تعصیف و اصحاب اسلام و قرآن می‌کوشیدند و کسی نیتوانست تصویر کنند و پیش نماید که بلا تشیبی بماند کجه پس از اینکه مکه معظمه به دست توانای پیامبر عظیم الشأن اسلام فتح گردید، ازلوث کفر و شر کوبتها زد و پاک گردید، پس از گذشت یکسال بعد از اینکه جمهوری اسلامی بدست توانای رهبر انقلاب و همکاریهای مراجع عالیقدر تقلید و همت و تشكل و جانبازی ملت برقرارشد، مجلس خبرگان در همینجا تشکیل شود و اسلام از همینجا احیاء و ترویج شود و چهره خود را به جهان و جهانیان عرضه بدارد. اما علت سوم که بیشتر مرا متأثر و مقلوب نمود این بود که آیه‌ای که تلاوت شد بنظر خیر بسیار مناسب بود، آیه امانت بود «ان الله يأمركم ان تؤدوا الامانات الى اهلها و اذا حکتم بين الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماء عظمكم به ان الله كان سميعاً بصيراً» آری ادای امانت وظیفه بسیار سنتگین و خطیری است، ملت شریف ایران با انتخاب ما و اعزام ما به این مجلس کلیه زحمات و مشقات و نتایج جانبازی و فداکاری ویلکه سرنوشت و مقدرات خود را به دست ما امانت سپرده است تا چگونه از عهده این وظیفه خطیر برآئیم و این وظیفه سنتگین الهی را آنطوریکه مرضی پروردگار عالم و خواسته ملت است به دست آنان واعقباً شان بسپاریم. در اینجا باید توجه کرد که ملت ازما چه میخواهد به عبارت دیگر مردم رفع نیاز و اداره امور اجتماعی و تأمین رفاه و آسایش عمومی را چگونه از مخواستارند و این مطلبی است قابل توجه که مردم چه قانونی را ازما میخواهند و مطلب دیگر اینکه آیا قانونی را که ملت ازما میخواهد قطع نظر از این حیث، قانون فی حد ذاته و در نفس الامر مفید این جامعه است یا خیر، در این زینه چه بسا مطالبی توسط آفایان و دوستان گرامی واساید محترم گفته شده است بنده نیز خواستم ادای وظیفه کنم و نوبت گرفتم تا اینکه مطالبی را عرضه بدارم. راجع به قسمت اول بایستی سوال کرد که آیا ملت از برای چه انقلاب نمود و چه عاملی باعث پیروزی انقلاب شد؟ مگر اتحاد و همبستگی ملت نبود که از نیروی ایمان و قدرت مذهبی آنان سرچشمه میگرفت و انقلاب را به مرحله پیروزی رسانید؟ مگر قطع نظر از مقام والای رهبری، جامعه روحانیت ایران نبود که پیش رو این نهضت قرار گرفته بود و ملت شریف ایران بهندای جامعه روحانیت خود که در واقع ندای قرآن و اسلام بود لبیک گفت و با عزم و اراده محکم که با قدرت و نیروی ایمان و عقیده مذهبی آنان ارتباط داشت با کمال شهامت و رشادت، جانبازی و فداکاری نمودند؟ مگر این انقلاب به بهای خون شهیدان مخصوصاً از تیپ جوانان، ناله ستمدیدگان و زجر و شکنجه زندانیان، آوارگی تبعیدشده‌گان، سوک ماتمدیدگان، شعار تظاهر کنندگان که اکثر قریب با تفاق آنان مذهبی بودند و در مساجد اجتماع می‌نمودند تمام نشد؟ بلی، بنابراین ملت با این روحیه و با این عقیده و با این هدف



و مراسی که داشت ازما چه می خواهد؟ مگرچه احکام اسلام و قرآن چیز دیگری را از ما مطالبه می کنند؟، مگر شعار ملت غالباً این نبود «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» و عملاً خواسته خودشان را به مرحله ثبوت رسانیدند که صدی نود و هشت و دو دهم به جمهوری اسلامی رأی دادند. بنابراین خواسته ملت قوانین مقدسه اسلام و احکام متقن و خلل ناپذیر قرآن است، در این صورت کسانی می توانند مقررات مصوبه و قانون اساسی را با احکام اسلامی انطباق دهند که در این رشتہ تخصص دارند که همانا جامعه روحانیت میباشد. بنابراین افراد و اشخاصی که اشکال میکنند که چرا اکثراً جامعه روحانیت در این قسمت انتخاب شده‌اند ، اشکال آنها منتفی است. واما راجع به قسمت دوم: بک فرد مسلمان از قطه نظر مذهبی معتقد است به اینکه احکام اسلامی از ناحیه پروردگار عالم صادر شده است. پروردگاری که خود خالق بشر است ماهیت و خصوصیت اورا میداند بلکه خود این ماهیت و خصوصیت را ایجاد کرده است، آیا صلاح و فساد اورا خود بهتر می داند یا غیر او؟ البته خودش بهتر می داند نه غیر او بنابراین از قطه نظر عقیده مذهبی یک فرد مسلمان با دلیل و منطق و از روی دلیل و عقل می تواند بگوید که احکام اسلامی و قوانین قرآن بهترین احکام و بهترین دستورات است. چه دستوری بهتر از دستورات اسلامی میتوان یافت که کلیه شئون اجتماعی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی کلیه افشار اعم ازیزگ و کوچک، صغیر و کبیر، مرد و زن، کارگر، زارع، مالک، مستأجر، اقلیتها مذهبی همه و همه را بنحو احسن و شایسته بیان کرده باشد؟ یک نفر که در خارج تحصیل می کرده گفته است بعد از اینکه من فارغ التحصیل شدم برای رساله‌ای که می خواستم بنویسم ، قاعده لا ضرر ولا ضرار را عنوان کردم که موجب تحسین و اعجاب استادم شد. ازمن پرسید این مطالب را از کجا نوشته‌ید؟ و اضافه کرد که چرا شرقیها که این مطالب را دارند بمعارضه نمی کنند قانونی که حکم کلیه حوادث و قضایای محتمل الوقوع و لوانکه در عرض چندین هزار سال یکسریه اتفاق یافتد مثل اirth بردن دونفر که از هرین بایکدیگر متصلح باشند که علی الظاهر تابحال یکمرتبه چین مولودی در کشور چین بوجود آمده است ویا حکم عبادت در قطیعن که شش ماهش و شش ماه روز است بنحو جامع و کاملی بیان کرده باشد، آیا قانونی جامعتر و کاملتر از این میتوانیم بیدا کنیم؟ خیر، بنابراین نتیجه بعض این شد که قانون اساسی در عین اینکه لازم است متناسب من سعادت و ترقی ملت ایران بوده باشد، کلاً بایستی با قوانین اسلامی نیز منطبق باشد و به همین دلیل ثابت می شود که شورای نگهبان و ولایت ققيه هم که آنها هستند میتوانند از ادله شرعیه، احکام اسلامی را استنباط کنند و آنها هستند که بهتر میتوانند قوانین و مقررات مصوبه را بالاحکام اسلامی انطباق دهند. علیهذا تعیین علماء و روحانیون برای حفظ قانون اسلام و دخالت در امورات مسلمین و امورات لازم و ضرور بدليلى که ذکر شد ثابت و مدلل میگردد.

وئیس — آقای فوزی یکدیگر قیه بیشتر وقت ندارید.

فوزی — در آخر عرايضم از آنجا که وقت تمام شد، میخواهم دو سه فقره پيشنهاد بکنم که زمينه‌ای برای بعد بوده باشد و پيشنهادات عبارت از اين است که در قانون اساسی طرحهای کلی و اصولی در نظر گرفته شود که دهات از عمران و آبادی اساسی برخوردار شوند و دهاتیها هم بمانند شهریها از مزایای اجتماعی بهره‌مند گردند . جامعه‌ای از فضلا و از افراد مستعد و متقى بنام جامعه مؤلفین برای تألیف کتب مذهبی تشکیل شود که این کتب را در چاپخانه هائی که در سراسر ایران تشکیل میگردد بهطبع رسانند تا به قیمت نازل و ارزان در



اختیار جوانان گذاشته شود تا آنها بیشتر و بهتر بتوانند از مطالب مذهبی استفاده کنند و نیز زینه داد و ستد و تجارت که جریان صحیح و مشروع آن باعث پیشرفت اقتصاد و ترقی ملت و سلکت است فراهم گردد و ایضاً دولت توجهی به منطقه کردستان داشته باشد از آنجائی که مناطق کردنشین در رژیم سابق از مزایای اجتماعی آنطوریکه باید و شاید برخوردار نبودند دراین حوادث و جریانات اخیر چه بسا ضداقلاقیها و افراد ماجراجو و فرصت طلب از این قبیل عناوین سوء استفاده کرده و آنها را اغفال و اغوا کرده بودند. اگرچنانچه گذشته ها ترمیم بشود و عنایت بیشتری به حال آنها گردد فکر میکنم دیگر بهانه و فرصتی به دست این قبیل افراد داده نشود و نتوانند در مرام خود و در ایده خود پیشرفت حاصل کنند.

خلاصه با این جمله عرایض را خاتمه می دهم قانون اساسی در عین اینکه لازم است با قوانین اسلامی کلا مطبق باشد و انتباق اینها را هم بطوریکه عرض کردم اهل فن و آن افرادی که متخصص دراین رشته هستند بهتر می توانند انجام بدنهند لازم است متضمن ترقی و سعادت ملت ایران باشد و طوری تنظیم شود که چهره اسلامی را در دنیای متفرق آشکار نماید و از برای جهان اسلامی ویلکه کلیه ممالک جهان الگو بوده باشد والسلام علیکم و رحمة الله.

رئیس — اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحيم . در بعضی از نوشته ها دیده میشود که راجع به مجلس خبرگان چیزهای نوشته اند و مثل اینکه خودشان را قیم ملت ایران خیال کرده اند. آنها خیال کردند ملت ایران رشدی ندارد و احتیاج به قیم دارد . ملت ایران با کمال آگاهی و هشیاری برای پیاده کردن دستورات اسلام قیام و انقلاب کرده است و انقلاب ایران انقلابی اسلامی بود. جوانهایی که شهید شدند همه در راه اسلام شهید شدند و شعار ملت این بود: «آزادی، استقلال، حکومت اسلامی» معنای اسلامی این است که مقررات اسلامی در چهارچوب حکومت برقرار یاشد. قوانینی که می خواهد برای چنین حکومتی تنظیم شود همانطور که آفای فوزی فرمودند بایستی به دست کارشناسان مسائل اسلامی تنظیم بشود. ملت با بصیرت و هشیاری ، علم و اهل علم را انتخاب کردن البته اکثر آهل علم و فضل هستند ولی ملاک عمامه نبود ملاک کسانی بودند که به مقررات اسلام شناسائی داشتند و آگاه و پاییند و متعهد بودند.

مثل اینکه آقایان دلشان می خواسته است یک حکومتی باشد به سبک غربی که به همه آزادی مطلق بدهد ولی نه در چهارچوب قوانین اسلامی حلا او قاتشان از این تلح شده است که یک عدد افراد متعهد و مستول و علاقه مند به اسلام برای اداره مجلس انتخاب شده اند. باید به آنها گفت که ملت با هشیاری نماینده انتخاب کرده و احتیاجی هم به قیم نداشته و ندارد و شما هم حق ندارید در کار ملت قضاوت کنید حالا به صرف اینکه خودشان را متناسب به ملت کردند نمی توان گفت که قیم ملت باشند و هرچه می گویند خواسته ملت است. خبرگانی را هم که ملت انتخاب کرده اند برای همین بود که اینها به آداب اسلامی خبره اند و ملاکش عمامه نبوده بلکه ملاک آگاهی و آشنائی به مسائل اسلامی است.

۳ — ادامه بحث و تصویب اصل ۱۴ (اصل سی و دوم)

رئیس — وارد دستور جلسه میشوند میخوانم اصل ۱۴ را میخوانم :



اصل ۱۴ - هیچکس را نمیتوان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند، درصورت بازداشت موضوع اتهام باذ کر دلائل حداکثر در مدت بیست و چهار ساعت به متهم ابلاغ شود و مقدمات محاکمه او در اسرع وقت فراهم گردد مختلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود.

البته با توجه به اینکه این اصول یک مرتبه در کمیسیونهای اختصاصی و یک مرتبه در کمیسیون منتخب آقایان و یک مرتبه هم در کمیسیون هفت نفری و یک مرتبه هم امروز صبح در کمیسیون مشترک مورد مذاقه قرار گرفته است ، بنابراین گمان نمیکنم دیگر آقایان حرفی داشته باشند مگر سؤالات جزئی و مختصری که آقایان داشته باشند. آقای خامنه‌ای شما سؤال دارید یا اینکه مخالف و یا موافق هستید؟ (خامنه‌ای — مخالف) بفرمائید جزء مخالفین صحبت کنید.

خامنه‌ای — بسم الله الرحمن الرحيم. بنده عذر می خواهم که بار دوم است این مطالب و ایرادات را عرض میکنم به طوریکه صبح هم گفتم خیال کردم نکته‌ای روشن شده است و آن را اصلاح می کنند. اکثر آقایان در خلال کشا کش دوران گذشته گرفتار شده و به زندان رفته‌اند، سابقاً با وجودی که قانون قرص و محکم بود باز تخلف می‌شد. یعنی در قانون سابق لازم بود که تفهیم اتهام بشود و مرجع تفهیم اتهام جائی بود که شخص را دستگیر میکردند مثلما کلانتری یا ساواک اگر کسی را می گرفت جرمش محرز بود . چون کلانتری و کلانترها بطror کلی ضابط دادگستری محسوب می‌شوند آنها مأمورند متهمنین و طرف شکایت را ببرند و این شخص اولین حقی که دارد این است که بداند برای چه او را گرفته‌اند. این را اصطلاحاً تفهیم اتهام می‌نامند و این حق قانونی در سابق رعایت نمی‌شد و چند روز کسی را نگه می‌داشتند و منعکس نبود که برای چه دستگیر شده است و به محض اینکه تفهیم اتهام می‌کردند درصورت جلسه تحقیقات مشخص می‌شد و طرف هم اعتراض می‌کرد و آنها هم ترتیب اثر می‌دادند این بیست و چهار ساعتی که در قانون سابق وجود داشت برای تفهیم اتهام نبود، برای این نبود که به متهم ابلاغ بشود، چون فوراً باید ابلاغ میشود. برای این بود که متهم را دستگیر کرده‌اندو آن ضابط دادگستری باید به مراجع صلاحیت دار تحويل می‌داد. مرجع صالح و بازپرس از جهات مختلف صلاحیت پیشتری دارند که بالاخره به این اتهام رسیدگی کنند. من از این ماده اینظور استفاده می‌کنم که اگر فردا این را به دست کسی دادیم بفهمد موضوع اتهام حداکثر در مدت بیست و چهار ساعت به متهم ابلاغ می‌شود. شما بیست و سه ساعت به آن مرجع حق داده‌اید که اصلاً در این مدت به او نگویند تو را برای چه اینجا آورده‌اند و اگر خیلی مقرراتی باشند یعنی در رأس ساعت بیست و چهار که این شخص آبرومند را به اتهام واهمی، با دلیل واهمی گرفته‌اند، به حکم اینکه فراری بوده و ضابط هم این حق را دارد که او را دستگیر کند. بسیار خوب بگیرند، ولی باید زود رسیدگی بشود و در ظرف بیست و چهار ساعت ابلاغ نمایند و مقدمات محاکمه او در اسرع وقت فراهم شود که معلوم نیست این مقدمات چقدر طول می‌کشد و اگر کلانتری صلاح دانست کسی را با یک اتهام ساده دستگیر کرد، چون معمولاً معلوم نیست دستگیر شده مجرم باشد در ظرف ۲ ساعت برایش تفهیم اتهام می‌کند و یک چند روزی هم به عذر اینکه مأمور نداریم، پرونده کامل نیست او را نگه می‌دارند و می‌گویند باید تحقیق محلی شود و شاهد هایی بینند. بنابراین میتوانند مدت بیست و چهار ساعت در زیرزمین کلانتری نگاهش دارند.



این بیست و چهار ساعتی را که اینجا گنجانده اید به هر قاضی و به هر وکیلی اگر بدھید حدس می زند در موقع چاپ چیزی از قلم افتاده است. برای اینکه صرفاً برای این است که در مدت بیست و چهار ساعت به مرجع صالح یعنی دادسرا ارجاع شود.

این اصل به این صورت نه فقط حقی برای مردم ایجاد نمی کند بلکه حقوق گذشته آنها را هم از دستشان می گیرد و خیلی هم خطناک است و اصلاً در فرم هم نیست یعنی نه فقط حق مردم را از یک مقام در خطر می اندازد بلکه کافی است که فقط یک پاسبان کسی را بگیرد و برایش صورت جلسه ای تشکیل بدھند.

رئیس — آقای موسوی تبریزی بفرمائید به عنوان موافق صحبت کنید.

موسوی تبریزی — بسم الله الرحمن الرحيم . در این اصل خیال می کنم هیچ اشکال شرعی و قانونی وجود نداشته باشد . برای اینکه اشکالاتی را که آقای خامنه‌ای فرمودند کافی است که با یک اتهام یا یک چیز جزوی یقه آدم را بگیرند و ببرند نمی دانم از کجای این اصل اشکالش فهمیده می شود زیرا نوشته شده «هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند آن پاسبانی که می خواهد متهم را بگیرد باید به صرف قانون تکلیفیش معین شود تا قانون به او اجازه بدهد . قانون چه وقت اجازه می دهد ؟ وقتی که کسی از طرف مراجع صالح مجرم شناخته شود ، ممکن است برای شما اتهام باشد ولی برای مراجع صالح جرم طرف ثابت شده است . از این عبارت فهمیده نمی شود که پاسبان به صرف اتهام کسی را بگیرد و ببرد . « مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند » و به قول آقای یزدی ترتیب بازداشت و ترتیب دستگیر کردن هم به حکم قانون است پس به صرف اتهام نیست و هیچ خطی هم ندارد که فردا کسی را به مجرد اتهام بگیرند و ببرند ، زیرا هم ترتیب گرفتن و هم اتهام باید مطابق قانون باشد .

واما موضوع اتهام با ذکر دلائل که باید حداً کثر در مدت بیست و چهار ساعت باشداشند حداً کثر زمان ممکن است در همان ساعتی که کسی را گرفتند و به کلانتری یا جای دیگر بردند باید به او بگویند چرا تورا گرفتیم ، ممکن هم هست نگویند ولی حدی را که برای او تا اوتیست و چهار ساعت قابل شده اند حد معقولی است و اینکه جناب آقای خامنه‌ای فرمودند در زمان طاغوت اینطور بود ، آنچه قانون درست بود ولی کسی اجرا نمی کرد این اشکال در ضامن اجرا است نه اینکه اشکال قانون باشد اشکال در کیفیت اجرای قانون است بعد از آنکه کسی متهم به سرقت یا قتل یا زنا شد یا متهم به اخلاقی علیه امنیت مملکت است باید این مقدار دست دولت را باز بگذاریم که متهم را دستگیر کند و به طوریکه صبح هم با جناب آقای طباطبائی صحبت شد شرعاً هم اشکالی ندارد اگر کسی واقعاً جرمش شخصی یا اجتماعی است در قانون شرع هم می توانیم آن را در قالبی بربیزیم که هیچگونه اشکالی نداشته باشد . برای جلوگیری از مبتکرات و برای جلوگیری از درهم و برهم بودن عالم اجتماع حاکم شرع هم حق دارد کسی را که مرتکب جرمی شده بگیرد ، اینها هم می توانند به موجب قانون بگیرند متنها افرادی که اورا می گیرند باید ضامن اجرای قانون باشند ، اگر قانون به طریق صحیح اجرا شود در اولین مرحله‌ای که مجرم را به کلانتری می برند باید اتهام او را بدلائل ذکر کنند و اینکه فرمودند اگر در مدت ۴ ساعت تعمیرش معلوم نشد آبرویش می رود باید پگوییم کسی که در مظان اتهام قرار گرفت فرقی نمی کند چه یک ساعت او را نگه دارند چه بیست و چهار ساعت لهذا این



هم از نظر شرعی اشکالی ندارد و برای جلوگیری از منکرات و برای ایجاد جامعه‌ای که با صلاحیت مجمع اسلامی باشد می‌توانیم این را هم در حکم شرعی تنفيذ کنیم. فقیه و ولی امر می‌توانند تنفيذ بکند و هیچ اشکالی هم ندارد.

واما راجح به جمله سوم: «مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد» اسرع وقت معلوم است و مربوط به کیفیت اجرا می‌شود یعنی وقتی متهم را گرفتند و به کلانتری و یا جای دیگری پرداختند در ظرف بیست و چهار ساعت باید مقدمات محاکمه را فراهم کنند و اگر کسی تخلف کرد قانون جرمش را تعیین می‌کند، این نه خلاف شرع است نه قانون.

فاتحی — این که نوشته شد «به حکم و ترتیب قانون» این به حکم قانون مدنی است یا قانون شرعی؟

موسوی تبریزی — مراد همان قانون مدنی است که مطابق با قانون شرع است، بنابراین قانون همان قانون مدنی است و قانون ما هم همان قانون مدنی شرعی است.

رؤیس — آقای یزدی سؤالی دارید؟

یزدی — سؤال من همان است که آقای خامنه‌ای فرمودند در قانون قبلی به مجرد اینکه کسی را می‌گرفتند، اتهامش را می‌گفتند حالا چه باعث شده که بیست و چهار ساعت تأخیر قائل شده‌اند؟

موسوی جزایری — آن زمان هم چنین چیزی معمول نبود و من فکر نمی‌کنم به محض اینکه کسی را می‌گرفتند در همان دقیقه اتهامش را گفته باشند.

پژووش — اینکه می‌فرمایید «اسرع وقت» مقصود چه مدت زبان است قدری توضیح بدھید

موسوی تبریزی — اسرع وقت نسبی است و به طور صحیح نمی‌تواند ضامن اجرا باشد، بعد از آن که به انتکاء این مطلب که «اسرع وقت» نوشته‌اند و بهترین عبارت هم هست دادگاه‌های ما، دادگستری ما و مراجع قضائی ما هم از نظر قانون و هم از نظر افراد به کلی شرعی شد، هیچ اشکالی درین نیست زیرا ممکن است این اسرع وقت دو ساعت، یا دو روز و یا ده روز باشد. پس موضوع اتهام را با دلائل جمع آوری می‌کنند و بازرسی انجام می‌شود و بعد هم طبق قانون رفتاری می‌کنند. بنابراین بازاین مربوط به کیفیت اجرا می‌شود و اگر ضامن اجرائی صحیح و درستی در دست نداشته باشید و این اسرع وقت را تا دو ساعت هم معین بکنید باز درست از آب درخواهد آمد. «اسرع وقت» ممکن است از نظر دادگستری دو ساعت و ممکن هم هست دو ساعت طول بکشد و تمام اشکالهای شما متوجه کیفیت اجرای قانون است والا اصل قانون حق قانون فکر می‌کنیم اشکالی نداشته باشد، ولی ممکن است پرونده‌ای زودتر از دو ساعت طول بکشد و آنوقت این دو ساعت را آن بیچاره چکاریکند و یا پرونده‌ای باشد که بیشتر از دو ساعت یعنی دس ساعت یا دو روز وقت لازم داشته باشد.

صلوچی — مگر اینکه هیچ متهمنی دستگیر نشود.

موسوی تبریزی — بله، آقایان می‌گویند اصلاً هیچ متهمنی دستگیر نشود مگر وقتی که جرمش علني و آفاتایی شد آن وقت او را بگیرند، که اینهم هرج و مرج در مملکت ایجاد می‌کند.

رؤیس — آقای کیاوش فرمایشی دارید؟

کیاوش — سؤالی دارم راجح به این مدت بیست و چهار ساعت است که فرمودند آبروی



شخص می‌رود یا نمی‌رود و آفای موسوی هم فرمودند که این حد کاملی است من معتقدم اگر کسی را در بازداشتگاهی نگاه داشتند و اتهامش ناحق بود آبرو و حیثیتش می‌رود و اگر اصل دیگری به این اصل اضافه شود به این ترتیب که اگر کسی را گرفتند و بعد جرمش ثابت نشد به وسیله دادگستری و مراجع صلاحیتدار اعاده حیثیت آبروی او را بنمایند و به هطریق که صلاح می‌دانند جبران کنند. آنوقت به عقیده بنده این اصل کامل می‌شود.

رئيس — اجازه بدھید پیشنهادات رسیده را که بیشتر از دو سه تا هم نیست بخوانم: «هیچ کس را نمی‌توان بازداشت کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند در صورت بازداشت باید موضوع اتهام باذکر دلائل فوراً تفهیم و حداکثر تا بیست و چهار ساعت پرونده امریبه مراجع صالح ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

پیشنهاد دوم مربوط به آقای باریک بین است که قرائت می‌شود: «موضوع اتهام در اسرع وقت به متهم ابلاغ شود و مقدمات محاکمه او حداکثر تا بیست و چهار ساعت فراهم گردد.»

مقدم مراجحه‌ای — بنده هم پیشنهادی دارم که می‌خوانم.

رئيس — صحیح موقعی که این اصل مطرح شد شما تشریف نداده شدید و قرار ما این شد آقایانی که در کمیسیونها تشریف نمی‌آورند در جلسه علنی حق اظهار نظر نداشته باشند.

مقدم مراجحه‌ای — بنده بودم یانبودم به جای خود ولی آیا می‌توان مرا از حق محروم گرد و اجازه اظهار نظر نداد؟

رئيس — تشکیل کمیسیون مشترک برای این است که از اتفاق وقت جلوگیری بشود اگر بنا باشد آقایان در کمیسیون مشترک شرکت بکنند و چیزی را آنجا تنظیم بکنند بعد عصر عده‌ای بیانند و همه کاسه و کوزه‌ها را بشکنند که صحیح نیست. بنابراین برای اینکه حقشان محفوظ باشد باید به کمیسیون تشریف بیاورند تا بتوانند در جلسه علنی با بصیرت و اطلاع قبلی حضور پیدا کنند. پیشنهاد آقای فاتحی را می‌خوانم:

«جز در بوارد جرایم مشهود هیچ کس را نمی‌توان دستگیر یا زندانی کرد مگر به موجب حکم یا قرار محاکم صالح قضائی، حکم یا قرار بازداشت حداکثر تا بیست و چهار ساعت باید به متهم ابلاغ شود، مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می‌کند.»

در جرایم مشهود، یعنی فوراً می‌توانند کسی را دستگیر کنند و در غیر این صورت به موجب قرار صادره باید باشد پیشنهاد آقای ربای شیرازی را می‌خوانم:

«هیچ کس را نمی‌توانند بازداشت کنند مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند و در این صورت حکم بازداشت را دادستان باذکر دلایل تاحداً کثیر است و چهار ساعت به متهم باید ابلاغ نماید.»

مکارم شیرازی — باید در قانون جزا و موارد دیگر هم نوشته شود.

رئيس — آقای میر مراد ذهی نوشه اند: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به ترتیبی که قانون معین می‌کند و در صورت بازداشت باید به مقام صلاحیتدار قضائی اعزام تأمینات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» توضیح می‌دهم که آقای خامنه‌ای نوشه اند «اگر کسی را بازداشت کردنده همان وقت موضوع اتهام



با ذکر دلایل به او ابلاغ شود. این یک امر ممکنی است برای اینکه تا دلایل و شواهدی در دست نداشته باشند اصلاً نمی‌توانند او را بازداشت کنند موضوع اتهام را فوراً باید ابلاغ کنند اما اینکه در ظرف یست و چهار ساعت مقدمات را فراهم کنند این موضوع عملی نیست.» **دکتر بهشتی** — ایشان نوشه اند باید برایش پرونده تشکیل بدند نه اینکه محاکمه اش بکنند.

رئیس — نوشه اند پرونده امر به مراجع صالحه ارسال شود ولی نمی‌شود فوراً پرونده را ارسال کرد چه بسا که یک بازجوئی یک‌ماه طول بکشد، پرونده امر یعنی ضابط یعنی پروندهای که در شهریانی تشکیل می‌شود.

خامنه‌ای — مثلاً در کلانتری می‌نویسنند اتهام تو چیست؟ طرف تو کیست؟ دلیل تو چیست؟ بند می‌گوییم آقا من پنج نفر شاهد دارم و آقا را می‌برم آنجا یا قبول می‌کنم یا منکر این پرونده می‌شوم.

رئیس — اگر اتهامش مثلاً سیاسی باشد و از طرف کلانتری بازداشت شد کرده باشند آیا کلانتری می‌تواند در ظرف یست و چهار ساعت پرونده سیاسی را تشکیل و به دادگاه بفرستد؟ **خامنه‌ای** — ملاحظه بفرمائید در یک مرجع دیگر این شخص که جرم‌ش سیاسی است متهم می‌شود. مثلاً افسر یا قاضی جرم‌ش را تعیین می‌کند پس از تشکیل پرونده به مراجع صلاحیت‌دار تحویلش می‌دهند آنجا یا قبول می‌کند یا منکر می‌شود مرجع دستگیر کننده موظف است آن‌ها پرونده را به مراجع صالح بفرستد چون مراجع صالح به جرم دستگیر شده رسیدگی می‌کنند.

رئیس — پرونده مقدماتی را باید به مراجع صالح بفرستند.

دکتر بهشتی — پرونده مقدماتی نمی‌خواهد.

رئیس — تذکری را که آقا دادند اگر جرایم مشهود بود دستگیرش می‌کنند و اگر مشهود نبود مراجع قضائی توقيفش می‌کنند، حکم روی قرار محاکم صالحه است. **مقدم مراجحه‌ای** — در اینجا اشکالی است که بند عرض می‌کنم و آن راجع به دستگیری مجرم است.

دکتر بهشتی — این قسمت در همان سطر اول اصل هست «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند». در آنجا قانون جزا تکلیف مجرم را معلوم می‌کند. جرم مشهود حکم دادستانی نمی‌خواهد ولی جرم غیر مشهود حکم دادستانی لازم دارد و یا اینکه جرایم مشهود را به انواعی تقسیم کنند. بنابراین، این قطه نظر شما از بین نرقه و رعایت‌شده است، زیرا در اصل قانون اساسی نخواستند تفصیلش را بیاورند و شما از این قسمت نگران نباشید.

مقدم مراجحه‌ای — منظور بند این است که اغلب آقایان گرفتار بوده‌اند. در ظرف یست و چهار ساعت باید پرونده را بفرستند به یک مرجع قضائی، مراجع قضائی تکلیفش را معلوم کنند.

رئیس — بسیار خوب «در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل فوراً تقویم و حداکثر در مدت یست و چهار ساعت به مقدمات ابلاغ شود» ولی به نظر آقایان ابلاغ آن باید کتبی باشد یا شفاهی؟ (نمایندگان — کتبی) پس بهتر است به اینصورت بنویسیم «موضوع اتهام



باید با ذکر دلایل هرچه زودتر کتاباً ابلاغ...»

طاهری اصفهانی — من صحیح پیشنهاد کردم بنویسید «در اسرع وقت ممکن» آقایان عنایت نکردند معلوم می‌شد حرفهایی که صحیح می‌زینیم ترتیب اثر داده نمی‌شود.

دکتر بهشتی — آقای طاهری توجه بفرمایید یک چیزهایی هست که بود و نبودش فرقی ندارد اگر شما نوشتید «در اسرع وقت» ضابط یک ماه طولش می‌دهد و می‌گوید این مدت اسرع وقت ممکن بود و بعد باید او را محاکمه کرد که آیا برای او این اسرع وقت ممکن بوده یا نبوده است.

طاهری اصفهانی — فوراً هم بنویسید اشکالی ندارد.

دکتر بهشتی — منظور از فوراً معلوم است اگر بنویسیم فوراً باید بداو ابلاغ کتبی بشود یعنی ضابط همان وقت همراه خودش ورقه کتبی داشته باشد و اشکال ندارد که فوراً بنویسد و با امضای خودش به او بدهد و لازم نیست که مقامات قضائی بنویسند اگر خودش ضابط است و حق دستگیری دارد همان وقت هم بنویسد شما را به این دلیل دستگیر کردم و به او بدهد.

رئیس — یکبار دیگر اصل را می‌خوانم «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلاfaciale کتاباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود.» (ربانی شیرازی) — آقای منتظری ابلاغ به چه کسی بشود؟ تفهیم می‌شود و گزارش آن به محاکم صالحه داده می‌شود).

جوادی — این اصطلاح قضائی است فقط باید نوشت ابلاغ شود.

رئیس — تفهیم ننویسیم؟

جوادی — خیر.

رئیس — اتفاقاً ما می‌دیدیم چیزهایی که آن موقع به ما می‌نوشتند اینظور بود که می‌نوشتند ابلاغ شد.

جوادی — این مسئله رویت است.

ربانی املشی — این اصطلاحات را اگر تصویب بکنیم و بگذاریم ممکن است بعد از اشکالاتی ایجاد کند پس بهتر است اول از اهله سؤال کنید.

مکارم شیرازی — منظور از تفهیم چیست؟

رئیس — یعنی بطرف بهمانند که جرم او چیست.

مکارم شیرازی — فردا ممکن است بگویید به من افهمانندند چطور ثابت می‌کنند که مأمور به او فهمانده است؟

رئیس — کتاباً همین است که بنویسند رویت شد.

مکارم شیرازی — عرض بنده این است که اگر متهم بگویید به من تفهم نشد باید دو شاهد عادل شهادت بدند که به اوتھیم شده است آخر چیزی بگوئید که قابل اثبات هم باشد.

رئیس — عبارت «بلاfaciale به متهم ابلاغ و تفهیم شود» اینکه ضرر و اشکالی ندارد حالا بقیه اصل را می‌خوانم «و حدا کثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی امر به سراج صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه او در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» کسانی که با این اصلاحات موافقند دستشان را پلند کنند (اکثر دست بلند کردن) تصویب شد. بنابراین اصل ۱۴ را می‌خوانم:



اصل ۱۴ (اصل سی و دوم) – هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلا فاصله کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداً کثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجعت قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. مخالف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

رئیس – عده حاضر در جلسه شصت و چهار نفر، تعداد آراء شصت و چهار رأی، موافق پنجاه و سه نفر، مخالف سه نفر، ممتنع هشت نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر. (حضر ارسه مرتبه تکبیر گفتند)

۴ – طرح و تصویب اصل ۱۴ (اصل سی و هشتم)

رئیس – اصل ۱۴ را قرائت می کنم:

اصل ۱۴ – شکنجه به هر نحو برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع منوع است اجراء شخص پشهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است مخالف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اکرمی – به نظر من اینجا یک کلمه باید اضافه بشود برای اینکه در گذشته در وزارت آموزش و پرورش بعضی از معلمین نادان دانش آموزان را شکنجه می کردند، به همین جهت باید نوشته شود «شکنجه مطلقاً و به ویژه به هر نحو...» (رئیس – به هر نحو یعنی مطلقاً). خیر «شکنجه مطلقاً» و یقیه اش برای کسب اقرار اش اینجا بیشتر برای کسب اقرار است مطلقاً ندارد. بنابراین گاهی اوقات ممکن است در آموزش و پرورش پیش بیاید.

رئیس – منظور در مقام اقرار گرفتن و سوگند است والا هیچ کس را نباید شکنجه کرد. تمام احکام فقهی را که ما اینجا نمی خواهیم بنویسیم آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش – من معتقدم که کلمه «مطلقاً» باشد زیرا «به هر نحو» نوع شکنجه را می رساند و «مطلقاً» خود شکنجه را می رساند.

رئیس – آقای بشارت بفرمائید.

بشارت – باید نوشته شود «شکنجه مطلقاً».

رئیس – آقای مشکینی بفرمائید.

مشکینی – شکنجه به هر نحو برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع منوع است مامعتقدم که این یک امر غیر اسلامی و غیر انسانی است و رأی هم به این می دهیم ولی بعضی از مسائل باید مورد توجه قرار گیرد مثلاً اینکه احتمالاً چند نفر از شخصیت های برجسته را رویده اند و دو سه نفر هستند که می دانیم اینها از بینندگان اطلاع دارند و اگر چند سیلی به آنها بزنند ممکن است کشف شود آیا در چنین مواردی شکنجه منوع است؟

رئیس – کسب اطلاع راهه ائی دارد که بدون آن هم می توانند آن اطلاعات را بدست آورند.

مشکینی – اگر چند شکنجه اینطوری به او بدنهند مطلب را می گوید مثلاً در واقعه استاد مطهری یک فردی می شناسد که احتمالاً خارب چه کسی هست اگر به او بگویند تو گفتی می گوید نه.

رئیس – خبر این کار بیش از نفعش هست.



مشکینی — مسأله دفع افسد به فاسد آیا در این مورد صدق ندارد با توجه به اینکه در گذشته هم وجود داشته است؟

دکتر بهشتی — آقای مشکینی توجه بفرمائید که مسأله راه چیزی باز شدن است. به محض اینکه این راه بازشد و خواستند کسی را که متهم به بزرگترین جرمها باشد یک سیلی به او بزنند مطمئن باشید به داغ کردن همه افراد منتهی میشود. پس این راه را باید بست یعنی اگر حتی ده نفر از افراد سرشناس ریوده شوند و این راه باز نشود جامعه سالمتر است.

رئیس — اگر گناهکاری آزاد شود بهتر از این است که بیگناهی گرفتار شود.

مهندس مراغه‌ای — بنده اصلاحاتی را در این اصل می‌خواهم عرض کنم چون با این طرح مخالف هستم.

رئیس — شما صحیح تشریف داشتید؟

مقدم مراغه‌ای — بله.

رئیس — پیشہ‌دادنان را بنویسید و بدھید، آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — بنده میگوییم مذاکرات کافی است و رأی بگیرید صحیح تمام این مطالب مطرح شده است.

رئیس — آقای آیت شما موافقید؟

دکتر آیت — بله.

رئیس — آقای یزدی بفرمائید.

یزدی — بنده یکسوالی دارم اینجا نوشته است «شکنجه به هر نحو» ظاهر شکنجه شکنجه جسمی است ولی عبارت «به هر نحو» همانطور که آقایان فرمودند انواعش هست، اما شکنجه روانی و معنوی یعنی ایجاد محيطی بکنند که طرف شکنجه ببیند و تراحت بشود این عبارت منع این کار را نمی‌رساند.

رئیس — مصادیق به هر نحوی است.

یزدی — منظور از «به هر نحو» انواع شکنجه جسمی است و مثل اینکه منع شکنجه روانی از این عبارت فهمیده نمی‌شود منظور این است که تعییری باشد که آنرا هم بفهمند.

رئیس — یعنی بنویسند شکنجه جسمی و روانی، بسیار خوب پیشہ‌دادی است.

ریاضی شیرازی — بنویسند «هرگونه شکنجه».

رئیس — آقای طاھری اصفهانی شما مخالفید؟ (طاھری اصفهانی — بله) بفرمائید.
طاھری اصفهانی — به عقیده من بهتر است که این اصل نباشد، زیرا آن قسمتی که مربوط به شهادت و اقرار و سوگند است مربوط به دعاوی است و در قانون جزائی ما هست حالا گذاشتن این جمله در اینجا برای چیست؟ فردا شاید یکباندی درست شدند و یک کارهائی کردند و گفتن در قانون اساسی شکنجه منوع شده است و دست به انواع کثافت کاری بزنند این قسمت اول را اصلاح بردارید و قسمت دومش هم مربوط به باب جزا و مراجعات است.

رئیس — پس شما مخالف این اصل هستید آیا بیان دیگری ندارید?
طاھری اصفهانی — منظور این است که باب را باز می‌کند نمی‌گوییم شکنجه حلال است همانطور که فرمودند یک کار غیر انسانی است و بنده هم می‌گویم نکنند.
رئیس — آقای میربرادر زهی بفرمائید.



میر مراذزهی — آگر لازم باشد بنده به عنوان موافق صحبت می کنم.

رئیس — آقای دکتر ضیائی بفرمائید.

دکتر ضیائی — بنده عرض می کنم شکنجه مطلقاً منوع ویک (و) اینجا میخواهد یعنی

یک مطلقاً اینجا بگذارید و تعیین پدھیمد.

رئیس — آقای طاهری خرم آبادی.

طاهری خرم آبادی — عرض بنده این است که صبح در جلسه مشترک این مسائل عیناً

بحث شده و عیناً به همین صورت رأی آورده است آگر بنا باشد هرچه که ما صبح در آنجا صحبت

می کنیم عصرهم در اینجا صحبت کنیم پس جلسه مشترک به چه درد می خورد حالاً اگر آقایان

مطلوب تازه‌ای داشته باشند باید بیان کنندنه اینکه همان مطالب تکرار شود.

رئیس — آقای مکارم هم حتماً همین مطلب را می خواهند بگویند.

مکارم شیرازی — در تمام دنیا شکنجه منوع است در اسلام هم ما جائی در تاریخ

نديده‌ایم که کسی را برای اقرار گرفتن شکنجه کنند پس هم از نظر اسلامی و هم از نظرات دیگر

این کار منوع است. سابقاً که خود ما محکوم بودیم شکنجه را منع می کردیم ولی حالاً که

حکومت به دست ما افتاده چرا شکنجه را منع نکنیم اگر این کار را نکنیم خیلی اثربوه می گذارد.

رئیس — آقای سیحانی بفرمائید.

سیحانی — آقای منتظری معنای این جمله چیست، اگر مقصود از جمله «اجبار شخص به

شهادت» مقصود تحمل شهادت است به طور مسلم تحمل شهادت واجب نیست و اگر مقصود،

اداء شهادت در محکمه است به طور مسلم اداء شهادت در محکمه واجب است همانطور که قرآن

می فرماید «ولاتکتموا الشهادة...» و نیز می فرماید «ولا يأب الشهداء اذا مادعوا...» و این

آیات می رساند که اداء شهادت در محکمه واجب است و حاکم اسلام می تواند شاهد را برای

اداء شهادت الزام کند زیرا شاهدی است که می ترسد و اداء شهادت نمی کند در این صورت

برحاکم لازم است با تأمین جان، اورا بر اداء شهادت الزام کند.

دکتر بهشتی — آقای سیحانی اجباریه حضور در یکجا یک مسئله است و اجبار به اداء

شهادت مسئله دیگری است بنابراین هیچ کس را اجبار نمی شود بلکه فقط می شود به آن

شخص گفت که در دادگاه حاضر شود و اگر شهادتی دارد بگوید.

سیحانی — اگر شاهد بوده، تحمل الشهاده، یعنی شهادت را متحمل بوده است حاکم

نمی تواند اورا مجبور کند؟

دکتر بهشتی — خیر در حقه هم چنین چیزی نیست.

رئیس — در اینجا آقای ریانی یک پیشنهاد دارند که به جای «شکنجه به هرنحو»

بنویسیم «هرگونه شکنجه» آقایان با این پیشنهاد موافقتند.

بنی صدر — همه می گویند بنویسید «مطلقاً».

رئیس — عبارت «هرگونه شکنجه» که بهتر است حالاً اصل را برای رأی گرفتن می خوانم:

اصل ۴۲ (اصل سی و هشتم) — هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع منوع

است اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد

ارزش واعتبار است مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

گلدانها را برای رأی گرفتن بپرید (اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)



رئیس — عده حاضر در جلسه ۶۲ نفر، تعداد آراء ۶۲ رأی، موافق ۵۰ نفر، مخالف هیچ ممتنع ۱۲ نفر بنابراین اصل تصویب شد، تکییر. (حضارسه مرتبه تکییر گفته شد)

۶ - طرح و تصویب اصل ۴ (اصل سی و نهم)

رئیس — اصل ۴ را قرائت می کنم:

اصل ۴ — هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد منوع و موجب مجازات است.

رئیس — ظاهراً بحثی ندارد.

مکارم شیرازی — یک کلمه «دستگیر» قبل از بازداشت باید اضافه شود.

رئیس — آقای خامنه‌ای بفرمائید.

خامنه‌ای — بازداشت یا زندانی یا دستگیر به معنی سلب آزادی است هر کس را جلویش را بگیرند و نگذارند تکان بخورد ولود داخل ماشین خودش باشد این سلب آزادی است و به زندان هم که محکوم بشود سلب آزادی است اگر زندان موقت هم باشد سلب آزادی است زندان و بازداشت یک معنی دارد بازداشت با دستگیری هم هیچ فرقی ندارد.

رئیس — اجازه بفرمائید اصل را برای رأی گرفتن قرائت می کنم:

اصل ۴ (اصل سی و نهم) — هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد منوع و موجب مجازات است.

گلستانها را برای گرفتن رأی ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

رئیس — عده حاضر در جلسه ۶۲ نفر، موافق ۵۰ نفر، مخالف ندارد، ممتنع ۱۲ نفر بنابراین، این اصل تصویب شد، تکییر. (حضارسه مرتبه تکییر گفته شد)

۷ - طرح و تصویب اصل ۳۶ (اصل سی و سوم)

رئیس — اصل بعدی به موجب شماره‌ای که دیروز گذاشتیم گفتیم مناسب است که بعد از دو اصل تابعیت باشد و شماره آن ۳۶ می‌شود که قرائت می‌کنم:

اصل ۳۶ (اصل سی و سوم) — هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش منوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

رئیس — ظاهراً مخالفی ندارد گلستانها را برای گرفتن رأی ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی ۶۱ نفر، موافق ۵۰ نفر، مخالف و ممتنع ندارد بنابراین، این اصل به اتفاق آراء تصویب شد، تکییر. (حضارسه مرتبه تکییر گفته شد)

۷ - طرح و تصویب اصل ۴ (اصل چهلم)

رئیس — اصل ۴ مطرح است که قرائت می کنم:

اصل ۴ — هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.



رئیس — با توجه به اینکه این اصل سه مرتبه بررسی شده است ظاهراً بحث ندارد، آقای مشکینی بفرمائید.

مشکینی — عبارت «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را» یک امر قصبدی است یعنی حق خویش را به قصد اضرار بر دیگران اعمال می‌کند. اگر مراد اینست، پس صریحت‌تر بفرمائید و اگر امر واقعی است و می‌خواهد که در حق خودش تصرف کند به غیر ضرر می‌رساند. دکتر بهشتی — آقای مشکینی به کلمه «وسیله» توجه بفرمائید وسیله او قراردادن.

رئیس — برایش امر قصبدی می‌شود.

مشکینی — به معنی بهانه بگیریم.

رئیس — وسیله اضرار به غیر، یعنی می‌خواهد به او ضرر برساند. حالا اصل را یک مرتبه دیگر برای رأی گرفتن می‌خوانم:

اصل ۴ (اصل چهلم) — هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. گلدانها را برای رأی گرفتن رأی بپرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی ۲۱ نفر، تعداد آراء ۲۱ رأی، موافق ۶ نفر، مخالف ندارد، ممتنع ۰ نفر تصویب شد، تکبیر. (حضور سه مرتبه تکبیر گفتند)

۸ — طرح و تصویب اصل ۵ (اصل سی و یکم)

رئیس — اصل ۵ قرائت می‌شود.

اصل ۵ — داشتن مسکن مطابق نیاز برای سکونت، حق هر خانواده ایرانی است دولت موظف است با اولویت دادن به روستانشینان و کارگران و سایر قشرهای کم درآمد این اصل را اجرا کند.

رئیس — به نظر من یک اشکال در این اصل وجود دارد، باید نوشته شود: «دولت موظف است با بکارگرفتن همه امکانات و اولویت دادن به روستانشینان و کارگران...»

مکارم شیرازی — باز هم مشکل حل نمی‌شود.

صفافی — باید معلوم شود که دولت عواید اینکار را از چه محلی تأمین میکند یا در ذیل اصل اضافه شود ترتیب اجرا را قانون معین کند.

رئیس — بسیار خوب، آقای جوادی فرمایشی دارد؟

جوادی — دولت موظف است با اولویت دادن به روستانشینان و کارگران و سایر قشرهای کم درآمد این «حق» را اجرا کند.

رئیس — حق را اعطای می‌کنند نه اجرا.

جوادی — خیر، حق ملت است و دولت موظف به جرا است.

رئیس — آقای رشیدیان فرمایشی دارید؟

رشیدیان — من صبح هم عرض کردم و پیشنهاد هم دادم با توجه به اینکه در اسلام همه برابر هستند و هیچ قشر و گروهی بر دیگری برتری ندارد، بنابراین نباید روستانشینان و کارگران را اولویت بدھیم بلکه باید بگوئیم «اقدام مستضعف یا کم درآمد» که یک صفت عام باشد



و اختصاص به یک گروه خاص نداشته باشد.

رئیس — آقای موسوی جزاً بفرماید.

موسوی جزاً — بسم الله الرحمن الرحيم. از این عبارت «داشتن مسکن مطابق نیاز برای سکونت، حق هر خانواده ایرانی است دولت موظف است با اولویت دادن به روزتاشینیان و کارگران و سایر قشرهای کم درآمد این اصل را اجرا کند» اینطور استفاده می‌شود که دولت موظف است برای تمام مردم مسکن تهیه کند، آنوقت اولویت را به قشری که ذکر شد میدهد، لازمه اولویت داشتن بهاین معنی است که بقیه مردم هم این حق را دارند ولی در درجه متاخر قرار دارند، یعنی این اصل شامل تمام طبقات مردم می‌شود که دولت باید برایشان خانه تهیه کند، حال آنکه، کسی که ممکن است و می‌تواند خودش خانه تهیه کند، که حق ندارد. (یکی از نماینده‌گان — رایگان نیست).) مگر به طبقه کم درآمد مسکن رایگان نمی‌دهند؟ آیا آن مسکن که به کارگر و روزتا نشین میدهید رایگان است یا غیر رایگان؟ اگر مقصود رایگان است بنابر این دولت موظف است به همه بطور رایگان مسکن بدهد ولی برای اینها اولویت وجود دارد و دیگران هم طلب دارند ولی بدون اولویت.

رئیس — البته معنای این اصل رایگان نیست. آقای مکارم بفرماید.

مکارم شیرازی — این عبارت دو اشکال دارد، اولاً گنگ است چون آیا دولت باید برنامه‌ای برای اینکار تنظیم کند یا باید برای همه خانه بسازد؟ اگر مفهومش این باشد، کما اینکه به ذهن هم اینطور می‌رسد، دولت وظیفه‌اش این است که برای همه خانه بسازد این کار یک بارسنگین بدون دلیل است. البته منظور معلوم بوده ولی عبارت گویا نیست. این عبارت مسئولیت سنگینی بر دوش دولت می‌اندازد که قدرت اجرایش را ندارد و ثانیاً اصل را دولت اجرا نمی‌کند زیرا قانون اساسی که به دولت ابلاغ نمی‌شود قانون اساسی پایه قانون مجلس می‌شود و دولت قانون مجلس را اجرا می‌کند. ما باید بنویسیم اصل را دولت اجرا کند و تا به حال هم نتوشته‌ایم. مجلس برپایه قانون اساسی قانون تنظیم می‌کند و بعد دولت قانون را اجرا می‌کند، این دو اشکال باید حل شود.

رئیس — آقای صافی پیشنهادی فرستاده‌اند که ذیل خوبی دارد. ایشان نوشتند که باید معلوم شود که دولت چگونه و از چه محل و عوایدی این اصل را اجرا کند یا اینکه در ذیل اصل نوشته شود «و ترتیب اجرای آنرا قانون معین می‌کند».

کرمی — منبع اش بیت المال مسلمین است و دولت موظف به اجرایش است، اشکال بندۀ برجنابالی است چون گفتید من اولین کسی هستم که براین ماده اشکال دارم. شما خودتان جمع شدید و این ماده را تدوین کردید من تعجب می‌کنم از اینکه آیا این اصل را نفهمیده تدوین کردید یا فهمیده؟ اگر فهمیده بوده است اشکالتان بیچاست و اگر نفهمیده بوده است چطور این اصل را به جلسه عرضه کرده‌اید؟!

رئیس — آقای کیاوش بفرماید.

کیاوش — بندۀ یک پیشنهادی داشتم که فرستاده‌ام.

رئیس — پیشنهاد آقای کیاوش را قرائت می‌کنم: «داشتن مسکن متناسب با نیاز حق مسلم هر انسانی است و اولین وظیفه دولت است که برای افراد ب مجرد و خانواده‌های مستضعف به نسبت استحقاقشان تأمین مسکن کند» ولی معیل‌ها بیشتر به خانه احتیاج دارند و شما



برای مجرد ها پیشنهاد کرده اید . آقای یزدی بفرمائید .

یزدی — داشتن مسکن مطابق نیازیه صورت یک حق در اینجا آمده است و این اصلاحی به این مسئله ندارد که دولت باید تأمین مسکن کند به معنائی که رایگان بدهد یا پول بگیرد و این اصل را اجرا کند ، یعنی شرایطی فراهم کند که این حق قابل استیفا باشد و نکته ای که می خواستم عرض کنم اینست که کلمه « مطابق نیاز » صحیح نیست همانطور که صبح هم توافق شد « متناسب نیاز » صحیح است .

رؤیس — بسیار خوب آقای بهشتی بفرمائید .

دکتر بهشتی — چون صبح من حالم مساعد نبود زودتر رقم و حالا هم حالم مساعد نیست ولی به دلیل علاقه و احساس وظیفه آمده ام چون صبح نبودم که نظرم را بگوییم حال میگوییم . داشتن مسکن مطابق نیاز برای سکونت ، حق هرفرد و خانواده ایرانی است . دولت موظف است با رعایت اولویت برای قشرهای کم درآمد زمینه اجرای این اصل را فراهم کند .

رؤیس — البته اشکال میگیرند که در قانون اساسی نباید برای دولت وظیفه معین کرد .

دکتر بهشتی — اشکالی ندارد ، در آموزش و پرورش هم وظایفی برای دولت داریم . اجازه بفرمائید من یک توضیحی هم در پاسخ سؤال آقای سکارم بدهم . یک وقت میگوئیم این قانون را دولت بدوآ نمیتواند اجرا کند که این صحیح است ولی یک وقت میگوئیم در این اصول برای دولت وظیفه معین نمی کنیم که این صحیح نیست ، زیرا ما یک فصل بنام وظایف دولت داریم پس وظیفه معین میگیریم ولی وقتی دولت میخواهد اجرا کند باید با تفاصیلش در قوه مقننه بصورت لایحه قانونی درآید والابنیال هر حقی برای ملت بطور طبیعی وظیفه ای برای دولت در پیش خواهد بود .

رؤیس — آقای طاهری اصفهانی بفرمائید .

طاهری اصفهانی — من صبح همسؤالی کردم ولی جواب قانع کننده نشنیدم اینچنانوشه « خانواده » اگر فرض کنیم کسی در این مملکت باشد که نتواند خانواده تشکیل بدهد تکلیف او چیست ؟

بنی صدر — خودش یک خانواده است .

رؤیس — آقای بنی صدر بفرمائید .

بنی صدر — در مورد تکلیف دولت آقای بهشتی جواب دادند و خوب هم جواب دادند اما مطلبی که آقای منتظری فرمودند دولت باید همه اسکانات خودش را بسیج کند و این اصل را اجرا کند ، صحیح نیست ، چون هرچه پول نفت داریم باید خانه بسازند ، که ممکن است باعث نابودی مملکت گردد . دولت باید در حدود اسکانات خودش به این مسئله اولویت بدهد بنا بر این معنای این اصل این نیست که هر چه داریم برای ساختمان خرج کنیم . آیا به غیر از روستانشینان و طبقه کارگر کسی نیازمند مسکن است ؟ بله چون کارمندان دولت و طبقات متوسط هم به خانه احتیاج دارند زیرا دلیلی ندارد که چون اینها کارگر نیستند خانه لازم ندارند .

موسوی جزايري — سایر قشرهای کم درآمد را هم نوشته اید .

بنی صدر — یک وقت است میگوئید کسی در ماه ۲۰۰۰ تومان درآمد دارد این شخص جزو طبقه کم درآمد است ولی ممکن است یک شخص پنج هزار تومان درآمد داشته باشد ولی



معیل باشد و نتواند اجاره خانه اش را بدهد . پس بنابراین این اشخاص هم حق دارند و نمی شود آنها را محروم کرد .

رئیس — آقای اشرافی بفرمائید .

اشرافی — این اصل گویا نیست . اینکه گفته شده است برای آنها باید خانه تهیه شود، آیا مجانی است یا دولت وسیله اش را تهیه می کند؟ چون الان در ذهن اقتدار زیادی این معنی هست و آماده هم هستند که دولت برایشان خانه بسازد و شش ماه است که نشسته اند و این فکر را تبلیغ می کنند . این مسئله باید اینجا معین شود والا فرمایگویند طبق قانونی که گذرانده اید باید به ما خانه بدھید .

رئیس — آقای دکتر ضیایی بفرمائید .

دکتر ضیایی — همانطور که صیغ خدمت آقایان عرض شد نیاز جامعه به مسکن یک نیاز طبیعی است که دولت باید رفع کند، یا به عنوان واگذاری و به عنوان ملک یا به عنوان اسکان که این یک حق طبیعی است و دولت موظف است برای آرام کردن مردم در نظام اجتماعی خودش این حق را به مردم بدهد . اما اقتشار کم درآمد به خصوص کشاورزان را مقدم کرده است و علت اینکه من خدمت آقای دکتر بهشتی جسارت می کنم اینست که کسانی که در جلسه مشترک نبودند حق اظهار نظر ندارند روی همین جهت است . چون در آنجا فلسفه این حکم این بود که مردم به طرف شهر سرازیر نشوند و زیبینهای کشاورزی خودشان را رها نکنند و ایران را از لحاظ مواد کشاورزی محتاج به همه جا نکنند . وقتی روستائیان زمین و خانه و وسایل داشته باشند می توان آنها را در دهات اسکان داد تا کشاورزی را توسعه دهند . بنابراین هم وضع شهر از نظر کثرت جمعیت به یک وضع بین بست نمیرسد و هم ایران از نظر کشاورزی و عمران و آبادانی به حد خود کفایی می رسد . بنابراین چه فرد باشد و چه خانواده حق اسکان را از طرف دولت دارد . حالا لازم نیست که به او بپردازند یا خانه مجازی بدهند بلکه حق اسکان است که در بعضی از کشورها هم وجود دارد . همچنین در جواب آقای موسوی جزایری باید عرض کنم این عبارت « سایر اقتشار کم درآمد » اینجا « کم درآمد » ذیل همه است به قرینه سایر . یعنی دهاتی ها و سایر مردمی که خانه ندارند و احتیاج به خانه دارند حق تقدیم دارند .

رئیس — آقای قرشی فرمایشی دارید ؟

قرشی — بنده همانطور که پیشنهاد کردم مطلبی که جناب آقای دکتر بهشتی فرمودند مورد تأیید من است متنها این دو کلمه « به روستانشیان و کارگران » در عبارت باشد و ذیلش اینطور نوشته شود « امکانات این اصل را فراهم کند ».

رئیس — آقای اکرمی شما مطلبی دارید ؟

اکرمی — من هم تأکید می کنم که این دو کلمه « روستانشیان و کارگران » برداشته شود .

دکتر بهشتی — اجازه بفرمائید من یک توضیح به آقای دکتر ضیایی بدهم که چرا با وجود یکه صیغ در جلسه آقایان نبودم صحبت کردم . چون من صیغ در جلسه هفت فری بودم ولی مدتی بعد حالم نامساعد شد و رفتم و اگر هم می بودم چون در جلسه آقایان نبودم فرمایشات آقایان را نمی شنیدم . اما اینکه فرمودید روستانشیان به شهرها مهاجرت می کنند باید عرض کنم بررسی نشان داده است که مسکن علت مهاجرت روستانی به شهر نیست بلکه علت مهاجرت



روستائی به شهر نبودن درآمد است. اینست که داخل کردن این مطلب به سیاست مسکن به نظر ما در سیاست اقتصادی دولت انحراف فکری ایجاد میکند.

دکتر ضیائی - ساقی زین نداشتند ولی حالا دارند.

دکتر بهشتی - مسأله مسکن را در همین اواخر بنیاد مسکن بررسی کرده است و معلوم شده است که روستاهای توانند نسبت به شهرهای کوچک و مناطق کارگری اولویت داشته باشند. بنابراین بهتر اینست همانطور که برادران آقای رشیدیان تذکردادند به طور کلی بگذاریم «شهرهای کم درآمد» و وقتی میگوئیم قشرهای کم درآمد مشخص میشود در هرجایی در رابطه با مسکن چه کسی درآمدش نامناسبتر است. اینست که آگر اینرا اعم قرار بدھیم هم شامل کارگر میشود و هم خدمتگزاران جزء و هم پیشه‌وران دوره گرد که درآمدشان از یک کارگر هم کمتر است.

رئیس - آقای رشیدیان مطلب شما هم همین است؟

رشیدیان - مسأله تراکم جمعیت و خانه‌سازی در شهرها بیشتر محسوس است زیرا زاغه‌نشین و کپرنشین در شهر است که مسأله می‌آفریند و گرنه مسأله مسکن در روستاهای بکلی مطرح نیست در روستا باید امکانات و وسائل کشاورزی را فراهم کنیم.

رئیس - این همان مطلب آقای بهشتی است و مسأله تازه‌ای نیست.

بنی صدر - آیا این صحیح است که خانه‌های بسازیم که به محض وقوع یک زلزله همه روی هم خراب شود و هر دفعه اینقدر خسارت ببار بیاورد؟!

رئیس - آقای عرب فرمایشی دارید.

عرب - مسأله کشاورزان دو مطلب است. کشاورزان هم خانه ندارند و هم آب مهاجرت روستائیان به شهر اولاً به علت نداشتن آب است، ثانیاً به علت نداشتن خانه.

رئیس - پیشنهاد اصلاحی آقای بهشتی را قرائت می‌کنم:

«داشتن مسکن مناسب با نیاز برای سکونت حق هر فرد و خانواده ایرانی است دولت موظف است با رعایت اولویت برای قشرهای کم درآمد زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.»

مکارم شیرازی - پس تکلیف دولت چیست؟ آیا باید برای همه خانه بسازد؟ باز همان اشکال هست. من یک پیشنهاد داده ام قرائت بفرمایید.

دکتر شیبانی - همین را رأی بگیرید اگر رأی نیاورد پیشنهاد دیگر را مطرح کنید.

رئیس - آقای مکارم نوشته‌اند: «داشتن مسکن مناسب نیاز برای سکونت، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، روستانشینان و کارگران کم درآمد اولویت دارند. ترتیب اجرای این اصل را قانون معین می‌کند.»

آقای ربانی نوشته‌اند: «دولت موظف است برای نیازمندان کم درآمد شرایط یا زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.»

ربانی امشی - همان پیشنهاد اول را رأی بگیرید اگر رأی نیاورد پیشنهاد دوم را بخواهید.

دکتر بهشتی - دولت می‌تواند یک سیاست اقتصادی درست کند که قشرهای با درآمد متوسط و قشرهای با درآمد کم، امکان خانه پیدا کردنشان ازینکه دولت مستقیماً خانه بسازد بیشترشود. اینست که پیشنهاد خودم را به این صورت تغییر دادم «دولت موظف است زمینه



اجرای این اصل را به طور کلی فراهم کند و اولویت را به قشرهای کم درآمد بدهد» نهاینکه به فکر قشرهای با درآمد متوسط نباشد.

ربانی شیوازی — من مخالف نیستم می‌گویم «کم درآمد» یک کلمه «نیازمند» هم می‌خواهد.

رئیس — آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — اینکه شما می‌فرمائید قشرهای کم درآمد و تجربه نشان داده روستاها... یک تجربه ناقصی است به دلیلی که اگر در روستاها خانه سازی کردید، درآمد هم ایجاد می‌شود و آن خانه‌هایی که روستاییان در آن زندگی می‌کنند همه می‌دانیم که گورستان آنها است و با یک زمین لرژه خفیف تمام اینها ازین می‌روند و وقتی شما در روستا خانه‌های اصولی ساختید درآمد آنها هم زیاد می‌شود و روستائی در همانجا می‌ماند و ما اگر بخواهیم روستائی را حذف کنیم باز اولویت به شهرها می‌آید و شهرها بزرگ می‌شود و این مملکت از این مصیبت خلاص نخواهد شد. این است که به عقیده بنده این اصل به همان صورت باقی بماند (نمایندگان — احستن)

در ساعت ۱۷/۲۰ آقای منتظری (رئیس) اداره جلسه را به آقای دکتر بهشتی (نایب رئیس) واگذار نمودند.

مکارم شیوازی — پیشنهادی که عرض شد یک جمله اش فرق دارد. آن پیشنهاد را بار دیگر بخوانید.

نایب رئیس — بسیار خوب یک بار دیگر پیشنهاد آقای مکارم قرائت می‌شود «داشتن مسکن مناسب نیاز برای سکونت» آقای مکارم نگر می‌شود مسکن برای سکونت نباشد؟ این متن سکته دارد. (یکی از نمایندگان — می‌تواند اجراه بدهد) آنرا که معمولاً مسکن نمی‌گویند مستغلات است. «داشتن مسکن مناسب نیاز حق هرفرد و خانواده ایرانی است روستانشینان و کارگران و سایر قشرهای کم درآمد اولویت دارند». یعنی در حق اولویت دارند، چون همه در حق مساویند بنابراین باید بگویید در برنامه دولت اولویت دارند در حالیکه این پیشنهاد نشان می‌دهد در حق اولویت دارند و این درست نیست.

طاهری اصفهانی — آیا صرف کم درآمد بودن موضوعیت دارد یا نیاز به مسکن موضوعیت دارد؟ چه بسا انسان کم درآمد است ولی به حسب وضعیت به مسکن کمتر نیاز دارد. نیاز به مسکن آیا برای اولویت موضوعیت دارد یا کم درآمد بودن اولویت دارد؟

نایب رئیس — یعنی امکانات نداشتن؟

طاهری اصفهانی — فق میکند زیرا گاهی شخصی کم درآمد است ولی فعل مسکن نمی‌خواهد.

نایب رئیس — برای اینکه معطل نشویم توجه بفرمائید که آیا این متنی که قرائت می‌کنم تأمین کننده هست؟ البته باز هم مسأله ای را که در مورد روستا عرض کردم تکرار می‌کنم و می‌خواهم عرض کنم مسأله اول آنست و البته مسکن برای هرفردی لازم است ولی درآمد خانه سازی منبع ترویج اقتصادی سالمی برای روستا نیست. روستائی باید از کشاورزی و دامداری درآمد پیدا کند والا مسلماً هر کسی و هر روستائی که خانه ندارد باید حتماً برای او خانه تهیه کرد. حالا اصل را یکبار دیگر می‌خوانم:



اصل ۴۴ (اصل سی و یکم) — داشتن مسکن مناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی است دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زیسته اجرای این اصل را فراهم کند.

نمایندگان — خوب است.

نایب رئیس — بنابراین گلدانها را برای اخذ رأی ببرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی ۴۷ نفر، شماره آراء ۶۴ رأی، یک رأی به قید قرعه خارج شد که می شود ۶۴ رأی، موافق ۵۰ نفر، مخالف ۱ نفر، ممتنع ۵ نفر، تصویب شد، تکبیر. (حضارمه مرتبه تکبیر گفتند)

۹ — طرح و تصویب اصل ۴۴ (اصل سی ام)

نایب رئیس — اصل ۴۴ را می خوانم و همانطور که عنایت دارد روی این اصل خیلی

بحث شده است:

اصل ۶ — دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

نایب رئیس — سؤالی یا مطلبی نیست؟ آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — اگر در جای دیگر راجع به آموزش و پرورش بعضی خواهد آمد من مطلبی دارم ولی اگر فقط رایگان بودنش است اینجا حرفی ندارم.

نایب رئیس — بله اینجا فعل احقاق ملت است که همه باید از رایگان استفاده کنند.

(کربی) — در اصل سوم در دو بند اینها آمده و آقایان رأی داده اند. بله این اصل به عنوان حق ملت گفته شده است. آقای سبعهانی سؤالی دارد؟

سبحانی — من دو سؤال دارم، اول اینکه گفته شده است «دولت موظف است» در اینجا من علیه الحق را گفته ایم، قبل از آنکه حق را بیان کنیم. اول باید بگوئیم ملت چنین حقی دارد بعد دولت که من علیه الحق است باید اجر کند. این عبارت مثل یک جمله سربریده است و بدون اینکه حق را بگوئید من علیه الحق را گفته اید.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید که خدمتستان توضیح بدهم چون به اندازه کافی روی این مسئله بحث شد که با همین کیفیت حق شروع شود قبل از خودداری از این حق همه ملت است» نوشته شده بود ولی گاهی تنظیم یک عبارت فشرده به اشکال برخورد می کند و اینها مستحبات است.

سبحانی — مطلب دوم اینست که آیا این اصل می رساند که تعلیم و تربیت باید رایگان باشد و غیر رایگان در مملکت وجود نداشته باشد؟ درست است که اثبات است و نفی ماعده نیست ولی این اصل در آینده ممکن است مستمسک شود، یعنی ممکن است در آینده به تحصیلات رایگان که یک نوع آزادی برای افراد است مستمسک کنند و می توانند جلو افرادی را که می خواهند دبستانی با سلیقه شخصی و خدمات انسانی و مالی خودشان درست کنند را با تمسک به همین اصل گرفته و جلو احداث دبستان و دبیرستانهای ملی را بگیرند.



نایب رئیس — خیر آقای سبحانی این اصل دلالتی بر این موضوع ندارد.

مکارم شیرازی — اشکال در عبارت قبلی بود که اصلاحش کردیم.

نایب رئیس — اشکالی ندارد آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — مطلبی که در این اصل هست در بنده سه اصل سوم هم بوده و تصویب شده است حالا چه در اینجا و چه در اصول سوم بالاخره دولت از ما است و ما هم از دولت، باید فکر کنیم بینیم دولت امکانات دارد که برای همه مسکن تأمین کند یا ندارد، چون بار دولت را نباید سنگین کرد. ما باید بنویسیم : «دولت مکلف است در حدود امکانات خود زمینه اجرای این اصل را فراهم کند».

نایب رئیس — همانطور که در فقه هم بحث شده است در هر مبحثی شرط قدرت و توانائی ملحوظ است دیگر در هر حکمی نمی نویسند «به شرط قدرت» این جمله در همه جا ساری است و البته دولت هم به شرط قدرت هر کاری را خواهد کرد. آقای مراغه‌ای بفرمائید.

مقدم مراغه‌ای — امروز صبح وقتی به مجلس می‌آمدم عده زیادی نزدیک نخست وزیری اجتماع کرده بودند می‌گفتند که آنها دیلمه‌های پیکار هستند بنده صبح هم عرض کردم که در این اصل کلمه «حرفه‌ای» ذکر شود... تا این برنامه در متوسطه باشد و تشویق بشوند همه دیلم بگیرند اگر اینها دیلم بگیرند و راهی برای زندگی نداشته باشند چه فایده‌ای دارد این خلاف مقصود است.

نایب رئیس — اجازه بدھید توضیح بدhem و لابد توجه دارید این مورد به کیفیت تقسیم آماری دانش‌آموزان در شاخه‌های مختلف متوسطه برمی‌گردد، یعنی الان خدمات و حرفه‌ای جزو متوسطه است و اینطور نیست که هیچ آموزشی از متوسطه بیرون باشد بنابراین این کار انجام شده و نگرانی وجود ندارد.

مقدم مراغه‌ای — باز هم عرض میکنم که این کلمه «حرفه‌ای» اضافه بشود برای اینکه الان دیلمه‌ها هستند.

نایب رئیس — اگر دیلم حرفه‌ای هستند این برمی‌گردد به اینکه سیاست اقتصادی با سیاست آموزشی کشور هماهنگی داشته باشد این را اجازه بدھید در بحث اقتصادی ذکر بشود. آقای دکتر غفوری بفرمائید.

دکتر غفوری — در زینه آموزش و پرورش یک مسئله مورد ابتلا داریم و آن مسئله بیسادی و کم سعادی است که بیشتر کشورها مبتلا به آن بوده‌اند و کشورهای دنیا برای رفع بیسادی و کم سعادی علاوه بر رایگان بودن آن به جنبه الزامی آن هم توجه کرده‌اند. اگر ما بخواهیم در مملکت خودمان بیسادی از بین برود، فرع بر اینست که علاوه بر رایگان شدن الزام باشند که تا یک حدی هم باید با سواد بشوند و این را برای خودشان یک حق وظیفه‌ای بدانند. من برای اینکه فقط تذکری باشد صبح هم عرض کردم که پیش‌بینی بشود که دوره راهنمائی علاوه بر رایگان بودن الزامی هم باشد. چون ممکن است مردم از این حق خودشان غافل باشند و به علل اقتصادی نخواهند حق خودشان را بگیرند انشاء الله بتوانیم که تا چهار پنج سال دیگر از این بدینختی و بیسادی بیرون بیاییم.

نایب رئیس — الزام مسئله را حل نمی‌کند باید هم انگیزه را ایجاد کرد و هم امکان باشد اگر این دو با هم باشند درست می‌شود.



میر مراد زهی — ما در بند سه اصل سوم نوشتیم و تصویب کردیم که تربیت بدنی هم رایگان باشد اگر چنانچه در مورد تربیت بدنی یک اصل جداگانه‌ای تدوین بشود که هیچ والا در این اصل کلمه تربیت بدنی هم اضافه بشود.

نایب رئیس — در آنجا ما نوشتیم هدف اینست و آن جزو اهداف جمهوری اسلامی است. باید بگوئیم حق اینست که یک مقدار از تربیت بدنی جزو مدارس باشد، ولی یک مقدارش که بیرون است آیا ما می‌توانیم آن را اینجا بگنجانیم؟ ولی می‌توانیم به این شکل درآوریم منتها باید دولت کوشش کند چون این یک مطلبی است فراتراز آن واجازه بدھید اهمیتی که به این می‌دهیم مخصوص خودش باشد. آقای اکرمی بفرمائید.

اکرمی — آنچه را که جنابعالی در مورد تحصیلات اجباری فرمودید لازم هست اما کافی نیست، چون بعضی‌ها می‌توانند با استفاده از آزادی اطفالشان را به تحصیل وادر نکنند. بنا به فرمایش آقای غفوری چون من هم معلم هستم پیشنهاد می‌کنم یک حداقلی برای این مطلب بگذارید.

نایب رئیس — صبح هم گفته شد که اجبار نسبت به کودک ۷ ساله معنی ندارد. وقتی شما گفتید حق آن کودک اینست که تحصیلات داشته باشد اگر والدین نسبت به این امر کوتاهی کردند، خود قانون این کار را می‌کنند. آقای مدنی بفرمائید.

مدنی — یک تبصره اضافه کنید که تأسیس مدارس ملی آزاد است.

نایب رئیس — در قانون اساسی معمول نیست که تبصره بنویسند عنایت بفرمائید همین اندازه که باز کردن مدرسه ملی را نفی نکند همین اندازه کافی است آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش — اگر مدارس ملی الان مورد بحث است من وقت گرفته‌ام که صحبت کنم الان که من از طبقه پائین از آبدارخانه مجلس می‌آمدم یکی از کارکنان به دیگری می‌گفت فلان کار را بکن برای اینکه در مجلس گفته‌اند که کارهای مملکت باید شورائی بشود الان موقع افتتاح مدرسه است و دادن شهریه، استدعا می‌کنم این را به صراحة بگوئید که اگر در اینجا تحصیل رایگان اعلام می‌شود کارش الان تمام نشده و باید قانون آن بعداً به تصویب مجلس برسد و ملت بدائند که هنوز رایگان بودن تصویب نشده است.

نایب رئیس — صدای شما رسماً بود و همه شنیدند. (سبحانی — پیشنهاد مرا نخواندید) بنده اول خود اصل را اعلام رأی می‌کنم اگر رأی نیاورد پیشنهادهای جدید خوانده می‌شود.

اصل ۶ (اصل سی ام) — دولت موظف است وسائل آموزش و پژوهش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

نایب رئیس — رأی بگیرید.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر هنگام اخذ رأی ۶۲ نفر، تعداد آراء ۶۲ رأی، موافق ۵۰ نفر، مخالف ۲ نفر، ممتنع ۰ نفر، بنابراین اصل تصویب شد، تکبیر. (حضور سه مرتبه تکبیر گفتند)

۱۰ — طرح و تصویب اصل ۶ (اصل شصت و دوم)

نایب رئیس — اصل بعدی خوانده می‌شود. آقای مراغه‌ای بفرمائید. (مراغه‌ای — بنده



چند پیشنهاد راجع به حقوق مردم کرده بودم). لطفاً پیشنهاداتتان را به گروه بد هید. گروه آن هارسیدگی می کند و نظر خودش را اعلام خواهد کرد، چون ما می توانیم اصلی را تصویب کنیم و درجای خودش قرار بدھیم اشکالی ندارد پیشنهادها باید به گروه ۷ نفری برود و اتفاقاً الان گروه ۷ نفری عمل نماینده گروهها هم هست، اصل ۴ را می خوانم:

اصل ۴ - مجلس شورای ملی از نماینده‌گان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را قانون معین خواهد کرد.

این اصل از بدیهیات است، هر کس سؤال دارد اجازه بگیرد.

منتظری - آقای حجتی موقع طرح این اصل در جلسه نبودند و حالا حق صحبت ندارند.

نایب رئیس - آقای بشارت بفرمائید.

بشارت - اینکه نوشته شده شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را قانون معین می کند، کدام قانون معین خواهد کرد؟

نایب رئیس - در قانون اساسی قبل هم اینطور است مسائل مربوط به انتخابات متغیر است، مثلاً ما سن رأی دهنده را در انتخابات اخیر به شانزده سال تقليل دادیم. اینست که در انتخابات مسائل متغیری مانند جمعیت و اینطور موضوعات وجود دارد که نباید در قانون اساسی ذکر کرد. معمول اینست که اولین انتخابات مجلس شورای ملی را هر قوه قانونی که الان وجود دارد یعنی دولت و شورای انقلاب معین می کند. شرایط دوره های بعد راهنم خود مجلس معین خواهد کرد. آقای مراغه‌ای (مراغه‌ای) - بنده می خواستم به عنوان مخالف صحبت کنم. (بفرمائید).

مقدم مراغه‌ای - بنام خدا، البته حالا آخر وقت است که این مسأله طرح شد و آقایان فشار می‌آورند اصرار می کنند، دوستان تکلیف می کنند که مداخله نکنید ولی به عقیده بنده این صحیح نیست، مخصوصاً در مورد قوه مقننه که اساسی ترین مطلب است.

نایب رئیس - آقای مراغه‌ای چه کسی فشار آورده است؟

مقدم مراغه‌ای - دوستان، دشمنان خیر، البته فشار به آن صورت نمی گوییم.

نایب رئیس - فکر می کنم سوء تفاهمی شده است.

مقدم مراغه‌ای - می گوییم آقا شما عجله نکنید همین که می فرمائید گلدانها را بیاورید همین نشانه عجله در کار است. بنده می گوییم در این موقع وقت مجلس تمام شده عجله نکنید و موقع نماز هم هست این مسأله به این مهمی را به این صورت نگذرانید. بنده به این صورت که قوه مقننه از یک مجلس تشکیل بشود در اصل مخالفم و جهات مخالفت هم متعدد است البته صحیح در مذاکراتی که شد آقایان اظهار نظری فرمودند و براساس نگرانیهایی که خودشان داشتند خودشان خواهابطی تهیه کرده اند، اگر براساس هر صد و پنجاه هزار نفر یا صد هزار نفر یکنفر نماینده باشد، بعضی از شهرهای بزرگ (همه مم نماینده‌گان) اجازه بفرمائید نظرم را بگویم. من راجع به اصل کلی قوه مقننه نظر دارم نمی خواهم الفاظ و عبارات یا جملات را صحیح کنم. اصولاً یک ایده کلی در جامعه وجود دارد، چه آقایان قبول بکنند یا قبول نکنند و حقیقت این است که از طرف موکلینم در فشار هستم که این مطلب عنوان بشود. (همه مم نماینده‌گان)

نایب رئیس - اجازه بد هید من یک تذکری به آقایان نماینده‌گان بد هم ملاحظه بکنید اگر صبر کنیم تا هر گوینده‌ای حرفش را بزنند و اگر مطلبی داریم بعد بگوئیم هم در وقت صرفه جوئی



می شود و هم نظم رعایت شده است. بنابراین خواهش می کنم اجازه بدھید آفای مراغه‌ای حرفش را بزند و بعد هر کس وقت گرفته برای صحبت بباید آفایان اجازه بدھید آفای مراغه‌ای حرفش را بزند.
مقدم مراغه‌ای — اگر به بند پنج دقیقه اجازه بدھید و در عرض این پنج دقیقه آفایان مطلبی نفما یند، بند مطلبی را عرض می کنم. (همه می نمایند گان)

نایب رئیس — آفایان اجازه بفرمائید ایشان حرفش را بزند. آفای مراغه‌ای بفرمائید.
مقدم مراغه‌ای — ما مدت پنجاه و هفت سال یک حکومت متصرکز داشتیم و تمام قدرها و ثروتها و اختیارات در مرکز متصرکز شده بود و این تمرکز یک عکس العملی ایجاد کرده است. البته یک حالت هیجانی پیدا کرده که با آن باید مبارزه کرد و یک واقعیتی دارد که باید حمایت شود و آن این است که ایالات و استانها اختیاراتی می خواهند و می خواهند به یک نوعی نمایندگیشان در حکومت مرکزی بیشتر از اینکه الان هست باشد. طبیعی است که نه تنها سخalfت و مبارزه نباید کرد بلکه باید تشویق هم کرد چون اگر ما یک استحکام بیشتری برای ملیت خودمان میخواهیم بایستی رعایت خواسته های مردم ایالات و ولایات را بنماییم. در قانون اساسی قبلی مسئله ایالات و ولایات و انتخابن های ایالاتی و ولایاتی بود که مسکوت ماند و هیچ موقع به آن عمل نشد ولی بند پیشنهاد کردم که یک مجلس این پیشنهاد را که عرض کردم به گروه دادم ولی متأسفانه گروه در آن موقع که گزارش می کرد منظور نکرد و بعد آ مستقیماً به هیأت رئیسه دادم و نفهمیدم چطور شد و پیشنهاد بند ازین رفت. بند دو اصل پیشنهاد کرده بودم یکی اینکه در کنار مجلس شورای ملی یک مجلس ایالات تشکیل بشود که از هر استان به طور مساوی در آن نماینده باشد یعنی اگر بلوچستان یا ترکمن صحرا عدد جمعیتیشان کمتر از ایالات مرکزی باشد در مجلس ایالات دارای نمایندگان مساوی باشند. الان ملاحظه میفرمائید، تهران بر اساس صد هزار نفر و یا یک صد و پنجاه هزار نفر، تعداد نمایندگانش با تعداد نمایندگان ترکمن صحرا قابل مقایسه نیست و اینها نمی توانند در مقابل هم برابری بکنند. بنابراین از نظر اینکه عدالت اجتماعی در سرتاسر کشور گسترش پیدا کند قدرت و اختیارات نباید متصرکز باشد و نمایندگان باید امکان اظهار نظر داشته باشند چون وقتی ترکمن صحرا فرض بفرمائید دو نماینده یا سه نماینده و تهران پنجاه نماینده داشته باشد چطور سه نفر می توانند منافع مردم خود را در مقابل منافع مردم تهران تأمین بکنند؟ این است که بند پیشنهاد کردم این اصل قبول بشود و چون الان ما عجله و شتاب داریم و می خواهیم در مدت معین این قانون اساسی را تنظیم کنیم، فعلاً همانطوریکه پیشنهاد کرده ام جزئیات مسئله و نحوه اجرای آنرا به عهده اولین مجلسی که تشکیل خواهد شد بگذارید، یعنی مجلسی به نام مجلس ایالات در کنار مجلس شورای ملی تشکیل شود که از هر ایالت به تعداد مساوی سه یا چهار نفر در این مجلس باشند که در مسائل مربوط به تقسیم اعتبارات یا سیاستهای کلی مملکتی اظهار نظر کنند. بنابراین همه عضو مساوی یک خانواده باشیم و همه ایالات به طور مساوی اختیار داشته باشند در مسائل کلی مملکتی اظهار نظر بکنند. معدّلت می خواهیم.

نایب رئیس — مشکرم، اجازه بفرمائید مطلبی را که آفای مراغه‌ای گفتند من توضیح بدھم. مطلبی که آفای مراغه‌ای گفتند در حقیقت ممکن است به مفهوم کلی این فصل مربوط بشود و نه به خود این اصل در عین حال ما گوش کردیم که دیگر بعد آ تکرار نشود و بعد آ هم در خور پیشنهاد و در خور رسیدگی (عده ای از نمایندگان — در این موضوع ما بحث کردیم).



(یکی از نمایندگان — اجازه بفرمائید درباره این پیشنهاد آقای مراغه‌ای توضیح داده شود که معلوم شود چه کسی ایشان را در فشار گذاشته است.) آقای بنی صدر بفرمائید.

بنی صدر — بسم الله الرحمن الرحيم، اجازه بفرمائید درباره این موضوع توضیح بدم؛ بلی ما صبح پیشنهاد آقای مراغه‌ای را در آن جلسه هفت نفری مطرح کردیم و در آن کمیسیون مطلب تشکیل شورای استانها طرح شد و در این باره گفتوگو کردیم به نظر ما رسید که شوراهایی که در هر استان، شهر، شهرستان تشکیل می‌شود یک شورای عالی برایش پیش‌بینی کنیم عیناً برای همین وظایفی که آقای مراغه‌ای آمدند و گفتند، بنابراین چون کار آن مجلس مشارکت در تنظیم برنامه رشد عمومی کشور مناسب با نیاز استانها است آن را در قانون شوراهای می‌گذاریم و این نیت را برآورده‌می‌کنیم و نیازی ندیدیم آن را در اینجا بیاوریم و در عرض این مجلس قرار بدهیم، برای اینکه در جاییکه مجالسی از آن قبیل هست، شکل حکومتش هم با شکل حکومت ما فرق می‌کند و اتفاقاً آن مجالس اختیارات وسیعی دارند چون آن اختیارات و صلاحیتها در عهده این مجلس قرار گرفته است و با حتی از لحاظ آن تعداد نمایندگان ترتیبی دادیم که جاییکه تعداد مردمانش کم هستند بتوانند نماینده داشته باشند و آن ملاک یکصد و پنجاه هزار نفر پیشتر موکول به آینده می‌شود و مناطقیکه در آنجا جمعیت اضافه یا کم می‌شود نماینده‌اش زیادی شود. بنابراین خیال می‌کنم به این ترتیب رفع نگرانی می‌شود و آن مجلس شورای عالی کشوری در موقع خودش انش شاء الله تشکیل می‌شود و آن وظایف را بعده خواهد گرفت و دیگر احتیاجی به اینکه ما آن را در اینجا بیاوریم، نیست. با اینحال اگر بازهم شما فکر می‌کنید که در آن اصل که راجع به شوراهای تصویب کردیم یک چنین قیدی بگذاریم این رامی‌شود بعداً مورد برسی قرارداد.

نایب رئیس — اجازه بفرمائید ما این بحث را به جای خودش موکول کنیم. اگر دوستانی که نوبت گرفته‌اند راجع به خود اصل مطلبی دارند سؤال بفرمائید و توضیح بشنوند. آقای حجتی کرمانی راجع به خود اصل مطلبی دارید بفرمائید.

حجتی کرمانی — من گاهی در روزنامه‌ها خوانده‌ام و یک شخص هم پیشنهاد کرده بود که اسم مجلس آینده را بگذارند مجلس شورای ملی اسلامی چون این اسم که اکنون هست یک مقدار یادآور مجالس گذشته است و از طرفی باز اقلاب را به دوش نمی‌کشد حالا این را برسی کنید و بنویسید (جمع شورای عالی اسلامی) بسته به نظر مجلس است.

نایب رئیس — در حالی که شعار روز را تشکیل شوراهای اعلام می‌کنیم مطابق دو آیه از قرآن کریم که شورا را توصیه می‌کند. به هر حال اینهم پیشنهادی است و برسی می‌شود، آقای رحمانی بفرمائید.

رحمانی — در این اصل در مورد شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کیفیت انتخابات را هم باید ذکر کنید.

نایب رئیس — بسیار خوب، آقای رشیدیان بفرمائید.

رشیدیان — بنده عرض کردم که باید شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان را همین قانون معین کند به علت اینکه اینامر خیلی مهم است.

موسوی تبریزی — طبق آئین نامه یک مخالف صحبت کرده من هم باید به عنوان موافق صحبت کنم.



نایب رئیس — اگر لازم بود اشکال ندارد آقای مکارم مطلبی نیست؟ (مکارم — حیر) آقای موسوی اردبیلی بفرمائید.

موسوی اردبیلی — من می خواستم راجع به شوراها صحبت کنم، اگر حالا لازم نیست درجای خودش بحث خواهم کرد. فقط خواستم بگوییم، این که گفته شد که در مردم آذربایجان فشار هست، در آذربایجان هیچگونه فشار نیست فقط از طرف افرادی که سابقاً یک افکاری داشتند چیزهایی در بعضی از جراید منتشر شده که قابل اهمیت نیست.

نایب رئیس — آقای دکتر غفوری بفرمائید.

دکتر گلزاده غفوری — من می خواستم در باره مطالبی که اینجا مطرح می شود بگوییم یک مقدارش اصل اسلامی و انسانی دارد و یک مقدارش هم تجربیات دیگران است. مسأله شورا اگر بخواهد واقعیت داشته باشد و یک دکور نباشد من عقیده ام اینست که ما در نظام جمهوری اسلامی ایران باید تغییر بنیانی بدھیم نه اینکه یک تغییری از خارج باشد. همانطور که صبح در جلسه هماهنگی صحبت شد در این موضوع نه فقط در کشورهای سوسیالیستی بلکه در کشورهای دیگر هم مثل سویس که نگاه می کنیم همینطور است و دونوں مجلس دارند برای اینکه می خواهند شورا حداقل اثر خودش را داشته باشد.

نایب رئیس — شما پیشنهاد میفرمائید؟

دکتر غفوری — من می خواستم بگوییم که روی این مطلب پیش بینی بشود. همینطوری از آن نگذریم.

نایب رئیس — آقای دکتر غفوری پیش بینی شده است و نظر شما تأمین است.

دکتر غفوری — معنای واقعی شوراها این است که اعضای آن از همه استانها و همچنین نماینده همه افراد مملکت باشند.

نایب رئیس — در ایامی که شما تشریف نداشتید اصول مربوط به این موضوع بحث و تصویب شد. آقای ربانی شیرازی بفرمائید.

ربانی شیرازی — مطلب من در رابطه با سخن آقای بنی صدر است که اگر پذیرفته شده باشد باید یک اصلی در قانون اساسی بیاید.

نایب رئیس — آقای خزعلی بفرمائید.

خزعلی — جناب آقای مراغه‌ای گفتند که نظر ما را گروه مربوط منعکس نکرده است، درحالی که ایشان جزو گروه ما هستند و در صفحه دوم نظر ایشان منعکس شده است.

نایب رئیس — بسیار خوب اعلام رأی می کنم اصل را به همین صورتی که هست می خوانم:

اصل ۷۴ (اصل شصت و دوم) — مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت که بطور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می شوند تشکیل می گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را قانون معین خواهد کرد.

گلدان رأی را برای اخذ رأی ببرید.

رشیدیان — پس چرا پیشنهاد من را مطرح نکردید که تکلیف قانون انتخابات را در همین اصل معلوم کنند.

نایب رئیس — آقای رشیدیان من چون آخر جلسه نبودم باستی دلایل رفقا را بگویم.



آن چیزی که صحیح معلوم شد که عمل نشده، اینست که در آن موقع باید یکی از دوستان بیايد آنجا و دلایل را بگوید. اگر دوستان قاعع نشدند، دوباره بگردانند این قسمت باید در این چند روزه حتماً عمل بشود که اگر نظری و پیشنهادی می دهید حتماً به گروه بیايد، اخذ رأی بعمل می آید.

(در این هنگام اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام گردید)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی ۶۲ نفر، شماره آراء ۶۲ رأی، موافق ۴۵ نفر، مخالف ۳ نفر، ممتنع ۰ نفر بنا بر این، این اصل تصویب شد، تکبیر. (حضور سه مرتبه تکبیر گفته شد)

۱۱ — پایان جلسه

نایب رئیس — چون امروز وقت گذشته است جلسه را پایان می دهیم جلسه آینده فردا ساعت پانزده خواهد بود.

(جلسه ساعت هجده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس برسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی



جلسه سی و یکم

صورت مژروح مذکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جلسه ساعت پانزده و ده دقیقه روز چهارم مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی
برابر با چهارم ذیقعده ۱۳۹۹ هجری قمری
به ریاست آیت‌الله حسینعلی منتظری تشکیل شد.

فهرست مطالب:

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه و بیانات قبل از دستور آقای طاهری گرگانی...
- ۲ - بیانات آقای رئیس و قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسات قبل.
- ۳ - طرح و تصویب اصل ۴ (اصل شصت و سوم).....
- ۴ - طرح و تصویب اصل ۴ (اصل شصت و هشتم).....
- ۵ - طرح اصل ۱۰
۶ - طرح و تصویب اصل ۱۲ (اصل شصت و ششم).....
- ۷ - طرح و تصویب اصل ۱۳ (اصل شصت و هفتم).....
- ۸ - طرح اصل ۱۴
۹ - طرح و تصویب اصل ۱۵ (اصل هفتادم).....
- ۱۰ - پایان جلسه.....





۱- اعلام رسمیت جلسه وپیانات قبل از دستور آفای طاھری گرگانی

وئیس — اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحيم. مجلس رسمی است نطق قبل از دستور را شروع می کنیم. آفای طاھری گرگانی بفرمائید.

موسوی اردبیلی — جناب آفای رئیس من خواهش میکنم لااقل برای جلسات بعدنسبت به حذف نطق های قبل از دستور رأی بگیرید شاید حذف بشود وقت مجلس بیشتر گرفته نشود.

رئیس — سعی می کنیم در نظر بگیریم.

طاھری گرگانی — بسم الله الرحمن الرحيم. لاحول ولا قوة الا بالله العلي العظيم.

۱- احسب الناس ان يترکوا ان يقولوا آمنا وهم لايفتنون.

۲- ولنبلونکم حتى نعلم المجاهدين منكم والصابرين.

۳- و من جاهد فانما يجاهد لنفسه.

۴- والذين جاهدوا فينا لهديهم سبلنا.

۵- ام حسبتم ان تدخلوا الجنه ولما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين.

آیه اول — آیا مردم ادعای ایمان کنند و آزمایش نشوند؟

آیه دوم — در میان اقسام امتحان آزمایش به جهاد و صبر.

آیه سوم — جهاد اگر برای خداست سرمایه تکامل است.

آیه چهارم — کسانیکه در راه ما جهاد میکنند ما راه را به آنها نشان میدهیم.

آیه پنجم — جهاد و صبر زمینه برای سعادت همیشگی است.

— چه کردیم و چه باید کرد.

۱- انقلاب میدان جهادی را پیشتر گذاشت، این جهاد برای نجات از چنگ دژخیمان

بود.

۲- جهادهای بعدی برای تحقق بخشیدن آرمانهای انقلاب، آرمانهای انقلاب در شعارهای شهدای بهخون خفته ما، انقلاب برای آزادی و استقلال و حکومت عدل اسلامی نه برای لقمه نان نه برای خانه و مسکن نه فقط برای زندگی و لذات زودگذر این لجن زار پوشیده به زرق و برق.

انقلاب در راه مکتب جهاد اما نه فقط برای سازندگی راه و جاده و پل، جهاد در راه خدا و بهسوی خدا، این است همان جهاد اکبر، این جهاد اکبر را از کجا شروع کنیم؟ بنده معقدم تمام تلاشها و کوششها در مسیر تکمیل انقلاب یکطرف انقلاب فرهنگی است و این انقلاب فقط با یکپارچگی فرهنگ، دین و علوم طبیعی راه دیگری ندارد که همان برنامه امام که در



حقیقت استوارتر نمودن وحدت روحانی و دانشگاهی است.

ما نمیگوئیم به سود دانشگاه، به سود طرفین. در اینجا لازم میدانم اشاره‌ای به بعضی از جهات آزادی کیفیت آموزش حوزه‌های علمیه کرده باشم.

۱ - طلبه آزاد است یکدرس یا بیشتر را به مقدار امکان انتخاب کند.

۲ - آزاد است در درس عمومی یا خصوصی شرکت کند.

۳ - مباحثه کردن با اقران.

۴ - ارتباط بین استاد و شاگرد پسیار عادی و طبیعی است.

۵ - با استاد بحث کردن در درس با نهایت آزادی.

و آزادیهای دیگریکه نام نمیبرم.

اکنون پردازیم به اینکه چگونه روحانیت باقی ماند و چگونه پیروز شد و سپس به این

جهت اشاره کنم که آیا ولايت فقیه استبداد است یا بعکس پشتوانه استقلال و آزادی است.

۱ - روحانیت چه میکرد؟ با فقر و تنگdestی ساخت و در طول متیاز از هزار سال دست به دست دیگران نداد.

۲ - همانند روحانیون دیگر کارمند دولت‌های زمان نشد.

۳ - این مردم غیور و مسلمان و شیعه بودند که با روحانیت در ارتباط و واجبات مالی خود را با صمیمیت به نواب امام خود تقدیم میکردند و استقلال روحانیتش را در برابر دولتها حفظ کردند.

۴ - فرزندانی در مهد تشیع تربیت کرد که همانند پیشوایان معصومش نقطه‌های روشنی را در تاریخ سیاه پسر گذاشت تا یکی از درخشش‌ترین ستارگانش را به عنوان امامت و رهبری در آسمان ایران جلوه‌گر ساخت.

۵ - اشاره‌ای به مساجد سرد وزیلوهای پیغامبر نجف.

۶ - حمله به روحانیت حمله به امام زمان است و قنی نمیتواند به دین حمله کنند به روحانیت حمله میکنند بقول یکی از دوستان حمله بنی امیه به دین از طریق حمله به اهل بیت شروع شد.

۷ - کدام مرجع تقليد فرزندش را به عنوان مرجعیت بعدازخودش نصب کرد؟ آیا میتوانند منافقین روحانیت ما را با این تاریخ روشن به انحصار طلبی متهم کنند با اینکه زینه در موادی فراهم بود؟

ما نمیگوئیم معصوممند اما اگر فقهاء که مؤید به تأییدات الهیند اشتباه دارند، دیگران بیشتر دارند.

برادران عزیز و جوانان محترمیکه احیاناً راه اشتباه التقاطی را پیش‌گرفته‌اید توجه کنید اگر اسلام را دین وحی و آئین ابدیت میدانید، آن کسانیکه منکر ولایت فقیه هستند جهان بینی اسلام را منکرند. اینها بیخواهند بگویند در زمان غیبت امام بساط حکومت اسلامی برچیده شده است. آیا از خدای جهان روشن تریم؟ آیا از قرآن و مکتب عالی اسلام پا فراتر گذاشته‌ایم؟ مگر قرآن راوحی آسمانی ندانیم یا در فهم قرآن احتیاجی به فقهاء نداشته باشیم، این مثل این است بگوئیم همه اساتید دانشگاه‌های دنیا را کنار گذاریم چون ما که طب نخوانده‌ایم از همه‌آنها بهتر کتابهای طب را میفهمیم. یک طبیب درسن بیست و شش حداً کثرسی سالگی یک مجتهد در طب شناخته نمیشود اما فقیه، کدام مرجع تقليد کمتر از هفتاد سالگی به مقام مرجعیت علیا



رسید؟ (رئیس — آقای طاهری وقت شما تمام است). البته من حرفهای دیگری هم داشتم ولی چون وقت تمام شده است از بقیه مطالب صرفظو می‌کنم.

۲ - بیانات آقای رئیس و قرائت اسامی غایبین و دیرآمدگان جلسات قبل

رئیس — آقای مکارم تذکرادراند که از گروه هماهنگی هستند مثل اینکه سوء تفاهم بوده از اینکه تذکراتی که به کمیسیون مشترک داده می‌شود رعایت نمی‌شود باید عرض کنم چرا، تا ساعت یازده هرچه تذکرات میرسد یادداشت می‌شود ولی تذکراتی که بعد از ساعت یازده میرسد نوشته نمی‌شود، دیگر متنی است که گروه هفت‌نفری تهیه کرده‌اند و مطرح می‌شود چون بعد از ساعت یازده نمی‌شود تکثیر کنیم، تا ساعت یازده هرچه میرسد در کمیسیون مشترک سورد توجه قرار بیگیرد. حالا اسامی غایبین و دیرآمدگان عصر سه‌شنبه سوم مهرماه و عصر چهارشنبه چهارم مهرماه قرائت می‌شود.

عصر سه‌شنبه سوم مهرماه:

غایبین آقایان: بیت‌اوشانا (مریض بوده‌اند) - حائری - سحابی - هاشمی‌نژاد - خانم گرجیه نمایندگانی که تأخیر داشتند آقایان: باهنر، چهل و نه دقیقه - بشارت، ده دقیقه - بنی‌صدر، شصت دقیقه - بهشتی، چهل و دو دقیقه - حجتی، سیزده دقیقه - حیدری، ده دقیقه - خادسی، چهل دقیقه - شبیانی، سیزده دقیقه - صافی، دوازده دقیقه - ضیائی، بیست و چهار دقیقه - عرب، هفتاد و پنج دقیقه (که البته ایشان با اجازه قبلی غایب بوده‌اند) - فارسی، دوازده دقیقه - مراغه‌ای، سی و پنج دقیقه - موسوی اردبیلی، شصت و شش دقیقه - جزایری، پانزده دقیقه - میرمرادزه‌ی، بیست دقیقه - نوری‌خش، یکصد و پنج دقیقه.

عصر چهارشنبه چهارم مهرماه:

غایبین آقایان: حائری - خالاتیان - هاشمی‌نژاد.

نمایندگانی که تأخیر داشتند آقایان: انواری، پنج دقیقه - بیت‌اوشانا، پنجاه دقیقه - جوادی، ده دقیقه - حجتی، سی و دو دقیقه - خادسی، سی و شش دقیقه - خامنه‌ای، بیست و چهار دقیقه - عضدی، دوازده دقیقه - بشارت، هفت دقیقه - حسینی‌هاشمی، پنج دقیقه - عرب، بیست و دو دقیقه - کریمی، بیست و سه دقیقه - میرمرادزه‌ی، بیست و هفت دقیقه - نوری‌خش، هفده دقیقه - طباطبائی، شصت و چهار دقیقه - شهرزادی، پنجاه و نه دقیقه - مراغه‌ای، یکساعت و پنجاه و نه دقیقه - دستغیب، بیست و شش دقیقه - رحمانی، چهل و هشت دقیقه - رشیدیان، چهارده دقیقه - سحابی، یکساعت و سی و پنج دقیقه - صافی، ده دقیقه - طاهری خرم‌آبادی، سه دقیقه - سپهانی، یازده دقیقه - یزدی، پنج دقیقه - صدویی، سیزده دقیقه - فلسفی، سی دقیقه - ملازاده، نه دقیقه.

۳ - طرح و تصویب اصل ۴ (اصل شصت و سوم)

رئیس — بسم الله الرحمن الرحيم . اصل ۴ مطرح است که قرائت می‌کنم:
اصل ۴ (اصل شصت و سوم) — دوره نمایندگی مجلس شورای ملی چهار سال است ، انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود بطوریکه جمهوری اسلامی ایران در هیچ زمان بدون مجلس نباشد .



خوب، این اصل فکر می‌کنم صحبتی نداشته باشد، در کمیسیون مشترک هم رویش بحث‌ها شده و نظر داده‌اند پس آقایان گلدانها را برای اخذ رأی با ورقه نسبت به این اصل بپرند. (خامنه‌ای – آقا این یک متمم می‌خواهد.) خواهش می‌کنم در موقع رأی گرفتن سؤال نفرمایید.

(اخذ رأی با ورقه بعمل آمد و پس از شمارش آراء توسط آقایان منشی‌ها نتیجه بشرح زیراعلام گردید.)

رؤیس – نتیجه را اعلام می‌کنم، عدهٔ حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و یک نفر تعداد کل آراء شصت و یک رأی، موافق شصت نفر، مخالف ندارد، ممتنع یک نفر، تصویب شد، تکبیر. (نمایندگان سه مرتبه تکبیر گفتند)

۴ – طرح و تصویب اصل ۹۴ (اصل شصت و هشتم)

رؤیس – اصل ۹۴ مطرح است که قرائت می‌کنم:

اصل ۹۴ – در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور بوسیلهٔ ییگانه به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه‌چهارم مجمع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده و یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

مکارم شیرازی – بنده تذکری دارم و در گروه هفت‌نفری هم صحبت شد، باید عرض کنم که مسائل تمام‌درست‌است ولی بعضی‌ها می‌گویند این اشغال نظامی به‌این لفظ ناخوشایند است اگر تبدیل بشود به‌اینکه «در زمان جنگ و ضرورت‌های ناشی از آن» بهتر است چون اشغال نظامی حقیقتاً زننده است.

رؤیس – آقای آیت بفرمائید.

دکتر آیت – تذکری که داشتم «تأیید شورای رهبری و شورای نگهبان» است که باید اضافه شود.

روحانی – راجع به‌این قسمت باید عرض کنم که این اصل مربوط به صورتی است که تصویب نمایند که متوقف شود اما اگر تصویب نمایند که متوقف شود تکلیف چیست؟ صریحاً این مطلب ذکر شود.

عرب – بنده می‌خواستم عرض کنم که جنگ فقط از طرف ییگانگان پیدا نمی‌شود بلکه گاهی در اطراف مملکت بوسیله افراد منافق جنگ می‌شود و تنشیات بوجود می‌آورند.

رؤیس – پس آقای عرب می‌فرمایند نویسیم ییگانه، بتویسیم اشغال نظامی کشور، آقای آبت هم نظرشان این است که غیر از شورای نگهبان، شورای رهبری را هم اضافه بکنیم.

(طاهری اصفهانی) – من هم نظرم همین است که باید شورای رهبری اضافه بشود.

توجه داشته باشید که شورای نگهبان همان نماینده مقام رهبری است. (طاهری) – فرق می‌کند شورای رهبری غیر از نگهبان است، نگهبان آن است که قانون اساسی را نظارت و وظی می‌کند

ولی شورای رهبری چیز دیگر است. (آقای ربانی املشی فرمایشی دارد)

ربانی املشی – سؤال بنده این است که اگر در قسمتی یاتمام کشور انتخابات ممکن نبود حالا اگر در قسمتی ممکن بود و در قسمتی ممکن نبود صراحت ندارد که اگر از آن قسمتی



که ممکن هست و انتخابات می شود در چه صورت مجلس جدید تشکیل می شود و در چه صورت مجلس جدید نباید تشکیل شود و به همان مجلس قدیمی اکتفا بشود، این موضوع صراحت ندارد. رئیس - البته در مجلس باید نصف بعلاوه یک باشند، این که نمی شود در قسمتی بشود و در قسمتی نشود. (املشی) - به حال صراحت ندارد، نسبت به این مطلب اگر در قسمتی امکان انتخابات نباشد این قسمت تا چه حد است؟ (مکارم - دوسوم، مقیاس رسمیت مجلس است.) (طاهری اصفهانی - دوسوم فکری کنم جواب آقای ربانی باشد.) (فاتحی-شورای رهبری باید به جای شورای نگهبان نوشته شود، مثل اینکه آن اصلی را که قبل تصویب نموده اید فراموش کردید.)

ربانی شیرازی - این که در اینجا نوشته شده، درجایی که اشغال شده انتخابات نباید بشود برای این است که ممکن است انتخابات آنجا آزادانه صورت نگیرد و ممکن است نماینده بیگانه انتخاب بشود، پس این کلمه اشغال لازم هست و در صورتیکه جنگ داریم و اشغال نشده است این اشکال ندارد و می توانیم انتخابات را انجام بدھیم. مسئله دوم اینکه آن «تمامی مملکت» دیگر احتیاج به نوشتن ندارد چون نقاط اشغال شده آنرا نیز شامل می شود حالا اعم از اینکه همه جا یا بعضی جاها هست، بنابراین «تمامی مملکت» احتیاج نیست، وقتی مملکت اشغال شد دیگر انتخابی نیست.

رئیس - بله آنوقت تمامی مملکت متوقف می شود مثل زمان متفقین، یادتان هست ایران یک قسمتش آمریکائی ها بودند، یک قسمتش روس ها بودند و یک قسمتش انگلیس ها در عین حال حکومت محلی هم بود ولی نفوذ نداشت.

ربانی شیرازی - اشغال شده اعم است از اینکه همه جا هست یا بعضی جاهای دیگر بهشتی - آقای ربانی توجه بفرمایید منظور از این اصل این است که اگر خدای نکرده ایران دو سه بخشش اشغال بشود ممکن است اصولاً انتخابات کل ایران را معوق بگذارند و ممکن است بگویند در آنجا هائیکه اشغال نشده انتخابات باشد و آنچه که اشغال شده، نباشد (ربانی شیرازی - چرا آنجائیکه اشغال شده، نباشد؟) برای همین که ممکن است ادامه کار مجلس گذشته که در ذیل این اصل آمده اصلاح باشد تا تجدید انتخابات فقط در برخی از نقاط، بنابراین دست را باز بگذاریم تا بینیم آن مجلس قبلی چه صلاح میداند.

رئیس - آقای اشرافی بفرمایید.

اشرافی - عرض این است که وقتي یک استان مملکت اشغال می شود، استانهای دیگر مشغول دفاع هستند که دست اجانب را کوتاه کنند، دیگر حال این را ندارند که انتخابات بکنند، همان مجلس سابق سرجای خودش باشد و به کارها رسیدگی کنند.

رئیس - اینجا بنظر شما «اشغال نظامی کشور بوسیله بیگانه» می خواهد یانه؟ دیگر بهشتی - توجه بفرمایید در اینجا یک توضیح عرض می کنم، یک وقتی شرایط انتخابات در بعضی از مناطق از نظر امنیت فراهم نیست یعنی نامنی است، آن یک مطلب است و این مطلبی که در این اصل وجود دارد مطلب دیگری می تواند باشد، اگر شرایط مساعد نباشد که برای مدت موقتی در یک نقطه معینی، انتخابات بکنند یا نکنند این مسئله را اگر لازم باشد در یک اصل می آوریم اگر هم لازم نباشد نمی آوریم، اینجا بیشتر ناظر به این است که در مناطقی که تحت اشغال بیگانه است اصولاً اگر هم انتخابات میسر باشد از نفوذ بیگانه دور نیست،



نمهم جلوگیری از اعمال نفوذ ییگانه است، نه امکان انتخاب کردن و نکردن. (موسوی اردبیلی- اگر صلاح میدانید رأی بگیرید.)

رئیس - پس یکدفعه دیگر برای رأی گرفتن می خوانم: «در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور بوسیله ییگانه» آقایان اگر موافق هستند کلمه ییگانه را حذف کنیم اصلاً از خود ییگانه که خوشمان نمی آید از لفظ ییگانه هم خوشمان نمی آید. (دکتر بهشتی - البته نه از ییگانه، از ییگانه اشغالگر خوشمان نمی آید.) (مشکینی - ما موافق نیستیم با حذف این کلمه) (کرمی - اشغال معنی اش ییگانه است.) واضح است «اشغال نظامی» یعنی ییگانه، ضمناً اجازه بفرمائید یک بار دیگر قرائت می کنم تا رأی گرفته شود:

اصل ۹۴ (اصل شصت و هشتاد) - در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان، انتخابات نقاط اشغال شده و یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

د کترایت - آقای رئیس، شورای رهبری را نگذشتید.

رئیس - اول به همین صورت رأی بگیریم اگر رأی نیاورد پیشنهاد شما را مطرح می کنیم. پس کسانیکه با این متن موافق هستند با ورقه رأی بدهند، آقایان گذانها را بپرید. (رشیدیان - شورای نگهبان جزو مجلس است.) آقای رشیدیان دیگر رأی گرفتیم تذکر شماوارد نیست.

(أخذ رأی با ورقه انجام گرفت و پس از شمارش آراء توسط آقایان منشی ها نتیجه بقرار ذیل اعلام گردید).

رئیس - نتیجه را اعلام می کنم: عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و پنج نفر، تعداد کل آراء شصت و پنج رأی، موافق پنجاه و نه نفر، مخالف ندارد، ممتنع شش نفر، تصویب شد، تکبیر. (حضور سرهنگ تکبیرگذشتند)

اصل بعدی اصل ۱۰ است و من به عنوان اداره کننده جلسه به نظرم می آید که این اصل احتیاج به مشورتهاست با اهل فن دارد این را اجازه بفرمائید بگذاریم برای بعد تا با اهل فن مشورت هائی نیز داشته باشیم، چون در حقیقت مسئله تخصصی است.

ریانی شیرازی - آقای رئیس صحیح بحث شد و دونظر بود که این دونظر را به رأی گذاشتند و رویش هم خیلی صحبت شده است.

۵ - طرح اصل ۱۰

رئیس - اصل ۱۰ مطرح است که قرائت می کنم: «تا وقتی که آئین نامه داخلی مجلس تهیه و تصویب نشده جلسات مجلس شورای ملی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت پیدا می کند».

اجازه بفرمائید این «شورای ملی» را اول بگذاریم و دویی را «مجلس» بنویسیم یعنی عکسش کنیم: «تا وقتی که آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی تهیه و تصویب نشده جلسات مجلس با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت پیدا می کند».

«حدنصاب لازم برای رسمیت جلسه و رأی گیری و تصویب لواح جز در مواردیکه در



قانون حد نصاب خاصی معین شده در آئین نامه داخلی مجلس معین می شود که با اکثریت آراء به تصویب مجلس برسد».
دکتر آیت — من مخالفم.

رئیس — شما با تغییر این لفظ مخالفید یا با اصل؟

دکتر آیت — جمله ای که اول کار آوردید اصل قضیه را به هم بیزند، من مخالفم چون کمیسیون مشترک این را تصویب نکرد یعنی «تا وقتی که آئین نامه داخلی مجلس تهیه و تصویب نشود» را کمیسیون تصویب نکرد.

رئیس — به طور کلی نظر شما چیست؟

دکتر آیت — نظر من این است که مجلس باید با دو سوم رسمیت داشته باشد، چون آئین نامه داخلی قابل تغییر است که با یک سوم هم می توان مجلس را تشکیل داد. این باید در قانون اساسی باشد که با دو سوم مجلس رسمیت پیدا می کند و بقیه مسئله دیگری است. در قانون اساسی سابق هم چنین کلامی را به سر مردم گذاشتند. (مکارم شیرازی — به گروه هم که رفت همینطور بود).

دکتر بهشتی — اجازه بفرمائید بnde توضیحی بدhem، ما در اینجا خواسته ایم آن حداقل تعیین تکلیفی را که قبل از تشکیل نخستین مجلس شورای ملی می شود در قانون اساسی بیاوریم و آن اینکه بگوئیم وقتی نماینده ها انتخاب شدند اولین جلسه یا جلسات مجلس شورای ملی که وظیفه اش انتخاب هیأت رئیسه و بعد هم تهیه و تصویب آئین نامه داخلی است چگونه رسمیت پیدا می کند و با چه مقدار آراء باید آئین نامه را تصویب کند، گفتم در آن موقع رسمیت این جلسه با حضور دو سوم و میزان رأی برای آئین نامه نصف بعلاوه یک، از این دو سوم است، بنابراین، این مقدار لازم بود اینجا بیاید، اینکه بعداً در ادامه کار با حضور چه تعداد نمایندگان مجلس رسمیت پیدا می کند و برای تصویب هر مطلبی حد نصاب رأی چقدر است این را گذاشتم به عهده آئین نامه داخلی و آقایان هم صحیح با این موافق بودند، بنابراین ملاحظه می کنید که این مطابق آن چیزی تهیه شده که عبارتش صحیح مورد قبول آقایان بود حالا اگر آقای آیت یا بعضی از دوستان نظر دیگری دارند و می خواهند بگویند که در قانون اساسی بنویسیم که به طور کلی در آینده مجلس بدون حضور دو سوم رسمیت نخواهد داشت، خوب این یک مسئله دیگری است.

طاهری اصفهانی — بnde سؤالی از آقای آیت دارم، آیا شما مدرکی دارید؟ شما اینجا آئین نامه ای که بود نپذیرفتید حالا ممکن است بگوئید اینجا مجلس مادر است، کما اینکه صحیح هم گفتم اینجا مجلس مادر است برای اینکه مجلس شورای ملی را به رسمیت بیندازید تا آئین نامه شان تصویب شود ولی وقتی آئین نامه شان تصویب شد آیا شما چه مزیت و چه اولویتی بر آنها دارید؟

رئیس — البته من خودم با نظر آقای آیت موافق هستم، این قسمت اول را در کمیسیون هفت نفری بعداً اضافه کرده اند که قبل نبوده، نظر بnde هم همین است برای اینکه وقتی که ملت سیصد نفر نماینده انتخاب کرند آنوقت ما می گوئیم که رسمیت مجلس به این است که حداقل دویست نفر را نشان بآشند. نصف بعلاوه یک این دویست نفر می شود یکصد و یک نفر حال از سیصد نفر نماینده که ملت انتخاب کرده اگر بنا باشد یکصد و یک نفر رأی بدهند



آیا این را می‌شود رأی ملت حساب کرد؟ این رانمیشود به حساب ملت گذاشت، بنابراین اقلال باید دوسم از آنها بیانند در مجلس که نصف بعلاوه یک آن که یکصد و یک نفر است حاضر بشوند. اگر شما بگویند از سیصد نفر نصف بعلاوه یک کافی است یعنی یکصد و پنجاه و یک نفر حاضر بشوند کافی است، آنوقت نصف بعلاوه یک یکصد و پنجاه و یک نفر، هفتاد و شش می‌شود، یعنی از سیصد نفر نماینده اگر هفتاد و شش نفر رأی بدنهند کافی است و این در واقع مثل کاپیتولاسیون می‌شود که دویست و سی یا دویست و چهل نفر نماینده داشت در تهران و شصت و یک نفر تصویب کردند و به ریش ملت بستند، پس اقلال دوثلث نماینده‌گان باشند که نصف بعلاوه یک اعتباری داشته باشد. عقیده من این است که باید این را معین بکنیم چون بعداً ممکن است در مجلس شورای ملی اعمال نفوذ پشود و رسمیت جلسه را کمتر معین کنند و ازان مجلس سوء استفاده کنند. (مکارم - با حذف صدرش موافقیم) من هم نظرم همین است آقای رحمانی فرمایشی دارید؟

رحمانی - دو موضوع هست یکی اینکه اینجا میفرماید در مواردی که در قانون اساسی حد نصباب خاصی معین شده امکان دارد تفاهم بشود که در این مورد به احکام قانون اساسی سابق تکیه کرده‌اند.

رئیس - این در قانون اساسی در خیلی جاها هست مثل اصل قبلی که خواندیم داشت سه‌چهارم مجموع نماینده‌گان.

رحمانی - به هر حال این نظر بنده است و قضاوتش با شماست. نظر دوم این است که آئین نامه داخلی مجلس را وقتی که خود نماینده‌گان تصویب می‌کنند ماجه تعتمدی داریم که آنها را مقید بکنیم که با اکثریت آراء آئین نامه را به تصویب برسانند؟ «با اکثریت آراء» را حذف بکنید آنها خودشان میدانند یا با اکثریت آراء یا با دوسم یا با سه‌چهارم تصویب بکنند و ما دخالت در این موضوع نکنیم تا بعداً برای آنها تولید اشکال نکند و اینطورنوشه شود که: «در آئین نامه داخلی مجلس معین می‌شود که به تصویب مجلس برسد» حالا با اکثریت آراء یا نصف بعلاوه یک یا اینکه دوسم یا سه‌چهارم باشد، خلاصه ما در اینجا مقید نکنیم با اکثریت آراء، شاید در آنجا آئین نامه‌های داخلی را برای آن ملاک دیگری قرار دادند که بهتر از این باشد.

رئیس - یعنی بگویند از صد نفر نماینده اگر دونفرهم تصویب کردند کافی است؟

رحمانی - آن که تصویب نیست، منظورم این بود که این اکثریت آراء را طوری قرار بدهید که به نصف بعلاوه یک مقید نباشد.

رئیس - بگذاریم با حداقل نصف بعلاوه یک، یعنی به این معنی که ممکن است بگویند دوسم و از نصف بعلاوه یک دیگر کمتر نباشد و در واقع «اکثریت» اعم از نصف بعلاوه یک است. (رحمانی - اعم نیست، ظاهرش این است). اجازه بفرمایید آقای رحمانی اگر آنها آمدند و گفتند به آئین نامه باستی دوسم نماینده‌گان رأی بدنهند این باز همان اکثریت است. آقای بهشتی فرمایشی دارید بفرمایید.

دکتر بهشتی - من در جلسه صبح پاسخ آقای رحمانی را داده‌ام و باز توجه نکردند و حالا تکرار کردند، آقای رحمانی اگر با اینجا نویسیم با یک معیاری، آن مجلس که میفرماید خودشان شاید بخواهند تصمیم دیگری بگیرند، این «خودشان» چه کسانی هستند؟ آیا منظورتان



اتفاق آراء آنهاست؟ آیا سه‌چهارم آراء آنهاست؟ آیا دوسرum آراء آنهاست، یا نصف بعلاوه یک یا اکثریت نسبی؟ این «خودشان» را باید اینجا مشخص بکنید، بگویند خودشان شاید بخواهند یک تصمیم دیگری بگیرند، ولی نمی‌دانیم این «خودشان» چه کسانی هستند، آیا اتفاق آراء است یا چیز دیگری هست؟ این روش هست ولی شما دقت نمی‌فرمائید.

وحمنی — وقتی که موکول به آئین نامه می‌شود صحیح نیست که میزان را اکثریت آراء قرار بدهیم چون مقصود ازا اکثریت آراء نصف به اضافه یک است و ما با این قید دست نمایندگان مجلس را بسته‌ایم که توانند از این اصل عدول نمایند و تصمیم مقتضی بگیرند، درصورتیکه ممکن است صلاح باشد درآئین نامه داخلی اعتبار مثلاً به دوسرum باشد.

رئیس — آقای فاتحی اگرچه ثوبت شما نیست ولی اگر سؤالی دارید بفرمائید.

فاتحی — می‌خواهیم بینیم اولین جلسه مجلس آینده، به چه کیفیت رسیت پیدا می‌کند پس از رسیت یافتن آن، ما دیگر در تصویب آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی حق مداخله نداریم. مامی گوئیم مجلس با حضور دوسرum مجموع نمایندگان رسیت پیدا می‌کند، بعداً حدنصاب لازم برای رسیت جلسه و رأی‌گیری و تصویب لوایح بوسیله آئین نامه داخلی معین می‌گردد، بقیه مطالب زائد به نظر میرسد. ما برای اینکه آنها را از سرگردانی بیرون بیاوریم می‌گوئیم اوازین جلسه باید با حضور مجموع دوسرum نمایندگان تشکیل شود.

رئیس — در رأی‌گیری، اکثریت آنها ملاک است؟ اتفاق آنها ملاک است؟ کدامیک ملاک است؟ آقای موسوی تبریزی شما صحبتی دارید؟

موسوی تبریزی — جناب رئیس من پیشنهاد می‌کنم که مذاکرات کافی است بیشتر از این وقت مجلس را با مطالب تکراری نگیرید و رأی بگیرید.

مشکینی — اگر اینجا تعیین نکنید بالآخره آنجا یک مورد احتیاطی پیدا می‌کند یانه؟

رئیس — آقای بنی صدر شما صحبتی دارید؟

بنی صدر — حرف من این است که این اصل جملاتش مشوش شده، اگر می‌خواهید این اصل را به رأی بگذارید اول اصلاحاتی را عرض می‌کنم در آن قید کنید و بعد رأی بگیرید. مثلاً در صدر این اصل که نوشته شده «تاوقتی که آئین نامه داخلی مجلس تهیه و تصویب نشده» یعنی چه؟ این اضافه است و باید حذف شود ویا در جمله بعد که آمده «حدنصاب لازم برای رسیت جلسه و رأی‌گیری و تصویب لوایح» این هم به نظر من زائد است و باید حذف شود. واما اینکه مجلس باید با حضور دوسرum مجموع نمایندگان رسیت پیدا کند، این باید باشد زیرا عبارت خوبی است برای اینکه مایک مملکت هماهنگ نداریم، ممکن است یک دولتی سرکار بیاید و در جاهاییکه امکان برد انتخاباتی با اوست، انتخابات را برگزار کند و اشخاص مورد نظر را به مجلس بفرستد، این صحیح نیست و به همین جهت باید قید «دوسرum» باشد تا راه آن فسادی که عرض کردم بسته شود.

رئیس — با این توضیحاتی که میدهید مثل اینکه اکثر آقایان موافقید عبارت «تاوقتیکه آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی تهیه و تصویب نشده» حذف شود. با حذف آن موافق هستید؟ (مدنی — من پیشنهادی خدمتستان فرستادم قرائت بفرمائید.) بسیار خوب من این پیشنهاد را می‌خوانم: «بنابراینکه با حضور دوسرum نمایندگان مجلس رسیت پیدا کرده و حداقل نصف بعلاوه یک حاضرین رأی‌شان معتبر شود اولاً عبارت وافی به مطالب نیست و ثانیاً رأی



نصف بعلاوه یک رأی ملت نیست.» آقای مدنی در مورد پیشنهاد تان میخواهید توضیح بدهید؟
مدنی — شما میفرمایید مثلاً از سیصد نفر نماینده مجلس بادویست نفر نماینده، جلسات رسمیت پیدا میکند و اگر صد و یک نفر رأی مثبت دادند، ما چگونه میتوانیم بگوئیم که این رأی، رأی همه ملت است؟

رئيس — در آئین نامه داخلی مجلس بعداً روش میشود که در چه مواردی رأی نصف بعلاوه یک کافی است و در چه مواردی باید دو سوم آراء برای تصویب یک امری کافی باشد. مثل مجلس خودمان که الان بطبق آئین نامه در بعضی موارد آراء نصف بعلاوه یک را کافی می دانیم ولی وقتی که می خواهیم یک اصلی به تصویب برسد دو سوم مجموع نماینده‌گان باید رأی مثبت بدهند و حتی در این مورد غاییین را هم به حساب می آوریم، یعنی میگوئیم باید از مجموع نماینده‌گان دو سوم آنها رأی بدهند تا تصویب شود. کسانیکه موافقند عبارت «تا وقتیکه آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی تهییه و تصویب نشده» به جای خود باقی بماند و حذف نشود دستشان را بلند کنند. (عده کمی دست بلند کردند) بنابراین کسی موافق ابقاء این جمله نیست و حذف میشود. (دکتر آیت — پس خود بخود حد نصاب لازم هم حذف میشود.) بدین ترتیب این اصل با عبارت «جلسات مجلس شورای ملی باحضور دو سوم مجموع نماینده‌گان رسمیت پیدا میکند» شروع میشود. (خزعلی — کلمه «جلسات» در اول عبارت زیادی است.) این کلمه باید باشد چون ما میگوئیم جلسه مجلس باید با حضور دو سوم رسمیت پیدا کند. خوب، عبارت بعد را میخوانم: «حد نصاب لازم برای رسمیت جلسه و رأی گیری و تصویب لواح...»

دکتر آیت — من مخالفم، ممکن است رأی را باز پائین بیاورد. فرض بفرمائید دویست نفر نماینده هستند میگویند اگر صد و پنجاه نفر باشند میتوانیم رأی بگیریم و نصف به اضافه یک هم رأی میدهند.

دکتر بیهشتی — من پیشنهاد میکنم بنویسیم: «حد نصاب لازم برای تصویب لواح» آن وقت اشکال آقای آیت هم رفع میشود.

خامنه‌ای — بین طرح ولاجه تقاؤت وجود دارد، طرح را نماینده‌گان میدهند ولی لا يجه بوسیله دولت تقديم مجلس میشود، پس بايد بنویسیم «تصویب قوانین».

رئيس — آقای غفوری شما توضیحی دارید؟

دکتر غفوری — آیا از این اصل استفاده نمیشود که هنوز انتخابات در همه جای سلطنت تمام نشده و فقط دو سوم نماینده‌گان انتخاب شده‌اند؟ در این صورت آیا شما اجازه میدهید جلسات مجلس تشکیل شود؟ پس بهتر است نوشته شود: «بعد از پابان انتخابات مجلس...» بنی صدر — آمدیم در یک استان نگذاشتند انتخابات برگزار شود، آنوقت همه باید معطل شوند؟

رئيس — بنظر من اشکال آقای غفوری وارد است.

دکتر بیهشتی — خیر، وارد نیست اگر بخواهید توضیح میدهم.

موسی تبریزی — وقتی میگوئیم دو سوم مجموع نماینده‌گان، یعنی انتخابات تمام شده است و همه نماینده‌گان انتخاب شده‌اند.

رئيس — فرض بفرمائید در یک قسمت‌های سلطنت انتخابات انجام گرفته و دو سوم مجموع



نمايندگان انتخاب شده‌اند پس اينها نماينده هستند والا در جاهائيكه هنوز نمايندگانشان انتخاب نشده‌اند به‌آنها نماينده نميگويند بلکه کانديدا هستند. پس منهم معتقدم باید بنويسيم: « بعد از اپيابان انتخابات...»

بني‌صدر — اگر در چند نقطه مملکت اصلاً نگذاشتند انتخابات برگزار شود پس ماجلس نداشته باشيم؟ اين حرف يك آفای غفوری ميزند ميخواهند از خطری عبور کنند ولی نمى دانند که مملکت را به خطيرگرتری دچار ميکنند اين مسائل قبلاً در مملکت ما پيش آمد است.

دكتريهشتی — يك سائله ديگر هم هست آفای بني‌صدر و آن اينكه گاهي انتخابات يك شهر ابطال ميشود ويراي آنكه آن شهر مجدداً انتخاباتش برگزار شود ممکن است پانزده روز و گاهي يكماه طول بکشد، آنوقت شما ميگوئيد در اين يكماه اصلاً مجلس تشکيل نشود؟

رؤيس — اگر فرض کردیم دولتي اعمال نفوذ کرد و در دوسوم مملکت که مورد اعتمادش بود و در آنجا نفوذ داشت انتخاباتش را برگزار نمود ولی در يك ثلث مملکت اصلاً انتخابات را برگزار نکرد خوب، در آن مناطق نماينده ندارند، برای اينكه اصلاً انتخاباتي برگزار نشه است.

بني‌صدر — اشكال شما وارد نیست برای اينكه اگر دولتي دوسوم مملکت را زيرنفوذ داشت از يك‌سوم باقی‌مانده چه باکی دارد؟

انواری — همانطور يك از دوستان اشاره کردند در اينجا که نوشته شده باحضور دوسوم مجموع نمايندگان، يعني در حقیقت تمام نمايندگان انتخاب شده‌اند.

رؤيس — نه، برای اينكه معنی نمايندگان يعني کسانی‌که انتخاب شده‌اند.

روشيديان — متى که صبح مطرح شده فرمایش آفای غفوری را تأييد ميکند واما مسئله‌اي که آفای دكتريهشتی فرمودند، يك مورد استثنائي است و ما قانون را برای موارد استثنائي نمی‌نويسيم.

بزدي — توجه داريد که وقتی چيزی در جلسه کميسيونهای مشترك تصویب شد و به جلسه کميسيون هفت‌نفری برگشت و در این کميسيون در عبارات آن دخل و تصرفی کرده شد و ديگر نمايندگان را در جريان اين کار نگذاشتند، اين مسائل که الان پيش آمده است، پيش مى‌آيد. ملاحظه ميفرمائيد که برداشتمن يك‌جمله در اين اصل و اضافه کردن جمله‌ديگري به جای آن تاچه اندازه وقت مجلس را بيهوده تلف ميکند. آنچه صبح تصویب شده است بدین صورت بوده: «پس از اپيابان انتخابات جلسات مجلس شورای ملي...» و تانياً همانطور که آفای دكتريهشتی فرمودند، بودن اين جمله‌حتماً لازم است و اينكه احياناً ممکن است انتخابات يك شهر ابطال شود يا به خاطر مسائلی در بعضی شهرها انتخابات انجام نشود، اين سائله خارج از موضوع بحث ما است.

رؤيس — آفای فارسي فرمایشي داريد؟

قاوسی — وقتی ميگوئيم حد نصاب لازم برای رسماًيت جلسه دوسوم نمايندگان باشد، اين خطر وجود دارد که ميداند اگر انتخابات را در سراسر مملکت برگزار کند اکثریت پيدا نمیکند انتخابات را در دوسوم مناطق انجام ميدهد، اگر يك‌سوم يا کمي پيش از يك‌سوم آراء مجلس را در صوريت‌که انتخابات در سراسر مملکت انجام شود بتواند به دست آورد پس ميتواند اکثریت پيدا کند و ميتواند روی کار بماند، بنابراین اشكال آفای



بنی صدر وارد نیست.

رؤیس — آقای مکارم بفرمائید.

مکارم شیرازی — دو مطلب در اینجا با هم مخلوط شده است. مطلب اول این که دولت وظیفه اش این است که انتخابات را در سراسر مملکت برگزار کند و به انجام برساند مسئله دیگر اینکه مجلس با چه تعداد نمایندگان رسمیت پیدا میکند. شما اینجا نوشته اید با دو سوم رسمیت پیدا میکند، حالا اگر بقیه نمایندگان انتخاب شده باشند یا انتخاب نشده باشند میتوان مجلس را تشکیل داد.

ربانی شیرازی — اگر کلمه «منتخب» را اضافه بکنیم مشکل حل میشود یعنی بنویسیم: «دو سوم مجموع نمایندگان منتخب».

رؤیس — اینکه مسئله را بدتر میکند و مشکلی حل نمیشود. آقای بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — یک مسئله این است که وقتی انتخابات انجام میگیرد تعیین قطعی نمایندگان و دادن اعتبارنامه به آنها در یک زمان صورت نمیگیرد. به تدریج که اعتبارنامه برای نمایندگان صادر میشود و آنها اعتبارنامه خود را به دیرخانه مجلس میفرستند، فرض بفرمائید اگر تعداد نمایندگان برای مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر باشد، از این عده صد و هشتاد نفر اعتبارنامه شان را گرفته اند و در تهران حاضر میشوند، میخواهیم ببینیم آیا اینها تشکیل مجلس بدند یا صیرکنند تا همه نمایندگان اعتبارنامه شان را بگیرند؟ این یک سؤال است. اینکه میفرمائید دولتی از انتخابات یک سوم جلوگیری کند، اصلاً این جرم است. شما در اصل دیگری گفته اید، انتخابات کلا و جزء تعطیل بردارنیست پس دولت موظف است انتخابات را انجام بدهد. اما اینکه ما میگوئیم در اینجا این قید را بردارید به این خاطر است که گاهی میشود اعتبارنامه یک نماینده در یک محلی مخدوش بشود و شاید لازم باشد که برای آن محل تجدید انتخابات به عمل آید، آیا ما باید تا تکلیف نماینده آن محل روشن نشده، مجلس رامعطل بگذاریم؟ آفایان میگویند یک مورد استثنائی است خوب، قانون اساسی باید برای مملکت بن بست بوجود نیاورد گرچه من معتقدم آن موردی هم که اشاره کردند استثنائی است، خیلی هم استثنائی نیست. به هر حال آنچه مهم است این است که قانون اساسی باید شامل تمام احوال باشد. بنابراین باید حد نصابی برای رسمیت مجلس باشد حالا این حد نصاب چه تعداد نمایندگان را در بر میگیرد هرچه صلاح میدانید معنی کنید.

رؤیس — آقای صافی پیشنهادی فرستاده اند که من آنرا میخوانم: «با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت پیدا میکند، اگر چه انتخابات یک سوم دیگر به علل قانونی معوق مانده باشد». آقای دکتر غفوری بفرمائید.

دکتر غفوری — از یک طرف مادر قانون اساسی اصلی را آورده ایم که یک نماینده راجع به تمام امور کشور میتواند اظهار نظر بکند و حتی مسئول است که اظهار نظر بکند و حرف بزند، از طرف دیگر هم باید احتمالات مختلف را در نظر بگیریم. مثلاً اگر یک حزب حاکم دو سوم انتخابات را انجام داد و مجلس تشکیل شد و حال آنکه در یک یا چند جا اصلاً انتخابات شروع نشده، بنابراین باید گفت که وزارت کشور پایان انتخابات را اعلام میکند، یعنی به نظر میرسد پایان انتخابات لااقل از نظر قانونی باید اعلام شود و بعد وقتی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان مجلس رسمیت پیدا کرد در آن صورت میتوانند نسبت به لواح



اظهار نظر کنند و احیاناً تصویب نمایند. در غیر اینصورت مردم به مصوبات مجلس بی اعتماد خواهند بود.

موسوی اردبیلی — اگر اجازه بدھید من در دو جمله جواب آقای غفوری را بدھم.

رئیس — آفای موسوی در دو سه جمله و خیلی فشرده و کوتاه مطلبی دارید بفرمائید.

موسوی اردبیلی — پایان انتخابات مشخص شده است شما گفته اید قبل از اینکه دوره اول تمام شود باید انتخابات دوره دوم برگزار شود. حتی ما نوشته بودیم یک ماه قبل از آن باید پایان پذیرد. بنابراین یکساه قبلاً از آنکه دوره اول تمام شود انتخابات برگزار شده است، واين بخاطر اين است که فترتی بين ادوار قانونگذاري مجلس پيش نيايد حالاً اگر در يك شهر انتخاباتش بعللي برگزار نشده ويا بطور صحيح انتخابات انجام نگرفته است باید مجلس را بحال تعطيل گذاشت تا تکليف آن شهر روشن شود؟ بنظر من عبارت «پس از پایان انتخابات» که آقای غفوری پيشنهاد كردند لزومي ندارد.

رئیس — با توجه به صحبت هاي آقایان، اگر موافق باشيد بنویسم: «پس از اعلام پایان انتخابات» (همه مه نمایندگان) چرا جزوی ثبت می کنید؟ اگر اشكالی هست نوبت بگيريد و سوال کنید، آقای آيت توضیحی دارید بفرمائید.

دکتر آیت — اينجا اشاره شد که ممکن است در دو سه نقطه انتخابات انجام نشود. پس وقتی انتخابات در يك يا دو شهر برگزار نشد حتماً يك حالت فورسماژور بوده است که نتوانسته اند انتخابات را برگزار كنند و همين قوه قاهره که نگذاشته است انتخابات برگزار شود خودش يك ملاک است و مجلس بادوسوم نمایندگان جلساتش را آغاز می کند،ولي اگر نتوسيم پس از پایان انتخابات، آن وقت مجلس ناقصي را حتى با دو سوم نمایندگان تشکيل ميدهد آن وقت دردرس هاي زيادي را در يك خواهد داشت، و گرنه حالت فورسماژور وقوه قاهره اصلاً جزء اصول کلي حقوق است که هميشه بر تمام مسائل حکومت می کند.

طاهری اصفهانی — بنویsim «پس از پایان انتخابات، جلسات مجلس شورای ملي باحضور دوسوم نمایندگان تشکيل می شود».

رئیس — آقای بنی صدر شما مطلبی دارید؟

بنی صدر — می خواستم عرض کنم که اگر مطلب تازه ای در این مورد به گروه هفت نفری آمده است و در آنجا تغيير کرده، من که جزو اين گروه هفت نفری هستم خبرندارم بنابراین در اين اصل دست کاري شده و معلوم نیست چه کسی اين کار را کرده است. سائله دیگر اينکه انتخابات معمولاً در يك روز مثلاً روز جمعه برگزار می شود اگر در مناطق نتوانست انتخاباتی بشود، پس معلوم می شود به قول آقای دکتر آیت يك فورسماژوري بوده. بنابراین اينکه می فرمائید در قدیم هم موارد استثنائي وجود داشته، فقط در يك سوره آن هم در زمان دکتر مصدق بوده است که شاه در مناطق روس تائی و عشاير و جایي که قشون نفوذ داشت داخلت می کرد و براي اينکه مجلس بدل ترازانجه که بود نشود، چون به سازمان ملل می رفت، انتخابات را متوقف کرد و ما در باره يك مورد استثنائي نمی توانیم حکم کلي صادر کنیم و اما اينکه می فرمائید يك حزبی دوسوم انتخابات را انجام می دهد معلوم می شود اين حزب از علم غيب هم باخبر است که می داند در کدام مناطق انتخابات را برگزار کند که پیروز شود.

صدوقی — آقای رئیس بحث به اندازه کافي شده است موافق و مخالف هم چندین بار



صحبت کرده‌اند، رأی بگیرید.

رئیس—اجازه بدھید بینیم آقای موسوی تبریزی چه فرمایشی دارند.

تهرانی—آقا چرا وقت مجلس را می‌گیرید، بیهوده وقت مجلس را تلف کردن حرام است اجازه صحبت به کسی ندهید و یه همین متن رأی بگیرید. امام فرموده‌اند که کار این مجلس باید هرچه زودتر تمام شود.

رئیس—بسیار خوب، آقای موسوی تبریزی هم حرفشان را بزنند بعد رأی می‌گیریم.
موسوی تبریزی—این که می‌خوانم به خط خودشما است که ازگروه شما آمده است: «پس از پایان انتخابات، جلسات مجلس شورای ملی باحضور دوسرم مجموع نمایندگان رسمیت پیدا می‌کند. ترتیب رأی‌گیری وحدنصاب برای تصویب طبق آئین نامه داخلی است که با اکثریت آراء به تصویب مجلس شورا می‌رسد مگر در مواردی که حد نصاب معینی در قانون اساسی برای تصویب تعیین شده باشد».

تهرانی—من نمی‌دانم چرا متن اصول را تغییر می‌دهید شما متن این اصل را بعد از آنکه صبح درگروه تصویب شد تغییر دادید و بخطاره مین عمل، این همه وقت مجلس بهدر رفت. شما اصل بعدی راهنم تغییر داده‌اید، چرا این کار را می‌کنید؟

رئیس—من تغییر نداده‌ام، درگروه شما تغییر داده‌اند.

ربانی شیرازی—اینکه می‌گویند من تغییر نداده‌ام و نمی‌دانم چه کسی تغییر داده است معناش این است که خارج ازگروه هفت نفری، یک کسی می‌آید پیشنهادها را بدلوخواه خودش تغییر میدهد و عبارتی درست نیکند.

رئیس—اجازه بدھید من بخوانم «پس از پایان انتخابات، جلسات مجلس شورای ملی با حضور دوسرم مجموع نمایندگان رسمیت پیدا می‌کند ترتیب رأی‌گیری وحدنصاب لازم برای تصویب قوانین...» (بزدی—نه اینطور نیست).

موسوی اردبیلی—اجازه بدھید من بخوانم. (رئیس—پس اجازه بدھید آقای موسوی اردبیلی بخواند.) «پس از پایان انتخابات جلسات مجلس شورای ملی باحضور دوسرم مجموع نمایندگان رسمیت پیدا می‌کند ترتیب رأی‌گیری وحدنصاب برای تصویب طبق آئین نامه داخلی است.»

رئیس—این درست نیست متن کمیسیون هفت نفری این بوده «پس از پایان انتخابات، جلسات مجلس شورای ملی با دوسرم مجموع نمایندگان رسمیت پیدا می‌کند، ترتیب رأی‌گیری وحدنصاب برای تصویب جز در مواردی که در قانون اساسی حد نصاب معینی...»

ربانی امشی—اینطور باید باشد «وحدنصاب برای تصویب، طبق آئین نامه داخلی که با اکثریت آراء به تصویب مجلس شورای ملی میرسد مگر در مواردی که حد نصاب معینی در قانون اساسی برای تصویب تعیین شده باشد» حالا این را به رأی بگذارید آقایان می‌گویند حتماً باید این متن باشد.

رئیس—این هم همان است، بینید می‌خوانم: «ترتیب رأی‌گیری وحدنصاب برای تصویب، جز در مواردی که در قانون اساسی حد نصاب خاصی معین شده، در آئین نامه داخلی مجلس معین می‌شود که با اکثریت آراء به تصویب مجلس خواهد رسید.» (ربانی امشی—هم می‌گویند همان قبلی بهتر است). بسیار خوب آقای ربانی این را که می‌فرمائید می‌خوانم: «پس از پایان



انتخابات جلسات مجلس شورای ملی با حضور دوسرم مجمع نمایندگان رسیده بود که ترتیب رأی‌گیری و حد نصاب برای تصویب طبق آئین نامه داخلی است که با اکثریت آراء به تصویب مجلس شورا میرسد جز در مواردی که حد نصاب معینی در قانون اساسی برای تصویب تعیین شده باشد، «خوب» برای این متن رأی می‌گیریم.

دکتر آیت - من یک پیشنهاد دارم پس از عبارت «پایان انتخابات»، «تصویب اعتبارنامه‌ها» اضافه شود.

رئیس - این رانی خواهد، نسبت به این متن که خواندم با ورقه رأی گرفته می‌شود.

(آقایان دکتر روحانی و عضدی در محل نطق حاضر شدند و پس از شمارش آراء نتیجه بقرار زیر اعلام گردید.)

رئیس - عده حاضر در جلسه هنگام رأی‌گیری شصت و یک نفر، تعداد آراء شصت و یک رأی، موافق چهل و هفت رأی، مخالف هفت رأی، ممتنع هفت رأی. بنابراین اصل پنجاه و یک رد شد که برای بررسی بیشتر به گروه می‌فرستیم.

۶ - طرح و تصویب اصل ۵ (اصل شصت و ششم)

رئیس - اصل ۵ مطرح است که می‌خوانم:

اصل ۵ (اصل شصت و ششم) - ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیونها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس بوسیله آئین نامه داخلی مجلس معین می‌گردد.

(آقایان اگر موافق هستند چون در این اصل هیچ اشکالی نیست نسبت به آن رأی گرفته شود. (نمایندگان - موافقیم) بنابراین نسبت به این اصل رأی مخفی با ورقه گرفته می‌شود.

(آقایان دکتر روحانی و عضدی در محل نطق حاضر شدند و پس از شمارش آراء نتیجه بقرار زیر اعلام گردید.)

رئیس - عده حاضر در جلسه هنگام رأی‌گیری شصت و دو نفر، تعداد آراء شصت و چهار رأی که دورأی بقید قرعه خارج شد، آراء موافق پنجاه و هفت رأی، مخالف یک رأی، ممتنع چهار رأی بنابراین، این اصل با پنجاه و هفت رأی موافق به تصویب رسید، تکییر. (حضور سه مرتبه تکبیر گفتهند).

۷ - طرح و تصویب اصل ۶ (اصل شصت و هفتم)

رئیس - اصل ۶ مطرح است که قرائت می‌کنم:

اصل ۶ - نمایندگان باید پیش از رسیده یافتن مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را اضطراء نمایند:

«من در برابر قرآن، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حرم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، و دیوهای را که ملت به ما سپرده بعنوان امینی عادل پاسداری کنم در ارجام وظائف و کالت، امانت و تقوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعلای کشور



و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پاییندباشم، از قانون اساسی دفاع کنم و درگفته ها و نوشته ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم. نمایندگان اقلیتهاي ديني اين سوگند را با ذكر كتاب آسماني خود ياد خواهند كرد.

دكتور قائمی - نوشته شود « متن قسم نامه زیر را امضاء نمایند » دیگر اينكه يك صفتی برای قرآن بگذاريid قرآن مجید ياقرآن كريیم.

رئيس - راجع به قسمت دوم پيشنهادتان می نويسيم « قرآن كريم » ولی راجع به کلمه « زير » که گفتيد اضافه شود عرض کتم اين را دارد، دیگر دو مرتبه کلمه « زير » را نميشود تکرار كرد. صافی - پيش از رسميت يافتني يعني چه ؟ در حالی که در آن اصل گفتيد که باحضور دوسم رسميت پيدا ميکند.

رئيس - يعني پيش از آنکه بشينند رئيس تعين کنند وغیره . (صافی - باید بشود « پس از رسميت يافتني ».)

دكتور بهشتی - اينجادونکته است که باید باهم جمع بشود. منظور از « پيش از رسميت يافتني » اين است که تا اين سوگند را نخورند و امضاء نکنند اصولاً رسميت پيدا نمی کند. مثلاً اگر پنجاه نفر اين سوگند را ياد كرده اند و هنوز بقیه ياد نکرده اند با حضور آنها قبل از ينكه بقیه سوگند ياد نکرده اند مجلس رسمي نمی شود ، اين نکته منظور بوده است. در آن نسخه ای هم که آقایان به گروه فرستاده اند پيش از رسميت يافتني بوده است.

رئيس - آقای مراد زهی بفرمائيد.

مراد زهی - اولين جلسه اي که تشکيل ميشود با حضور عده مشخصی که همان حد نصاب است مجلس منعقد ميشود پس از انعقاد مجلس آئين نامه داخلی اش را تصويب ميکند ، رسميت يافتني جلسات بعدی به موجب آئين نامه داخلی خواهد بود. اگر شما قانون اساسی سابق را هم ملاحظه بفرمائيد در اصل هشتم آن هست که : « پس از آنکه دوسم نمایندگان مجلس شوراي ملي در پایتخت حاضر شدند مجلس منعقد ميشود » پس اول منعقد می شود ولی رسميت يافتني مربوط به بعد از انعقاد مجلس می باشد .

حجتی - آگر اينطور باشد پس آن اصل پنجاه و يك درست نميشود، برای اينكه فقط شرط رسميت يافتني را باحضور دوسم گفته است .

رئيس - پس اينظور ميشود « نمایندگان پس از انعقاد مجلس و پيش از رسميت يافتني آن ». طاهری اصفهانی - بنويسيد نمایندگان باید پس از حضور دوسم بترتیب زير سوگند ياد کنند.

رئيس - آقای خزعلی شما نظرتان چيست ؟

خزعلی - در اصل پنجاه و يك هم فرموده بوديد باحضور دوسم مجموع نمایندگان رسميت پيدا ميکند آنجا را باید انعقاد تعیير کنيد، اينجا هم بگوئيد پس از انعقاد مذکور سوگند را ياد می کنند.

رئيس - آنجا می خواستیم همه جلسات را بگوئیم ، می خواستیم بگوئیم جلسات مجلس همیشه باید با دوسم تشکيل شود ، اما اينجا انعقاد است . آقای فرشی بفرمائيد.

فرضی - اينجا اين متن قسم نامه منشأ ديني ندارد ما در دين نداريم که قسم نامه را امضاء بکنند، بنابراین سوگند خوردن کافي است .



رئیس — آفای پزدی شما تذکری داشتید؟

پزدی — عرض کنم رسمی شدن یک نماینده یک مسأله است و رسیت جلسه مسأله دیگری است. رسیت یافتن جلسه حتماً متأخر از رسمی شدن نماینده است و نماینده تا وقتی که قسم نامه را یاد نکند نماینده نیست، بنابراین پیش از رسیت جلسه باید اعضاء کند تا نماینده بشود، نماینده که شد بعد رسیت یافتن جلسه با دو سوم از نمایندگان است.

رئیس — آفای مکارم شما تذکری داشتید؟

مکارم شیرازی — عرض بده این است که اگر پیش از رسیت یافتن بنویسیم، اشکال پیدا میکند، پس از رسیت هم بنویسیم باز اشکال دارد، بنویسیم در نخستین جلسه مجلس شورای ملی قسم میخورند.

رئیس — آفای دکتر بهشتی بفرمائید.

دکتر بهشتی — نظر من هم همین است ولی برای اینکه جمله با «نمایندگان» شروع شود، اینطور نوشته‌یم «نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس که منعقد میشود به ترتیب زیر سوگند یاد کنند».

سبحانی — عبارت جنابعالی یک نقصی هم دارد حال اگر همه نمایندگان در اولین جلسه نتوانستند حاضر شوند بقیه چکار کنند آنها قسم نخورند؟

دکتر بهشتی — ما در آن متن بالا می‌نویسیم که برای انعقاد نخستین جلسه چند نفر باید باشدو برای رسیت چند نفر، یعنی اصل بالا باید اصلاح شود که هر دو وجهت مشخص بشود. نمایندگانی هم که بعد می‌آیند باید ذیل متن اضافه کنیم نمایندگانی که در آن جلسه نیستند بعد آقسام یاد کنند.

حیدری — این موضوع را هم تذکر بدھید که هر نماینده‌ای که این سوگند را یاد نکرد از نمایندگی ساقط است. (دکتر بهشتی — این دیگر معلوم است).

رئیس — عبارت قانون اساسی سابق این بوده است «اعضاء مجلس بدوآ که داخل مجلس میشوند باید به ترتیب ذیل قسم خورده و قسم نامه را اضمام نمایند».

دکتر بهشتی — اگر بخواهید این متن به همین صورتی که گفته اید باشد در پایان اصل نوشته شود «نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را بجا آورند».

**رئیس — اجازه بفرمائید. یکبار دیگر اصل را برای رأی گیری می‌خوانم:
اصل ۵۳ (اصل شصت و هفتم) — نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس که منعقد**

میشود به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را اضمام نمایند:

«من دربرابر قرآن کریم، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حريم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبني جمهوری اسلامی باشم، و دیوهای را که ملت به ما سپرده به عنوان امنی عادل پاسداری کنم، در انجام وظایف و کالت امانت و تقدوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتدالی کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و درگفته‌ها و نوشته‌ها و اظهار نظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم».
نمایندگان اقلیتها دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.



نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را بجا آورند.

رئیس — نسبت به این اصل با ورقه و به صورت مخفی رأی گرفته می‌شود.
 (آقایان دکتر روحانی و عضدی در محل نقط حاضر شدند و پس از شمارش آراء نتیجه به قرار زیر اعلام گردید.)

رئیس — عده حاضر در موقع رأی گیری شصت و شش نفر، تعداد آراء شصت و هفت رأی، یک رأی به قید قرعه خارج شد، آراء موافق شصت و چهار رأی، مخالف ندارد، آراء ممتنع دورأی، بنابراین اصل شصت و هفتم با شصت و چهار رأی موافق به تصویب رسید، تکبیر. (حضور سه مرتبه تکبیر گفته شد) (در این هنگام آقای منتظری «رئیس» جایگاه را ترک کردند و آقای دکتر بهشتی «نایب رئیس» اداره جلسه را به عهده گرفتند).

۸ - طرح اصل ۴

نایب رئیس — اصل ۴ ه قرائت می‌شود.

اصل ۴ ه — مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن در روزنامه رسمی منتشر شود و از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع مردم برسد، به تقاضای شورای رهبری، رئیس جمهور یا نخست وزیر یا یکی از وزراء یا رئیس مجلس یا ده نفر از نمایندگان ممکن است جلسه غیرعلنی با حضور همه نمایندگان یا گروهی از آنها تشکیل شود.
 مصوبات گروه وقتی معتبر است که به تصویب مجلس برسد و مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی اعتبار قانونی دارد که قبل از چهارم از مجموع نمایندگان به ضرورت طرح و تصویب آن در جلسه غیرعلنی رأی داده باشند.

نایب رئیس — آقای حسینی هاشمی فرمایشی داشتند؟ (حسینی هاشمی — من مخالف هستم) آقای سبحانی بفرمائید.

سبحانی — سؤال اینست که در غیر علنی بودن جلسه به اصطلاح چند تقاضا مجوز است شورای رهبری، رئیس جمهور یا نخست وزیر اگر این کافی باشد دیگر کلمه (طرح) زائد است باید بگوئیم سه چهارم از مجموع نمایندگان به ضرورت طرح و تصویب آن در جلسه غیرعلنی رأی داده باشند. اگر واقعاً غیرعلنی آن ما قبل آن مجوز است اینجا لازم نیست که دیگر ضرورت طرح آن را هم تصویب کنند اگر آن شروط هم باشد پس این جمله را باید درست کرد.

نایب رئیس — در آنجا ما گفتیم به تقاضای آنها جلسه تشکیل می‌شود. مجوز آن، تقاضای آنها است و میتواند تقاضای آنها ضرورت داشته و میتواند ضرورت نداشته باشد پس چون تقاضای آنها دومورد دارد یکی بجا بودن و یکی هم بی مورد بودن، ما میگوئیم در موقعی که مجلس به مورد بودن و ضرورت آن تأیید بکند، آن موقع مصوبات آنها اعتبار دارد پس برای انجام اصل، تقاضا کافی است بدون آنکه بخواهند رسیدگی کنند که به مورد هست یا به مورد نیست ولی برای اعتبار مصوبات تأیید کنند که به مورد هم هست، آقای موسوی تبریزی بفرمائید.

موسوی تبریزی — سؤال من اینست که به تقاضای شورای رهبری، رئیس جمهور یا نخست وزیر جلسه غیرعلنی با حضور همه نمایندگان یا گروهی از آنها تشکیل شود، اینجا که گفته شده «گروهی از آنها» این عده چگونه انتخاب می‌شوند؟



نایب رئیس — این برای مختصر کردن است گاهی اوقات است که یکی از کمیسیونهای مجلس می خواهد جلسه غیرعلنی تشکیل بدهد، گاهی می گویند نمایندگان منتخب دو یا سه کمیسیون جلسه سری تشکیل میدهند، گاهی می گویند یک گروهی را مجلس انتخاب می کند برای اینکار بالاخره این شقوق مختلف دارد.

طاهری اصفهانی — شورای رهبری تقاضا می کند جلسه غیر علنی باشد، سه چهارم نمایندگان تشخیص میدهند این مورد ندارد اصلاً رأی برای تشکیل آن نمی دهند، اگر رأی میدهند تشکیل بشود که باید آن طرحشان را هم رأی بدنهند اگر این را بی مورد میدانند پس رأی نمی دهند تا تشکیل شود.

نایب رئیس — اینکه ما نوشتم تقاضای تشکیل جلسه غیر علنی می کند برای اینکار یک تقاضا کافی است این را هنوز کسی نمیداند که این جلسه غیر علنی به مورد است یا مورد ندارد، تقاضا کننده از نظر خودش تشکیل جلسه غیر علنی را لازم می داند، بنابراین برای اجابت تقاضای او صرف تقاضای او کافی است، در موقع تشکیل جلسه هم سه چهارم نمایندگان باید دو جنبه را رعایت کنند یکی اینکه آیا این باید در جلسه غیر علنی باشد یا نه؟ اگر آنها تشخیص دادند که باید در جلسه علنی باشد اشکال ندارد، دیگر نمی توانند در جلسه غیر علنی تصویب کنند فقط باید با اصل آن موافق باشند، آقای مکارم شیرازی بفرمائید.

مکارم شیرازی — آیا این جلسه غیر علنی فقط برای مذاکره است؟

خامنه‌ای — اولاً این کلمه رسانه‌های گروهی که عطف به «باید» می‌شود دولت را ملزم می کند که مذاکرات را به تمام رسانه‌های گروهی بدهد که بعضی از اینها دولتی نیست و ممکن است برای آن بهای زیادی پردازد. ضرورتی ندارد که رسانه‌های گروهی مجبور باشند، در روزنامه رسمی منتشر کنند یا به سبکی که سابق وجود داشت، خود مجلس مذاکرات را پخش می‌کرد، به همان منوال باشد. دوم اینکه به مجلس، قوه مجریه یعنی معمولاً نخست وزیر لایحه‌ای میدهد که این لایحه در شورای وزیران تصویب شده و یکی از وزراء ذیل آن را امضاء کرده است و نظرش اینست که قانونی بگذرانند و مشکلات اداری را از بین برند یا اینکه نمایندگان به حسب اطلاعی که از اجتماع پیدا کرده‌اند مطلبی را پیشنهاد می‌کند که نام آن را طرح گذاشته‌اند.

شورای رهبری را من صبح پیشنهاد کردم و قبل از من کسی نگفت نظر من این بود چون یک پیشنهاد خطرناکی است علنی بودن، شرط مذاکرات مجلس است و غیر علنی بودن مخاطراتی دارد ممکن است خام بشود و یا دولت تحت تأثیر واقع گردد و یا احیاناً سوء نیت داشته باشد باید علاوه بر اینکه سه چهارم نمایندگان مجلس تصویب می کنند یک مقام عالی هم که نظارت دارد آن را تصویب بکند و وقتی این مصوبات معتبر است که مجلس مصوبات جلسات غیر علنی را قبول کرده باشد. ما شورای رهبری را جائی ظاهراً پیش بینی نکردیم که مستقیماً با مجلس بده ویستان داشته باشد و نظارت کند. شورای رهبری بهترین مقام عالی صالحی است که موظب حقوق مردم است که تضییع نشود، واقعاً نگهبان حقوق مردم است اینجا پیشنهاد دهنده نیست که جزو ردیف پنج نفر باشد من صبح عرض کردم ولی ترتیب اثر ندادند که چون قوه مقتنه و مجریه این کار را می کنند از طرف قوه مجریه فقط وزیر مربوطه و از طرف قوه مقتنه همه نمایندگان باشند والا رئیس مجلس چرا در مقابل دویست سیصد نفر واحد کالف باشد؟ دو نفر برای



پیشنهاد کافی هستند و این پیشنهاد گاهی که غیر علنی تلقی بشود و در مجلس طرح بشود، باید مقام عالی نظارت کند و این مقام عالی باید شورای رهبری باشد شورای رهبری برای خود سمتی قبول نکرده که این کار را بکند.

نایب رئیس — برای اینکه جلسه ما در مسیر خود حرکت کند عرض کنم که آقای خامنه‌ای اینطور که شما صحبت کردید جنبه مخالفت داشت باید میفرمودید که به عنوان مخالف میخواهم صحبت کنم. آقای بنی صدر بفرمائید شما سؤال دارید؟ (بنی صدر) — یک سؤال دارم راجع به رسانه گروهی و یک مطلب دیگر) بسیار خوب این را بعداً خواهید فرمود.

ربانی رانکوهی — این قسمت که نوشته شده است گزارش کامل آن در روزنامه رسمی باید منتشر شود، الان وقتی مسروج مذاکرات این مجلس منتشر میشود سی چهل صفحه است روزنامه رسمی اگر بخواهد گزارش کامل بدهد باید همه را منتشر کند معمولاً خود مجلس یک چنین چیزی را منتشر میکند اما اگر بخواهد گزارش کامل را یک روزنامه رسمی که صفحات بسیار کمی دارد منتشر کند امکان ندارد.

نایب رئیس — اجازه بدهید بنده توضیح میدهم برای اینکه دیگران بتوانند در کارهایشان به مذاکرات مجلس استناد کنند انتشار در روزنامه‌های روزنامه کافی نیست عین آگهی‌ها مثل آگهی حصر وراثت که باید حتماً در روزنامه رسمی چاپ شود، به همین دلیل است باید یک خبری باشد که در موارد نیاز از لحاظ حقوقی بشود به آن استناد کرد. بنابراین روزنامه رسمی، روزنامه اطلاعات و کیهان نیست، یک سند منتشر شده‌ای است که قابل استناد است. مذاکرات مجلس شورای ملی باید به تعداد نفرات نمایندگان با کمی اختلاف منتشر شود. (حجتی کرمانی) — توضیح بدهید که روزنامه رسمی غیر از اطلاعات و کیهان است . . توپیح دادم روزنامه‌ایست به نام روزنامه رسمی کشور باید منتشر بشود به خاطر مندرجات آن که مورد استناد واقع میشود. آقای دکتر آیت (دکتر آیت) — من مخالف مشروط هستم) بسیار خوب، آقای مشکینی بفرمائید.

مشکینی — پس از درخواست رئیس جمهور یا نخست وزیر و تأیید مجلس در صورتی که مطلب ضروری باشد از عبارت چنین فهمیده میشود که ممکن است منعقد بشود، در اینجا باید نوشته شود که باید منعقد گردد.

نایب رئیس — صحیح ایست که «باید» را در جلسه نیاوریم، جلسه غیرعلنی با همه نمایندگان یا گروهی از آنان تشکیل میشود نه «باید» را بگذاریم و نه «ممکن است» را که متزلزل نباشد پس مینویسیم «تشکیل میشود» آقای فاتحی بفرمائید.

فاتحی — این مصوبات جلسه گروهی که هست در صورتی معتبر است که به تصویب مجلس برسد، در اینجا مراد، مجلس علنی است و یا غیرعلنی؟

نایب رئیس — لزومی ندارد بنویسیم، اگر علنی بود علنی و اگر غیرعلنی بود غیرعلنی.

فاتحی — اینجا نوشته شده است مصوبات گروهی وقتی معتبر است که به تصویب مجلس برسد

وانگهی تقاضائی که از رئیس جمهور یا شورای رهبری می‌رسد تقاضای تشکیل گروهی نیست.

نایب رئیس — ممکن است وزیر دفاع تقاضای تشکیل جلسه کمیسیون دفاع مجلس شورای ملی را بکند پس تقاضای تشکیل جلسه عمومی را نکرده تقاضا کرده است که اعضاء کمیسیون دفاع مجلس جلسه غیرعلنی تشکیل بدهند. (فاتحی) — به تصویب مجلس علنی و یا



غیرعلنی...) این اعم است دقت کنید وقتی جلسه را تشکیل دادند اینها یک چیزی را تصویب می کنند ولی بعد معلوم می شود که ضرورتی هم نداشته و در جلسه علنی هم می شده است که تصویب بشود ، اینجا کار دوباره نباید کرد . (فاتحی) — اگر به تقاضای شورای رهبری ، رئیس جمهور ، نخست وزیر یا رئیس مجلس یاده نفر از نمایندگان جلسه غیرعلنی تشکیل بشود ما می خواهیم شورا را موفق اینها قرار بدهیم .) بگذارید در جمهوری اسلامی یک قدری آداب را کم کنیم . آقای رحمانی شما سؤال دارید ؟ (رحمانی — توضیحی و اشکالی دارم .) پس مخالف هستید . آقای یزدی سؤال دارید ؟ آقای طاهری خرم آبادی بفرمائید .

طاهری خرم آبادی — شما فرمودید که صرف تقاضا برای تشکیل جلسه غیرعلنی کافی است اگر تقاضا شد و جلسه غیرعلنی تشکیل شد ، بعد از آن جلسه غیرعلنی تشخیص دادند که ضرورت داشته است این مطلب در جلسه غیرعلنی مطرح بشود ولی قبل از چهارم تصویب نکردند آن وقت قهراً این مطلب تصریح نمی شود .

نایب رئیس — اینجا دیگر کلمه «قبل» نمی خواهد اگر کلمه «قبل» را برداریم بهتر است ، کلمه «قبل» ضرورتی ندارد . آقای قرشی سؤال دارید بفرمائید .

قرشی — ما درباره این امور در کمیسیون مشترک ساعتها بحث می کنیم فرضًا اگر بنده یک پیشنهادی در آن کمیسیون کردم ولی رأی نیاورد باز هم مجاز هستم در جلسه علنی آن پیشنهاد را مطرح کنم و وقت مجلس را بگیرم یانه ؟

نایب رئیس — قرار براین شده است که فرد دیگری در جلسه علنی صحبت کند . (قرشی) — پیشنهادهای آقایان نوعاً همینطور است ، بیست دقیقه صحبت می کنند و همان پیشنهادی که در کمیسیون رد شده باز اینجا مطرح می کنند و این را باید دوستان در نظر داشته باشند و خلاف آئین نامه رفتار نکنند .) متشرکم ، آقای حجتی کرمانی بفرمائید .

حجتی کرمانی — من دو سؤال کوتاه داشتم یکی متن اصلی پیشنهادی تشکیل جلسه محramانه است که نوشته شده است «غیرعلنی محربانه» چه عیبی داشت ، یکی هم اینکه به جای «خاص» نوشته شده است «گروهی» خوب این تغییرات را چرا انجام داده اید ؟

نایب رئیس — این تغییرات جزئی است و تاثیری در اصل نمیدهد و قابل بحث هم نیست اینطور انسپ بنظر رسیده گمان نمی کنم این تغییرات خیلی جزئی قابل سؤال باشد که چرا این کار را کرده اید . این سؤال را در کمیسیون بفرمائید ، وقت کم است آقای عرب بفرمائید .

عرب — اینکه اینجا نوشته شده است «تشکیل می شود» پس باید عبارت «ممکن است» را برداریم .

نایب رئیس — این را برداشتیم . آقای مقدم مراغه ای بفرمائید .

مقدم مراغه ای — اینجا ذکر شده به ترتیب شورای رهبری ، رئیس جمهور الى آخر ، ما تا به حال در این اصولی که تصویب شده تعریفی از اینها نکرده ایم ، ورود این اصطلاح در اینجا اتفاقی است یا باید توضیح داده شود ؟

نایب رئیس — ما تا اینجا درباره رئیس جمهور هم چیزی نداشته ایم بنابراین آنهم در اصول آینده روش می شود خوب در طول مذاکرات این مدت مساله ای بنام شورای رهبری یا جنبه های مختلفش مطرح شده اینجا این رایگذاریم بعد آنکه شورای رهبری وظایف آن مطرح می شود هر جا که با وظایف او بخواند ، نگه میداریم هر جا با وظیفه اون خواند برمیداریم . (یزدی) — خود



ایشان در گروهی تشریف داشتند که شورای رهبری تهیه شده واژکم و کیف آن آگاه هستند). حالا امر دایر است به اینکه یک مخالف از چند نفر مخالف صحبت بکند یا نکند؟ اجازه بفرمایید ما در آئین نامه داریم که حداقل یک موافق و یک مخالف در جلسه می‌توانند صحبت کنند واقع اینست که آقای خامنه‌ای به جای مخالف صحبت کرده‌اند. (دکترآیت – ایشان به عنوان مخالف صحبت نکرده‌اند). ببینیم که آئین نامه را باید عمل بکنیم یا نکنیم انصاف اینست که صحبت ایشان به عنوان مخالفت بود تمام جنبه‌هایش را گفتند و این را پذیرید که آنچه ایشان گفتند به جای مخالفت بوده (دکترآیت – ما این را نمی‌پذیریم، برای اینکه ایشان به عنوان مخالف صحبت نکردند).

رحمانی – منظور از اینکه مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد مطلق مذاکرات است یاماذا کراتی است که برای تصمیم‌گیری نهانی است؟
نایب رئیس – کل مذاکرات (رحمانی – بنابراین مذاکراتی که در این کمیسیونهای مشترک می‌شود ممنوع است مذاکرات مقدماتی ممنوع است). خیر، مذاکرات مجلس شورای ملی کلاً علنی است.

موسوی اردبیلی – اگر به عنوان مخالف کسی می‌خواهد صحبت کند شرط کنید که اگر حرفی صحیح زده شده حلاً دیگر تکرار نشود.

نایب رئیس – امیدوارم که رعایت کوتاهی مطلب بشود آفای حسینی هاشمی بفرمایید.
منیرالدین حسینی هاشمی – این مسئله مسئله ایست که قراردادها و سرزهای رئوپلیتیک ما را معین و مشخص می‌کند توجه بفرمایید چون نمایندگان معصوم نیستند و اباذر و سلمان هم نیستند ممکن است مورد تهدید و تطمیع قرار بگیرند مثلاً ممکن است شش ماه قبل از تشکیل جلسه غیرعلیٰ تک‌تک آن‌ها را ببینند و به آنها بگویند مامقدمات کار را فراهم کردیم شماموافق هستید؟ این جلسه مخفی برای امور داخل هست یا قراردادهای خارجی؟ اگر قراردادهای خارجی است که سازمانهای اطلاعاتی جهان وابرقدرتها اطلاع پیدا می‌کنند و اگر برای مردم و داخل هست دوضر دارد یکی اینکه خوارک تبلیغاتی برای سازمانهای چریکی، سیاسی، نظامی درست می‌کنید که خود بیگانه‌ها گروه چریکی بسازند دوم اینکه قراردادی در یک محیط ضيق و اختناق بسته‌اند. با یک فشار اقتصادی شما را درین بست قراردادهای اند چون این‌جا قرارداد مخفی امضاء کرده‌اند از آن‌طرف آن را به صورت شب نامه میدهند به دست گروهها، گروهها را از نظر تبلیغاتی علیه شما بسیج می‌کنند، شما در نیاز جمعه می‌توانید تنگناهای خود را برای ملت بگوئید، می‌توانید ملت را تجهیز کنید برای تکنیک برای رفع هر مشکلی حداقل اینست که قید بزنید به این اصل که مربوط به امور نظامی باشد قراردادها را حتی امور سیاسی را بیاورند در جلسه مخفی مجلس قابلیت تصویب آن را امضا کنند به امید اینکه شورای رهبری یا شورای نگهبان می‌توانند کنترل کنند، خیر اینطور نیست شورای نگهبان فتنش شناسائی سیاسی نیست و بدليل اینکه فن او نیست قابلیت اینکه آن مطلب پوشانده بشود یا غیر واقع جلوه داده شود، هست فقط لازم است که در خارج بتوانند و کلاً را یک مقدار تطمیع و تهدید بکنند یک مقدار نظرشان را جلب بکنند و شما بمنظرتان میرسد که یک تعداد ازوکلائی که خواهیم داشت ممکن است قابلیت پذیرش تطمیع و تهدید را داشته باشند. توجه داشته باشید این یک اصل خطروناک است اگر بناهست که ده تا قید هم به آن بزنید و آن را محکم کنید، اگر می‌شود جلسه‌علیٰ را همیشگی قرار



بدهید، این کار را پکنید. سیاست اسلام روی فداکاری است نه اینکه کتمان روابط دیپلماسی، من چون لازم میدانستم و احساس خطر می‌کردم گفتم چون اکثر کشورها در روابط ژئوپولیتیک زیر دست قرار گرفته‌اند لذا این پیشنهاد خود را عرض کردم، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. نایب رئیس — خوب موافق اگر احتیاج هست صحبت کند... اجازه بفرمایند بنابراین... (سبحانی) — نظر من اینست که تشکیل جلسه غیرعلنی محدود شود. این پیشنهاد صحب مطرح شده و تصویب نشده است. آقای ربانی بفرمایید.

ربانی شیرازی — برای رفع اشکال ایشان و اینکه ایجاد خللی در رأی گیری نشود پیشنهاد میکنم یک اصل جداگانه نوشته شود که امورسری چیست و قراردادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی باید علنی باشد این را باید صریحًا در قانون ذکر کنیم که مثل سابق نشود که تمام قراردادهای اقتصادی محرومانه باشد. یک اصل جداگانه به مجلس آورده شود.

نایب رئیس — اجازه بدهید موافقین با این متن به همین صورتی که هست دست بلند کنند (عده کمی دست بلند کردند) این متن حدود سی و چهار نفر موافق دارد پیدا است که از نظر دولستان یک اشکالی در اصول وجود دارد بنابراین بهتر است که از رأی گیری صرفنظر کنیم و همین رأی گیری با دست را کافی بدانیم و برگردانیم به گروه آقای مکارم شیرازی بفرمایید. مکارم شیرازی — شورای رهبری را از آن بالا برداریم و پائین بنویسیم شاید آقایان با آن موافق باشند. در صورتی اعتیار قانونی دارد که شورای رهبری و سه چهارم از مجموع نمایندگان به ضرورت جلسه غیرعلنی رأی داده باشند و آن مسئله شورای نگهبان هم در اینجا رعایت شده باشد.

نایب رئیس — این پیشنهاد جدید است پس اجازه بدهید روی آن شور بشود بنابراین، این اصل با پیشنهادهای مربوطه به گروه برمیگردد.

۹ — طرح و تصویب اصل ۵ (اصل هفتادم)

نایب رئیس — اصل ۵ مطرح است که قرائت می‌کنم:
اصل ۵ — رئیسجمهور و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات مجلس علنی را دارند و در صورتیکه مجلس لازم بداند رئیسجمهور و نخستوزیر و وزراء مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالушان استماع می‌شود. رئیسجمهور و وزیران می‌توانند مشاوران خود را نیز همراه داشته باشند.
آقای بنی صدر بفرمایید.

بنی صدر — میخواستم ببینم صحیح که در جلسه این مطلب را گذاشتند که مجلس بتواند رئیسجمهور را احضار کند چون مجلس وقتی می‌تواند مقامی را احضار کند که احضار شونده راضی باشد، این را توضیح بدهند که چرا اینطور نوشته شده است.

سبحانی — به جای نخستوزیر و وزراء بنویسید هیأت وزراء که همه را شامل بشود.
نایب رئیس — این فرق دارد یک موقع ممکن است یکی از وزراء را احضار کنند. آقای دکتر آیت شما سؤال دارید؟ (دکتر آیت) — من با این وضعی که این اصل دارد موافقم. آقای رحمانی بفرمایید.

رحمانی — حق شرکت «در جلسات علنی مجلس» نه «در جلسات مجلس علنی» این



یک پیشنهاد اصلاح جمله است.

نایب رئیس — صحیح است این تذکر بجایی است، آقای رشیدیان بفرماید.

رشیدیان — یک مسئله‌ای بود که میگفتند مکلف به حضور است چون رئیس جمهور از طرف مردم و نمایندگان هم از طرف مردم انتخاب شده‌اند آیا مجلس حق ندارد برای رئیس جمهور تکلیف معلوم کند؟

نایب رئیس — پس شما میخواهید به عنوان موافق صحبت کنید، من نام شما را به عنوان موافق ثبت کردم.

رشیدیان — سیصد نفر نماینده به اضافه شورای نگهبان که صحبتها در مجلس هستند و منتخب مردم هستند صلاحیتشان بیش از یک نفر است که احتمال دیکتاتوری در مورد او میرود بنابراین حق بود این مطلب اضافه شود ولی اگر قیه باشد و در شورای رهبری هم باشد آن مطلبی دیگر است.

نایب رئیس — آقای دکتر شبیانی.

دکتر شبیانی — پیشنهادی درمورد تشکیل جلسه علنی برای فردا صحیح شده است.

نایب رئیس — بسیار خوب آقای بنی صدر بفرماید.

بنی صدر — اینکه اینجا آمده است که مجلس می‌تواند وزراء را احضار کند علت‌ش اینست که وزراء دربرابر مجلس مسئول هستند و مجلس بعد از احضار برای این نیست که مقایسه کنیم که چه مقامی زورش بیشتر است و چه مقامی زورش کمتر است، چه کسی صلاحیتش بیشتر است و چه کسی کمتر است چه کسی در اوژن دیکتاتوری می‌رود و چه کسی نمایندگان احضاریه متزله تعیین مسئولیتها است. رئیس جمهور را مردم برای مسئولیتهای معینی انتخاب می‌کنند. اگر آن مسئولیتها را انجام داد بسیار خوب، اگر نداد ترتیبی بیش بینی میکنند برای اینکه چگونه باید او را عزل کرد. اگر شما اورا به مجلس احضار کردید به مجلس می‌گوید شما چه می‌گویند او می‌گوید فلان وفلان، او گوش نمیدهد می‌گوید من مسئول شما نیستم من مسئول قانون اساسی هستم بنابراین باید بدانیم که این برای آن نیست که بینیم کفه قدرت کدام طرف سنگین تر است و این اختیار را به مجلس بدهیم که اورا احضار کند. پس اگر این است هردو نماینده ملت هستند عکس آن راهم عمل کنید، رئیس جمهور هم حق دارد هروقت خواست و کلای مجلس را احضار کند این برای مسئولیت هر کسی است وزراء مسئول مجلس هستند هروقت آنها را احضار کنند باید به مجلس بیاند بهانه و عذری از آنها پذیرفته نیست. نکته دوم اینست که رئیس جمهور نماینده ملت هست دربرابر دنیا، خواهی نخواهی در روابط بین المللی یک شرکتی پیدا می‌کند اگر رئیس جمهور را بخواهید همیشه به مجلس احضار کنید آن اعتبارات را از دست میدهد این را همه میدانیدو بالاخره به استواری حکومت هم لطمہ میخورد همه‌اش خطر دیکتاتوری نیست جلو آن را باید از جای دیگر گرفت از این طریق نمی‌شود جلوی دیکتاتوری را گرفت باشد به این نکات توجه کرد که اعتبار حکومت هم محفوظ بماند. با توجه به این دونکته بنظر نمیرسد این قیدی که آورده‌اید نه اعتباری به مجلس میدهد و نه اینکه مشکل خطر دیکتاتوری را که از آن می‌ترسید حل بکند برای این مشکل درجای دیگر باید فکر کرد و اعتبار رئیس جمهوری و حدود مسئولیتهای اورا نباید ضایع کرد.

نایب رئیس — آقای آیت به عنوان موافق بفرماید.



دکتر آیت — اصلی که برای رئیس جمهور نوشته شد یکی به این دلیل است که ما هنوز ترتیب تعیین رئیس جمهور را مشخص نکرده‌ایم ممکن است حتی خود مجلس رئیس جمهور را انتخاب بکند و گذشته از آن برای محاکمه رئیس جمهور این حق به مجلس داده می‌شود که اورا احضار کند. مسئله دیگر اینست که هیچوقت اکثریت مجلس بی‌جهت رئیس جمهور را حضار نمی‌کند که بقول شما اعتبارش ازین برود حتماً یک مسئله مهمی مطرح می‌شود که ضروری میداند رئیس جمهور را احضار کند و مطالب را ازاو پرسد. اگر انتخابی باشد رئیس جمهور در مقابل مجلس مسئول نیست و مجلس نمیتواند او را عزل بکند چه بسا مواردی هست تشخیص میدهد که از رئیس جمهور توضیحاتی بخواهد و باید بتواند این کار را بکند معمولاً عکس آن هم اتفاق می‌افتد بعضی اوقات رئیس جمهور میخواهد مجلس منعقد بشود مگراینکه این حق را بدھیم به نخست وزیر و از رئیس جمهور سلب کنیم معمولاً در قوانین دنیا هست که رئیس جمهورهم جلسه فوق العاده مجلس را تقاضا کند.

نایاب رئیس — یک نکته است و آن اینست که «در صورتی که مجلس لازم بداند» آیا منظور هیأت رئیسه یا اکثریت مجلس و یا گروهی از مجلس است؟ این مشخص نیست باید روشن بشود که مراد از مجلس چه مقامی است. (دکتر آیت — استیضاح احتیاج به اکثریت ندارد.) در مورد وزراء یک نماینده هم می‌تواند از یک وزیر دعوت بکند بنابراین باید بنویسیم که این تقاضا درمورد رئیس جمهور با اکثریت آراء باشد. (فارسی — مجلس یعنی اکثریت) (بنی صدر — درمورد رئیس جمهور رأی بگیرید بینند اصلاً رأی میدهندیانه). موافقین با اینکه «رئیس جمهور» اضافه شود دست بلند کنند. (عده کمی دست بلند کردن) بیست و سه نفر موافقند به اینکه حتماً «رئیس جمهور» اینجا اضافه شود. حالا موافقین با این اصل باحذف «رئیس جمهور» دست بلند کنند. (خانمهای — احضار وزراء همیشه برای استیضاح نیست بنابراین اگر استیضاح را در یک فصل دیگری بگذارید بهتر است و این اکثریت هم لازم نیست). آن کاری به این ندارد، ما میخواهیم بگوئیم یک نفر نماینده نمی‌تواند رئیس جمهور را احضار کند. آقایان این را میخواهید بگوئید کسانی که موافقند رئیس جمهور را بگذاریم به شرط اینکه برای احضار او شرط کنیم رأی نصف بعلاوه یک باشد (نمایندگان — حذف ش را رأی بگیرید) موافقین دست بلند کنند (سی و هشت نفر دستشان را بلند کردن) پس اجازه بدھید اضافه کنیم و یک رأی گیری با ورقه بکنیم تا تکلیف آن روشن شود. موافقین با اصل پنجاه و پنج با حذف رئیس جمهور دست بلند کنند. (عده کمی دست بلند کردن) رأی این کمتر ازاولی است (حجتی کرمانی — وظایف رئیس جمهور و نصب و عزل او معلوم نیست و مشخص نیست که منتخب مردم است یا نیست این باید معلوم شود). چاره‌ای نیست جزا یکه راه دیگری پیدا کنیم. (ظاهری اصفهانی — رئیس جمهوری که در برای ملت مسئول است تمام ملت می‌توانند مطالبشان را آزاد بپرسند و استیضاح کنند یا نمایندگان باید این کار را بکنند؟) رئیس جمهور با نصف بعلاوه یک آراء ملت میتواند انتخاب بشود نصف بعلاوه یک نمایندگان هم بطور معدل نمایشگر نصف بعلاوه یک آراء ملت هستند پس اگر نمایندگان این کار را کردن مثل اینست که خود ملت این کار را کرده‌اند اینست که اگر آن قید را بگذاریم فکر میکنم مطلب منطقی باشد اجازه بدھید قید را اضافه می‌کنم و با ورقه رأی می‌گیریم، حالا میخوانم دقت بفرمائید:

اصل ه ه (اصل هفتادم) — رئیس جمهور و وزیران به اجتماع یا به افراد حق شرکت



در جلسات علنی مجلس را دارند و در صورتی که مجلس لازم بداند رئیس جمهور و نخست وزیر و وزراء مختلف به حضورند و هر وقت تقاضا کنند مطالبشان استماع می شود. خواستن رئیس جمهور به مجلس باید به تصویب اکثریت مجلس برسد، رئیس جمهور و وزیران می توانند مشاوران خود را نیز همراه داشته باشند.

نایب رئیس — به این اصل رأی گرفته می شود.

(اخذ رأی و شمارش آراء به عمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام شد)

نایب رئیس — عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی شصت و سه نفر، تعداد آراء شصت و سه رأی، موافق چهل و هشت نفر، مخالف سه نفر، ممتنع دوازده نفر، بنابراین تصویب شد، تکبیر. (حضراسه مرتبه تکبیر گفتند)

۱۰- پایان جلسه

نایب رئیس — توجه بفرمایید ما فردا صبح ساعت ده و سی دقیقه تا دوازده جلسه فوق العاده خواهیم داشت، جلسه ختم می شود.

(جلسه ساعت هجده پایان یافت)

نایب رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی — دکتر سید محمد حسینی بهشتی

